مذاکرات مجلس

دوره چهارم تقنینیه

جلسه ۱
صورت مجلس روز چهار شنبه
۱۵ شوال ۱۳۳۹

مجلس یم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست سنی آقای بیان‌الملك بعضویت چهار نفر منشی آقایان نصرة‌الدوله، مستشارالسلطنه، غضنفرخان وعمادالسلطنه تشکیل گردید.

برای انتخاب رئیس موقتی شروع باخذ رأی شد آقایان حکیم‌الملك رکن‌الملك و آقا شیخ ابراهیم زنجانی بحکم قرعه برای استخراج آراء تعیین و باتفاق آقای نصرالدوله استخراج آراء نموده و از ٦٥ رأی استخراج آراء نموده‌واز ٦٥ رأی آقای مؤتمن‌الملك باکثریت ٥٩ رأی بسمت ریاست موقتی مجلس شورای ملی انتخاب شدند.

پس از آن برای انتخاب یکنفر نایب رئیس اوراق رأی توزیع و پس از استخراج آراء آقای مدرس باکثریت ٤٨ رأی از ٦٥ رأی‌بسمت نیابت ریاست مجلس انتخاب شدند.

برای انتخاب یکنفر نایب‌رئیس دیگر نیزاخذ رأی بعمل آمده و آقای حکیم‌الملك باکثریت ٤١ رأی از٦٤رأی به نیابت ریاست‌انتخاب گردیدند.

نظر باینکه آقای رئیس غایب بودند آقای مدرس بمقام ریاست جلوس نموده و بحکم قرعه شروع به تعیین شعب شش گانه گردیدو بطوریکه ذیلا مندرج است شعب مزبوره تعیین شدند.

شعبه اول - آقای سلطان‌العلماء - آقای نصیر دیوان - آقای منتصرالملك - آقای مدرس - آقای مستوفی‌الممالك - آقای صمصام‌السلطنه - آقای عمادالسلطنه - آقای شیخ محمد جواد - آقای میرزا ابراهیم قمی - آقای شیخ ابراهیم زنجانی - آقای فتح‌الدوله - آقای معتضدالدوله.

شعبه دوم - آقای میرسید حسن کاشانی - آقای میرزا هاشم آشتیانی - آقای سردارمعظم کردستانی آقای ملك‌الشعراء - آقای صدرائی - آقای تدین آقای مؤتمن‌الملك - آقای مستشارالسلطنه - آقای مساوات - آقای فهیم‌الملك - آقای عمیدالممالك - آقای معتمدالسلطنه.

شعبه سوم - آقای صدرالاسلام - آقای مشیرالدوله آقای امیر ناصر - آقای میرزا طاهر تنکابنی - آقای سدیدالملك - آقای محقق‌العلماء - آقای مشارالملك آقای جلیل‌الملك - آقای سلیمان میرزا - آقای میرزا علی کازرونی - آقای رفعت‌الدوله - آقای موتمن‌السلطنه.

شعبه چهارم - آقای احتشام‌الدوله - آقای آقاسید فاضل کاشانی - آقای حاج آقا شیرازی آقای آصف‌الممالك - آقای میرزا ابراهیم‌خان - آقای غضنفرخان - آقای عدل‌السلطنه - آقای حاج میرزا علیمحمد دولت آبادی - آقای سلطان محمد خان آقای حکیم‌الملك - آقای امین الشریعه - آقای بیان‌الملك.

شعبه پنجم - آقای محمد هاشم میرزا - آقای عمیدالسلطنه - آقای سردارمفخم - آقای رکن‌الملك آقای سردارمعظم‌خراسانی - آقای حاج‌شیخ محمدحسین استرابادی - آقای مشیرمعظم آقای قوام‌الدوله - آقای حاج میرزامرتضی - آقای نصرت‌الدوله - آقای طباطبائی.

شعبه ششم - آقای ارباب کیخسرو - سهام‌السلطان آقای حاج شیخ اسدالله - آقای آقا سید یعقوب آقای حاج میرزا اسدالله خان - آقای امین‌التجار آقای شیخ‌الاسلام - آقای نجات - آقای بیان‌الدوله آقای دکتر لقمان - آقای آقاسید کاظم.

مجلس یکساعت‌ونیم‌ازشب گذشته‌ختم شد

صورت مشروح‌مجلس یوم یکشنبه ۱۸ ذیقعده۱۳۳۹

مطابق اول اسد ۱۳۰۰.

مجلس چهار ساعت قبل از ظهر درتحت ریاست آقای موتمن‌الملك تشکیل گردید

رئیس — قبل از اینکه شروع بکار اعتبار نامه بکنیم از آقایان اجازه میخواهم که چند کلمه برحسب وظیفه عرض کنم اولا از اینکه در یکماه قبل آقایان حسن ظنی نشان داده و بنده را بسمت ریاست موقتی انتخاب فرمودند کمال تشکر را دارم هرچند که بواسطه علت مزاجیکه دارم از قبول این شغل معذورم ولی در پاس حسن اعتمادی که ملاحظه شد و در مقابل این حسن ظن آقایان استعفاء از این شغل را خارج از نزاکت دانستم بخصوص که این شغل شغل موقتی است این بود که امر آقایان را قبول کردم و امیدوار هستم که این چند جلسه که بعد از آن هیئت رئیسه دائمی تعیین خواهد شد بر حسب مأمول آقایان بتوانم وظائفی که بنده محول شده است انجام دهم و خدمتی که لایق حسن ظن آقایان بوده باشد تقدیم مجلس شورای ملی بشود بعد از اداء وظیفهٔ شخصی یك وظیفه‌نوعی هم دارم که باید خدمت آقایان عرض کنم وظیفه نوعی‌شخص رئیس این‌است که اموریکه‌مطمح نظر مجلس‌شورای ملی است بایستی در بدو امر و در موقع رسمیت تذکر بدهد هر چند آقایان در موقعیکه وکالت‌را قبول فرموده‌اند البته میدانند که‌بار سنگینی رابدوش میگیرند و میدانند چه نوع اموری بایشان محول خواهد شدمعذالك بر حسب وظیفه بنده مجبورهستم تذکر بدهم برای اینکه تذکر بی انتفاع نیست در چند سال قبل در موقعیکه جنك بین‌الملل حادث شد اشخاصیکه علاقمندبامور این مملکت بوده اند ونظر خوبی نسبت باین مملکت داشتند تصور میکردند که باید مشی و مسلك این مملکت مشی بی طرفی‌باشد زیرا خیال میکردند که دولت ایران با مناسبات‌حسنه که با تمام دول میتواند داشته باشد بهتر میتواند بامورداخلی مشغول واصلاحاتیکه ضروری است انجام دهد مجلس شورای ملی که منعقد شد این مسلك را تأییدوتعقیب کردباوجود بادهای مخالفیکه درجریان بودوباوجود اختلافاتیکه‌در افکاربود مجلس شورای ملی‌این‌مسلك‌را از دست‌نداد ولی بواسطه حوادثیکه از ید اختیار ما خارج بود قشونی از اجانب باین

مملکت وارد ودر تحت حوادث و مصائبی که از ورود قشون اجانب حادث شد مجلس شورای ملی منحل شد و از آنوقت تاکنون تقریباً شش سال میشود وشش سال است که انواع مصیبت و صدمه باین مملکت وارد آمده بنده از شرح این مسائل صرفنظر میکنم زیرا بیان این بنده آنقدر قابل نیست که شرح ویرانی دهات و مهاجرتهائیکه دهاتی ها از این گوشه بان گوشه مملکت میکردند شرح دهم و محسنات دولت آمیز شما هم شاید بشما اجازه ندهد که مصائبی که در سال مجاعه وقحطی واضراطیکه براثر آن اوضاع دراین مملکت حادث شد بشنوید همینقدر بطور اجمال میتوانم عرض کنم که امروز بعد از شش سال مجلس منعقد شده در حالتیکه اگر درست ملاحظه شود امور این مملکت نه از حیث اوضاع اقتصادی ونه ازحیث امور سیاسی باشش سال قبل هیچ شباهت ندارد وبرای اینکه همین آقایان که از ولایات تشریف آورده اند میدانند در این مملکت صادرات تقریباً صفر و واردات بحال خود باقی است درشش سال قبل وقتیکه از تعادل بودجه حرف میزدند کسر بودجه را سه کرور میگفتند و حالا از ۱۷ الی ۱۸ کرور حرف میزنند و همینطور ازفقر وفاقه که دراین مملکت پیدا شده یکنوع اضطراب در عقاید حاصل شده که آن اضطراب عقاید شاید تولید بعضی مسائل سیاسی کرده است اینها مسائل عمدهٔ هستند که باید مطمح نظر مجلس شورایملی بشود اگر آقایان بفرمایند که این مسائل یك بار سنگینی است واز اوضاع واحوالی که موجب آنها شده مسئول نیستم شاید بنده هم با آقایان تا یکدرجه همراه باشم ولی همینقدر عرض میکنم چیزیکه از آقایان واز مجلس شورایملی میخواهند حسن نیت است وعزم وقانون خواهی آقایان باید متوجه باشند که برای امور امروزه مملکت چه اصلاحاتی ضرور است وحتی المقدور آن اصلاحات را بموقع اجرا گذارند بعقیده بنده همینکه حسن نیت وعزم و قانون خواهی پیدا شد ما میتوانیم باصلاحات بزرك امیدوار باشیم حالا اول چیزیکه بمجلس میآید مسئله اعتبار نامه است وبرای اینکه نشان داده باشیم که این سه صفت در ما جمع است باید در بدایت امر یعنی در موقع رسیدگی بامر اعتبار نامه‌ها این سه صفت را مشهود ومنظور داریم درخاتمه باید ازعدم حضور نمایندگان آذربایجان یعنی عضو حساس مملکت عضویکه در اغلب امور این مملکت همه‌جور فداکاری کرده اظهار تأسف بنمائیم ولی عدم حضور آنها البته مربوط بما نیست و برای اینکه نشان داده باشیم که چقدر ما بوجود نمایندگان آذربایجان اهمیت میدهیم چندروز دیگر کامر اعتبار نامه‌ها خاتمه یافت ومجلس رسمی شد بنده تقاضا خواهم کرد که مجلس یك کمیسیون مخصوص تعیین وبدوسیه انتخابات آذربایجان رسیدگی کرده وو کلائیکه در آنجا انتخاب شده‌اند زودتر تکلیف آنهارا معین نماید

آقا سید یعقوب — اینکه آقای رئیس شرحی ازعدم حضور نمایندگان آذربایجان فرمودند صحیح است وبرای تذکر میخواهم عرض کنم که بمسئله انتخابات گیلان هم هنوز ترتیبی داده نشده والبته همینطور که برای حضور وکلای آذربایجان اقدام میشود برای گیلان هم باید اقدام شود که انتخابات آنجا صورت گرفته ونمایندگانشان بمجلس حاضر شوند .

صورت مجلس یوم چهارشنبه ۱۵ شوال المکرم ۱۳۳۹ را آقای نصرالدوله قرائت نمودند

رئیس — راجع بصورتمجلس اعتراضی هست یا نیست (ابرادی نشد)

رئیس - تصویب شد . شروع میشود بخواندن اعتبار نامه‌ها .

(دراینموقع آقای حاج شیخ محمد جواد مخبر شعبهٔ اول راپورت شعبه مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

در تاریخ ۲۱ شوال ۳۹ سه ساعت قبل از ظهر شعبه اول تشکیل بدواً مراجعه بدوسیه انتخابات استرآباد نموده راپورت آنرا بنظر معتمر نمایندگان میرساند — در ذیقعده ۳۷ انجمن انتخابات استرآباد تشکیل و در غره ذیحجه همان سال اعلان انتخابات منتشر و از ۱۱ ذیحجه الی ۱۵ در شهر استرآباد ۱۳۳۰ ورقه تعرفه داده شده از یوم ۱۷ ذیحجه الی ۱۹ شروع باخذ رأی کردند علاوه ۷ شعبه نظارت در ۷ نقطه معین وکلیه در تمام نقاط ۵۳۸۹ ورقه تعرفه داده‌اند که مجموع آراء شهر و اطراف ۶۶۸۹ رأی اخذ شده از غره ربیع الثانی ۳۸ مشغول به استخراج آراء گردیدند آقای حاج شیخ محمد حسین با کثریت ۳۱۹۰ رأی از ۶۶۸۹ رأی بسمت نمایندگی استرآباد و مضافات انتخاب و شکایتی هم تا کنون از انتخابات استرآباد نرسیده لهذا شعبه ۱ تصدیق مینماید که انتخابات استرآباد و انتخاب آقای حاج شیخ محمد حسین صحیح و مطابق قانون انتخابات بوده است .

رئیس — مخالفی هست ؟ (گفته شد خیر) پس رای میگیریم .

آقایانیکه نمایندگی ایشان را پذیرفته وصحیح میدانند قیام کنند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

راپورتی است راجع بآقای امین الشریعه قرائت می شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

در تاریخ ۲۳ شهر شوال شعبه اول مراجعه بدوسیه انتخابات ایلات خمسه کرده نظریات خود را بعرض نمایندگان محترم میرساند ۱ در تاریخ ۲۴ شهر رمضان ۱۳۳۷ انجمن نظارت تشکیل واعلان انتخابات منتشر نموده‌اند از ۱۵ شوال الی ۲۳ شوال ۳۰۰۰ ورقه تعرفه توزیع و ۲۹۷۵ ورقه رأی مأخوذ داشته‌اند آقای آقاشیخ محمدتقی ملقب بامین الشریعه با کثریت (۲۲۵۰) رأی بسمت نمایندگی انتخاب شده‌اند

۲ تاریخ اعتبار نامه با تاریخ ۲۵ شوال که روز اتمام استخراج آراء بوده مطابق و درصورت مجلس هم راجع بیك هفته که قانوناً برای اخذ شکایت باید انجمن نظار دائر باشد اشاره نشده بود این قضیه در شعبه موضوع بحث گردید و بالاخره نظر باینکه معلوم نبود انجمن نظارت برای اخذ شکایت دائر بوده چون شکایتی نرسیده بهمین مناسبت روز استخراج آراء را آخرین روز انتخاب دانسته اعتبار نامه را بآن تاریخ نوشته یا اصلا برای اخذ شکایات حاضر نشده همان روز استخراج آراء اعتبار نامه را امضاء و باانتخابات خاتمه داده شکایتی هم ابداً در مجلس از انتخابات نشده بود چون تا کنون هم شکایتی بمجلس اظهار نگردیده شعبه این مسئله را قابل اهمیت ندانسته تصدیق بر صحت انتخابات ایلات خمسه و نمایندگی آقای امین الشریعه مینماید .

رئیس - راجع به نمایندگی آقای امین الشریعه مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی آقای امین الشریعه را تصویب میفرمایند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - آقای آصف الممالك مخبر شعبه چهارم (دراینموقع آقای آصف الممالك راپورت شعبه چهارم را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه چهارم بتاریخ ۱۰ ذیعقده ۱۳۳۹ بدوسیه انتخابات آباده وتوابع آن رسیدگی و تدقیقات لازمه در جریان انتخابات آنجا بعمل آمده . اعتراضاتیرا که بانتخابات آنجا وارد دید بقرار ذیل است.

اولا - راجع باعلان انتخابات است که مطابق شرحیکه در صورت مجلس مینویسند هیئت نظار آن جا در روز ۱۷ رجب ۱۳۳۷ در مسجد جامع جمع و برای تمهید مقدمات انتخابات پس از تبدل افکار مقرر داشته اند در روز ۱۹ رجب مشغول تعرفه دادن شوند و درروز مزبور هم شروع بدادن تعرفه نموده‌اند مطابق این ترتیب مدت اعلان را برای حوزه انتخابیه آباده و اقلید ولوات ۳ روز قرارداده‌اند درصورتی که در آخر صورت مجلس مینویسد که از همان روز ۱۷ شروع بدادن تعرفه نمودیم و از این قرار مطابق صورت مجلس اعلانی نشده ودر دوسیهٔ انتخابات هم هیچگونه راپورتی که حاکی از اعلان مدت آن باشد وجود ندارد

ثانیا - راجع بایام دادن تعرفه است که مطابق صورت مجلس هیئت نظار آنجا قائل بمحدود ساختن ایام تعرفه دادن نشده وقبلا اعلان نداده ونظر باینکه انتخاب کنندگان را در موعد گرفتن تعرفه آزاد نموده اند ۲۹ روز ایام تعرفه دادن طول کشیده .

ثالثا - راجع بمدت اخذ آراء همانطور که برای ایام دادن تعرفه موعدی را قبلا پیش بینی و اعلان نکرده برای اخذ آراء نیز ایام قانونی را رعایت ننموده و آنقدر نشسته اند تا هر کس رأی خود را آورده بصندوق بیندازد و باین جهت ۱۸ روز انجمن نظارت برای اخذ آراء دائر بوده است .

رابعاً - برای انجام انتخابات دو حوزه اقلید و اوانات و قنقری نیز موعد مقرر ننموده چنانچه آراء اقلید در ۱۷ رمضان رسیده و آراء اوانات وقنقری در عشیر اول رمضان

رابعاً - در نتیجه قرائت آراء صورت آراء هر حوزه و اینکه آراء مزبوره شامل حال چه اشخاصی بوده مشخص نیست وفقط معترض است که از ۳۹۶۸ تعرفی ۳۴۱۴ رأی گرفته شده و به ۱۹۷۴ رأی شاهزاده اسمعیل میرزا بنمایندگی آنجا معین شده‌اند.

خامساً - ایامی را که قانونا برای اصغاء شکایات مقرر است انجمن رعایت نکرده در روز ختم آراء انتخابات را خاتمه داده است - نظر بمراتب مذکوره که تمام جریان انتخابات مزبوره مخالف با مقررات قانون انتخابات است و در دوسیه نیز راپورتی که

کاشف از عملیات هیئت نظار باشد سوای همین صورت مجلس ملاحظه نشد شعبه اساس انتخابات آباده و توابع را مختل دانسته صحت نمایندگی شاهزاده اسمعیل میرزا را از حیث جریان قانونی و مخالفت با اساس قانون باتفاق آراء رد مینماید.

رئیس - مخالفی هست (گفته شد بلی)

رئیس - خوب . پس امروز رأی نمیگیریم موافق نظامنامه میماند برای جلسهٔ بعد .

(خطاب) آقای آقامیرزا ابراهیم قمی (خطاب بنمایندگان) راپورتی است راجع به آقای آقاشیخ محمدجواد - چون خودشان مخبر شعبه هستند وشاید خودشان نخواهند قرائت نمایند منشی شعبه قرائت میکند .

(آقای آقامیرزا ابراهیم راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه اول در تاریخ ۲۵ شهر شوال رسیدگی بدوسیهٔ انتخاب مشهد نموده شرح جریان انتخابات آن نقطه را برای استحضار خاطر نمایندگان محترم بعرض میرساند انجمن نظار مرکز مشهد در ۱۱ شهر رمضان ۱۳۳۷ تشکیل گردید و اعلان انتخابات را منتشر نموده‌اند از ۵ شوال تا ۱۵ روز برای دادن تعرفه ۵ روز هم برای اخذ آراء معین نمودند نیز سیزده شعبهٔ نظارت در نقاط جزء وبلوکات ذیل تشکیل داده‌اند.

بلوك جام - باخزر - سرجام - پائین ولایت - بیوه - زن - ازدمه - شاندیز - گل مکان - چناران - رادکان - چولاتی - درزاب - قباد کان وکلیه درشهر مشهد و ۱۳ حوزهٔ انتخابیه جزء ۳۹۴۳ ورقه تعرفه توزیع و ۳۳۷۵۶ ورقهٔ رأی مأخوذ داشته‌اند آقای آقاشیخ محمدجواد با کثریت نامه ۲۴۸۶۳ رأی بنمایندگی مشهد منتخب شده‌اند . دوفقره شکایت درحین انتخابات به انجمن نظار مرکزی رسیده وانجمن جواب آنها را داده اعتراضات وجواب انجمن مشروحاً درصورت مجلس ثبت شده بوده شعبه اعتراضات وجواب انجمن را تحت مطالعه قرارداده اعتراضات را غیر وارد و جواب انجمن را صحیح دانسته تا بحال هم شکایتی نرسیده لذا بقیه انتخابات مشهد را مطابق مقررات قانون دانسته وصحت نمایندگی آقای آقا شیخ محمد جواد را تصدیق مینماید

رئیس - دراین راپورت مخالفی هست یا خیر (اظهاری نشد)

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی آقای آقاشیخ محمدجواد را تصویب میکنند قیام نمایند.

(عدهٔ کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - راپورتی است راجع بآقای سلطان العلما قرائت میشود .

(آقای حاج شیخ محمد جواد بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه اول در غره ذیعقده رسیدگی بدوسیه انتخابات بروجرد نموده راپورت آنرا ذیلا تقدیم مجلس شورای ملی مینماید .

انتخابات بروجرد در ۳ رجب شروع پس از نشر اعلان مطابق مقررات ۱۰ قانون ده روز تعرفه داده‌اند ۵ روز اخذ رأی کردند بعلاوه شعبه نظارت در چاپلق و بختیاری چهارلنگ تشکیل کلیتاً در بروجرد و چاپلق و بختیاری ۹۵۷۴ ورقه تعرفه داده شده ۸۶۷۱ ورقه رأی اخذ کرده‌اند قبل از آقای سلطان العلماء آقای عزیزالله خان هزبر السلطنه حائز اکثریت بوده ۲۷۲۴ انجمن نظار نظر باینکه در موقع انتخابات آقای عزیزالله خان نایب الحکومه چاپلق و بختیاری چهارلنگ بوده آراء ایشان هم منحصر است به چاپلق وبختیاری که مقر حکمرانی ایشان است وکالت آقای عزیزالله خان را قانوناً رد کرده و به آقای سلطان العلماء کسبعد از مشارالیه دارای اکثریت ۲۲۳۴ رأی بوده‌اند اعتبار نامه داده است ایالت لرستان هم تصدیق میکند که در آنوقت آقای عزیزالله خان نایب الحکومه چاپلق و بختیاری بوده است در این صورت اشکالی در نمایندگی آقای سلطان العلماء بنظر شعبه نمیرسد لذا صحت انتخابات بروجرد و نمایندگی آقای سلطان العلماء را تصدیق مینماید .

رئیس — در راپورت مخالفی است یا خیر اظهاری نشد)

رئیس — رأی میگیریم به نمایندگی آقای سلطان العلماء آقایانیکه نمایندگی ایشان راتصدیق میکنند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - راپورتی است راجع بنمایندگی آقای مستشار السلطنه قرائت میشود

(آقاشیخ محمدجواد بمضمون ذیل قرائت نمودند)

در غره ذیقعده شعبه اول رسیدگی بدوسیه انتخابات بروجرد کرده مراتب برای استحضار خاطر نمایندگان محترم بعرض میرساند

یك — انجمن نظار در سوم رجب تشکیل و اعلان انتخابات را منتشر کردند از ۲۴ رجب تا ۴ شعبان ده روز برای توزیع تعرفه وپس از آن ۵ روز برای اخذ رأی معین کردند بعلاوه شعبه نظارت در چاپلق و بختیاری چهارلنگ تشکیل دادند کلیهٔ در حومه بروجرد وشعبه چاپلق و بختیاری چهارلنگ ۹۵۷۴ ورقه تعرفه توزیع و ۸۶۷۱ ورقه رأی اخذ شده است آقای مستشار السلطنه با کثریت ۳۲۷۲ رأی بسمت نمایندگی بروجرد انتخاب شده اند — دو فقره شکایت راجع بانتخاب آقای مستشار السلطنه بدولت رسیده .

۱ - جمعی بوزارت داخله شکایت کرده اند که مستشار السلطنه رئیس نظمیه است و بقوه پلیس مردم را مجبور مینماید بخودش رأی بدهند .

۲ - افتخار الاسلام رئیس انجمن نظار مرکزی بعد از استخراج آراء ومعلوم شدن اشخاصی که حائز اکثریت بوده اند بمقام ریاست وزراء شکایت میکنند که انتخابات مبنی بر دسیسه بوده است ازطرف وزارت داخله مواد شکایات بایالت لرستان تلگراف و توضیح خواسته میشود ایالت جواب میدهد مستشار السلطنه ۲۰ روز قبل از شروع بانتخابات از ریاست نظمیه استعفا داده پلیس هم فقط مراقب انتظامات است مداخله ای در امور انتخابیه ندارد و آقای افتخار الاسلام هم خودشان کاندید و وکالت بوده‌اند حالا که اکثریت معلوم و ایشان محروم شده اند از کار کناره جسته و کناره مینماید درصورتیکه انتخابات تماماً در تحت نظر ایشان جریان داشته واگر دسایسی در کار مشاهده میکردند چرا قبل از استخراج آراء و تشخیص اکثریت اظهار نفرمودند بعلاوه جمعی هم کتبیاً وتلگرافاً رضایت خودشان را از انتخاب آقای مستشار السلطنه اظهار کرده اند لهذا شعبه تصدیق میکند صحت انتخابات بروجرد و نمایندگی آقای مستشار السلطنه را .

رئیس — اعتراضی هست (اظهاری نشد) اعتراضی نیست رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی آقای مستشار السلطنه را تصویب مینمایند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد - راپورتی است از شعبه دوم راجع بآقای رفعت الدوله قرائت میشود.

(آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه دوم بدوسیه انتخابات جیرفت و مضافاتش بدقت رسیدگی نموده و برای استحضار مجلس شورایملی عرض مینماید که انجمن نظارت مرکزی انتخابات از تاریخ دهم جمادی الثانی ۳۸ جیرفت تشکیل و چهار انجمن جزء دیگر هم درچهار نقطه از مضافات جیرفت دائر شده وبا رعایت مواد قانون انتخابات عملیات خود را انجام داده است از اینقرار که در تمام نقاط مزبوره ۱۷۲۷ ورقه تعرفه توضیح شده و ازاین مقدار ۱۷۲۲ ورقه با اوراق رأی برگشته وآقای رفعت الدوله با کثریت ۱۵۳۹ رأی از کل آراء واصله بوکالت دارالشورایملی انتخاب شده‌اند پس از آن انجمن مرکزی میرفت درمدت معینه قانونی برای وصول واصغای شکایات منتظر بوده ولی اصلا شکایتی نرسیده لهذا صورتمجلس انتخابات را تهیه و اعتبار نامه باسم آقای رفعت الدوله صادر و خاتمه انتخابات را اعلام کرده است بنابر این شعبه دوم انتخابات جیرفت ومضافاتش را موافق قانون دانسته وچون تابحال هم شکایتی نرسیده لهذا صحت انتخاب آقای رفعت الدوله را تصدیق مینماید .

رئیس — مخالفی هست (گفته شد خیر) پس رأی میگیریم آقایانیکه این راپورت را تصویب و نمایندگی ایشانرا تصدیق مینمایند قیام نمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند تصویب شد . راپورت دیگری است راجع بآقای مؤتمن السلطنه قرائت میشود .

(ایضاً آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه دوم بدوسیه انتخابات تربت حیدریه و مضافاتش کاملا رسیدگی نموده و بمجلس شورایملی عرض مینماید که انجمن نظارت مرکزی انتخابات تربت حیدریه درخود تربت درشهر صفر ۳۸ با نه انجمن جزء درنقاط گانه دیگر بارعایت مواد قانون تشکیل گردیده و موازی ۷۹۹۳ ورقه تعرفه در تمام نقاط مزبوره توزیع شده که از اینمقدار موازی ۷۱۵۸ ورقه تعرفه با اوراق آراء برگشته وآقای مؤتمن السلطنه خراسانی با کثریت ۶۹۲۶ رأی از ۷۱۵۸ رأی مزبور بوکالت دارالشورایملی انتخاب شده پس از آن انجمن نظارت مرکزی در مدت معینه قانونی برای وصول واصغای شکایات منتظر بوده ولی اصلا شکایتی نرسیده لهذا صورتمجلس انتخابات را تهیه و اعتبار نامه باسم آقای مؤتمن السلطنه خراسانی صادر وخاتمه انتخابات را اعلام کرده است

بنابراین شعبهٔ دوم حریانات انتخابات تربت حیدریه را با مضافاتش موافق قانون دانسته و چون ازاول افتتاح مجلس شورایملی تا آخر مدت مقرره قانونی نیز شکایتی بدیده نرسیده لهذا صحت انتخاب آقای مؤتمن السلطنه را تصدیق مینماید

رئیس - مخالفی هست - (اظهاری نشد) - رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی ایشانرا تصویب

میکنند قیام نمایند - (اغلب قیام نمودند) تصویب شد

رایورتی است راجع به آقای ارباب کیخسرو قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

شعبه دوم بدوسیهٔ انتخابات زردشتیان بدقت رسیدگی نموده و برای استحضار مجلس شورایملی عرض مینماید که در سه نقطه از نقاط مهمهٔ ایران که طهران کرمان یزد باشد انتخابات زردشتیان با رعایت مواد قانون انتخابات بعمل آمده و بطور خلاصه از اینقرار است

اولا- در طهران انجمن نظارت انتخابات در شهر ربیع‌الاول ۱۳۳۷ تشکیل شده و موازی ۲۰۷ ورقهٔ تعرفه توزیع گردیده است که از این تعداد ۱۸۰ ورقه تعرفه با اوراق رأی برگشته و آقای ارباب کیخسرو با کثریت ۱۷۳ رأی از ۱۸۰ رأی انتخاب شده است

ثانیا - در کرمان انجمن نظارت مرکزی در شهر ربیع‌الثانی ۱۳۳۷ تشکیل و دربم ورفسنجان هم دو انجمن جزء دائر گردید و در تمام نقاط مزبور ٦٤٣ تعرفه توزیع شده و از این مقدار ٦٤٠ ورقه تعرفه با اوراق رأی برگشته و آقای ارباب کیخسرو با کثریت ٦٣٦ رأی انتخاب شده است

ثالثا در یزد انجمن نظارت مرکزی در شهر رجب ۱۳۳۷ تشکیل وسه انجمن جزء هم درمضافات یزد دائر گردیده و موازی ۱۲٤۷ ورقه تعرفه توزیع شده که تماما با اوراق رأی برگشته است و آقای ارباب کیخسرو با کثریت ۱۰۹٦ رأی از ۱۲٤۷ رأی مزبور انتخاب گردیده است بنابراین درنقاط سه‌گانه فوق و مضافات آنها موازی ۲۰۹۷ ورقه توزیع شده و از این تعداد موازی ۲۰٦۷ ورقهٔ تعرفه بااوراق رأی برگشته و آقای ارباب کیخسرو با کثریت ۱۹۰۵ رای از کل آراء بوکالت‌دارا - الشورایملی برای دورهٔ چهارم تقنینه انتخاب گردیدند

اما در خصوص کرمان و مضافاتش شکایتی نرسیده و ایالت و انجمن نظارت مرکزی آنجا هم صحت‌انتخابات آنجا را تصدیق کرده اند ولی راجع به یزد از طرف معدودی از زردشتیان مقیم آنجا بوزارت داخله و ریاست وزراء وقت شکایاتی‌رسیده که یك قسمت آن مبنی بر عدم رضایت از انتخاب اعضای‌انجمن نظارت مرکزی آنجا و تقاضای‌اینکه اعضای انجمن مرکزی یزد از مسلمین انتخاب‌شوند قسمت دوم مبنی بر سوء جریان انتخابات آنجا است از طرف وزارت داخله بحکومت یزد امر رسیدگی شده‌حکومت یزدجواب‌میدهد که قسمت اول‌ازشکایات آنها غیر وارد و بعلاوه غیر قانونی است و قسمت دوم هم چون مطلق و مدرکی ندارد قابل توجه نیست و بعلاوه حکومت کمال مراقبت را در حسن جریان‌انتخابات آنجاداشته ودارد ودرنتیجه‌حکومت‌و انجمن‌نظارت‌مرکزی‌بودصحت‌انتخابات‌آنجارا‌تصدیق نموده‌وازاین‌تاریخ‌ببعدهم‌دیگر شکایتی نرسیده‌ونظر باینکه‌شکایات‌یزد در‌بدو امردرحسن‌جریان انتخابات بوده و مستقیما بوزارت داخله و ریاست وزراءاظهار شده در صورت مجلس انتخابات یزد از آنهاذکری نشده و فقط تلگرافات شکایت آمیز در دوسویه انتخابات ضبط میباشد و برطبق آن روبهم رفته از طرف ۱۸ نفر از زردشتیان تهران بوزارت داخله‌و ایالت تهران شکایت واصل شده که یك قسمت آن مبنی بر تشکر از خودانجمن نظارت زردشتیان تهران بواسطه اینکه انجمن مزبور در یزد متشکلین مزبور را از حق انتخاب محروم ساخته است وقسمت دیگر آن مبنی بر سوء جریان انتخابات است . راجع بقسمت اول از شکایات پس از توضیح خواستن حکومت انجمن‌نظارت جواب میدهد که محرومیت‌چند نفر از حق انتخاب مبنی بر خروج آنها از طریقه زردشتی است در صورت مجلس انتخابات هم تایك قسمت تصریح شده است و قسمت دوم از شکایات چون بخود انجمن اظهار نشده در صورت مجلس اشارهٔ بآن نشده و بعلاوه مطلق و مدرکی‌هم‌نداشته انتخابات مشهد و توابع از اینقراراست انجمن نظار مرکزی مشهد دریازدهم شهر رمضان ۱۳۳۷ تشکیل شده وپس از نشر اعلانات از ۵ شوال‌شروع بدادن تعرفه نموده مدت دادن‌تعرفه را ۱۰ روزمعین نموده اند واخذ آراء در ۵ روز بعمل آمده وبرای حوزه های جزء سیزده انجمن نظار از نقاط جزء مطابق صورتیکه در جدول‌قانون انتخابات‌است‌بشرح ذیل تشکیل داده اند.

بلوك جام ، باخزر سرجام ، یانبن ولایت ، بیوه زن ، ازدمه ، شاندیز ، گل مکان ، چناران رادکان ، چولائی ، دژ زاب ، تباد کان کلیه در شهر مشهد و سیزده حوزه انتخابیه جزء ۳۱٤۹۳ ورقه تعرفه توزیع شده و۳۳۷۵٦ رای اخذ شده وآقای محمد هاشم میرزا با کثریت ۲۳۳۹۱ رای بسمت‌نمایندگی حوزه انتخابیه مشهد و توابع منتخب منتخب شده درحین انتخابات دو فقره شکایت‌بانجمن نظار مرکزی رسیده وجواب شکایات را انجمن‌نیز داده کدرصورت مجلس انتخابات مندرج‌است‌و چون شکایات وارد نبوده شعبه لازم بشرح دادن آنها را نمیداند وجریان انتخابات مشهد چنانچه مشروحاً در صورت مجلس انتخابات نوشته شده مطابق قانون بوده درمدت یکماه پس از افتتاح مجلس‌شکایتی‌نیز بشعبه نرسیده لهذا شعبه ششم باتفاق آراء صحت انتخابات مشهد ونمایندگی شاهزاده محمد هاشم‌میرزا را از آن حوزه تصدیق مینماید.

رئیس — آقای‌آقاشیخ محمد جواد مخالفید

آقاشیخ محمد جواد — خیر

رئیس — پس مخالفی نیست — رأی‌میگیریم آقایانیکه نمایندگی آقای محمد هاشم میرزا را تصدیق مینمایند قیام نمایند.

عده کثیری قیام نمودند

رئیس-تصویب‌شد-رایورتی‌است‌ازشعبهٔ‌دوم‌قرائت میشود

آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند

شعبه دوم بدوسیه انتخابات طبس و مضافاتش رسیدگی نموده وبرای استحضار مجلس شورایملی عرض مینماید که انتخابات مزبوره‌موافق قانون‌بعمل آمده وشکایت واعتراضی‌هم ازاول تابحال‌نرسیده‌لذا شعبه دوم‌صحت انتخاب مشیر معظم ر ازحوزه‌انتخابیه طبس ومضافاتش تصدیق مینماید اما بطوریکه بر احدی مخفی نیست مشارالیه در حکومت سیاه‌وزیر و درقیام پرضد حکومت ملی شرکت نموده است اگر شرکت او قبل از انتخابش میبود موافق شرط نهم قانون انتخابات از حق انتخاب محروم میگردید ولی چون شرکت مشارالیه بعداز خاتمه انتخاباتش بود لذا شعبه دوم رأی قطعی رادراین موضوع‌منوط بتصویب مجلس میداند

رئیس — چون رایورت شعبه مبنی بر مخالفت نیست چنانچه مخالف نباشد ممکن است‌رأی گرفت و هرگاه مخالفی باشد میماند برای جلسه بعد مخالفی هست یاخیر

بعضی اظهار کردند بلی

رئیس - پس میماند برای‌جلسه‌بعد

(دراین موقع آقای حاج شیخ اسدالله مخبر شعبهٔ ششم رایورت شعبه مزبور را بمضمون‌ذیل قرائت نمودند)

شعبه ششم رسیدگی بدوسیهٔ انتخابات مشهد و توابع ونمایندگی آقای دکتر امیرخان‌امیراعلم نموده شرح انتخابات بقرار ذیل است پس از آنکه‌انتخابات مشهد درتاریخ رمضان ۱۳۳۷ شروع و مطابق قانون خاتمه یافته و آقای محقق الدوله از مشهد منتخب شده بودند بعد از قبول‌نمایندگی و گرفتن اعتبار نامه آقای محقق‌الدوله مرحوم شده ودرعوض آقای محقق‌الدوله درتاریخ شهر جمادی - الثانی ۳۸ انجمن‌نظار بامرایالت برای انتخاب‌یکنفر نماینده تشکیل بعدازنشر اعلانات درشهر مشهد ۱۰ روز تعرفه داده و ۵ روز اخذ رأی نموده‌اند وبرای حوزه‌های جزء چهار انجمن تعیین نموده‌اند مطابق شرح ذیل

کوهپایه جات چناران رادکان یکی بلوك جام بلوك باخزر یکی‌بلوك بیوه‌جن ومرجام وباخزین‌ولایت شریف‌آباد یکی بلوك تباد کان میان ولایت درزاب چولائی خانه یکی ولی باین انجمنهای چهار گانه اجازه داده‌شده که ازتمام حوزه‌های جزء که درجدول قانون انتخاب ذکر شده رفته تعرفه داده رأی گرفته شود وانجمنهای جزء نیزدرتمام نقاط جزء تعرفه‌داده مطابق قانون احقرای‌نموده تاآراء را بمشهدآورده اند کلیه تعرفه که بتمام حوزه های مشهد داده شده ۱٦۲۱۱ تعرفه‌بوده و کلیه‌آرائیکه اخذشده‌۱۵۹۸۷ بوده وآقای‌امیراعلم با کثریت ۱۵٦۳۸ رأی‌انتخاب شده‌اند انجمن نظار مراعات مادهٔ ٤۵ را نموده اند ولی اصلا شکایتی ازانتخابات نشده ودرمدت قانونی شکایتی نیز بمجلس نرسیده لذا شعبه باتفاق آراء صحت انتخابات ونمایندگی آقای امیراعلم‌را ازحوزهٔ مشهد وتوابع تصدیق مینماید

رئیس - مخالفی نمی بینم - **رأی میگیریم** آقایانیکه نمایندگی آقای‌امیراعلم‌را تصویب میکنند قیام فرمایند - (عدهٔ کثیری قیام نمودند) -تصویب شد ، راپورتی است راجع به آقای سهام‌السلطان چون مخبر شعبه ناخوش هستند منشی شعبه باید قرائت کند

(در این موقع آقای امیرناصر راپورت شعبه مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه سوم بدوسیه واعتبارنامه و صورت مجلس انتخابات عراق رسیدگی وبدقت مطالعه نمود چون انتخابات عراق مطابق ترتیبات قانونی جریان یافته وشکایتی نیز از این‌باب نرسیده است فقط یك فقره تظلم ازاهالی بلوك درجزین عراق بدولت رسیده که نه از طرف حوزه انتخابیه عراق و نه از حوزه

انتخابیه همدان برای در جزین تعرفه فرستاده نشده و آنها را از حق انتخابات محروم داشته‌اند در اینموضوع بجدول انتخابات مراجعه شد چون اسمی از درجزین در آنجا برده نشده شکایت مزبور غیر وارد است لهذا شعبه سوم انتخاب آقای سهام السلطان را از حوزه انتخابیه عراق صحیح می داند .

رئیس - مخالفی هست (گفته شد خیر) - رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی ایشان راتصویب میکنند قیام نمایند (جمعی قیام نمودند) تصویب شد راپورتی است راجع بآقای بیان الملك قرائت می شود .

(ایضاً آقای امیر ناصر بمضمون ذیل قرائت کردند)

درشعبه سوم بدوسیه‌و اعتبار نامه وصورتمجلس انتخابات عراق مداقه ورسیدگی شد چون انتخابات عراق مطابق ترتیبات قانونی جریان یافته وشکایتی نیز در این باب نرسیده است فقط یکفقره تظلم از اهالی بلوك درجزین عراق رسیده که تعرفه بآنجا فرستاده نشده‌وآنهارااز‌حق انتخابات محروم‌داشته‌اند در اینموضوع بجدول‌انتخابات مراجعه شد چون‌اسم درجزین جزو حوزه انتخابیه عراق ذکر نشده شکایت اهالی درجزین غیر وارد است — لهذا شعبه سوم انتخاب آقای بیان الملك را از عراق تصدیق مینماید .

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه این‌رایورت را تصدیق ونمایندگی آقای بیان الملك را تصویب مینمایند قیام کنند (عده قیام نمودند) تصویب شد رایورتی است راجع به‌آقای حاج میرزا اسدالله‌خان کردستانی قرائت میشود .

(آقای امیر ناصر بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه سوم بدوسیه واعتبارنامه وصورت مجلس انتخابات سنندج کردستان رسیدگی نمود چون انتخابات سنندج کردستان مطابق ترتیبات قانونی جریان یافته وشکایتی‌هم در این باب نرسیده است لهذا شعبه سوم انتخاب آقای حاجی میرزا اسدالله‌خان را ازحوزه انتخابیه سنندج کردستان تصدیق‌مینماید

آقاسید یعقوب — اگرچه بنده مخالف نیستم ولی عرض میکنم که خوب است شعبه‌هارایورت که میدهند قدری مفصل تر بنویسند مثلا در فلان انتخاب چقدر تعرفه تقسیم شد وچقدر رای‌داده‌شده تا اینکه کاملا مطلب معلوم باشد واغلب این‌رایورت هائی که قرائت میشود مختصراست .

رئیس — رایورت‌را درصورتی‌مفصل‌مینویسند که‌شکایاتی‌وارد شده‌باشددرصورتی که‌شکایتی‌نشده باشد تفصیل لازم‌نیست

مدرس — بنده هم مخالفت‌ندارم ولی‌آنچه‌میدانم بعضی شکایات وارد شده بوده است که از آنها اظهاری‌نشده

امیرناصر — دردوسیه که‌درشعبه رسیدگی شد شکایاتی نبود فقط یك فقره‌شکایت رسید که چون وارد نبود شعبه قابل ندانسته ورد نمود

رئیس — رای میگیریم آقایانیکه نمایندگی ایشانرا تصدیق مینمایند قیام نمایند

جمعی قیام نمودند

رئیس — تصویب‌شد .

رایورتی است راجع به آقای فتح‌الدوله‌قرائت میشود .

آقای امیرناصر بمضمون‌ذیل قرائت‌نمودند

شعبه سوم بدوسیه واعتبار نامه وصورت‌مجلس انتخابات نجف‌آباد اصفهان رسیدگی نموده جریان انتخابات نجف آباد اصفهان مطابق با ترتیبات قانونی بوده است ولی شکایاتی کتبا وتلگرافا از اهالی نجف آباد ومضافات آن بمرکز رسیده مبنی براینکه اهالی آزاد دردادن رأی نبوده‌وانتخابات‌آن جا بمیل حکومت اصفهان جریان یافته است چون متشکیان از حکومت اصفهان‌اسنادی که دلیل‌برصحت شکایتشان باشد بدست نداده و بعلاوه پس‌از افتتاح مجلس شورایملی درمدت مقرره تجدید شکایت از متشکیان نشده لهذا شعبه سوم شکایات مزبوره را قابل توجه ندانسته انتخاب آقای فتح الدوله را از حوزه انتخابیه نجف آباد به اکثریت تصدیق می نماید

رئیس — آقای مدرس مخالف‌هستید

مدرس — بلی‌بنده‌مخالفم

رئیس — پس‌میماند‌برای‌جلسهٔ‌بعد

در اینموقع آقای سهام السلطان‌رایورت‌شعبه ششم را راجع به آقای حاج‌شیخ اسدالله بمضمون‌ذیل قرائت‌نمودند .

شعبه ششم راجع بدوسیه انتخابات حوزه‌محلات وکمره و سایر البلوك‌وتوابع ونمایندگی‌آقای حاج شیخ‌اسدالله رسیدگی بعمل‌آورده‌درتاریخ ۱۹ ذیقعده ۱۳۳٦ اعلان انتخابات در محلات منتشر و بموجب مواد قانونی اعلان انتخابات درمحلات منتشر وبموجب مواد قانونی اعلان وتوزیع تعرفه واخذ آراء در حوزه محلات و بعضی بلوك آن واقع ودر موقعیکه برای تشکیل انجمن انتخابات کمره و سایر البلوك معین شده بوده بواسطه انقلاباتیکه در آن نقاط رخ داده و اقدامات رجعیلی انتخابات آنجا بتاخیر افتاده مدتی‌هم بواسطه اختلاف‌حکومت‌محلات‌وکمره برای تعیین موقع و ترتیب‌انتخابات ومکاتباتیکه مابین حکام ووزارت داخله واقع شده برمدت تأخیر افزوده تاتاریخ محرم ۳۹ که انتخابات آن‌نقاط نیز صورت گرفته آراء ۳ حوزه محلات و کمره وسایر البلوك قرائت شده واز ۵۱۳۱ رأی‌که از آن سه حوزه اخذ شده‌بود آقای حاج شیخ اسدالله‌محلاتی با کثریت ۲٤۲۱ رأی انتخاب و جریان انتخابات موافق موادقانونی بوده ودرصورت مجلس مدت یك هفته که برای وصول شکایات تعیین شده قید نشده ولی درصورتیکه‌انتخابات آنجادر ۱۱ ربیع‌الاول‌ختم شده اعتبار نامه در ۱۸ نوشته شده که معلوم میشود ماده ٤۵ راتیز مراعات نموده‌اندوشکایاتی‌هم‌درضمن این مدت از محلات و کمره بوزارت داخله رسیده بود شعبه آن اظهارات را دقت نموده چون مواد شکایات سکته برصحت جریان‌انتخابات واردنمیآورد لذا مورد توجه شعبه نگردید درمدت یکماه پس از افتتاح مجلس نیز شکایاتی بشعبه نرسید لذا شعبه باتفاق آراء صحت جریان انتخابات ونمایندگی‌آقای حاج شیخ اسدالله را از حوزه محلات و کمره‌تصدیق مینماید

رئیس — رأی میگیریم — آقایانی که این راپورت را تصدیق مینمایند قیام کنند

جمعی قیام نمودند

رئیس — تصویب شد • راپورتی است راجع به آقای آقامیرزا هاشم آشتیانی

آقای امیر ناصر بمضمون ذیل

قرائت نمودند

شعبه سوم باعتبار نامه وصورت مجلس و دوسیه انتخابات سبزوار رسیدگی و مداقه نمود انتخابات سبزوار موافق شرعیات قانونی جریان یافته وهیچنوع شکایتی دراین باب نرسیده است فقط درصورت مجلس انتخابات سبزوار انجمن مرکزی اشاره مینماید که صندوق گراب که یکی از صندوقهای جزء سبزوار بوده بواسطه اینکه از مدت معینه شش روز دیرتر رسیده وبعلاوه ۱۹۰ ورقه رای بیشتر نبوده وباکثریت سکته وارد نمیباشد تا تعریف گردید چون این اقدام انجمن نظارت سبزوار مخالف باقانون انتخابات نبوده لهذا شعبه سوم انتخاب آقاآقامیرزا هاشم آشتیانی را ازحوزه انتخابیه صحیح میداند

رئیس — رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی ایشانرا تصویب مینمایند قیام کنند

جمعی قیام نمودند

رئیس — تصویب شد — آقای زنجانی چه میفرمائید

آقاشیخ ابراهیم — قبلا تقریر موید اعتراضی هست یا خیر

رئیس — اعتراض داشتید •

آقاشیخ ابراهیم — بلی •

رئیس — وقتیکه میگویم رای میگیریم باید بگوئید من اعتراض دارم وقتیکه نمیگوئید البته رای گرفته میشود همیشه که من نباید آن کلمه مخصوص را بگویم (جمعی تصدیق نمودند)

(راپورت شعبه دوم بمضمون ذیل

قرائت شد)

شعبه دوم بدوسیه انتخابات سبزوار مضافاتش بدقت رسیدگی کرده و برای استحضار مجلس شورای ملی عرض مینماید که انجمن نظارت مرکزی انتخابات درسبزوار در شهر صفر ۱۳۳۸ تشکیل و بعد پنج انجمن جزء در پنج نقطه دیگر از مضافات سبزوار دائر شده بارعایت مواد قانون انتخابات وظایف قانونی خود را انجام داده است از اینقرار که در تمام نقاط مزبوره موازی ۱۲۶۱۶ ورقه تعرفه توزیع شده و از این تعداد ۱۱۸۰۷ ورقه با اوراق برگشته و آقای رئیس التجار خراسانی باکثریت ۱۰۸۶۳ رأی از کل آراء مزبوره بوکالت دار الشورایملی برای دوره چهارم تقنیه انتخاب شده است پس از آن انجمن مرکزی سبزوار برای وصول و اصغای شکایات در مدت معینه قانونی منتظر شده ولی شکایت نرسیده لهذا اعتبار نامه باسم آقای رئیس التجار خراسانی صادر و خاتمه انتخابات را اعلام کرده است ولی مجلس شورایملی را از این نکته مستحضر میسازد که مطابق صورتمجلس انتخابات سبزوار و مضافات آن انجمن نظارت مرکزی انتخابات سبزوار صندوق گراب را که از صندوقهای جزء سبزوار بوده بواسطه آنکه از مدت معینه ٦ روز دیرتر رسیده توقیف کرده و بعلاوه ۱۹۰ ورقه رای در آن بیشتر نبوده وباکثریت مزبوره هم سکته وارد نمیساخته لذا ترتیب اثری بر آن نداده است بنابراین شعبه دوم بجهات فوق واینکه اهالی گراب هم شکایتی نکرده اند اقدام انجمن را تصدیق و انتخابات سبزوار و مضافاتش را موافق قانون دانسته وچون تابحال هم شکایتی نرسیده لهذا صحت انتخابات آقای رئیس التجار خراسانی را تصدیق مینماید •

رئیس — مخالفی هست (گفته شد خیر) رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی ایشانرا تصدیق میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد • راپورتی است راجع بانتخابات آدینه جان آخوند از ترکمان •

(آقای امیر ناصر بمضمون ذیل

قرائت نمودند)

شعبه سوم بدوسیه اعتبار نامه نماینده طوائف ترکمان یموت و کوکلان رسیدگی نمود در دوسیه انتخابات مزبوره ترتیبات معموله صورتمجلس موجود نبوده حکومت استر آباد تلگرافاً بوزارت داخله اطلاع میدهد که آدینه جان آخوند باکثریت ۵۹۱۶ رأی بنمایندگی تراکمه منتخب گردیدند چون جریان انتخاب ترکمان بطور ساده وبدون دسیسه وآلایش بود و شکایتی نیز نرسیده است لهذا شعبه نمایندگی آقای آدیناجان آخوند را ازطرف ایلات یموت و کوکلان صحیح میداند •

رئیس — رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی آدینه جان آخوند را تصویب مینمایند قیام کنند (جمعی قیام نمودند) تصویب شد • راپورتی است راجع بآقا سید محمد دست غیب قرائت میشود •

(ایضاً آقای امیر ناصر بمضمون ذیل قرائت کردند)

درشعبه سوم بدوسیه واعتبارنامه و صورتمجلس انتخابات بندرعباس وتوابع آن رسیدگی بعمل آمد انتخابات بندرعباس ازروی صورتمجلس ودوسیهٔ آن معلوم میشود بوضعی ساده جریان یافته است ازعبارات صورتمجلس مفهوم میگردد که از روز اول نشر اعلان انتخابات تا روز توزیع تعرفه چهار روز بیشتر مدت نداشته درصورتیکه مطابق ماده ۲۱ قانون انتخابات ازروز نشر اعلان تا روز توزیع تعرفه کمتر ازده روز نمیتوان مدت قرار داد لیکن چون بندرعباس جای کوچك و اهالی آنجا کاملا بنکات قانونی آشنا نبودند بعقیده شعبه عدم مراعات مدت نشر اعلان مبطل انتخابات آنجا نمیشود نیز یك فقره تلگراف شکایت باسیم کمپانی بامضاء حسن نام از طرف ۹۰۰ نفر اهالی عباسی ومیناب بمقام ریاست وزراء مخابره شده مبنی بر اینکه تفصیل راجع به انتخابات عباسی و سرقت اوراق آراء وتغییر آنرا توسط پست ارسال داشته ایم چون حسن نام امضا کننده تلگراف غیر معروف وشکایات مزبوره هم جزء دوسیه دیده نشده لهذا تلگراف مزبور قابل توجه نبوده و شعبه سوم باکثریت آراء انتخاب آقای آمیرزا محمد باقر دست غیب را ازحوزه انتخابیه بندر عباس و توابع آنجا صحیح میداند •

رئیس — آقای محمد هاشم میرزا مخالفید ؟

محمد هاشم میرزا — بلی بنده مخالفم •

رئیس — پس میماند برای جلسه بعد •

(دراینموقع آقای تدین راپورت شعبه دوم را راجع بسلطان محمد خان بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبهٔ دوم بدوسیهٔ انتخابات نائین و مضافاتش رسیدگی نموده وبرای استحضار مجلس شورایملی عرض مینماید که انتخابات نائین و مضافاتش موافق قانون بعمل آمده وشکایت واعتراضی هم ازاول تا بحال نرسیده لذا شعبه دوم صحت انتخاب سلطان محمد خان نائینی را ازحوزه انتخابیهٔ نائین ومضافات آن تصدیق مینماید امبا بطوریکه پوشیده نیست مشارالیه در کابینه سپاه معاون ودر قیام واقدام برضد حکومت ملی شریك بوده است اگر شرکت او قبل ازانتخابش میبود موافق شرط نهم قانون انتخابات ازحق انتخاب محروم میگردید ولی چون شرکت مشارالیه بعد از خاتمه انتخاباتش بوده لذا شعبه دوم رأی قطعی را در این موضوع منوط بتصمیم مجلس میداند •

سردار معظم - میخواهم عرض کنم اگر کسی راجع به راپورتی مخالف بباشد امروز باید مذاکره شود یا بعد •

رئیس — مثل مشیر معظم میماند و موقوف بجلسهٔ بعد میشود اگر آقایان تصویب فرمایند جلسه را خاتمه دهیم جلسهٔ آتیه فردا چهار ساعت بظهر مانده باشد •

رفعت الدوله - چهارشنبه باشد بهتر است

رئیس — باید قبلا اجازه بخواهید بعد مذاکره کنید •

آقاسیدیعقوب — خوب است مقرر فرمایید جلسهٔ آتیه چهارشنبه باشد که شعبه ها کاملا دوسیه ها را تحت مطالعه آورده وصحیحاً راپورت دهند که ناقص نباشد یعنی این بنده راجع بشعبه خودمان عرض میکنم •

سردار معظم - بنده تصور میکنم که ما نباید قائل بتأخیر جلسات باشیم باید جلسه آتیه را فردا قراردهیم که باعتبار نامه ها رسیدگی شده رد وقبول آنها زودتر معلوم و مجلس شروع بکارهای مهم نماید •

رئیس - ۲۰ فقره راپورت برای کار فردا موجود است که ممکن است فردا رسیدگی شود و آنچه بنده میدانم ده فقره دیگرهم تقریباً تمام است وبقیه را ممکن است شعبات تحت مطالعه آورده و حاضر نماید که برای جلسهٔ بعد معین شود (اظهاری نشد) پس رأی میگیریم که جلسهٔ آتیه فردا باشد یا خیر آقایانیکه تصویب مینمایند جلسهٔ آتیه فردا باشد قیام نمایند (جمعی قیام نمودند) تصویب شد چون ۳۶ نفر از ۶۰ نفر رأی دادند پس جلسهٔ آتیه روز سه‌شنبه خواهد بود •

مجلس یکساعت قبل ازظهر ختم شد •

رئیس مجلس مؤتمن الملك

جلسه ۳

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه ۲۰ ذیقعده ۱۳۳۶ مطابق سوم برج اسد ۱۳۰۰

مجلس سه ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

رئیس - جلسه افتتاح و صورت مجلس قرائت می شود •

صورت مجلس یوم یکشنبه ذیقعده را آقای نصرة الدوله قرائت نمودند •

رئیس - درصورت مجلس اعتراضی نیست ؟

محمد هاشم میرزا - راجع بشاهزاده معتمدالدوله نماینده آباده بنده مخالف بودم نوشته مخالف نداشت •

مدرس - چون لفظ رد آنجا دارد موسوم بنده لفظ رد نوشته شده •

رئیس - چه باید نوشته شود •

مدرس - درصورت مجلس نوشته اند راجع به رد وکالت باید بنویسند راپورت فلان راجع به اعتبار نامه چون رد راجع به مجلس است نه بشعبه

رئیس - شعبه موافق بوده است یا نبوده چون راپورتیکه از شعبه داده اند مبنی برد است در صورت مجلس هم همینطور نوشته شده (جمعی تصدین کردند) •

محقق العلماء - بنده هم میخواستم همین را عرض کنم (رد راجع به شعبه بود نه راجع بمجلس)

آقاسیدیعقوب - راجع بصورت مجلس اجازه دارم عرض بکنم •

رئیس - بفرمائید •

آقاسیدیعقوب - حضرتعالی که راجع به عدم حضور نمایندگان آذربایجان اظهار تأسف فرمودید بنده هم تذکر دادم وگیلانرا عرض کردم و غرضم این بود که ...

رئیس - این مسئله راجع بصورت مجلس نیست اگر بنا شود هر چه گفته شود بنویسند آن صورت مشروح مجلس است معنی صورت مجلس این است که مطالب را بطور خلاصه می نویسند ولی در صورت مشروح مجلس آنچه گفته میشود مینویسند می گذارند در اطاق تنفس اگر آقایان بخواهند قرائت بفرمایند میتوانند در صورت مجلس دیگر اعتراضی نیست (گفته شد خیر)

رئیس - تصویب شد چند فقره راپورت است که در جلسه قبل قرائت شد و بنا شد امروز رأی بدهند یکی راجع است به آقای فتح الدوله بقیه به آقای مشیر معظم و آقای سلطان محمد خان و آقای اسمعیل میرزای متعمدالدوله و آقای آقا سید محمد باقر دست غیب راجع بآقای فتح الدوله بعضی از آقایان خواهش کرده اند بمانند برای جلسه بعد برای اینکه دوسیه را کاملا نتوانسته اند بخوانند همینطور راجع به آقای شیر معظم و سلطانمحمد خان برای این که راپورت دیگری در همین زمینه رسیده است باین جهة موکول به جلسه بعد میشود راپورت راجع به آقای اسمعیل میرزا طبع و توزیع شده آقای محمد هاشم میرزا مخالف بودید بفرمائید •

(آقای محمد هاشم میرزا از محل خود به پشت تریبون (محل اداء نطق) حاضر شده و اظهار نمودند بنده مخالف نبوده) •

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا با راپورت شعبه موافق هستید کسی با راپورت شعبه مخالف است یا خیر (اظهاری نشد) پس رأی میگیریم به راپورت شعبه سردار معظم چون مخالفی نیست خوب است یکنفر موافق لااقل عقیده اش را اظهار کند •

رئیس - رسم نبوده آقای حاج آقا بارا پورت شعبه مخالف هستید یا موافق ؟

حاج آقا - بنده اجازه نخواستم •

رئیس - پس رأی میگیریم به راپورت شعبه.

آقا میرزا هاشم آشتیانی - بنده عرض میکنم که ...

رئیس - اینطور که نمیشود وبدون اجازه باید اجاره بخواهید بعد بفرمائید •

آقامیرزاهاشم آشتیانی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید •

آقامیرزاهاشم - مقصود بنده این بود مقرر فرمائید راپورت شعبه را مجدداً بخوانید •

رئیس - راپورت شعبه طبق وتوزیع شده است با وجود این مجدداً میخوانم •

(بمضمون ذیل قرائت شد)

شعبه چهارم بتاریخ ۱۰ ذیقعده ۱۳۳۹ بدوسیه انتخابات آباده و توابع آن رسیدگی و تدقیقات لازمه درجریان انتخابات آنجا بعمل آورده واعتراضاتی را که بانتخابات آنجا وارد آمد بقرار ذیل است •

اولا - راجع باعلان انتخابات است که مطابق شرحی که از صورت مجلس می نویسند هیئت نظار آن جا در روز ۱۷ رجب ۱۳۳۷ در مسجد جامع جمع وبرای تهیه مقدمات انتخاب پس از تبدل افکار مقرر داشته اند از روز ۱۹ رجب مشغول تعرفه دادن شوند ودر روز مزبورهم شروع بدادن تعرفه نموده اند مطابق این ترتیب مدت اعلان را برای حوزه انتخابیه آباده واقلید وبوانات سه روز قرار داده اند درصورت درآخر صورت مجلس می نویسد که ازهمان روز ۱۷ شروع بدادن تعرفه نمودیم وازاین قرار مطابق صورت مجلس اعلانی نشده ودر دوسیه انتخابات هم هیچگونه راپورتی که حاکی از اعلان مدت آن باشد وجود ندارد •

۲ — راجع بایام دادن تعرفه است که مطابق صورت مجلس هیئت نظار آنجا قائل بمحدود ساختن ایام تعرفه دادن نشده وقبلا اعلان نداده ونظر باینکه انتخاب کنندگان را درموقع گرفتن تعرفه آراء نموده اند ۲۹ روز ایام تعرفه دادن طول کشیده است

۳ — راجع بمدت اخذ آراء همانطور که برای ایام دادن تعرفه موعد یرا قبلا پیش بینی واعلان نکرده برای اخذ آراء نیز ایام قانونی را رعایت ننموده و آنقدر نشسته اند تاهر کس رأی خودرا آورده بصندوق بیاندازد باین جهة ۱۸ روز انجمن نظارت برای اخذ آراء دائر بوده است

٤ — برای انجام انتخابات دو حوزه اقلید و بوانات وقنقری نیز موعد مقرر ننموده چنانچه آراء اقلید در ۱۷ رمضان رسیده وآراء بوانات و قنقری درعشر اول رمضان •

رابعاً درنتیجه آراء صورت آراء هرحوزه واین که آراء هرحوزه شامل حال چه اشخاص بوده اند مشخص نیست وفقط معترض است که از (۳۹۶۸) تعرفه (۳۴۱۴) رأی گرفته شده و به ۱۹۷۴ رای شاهزاده اسمعیل میرزا بنمایندگی آنجا معین شده اند •

خلاصتاً - ایامی را که قانوناً برای استماع شکایات مقررات انجمن رعایت نکرده و روز ختم آراء انتخابات را خاتمه داده است نظر بمراتب مذکوره که تمام جریان انتخابات مزبوره مخالف با مقررات قانون انتخابات است ودردوسیه نیز راپورتی که کاشف از عملیات هیئت نظار باشد سوای همین صورت ملاحظه نشد شعبه اساسی انتخابات آباده و توابع را مختل دانسته صحت نمایندگی شاهزاده اسمعیل میرزا را از حیث جریان قانونی ومخالف بااساس قانون باتفاق آراء رد مینماید •

رئیس - نسبت براپورت شعبه مخالفی هست

حاج شیخ اسدالله — نسبت بیك قسمت بنده مخالفم •

رئیس - بفرمائید •

حاج شیخ اسدالله — در اصل راپورت باعقیده شعبه موافقم ولی دراین قسمت که مینویسد (نیز موعد معین مقرر نموده چنانچه آراء اقلید در ۱۷ شعبان رسیده آراء بوانات در عشر اول رمضان) بنده تصور میکنم که شعبه درست توضیح نداده یا اینکه تصور فرموده اند انجمنهای جزء تماماً اعلان وشروع بانتخابات و ختم انتخاباتشان دریك موعد بوده باشد درصورتی که قانون همچو تصریحی ندارد ممکن است انجمن مرکزی برای انتخابات حوزه های جزء اوقات مختلفی معین بکنند مثلا از برای یك حوزه عشر اول وبرای حوزه دیگر انتخاباتش را عشر ثانی وثالث قرار دهد واین مانع از صحت جریان انتخاب باسانیت وتعیین موعد منوط بنظریات انجمن مرکزی است اگر نظر شعبه این بوده که چون صندوق آراء در دو وقت بانجمن مرکزی فرستاده اند واین مطلب را باعث بطلان انتخابات میدانند بنده با این راپورت مخالفم و این فقره را سلب بطلان انتخابات نمیتوان دانست.

آصف الممالك — نقاط جزئیکه برای انتخابات معین شده است انجمن قبلا بایستی معین نمایند وبهمین جهت است که در قانون ذکر میکند که اگر آراء یك حوزه از موعد مقرر دیرتر برسد آن آراء ساقط است بانتخابات خاتمه میدهند باین جهت شعبه درراپورت معترض است ودر آنجاها بیکه رعایت این مسئله نشده همینطور اشخاصی درموعدهای مختلف رفته اند وآراء تمام شده مراجعت کردند.

حاج شیخ اسدالله - بنده همینقدر خواستم آقای مخبر توضیح بدهند که نظر شعبه چیست وصورت مجلس را ملاحظه فرموده اند اگر انجمن مرکزی

راجع باعلان وراجع بجریان انتخابات حوزه های جزء موعدیرا معین نکرده اند و یك اشخاصی را بعضی جاها فرستاده اند و باوقات مختلف بعیل خودشان انتخابات را شروع کرده اند تصدیق میکنم که این فقره مانع صحت انتخابات است این نکته راکه بنده عرض میکنم ازنقطه نظر شرح قانون است وبنده در این ماده نظرم این است که اختیار تعیین انجمن جزء و اختیار مدت انتخابات و نشر اعلان و مدت دادن تعرفه و اخذ آراء نسبت بانجمنهای جزء اختیارش با انجمن مرکزی است انجمن مرکزی میتواند در اوقات مختلف انتخابات حوزه جزء را اعلان و شروع وخاتمه دهد اگر این فقره در نشر مراعات شده البته قابل مخالفت نیست و اگر این فقره اعلان و تعیین مدت دادن تعرفه و گرفتن آراء مراعات نشده آنوقت اینمطلب باعث بطلان انتخابات است بنده برای توضیح قانون عرض میکنم .

آصف الممالك - بطوریکه عرض کردم درصورتمجلس ننوشته است که برای این دو محل فلان موعد را معین کرده ایم همینقدر میتویسد که در فلان تاریخ آراء فلانجا را آوردند وباین ترتیب بود چون درصورتمجلس هیئت نظار معترض نشده اند که موعد معین را معین کرده باشد در همان موعد آن آراءبر گشته باشد باین جهت شعبه اینقسمت رابر خلاف قانون دانسته .

رئیس - آقای حاج آقا مخالف هستید .

حاج آقا - بنده موافق راپورت هستم .

رئیس - آقای محمدهاشم میرزا .

محمدهاشم میرزا - بنده موافق هستم.

رئیس - آقای نصرت الدوله هم موافقند آقای سیدیعقوب مخالفید .

آقاسیدیعقوب بنده درخلاصه میخواهم عرض کنم

رئیس بفرمائید موافقید یامخالفید

آقاسیدیعقوب بنده از آقای مخبر یك توضیحی میخواهم اجازه دارم

رئیس بفرمائید

آقاسیدیعقوب آنچه که مینویسید در نتیجه قرائت آراء صورت آراءهر حوزه و اینکه آراء مزبور شامل حال چه اشخاصی گردیده مشخص نیست میخواهم عرض بکنم که این همچو عذر قانونی نیست و یك ماده قانونی نیست که ما بتوانیم متمسك بآن بشویم و انتخاب کسی را ردکنیم والا بنده باراًی آقای مخبر موافق هستم

آصف الممالك در قانون انتخابات مخصوصا گفته است که باید انجمنهای نظارت جزء صورت آراء خودشان را بانجمن مرکزی بفرستند برای اینکه ازروی آن صورتمجلس صورت آراء تشخیص داده شده که اکثریت درحوزه‌های انتخابیه شاملحال چه اشخاصی است شاید در یك حوزه جزء اکثریت شامل حال یکنفر دیگر باشد در اینجا هیچ مفید نکرده اند حوزه‌های جزء اقلید و بوانات چه آرائی داشته اند بطور کلی مینویسند آراءآن دو حوزه وآراءحوزه آباده ۳هزارو کسری شد و از ۳ زارکسری هزار ونهصد وخورده شامل حال اسمعیل میرزا شده باینجهة چون در قانون مصرح است ما اعتراض میکردیم

رئیس پس مخالفی نیست باید رای بگیریم براپورت شعبه آقایانیکه راپورت شعبه را قبول میکنند نمایندگی را ردخواهند نمودو بالعکس رأی میگیریم براپورت شعبه راجع برد وکالت آقای معتمدالدوله ازآباده آقایانیکه راپورت شعبه را تصدیق مینمایند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس پس تصدیق بنمایندگی ایشان ندارند راپورت شعبه سوم راجع بآقای آقاسیدمحمد باقر دست غیب قرائت شد بنا شد بماند باین جلسه قبول شد مخالفی هست ؟

محمد هاشم میرزا - بلی .

رئیس - بفرمائید .

محمدهاشم میرزا - بعدازاینکه بنده آنروز مخالفت کردم به شعبه دوم رفته صورت انتخابات آقای آقا سید محمد باقر را دیدم آنچه بنظر بنده رسید با ماده ۲۱ قانون انتخابات و جزء ماده ۲۶ وماده ۲۸ و ماده ۲۹ و ماده ٤٥ مخالفت دارد ولی چون بعضی از آقایان شعبه ازجریان انتخابات آنجا مطلع نبودند تصور میکردم که در آنجا عبارات اینطور نوشته شده و حقیقت غیراز این است لهذا بنده از آقایان محترم استدعا دارم که وقت مجلس را هدر نکنیم وراپورت راپس بدهیم بشعبه ودر آنجا توضیحات لازمه بشود آنچه بنظر بنده میرسد بنده عرض کنم اگر صحیح بود آنها متابعت کنند و اگر نظریات ایشان صحیح بود بنده متابعت کنم باینجهت تقاضا میکنم راپورت پس گرفته شود .

امیر ناصر - تقاضا میکنم مسترد شود .

رئیس - راپورت را تقاضامیکنید مستردشود

امیر ناصر - بلی .

رئیس - میفرستم بشعبه . آقای حاج شیخ اسدالله راپورتی که داده‌اید قرائت کنید راجع به انتخابات حوزه بارفروش است .

(آقای حاج شیخ اسدالله راپورت شعبه را بمضمون ذیل قرائت کردند)

راجع بانتخابات حوزه بار فروش ونمایندگی آقای عدل الملك شعبه داخل مذاکرات شد درخصوص جریان صحت وبطلان انتخابات شعبه فعلا ازاینموضوع صرفنظر نموده وازحیث صلاحیت آقای عدل الملك برای نمایندگی مذاکرات بعمل آمد چون آقای عدل الملك درحکومت آقا سید ضیاء الدین ووقایع اخیره دخالت وشرکت تامه داشته وبر خلاف مجلس وحکومت ملی اقدامات نموده ولی این اقدامات بعد ازانتخاب و نمایندگی بوده و در قانون این مطلب پیش‌بینی نشده است لذاشعبه نتوانست راجع بصلاحیت ایشان تصمیم قطعی اتخاذ نماید زیرا که توضیح و شرح قانون بـا خود مجلس است وحل این قضیه و صلاحیت آقای عدل الملك رابرای نمایندگی موکول بنظریات ورأی مجلس مینماید تـا پس از حل این قضیه درصورت صلاحیت ایشان برای نمایندگی شعبه رأی‌خود را درموضوع صحت وبطلان انتخابات عرض خواهد نمود .

رئیس — آقای محمد هاشم میرزا مخالف هستید .

محمد هاشم میرزا — بلی .

رئیس — آقای سردار معظم هم مخالفند .

سردارمعظم — بلی بنده هم مخالفم .

رئیس — آقای آقا سید یعقوب و آقـای ملك الشعراء هم دراینموضوع مخالفید .

آقا سید یعقوب - بلی جداً مخالفیم خیلی

رئیس - درجلسه بعد انشاء الله بیان میفرمائید راپورتی است راجع باعتبار نامهٔ آقای منتصر الملك قرائت میشود .

(آقای آقا شیخ محمد جواد راپورت شعبهٔ اول را درخصوص انتخاب آقای منتصر الملك بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبهٔ اول درتاریخ ۲۲ شهر شوال رسیدگی به انتخابات بنی طرف حویزه وبساطین کرده راپورت آن را ذیلا تقدیم مجلس مقدس شورایملی مینماید انتخابات در یازدهم ذیقعده ۱۳۳۷ شروع گردید مطابق مقررات قـانون بدواً اعلان انتخابات منتشر بیست روزپس‌ازنشراعلان درمدت پنج روز(۲۰٦۷) ورقه تعرفه داده شده و در ظرف پنج روز ۲۰۵۳ رأی ماخوذ داشته اند آقای منتصر الملك با کثریت (۱۲٤۷) رأی بسمت نمایندگی انتخاب گردیدند یك هفته پس از استخراج آراء انجمن برای اخذ شکایات‌دائر چون‌شکایاتی نرسیده‌بوده منحل گردید نظر بصحت جریان انتخابات شعبه صحت نمایندگی آقای منتصر الملك‌را تصدیق مینماید .

رئیس - نسبت باین راپورت مخالفی هست (بعضی گفتند خیر) رأی میگیریم بنمایندگی آقای منتصر الملك وآقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . راپورتی راجع بنمایندگی آقای ملك الشعراء در اینموقع آقای ملك الشعراء قصد خروج ازمجلس نمودند رئیس - خواهش میکنم تشریف نبرید .

ملك الشعراء - یعنی میفرمائید خودم هم رأی بدهم .

رئیس - خیر عده کافی نیست عده ٥٤ نفر است چنانچه خارج شوید نمیتوان رأی داد اعم ازاینکه رأی بدهید تاندهید .

(آقای آقاشیخ محمدجواد راپورت شعبه اوّل را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه اول در بیست‌وهشتم شوال مراجعه بدوسیه انتخابات بجنورد نموده مراتب را بعرض نمایندگان محترم میرساند مطابق صورتمجلس انتخابات بجنورد در ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۸ شروع ودر ۲۸ جمادی‌الثانی خاتمه یافته علاوه بر انجمن نظارت مرکزی سه‌شعبه نظارهم دراسفراین جاجرم محل قان تشکیل داده‌اند درچهارنقطه (٤۹۸۰) ورقه تعرفه توزیع و(٤۹۸۰) ورقه‌رأی اخذنموده‌اند آقای‌ملك‌الشعراء باکثریت‌نامه (٤۳۷۳) رأی برای‌عضویت مجلس شورای ملی انتخاب شده اند پس از خاتمه انتخاب یکهفته انجمن‌نظار برای اخذشکایت حاضر شده ولی شکایتی نرسیده چون جریان انتخابات موافق‌قانون بوده تاکنون‌هم شکایتی نرسیده شعبه‌صحت انتخابات بجنورد‌ونمایندگی آقای‌ملك‌الشعراء راتصدیق مینماید.

رئیس - مخالفی ندارد این راپورت (گفته شد خیر) پس رأی میگیریم بنمایندگی آقای ملك الشعراء آقایانیکه‌تصویب میکنند قیام‌فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - راپورتی است راجع به‌آقای عمادالسلطنه .

(آقا شیخ محمد جواد راپورت شعبه اول را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

درتاریخ ۷ ذیقعده شعبه اول مراجعه بدوسیهٔ انتخابات مشهد نموده راپورت آنـرا بمجلس شورای ملی تقدیم مینماید .

انجمن مرکزی مشهد در ۱۱ شهر رمضان ۱۳۳۷ تشکیل گردیده واعلان انتخابات را منتشر نموده اند ٥ شوال تا ۱۰ روز برای دادن تعرفه پنج روزهم برای اخذ رأی معین کرده‌اند نیزسیزده شعبهٔ نظارت در نقاط جزء و بلوکات ذیـل تشکیل داده اند .

بلوك جام- باخزر- سرجام- پائین ولایت - پوه ژن- اردمه- شاندیز- گل مکان- چناران- رادکان - چولائی- درزاب- تبادگان- کلیه در مشهد و سیزده حوزهٔ انتخابیه جزء (۳۹٤۹۳) ورقه تعرفه توزیـع و ۳۳۷۵٦ ورقه رأی مأخوذ داشته اند آقای عماد- السلطنه باکثریت تامه (۲٤۰٦٤) رأی بنمایندگی مشهدانتخاب شده‌اند دوفقره شکایت درحین‌انتخابات بانجمن نظار مرکزی رسیده وانجمن جواب آنهارا داده اعتراضات وجواب آنها مشروحاً درصورتمجلس ثبت شده شعبه اعتراضـات و جواب انجمن را تحت مطالعه قرارداده اعتراضات‌را غیروارد وجواب‌انجمن را صحیح دانستند تابحال هم شکایتی نرسیده لهذا شعبه انتخابات مشهد ونمایندگی آقای عمادالسلطنه را تصدیق مینماید .

رئیس - نسبت باین راپورت مخالفی نیست (خیر) پس‌رأی میگیریم بنمایندگی آقای‌عمادالسلطنه از مشهد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس- تصویب شد راپورتی‌است راجع‌بآقای سردار معظم کردستانی .

(آقای امیرناصر راپورت شعبه ۳ را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

بتاریخ ۱۳ شهر ذیقعده ۱۳۳۹ شعبه سوم بدوسیه و اعتبار نامه و صورتمجلس انتخابات سنندج کـردستان رسیدگی نمود چون انتخابات سنندج کردستان مطابق ترتیبات قانونی جریان یافته و شکایتی نیز در این باب نرسیده است لهذا شعبه سوم انتخاب آقای سردارمعظم کردستانی رادرحوزهٔ انتخابیه سنندج کردستان تصدیق مینماید .

رئیس- آقای مدرس شما مخالف هستید.

مدرس- توضیح میخواهم از آقا نمیدانم که میفرمایند شکایت نرسیده نه اینکه مخالف بـاشم شکایاتی بود بواسطه اینکه خیلی تلگرافات‌درحین انتخابات میشد وبعضی ازآنها هم توسط من بـود و حالا میفرمایند اصلا شکایاتی نبود مـن بـا راپورت مخالف نیستم و موافقم ولیکن شکایاتی بود حـال میفرمایند نیست نمیدانم چه بود .

امیرناصر- بهیچ وجه تلگراف وشکایاتی که در دوسیه ضبط شده باشد نبود فقط یك‌فقره‌مکتوب بعنوان انجمن نظار کردستان درحینیکه انجمن منعقد بوده است نوشته شده ودر این موقع بانجمن رسیده است پس از آنکه مجلس رسماً افتتاح یـافته است در حاشیه آن باسم مجلس باقلم الحاقی نوشته‌شده است که بمجلس فرستاده شود و منشکیان هم بعنوان شکایت از طرز جریان انتخاب شکایتی نکرده اند فقط حکایت می کنند که بعضی از رعایائی که بستندج وارد شده اند شکایت میکرده اند که نمیدانیم ما را برای چه آورده اند ودر اینجا تکلیف ما چیست و چون شعبه باین شکایات اهمیتی نداده وشکایات را وارد نـدانست در صورتمجلس ثبت نشد بعلاوه در آخرین روز موعد یعنی روز ۳۰ ماه رسیده و باین جهة مـورد توجه نشد و ضمیمه راپورت و صورت مجلس نشد .

رئیس- آقای تدین مخالف هستید.

تدین- بنده یك‌قسمتی‌راجع براپورت‌میخواهم عرض کنم راپورت ناقص است ولی در مدلوش‌موافقم برای اینکه دوسیه نمایندگان کردستان درشعبه دوم موجود است یك قسمت که در صورتمجلس اظهـار شده عبارت است از اینکه درموقع انتخابات‌دربعضی از نواحی کردستان زد وخورد واغتشاش و یاغیگری بوده است که آنها نتوانسته اند در انتخابات‌شرکت بکنند بنده لازم میدانستم که این قسمتها را ذکـر بکنند ولی چون شعبه دوم رأی بصحت داده است موافقم .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله با راپورت موافقید .

حاج‌شیخ‌اسدالله- بنده باراپورت مخالفم.

امیر ناصر — عرض میکنم اول بنده مخبر نیستم سمت منشی گری دارم چون مخبرمریض است وبنده ازطرف مخبرهم‌نیابت نداشته‌ام‌فقط برای‌اینکه بنده اطلاعات خود را ضمیمه نموده باشم عرض کردم اگربیننده میفرمائید باید اینمسئله موضوع بحث شده اجازه بفرمائید بماند برای جلسه آتیه .

رئیس — رأی باید بگیریم که باید بمـاند برای جلسه دیگر یا امروزتمام‌شود چون مخبر مریض هستند ایشان هم ازطرف وکالت ندارند این است که رأی میگیریم که بماند برای جاسه دیگر یا همین امروز .

حاج شیخ اسدالله — اجازه میدهید

رئیس — بفرمائید .

حاج شیخ اسدالله — بنده نمیدانم‌امضای راپورت را آقای مخبر کرده اند که تشریف ندارند یا ایشان‌ازطرف مخبرقبول کرده اند که دراینموضوع مخبری بکنند اگر که ایشان از طرف شعبه تعیین شده باشند برای مخبری و امضای راپورت بامضای ایشان باشد میتوانند راپورت را پس بگیرند و هر وقت تقاضا کردند باید راپورت را پس بدهند واین راپورت خیلی ناقص است زیرا توضیحاتی که آقای تدین داده اند راجع باوضاع آن حدود در موقع انتخابات یك قسمتی ازنواحی کردستان شرکت در انتخابات نکرده اند ودرآنجا اغتشاش بوده این باید درراپورت نوشته شود که آقایانی که رأی‌میدهند بدانند بچه کیفیت انتخابات آنجا خاتمه یافته ودیگر اینکه بنده ازاعضای شعبه شنیدم راپورتهائی راجع بشکایات در دوسیه هست و خود آقـای مخبر هم میفرمایند روزآخرماه بازشکایت بمجلس شورایملی رسیده مع‌ذالك درراپورت مینویسد که ابداً شکایتی نرسیده ما باید بدانیم مواد این شکایات چه بوده و شکایت کنندگان که بوده وازچه محلی بوده و شعبه بچه دلیل شکایاترا رد کرده است وبهیچ وجه ممکن نیست که مجلس بتواند راجع باین راپورت ناقص رأی بدهد مگر اینکه مخبر این راپورت را بشعبه برده پس ازتصحیح عودت دهند و در ثانی بمجلس پیشنهاد کند .

امیر ناصر- عرض میکنم اولا امضای‌راپورت نصرالله شیبانی جلیل‌الملك است ثانیاً نظر باینکه در آنجا شکایاتی وارد نبوده‌شعبه باکمال‌دقت وصداقت کارخود را انجام داده وظیفه خود را بعهده‌آورد و این ورقه که اخیراً رسیده شعبه باکمال دقت ملاحظه نموده اورا وارد ندیـد مع ذالك اگر رأی مجلس این باشد که در راپورت مطالعه ثـانوی بشود حرفی نیست .

آقا سید یعقوب — راجع بـاین مسئله بنده مخالفت دارم اجازه‌بفرمائید بنده دوسیه رامفصلا ببینم برای اینکه درموضوع خونسارهم عرض کردم که شعبه باید راپورترا مفصل بیان کند که مطلب مفهوم شود بواسطه اینکه بنده با آقای مدرس در کردستان بودیم و ازوضع کردستان کاملا خبردار هستیم اینکه میگویند اعتراضی نیامده خیلی چشم - بندی شده ناچار باید خودم دوسیه را ببینم آنوقت عرض کنم .

رئیس - آقای سلطان العلماء موافق هستید

سلطان‌العلماء- بنده موافق هستم با رأی آقای آقا سید یعقوب .

آصف‌الممالك - اگراحیاناً کسی مخالفت داشته باشد باید با اصل انتخاب مخالفت بکند والا باراپورت مخالفت کردن بنده نمیفهمم یعنی چه بنده اعتراض با راپورت ندارم و مخـالفت با راپورت را نمیکام زیرا راپورت نتیجه تحقیقات و تدقیقاتی‌است که یك شعبه از یك دوسیه میکند و بعد از آنکه تحقیقات خود را تکمیل کرد و جریان انتخابه را از اول تا آخر دید آنوقت رأی میدهد بصحت یا عدم‌صحت‌آن و اگر کسی اعتراضی دارد ومیخواهد مخالفت کندباید با اصل انتخـاب مخالفت بکند والا با راپورت مخالفت کردن را بنده نمیتوانم بفهمم یعنی راپورت‌چیزیست که شعبه پس از تحقیقات کاملی که کرده و بعد از استنبـاطاتی که از صحت و سقم آن کرده بمجلس تقدیم میکند اگر آقایان‌در اصل انتخاب حرفی داشته باشنـد بایـد راجـع بانتخـاب اعتراض کنند .

رئیس — آقای آقا سید یعقوب اعتراضی ندارید ؟

آقا سید یعقوب - برگردد بشعبه تادوسیه را ببینیم شاید با آنها موافق شوم و الا با این راپورتیکه بصورت اجمال آقای آصف‌الممالك بیان کردند من علم غیب ندارم تا اینکه برگردد بشعبه و دوسیه‌را به بینم و الا با اطلاعاتیکه از خارج‌دارم بنده نمیتوانم رأی بدهم .

رئیس- دراین باب بقدری که لازم بود گویا مذاکرات شده رأی میگیریم که این راپورت امروز مطرح مذاکره شود یا بماند به جلسه آتیه آقایانیکه تصویب میکنند این راپورت مطرح مذاکره شو قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام کردند)

رئیس — تصویب نشد میماند برای جلسه دیگر راپورت شعبه سوم است راجع بآقای امیرناصر چون خودشان نمی‌توانند قرائت کنند آقای محقق العلماء که رئیس شعبه هستند التفات بفرمائید و قرائت کنید .

(آقای محقق العلماء راپورت شعبه سوم راجع به آقای امیرناصر را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه سوم بدوسیه واعتبار نامه وصورت مجلس ساوه و زرند رسیدگی و تبادل افکار نموده چون انتخابات ساوه وزرند مطابق ترتیبات قانونی جریان یافته وچند فقره شکایاتیکه درموقع شروع بانتخابات آنجا رسیده مدرك و اساس نداشته و بعلاوه مفتش مخصوص وزارت داخله شکایات مزبوره را جداً تکذیب نموده است وبعداز خاتمه از انتخاب هم در مدت مقرره شکایتی نرسیده لهذا شعبه سوم انتخاب آقای امیر ناصر را از حوزه ساوه و زرند صحیح می داند .

رئیس — دراین باب مخالفی هست یانیست گفته شد (خیر) رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی آقای امیر ناصر را از ساوه وزرند تصویب مینمایند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند تصویب شد)

رئیس — راپورتی است راجع به آقای سردار معظم .

سردار معظم — بنده اجازه دارم بیرون بروم .

رئیس - بلی تشریف ببرید

(آقای تدین راپورت شعبه دوم را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه دوم بدوسیه انتخابات قائنات کاملا رسیدگی کرده وبمجلس شورای ملی که انجمن نظارت مرکزی انتخابات قائنات در بیرجند درشهر صفر ۳۸ باچهار انجمن نظارت جزء درنقاط چهارگانه دیگر مطابق جدول انتخابات بارعایت مواد قانون تشکیل شده و موازی ۲۰۱۶ ورقه تعرفه درمجموع نقاط مزبوره توزیع نموده واز این مقدار موازی ۱۸۶۶ ورقه تعرفه با اوراق رأی برگشته و آقای سردار معظم خراسانی باکثریت ۹۸۵ رأی از ۱۸۶۶ رأی مزبور بوکالت دارالشورای ملی انتخاب گردیده اند و پس ازآن انجمن نظارت مرکزی درمدت مقرره قانونی برای وصول واصغاء شکایات منتظر ولی اصلا شکایتی نرسیده لهذا صورت مجلس انتخابات را تهیه واعتبار نامه باسم آقای سردار معظم خراسانی صادر وخاتمه انتخابات را اعلام کرده است بنا براین شعبه دوم جریانات انتخاب قائنات را موافق دانسته وچون از اول افتتاح مجلس شورایملی تا آخرمدت معینه قانونی هم شکایات جدید نرسیده است لهذا صحت انتخابات آقای سردارمعظم خراسانی را تصدیق مینماید

رئیس - مخالفی هست یا خیر (گفتند خیر) پس رأی میگیریم بنمایندگی آقای سردار معظم خراسانی آقایانیکه تصویب مینمایند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند .

رئیس - تصویب شد راپورتی است راجع بآقای آقا میرزا ابراهیم قمی قرائت میشود

آقای سردار معظم خراسانی راپورت مزبوررا بمضمون ذیل قرائت کردند)

شعبه پنجم بدوسیه انتخابات قم رسیدگی کرده مطابق اسنادوصورت مجلس موجوده دردوسیه انجمن نظارت در ۲۳ ذیقعده ۱۳۳۶ تشکیل اعلان انتخاب داده شده است از ۷ ذیحجه الی ۲۰ ذیحجه تعرفه داده شده ودراین مدت ۳۳۳۵ تعرفه داده‌شده‌است واز ۲۱ ذیحجه الی ۲۶ اخذ آراء شده و بواسطه شیوع مرض آنفلو انزا یك‌قسمت از گیرندگان تعرفه برای تعرفه برای دادن رأی حاضر نشده‌اند در ۲۷ استخراج آراء شروع‌شده مجموع عده آراء ۱۸۷۹ رأی بوده است و ۹ رأی اضافه برثبت دفتر تعرفه‌در صندوق موجود بوده ۹ رأی مزبور باطل شده وبقیه آراء در همان‌روز استخراج شده ۱۷۹۲ رأی باسم آقای آقا میرزاابراهیم بوده است انجمن مدت‌مقرره برای اخذشکایات را دائر بوده ولی شکایتی نرسیده است بنا برآنچه گفته شد جریان انتخابات موافق قانون بوده‌وایرادی واردنیست فقط قصوریکه بانجمن نظارت انتخابات وارد میشود نفرستادن شعبه‌مخصوص برای کوه پایجات قم است که قهراً بواسطه بعد مسافت ازشهرعملا در انتخابات قم مشارکت ننموده‌اند ولی نظر باینکه آبادیهای کوه پایه قم مرکزمعینی نداشته وبرفرض ایجاد یك مرکز وفرستادن انجمن نظارت جزء باز نقاط دیگر در انتخابات شرکت عملی نمی‌نمودند وخود اهالی هم‌شکایتی ازنفرستادن انجمن‌جزء ننموده است بادرنظر گرفتن ماده ۸ قانون انتخابات این قصور انجمن نظارت مبطل انتخابات شمرده نشده با جلب توجه مجلس شورای ملی‌باین نکته که بعدها انجمن های نظارت حتی‌الامکان باید مکلف‌بفرستادن انجمنهای جزء باشند که اهالی‌بیشتر بتوانند در انتخاب آن شرکت بنمایند شعبه صحت انتخابات‌قم ونمایندگی آقای آقا میرزا ابراهیم‌را تصدیق مینماید .

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله مخالف هستید .

حاج شیخ اسدالله - توضیح میخواهم در اینجا نوشته شده است که انجمن مرکزی در حکوه پایه‌قم تشکیل نشده سئوال میکنم ازآقای مخبر آیا اعلان انتخابات را به‌کوه‌پایه برده‌اند وآنها را از انتخابات قم‌مطلع کرده‌اند یاخیر اگر اعلان رابرده‌اند یك‌نظریه هست اگر نبرده باشند یك‌نظریه دیگر .

سردار معظم — اگر اعلان نکرده بودند در ضمن راپورت شعبه اینهم بعنوان خلاف قانون ذکرمیشد ولی اعلان درتمام نقاط من جمله کوه پایه برده شده است .

رئیس - مخالفی نیست .

مدرس — توضیح میخواهم با اصل مسئله موافق هستم ولیکن این مسئله که نوشته اند گمان میکنم سابقه‌شو دچه نوشته‌اند انجمن نظار را نفرستاده وشکایتی هم نرسیده لهذا شعبه اشکالی نکرده‌عرض میکنم بجهة اینکه سابقه نشده اینکه‌میگویند انجمن نظار نفرستاده‌اند وانجمن نظار جزوهم تعرفه ندارد و اهل آنجا تاآخرشکایت نکرده‌اند باین‌جهة اشکالی ندارد اینها قانوناً نمیشود گفت هیچ نیست هیچ است باید انجمن نظار کل یااعلان کند یاانجمن نظار جزو بفرستد ومجرد شکایت نکردن آنها دلیل برصحت نمیشود مقدمات صحت همانستکه آقای حاج شیخ‌اسدالله اظهارداشتند .

سردار معظم - عرض میکنم اگر ذکری از ماده هشت نمیشد ودلیل منحصر عدم شکایت اهالی بوده البته نظریات‌آقا را کاملا تصدیق میکردم ولی مدرك اصلی ماده هشتم است که تعیین و عدم تعیین شعب جزء را بنظرانجمن نظارت مرکزی وتصویب حاکم محل قرارداده وبعلاوه آن سئوالی‌هم که آقای حاج شیخ اسدالله درباب انتشاراعلان نمودند درتمام حوزه‌های انتخابیه برای اخطاربتمام انتخاب کنندگان این امر حاصل شده اما مسئله عدم شکایت اهالی را نه‌ازنقطه نظردلیل ذکر کرده‌ام بلکه اهالی هم بواسطه اطلاعات میتوانسته اند شرکت در انتخاب بکنند .

رئیس - پس دیگراعتراضی‌نیست رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای آقا میرزا ابراهیم قمی آقایانیکه تصویب‌میفرمایند قیام کنند . (عده کثیری قیام نمودند) .

رئیس — تصویب شد راپورتی است راجع بآقای فهیم‌الملك.

(آقای سردار معظم راپورت شعبه پنجم را بمضمون ذیل قرائت نمودند).

شعبه پنجم بدوسیه انتخابات قوچان رسیدگی کرده وصورت مجلس انتخابات واعتبار نامه نماینده حوزه انتخابیه‌مذکوردقت نموده انجمن نظارت‌مطابق مقررات قانون معین شده و جلسه اول آن در ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۸ منعقد گردیده در تاریخ مزبور اعلان انتخابات منتشر ومدت آن ده‌روزمعین‌شده‌است وانجمن معین کرده است که از ۲۸ ربیع الثانی الی ۱۵ جمادی الاولی تعرفه داده خواهد شد و از ۱۵ الی ۲۰ اخذ رأی خواهد شد.

ازطرف انجمن نظارت مرکزی ۷ انجمن جزء معین شده است :

(۱) میان ولایت (۲) شیروان (۳) باجگیران (٤) سرولایت (٥) میلان لو (٦) قوشخانه (۷) خرتمرد - مطابق صورت مجلس انتخابات شعب نیز مطابق قانون جریان یافته است باستثناء شعبه‌شیروان که برخلاف قانون رفتارنموده ودرهمان موقع دادن تعرفه اخذ آراء نیزشده است ودر ضمن جریان عمل انجمن نظارت مرکزی مطلع از این خلاف قانون

شده وآراء مأخوذه راباطل کرده‌اند ثانیاً اخذ آراء بعمل آمده است .

پس از ختم انتخابات شعب در ۲۳ جمادی الثانی صندوق آراء را ممهوراً برای استخراج بشهر آورده‌اند باستثناء صندوق شیروان که بواسطه تجدید اخذ آراء دیرتر از سایر شعب رسیده است و نتیجه عملیات انتخابیه قوچان و بلوکات آن‌بشرح ذیل است .

سردارمعظم - از اینجاعده آراء هرحوزه است البته قرائتش لازم نیست بقیه را میخوانیم‌پس از رسیدن کلیه آراء شروع باستخراج شدوه آقای فهیم‌الملك باکثریت ٥٦۷۷ رأی برای نمایندگی حوزه قوچان انتخاب شده‌اند چهار رأی‌اضافی باطل شده است انجمن مدت مقرره را برای اخذ شکایت و رسیدگی بآن دائره بوده است ولی چون هیچ نوع شکایتی نرسیده است اعتبار نامه صادر و برای آقای فهیم‌الملك فرستاده شده است شعبه نظربحسن جریان انتخابات قوچان و نرسیدن هیچ‌نوع شکایتی صحت نمایندگی آقای فهیم‌الملك‌را تصدیق مینماید

رئیس — اعتراضی‌نیست‌راجع‌باین راپورت (گفته شد خیر) رأی میگیریم بنمایندگی آقای فهیم‌الملك آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

(در اینموقع آقای آصف‌الممالك راپورت شعبه ٤ را راجع بنمایندگی آقای محقق العلماء بمضمون ذیل قرائت نمودند) شعبه‌چهارم در تاریخ سوم ذیقعده ۱۳۳۹ بدوسیه انتخابات حوزه مرکزی شیراز و توابع آن رسیدگی و تدقیقات لازمه در جریان انتخابات حوزه مزبوره بعمل آورده مطابق دوسیه محتوی جریان انتخابات و صورت‌مجلس‌مبنی بامضاء هیئت نظار ولایات وقت در جریان انتخابات آنجا کاملا رعایت مطابقت با مقررات قانون بعمل آمده فقط چیزیکه مورد ملاحظه بوده تشکیل سه حوزه انتخابیه‌است که از طرف انجمن‌نظار مرکزی‌در خفر ودشمن زیادی و دو دویه که در جزء حومه و توابع شیراز است و در جدول منضم بقانون هم برده نشده بتصویب ایالت‌در محل مزبورمقرر گردیده و مطابق صورت مجلس انتخابات محال مزبوره از حیث جمعیت و استعداد قابل تشکیل انجمن نظارت جزء بوده است هر چند محل اختلاف بوده در صورتیکه اسامی محال مزبوره چون در جدول منضم بقانون هیئت انجمن نظارت مرکزی میتوانسته است در آنجاها تشکیل شعبه دهد یا نه پس از تبادل‌نظر و مراجعه بقانون نظر باینکه ماده ۸ قانون‌انتخابات تشکیل انجمنهای نظارت را موکول بنظر انجمن نظارت و تصویب حکومت قرارداده و محال مزبوره اگر چه درجدول اسمی از آنها برده نشده در جزء حوزه انتخابیه شیراز محسوب است شعبه اقدام انجمن نظارت را بر خلاف موادقانون‌ندانسته تصویب نموده چون جریان انتخابات حوزه مرکزی فارس بر وفق قانون هیچگونه اعتراضی وشکایتی نه در مدتیکه انجمن نظارت برای اصغاء شکایات نشسته و نه بعد از آن نسبت بانتخابات آنجا ملاحظه نگردید شعبه نمایندگی آقای محقق‌العلماء را از حوزه انتخابیه شیراز که باکثریت (۲۰۲٥) رأی از ۲٦۳۱٦ رأی انتخاب کنندگان حوزه مزبور است باتفاق آراء تصدیق و بصحت‌اعتبارنامه ایشان رأی‌میدهد .

رئیس - آقای نصرةالدوله توضیح میخواهند

نصرةالدوله - بنده ز آقای مخبر توضیح میخواهم که این اهمیتی را که بجدول منضم بقانون انتخابات داده‌اند از چند نقطه نظر است اگر چه خود شعبه بالاخره رأیش بر آن شده است که حکومت و انجمن نظارت مختارند که علاوه‌بر نقاط معینه در جدول بجاهای دیگرهم انجمن‌جزء تشکیل دهند و خود این رأی شعبه تا اندازه موافقت دارد با اصل قانون فقط برای اینکه سوء تفاهمی نشود خواستم در این باب توضیح بخواهم البته

درقانون که اختیار تعیین‌حوزه انتخابیه بانجمن نظارت مرکزی ونظر حکومت محل (یعنی از نقطه نظر فرستادن شعب واگذارشده) وازآنطرف هم در یك جمله تقریباً دوره های انتخابیه هر محل را ذکر کرده باید دانست همین جدول که منضم بقانون است هیچ نوع تصریح قانونی ندارد که منحصراً در همان نقاط انجمن تشکیل دهند و هر گاه اسم یك محلی درجدول ذکر نشده باشد انجمن‌نظارت‌مرکزی یا حکومت میتواند آنرا جزء حوزهٔ انتخابیه حساب کنند وهمینطور قانون تصریح نمیکند باینکه‌انجمن نظارت مرکزی و حکومت مینویسند که تمام نقاط مذکور درجدول را قابل فرستادن شعبه بداند باین ملاحظه‌خواستم این توضیح را ازآقای مخبربخواهم که سوء تفاهمی نشود

آصف الممالك - بنده عرض می کنم همان طوریکه شعبه رأی داده است اقدام انجمن نظار و حکومت را برخلاف قانون ندانسته لکن تصدیق می‌فرمائید که یك اندازه تردید آور بوده است که در صورتمجلس‌مینویسد درجاهائی که محل‌انجمن‌نظارت مرکزی شعبه تشکیل داده وماده هشتم هم‌کاختیار حوزه های انتخابیه را بانجمن نظارت مرکزی وامیگذارد ودر حدود قانون انتخابات است در جای دیگرهم باز می‌نویسند (مطابق جدول منضمه بقانون اگر سطحی ملاحظه بکنیم و صرفاً بخواهیم رعایت این عبارت را بکنیم شاید تصور شود آنجاهائی که درجدول اسم برده شده فقط درآنجا ها لازم بوده و شاید درموقعی که این جدول نوشته میشده تحقیقاتی را که میبایستی در باب حوزه های انتخابات بکنند قبلا کرده اند وبدین جهت لازم ندانستند درجاهای دیگر تشکیل شعبه بشود باینجهة اینمسئله بکقدری مورد بحث شده وپس از رسیدگی شعبه رأی شعبه این بود که عرض شد .

رئیس -آقای حاج آقا مخالفید

حاج آقا - بنده تعجب میکنم در صورتی که عین راپورت درست است وهمان مطلب را تصدیق کرده اند مطالبی نمیماند که مذاکره شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید

حاج شیخ اسدالله - راجع بنظریات آقا بلی

رئیس - بفرمائید

حاج‌شیخ اسدالله - در قانون یك حوزه انتخابیه معین کرده اند ودرجدول انتخابات هم‌حوزه های جزء را معین نموده اند ودرهرحوزه بعضی از نقاط مهمه را اسم برده اند مطابق این قانون که نوشته شده است نظریات نمایندگان آنوقت اهم از اینکه این قانون موافق اوضاع مملکت ما باشد یا نباشد (کاری باین نظر نداریم) ولی در آنموقع که آن قانون نوشته شده نظریات قانون‌گذارعمومی‌بود که انتخابات باید عمومی باشد یعنی تمام ملت ازاین حق مشروع باید استفاده بکنند باستثناء آن مستثنیاتیکه درخود قانون ذکرشده ومطابق مادهٔ که خودشان فرمودند اختیارهم بانجمن نظارداده شده که اگر یك محلی دور از مرکز انجمن باشد اعم از مرکز کل یا جزء ونتوانند آنجا حاضر شوند آنجا را انجمن مرکزی بتواند یك انجمن جزئی تشکیل کند برای اینکه اهالی آنمحدود واهالی آنمحل از حق ملی‌خودشان‌هم محروم‌نباشند واینماده‌مادةقانونی نیست خیلی واضح وساده وروشن بنده هیچوقت‌تصور نمی‌کردم این ماده باین واضحی محل تأمل بشود و در یکشعبه درآن‌مذاکره بشود که‌آیاانجمن‌مرکزی این حق را داشته است یا خیر که همچوانجمن‌جزئی تشکیل بدهند یا خیر و این انتخابی که شده است مطابق قانون است بلکه تکمیل می کند عمل انتخابات را نه اینکه نقصی به انتخابات وارد بیاورد .

آصف الممالك - بنده تصدیق میکنم تمام فرمایشات شما را شعبه هم همینطور رأی خودش را داده است

رئیس — آقایانی که اجازه خواسته اند خیلی هستند مذاکرات را بایستی تمدید بدهیم (بعضی گفتند خیر)

رئیس - آقای سلطان‌العلماء .

سلطان‌العلماء — بنده پس اجازه ام را پس میگیرم .

آقاسید یعقوب - بنده موافق هستم باآقای حاج شیخ اسدالله باید ایراد کرد که چرا فلانجا شعبه نفرستاده اند حالا اینجا که فرستاده اند آنهم محل ایراد باید واقع‌شود خیلی باید تقدیس کرد انجمن مرکزی فارس را که تمام نقاط شعبه فرستاده‌اند

رئیس - پس رأی میگیریم بنمایندگی آقای محقق‌العلماء آقایانیکه تصویب مینمایند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب‌شد راجع‌بآقای احتشام‌الدوله راپورتی است قرائت میشود .

(آقای آصف‌الممالك راپورت شعبه‌چهارم را بااینمضمون قرائت نمودند)

شعبه چهارم بتاریخ ۲۲ شوال ۱۳۳۹ بدوسیه انتخابات حوزه انتخابیه شوشتر و توابع رسیدگی‌و مدافه لازمه در مطابقت جریان انتخابات آنجا با

مواد مقرره قانون بعمل آورده جریان انتخابات حوزه مزبوره درحدود قانون معمول و تنها چیزیکه مورد دقت بوده عدم مشارکت اهواز درانتخابات آن حوزه بوده است و چون برطبق تلگراف متعدده حکومت عربستان کسواد مصدق آن در دوسیه ضبط است در موقع شروع بانتخابات هم بحکومت ناصری اعلام شروع بانتخابات را در آن حوزه نموده وهم لوازم انتخابات را در قسمت آنجا فرستاده وبا این حال نه از طرف حکومت تا انقضاء مدت قانونی اقدام بانتخابات شده و نه ازطرف اهالی شکایت و اعتراضی نموده‌اند لذا انجمن نظارت مرکزی شوشتر بموجب ماده ۱۸ قانون انتخابات حق آنانرا ساقط دانسته وانتخابات آنجارا خاتمه داده است چون درجریان انتخابات حوزه مزبوره خلاف قانونی ملاحظه نشد وهیچگونه شکایتی هم از انتخابات آنجا در دوسیه انتخابیه نبوده شعبه انتخابات آن حوزه‌را صحیح دانسته نمایندگی آقای احتشام‌الدوله‌را از شوشتر واهواز که باکثریت ۳۳۶۷ رأی از ۳۹۸۲ رای رأی دهندگان است تصدیق و بصحت اعتبار نامه ایشان باتفاق آراء رأی میدهد .

رئیس - اعتراضی هست دراین راپورت (بعضی گفتند خیر) رأی می‌گیریم آقایانیکه تصدیق میکنند نمایندگی آقای احتشام الدوله‌را قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد راپورتی است راجع به آقاسید یعقوب (آقای آصف الممالک بمضمون ذیل قرائت نمودند) .

شعبه چهارم در تاریخ ۳ ذیقعده ۱۳۳۹ بدوسیه انتخابات حوزه مرکزی شیراز وتوابع آن رسیدگی و شرحیکه درراپورت نمرهٔ پنج ذکر شده جریان انتخابات حوزه مزبور را مطابق قانون دانسته و هیچگونه اعتراضی وشکایتی وارد ندید علیهذا نسبت بنمایندگی آقای آقاسیدیعقوب که باکثریت ۱۷۷۷۰ رأی از ۲۶۳۱۹ رأی انتخاب کنندگان آن حوزه است و بصحت اعتبارنامه ایشان باتفاق آراء رأی می‌دهد .

رئیس - مخالفی هست بااین راپورت (گفته شد خیر) پس رأی میگیریم بنمایندگی ایشان آقایانی که تصدیق میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد راپورت دیگری است راجع به آقای غضنفرخان (آقاشیخ اسدالله راپورت شعبه ۶ را بمضمون ذیل قرائت نمودند) .

شعبه ششم رسیدگی بدوسیهٔ انتخابات حوزه گلپایگان وخونسار ونمایندگی آقای غضنفرخان نموده شرح انتخابات بقرار ذیل است درتاریخ سوم شهر شعبان ۱۳۳۷ انجمن نظار مرکزی در گلپایگان تشکیل و از یوم ۱۶ شعبان شروع بدادن تعرفه نموده و تاچهارم رمضان دادن تعرفه واخذ رای در گلپایگان وتوابع خاتمه یافته وبرای انتخابات خونسار در تاریخ ۱۷ شعبان بامرحکومت بانظریات انجمن مرکزی انجمن جزء تشکیل و در موقع انتخابات خونسار اختلافاتی بین اهالی و دو دسته شروع شده وجمعی شکایاتی از جریان انتخابات وطرفداری حکومت نموده اند و اظهار داشته‌اند که حکومت گلپایگان برای پیشرفت مقصود خود بعضی از تجار را که برای شکایت از امر انتخابات ازخونسار حرکت نموده بودند درگلپایگان گرفته توقیف نموده و حکومت گلپایگان درجواب وزارت داخله اظهارداشته که این اشخاص چون برخلاف اقدام مینمودند ودر انجمن نظار توهین بنایب‌الحکومهٔ خونسار نموده بودند توقیف شده‌اند وپس از یك سلسله شکایات از انتخابات خونسار ازوزارت داخله باداره ژاندارمری نوشته میشود که بمأمورین خود در آنحدود دستور دهد راجع بانتخابات آنجا وشکایاتی که میشود سراً تفتیش نموده راپورت بدهند اداره ژاندارمری ماژور مهدیقلیخان را که در آن موقع مأمور آنحدود بوده مأمور رسیدگی مینماید ماژور مهدیقلیخان شرحی راپورت میدهد که شاهزاده رکن الممالك چهار صد تومان پول گرفته و انجمن نظار از صد نفر ده نفر را بیشتر تعرفه نداده وپس از ختم انتخابات افتخار العلماء صندوق آراء را بمنزل خود برده از بعد از ظهر تاچهار ساعت از شب رفته نگاهداشته و درب صندوق را باز نموده آراء را عوض نموده و این عملیات را بواسطه دستور شاهزاده رکن الممالك دانستند در مقابل این راپورت شاهزاده رکن الممالك مرقوم داشته که راپورت ماژور مهدیقلیخان برخلاف واقع واز روی غرضی است که بامن داشته وشرحی نیز در شعبه پس ازحضور توضیحات داده شعبه در این راپورت و شکایات رسیدگی و دقت نموده راپورت ماژور را نتوانست تصدیق نماید زیرا دلیلی برای این که حکومت از کسی وجهی گرفته باشد نبوده واینکه راپورت داده افتخار العلماء درب صندوق را باز نموده مطابق راپورت انجمن نظار خونسار پس از ختم انتخابات صندوق سربمهر تسلیم حکومت شده وبا نظارت آقا مجتهد از طرف انجمن صندوق را به گلپایگان برده‌اند وانجمن گلپایگان نیز بی عیب بودن صندوق را تصدیق نموده‌اند وخود شکایت کنندگان هم دراین خصوص اصلا شکایت واظهاری نکرده اند لذا شعبه نتوانست ترتیب اثر براپورت ماژور مهدیقلیخان بدهد و پس از افتتاح مجلس هم شکایتی نرسیده لذا شعبه ششم صحت انتخابات و نمایندگی آقای غضنفرخان را ازحوزه گلپایگان و خونسار تصدیق مینماید.

رئیس — آقای ملك‌الشعراء مخالفید

ملك‌الشعراء - خیر بنده یك اعتراضی به راپورت داشتم قرائت اواخر راپورت بنده رامطمئن کرد

مدرس - بنده هم یك تقاضائی ازآقای مخبر دارم که آن لفظ را تغییر بدهند بجهة اینکه خوب نیست سابقه شده در راپورت اسم شخص حکومت را برده اند فقط حکومت‌را بنویسید اسم شخص‌را خوب است ننویسید

(بعضی تصدیق کردند)

حاج شیخ اسدالله - برای راپورتهائیکه بعد داده میشود ممکن است ولی راپورتی که داده شده و قرائت شده بنده نمیتوانم این کار را بکنم .

رئیس - منبعد این مسئله را رعایت کنید راجع باین راپورت مخالفی هست

محمد هاشم میرزا - بنده موافق هستم ولی بماند برای جلسه آتیه بماند تا تحقیقاتی و مطالعاتی بدوسیه اش بکنم بعد عرض میکنم

حاج شیخ اسدالله - باید بفرمائید بنده ومخالفم با راپورت بماند برای جلسه بعد اینکه می فرمائید من موافقم و تقاضای تأخیر را میکنید بنده نمیتوانم پس بگیرم

رئیس — آقای آقا سید یعقوب مخالف هستید

آقاسید یعقوب بنده با آقای حاج شیخ اسدالله موافق هستم

محمد هاشم میرزا بنده تقاضا نکردم که آقای مخبر پس بگیرند بنده عرض کردم بمانند برای بعد پیشنهادی کردم پیشنهاد بنده‌را اگر مجلس قبول کرد بماند یعنی برای تکمیل اطلاعات شخص خودم عرض کردم بماند برای جلسه بعد

رئیس - آقایانی که تصویب میکنند این راپورت بمانند برای جلسه دیگر قیام نمایند

عده قلیلی قیام نمودند .

رئیس - تصویب نشد آقایانی که نمایندگی آقای غضنفرخان را تصویب میکنند قیام نمایند

اکثر قیام نمودند

رئیس - تصویب شد راپورتی است راجع بآقای حاج آقا شیرازی

آقای سردار معظم خراسانی راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند

شعبه چهارم بدوسیه انتخابات قسار سیدگی کرده نظریات خود را ذیلا باطلاع مجلس شورای ملی میرساند

اولا اعتبار نامه نماینده محترم فسا جزء دوسیه انتخابات نبوده و بشعبه نرسیده است و آنچه که تحقیق شد وصورت مجلس انتخابات نیز حاکی از آن است اعتبار نامه مزبور ازطرف انجمن نظارت انتخابات صادر و برای نماینده محترم فسا فرستاده شده است و بعد ها خود معزی الیه آن را گم کرده اند

ثانیاً انجمن نظارت که مطابق مقررات قانون تشکیل شده است

در چهارم شعبان ۱۳۳۷ اعلان انتخابات را منتشر نموده و دادن تعرفه را موکول بروز دهم شعبان نموده است درصورتی که مطابق ماده ۲۱ قانون انتخابات فاصله مابین اعلان انتخابات و موقع دادن تعرفه لااقل باید ده روز باشد و بنابراین در مورد اعلان انتخابات انجمن نظارت فسا مراعات کامل قانون را ننموده است ولی، چون حوزه انتخابیه فسا کوچك و علاوه بر انجمن نظارت خود فسا انجمن نظارت جزء برای داراب معین شده هیچ نوع شکایتی هم از بابت کمی مدت نرسیده است

شعبه این قصور قانونی‌را مبطل انتخابات ندانسته و تصور مینماید که سکنهٔ باسماس انتخابیه وارد نمی‌نماید معاشر جریان انتخابات حوزه فسا و داراب موافقت کامل با قانون داشته وصحیح بنظر میآید و از ۱۰ شعبان تا ۱۶ شعبان تعرفه داده‌شده در ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ شعبان اخذ آراء شده پس‌از آن انجمن نظارت منتظر وصول صندوق آراء داراب گردیده وپس از وصول آن در ۱۵ رمضان هردو صندوقرا باز و آراء آنهارا مخلوط وشروع باستخراج آراء کلیه حوزه انتخابیه نموده است مجموع آراء فسا وداراب ۲۶۲۷ رأی است که ۱۱۶۵ متعلق بفسا و ۱۴۶۲ متعلق بداراب میباشد اکثریت آراء حوزه انتخابیه‌را آقای حاج آقا شیرازی حائز شده وباکثریت ۱۴۴۶ رأی بنمایندگی حوزه انتخابیه فسا منتخب شده اند انجمن بعداز استخراج آراء مدت مقرره برای اخذ شکایات‌را دائر بوده ولی هیچ‌نوع شکایتی نرسیده است وپس از انقضاء مدت انجمن منحل شده است پس از فراغت ازمداقه درجریان عملیات انتخابیه وتصدیق موافقت آن باقانون شعبه پنجم مذاکراتی درباب خود منتخب محترم نمود زیرا که نمایندگی نماینده فعلی فسا در دورهٔ سوم تقنینیه ازطرف مجلس ردشده بود وبعضی تصور مینمودند که ماده ۴۷ قانون انتخابات فعلا نیز تأثیر در انتخابات آقای حاج آقا خواهد نمود برای مزید بصیرت نمایندگان محترم عین ماده ۴۷ ذیلا نقل میشود

ماده ۴۷ انتخاباتیکه مبنی برتهدید وباتطمیع بوده باشد ازدرجه اعتبار ساقط است وتهدید و یا تطمیع کننده از ۳ ماه الی یکسال محبوس میشود و برای یك الی دو دوره انتخابیه ازحق انتخاب محروم خواهد بود ماده مزبور بدوقسمت متمایز تقسیم میشود

قسمت اول - راجع است ببطلان انتخابات که مبنای آن بر تهدید و تطمیع باشد و قسمت دوم - مجازات‌های معینه برای تهدید وباتطمیع کننده‌را معین مینماید مطابق ماده قانون برای بطلان انتخابات باید موجوده بودن تهدید وتطمیع محرز شده وتأثیر آن بدرجهٔ باشد که آن انتخابات مبنی برتهدید ویا تطمیع شمرده شده دراینصورت البته تمام عملیات انتخابیه و نتیجه آن ازدرجه اعتبار ساقط وباطل میشود

قسمت دوم ماده که درآن دومجازات برای تهدید ویا تطمیع کننده معین میشود فقط مربوط بمباشر تهدید وتطمیع بوده وهر دو بالسویه واجب‌الاجراء میباشند هرتهدید کننده ویا تطمیع کننده درامر انتخابات اعم ازاینکه برای انتخاب‌خود ویابرای انتخاب غیرمتوسل باینوسیله بشود پس‌از ثبوت تهدید وباتطمیع مطابق ماده ۴۷ محکوم بسه‌ماه الی یکسال حبس ومحرومیت از یك الی دو دوره انتخابیه از حق انتخاب میباشد توأم بودن این دومجازات حتمی ومنحصراً شامل تهدید ویا تطمیع کننده میباشد بنابراین اگر مبنای انتخابات زیدی تهدید ویا تطمیع باشد و آن تهدید یا تطمیع راخود او مرتکب شده باشد اولا پس از ثبوت انتخاب او باطل میشود ثانیاً خود او از ۳ ماه الی یکسال حبس شده ثالثاً برای یك الی دو دوره ازحق انتخاب که انتخاب کردن وانتخاب شدن یعنی یکی از حقوق مدنی باشد محروم میگردد ولی اگر درهمان انتخابات زید وعمر و مرتکب تهدید و یا تطمیع شده باشد حبس ومحرومیت از حق انتخاب شامل زید نشده معطوف بعمرو میگردد حال باید دید که کدام قسمتهای ماده ۴۷ شامل انتخابات نماینده فعلی فسا وکدام قسمت شامل شخص معزی الیه است

پس از مراجعه بصورت مجلسهای دوره سوم تقنینیه راجع بردآقای حاج آقا وراپورت شعبه که قادر به اتخاذ رأی قطعی دراین باب نشده وحکمیت قضیه‌را مو کول بادارهٔ خود مجلس سوم نموده است واطلاع ازعلل ظاهری وباطنی رد آقای حاج آقاحیان معلوم شد که در مجلس سوم علت رد آقای حاج آقا تشخیص نشده و نه مداخله تهدید و تطمیع در انتخابات محرز شد ونه تهدید وتطمیع کننده معین گردیده است و احتمال بیشتر میرود که میل بایجاد وحدت نظر درمجلس وثبودن اشخاصیکه حصول توافق نظر بآنها خالی از اشکال نبوده بی تأثیر در رد آقای حاج آقا در مجلس سوم نبوده است علاوه بر اسناد واطلاعات مذکوره قرائن خارجی نیز حاکی از این است که رد آقای حاج آقا بواسطه ثبوت تهدید و تطمیع نبوده است اگر مجلس سوم انتخابات آقای حاج آقا را مبنی بر تهدید وتطمیع میدانست باید مطابق اصل قانون آن انتخابات‌را باطل مینمود وچون انتخابات طهران جمعی و علاوه بر آقای حاج آقا یازده نفر دیگر هم انتخاب شده بودند باید تمام انتخابات طهران تهدید میشد زیرا که تفکیك تاثیر تهدید و تطمیع در انتخابات قبول بعضی دون بعضی عمداً غیر ممکن است وچون برعکس نمایندگی سایر نمایندگان طهران در مجلس سوم تصدیق شده شده است باید گفت که مجلس مبنای آن انتخابات‌را تهدید و تطمیع نشمرده است حال اگر فرض کنیم انتخاب شخص حاج آقا مبنی بر تهدید وتطمیع بوده و این تهدید تطمیع شامل سایر منتخبین نیست باوجود اشکال تفکیك مطلب باز هم مطابق قانون فقط آن انتخاب از درجه اعتبار ساقط خواهد بود ومجازات های معینه در ماده ۴۷ که عبارت از حبس و محرومیت از حق انتخاب باشد شامل خود آقای حاج آقا نشده متوجه بکسانیکه برای انتخاب ایشان متوسل به تهدید وتطمیع میگردیده اند میشود مگر اینکه تصور شود که خود آقای حاج آقا مباشر تهدید و تطمیع بوده اند این فرض اخیرا عمال مجلس سوم قطعاً رد میکند زیرا که اگر خود آقای حاج آقا تهدید کننده وتطمیع کننده شمرده میشد اولا باید محکوم بحبس شده وثانیاً از یك الی دو دوره حق انتخاب محروم میگردند وچون قانون محکمه دیگری را جز مجلس شورایملی در امور انتخابیه قائل نشده است واین محکمه حبس‌را در باره عضو مردود خود جاری ننموده است بنا بر این منطقاً باید گفت که مجلس یا قائل بموجود بودن تهدید وتطمیع نشده است ویا اینکه موفق بکشف تهدید و تطمیع کننده نگردیده است و بواسطه عدم کشف مجازات ها غیر قابل اجرا شده اند و در هرصورت متوجه به آقای حاج آقا نمیگردد بنا بر آنچه گفته شد شعبه پنجم ماده ۴۷ و محرومیت از حق انتخاب را شامل حال آقای حاج آقا ندانسته بالنتیجه نمایندگی ایشان رابرای دوره چهارم مجلس تصدیق مینماید .

رئیس - آقای حاج آقا مخالف هستند .

حاج آقا - بنده خیلی متأسف هستم که شعبه مجبور شده است تذکر بدهد یك عملیاتی‌را که بر تمام این مملکت اساسش مبرهن ومعلوم است .

مدرس - چون خیلی از وکلاء امسال جدید هستند هر کدام قانع نیستند باین راپورتها آنها را بسط بدهند برای آنهائیکه امسال وکیل شده اند این راپورتها محتاج ببسط مذاکره اند وکلائی که تازه آمده شاید بعضی مطالب رابرسبیل اجمال شنیده باشند ویك مرتبه یك مسئله را مشکل بشمارند اگر محتاج ببسط مذاکره هستند آنها که دوره بیش بودند آقای رئیس اجازه بفرمائید که مطلب رابسط بدهند که رفع بعضی شبهات اگر در قلبشان شده است بشود .

رئیس - کسی اجازه نخواسته .

مدرس - بنده اجازه خواستم .

رئیس - مخالف هستید .

مدرس - خیر موافق هستم .

رئیس — پس در چه مسئله حرف میزنید یك مخالفی باید پیدا شود که بعد موافق حرف بزند پس همه موافق هستید رأی میگیریم بنمایندگی آقای حاج آقا شیرازی آقایانیکه تصویب مینمایند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد راپورتی است راجع بانتخابات قزوین .

(آقای سردار معظم راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه پنجم - بدوسیه انتخابات قزوین رسیدگی کرده ومطالعات خود راذیلا بعرض نمایندگان محترم میرساند ۵ محرم ۱۳۳۷ جلسهٔ اول انجمن نظارت انتخابات قزوین که مطابق مقررات قانون تشکیل یافته است منعقد شده ودراین جلسه تصمیم گرفته شده است که ۹ شعبه با انجمن نظارت جزء در بلوکات تشکیل و برای اداره کردن هر یك از آنها یکنفر نماینده از طرف حکومت ویکنفر از طرف انجمن نظارت معین شده اند اسامی بلوکاتی که در آنجا انجمنهای جزء تشکیل شده است بشرح زیر است ۱ خرقان ۲ طالقان ۳ قافزان ٤ دو دانگه و ابهررود وخررود ۵ زهرا ٦ رامند افشاریه ۷ دشتابی ۸ قریایه و فشکل دره ویشاریات ۹ رودبار و الموت درهفدهم محرم اعلان انتخابات منتشر و معین شده است که در شهر ازغره صفر الی دهم صفر از سه بغروب تا غروب تعرفه داده شده و از ۱۱ صفر الی ۱٤ اخذ رأی شده برای بلوکات تا بیستم صفر برای پذیرفتن آراء معین شده است در ۲٤ محرم ورقه اعتراضیه راجع بکمی مدت انتخابات بلوکات وکمی مدت دادن تعرفه شهر وکمی مقدار تعرفه بلوکات و مراکز تعیین شده بلوکات و لزوم تعیین دو مرکز در هر بلوکی برای تسهیل امر انتخابات و لزوم اخذ فوری رأی بعد از دادن تعرفه رسیده است در جواب انجمن

نظارت سه روز بر مدت بلوکات افزوده و مقرر داشته است که بعد از انقضای مدت اعلان در هر بلوکی ده روز تعرفه داده ورأی بگیرند در باب کمی مدت تعرفه شهر جواب داده شده که اگر انجمن عصرها را کافی برای تعرفه دادن ندید مزید بر وقت خواهد نمود تعرفه فرستاده شده ببلوکات را نیز انجمن کافی دانسته و وعده داده است که در هر جا که کم بیاید توسط قاصد فرستاده خواهد شد تعیین مرکز هر بلوکی را موکول بنظر انجمن آن بلوک کرده تعیین دو مرکز را رد و تقاضای گرفتن فوری رای را بعد از دادن تعرفه بواسطه مخالفت با قانون نه پذیرفته است درغره صفر شروع بدادن تعرفه شده ضمناً مطابق اخطاریه های مخصوص بانجمنهای بلوکات اخطار شده است که تا ۲۵ صفر مدت انتخابیه آنها تمدید داده میشود باستثنای بلوک رودبار و الموت که تا غره ربیع الاول باید آراء خود را حاضر نمایند از غره تا ۶ صفر عصر ها تعرفه داده شده و از هفتم مطابق اعلان قبلی صبح ها نیز تعرفه داده شده است یازدهم صفر شروع باخذ آراء گردیده در این جلسه تقاضا نامه از طرف اهالی بلوک بشاریات رسیده است که حوزه بشاریات را از فشکل دره مجزا نمایند این تقاضا پذیرفته شده و بنماینده انجمن نوشته شده است که آراء آنجارا تا غره ربیع الاول بشهر بیاورند ایضا اعتراضی بانجمن رسیده است که بر خلاف رأی انجمن واردین را استنطاق کرده و تضییقات در دادن تعرفه مینماید در صورتیکه انجمن مکلف باستنطاق تعرفه گیرنده ها نبوده و فقط باید باداشتن شرایط معینه تعرفه بدهد در ۱۴ صفر اخذ آراء خاتمه یافته است وعده آراء شهر ۱۶۱۱ بوده است در باب استخراج آراء بلوکات در محل و یا آوردن آنها بشهر برای استخراج انجمن از وزارت داخله بوسیله حکومت قزوین استفسار کرده است ولی وزارت داخله جوابی کالازم بوده است نداده و بالنتیجه خود انجمن و حکومت تصویب کرده اند که آراء بلوکات بشهر آورده شده و در آنجا استخراج شود صورتهای مجلس انتخابات بلوکات جزء حاکی بشرح ذیل است در خرقان ـ انجمن نظارت تشکیل و در یازدهم صفر اعلان کرده است که از ۱۶ الی عصر ۱۸ صفر تعرفه خواهد داد و بهمین ترتیب رفتار کرده اند ۱۹ و ۲۰ صفر اخذ آراء نموده است و پس از آن در صندوق ممهور آراء خودرا بشهر فرستاده در ۲۷ صفر بانجمن نظارت مرکزی تحویل داده است حوزه طالقان صورتمجلسی بامضاء انجمن نظارت نداشته ولی رایورتی از حکومت محل بوزارت داخله موجود است که مطابق آن در ۱۷ صفر انجمن تشکیل و در ۲۵ شهر صفر انتخابات آنجا خاتمه یافته و در ۲۷ صفر جعبه آراء آنجا بانجمن محل تحویل داده شده است علاوه بر این رایورت کتابچه تعرفه و صورت آراء بلوک مزبور مطابق تصدیق انجمن نظارت مرکزی نیز موجود است قاقزان ـ انجمن جزء از ۸ صفر الی ۲۰ صفر مشغول بدادن تعرفه بوده و ابتداء مرکز بلوک را در کندر قرار داده پس از آن بواسطه وصول شکایات مرکز را بقریه نیکویه انتقال داده اند ویس از اتمام تعرفه از ۲۱ الی ۲۴ آراء تعرفه های داده شده رادر هر دو مرکز اخذ نموده اند ویس از آن صندوق آراء آنجا را بشهر برده و تحویل داده اند دو دانگه ابهرود وخررود ۶ صفر اعلان انتخابات بلوک شده از ۱۱ الی ۱۸ تعرفه داده شده و از ۱۸ الی ۲۰ اخذ آراء شده است و در ۲۷ صفر صندوق آراء بلوکی مزبور بانجمن نظارت مرکزی تحویل داده شده است

زهرا ـ در ۶ صفر اعلان انتخابات بلوک مزبور از طرف انجمن شده از ۹ الی ۱۴ تعرفه داده شده واز ۱۵ الی ۱۸ اخذ آراء شده است و در ۲۴ صفر صندوق آراء زهرا ـ درشهر قزوین تحویل انجمن مرکزی شده است رامند و افشاریه از تاریخ ۱۱ صفر الی ۱۶ تعرفه داده شده پس از آن اخذ آراء بعمل آمده و در ۲۴ صفر صندوق آراء آنجا بانجمن مرکزی تحویل شده است ـ دشتیابی ـ در ۷ صفر انجمن جزء تشکیل و مطابق اعلان در اوراق از ۱۴ صفر الی ۱۹ صفر تعرفه داده و از ۲۰ الی ۲۲ اخذ آراء نموده وصندوق آراء در ۲۴ تسلیم انجمن نظارت مرکزی شده است قهپایه وفشکل دره وبشاریات انجمن نظارت در ۱۰ صفر منعقد و اعلام نموده است که از ۱۵ صفر تعرفه خواهد داد در جلسه ۱۵ صفر سه نفر از اعضای انجمن نظارت بواسطه مسافرت از عضویت انجمن مستعفی شده و بجای آنها ۳ نفر دیگر معین گردیده است از ۱۵ الی ۲۲ تعرفه داده شده و از ۲۲ الی ۲۴ صفر اخذ آراء شده پس از آن بواسطه تفکیک بشاریات از فشکل دره درخرام پشته از ۲۵ تا ظهر ۲۸ تعرفه داده شده واز ظهر ۲۸ تا غروب ۲۹ اخذ آراء شده وصندوق آراء در ۳ ربیع الاول بانجمن مرکزی قزوین رسیده است.

رودبار از ۱۰ صفر شروع بانتخابات شده است ۷ روز تعرفه داده اند وسه روز رأی گرفته شده ولی در الموت تعرفه داده نشده وآراء گرفته نشده است ونمایندگان انجمن نظارت پس از ۲ روز توقف در الموت مراجعه کرده اند وعلت عدم توقف خود را رفتن مردان الموت برای تجارت به تنکابن ذکر کرده انجمن مرکزی و حکومت محل نیز این جهت را تصدیق مینمایند وصندوق رودبار در ۳ ربیع الاول بانجمن مرکزی قزوین تحویل داده شده است در ۳ ربیع الاول انجمن نظارت مرکزی قزوین شروع باستخراج آراء نموده است وتا ۱۸ استخراج آراء شهر و بلوکات ادامه یافته است نتیجه آراء شهر و بلوکات بشرح ذیل است.

سردار معظم — یك مقداری از رایورت عده آراء حوزه ها است که لازم نیست قرائت شود مطابق صورت فوق آقای آقامیرزا ابراهیم خان دارای ۴۹۳۰ رأی وشاهزاده سردار مفخم ۴۰۴۵ رأی شده اند و از ۱۱۱۸۵ رأی حوزه انتخابیه قزوین حائز اکثریت گردیده اند پس از ختم انتخابات ازطرف حکومت نتیجه آن اعلان ومنتشر شده است در ۲۱ ربیع الاول شکایت نامه محتوی ۹ فقره شکایات از انتخابات بانجمن نظارت رسیده است که درجواب انجمن شرحی نوشته و اعتراضات ۹ گانه را رد مینماید در جلسه ۲۵ ربیع الاول ورقه چاپی در تحت عنوان قانون کشی بامضاء عده ایرانی درشکایت ازسوء جریان انتخابات وتکرار مواد نه گانه شکایت بانجمن رسیده وانجمن جوابی در ردلایحه مزبوره بروزنامه رع قزوین نوشته است وبتوسط حکومت فرستاده است که درج میشود ورقه چاپی دیگری درتحت عنوان انتخابات سوء قزوین ـ منتشر شده است که در آن پس از تصدیق صحت عمل وتصدیق اعضاء انجمن نظارت مرکزی اشاره باعمال تهدید وتطمیع در انتخابات نموده منجمله یکی ازعلائم عدم صحت انتخابات یکسان بودن آراء دومنتخب در رودبار ذکر میشود درصورتیکه مراجعه به آراء ثابت میکند که یکی دارای ۶۷۱ رأی و دیگری دارای ۱۹۶ رأی میباشد متشکیان بوزارت داخله نیز شکایت کرده واوراق چاپی وشکایت نامه ۹ ماده رافرستاده اند از طرف وزارت داخله برای تحقیق مطلب مراجعه بحکومت قزوین شده است حکومت وقت در جواب در تحت شماره ۱۱۳۵

۱ اعضاء انجمنهای نظارت کل و جزء را در نسبتهای شکایت کنندگان تبرئه کرده .

۲ — مینویسد که تمام صندوقهای آراء ممهوراً بمهر اعضاء انجمنهای جزء و نمایندگان حکومت به شهر رسیده پس از مداقه حکومت و اعضاء انجمن نظارت مرکزی تحویل گرفته شده است (۳) ازروز دادن تعرفه تاروز استخراج آراء شکایتی نرسیده و فقط پس از یاس کاندیدا های دیگر شکایات شروع شده است (۴) حکومت ازمطبعه اسامی طبع کنندگان اوراق چاپی را برای اثبات دعاوی خود در محکمه صالحه خواسته ولی مطبعه از معرفی آنها امتناع کرده است با النتیجه حکومت شکایت ها را وارد ندانسته و رد می کند مطابق مراسلهٔ دیگر حکومت درخواست اعزام یکنفر مفتش ازوزارت داخله نموده است که شکایات رسیدگی نموده وصدق وکذب اظهارات رامعلوم نماید در دوسیه انتخابات شکایت نامه های متعدده موجود است که اغلب آنها بطور کلی شکایت از نوع جریان انتخابات کرده ومبنای شکایت خود را مواد نه گانه قرارداده اند من جمله ازطرف فرقه دموکرات قزوین شکایتی از انجمن نظارت وانتخابات شده است و ذکر میشود که در بعضی بلوکات از قبیل دودانگه و افشاریه اعمال تهدید وتطمیع شده است و مخصوصاً قسمت اعظم شکایات از انتخابات قزوین پس ازانتشار بیانیه دولت وقت درششم اسدسنه ماضیه راجع به تجدید انتخابات رسیده است دراینموقع آقای مدحت السلطنه که در زمان انتخابات حاکم بوده است ازقزوین احضار و آقای موفق الدوله حاکم بوده اند دوورقه شکایات ازانتخابات بایشان رسیده است که معزی الیه بوزارت داخله ارسال کرده ولی خود اظهار می دارد که صاحبان آنها را نشناخته و مندرجات شکایت نامه را تصدیق نمی نماید علاوه برشکایات عمومی ازسوء جریان انتخابات شکایات خصوصی نیز درزمینه انتخابات شده است مثلا اهالی خرقان شکایت کرده نیز

و تقاضا کرده اند که در بلوك خوقان دو مرکز انتخابیه که یکی در آوه و دیگری در کلنجین باشد تشکیل شود اهالی الموت ازندادن تعرفه ومجبوریت خود شکایت نموده اند درمقابل شکایات مزبوره رضایتنامه های مفصلی نیز بامضاء علماء وتجار واهالی از شهر و بلوکات قزوین راجع بصحت انتخابات و رضایت از نمایندگان فعلی واعتراض بتجدید انتخابات رسیده است تصدیق نامه های انجمن های نظارت و حکام و بلوکات در صحت انتخابات نیز در دوسیه موجود است چنانکه عرض شد دراغلب شکایات واصله از قزوین مدرك شکایت همان مواد ۹ گانه شمرده شده لهذا شعبه لازم میداند که عین آن مواد وجواب انجمن نظارت برای مزید اطلاع نمایندگان محترم ضمیمه راپورت شعبه ۵ شده بنا برآنچه در فوق گفته شد شعبه ۵ صحت انتخابات قزوین را تصدیق مینماید

رئیس — آقای صدرالاسلام مخالفید

صدرالاسلام ـ توضیح میخواهم عرض کنم ابهررود جزء قزوین نیست درخمسه است

سردار معظم — شاید دوتا ابهر رود باشد اگر یکی باشد ایراد برانجمن نظارت است

رئیس — شکایتی هم راجع بانتخابات قزوین هست باید برای نمایندگان قزوین جداگانه رأی بگیریم .

سردار معظم — نظر باینکه مخالفی درمجلس نیست اگر آقایان اجازه میدهند مواد ۹ گانه شکایات وجواب انجمن نظارت قرائت شود که با چه دلائلی آن اعتراضات را رد کرده است

شکایت مزبور و جواب انجمن مزبور بمضمون ذیل قرائت شد

توسط حکومت جلیله قزوین دامت شوکته هیئت محترم انجمن نظارت دام تأئیداتهم

البته خاطر اعضاء محترم انجمن نظار از سوء جریان انتخابات حاضره کاملا مسبوق بوده واتفاقات غیرقانونی که دراین انتخابات مکرر درمکرر بظهور رسیده است اطلاعات کافی دارند وبرای اینکه انجمن نظار پس از تأمل و رسیدگی باعتراضات قانونی بطلان این انتخابات را اعلان نماید بشرح مختصری از اعتراضات مبادرت شده توجه مخصوص اعضاء انجمن را بنکات دقیقه آن جلب مینمائیم اولا بطور کلی بحد شیاع وتواتر رسیده که در کلیه بلوکات قزوین کلیه تعرفه ها بطور تهدید ویا تطمیع توزیع شده واین مطلب بطوری مسلم است که قابل انکار نیست وبزرگترین دلیل آن اینست که درشهر قزوین با وجود بودن دسته ها و پارتی های مختلف فقط ۱۶۰۰ ورقه رأی بصندوق انتخابات وارد شده (آن هم متجاوز از نصف آن از دهاتیهای اطراف) ودر هر یك از ۹ بلوك قزوین از ۹۰۰ الی ۱۷۰۰ رأی در صندوق بلوکی بشهر آوردند ثانیا نظاری که در بلوکات مأموریت داشتند مستقیماً دخالت در آراء عمومی نموده و نظریات شخصی را اعمال کرده اند چنانچه اوراق آراء اغلب بخط نظار بوده است وایندخالت بحدی متجاوز وعلنی شده که دربلوك قاقزان وغیره دردومحل تعرفه توزیع و اخذ آراء شده ودر بلوك الموت که متجاوز از ۷۰۰۰ نفر جمعیت دارد ابداً تعرفه توزیع نگردیده

ثالثاً در بلوك دودانگه عباس سلطان رعایارا بجبر نمودن و بضرب شلاق وا دار باخذ تعرفه و نوشتن رأی مخصوص نموده و همچنین در اغلب از بلوکات شاه و نهار برای رعایائیکه مجبوراً از محلهای دور آمده اند تهیه شده و نمایندگان بدنمایان و کالت آشکارا پول و خلعت (عبا و غیره) به کدخدایان محل و متنفذین تقسیم نمودند

رابعاً مطابق دوسیه هائیکه در موضوع تطمیع و تهدید رعایای اطراف شهر در اداره نظمیه موجود است مبرهن میشود که کلیه آراء عمومی بلوکات و رعایا در چه ضمیمه جریان داشته.

خامسا با وجودیکه مهر صندوق دودانگه صحیح و سالم نبوده و طرف سوء ظن اعضاء انجمن نظار واقع شده است معهذا بدون تعمق و تحقیق بنظر لاقیدی فقط بسئوال از نمایندگان حکومت و انجمن نظار قناعت کرده وقرائت شده.

سادساً مطابق دفاتر بلوکات رعایای یك قریه مجبوراً در دو محل حاضر شده رأی دادند وبعضی هم اسامی خود را تغییر دادند.

سابعاً صندوق آراء خرقان و جریان انتخابات آنجا بحدی در هم و برهم و غیر قانونی بوده است که نمایندگان حکومت جلیله که از ترتیب قوانین انتخابات اطلاعات کافی داشته دفاتر و صحت آن را تصدیق و امضاء نکرده است .

ثامناً در کلیه جریان انتخابات سستی ولاقیدی اعمال گردیده حتی اشخاصیکه علناً در شهر وبلوکات مشغول آنتریك و تطمیع و تهدید بودند با وجود دستگیری مجازات قانونی شده اند تا عبرت دیگران شده تا سایرین آزادانه در این عمل اقدام ننمایند.

تاسعاً ۹ نوبت ۳۰ ورق آراء نوشته شده که خط آقا میرزا ابراهیم خان پیشکار سردار مفخم است تقدیم میشود که فقط در یك محل اخذ شده است .

وکلیتاً آراء صندوق و بلوکات از اینقرار است در خاتمه اعضاء محترم انجمن نظار را باین نکته متوجه میداریم که با علم و اطلاعاتیکه بصحت مطالب فوق دارید هرگز موافق حق و حقانیت تحقیق و عمل ننمائید علاوه براینکه در پیشگاه خداوند و تاریخ و وجدان مسئول بوده ـ میشود موقعیکه در مقابل حکمیت و سئوالات بر ملت مسئول باشید.

(جواب انجمن نظارت) جواب از ورقه که مشتملا بر ۹ فقره شکایات از جریان انتخابات ازقرار ذیل است

۱ ـ تهدید و تطمیع در بلوکات بصرف دعوا و بدون دلیل که از برای آن اقامه کرده ـ مینویسند که در شهر (۱۶۰۰) ورقه رأی بصندوق انتخابات وارد شده درصورتیکه نصف آن از دهات اطراف بوده نگرفتن تعرفه در شهر دلالت بر تهدید و تطمیع بلوکات نمینماید میخواستند اهالی شهر ده هزار تعرفه بگیرند ما نعی نداشتند وکسانیکه مظنون بوده اند نماینده حکومت جلیله ونماینده اداره محترم نظمیه آنها را جلب و تعرفه داده نشده .

۲ ـ مینویسند نظار بلوکات دخالت در آرا عمومی نموده و این دخالت بحدی متجاوز و علنی شده که در محل خاقران در دو محل تعرفه توزیع و اخذ آراء شده درصورتیکه مسئله قاقران بموجب مکاتیب صادره و وارده در دوسیه معین است که از میرزا شریف نماینده آن بلوك مؤاخذه شده وتغییر مرکزی که خود قرار داده بود نوشته شده که در نیکویه که مرکز حقیقی آن بلوك است قرار دهد و در بلوك الموت از قرب اظهار نمایندگان اهالی آنجا بر حسب معمول سنواتی به تنکابن از جهة کسب رفته کسی نبوده تا تعرفه توزیع شود

۳ ـ در بلوك دو دانگه عباس سلطان رعایارا بضرب شلاق وادار باخذ تعرفه نموده و در اغلب بلوکات شام و نهار برعایا میداده اند و دادن پول و عبا و غیره اینهم فقط بصرف دعوا نمیتوان قبول نمود از نماینده حکومت جلیله ونماینده نظار چنین اظهاری نشده و از خود آن بلوك هم شکایتی نرسیده.

۴ ـ مطابق دوسیه هائیکه در موضوع تهدید و تطمیع رعایای اطراف شهر درادارهٔ نظمیه موجود است از قرار شهرت راجع بیك ناحیه بوده که آن نیز بر فرض واقعیت و ثبوت حائز اکثریت نگردیده.

۵ ـ در خصوص مهر صندوق دو دانگه که مینویسند که مورد سوء ظن اعضاء انجمن واقع شده بود این قسم نبوده بلکه بواسطه عدم حضور نماینده حکومت جلیله جناب آقا شیخ احمد شهیدی موکول بجلسه بعد گردیده در صورتیکه هر دو نمایندگان تصدیق صحت جعبه و معرفی آنها را نمودند پذیرفته شد .

۶ ـ اینکه مینویسند رعایای یك قریهٔ در دو محل حاضر شده تعرفه گرفته و اسم خود را تغییر داده رأی داده اند خوب بود اسم آن محل و اسامی آن اشخاص را مینوشتند که تا ممکن شود تفتیش ازمحل یا از ثبت اسامی دفتر.

۷ ـ در موضوع صندوق آراء خرقان بموجب مکتوبیکه از حکومت آنجا رسیده قضیه بعکس بود

۸ ـ اینکه مینویسند در شهر و بلوکات کسانی که مشغول آنتریك و تطمیع و تهدید بوده اند با وجود دستگیری مجازات نشده اند .

اولا انجمن نظار وظیفه اش جز نظارت نبوده همه روزه در انعقاد و انجمن نماینده حکومت جلیله و نماینده اداره محترم نظمیه بودند مظنونین مطابق قوانین مورد استنطاق اداره نظمیه واقع شده و بآنها تعرفه داده نشده و رأی هم پذیرفته نشد .

۹ اینکه مینویسند (۳۰) ورقه رأی بخط آقا میرزا ابراهیمخان است وفرستاده شده چنین اوراقی بانجمن نرسیده در خاتمه غالب امهار ورقه اعتراضیه غیر معروف واز کسانیکه شناخته میشود ازجمله آقا سید حسن هبت الله زاده است که خود ازطرف حکومت جلیله مأمور بلوك زهرا وتصدیق صحت انتخاب آنجا را نموده واز جمله شریعتمدار آقای حاج میرزا اسحق که مینویسد ازقرار مسموع موافق قانون نبوده چه اثر برسماع میتوان قرارداد

سردار معظم - علاوه‌براینکه انجمن نظارت این شکایاترا تکذیب نموده ما خودمان هم وقتی بدوسیه رجوع کردیم دیدیم شکایت وارد نیست مثلا شکایتی که راجع بقاقران شده‌است که دردوجا تعرفه داده شده این شکایت اساس ندارد زیرا که ابتدا همانطور که در راپورت هم عرض شده‌است یك‌انجمن نظار درقریه کندر تشکیل‌داده‌اند وآن نقطه‌رامرکز معین کرده وچون آن نقطه مرکزیت نداشت مجبور شده‌اند که آن نقطه‌را بیك محل دیگر تغییر دهند و ایراد نیست بلکه باید تصدیق کرد انجمن نظاری که مراعات این نکاترا کرده و موجبات تسهیل اخذ آراء رافراهم کرده است قابل تمجید است‌شکایت دیگر راجع بعباس‌سلطان نامی‌است وقتیکه مامراجعه میکنیم بصورت مجلس آن بلوك درهمانجائی که می گویند تطمیع و تهدید برای آراء قزوین شده در یکی ازحوزه های انتخابیه آراء آنجارا که می‌بینیم یك بیکلراف نامی ۱۲۲۵ رأی دارد و اکثریت آن حوزه‌را اودارد ومیرزا ابراهیم‌خان ۱۱۷ رأی و همین مسئله میتواند نشان بدهد در بعضی موارد شکایات متشکیان چه نظریاتی داشته‌اند

رئیس - آقای ملك‌الشعراء

ملك‌الشعراء - بنده برایورت اعتراض دارم متأسفانه‌این‌اعتراض‌را در ایورت‌خونسارهم‌داشتم‌وبسطی که‌مخبرین‌براپورتهامیده‌ندهیچ صحیح‌نمیدانم‌مخصوصاً یك شکایاتی که قوق‌العاده طول‌میکشد ووقت‌مجلس را تضییع مینماید واصل آن شکایت را خود شعبه مورد اهمیت قرارنداده‌است درابنصورت بنده تعجب میکنم چه لزومی دارد که این شکایات را با این زحمت‌آورده دراینجا خوانده شوددراین دو راپورت قرائت شده که گذشته البته نمیتوان جبران کرد ولی استدعا میکنم ازمخبرین محترم درراپورتهائیکه در آینده میدهند شکایاتراکه مورداهمیت قرارنمیدهند دراصل راپورت ننویسند و مسائلی که خودشان هم بآنها اعتنا نمیکنند لااقل آنها را درراپورت‌ننویسند زیراهم وقت مجلس‌تلف میشود وهم عبارات ومسائلی درآنها هست که جزوهن چیزدیگرنیست این‌خواهشی است که بنده میکنم که در آینده این مسئله ملاحظه شود.

سردار معظم - بر عکس متأسفانه نظر شعبهٔ ما وبنده بیك مسئلهٔ غیر از این بوده و نظریه بنده بـا آقای ملك الشعراء مخالف است و بهمان جهة راپورترا مشروح ومفصل دادیم برای اینکه ما معتقد نیستیم که فقط یك عقایدی که برما مسلم شد سایرین هم مجبوراً آنرا بپذیرند (بعضی تصدیق کردند) ما برعکس معتقد بودیم ازفورمولهائی کدر اکثر راپورتها اتخاذ میشد یعنی از فورمول چاپی (وشکایاتی که رسیده بود قابل توجه نشده و شعبه با کثریت تصدیق نمودند)دوری کنیم ما عقیده‌داشتیم که باید راپورت مشروح نوشته شود ایرادات وارده درآنجا نوشته شود اگرآن ایرادها مطابق قانون ومطابق قواعد است البته نباید حمایت از کسی کرد مجلس شورایملی باید کاملا در موضوع انتخابات بیطرفانه قضاوت کند نه نسبت بیك کس اعمال نظر بکند نه مخالفت باید صحیحاً قضاوت خویش رابکند وبرای اینکه قاضی بتواند قضاوت بیطرفانه بکند البته حتی‌الامکان مدارك باید بیشتر درمد نظرشده باشد پس ازاین نقطهٔ نظر ما متعهد بودیم که درباب انتخابات چه برای اطلاع نمایندگان و چه برای اطلاع‌عموم‌اهالی‌طهران مشروحتر ومفصلتراعتراضات وارده را بیان کنیم آن قسمتی که ردشده است‌ردشان رابایدتأیید کنیم وآن عده که تصدیق‌شده‌تصدیق کنیم مثلادرباب‌قزوین ودرباب‌آباده بطوری‌ساوی‌نظرشده مال آبادهرا رد کرده‌اندومال قزوین‌بدلائل‌معروضه تصدیق نمیکنند.

رئیس- آقای محمدهاشم میرزا مرافق هستید

محمد هاشم‌میرزا - بنده

رئیس - بآقا موافق‌هستید.

محمدهاشم‌میرزا - شکایات بایدموثرباشد درانتخابات

رئیس - آخر مسئلهٔ که آقای ملك الشعرا اظهارکردند تمام نشد اگر راجع بآن مسئله هست بگوئید.

محمدهاشم‌میرزا-خیراجازه‌بدهید بعدعرض کنم.

رئیس- آقای آقاسید یعقوب‌موافق‌هستید.

آقاسید یعقوب‌بنده کاملا موافق‌هستم باهمان چیزیکه آقای سردار معظم‌بیان کردند

رئیس - خوب پس‌موافق‌هستید

آقاسید یعقوب - بله موافق هستم

ملك‌الشعراء - خیلی متشکر میشوم که اگر مخبر محترم دقت فرمایند در مواردیکه سابقه داشته ونظام‌نامه پیش‌بینی کرده پس علت اینکه شعبه معین کرده‌اند که بدوسیه‌ها رسیدگی کند چیست؟ و علت اینکه اصرار میکنند بدوسیه‌ها مراجعه بکنند چیست برای اینست که بجزئیات دوسیه‌ها وآن‌راپورتهائیکه ممکن است یك عبارات اطناب داری داشته باشد رسیدگی بکنند برای آن است که شعبه‌هااین‌زحماتی راکه دراینجا میکشند درخود شعبه کشیده شده برای اینکه بالاخره اگر شعبه یك‌اعتبارنامه‌را رد کند حق دارد شکایاتی‌را که راجع‌بآن اعتبارنامه است کاملا بنویسد ولی اعتبار نامه‌هائی که شعبه آنها را قبول میکند البته شکایات آنهاراهم ملاحظه نموده وبطور خلاصه اظهار میکند که یك شکایاتی رسید و بآن شکایات اهمیتی داده نشد البته چنانچه بآن راپورت شعبه اعتراضی باشد وتصور کند که ایرادی‌واردبوده است ولازم باشد بآن شکایت رسیدگی شود وآن وقت آن شخص اظهار مخالفت میکند و میماند بجلسه دیگر و در جلسه آینده میروند از خود شعبه تحقیق میکنند قانع میشوند اگربنابود تمام شکایات درمجلس خوانده شودوتمام‌نمایندگان درمجلس‌رسمی حق داشته‌باشند بتمام جزئیات رسیدگی کنند بعقیدهٔ بنده وجود شعبه‌لازم نبوده خودشعبه وفلسفه‌وجودشعبه این‌است که‌برای خواندن راپورتهای مفصل‌وقت‌مجلس ضایع نشود شعبه حق دارد که‌یك‌شکایتی را بطور خلاصه بنویسد وعقیده خودرا نسبت بشکایت بطور یادداشت‌بمجلس اظهارنماید

بنده از نقطه نظر صرفه وقت است که این اظهار را میکنم واگر چنانچه وقت قیمت نداشت (چنانکه در این‌مملکت قیمت ندارد) وماوقت داشتیم ومیتوانستیم که باین جزئیات برسیم البته بهتر بود ولی یکی‌از نقطهٔ نظر است که این عرض را میکنم ویکی هم‌از نقطه نظر نزاکت‌است یك شکایاتی است که‌خودتان تصدیق میکنید مورد اعتبار نیست ودرآن شکایات عبارات ومطالبی ذکر شده که خودتان اظهارمیکنید این شکایات بیمورد و مورد اهمیت نیست معذالك آنهارا می‌آورید میخوانید بنده از نقطه نظراخلاق وصرفهٔ وقت بود که این ایراد را گرفتم والا البته مخبر حق دارد که تمام آن جزئیاتی که در دوسیه است در راپورتش بیاورد ولی ما حاضر هستیم که بگوئیم ما نمیتوانیم راپورتهای مفصل را بشنویم و وقت ما بما اجازه نمیدهد وبالاخره شعبه برای آن تعیین شده است که این شکایات واعتراضات را دقت بکند واگر آن شکایات و اعتراضات را وارد میداند بگوید.

سردار معظم- متأسفانه بازهم بیانات آقای ملك‌الشعراء مرا قانع نکرد بعقیده من اگر وقت مجلس صرف رسیدگی ودقت در اعتبارنامه‌ها بشود ضایع نمیشود ودرمقابل سوء تفاهمی حاصل نمیشود و من شخصاً این تضییع وقت را ترجیح میدهم که مخصوصاً وقت جلسات اولیه ضایع بشود ما کاردیگر نداریم ما مأموریتمان فقط رسیدگی باعتبارنامه هاست ودراین قضاوت مابایدثابت بکنیم که نظریه‌دیگری نداریم‌وهمچنین‌باید ثابت کنیم که‌نظر بیطرفانه‌داریم و نظرمان فقط متوجه صحت انتخابات است و از این نقطه نظرمجلس شورایملی بایدخودش رافوق‌العاده بداند واما ازنقطه نظرنزاکت اگرآقای‌ملك‌الشعراء تصدیق بفرمایند که عده نمایندگانیکه داخل دریك شعبه هستند ممکن‌است تمام توافق نظر حاصل کنند در آنصورت باید از هرشعبه مدارکی برای موافقت یامخالفت بنمایندگان داد وللا اگربطور کلی‌مختصر نکنیم ومطالعه ومراجعه را باعضای شعبه گذارده و بگوئیم شعبه خودش مطالعاتش را بکند و هیچ ذکری ازشکایات نکند وبعد صورت جلسه‌رابمجلس بیاورد.

آنوقت میپرسم اگر یکی از نمایندگان در مجلس اطلاعات شخصی هم که ممکن است مبنای اعتراض یا عدم موافقت بشود نداشته باشدآیا چه مدرکی‌در دست خواهد داشت که دریك انتخابی بگوییدموافقم یا مخالفم (بعضی تصدیق کردند) فقط تعیین شعبه برای اینستکه قطعاً رأی بدهد تعیین شعبه برای تسهیل عمل است چه اگرشعبه نمیبود باید مجلس شورایملی‌تمام‌دوسیه واوراق‌را خودش دریشت‌تریبون آورده یك بیك بخواند

ملك الشعراء - مثل همین راپورت

سردار معظم - بلی شاید مثل همین راپورت شعبه مأمور است که آن دوسیه را ملاحظه کند وآن اوراقی که دردوسیه است ببیند البته اگردر راپورت

شعبه وهنی یا یك عدم نزاکتی باشد کاملا با آقا موافق خواهم بود ولی‌چه اعتراضی وارد شده ؟ و چه اشکالی هست ؟ ودر مقابل چه جوابهائی هست بالبته واجب است نوشته شود والا اگرغیرازاین‌باشد همانطوریکه آقا میفرمایند این راپورت مفصل است بنده هم ممکن است معارضه بمثل کنم و بگویم راپورت هائی که بر خلاف این باشد ناقص است .

رئیس - این اعتراضی که کرده اند بصورت ظاهراست نه‌باساس دراینصورت گمان‌میکنم‌مذاکرات زیاد مفید نباشد (بعضی تصدیق کردند) باید رأی بگیریم اول رأی میگیریم بنمایندگی آقای میرزا ابراهیمخان آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصدیق می نمایند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رأی میگیریم بنمایندگی آقای سردارمفخم آقایانی‌که تصدیق می نمایند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شدیك راپورت دیگرمانده است راجع بآقای آقاسید فاضل‌آقای‌آصف‌الممالك قرائت فرمایند

(آقای‌آصف الممالك راپورت شعبه رابمضمون ذیل قرائت نمودند) شعبه چهارم درتاریخ۲۲ شوال ۱۳۳۹ بدوسیهٔ انتخابات شاهرود بسطام رسیدگی و مطابق جریان انتخابات حوزه مزبوره را با مقررات قانون از نظر دقت گذرانیده آنچه در دوسیه انتخابات آنجا مورد ملاحظه واقع گردیدازقرار ذیل است :

اولا نظر باختصار صورت مجلس انتخابات که جریان انتخابات آن حوزه را فقط ازروز اخذآراء ثبت میکنند اقدامات اولیه انجمن نظارت‌بوظایف مقرره آنها از قبیل تعیین مدت اعلان ودادن تعرفه وغیره درصورتمجلس‌قید نشده است وتنها باقداماتی که پس از اخذ آراء بعمل آمده اکتفا کرده اند ثانیا بسطام که از توابع شاهرود بوده و میبایست‌در انتخابات آن حوزه شرکت نداید مشارکت ننموده است در موضوع اول نظر باینکه از راپورتهای تلگرافی و کتبی حکومت محل که در مدت جریان انتخابات بوزارت داخله گفته و نوشته‌زمان نشراعلان و مدت دادن تعرفه را اطلاع میدهد واضح است که انجمن‌نظارت‌آنجا مقدمات اولیه انتخابات‌آن‌حوزه‌را بر طبق مواد قانونی بعمل آورد منتها از ذکر در صورت مجلس غفلت ورزیده است و چون‌اساساًذکر جریان یك انتخات در صورت‌مجلس برای معلوم‌شدن عملیات هیئت نظار و منحرف نشدن از مقررات‌قانون است و در این انتخاب این معنی از سایر راپورتها و منضمات دوسیه بر شعبه معلوم گشت شعبه‌این‌نقیصه را مخل اساس انتخابات آن حوزه ندانست‌ودرقسمت عدم مشارکت اهالی بسطام نیز مطابق آنچه‌ازصورت مجلس استنباط میشودانجمن‌نظارت مرکزی شاهرود مقدمات انتخاب را در آنجا فراهم و آنان را بشرکت در انتخاب دعوت نموده بواسطه‌مشاجرات محلی و اختلافات داخلی تا انقضاءمدت برای‌شرکت در انتخابات حاضر نشده اند وانجمن نظارت‌شاهرود مطابق ماده ۱۸ قانون حق آنان را ساقط‌وانتخابات را خاتمه داده است وچون نسبت بانتخابات آنحوزه در مدت قانونی هیچگونه شکایت و اعتراضی‌ملاحظه نشد لهذا شعبه ٤ باتفاق آراء نمایندگی آقای آقا سید فاضل را از شاهرود بسطام که باکثریت ۱۳۳۷ رای از ۳۹٤۵ رای انتخاب کنندگان است تصدیق و بصحت اعتبار نامه‌ایشان رای میدهد

رئیس - رأی میگیریم بصحت‌نمایندگی آقای آقا سید فاضل آقایانیکه تصویب میکنندقیام‌فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقایانیکه بدو فقره راپورت شعبه اموم اعتراض داشتند یا حالا یا فردا تشریف بیاورند شعبه سوم که اگر مذاکراتی‌هست نشده که روز پنجشنبه دو راپورت مجدداً بمجلس بر میگردد جای حرفی باقی نماند .

مدرس - جلسه پنجشنبه خواهد بود.

رئیس - اگر آقایان موافق باشند پنجشنبه خواهد بود (بعضی‌گفتند صحیح است) جلسه یك ربع قبل از ظهر ختم شد .

رئیس مجلس - **مؤتمن‌الملك**

جلسه ۴
صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه ۲۲ ذی قعده ۱۳۳۹ مطابق ۵ برج اسد ۱۳۰۰

مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن‌الملك تشکیل گردید .

رئیس - صورت مجلس قرائت میشود آقای نصرت‌الدوله قرائت نمودند .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - راجع به راپورت‌شعبه ششم در موضوع عدل‌الملك شعبه وأئی نداده‌بود که مخالفتی داشته باشد که بعنوان مخالفت‌به تاخیرافتد راپورت شعبه این بود که راجع بترجمه وشرح‌قانون مجلس باید قضیه را حل کند .

رئیس - صحیح است اصلاح میشود غیرازاین دیگر اعتراضی نیست (گفته شد خیر) پس صورت مجلس تصویب شد . چند فقره را پورت است که در جلسات قبل قرائت شده محول‌شده است بامروز اول راپورت راجع بآقای فتح‌الدوله طیم و توزیع شده است نسبت بآن راپورت مخالفی هست ؟

مدرس - بنده مخالفم .

رئیس - بفرمائید .

مدرس - دوره های سابق نظریات دراعتبار نامه ها مبنی‌بر یك‌مداقعه هائی بوده که البته‌آقایانی که تشریف داشته اند مستحضرند در این دوره‌چون انتخابات خیلی طول کشیده بنده شخصا بنا رابراین گذاشتم که دوچیز را مطمح نظر قرار دهم یکی آن خلاف قانونهائیکه باصول قوانین‌مسلمه شده‌یکی هم آن چیزهائیکه بسیاست بر میخورد که در آتیه و حالیه بضرر مملکت است فقط بنده بر آنچه‌اظهار عقیده میکنم مبنی بر این فلسفه است و از جمله آنهائیکه باصول قانون انتخابات و قوانین مسلمه بر میخورد انتخابات نجف آباداست ، اصفهان یکجائی نیست مثل عربستان و ترکمان و جاهای دوردست‌از تمدن که بشود یك مسامحه هائی کرد مثلا حسب‌الامر یك انتخابی کرد من بااطلاعاتی که دارم‌وشاید تعقیبش در دوسیه باشد و بعضی هم بواسطه مانع اصلانشده باشد انتخاب نجف‌آباد - کرون و فریدن و چهار محال و غیره که عبارت از بیست فرسخ طول وتقریبا ۵ و ٦ و ۷ فرسخ عرض باشد بغیر اختیار مردم واقع شده و بکلی از تحت اختیار مردم خارج‌بوده اصفهان بعد از آذربایجان نقطه بروز و ظهور آزادیست و وضعیات آنجا نسبت به‌بعضی محال‌چنین شده است که حالا بکلی شرح آن خارج ازوظیفه ماست در خصوص انتخابات آنجا مثلا کسی راکه احتمال میرفت انتخاب شود و بعضی اوقات‌هم برای انجمن ولایتی و غیره انتخاب شده بود او را تبعید کردند عرض‌من اینست بعضی شرایط انتخابات‌ممکن است قابل مسامحه باشد از قبیل مدت اعلان وامثاله اما اجباری و غیر اختیاری بودن قابل مسامحه‌نیست اگر آقایان وکلاء باز رجوع بدوسیه و تحقیقات خارجی این مسئله‌را فهمیدند با عقیده من موافقت فرمایندراین مسئله چون اساساً اهمیت دارد بایداگر لازم شود کمیسیونی تشکیل شود واگر بخواهند شخصی را هم بفرستند که به بینند به چه مجبوریت مردم این انتخاب راکرده اند باید فرستاده شود دیگر عرضی نداشتم .

جلیل الملك - چون بنده مخبر شعبه دویم و از دوسیه اطلاعاتی داشتم این است باندازهٔ که در دوسیه باشدجواب‌عرض‌میکنم اینکه آقای‌مدرس‌فرموده اندالبته صحیح‌است‌اغماض نباید کرددر یك انتخاباتی که مبنی بر تهدید و تطمیع باشد یا یکی از مواد قانون در آنجا نقص شده باشد باید حتی‌المقدوراز آن جلوگیری بشود یا آن انتخابات لغو شود ولی چیزیکه هست ما از دوسیه چیزی نفهمیدیم کدلیل بر صحت این فرمایشات باشد صورت مجلس حاکی است که انتخابات آنجا از روی قانون و جریانات قانونی ترتیب داده شده چند فقره شکایت هم‌از آن جا باسم کمپانی و سیم ایرانی مخابره شده و بعضی شکایاتی هم‌رسیده عموما مبنی‌بر اینکه اهالی‌رابرای انتخاب آزادنگذاشته اندو بعضی‌هم شکایت کرده‌اند که آقای فتح‌الدوله معروفیت محلی نداشته اندچون ایشان در اصفهان مدعی‌العموم بوده اند -شعبه‌تصور کرد که آن شکایتی که راجع بعدم معروفیت محلی میکنند وارد نیست بجهت اینکه یك مدعی‌العموم را البته بایداورا بشناسند ولی مراتب‌دیگری که شکایت از عدم آزادی ظلم حکومت است نسبت‌باهالی‌چون شکایتی که وارد شده است و تلگرافی که رسیده اغلب امضاهای آنهایکی است و اشخاص‌معلوم‌الهویه هم نبودند که درست شعبه مهر و امضای آنها را بشناسد وتحقیقاتی بکند ورأی خودش را در صحت آن شکایات بدهد و چون فقط شکایاتی که شده از اشخاص غیرمعلوم واشخاص‌معدود است که درتمام این مکاتیب وتلگرافات امضاها تقریبا یکی است وقتی بشبه ودوسیه مراجعه فرمایند ملاحظه خواهند فرمود تمام امضا ها یکی است وشعبه هم اطلاعات خارجی دراین خصوص نداشته و نتوانسته تحقیق کند فقط صبر کرد که درایندت یکماه مقرره هر کس شکایتی دارد بمجلس شورایملی بکند یکی از شکایات این بود که‌حکومت‌مارا آزادنگذاشته‌است هم‌حکومت‌تغییر کرده‌بودوهم وضعیات تغیر کرده‌بود هم‌البته‌آنها آنقدر آزادی‌داشتند که‌مجددا شکایت بکنندوشکایات‌خودشان رابمجلس بفرستند دراین‌یکماه مقرره هم شکایاتی نرسیده و تجدید نشد این بود که شعبه عقیده اش اینطورشد که شکایات وارده بیمورد بوده ورأی بر صحت انتخاب آقای فتح‌الدوله داد .

رئیس — آقای آقا سید یعقوب مخالفید ؟

آقا سید یعقوب - بلی بنده پیشنهاد دارم

رئیس - مخالف این راپورت هستید ؟

آقا سید یعقوب — پیشنهاد دارم بعدتقدیم مینمایم .

رئیس — آقای مدرس .

مدرس - بنده یك سئوالی از آقای مخبر دارم بنده عرض کردم مردم مجبورند و آزاد نیستند زیرا اگراختیارداشتند وشکایتی راکه از انتخابات دارند باسم کمپانی بچه مناسبت مخابره میکنند خوب است‌توضیح بدهنداشخاصیکه‌دراین خاك ۲۰فرسخی هستند همه بایدکاندیدا داشته باشند یعنی یك کسی که دوهزار رأی داشته باشد آن آراء هم باید در دوسیه باشد آن کسیرا که کاندیدا کرده بودند بچه جهت تبعیدکرده اند ؟ واما میفرمائید که ما مهرها را نشناختیم باید تحقیق بکنید از محل خودش مثل اینکه درشعبه ما بعضی شکایات هست که مهرهایش را نمیشناسیم باید از محل خودش تحقیق بکنند . بنده عرض کردم یك الزام فوق‌العاده بآقایان و کلاء ندارم بنده میگویم آثار وقرائن سوء انتخاب انجمن مشهود است چون میخواهم از نزاکت خارج نشوم مثلا یکی ازقرائن این است که تلگراف بـا سیم کمپانی است بعد ازآنکه کاندیدای آنجا را تبعید میکنند کی را جرئت بر شکایت است حرفهای دیگری هم هست که چون بنده یقین ندارم اظهار نمیکنم فقط این مرحله‌اش را که‌یقین دارم واسبابش هم فراهم است و آقایان هم میتوانند بفهمند عرض میکنم ومیتوانداستنباط فرمایندکه مسئله حسب‌الامر ودرتحت اجباربوده است یانه ؟ اگرفهمیدندبمقتضای عقیده شان رفتار کنند اگرنفهمیدند بنده بعقیده‌خودم آقایان بعقیده خودشان تایك ناحیه بزرك مثل‌اصفهان که مرکز مشروطیت است بدانند من که اهل آنجا هستم مظلومیت آنها را درپارلمان گفتم چه پش‌برود چه پیش نرود .

رئیس - آقای سلطان‌العلماء موافق هستید

سلطان العلماء - با فرمایش آقا مخالف هستم بنده عرض میکنم غالب انتخابات دوسیه‌هایشان موجود است ولی چون ما اطلاعات کامل نداریم از مخبرتمنا میکنم که پیشنهاد خود راپس بگیرند تابعد بشعبه مراجعه بکنیم .

رئیس - این پیشنهاد بود نه مخالفت باایشان اشخاصیکه میخواهند پیشنهاد کنند بنویسند بفرستند اینجا خوانده شود بعد در باب پیشنهاد رأی گرفته شود .

رئیس - راجع به راپورت مخالفی هست یا نیست ؟ (اظهاری نشد) آقای آقا سید یعقوب پیشنهادی داشتند .

آقا سیدیعقوب - بنده عرض‌میکنم‌مذاکرات بتأخیر نیفتد و راپورت را آقای مخبر پس بگیرند تا درشعبه با نمایندگان دو مرتبه مذاکره کنند بعد رأی گرفته شود .

رئیس — مرقوم فرمائید بفرستید بالا تا رأی گرفته شود آقای حاج شیخ اسدالله پیشنهادی دارند ؟

حاج شیخ اسدالله - نه خیر بنده خواستم عرض بکنم در صورتیکه آقای مخبر بخواهند پس بگیرند محتاج برأی نیست .

رئیس — بایدمتذکرشد که اگرمخبربخواهند راپورت را مسترد بکنند میتوانند

(پیشنهادی ازطرف‌آقا سید یعقوب تقدیم و بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم رسیدگی باعتبارنامه های نجف آباد بتأخیر بیافتد تا نمایندگان وقت دقت‌در دوسیه های انتخابات را داشته باشند .

رئیس — رأی میگیریم بپیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانیکه این پیشنهاد را تصدیق می کنندقیام نمایند (جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب‌شد راپورت شعبه ششم‌راجع بنمایندگی آقای عدل‌الملك طبع وتوزیع شده است مخالفی هست

سردارمعظم — بنده هم بـاراپورت شعبه مخالفم‌وهم بانمایندگی آقای عدل‌الملك البته‌مخالفت من بـا آقای‌عدل‌الملك از نقطه نظر جریان‌انتخابات نیست مدت اعلان کم بوده است یا زیاد بوده است تعرفه چطور داده شده است ونفوذ در انتخابات شده است یانه من باین مسائل اهمیت نمیدهم‌مخالفت من با آقای‌عدل‌الملك ازنظر عدم صلاحیت خودآقای عدل الملك است (گفته شد صحیح است) بنده البته متأسف هستم وخیلی متأسف هستم که دراین مجلس نسبت بیك نماینده میشنویم که قیام برضد حکومت ملی واقدام برضد مشروطیت واستقلال مملکت کرده است ولی من مجبورهستم که این حرف را در اینجا بگویم من تصور نمی کنم حیثیت ملت ایران‌وحیثیت مجلس شورایملی اجازه بدهد که بازوی راست سید ضیاءالدین در این‌مجلس دارای کرسی بشود(اغلب گفتند صحیح است) بله من گفتم بازوی راست سید ضیاءالدین ولی بـازوی چپ زیرا که بازوی‌راست‌او اینکیان ارمنی بودمن نمی خواهم در اینجـا داخل عملیات سید ضیاءالدین بشوم‌وتنقید بکنم ولی‌مانباید فراموش بکنیم که‌یك‌سیدضیاءالدینی وارد این‌مملکت شد عناصر شجاع ایران‌را اغفال کرد بملت خودش باستقلال مملکت‌خودش‌شبیخون زد سوء قصدباستقلال مملکت کرد مجلسی را که باید دائر بشود تعطیل کرد مصونیت نمایندگان ملت راکه مطابق قـانون اساسی ازهرنوع تعرض مصون هستند زیرپا گذاشت عده‌از نمایندگان‌را توقیف وتبعید کرد مجری‌سیاست دشمن استقلال ایران‌شد مردمان زیرك را در حبس وارد کرد وبـالاخره‌درایران یك سکوت ویك‌سکونت قبرستانی را برقرار کرد ازنقطه دارائی مملکت نباید فراموش کرد که سید ضیاءالدین هشت کرور دارائی مملکت را تفریط کرد وآن را مابین‌خودوهمدستان وشرکاء خود تقسیم کرد (گفته شد صحیح است) و بالاخره چنانکه عرض کردم نمیخواهم داخل در عملیات سید ضیاء الدین بشوم اگر نفرت افکـار و تصمیم شاه واگر وطن پرستی‌نظامی های وطنپرست ما نمیبود شاید سید ضیاءالدین امروزهم جغدوار در خرابه ایران مسکن ومأوا داشت (گفته شد صحیح است) ولی فقط بواسطه این سه عنصر بود که سید ضیاءالدین با اندوخته خودش ازایران رار کرد و نتوانست در اینجا نقشه سیاه خودش را بموقع‌اجراء بگذارد البته اینها مسائلی است که بطور فهرست‌من عرض‌کردم وامیدوار هستم‌دریك آتیه نزدیکی‌مجلس با موافقت نظر هیئت‌محترم دولت در مسائل گذشته مفصل تر اعمال نظر بکند (دقت بکنید و بالاخره آنهائیکه مقصرهستندمجازات بکنند ولی‌فعلامیخواهم چندکلمه درباب علل این قضایا عرض بکنم من‌علل این قضایا را بدوقسمت تقسیم میکنم علل صوری و علل معنوی اما علل صوری آمدن سیدضیاء البته‌سید ضیاء محرك بود باراده‌غیر سید ضیاء الدین استفاده کرده از مسامحه حکومت زمان ولی باید این مسئله را فهمید که چرا سید ضیاء جسارت و قبول تخطی باستقلال ایران را باید بکند این مطلب بعقیدۀمن خیلی از همه کارها بالاتر و مهمتر است بعقیده من علت بـاطنی جسارت سید ضیاءالدین دو چیز است یکی نبودن مجازات است درمملکت ایران و یکی زیر پارفتن‌قوانین است بعقیده من وظیفه‌مجلس‌شورای ملی در پیشگاه ملت ایران این خواهد بود که اول حیثیت قوانین را اعاده بدهد بملت ایران امر بدهدو بگوید که تحمل‌زیر پارفتن قانون مثل ارتکاب‌خلاف قانون است (گفتند صحیح است) وتاوقتی که حیثیت قوانین درمملکت ما اعاده نشود و تا وقتیکه مجلس شورای ملی هر کس راکه خوب کرده است پاداش خوب ندهد وهر کس‌را که بد کرده است مجازات‌نکند این مملکت داخل اصلاح نخواهدشد (گفتندصحیح است) وبهمین ملاحظه است که ادوار فترت طولانی دراین مملکت پیدا میشود اگر قوانین محترم بود ادوار فترت طولانی دراین مملکت پیدا نمیشد باید اول اهمال مجازات را درباره عفوخودش مجرا کندتا آنکه سرمشق بشود برای سـایرین وهمان‌ملاحظات نسبت‌بتمام اشخاصی که نسبت بحکومت سیدضیاءالدین مساعدت نکردند و همراهی نکردند بـاید در نظر مجلس محترم باشد و قدوم آنها را میمون بشمارند وآنهارا گرامی بشمارند همان‌طورهم نسبت‌بآنکسانی که در خرابیهای سید ضیاء مشارکت کردند مجلس بایدپیش قدم‌بشود دراعمال مجازات (گفته شدصحیح است)پس وقتی که مجلس ازنقطه نظر اجرای‌قانون داخل دراین قضیه‌شد در مرحله اول باید عدل‌الملك رد بشود زیرا که عدل‌الملك هم برخلاف قانون رفتار کرده است وهم برضد استقلال مملکت و بر خلاف حکومت ملی قیام واقدام کرده و شراکت در قیام و اقدام‌نموده‌بنابراین‌فقره۹ از ماده ٤قانون‌انتخابات‌اورا محروم‌ازحق‌انتخاب‌شده‌وازحق نمایندگی‌مجلس‌مینماید عدل‌الملك همان‌روزی کرفت‌وبادسته‌ضداستقلال‌ایران همدستی کرد همان روز آزادانـه مجال خود وبطور اختیارسلب حقوق نمایندگی و حق جلوس درمجلس را از خود کرد (تصدیق) بنابر این مـن بـا این راپورت شعبه مخالف هستم که میگوید چون‌ارتکاب تقصیر بعد از انتخاب شده بود لهذا شعبه نمیتواند اقدامی کند خیر این اقدام یکی از آن اقداماتی است که قیام برضد استقلال مملکت و قیـام بـر ضد حکومت ملی است و هر کس در هر موقع با آن اقدام شریك شد فوراً بـواسطه همان اقدام خودش

سلب حق نمایندگی را از خودش میکند پس بنا بر این شعبه قادر بودو حتی مکلف نبود که خیراً و حتماً در رد تمدل‌الملك در راپورت خودش رای بدهد پس باین دلائلی که عرض کردم من تصور نمیکنم که مجلس شورای ملـی میتوانـد نمایندگـی عدل‌الملك را تصدین کند بواسطه اینکـه مسلما عدل‌الملك برضد استقلال‌این مملکت قیام کرده‌است و مسلماً شرکت در اقدامات بر ضد حکومت ملی کرده است و باین سبب خودش را از دارا بودن حق نمایندگی محروم کرده است

حاج‌شیخ اسدالله — راجع براپورت شعبه

رئیس- بفرمائید

حاج شیخ اسدالله— چون در قانون‌یك همچوموضوعی را پیش بینی‌نکرده است و تصریحی در این موضوع در قانون ندارد برفرض اینکه شعبه عقیده اش این‌باشد که آقای سردار فرمودندشعبه نمیتواندوضع یك قانون بکند شعبه با توافق‌نظری که در اصل موضوع دارد باید نظریات مجلس را در این موضوع بخواهد زیراکه در قانون مینویسد اشخاصیکه از حق انتخاب شدن محرومنداشخاصی هستند که برضد حکومت ملی قیام و اقدام نمایند این ظاهرش‌اینست که از حق‌انتخاب شدن‌محرومند اما بعد از انتخاب‌شدن اگر یك نماینده‌برضد اساس ملی برضد حکـومت ملـی قیام و اقدام کرد قانون تصریحی‌در این باب ندارد که آیا سمت نمایندگی از او سلب میشود یا اگر نماینده مجلس شد قانون یك مجازات دیگری از برای او تعیین خواهد کرد از این نقطه نظر شعبـه مجبور بود که پیشنهادی بمجلس بکند و نظریات مجلس را در این‌باب‌بخواهد و مجلس هر تصمیمی را اتخاذ کند قادر است ولی شعبه نمیتواند یك‌قانونی وضع کند این است که‌شعبه در راپورت خودش معاف بوده و موقوف بنظریات مجلس است

نصرت الدوله بنده مداخله ام در این امر از برای توضیح قانون است اگر چه تصدیق دارم که شقاوت و شدت دوره که بآن اشاره شد زیاده‌بر این است که‌یك ناطقی تنها میتواند تمام مسائل گفته باشد ولی بعد از آنکه‌رفیق‌محترم من بابیانات‌موثر خودشان دلائل رد عدل‌الملك را اظهار کردند بنده داخل آن قسمت‌نمیشوم ولی آن قسمتی راکه ایشان در تردید راپورت شعبه ٦ اظهـار کردنـد بنده با ایشان موافقم و بهیچوجه نمیدانم که شعبه محترم‌بچه دلیل خود را توانای باتخاذ یك رأی نداشته است در قانون انتخابات نوشته شده است اشخاصیکه از انتخاب شدن محرومند و در ذیل این عبارت که ماده هفتم آن قانون است نـه فقره شرط مذکـور شده هر یك از این شرایط در هر مورد در یك شخص موجود شود آن شخص بموجب مـاده هفت قانون انتخابات از انتساب شدن‌باید محروم شود اولا این شرایط راجع بصلاحیت شخص منتخب است و راجع بمقررات جریان انتخابات نیست‌چنانچه‌میبینیم مذاکره از قتل و سرقت است مذاکره از تجاهر بفسق‌است مذاکره از تبعیت ایران وغیره است پس مسلم‌است که در هر موقعی از زمان یکی از این شرایط در کسی موجودشود سلب صـلاحیت نمایندگی مجلس شورای ملی از آن شخص میشودحالا شاید آقایان محترم که از اتخاذ رأی قطعی خودداری کرده اند این طور تصور کرده‌باشند که چون قانون میگوید از انتخاب شدن‌محرومند وانتخاب‌شدن حائز گردیدن اکثریت حوزه انتخابیه است پس از احراز این امر موردی برای قطعی این شرط باقی نمیماند و شاید باز آنطور در نظر گرفته باشند که‌انتخاب‌شدن باکثریت از حوزه انتخابیه وطی‌مرحله‌اولی قضاوت ابتدائی انجمن نظارت است انتخاب شدن راتکمیل میکند درصورتیکه با این معنی بنده مخالفـم زیـرا حکمیت‌ثانوی شعبه و مجلس‌بمنزله حکومت‌استینافی است ولازمه حکومت استینافی و دخول در ماهیت دعوا ورسیدگی بکلیه اسناد و تعیین مواردومقررات قانونی است فرض کنیم که یك نماینده از حوزه انتخابیه خودش‌حائزاکثریت شد و در انجمن‌نظارت که مرحله اولی قضاوت است تصدیق انتخابات او شد و قبل ازآنکه دوسیه او و اعتبار نامه اوعرضه بشعبه و مجلس شورای ملی بشود یکی از شرایط فاقد صلاحیت را او مرتکب شد مثلا قتلی کرد یا تبعیت ایران را رد و تبعیت خارجه را قبول نموده ما اگر در این صورت قائل بشویم که شعبه نمیتواندر این امر رسیدگی و مداخله بکند منکر قضاوت او میشویـم در مـاده ٤ نظـامنـامه داخلـی وقتـی که مـراجعـه میکنیـم بـه وظـایـف شعبه می بینیم نوشته اند که شعبات بدون فوت وقت برسیدگی اعتبارنامه‌هاوتشخیص صحت وسقم انتخابات شروع میکند و در ماده ۵ همین‌نظامنامه ما می‌بینیم مینویسد پس‌از آنکه مخبرین راپورت‌های شعب را درمجلس قرائت نمودند در مورد انتخاباتی که صحت آنرا شعبات تصدیق‌نموده ودرمجلس معارضی ندارد مجلس برای‌هریك جداگانه رأی‌میدهدودرصورتیکه راپـورت شعبه مشعر بـر عـدم صحت انتخـابـات باشد ... الخ

ماده ٤ تصریح‌میکند وظیفه‌شعبه‌را وظیفه‌شعبه‌تشخیص صحت‌وسقم‌انتخابات‌است‌شرط‌اعظم‌انتخاب‌شرط‌صلاحیت است وباین‌ملاحظه نمیدانم‌شعبه چرا درموقعی که یکی ازموارد سلب‌صلاحیت‌را درنمایندۀ که دارای‌آن است ملاحظه میکند خودداری میکند ازاینکه اظهارعقیده بکند ملاحظه بفرمائید در راپورت نوشته‌اند قـانون پیش‌بینی نکرده عین‌عبارت راپورت‌را میخوانم-چون آقای‌عدل‌الملك درحکومت آقاسیدضیاءالدین‌ووقایع اخیره دخالت وشرکت‌تامه داشته وبرخلاف مجلس و حکومت ملی‌اقدامات نموده ولی‌این اقدامات بعد از انتخاب ونمایندگی بوده ودرقانون این‌مطلب پیش‌بینی نشده است‌لذاشعبه نتوانست‌راجع بصلاحیت ایشان تصمیم‌قطعی اتخاذ نماید زیرا که توضیح‌وشرح‌قانون یاخود مجلس‌است آیامقصودتان این است که قـانون پیش‌بینی نکرده است که کسی که مخالفت باحکومت ملی میکند ازانتخاب محروم‌است البته این‌نیست زیرا خودتان ذکـر میکنید بـا این مسئله موافقید آیـا مقصودتان - براین است که قانون پیش بینی محکمه صالحه‌را که باید تطبیق آن مورد کلی‌را بامورد‌جزئی بکند نکرده است اوراهم که‌کرده است برای اینکه درمرحله اولی انجمن‌نظارت‌را مأمور کرده وبعدشعبه و مجلس‌را مأمور رسیدگی کرده بنده نمیدانم کدام مطلب‌را قانون دراین‌رشته مسکوت‌عنه گذاشته که‌مخبر محترم در آخر راپورت اظهار میدارد که توضیح و شرح قانون باخود مجلس است کدام‌یك ازاین مواد را قابل‌توضیح وشرح دانسته‌اند خیلی‌خوشوقت‌میشوم اگـر مخبر محترم عقیده خودشان را توضیح کنند مخصوصاً متذکر میشوم که آقایان نمایندگان محترم نباید بگذارند یك سابقه سوئی در این‌مسئله تولید شود ما‌می‌بینیم که شعبـما درمجلس اغلب مایل باین هستند که درخیلی از مسائل اتخاذ رأی‌قطعی نکند و مسائل را موکول به حکمیت خودمجلس بکند این مسئله اساساً خوب‌نیست وحالا اگرما یك‌همچوسابقهٔ تولید بکنیم دیگربنده تصور نمی کنم هیچ شعبهٔ در هیچ‌امری همین‌قدر که باشکالی برخورد حاضر برای قضاوت بشود (بعضی تصدیق کردند)

حاج شیخ‌اسدالله - بله درماده هفت قانون انتخابات می‌نویسد اشخاصیکه‌ازانتخاب‌شدن‌محرومند.

اول - شاه زادگان بـالا فصل - دوم - طایفـه نسوان - سوم تبعه‌خارجه - چهارم - مستخدمین‌امینه ونظمیه واهل نظام و فلان - پنجم حکام کل وجزء مرتکبین قتل وسرقت‌هم در همین ردیفند بنده عرض میکنم این یك‌ماده ایت که در ضمن آن‌فقرات چند بنویسد بفرمائید به‌بینم آن‌فقرات تمام درعرض‌هم‌قرار دارند یافرقی‌هم مابین این فقرات دست ؟ مجلس که فرقی نگذارده است‌همین‌قدر مینویسداشخاصیکه از حق انتخاب شدن محروم هستند اشخاصی هستند که شریك قتل وسرقت شده باشند آیا بفرمائید که اگر یکی‌از نمایندگان درحین نمایندگی پس از تصویب صحت نمایندگی‌اوازمجلس‌شورای‌ملی‌مرتکب‌قتلی‌شد این قسمت نمایندگی ازاو سلب‌میشود درحالیکه‌معلوم نیست شعبه برفرض‌اینکه با این‌عقیده همراه باشد یا فرضاً عقیده‌اش همین باشد معذالك عقیده خودش را درشرح‌این‌قانون‌نمیتوانداظهار کند بایدمجلس‌شوری همچو شرحی بنویسد وقتی همچو شرحی از طرف مجلس نوشته شد آنوقت آن‌شرح سندیت‌دارد شعبه نمیتواند ازروی یك‌زمینه راجع باین‌ماده یك تصمیم قطعی بگیردمگر اینکه مجلس شورای‌ملی یك رأی قطعی بدهد .

محمد هاشم میرزا - بنده خیلـی متأسف هستم که قوانینی که باین واضحی نوشته شده محتاج بشرح‌باشد اگر بناباشد اینهارا آقایان محتاج‌بشرح بدانند دراین‌دوره هیچ‌قانونی نخواهیم گذراند سهل است چندین‌دوره مجلس‌هم باید صرف شرح وتفسیر و قوانین سابق بشود مـاده قانون بـاین صراحت مینویسد .

درجزو نهم : کسانیکه محروم ازانتخاب هستند آنهائی که برضد حکومت ملی قیام واقدام نمودند یقین است که این‌محرومیت مادام‌الوصف است یکی از موجبات صلاحیت وکیل این است که قیام واقدام نکرده باشد هروقت ایجاد مانع‌نمود صلاحیت‌اوسلب ومحروم خواهد شد چنانکه دراول شرط‌بوده تاآخر باید باهمین‌شرط باقی‌باشد فرقی بین‌اول وآخرنیست به بیان واضح تری اداشود مثلا در پیش نماز که ملکه عدالت شرط است اگر کسی اقتدا کرد و در بین نماز ازپیش‌نماز فسقی‌سر زد باید عدالت را استعجاب نموده با مشاهده‌فسق آن پیش نماز

را عادل بشمارد تامحاکمه‌شود خیلی فریب‌است‌تردید دراقدام ایشان برضد حکومت ملی ازقبیل شك در محسوسات است.

تدین — اولا میخواهم عرض کنم که بکلی مخالفم باتوضیحاتی که مخبر محترم دادند بجهة‌آنکه ازنقطه نظر صلاحیت البته باید درحل فقیه‌واردشده ودر هرموقعی که نفی صلاحیت شد آن احکامی که متعلق‌است به‌آن طبعاً ایجاد خواهدشد فرض میکنم یك‌وکیل ثابت‌الوکاله که مجلس تصدیق کرده باشد وکالت اورا اگر برضد حکومت‌ملی اقدام کرده‌باشد البته ازشئون‌وکالت بایدصرفنظر بکند وسلب‌الحق خواهدشد وبعلاوه مطابق یك اصلی که از اصول محکمه حکومت‌ملی‌است هرفردی کسالماً عامداً برضد حکومت‌ملی قیام‌واقدام‌بکنددر هرموقع وهروقتیکه‌ه باشد ازکلیه حقوق مدنی‌محروم‌است که یکی ازآنها حق وکالت‌است آیا نظر شعبه دوم براین نبودنظر شعبه دوم این بوده‌است اولا صلاحیت‌آن دونفر را که راپورت داده ملاحظه کرده‌است درحین انتخاب چون این‌شرایطیکه درقانون‌انتخابات‌است‌وشعبه‌موظف‌است آن شرایط را تطبیق بدهد با قانون انتخابات‌یکی راجع بهمین‌انتخاب است برای‌اینکه یکی ازشرایط انتخاب شوندگان اینست که مرتکب قتل و سرقت نشده‌باشند این قتل وسرقت باید معلوم بشود درچه وقت بوده حین‌الانتخاب یا قبل از انتخاب آنوقت او را محروم میکنند پس یکمرتبه صلاحیت راجع بعین‌ـ الانتخاب است مثلا اگر چنانچه کسی اقدام و قیام برضد حکومت ملی کرده‌باشد پیش از انتخاب چون این موضوع قبلا محرز شده واز نقطه نظر تطبیق جریان انتخابات بمواد قانون شعبه رسیدگی کرده است بجریان انتخابات‌وجریان انتخاب‌را موافق‌قانون دانسته چرابرای‌اینکه‌این عمل‌درحین‌انتخاب نبوده‌قبل ازانتخابات‌واقع شده‌وبهمین‌جهت‌است که صحت‌انتخابات را تصدیق کرده است اما مرحله دوم این بوده‌است که تصدیق شرکت آنهارا در قیام و اقدام بر علیه حکومت‌ملی کردند ودراینمورد نه‌اینکه شعبهٔ خواسته باشد ازرأی دادن‌استنکاف کند برای این بوده‌است که خودش‌را کوچك دانسته و خودش را یك محکمه خیلی کوچکی دانسته است که خواسته است بمرحله بزرگتری محول کند وآن محکمه حکم او را بدهد مقدمات دادن حکم‌را که اثبات‌شرکت درقیام برضد حکومت‌ملی باشد شعبه تصدیق کند ولی شعبه چون خودش‌را کوچك میداند: وموضوع‌هم خیلی مهم‌بوده باینجهت اورا بیك محکمه بزرگتری موکول کرده است که مجلس‌شورایملی باشد

رئیس — بنده گمان‌میکنم همینطور که در چند روز قبل عرض کردم مذاکرات راجع بصورت ظاهر است راجع باساس نیست راجع بصورت هم گمان میکنم‌بقدر کفایت‌مذاکره شده و کافی‌است(گفته‌شد صحیح‌است) حالا اگر آقایان مخالف نباشنددراصل مطلب داخل شوند یعنی رای بگیریم به نمایندگی آقای عدل‌الملك آقایانیکه‌نمایندگی ایشان‌راتصویب میکنند قیام فرمایند(کسی قیام نکرد)

رئیس — تصویب نشد

راپورتی‌است ازشعبه‌دوم به‌آقای سلطانمحمد خان طبع‌وتوزیع شده‌است وچون‌ایشان‌مطالبی‌مرقوم فرموده‌اند باید قرائت‌شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام منیع ریاست مجلس‌شورایملی

شیدالله ارکانه

درصورت راپورت مخبر شعبه ۲ که رسیدگی دوسیه انتخاب بنده‌بدان محول‌است این‌عبارت‌ملاحظه شد: انتخابات‌نائین ـ ومضافات موافق قانون بعمل‌آمده وشکایت واعتراضی‌هم ازاول‌تابحال نرسیده لذاشعبه صحت انتخاب سلطانمحمدخان نائینی‌راتصدیق مینماید (پس‌ازاین عبارت مینویسد) که مشارالیه در کابینه سیاه معاون ودر قیام واقدام برضدحکومت‌ملی‌شریك بوده‌است لازم دانست توجه مجلس شورایملی‌رابراین نکته معطوف ومتوجه دارد اولا معلوم نیست‌شعبه که وظیفه‌آن فقط رسیدگی بانتخابات وچگونگی‌جریان آن بوده حق وصلاحیت چنین‌محاکمه وصدورحکم‌را داشته‌است یاخیر ثانیاً بر فرض اینکه چنین حقی را داشته نقصی‌بوده‌برای اظهار یك‌چنین نسبتی و برای صدورحکم درمحروم نمودن یکنفر و کیلی که دوسیه او خالی ازهر گونه اعتراضی‌است اقلا یکنوبت اورا احضار و مختصر توضیحاتی از او میخواستند . نظر براینکه مقتضی‌است آراء مجلس‌شورایملی از شائبه اعمال غرض‌مصون ومحفوظ باشد ونظر براینکه این نسبت‌را درباره‌خود یکلی‌خالی ازحقیقت میدانم‌بخود حق میدهم‌استدعا مینمایم حال که صحت انتخاب‌بنده تصدیق‌شده مجلس‌شورایملی موضوع ثانی را که از مسئله انتخاب منفك است موضوع مستقلی قرار داده کمیسیونی برحسب قرعه تشکیل نموده بنده‌راالحضار فرمایند ـ تا توضیحات و ادله و اسناد خود را در بی‌اساس بودن نسبتی که به‌بنده داده اند تقدیم و از حق دفاع حقوق استفاده نمایم.

درخاتمه استدعا دارم این عریضه را در اولین جلسه رسمی قرائت فرمایند

رئیس — آقای مدرس (اجازه)

مدرس — البته آقایان وکلای محترم را از هرجهت بیغرض میدانم‌وخودم‌را همینطور نسبت بآقای سلطانمحمدخان بیغرض میدانم بجهت‌اینکه ایشان را بمنزله اولاد خود میدانم و مدتی باهم بودیم وبابنده کار میکردند لذا اجازه خواستم دراین موقع بعضی عرایضی بکنم‌وآن این‌است که هر کس شبهه وشکی داشته‌باشد که‌این‌وضعیات که پیش‌آمد وضعیاتی بوده که بدست یك ایرانی نبود بنده اورا تکذیب‌میکنم و تمام دنیا هم باید او را تکذیب کنند یك دوستی که همیشه ما دوست او بودیم و بعد ها هم خواهیم بود که ازهمسایگان ماست وبهیچ وقت از او امتناع نبردیم یك پیرقی بدست یك کسی داد که برضد اساس مملکت واستقلال مملکت ومشروطیت و سلطنت اقدام کند یك جماعتی هم دانسته یا ندانسته دور آن پیرق راگرفتند ـ ماهمه مسلمان هستیم‌البته آقای سلطان محمد خان هم مسلمان است و باید مملکت اسلامی را بخواهد فرموده‌اند اگر کسی‌دور بنی‌امیه جمع شود ویك قلمی را قطع بزند بقدریك قلم قطع زدن باآنها شریك است اگرآقای دوست من بگوید آن سیاست را نمیدانسته بنده تکذیب میکنم برای اینکه دو سال بابنده بوده است اگر خدای نخواسته آنقدر استعداد نداشت که آن‌سیاست را بفهمد انصافاً وقانوناً قابل‌این مجلس‌نیست واگر فهمید بعدازاین این‌اقدامات رانکند بلی‌ممکن بود کودتائی بشود برای اصلاح مملکت برای اصلاح حکومت ملی زیرا ممکن است حکومت یك نواقصی پیدا کند انصافاً مشروطه مانواقص زیاد دارد وحقیقتاً این تعطیل هائی که اتفاق افتاد خیلی‌بحال حکومت ملی مامضر بود بسابود یك‌ایرانی به‌تکیه ایرانی ها اقدام باصلاح مینمود البته همه و کلائی که حاضرند اورا خیلی دوست میداشتند اما یك کودتائی برخلاف مجلس برخلاف قانون اساسی برخلاف مادهٔ قانون اساسی که قرآن باشد خداوند میفرماید لاتتخذ و الیهود والنصاری اولیاء البته‌دراین صورت‌این‌دوست من نباید راضی بشود که دراین مجلس باشد تا بعد ازاین عموم‌مردم‌بدانند کسی که این‌اقدام‌رامیکند‌ازاین حق وبودن دراین اساس ملی محروم است اما در موضوع راپورت شعبه‌خیلی ازآقایان و کلاء مشروحاً بیاناتی فرمودند شعبه باید اول تشخیص موضوع را بدهد بعد حکم کند امابنده به‌بعضی آقایان اشکال دارم ازجمله آقای حاج شیخ‌اسدالله که چگونه‌ایشان که اغلب عمرشان را درتشخیص اصول وفلسفه‌صرف کرده‌اند تشخیص موضوع را دراینجا نداده‌اند چون شعبه بمنزله محکمه استینافی است ورأیش مدخلیت دارد واگریك روزهم بعمرمجلس شورای ملی باقی بماند یك کسی برخلاف اساس مشروطیت اقدام کند ازو کالت منعزل است باید شعبه بطریق حتم و جزم رأی داده باشد در اینکه ایشان صالح هستند یا مردود و ارجاع بمجلس شورای ملی را لازم ندانند بیش ازاین زحمت ندارم.

سلطان محمد خان — خلاصه بیانات آقای مدرس این بود که این بنده نظر بشرکت در اقدام برضد اساس حکومت ملی ازحق‌انتخاب شدن محروم هستم دراینجا چند فقره برای توضیح عرض میکنم و چون پارلمان مرکز عدالت است امیدوارم آقایان بغیرحق وبغیرعدالت تصمیمی اتخاذ نفرمایند اول این که میفرمایند درقیام و اقدام برضد حکومت ملی شریك بوده آیا مقصود کدام حکومت ملی‌است؟ کابینه سپهدار اعظم است که خود آقایان مکرر درمکرر دراطاقهای بهارستان آن راحکومت‌ارتجاع و طهران را محیط ارتجاع میدانستندوباشدیدترین بیانات برعلیه آن سخن میراندند گویا آقایان فراموش فرموده‌اند که درموقع تشکیل کابینه سپهدار اعظم چه نمایشات غریبی ازطرف عموم ملت برعلیه حکومت سپهداراعظم داده‌شد اگر آن را حکومت ملی باید نام‌نهاد باید بحکم همان حکومت ملی این مجلس نباید بازشود زیرا فراموش فرمودید در آن دوره بهر کدام از این وکلاء چه نسبتها میدادند حالا فرض بفرمائید حکومت سپهدار حکومت ملی بوده است وکودتا راقیام واقدام برضدآن حکومت ملی تعبیر میفرمایند من نه عامل کودتا بوده ام نه فاعل کودتا بوده‌ام نه آمر کودتا بوده‌ام ونه از آن مطلع بوده‌ام ازکسانی که رکودتا بوده اند یعنی همان عناصری را که تقدیس میکنیداز آنها بپرسید که بنده داخل بوده‌ام یا نه صبح روزکودتا چون شهرت یافته بود که تمام وکلاء را دستگیر کرده و میکنند بنده ازخانه بیرون رفتم ودرمنزل یکی از دوستان خودم رفتم یکنفر شاهد صادق دارم که آقای حکیم الملك است روز سوم یا چهارم است خطی ازطرف اعلیحضرت اقدس همایونی بردیوارها دیده شد که سیدضیاء الدین رئیس‌الوزراء است بدیهی است که درغیاب پارلمان تعیین رئیس‌الوزراء منحصراً ازخصائص ذات اقدس همایونی است برای هیچکس جای تردید نبود که درریاست وزرای ایشان چون و چرا کنند بنابسابقهٔ آشنائی (تصورنمیکنم آشنائی‌هم خیانت وجرمی باشد) بنده را احضار نموده تکلیف بعضی مشاغل مسئولیت دار نمودند بنده استنکاف نمودم بالاخره ریاست کابینه وبعد معاونت‌وزارت مالیه رابربنده تحمیل کرد درتمام این مدت بنده‌نفوذ خود را درموقع گرفتاری مردم برای استخلاص‌آنهابکار بردم وبعضی ازمحبوسین را که میتوانستم نجات دادم اشخاصی را که مریض بودند طبیب بعیادت آنان فرستادم شاید آقای استرآبادی و آقای گروسی و رفیق محترم آقای میرزا علی کازرونی از جمله اشخاصی‌هستند که شاهد این قضیه هستند بنابر مسئله فوق اگرمقصود اطلاع وشرکت از کودتا بوده که بنده هیچ نداشتم اگرمفاد این عریضه ام را بموقع اجرا بگذارید ویك هیئتی‌تعیین شود بنده اسناد و دلائل وبراهین خود را ارائه بدهم معلوم خواهدشد که من در کودتا شرکت نداشته ام بلکه برای برچیدن کودتا اقدام کرده‌ام اماراجع بریاست کابینه یامعاونت مالیه اگرجرم است بایستی چندهزارنفری راکه درزمان سیدضیاء مشغول بکار بوده‌اند وجمیع اشخاصیکه در آن دوره در ادارات دولتی زندگانی میکردند آنها را باید از حق انتخاب محروم کرد بعلاوه بنده مشاهده کردم عدهٔ از آقایانی که مورد توجه واعتماد عموم مردم هستند قبول خدمت نمودند خدماتی را که ازحیث رتبه باخدمت بنده برابر بوده شاید قسمت عمده ازآقایانی که اینجا هستند فراموش نکرده باشند که تقاضای خدمت کرده اند ونیز عین مراسله‌اتشان حاضراست که برای تذکر ممکن است مراجعه فرمایند حتی بعضی ازآنها رنجش یافتند که چرا به آنها خدمتی رجوع نشده ولی بنده تقصیری ندارم زیرا هرچه کوشش کردم امکان نیافت بآنها رجوع خدمتی بشود بالخصوص اشخاصی که طرف اعتماد عموم هستند آنها قبول شغل کردند و یا تقاضای شغل کردند بنده هم یکنفر مستخدم دولتی بودم وباید زندگانی خودم را ازحقوق دولتی تأمین کنم بهیچوجه من‌الوجوه مانعی نیافتم از یك طرف دیسیپلین اداری (چون آقایان اشخاص اداری دیسیپلینی که معمول دولت است خوب میدانند مثلا صاحبمنصب هرچه بسرباز امرفرماید اجرا نماید همان را بموقع اجراء میگذارد) ازیك طرف‌فشارمعیشت مرا مجبوربقبول شغل کرد ممکن است‌بعضی‌ازآقایان ایراد بکنند که چرا به‌بنده ریاست کابینه یا معاونت وزارت مالیه را دادند صحیح است گمان میکنم شغل اول ریاست کابینه برای بنده صحیح بود چون برای ریاست کابینه شناسائی السنه خارجه‌لازم است وتادرجه انشاء لازم است ازالسنه خارجه یك زبان را خوب میدانم وچند زبان دیگر راهم آشناهستم ازحیث انشاء هم درمقدمه ودیباچه چندکتابی که تألیف نموده ام آقای ملك الشعرا وآقای وثوق‌الدوله چند صفحه تعریف وتمجید نوشته‌اند ازحیث‌طرف اعتماد بودن‌هم‌آنقدر بوده است که خود آقای مدرس باوجود اینکه‌امساك میکنند ازاینکه کسی را مورد اعتماد قراردهند.بنده را طرف اعتماد قرارداده ومدتی رئیس کابینه ایشان بوده ودرخدمت ایشان‌سوبرده‌ام در اینجا متخصصین مالیه بسیارهستند ای کاش قدری درعملیات آن مدت بنده دقت بفرمایند وبه بینند چه اصلاحاتی کرده‌ام، اگر کنترل که هیچوقت درایران وجود نداشت بنده ایجاد نکرده باشم اگر برای تشخیص میزان مالیات ووصول مالیات وکنترل آن ترتیبات سودمندی نداده باشم که مورد تحسین متخصصین واقع شوم آقایان حق دارند ای کاش هرکس برای اعمال خودش مجازات ومکافات می‌یافت درموقع حمله وتهاجم‌البته زبان معترضین دراز است ای کاش‌درتمام‌مجلس‌یا در تمام تهران یکنفر مغرض برمیخواست و میگفت فلان توشاغل فلان شغل بوده یامیگفت که بنده شخصاً چه در ظرف شش سال خدمتی‌که درداره مالیات های غیر مستقیم کردم وچه درمدتی که در وزارت مالیه بودم میگفت فلانی یك شاهی را تفریط کرده و یا بقدردیناری ازخصوصت عمل‌منحرف‌شده اماباوجودی که‌بصحت عمل کرده‌ام تصدیق کنید که‌فشار زندگانی ممکنست چنین مستخدم‌محترمی را که متکی‌بملیونها نیست مجبور نماید برای عائله زیاد بهر وسیلهٔ باشد ارتزاق نماید و در همانحال فقط صحت عمل بود که خودرا محکوم ببدترین زحمات نمودم ودرهمان حال که شبهارا براحت و استراحت با کسان خود بسر میبردند بنده شبها را درروزنامه بسرمیبردم

سردار معظم — در کدام روزنامه

سلطان محمد خان — در روزنامه آقای ملك الشعراء درعدد تمام روزنامه‌هاچند سال خدمت کردم وبرای اینکه منهم ازآن خوان نعمت یعنی‌از بیت المال مسلمین که برای همه‌کس گسترده است آتیه خودرا تأمین‌کرده باشم از یك اداره دولتی باداره دولتی دیگر با حقوق کمتر انتقال یافته ام آیا مرا مقصر میدانید آیا ریاست کابینه ویا معاونت آنرا جرم میدانید آیا بواسطه نداشتن معیشت ویا تداشتن هیچ‌گناه و تقصیر باید از بهترین حقوق زندگانی محروم شوم آقایان بیك قیام وقعود که در دستجات خودتان قرار داده اید آتیه کسی را سیاه نکنید ...

(بعضی هااظهارنمودند خارج ازموضوع است)

رئیس — چرا خارج ازموضوع است

سردار معظم — آقا بگوئید حرف خودتان را بزنید.

سلطان محمد خان — قدری فکر وتأمل کنیدقبل ازآنکه دیرشود اگر یك فکرانتقامجوئی در میان است اگر چه امیدوار هستم نباشد بنده طرف او نیستم وآن کسی که او را می جوید اینجا نیست.

رئیس — ازخود دفاع کنید

سلطان محمد خان — اگر این شخص بواسطه انتقام جوئی آن کسیکه در کابینه سابق بوده تحت فشار بوده باعث و مسبب آن من نبودم

رئیس — خارج ازنزاکت است

سلطان محمد خان — آقایان تأمل‌نمائید زیرا بزودی خشم شما خاموش میشود وآتش غضب شما فرو خواهد نشست آنگاه درآینده فقط نیشهای تلخ وجدان طرف شماخواهدبود که‌چرایکنفر را که دوسیه انتخاباتش مورد هیچ اعتراضی نبود مورد اعتراض شخصی خود قرار دادید زیرا حق وحقیقت هیچگاه پنهان نمیماند واگر ثمرات انتقام تلخ است از برای بنده وهمگی یکسان است

سردار معظم — بنده تصمیم گرفته بودم در زمینه سلطان محمد خان اظهار عقیده نکنم زیرا مسائلی را که لازم بود در زمینه مصداق بزرگتر از ایشان گفتم ولی ایشان آمدند واستفاده از آزادی تریبون کردند ونسبتهائی دادند که وارد نیست واین نسبت ها را برای ثابت کردن حق خودشان عنوان کرده ورفتند ونمایندگان محترم حقاً عصبانی نشدند و بایشان آزادی مطلق نطق و بیان را دادند و این حس نمایندگان قابل تقدیس است زیرا در مملکتی که مشروطیت و آزادی است نمایندگانش باید سرمشق تحمل و بردباری بشوند وبالاخره اگرچه خود ایشان درابتدای نطق با یك بیانات ویك لحن حمله کننده وارد مطلب شدند ولی در خاتمه نطق خودشان مطلب را تغییر داده فقط ببرائت ذمه خود اکتفا ودوسه مطلب گفتند که بعقیده بنده باید مورد تدقیق‌وتوضیح بشود ایشان درنطق خود بیان کردند که ما میخواهیم حکومت ملی را بکابینه سپهدار تعبیر کنیم و مقصودمان از حکومت ملی حکومت سپهدار بوده است آقای سلطان محمد خان باید خودشان شخصاً بدانند وبعقیده من بهتراز ما میدانند که اگر کسانی بودند که علاقمند بحکومت سپهدار اعظم بوده اند در هر صورت ما نبودیم ومخالفین ما بودند شما هم بودید که طرفدار حکومت سپهدار بودید

سلطان محمد خان — بگوئید تو

سردار معظم — زیرا فقط آن حکومت بود که زمینه کود تا را حاضر کرد همان‌حکومت مقدمه اقدام برضد حکومت ملی بود میخواستم این حرفرا نگویم ولی حالا میگویم ما وقتی که میگوئیم یك کسی برضد حکومت ملی اقدام و قیام کرده است اینطور میدانیم که برخلاف تشکیل مجلس‌شورایملی اقدام کرده هر کس که موجبات تعطیل‌مجلس شورای ملی و اساس مشروطیت را فراهم کند قیام برضد حکومت ملی کرده سید ضیاء موجبات مخالفت با حکومت ملی را فراهم کرد یا نه سید ضیاء برضد قانون اساسی و کلاه را توقیف کرد یا نه

سلطان محمد خان — آقا عرض دارم

سردارمعظم — شما حرف خودتان را زدید ساکت بنشینید همان طوریکه وقتی حرف میزدید ساکت بودیم

(بعضی تصدیق کردند)

سردارمعظم — سئوال میکنم آیا وکلاء را

توقیف کرد یا نکرد بلی کرد برضد حکومت ملی برضد قانون اساسی که در نظر ما مقدس است و ممکنست درنظر دیگران مقدس نباشد اقدام کرد یا نکرد بلی کرد سید ضیاء بر ضد استقلال مملکت قیام کردیا نه بلی کرد پس اشخاصی را که مامیخواهیم از نمایندگی محروم کنیم برای این علل است نه بواسطه حمایت از کابینه سپهدار یا کابینه غیرسپهدار مطلب دیگرشما راجع باین بود که درآنزمان و کلاء مورد تنقید بودند بلی در همین طهران ما شنیدیم و هنوز هم تنقیداتی برضد مجلس میشنویم وبقیةالسیف حرفها هنوزهم بگوش ما میخوردولی فراموش نکنید که ما غافل ازاین مطلب نیستیم که تهیه کردن زمینه هر کودتا و تهیه کردن زمینه خلاف قانونی مستلزم کاستن حیثیت مخالفین آن خلاف قانون و تهمت بآنهاست سید ضیاء وحکومت انفعالی قبل ازاوقانون وو کلاء را درانظار تحقیر کردند بد گفتند ونسبت به آنها بد نوشتند وتوهین کردند ویك زمینه گل آلود پرهرج ومرجی را تهیه کردند تا بمقصود نائل شدند ما میدانیم آن اشخاصی که میخواستند کودتا بکنند از مدتی قبل درصدد بودند که این زمینه را تأسیس نمایند حکومت‌های انفعالی ایجاد کردند حکومتهای مسامحه کاررا سر کار نگاه میداشتند بوکیل مجلس شورایملی بد میگفتند تهمت میزدند جعلیات منتشر میکردند افکار خیرخواهان دا مشوب وآلوده بغرض می کردند برای چه برای اینکه آب را گل آلود کرده و ماهی را خودشان بگیرند بله ماهم این را میدانستیم ومیدانیم وبنابراین کابینه سپهدارامرادف با حکومت ملی نمیدانیم پس وقتی که ما این مطالب را محرز کردیم ووظیفه‌مجلس‌را اینطورقراردادیم که هر کس برضدحکومت‌ملی‌واساس‌حکومت‌قیام‌بکند‌باید مورد تنفر مجلس شورای‌ملی‌واقع‌شود آنوقت تکلیف این است که باید تطبیق کرد که آیا سر کار در اقدام بر ضد حکومت ملی تا چه اندازه مشارکت کرده‌اید و در هرصورت مشارکت جنابعالی‌دراقدام بر ضد حکومت ملی بیش از آن قطع زدن قلمی است که آقای مدرس فرمودند حال اگر در همان وقتی که با یك حکومتی که او برضداساس‌حکومت ملی قیام و اقدام کرد مشارکت کردید ضمناً یك کارهای خوبی هم کرده‌اید البته مورد تحسین هستید شما یك آدمی‌هستید قیام‌کننده‌برضدحکومت ملی و ملت خودتان منتهی دارای قلب رقیق و احساسات خوب میباشید که پرسش از مریضها مینمودید و توجهی میکردید و از اینکه مریضها را اذیت نمیکردید شما را تقدیس میکنم اما در باب اصلاحات مالیه فرمودید من که اینجا نبودم ونمیدانم چه اصلاحاتی کرده‌اید ولی این هشت کرور که از مالیه مملکت در زمان سید ضیاء تفریط شد راجع باصلاحات جنابعالی بود یاخیر ؟ آیا این حوالجات که در وجه حامل پرداخته میشد در چه زمانی بود در زمان کفالت جنابعالی بود یا نه ؟ آیا مصارف مسافرت موهوم که یکی از رهبران سیدضیاء الدین را برای خراسان که بعقیده من بایدفعلا ازاومسترد شود بایدجزء اصلاحات‌مالیه‌شمردیاجزءتفریط کارهای مالیه ایران این مسائل را بعقیده من باید تفکیك کرد من هم معتقد هستم برسیدگی‌ولی نه در اینجا بابقاء نمایندگی جنابعالی ابتدا جنابعالی بواسطه اقدامات خودتان تشریف ببرید بیرون البته در ضمن رسیدگی باعمال تمام همدست های‌سید ضیاء وضربه وارد کنندگان باستقلال مملکت ایران باعمال‌جنابعالی هم رسیدگی میشود من عقیده‌دارم اگر شرکت‌شدید شما در کودتای سید ضیاء معین شده باید غیر از محرومیت از نمایندگی متحمل مجازاتهای دیگری بشوید و اگر بفرمائید یك عده از وکلاء تقاضای کاری و مأموریتی کرده‌اند و حاضر برای مشارکت در جنایت سید ضیاء بوده‌اند بعقیده من آنها هم بد هستند و آنها هم در خیانت سید ضیاءالدین شرکت کرده‌اند خدا شاهد است من نسبت بشما و هیچکس غرضی ندارم ولی میگویم هر کس درزمان سید ضیاءالدین قبول کار کرده و با او شریك است من منکر او هستم هر چه باشد و هر که میخواهد باشد .

رئیس — آقای مدرس مخالفند . آقای محمد هاشم میرزا مخالفند - آقای تدین .

آقاسیدمحمدتدین - راجع به‌شعبه‌میخواستم توضیحات بدهم .

رئیس - وقتی مطلب ایشان‌تمام‌شد آنوقت.

آقای سید محمد تدین - میخواهم جواب عریضه‌شانرابدهم .

رئیس - بفرمائید .

آقای سید محمد تدین - اولا در لایحه اعتراضیه که خودشان قرائت کرده بودند اشعار داشته بودند که ما باید بدانیم حکومت سپهدار حکومت ملی بوده یا نبوده تقریباً مقصودشان این بود که در ایران حکومت ملی نبوده تا اینکه کسی بر ضد آن اقدام کرده باشد متأسفانه اینجا اشتباه‌در معنی حکومت ملی شده یعنی در مفهوم و مصداقش در مملکت مشروطه سه قوه‌ایکه ایجاد شده‌قوه‌مقننه قوه قضائیه - و قوه مجریه مجموع آنهابایك‌قانون اساسی که تکالیف و وظایف آنها را معین میکند عبارت از حکومت ملی است یکعده‌وزرائیکه میآیند اسم آنها بتنهائی حکومت ملی نیست آنهایك‌هیئت دولتی هستند که اگر چنانچه شرایط‌اصول‌مشروطیت در انتخاب آنها موجود بود آنها را میشود گفت مجری حکومت هستند و اگر چنانچه نبود هیچ پس حکومت ملی معنیش غیر از هیئت دولت است که زید و عمروباشد باز در قسمت دیگر میگویند کاربرمن تحمیل شد اینطور اظهار کردند که تقاضای کار از من کردند و بر من تحمیل شد که معاونت آنجارا قبول کنم بنده میگویم صرف تحمیل دلیل نمیشود که انسان خود را وادار باقدامات غیر قانونی بکند زیرا مطابق اطلاعاتیکه بنده داشته‌و بعضی‌ازآقایان هم دارند بیعضی از اشخاصی که در تهران هستند تکلیف کار شد و یك تهدیداتی نسبت بآنهاشد که چنین و چنان خواهیم کردمعذالك آنهاقبول‌نکردند و ترتیب اثری هم بر آنها داده نشد ثانیاً میگویند فشار معیشت بنده را وادار کرد که واردبشوم‌اینکه فشار معیشت مرا وادار کرد در واقع تصدیق میکنم که شرکت در عملیات او داشتند و الا فشار معیشت دلیل نمیشود مثل اینست یکنفر برود خلاف قانونی بکند بعد باو بگویند چرا کردی‌بگوید فشارمعیشت سبب شد این دلیل تقصیر آن عباراتی است که در آخر لایحه میگویند که من در آنجارفتم با حقوق کمتر در صورتیکه سابقاً درادار ه دیگر بودم حقوقم زیادتر بود این بود دو عبارت با هم متناقضند فشار معیشت با حقوق کمتر مفهومی ندارد.پس فشارمعیشت در اینجا معنی نداشته و در اداره سابق که بوده‌اند حقوقشان زیادتر بوده و اما در مسائلی که شرکت ایشانرا مدلل میدارد و از جمله مطالبی که کاملا اثبات میکند کهایشان‌معتقد بوده‌اند شریك او بوده‌اند این است که متأسفانه خودشان در آن‌لایحه اینجمله را اظهار کرده‌اند که‌یکی از ادلهٔ که‌سیدمرا بریاست بکابینه خودش معرفی کرد این بود که من طرف اعتماد او بوده‌ام آقایان از همه تصدیق میخواهم‌در چه صورت ممکن است آدم طرف اعتماد باشد ؟ البته در صورتیکه کاملا آن دو نفر رفیق باشند و از مزایای اخلاقی یکدیگر مخبر بوده و در موارد عدیده امتحانات داده باشند تا بشوند طرف اعتماد یکدیگر همین طرف اعتماد بودن جنابعالی نسبت بسیدضیاءالدین و شما را منتخب کردن متأسفانه دلیل است بر اینکه شما در یك قضایائی با او شریك بوده‌اید اعم از اینکه این مسئله باشد یا غیر این و بالاخره باز از این قضایا خیلی دارد کبنده محتاج نمیدانم تنقید بکنم اما در آن عریضه که بمقام ریاست نوشته انمو خوانده شد اعتراضاتی‌دارم

اولا — گفته‌اند شعبه حق داشته است وارد در اینموضوع بشود یا نه تصور میکنم عرایضی را که در این زمینه عرض کرده‌ام شاید آقایان حق بدهند که از اساس صلاحیت وجریان انتخابات‌هردو بحث بشود ثانیاً گفته اند خوب بوده شعبه از من توضیح میخواست شعبه هیچگاه حاضر نیست مدعی الیه حاضر کند و از او توضیح بخواهد بخصوص در یك امریکه اظهرمن‌الشمس است شعبه باید بجزئیاتیکه واقع شده مراجعه کند و او را تطبیق با مواد قانون کند و اما مسئله کمیسیون نسبت بکمیسیون شاید بنده هم معتقد باشم ولی در تقدیم و تأخیرش حرف دارم ایشان اشتباه کرده‌اند ایشان کمیسیون خواسته‌اند که در آن کمیسیون تصدیق بشود شرکت ایشان یا عدم شرکت ایشان‌این‌مسئله باندازه واضح است که محتاج بکمیسیون‌نیست برای اینکه اینوصف عنوانی ایشانرا عجالتاً محروم‌ازحق انتخاب می کند اما بنده عقیده‌دارم که کمیسیون بشود تا در آنجا رسیدگی شود تا چه درجه ایشان قیام و اقدام بر ضد حکومت ملی نموده‌اند شاید درجه باشد که بهمین اندازه اکتفا بشودشاید درجه بالاتر باشد آنوقت باید حکم مجازات دیگری در باره ایشان صادر شود بنا براین باین ترتیب بنده‌با کمیسیون همراه هستم و برای رفع هر گونه سوءتفاهم عرض‌میکنم اینکه ایشان درلایحه‌خودشان گفته‌اند پس هر کس در ادارت بوده بااو شریك بوده اشتباه است ما با اعضای ادارات که مستخدم بوده‌اند و سابقه داشته اند هیچ کاری نداریم فلان محرر فلان اداره است با ثبات است یا رئیس اداره است یا مدیر اداره است مستخدم است هر حکومتی که آمد مأمور است وظایف خودش را انجام بدهد ما مقصودمان آن اشخاص است که‌شرکت کرده‌اند در تهیه مقدمات کودتا و بعد هم شرکت کرده‌اند

در عملیات سید و ایشان هم هیچ موجب نداشت که قبول بکنندنه فشارمعیشت‌رامیتوان گفت که باعث این این‌امرشده‌نه‌چیزهای‌دیگررا

پس بنابراین تکرارمیکنم که تمام اشخاصیکه‌مستخدم ادارات‌بوده اندتمام محفوظند و هیچکس نظرسوئی بآنها ندارد فقط‌مقصود بنده وآقایان اشخاصی‌است که باسیدشریك بوده‌اندو در زمان سید یك‌ماه‌وریت های مهم پیدا کرده اند .

رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟ - گفته شد کافی است)

سلطان محمد خان - آقایك کلمه برای دفاع خود عرض میکنم .

رئیس - خیلی طول کشید مذاکرات کافی نیست .

سلطان‌محمدخان — اگر آقایان‌مقصودی ندارند از آقای مشیرالدوله - آقای موتمن الملك آقای مستوفی‌الممالك و آقای حکیم‌الملك .

رئیس - اینطور بی اجازه نمیشود حرف زد چون آقای سلطان محمد خان از نظامات مجلس بی اطلاعند باید ایشان را مسبوق کنم که ترتیب اینست که پیشنهادی که میشود بدواً بخوانند بعد از اینکه خوانده‌شد اگر لازم بتوضیح شد توضیح میخواهند و پس از توضیح رأی میدهند شما پیشنهادی کردید و توضیحات‌خودراهم‌اظهار نمودید بهر حال‌پیشنهادی که آقای سلطان محمد خان‌داده اند راجع باین‌بود که کمیسیونی معین بکنند بقرعه اگر مطالبی‌دارند بروند در کمیسیون بگویند و عدم شرکت خودشان را درحکومت سابق ثابت بکنند و اگر توضیحاتی دارند بدهند بازهم راجع‌بکمیسیون‌حرفی دارید .

سلطان محمد خان — بلی حرف دارم.

رئیس - بفرمائید .

سلطان‌محمد خان - من معتقد هستم که برضد حکومت ملی‌قیام و اقدام نکرده‌ام ممکن‌است دراین مجلس گوشهای‌شنوا نباشد ولی‌شماتماشاچیها گوش دارید ...

رئیس - شما حق ندارید با تماشاچیهاحرف بزنید روکنید به آقایان و کلاء کلیه تماشاچیها می شنوند .

سلطان محمدخان - من برعلیه حکومت ملی قیام و اقدام نکرده اگر اجازه بدهید ثابت می کنم که دیگران برعلیه حکومت ملی اقدام و قیام کرده اند بنده عرض میکنم که حق دفاع دارم‌یك دفعه حق دفاع باید به بنده بدهید و یك هیئتی را معین کنید و با یك کمیسیون تشکیل‌داده برحسب قرعه مرکب از اشخاصیکه مشتق علیه جمهور هستند از آقای مشیرالدوله - مستوفی‌الممالك وآقای‌حکیم الملك‌معین بفرمائید در آنجا اگر مرا محکوم‌باعدام میکنند من طناب دار را خواهم بوسید اما بدون جهت‌نمیخواهم در اینجا کشته اغراض شخصی واقع شوم مطلبی نیست اگرآقایان معترض نیستند به‌بنده این حق دفاع را بدهند .

مدرس - گمان میکنم که ما نمیخواهیم آنهائی که شرکت کرده‌اند با آن حکومت نسبت به تمامشان یك جوری نشود که دیگر این مملکت نتواند از آنها استفاده کند‌قدری که وظیفه‌مجلس شورای ملی است این است که آنها را از مرکز سیاست که‌پارلمان باشد دور کند وظیفه ما این‌است و لکن‌بعضی‌صحبتها و بعضی مذاکرات کم کم منجر میشود که خدای نخواسته چیزهائی پیش آید که یك رنجش و ملالت هائی پیدا شود که بعد ازاین اسباب امتناع از آنها بجهت کارهای دیگر هم‌نشود یك مسئله خیلی صافی را کم کم میخواهند بجائی بکشانند که اسباب زحمت شود آقایان و کلائی که اینجا هستند میدانند و عقیده‌شان این است که این سیاست مضر بحال مملکت بوده است و تطبیق یك موضوعی را کرده‌اند این نه اوقات تلخی لازم‌دارد و نه رنجش‌اگر امروز در مجلس شورای ملی‌وجود مرامضر بسیاست حوزه‌امروزه بدانند و وجوددیگری نافع باشد نه اسباب غرض میشود نه اسباب مرض‌می شودنه‌حالا کمیسیون میخواهد نه آینده خواهش می کنم‌از آقایان‌وسلطان محمدخان که‌با کمال خونسردی صحبتهایشان را داشته وبعداز این زیادروی نکنندو خواهشمندم‌زیادتر‌ازاین تعقیب نکنندحالا اگر آقایان هم که‌دراینجاهستندوثلثشان‌از آقا سیدضیاء تقاضای کار کرده‌باشند آنهاهم‌باشمادرعدم‌لیاقت‌عضویت در اینجا شرکت‌دارند در اینکه آن اشخاص یك‌دولتی و ملتی‌را از میان برده‌اند حرفی نیست حالا زیادتی برفیق‌دلیل‌برخوبی مطلب نمیشود اگر تمام طهرانی ها هم با شما شرکت کرده بودند ما از جانب‌تمام ولایات دیگر و سایر بلاد ایران میگفتیم آنهاهم‌بد هستند عقیده سیاسی مثل یك عقیده‌دینی میماند بعد از آنکه یك عقیده سیاسی در یك جمعی پیدا شد البته اجرا می کنند امروز اگر شما اکثریت پیدا کرده بودید وپارلمانی تشکیل داده بودیدالبته وظیفه‌تان این بود که ما را رد بکنید ماهم امروز اتفاق داریم شما وامثال شمارا که شراکت در این امر داشتید رد میکنیم نه اوقات تلخی میخواهد نه چیزی کمال دوستی‌هم درپیش است و همانطور که سابق دوست بودیم حالا هم باشیم گمان میکنم مذاکرات ختم شود زیرا چندان لطفی‌نه‌برای ایشان شد نه برما مترتب میشود یك اختلاف سیاسی جهت ندارد که آنقدر کارهارا مشکل بکند

رئیس - باید رأی بگیریم به پیشنهادی که آقای سلطان محمد خان داده‌اند

سلطان‌محمد خان - بنده‌عرض‌دارم

رئیس - دراین موضوع اگر بخواهید زیاده براین حرف بزنید نتیجه ندارد شما یك پیشنهادی داده‌اید وتقاضائی کرده‌اید آن تقاضا این است که این امر مراجعه شود بیك کمیسیون عوض شعبه بیاناتی‌هم فرمودید آنچه که میخواستید بگوئید گفتید ومقصودتان چه چیز است حالا درباب‌این پیشنهادی که کرده‌اید باید رأی بگیریم

سردار معظم - بنده عرض دارم

رئیس - بفرمائید .

سردار معظم - بنده قائل بکمیسیون‌هستم‌و بنابراین موافق‌باپیشنهاد ایشان هستم ولی‌بیك‌شرط بنده عقیده‌ام اینست که این کمیسیون که بعد منعقد میشود صلاحیت رسیدگی در زمینه نمایندگی ایشان را نخواهد داشت ولی درباب مطالب دیگر راجع بایشان که تاچه درجه شرکت داشته‌اند بنده کاملا موافقم که‌کمیسیون معین شود ومعلوم شودتاچه‌درجه ایشان تقصیر دارند

رئیس - پیشنهادی که ایشان کرده‌اند این است که اول کمیسیون تشکیل شود و اسنادی که دارند ببرند بآن کمیسیون وآنجا ارائه دهند این موقوف خواهد بود باینکه‌دربارب راپورت‌نمایندگی ایشان رأی ندهیم تااینکه راپورت این موضوع‌از آن کمیسیون برگردد ولی پیشنهادی که جنابعالی می کنید اینطور نیست پیشنهاد شما این‌است که در باب نمایندگی ایشان رأی بدهیم بعد تقاضای ایشان را قبول کنیم (گفتند بلی صحیح است)

سردار معظم - بلی صحیح است

رئیس - (خطاب به‌آقای سلطان محمدخان) کدام‌یك‌را قبول میفرمائید

سلطان محمد خان بنده قربان عرض‌میکنم که ابتدای امر یك کمیسیون‌معین شود معلوم بکنند که آیا من دراقدام برضد حکومت ملی شرکت داشته‌ام یانه

مدرس - شك‌ندارد .

رئیس - (خطاب به‌آقای سردار معظم) این پیشنهاد غیر ازپیشنهاد جنابعالی است

سردار معظم - بنده چون منکر هستم که حق دفاع‌بکسی داده نشود عرض‌میکنم آقای‌سلطان محمد خان مدعی هستند ومیگویند هیچ شرکت در ضدیت با حکومت ملی نداشته اند ولی ما عقیده‌مان این‌است که‌ایشان‌شرکت داشته‌منتها ممکن است درجه مشارکت ایشان خفیف باشد به‌عقیده‌بنده موضوع نمایندگی ایشان عجالتاً بایدرد شود ولی در موضوع درجه شراکت ایشان کمیسیونی معین شود بعد ازاینکه معین شد آنوقت تکلیف مجازات‌های دیگر ایشان معین خواهدشد علی‌الخصوص که مجلس را مکلف می‌دانم که نسبت بوقایع گذشته باید رسیدگی بکند ومرحله‌اول رسیدگی باوضاع گذشته ازهمین‌جا شروع بشود یعنی یك هیئتی مأمور شوند منتها نه بقرعه بلکه از همان آقایانی که سلطان محمد خان تقاضا می کنند وواقعاً زمینه واقعه گذشته وخرابی مملکت‌را روشن کنند ودرجه شراکت‌یاعدم شراکت ایشان‌را تعیین کنند

سلطان محمد خان — (خارج از محل خود روبنمایندگان ویشت‌به‌هیئت رئیسه) این‌پیشنهاد آقای سردار معظم‌درحکم این‌است که اول‌یك‌شخصی را بکشند وقصاص بکنندبعد ازآنکه ،ردد‌رعملیات او رسیدگی کنند به‌بینند قاتل بوده یانبوده بنده عرض می کنم که اگر شما یقین دارید که بنده بر ضد حکومت ملی قیام نموده‌ام در این کارشرکت داشته‌ام . .

رئیس — آقا اگر می‌خواهید آنجا حرف بزنید روباینطرف بایستید یاتشریف بیاورید اینجا در کرسی نطق روبآن‌طرف نطق کنید

سلطان محمد خان - (بدون اجازه نطق) من افتخاری بعضویت این مجلس ندارم ولی عرض میکنم اگر شماها یقین دارید که من برعلیه‌حکومت ملی قیام واقدام نموده‌ام چه مضایقه دارید از اینکه بمن حق دفاع بدهید فرض می کنم یکی از وکلا اقدام بقتل کرده‌باشد آیا باید شعبه رسیدگی باین مسئله بکندبایك محکمه باید رسیدگی بکند - اگر یکی ازو کلاء را بگوئید مرتکب سرقت شده است آیا شعبه باید تحقیق بکند ؟ یااداره مربوطه

بایستی رسیدگی بکند کدام یکی ؟ آیا شعبه حق دارد بگوید که من برضد حکومت ملی اقدام‌نموده‌ام در صورتیکه شعبه یکدفعه از بنده توضیح نخواسته است

رئیس - آقای‌مدرس بفرمائید

مدرس - عرض بنده این‌است که . .

سلطان محمد خان - بی اجازه نطق . . من یقین دارم آقایان حقایق‌را خوب فهمیده‌اندبیش از این حرف نمی‌زنم بیش ازاین هم دفاع نخواهم کرد

رئیس -(خطاب به‌آقای مدرس بفرمائید .

مدرس - عرضی که داشتم این است که‌این ترتیب مارا بجای دیگر میکشاند مثل این است که آقای سلطان محمد خان تکیه‌شان‌را بجائی داده‌اند وبه‌مجلس آمده اند

سلطان محمد خان - تکیه بروجدان پاك خود کرده‌ام

رئیس - خطاب بسلطان محمد خان) خیلی حرارت بخرج میدهید .

مدرس- بواسطه اینکه سلطان محمد خان غیراز سلطان محمد خان ششاه پیش است که با هم دوست بودیم وجداً میگویم همانطور که سید ضیاء تکیهٔ خودش را بجای دیگر داد وملت ایران اورا نابود ساخت شماهم مثل همان اگر تکیه‌تان رابجای دیگر کرده اید انشاءالله الرحمن این ملت و همین وکلائیکه می‌بینید که بنظر شما نمی‌آید انشاءالله‌شما را هم نیست ونابود خواهند نمود .

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد و تقاضائی که کرده اند یعنی کمیسیونی معین بشود ورسیدگی‌شود بمطالبی که ایشان میگویند .

مدرس- خارج ازموضوع است کمیسیون‌برای چه چیز .

رئیس- تقاضائی میکنید من باید رأی بگیرم بمیل جنابعالی که نمی‌توانم عمل کنم (بعضی تصدیق کردند)

رأی میگیریم به تقاضائی که آقای سلطان‌محمد خان کرده اند که کمیسیونی معین‌شود بقرعه‌ورسیدگی بشود بمطالبی که ایشان حضوراً گفتند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد باید رأی بگیریم به راپورت شعبه‌طبع وتوزیع شده است معذالك‌قرائت شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

شعبه دوم بدوسیه انتخابات نائین و مضافاتش رسیدگی نموده و برای استحضار مجلس شورایملی عرض مینماید که انتخابات نائین و مضافاتش موافق قانون بعمل‌آمده واعتراضی هم ازاول تابحال‌نرسیده لذا شعبه دوم صحت انتخاب سلطان محمدخان نائینی را از حوزه انتخابیه نائین و مضافات آن تصدیق مینماید اما بطوریکه‌پوشیده نیست مشارالیه‌در کابینهٔ سیاه معاون ودرقیام واقدام برضد حکومت‌ملی‌شریك بوده است اگر شرکت او قبل از انتخابش می بود موافق شرط نهم قانون انتخابات از حق انتخاب محروم میگردید ولی چون شرکت مشارالیه بعد از خاتمه انتخابش بوده لذا شعبه دوم رأی قطعی رادر این موضوع منوط بتصمیم مجلس میداند.

رئیس- رأی‌میگیریم بنمایندگی آقای‌سلطان محمد خان ...

سلطان محمد خان - قربان حق دفاع نمیدهید .

رئیس- آقا ما اینجا یك نظاماتی داریم که مجبوریم رعایت بکنیم اول که شما تشریف آوردید آنجا بیاناتی که فرمودید دفاع بود .

سلطان محمد خان- بازهم دفاع دارم .

رئیس- شما راجع بکمیسیون مطالبی داشتید اظهار فرمودید دیگر نمیشود صبر کرد تا دو ساعت بعداز ظهر .

سلطان محمد خان- من عرض میکنم یك کمیسیونی معین‌کنید قبول نمی‌کنید ومیخواهید مرا رد کنید در صورتیکه من مستحق این مسئله نیستم حالابنام قانون‌میخواهید بنده را بکشید‌خیلی‌خوب...

رئیس - گمان میکنم بقدری که بایشان باید آزادی داده شود بیش ازآن داده شد هرچه باید گفته شود گفته شد وراجع بدفاع خودشان مطالبی اظهار کردند راجع بکمیسیون هم اظهاراتی نمودند مطالب هم واضح است هرچه گفته شود باز مکرر است لهذا بنده مجبورم برطبق راپورت رأی بگیرم مگر اینکه آقایان بفرمایند بماند برای روز دیگر (بعضی از نمایندگان اظهار نمودند باید رأی گرفته شود)

رئیس - رأی میگیریم بنمایندگی ایشان آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

سلطان محمد خان- (در حالیکه نزدیك درب خروج ایستاده بودند اظهار فرمودند) همه وجدان کش (ازمجلس خارج شده ورفتند)

بعضی ازحضار بمجلس توهین میکنند جسارت میکنند

رئیس - چند دقیقه تنفس است (در اینموقع حضار برای تنفس ازمجلس خارج شده وپس از ده دقیقه مجدداً مجلس تشکیل گردید .)

رئیس — موضوع آقای مشیرمعظم مطرح مذاکره است آقای‌امین‌الشریعه مخالفید ؟ بفرمائید

امین‌الشریعه - چون دراینجا بواسطه‌مشارکت داشتن بعضی باین موضوع مذاکرات عمیقه بعمل آمده است و کاملا دراین‌موضوع فرمایشات کرده‌اند بنده مفصل عرض نمیکنم ولی در راپورت شعبه که مشتمل برسه فراز است علی‌الاصول عرایضی میکنم فراز اولش تصدیق بصحت جریان انتخابات مشیر معظم است فراز دوم تشخیص دادن اینموضوع است که حائز شرط نهم است چون شعبه تشخیص داده است که اینموضوع حائز شرط نهم‌است دراینموضوع هم عرایض کردن را زیاد میدانم فراز سوم این‌بود آیا این تشخیص که ما دادیم که برخلاف حکومت قیام کرده‌است چون بعدازانتخاب بوده است‌حائزاین شرط میشود یانه در اینموضوع چون حل مسئله را نکرده اند موکول بنظر مجلس میشود اولا بنده خیلی ممنون بودم که آقای مشیر معظم مثل سلطان محمدخان حاضرمیشوند برای مدافعه و فرمایشاتشان را بیان میفرمودند بنده کاملا جوابشان را میدادم و موضوع را درحضور خودشان مشخص میکردم اولا در موضوع قیام برضد حکومت ملی دراینجامذاکره شد که حکومت ملی را تعبیر کرده اند بحکومت سپهدار یا اینکه ما ها حکومت سپهدار را طریق وصول بحکومت سیدضیاءالدین میدانیم هیچ علاقمند بصحت حکومت اونبودیم وبرخلاف جریان حکومت ملی میدانستیم با وصف این عرض میکنم بآقایان که در اینموضوع اشتباه کرده اند وحکومت ملی را با حکومت شخصی و عملیات شخصی تشبیه کرده اند حکومت ملی را مابایدبفهمیم چه چیز است معنای حکومت ملی مداخله افسراد ملت است در حقوق سلطنتی‌خود مستقیماً یاغیرمستقیم این معنای حکومت ملی است حکومت ملی ایران را معرفی کرده اند و مشخص کرده اند بمداخله افراد ملت در حقوق سلطنتی خود وحقوق انتخاب و کلاء وتأسیس‌پارلمان و نیز برای اساس عملیات پارلمان قوانینی‌را ایجاد و تأسیس و وضع کرده‌اند که آنرا ما بنام قوانین اساسی میشناسیم معین است که این قانون ۱۵۸ ماده است و اینها قوانینی هستند که خیمه آزادی ملت ایران را نگاهبان و نگاهدار هستند همین قدر بس است برای حکومت سیاه سیدضیاء یا دولت مجهول نا معقول او که اغلب قوانینی را که راجع بودبحقوق جامعه ملت آنها را زیر پاگذاشت ولغو کرد اگرچه بسیاری از قوانین دیگر را لغو کرد ولی بعقیده بنده قوانین سیاسی که عرض کردم اغلب آنها یك پاره تکلیفاتی است که داخل در قانون اساسی شده است اساس قوانین سیاسی آن روحیکه آزادی‌ملت را نگاه میدارد (چون بنده مراجعه بقانون کرده ام و حاضر است اگر آقای رئیس اجازه بفرمایندعرض کنم) بیست اصل از متمم قانون اساسی را سید ضیاء لغو کرد که غالب آن بیست اصل راجع بفصل حقوق ملت است و راجع بفصل حقوق جامعه است راجع بقوه مقننه راجع بقوه اجرائیه و راجع بقوه قضائیه که این سه اصل سه اصل آزادی هر دولت و ملت است این هرسه اصل را زیربا برد پس‌اگر ما میگوئیم مخالف حکومت ملی اقدام شده است وکابینه او رابرخلاف حکومت ملی میدانیم از این حیث است نه از حیث شخصیات ٤ماده یعنی ٤ اصل از اصول قانون اساسی‌اولیه را لغو کرده حاضراست

رئیس - خارج از موضوع است .

امین‌الشریعه — بلی از فراز سوم که باید تشخیص بدهیم که آیا این شرط نهم حائز مشیرمعظم میشود یا خیر بنده عرض میکنم که حائز میشود و عقیده آقایان هم همینطور است بعلت اینکه فلسفه شرط نهم را باید ملاحظه کرد که از چه نقطه نظر این شرط جزء شرایطی شده است بنده هم عقیده دارم که دو نظر از برای این شرط

بیش نبوده است یك نظر سطحی بوده است و یك نظر عمقی اما یك نظر سطحی که در این شرط ملحوظ بوده است این‌است که اشخاصیکه خیانت میکنند بحکومت ملی من بعد خیانت نکنند و نظر عمقی که عقیده بنده‌است و این طور میفهمم این‌است که اشخاصیکه درمراحل عمرشان یکمرتبه ولو بیست سال قبل مرتکب امری برخلاف حکومت ملی شده‌اند اینها یك مالیخولیای‌خودسرانه‌و استبدادی در دماغ داشته‌اند سزاوار نیست یك چنین آدمی مادام‌العمر داخل درامر ملت بشود اینطور عقیده دارم پس‌این نظر عمقی در مورد کسی که وکیل شده است اولی است امانظر مجازاتی هم میآید بواسطه آنکه‌اگر در غیر وکیل این نظر مجازاتی ملحوظ نباشد در وکیل این‌نظر مجازاتی هم ملحوظ است بدو مرتبه برای اینکه کسیکه وکیل‌شد خلاف بدوحیثیت کرده است یك خلاف بحیثیت حکومت ملی ، یك خلاف بحیثیت نمایندگی کرده پس مجازات آنکه بحیثیت حکومت ملی خیانت کرده است محروم بودن از نمایندگی است و مجازات را قانون معین کرده ولی مجازات ثانی که بحیثیت نمایندگی مرتکب بوده‌است آنرا باید درنظر ثانی معین نمود پس علیهذاآقای مشیرمعظم راحائز شرط نهم میدانم ووکیل نمیدانم

رئیس - حالا باید رأی بگیریم رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای مشیر معظم آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند (کسی قیام‌نکرد تصویب نشد) راپورتی است‌راجع به‌آقای نصرت‌الدوله آقای حاج شیخ اسدالله‌احضار (برای‌قرائت‌راپورت) راپورت مزبور بمضمون ذیل قرائت شد .

شعبه‌ششم رسیدگی بدوسیه‌انتخابات کرمانشاهان نمودهٔ شرح انتخابات آنجا از قراری است که ذیلا بعرض میرساند در تاریخ پنجشنبه نهم ربیع الاول ۱۳۳۷ بامر وزارت داخله حکومت کرمانشاهان مجلسی دردیوانخانه ازآقایان علماء وتجار واصناف واحزاب وسایر طبقات ورؤسای دوائر دولتی تشکیل وبموجب ماده (۱۰) قانون انتخابات با توافق نظر اهالی انجمن نظار را تشکیل دادند انجمن نظار مرکزی در تاریخ یکشنبه چهارم ربیع‌الاول اعلان انتخابات را منتشر که در تاریخ ۲۳ ربیع‌الاول‌الی ۱٤ ربیع‌الثانی جهة توزیع تعرفه و ٥ روز جهت اخذ آراء معین نمودند و برای دادن تعرفه و اخذ آراء دو شعبه در شهر معین نموده و برای قصبات و بلوکات وایلات باتفاق آراء ٤ شعبه به تفصیل ذیل معین کردند .

۱ - شعبه سنقر و کلیائی وبلوك پیلاوَر ودینور و کندوله .

۲ - شعبه کنگاورو صحنه و توابع .

۳ — شعبه هرسین و توابع .

٤ - شعبه کرند - ذهاب - قصر شیرین - کلا و گوران و سنجابی و موافق مواد قانونی‌انتخابات رابشرحی که درصورت مجلس ذکراست انجام داده‌اند وکلیه تعرفهٔ که در شعبات توزیع شده عبارت است از ۳۲٤٤۰ وآراء مأخوذه ۲۰۹۷۰ بوده دوفقر شکایت ازانتخابات سنقر در موقع قرائت آراءشده یکی توسط آقا شیخ علی آخوند زاده و دیگری توسط مشهدی حسن بمهرعدهٔ از اهالی شهررسیده که انجمن نظارت سنقر و انجمن نظارت مرکزی اعتراضات آنها را وارد ندانسته و شرح آن در اعتراضاتی که توسط آقای آقا شیخ علی آخوند زاده بشعبه تسلیم شده است مندرج است و بموجب ماده ٤٥ قانون انتخابات انجمن نظار مرکزی پس از اتمام استخراج آراء و اعلان نمایندگان در هفته اول که برای رسیدن شکایات و اعتراضات جلسه داشته‌یك فقره شکایت در تحت ۱۹ ماده بانجمن رسیده بود که انجمن های جزء و انجمن مرکزی رسیدگی کرده آن اعتراضات را رد نموده و مفاد آنها را بهرچوجه موثر در جریان انتخابات ندانسته و تقریباًمفادآنهاهم از قراری است که در اعتراضات بعد جواب ذکر خواهدشد آنچه در دوسیه ملاحظه شد موافق شرحی است که در فوق بعرض رسیده و تلگرافی در این رسیدگی بدوسیه انتخابات بشعبه بشعبه رسید که راجع‌بانتخابات آنجا اوراق ومدارك شکایتی از سوء جریان انتخابات ارسال داشته شده است و پس‌از چندروز اوراق مذکور توسط‌آخوند زاده واصل و خود مشارالیه برای دادن توضیحات راجع باوراق در شعبه حاضر که خلاصه شکایات و اعتراضات بشرحی است که ذیلا بعرض میرساند .

خلاصه اعتراضات‌شکایت نامه که توسط‌آخوند زاده‌رسیده است۱ دو نفر از اعضای هریك ازانجمن های نظارت مرکزی و دو شعبه شهری بواسطه مشاهده سوء جریان انتخابات از عضویت استعفاداده و این مطلب دلیل اثبات تهدید و تطمیع شمرده میشود مندرجات‌صورت مجلس انتخابات راجع بقضیه استعفای اعضای مذکوره بشرح ذیل است .

در روز دوم توزیع تعرفه دو نفر از اعضای انجمن مرکزی و از هریك‌از دو انجمن جزوشهری دو نفر در جلسات‌حاضر نشده ٥ نفر دیگر اعضای مذکوره‌در انتظار حضور اعضاء غائب توزیع تعرفه را ٥ روز تعطیل کرده ولی همه روزه حاضر شده وضمناً به آنها کتباً لزوم حضور آنها را یادآوری کرده اند ولی دو نفر اعضای انجمن مرکزی در جواب کتباً استعفای از عضویت انجمن نظارت داده و دلیلی برای استعفای خود ذکر ننموده اند ٤ نفر دیگر بموجب مکتوبی که نوشته اند از حضور استنکاف کرده و نظر به‌استعفا و استنکاف اعضای مذکوره و تعطیل توزیع تعرفه و حکومت وقت با تبادل نظر انجمن نظارت مرکزی در عوض اعضای مستعفی و مستنکف اعضای جدید انتخاب کرده و پس ازتکمیل اعضای انجمنهای نظارت بدادن‌تعرفه ادامه داده شده است با این تفصیل شعبه اعتراض اول را وارد ندانسته است و اما استناد به نوشته که دو نفر از اعضای‌مستعفی پس از خاتمه دادن‌انتخاب که آنها علت استعفای خود را بودن تهدید در انتخابات بیان میکنند نظر باینکه اشخاص مزبوره‌در موقع استعفای‌خود مطابق اوراق استعفا کادردوسیه انتخابات موجود است ذکر دلیلی برای استعفا نکرده و انجمن نظار هم‌چربان انتخابات راتصدیق کرده است لهذاشعبه باین اظهار آنها ترتیب اثری نمیتواند بدهد (مدلول شکایت دویم) این است که با اینکه آقای‌آقاجمال‌منشی بوده‌اند صورت مجلس بخط ایشان نیست و خودشکایت کنندگان در این باب‌سئوالی‌ازمعزی‌الیه‌نموده‌اند وآقاجمال‌جواب‌میدهد که بنده سمت منشی‌گری داشته و منشیان دیگر شاهزاده اسد الدوله و آقای وکیل الملك بوده اند و دوسیه مذکور بخط داهی نیست سید تصورمیکند جواب این شکایت را خود آقای آقا جمال بطور کامل داده و مطلب را توضیح کرده اند زیرا بـا داشتن دو منشی دیگر اگر منشی سیم صورت‌مجلس را اعضای انجمن وخودمشارالیه که یکی‌ازآن اعضا است امضاء و تصدیق مینماید ننوشته باشد ایرادی برصورت مجلس وانتخابات وارد نمیشود (مدلول شکایت سیم) تکرار شکایت‌ماده اول که با ذکر اسامی استعفا کنندگان است که عبارت از آقایان ابوالحسن خان و مستشارالتجار و آقا شیخ علی و شاهزاده اکرم‌الدوله است یعنی اعضای مستعفی‌دو شعبه انجمن نظارت که تفصیل آن در ماده اول ذکر شد نظر شعبه همان است که در جواب اعتراض ماده اول عرض شده است (مدلول شکایت چهارم) راجع به تبعیض در فرستادن اینجمنهای نظارت جزو است از طرف انجمن‌مرکزی وبالنتیجه محروم‌شدن صحنه قصر شیرین گران - کلهرسنجابی ازمشارکت در انتخابات - مطابق ماده ۸ قانون انتخابات‌اساساً فرستادن شعبه جزو بسته بنظر انجمن مرکزی و تصویب حکومت است و انجمن نظارت مرکزی کرمانشاهان چهار انجمن جزو معین کرده - صحنه‌را جزو کنگاور - کلهر-وگوران وسنجابی‌راجزو کرند محسوب‌داشته اند واز طرف انجمن های نظارت‌تمام اقدامات مقدماتی از قبیل نشر اعلان و تعیین موقع دادن تعرفه واخذ آراء وغیره بعمل آمده است‌وعملا اهالی‌حوزه‌های‌انتخابیه مشارکت درانتخابات کرده‌اند فقط ایل سنجابی پس از وصول‌اعلان‌انتخابات شرحی بانجمن نظارت‌کرند نوشته که بواسطه بودن ایل‌در گرمسیر اخذ تعرفه برای آنها مشکل است (مدلول شکایت پنجم) این است که در حوزه سنقر و کلیائی از طرف امیر امجد اعمال نفوذ شده است وانتخابات آنجا مبنی بر تهدید بوده است و غلام موسی نامی که‌میگویند ازاشرار است‌از طرف‌امیر کل‌بآنجارفته‌و از رعایای کندوله وپشت‌دربندخواسته‌است‌درموقع‌اخذ تعرفه جلوگیری کند و دو نفر مجروح شده‌اند و دوسیه عدلیه شاهد ادعا قرار داده شده است اولا

انجمن نظارت حوزه سنقر و علمای آنجا و طبقات دیگر اهالی صحت و آزادی جریان انتخابات آنجا را تصدیق کرده‌اند و راجع به مجروح شدن دونفر هم تکذیب نموده‌اند ثانیاً یك ورقه که موسوم به دوسیه عدلیه نموده و ورقه نظام دیوان که مدرك اظهار شکایت کنندگان قرار داده شده است بهیچوجه از اعمال نفوذ تهدید در جریان انتخابات حاکی نبوده بلکه مربوط به استرداد اموال غلام موسی میباشد بنابراین دوسیه‌عدلیه واعتراض‌بجریان انتخابات برای شعبه مکشوف نگردید و این‌اعتراض غیر وارد است و مدلول اعتراض ششم)اعمال نفوذ در حوزه هرسین است که ازطرف امیر کل‌بوسیله اعظم‌السلطنه میگویند اعمال شده است‌وبرای تأیید این ادعا دو فقره مکتوب یکی بامضای حسن نام و دیگری بامضای رئیس‌العلماء ارائه مینماید شعبه پس از دقت در صورت مجلس هرسین و نیافتن هیچ‌نوع شکایتی در موقع جریات انتخابات و تصدیق صحت آن از طرف انجمن نظارت که‌ازجمله‌رئیس‌العلماء بوده است این شکایت را وارد ندانسته‌ومورد توجه قرار نمیدهد (مدلول شکایت هفتم) راجع بحوزه کرند هم یك فقره شکایت بمهر ۲۳ نفر و یك سؤالی از سیف‌السادات نام که مستخدم امنیه بوده است ملاحظه شد نظر باینکه اظهارات آنها دلیل و مدرکی نداشت طرف توجه شعبه واقع نگردیده (مدلول شکایت هشتم) راجع به کنگاور اخیراً ورقه سؤال و جوابی منتسب به شیخ عبدالصمدرئیس انجمن کنگاور از طرف آقا شیخ علی بشعبه داده شده که در جواب مینویسد که منتخبین را غالب رأی‌دهندگان نمی شناسند و از سوء جریان انتخاب مکرر ایراد نمودم جوابی نشنیدم اولا آقا شیخ عبدالصمد در صورت مجلس انتخابات کنگاور صحت جریان انتخابات را تصدیق نموده و تا موقع دائر بودن امر انتخابات بهیچوجه تعرض نکرده بعلاوه مهر این سؤال با مهری که در صورت مجلس انتخابات است‌بکلی‌مخالف ودر صورتیکه این ورقه‌را بایشان هم میتوان نسبت داد براین اعتراض که مدتی بعد از جریان انتخابات وبعدازتصدیق حتمی که درموقع‌خود شده ترتیب اثری نمیتوان داد اوراقی‌هم که راجع به تهدید آقا شیخ‌علی وغیره بآن استشهاد میشود درآن ذکری ازانتخابات‌نبوده بلکه حاکی‌ازپاره اعتراضات اخلاقی است که نسبت به‌آقا شیخ‌علی آخوندزاده در دو ورقه بی‌امضاء نوشته شده داده‌اند که ذکر آنها در رایورت غیرلازم وخارج اززنزاکت است درمقابل شکایات واصله عده کثیری ازطرف احزاب و طبقات مختلفه علماء وآقایان و اهالی شهر واطراف وایلات ازقبیل کلهر تلگرافات‌عدیده بامضای معاریف مبنی بر تصدیق صحت انتخابات‌آن حدودوتکذیب‌شکایت کنندگان مخابره کرده‌اند شعبه پس‌از مداقه کامل مخالفتی باقانون انتخابات درجریان وعملیات انتخابیه کرمانشاهان ندیده وبالنتیجه صحت‌انتخابات آنجا و نمایندگی‌شاهزاده‌نصرة‌الدوله‌را به (۱۹۴۳۶)وآقای معتضدالدوله‌اربه (۱۸۶۷۵)رای تصدیق مینماید

رئیس - نسبت باین‌رایورت مخالفی هست

طباطبائی - بنده مخالفم .

رئیس - پس میماند برای روزشنبه راپورتی است راجع به آقای طباطبائی قرائت میشود آقای حاج شیخ اسدالله رایورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند

شعبه ششم رسیدگی بدوسیه انتخابات حوزه ساوجبلاغ‌وشهریار وتوابع ونمایندگی آقای‌آقامیرزا محمد صادق طباطبائی نموده انتخابات حوزه مزبوره بقرار ذیل است .

انجمن مرکزی درتاریخ ۲۸ ذی‌حجه ۱۳۴۷ درقریه کردان تشکیل گشته وپس از اعلان انتخابات مدت ۱۶ روز درساوجبلاغ تعرفه‌داده و ۵ روز اخذ رای نموده اند ودر حوزه‌های جزء ازقبیل شهریار و بلوك برقان و اشتهارد انجمن های جزء تشکیل و مطابق قانون انتخابات‌را جریان وخاتمه داده اند و آقای‌آقامیرزا محمدصادق‌طباطبائی با کثریت ۶۷۵۶ رای منتخب شده‌اند چیزی که در دوسیه دیده شده این است که درفشند که درجدول انتخابات جزء حوزه های جزء نوشته شده انجمن جزء تشکیل نگشته شعبه در مقام کشف علت برآمد معلوم شد بواسطه قرب ونزدیکی بکردان انجمن‌مرکزی تشکیل‌انجمن را در آنجا لازم ندانسته وچندفقره شکایات هم در دوسیه بوده چون مواد شکایات با دلایل کافی دیده نشده شعبه نتوانست به‌شکایات ترتیب‌اثر بدهد وپس از افتتاح مجلس هم شکایتی نرسیده لذا شعبه ششم باتفاق آراء صحت انتخاب و نمایندگی آقای آقا میرزا محمدصادق طباطبائی‌را از حوزه‌ساوجبلاغ وتوابع تصدیق مینماید .

رئیس - راجع باین راپورت مخالفی نیست (گفته‌شد خیر) رأی‌میگیریم بنمایندگی‌آقای‌آقامیرزا محمدصادق طباطبائی آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میفرمایند قیام نمایند (جمع کثیری قیام نمودند) رئیس تصویب شد چون ظهر شده است بقیه اعتبار نامها را اگر تصویب نمائید بماند برای روزشنبه چهارساعت‌قبل‌از ظهر .

مدرس - بماند برای یك‌شنبه چون روزشنبه شعبه‌ها کار دارند .

آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم روز یك‌شنبه باشد .

رئیس - پیشنهاد میشود جلسه روز یکشنبه باشد آقایانیکه روز یکشنبه را برای تشکیل جلسه تصویب مینمایند قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

مجلس نیم‌ساعت بعداز ظهر ختم شد

رئیس مجلس **موتمن‌الملك**

جلسه ۵

صورت مشروح مجلس یوم‌یکشنبه ۲۵ ذیقعده ۱۳۳۹ مطابق ۹ اسد ۱۳۰۰

مجلس تقریباً دوساعت ونیم قبل‌ازظهر درتحت ریاست آقای مؤتمن‌الملك تشکیل و صورت مجلس پنجشنبه ۲۲ را آقای نصرت‌الدوله قرائت نمودند

رئیس — نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست یانه .

حائری زاده - اعتبار نامه‌آقای طباطبائی باتفاق آراء تصویب‌شد نه‌با کثریت

رئیس - دیگر اعتراضی نیست - (اظهاری نشد) صورتمجلس تصویب شد با پیشنهاد حائری زاده یك جزء دستور امروز رایورت شعبه ششم است راجع بانتخاب کرمانشاهان آقای طباطبائی مخالف بودند .

طباطبائی بلی آقا .

رئیس - بفرمائید .

طباطبائی - راجع بانتخاب کرمانشاهان‌همان طوریکه درجلسه قبل هم عرض کردم مخالف هستم ومخالفت بنده هم ازنقطه نظر انتخابات است هم‌از نقطه نظر ...

سردار معظم - بلندتر بفرمائید

طباطبائی - عرض کردم بنده راجع‌بانتخابات کرمانشاهان مخالف هستم ومخالفت بنده ازنقطه‌نظر انتخابات است هم ازنقطه نظر شخص منتخب است البته بنابر وظیفه بایستی من امروز مخالفت‌خودم را عرض کنم وپس از آنکه بنده عقاید خودم را عرض کردم بدیهی است حکمیت را آقایان نمایندگان خواهند فرمود بنده وقتی آمدم جمعی‌از آقایان می متواتراً بینده اظهار کردند خوب است‌این‌مذاکرات در مجلس نشود یعنی مذاکراتیکه خارج از مسئله انتخابات است وفرمودند مهماامکن‌باید رعایت حفظ مراتب مجلس بشود و مذاکرات بکمیسیون تحقیق رجوع بشود اگر مسئله حل‌نشد بعداز آن‌بتصویب مجلس موکول شود بنده چون یك مقصود شخصی‌و یك لجاجتی ندارم‌وفقط مقصودم آن بود که‌یك‌حقایقی که درنظر من ثابت وقطعی است عرض بکنم چون آخرین‌محکمه‌انتخابات‌مجلس‌شورایملی است آن‌وقت ببینیم‌تمایلات آقایان نمایندگان چه‌چیز است علیهذا قبول کردم وگفتم اگر دیگران پیشنهاد بکننده بنده مخالفت نخواهم کرد اگر آقایان میخواهندخودشان پیشنهاد بکنند وخیلی هم اصرار کردم البته تصدیق میکنید که وظیفه بنده مقتضی نبود که این تقاضا را بکنم زیرا برای بنده مخطوراتی داشت که برای آقایان نداشت این عرض من در اینجا فقط از این نقطه نظر بود که بینده‌نتوانند بگویند ملاحظه‌حیثیات مجلس را نکردم ونصیحت آقایانرا گوش ندادم‌بنده هم قبول کردم ولی آقایان هیچکدام حاضر نشدند که خودشان این‌پیشنهاد را بکنند این است که‌حالا اینجا آمده‌ام که‌عرایض بغرضانه خودرابعرض‌آقایان برسانم آمدیم‌بسر مسئله‌انتخابات اولاراجع‌بجریان انتخابات

میخواستم اینرا عرض کنم که اگر آقایان‌نمایندگان بایك نظر انصاف و بیطرفی بحال کرمانشاهان در موقع انتخابات آنجا رجوع بکنند برای عدم‌تصویب این اعتبارنامه هیچ محتاج نیست‌بدوسیه مراجعه شود زیرا که انتخابات کرمانشاه درسال ۱۳۳۷ بود و در آن موقع یك کابینه در طهران وجود داشت که حقیقة کابینه اقتدار کابینه دیکتاتوری - کابینه آمریت بود وحاکمیت آن کابینه نسبت‌بتمام قوانین موضوعه مجلس بهیچیك از آقایان و کلاء پوشیده نیست حتی آقایانیکه آن کابینه را منتهی درجه‌شدت تنقید میکردند در این مجلس هستند در آنموقع اخوی حضرت والا منتخب کرمانشاه در آنجاحکومت داشت معلوم است جریان اغلب انتخابات‌در این‌دوره بر هیچکس مخفی نیست دخالت حکومت و غالب مامورین نظامی حکومتی که بدءن مقدمه حبس ونفی و اعدام میکردند معلوم است چقدر در انتخابات تاثیر دارد قانون انتخابات حاکم را صلاحیت‌انتخاب شدن نمیدهد طبیعی است از نقطهٔ‌نظرصلاحیت گمان نمیکنم مابین یك برادری مثل شاهزاده سالارلشکر با خود آقای نصرت‌الدوله بتوان فرق گذاشت‌زیرا اگر آقای نصرت الدوله خودشان درآنجا تشریف داشتند و میخواستند انتخاب شوند پیش از آقای سالارلشگر اعمال نفوذنمیکردند حضرت‌والاشاهزاده نصرت‌الدوله کرمانشاهی نیستند که بگوییم بواسطه تمایلات ولایتی انتخاب شده انداگر از نقطهٔ‌انتخاب میشدند که حاکم آنجا اخوی ایشان و مأمورین‌جزء و کل‌آنجا از بستگان خودشان‌نبوده شایدبنده دراین قضیه آنقدر اهتمام نمیکردم اما با این ملاحظه‌باز لازم است که بنده عرض کنم که انتخاب کرمانشاه از روی آزادی عقیده نبوده‌و مبنی بر اجبار بوده‌است آیا با این حال لازم است بنده یك استادی اینجا ارائه بدهم ؟ در حالیکه هر آدم متعمقی در مرتبه اولی میتواند بفهمد که انتخاب یك چنین محلی مبنی بر آزادی نبوده‌در اینموقع یاهمه آقایان‌نمایندگان یااکثر آقایان میدانند که در طهران یك کمیسیونی وجود داشت رسمی یاغیر رسمی که حالابنده‌نمیخواهم توضیحات بدهم ولی یك کمیسیونی بود که غالب وکلا را کاندیدومعین میکردند وخیلی‌اصرارمیکردند درانتخاب آنها آقای نصرت الدوله درآن کمیسیون یك نفوذ فوق العاده داشتند بدیهی است از آن کمیسیون کاندیدا میشوند و شاهزاده اخویشان هر اقدامی کنند کسانشان همراهی میکنند با این حال شعبه ششم هیچ این حقایق را در نظر نمیگیرد و فقط بیکصورت ماست مالی اعتراضات معترضین را درهم وبرهم میکند وتعمق وتأملی که باید در آنها بنماید وبحثی که باید بکند هیچ ذکرده فوراً میگوید که انجمن نظارت رد کرده بود ومدرکی در دست نبوده واعتراضات آنها قابل توجه نبوده و چه و چه اگرشعبه رأی انجمن‌نظارت را قاطع میداند پس‌باید تصدیق کرد که محاکمه شعبه و محاکمه مجلس لغو است زیرا تصدیق انجمن‌نظارت وصورتمجلس‌انجمن نظارت کافی بود ازاینکه مجلس او را یك وکیل ثابت الوکاله بداند پس ما هیچ نمیتوانیم اظهارات یك انجمن نظارتی را مستند قرار بدهیم مگر اینکه خودمان مستقیماً داخل مستندات ورأی انجمن‌نظارت بشویم وآنوقت‌خودمان بفهمیم که فلان انتخاب صحیح است یا باطل کاملا از رایورت شعبه (اگر آقایان تعمق‌بکنند) مفهوم میشود که‌شعبه‌هیچ همچوتحقیقاتی نکرده لایحه اعتراض معترضین را اگر نگاه کنیم می‌بینیم درهریك از مسائل یك اعتراضی هست اولا راجع باستعفای انجمن نظار در این لایحه اعتراض شده است که یکعده ازانجمن نظار استعفا کردند و یکعده استنکاف نمودند و رایورت شعبه ششم هم تصدیق میکند که عده مستنکف شده اند و حکومت عوض آنها را انتخاب کرده در صورتیکه فضو یك انجمن وقتیکه استعفا نکنند و کناره بکند نمیشود بجای اوعضو دیگریرا انتخاب کردیاباید‌استعفا کند‌یا اینکه باید باکثریت قناعت کنند معلوم است ازنقطه نظر قانون عضویت‌دونفرخارجی درانجمنی که‌عضویت ندارند لطمه بصحت جریان انتخابات وارد میشوددر بعضی جا ها شعبه اظهار کرده است که چون فلان اعتراض کننده مدرکی در دست نداشت قابل توجه نبود بنده میخواهم ازشعبه سئوال کنم که مدرك یك معترضی از چه قبیل است آیا باید یك حکمی از حاکم شرع بیاورد ؟ یا باید دستخطی‌ازرئیس‌الوزراء بیاورد ؟ یایك فرمان دولتی بیاورد ؟ آیا جزشهادت شهود واظهارات افرادیکه دخیل درجریان انتخابات بودند برای مدرك شکایات خود چه سندی باید ارائه دهد چنانچه‌آقایان در کتابچه اعتراضیه‌ملاحظه فرمایند میبینند که معترضین هر کدام برای اثبات هر فقره از شکایات خودشان یك سندی در دست دارند از اعضاء انجمن نظار ازمأمور حکومت واز سایرین معذالك هیچیك از آنهارا شعبه محل اعتنا قرار نداده وهرچه تلاش داشته است کرده‌است که استخاره خوب بیاید مطابق اعتراضاتیکه شده خیلی خیلی‌خوب واضح است حتی هیچ شکی باقی نمیماند که ترتیب چه بوده در موقع دادن تعرفه مسلحینی وارد انجمن نظارت میشوندوحتی شاهزاده‌حاکم‌هم آمده‌اند وخودشان دیده‌اند وباوعده‌ای که داده‌اند وملاقاتیکه باآنها کرده‌اند معذالك هیچ اعتنائی نکرده وچشمشان‌را روی هم گذارده و بیرون میروند دلیل براینطلب هم‌تعطیل انجمن‌نظارت بوده‌انجمن چند روز تعطیل میکند ووقتیکه میبینند اعتنا باو نمیکنندبعضی استنکاف میکنند وباقی دیگر کاررا خاتمه میدهند وقتیکه دریك انجمن نظارتی جمعی مسلح وارد بشوند معلوم است دریك همچه جائی آزادی برای منتخبین چقدر است وتهدید تاچه‌درجه وجود داشته راجع بهریك از انجمن جزء بلوکات شکایاتی کرده‌اندواسنادی که درمقابل هریك‌اظهار کرده‌اند معذالك شعبه بمسامحه گذرانیده و هیچ اعتنائی باظهارات آنهانکرده فقط گفته است‌انجمن نظارت آن‌را رد کرده ماهم رد میکنیم محرومیت عشایر کرمانشاه یکی ازمهمترین مسائل عدم صحت انتخابات است زیرا کسانیکه از کرمانشاه اطلاع دارند میدانند عده‌عشایر کرمانشاه شاید متجاوزاز نصف کرمانشاه باشد چطور ممکن است نصف‌ذوی الحقوق‌راماازانتخاب محروم کنیم ؟ و آن انتخاب را صحیح بدانیم ؟ بلی یك‌رشته از عشایر شکایت نکرده‌اند بله درآنموقع وباآن‌حالت‌وآن‌روزشکایت برای آنها ممکن نبود بابودن قوای خارجی‌درآنجا البته جرئت شکایت برای آنها نبود آن‌هم درنقاط دور افتاده اگر ایل سنجابی‌هم شکایت کرده است همه ماجرئت وفداکاریهای ایل سنجابی‌را میدانیم که از هیچ چیز نمی‌ترسند وفداکاریهای‌بزرك کرده‌اند وخودشان را برای مصالح این مملکت فناکرده اند البته آن‌هافقط می‌توانند جرئت بکنند وداخل‌شکایت از انتخابات‌بشوند دیگران‌جرئت نکرده وعدم اظهار آنها دلیل برعدم جرئتشان بوده حالا اعم‌ازاینکه شکایت بکنند یانکنند وقتی‌که ما دیدیم یکعده از انتخاب محروم مانده‌اند و از اوضاع آن حدودهم بخوبی اطلاع داریم فرقی نمیکند که شکایت بکنند یانکنند شعبه که بنفرستان یکشعبه جزء انجمن‌نظار بیك دهی که دریك‌فرسخی‌مرکز حوزه انتخابات‌واقع است اینطور اهمیت میدهد ودر شعبه اشاره بآن میکند چطور می‌تواند از محرومیت‌یك ایل‌بزرگی چشم بپوشد ایل سنجابی تقاضا کرده است که چند روزی برمدت علاوه کنند که آنها بتوانند از گرمسیر مراجعت کنند و بآنها اجازه نداده‌اند و موافقت نکرده‌اند و متوقع بودند که عشایر آنجا از بیست وسی فرسخی زندگی خود را رها کنند وبیایند بفلان ده ورأی بدهند و می گوئید چون نیامده‌اند حقشان اسقاط شده واقعات حوزه سنقر و کلیائی و اوراق استشهادیه که تمام کرده‌اند دردوسیه موجود است ووضعیات حوزهٔ هرسین کاملا اعمال نفوذغیر مشروع واجبار منتخبین را واضح و مبرهن می‌نماید واگر واقعا آقایان نمایندگان بانظر قضاوت بدون توجه بمسائل خارجی رجوع بآن واقعات بکنندهیچ لازم نیست که دلیل دیگری برای فساد این‌انتخاب آمده و در مقابل یکی از اعتراضات معترضین می گوید این مسئله راجع‌باسترداد اموال غلام‌موسی بوده و خودش را غافل میکند که آیا مسئله غلام موسی واسترداد اموال او در وسط جریان انتخابات برای چه بوده ؟ وبرای چه اموال اورفته ؟ عجیبتر از همه این است که درآخر راپورت می‌نویسدعده زیادی از طبقات اهالی اظهار رضایت کرده‌اندآیا یك قاضی میتواند بصرف اینکه جمعی‌اظهاررضایت کرده‌اند از یك امر قضائی غفلت کند ؟ بنده عرض میکنم‌رضایت‌تمام‌دنیا شکایت‌یك‌نفررا که‌مبنی‌برمستند ودلیل باشد رفع نمیکند فرض کنیم که یك‌اشخاصی هم اظهاررضایت کرده باشند رضایت مستندقضاوت

نمی‌شود رضایت منشاء اثر نمیشود زیرا ممکن است دستهٔ از انتخاب یك اشخاص راضی باشند رضایت یکدسته حقوق اشخاص دیگررا ضایع نمیکند وبندههم تصور نمیکنم درضمن یك‌همچه مذاکرات ومباحثاتی که باید از روی اصول قانون باشد شعبه بتواند قناعت باین مسئله‌بکند که ازطرف احزاب و که و که اظهار رضایت شده بله بنده‌اگر بخواهم خیلی‌مفصل داخل استدلال راپورت شعبه بشوم وهرمادهرایك‌یك طرح بکنم واز آقای مخبر جواب بخواهم و بعد جواب بدهم جلسه‌های طولانی لازم خواهد داشت چون میدانیم که‌آنقدرها توجه براپورت شعبه‌ومسائل راجعه بانتخابات نخواهد شد و طرفین تصمیم قطعی دارند باین جهت بیشتراز آین در اینموضوع گفتگو نمیکنم همینقدر خدمت‌آقایان عرض میکنم که واقعاً اگر یکساعتی رجوع بکنید براپورت شعبه واسناد اعتراضات معترضین آنوقت محتاج بیك کشمکش و بحث طولانی نخواهد شد پس از اظهارات خودم راجع بجریان انتخابات ازآقایان اجازه میخواهم که قدری‌هم‌نسبت‌بصلاحیت‌شخصی‌منتخب‌داخل‌مذاکره‌بشوم وبرای مطالعه و حل‌اینمسئله مهم لازم است بتاریخ ربیع الاول ۱۳۳۷ رجوع کنیم یعنی بتاریخ آن انتخابات اگر فراموش نکرده باشیم و اوضاع ما را بفراموشی باز نداشته باشد و احساسات خودمانرا گم نکرده‌باشیم وهرچه آنروز گفته ایم امروزتعقیب بکنیم آنوقت خود در نظر مامجسم می‌شود که‌آنروز یك کابینهٔ وجود داشت که حقیقة و واقعاً آن کابینه از سه عضو مهم و سه عنصر فعال تشکیل شده بود اوضاع تاریخ دوره‌آن کابینه‌بقدری مهم وعظیم است که بقوه نطق نمیاید وتصورمیکنم ازعهده هیچ‌ناطق بر نیاید لیکن چون آقایان همه آنچه من دیده ام دیده اندوآنچه من میدانم میدانندلازم نمیدانم‌بخودم زحمت بدهم و بایك کلمات و الفاظی که احساسات آقایانرا تحریك بکند و اوضاع آنروز را بتواند مجسم نمایدعرض کنم‌فقط بطورخیلی مختصریادآوری میکنی این کابینه راهمه میدانستیم(حالا دیگرنمیدانم بدانیم یانه؟) کابینه‌قدرتیا کابینه‌دیکتاتوری‌وبالاخره کابینهٔ‌قراردادبود این کابینه‌بواسطه‌عملیات‌فوق‌العاده‌اش بطوری درتمام دنیا مشهوراست که احتیاج ندارد بنده درروی منبر نطق اینکابینه را معرفی کنم همه میدانند که این کابینه عملیات خودشرا که منفور ملت بود بایك برجستگی وبا یك شدت وحدتی انجام‌داد که در تاریخ مشروطیت ایران هیچ نظیر نداشت‌در زمان این کابینه هم میدانم که در اغلب جاها یعنی‌در هرجا که انتخاب محلی نبود ویا یك خصوصیتی در کار انتخاب نبود مبنی برآزادی رأی وآراء ملی نبود این کابینه آزادی منتخبین‌را سلب کرد اسناد و اوراق اینکار را همه آقایان دیده‌اند یا شنیده‌اندو بنده برای حفظ مقام مجلس لازم نمیدانم عرض کنم در دوره‌آن کابینه‌انتخابات در ردیف یکی از امور دولتی ومثل یکی از جریانهای اداری دولت جاری بوده در زمان این کابینه یك هیئت اعزامیه با یك خیالاتیکه من نمی‌دانم و البته شما میدانید در تحت ریاست آقای مشاورالممالك برای مدافعه‌حقوق‌ایران در انجمن صلح باروپا اعزام شد دیدیم بمحض اینکه وارد اروپا شد وبانجام وظایف خود اقدام کرد فوراً ملعون ومردود کابینه شد یعنی معزول شد این قضیه را آقایان اگر فراموش کرده اند صفحات روزنامه ایران ثبت کرده ممکن است رجوع شود در نتیجه اینکار وقتی صورت گرفت که دنیا انتظار داشت‌دولت وملت‌ایران بایك رشادت وشجاعت فوق‌العاده حقوق خودرا حفظ‌کند واز تنگنای بدبختیهای گذشته خود را خلاص نماید قرارداد مشهور دفعتاً ایران وهمه‌دنیا را مبهوت وعصبانی کرد حکومت وقت با امضای خود تصدیق کرد درزمانیکه راه سعادت برتمام ملل ضعیفه بازاست‌ایران‌بایداز تمام‌خوشبختیهامحروم‌باشد واین کابینه‌همه‌را ازدست‌دادوهمه‌راصرف کشمکشهای خصوصی خود کرد همه ملت میدانند در نتیجه این اقدام حکومت وثوق‌الدوله که نتیجه و حاصل فکر سه نفر اعضاء آن کابینه بود (ودرحقیقت سایراعضاء کابینه نه در خود کابینه‌ونه در خارج کابینه طرف اعتناء نبودند و فقط بوزارت دلخوش بودند) تمام ایرانیها با یکنوع عصبیتی که معمول آنها است بر ضد آنکابینه صدا بلند کردند حکومت وقت برای خاموش کردن صداهای ملی از هیچگونه عملیات قهر و جبر کوتاهی نکرد و چون جمعی ازمعاریف این اقدامات را قبول نکردند حکومت وقت با ضربتهای شدید آنها وجماعت دیگراز کارکنان را دستگیر و تبعید و نفی‌نمودند و آقای‌محتشم‌السلطنه وزیر خارجه کنونی که امروز همه آقایان میدانند محترم ترین اعضاء رئیسه خودشان یعنی چشمشانرا در این راه گذاشتند تصور نفرمائید اگربنده عرض کردم‌سه‌نفرازآن کابینه‌عضوفعال‌وعضوماپشاء بوده‌اند دفاع از سایرین کرده‌ام.همه آقایان میدانند قطع‌و فصل و رفت‌آمد حکم و الضاء همه با این سه نفر بوده و البته سایرینهم نمیتوانند بگویند ما مسؤلیت نداریم برای اینکه عضو کابینه بودندو مسؤلیت را قبول کرده‌اند و یکنفر که مسئولیت‌راقبول کرد نمیتواند بگوید بمن مربوط نیست و بگوید من مسئول نیستم البته در مقابل قانون مسئول استو محافظت قانون با اوست بهر حال حکومت قرار داد رسماً بتمام مردم وعده داد که قرارداد عملا بموقع اجراگذارده نخواهد شد ولی رسماًشروع باجرای آن قرارداد نموده دیدیم رسماً مواد قرارداد اجرا میشود آقایان که بعضی از آنها هم عضو مجلس هستند راضی شدند باینکه حکومت امضاء قرارداد را معوق بگذارد و تسویه هم نکند تا مجلس باز شود و تکلیف قرارداد معلوم شود حتی‌دولت طرف مقابل هم با فشار های اروپا با مخالفت مطبوعات اروپا با هیجانهای مردم کهبرای دفاع بقاء واستقلال ایران میشد مجبور شد که این رویه را قبول کند و اجرای مواد قراردادرا بگذارد تا موقعیکه‌مجلس باز شود معذالك حکومت زیر بار نرفت و شروع کرد باجرای‌مواد قرارداد یکی بعد از دیگری‌این حکومت حکومتی بود که همه ماها میدانیم که اصلا باراده دیگران و بنا تسبیب و وسائلی که دیگران اتخاذ کرده بودندمشغول کار شده بود ودیدیم که از هیچگونه اقدامات برضد قانون‌اساسی و وبر ضد مشروطیت فروگذار نکرد همه میدانیم این حکومت از هیچگونه اقدامات بر ضد حکومت ملی مملکت ایران فرو گذار نکرد حتی برای پیشرفت مقاصد خود وانجام نقشه که برضد منافع‌ایران درنظر داشت از کشتن اشخاص هم بدون محاکمه کوتاهی نکرد اشخاصی‌را گرفتند کشتند بدارزدندتبعید کردند نفی کردند وهیچ محکمهٔ برای محاکمهٔ آنها تشکیل نشد تمام مطبوعات در دورهٔ آن کابینه بسته شد اگر آن روز آن کابینه مطبوعات را بمیل واردهٔ خودش یکدفعه معدوم نمیکرد اگر احزابرا یکمرتبه ازمیان برنمیداشت امروز درموقع افتتاح مجلس شورای‌ملی برای تشریفات مجلس دفعهٔ چهار روزنامه بر خلاف آزادی بدون محاکمه بسته نمیشد نمیخواهم عرض که اگر یك روزنامه بر خلاف آزادی رفتار کرد معترض‌او نشوند وبگذارند هرچه‌میخواهد بکند ولی قانون اساسی آزادی مطبوعات را واجب نموده واز طرف‌دیگر قانونی برای محدودبودن مطبوعات قرار گذارده البته هیچ حکومتی نباید بارادهٔ خودش در ظرف چند دقیقه حکم بستن مطبوعات را امضاء کند اساس مشروطیت اساس حکومت ملی آزادی رأی وآزادی مطبوعات است ازدورهٔ آن کابینه نه‌آزادی رأی نه‌آزادی‌مطبوعات دراین‌مملکت بوده ونه‌آزادی هیچگونه .

رئیس - آقا شما دارید از موضوع خارج میشوید .

طباطبائی — بنده خارج از موضوع نمیشوم بنده میخواهم ثابت کنم که آن کابیه برخلاف قانون اساسی وحکومت ملی رفتار کرده و حضرت والا هم برخلاف حکومت‌ملی رفتار کرده‌اند وباهمان دلیل که سلطانمحمدخان‌دراین‌مجلس‌ردمیشود شاهزاده نصرت‌الدوله‌هم نمیتواند قبول‌شود.

رئیس — ولی جنابعالی حالا در اینموضوع مذاکره نمیکنیداز روزنامجات دارید مذاکره‌میکنید

طباطبائی — بله میخواستم اقدامات آن کابینه را عرض کنم وحق داشتم چهار کلمه هم از توقیف مطبوعات عرض کنم بهر حال حالا که آقای رئیس میل ندارند این صحبت را میگذاریم ومیرویم سرباقی دیگر این کابینه برخلاف اصل ۲۳ قانون اساسی بشرکتها امتیاز داد و باجرایش هم شروع کرد برخلاف اصل۲۵ استقراض نمود برخلاف‌اصل ۲۷ قانون اساسی قوانین مشروطیت را نقض نموده برخلاف اصل ۹ متمم قانون اساسی مصونیت اخیر

را مختل کرد بر خلاف اصل ۱۰ اشخاص را بدون تقصیر دستگیر وحبس کرد برخلاف اصل ۱۳ امنیت را یعنی‌امنیت عموم ملت‌را ازمیان برد برخلاف‌اصل ۱۴ نفی وتبعید کرد بر خلاف اصل ۲۰ آزادی مطبوعات را سلب کرد برخلاف اصل ۲۱ اجتماعات را منع کرد برخلاف اصل ۲۳ درمخابرات‌تلگرافی دخالت کرد وتلگرافاترا سانسور کرد وهر تلگرافی را میخواستند مخابره‌کنند تفتیش می کردند و هر کدام راکه نمی خواستند مخابره کنند رد میکردند بالاخره در موقعیکه اعتبارنامه سلطانمحمد خان‌را که تقصیر او فقط موافقت باحکومت سیدضیاء یعنی یك حکومت غاصب یك حکومت منفور بود مجلس‌بعنوان قیام برضد حکومت ملی یعنی‌شرکت باکسیکه قیام برضد حکومت ملی کرده زد میکند و همانطور که درمجلس اظهارشد که حکومت ملی عبارت از کابینه سپهدار نبوده بنده هم تصدیق می کنم که‌حکومت ملی عبارت از کابینه سپهدار نبوده حکومت ملی عبارت از اساس مشروطیت است یعنی قانون اساسی عرض میکنم آن کابینه مواد زیادی‌از قانون اساسی را لغو کرد بنا بر آین شاهزاده نصرت‌الدوله که‌یکی از اعضاء آن کابینه و شریك و مسئول این اعمال بودند و برضد حکومت ملی قیام‌کرده اند که همه چیزما را بباد میدهد وهنوز هم بعضی ترتیباتش باقی‌است برای اینکه معلوم شود ایشان حق دارند نمایندهٔ این ملت شوند یانه کافیست آقایان خوب‌آن‌قرارداد را خوانده اند و همان هیجانها راکه متوجه آنقرار داد شده است دیده اند و حتی یك اشخاصیکه علمداران هیجانها بودند در مجلس هستند بنده هیچ لازم نیست او را عرض کنم زیرا چیزی مخفی‌نیست بعلاوه شاهزاده در اروپا یك اصرار و اهتمامی‌داشتند در اجرای آنقراردادوقبل‌ازاجراء نطقهائیکه‌شاهزاده در اروپا کرده‌اند و انعکاساتی که درمطبوعات‌کرده است همه یا عدهٔ از آقایان دیده وملاحظه کرده‌اند در اینموقع مطبوعات تمام‌دنیا بر علیه‌قرار دادحرف میزدند حتی یك قسمتی از مطبوعات دولت طرف اینقرار داد را تنقید میکردند معذالك وزیر امور خارجه تا آنجا اثبات واصرار میکردند که اینقرار داد حیات بخشی است مؤسس حکومت سیاه ومسبب آن همان کابینه بوده همه قدر و منزلت اورامیدانید چه بوده و چه مقامی داشت وچطورزرگانی‌میکرد فضیح ترین زندگانیها فضیح تر اینکه آن کابینه او وا داخل سیاست کرد آنکابینه او را داخل در حل و فصل امور دولتی کرد آن کابینه او را داخل حلقه دیپلماسی کرد و بقفاز فرستاد پس ازآن او توانست که این موفقیت را حاصل بکند واین‌صدمات را باین مملکت بزند پس میتوان گفت که‌تاسیس کابینه سیاه از نتایج سوءعمان کابینه است‌بنده فقطوظیفه‌ام این بود که هرچه میدانم در مقابل افکار عمومی و در مقابل تاریخی که برای بعد می ماند افکار و آراء خود را عرض کنم حالا البته تمام آقایان وکلاء خدا شناس هستند و وجدان دارند اگر تمام عرایض من صحیح است توجه باو کنند و اگر صحیح ندانستند خودشان‌میدانند بامسئولیتی که پیش خدا دارند برای بنده تصویب این اعتبار نامه ورزش ازنقطه‌نظر شخصی اهمیتی ندارد ولیکن‌برای قسمهائیکه سابق‌خورده بودم وقسمتی که‌بعدبایدبخورم مجبور بودم وچاره نداشتم و حتی برای حفظ مقام نزاکت و حفظ نظامات مجلس از چیزهائیکه باید گفت صرفنظر کردم .

نصرت‌الدوله - صرفنظر نکنید

طباطبائی - بله اگر یك ملاحظاتی نبود همانطور که گفتند صرفنظر نمی کردم ولی آنرا میگذارم برای دفعه دیگر تا ببینم در جواب این عرایض بنده چه گفته خواهد شد آنوقت یکطوری تکلیف معلوم خواهدشدیك شرح دیگری هم اینجا یادداشت کرده بودم ولی‌چون میدانم بی فایده‌است و آقایان وکلاء از طرفین یك تصمیمات قطعی‌دارند و شاید طول کلام موجب‌تضییع وقت مجلس شورای ملی است قسمت‌دیگر را می گذارم برای وقت‌دیگر

حاج شیخ‌اسدالله - بنده داخل درصلاحیت و سیاست نمیشوم ولی چون بدبختانه یا خوشبختانه مخبر شعبه هستم مجبورم نظریات شعبه را بعرض مجلس شورای‌ملی برسانم ودفاع‌ازعقیده‌شعبه‌بکنم‌فعلا در همین مرحله وارد میشوم و راجع‌بفرمایشات اخیر آقای طباطبائی که شاید در موقع خود بنده هم‌یك عرایض بکنم خیلی ممنون میشدم آقای طباطبائی هرگاه داخل میشدند در تمام مواد راپورت و آنچه بنظر شان میرسید می فرمودند تا بنده نظریات‌شعبه‌را عرض میکردم و انوقت شاید تصدیق میفرمودند که شعبه در کمال دقت وبیطرفی از روی صحت رسیدگی باین اعتبار نامه و دوسیه کرده ونظریاتش‌را بعرض‌مجلس رسانیده‌اگرمراجعه بفرمایند براپورتهائیکه در اینمدت از طرف تمام شعبات بمجلس داده‌شد دراین‌دوره ودوره‌های‌قبل‌میبینند یك راپورت باین جامعی که تمام مواد شکایات باتمام اسنادیراکه بشعبه داده اند متعرض شده باشد نیست چرا شعبه اینکاررا کردبرای‌اینکه بمجلس‌ونمایندگان ملت مدلل دارد که نظریات‌شعبه کاملا از روی صحت و دقت بوده این بود که آنورقه اعتراضیه راکه‌یکی از آقایان کرمانشاه‌بشعبه دادتمام موادش راخواندیم اسنادیکه در مقابل ارائه داده بود در تحت نظر آوردیم پس‌ازآن‌مطابق آن‌نظریات‌راپورت بمجلس تقدیم‌کردم بعضی از قسمتهائیکه آقای طباطبائی فرمودند مستحسنات‌بود که‌آیا ممکن است یکنفر در یك موقعی کاندید شود و برادرش که حاکم بوده‌با او مساعدت ننماید و با او همراهی نکند و و و و اینمطلب را شعبه‌نمیتواند بمجرداستحسان دلیل‌بطلان انتخابات قرار بدهد آیا‌به بینیم حکومت کرمانشاهان عملیاتی‌هم‌کرده است یا نکرده اگر عملیاتی کرده باید از کجا بفهمیم بغیر از آنکه متشکیان شکایت میکنند واسناد بشعبه میدهند و نیز انجمن نظار در صورت جلساتش نوشته بمجلس داده غیر از اینها ما میتوانیم علم غیبی تحصیل کنیم که‌از روی‌آن‌معلومات باطنی اظهارعقیده کنیم‌هیچوقت همچو کاریرانمیتوانیم بکنیم‌شعبه‌بایدمراجعه‌بدوسیه بکندشعبه‌بایدمراجعه‌باسناد بکند وبه بیند اسنادیرا که داده اند چه استادی‌است اسنادیکه داده اند ملاحظه بفرمایند یکی‌راجع‌بوضع انتخابات سنقر است که‌از روی‌تهدید بوده دلیل‌آنکه انتخابات آنجاازروی‌تهدیدشده‌چه‌بوده‌صورت‌عرضحالی است که یك غلام موسی نامی داده است که مال‌مرادر سنقر یا در حوالی غارت کرده اند وصلحیه یامحکمه بدایت تعقیب کرده است ابداً نه گفتگوئی از سوء - جریان انتخابات و تجاوزات مأمورین دولتی است و نه اسمی از انتخابات است مراجعه اگر بدوسیه بفرمائید تصدیق خواهند فرمود که شعبه نمی‌تواند همچو سندیرا که ارائه میدهد که شخصی تظلم کرده است مال مرا برده اند دلیل بطلان انتخابات قرار دهند تمام راپورترا اگر بطور دقت ملاحظه فرمائید تصدیق می‌نمائید که شعبه هیچ چیز را از نظر دور نکرده مثلا یکی از مطالبی که دلیل بربطلان انتخابات قرار داده اند این اشت که رئیس انجمن کنگاور شیخ عبدالصمد نام که صورت مجلس انتخاباترا نوشته ومفصل و مشروح تصدیق صحت انتخابات آنجا راکرده وانجمن‌مرکزی‌مطابق آنصورتمجلس که بمهر وامضاء تمام انجمن کنگاور است صحت انتخابات آنجا را تصدیق کرده اخیراً یك نوشته آورده بشعبه ارائه داده اند که این مال آقاشیخ عبدالصمد است‌آنجا شیخ عبدالصمد دوفقره می‌نویسد یکی آنکه منتخبین را اهالی نمی شناسند و دیگر از سوء جریان انتخابات مکرر در موقع انتخابات شکایت و فریاد کرده‌ام کسی گوش بحرف من نداده ومهر این نوشته با مهر آنکه در صورت مجلس است متفاوت است می گویند این نوشته مال شیخ عبدالصمد است اگراین نوشته مال او باشد و صحیح باشد جناب آقا درموقع انتخابات که فرموده اند انتخابات غلط است پس چرا تصدیق کردی که انتخابات اینجا کاملا مطابق قانون جریان یافته و انتخابات اینجا صحیح است شما می‌توانید بیك همچه مهریکه منتسب باو است وابداً شباهت با مهری که‌در صورتمجلس است ندارد و با این اختلافی که نوشته دارد ترتیب اثری بدهید وظیفهٔ شعبه این بود که رسیدگی خودش را بکند کرد ورأی خود را داد یك قسمت فرمایشات آقا راجع بعشایر آنجا است مخصوصاً ایل جلیل سنجابی قانون انتخابات برای عشایردوقسم انتخابات قرارداده بعضی‌هارا یك‌نماینده مستقل‌برای‌آنها قرارداده مثل ایل جلیل بختیاری و قشقائی بعضی از عشایر را جزء حوزه انتخابیه قرار داده ترتیب این انتخابات چه چیز است آیا مثل انتخابی است که وکیل و نماینده مخصوص دارد نه آن ایل باید آرائش با آراء شهر و انجمن های جزء ضمیمه شود تا یك نماینده معین کند حالا می فرمائید انجمن محروم کرده است عشایر آنجا را از انتخابات از مراجعه

بدوسیله معلوم میشود که هیچ همچه چیزی نیست زیرا که انجمنی قرار داده‌اند در کرند عشایر یکه‌مر کزشان کرند است ازجمله کلهر وسنجابی و گوران اینها را مرکز انجمن جزعشائرا در کرند قرارداده‌اند واعلان انتخابات بنام آنها داده شده‌است مدت دادن تعرفه واخذ آراء معین‌شده‌در آنجا فقط ازطرف ایل‌سنجانی نوشته شده است که‌بواسطه اینکه ما فعلا در گرمسیر هستیم نمی‌توانیم برای رأی‌دادن حاضر باشیم و عذر خودشانرا خواسته‌اندو تقاضای تجدید مدت‌دادن‌تعرفه را نکرده‌اند مراجعه بفرمائید سایر عشایر اظهار رضایت کرده‌اند که انتخابات صحیح‌است شکایت هم نداریم ایل کلهرهم اظهار رضایت کرده‌اند این‌فراز آخر را که فرمودند چگونه شعبه اظهار رضایت را نوشته جهت این است که جمعی شکایت می کنند که انتخابات آنجا از روی تهدید بوده است شعبه مجبور است وقتیکه این اعتراضات را نوشت به آن تلگرافات‌رضایت هم اشاره بکند که‌مطابق تلگرافات ایل کلهر میگویدانتخابات صحیح‌است‌وما کمال‌رضایت را از انتخابات آنجا داریم پس سوء جریانی در انتخابات آنجا نشده اینکه میفرمائید بعضی‌انجمنهای جزء تشکیل نشده وشعبه آنرا محل توجه‌قرارنداده مراجعه بقانون انتخابات اینمطلب را جواب میدهد که قانون انتخابات حق بانجمن نظار داده که در نقاطیکه صلاح‌میداند انجمن‌نظارت‌جزء‌تشکیل‌بدهد بامراعات حوزه‌ها و تناسب‌جمعیتها که بتوانند برای دادن تعرفه حاضر شوند و سابقه اینمطلب هم در غالب دوسیه‌انتخابات‌دراین دورەودورەهای پیش‌هست مخصوصاً در دوره سابق انتخابات کرمانشاهان نظرم هست که‌انجمن‌نظارمرکزی‌زیاده‌ازسه‌انجمن‌جزء‌تشکیل نداده ودراین دوره انجمن مرکزی غیرازشهر چهار انجمن‌نظار جزء تشکیل داده و عملیات انجمنها را در اینخصوص مجلس تصویب کرده ورأی بنمایندگی منتخبین داده مقصود این است که انتخابات مطابق شرح دوسیه هیچ اشکالی ندارد و اینکه میفرمایند شعبه سمت قضاوت وحاکمیت دارد وخودش باسنادو نوشتجات باید رسیدگی نموده و قضاوت بکند و اظهارات انجمن را کاملاترتیب اثر ندهد بله‌شعبه حاکمیت دارد باید شعبه قضاوت بکند آیا از روی چه قضاوت بکند غیر اسناد است غیر از روی مواد شکایات است بالاخره اگر بنا شود شعبه اظهارات انجمن را بکلی بی اثر بداند آنوقت شاید هیچ انتخاباتی را صحیح‌ندانند پس انجمن نظار تا خیانتش محرز نشده رسمیت دارد و باید شعبه ترتیب اثر به اظهارات آن انجمن بدهد اگر شکایت بشود از انجمن نظارت آنوقت‌شعبه باید شکایاتیکه ازانجمن نظارت رسیده ملاحظه کرده اگر معلوم شد که انجمن نظارت‌خلاف کرده آنوقت اثرات او رابکلی امودانسته و ازعملیات‌انجمن قطع نظر نموده ترتیب اثربدهد این‌فرازیرا که فرمودند در راپورت‌نوشته که شکایات‌محل‌توجه نشد خیلی بی مرحمتی‌فرمودند آقای‌طباطبائی‌اگر ملاحظه براپورت بکنند ونوشته شده است که بشکایات و اسناد محل توجه نشده‌بلکه تمام جزئیات را شعبه‌محل توجه و مطمح نظر قرار داده تمام نکات را متعرض شده برای خاطر اینکه مخبر شعبه‌پیش‌بینی میکرد که شاید در مجلس‌شورای ملی یك همچو اعتراضی بشود آنوقت این راپورت را مخبر شعبه در دست بگیرد و بگوید این‌راپورت شعبه‌است‌ببینید تمام اسناد ودلائلی‌را که شعبه‌داده‌اند ما محل توجه قرار دادیم و از روی دلیل رد کردیم زیاده از این داخل در مذاکره نمیشوم و زیاده براین عرض نمیکنم آقایان مراجعه براپورت شعبه کاملابفرمایند و اگر هرآینه‌خود را محتاج‌بمراجعه اسناد دانسته میفرمایند بنده اسنادی را که در شعبه هست میآورم و ارائه میدهم مثلا یکی از قسمتهائی که در دوسیه هست و از دلائلی که معترضین از برای بطلان انتخابات‌اظهارمیکنند لمین است دو ورقه کاغذ بدون امضاء وبدون مهر که میگویند شب نامه‌است بدیوارچسبانیده اند و یکی را هم برای حاج‌آخوند نامی از علمای کرمانشاه فرستاده و باو نوشته‌اند و در آنجا بآقا زاده ایشان بعضی نسبتهای اخلاقی داده اند که‌آقازاده‌شمافلان است خوب است نصیحتش کنید و و و ومعلوم نیست‌آنها در چه تاریخی‌نوشته شده وکی نوشته برای چه نوشته آنرا جزء دوسیه وجزء شکایت خود قرار داده‌اند که این نوشته‌دلیل برتهدید است پس انتخاب کرمانشاه باطل است‌چرا؟ برای اینکه یك چنین کاغذیرا نوشته اند چرا؟برای اینکه یك چنین شب نامهٔ بدیوار چسبانده اند آیا اینها را شعبه میتواند دلیل برعدم صحت انتخابات قرار بدهد؟ بنده زیاده براین عرض نمیکنم و بنظریات آقایان واگذار میکنم و همینقدر از شعبه دفاع میکنم که شعبه‌خیلی دقت کرده ورسیدگی‌نموده و آن اسنادیرا هم که در شعبه دیده شده نتوانست ترتیب اثر بدهد ودلیل بربطلان انتخابات قراربدهد مطالب دیگر هم که فرمودید از نقطه نظر صلاحیت وسیاست بنده فعلا داخل درآن نظریات نمیشوم اگر آقایان داخل این مذاکره شدند بنده هم عرایض و نظریات خودم را بعرض مجلس شورایملی میرسانم.

رئیس- آقایان مدرس و ملك‌الشعراء وسهام‌السلطان موافق هستند. اینطور نیست؟

مدرس- باراپورت بلی.

رئیس- آقای سردارمعظم شما مخالفید؟

سردارمعظم- بنده‌راجع بشعبه‌بعضی‌اظهارات داشتم.

رئیس- مخالفی نسبت براپورت نیست؟

مدرس- نسبت بصلاحیت بنده مخالفم.

رئیس- یك‌مخالف حرف بزند آنوقت‌جنابعالی بفرمائید. پس مسئله را تفکیك میکنم یك قسمت راجع بجریان انتخابات است و قسمت دیگر راجع بصلاحیت. راجع بانتخابات وجریان‌آن مخالفی‌هست؟ (اظهاری نشد) اگر مخالفی نیست مذاکرات ختم خواهد شد (باز مخالفی نبود) معلوم میشود مخالفی نیست. راجع بصلاحیت آقایان مدرس وملك‌الشعراء وسهام‌السلطان وسلیمان میرزا و سردار معظم اجازه خواسته اند حالا یك موافق باید اظهار عقیده کند.

مدرس- اولا تشکرمیکنم ازآقای طباطبائی که دروقت مخالفت باقرارداد اگرچه بعضی کمکهای خودمانی فرمودند ولیکن کمکهای علنی را امروز فرمودند ۱۳ ذیقعده ۱۳۳۷ یك روز نحسی‌ازبرای ایران بود ویك قرارداد منحوسی بدون اطلاع‌احدی منتشر شد کابینه آقای وثوق‌الدوله همینطور که‌آقای طباطبائی فرمودند که جزء اعظمش سه نفر بودند آقای وثوق‌الدوله. صارم‌الدوله. نصرت‌الدوله‌مردم کمال غفلت را داشتند که این قرار داد منحوس چیست الا نادری وقلیلی که از جمله (خود حضرات آقایان میدانند) بنده بودم که در همان ساعت که قرارداد منتشرشد بااومخالف‌شدم تاامروزبالاخره خدا توفیق بملت ایران‌داد باستثنای ٦٨٤ نفر که اصولا وفروعاً عملا قاصراً ومقصراً یاسیاستهٔ‌یا کسباًدر تمام مملکت ایران موافقت باقرار داد کردند باقی تمام ملت‌ایران یاقالا و یا حالا مخالف با قرارداد بودند ٦٨٤ نفر بودند درتمام ایران که در کتابچه بنده اسامی‌وعملیاتشان‌ثبت‌است که انشاالله‌اگرمجلس یك بنیانی پیدا کند ویایك دولت‌وطن‌خواهی‌پیداشود آن موافقین قرارداد اصولا سیاستهٔ وکسباً بانواع واقسام آنها رسیدگی کند و تحقیق کند هرکدام مقصرند مجازات کند وخیلی متاسفم که‌آنروز هرچه داد زدم کسی بداد من نرسید موافقت نکرد لکن الحمدالله امروز همان اشخاص موافقت میکنند بازهم خوب‌است هرچه عرض کردم آشکارا درمقابل‌پول پول میخواهند آقای طباطبائی‌چیزی‌نفرمودندتزاکت فرمودند چه تهدیدها در این کارشد چه مردنها شد چون امیدوارم که‌آنچه عقیده دارم ذرهٔ مخفی ندارم عرض میکنم که ۱۸ نفر از موافقین قرارداد در این مجلسند اصولا تقلیداً قصوراً و امروز اگر درایران محکمه عالی باشد اینجا است ایران اگر مردم صحیحی دارد یك قسمت آنها اینجا است اگر مردمانی دارد که چیز میفهمند ووطن خواهند واسلام خواهند یك قسمتش اینجا است نباید اغماض کرد البته مجلس شورای ملی نوعاً مشتمل برهمه قسم اشخاص بوده وهست قرار داد منحوس یك سیاست مضر بدیانت اسلام بضرر سیاست بیطرفی ما بوده (جمعی‌تصدیق کردند) مابیطرفیم نباید تمایلی‌نسبت بسیاست‌ها بشود مابیطرفیم (جمعاً گفتند صحیح‌است) الان هم‌همانقسم‌است که‌عرض‌میکنم‌مابیطرفیم ازموقع جلوس‌اعلیحضرت‌همایونی‌و جنك عمومی که‌اعلیحضرت نطقی فرمودند وبیطرفی را اظهار فرمودند مجلس شورای ملی تصدیق کرد کابینه‌وثوق‌الدوله‌خواست ایران‌رارنك بدهد اظهار تمایل بدولت‌انگلیس کرد برضد او ملت ایران قیام‌نمودهم حال هر کس‌تمایل بسیاستی بنماید مایعنی‌ملت‌ایران بااو موافقت‌نخواهیم نمود چه‌رنك‌شمال چه‌رنك‌جنوب چه‌رنك‌آخر دنیا مایك ملتی هستیم فقیر ضعیف و باید بیطرف باشیم و هیچ‌رنگی‌نداشته باشیم صریحاً عرض میکنم‌بنده که مخالف‌باآن کابینه بودم برای‌این بود که‌قراردادرا مضر می دانستم تمایل ازبرای ما مضراست بنده بر ضد اوهستم در این عرض نه اختصاص بآقایان وکلا دارد بلکه عرض‌من‌متوجه بشرق وغرب وشمال‌وجنوب ایرانست (گفتند صحیح‌است) آقایانیکه اینجاهستند ملتفت هستند بعضی انتخابات بد است ملتفت هستند بعضی اشخاص بد میباشند ولیکن باید حکومت‌بحق کرد نصرت‌الدوله پسر فرمانفرما مطرح مذاکره است نه مسئله انتخابات والا انتخابات پنجساله با سیاست های مختلفه ودولتهای مختلفه بداست من می بینم وحس میکنم که آقای نصرت الدوله را بعضی قابل مجلس شورایملی نمیدانند خیلی تقدیس میکنم برای اینکه آقایان بعد از دو سال حالا رفیق بنده شده‌اند چون صدماتی کشیدم تعرض شخصی بخارجی کرده‌ام یك کمك لایحهٔ با من نکرده‌اند و امروز آمده‌اند رفیق من‌شده‌اند خدا توفیق بایشان بدهد واحساساترا درملت ایران زیاد کند که امثال آقای وثوق‌الدوله‌ونصرت‌الدوله را ملت‌ایران بدبداندولیکن یکمسئله می‌خواهم دراین مجلس عرض کنم وبانصاف وعدل ودیانت آقایان محول‌میکنم یك اشخاصی رنك پیدا کردند آمدند وگفتند عقیده ما تمایل بسیاست انگلیس است شاید یکی پیدا شود و بگوید عقیده سیاسی من روس است‌ما بر ضد همه هستیم ایرانی مسلمان‌باید مسلمان وایرانی باشد(گفتند صحیح‌است) هررنگی غیراز این داشته باشددشمن دیانت‌ما دشمن استقلال ما است ولیکن نصرت‌الدوله آنروزی قابل مجلس نبود؟ یا نصرت‌الدوله امروزی؟ که فرضا دروغی میگوید من تمایل بانگلیس را رها کردم من ایرانیم امروز محکه عدل ایران این محکمه است اغلب شما ها می‌دانید که من بحمدالله تعالی با احدی غرض ندارم وباحدی از افراد ناس محتاج نیستم‌حتی در رأی دادن بو کالتم ومن از آقای‌رئیس تقاضا می کنم رأی مرا بیندازند بعداز رأی‌دادن تمام و کلاء که‌آقایان از هرجهت آزاد باشند من‌زیادتر از شما این عقیده‌را دارم که نصرت‌الدوله سابق رنك داربد است‌نه نصرت‌الدوله امروزی دیانت ومملکت‌خواهی‌بمن حکم میکند که ولواین‌اظهارغیر واقع باشد من اورا قبول کنم حالا که این حرفرا میزند بگوئیم ما تورا قبول نمیکنیم ملت تو را قبول نخواهد نمود اگر مملکت خواهی شما اقتضا دارد که کسیکه رنگش‌را رها کرد بعد برود رنك پیدا کند حرفی نیست اگر این برای مملکت صلاح است بگوئید احسنت اگر محکمه عدالتی در ایران ممکن است تشکیل بشود پارلمان است بنده عرض میکنم موافقین قرارداد که هیجده نفر از آنها اعضاء این مجلس هستند این محکمه باید رسیدگی کند هرکدام تقصیر کرده اند مجازات کند واگرپول گرفته اند از ایشان استرداد نماید تا عبرت دیگران شود تا کسی دیگر رنك بخودش نگیرد اما امروز مذهب با وطنخواهی ما اجازه میدهد که کسیکه میگوید من خطا کرده ام او را بدون جهت و قانونی ازمجلس رد نمائیم اگر

نصرت‌الدوله وامثالش عود کردند و رنك بخوددادند ما هم که یك ملت ضعیفیم عود میکنیم بنده تقدیس میکنم آنهائیرا که نظرشان بر این است که نصرت‌الدوله صالح برای این مجلس نیست اما باید نصرت‌الدوله‌موافق قرارداد را بانصرت‌الدوله‌امروزه فرق گذارد من عقیده خودم را اظهار میکنم این مجلس هم مجلس عدل است این اشخاص که‌در آن سیاست شراکت کردند و حالا اعتراف‌بخبط خود کرده میگویند ماخطا کرده‌ایم و این رنك‌سیاست را رها کرده‌فیل را رها کرده و شتررا هم رها کردیم ایرانی هستیم و تابع سیاست بیطرفی ایران هستیم من که یکنفرم صدای خودم بشرق و غرب ایران و بجنوب و شمال ایران و بخارجه های همسایه و غیر همسایه میرسانم و میگویم مدتها نصرت‌الدوله تمایل اختیار کرد حالیه که بیطرفی اختیار نمود من او را قبول میکنم و یقین دارم ملت ایران با من هم‌عقیده خواهند بود میگویم نصرت‌الدوله سالها قبل بخودش چسبانید الان میگوید من خطا کرده ام یا راست میگوید یا دروغ من میباید بگویم توراست‌میگوئی و تو که الآن تمایل کردی و خودت را می - خواهی ایرانی و ایران خواه معرفی کنی ما قبول می کنیم اگر خدای نخواسته باز رنك پیدا کرده ما همانیم که بودیم مخالفت با کابینه وثوق‌الدوله کردیم ملت فقیر بیچاره‌هم باکمال‌ضعف و قوی و بی چیزی و نقاهت بالاخره اورا دربدر کرد می خواهم بآقای طباطبائی یك عرضی بکنم و تصدیق کنم فرمایشاتشانرا که گفتند اساسی قرار داد بوده سید ضیاء را آورد چنانچه از اول تاحال عرض می کنم باید مخالفت را دور انداخت و متفقاً کار کرد برداشت ملجس ما اتفاق بوده گفته شد (صحیح است) همان قرار داد و سیاست است که مجلس را منتهی می کند بدو دسته شاید یك دسته مستشار و پلیس جنوب شوند ویکدسته مخالف باید همچنین که این چند روزه بموافقت مشی کردیم امیدوارم که در این ناملایمات باز هم‌بموافقت رفتار کنیم در حوادثی که اطراف مملکت را فراگرفته‌بلا استثناء آتش است یکی را نمی گویم آتش و یکی را یخ همه آتش است ایرانی باید خودش ایرانی باشدسیاستش‌هم ایرانی باشد بدی شخص‌نصرت‌الدوله بر احدی حتی برخودش هم‌مخفی نیست لیکن‌نصرت الدوله امرزه را با نصرت الدوله موافق قرارداد باید در نظر گرفت شما که حکومت می کنید آیا باید نصرت الدوله را رد کرد یا قبول؟ بنده عرض می کنم امروز باید او را قبول کرد اگر باز بخود رنك گرفت ملت همان ملت است معلوم است کشی که سالها علف تلخی‌خورده باید سالها علف‌شیرین بخورد که گوشت وپوست و استخوانش فایده داشته باشد این عقیده سیاسی من است اگرباز آقایان فرمایشی دارند بفرمایند شاید باز توضیحاتی عرض کنم

شاهزاده سلیمان میرزا البته آقایان اجازه میدهند که بنده دو سطر قبلا اظهار تشکر و خوشوقتی بکنم از اینکه سعادتی که تصورنمی کردم مجدداً بآن موفق شوم یعنی باز در مجلس **شورای** ملی در خدمت عموم دوستان و رفقا ونمایندگان‌ملت حضور داشته باشیم و یا اینکه قدم بخاك وطن‌عزیز بگذارم زیرا همیشه از جمله چیز هائی که مکرربما گفته میشد این بود که شما ابداً مرخص نخواهید شد بنا براین واجب است که امروزو همیشه متشکر باشم از اینکه مجدداً درروی‌خاك وطن عزیزخود قدم گذارده ام و حق آنرا پیدا کردم که در مصالح این مملکت بقدرفکرخودم صحبت‌بکنم بعدازتشکرات خودم که خیلی مختصر است عرض می کنم که اینجا مطلبی که مذاکره شد یکی راجع بجریان‌انتخابات است که بنده در آن موضوع عرضی ندارم‌چون‌مسئله انتخابات معلوم است دراغلب جاها چه شکل جریان داشته اما راجع بعدم صلاحیت منتخب‌برای اثبات‌این مسئله کاغذهائی داشتم و البته آقایان مسبوق‌هستند که در عرض این سه سال در یکجائی بودم که هیچ کاغذ و روزنامه نمیدیدم الابندرت ولی اخیراً از مندرجات مطبوعات بعضی خبر ها یادداشت کردم از حکومت کابینه‌وثوق‌الدوله که افعل‌التفضیل کابینه سیاه بوده و همین طور که آقای طباطبائی اظهار فرمودند تمام مخالف مواد قانون اساسی و حقوق ملی بود، گمان‌نمیکنم در مجلس یادر تمام مملکت ایران یکنفر کسی که ایران دوست باشد عقیده‌اش غیر از این باشد ولی فقط آقای مدرس یك عددی را که بنده درست حفظ نکردم فرمودند در کتابچه زردشان ثبت است و فرمودند ششصد و کثری در این مملکت موافق قرار داد بودند که آنعدد را ضبط نکردم و اشخاصش را هم نمی شناسم بلی در صورتی که این‌مسئله محقق باشد دیگر گمان نمیکنم لازم بخواندن اوراق بنده باشد بنده در این‌اوراق چیزهائی که می‌خواستم بعرض آقایان برسانم برای این بود که ثابت بکنم این مسئله قرار داد در روزنامجات درزمان این کابینه منحوس طبع شده و سه نفر که شخص سید ضیاء الدین عضو چهارم آن محل و مرکز فساد بوده وآن ۳ نفر در کابینه عضویت داشته و آن یکنفر عامل افکار آنها در خارج بوده و در جمعیت دست آنهله بوده و خیالات آنها را منتشرمی کرد و باعقیده آنها موافقت‌میکرد و عقاید آنها را تقویت می نمود و اگر در کابینه خودش هم اقدام کرد شعبه ایست از آن سرچشمه‌و فرعی است از آن اصل و آن اقدامات را در آن مکتب آموخته‌بنا براین اسم‌این فرع را این‌مجلس استحقاقاً کابینه سیاه گذاشته آن اصل معلوم است هرچه افعل‌التفضیل برای او قرار دهند هست. مرکز تمام سیاه. این‌قراردادرا(لرد کرزن) درنطق‌خودش در سر میز ضیافت خودش با شاهزاده نصرت - الدوله یا باصطلاح روزنامه های خارجه‌پرنس‌فیروز یگانه وزیر خارجه وطن خواه و نماینده مستحق ایران که بافتخار ایشان این ضیافت

داده شده بود وهمه آقایان درروزنامه رعدخوانده‌اند که لرد کرزن‌میگوید (من با حضرت والا دراینمسئله موافقت دارم وآنمطلب‌با عقاید ونظریه ملت‌ایران..) طوری مطلب را می‌پروراند (شاید بنده قوه‌تفرسم خیلی کم شده باشد) ولی اگرهر آینه دست ما به دوسیه های خصوصی وزارت خارجه میرسید و اگر (یعنی اگرمثل‌خیلی چیزهای دیگر) اوراقشان از میان نرفته باشد واگر همانطور که آقای مدرس فرمودند بخواهیم ملتی باشیم‌که قضاوت مابین‌خدمت وخلاف را همیشه درنظر داشته باشیم ومحاکمه کنیم وبدون ملاحظه آن اسناد را درمقابل خود بگذاریم ازهرکس هرچه صادرشده‌بدون استثناء دریك‌محکمه بیطرفی خوانده ومحاکمه کنیم (اگر چه خیانت و خدمت درمملکت زود یا دیر کهنه نمیشود) وبالاخره اگرما هاکه معاصراین خدمات یا خیانات هستیم‌اورا محاکمه نکنیم آینده های ما اشخاصی که امروز در روی این زمین نیستند وبعد متولد میشوند محاکمه خواهند کرد بهرحال اگر آن دوسیه های وزارت خارجه دردست بود بطورحتم مدلل میداشتند که این مطلب ازطرف کابینه وهیئت‌دولت انگلستان پیشنهاد نشده ویك پیشنهادی ازدولت منحوس سیاه خائن‌آن زمان شده که آنها بعد ازاصلاحات پیشنهاد کرده و اجازه داده‌اند در روی آن زمینه آن کابینه این خدمت بزرك تاریخی راانجام دهد نمیدانم بایدگفت خدمت‌یا فروختن اینمملکت بدراهم بخس بالاخره ازاثراین کابینه واز وجود آقایان چهار نفر مؤسس واقعی‌اینکار که مسئول‌ظاهرش شاهزاده نصرت‌الدوله که وزیرخارجه واهمیتش ازهمه بیشتر بود صورت گرفت چون باید انصاف دادعرض میکنم که‌بالاخره تصور کنیم در آن دوره مملکت در یك مضیقه و و فشار هائی بود که مقتضیات آنوقت بهرکس که زمامدار امور بود اجازه میداد برای حفظ سیاست آنروز اینکار را بکند ولی بنده خدمتشان متذکر میشوم ایشان وقتی دیدند امراینطورشده کناره‌جوئی میکردند مثل اینکه بسایرین هم تکلیف کرده‌بودند مثلا امروزیك کسی بیننده بگوید که برادر وپدرت را بکش تا وزیرخارجه بشوی باید بگویم چشم برای اینکه وزیر امورخارجه بشوم وبعدکه ازمن بپرسند چرا کشتی بگویم همه را کشتم که وزیر بشوم این حرف گمان میکنم مطابق هیچ منطقی نباشد و درهیچ محکمه تصدیق نکنند که یك شخص میخواهد باوحضرت اشرف بگویندووزیر بشود وصاحب‌اختیار باشد آنقدر خلاف کاریها که دراین کابینه‌شد مجری بدارد ومجبور شود که یك قرار داد میشومی به بندد که بحمدالله امروز دریك تودهٔ خاکستر افتاده‌ورسماً لغو شده است اعلیحضرت محبوب ما در موقع نطق افتتاحیهٔ خودشان دراین مجلس‌آنرا ملغی فرموده‌اند وامروز مجری نیست و اگر بعضی مواد آن مثل مستشار ها و غیره نزدیك بود بموقع اجرا گذاشته شود آنهم بلطف و مرحمت خداوندی و کمك تمام وکلاء که بنده یقین دارم یك مخالف پیدا نمیشود همینکه وکلاء اعتبارنامه هاشان تصویب شد وداخل درمطالب اساسی‌بشوند اولین اقدام اساسی تمام‌رفقای بنده وتمام آقایان وکلاء راجع بهمین مسئله خواهد بود اگرچه بنده مدتی است از خدمت آقایان دورم یك مدتی بواسطهٔ کسالت ویك مدتی‌بواسطه‌مسافرت ویك علت هم این بود که نمیخواستم داخل درجریان انتخابات اشخاصی بشوم وامروز چون صحبت بیك صحبت اساسی راجع بود حاضرشدم این‌راهم عرض کنم یك روزشخصی ازقول قونسول فرانسه دربمبئی بامن از قرار داد صحبت می کرد باو گفتم باوجود اینکه درحبس هستم تا آخرین ساعت بقدری که میتوانم برخلاف این قرار داد حرف خواهم زد و اقدام خواهم کرد شما تصور نکنید که در تحت فشار ظالمانهٔ یك هیئت منحوسه سه چهارنفریکه ایرانرا خراب کرده اند مردم ساکت باشند وآنها بتوانند جلوگیری از احساسات مردم بکنند وایرانیها حاضر هستند اینقرارداد را باخون خودشان محو کنندایشان بمن‌فرمودند که درزوایای طهران ... چون‌آنوقت در روزنامه‌های اروپا اینطورانتشارپیدا کرده بود کهملت ایران چراغان نم کرده اند ویکی از روزنامه های ایرانهم تبریکاتی نوشته بود که درج کرده بودند و می‌گفتند ملت ایران مخالف نیست جز چند نفر معدودی که در زوایای طهران هستند که هیچوقت امنیت و آسایش را نمی‌خواهند اشخاصیکه میباشند همیشه برعلیه حکومتهای حاضره هستندآن چند نفر معدودیکه عادت باین قبیل چیزها کرده‌اند برخلاف قرارداد حرفهائی زده‌اند آنها را بحمدالله حکومت وطنخواه وقوی قادر آن‌روز گرفت وتبعید کرد ! ! (بسیار خوب) بنده باوجود این گفتم خیر این چند نفر نیستند خواهید دید که زیاد خواهد شد بحمدالله رسیده‌ام بآنروز که می‌بینم شاید یك نفر در این ساعتیکه صحبت میکنم نیست که بگوید یادر قلبش خیال کند که موافق است . اهالی اینمملکت هنوز ایرانیت خودرا رها ننموده‌اند ایرانیها هنوز زنده‌اند یرانیها حقوق ملی خودشان‌را ملتفت میشوند ولودر تحت فشار قاهرانه وظالمانهٔ داخلی و خارجی باری بعد از اینمطلب مطابق آنچه که درروزنامه‌های‌رعد درج شده مثل این است که آن پیشنهاد از طرف دولت شده واز آن گذشته تلگرافی از طرف‌وزیر خارجهٔ آمریکا بسفارت ایران مخابره شده که در همان روزنامه یومیهٔ رعد باز طبع کرده اند و آن تلگراف‌را شاید تمام آقایان خوانده‌اند اگر لازم بشود بنده‌هم مختصراً آن تلگراف را بعرض‌آقایان میرسانم که ملاحظه بفرمایند کجدیت وفعالیت‌شخصی بزرگوار وزیر خارجه تاچقدر بوده و ایشان نسبت بنطق (لرد کرزن) در اروپا چه نطقهای آتشین داده‌اند که ملت ایران طرفدار قرارداد است . اگر نصرت‌الدوله خودش را جزء افراد این مملکت می‌دانست یاوثوق‌الدوله که خودش را یکفرد ایرانی می‌دانست یاسید ضیاء وغیره وغیره بایستی مثل یکنفر ایرانی شب وروز زندگانی رابرخودش حرام میکرد ویك چنین قراردادی‌رادر تمام مقامات‌رسمی اروپاودر تمام نقاط تکذیب‌میکرد برعکس هرصدائی که ازاروپا وامریکا برعلیه این‌قرارداد اظهارمیشد که‌اینقرارداد شما برخلاف ماده ۱۱ قرار داد مجمع بین‌الملل است وهیچ دولتی نباید دستخوش مرام ونفوذ دولت دیگر بشود آن‌وقت ایشان جدیمی کنند که آنهارا قانع کنند که خیر ابداً قرارداد مزاحم دولت وملت ایران نیست وملت‌ایران حاضراست آقای‌لرد کرزن میگوید که باشاهزاده در موضوع قرارداد موافقت حاصل نمودم که مبنی برمصالح ایران است ..

نصرت الدوله - دروغ است

سلیمان میرزا- آقای‌سیدضیاءرفیق‌خودتان نوشته است من که در اینمدت اینجا نبودم (در این موقع بعضی از تماشاچیها شروع بکف‌زدن‌نمودند)

نصرت‌الدوله - رفیق شما بود

رئیس- تماشاچیهاباید‌خارج‌شوند (پیشخدمت باشی برحسب امر رئیس بقسمتی از تماشاچیها که مرتکب دست زدن شده بودند تکلیف خروج نموده وآنها خارج شدند)

سلیمان میرزا - بنده همانطور که عرض کردم درموقع قرار داد دراین مملکت نبودم وفرقی هم نداشت زیرااگر درمملکت بودم باز مثل‌دیگران یك حرفی میزدم کابینه قوی وفعال و قادر قدرت خودش را نشان می‌داد وبنده را بکاشان یاسوراخ دیگری می‌فرستاد ولو اینکه اینجاهم که نبودم همان سهم وطالع را داشتم منتهی در سوراخ دیگری‌هیچ اهمیتی‌ندارد نمی‌خواهم متصل تکرار کنم که‌درحبس بودم زحمت کشیده و صدمات دیده‌ام بلکه مکرر گفته‌ام آن زمان راحت تر بوده ام گوشم چیزی نمی‌شنید ویادربعبای کمتر میشنید بلکه سایررفقای من وسایر آقایان نمایندگان خیلی بیشتر ازبنده‌در زحمت وفشار بوده‌اند زیرا که فشارهائیکه خانمان برانداز است بسیار سخت‌تر وهولناکتر ازآنست که بیك شخص بگوئید دریك اطاق باش و بیرون میا انصاف میدهم نمی‌خواهم یك اهمیتی بدهم کحبس شده‌ام خیر آقایانیکه‌آزاد بوده‌اندبیشتر از من در زحمت بوده‌اند آقای نصرت الدوله فرمودند بنده دروغ می گویم از برای اینکه عرض کنم بنده دروغگو نیستم محتاج بتذکارم زیرا که سابقه را زندگانی بنده ازاول مشروطیت دوره با حضرت والاتیکه اینجا نشسته‌اندمعلوم است من والی کرمان نبوده ام که آدم بکشم من در زمان محمدعلیشاه اقدامات نکرده‌ام من همیشه طرفدار مظلوم بوده‌ام و همیشه از ظالمان که حضرت و الا یکی از آنها بوده اند تو سری خورده‌ام‌بنا بر این بنده‌دروغگو نیستم زیرا که همیشه فریاد میزدم و میزنم ایران‌و ایرانی باید همیشه درفکر ترقی خودش باشد اگر چه نباید خارج از موضوع شوم ولی مختصری‌عرض می کنم‌مملکتی که معارف‌نداشته باشد انتخاباتش درست نمیشود اشخاص دروغگو بار می آورد ولی بنده دروغگو نیستم عملیات بنده سابقه زندگانی‌بنده

همه معلوم است البته پسر عموی محترم(بقول ابوی بزرگوارشان) وقتی خودشان نظر بفرمایند خوب میدانند ایشان‌قرار دادبسته اند بنده برای پاره کردن قرارداد ملعون فریاد میزنم ایشان سابقه ها داشتند که آقای‌مدرس‌میفرمایندمسلمان شده‌اند توبه کرده‌اند ایمان آورده اند و بنده بحمدالله محتاج بتوبه نبوده و نیستم اگر اوراق تاریخی زندگانی هر دومان را در یکورقه بگذارندحق ازباطل‌شناخته شودبحمدالله شناخته شد وتمیز هم‌داده شده‌محتاج به‌تذکار نیست با یك فرمایش ایشان که‌بنده دروغگونمیشوم وبعلاوه آنچه را هم که بنده عرض کردم از قول خودم عرض نکردم عرض کردم کابینه وثوق‌الدوله ۳ نفرعضو آمر ورسمی داشت که وزیر بودند یکی خود وثوق‌الدوله بوده یکی شاهزاده صارم الدوله یکی‌شاهزاده نصرت الدوله که این دو نفر از شاهزادگان این مملکت و از خانواده این بنده بودند که باید بیشتر از همه لا اقل برای اینکه تاج و تخت در خانواده آنها است برای استقلال این مملکت کوشش کنند و متاسفانه از همه‌کس بیشتر طرفدار این قرارداد مشئوم ملعون بودند و این‌قرار داد خائنان‌براندار ایران خراب کن را تصدیق کردند و ناشر افکار ایشان یگانه حامی ایشان قلم مدافع ایشان قلم آقا سید ضیاء الدین بوده‌حالاآقای سیدضاء الدین‌رفیق ایشان بوده یا رفیق بنده ؟ این رفیق عزیز وآن‌یار گرامی در موقع قدرت و اقتدار ایشان یعنی در موقعی که هنوز درسرریاست‌وزرائی‌نزاعشان‌نشده بود که حبسشان کندوبالاخره در موقعیکه برله‌ایشان‌چیز مینوشت در روزنامه آنمطالب را راجع بنطق لرد کرزن نوشته اگر راست نوشته‌اونوشته واگر دروغ نوشته او نوشته بنده‌چه مربوط است بنده نقل‌قول میکنم باید از این مسئله بگذریم مسئله این است‌بعد ازآنکه باتفاق بدون هیچ تردیدی همه تصدیق‌می کنیم که این‌قرارداد برخلاف‌مصالح دین وبزرگترین ضربات کشنده و مهلکی است که بریکر مملکت و وطن عزیزما وارد آمده است آنوقت تازه در مقابل این بعضی حرفها می شنوم که تا امروز نشنیده‌ام و آن این است باوجودیکه‌اینمسئله را اقرار داریم که بر خلاف قوانین مملکت مابوده است وضربه‌براساس حکومت ملی زده است ویکی ازآن دستهای‌قوی که بر پیکر وطن شمشیر کشیده شاهزاده نصرت‌الدوله بوده است تازه امروز آقای مدرس بطور تردیدمی گویند ما انکار نداریم ولی شاهزاده نصرت الدوله میگوید من از خطا های گذشته‌ام صرفنظر کرده‌ام امروز برخلاف گذشته‌اقدامات خواهم کرد درصورتی که این فلسفه را یك اصول منطقی نمی‌شودفرض کرد که آقای مدرس میفرمایند شاهزاده نصرت الدوله توبه کرده‌اند پس در دنیا هیچ مجازاتی لازم نیست آن وقت هرجانی و هر مقصری بیای محاکمه رسید فوراً اظهار می کند استغفرالله ربی واتوب الیه پس قانون‌مجازات‌برای‌چیست؟ من‌یکی‌را کشتم . اگر من یکی را کشتم (درصورتیکه مملکت کشتن محققاًمهم تر ازشخص کشتن است) من اگر یکی را کشتم خدای نکرده در وقتیکه مرا بیاورند بمحکمه عدلیه وآقای مدرس هم حاکم‌قضیه باشند وبگویم آقایان تقصیر کرده‌ام قول میدهم که من بعد آدم نکشتم آیا هیچ محکمهٔ‌عدلی هیچ قاضی عدالتی می‌تواند بمردم و ورثه مقتول بگوید که شما ازآن صرفنظر کنیداین شخص گفته است که دیگر از اینکار ها نمی کنم . راست یا دروغ توبه می کنم این فلسفه غریبی است وبعلاوه درقانون انتخابات ذکر شده (اشخاصیکه بر خلاف حکومت ملی‌قیام واقدام نموده‌اند) وخود آقای مدرس هم اینمسئله را تصدیق میکند آمنا و صدقنا . که آقای مدرس درمسائل ملی همیشه زحمت کشیده‌اند وصدمات ایشان محقق است و هیچ جای شبهه وتردید نیست امااین فلسفه را بنده نمی توانم بفهمم که بچه ترتیب یك کسیکه یك تقصیر قطعی و حتمی را مرتکب شد درموقع مجازات همین قدر که اظهار کرد نادم هستم مجازات ازاو سلب خواهد شد این را بنده نمی دانم شایدیك ترتیب شرعی برایش باشد اگر این مسئله مدرکیت دارد آیا بر تمام اشخاصی که بر خلاف حکومت ملی قیام واقدام کرده شامل است یاتنها بشخص نصرت‌الدوله مربوط‌است؟ این ششصدوهشتاد کسری که فرمودند موافق‌قرارداد بوده‌اند بنده هم می گویم وآرزو میکردم ومیکنم که یك روزی برسد کوطن عزیز ماانشاءالله مقتدرشود که این اشخاص را یکی‌یکی بیاورد پای محاکمه و محاکمه نموده ومجازات‌بدهد . اگر باینکه بگویند خلاف کرده‌ایم وخیانت کرده‌ایم وتوبه کردیم معاف می‌شوند ازحالا همه میگویند ما پشیمان شده‌ایم‌دیگر البته محاکمه نخواهند داشت وآن اشخاص از امروز خودشان را راحت‌می کنند که زحمت آنروز راندا‌شته باشند ولی بعقیده بنده این حرف جبران خلاف‌اولیه را نمی کند بازهم یادآوری میکنم‌هرچند در مجلس نبودم ولی از برای من راپورت ها را فرستاده اند در راپورتهای بعضی شعبه‌ها نسبت ببعضی وکلاچنین نوشته‌اند (که این شخص در موقعیکه انتخاب شده چنین کرده اگرقبل از انتخاب این اقدامات را کرده بود محققاً ازانتخاب محروم بودولی‌چون بعدازانتخاب این عمل را کرده است معلوم نیست این ماده قانون شامل او می‌شودیا خیر ؟) بنده عرض می کنم بعداز انتخاب‌هم این عمل‌را کرده باشدظاهراً اعتبارنامه‌اش باطل است چنانچه رأیی که درجلسه قبل مجلس‌نسبت بیکنفر داده اینمطلب را میشود ازاو استنباط کرد که بطور نیم رسمی مجلس شورایملی اینماده را تفسیر کرده و یك سابقهٔ پیداشده خواه قبل از انتخابات خواه بعد از انتخابات یك شخص ایرانی که بر علیه حکومت ملی اقدام کرده از وکالت محروم میشوددر صورتیکه مااظهارمیکنیم ایشان برعلیه حکومت‌اقدام کرده‌اند یعنی این قرارداد برعلیه حکومت ملی‌است وکابینه وثوق الدوله کارهایش همانطور که آقای طباطبائی فرمودندبرخلاف اصول قانون اساسی‌بوده است حالا آن نقشیرا که شعبه ها خواسته اند و نوشته‌اند که اگر بعد از انتخاب باشد باید تعیین کرد که تکلیف چیست در مورد ایشان موضوع ندارد بجهت اینکه همان‌ساعتی که انتخاب شده‌اند فاقد جزء نهم ماده هفتم قانون هفتم قانون انتخابات بوده‌اند یعنی بر علیه حکومت ملی قیام واقدام نموده درآن تاریخ هم ایشان هنوز تائب نبوده‌اند واگر توبه کرده‌اند بعد از توفیق جبری یعنی بعد از حبس رفیق خودشان آقا سید ضیاء الدین بوده ودرمجلس توبه کرده‌اند یعنی‌در موقعی که ایشان‌راهم درجزء اشخاص کوچك وبزرك‌حبس نمودند حتی‌شنیدم دونفر بچه های بی‌گناه چهارده ساله وپانزده سالهٔ مدرسه را هم‌حبس کرده‌اند در ضمن‌حضرت والا را هم حبس کرده‌اند دردوره دوم میگفتند طهران جزء مطهراتست اگر محبس‌آقای سیدضیاء هم‌جزءمطهراتست‌نمیدانم‌انشاالله آنهم‌جزء مطهرات است مامخالف نیستیم ولی‌مقصوداین‌است که آن توبه را در آن محبس کرده اند در آن ساعتیکه موکلین ورقه‌های تعرفه های خودشانرا در کرمانشاهان بنام نامی شاهزاده نصرت الدوله در صندوق آراء میریختند آنوقت ایشان تائب‌نبوده‌اند و برخلاف حکومت ملی معاهده‌را امضاء کرده‌بودند ودارای شرط انتخاب شدن نبودند این مسئله مثل کسی است که درآن تاریخ سن باو اجازه نداده باشدباوتعرفه‌داده‌باشند حالا که‌چهار پنجسال گذشته نمیتوانیم بگوئیم آنوقت دو سال سنش کم بود حالا سنش تقاضا میکند حالا که الحمدالله ماشاءالله بزرك‌شده دیگر چه‌اشکالی‌داریم ایشان آنوقت هم تائب نبودند بحمدالله کحالا تائب هستند ان الله یحب التوابین ویحب المتطهرین . آمنا وصدقنا اما توبه ایشانهم مثل توبه همه ماها میماند کدربین نماز که میخوانیم میگوئیم‌استغفرالله ربی واتوب‌الیه وبقول یکی از رفقا قصد انشاء نداریم وشاید درعین همان حال وهمان ساعت همان تقصیر یا شبیه آن تقصیررا میکنیم . ببخشید اگر زیاد عرض کردم نمیخواهم اظهار فضل کرده باشم البته آقای مدرس بهتر از بنده میدانند اگر رجوع کنیم بکتاب مقدس نهج‌البلاغه درقسمت‌ثانی از خطب شخص‌اول‌عالم‌اسلام‌حضرت‌امیرالمؤمنین(ع) ملاحظه خواهد شد که شخصی حضورمقدسشان عرض کرداستغفرالله ربی واتوب الیه فرمودند ثکلتك امك آیا معنی استغفار را میدانی ومیگوئی‌استغفرالله ربی واتوب الیه ؟ عرض کرد قربانت بروم معنی‌استغفار چیست فرمودند استغفار هفت شرط دارد یکی از شرائطش این است که آن گوشتیکه در معصیت خداوند دربدن روئیده‌شده است بایدآن‌قدر در راه عبادت و ریاضت خداوندی مصرف شود که‌چیزی از آن‌باقی‌نماندوپوست‌وگوشت واستخوان‌مجددبروید و سایر شرائطش کذکرشده آنوقت حق داردبگوید استغفرالله ربی واتوب والیه آنوقت خداوندآن توبه را بپذیرفته وقبول میکند و میبخشد البته ما هرچه

بگوئیم بخششان زیاد است بدرجهٔ گذشت وبخشش خداوند رحمن و رحیم نخواهید رسید ، خداوند عمل میخواهد والا بنده هم باآقای مدرس مخالفتی ندارم‌نمیخواهم نعوذبالله سبب‌شوم کسیکه‌دست‌بطرف ایران‌دراز میکند ومیگوید من الان‌باشما برادرهستیم دست خودم را بکشم معاذالله منهم دست برادری بطرف‌ایشان‌دراز میکنم چرا ؟ که‌یکنفرایرانی‌هستند درصورتیکه این توبه خودشانرا باعمل پس‌از چندی اثبات بکنند تصدیق میکنم که‌ایشان یك‌عضو فعال و تحصیل کرده بااطلاع و جدی هستند وتمام صفات کارکردن درایشان هست بنده که طرفدار معارف هستم میل‌دارم که همه ایرانیان تحصیلاتشان باندازه ایشان باشد اما هیچوقت آرزو نمیکنم که‌عملیاتشان مثل ایشان باشد یعنی تاچند روزقبل عملیات ایشان انصافاً خوب‌نبود این چیزی نیست که بتوان آنرا پرده پوشی کرد والابنده هیچ‌خیالی‌ندارم ونمیخواهم یك‌اشکال تراشیهائی بکنم والا وقتی که شروع به مذاکره انتخابات میشد میتوانستم حرف بزنم‌و بی اطلاع هم نیستم کرمانشاهانی ها هم‌اکثرشان بابنده رفیق هستند ایل سنجابی هم که انصافاً بزرگترین خدمتگذار مملکت‌است دره‌وضوع شخص بنده کمال همراهی را داشته اما دیدم جریان این انتخابهم مثل جریان‌سایرانتخابات ایران‌است آنوقت که‌آقای‌رئیس فرمودند راجع بجریان انتخابات حرفی دارید بنده اگر میخواستم اعمال یکنظریات خصوصی بکنم مثل‌حالا میتوانستم ۲ساعت‌آقایان‌را معطل‌بکنم ولی نمیخواستم دراین‌موضوع صحبت‌بکنم البته‌هرانتخابی یك اشکالی دارد ولی چون دریای همین منبر نطق دودفعه بقرآن قسم خورده ام که حافظ حقوق ملی ایران باشم و-قوق ملت ایرانرامطابق قانون‌اساسی و قوانین دیگر حفظ کنم این‌است که میبینم‌یکی از قوانین ویکی‌از حقوق اصلی ملت را ایشان خراب کرده‌اندباینجهت بنده باایشان مخالفت‌دارم‌وحق میدهم بخودم‌ازطرف‌دیگرهمانطوریکه‌آقای‌مدرس فرمودند توبهٔ ایشان را بنده هم موافقم وقبول‌میکنم و دست بطرف ایشان دراز میکنم اما بعد از اینکه عملیات سابق‌خودشان راترك بگویندبطوریکه خدمات‌ایشان را بعد از چندی کسی نتواند تردید بکند خدمت به ملت‌هم تنها وکالت مجلس شورای ملی نیست ممکن است این مسئله را رجوع بکمیسیون بکنند بگذه نظریه شخصی ندارم و نظریهٔ شخصی بنده جزءعماده هفتم قانون انتخابات است و چون ایشان برخلاف حکومت ملی اقدام کرده اند بوکالت ایشان رای نمیدهم‌حالامیآئیم سر تلگراف لانسینك‌خیلی کوچك است یك مسئله دیگر هم که ضمیمه قرار داد است راجع بمالیه بدبخت این مملکت است که باز امضاء شده و در این جریده نیست و این است یکی از خدمات کابینه وثوق‌الدوله که بعد در موقع دیگری خواهم خواند و اگر مصلحت میدانند حالابخوانم .

(بعضی اظهار نمودند بخوانید)

نصرت‌الدوله - همه را بخوانید .

سلیمان میرزا - شماره ۱۲۹ روزنامه‌رعد یعنی آقاسید ضیاءالدین مقاله نوشته اند که مختصراً عرض خواهم کرد - (حقیقت چیست - حقیقت گوئی است)

رئیس - آقایان مایل به تنفس نیستند ؟ که چند دقیقه‌تنفس شده دوباره آقای سلیمان میرزانطق کنند .

(بعضی اظهار نمودند تلگراف را بخوانندبعد (بمضمون‌ذیل قرائت‌نمودند)

اینك ابلاغیه‌سفارت امریکا — از طرف‌سفارت امریکا مورخه ۹ سپتامبر ۱۹۱۹ نظر بمطالب‌غیر واقعی که در مقاله مورخه نوزدهم اوت روزنامه رعد راجع برویه (پرزیدانت ویلسن) و مأمورین صلح امریکا و مملکت اتازونی نسبت بایران مندرج بود مقتضی است ابلاغیهٔ که از واشنگتن صادر شده‌است تقدیم‌دارد ،طهران - سفارت امریکا- دولت‌اتازونی بشما تعلیم میدهد نزد زمامداران ایران و اشخاص علاقمند این‌مسئله را تکذیب نماید که دولت‌اتازونی ازمساعدت نسبت‌بایران امتناع‌ورزیده است ، امریکا همواره علاقه‌خود را برای سعادت ایران بطرق‌بسیار اظهار و ابراز داشته نمانندگانیکه از طرف دولت اتازونی در کمیسیون‌صلح پاریس عضویت داشته‌اند مکرر کوشش و مجاهدت کرده‌اند سخنان نمایندگان ایرانرا در کنفرانس صلح مورد استماع قرار دهند نمایندگان‌امریکا متعجب بودند چرا مجاهدات آنها بیش از این بتقویت و مساعدت تلقی نمیشود لیکن اکنون‌معاهده‌جدیدمعلوم‌میدارد که‌بچه علت‌امریکائیها قادر نبودندسخنان‌نمایندگان ایران را باصغاء‌برسانند و نیز معلوم میگردد که دولت ایران در طهران با مساعی نمایندگان خود در پاریس مساعدت وتقویت کافی ننمود ، دولت اتازونی معاهده جدید ایران‌و انگلستان‌را با تعجب تلقی مینماید ، معاهده‌مزبوره معلوم میدارد با وصف آنکه نمایندگان ایران در پاریس‌علناً و مؤکداً طالب‌مساعدت و همراهی‌امریکا بودندایران از این‌ببعد مایل‌بکمك یا تقویت‌امریکا نمی باشد .

سلیمان میرزا — باری‌این مراسله‌سفارت که روزنامهٔ رعد در این شماره‌درج کرده و آقای طباطبائی هم مختصری اظهار کردند شاید اثبات‌می کند که‌این‌هیئتی که‌اول از طرف کابینه وثوق‌الدوله باروپا رفت و مشارالممالك رئیس آنها بود بعضی اقدامات کردندوشاید‌آن هیئت در آنجا بانمایندگان امریکا بعضی صحبتها کرده باشند و بعضی دیگر شکایاتی ازآنها بدولت ایران کرده باشند ، مطابق این تلگراف امریکا با آنها همه قسم در کنفرانس صلح بین‌المللی مساعدت کرده و لاینقطع دیده‌اند که این کار از آنها پیش نمیرود و آنوقت هنوز معاهده بین دولتین در جریان خصوصی بوده بعد که معاهده بیرون آمده آمریکائیها استدراك میکنند که علت اینکه نمایندگان ایران با وجود تقویت دولت بزرگی مثل امریکا در آنجا کارشان پیش نمیرفت از طهران بآنها کمك میشده و این کمك هم از طرف وزیر خارجه بوده او کمك میکرده و شاید میتوان گفت مسئله قدری عملی ثابت شده بعد از اینکه وزیر خارجه باروپا رفته‌اند هیئت را تغییر داده‌اند ومعزول کرده اند باری اینها بصورت است اما راجع بضمیمه‌قرارداد شاید آقایان‌شنیده‌باشند وبنده نشنیده باشم نمیدانم بهر حال بنده نسخهٔ فرانسه را بدست آورده ام و خودم ترجمه کرده ام اگر در ترجمهٔ آن تغییر و قصوری شده است شاید بواسطه بی اطلاعی بنده از فرانسه بوده است (متن قرارداد مالیه)به بینیم آقایان‌چه بلائی برسرما درآورده اند در آن تاریخ هم که هنوز توبه نکرده بودند ، قرارد بین دولت انگلیس و دولت ایران ،

۱ - دولت انگلیس قبول مینماید یك قرضه‌دو میلیون استرلینك‌باقساط در تاریخی که توسط دولت ایران تعیین میگرددپس از آنکه مستشار های مالیه دولت‌انگلیس‌در تهران‌شروع بکار نمایند بدولت‌ایران مطابق قرار دادیکه در فوق پیش بینی گردیده‌بدهد

۲ - دولت ایران متعهد میگردد که برای کلیه وجوهاتیکه‌مطابق‌ماده۱ تا تاریخ ۳۰ مارس۱۹۲۱ داده میشود ۷ در صد تنزیل بدهد و پس از این تاریخ هرماهه مبالغ لازمه را برای پرداخت اصل و منافع از قرار ۷ در صد تا مدت ۲۰ سال بپردازد

۳ - تمام عایدات گمرکی که بموجب کنترات ۸ مه ۱۹۱۱ برای تأدیه قرض ۱۲۵۰۰۰۰ لیره تخصیص داده شده بود برای پرداخت قرض حاضر تخصیص‌داده شده‌با ادامهٔ‌تمام‌شرائطی که در کنترات مذکور بعمل آمده است با حق تقدم از تمام قروض باستثنای قرض۱۹۱۱ ومساعده هائیکه بعد هاتوسط انگلیس داده میشود ، چنانچه عایداتیکه در فوق ذکر گردید کفایت ننماید دولت ایران متعهد می شود مبالغ لازمه را بوسیلهٔ عایدات دیگری تأدیه نماید و برای اینمقصود دولت ایران بموجب مراتب حاضره برای این قرض ومساعده‌های دیگر که درفوق ذکرشد یا حق تقدم وادامه دادن شرایطی که درفوق تعیین گردید تمام عایدات گمرکی کلیه مناطق را تاحدیکه درتحت اختیار خود دارد تخصیص میدهد .

٤- دولت ایران حق دارد هرموقعی که‌خواسته باشد قرض حاضره را بوسیله قرضه دیگری از دولت انگلیس بپردازد ۹ اوت در طهران بامضاء رسیده است .

نصرت الدوله — در همان موقع چاپ شده است .

سلیمان میرزا - بنده عرض کردم و اول عذرش را خواستم که نمیدانم بازاینجابکقدری‌دیگر هم هست اگراجازه بفرمائید آنرا هم بخوانم کاغذ ثانی سرپرس کاکس بعنوان رئیس الوزراء مورخه ۹ اوت ۱۹۱۹ درخصوص مبحث دومی که در کاغذ سابق اینجانب‌مورخه امروزذکر گردید دربین‌دولتین توافق نظرحاصل گردیده که ازطرفی دولت انگلیس مطالبه مخارج نگاهداری قشونی راکه بواسطه عدم

استطاعت دولت ایران از حفظ بیطرفی خود مجبور بوده است بایران اعزام دارد نمینماید . وازطرفی‌هم دولت ایران مطالبهٔ خساراتیرا که وجود قشون مزبور درخاك ایران موجب میگردد نخواهد نمود . واضح است که اینقرارداد فیمابین تقاضاهای اشخاص یا مؤسسات‌را که‌جداگانه درتحت مطالعه گذاره میشود لغونخواهد کرد . یك یادداشت‌ازطرف حضرت‌اشرف بنام دولت ایران که حاکی ازقبول اینقرار داد باشد برای عقد قرارداد دولتین کفایت خواهد کرد .

سلیمان میرزا - این است‌آنچه گذشته‌است برسرمملکت بدبخت ما در کابینه وثوق الدوله اگر دوسیه های خصوصی وزارت خارجه در دست باشد خیلی ازاین تلگرافات قشنگ را شاید بخوانیم بارها گفته شده که این قرارداد منحوس لغوشده وبنده تا حال اسمی ازاین قرارداد مالیه نشنیده بودم وحالا فرمودند چاپ شده بنده نمیدانستم حالا میشنوم‌البته آنقراردادکه لغو شده ضمیمه اش بطریق اولی لغو است ولیکن چون این راجع‌بمالیه است وازوظایف حتمیه عموم وکلااست وحتی وپنده هم که اعتبارنامه‌ام هنوز نگذشته چون مدعی‌الوکاله هستم عرض‌میکنم وظیفه عموم وکلااست که درعمل مالیه مداخله‌بکنند بنده استدعا دارم ازتمام آقایان رفقای خودم که‌یقین دارم با بنده هم عقیده هستند‌بصدای بلند فریاد کنند که اینقرارداد وسایرقراردادها لغو وملغی وبهیچوجه رسمیت بآنها داده‌نمیشود وساقط است (جمع کثیری تصدیق کردند) ومجلس شورایملی باتفاق کلمه این نوع قراردادها را منفور میداند وعملا اورالغو ودر اولین امکان بربطلانش رأی خواهد داد.

مدرس — توضیح دارم .

رئیس — ده دقیقه تنفس میکنیم‌بعدازتنفس توضیح بدهید .

مدرس — خیلی مختصراست .

رئیس — بفرمائید .

مدرس — هرچند شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن فرمایشاتشان مطلب مرا یك نحوبیان دیگر فرمودند : اولا بنده عرض کرم که این ٦٨٤ نفر موافقین قرار داد باید در محکمه محاکمه بشوند ! مقصر ! قاصر! کاسب ! عمله ! معین بشود وبهر کس بقدر تقصیر مجازات داده‌شود بنده منکرمجازات‌نیستم شما میفرمائید مجازات . مجازات میگویم این٦٨٤ نفررا با عملیاتشان ضبط کرده‌ام که اگریك مجلس شورایملی برپا شود و یك حکومت ملی پیدا بشود اینها را باید در تحت محاکمه بکشند اما مقصر مجازاتی دارد . سیاسی‌مجازاتی‌دارد . قاصرمجازاتی دارد ناطق مجازاتی دارد. ساکت مجازاتی داردپس آنراباز تکرارمیکنم که مقصرباید مجازات شودتوبه گرك مرك است میگویم یك دولتی یا ازروی تقصیر یا ازروی قصورخواست بعقیده خود یك قرار دادی بگذارد وملت هم‌آمدند وفریاد زدند مضراست‌مضر است عاقبت پیشرفت با ملت ضعیف شد این دخلی بقانون انتخابات ندارد دخلی بصلاحیت ندارد دخلی بقیام واقدام برضد حکومت ملی ندارد دوست داریم که حضرت والا امروز که بمجلس آمده وانشاء الله همانطور که سی ماه با هم درسفربودیم بسادگی با هم داخل سیاست شویم انشاء الله مغالطه و مشتبه کاری نکنند شاید مردم خیال کنند که مجلس خیلی بد است ولی بعقیده بنده باین بدیها که مردم خیال میکنند نیست امید است باتفاق کار های بزرك و سیاستهائی که شما میدانید نسبت بخارجه وداخله ازلاستیك در آمده مجدداً عرض میکنم مذهب من اجازه نمیدهد که مقصررا نباید مجازات داد میگویم محکمه که رسیدگی بکند که آقای وثوق الدوله عن تقصیر یا عن قصور این قرارداد را بسته نفهمید وپیش بینی نکرد که این قرارداد هم ازبرای مامضر است وهم برای همسایگان نتیجهٔ اوبرهمسایگان‌این شد که تمام ایرانیان ازانگلیس مکدر ومتنفر شدند ومافهم نفهمیدیم که بدیانت و استقلال ما ضرر دارد لهذا جلوگیری کردیم اگر دولتی قراردادی ببندد بر خلاف صلاح مملکت نمیتوان او را مصداق اقدام برخلاف حکومت ملی قرار داد هیچ مناسبت ندارد . (جمعی گفتند صحیح است) خواهش دارم اگر حضرت والا بقدر من آقای نصرت الدوله را نمیخواهند اسم دیگری رویش بگذارند غیراز اینکه قیام و (اقدام برضد حکومت) ملی نمودند اظهار دیگر بفرمایند من وحضرت والا مهاجرت کردیم به نیت خوب نتیجه بد درآمد تقصیر ما چه بود در بیابانها در جنگلها در دریا ها سفر کردیم ما در جنگلها بلوط هم میخوردیم بامیدواری اینکه نتیجه اوخوب شود چکنیم خدا نخواست تقصیر باکی‌است خدا شاهد است بایك عقیدهٔ صاف و پاکی بدولت وملت رفتیم که چیزی برای ملت بیاوریم ولی نشد . وثوق‌الدوله با رفقای خود پیش بینی نکردند که اینقرار داد مضر بدیانت واستقلال این آب و خاك است من وامثال من در همانساعت اول این ضرر را ادراك کرده‌وعموم ملت‌موافقت کردند آقای‌طباطبائی که فرمودند قرض کردن وامتیاز دادن و و و اقدام برضد حکومت ملی است خوب است دولتی را معرفی نمایند که برخلاف این مواد رفتار نکرده تا ما بگوئیم این اقدام برضد حکومت ملی است (گفته شد صحیح است) اشکالات راجع بانتخابات که فرمودند جواب آنها باآقای حاج شیخ اسدالله است اهتمام من بمسئلهٔ سیاست است که نصرت‌الدوله بجهت موافقت باقرار داد وصلاحیت وکالت مجلس شورایملی خارج میشود یاخیر حضرت والا فرمودند قسم خوردیم من قسم خورده وقسم نخورده غیرواقع را نمیگویم نه اقدام میکنم ونه‌قبول میکنم.

رئیس- آقای مدرس باسم توضیح یك نطق مفصلی فرمودند، ده دقیقه تنفس است .

(در اینموقع آقایان نمایندگان ازمجلس‌خارج شده و پس از یکربع ساعت مجدداً مجلس تشکیل شد) .

رئیس - قصد بنده این بود که بعد از تنفس مذاکرات اعاده شود بخیال آنکه امروز بختم‌مسئلهٔ که مطرح مذاکره بود موفق بشویم ولی معلوم میشود که عدهٔ آقایان ناطقین زیاد است اگرآقایان موافق باشند بقیهٔ مذاکرات بماند برای روز سه شنبه .

محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد میکنم فردا باشد .

رئیس - عده برای گرفتن رأی کافی نیست موافق معمول هم دوشنبه تعطیل است اگر آقایان موافق باشند بماند برای روز سه شنبه . یك مسئلهٔ دیگر را هم میخواستم به آقایان تذکر بدهم وآن این است که چنانچه ملاحظه فرمودید این دو جلسهٔ گذشته هیچ‌شباهتی بسایر مجالس نداشت وبنده‌عمداً از اجرای حدود ونظامات واختیاراتیکه در نظامنامه قید شده صرفنظر کردم برای اینکه گفته نشود مانع آزادی نطق شده ام و میخواستم تمام مطالب گفته بشود ولی ازآقایان عموماًخواهشمندم ازبعضی‌عبارات که ممکن است سوء تفسیر بشود خودداری بفرمایند چون لفظ آدم‌کشی وبعضی عبارات دیگر گفته شد وبنده خیلی مایل هستم اینطور تصور بکنم که از روی اشتباه بوده وحاکی از حسیات آقایان ناطقین نبوده امیدوارم در جلسات دیگر رعایت این نکته کاملا بشود که بنده مجبور نشوم متوسل بمفاد مواد نظامنامه داخلی بشوم و همانطوربکه دلخواه خودم است میخواهم طوری باشد که کاملا از روی آزادی مطالب هرچه هست گفته بشود . جلسه آتیه را هم عرض کردم روز سه‌شنبه ۲۷ چهار ساعت قبل‌ازظهر خواهد بود .

(مجلس سه ربع ساعت بعد ازظهر ختم شد)

رئیس مجلس **مؤتمن‌الملك**

جلسه ٦

صورت مشروح مجلس صبح یوم سه شنبه ۲۷ ذی قعده ۱۳۳۹ مطابق دهم اسد ۱۳۰۰

مجلس دوساعت ونیم قبل ازظهردرتحت‌ریاست آقای مؤتمن‌الملك تشکیل گردید .

رئیس - صورت مجلس قرائت میشود(آقای مستشارالسلطنه صورت مجلس را قرائت‌فرمودند.)

رئیس - راجع بصورت مجلس مخالفی هست یا نیست ؟

حاج شیخ اسدالله — راجع بخروج نمایندگان ازمجلس برای تنفس باجازه رئیس بوده نه‌به میل خودشان.

رئیس - تنفس برحسب میل مجلس است نه برحسب اجازهٔ بنده

مدرس - نسبت به توضیحی که درآخرمجلس عرض کردم درصورت مجلس هیچ اشاره نشده‌است.

رئیس - این صورت خلاصه است توضیحاتی که فرمودید درصورت مشروح مجلس نوشته اند ازظهر به بعد در اطاق تنفس حاضر خواهد بود هریك از

آقایان بخواهند به‌نطق خودشان مراجعه واصلاحاتی بفرمایند آنجا حاضراست ولی درصورت مجلس تمام مطالب رانمی شود نوشت دیگراعتراضی نیست(گفته شد خیر) .

رئیس - صورت مجلس تصویب شد در جلسه گذشته جمعی از آقایان اجازه نطق خواسته بودند ولی امروز همان آقایان اجازه خواستند که قدری تقدیم وتأخیر دراسامی هست چون مخالف و موافق را بنده دیده‌ام وباایشان مذاکره کرده‌ام و راضی هستند باین ترتیبی که امروز اجازه خواستند نطق شود حالا اگرآقایان میخواهند به‌ترتیبی که درسابق اجازه گرفته بودند نطق کنند آنطور رفتار بشود و اگرمایل اند به ترتیبی که امروزنیز اجازه گرفته‌اند این ترتیب باشد وگمان میکنم چندان‌تفاوتی نداشته باشد (بعضی تصدیق کردند)

آقاسید یعقوب - اجازه بفرمائید که .....

رئیس - چه میفرمائید .

آقا سید یعقوب — بنده اجازه خواستم که .....

رئیس — بنده اجازه نداده ام راجع بچه مسئله است .

آقا سید یعقوب — راجع باین ترتیب که فرمودید امروز اجازه خواسته شده است بنده مسبوق نیستم .

رئیس - آنروزاینطور اجازه خواسته شده‌بود آقای ملك الشعرا - سردارمعظم - نصرت الدوله - سلیمان میرزا — طباطبائی . ترتیب امروز این‌طور است نصرت‌الدوله - سردارمعظم - حاج‌آقا- آقاسید فاضل - آقاسید یعقوب - سلیمان میرزا - طباطبائی.

سلیمان‌میرزا - ترتیب‌اجازه‌البته همین طور است که مرقوم فرمودید ولی بنده لازم نمیدانم این مسئله را خاطرنشان کنم که موافق نظامنامه داخلی همیشه موافق ومخالف یکی بعد از دیگری نطق میکند طبیعی است که باید این نکته مراعات شود دراینصورت که خوانده‌شد چندموافق مقدم‌بودبنده که مخالفم بعدازهمه عرض میکنم که ...

رئیس — اول آقای نصرت الدوله نطق میکند وبعد چون گمان میکنم آقای سردار معظم و آقای حاج‌آقا وآقاسید یعقوب وآقاسیدفاضل موافق هستند وبعد ازیك موافق آقای طباطبائی

نصرت الدوله — در بدو مذاکره لازم میدانم بگویم چقدر متأسفم از اینکه دراول افتتاح دوره چهارم مجلس وقبل ازاین که‌این‌مجلس‌برسمیت دائرشود و موفق بایفای چند فقره ازوظائفی بگردد که این‌ملت با کمال‌نگرانی‌انتظاراورا دارندبازدراین مجلس‌هبولای مهیب کشمکش‌های‌شخصی‌وآنتریك‌های سیاسی و بالاخره زدوخوردها از برای احراز مقام عرض اندام میکند تأسف من بیشتر برای این است که من مورد حمله و من مورد تظاهر این قضیه و اعتبارنامه من بهانه شده است در هر حال‌باگذاردن مسئولیت بعدهٔ‌آنهائی که این باب راافتتاح کردند و مقدم در این امر شده‌اند چند کلمه ساده‌از برای دفاع خودم میخواهم عرض بکنم این دفاع بیشتر معطوف به مسائل خصوصی که راجع بخودم است خواهد بود در مسائل سیاسی دفاع را به رفقای خود واگذار میکنم زیرا آنها بیشتر با خونسردی قادر به محاکمه این قضایا خواهند بود در مقدمه اجازه میخواهم با کمال ادب به حضرت آقای مدرس عرض کنم که با طرز نطق پریروز ایشان موافقم نیستم و بعد داخل در مدافعه خودم میشوم راجع بآن قسمتی که مربوط بجریان انتخابات و تطبیق او با قانون بود مداخله نمی کنم فقط یك گوشه در نطق آقای طباطبائی بود راجع به وجود یك کمیسیون انتخاباتی در زمان آقای وثوق‌الدوله و مرا هم عضو آن معرفی کرده‌اند تویااین مسئله را تکذیب میکنم بنده بهیچ وجه اطلاع از وجود چنین کمیسیونی نداشته و ندارم‌حال اگر در موقع انتخاب خودشان اطلاع از وجود چنین کمیسیونی پیدا کرده‌اند نمیدانم اما راجع به صلاحیت شخص خود من و اعتراضاتی که بآن میشود اولا میخواهم نظر آقایان را بتوجه به نطق آقایان معترضین‌بکنم و متذکر شوم که حتی در پارلمان و حتی در موقع مهمی که سیاست شش ساله دوره فترت مطرح است و سخن از آن رانده میشود حتی در موقعیکه اعتبارات یك نفر از وکلا در معرض حمله و هجوم است حتی در موقعیکه در نتیجه این قضاوت حکم صادره از این مقام به تمام زمامداران این دوره طولانی فترت تطبیق خواهد شد (گفته‌شد صحیح است) در یك همچه موقع مهمی باز مسائل بتقریب وبابهام و بالاخره باشتباه کاری میگذرد عجالتاً برای محاکمه یك چنین امر مهمی آقایان اولا انشاء یك اصل از طرف خودشان میکنند راجع بامضای قرارداد و بعد خواندن‌تلگراف‌دولت‌امریکا را بسفارت خود مدرك تحقیقات‌خودشان قرارمیدهند و برای قطعات این نطق عجیب به عملیات من در اروپا استشهاد میکنند بدون اینکه بدانند یابگویند من چه کاره بوده‌ام عملیات من در چه مسائل بوده است چه کرده‌ام اطلاعات آقایان بدرجه از روی تحقیق است که شاهزاده سلیمان میرزا مرا قبل از رفتن باروپا وزیر خارجه فرض کرده و اعتراض میکنند چرا با هیئت اعزامیه که در تحت ریاست مشاورالممالك باروپا رفته بود همراهی نکردی و با آنکه یك ورقه را که در موقع خودش چاپ شده و باطلاع عموم رسیده دست میگیرند و با یك همهمه مهیب و خطرناکی و با یك عظمت فوق‌العاده اظهار میکنند که من این ورقه را در مجلس مخفی‌خواهم خواند مخفی بعد از چاپ آنهم چه قراری قراریکه بموجب اراده امضاء کنندگان همان قرار بموقع اجرا گذارده شد این است آقایان متأسفانه طرز اخلاقی ما و با این وضعیت‌میخواهیم امور خودمان را اداره کنیم و در مقابل هجوم ومخاطره‌دشمن‌های قوی پنجه خارجی خودمان با این اخلاق میخواهیم مقاومت کنیم این است وضع محاکمه کردن ما در طی مذاکرات چند دفعه شاهزاده سلیمان میرزا به دوسیه‌های وزارت خارجه اشاره میکنند بلی‌منهم‌مایلم که آن دوسیه‌ها در مرکزی ملاحظه و بادوسیه‌های دیگری مقایسه شود من مدعی هستم که در موقع مأموریت خودم در اروپا که از نقطه نظر سیاسی ریاست هیئت اعزامیه دولت ایران به کنفرانس‌صلح عمومی و مسائل مربوط به مجمع بین‌المللی بود خدماتی به این مملکت کرده‌ام که‌بایدقدر بشناسید ولی افسوس کو بازپرس هیچکس در این مدت از من نپرسید که کجا رفتید کجا بودید چه گفتید چه شنیدید باری از این کلیات بگذریم‌و به‌تهمت ها و افتراهای دیگری هم که در ضمن مذاکرات با نیش‌های زهرآلود پرتاب میشد بمصداق مروا کراماً مراجعه نمی کنم حتی شاهزاده سلیمان میرزا را هم متذکر نمیکنم که همدوش و هم صدای با آقای طباطبائی‌و شرکای ایشان‌بمن‌رفیق‌سیدضیاء میگوید اگرمن‌مثل‌همه‌شماهاقبل‌ازاین‌قضایابااوآشنائی‌یارفاقت داشتم آقای طباطبائی و شرکای‌ایشان رفیق‌آقای سید ضیاء الدین در کابینه سپهدار و کمیته ها ودر حکومت کودتا بودند(صحیح است)

این مسئله از مسائلی است که محتاج بدلیل و برهان نیست و از هر بچه که در این شهر سئوال بفرمائید این مسئله را تصدیق میکنند آقایان بمن اعتراض میکنند که در قرارداد وثوق الدوله شرکت داشته ام بلی من انکار ندارم ازاین مقدمه چه‌نتیجه می خواهید بگیرید اگر مقصود این است که این سیاست را جماعتی یا عموم مردم مضر بحال اینمملکت میدانستندومیدانند وباید زمام داران وسیاست‌مداران آنموقع در تحت محاکمه ورسیدگی بیایندتا معلوم شود که دراین سیاست‌خائن‌بوده‌اند،مقصربوده‌اند ویا نظر به‌مقتضیات وقت‌بموجب مسئولیتی که داشته اند اتخاذ سیاستی نموده اند بعبارة اخری این ترتیب عین اظهاری است که آقای مدرس فرمودند من که منکر نیستم وبنده از طرف خودم قبول این کار را می کنم ولی تمام هم‌کار های من آقای طباطبائی باید در این محاکمه حاضر باشند اگر می خواهید بگوئید که مجرد امضای قرار داد بدون تحقیق و محاکمه اقدام و قیام برضد حکومت ملی است این مسئله کاشف از بی اطلاعی و ناشی از غرض است یك دولتی در ایام غیبت مجلس (موجبات این غیبت چه بوده وچه مسائل وچه اشخاص اسباب بدبختی این مملکت شده اند من کار باین کار ها ندارم وآنرا در موقع خودش دیگران خواهند گفت یکدولتی با مسئولیت خودش یك سیاستی را اختیار می کند وآن سیاست را موکول بتصویب مجلس شورایملی مینماید اگر حضرت والا نطقهای بنده را ملاحظه فرموده اید وبتمام نطقهای من دراروپا دقت فرموده اید چرا اینمسئله را نمی فرمائید و اگر فراموش کرده اید مراجعه تان بدهم بروزنامه تان مورخه ۱۱ اکتبر ۱۹۱۹ درآنجا خواهید دید که من علناً ورسماً با صدای بلند در تمام اروپا در معرض افکار عمومی دنیا گفته ام که این قرار داد که بسته شده مابین کابینه وثوق الدوله و دولت انگلیس قرارداد موقتی است وقطعیت او موکول به تصویب مجلس شورایملی‌است یك دولتی که از یکطرف این‌سیاست را اتخاذ نموده واز طرف دیگر خودش مشغول به انتخابات بشود ودو سال دوره عمر خودشرا بتکمیل همین انتخاباتی که یکی از آنها مورد اعتراضات آقایان است مصروف بدارد یك همچنین دولتی‌اقدام وقیام‌برضد حکومت ملی نموده درصورتیکه آنهائی که از قبیل شاهزاده سلیمان میرزا وآقای طباطبائی که قائد قوم شدند وبرخلاف سیاست بیطرفی دولت ایران در جنك سیاست تصویه مجلس شورایملی و سیاست ملی و رسمی این مملکت بود تجهیز سلاح کرده اند آنها مقامشان مبری است از قیام‌کردن برضد حکومت ملی‌آقای طباطبائی درنطق‌خودشان مواردی را که درکابینه وثوق الدوله اصول قانون اساسی نقض شده است ذکر میکنند احترام مجلس مقدس واحترام اصول مشروطیت مرا ممنوع میدارد از مقایسه این امربا دوره های‌تمام زمام داران تمام کابینه های دیگر ایام طولانی فترت در این موقع می‌خواهم از آقای طباطبائی سئوال کنم که چه شده است ایشان و بعد از ایشان حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا در کابینه وثوق الدوله فقط بذکر سه نفر قناعت کردند آقای طباطبائی حقوق شناسی‌شما وفاداری‌شماپاس‌محبت که ازاخلاق‌حسنه شما است‌شاید شمارا مجبور باین کرده است ولی من‌اجازه میخواهم در مقام مدافعه از خودم بگویم در نتیجه قرارداد که با دولت انگلیس ونماینده او مبادله شده است‌امضاء شخص وثوق الدوله تنها بوده است حتی من که در آنروز وزیر خارجه بودم‌امضای‌من‌در پای‌آن‌قرارداد نیست اما ثبوت این قرارداد عیناً وتماماً طابق‌الفعل بالنعل بامضاء تمام وزراء کابینه وثوق الدوله که‌یکی از آنها بنده هستم ویکی آقای سپهدار اعظم‌آقای مشار الملك آقای محاسب الممالك ودیگران هستند امضاشده وضبط است‌باین‌ملاحظه‌میخواهیم‌ببینیم‌چرادر در موقع مؤاخذه بخواهید تشخیص و تمیزی بدهید شاخصیت سه نفر اگر مسلم باشد مانع ازمسئولیت مشترك دریك کابینه نیست وهمه وزراء امضاء کننده در هرمقام درعرض‌هم واقعند بعلاوه‌چیزدیگری عرض میکنم مسئولیت منحصر به‌یك‌دسته ازوزراء نیست همه وزراء وهمه دستجات همه در مقام مسئولیت در مقابل ملت بر طبق اصول مشروطیت به تساوی مسئولند بیش‌ازاین نمیخواهم خاطرآقایان‌را تصدیع داده‌باشم ولیك قبل از اینکه بجای خودم بر گردم و منتظر شنیدن فرمایشاتی باشم که‌مرامجدداً شاید به‌پشت این تریبون بیاورد وباز اگر عرایضی داشته باشم بکنم میخواهم درپیشگاه نمایندگان‌ملت که دراینجاحاضرند ودر معرض افکارعمومی‌ایران این‌مسئله‌را به‌ندای‌بلند بگویم که من آنروزی که بیان حقیقت‌را امضاء کردم انتظار این جواب را داشتم (گفتند صحیح است) من آنروزیکه مصالح مملکت خود را در جلوگیری از نفوذ ودخالت سیاست انگلیس تشخیص‌دادم وباین امر مصمم کردم خودم‌را ازبرای هرنوع خرابی‌حاضر کردم (گفتند احسنت) و باید بگویم من اطمینان به قضاوت بیطرفانه و به وجدان آقایان نمایندگان مجلس شورایملی دارم ومطمئن هستم واما اگرهم این‌اطمینان حاصل نبود خوب است معارضین داخلی وخارجی من بدانند که اگر ازاین مجلس خارج می شدم درهر کجا وبهروسیله تا آخرین نفس خودم از موقعی که صلاحیت این مملکت وصلاحیت ملت خودم را دراین سیاست تشخیص دادم میکوشیدم و وسائلی هم الحمدالله دارا هستم که شاید آن وسائل‌هم کمتر از وکالت مجلس‌شورایملی نیست (گفتندا‌حسنت)

رئیس - آقای سلیمان‌میرزا (اجازه)

سلیمان‌میرزا - ابتدا شاهزاده نصرت‌الدوله فرمایشاتی فرمودند که میتوانم آن‌فرمایشات‌را به‌چند قسمت تقسیم کنم قسمت‌اول مقدمه فرمایشات ایشان بود که حاکی ازیك‌مسائلی است که بهیچ وجه راجع به‌شخص بنده صدق نمیکند وجداً اورا تکذیب‌میکنم مسئله‌اول که قید فرمودند کشمکش‌های شخصی‌چون بنده خیلی متکی به‌حکمیت افکار عامه و نمایندگان ملت هستم والبته همینطورهم هست افکارعامه محققاً حکمیت بیطرفانه میکند و اگر هم فرضاً حالا آن حکمیت کاملا مجری نشود درآتیه مجری خواهدشد کشمکش های شخصی که فرمودند به عبارت اخری کشمکش‌های سلیمان‌میرزا و فیروزمیرزا یا شاهزاده نصرت‌الدوله) میخواهم بدانم و به‌پرسم از شخصی شخیص ایشان که درتمام این‌مدت بنده با ایشان چه رقابت شخصی داشته ام که کشمکشهای شخصی نام میگذارند آیا وزیر میخواهم بشوم آیا میخواهم مثل ایشان یکی‌از اعیان واشراف بشوم که بحمدالله اگر شاهزادگی خود شرافت است بنده شاهزاده ام در مسئله شاهزادگی مزیتی ندارند وبه‌عقیده بنده وتمام اشخاص بزرك عالم از انبیاء و فلاسفه و اشخاصیکه حکمیت هرچیز را اززوی صحت کرده‌اند افتخارهم به‌تمول نیست و پیغمبراکرم صلی‌الله علیه‌وآله همیشه میفرمودند (الفقر فخری) وبنده‌هم باین افتخاردارم نه به‌اثانیه دنیا بنده بهمین افتخار دارم که درمدت ۲۰ سال یاکمتر ازاول مشروطیت تابحال (که بنده در تمام جریانش بودم) وچه در دوره اول که جزءهیئتی که در خارج ازبرای افکارعامه کار میکردند بودم کار کرده‌ام ویکی از اشخاصی بوده ام که محمدعلی شاه موقعی که برهلیه مجلس بوده همیشه توقیف یك عده‌را میخواست ومی گفت این‌اشخاص‌یگانه‌اشخاصی هستند که امروز مشروطیت مملکت‌را دنبال و ترویج میکنند یکی‌ازآنهاسلیمان‌میرزا ویکی مرحوم‌برادرش یحیی‌میرزا بود درآن‌تاریخ شرح‌حالات سلیمان‌میرزا و یحیی‌میرزای مرحوم و سایر شهدای راه‌آزادی از قبیل حاج‌میرزا ابراهیم مرحوم ومیرزا جهانگیر خان مرحوم و ملك‌المتکلمین مرحوم وآقاسیدجمال مرحوم و سایر عده مرحومین که همه میدانند آنوقت سلیمان میرزا طرف دار مشروطیت بود در آن وقت حضرت والا در کدام طرف مملکت بوده وچه می کرد آنوقت‌سلیمان میرزا کجا بود وایشان کجا بودند غرض شخصی نیست این کشمکش‌هست نه‌تنها بانصرت الدوله بلکه بنده باتمام اشخاصی که مخالف سیاست آزادی ملت وسیاست حمایت فقراو ضعفا هستند رهمیشه آن‌هارا در تحت‌فشار می‌خواهند مخالف‌هستم سلیمان میرزا ورفقای او تاآخرین‌قطره خون خودشان (رجز نمی‌خوانم) در تمام دوره بازماندگانشان اقدام کرده و خواهند کرد همیشه برضداعیانیت واشرافیت‌وپامال کردن‌حقوق اشرافیت وحفظ حقوق فقرا و عامه بوده و هستند (گفته شد صحیح است) بله همیشه برعلیه تمام این ترتیبات بوده‌ام بر گردیم به مسئله مجلس اول و توپ بستن مجلس به‌بینیم آنوقت که مجلس را توپ بستند و عده مخصوصی درباغشاه گرفتار بودند حضرت‌اقدس والا در کجا ودرچه حال بودند وپدر والاگوهرشان موقع آمدن مجاهدین بطهران وزیر کدام کابینه بودند وزیر داخله کی‌بود سلیمان میرزا بود یاپدر گرامی ایشان شاهزاده فرمان فرما آیا آنوقت که سایر آزادی‌خواهان درباغ شاه محبوس بودند ایشان هم محبوس بودند بله از آن‌وقت یك طرفیت عقیده دربین ما است وخواهد بود تااینکه عقیدشان بامن یکی شود بنده هیچوقت بافیروز میرزا یاشاهزاده نصرت الدوله رقابت وکشمکش‌های شخصی ندارم اگر دارم بفرمائید آیا از حیث مقام دارم از حیث سایر ترتیبات زندگانی‌دارم گفتگوهای ملکی‌وارضی دارم بنده هیچ غرض شخصی باایشان نداشته و ندارم مسئله را می‌آوریم تاتاریخ جلوس دوره دوم مجلس شاید باز گفته شود که این کشمکش‌های شخصی سلیمان میرزا بواسطه سابقه بافرمانفرما بوده بلی بنده درمجلس استیضاح از شاهزاده فرمانفرما کردم بنده ورفقا دریشت کرسی‌همین خطابه ازاواستیضاح کردیم اگر این را کشمکش شخصی نام می گذارند چه عرض کنم باز بر گردیم به ایام فترت از آقایان خیلی عذر می‌خواهم مسئله مهاجرت را می‌خواهم عرض کنم در این خصوص شاید بنده امروز شش هفت ساعت وقت آقایان‌را بگیرم ومعطلشان‌میخواهم بکنم زیرا یك تاریخی‌را بطور کنایه گفتند وبنده‌هم مجبورم جواب بدهم صحبتم درمسئله آنتریك سیاسی است (آنتریك سیاسی بسیار خوب لفظی است) اتهامات هم درخارج‌خیلی هست چنانچه آقای‌سردار معظم هم در چند روز قبل در موضوع اعتبار نامه سطان محمد خان فرموده اند و گویا در روزنامه ایران هست که (هنوز بقیه تهمت ها راجع بمجلس شورایملی بگوشمان میخورد البته همیشه از برای خراب کردن دسته مخالف یکرشته حرفها در کار هست) بسیار حرفی‌است بقاعده بنده هم تصدیق میکنم حالا برگردیم بتهمت ها که در طرفین موجود

است آن تهمتی که بنده به شخص نصرت‌الدوله‌زده‌ام یك تهمتی است که همه میدانند عجبا خیلی تهمت بی اساسی است‌یعنی گفته ام که آقایان یك‌قراردادی امضاء کرده اند که آن قرارداد برخلاف حکومت‌ملی بوده است وعامه مردم از اول که این قرار داد بسته شده از داخله مملکت باوجود اینکه حکومت‌نظامی بوده و فشار قوه طرف مقابل با سرنیزه بوده‌باهمه این ترتیبات بدون ملاحظه یك‌جماعتی‌بر علیه این قراردادصحبت کردند آیاچه دیدند آنچه راکه‌امروز می بینند کطرف حمله بنده‌است روزنامه رعد درآن تاریخ‌نوشته وآقایان خوانده اند مینویسداین‌اشخاص پارازیت ویك اشخاص غریب و عجیبی هستند که هیچوقت به انتظام مملکت راضی نیستند و همیشه‌در فکر این هستند که مملکت را بهرج ومرج بیاندازند یك چنین اشخاصی بودند که در زیر فشار سر نیزه حکومت مقتدر آنوقت که در همه‌جا دست داشت‌ناله واقعی این ملت را فدا کارانه اظهار میکردندوعقیده خودشان را میگفتند که این قرارداد برخلاف‌حکومت ملی است و با قرار دهندگان‌موافقت نداشتندچنانچه درآن روزنامه مخصوصاًدربیانیه آقای رئیس‌الوزراء مراجعه بفرمائید خواهید دید که این عده معدود در ردیف نایب حسین کاشی بوده وهمیشه مملکت را مخشوش کرده‌اند (زیرا که گفته اند قرارداد مطابق صرفه مملکت نیست) وهمیشه مشغول آنتریك کردن هستند از این قبیل اتهامات از برای این بدبختیها خیلی بوده و بالاخره نتیجه اش این شد که پنج نفر از آنها راکه ازهمه معروف تر بودند یعنی آقای حاج محتشم‌السلطنه حاج معین‌التجار بوشهری‌ممتاز- الملك و ممتازالدوله دیگری را فراموش کرده ام و اسمش درنظرم‌نیست شاید آقای مستشارالدوله باشد این‌پنج نفررابکاشان تبعید وتوقیف کرده اند اینها یك پنج نفری بودند که توانسته‌اند ازروی واقع در یك مـوقعی بگویند آقایان ما همه زندگانی وحیات ملیت خودمان را تقدیم میکنیم و زحمت کشیده ایم هر کدام ازاین‌پنج نفر مخصوصاً آقای حاج محتشم- السلطنه و بالاخصاص آقای حـاج معین‌التجاربوشهری مستشارالدولـه و ممتازالدولـه اشخاصی نیستند که خدماتشان در دوره‌مشروطیت معلوم نباشد و همچنین در دوره وکالت‌وغیر آن این‌اشخاص بیچاره‌مخصوصاً حاج‌معین‌التجار بوشهری که شاید قسمتی از دارائی خود را هم روی‌اینکار گذاشته (حالا کاری بزحمات وخدمات مستشارالدوله وممتازالدوله نداریم زیراکه همه میدانند تا زبان باز کردند که اظهار بکنند آقایان اینقرارداد بر خلاف منافع ملی است فوراً آقایان یارازیت‌شدند وبدسائس و آنتریك خارجی‌متهم شده مورد کشمکش‌واغراض شخصی‌شدند) مخصوصاً بیانیه را به بینید خواهید دید که در آنجا افت معدودی را آقای رئیس‌الوزراء تکرار فرموده اند معدودی مفسده‌جو ، معدودی، مفتخوار ، معدودی جاه طلب ، معدودی آشوب طلب و معدودی آنتریك باز این اشخاص میخواهند هرروزی یك‌حرفی برضررحکومت بگویند بیچاره افراد اهالی بیچاره فقرا و ضعفای مملکت اهل صنعت وکسبه و دیگران ودیگران آیا وقتیکه دیدند با یك شخصی مثل حاج معین التجار بوشهری که اولین تاجر مملکت و با استعداد و استطاعت آنها است بواسطه یك کلمه حرف چنین رفتار میکنند آیا دیگران‌جرأت نفس کشیدن دارند که میگویند مملکت بدبخت ما را با این قرار داد زیر ورو کنند بگویند با ما هم مشاوره کنید جواب خواهند فرمود منهم در سایر جاها در اروپا گفته ام که این قرارداد بتصویب مجلس شورایملی خواهد رسید و بعد مجری خواهد شد بسیار خوب یقولون بافواههم مالیس فی‌قلوبهم یك چیز هائی فرمودند که به‌آن عمل‌نکردند اگرحقیقتاً مقصودشان این‌بود که‌قراردادرایس‌ازتصویب مجلس‌شورایملی بموقع‌عمل بیاید ومجلس‌شورایملی را همانطور که فرمودندسعی در افتتاحش می فرمودند پس چرا در این دو سال بموقع اجرا گذاشتند چیزی راکه مجلس شورایملی هنوز تصویب‌نکرده وردو قبولش معلوم نیست (شاید ترتیب وزارتی اینطور باشد وبنده از ترتیب وزارتی مسبوق نباشم چون وزیر نبوده‌ام نمیخواهم بشوم و زمینه‌اش برای بنده‌فراهم نیست) بااین ترتیبات‌هنوز مجلس باز نشده و بتصویب نرسیده شروع باستخدام میکنند و مهمترین مواد این قرارداد را بموقع‌اجرا میگذارند(امروز باید تمام این‌حرفهارا زدبقول تمام این آقایان این روزها یك‌روزهائی است که پرده‌از روی کارها برداشته میشود) درمملکت دو چیز مهم است که اگر این دوچیز را نداشته باشیم نمی‌دانم آنوقت از استقلال مملکت چه باقی خواهد ماند آن دوچیز یکی مالیه مملکت است که از خصائص اولیه مجلس‌شورایملی است که بدون‌مجلس‌شورایملی‌وبدون اطلاع آن یك ترتیباب‌خاصی برایش معمول داشتند یك‌مستشاری‌استخدام کردند که‌شاید‌بازهم‌آن‌مستشارها در وزارت مالیه هستند (جمعی اظهـار نمودنـد نیستند آقا)

سلیمان‌میرزا - انشاء الله‌نباشند اگرآقایان اجازه میدهند بنده‌حرف بزنم وگرنه حرف‌نزنم

محمد هاشم میرزا — لازم بود که بگوئید نیست .

سلیمان میرزا — این لازم را بعد اجازه گرفته‌میفرمودید چون برخلاف نظام‌نامه داخلی‌است که دروسط نطق یکی حرف بزنند یادآوری نمودم بهرحال عرض میکنم بر فرض که از چند روز قبل نباشند شاید در زمان کابینه اسبق این مستشار ها بوده‌اند وشاید این هم یکی از تهمت ها باشد که میزنند اهالی که هیچ ندیده‌اند و هیچ نمی‌بینند و نمی‌دانند که مستشار در مملکتشان هست یا خیر یك سلیمان میرزائی اینجا یك تهمت‌هائی میزند(گفته‌شد صحیح است) وهمچنین صاحبمنصبان نظام‌بسیار خوب آوردند یك‌مملکتی که نظامش درتحت تصرف‌خودش نباشد (الحمدالله که امروزهست وبسیار باید متشکرو ممنون بود وهمیشه باید دعا کرد که سایه اعلیحضرت قدرقدرت همایونی که یگانه امیدواری مملکت است بر سر این مملکت باقی و برقرار باشد که درتمام اوقات و مطابق قسمی که در مجلس شورایملی یاد فرموده‌اند یك‌سلطان مشروطه خواه و حافظ مشروطه واستقلال مملکت هستندخداوند این یگانه مایه‌افتخار راازایرانیان نگیرد(گفته‌شد انشاءالله)وهمیشه‌ایشانرا موفق بدارد چنانچه در سابق همیشه موافق اساس مشروطیت اقدام کرده‌اند بازهم مملکت بوجود چنین پادشاه جوان‌بختی ترقیات و پیشرفتهای واقعی‌نماید) باری فعلا شاید مستشار نیست ولیکن خود بنده‌یك عده از اروپائیهارا که بلباس اونیفورم ژاندارم ملبس بودند دیدم غیر ازصاحبمنصبان سوئدی چون آنهارا می‌شناسم باری مقصود ازآنتریك سیاسی است‌درضمن هم احراز مقام بسیار خوب‌آیا بنده دردوره‌مشروطیت کدام مقام‌را احراز کرده‌ام بنده که غیراز احراز مقام کتك خوردن دیگر احراز مقامی ازبرای خودم تا بحال ندیده‌ام اگر یکوقت‌هم در مجلس بنام اقلیت حرف میزدم معلوم است همیشه اقلیت توسری خور اکثریت بوده احراز این مقام هریك مقدمه بودبرای کتك خوردن نه درصدد دوزارتی‌یاحکومی نه ریاست وزارتی بودم ونه درصدد سایر مقامات یاآنکه شاید درصدد بودم ولایق نبودم به‌بنده‌ندادند درهر صورت پس حالا تازه درموقعیکه هیچ تشکیلات سیاسی در کار نیست وبنده منسوب‌بهیچ یك از تشکیلات‌سیاسی نیستم و از تشکیلات سیاسی اول هم بواسطه‌مسلماتی که کرده‌اند خودم را بکلی بری می‌دانم و هیچوقت این اسم را روی خودم نخواهم گذاشت و هیچوقت خودم را مسئول نمیکنم یکنفروکیل ساده هستم‌ودر مجلس آمده ام اظهار عقیده کنم در تمام دنیا برای یکنفر وکیل حق استفاده از این منبر نطق‌هست که حرفهای‌خودش‌را آزادانه‌بگوید اگرا کثریت‌قبول کرد فنم‌المطلوب واگر اکثریت آنروز متاسفانه‌آنرا بر خلاف خودش دید آنوقت افکار عامه حکمیت واقعی می کنند شاید در انتخابات آتیه آن یك نفر وکیل دو نفر همراه پیدا کند بنا براین من هم یکنفروکیل هستم اتکائی بسایرین ندارم جلساتی وهیئتی هم در خارج و داخل نداشته و ندارم و اگر یك کسی جلسات و هیئتی برای‌بنده فرض کرده بگوید فقط همین دو روزی که آمدم به مجلس یکی دو مرتبه آقای مساوات و آقای‌تنکابنی را دیده ام این است که در این مجلس‌حرف خودم را میزنم اگر من امروز بگویم این قرار داد بر ضرر مملکت بوده و بواسطه موادی که داردبرخلاف قانون اساسی‌بوده باید بهمان فحش‌هائیکه در زمان آن کابینه در زمان قرار داد منحوس مردم گرفتار بودند بنده هم‌گرفتار باشم و بمن بگویند (آنتریك سیاسی) خوب اگر اینطور است که دیگراظهار عقیده از میان میرود حضرت والا یك قدری اظهـار تاسف فرمودند و مسئولیت را از خودشان خارج کردند از اینکه در این موقع که موقع رسیدگی‌به اعتبار نامه ها است وکارهای مهم از برای مملکت هست‌داخل یك صحبت ها وکشمکش های شخصی

شده ایم بنده از این نصیحت تعجب میکنم کدام کشمکش شخصی در این موقع که اعتبار نامه ایشان مطرح است در کار بودن ایشان را در کابینه‌وثوق- الدوله میگویم در یکی از فرمایشاتشان‌میفرمودند که چرا اسم چهار نفر را بنده بردم عرض کردم سه نفر در کابینه هیئت عامله بودند و یکنفر هم در خارج هیئت عامله این قرار داد بود البته بنده هم کمال موافقت را با ایشان در این مطلب دارم که تمام‌افراد آن کابینه مسئول هستند و تمام اشخاصیکه در دوره فترت یا در دورهٔ هم که مجلس متصدی امورمیشود یك مسئولیت وزارتی یا غیر آن را در مملکت‌قبول میکنند هر کدام علی قدر مراتبهم مسئول‌اند وزراء مسئول‌مجلس شورای‌ملی هستند اجزاء ادارات‌مسئول وزیر و ترتیب اداری که دارند هستند البته مملکتی که‌مشروطه باشد شامل مسئولیت‌است ومحققاًهمانطور که فرمودند بنده‌هم مسئولیت برای تمام اعضاء کابینه است و بنده با ایشان کاملا موافق هستم و برای هیچیك از آنها استثناء قائل نیستم و همچنین نسبت به اشخاصیکه این اقدام را کرده اند کاملا با آقای مدرس موافقم که‌فرمودندششصدو هشتادوچهار(۶۸۴) نفر در موضوع قرار داد کار کردند ولی بنده‌اسامی آنها را نمیدانم و فعلا اعتبار نامه ۶۸۴ نفر در کار نیست که بنده نسبت به ۶۸۴ نفر حرف بزنم حالا یکی از آن عده اینجا است یعنی اعتبار نامه اش و فعلا اینجا تشریف دارند آقای مدرس میفرمایند ۱۸ نفر در این مجلس هستند بنده آنها را تماماً نمی شناسم خیلی ها از من این مطلب رامی‌پرسیدند که این ۱۸ نفر کی ها هستندشاید عدهٔشان‌را بشناسم ولی تمامشان را نمی‌شناسم‌خوب‌است یك وقتی‌دیگر اگر ممکن‌است اسامی آنها راآقای مدرس‌میفرمایند چون مردم منتظرند این ۱۸ نفر را بشناسند.

مدرس - در موقعش عرض میکنم.

سلیمان میرزا - هر کسی میخواهد باشد هیچوقت مقام دوستی و غرض شخصی نیست هر کس ولو اینکه اول‌شخص فامیل من‌باشد مثل پدروبرادر با او هم مخالفم این صدا از دهن هر کس بیرون بیاید و بر خلاف حکومت ملی قیام کند یا یك‌قرار دادی بگذارد بنده چون ادعا میکنم یکی‌از وکلاء ملت هستم (ولو اینکه هنوز این حق‌را ندارم‌وشاید اعتبار نامه بنده رد شود فعلا تا هنوز اعتبار نامه بنده‌مطرح نشده حق دارم بگویم) هر کس طرف دار این قرار داد باشد بنده با او مخالفت میکنم دیگر اینکه در نطقشان فرمودندبنده اطلاعاتم‌ناقص است بنده آنروز عرض کردم که‌کاش دوسیه وزارت خارجه باشد تا مطلب کاملا معلوم شود شاید ایشان یك تلگرافی فرموده اند که اطلاعمت بنده از آن جهت ناقص باشد بلی اطلاعات بنده ناقص است تصدیق‌میکنم لکن باندازه‌اطلاعات خودم‌عرض کردم البته وزیر نبودم که بتوانم دوسیه های وزارت خارجه را به‌بینم البته ایشان خوب آگاه هستند و بسیار خوب‌میدانند تکه‌هائی‌را درزمان‌اقتدارخودشان رعدناشرافکارشان منتشر کرده یکی‌دوتا ازآن‌تکه‌ها را خواندم که یکی‌تلگراف سفارت‌امریکا بود ویکی قرارداد مالیه که فرمودند چاپ‌شده (بنده نمی‌دانستم تقصیری‌برمن‌نیست‌چون‌دراین‌جابودم)اینکه‌تهمت‌نیست آنروز بنده عرض کردم درموقعیکه تشریف‌بردند به اروپا بسمت وزارت خارجه در آنجا اقدامی نمودند درموقع خودشان ونطقی‌که درسر میزضیافت فرموده اند شاید همانطور که خودشان بعد از مجلس به‌بنده فرمودند من‌مقصودم ازآن نسبت دروغ بشخص شما مقصودم روزنامه بود شاید نویسندهٔ که درآن مجلس بوده یاروزنامه دروغ نوشته بنده‌هم عرض کردم شاید اشتباه شده ودر روزنامه دروغ نوشته شده اگر آن روز نـامه هم دروغ نوشته است حضرت والا دوسیه عملیاتشان ناطق‌است فرمودند بایك آب وتابی جلوه دادم بلی همانطور که خودشان فرمایشاتشان‌را باآب وتاب فرمودند بنده‌هم همانطور آن‌روزنامه باآب‌وتاب آن تلگراف را قرائت کردم بجهت اینکه خودم در روز نامه آنرا نخوانده بودم اینهم که بحمدالله یك کشمکش خصوصی‌نبود مطلب چاپ‌شده تایك اندازه همه دیده‌اند فقط یگانه استدعائی که‌دارم اگرمصلحت میدانند (فعلا که این مسئله مطرح شده ودر حقیقت همانطور که فرمودند راجع به‌سیاست خارجه آن‌دوره داخل یك‌حکمیتی میشویم گمان میکنم که ضرری‌هم نداشته باشد که فرضاً درآن‌موضوع یك‌هفته‌هم حرف بزنیم چون‌مسئله خیلی مهم است) بنده خیلی مایلم که ایشان اقدامات وخدماتشان‌را که دراروپا کرده‌اند بفرمایند فرمودند خیلی متأسف هستم که چرا هیچ بازپرسی نیست که قدرایشان معلوم شود وهمه بدانند خیلی خوب حالا یکی از آن مواقع است خدمات خودشان را شروع کنند بشمردن و اثبات بفرمایند آنوقت بالفرض اگر بنده شخص مغرضی باشم عموم وکلاء مردم و افکار عامه که مغرض نیستند البته افکار عامه حکم خواهد کرد که سلیمان‌میرزا راستی با شخص نصرت الدوله مغرض بود آنوقت ایشان فرمایشاتشان‌را تصدیق خواهید کرد که یك لجاجتی کرده‌ام و البته خدمات ملی کرده‌اند وهم- چنین یکی از اشخاصی که آنوقت زنده‌باد خواهد گفت بنده خواهم بود ویکی از اشخاصیکه افتخار خواهد کرد از دونقطه نظر یکی از نظـر اینکه الحمدالله درمملکت ایران یك شخصی وزیر خارجه بوده که درموقع چنین کشمکش‌ها بایك‌چنین فشارها حقوق ملت را حفظ کرده خدمات ملی نمایان کرده وآنوقت سربآسمان خواهیم رسانید که الحمدالله یك مأمور محترم ویك وزیر امور خارجه عالی داشتیم که دریك چنین موقع خطرناکی حقوق ملت‌را حفظ کرده عرض کردم از دونقطه نظرافتخارخواهم کرد یك نظر دیگر اینکه بنده‌هم از خانـواده سلطنت هستم والبته خانواده‌سلطنت‌هم دومرتبه باید علاقمند باین مملکت باشند وچون هرقدر استقلال و قوه و شوکت ایران روز افزون بشود مثل دوره‌های سابق (قبل از اسلام) مثل سلطنت سیروس و داریوش و اقتداراتی که صفویه داشتند ونادرشـاه‌افشاروسلاطین بزرك مملکت ایران که همه تاریخی است مسلماًاگر امروز هم‌دولت ایران تمام این افتخارات را داشته باشد البته شاهزاده دولت ایران سرش بآسمان‌می- رسد وافتخار می کند که بلی من ازیك خانواده‌هستم که آن خانواده دارای این مقاماتند البته بنده هـم دومرتبه افتخار می کنم هم بواسطه اقتدار مملکت وهم‌بواسطه شاهزادگی وافتخارمی کنم که الحمدالله منسوب بیك خانوادهٔ هستم که خدمتگزاران واقعی مثل شاهزاده نصرت‌الدوله مثل شاهزاده صارم‌الدوله واز این‌قبیل شاهزاده‌ها دارد اما تاخدمات خود را نفرمایند بنده مردم واطلاعات من اوراق روزنامـه است اگر دروغ یاراست است همین است‌بعامه مردم بفرمائید تارفع اشتباه‌ازآنهابشود دیگراینکه‌نصیحت فرمودند که خوب است اخلاقمان را تصحیح‌بکنیم ودر مطالب دقت بکنیم و حقوق شناسی بکنیم بنده بهیچ وجه نمی‌فهمم یعنی چه ؟ اینکه‌من عرض میکنم مخالف باقرارداد‌هستم‌آیا بر خلاف صلاحیت‌مملکت‌است آیا برخلاف‌اخلاق است اگراین مطلب‌یك خلاف اخلاقی است دیگر بعد ازاین نمیگوییم‌وبه بداخلاقی معرفی نمیشوم اینجا جسارتی نشده فقط‌گفته‌شده‌این قرار داد که شما در آنوقت بسته اید بعقیده بنده بر خلاف مصالح مملکت بوده وشاید به‌عقیده تمام مردم حتی خود آقای مدرس که امروز موافقت میفرمایند در مسئله‌قرارداد موافق‌نبوده و حتی‌بعقیده خودشان که بیـان حقیقت نوشته اند که بنده هم به خیال خودم همین حقیقت را می گویم در آن بیان حقیقت هم رفقای آنوقت ایشان همه طرف‌دار این هستند که آن قرار داد بر خلاف مصالح مملکت بوده امروز بایستی که آن قرارداد خانمان برانداز را همان طوریکه دریده شده ولغو شده ولو بقدر خردلی هم باقی مانده بـاشد باید او را محو کرد گفته شدصحیح است و بنده خیلی خوشوقت شدم‌از این بشارت که حالا آقایان فرمودند که مستشار در مالیه کار نمیکند من تا بحال چنین می‌دانستم که فعلاً مستشارهاکار میکنندشکراً لله خیلی‌ممنون هستم انشاء الله همین طور باشدولی اگر بعدمعلوم شد که هستند آنوقت چه عرض کنم‌امیدوارم که‌نباشند آقایان مسبوق هستند که بنده یکی از وکلاء پر حرف هستم و هیچوقت خسته نمیشوم و بزودی رها شان نخواهم کرد و هروقت خسته شدند ممکن است بفرمائید آقای رئیس تنفس بدهند بنده عرایضم را فراموش نخواهم کرد خواه بعد از یك تنفس خواه بعد از دو تنفس‌وبعدازیکجلسه یا دوجلسه‌یاسه جلسه و آقایان راخسته‌خواهم کرد بجهت‌اینکه این‌مطلب مطلب مهمی است و بعقیده بنده مسئله حیات وممات مملکت ایران است از این مسئله اگر نصف دوره انتخابیه خودتان‌را هم حرف‌قلع‌و قمع این قرارداد بکنیم و اسمش را از میان ببریم ضرر ندارد برای

اینکه سابقه نشود در آتیه بدانند یك هیئتی درموقع تعطیل مجلس حق بستن این‌طور قرار داد ها را ندارند وهمه وزراء آتیه بدانند قبل از آنها یك چنین اقدامی کردند وو کلاء مجلس باندازه عجول بودند که قبل از اینکه اعتبار نامه شان بگذارد بعجله مثل اینکه ازبرای چیز گران بهائی وقت فوت میشود آری معلوم است ازاستقلال مملکت گرانبهاتر چیست بر علیه قرار داد اقدامات کردند و درآتیه وزراء بدانند که درایام فترت حق بستن چنین قرار- دادی را ندارند هرکس بسته باشد ملت ایران اورا بهرسمیت نمی‌شناسد (گفته شد صحیح است) از این صحیح است‌ها خیلی ممنون هستم واین همان جائی است که میخواستم (یعنی نصیحت اخلاقی که حضرت والا دارند بحمدالله مؤثر شد) در مطالب اساسی هیچ وقت یك مخالفتی در مجلس نبوده بجهت اینکه برخلاف اساسی ملیت است برای تذکار عرض می کنم که درمجلس سابق دودسته بودند اعتدالی و ودمکرات وهروز با یکدیگر در مطالب مرامی به سختی کشمکش داشتند که انتخابات چطور باید بشود مستقیم باشد یا غیر مستقیم مثلا قانون انتخابات چطور باشد از این گفتگو ها خیلی داشتیم ولی وقتی که بدبختانه باز گفتگو رفت به خانواده سلطنت شاهزاده شماع السلطنه مرحوم و سالار الدوله و محمد علی شاه حمله باین مملکت کردندچون گفتگو راجع به مسائل اساسی بوده آیا یك نفر وکیل در آن موقع مخالفت داشت لاوالله فوراً همین که مسئله اساسی آمد مسئله دموکرات و اعتدال وسوسیال از میان رفت درسرلوحه تمام مرام نامه ها نوشته می‌شود ملت — وطن — حقوق — مشروطیت درآن دوره امتحانات خود را داده اند دراین دوره هم کاملا خواهند داد و حالا هم که یك اختلافی داریم بنده میگویم مخالف هستم آقای سردار معظم و آقای مدرس موافق هستند آیا در چه موافق هستند در قرار داد خیر باوجود این که هنوز به بنده نفرموده‌اند بنده ازطرفشان میگویم در قرارداد موافق نیستند ولی شاید در ترتیب مذاکره و در جزئیات مطلب اختلافاتی باشد برای این قسم مطالب خواه قرارداد باشد خواه غیر قرارداد همین که برعلیه قوانین اساسی وحقوق ملی باشد خواه وکیل خواه افراد ملت عموماً بدون ملاحظه موافق هستند و بنده اینجا از طرف عموم ملت میگویم که قرارداد را برسمیت نمیشناسم پس در اینصورت اختلافاتی فی مابین نیست حالا آمدیم برسر تهمت و افتراء عرض کردم بنده تهمت به‌کسی نمیزنم و اینکه فرمودند مروا کراماً خیلی ممنون هستم که جواب عرایض بنده را به بزرگواری خودشان صرف نظر فرمودند و فرمودند مروا کراماً امامتأسفم این لطف و مرحمت خیلی زود فراموش شدو پس از دوسطر نطق این اخلاق کریمه را فراموش فرمودند وشروع کردند به یك مسئله هائی که بکلی برخلاف لطف و مرحمت بود بایك حرارتی فرمودند که آقای آقاسید ضیاء مؤسس کابینه سیاه وهمچنین کابینه سپهدار، شماوهمچنین یا آقایان طباطبائی و شرکاء بنده بیشتر آشنائی داشته‌اند می خواهم این مطلب را خدمتشان عرض کنم که از اول آقا سیدضیاء هیچوقت بابنده توافق نظر نداشته وبگانه دلیل برای اینمسئله روزنامهای ایشان است که اگر از اول روزنامه‌ها تا آخرش را بدقت مطالعه کنند می‌بینند که یك سطر آن موافق عقیده سلیمان میرزا نبوده اگرمقصودشان ازاین آشنائی این بوده است که در کوچه سلام میکرده وجوابش را میداده‌ام اینمسئله شرعی است که هر کس بگوید سلام علیکم مجبوراً باید گفت علیکم السلام وشاید دریك مجلس عمومی که بنده بوده‌ام وایشانهم درآنجا بوده‌اندهمان طور که خودشان فرمودند یك روزی پرده ازروی کار برداشته می شود اگر یك محلی سراغ دارند بنده اطلاع دهند که دریك مذاکره یادریك قرارداد باآقا سید ضیاءالدین شریك بوده‌ام وقتی که آقاسید ضیاء از قزوین تشریف میبردند اتومبیل ایشان با بنده تلاقی کرد ولی بحمدالله خودش را ندیدم وفعلا هم با آقای طباطبائی وسایر آقایان در اینکه قرارداد بر خلاف مصالح مملکت است موافقم والایك تشکیلات حزبی ندارم هرساعتی که عقیده آقای طباطبائی مخالف بنده بشود باایشان هم همانطور مخالفم و عقیده هم آزاد است بنده در کودتا باآقا سیدضیاء یا درحکومت سپهدار شرکت نداشتم شکراً لله که نبودن بنده در تهران اینمسئله را واضح می کند

نصرت‌الدوله - شمارا نگفتم .

سلیمان میرزا - پس ببخشید چون فرمودید شرکاء آقا سیدضیاء و بطور مطلق فرمودید حالا که حضرت اشرف بنده را نفرموده‌اید کمال تشکررا دارم آقای طباطبائی یاسایرین هم البته ازخود دفاع خواهند کرد مگر اینکه آن وقت حضرت والا یك لغتی فرمودند که بنده کاملا باایشان موافق هستم و دراین موضوع جزء شرکاء ایشان هستم وآن این بود که تمام زمامداران امور درایام فترت بایدمحاکمه شوند البته تایك چنین محاکمه نباشد مملکت وقوانین حفظ نمی‌شود من کاملا طرف دارا ینمطلب هستم که زمامداران امور باید تماماً در تحت محاکمه بیایند انصافاً ببینند چه مملکتی داریم ملاحظه بفرمائید آیا در کدام یك از ادارات باهمیت وزراء یکمطلبی را که میخواهندمطرح کنند کتاب قانون میآورند دراینموضوع قانون چه می گوید اگر همچو چیزی سراغ دارید بگوئیدحتی دروزارت عدلیه که‌خودشان درآنجاهم کار کرده اندفقط یك تصویب نامه ازهیئت وزراء صادر میکنند که بنا بر تصویب نامهٔ هیئت وزراء برحسب امر خود وزیر عدلیه فلان طور باید بشود عدلیه که یکی از قوای سه‌گانه مشروطه وقوه قضائیه مملکت است(بنده بطور کلی می گویم) ونمیخواهم ازمأمورین عدلیه مدافعه کنم که شاید اغلبشان قابل نباشند مسئول باشند و باید محاکمه شوند اما بطور کلی عرض می کنم و از قوه قضائیه مدافعه میکنم مقصود این است قوه قضائیه‌مملکت که مهم ترین قوا است و حفظ حقوق تمام مملکت با اوست دست خوش امضای یك وزیر است هر وزیری آمد بدن اینکه بقانون اساسی نگاه کند می گوید قانون را بیاورید و بخیال خودش یك ماده را جرح و تعدیل میکند منتهی از همه بدتر آقای سید ضیاء بود که هیچ قانونی را قبول نداشت امر میکنم حکم میکنم یگانه قانون ایشان بود یکقدری بیائید پائین تر هر کسی درموقع زمامداریش ضربه باینمملکت بدبخت کوچك ما زدکدام ماده قانون اساسی امروز کاملا ملحوظ نظر اولیای امور است اگر وزراء و زمامداران امور عموماً قوانین را منظور میداشتند امروز تمام افراد مملکت دوثلث قانون حفظشان بود امروز کار بجائی رسیده که درمملکت ازشدت بی‌اعتنائی بقانون یك جلد کتاب مکمل قانون در مملکت پیدا نمیشود وکیل الملك وکیل کردستان از تهران که مراجعت می کردند درهمدان بنده می گفتند که در طهران که پایتخت است مدتی گشتم که یك دوره از کلیه قوانین که از مجلس گذشته تهیه کنم موفق نشدم برای چه اینطور است برای اینست که طرف توجه نیست که یك وکیل بیچاره که تازه می آید میخواهد قوانین سابق را بداند هرچه می گردد پیدا نمیکند البته تمام زمام داران مسئول هستند که رعایت قانونرا نکردند بهترین روز روزی است که اینمطالب یکی یکی در تحت محاکمه بیایند تا دیگران عبرت بگیرند سرمسئله کمیخواهم زیاد حرف بزنم خیلی چیزهای دیگرهم یادداشت کرده‌ام که عجالتاً از آنهاصرفنظر میکنم درسیاست بیطرفی ومهاجرت بعضی فرمایشان فرمودند و گفتند این اشخاص اسلحه بدست گرفته‌اند آیا این اقدام برعلیه حکومت ملی نیست که درمملکت بیطرفی یك اشخاصی اسلحه بگیرند وبرضد بیطرفی جنك کنند باآن حرارتی که میخواستند مروا کراماً را مجری بدارند این است که عرض کردم باید چهار پنج ساعت وقت وکلاء را بگیریم خواه خسته شوند خواه نشوند اما خودم دراینمسئله خسته نمیشوم البته آقایان میدانند که درزمان سابق دوسیاست درمملکت ایران بود(مجبورم بگویم ولو اینکه درسیاست خارجه نبایددخالت شد) برای اینکه دوهمسایهٔ قوی دراطراف مملکت بود که دولتهای سابق ازآنها خیلی استفاده کردند که بنده شاید بخواهم آن استفاده های سابق را نگویم البته مسبوق هستید که مجلس را کدام سیاست دردفعه اول بمبارد مان کرد دردوره مجلس اول حکومت روسیه طرفدار ضد مشروطه بود و بر ضد مشروطه خواهان هرقسم قیام واقدام میکرد حکومت تزاری نه تنها برعلیه آزادی مملکت بدبخت ما قیام کرد بلکه برعلیه آزادی مملکت خودش هم شبانه - روزمشغول بود میکشته میبسته و در مملکت ما حق همسایگی داشت درمملکت‌ما هم اقدامی میکرد قوای ما بیچاره‌ها هم باندازه قوای اونبود با وجود اینکه دنیا فخرمیکند که قرن بیستم است ومعهذا ثابت شده که حقوق ضعیف آنطور که باید هیچ وقت حفظ نمیشود ثابت شده هر کسی که زورش بیشتراست حرفش حسابی‌تر است تمدن قرن بیستم دنیارا روشن کرده اما هیچ وقت بحرف یکمردم بیچاره یکملت

بیچاره گوش نمیدهند چنانچه همین جنك بین المللی کاملا ثابت کرد که این صحبتهای حقوق بیطرفی حقوق ملیت صحبت بیطرفی تمام اینها حرف وبازی بوده یك طرف بیطرفی بلژیك را منظور نداشت یکطرف بیطرفی یونان را وهردو بر خلاف بیطرفی رفتار کردند وهردو وهرسه باتفاق بیطرفی ما بیچاره هارا قبول نکردند وهرچه فریاد زدیم بیطرفیم ازهمه‌طرف بما بیطرفها که زورنداشتیم بدون استثناء حمله آوردند در دوره اول مشروطیت دولت روس و انگلیس معاهدهٔ بین خود منعقد نمودند که بمعاهده ۱۹۰۷ موسوم گردید و یك معاهده خانمان سوز و ایران ویران کننده بود که مجلس اول باتمام حسن آنرا نشناخت وحتی مواظبت کردند که لفظ دولتین را برزبان نیاورند برای اینکه تصور نشود که معاهده ۱۹۰۷ و منطقه نفوذ دولتین را قبول کرده‌اند معذالك کلمه برخلاف تمدن وسیاست ملی بیطرفی ایران معاهده ۱۹۰۷ را بستند وبایران هیچ مراجعه نکردند که ما داریم ترا دوقسمت میکنیم دریك مملکت قدیمی که تاریخ مشعشعی دارد باصطلاح خود ایرانیها ششهزار ساله و بقول اروپائیها سه هزار ساله‌است ملل متمدنه منطقه نفوذ ازبرایش معین کردند وازآن بدبختها نپرسیدند که آیا شما انسانید اینطور رفتار کردند و حقوق ملت بی‌طرف را اینطور منظور داشتند این معاهده‌رامجلس اول با کمال قدرت وجلادت نشناخت ولکن ما بشناسیم یانشناسیم فرقی نمیکند آنهائیکه باید بشناسند شناختند ما هرچه فریاد میکنیم نمیشناسیم باین حرفها کسی گوش نمیدهد اگر سرنیزه داشته باشیم اگر قدرت داشته باشیم گوش میکنند والا آدمهای بی‌حقی باشیم تمدن ، بلی تمدن بعدازاین تمدن یعنی ضربه اولی که در دوره اول مشروطیت بما وارد آمد و معاهده مشئومهٔ ملعونه ۱۹۰۷ بسته شد و منطقه نفوذ معین گردید مجلس را توپ بستند وآنوقت بایی اکتفا نکردند بعداز خراب شدن مجلس اول آمدن مجلس دوم وکلا خواستند بهروسیله که باشد بمصداق الغریق تشبث بکل حشیش بدبخت مردم بدبخت وکلا که در مقابل دول متمدنه ضعیف هستند ومی‌خواستند بگویند ماهم حق زندگانی داریم هر روز گرفتار ترتیبات سابق بودند یك روز برای تأدیه فلان قرض عایدات گمرکات فلان‌جا را ازدست می‌دادیم یك روز گرفتار منطقه نفوذ بودیم بیچاره وبدبخت ایرانی گرفتار تمدن شده مجلس دوم بایك مطالعاتی خواست یك اصلاحی برای این کارها بکند درصدد برآمد که اولا بایددو چیزرا انتظام داد که روح مملکت است یکی مالیه و دیگری مسئله نظام زیرا بهر اصلاحی بخواهند بکوشند اول مسئله پول است چون برای هر کاری پول لازم است پول که نداشته باشید بایددست خودرا بطرف همسایه دراز کنید وبگوئید فلان قدر بمن قرض بده همینکه دست را دراز کردید فورا یك شرایط خانمان برانداز یباشما می کنند بنابراین مجلس دوم خواست که یك قدری از زیر بار این مطلب خلاص شود مجلس اول هم دراینموضوع خوب اقدام کرده بود یعنی بودجه را تعدیل کرده بودند وتقریبا یك توازنی دردخل وخرج حاصل شده بودآن اشخاصی که همیشه آنتریك می‌نمایند اینجا است که آن اشخاص ذکر میشوند یعنی اشخاص (حقوق بر) همه مسبوقند چه اقدامات کردند چه کارها کردند وشاید یکی از سبب های عمده موفق شدن محمد علی شاه بخراب کردن مجلس همانها شدند آقایان میدانند کی ها حقوق میبرند یك فعله هیچوقت حقوق نمی گیرد یك فقیر بیچاره یك کاسب بیچاره هیچ حقوق نمی برد همیشه زحمت می کشد و مالیات میدهد اما بدبختانه آنها که درتوی کالسکه ها درشکه ها واتومبیل ها و قصر ها هستند آنها حقوق می گیرند اکثریت حقوق بر ها آنها هستند آنها حقوق میبرند که یك شاهی از مالیات این مملکت را نمی‌خواهند بپردازند به هزاران صورتهای غیر مشروع مثل تخفیف یا مستمری یا مخارج سوار حکومتی ازمملکت بدبخت پول می گیرند حقوق برها هستند که قصور وعمارات عالیه می‌سازند آنها هستند که این حقوقها رامیبرند همان ها یکدفعه درمسجد شاه ریختند وفریادوااسلاما بلند کردند و گفتند بما مفت نمیدهند بخوریم این برخلاف مسلمانی است مثل اینکه نعوذ بالله پیغمبر اکرم (ص) خدای نکرده یکشاهی ازبیت المال مسلمین برده بود افتخار اسلامیت افتخار مذهب که همه‌چیزش افتخار است یکی هم وجود مقدس رؤسای مذهب است که عملیاتی در اوائل اسلام کرده اندمثل عملیات حضرت امیر (ع) که وقتی برادر او عقیل میخواهد حضرت امیر (ع) را دعوت کند زحمت میکشد یك قرصه نان پس انداز می کند وآن وجود مقدس را دعوت می کند وقتیکه حضرت میبیند یك قرصه زیادست عوض اینکه اضافه مواجب بدهند فوراً می فرمایند تو میتوانی بیك قرصه کمتر زندگانی بکنی فوری یك قرصه از نانش کم میکنند این است اساس مذهب اسلام یاوقتیکه طلحه وزبیر خدمت آن وجود مقدس شرفیاب میشوند که یك ماموریت بگیرند والی بصره و کوفه یا فلان جا بشوند وجود مقدس فوراً چراغ را خاموش میکند ویك چراغ دیگر روشن میکند سئوال می کنند برای چه این کار را کردید میفرمایند اولی مال بیت المال است کار بیت المال را رسیدگی می کردم و بحساب مالیه میرسیدم از پول بیت المال خرج کردم دومی از مال شخصی خودم است چون شما مهمان من هستید ازمال شخص خودم مصرف میکنم با این اساس اسلامیت ...

تدین — این که تاریخ مهاجرت نیست

سلیمان میرزا — همانطور که آقای رئیس فرمودند بنده یکنفر وکیل هستم و درنطق آزادم

سردار معظم — بلی آزادی نطق برای همه هست .

سلیمان میرزا — آیا میخواهم به‌بینم این اساس مقدس اسلامیت این مالیه که باید اینطور در تحت انتظام بیاید که آن وجود مقدس نخواست چراغ بیت المال را بمصرف برساند فوراً طلحه وزبیر برخواستند ورفتند وجنك جمل وسایر ترتیبات را فراهم آوردند وگفتند اینجا پول وتمول وسایر راحتی ها نیست کسی که باخودش اینطور سخت گیریها میکند دیگر بکسی پول نمی‌دهد باید رفت جای دیگر پیدا کرد درصورتی که اسلامیت اینطور منور است اینطور نورانی است تمدن واقعی را دارد معذالك وقتیکه مجلس اول از حقوق اشخاصیکه چندین هزار تومان بود یا حقوق فلان که صدوبیست هزار تومان بود کسر کرد وماخذ حقوق را از دوازده هزار تومان بالاتر نبرد وفریاد وامذهبا واوا اسلاه بلند شد (ریختند تاریخ زیاد نمی- گویم) ومجلس اول را بهم‌زدند دردوره دوم مجلس خواست اصلاحات مالیه را تکمیل کند بنابر این بعد ازخیلی دقت ها خواست بگوید که خودمان بعضی چیز ها را نمی دانیم باید مستشار از خارجه بیاوریم باید هر چه نمیدانیم از آنها یاد بگیریم بدبختانه هر معلمی که آوردیم بما چیز یاد بدهد از وظائف چیز یاد دادن تجاوز کرده مثلا روز اول گفت که امروز تودرمجلس حق نداری بایسرت حرف بزنی باید اینطور سلام بکنی کلاهت را باید اینطور بگذاری کلاه ایرانی نباید سرت باشد و لباست هم اینطور نباید باشد (صحیح است) چیزهائیکه هیچ وظائف او نبود ولی چون کلاه او رنك دیگرداشت و جزء متمدنین محسوب میشد ما هم که جزء متمدنین شاید بودیم (اگرچه انشاءالله نیستیم) گفتیم باید یادگرفت وزیر بار تعلیمات رفت ما مستشار خیلی آوردیم ولی آنها بوظیفه خودشان عمل نکردند یا اینکه وزیر وقت باآنها همراهی نکرد یا اینکه وزراء وقت با آنها موافقت نکردندچون این شخص را که بعد اسم میبرم شخص کاری بود ولی کاری نکرد تشکیلاتی نتوانست بدهد خودش گفته بود تقصیر بامن نیست با من مساعدت نشد ظن غالب هم این است که او مساعدت نشد (مسیو پترو) مستشار فرانسوی همین طور که عرض کردم اطلاعات او بسیار خوب بود بیچاره آن عیبی هم که عرض کردم نداشت مداخله در کار دیگران نمیکرد ومیخواست ازحقوق خودش تجاوز نکند شاید بوزیر وقت پیشنهاد کرد که این قانون اینطور باید باشد وزیر وقت قانون را میگذاشت جزء کاغذهای توصیه آنهم آخرین آن کاغذها وبنده که ازآقایان یاازاعیان بودم یا جزء شاهزاده ها بودم مرا راضی میکرد که فردا بااو بدنشوم وپشت سراو بدنگویم اصلاحات پترو رادقت نکرد یگانه دلیلش هم این است که مسیو پترو چیزی باقی نماند مجلس دوم بعد ازمطالعات بسیار میدانست که باید مستشار بیاورد ولی فکر این را میکرد که رعایت نزاکت را بکند وگفتگوی منطقه جنوب وشمال را نداشته باشد بعد از گفتگوهای زیاد که وزارت خارجه بادول دیگر کرد ودوسیه‌اش آنجااست مستشارهائی که ازدولتهای دور بیطرفی مثل آمریکا وغیره آوردند

رئیس — ده دقیقه تنفس - آقایان موافق هستید (گفتند بلی)

دراینموقع عموم نمایندگان برای تنفس خارج وپس از ده‌دقیقه مجدداً جلسه تشکیل گردید

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - آقایان البته فراموش نفرموده‌اند که بنده صحبتم راجع بمجلس دوم بودبعد از مطالعات برای اینکه چند چیز را درنظر گرفته باشد یکی اینکه معلوم داشته باشد معاهده۱۹۰۷ را تصدیق نکرده ودیگر اینکه یك حسی بر علیه اروپائی نشان نداده باشد چنانچه امروز این صحبت هائیکه بنده می کنم که تمدن فلان یامستشار هافلان اقدامات را کردند یك حسی بر علیه اروپائی نیست (صحیح‌است) این حس برعلیه تجاوزات آنهااست معنی این احساسات آن‌نیست که ما نمیخواهیم‌مستشار از اروپا وسایر ملل داشته باشیم گفتگودر این‌است که مانمیخواهیم اشخاصی که داخل خانه‌ما شده‌اند‌از حدود قرار دادی که با آنها بسته شده تجاوز بکنند اگرازیك دولتی‌مثل‌انگلیس یافیر انگلیس‌مستشاری در ژاپون برود آیا بر خلاف آن قراردادش رفتار میکند اینطور آمرانه‌رفتار میکند خیر ما می‌خواهیم بگوئیم که امروز یك مملکتی هستیم دارای حقوق مشروطیت درقرن بیستم که قرن تمدن است وصحبت ازحمایت ملل ضعیفه است می گوئیم اشخاصیکه این اظهارات را می کنند عملشان‌ومأموریتشان وافعالشان مطابق ادعاهاشان باشد وآنطور رفتار کنند که‌یك مستشار در دودولت متساوی القوه رفتار می کند اگر مأمورینی از فرانسه یانگلیس یا از انگلیس بفرانسه بروند چطور رفتار می کنند همان‌طور که‌آنجا رفتار میکنند در مملکت ما رفتار کنند ماهم که یك قسمت ازاین دنیا هستیم حق داریم بگوئیم مملکت خودمان را خودمان اداره می‌کنیم مثل سایر ملل دنیا ذیحق‌هستیم ازهرجهت استقلال داریم مشروطیت ماقانون اساسی‌داریم همان حقوقی که سایرملل‌دارند ازبرای‌ماهم ازروی انصاف باید اجرا شود چیزدیگر نمیگوئیم البته ما احتیاج داریم که ادارات خودمان را موافق ترتیبات امروزه دنیا اداره بکنیم نواقص‌را تکمیل بکنیم ومحتاج بمعلمین هستیم اما فقط و فقط این صحبت‌را که امروزه بنده می‌کنم وخیلی اسباب زحمت دراین‌هوای گرم ظهر می‌شوم برای تجاوزات آنها است که از حدود خودشان تجاوز کرده‌اند باری مجلس‌دوم بعدازمطالعات‌مصلحت‌دانست‌مستشارهائی از جاهای دوردست‌بایك‌نظر عمیقی‌استخدام کرد ازبرای مالیه از آمریکا ازبرای ژاندارمری‌ونظمیه‌ازسوئد ازبرای‌عدلیه‌ازفرانسه‌وسابق‌هم‌مأموریتی‌ازصاحب‌منصبان روسی داشتیم‌مستر نیوراهم از برای تلگراف خانه مجدداً استخدام کردند درحقیقت مجلس شماخواست نشان بدهد که باهمه ملل هیچ نظری غیر از نظریه ارتباط دوستی ویگانگی ندارد ومیخواهد‌ازمعلومات آنها استفاده کند امروز که قرن تمدن است مثل سایر دول اداراتش رامنظم‌بکند انصافاً نبایدفراموش کرد که مستشاران مالیه مخصوصاً رئیس آنها مستر شوستر ومستشاران ژاندارمری‌وقوای امنیه و نظمیه رئیس آنها چه در نظمیه‌و ستداهل و (آریکسین ویریگدال) وچه در ژاندارمری (یالمارش) خوب ازعهده وظائفشان برآمدند مأمورین فرانسه هم در دروزارت داخله‌وعدلیه مشغول اقدامات خودشان‌شدند که‌قابل‌تمجیداست‌مخصوصاً مأمورین مالیه‌وژاندارمری انصافاً قابل تقدیر بودند والبته هیچوقت گمان نمی کنم از تاریخ ایران محوشود مجلس آن وقت هم کمك‌خودش‌را بمأمورینی که کاملا وظیفه خودشان را عمل می کردند میکرد وازآنها همیشه مساعدت کرد دولت حاضر را وامیداشت باآنها مساعدت کند‌آنها هم انصافاً درظرف مدت کمی مالیه مملکت‌رابطرف اصلاح آوردند البته مملکت مارا که ژاندار مری و نظمیه باشد مرتب کردند چنانکه امروز آثارآنهادر ژاندارمری‌ونظمیه وبعضی‌جاهای‌دیگرباقی‌است‌ولی‌چه باید کرد که آخر مجلس دوم منتهی‌شده بیکمسئله که‌هیچ وقت از این یکنفر ایرانی فراموش نخواهد شدهیچ وقت در تاریخ ایران اینمسئله مسکوت عنه نخواهد ماند منتهی شد بیك (اولتیماتوم) خانمان برانداز برای اینکه مستشاران مالیه که انصافاً برای مملکت ما خدمتگذاران واقعی بودند ومالیه ما را مشغول اداره کردن شده بودند خارج کنند درروی این منبر نطق در روزیکه همه قسم احتمال خطر داشت اشخاصیکه حالا اسم نمی‌برم مشغول شدند بفدا کاری وواقعاً تا آخرین ساعات عمر خودشان درمسئله‌حفظ مستشاران مالیه کوشیدند (صحیح است) اما هیچوقت ضعیف مقاومت یا قوی نخواهد کرد بالاخره با کمال تأسف ما را مجبور کردند ومستشاران مالیه را ازدست‌دادیم واگر هر- آینه مستشاران مالیه با آن جدیتی که درآن تاریخ مشغول کار بودند موفق شده بودند مالیه مملکت را کاملا اصلاح کرده بودند وهیچیك ازاین‌ترتیباتی که امروز برای ما پیش می آید اتفاق نمیافتاد وما را مجبور بقرض ها نمیکرد شوستر با آن پیشنهاد هائی که کرده بود هیچوقت‌فراموش نمیشود که بعضی ازآنها درمجلس مطرح مذاکره شده بود و بعضی از آنها در منزل بعضی از وکلاء از جمله در منزل بنده هست البته مالیه را اصلاح میکرد اما انصافاً اشخاص با تمدن با ما همراهی نکردند مخصوصاً حکومت تزاری با یك فشاری مملکت ما را مجبور کرد که آنها را از دست بدهد اهالی هم در وقت حرکت شوستر خیلی قدر شناسی از آنها کردند اما چه فائده هیچ اثری نکرد مجلس دوم خودشرا تا آن ساعت آخر برای خدمتگزاران واقعی مملکت فدا کرد (صحیح است) بااین‌امتحان بتمام دنیا فهماند که ایرانیها خدمت یا مسامحه کاری را خوب تمیز میدهند چه‌مجلس شورایملی وچه‌افکار عمومی قدر مستخدمین وفادار و خدمتگزاران واقعی را میداند این بود که تماماً برضد این اولتیماتوم‌حق شکنانه که برخلاف تمام حقوق بین المللی بود کوشیدند اما نتیجه این کار چه شد منتهی شد به برهم زدن مجلس این نعمت را ازما بردند و بهر طرف که تلگراف کردیم و فریاد کردیم که ما ملتی هستیم میخواهیم مملکت خودمانرا اداره کنیم هیچ فائده‌نکرد متأسفانه کسی با ما آنطور که‌بایدمساعدت بکند نکرد نتیجه کار چه شد صاف و ساده مجلس منحل ویك وزیری که همه خوب میشناسند و امروز نمیخواهم که اسم اورا ببرم بیك ترتیباتی اولتیماتوم را قبول کرد وآن اشخاصیکه آن اولتیماتوم راقبول کردند تا آخرین ساعت که جانم باقی باشد میگویم باید محاکمه شوند آن بیچاره ها در آنموقع چه- کنند وقتیکه تمام قوای مملکت وملت ومجلس‌متفقاً دفاع کرد پیش نبرد آنها چه بکنند آن وزیر هم خواهد گفت همه شما باتفاق متحد شدید ونتوانستید پیش ببرید من یکنفر قبول کردم فقط ایرادی که‌من میگیرم این است که تو هم میخواستی با ما استعفا کنی البته هیچیك از مردم این یادگار را فراموش نمیکنند و بالورائه باولاد خودشان نسلا بعد نسل میسپارند که یك ظلم وتعدی بما شدبدانید وهیچوقت فراموش نکنید چنانچه منکه اولاد ندارم بخانواده‌ام همیشه گفته‌ام‌البته-زاردفعه تکرار کرده‌ام اقرارمیکنم که بنده یکی ازآن اشخاصی هستم که کاملا برعلیه این اقدام وبر علیه اقدام کننده بودم هرچند میدانم در مبارزه کمتر از پشه بودم که بخواهداعلان محاربه با شیر بکند البته طرف مقابل هم خوب میشناخت که این اشخاص عده معدودی هستند که بیشترازهمه‌داخل این مسئله میشوند کی ها هستند چنانچه یگانه شاهد این مطلب رجوع بکتاب آبی است در تلگرافاتیکه مرحوم سردار اسعد ترجمه کرده اند خواهید فهمید اغلب اشخاصیکه درآن دوره تبعید شده اند نه تنها دموکرات بوده اند اشخاصی بوده اند که بیشتر اظهارحرارت کرده وپیشرو افکار ملت بودند آنها گرفتار وتبعید شدند شاید حکومت تزاری باین هم راضی نمیشد که آنها در داخل مملکت گرفتار باشند وخیلی ترقیات دیگری راه‌ایل بود اما بحمدالله‌موفق نشد البته درضمن این وقایع مسبوق هستید که حکومت تزاری مخصوصاً با ما چه رفتار ها کرد و چطور معامله کردند هرچند خیلی ازآقایان‌میگویند موقع این صحبت‌ها نیست ولی بنده موقع پیدا کرده ام آنچه در قلبم دارم بگویم (گفتند صحیح است) میدانید که حکومت تزاری نه احترام اماکن مقدسه ما را نگاهداشت (گفتند صحیح است) و نه احترام ملیت مارا منظورداشت باهمه تمدن قرن بیستم‌یکی از بهترین بقاع اسلامی بخصوص بقعه حضرت رضا علیه آلاف التحیة والثناء را بتوپ بست کتابخانه‌آن مکان مقدس را که یکی ازآثار تاریخی مملکت‌ما بود درآذربایجان در مقبره شاه صفی کتابخانه‌قدیمه- اشرا بتاراج برد که شاید هنوز در موزه های روسیه و سایر نقاط آن قطعات تاریخی که آثار زندگانی ملیت ما است وبباد یغما برده اند باشد این صدماترا بما بدبخت ملت چرا وارد آوردند فقط برای اینکه ضعیف هستیم و باید اشخاصی که همه قسم ادعای حمایت ضعفا را میکنند با ما اینطور رفتار کنند وارد شدند در تبریز شهر دوم مملکت ما با یك قسمتی ازهم عقیده های‌ما که برعلیه اولتیماتوم‌بودند مثل مرحوم ثقة الاسلام و سایرین آن اقداماترا که میتوانم با کمال نزاکت بگویم وحشیانه بود هیچ متناسب با تمدن قرن بیستم نبود اجرا داشته ازصلب واعدام هیچ چیز فروگذار نکردند چنانچه‌پروفسور برون اکثرآن صورتهارا درکتاب خودش‌جمع کرده ودارد (چه باید کرد) بله اشخاصی دراروپا هستند که بتنهائی دارای خیالات خیلی عالی هستند وضعیف و قوی را فرق نمیگذارند مستشرقین در تمام ممالك

مثل پروفسور برون هستند اما چه میتوانند بکنند معلوم است‌بعد از اینترتیب البته‌آن‌اشخاصیکه برعلیه اولتیماتوم بودند هرجا بدستشان می‌آمد آیا غیراز معامله که با مرحوم ثقه الاسلام و سایرین کردند چه میکردند اگر قشون روس وارد تهران میشد آیابا ما بطور مرحمت رفتار میکرد آتیه ما ومقدرات ما درهمان تاریخی که قشون تزاری روس بداخله تهران میرسید محقق بود ومثل روز روشن بود که‌عکسهای ما را پروفسور برون در کتاب وروزنامهٔ خودش باید چاپ کند و در پایتخت ایران هم صلب واعدام وآن ترتیباتی که در سایر قسمت های مملکت ما کردند مجرامیشد یانه زیرا سلیمان میرزا یا مساوات وسایر مهاجرین مثل آقای مدرس آقای طباطبائی وآقای ملك الشعرا هیچکدام امتیازی بمرحوم ثقة الاسلام نداشته و همان فرس ماژرو همان کاریکه حکومت نظامی در تبریز کرد در تهران هم میکرد آنوقت چه میشد آنوقت بازماندگان من مثل من در اینجا روضه میخواندندچنانچه بنده الان آن وظیفه‌رامشغول هستم ومدتی وقت آقایان را تلف کردم و قدری از تراژدی و قدری از مظالم کلی که باین مملکت بدبخت رسیده عرض کردم این بود روزگار ما و باز هم معلوم نیست که روزگار ما چطور میشود شاید باز هم آن روز تکرار شود باید گفت و نباید نهفت بعداز این ترتیب آمدیم دوره سوم مجلس جنك بین‌المللی شروع شد متاسفانه از برای ایران بلکه برای تمام عالم یك‌جنگی کشایند در تاریخ نمونه اش تا بحال دیده نشده و فکربنده حاضر است که بدانم علت سیاسی آن چه بوده یا بگوییم‌تقصیر از کدام طرف بوده هر کس مسبب او بوده نمیدانم لکن اثراتش این شد که صدماتی‌چه از حیث نفوس و چه از حیث ثروت و از حیث تمدن و از حیث ترقیات دیگر که شاید قرنها بگذرد و نتوانند جبران کنند بتمام وارد شد مملکت‌ما دراین تاریخ یك سیاست بیطرفانه اتخاذ کرد اعلیحضرت همایونی که یگانه باعث امیدواری مملکت و یگانه افتخار خانوادهٔ هستند که بنده بآن منسوبم از این نقطه نظر میگویم که ایشان همه قسم در این مسئله تأکیدات فرمودند و همیشه با نهایت جدیت رعایت بیطرفی‌را میفرمودند و مجلس هم تا آنوقتیکه بود رعایت بیطرفی را کرده معذالك معامله دو طرف داشت ما که ضعیف بودیم بیطرف بودیم ولی آنها که قوی بودند مثل سایر اقویا بیطرفی مارا قبول نداشتند ظاهراً می گفتند بیطرفی مارا قبول دارندامّا باطناً بیطرفی مارا قبول نکردند قشون ترکیه در تحت ریاست حسین روف بیك از یکطرف وارد مملکت ما شد جنك حسین روف بیك را همه بهتر می دانند که در آنوقت مجلس بود اول شکستی که بر بیطرفی ما وارد شد این بود هرچند روسها کدر مملکت ما بودند در هرصورت از دو طرف‌روسها و ترکها وارد مملکت ما شده بودند و اول کسی که بیطرفی ما را منظور نداشت حسین روف بود که با یکعده وارد شد و خیالاتی که داشت چه بود و چه نبود نمی دانم داخل در تنقید و تصدیق آن‌خیالات نمیشوم و مربوط بینده نیست همین قدر که می گویم صدمه زدند ویك‌قسمت‌مملکت‌تا که کرمانشاه‌بودمسئله حسین‌روف بیك‌در آنجا اتفاق‌افتادعموم‌ایلات بخصوص سنجابی‌ها که‌مثل بختیاری ها هستند وهمیشه‌این‌دوایل درمشرطه امتحانات خودشانرا نشان‌داده‌اند فداکاری کرده اند باز موقع امتحان برای سنجابی ها رسید بی مضایقه اقدام نمودند و حفظ قومیت خودشان را کردند و آنقدر که میتوانستند جنگیدند و بالاخره هم موفق شدند وحسین روف بیك را از آنجابطور رسمی وغیر رسمی با وجود آنکه دولت بیطرف‌بود بیرون کردند پس اول کسی که تفنك برداشت و جنك کرد آنها بودند‌آنوقت مجلس هم بود ولی این را بر خلاف بیطرفی‌حساب‌نکرد وحالاهم حساب نمیکند چراکه ما بیطرفیم اما وقتیکه دیگری بیطرفی مارا منظور نمیدارد حق دفاع‌داریم‌تنها ما نیستیم بلژیکی ها هم همین‌طور وقتی که‌بآنها هجوم شد تا آخرین نفس تفنك دست گرفته جنگیدند وبی طرف هم‌بودند و شاید هم هنوز تمام دنیا آنها رابیطرف میدانند و یکی ازگفتگوهائیکه راجع بجنك میشد همین‌بود که‌می گفتند بیطرفی بلژیك نقض شده منتهی‌مملکت ما تقصیرش این است که ما آسیائی هستیم در این جا گفته شد که آخر مملکت ایران بیطرف است غرض این است که از طرفی بطور تساوی بیطرفی ما را مختل کردنددرروسیه که از اول حکومت‌تزاری بود این صحبت های مشروطیت را از اول نداشت حکومتی بود سیاه واقعاً سیاه ازآن سیاهائیکه بنده هیچ لعنتی برایش پیدا نمی کنم که بگویم حتی از افعل‌التفضیل بالاتربزورسرنیزه‌تمام آزادیخواهان‌دنیا رادر هرجاپیدامی کردخواهدرمملکت‌ماخواهدرمملکت خودش‌معدوم می کرد مثل تبریز و سایر جاها کردند آنچه کردند جلو آمدند هرچه گفتگو شدبامجلس شورایملی گفتگو کردیاوزراء گفتگو کردند اثرنکرد آنچه البته بجائی‌نرسدفریاد است البته جواب‌سرنیزه را سرنیزه میدهد جواب سرنیزه را حقوق‌بین‌المللی نمیدهد البته سرباز در تحت یك اجباری است که باید ببالا دستش بگوید بله‌رئیس وبزیر دستش امربکند وچون آنوقت هم کاملاحکومت نظامی بودفریادهای وکلاء یا وزراء بلند شد که ما بیطرف هستیم یکوقتی قوی ترین ملل‌دنیا بودیم چه کردیم و چه افتخارات تاریخی داریم فائده نکرد سرنیزه بود که جلومی‌آمدتانزدیکهای تهران‌هم رسیدنداز قزوین‌هم گذشت در این موقع یك عده محققاً میدانستنداین اردو باین ترتیب که‌پیش می‌آمد روز ورود بطهران آن روزی است که آخرین ساعات زندگانی آن‌ها خواهدبودآن‌روزی‌است که‌بچاره‌دولت آنهارامحافظت کند آن روز روزی است که هیچ حقوق بین‌المللی هیچ‌حمایت‌مظلوم هیچ ازاین گفتگوها بخرج نمیرود و ما می‌دانستیم هریك ازصاحب‌منصبان روسی‌درپایتخت مملکت یك دسته ازو کلاء یا غیر وکلاء را خواهند گرفت و در میدان تویخانه یا میدان مشق بدار خواهند زد فقط یك اثراتی در آتیه خواهند داشت چنانکه امروز من برای آذربایجان می گویم چون بعد هم می گفتند مسئله بیطرفی است مضایقه‌ندارم‌از اینکه بگویم که دولت دیگر هم مشغول تبلیغات بود بنده نگویم دیگر آن خواهند گفت صاف و ساده آنها هم مشغول تبلیغات بودند که بر خلاف بیطرفی بود بعضی بواسطه گفتن بعضی بواسطه تبلیغات فقط در این میدان‌مبارزه یك‌قسمت سیاسی یك‌قسمت نظامی از طرفی مشغول کار بودند خیلی اتفاق هم افتاد نمی‌خواهم طول کلام بدهم وبه آقایان بآن زحمت بدهم همه قسم اتفاقات در مملکت ما افتادنه احترام سفارتخانه ها منظور شد بعد از رفتن مایك سفیر یك دولت بزرك اسلامی را گرفته و تبعید کردند نه احترام موسسات ملی منظور شد نه سایر احترامات منظور شد سرنیزه‌شان هر چه می‌خواست می کرد باز هم اجازه بدهید یك قدری جلو میروم البته فراموش نفرموده اند که در موقع‌التیاتوم‌حجج اسلام و علمای مذهب اسلام فتوی دادند مقاومت بر علیه این حکومت تزاری را یکی‌از مسائل مقدمه مذهبی ووظیفه هر مسلمانی دانستند و خودشان هم حرکت کردند چنانکه در این‌حرکت همه میدانند یکی‌دو نفر از روسای آنها رحلت فرمودند و البته درجاتشان عالی است و اقداماتی کردند و بهمه جا فتاوی منتشرکردند که همه میدانند اگر بخواهم همه راشرح و هم‌اسباب‌زحمت‌آقایان می‌شوم‌درموقع جنك عمومی‌وبین‌المللی‌هم‌این مطلب تکرارشدچنانچه علاوه‌بر گفتن‌عمل‌هم کردنددرعراق‌عرب‌علماء آنجاتقریباً قریب‌بعموم باتفاق کلیه به‌فرونت رفتند وجنك کردند کشته‌شدند وبه‌تمام ترتیبات اقدام کردند وتمام‌وظائف مذهبی خودشانرا انجام‌دادند پس آنها هم اشخاصی بودند که برعلیه مذهب وبرعلیه ملیت‌ایران قیام کردند اقرارمیکنم هیچ‌ملاحظه ندارم بلکه یکی ازخدمات ملی خودم می‌شمارم ماها وقتیکه سابقه اعمال‌حکومت تزاری وطرفیت آنهارا با خودمان میدیدیم آخرین ساعات عمر خودتان را معرفی ورود آنها میدانستیم وقتیکه اردو به کرج چندفرسخی تهران رسید درآن ساعت بدون استثناء مثل سایر مواقع فوق‌العاده همه حاضر برای‌فرار شدند چون در مقابل این‌صدمات که ظلم وحق ناشناسی که حکومت تزاری به‌اهالی ایران میکرد حکومت‌ایران میخواست خودرا بکنار بکشد زیرا میدانست هیچ عقاید سیاسی و خقوقی جلو این اردو را نخواهد گرفت تنها یك‌عده اول فرار کردند که بنده‌هم جزء آنها بودم فرار کردم اگربگوئیدمثل یکنفر واعظ حرف‌میزندواضح خواهم گفت آن‌فرار را ازقبیل‌الفرار ممالایطاق من‌سنن‌الانبیاءوالمرسلین میدانستم معلوم است هر کس زورش نمیرسد چه‌باید بکند بنده‌را میکشند (بمصیداق لاتلقوا بایدکم‌الی- لتهلکه) بایدفکری برای‌خود بکنیم معلوم است‌آن ساعتی که قشون روسی واردتهران میشود یك‌جماعتی درمیدان تویخانه ومیدان مشق بدار آویخته میشدند پس آن‌جماعت عقلا وشرعاً وعرفاً وظیفه‌شان این‌بود که قرار اختیار کنند این‌فرار آنها برای این‌بود که خودشان‌را خلاص کنند خوب‌آیا این‌فرار آنهابرخلاف حکومت ملی بود بنده عقیده خودم را عرض میکنم هر کس هرچه میخواهد بگوید آن‌فرارآنها ازنقطه نظر مذهبی وازنقطه‌نظر ملیت وازنقطه‌نظر حفظ‌جان بود آیا اگرامروز پنج‌نفر ازو کلاء بدون اجازه از

مجلس در هرموقعی که باشد غیبت یا مسافرت بکنند بر خلاف حکومت ملی اقدام کرده اند (گفته شد مربوط بموضوع نیست مغالطه نکنید) .

سلیمان‌میرزا - اجازه بفرمائید حرفم‌را بزنم هرچه ازاین فرمایشات بشود من‌مطالبم ازیادم نمیرود اجازه بفرمائید حرفم را بزنم و اگر مغالطه میکنم بفرمائید مغالطه‌میکنی بنده‌هم تصدیق‌میکنم یك‌قسمت ازاین‌اشخاص در ۷ ۰ ذیحجه که بنده‌هم جزءآنها بودم فرار کردند یك‌قسمت دیگر بعدازرفتن‌ما به‌قم‌حرکت کردند نمیدانم باتفاق کردند یا نه یك‌قسمت دیگرهم بعدازآنکه درقم‌بودیم گویا درهفتم‌ماه‌محرم حرکت کردند تقریباً دوثلث و کلاء آمدند به‌قم ازه ممهم‌تر این بود که شنیدم کالسکه شخص‌بشخص اعلیضرت همایونی خلدالله ملکه وسلطنته راهم حاضر کردند و اگرغیر ازاین بوده آقایانیکه درآن‌جا بوده‌اند می توانند تکذیب کنند) بنده شنیدم صدق و کذبش را آقایانیکه درطهران بودند بهترمیدانند شنیدم شخص اعلیحضرت امربحرکت فرمودند و کالسکه سلطنتی‌را حاضر نمودند نایب‌الحکومه یعنی‌نایب‌السلطنه‌هم تعیین شد و گفتند وزراء هم حرکت کردند وخواهند آمد وحتی درقم یك‌تلگرافی آمد که اعلیحضرت همایونی حرکت کردند بنده ایتطورشنیدم لکن بعضی تغییرات سیاسی یا ازطرف مأمورین سیاسی یا ازطرف اعیان واشراف پیش آمد که ازحرکت فرمودنشان منصرف شدند دراین‌موقع مصادف شد حرکت کردن ما با حرکت کردن یك‌عده ازسفارت‌خانهای طرف مخالف ویك‌عده اشخاصی که ازطرف مقابل در ایران بودند یعنی بنده وقتی به‌قم‌می‌رفتم چندنفر ازصاحب‌منصبان آلمانی‌هم‌درآن‌راه‌حرکت‌میکردند بنده‌آیامی‌توانستم جلوآنهارا بگیرم و بگویم آقابنده از ترس روسها فرارکردم شما فرارنکنید تصادف بود شاید هم از روی غیرواقع بود بالاخره آنهاهم حرکت کردند و رفتند ماهاهم حرکت کردیم ورفتیم حالا اگر تصور بفرمائید این‌مغالطه است بنده عرض میکنم ماها از نقطه‌نظرخودمان بعضی کارها کردیم‌حالا اگربفرمائید درآنجا مصادف‌شدیم باآنها ورفتیم‌به‌قم شاید دراین جا بعضی آقایان بفرمایند بعد از آنکه شاه حرکت نفرمودند وبعضی ازآقایان‌هم مراجعت کردند و یك عده ازو کلاء راکه ۳ نفر بودند ازطهران فرستادند که درکاشان بما رسیدند که یکی ازآنها عدل‌الملك ویکی ازارباب کیخسرو ویکی میرزا قاسم خان بودند (وآقای‌ارباب کیخسرو الان‌درمجلس نیستند ونمیدانم امروزچرا تشریف‌نیاورده‌اند) بالاخره‌ایشان آمدندوما وقتی که باصطلاح در قم مشغول جنك شدیم روسها پشت سر ما میآمدند و هر وقت بما میرسیدند معامله آذربایجانی‌هارا بامامی کردند آیا بایدمن بایستم و دستهرا به‌بندم وبگویم من بیطرف هستم بیآئید سرم را ببرید این یك‌چیزی بود که من نتوانستم بکنم و اگرهم میکردم از روی حماقت بود در آن موقع باندازهٔیکماه‌و کسری‌یك کمیته‌دفاع‌ملی‌درست‌شده‌بود که بنده‌هم درآن‌هیئت سمت ناظمه داشتم وبرعلیه روسها همه‌قسم اقدامات کردم چنانچه برعلیه‌هرمملکت اجنبی که بخواهد در این مملکت داخل شود اقدام خواهم کرد وصریح میگویم اگرچه خطرهم برای‌من داشته باشد این‌بود که یك مقداری عشایر ویك مقداری از قوای‌دولتی ویك‌مقداری‌ازقوای‌متفرقه بما کمك کردند منکه میخواهم ازخود دفاع کنم هیچ فرض نمیکنم که آن‌سربازی که میخواهد ازمن‌دفاع کند آیا اخلاقش چطور است میخواهم او پرود جنك کند نه اینکه داخل دراخلاق آنها بشوم تقریباً چهل روز یاسی‌روز خاطرم نیست اقامت کردیم بعدآنها هی جلو آمدند ماهم عقب‌می‌رفتیم شاید نصف‌آقایان یاثلث‌آقایانیکه این‌جا هستند بابنده دراین مسئله شریك بودند تمام دفاع ازجان ومال‌خود میکردیم اززرند گانی‌خودمی کردیم این‌جا تقریباً گفتگوی حفظ مملکت از بین رفته‌بود گفتگوی این‌بود که هر کس‌خودش‌را خلاص نماید وحفظ کند دراین عقب‌نشینی وفرار چون آنها قوی‌بودند وما ضعیف ازما هرچه بدست می‌آوردند می کشتند خواه اسمش قوای دولتی بود خواه قوای ملتی بکلی برخلاف‌همه‌بودند ومثل‌سیل جلومی‌آمدند معلوم‌است مثل‌مسئله‌چنگیزخان سوختند وغارت کردند رفتند و هر کاری خواستند کردند و ماهم هر قدر توانستیم عقب‌رفتیم تقریباً ۳ ماه بنده ازسایرین دور ماندم بودم ۳ ماه مابین‌بنده واردوی روسی که مارا تعاقب کرده‌بودند یازده‌فرسخ فاصله بود درنزدیکی خرم‌آباد وبروجرد وراه‌های جنگل وغیره وهمه جا عشایر باما کمك میکردند بالاخره دربیست‌ونهم‌حوت رسیدیم به‌قصر ودرآنجا بسایرین ملحق شدیم واز آنجا ترتیباتی برای‌ما درست شده .

رئیس - جلسه را اگر آقایان موافق باشند بماند برای دوساعت قبل‌از غروب چون ایشان خیلی نطق کردند ومیگفتند٤ساعت باید نطق کنم دوساعت گذشته است دوساعت دیگر باقی است آقایان‌خسته شده اند ایشان هم باید خسته شده باشند آقایان موافق هستید ؟

سردارمعظم - بلی چون یك شاعت ازظهر گذشته است بنده هم موافقم خوب است حالا جلسه ختم شود وباز دوساعت بغروب مانده شروع شود تا هرقدر ازشب گذشته واین بلیطهاهم برای‌تماشاچی‌ها اعتبار داشته باشد (مجلس تصدیق کردند)

رئیس - آقای‌آقا سیدیعقوب اجازه‌نطق .

آقاسیدیعقوب - عرض‌بنده‌این‌بود که ممکن است حضرت‌والا نفس تازه‌کنند باز ٤ ساعت دیگر صحبت کنند .

رئیس - آقای مدرس اجازه نطق .

مدرس - عرضی‌ندارم وبامیل‌آقایان موافقم .

رئیس - پس جلسه می ماند برای دو ساعت بغروب (مجلس یکساعت بعداز ظهر ختم‌شد)

رئیس‌مجلس - **مؤتمن‌الملك**

جلسه هفت
صورت مشروح مجلس عصر یوم سه
شنبه ۲۷ ذی‌قعده ۱۳۳۹
مطابق‌دهم‌اسد ۱۳۰۰

مجلس یکساعت قبل از غروب درتحت ریاست آقای مؤتمن‌الملك تشکیل گردید .

رئیس - صورت مجلس‌امروز صبح‌حاضر نیست با صورت جلسهٔ حالا فردا صبح توأماً قرائت میشود آقای سلیمان میرزا برای متمم نطق خودشان‌حاضر هستند ؟

سلیمان میرزا - بلی . آقایان فراموش نفرموده اندکه در این سفر نامه تا تاریخ مهاجرت که بنده اظهار میکردم در وقتیکه مجلس ختم شد به اینجا رسیده بودیم که در ۲۹ حوت به‌قصرشیرین وارد شدیم از آنجا بترتیب مهاجرت ما یکصورت دیگری‌پیدا کرد یعنی منتهی شد به تشکیل‌حکومت موقتی در تحت ریاست آقای نظام‌السلطنه‌ویك‌عقب نشینی بعد از حمله روسها به بغداد و از آنجا ببعد بنده خارج از این مسئله هستم راجع بشخص خودم صحبت میکنم زیرا مبتلا بمرض خیلی سخت شدم و در تشکیلات حکومت موقتی بهیچوجه بنده نبودم و اگر بخواهید تاریخ آنرا مفصل تر بشنوید باید آقای مدرس لطفاً بیان فرمایند زیرا از آنجا ببعد اطلاعات ایشان عمیق تر و کامل تر است چون بنده در خارج بودم مثل سایر اشخاص که در خارج‌هستند همین قدر میتوانم عرض کنم که یکمرتبه دیگر هم قشون یکی از همسایگان بهمدان آمدند ومهاجرین برگشتند به‌کرمانشاهان باز مجدداً ترتیبات دیگر پیش آمدو بغداد سقوط پیدا کرد این دفعه‌ترتیبات طوری پیش آمد که دیگر نتوانستند درکرمانشاهان بمانند یك قسمت بطرف موصل رهسپار شدند و از موصل باز دو قسمت شدند یك قسمت هشت نفره که بنده و آقای مساوات و آقای تنکابنی و آقای خلخالی و بعضی دیگر بردند در موصل‌ماندیم‌مابقی آقایان تشریف بردند باسلامبول و حلب‌بکلی‌ازآن تاریخ بنده بی اطلاع هستم باید خود آقایان اگر صحبتی در اینجا هست بفرمایند بنده بعد از آنکه هشت ماه در موصل ماندم بالاخره‌تلگرافی ازطهران رسید که شما بامساوات و ۳ نفر دیگر بوکالت‌انتخاب شده اید چون حکومت در صدد این است که‌مجلس شورای ملی را بزودی باز نماید بهتر این است که بفوریت بطهران حرکت کنید بنده هم فوری‌حرکت کردم وبعد از بنده و اخوی که حرکت کردیم‌آقای تنکابنی و حاجی محمد تقی شاهرودی و خلخالی‌هم حرکت کردند آمدیم بداخله مملکت بخیال اینکه میرویم به مملکتی که حتما میتواند و کلایش را حفظ کند در صورتیکه رفقای بنده میگفتند مجدداً بیك خطری میرویم بنده بایشان یاد آوری میکردم درصورتیکه مملکت مرا دومرتبه احضار میکند یك دقیقه ماندن را در خارج صلاح نمیدانم مخصوصاً در موقع انتخابات مجلس باید بسرعت رفت آمدیم‌ویك مسئله دیگری پیدا شد در اینجا بنده حق داشتم زیرا وارد شده بودم بیك مملکت بی طرفی که بی طرفیش را همه تصدیق میکردند اما از اینجامطالب ترتیب دیگری پیدا کرده بود یعنی آن حکومت تزاری و ترتیب روسیه از میان رفته بود کم کم‌یك انقلاباتی در روسیه پیدا شده بود آن حکومت از میان رفته اما در عوض همسایه دیگر جانشین شده بود تفاوتی نداشت پلیس جنوب شروع شده بود که هنوز هم اثر آن تجاوز حق شکنانه باقی است . (گفته شد صحیح است) و بزرگترین تجاوزات بحقوق ملی در مملکت ما تولید شده بود و پلیس جنوب بر خلاف تمام اصول استقلال مملکت تشکیل شده بود و هنوز هم بدبختانه در مملکت باقی است (همه تصدیق کردند) و اثرات او هست‌بنده بعقیده صاف خودم از طرف نمایندگان و سایر اهالی‌فریاد میزنم که این حق شکنی است و خلاف قانون است (گفته شد صحیح است) و بهیچوجه ما زیر این‌بار تعدیات نمیرویم این ظلم های فاحش که بمابیچاره‌ها میشود علتش این است که ما ضعیفیم این مسئله دوم از مسئله اولی تعجبش بیشتر است زیرا در اول هر چه روسها اجحاف بما میکردند میگفتند حکومت تزاری وقتیکه بر خلاف آزادی مملکت خودش باشد البته بدیگرانهم تجاوز میکندو آزادی‌دیگران را هم ملاحظه نمیکند اما یاللعجب فشار از طرف دولتی باو میآید که هنوز خودش را مشروطه‌میداند با وجود اینکه خودش را حامی ملل ضعیفه میداند یك چنین دولتی که خودش را حامی عدل و داد می داند هنوز پلیس جنوب بر خلاف تمام اصول آزادی ملل‌درمملکت‌ما برقرار است‌ما‌مجلس‌داریم‌وپلیس‌جنوب بر خلاف رضایت تمام اهالی و و کلا ما است‌یك‌قسمت از مملکت ما را بدون جهت اشغال کرده عیناً مثل معامله تزاری‌است‌هیچ‌تفاوتی‌ندارد‌بلی‌ما‌مهاجرت کردیم ولی‌مهاجرت‌بیایان آمدوهمین‌طورشرح‌هجران‌باقی‌است حالا هم گفتگوی‌مهاجرت‌است‌حالا‌هم گفتگوی‌دیگری هست حالا که مجلس شورایملی بعمد الله باز وملت هم حقوق خودش را مطالبه میکند اما متأسفانه‌هنوز پلیس جنوب هست و یك قسمت جنوبی مملکت که اولین نقطهٔ تاریخی مملکت ماست پایتخت قدیمی ما است فارس عزیز (استخر) که تمام آثار تاریخی ما درآنجا است هنوز در تحت تسلط پلیس جنوب است بنده نمیخواهم بقول بعضی ها لاینقطع بگویم حبس‌وتبعید وفلان ولو اینکه ایندفعه بیای دارهم‌بروم اینمطلب را صاف میگویم و همه بامن موافقند که مملکت ما هنوز با این ترتیبات مستقل نیست پلیس جنوب برخلاف بیطرفی ما است واولین وظیفه مامثل الغاء قرار داد از هم دریدن ومتفرق کردن پلیس جنوب است حقیقتاً آنروز می‌فهمیم یك قدری‌استقلال داریم که پلیس جنوب ملغی شود اگر تعدیات پلیس جنوب را که خارج ازوظیفه است ازاهالی سمت‌جنوب بپرسید آنوقت یك دفتری که بزرگتر ازشاهنامه‌است بشماها نشان خواهند داد اشخاصی هستند که کاملا وطن خواه وبرای مملکت خودشان جنگها کردندمثل رؤسای دشتی ودشتستان آن بدبختها هنوز بعضی درتحت فشار وبعضی ازبیچاره‌ها کشته شدند وبعضی هم هنوز امنیت ندارند این است اوضاع مملکتتان این است بدبختی وفلاکت ما بلی بنده هم می‌آمدم که اگر موفق شوم ویایم‌بکرسی مجلس شورایملی برسد بدون ملاحظه فریاد بزنم که این است اوضاع یکمملکت بیطرف این‌است رعایت قوانین واستقلال یك مملکت ضعیفی که ما درآن هستیم‌این است رفتار دول حامی ملل ضعیفه در صورتیکه درمرکز اروپا میگویند باید صلح بین المللی منعقد شود بهر حال آنوقت هنوزنمیدانستم وحالا تقریباً یکقدری میدانم میدیدم روسهاازطهران رفته‌اند وبخیال اینکه روسها رفته اند ومن انتخاب شده ام میگفتم که دیگر کسی بمن حمله نمیکندبنا براین باید یکسره بیایم بطهران وهمه حرفهایم را دربالای کرسی نطق بزنم و فریاد بزنم که اینمملکتی که من هم‌یکی ازافراد آن‌مملکت هستم تمام حیثیات آن ازمیان رفته ازسمت شمال و جنوب یامال تعدیات اجانب شده اما این خیال خیال بیخودی بود همین قدر که وارد قصر شیرین شدم اوضاع راکه دیدم دانستم این احساسات خبط است بلا فاصله یك کاغذی بسردارهای ایل سنجابی‌نوشتم که آیا ممکن است مرا درایل قبول کنند آنها هم باکمال مردانگی قبول کردند آمدیم درایل پس از آنکه مدتی با آنها ییلاق وقشلاق کردیم که ببینیم اوضاع چطوراست وچه میشوددرآنوقت یك شبی‌باز دیدم رعایت بیطرفی مملکت ایران شد در وقتیکه باران میآمد چهارصد نفرسوار هندی چادری را که بنده درآن‌بودم واطراف‌آن ایل‌سنجابی بودمحاصره کردند با دواتومبیل زره پوش وشش میترالیوز بنده راکه یکنفر وکیل مملکت بودم وانتخاب شده بودم وبطرف مرکز میآمدم ودرمملکت خودم بودم گرفته و بردند رعایت بیطرفی را کاملا حامیان ملل ضعیفه مجری داشتند خیلی صحیح تمام حقوق بین‌المللی را منظور داشتند منتهی یك فرق داشت نشان دادند که اگر درطهران‌میماندی وقشون تزاری تورامیگرفتند اعدام میکردند ولی ما که حامی ملل‌ضعیفه هستیم‌این فرقها را با آنها داریم که شما رامثل یکی‌ازاسرای جنگی درعده اسرای خود نگاه میداریم هشتماه در بغداد وهفده‌ماه دربصره ویازده ماه دربعیای محبوس بودم دراینمدت درطهران اهالی بواسطه حسن ظنی که‌داشتند (باید دراینجا تشکرات خودم راازمو کلین خودم وسایرآقایان بکنم) با وجودیکه درحقیقت‌تحت فشاربودند وباراتوفها اینجا بودند و یکعده اشخاص دیگری رادرطهران وولایات درتحت تعدیات نظامی حق شکنانه خودشان گذاشته بودند باز تا موقعی بدست میآوردند اعتراض‌میکردند ومتینك میدادندبر علیه توقیف نماینده خودشان اقدامات لازمه‌مینمودند امامتأسفانه موثرنمیشد بلی انتخابات شد درصورتیکه ما هم اینجا نبودیم و هیچ خودمان نمیتوانستیم یك رأی هم برای خودمان بنویسیم وبصندوق بیاندازیم بواسطه حسن ظن وشاید بواسطه اینکه نزد خود معاکمه‌کرده بودند وفهمیده بودند که مهاجرت کاری نبوده که برخلاف اساس بیطرفی باشد باین ملاحظه ما را انتخاب کردند وازهر قسمت ازاهالی اقداماتی کردند که‌بنده شنیده ام اگر کم وزیاد است‌آقایانی که درطهران‌بوده اند تصحیح خواهند کرد یك قسمت ازقاجاریه که از خانواده بودند بعنوان خانوادگی مشغول شدند باعتراض وهزاران گفتگو وازهمه‌ایشان تشکر میکنم و یکدسته ازسایرین مشغول شدند به متینك وسایر اقدامات برای اینکه یکنفر نماینده‌شان راگرفته بودند ولی بازآنچه البته بجائی نرسدفریاد است زیرا که طرف قوی و ما ضعیف قانون منطق حقوق در مقابل ضعیف وقوی مساوی نیست هرچند گفته‌ام بازهم‌میگویم‌بنده درجریان انتخابات‌نمیخواهم داخل بشوم اما معذالك‌کله شاید خیلی تفاوت‌باشد مابین این انتخاب ویك انتخاباتیکه فعلا مطرح است باری آیا ما امروزهم که اینجا هستیم‌تاکی بایدتحمل این ناملایمات را بکنیم که این ترتیبات و فشارهای قشونی در قسمت جنوبی مملکت ما باقی باشد البته وزراء دولت و زمامداران امور اشخاصیکه این کار وظیفه آنها است مطابق پیشرفت وعملیات خودشان مشغول وهرچه زودتر اقدام خواهند کرد که اینمسئله را ازمملکت خودشان برطرف کنند ومدلل دارند که پلیس‌جنوب برخلاف بیطرفی وحقوق ملی ایران‌است دراین ضمن معاهده بسته شده و بنده تا این ساعت (چون بنده‌بدون ملاحظه صحبت‌میکنم هرچه‌میخواهد باشد) مکرردرمکرر شکایت کردم وحق گفته ام از فشارهائیکه روسیه سابق بما وارد ساخته ولی کاری باصول امروزه روسیه ندارم و شاید موافقت با او نداشته باشم و مصلحت امروزه اینمملکت را ندانم لیکن میگویم اگرآن انقلابات درروسیه نشده بود محققاً دیگرما هیچ این صحبتها را نمیتوانستیم‌بکنیم برای اینکه معاهده ۱۹۰۷ را الغاء کردند ومنطقه نفوذ را روسها حذف کردند اما وقتیکه منطقه نفوذ الغاء شد دیدیم که قشون همسایه جنوب باینمملکت وارد وبهرجا میل کردند تشریف بردند و کردند آنچه میخواستند بکنند انقلابات روسیه وضع را گردانید وتغییرداد ومعاهدات را بهم زد ترتیبات را عوض کرد کاررا بجائی رسانید که حالاما اینجاآمده ومیگوئیم ماهمه یکملتی هستیم حق داریم زندگانی کنیم درترتیبات امروزه‌اش بنده هیچ داخل نیستم و اطلاعات درستی ندارم امابطورعموم میگویم که‌نتیجه تغیرحکومت تزاری بیك حکومت ملی‌این باشد که ما هما از تحت فشار روسها خلاص شدیم و باید تشکر کنیم از این فرصت مجوزی که بدستمان آمده شاید بتوانیم خودمان و مملکتمان را به طرف ترقی برده بیك جائی برسانیم حالا ممکن است که بعضی از آقایان بگویند دو این مسئله عقب نشینی‌هم رخ داد و یك جماعتی هم کشته شد البته همین طور است اما نه آن‌اندازه که بعضی میگویند البته آنچه میگویند اغراق است عدهٔ کشته شدند اما میخواهم بدانم که کی آنها را کشت آیا آن عده ایرانی نبودند ؟ جائیکه

بنده میگویم و حاضر هستم هر وقت هر دولتی‌بدون اطلاع بر خلاف بیطرفی مملکت من وارد شود و اقدامی بکند بر علیه او قیام میکنم و مدافعه‌میکنم البته آنها هم اهالی‌ایران‌بودند و وظائف‌ملی‌خودرا میدانستند و احساساتی داشتند دفاع کردند البته طرف مقابل از آنها کشت و آنها هم میکشتند اما در تمام این جریانات و در تمام این تاریخی که عرض میکنم خدمت آقایان‌مهاجرین بهیچوجه یك ورقه قرارداد یا هر چیزی بهر اسم‌و رسم با کسی نداشتند آقایانیکه اینجا حاضرند و جزء مهاجرین هستند اگر اطلاع از یك قرار دادی دارند بفرمایند بنده که اطلاع ندارم آقای مدرس چون بیشتر از بنده اطلاع دارند بفرمایند تا این ساعت مهاجرین یك ورقه باسم قرارداد باسم حقوق باسم عموم - منام مملکت بهیچوجه نداشته و داخل مذاکره نشده‌اندزیرا که‌خودشانرا نه‌دولت‌میدانستند و نه حق این داشتند که داخل این ترتیبات بشوند همین قدر میدانستند که‌از زندگانی‌ومملکت‌خودشان دفاع میکنند در اینصورت بنده باز هم بطور خلاصه مطالب را (چون خیلی زیاد گفتم و آقایان هم مخصوصا آقای سید یعقوب که خیلی وحشت داشتند که اگر تنفس شود باز هم بنده تجدید مطلع کنم) بطور اختصار میگویم مهاجرین در مدتیکه این اقدام را کردند بر علیه حکومت ایران اقدامی نکردند بر علیه متجاوزین بر حکومت ایران اقدام کردند و محققاً هر کس و هر ملتی هر وقت برعلیه بیطرفی و استقلال وطنش دیگری هجوم بکند البته وظیفه آنها خواه مهاجر یا انصار این است که از حقوق خودشان دفاع کنند و مهاجرینهم این اقدام را کرده‌اند شاید بعقیده قطعی بنده اینهم یکی از وظائف حتمیشان بوده و بر علیه حکومت ملی اقدام نکرده‌اند بلکه برای ایران جنگیده اند و ازطرف دیگر وقتیکه بر گردیم بقرارداد‌باز هم‌بطورخلاصه عرض میکنم این قرارداد که بسته شده چند اشکال دارد اولا چندین حقوق‌از مملکت سلب شده و از آن گذشته با وجودیکه در آنجا ذکر شده بعد از تصویب مجلس شورای ملی باید رسمیت پیدا کند قبل از تصویب مجلس بمحل عمل آمده و از این گذشته در موضوع پرتست‌هائیکه‌در خارج‌مخصوصا در آمریکا و اروپا شده زمامداران امور بهیچوجه از آنها استفاده نکرده‌اند و شاید آنها را خاموش کرده‌اند وشاید استدلال کرده‌اند این‌مطلب‌اینطور نیست و حق با ما است که این قرارداد رابسته ایم (حتی نمیدانم آقای ارباب کیخسرو اجازه‌میفرمایند اسمشان را عرض کنم) آقای ارباب کیخسرو هم که در آمریکا و اروپا پرتست کرده‌اند شاید در وقت ملاقاتیکه آقایان با ایشان کرده اند اعتراض نموده‌اند که شما چرا این گونه اقدامات برای خیر مملکت خودتان نموده‌اید و این‌صحبتهارا کرده‌اید و بالاخره با این ترتیبات هم استفاده از موقع نکرده‌اید و بطور کلی شاید استفاده هم برای خودشان کرده‌اند تلگرافاتیکه خودشان کرده‌اند الان موجود است در مجلس قرائت‌میشود شاید هم در روزنامها درج شده یا نشده حالا صورت آن استفاده‌ها بچه ترتیب بوده‌و کی‌ها‌استفاده کرده‌اند بنده نمیدانم اگر میدانستم بدون ملاحظه میگفتم اما چون صورت آن استفاده در دست من نیست و نمیدانم معذرت میخواهم که نمیدانم شرح بدهم که چه اشخاص بچه نسبت از این مسئله استفاده کرده‌اند شاید هم استفاده نکرده‌اند نمیدانم ولی اینطور گفته میشود که یك تلگرافاتی دردست هست که طبع شده و سوادش اینجا است و ظاهر میدارد که استفاده در این بین بوده و شاید فقط از نقطه‌نظر عقیده سیاسی این قرار داد بسته نشده پس اگر اظهار دارند که از نقطه نظر سیاسی اینقرارداد بسته شده آنوقت‌بایدبطور خلاصه عرضه داشت که از نقطه‌نظر سیاسی استفاده معنی ندارد و یقیناً اگر انقلابات روسیه پیش نیامده بود شاید قسمت های سری معاهده ظاهر میشد و شایدبآن‌روز نمیرسد و میتوانم بگویم امروز روز سعادت ما است همین قدر یادآوری میکنم دراین مسئله برای‌مملکت مایك مسئله حیات وممانی است .

رئیس - آقای‌سردار معظم ( )اجازه نطق

سردارمعظم - آن پیشنهاربنده‌را که تقدیم کرده‌ام ملاحظه بفرمائید .

رئیس — آقای سردار معظم پیشنهاد تنفس کرده‌اند .

سردارمعظم - بنده وآقای طباطبائی ما این پیشنهاد را کرده‌ایم .

رئیس — قبل از وقت آقای نصرت الدوله هم (چون آقای سلیمان میرزا در نطق خودشان بعضی اظهارات کرده‌اند) میخواهند یك توضیحی بدهند اگر آقایان موافق باشند بعداز‌توضیح‌ایشان چنددقیقه تنفس داده میشود .

سردارمعظم - بنده عرضی‌دارم .

رئیس — بفرمائید .

سردار معظم — بنده و آقای طباطبائی متفقاً پیشنهاد کرده‌ایم که چند دقیقه تنفس شود بعداز مذاکرات‌با ایشان‌راه حلی‌درنظر گرفته‌شده که تصور کردم‌در موقع‌تنفس مذاکره شود والا چون نوبت نطق به بنده رسیده ممکن است که بنده‌بیایم یشت تریبون و از حق خود استفاده کنم باین‌جهت بنده تصور میکنم بهتر باشد که قبلا ده دقیقه‌تنفس داده شود .

نصرت‌الدوله - بنده هم قبول میکنم .

رئیس - مجلس موافق است(گفتند بلی)

آقاسیدیعقوب - بنده مبخواستم عرض کنم که بنده هم اجازه خواستم حق بنده ازمیان میرود .

رئیس- بجنابعالی هم اجازه داده میشود .

(دراینموقع نمایندگان برای تنفس خارج‌وپس از نیم ساعت مجدداً جلسه تشکیل گردید).

رئیس - شاهزاده نصرت‌الدوله اجازه خواسته بودند راجع بمطالبیکه شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن نطق خودشان اداکرده اند توضیحاتی بدهند

نصرت‌الدوله- بنده خیلی بطور اختصاراین توضیح را عرض خواهم کرد چون حضرت‌والا خیلی از نطق مختصر خوششان میآید توضیح بنده راجع بآن مسئله است که فرمودند (گویا استفاده هم در کار بوده) بنده نسبت بخودم جداً و قویاً تکذیب میکنم در آنموقع مسئله استفاده در بین نبوده است و اگر یك سوء تفاهماتی در بعضی مذاکرات شده است بایستی آقایان بدانند که بنده در موقعیکه در رکاب اعلیحضرت اقدس همایونی بسمت نوکری ایشان و بسمت مأموریتهای سیاسی از طرف دولت بمسافرت اروپا رفتم یك پولهائی ازطرف دولت‌بمن داده شده ومباشر مخارجی بودم که مسئول تمام آنها هستم وتا دینار آخر حساب آن پولهارا خواهم داد وبعد ازآنکه حساب من تفریغ شد اگر مدیون‌باشم وچیزی نزد من‌مانده باشد البته بدولت تقدیم‌خواهم کرد و اگر فاضل هم داشت و طلبکار شدم البته دولت تفضلا بمن خواهد داد آقایان بدانند که من مخصوصاً علاقمندم باینکه نسبت استفاده را بخودم قویاًوجداً تکذیب کنم‌وعرض‌میکنم بهیچوجه‌من‌الوجوه نسبت استفاده را بخودم قبول نمیکنم .

رئیس- آقای طباطبائی هم توضیحی داشتند بفرمائید .

طباطبائی- بنده عرایضی درمرحله مذاکرات جلسه‌قبل وهمچنین درزمینه مذاکرات امروزشاهزاده نصرت‌الدوله داشتم وهمه را یادداشت کرده بودم که در نوبت خود بعرض آقایان برسانم لیکن بمناسبت پیش آمدیکه بعد بعرض آقایان خواهد رسیدعجالتاً صرف باآن شرح وتفصیلی که دارد وتمام مسائل‌رامیبایستی اظهار کرده باشم آنهارا عجالتاً مسکوت‌عنه‌میگذارم فقط یك نکته از آنها را بطور اختصار ذکر کرده وتفصیلاتش را برای بعد میگذارم وآن این بود که شاهزاده در ضمن بیانات خودشان راجع به بنده و مناسبات بنده باسید ضیاء اشاره فرمودند لازم است عرض کنم که سابقه بنده را باسید ضیاء همه مردم میدانند وروزنامه های رعد را هم خوانده ودیده اند که همیشه مخالف عقیده بنده بوده واز روز اول که چشم من بسید ضیاء افتاده تاکنون هیچوقت از او رضایت نداشته ام وهیچوقت هم رابطهٔ بااو نداشته‌ام فقط بعد از مهاجرت گاهی بمنزل من میآمد و یکی دو دفعه هم بنده را دعوت کرد اینهم یك آمد وشد شخصی بود و هیچوقت در هیچ موقع با او یك مذاکرات سیاسی نداشته ام وهمه وقت باو میگفتم که من باتو هیچ موافقتی ندارم و همیشه اعمال تو را تقبیح میکنم ومخصوصاً در دوره سپهدار اعظم هیچ ملاقاتی باسید ضیاء نکردم باز سابقاً ملاقاتهائی‌میشد وگاهی‌بمنزل بنده میآمد ولی دردورهٔ ریاست‌وزرائی سپهدار این ملاقاتها هم میانه ما نبود فقط یك روزی واردخانه سپهدار شدم درصورتیکه اوایستاده بود وبا ایشان حرف میزد ومیخواست از در بیرون برود وهیچ مذاکره هم با او نشد یك شبی هم در منزل سپهدار بود که یکی ازآقایان و کلاء بااووارد شدند والان هم ایشان در مجلس هستند بمحض‌ورود ایشان بنده‌آمدم بیرون واین‌ملاقاتهم درموقع‌استعفای سپهدار بود که بنده رفتم برای کناره گیریشان تبریك بگویم ومخصوصاً بنده بایشان گفته بودم که من‌باشما مادامیکه استعفا ندهید مراوده نخواهم کرد وبایشان گفته بودم که دوستی های خود را با ایشان بواسطهٔ داخل شدنشان در کار ترك کرده ام وبعداز استعفاء باقی خواهد ماند آنروز رفتم که بایشان بگویم‌چون استعفاء داده اید من آمده ام بشما تبریك بگویم آنروز هم سید ضیاء الدین آنجا آمد ولیکن هیچ داخل مذاکراتی نشدوخیال کرد بنده یك‌نقطه‌نظری

دارم که آمده ام سپهدار را به بینم وراجع به‌آقایان محبوسین کاشان آمده ام حرف بزنم این بود که بطورتغیر بمن رو کرد و گفت که چه مذاکراتی‌دارید بنده گفتم مذاکراتی ندارم وبعد برخواستم و بیرون آمدم این بود مناسبات من در دوره سپهدار با سید ضیاء که آقای نصرت‌الدوله در طی نطق خودشان فرمودند گمان میکنم که همه یااکثر آقایان و کلاء خوب میدانند صدمات ودشمنی هائیکه در دوره کابینه خودش یعنی در دوره حکومت کشیف خودش بابنده کردگمان میکنم بیشتر ازآن بود که باسایرین کرد وقابل انکارنیست وتصورمیکنم که آقای‌نصرت‌الدوله برای اینکه در جواب وامانده باشند این فراز را در ردیف فرمایشاتشان گذاردند در صورتیکه خودشانهم میدانند بی اساس بوده و اما شرحیکه میخواهم عرض کنم درنتمه مذاکراتیکه میانه بنده و آقای سردار معظم وآقای مدرس و آقای آصف - الممالك وآقای سلیمان‌میرزا شده قرارشد یك‌شرحی در این زمینه تهیه وقرائت شود وآن این است که نظر باینکه آقایان تصور فرموده اند تطویل این مذاکرات از طرفین اثرات خوشی نداشته وبالاخره حفظ حیثیات مجلس شاید مناسب نباشد باین بنده پیشنهاد نموده اند تا راه حلی برای این مسئله پیدا شده بنده مخالفت خودرا مسکوت عنه بگذارم شاید پس از مذاکرات در خارج راه حلی برای اینکار پیدا شود و بنده چون نمیخواهم بالاخره دنبالهٔ مذاکرات بجائی بکشد که لطمه بحیثیات مجلس‌وارد بیاورد این است که عجالتاً مخالفت خود را در این خصوص مسکوت عنه میگذارم وخلاصه اش این است عجالتاً بنده مخالفت خودرا مسترد میدارم تااینکه‌در خارج شاید بیك وجه مستحسنی حل بشود اگر حل نشدآنوقت باز درسرعرایض خودم باقی خواهم‌ماند مجدداً اظهار خواهم داشت .

رئیس- آقای سردارمعظم (اجازه نطق)

سردار معظم - نظر باینکه در قرائت این پیشنهاد طرز قرائت آقای طباطبائی طوری بود که ممکن‌است سوء تفاهماتی تولید کند لذا بنده‌خواستم عرض کنم مذاکراتیکه در این دو جلسه اخیر از طرفین شدطوری‌بود که صدمه ولطمه بحیثیت مجلس وارد میآورد واز نقطه نظر اینکه تمام نظرهابایستی متوجه حیثیات‌مجلس باشد مقتضی‌ندیدند وخود آقای طباطبائی هم بابنده و آقای سلیمان میرزا و آقای آصف الممالك و آقای مدرس تبادل نظر کردند صحت این مطلب را تصدیق فرمودند وبالاخره‌چون جزپیدا کردن طریق حل موضوع مقصودی ندارند مخالفت خودشانرا مسترد داشتند تااینکه یك طریق حلی پیدا شود اگرپیدا نشود بازحرفهای ماسرجای خود وحرفهای ایشانهم در سرجایش خواهد بود و آنوقت حل قضیه را در جلسه آتیه به مجلس محول خواهند کرد .

رئیس - آقای نصرت‌الدوله (اجازه‌نطق)

نصرت الدوله — نسبت بتوضیحی که‌آقای سردارمعظم دادند بنده حرفی ندارم مگر این که عرض می کنم ازوجه حلی که آقایان رفقا در نظر گرفته اند هیچ مسبوق نیستم والبته پس از آنکه مذاکره کردند اگر نظریاتی داشته باشم عرض خواهم کرد والبته‌ازحق‌خوددفاع‌خواهم کرد (گفته شد صحیح است).

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا — همین طورکه آقایان صحبت فرمودند آقای طباطبائی یك مخالفتی اظهار کردند ومطابق نظامنامه داخلی وقتی مخالفت خود را پس بگیرند مطلب مسترد شده است و بنابراین دیگر ازبرای سایرین که بالتبع‌داخل‌مذاکره‌شده‌اند چیزی باقی نمیماند اما در مسئله که حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله توضیح دادند بنده هم مجبور شدم که راجع بهمان توضیح یك توضیح ثانوی‌عرضه بدارم وآن این است که چون دومرتبه فرمودند جداً وقویاً تکذیب میکنم بنده عرض میکنم وقتی اسناد محاسبه را ارائه دادند و ثابت شد بنده آنوقت در جداً وقویاً باایشان موافقت میکنم و تصدیق می کنم اما حالا نمیتوانم موافقت کنم وهمچنین مطلبی را که آقایان مسکوت عنه گذاشته اند بنده هم‌مسکوت عنه میگذارم ولی مسترد نمیدارم تا راه حلی پیدا شود چون بهیچوجه هیچیك ازو کلاء مقصودی و منظوری غیر ازحفظ حیثیات مجلس ندارند و بدون استثناء خودشانرا علاقه‌مند به مجلس شورای ملی میدانند و البته دراین موضوع حاضرهستند که مثل سایرمطالب ملی شخص خودشان رافدای عموم بکنند . بنابراین همانطوریکه شاهزاده نصرت الدوله اطلاع ندارند گمان میکنم هنوز یك وجه حلی درنظر گرفته نشده فقط گفته شده است این کار را می کنند که یك فرصتی پیدا شود شاید بعد ازتبادل افکار در خارج یك راه حلی برای این امرپیدا کنند و شاید هیچیك ازماها لجاجت وغرض شخصی‌نسبت بیکدیگر نداشته باشیم .

رئیس - آقای سردارمعظم (اجازه نطق)

سردار معظم — بنده نسبت بتوضیح ثانوی شاهزاده سلیمان میرزا توضیح ثالثی داشتم وآن‌این است که راجع به معاسبه که مذاکره اش دربین بود وشاهزاده سلیمان میرزا فرمودند (جداً وقویاً)حالا از شاهزاده نصرت الدوله نمی پذیرند بنده عرض میکنم ماجداً وقویاً را ازشاهزاده نصرت‌الدوله حالا می‌پذیریم مگر اینکه در عمل خلاف آن واقع شود (گفته‌شد صحیح است).

رئیس — بدیهی است این کاریکه دوسه‌روز است ازهان آقایان نمایندگان واغلب‌مردم رابخودش معطوف کرده است اگر بیك ترتیب خوشی بتوانند اصلاح کنند ویك راه حلی برای آن تهیه نمایند چه ازنقطهٔ نظرصلاح مملکت وچه ازنقطه نظر مجلس بهترخواهد بود ولی یك‌مسئله دیگریهم هست که‌شاید بعضی ازآقایان‌متوجه‌نیست وباید نسبت بآنهم‌توجهی بفرمایند چون بعضی ازآقایان وکلاء نزد بنده آمده وتقاضا میکردند که پیشنهادی به‌مجلس بدهند و بنده اینجا قرائت کنم واواین بود که آقای مدرس وآقای سلیمان میرزا درضمن نطقی که فرمودند پارهٔ نسبت‌ها بیعضی ازآقایان وکلاء دادندباین مناسبت‌میخواستند تقاضا کنند که کمیسیونی برای توضیح آن نسبتها معین شود بنده آنقدریکه بنظرم میرسد وخیال کرده بودم این بود که سوء تفاهماتی برای آقایان حاصل شده است باین جهت بایشان گفتم یکقدری منتظر بشوند تابنده خودم یك تحقیقات مقدماتی بکنم اگر تحقیقات بنده‌مؤثرنشد آنوقت تقاضای‌همچه کمیسیونی بنمایند امیدوارم تاوقتیکه مسئله اول راحل می کنید مسئله ثانی راهم موفق بحلش شده باشید

مدرس - اجازه میفرمائید

رئیس - غرض من این است که مطالع شوید نسبتها چه بوده ؟

مدرس - غرض عرضم این‌است که بنده‌نسبت بدی نداده ام اگر نسبت بدی هم داده شده بنده نداده ام .

رئیس - این یك چیزی است که در خارج استفسار میفرمائید اگرتوانستید که آقایان را متقاعد بکنید و معلوم شد سوء تفاهم بوده است فبها والا آنوقت مجبورمیشویم بتوضیح ثانوی مشغول شویم

مدرس - اجازه میفرمائید توضیحی‌عرض کنم بنده عرض میکنم که اگرمیگویم یك‌هفت هشت یاده نفر دراین مجلس هستند وخیلی اشخاص‌خوبی هستند آیا محتاج بکمیسیون است بنده هرگز نسبت بدی بکسی نمیدهم وخیلی صاف و پاکیزه عرض می کنم بنده یکعددی را شمردم که آنها شریك دریك کاری بودند وآن کار درنظر آنهائیکه کرده‌اند می شود خوب باشد ودرنظر دیگران بدباشد یامقصرباشند یا قاصر معذالك بنده حاضرم که اگر نسبت خوبی هم بیك کسی بدهم یك کمیسیونی تشکیل وتحقیق شود

رئیس - آقایانیکه خواستند راه حلی برای مذاکرات این دوروزه پیدا کنند تقاضا کرده اند که جلسه بماند برای روزشنبه چهارساعت قبل ازظهر که این دوسه روزه رافرصت‌برای مذاکرات داشته‌باشند اگرمخالفی نباشد جلسه را میگذاریم برای روزشنبه چهار ساعت قبل ازظهر (اظهاری نشد) پس جلسه آتیه روز شنبه خواهد بود (مجلس دوساعت ازشب گذشته ختم شد) .

رئیس مجلس- **مؤتمن الملك**

صورت مشروح مجلس یوم شنبه غره ذی حجه ۱۳۳۹ مطابق ۱٤-اسد ۱۳۰۰

مجلس تقریباً یکساعت‌ونیم‌قبل ازظهر درتحت ریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکشیل گردید

نایب‌رئیس - صورتمجلس قرائت می‌شود -

آقای مستشارالسلطنه صورتمجلس را قرائت نمودند

نایب‌رئیس — آقای‌طباطبائی درصورتمجلس فرمایشی‌دارید؟

طباطبائی — درآنجا که نوشته است که خارج مذاکره کردیم اسم آقای مدرس فراموش شده است

نایب رئیس - بسیارخوب اصلاح میشود

شاهزاده سلیمان میرزا — همانطوریکه آقایان مسبوق هستند بنده درجلسه قبل وقتیکه آقای طباطبائی مخالفت خودشانرا موقتاً تاروز شنبه پس گرفتند بنده عرض کردم در مخالفت خودم باقی هستم ولیکن علی الاصول مطابق نظام نامه داخلی چون آقای طباطبائی مخالفت خودشانرا موقتاً مسترد داشتند بنده هم دیگر دراین جلسه مذاکره نمیکنم .

نایب رئیس — صحیح است دیگر آقایان فرمایشی ندارند (گفته شد خیر) صورتمجلس بعد از این اصلاح تصویب شد قبلا در موضوع اعتبار نامه شاهزاده نصرت الدوله بنده پیشنهادی تهیه کرده بودم که بابودن آقای رئیس بنده آن پیشنهاد را عرض کنم که مذاکرات در اینمسئله کافی است متأسفانه آقای رئیس بجهت کسالتیکه پیدا کرده بودند تشریف بردند حال خودم آن پیشنهاد را عرض می کنم که چون مذاکرات دراینمسئله زیاد شده و از طرف آقایان مخالفین مذاکراتی شد و بعضی آقایان هم از طرف دیگر اجازه خواسته بودند که موکول بجلسه بعد شد بنده تقاضامیکنم که مذاکرات کافی باشد بواسطه اینکه همه علاقمند بمجلس هستند همینطور که آقای طباطبائی وحضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا هم درضمن نطق خودشان فرمودند با این علاقهٔ که آقایان بحفظ حیثیات مجلس دارند گمان ندارم تکرار این مذاکرات مفید باشد بلکه مضر است (گفته شد صحیح است) لهذا تقاضا میکنم که مذاکرات دراینمسئله کافی باشد ورأی گرفته شود (گفته شد صحیح است)

امیر اعلم — بنده یك مختصر بن توضیحی داشتم .

نایب رئیس — نسبت بالمان پیشنهاد توضیح دارید - امیراعلم- نه خیر

نایب رئیس — آقای سلیمان میرزا و آقای امیر اعلم اجازه خواسته اند آقای سلیمان میرزا بفرمائید .

سلیمان میرزا — پیشنهادی آقا فرمودند مطابق نظام نامه حق با آقا است لیکن بنده با این پیشنهاد مخالف هستم وعرض میکنم مذاکرات کافی نیست ولی اختیار با اکثریت مجلس است البته هرطور که اکثریت مجلس رأی بدهند بنده نمی توانم دیگر عرض بکنم

نایب رئیس — آقای سردار معظم (اجازه نطق)

سردار معظم بنده هم متاسفانه با پیشنهاد حضرتعالی مخالف هستم زیرا اصولا عقیده دارم که درمجلس هرچه مطالب بیشتر گفته شود بهتر است ولی نظر باینکه هریك ازما افرادنمایندگان محکوم باراده اکثریت هستم لهذا من دیگر اصرار درمخالفت خودم وعدم کافی بودن مذاکرات نمیکنم وچون مخصوصاً یك مسئله را اشاره فرمودند که آنمطلب درنظر تمام نمایندگان محترم است و آن مقدم داشتن حیثیت مجلس ومصالح مملکت است بتمام مصالح خصوصی وشخصی (گفتند صحیح است) من هم متابعت میکنم اراده اکثریت را ولی خودم شخصاً مذاکرات را کافی نمیدانم.

نایب رئیس — پس رأی میگیریم آقایانیکه موافق هستند با پیشنهاد بنده باینکه مذاکرات در موضوع اعتبارنامه **شاهزاده** نصرت الدوله کافی است قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس — تصویب شد (راپورت خوانده میشود)

آقاسید فاضل — چون مخبر شعبه غائب است وزراپورت راهم مفصلا خوانده اند دیگر لزوم ندارد راپورت خوانده شود باید رأی گرفته شود.

آصف الممالك — درجلسه گذشته موضوع مخالفت درسر دو مسئله بود یکی جریان انتخابات یکی عدم صلاحیت منتخب راجع به بجریان انتخابات مذاکرات کافی شد وبالاخره آقای رئیس مذاکرات را کافی دانستند (اگرچه بقیام وقعود نرسید) ولی همه رأی دادند که کافی است.

راجع بعدم صلاحیت آنراهم نظر براینکه بعضی از آقایان مذاکرت زیاد را در مجلس صلاح نمی دانستند بدین جهت رأی گرفته شد که مذاکرات کافی است لهذا تجدید خواندن راپورت بعقیده بنده لزومی ندارد همان است که خوانده شد.

سردار معظم — درنتیجه نطق آقای آصف- الممالك که فرمودند خواندن راپورت لزومی ندارد بنده هم عرض میکنم اعم از اینکه مذاکرات درمجلس هرچه بوده است تکلیف رئیس مجلس آن خواهد بود که فعلا خواندن رایورت (بعد از اینکه مجلس عدم لزوم مذاکرات را تصویب کرده) لزومی ندارد و بنا براین باید برای وکالت آقای نصرت الدوله رأی بقیام و قعود بگیرند)

امیر اعلم — بنده توضیحی داشتم

نایب رئیس — بفرمائید راجع بچه مسئله است

امیر اعلم — توضیحی که میخواهم بدهم راجع بمذاکرات جلسه گذشته است حالا که می خواهند رأی بگیرید

نایب رئیس — بعد از رأی هم ممکن است . رأی میگیریم آقایانیکه موافقند با اعتبارنامه شاهزاده نصرت الدوله یعنی با آن راپورتیکه مخبر شعبه داده است

فهیم الملك — آقا یك پیشنهادی دارم تأمل بفرمائید تقاضا میکنم رأی باورقه گرفته شود

نایب رئیس — بموجب نظام نامه گویا این حق برای نمایندگان نباشد

سلیمان میرزا — ماده نظامنامه را بخوانید

سردار معظم — رأی باورقه بتقاضای یکنفر نماینده نمیشود گرفت (گفتند صحیح است) اساساً ۱۵ نفر باید تقاضا کنند (گفته شد پنج نفر) درهر صورت پنج نفر یا ۱۵ نفر نظامنامه یك طرقی معین کرده است وآن این است که آراء عمومی را به قیام وقعود تعیین کرده ودرموارد خاص ممکن است چندنفر ازنمایندگان کتباً تقاضا کنند بعقیده بنده از این مرحله هم گذشته ومجلس شورای ملی رأی بختم مذاکرات داده وبالاخره مقصود اگر تعیین اشخاص است که برای وکالت آقای نصرت الدوله رأی میدهند یا نمیدهند من تصور میکنم که هیچکس در رأی خودش تردیدی ندارد وعیناً رای خواهند داد وآن کسانیهم که مخالف هستند بالاخره بعقیده من رأی خودشانرا اظهار خواهند کرد پس از این نقطه نظر بنده تصور می کنم این تقاضا جز اسباب تعطیل و تأخیر کار و تولید پروفیکورهای بی نتیجه و پرزحمت منفعت دیگری ندارد.

سلیمان میرزا — همانطور که آقای فهیم الملك فرمودند این حق رادارند و بنده الان اگر اجازه بدهند ماده ۸۶ و ۸۷ نظامنامه داخلی را محض تذکر آقایان بخوانم

(بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده ۸۶ رأی علنی یا اوراق راهر موقعی میتوان تقاضا نمود مگر درموارد ذیل:

اولا درصورتی که در تغییر و توضیح یکی از موارد این نظامنامه اختلافی حاصل شده و منجر بدادن رأی شود

ثانیا — درمواردیکه در مواد ۱۱۱ و ۱۲۷ و ۱۳۲ ذکر شده است رأی علنی یا اوراق راممکن است قبل از اینکه از روی قاعده قیام و قعود رأی گرفته شود تقاضا نمود وهم چنین درصورتیکه بعد از یك مرتبه مطابق قیام وقعود رأی گرفته شده و نتیجه مشکوك باشد

ماده ۸۷ تقاضای رأی علنی یا اوراق باید کتبا بعمل آید ولااقل پنج نفر از اعضای مجلس آنرا امضاء نموده برئیس بدهند ولی درصورتیکه یکدفعه بواسطه قیام وقعود رأی گرفته شده و مشکوك شد تقاضای شفاهی یکی از نمایندگان کافی است اسامی این پنج نفر فوق با اسامی رأی دهندگان مخالف و موافق درصورت مجلس نوشته خواهد شد حالا آقای فهیم الملك فقط چیزیکه ناقص دارند باید مهلتی بایشان بدهند که بنویسند اگر چهار نفر با ایشان موافق شدند که آنرا امضاء کنند آنوقت حق دارند واگرهم لازم باشد بنده هم امضاء خواهم کرد.

نایب رئیس — مطابق این ماده که شما خواندید یك نقص دیگرهم دارد وآن این است در صورتیکه باقیام و قعود رأی گرفته شده و نتیجه مشکوك باشد ....

سلیمان میرزا — این درمورد دیگر است اگر اجازه بفرمائید ماده ۸۷ را یك دفعه دیگر بخوانم آن وقت واضح میشود (مجدداً قرائت نمودند)

نایب رئیس — آقای فهیم الملك (اجازه نطق)

فهیم الملك — بنده مقصوم ازاین پیشنهادی که کردم رأی باورقه گرفته شود مقصود این نبود که بدانم کی موافق است و کی مخالف وقبلا هم که مذاکره شد در کافی بودن مذاکرات بنده موافق نبودم و حالا هم تصمیمی نگرفته ام که موافق باشم یا مخالف بنابر- این میتوانم امتناع کنم ولی نمیدانم امتناع خودرا باید بچه صورت بفهمانم باید ازمجلس خارج شوم یا اگر درمجلس باشم باید بااوراق رأی گرفته شود که معلوم باشد والامقصود بنده دررأی گرفتن باورقه موافقت یا مخالفت نبوده است.

نایب رئیس — پیشنهاد کنید (پیشنهاد ایشان بمضمون ذیل قرائت شد)

ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا میکنیم با ورقه رأی گرفته شود

سردار معظم — چند نفرند

نایب رئیس — پنج امضاء است

سردار معظم — باید خوانده شود

محمد هاشم میرزا — باید خوانده شود (آقای مستشار السلطنه اسامی امضاء کنندگان را به ترتیب ذیل قرائت نمودند)

آقای فهیم الملك — آقای احتشام الدوله — آقای امیر اعلم — آقای سلیمان میرزا — آقای طباطبائی

سردار معظم — حالا باید رأی با ورقه گرفته شود

نایب رئیس — خوب عده بجهت رأی گرفتن کافی است

سردار معظم — اجازه میدهید

نایب رئیس — بله بفرمائید

سردار معظم — نظر باینکه بعضی از آقایان نمایندگان بسابقه رأی دادن باورقه را درمجلس ندارند وشاید خاطر مبارکشان مستحضر نباشد لهذا خاطر محترمشان را متذکر میشوم که ورقه سفید علامت قبول وورقه کبود علامت رد است وورقه ندادن علامت امتناع است وآقایان هم درروی اوراق اسم خودشان را باید مرقوم بفرمایند

نایب رئیس — بلی باید بنویسند

آقاسید فاضل - اجازه میفرمائید

نایب رئیس - بلی بفرمائید

آقا سید فاضل - اگر اجازه میفرمائید ماده ۸۸ که راجع بدادن رأی باورقه است بخوانم .

بمضمون ذیل قرائت نمودند

ماده ۸۸ - ترتیب گرفتن رأی علنی با اوراق از این قرار است. هر نماینده دارای دو ورقه مختلف الوان است که اسم آن نماینده درروی آن چاپ شده است ورقه سفید علامت قبول ورقه آبی علامت رد است

آقاسید فاضل — کسی کرأی ندارد ورقه نخواهد داد.

رفعت الدوله - اجازه میخواهم بفرمائید ورقه بیاورند وباشخاصی که ندارند تقسیم نمایند

نایب رئیس - بهمه داده اند

رفعت الدوله خیر بنده ندارم

نایب رئیس - روی کاغذ سفید بنویسید . آقای سید محمود مگر ورقه بهمه نداده اید

آقاسیدمحمود - چرا آقا منزلشان مانده است.

نایب رئیس - اسامی خودتانرا هم روی کاغذ بنویسید

(اوراق رأی اخذ ودرمحل نطق گذارده شد)

سردار معظم - گویا باقرعه دونفر باید برای نظارت تعیین شوند

دراین وقت آقای آصف الممالك و آقای نصیر دیوان بحکم قرعه تعیین و باتفاق آقای مستشار السلطنه شروع باستخراج آراء نمودند

آصف الممالك - ۴۷ رأی سفید است و ۶ ورقه آبی

حاج آقا - باید حضار را تعیین کرد تا عده امتناع کنندگان معلوم شود

نایب رئیس - عده حضار چند نفر است گفته شد ۵۴ نفر

سردار معظم - نتیجهٔ رأی را اعلام کنید

نایب رئیس - وکالت آقای نصر الدوله به ۴۷ رأی تصویب شد

(اسامی قبول کنندگان که ورقه سفید داده اند)

آقا میرزا هاشم آشتیانی - آصف الممالك - امیر ناصر - سعید دیوان - سردار مفخم - آقا سید محمد تدین - عمید الممالك - آقا میرزا ابراهیم قمی فتح الدوله - محمد هاشم میرزا - امین الشریعه - محقق العلماء - آقا میرزا محمد حسین صدرائی - جلیل الملك - حاج میرزا مرتضی - آقاسید یعقوب رکن الملك - شیخ العراقین زاده - عدل السلطنه عمید السلطنه - منتصر الملك - آقا شیخ محمد جواد آقا سید حسن مدرس - امیر اعلم سردار - مؤتمن - السلطنه - مستشار السلطنه - آقا شیخ اسدالله محلاتی معتضد الدوله - میرزا ابراهیم خان - ملك الشعراء نجات - سردار معظم خراسانی - آقا سید فاضل کاشانی - بیان الملك - حاج آقا شیرازی - سهام السلطان - صدر الاسلام - شریعتمدار - غضنفرخان رفعت الدوله - بیان الدوله - وقار الملك - سدید الملك - شیخ الاسلام ملایری - سلطان العلماء - سردار معظم کردستانی - آقامیرزا سیدحسن کاشانی .

اسامی رد کنندگان که ورقه آبی داده اند

طباطبائی - سلیمان میرزا

اسامی امتناع کنندگان

فهیم الملك - رئیس التجار - احتشام الدوله دکتر لقمان - نصر الدوله .

نایب رئیس - آقای امیر اعلم میخواستید توضیحی بدهید بفرمائید .

امیر اعلم - توضیحی که میخواهم بدهم راجع بیك عبارت از نطق شاهزاده نصر الدوله است شاهزاده نصرة الدوله درضمن نطق دفاعیه خود پس از شمردن اسامی اشخاصیکه مینوت راجع بقرار داد مرحوم یاغیر مرحوم جمله را بکلمه ودیگران ختم فرمودند چون بنده دراواخر کابینه آقای وثوق الدوله عضویت آنرا قبول کرده بودم محض اینکه اشتباهی رو ندهد لازم دانستم بعرض آقایان برسانم که من مینوت مزبور را امضاء نکرده ام ولی این نکته را لازم است بعرض برسانم وقتی بنده قبول عضویت کابینه آقای وثوق الدوله را نمودم سیاستی را که دولت وقت قبل از وارد شدن بنده بکابینه بطور موقت اتخاذ نموده وقطعیت آنرا بتصویب مجلس شورایملی محول داشته بود بهیچوجه بمنزله قیام واقدام برعلیه حکومت ملی ندانسته ونمیدانم .

نایب رئیس — شاهزاده نصرت الدوله توضیحی دارند .

نصرة الدوله - متعلق بنطق آنروز بنده است.

نایب رئیس - پس خارج از موضوع است چون در راپورت شعبه راجع باعتبار نامه شاهزاده نصرت الدوله آقای معتضد الدوله هم بودند درحقیقت راپورت مشترك بود لهذا قبل از اینکه داخل در اعتبارنامه های دیگر بشویم باید نسبت بنمایندگی آقای معتضد الدوله رأی گرفته شود کسانیکه رأی میدهند بنمایندگی آقای معتضد الدوله از کرمانشاهان قیام نمایند (عموماً قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب شد آقای آصف الممالك (احضار برای قرائت راپورت)

آقای آصف الممالك راپورت شعبه چهارم را راجع بنمایندگی آقای مؤتمن الملك بمضمون ذیل قرائت نمودند شعبه چهارم درتاریخ ۳ شهر ذیقعده ۱۳۳۹ بدوسیه انتخابات شهر طهران و توابع آن رسیدگی ومداقه لازمه ازجریان انتخابات آنجا بعمل آورده مطابق دوسیه و صورت مجلس انتخابات که حاکی از عملیات انجمن نظارت مرکزی است در جریان انتخابات حوزه مزبوره کاملا رعایت اجرای مقررات قانون گردیده است و تنها چیزیکه در شعبه موردبحث واقع شده قضیه ایست که راجع بآراء کن وسولقان واقع شده وشعبه ایراد آنرا درراپورت خود از نقطه نظر قضاوت در حدود اختیارات انجمن نظارت انتخابات ضروردانست بشرحی که درصورتمجلس ذکر میکنند در روزدوم اخذ آراء راپورتی از کن بانجمن نظارت مرکزی میرسد که حکومت محلی اهالی آنجا را مجبور وتهدید بدادن آرائی مینماید که خود گفته ونوشته است وانجمن بنابه مسئولیتی که داشته دونفر ازاعضاء معتمد خودرا باتفاق رئیس کابینه ایالتی برای تحقیق وکشف قضیه بکن اعزام داشته وآقایان پس ازمراجعت صحت راپورترا در انجمن تصدیق مینماید علیهذا انجمن دونفر معتمد دیگررا از اعضاء انجمن چالمیدان و محله بازار باتفاق یکنفر مستنطق عدلیه یکن روانه دستور میدهند اولا آراء موجوده آنجارا الغاء نموده بدون رؤیت بشویند وثانیاً انفصال حاکم آنجارا که ازطرف ایالت تهران بعمل آمده باهالی اعلام وآزادبودن آنانرا در اینکه بهرکس بخواهند رأی بدهند بآنها خاطرنشان نمایند ومراجعت کننده مستنطق نیز اشخاصی را که مباشر اقدام حاکم در اجبار اهالی و تهدید صاحبان تعرفه بدادن رأی بوده استنطاق و مطابق قانون مجازات آنانرا معلوم وازمقامات تقنینیه تعقیب شوند وهمین ترتیب مجری شده است شعبه پس از مذاکره وتبادل نظر دراطراف این اقدام که آیا انجمن قبل از ثبوت مسئله تهدید بوسیله استنطاق و محاکمه قانوناً حق داشته است تنها بتصدیق دو نفر اعضاء خود اکتفا نموده حکم بالغاء آراء نماید یا نه .

باینظور رأی داده که اولا چون مستند انجمن نظارت دراین‌اقدام فقط بمدلول قسمت‌اول ازماده۴۷ قانون انتخابات است که میگوید (انتخاباتی که مبنی برتهدید یا تطمیع بوده باشد از درجه اعتبار ساقط است) ودیگر طریقه الغاء آنرا تعیین‌ننموده و ثانیاً بمدلول‌ماده ٤٤ کشکایت‌ازانتخاب مانع‌ازانجام‌انتخاب نمیتواند باشد ولی‌باید شرح‌شکایت در صورتمجلس درج بشود وثانیاً بموجب ماده ۳٤ که میگویداوراق معلول را عیناً میبایست ضمیمه صورتمجلس نمایند • اقدام انجمن درالغاء وشستن‌آراء کن برخلاف‌احتیاط بوده وبرای احتراز از اینکه این اقدام سابقه برای انتخابات آتیه نگردیده وانجمن‌های‌نظارت چنین‌حقی برای‌خود قائل‌نشوند بایدمتذکرشد ولی‌ازآنجائیکه این اقدام سکته باساس صحت انتخابات‌مزبوره وارد نمیآورد و در جریان انتخابات هیچگونه اعتراض و شکایتی نیز ملاحظه نشد لذا شعبه نمایندگی آقای مؤتمن‌الملک‌را ازطهران وتوابع که باکثریت ۳٤۸۱ رأی از ۱۱۸۰۳ رأی‌انتخاب کنندگان است تصدیق وبصحت اعتبارنامه ایشان باتفاق‌آراء رأی میدهد•

نایب‌رئیس - بنمایندگی آقای مؤتمن‌الملک مخالفی نیست (گفته‌شد خیر) آقایانیکه نمایندگی آقای مؤتمن‌الملک را از تهران تصدیق میکنند قیام فرمایند •

(باتفاق قیام کردند)

نایب‌رئیس - تصویب‌شد. آقای‌آصف‌الممالک (احضار برای قرائت راپورت) ایضاً آقای‌آصف‌الممالک راپورت شعبه چهارم را بمضمون ذیل قرائت نمودند :

شعبه‌چهارم درتاریخ ٤ذی‌قعده۱۳۳۹ بشرحیکه در راپورت شماره۷ خود راجع بملاحظه‌صورتمجلس انتخابات‌تهران وحوزه‌های انتخابیه‌آن بمجلس‌شورای ملی تقدیم داشته• باعتبارنامه آقای مستوفی‌الممالک رسیدگی و نظر بصحت انتخابات‌مزبوره نمایندگی معظم‌له‌را ازتهران وتوابع با کثریت ۷۷۳۷ رأی‌از ۱۱۸۰۳رأی انتخاب‌کنندگان‌است تصدیق وبصحت اعتبارنامه ایشان باتفاق‌آراء رأی میدهد•

نایب‌رئیس - مخالفی نیست (گفته‌شد خیر) رأی‌میگیریم بنمایندگی آقای‌مستوفی‌الممالک ازتهران آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (باتفاق‌قیام کردند)

نایب‌رئیس - تصویب شد . آقای آصف - الممالک (تکلیف خواندن راپورت) آقای‌آصف‌الممالک راپورت شعبه‌چهارم‌را راجع‌بنمایندگی‌آقای مشیرالدوله بمضمون‌ذیل قرائت نمودند •

شعبه‌چهارم درتاریخ ۳ ذیقعده۱۳۳۹ بشرحیکه در راپورت شماره ۷ خود راجع بملاحظه‌صورتمجلس انتخابات طهران وتوابع آن بمجلس‌شورای‌ملی تقدیم داشته باعتبارنامه آقای مشیرالدوله رسیدگی و نظر بصحت انتخابات‌مزبوره نمایندگی معظم‌له‌را ازطهران وتوابع که باکثریت ٤۷۵۲ رأی از ۱۱۸۰۳ رأی انتخاب کنندگان است تصدیق و بصحت اعتبارنامه ایشان باتفاق‌آراء رأی میدهد

نایب‌رئیس - مخالفی نیست (گفته‌شد خیر) رأی میگیریم بنمایندگی آقای مشیرالدوله ازطهران آقایانیکه موافقند قیام نمایند (باتفاق‌قیام‌نمودند)

نایب‌رئیس - تصویب‌شد(آقای آصف‌الممالک احضار وراپورت بایشان داده شد)

آصف‌الممالک - این راپورت متعلق بشعبه ٥ است (راپورت مزبور مسترد وورقه‌راپورت‌دیگر بایشان داده شد بمضمون ذیل قرائت‌نمودند ٥)

شعبه‌چهارم درتاریخ ۳ذی‌قعده۱۳۳۹ بشرحیکه در راپورت‌شماره ۷ خود راجع بملاحظه‌صورتمجلس انتخابیه طهران وتوابع آن بمجلس شورایملی تقدیم داشته • باعتبارنامه آقای حکیم‌الملک رسیدگی ونظر بصحت انتخابات‌مزبوره نمایندگی معظم‌له‌را ازطهران و توابع که باکثریت ۳۲۷۰ رأی از ۱۱۸۰۳ رأی انتخاب کنندگان است تصدیق و بصحت اعتبار نامه ایشان باتفاق آراء رأی میدهد •

نایب‌رئیس - مخالفی نیست (اظهاری‌نشد) آقایانیکه بانمایندگی آقای حکیم‌الملک از طهران موافقند قیام فرمایند (اکثر قیام کردند)

نایب‌رئیس - تصویب شد•

آقای آصف‌الممالک(احضار برای‌قرائت‌راپورت)

(آقای آصف الممالک برای قرائت راپورت درمحل نطق حاضر شدند و دراین موقع بعضی از نمایندگاه ازمجلس خارج شدند)

نایب‌رئیس - آقایان‌نرویه عده کافی نیست .

نصرت‌الدوله - خوب‌است راپورت‌رابخوانند تاآنها حاضرشوند •

نایب رئیس - عده کافی شد - مستشار - السلطنه - خیر •

نایب رئیس - چون عده برای رأی گرفتن کافی نیست لهذا مجلس‌را ختم‌میکنیم وجلسه بعد را اگر آقایان صلاح‌میدانند بفردا میگذاریم •

سردارمعظم - بنده عقیده دارم که حالا چند دقیقه تنفس داده شود (گفتند صحیح است) تا آقایان نمایندگان حاضر شوند و کار اعتبارنامه‌های نمایندگان طهران تمام شود بلکه کلیه راپورتها ملاحظه شود •

نایب‌رئیس - آقایان با پیشنهادآقای سردار معظم موافق هستند (گفتند بلی)

سردارمعظم - بیست دقیقه تنفس داده شود اگر بعد از این مدت عده کافی شد برمیگردیم و شروع بکار میکنیم و الا موکول میشود بعصر دو ساعت بغروب •

نایب‌رئیس - پس بیست‌دقیقه تنفس است •

(دراین‌موقع نمایندگان برای تنفس ازمجلس خارج وپس‌از بیست‌دقیقه مجلس تشکیل گردید)

نایب‌رئیس - آقای نصرت‌الدوله توضیحاتی دارید بفرمائید •

نصرت‌الدوله - بنده‌درنطقی که درجلسه‌اخیر کردم یعنی توضیحی که در مقابل نطق شاهزاده سلیمان میرزا دادم اشاره کردم بمحاسباتی که بادولت دارم واظهار کردم‌یك‌ابواب‌جمعی‌هاداشته‌ام که درمقابل آنها اسنادی موجود و مسئول خرج آن هستم ولی چون در بین مذاکره که میکردند خواستم سمت مأموریتهای مختلفی که دراین سفر داشتم بیان نمایم اظهار کردم که بسمت نوکری اعلیحضرت و خدمات دیگر سیاسی مأمور بودم برای اینکه سوء تفاهم نشود و تصور نکنند که تمام وجوه ابوابجمعی من از برای خرج‌مسافرت اعلیحضرت بوده است لازم است که این‌جا توضیحی‌را عرض کنم درموقعیکه‌اعلیحضرت شهریاری خیال مسافرت اروپا داشتندهیئت‌دولت صد و بیست هزار تومان کمك‌خرج برای‌مسافرت ایشان تصویب کردند که ازخزانه داده شود این مبلغ برای مخارج اعلیحضرت تخصیص یافته بود و بجمع بنده گذاردند مخارج دیگری که بنده درآن‌مسافرت برای دولت کردم‌ام راجع بوزارت امور خارجه و تصریح محاسبات‌سفارتخانها وریاست‌هیئت‌اعزامیه در کنفرانس صلح و مخارج دولتی است و حساب آنرا مشغول تصفیه هستم

نایب‌رئیس - آقای آصف‌الممالك(اجازه‌نطق)

آصف‌الممالك - بنده میخواهم‌یك توضیحی عرض کنم راجع به آقای مشارالملك چون در ضمن نطق حضرت‌والا چندروز پیش مذاکره شد مبنوتی که راجع بقرارداد امضاء شده است ایشانهم امضاء نموده اند البته در کابینه بوده اند و نظر بمسئولیت مشترکی که داشته‌اند امضاء کرده‌اند ولی در قسمت اجرائیات قرارداد بنده یك‌اطلاع خصوصی دارم (و شاید آقایان هم اطلاع داشته باشند) و میدانیم که ایشان راجع بموضوع بودجه نظامی کاملا مخالف بودند وایشان شخصی بودند که اجرائیات قرار دادرا کاملا موافق بودند که باید موکول بافتتاح مجلس شود مخصوصاً ایشان خیلی مخالفت کرده بودند و همان‌مسئله سبب شده بود که کمیسیونی که برای آن کار ترتیب داده بودند بهم‌خورد •

نایب‌رئیس - آقای سیدیعقوب بفرمائید •

آقاسیدیعقوب - بنده مطالبی را که آقای آصف‌الممالك بیان کردند چون تمام درطهران بودم میدانم که هم آقای مشارالملك وهم آقای امیر اعلم وآقای معتمدالدوله درمسئله عدم اجرای موادقرارداد تا موقع افتتاح مجلس مخصوصاً آقای امیر اعلم مخالف بودند وبه جدیت جلوگیری کردند در واقع کمیسیون اجرای قرارداد را بهم‌زنند •

نایب‌رئیس - آقای امیراعلم بفرمائید •

امیراعلم - خواستم عرض کنم که این کار باتفاق شد وهمه رأی دادند •

نایب‌رئیس - چون عده کافی نیست که داخل مذاکرات اعتبارنامه‌ها بشویم لذا جلسه برای‌دوساعت بغروب می‌ماند •

سردار معظم - فقط چیزیکه هست باید به نمایندگان غائب‌هم اطلاع داده شود که‌حاضرشوند•

محمدهاشم‌میرزا - اعتبار بلیط های امروز محفوظ خواهد ماند •

سردارمعظم - البته محفوظ خواهد بود•

(یك‌ساعت بعدازظهر مجلس ختم‌شد)

جلسه ۹

صورت مشروح مجلس لیله یکشنبه دوم ذیحجة الحرام سنه ۱۳۳۹ مطابق ۱۴ اسد ۱۳۰۰

مجلس یکساعت ازشب گذشته درتحت ریاست آقای مؤتمن‌الملك‌تشکیل گردید

(صورت مجلس صبح شنبه را آقای مستشار السلطنه قرائت‌نمودند•)

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق) •

حاج شیخ اسدالله عرضی‌ندارم

رئیس — اعتراضی در صورت مجلس نیست ؟

امیر اعلم — دوتوضیح بنده‌داده بودم‌هیچکدام درصورت مجلس‌نیست

رئیس — اضافه‌میشود ملاحظه مفرمائیددیگر اعتراضی‌نیست ؟آقای‌محقق‌العلماء

محقق العلماء - بنده هم همین عرض را میخواستم‌بکنم که‌آقای امیراعلم گفتند آقای معتضد الدوله هم باتفاق تصویب‌شدند

رئیس — بسیار خوب آنهم تصحیح میشود بعد از این دو فقره دیگر دیگر اعتراضی نیست ؟ (گفته شدخیر)•

رئیس — صورت مجلس با این اصلاحات تصویب‌شد.

چند فقره راپورت راجع باعتبار نامهٔ بعضی‌از نمایندگان‌هست که امشب‌بایستی قرائت نموده ورأی بگیریم

(خطاب بآقای سردار معظم) راپورت راجع بآقای صمصام السلطنه را چرا مسترد نفرمودید ؟ تقدیم میشود

رئیس — پس تشریف بیاورید راپورت راجع بآقای تدین را قرائت فرمائید.

(آقای سردار معظم راپورت شعبه پنجم را بمضمون ذیل‌قرائت‌نمودند)

شعبه پنجم بدوسیه انتخابات سه‌نفرازنمایندگان طهران که بشعبه رجوع شده بود رسیدگی‌و نظریات خود را ذیلا بعرض مجلس شورای ملی میرساند تشکیل انجمن نظارت و جریان انتخابات طهران موافق باقانون بوده واشکالی ندارد فقطاشکالی که بنظر شعبه رسید راجع بآراء کن و سولقان است تفصیل آنهم بشرح ذیل است.

در ۲۲ ذیقعده راپورتی‌بانجمن نظارت‌مرکزی رسیده است که نایب الحکومه کن‌اهالی کن‌وتوابع را تهدید ومجبور کرده است درباره اشخاصی که او در نظر دارد رأی‌بدهند...

حاج شیخ اسدالله — راپورت از کجا رسیده.

سردارمعظم — ازکن •

حاج شیخ اسدالله — کی‌بوده است ؟

سردارمعظم — چه‌عرض‌کنم پس ازوصول این راپورت ازطرف انجمن دونفر ازاعضاء انجمن در معیت رئیس کابینه حکومت‌برای تحقیقات محلی فرستاده شده اند و پس از مراجعت تصدیق تهدید نایب الحکومه رادر انتخابات کرده انجمن مرکزی الغاء آراء ماخوذهٔ دوروزه راکرده و نایب الحکومه نیز منفصل شد وبرای اجرای‌امر الغاء آراء دونفر ازاعضاء انجمن جزء یکن فرستاده‌شده‌اند مشارالیها در محل اطمینان لازمه را درآزاد بودن انتخابات داده وآراء مأخوذه را از صندوق خارج و بدون قرائت درآب شسته‌اند نایب الحکومه کن‌نیزمنفصل شده‌است مستنطقی هم در معیت دونفر مأمور ابطال آراء کن‌بمحل فرستاده شده که تحقیقات محلی در وقوع آن امر بنماید ولی درصورت مجلس دیگر ذکری ازنتیجهٔ تحقیقات مستنطق نمی‌نماید• برای اینکه شعبه امعان نظر کامل درمدارك تصمیم وحکم انجمن نظارت بکند لازم دانست که راپورت‌مأمورین ومدارك تصدیق سوء جریان انتخابات کن رادیده‌و پس از راپورت تحقیقات مستنطق نیز اطلاع حاصل نماید زیرا که مفهوم صورت مجلس این است که پس از راپورت مأمور تحقیق وصدور حکم بطلان آراء کن وسولقان باز خود انجمن مطلب‌را محتاج بتحقیق دانسته‌است‌ومستنطق برای‌تحقیقات‌دروقوع‌این امرا عزام‌شده‌است‌ولی‌چون تأخیردادن راپورت‌بمجلس مقتضی نبود باذکر اینمسئله که درهر صورت انجمن نظارت‌حق باطل کردن‌آراء نداشته‌وبرفرض‌صحت‌سوء جریان‌انتخابات کن‌بایدخود‌آراءاورا‌پورتهای‌مامورین تحقیق ضمیمه صورت‌مجلس میشد وشعبه اقدام‌انجمن نظارت را برخلاف قانون دانسته متذکر آن میشود که نظائر آن در آتیه تکرار نشده سابقه شمرده نشود ولی البته این عدم مراعات قانون مبطل‌اساس انتخابات شمرده نمیشود و بالنتیجه شعبه پنجم‌صحت انتخابات طهران‌ونمایندگی آقای‌تدین‌را کباکثریت ۳۰۵۲ رأی انتخاب شده اند تصدیق مینماید.

حاج شیخ اسدالله — بنده یك توضیحی میخواهم .دراین‌راپورت‌نوشته شده است که‌راپورتی بانجمن‌نظارت‌مرکزی‌ازسوءجریان‌انتخابات کن‌رسیده و انجمن‌نظارت‌دونفرنماینده‌فرستاده‌وآن‌دونفرنماینده‌تصدیق کرده اند که انتخابات کن جریان قانونی نداشته ولی بااینکه در خود راپورت‌هم تصدیق کرده‌اند که انجمن خود را بتحقیقات کاملتر محتاج دانست و مستنطق فرستاد برای کشف قضیه معذالك هنوز که جزئیات تحقیقات معلوم‌نشده انجمن نظار دستورداده که آراء کن‌را باطل کنند خود شعبه در راپورت اشعار داشته که این حق‌را انجمن نظار نداشته که آراءمأخوذه را باطل کند ومطابق قانون درصورتی که سوء جریانی در انتخابات مشاهده بکند و آراء را باطل بداند باید ضمیمه صورت مجلس بنمایدتا درخود مجلس رسیدگی بعمل آید . شعبه این را تصدیق نموده که عملیات انجمن نظار ازروی‌صحت نبوده چنانچه آقای مخبر فرموده‌اند برای این که بعد ازاین در موقع انتخابات یکچنین اقدامی نشود وانجمن نظار خودش یك آرائی‌را باطل نکند ودر صورتیکه آراء را باطل بداند باید ضمیمه صورت مجلس بکند این عرض را میکنم برای اینکه این اقدام انجمن برخلاف رویه بوده بااین تفصیلی که آقای مخبر فرموده‌اند که این اقدام انجمن نظار برخلاف رویه قانون انتخابات بوده باز میفرمایند شعبه تصدیق صحت انتخابات‌طهران‌را کرده‌خواستم آقای مخبر توضیح بدهند که نظر شعبه چه بوده که صحت انتخابات طهران را تصدیق کرده بااین که دررا‌پورت مینویسد (که اقدام انجمن برخلاف قانون بوده)

سردار معظم اولا باید یك مختصرتوجهی بشود که مستقیماً از طرف انجمن نظار مستنطق فرستاده نشده تفصیل‌این بوده انجمن‌نظارت‌مرکزی که مسئول صحت انتخابات است راپورتی باورسیده که در کن اعمال نفوذهائی از طرف نایب‌الحکومه می‌شود انجمن نظارت مرکزی سه نفر را برای تحقیق بمحل فرستاده یعنی یك نفر نماینده که رئیس کابینه حکومتی بوده از طرف حکومت و دونفر از اعضای انجمن بمحل رفته تحقیق کرده و برگشته آمده‌اند و اطلاع داده وصحت آن‌راپورت اول یعنی موجود بودن اعمال نفوذ را در انتخابات کن تصدیق نموده‌اند انجمن نظارت پس ازرسیدن راپورت معمولی خودش دونفر دیگر از اعضاء انجمن نظارت جزء یعنی انجمن نظارت چالمیدان رامأمور کرده که حکم انجمن نظارت مرکزی که مبنی برابطال آراء کن بوده مجری دارند و ضمناً هم مراجعه بدوسیه کرده‌اند وانفصال نایب الحکومه کن را خواسته‌اند پس از انفصال نایب الحکومه او آمده‌است اینجا وخواسته است. برائت ذمهٔ‌حاصل بکند لهذا اظهاراتی کرده است که اینها دروغ بوده است من هیچ دخالت در انتخابات نداشتهام و برای اینکه رعایت مراتب اخلاقی شده باشد ثانیاً به مستنطق از طرف وزارت عدلیه امر شده است برود درمحل و تفتیش بکند که واقعاً اشخاص که وسائل نفوذ نایب‌الحکومه بوده‌اند کیها بوده‌اند از این نقطه‌نظر وقتیکه‌وارد حل قضیهٔ شویم‌بایدمطلب را بفهمیم که انجمن نظارت خلاف‌قاعده رفتارنکرده فقط چیزیکه هست انجمن نظارت مرکزی حق نداشته که آراء را بشوید شعبه هیچ تردیدی در اینموضوع ندارد وخود شعبه هم این نکته‌را متذکر شده که مطابق قانون باید کلیهٔ آراء تردید به ضمیمهٔ صورت مجلس بشود ولی‌اینکار نشده لیکن شعبه این مسئله‌را ذیمدخل دراساس‌انتخابات طهران نمی‌دانست وبه‌این جهت درراپورت‌خودش‌ذکر کرده است که انجمن‌های نظارت دیگر درآتیه این عمل را تکرارنکنند واگردر مواقعی لازم میدانندآراءی باطل بکنند آن آراء را نسوزانند (مثل اینکه‌در مازندران سوزانیده‌اند) ونشویند مثل اینکه در کن شسته‌اند بلکه باید ضمیمه صورت مجلس بکنند تامحکمهٔ آخری انتخابات که مجلس شورای ملی است‌بامراجعه بتمام اسنادموجوده بتواند عقیده‌خودش را درانتخاب‌یك‌محلی ذکر بکند چنانکه درراپورت ملاحظه می‌فرمائید شعبه بااین نظریه‌هم موافق بوده وبهمین جهت ذکر کرده . حالا میماند اثر آراء کن در انتخابات طهران تصدیق می‌فرمایند که انجمن نظارت انتخابات مطابق قانون مسئول صحت انتخابات است‌وقتی‌راپورتی میرسد بانجمن نظارت که دریك‌منطقه‌ودریك حوزه کوچکی درانتخابات اعمال نفوذ میشودمردم‌دررأی‌خودشان آزادنیستندوآن‌نفوذ هم ازطرف یکنفر مأمور رسمی دولت‌میشود مکلف است در مرحله اول بتحقیق وپس از آنکه بوسیله

مأمورین خود تحقیقات خودش را کامل کرد آنوقت نمیتواند آن آراء را معتبر بشمارد تکلیف اینست که آنرا کان لم یکن فرض کند باز تکرار میکنم که بایستی آن آراء را حفظ و بصورتمجلس ضمیمه کند وبرمردم خاطر نشان بکنند که شما دررأی‌دادن خودتان آزاد هستید واجباری در کارنیست وبالاخره اینعمل را هم انجمن مرکزی و هم شعبه جزء کرده اند وبعلاوه امروزه همان نظری که شعبه چهارم‌اعمال کرده است ماهم شریك بوده‌ایم یعنی لازم‌دانسته‌ایم تخطی از ظاهر مواد قانون و حتی سکته نرساندن این تخطی از ظاهر قانون بصحت جریان انتخابات را در راپورت ذکر کردیم و مجلس شورایملی هم که امروز در مورد چهار نفر از نمایندگان طهران باتفاق رأی داد معلوم میدارد که اینمطلبرا تصویب کرده است پس بنابراین قبلا در اینموضوعی که آقا اظهار داشتند از طرف شعبه اشاره بآن شده است ونظر مجلس هم معین شده

حاج شیخ اسدالله - بنده عرضی ندارم در اینکه مجلس یکعده از نمایندگان طهرانرا در جلسه امروز صبح تصویب فرمودند ولی ..

رئیس - پس شما مخالف هستید

حاج شیخ اسدالله - نه خیرمخالف نیستم وتوضیح می‌خواهم

رئیس - باسم توضیح مخالفت میفرمائید .

حاج شیخ اسدالله - نه خیرمخالفت نمیکنم سئوال میکنم که توضیح بدهند مطلب روشن شود اگر اجازه میفرمائید عرضکنم ؟

رئیس - بفرمائید .

حاج شیخ اسدالله - خواستم سئوال بکنم که انجمن نظار جزء با این راپورتی که به انجمن مرکزی داده اند موافق بوده است و یا نظریات انجمن جزء که در کن تشکیل شده مخالف بوده‌است این را توضیح بدهید که مسئول انتخابات حوزه‌های جزء انجمن نظارت جزء است یا انجمن نظارت مرکزی ؟

سردار معظم - این مطلب اساساً نظری است وهنوز حل نشده مطابق انتخابات مسئول‌صحت انتخابات حوزهٔ انتخابیه مرکزی است منتهی اینست که انجمن های جزء تشکیل میشود برای تسهیل و تعمیم شرکت اهالی در انتخابات یعنی اشخاصی که بواسطه بعد مسافت نمیتوانند بیایند درمرکزانتخابیه شرکت کنند انجمن های جزء تشکیل می‌شود که همانجا اهالی رأی بدهند ولی تشکیل انجمن های جزء هیچ نوع سلب مسئولیت از انجمن نظارت مرکزی نمیکند وبالاخره درمرحلهٔ آخرمسئول‌صحت جریان انتخابات همان انجمن مرکزی است حالا فرض کنیم باین مطلب قائل نباشیم وخودمهم بگوییم اینمطلب قابل تعبیر است زیرا می‌توان گفت که‌چون برای انجمن نظارت جزء یك وظائف خاصی معین نشده لهذا انجمن‌جزء هم دارای تمام وظائف‌انجمن نظارت مرکزی است ولی در اینمورد خاص ما میبینیم که نظر آقای حاج شیخ اسدالله هم تأمین شده است زیرا نظریهٔ انجمن جزء اگر در صورت مجلس اثباتاً نیست نفیاً هم نیست باینمعنی که وقتی از انجمن نظارت مرکزی مأمور فرستاده شد آنها بشعبه کن رفته ونظارت‌خودرا در آراء کن نموده‌اند وبعد حکم بابطال آراء کن شده انجمن نظارت‌جزء اعتراضی در مقابل اقدام انجمن مرکزی نکرده و تصدیق کرده پس بنابراین خود انجمن جزء هم مصدق اعمال انجمن مرکزی است واحتمال قوی هم میرود که راپورت دهنده چون معلوم نیست کیست شاید از اعضاء انجمن نظارت جزء باشد وچون‌خود صلاحیت دادن حکم قطعی را درخودش نمیدیده‌است لذا رجوع کرده است بمرکز اصلی که‌انجمن‌نظارت مرکزی طهران باشد پس از این نقطه نظر هم تصور می کنم نظر آقای حاج شیخ اسدالله تأمین شده باشد .

رئیس - غیراز توضیح دیگراعتراضی نیست (گفته شد خیر)

پس رأی می گیریم بنمایندگی آقای تدین . آقایانیکه تصویب می فرمایند قیام نمایند . (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

آقای آصف الممالك - راپورتی راجع بنمایندگی آقای سلیمان میرزا

(آقای‌آصف الممالك راپورت شعبه چهارم را راجع بانتخاب آقای سلیمان میرزا بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه چهارم درتاریخ ۳ ذیقعده ۱۳۳۹ بشرحی که در راپورت نمره ۷ خود راجع بملاحظه صورت مجلس انتخابات طهران وتوابع آن بمجلس شورای ملی تقدیم داشته باعتبار نامه شاهزاده سلیمان میرزا رسیدگی و نظر بصحت انتخابات مزبور نمایندگی معزی الیه را ازطهران وتوابع که باکثریت ۶۴۸۳ رأی از ۱۱۸۰۳ رأی انتخاب کنندگان است تصدیق و بصحت اعتبار نامه ایشان باتفاق آراء رأی میدهند .

رئیس مخالفی هست یانیست ؟ (اظهاری‌نشد) رأی میگیریم بنمایندگی آقای سلیمان میرزا . آقایانیکه نمایندگی ایشانرا تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد .

آقای آقا شیخ محمد جواد . (احضار برای قرائت راپورت) (آقای‌آقا شیخ‌محمد جواد راپورت شعبه اول را راجع بنمایندگی آقای عدل السلطنه بمضمون ذیل قرائت کردند)

شعبهٔ اول درتاریخ بیست وهشتم شوال بدوسیهٔ انتخابات بم رسیدگی‌نموده راپورت آنرا ذیلا بعرض میرساند انجمن نظارت مرکزی بم درغرهٔ شهررجب تشکیل شده دو شعبه نظارت جهت نرماشیر و راین معین‌کرده درشهر بم پس از نشر اعلان ۷۸۱ تعرفه توزیع ۶۷۷ رأی اخذ کرده‌اند در دو شعبهٔ راین و نرماشیر ۱۶۴۰ ورقه تعرفه داده ۱۶۳۶ ورقهٔ رأی گرفته اند کلیتاً دربم و راین ونرماشیر ۲۵۱۶ ورقهٔ تعرفه داده شده ۲۳۱۳ ورقهٔ رأی گرفته شده‌است .

آقای عدل السلطنه باکثریت ۱۳۹۱ رای بسمت نمایندگی انتخاب شده اند انجمن‌نظارت مرکزی پس‌از خاتمهٔ انتخابات یکهفته برای اخذ شکایات دائربوده‌چون‌شکایتی‌بانجمن نرسیده انجمن منحل گردیده تلگرافی بامضاء چند نفر از رعایای راین و شریعتمدار راینی بوزارت داخله رسیده که شکایت از آزاد نبودن انتخابات راین مینماید در مقابل تلگرافی بوزارت داخله مخابره شده است بامضاء جمعی که اغلب امضاء کنندگان اشخاصی‌هستند که تلگراف شکایت باسم آنها امضاء شده است مبنی بر آزاد بودن انتخابات راین واینکه تلگراف شکایت باسم آنها جعل شده و اظهار بی‌اطلاعی از امضاء تلگراف شکایت کرده اند تلگرافی هم از ایالت کرمان در دوسیه موجود است که در مقابل توضیحات وزارت داخله شکایت متشکیان‌را تکذیب کرده وآزادی انتخابات راین را تصدیق مینماید و نیز تلگرافی اخیراً بامضاء چهل وپنج نفر بمجلس مخابره شده که انتخابات بم مبنی برتهدید بوده‌است شعبهٔ اول تلگرافات‌را تحت‌مطالعه قرارداده مدرکی برای اثبات عدم‌آزادی ندیده که بتواند ترتیب اثری بآنها بدهد چون جریان انتخابات را هم مطابق قانون دیده صحت انتخابات بم و نمایندگی آقای عدل‌السلطنه را تصدیق مینماید .

رئیس - گویا مخالفی نباشد - (گفته شد خیر) رای میگیریم بوکالت آقای عدل‌السلطنه آقایانیکه تصویب میفرمایند قیام کنند — (اغلب نمایندگان قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد . آقای آصف الممالك (احضار برای‌قرائت راپورت) (آقای آصف‌الممالك راپورت شعبه چهارم را بمضمون ذیل‌قرائت نمودند)

شعبهٔ چهارم در تاریخ ۳ ذیقعده ۱۳۳۹ در تعقیب جلساتیکه بدوسیهٔ انتخابیه حوزهٔ نیشابور و توابع آن رسیدگی و مدافهٔ لازمه بعمل آمده بود نظر باینکه اولا در جریان انتخابات حوزهٔ مزبوره بطوریکه از صورت مجلس انتخابات آن حوزه بر میآید کاملا رعایت مطابقت بامواد قانونی بعمل‌آمده و دیگر هیچگونه شکایت و اعتراضی نه در مدتیکه انجمن نظارت برای اصغاء شکایات نشسته و نه بعد ازآن‌نسبت بانتخابات‌آنجاملاحظه نگردید نمایندگی آقای عمیدالسلطنه‌را از نیشابور وتوابع که باکثریت ۸۷۳۲ رای از ۹۷۶۵ رای انتخاب کنندگان است تصدیق و بصحت اعتبار نامهٔ ایشان باتفاق آراء رأی میدهد .

رئیس - مخالفی نیست راجع باین راپورت ؟ (مخالفی نبود) رأی میگیریم بمدلول این راپورت آقایانیکه نمایندگی آقای عمیدالسلطنه را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - تصویب‌شد . - راپورت راجع‌بآقای سردار معظم کردستانی سابقاً قرائت وطبع و توزیع شده اگر مخالفی هست اظهار نمایند؟ (اظهار شد کسی مخالف نیست) .

رئیس — رای میگیریم آقایانیکه نمایندگی ایشانرا تصویب میکنند‌قیام نمایند(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد . چون جلسه را دو ساعت بغروب مانده خبر کرده بودم ومعلوم شدبعضی از آقایان نمایندگان مطلع نبودند و دیر تشریف آوردند وعده کافی نبود این بود که جلسه خیلی‌دیر تشکیل شد حالا هم چون خیلی از شب گذشته اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم بکنیم - (جمعی تصدیق کردند) - وچون فردا روز سال وفات‌مرحوم مغفور میرزای شیرازی اعلی‌الله مقامه است ودرمسجد سلطانی از دو ساعت بغروب تا سه ساعت از شب گذشته مجلس ترحیم خواهد بود ونظر باحترام روز وفات آنمرحوم اگر آقایان موافق باشند جلسه فردا تشکیل نشود - (عموم نمایندگان تصدیق کردند) آقایان هم البته تشریف آورده وشرکت خواهند کرد - (بعضی اظهار داشتند البته همه‌شرکت خواهند کرد) جلسهٔ آتیه هم روز سه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر خواهد بود (مجلس دو ساعت‌از شب گذشته ختم شد .)

رئیس مجلس شورایملی — **مؤتمن الملك**

جلسه ۱۰
صورت مشروح مجلس صبح یوم سه‌شنبه چهارم ذی‌حجه۱۳۳۹
مطابق۱۷ برج‌اسد۱۳۰۰

مجلس دوساعت قبل‌ازظهر درتحت‌ریاست آقای مؤتمن‌الملك تشکیل گردید .

صورت مجلس لیلهٔ یکشنبه دوم را شاهزاده نصرت‌الدوله قرائت نمودند .

رئیس — نسبت بصورت‌مجلس اعتراضی‌هست؟ (گفته‌شد خیر) صورت‌مجلس تصویب‌شد .

شب‌یکشنبه دوجلسه منعقدشد خیلی منتظرشدیم که عده کافی شود بالاخره عده ۵۴ نفر شد وبرای مذاکرات کافی بود بعد معلوم شد در موقع رأی گرفتن یکنفرازآقایان‌نمایندگان‌خارج‌شده وآقایان منشیانهم ملتفت این‌امر نشده‌بودند راجع به‌پنج فقره اعتبارنامه در اینجا خوانده شد ورأی گرفته وتصویب شد تماماً باطل بوده‌است خواستم این‌مسئله‌را بعرض آقایان برسانم که درجلسه‌بعداین‌امررا اصلاح وترمیم کنند (بعضی گفتند صحیح است) .

رئیس — آقای آصف‌الممالك (احضار) راپورتی‌است راجع به‌آقای‌مدرس بایدقرائت‌شود .

(آقای آصف‌الممالك برای قرائت راپورت درمحل نطق حاضرشدند) .

شیخ‌الاسلام — بنده عرض میکنم چرا جلسهٔ بعد ؟ .

رئیس — شما تازه تشریف آورده‌اید و از نظامات مجلس مطلع نیستید .

شیخ الاسلام — خوب است بفرمائید تا مطلع شوم .

رئیس — بایستی اول اجازه بخواهید آنوقت حرف بزنید .

شیخ‌الاسلام — یك‌مرتبه دست بلند کردم و اجازه خواستم جوابی داده‌نشد .

رئیس — مطلبی دارید اظهار نمائید .

شیخ‌الاسلام — عرضم این است که فرمودید آن اعتبارنامه‌های پنجگانه که باطل شده است جلسهٔ بعد درآنها رأی گرفته‌میشود دلیل اینکه جلسهٔ‌بعد درآنها رأی‌گرفته میشود چه‌چیز است ؟ .

رئیس — برای اینکه آقایان ملتفت این امر نبودند در هر امری که پیش می آید باید قدری تأمل بشود بعد اقدام بشود بهتر است (تصدیق کردند) .

رئیس — آقای حاج‌شیخ اسدالله راجع باین مطلب است ؟ .

حاج‌شیخ‌اسدالله — بلی . ممکن است جزء دستور همین‌جلسه شود وبعد از خواندن اعتبارنامه‌ها رأی گرفته شود .

رئیس — اگر اصراری در این کار دارید پیشنهاد بفرمائید تا رأی بگیریم .

حاج‌شیخ‌اسدالله — چشم .

رئیس — (خطاب به‌آقای آصف‌الممالك بفرمائید) .

(آقای آصف‌الممالك راپورت شعبه چهارم‌را راجع به‌نمایندگی آقای‌مدرس بمضمون ذیل قرائت نمودند) .

چون برطبق صورت مجلس انتخابات طهران آقای حسینعلیخان نواب وزیر مختار مقیم برلن که یازدهمین نمایندهٔ طهران و توابع آن محسوبند و باکثریت ۳۱۷۲ رأی از ۱۱۸۰۳ رأی انتخاب کنندگان حوزه مزبور به نمایندگی تعیین شده اند بموجب تلگرافاتی که ازایشان بوزارت خارجه رسیده و سوادمصدق‌آن در دوسیه انتخابات ضبط است از نمایندگی استعفاء نموده وماده ۴۳ قانون انتخابات نظر باینکه هرگاه نماینده قبل از گرفتن اعتبارنامه قبول‌نمایندگی ننماید ازبقیه منتخبین آن‌حوزه کسیکه نسبتاً حائز اکثریت‌است به‌نمایندگی تعیین میشود و بر حسب دفاتر ثبت آرائیکه از انتخابات طهران موجود است پس‌از آقای نواب اکثریت اول شامل مرحوم آقای سیدحسین اردبیلی وثانی مرحوم‌حاجی محمدتقی شاهرودی بعد از آن آقای ملك‌الشعراء بوده است که اولی دارای ۳۹۹۲ رأی ودومی‌دارای ۲۹۹۰ رأی وسومی‌دارای ۲۸۶۹ رأی ثابت بوده اند وچون مدلول ماده ۴۳ شامل حال آن‌دونفرنیز گردیده باین‌معنی که هردو قبل‌از قبول نمایندگی و دریافت اعتبارنامه وفات‌نمودند‌ناچاربرحسب ماده‌مزبور شخصی که بعداز دونفر متوفی حائزاکثریت‌است باید به‌نمایندگی تعیین ومعرفی شود وبهمین‌جهت وزارت داخله در۹ جدی ۱۲۹۹ مطابق۹ ربیع‌الاول۱۳۳۹ که بر حسب ارادهٔ ملوکانه افتتاح مجلس چهارمین دوره تقنینیه‌رامیخواست در آتیه نزدیك اعلام نماید باایالت‌طهران‌نوشت که چون آقای‌حسینعلیخان‌نواب از نمایندگی استعفاء داده‌اند معلوم دارند واز هرکس از منتخبین بعد از ایشان حائز اکثریت بوده هیئت نظارمرکزی مراجعه‌شود اعتبارنامه نمایندگی اورا تهیه وتوسط وزارت‌داخله باداره مباشرت‌مجلس شوری اعلام‌گردد واز ایالت طهران در ۲۲ جدی ۹۹ بوزارت داخله مینوسد که‌چون اکثریت بعد از آقای نواب شامل حال مرحومین آقا سید حسین و حاج‌محمدتقی نموده وآنان‌نیز قبل‌از قبول وفات‌یافته اند و (آقای ملك‌الشعراء هم که آراء ثابته ایشان برآراء ثابته آقای‌مدرس مقدم نموده ودرآن تاریخ به نمایندگی بجنورد معرفی و اعتبار نامه دریافت کرده اند) .

لهذا اکثریت شامل آقای‌مدرس است وایشان را به نمایندگی معرفی مینماید و در همان اوقات وزارت داخله بآقای مدرس نمایندگی ایشان‌راابلاغ ورد یاقبول را استعلام‌می کند ومعظم‌له‌قبول‌نمایندگی را بوزارت داخله اظهار وبرحسب مراسله از وزارت داخله به ایالت طهران مقرر میشود که انجمن نظار را جمع و تعیین تکلیف اعتبارنامه آقای مدرس را معلوم وبوزارت داخله اطلاع‌بدهند . اقدام این امر باقضایای نودروزه کودتامصادف وتعیین این تکلیف دربوته اجمال‌مانده‌است تا دراواخر رجب گذشته که موجبات افتتاح مجلس‌فراهم میشود مجدداً ازوزارت داخله بحکومت‌طهران‌مراجعه‌وحضور آقایان‌نظارومدارك اعتبارنامه را حاضرمینماید حکومت نیز آقایان‌نظار را بدفعات دعوت وپس حضور قضیه‌را مطرح بحث قراردادند مطابق دوفقره نوشته که یکی درتاریخ ۱۵ شوال گذشته ودیگری درتاریخ ۲۳ شهرمزبوراست هیئت نظار پس از مراجعه بجوابهای آقای‌نواب که توسط وزارت خارجه بوزارت داخله مخابره شده نظربا‌ینکه درجوابهای مزبوره‌تصریح بکلمه‌استعفاء نشده استعفای قطعی‌را استنباط ننموده وازآن رو از دادن اعتبارنامه احتیاط ورزیده و استعلام مجددیرا ازآقای نواب بحکومت طهران پیشنهاد مینمایند و بهمین تفصیل از حکومت طهران بوزارت داخله و از وزارت داخله بمقام ریاست مجلس شورایملی حاکی از این است که از جوابهای سابق ولاحق آقای نواب و اطلاع از جریان امور استعفای آقای نواب را کاملا وزارت داخله استنباط نموده‌و مخابره و استعلام مجددش راضرور ندانسته است .

هیئت رئیسه مجلس شورای ملی نیز بر حسب وظیفه قانونی رسیدگی و حکمیت مسئله را بموجب

ماده ٤ وماده ١٤٧ نظامنامه داخلی بشعبه ٤ رجوع و محول داشت علیهذا شعبه ٤ پس رسیدگی وتدقیقات واقعه که در اطراف قضیه بعمل آورده و در جلسات عدیده تبادل نظر نموده بالاخره در سیم ذیقعده ٣٩ رأی قطعی خود را بشرحیکه اظهار میشود بمجلس شورایملی عرضه میدارد بنابراین در مرحله اولیه که انتخابات تهران خاتمه یافته است ولایات طهران مراتب را بوزارت داخله اطلاع ونمایندگان حوزه انتخابیه طهران را معرفی نموده راجع به نمایندگی آقایان مهاجرین که در خارج بوده اند ازوم اطلاع بآنهارا از رد وقبول نمایندگی پیشنهاد می کنند و در همان تاریخ وزارت داخله بوزارت خارجه مراجعه و مرحوم علاءالسلطنه تلگرافی که حاکی از نمایندگی آقایان تقی زاده و سلیمان میرزا و مساوات وآقا میرزا طاهر وخود نواب است به آقای حسینعلی خان مخابره و در آخر تلگراف مزبور نظردولت را که استقرار آقایان نواب بر مقام نمایندگی مختار دولت علیه در برلن باشد بایشان خاطرنشان نموده و اظهار میدارد که بواسطه اهمیت موقع نظر دولت بر این است که جنابعالی از قبول نمایندگی استعفاء وخدمات مهم تری رادر آنجا عهده دار باشید ودرجوابی که آقای نواب در آنتاریخ بوزیر خارجه میگویند نظردولت را که حاوی استعفای خودشان از مقام نمایندگی است تصدیق مینمایند که عین جواب برای اطلاع مجلس درج میشود (وزارت خارجه تقی زاده سلیمان میرزا ٠ مساوات ٠ میرزا ـ طاهر وکالت را قبول و درباب خود بنده نظردولت را تصدیق ولی با نرسیدن مقرری تکلیف چیست و هیجدهم ربیع الاخر ١٣٣٦ حسینقلی) در تاریخ ٢٦ شهریور مزبور مرحوم علاءالسلطنه بر حسب مدلول جواب آقای حسینقلی خان (نواب) در جواب ایشان مجدد تلگراف ذیل را مخابره مینماید (حسینقلی خان نواب در خصوص تقی زاده ٠ سلیمان میرزا طاهر بوزارت داخله اطلاع خود جنابعالی موافق صلاح مملکت باید در برلن بمانید مقرری هم بزودی خواهد رسید علاءالسلطنه) هرچند ازجواب مزبور وتصدیقیکه راجع به نظردولت در توقف بران واستعفای ازوکالت آقای نواب نموده بخوبی واضح است که ایشان باقی بودن در مقام خود و استعفای از نمایندگی مرجح شمرده و بهمین عزیمت باقی بوده اند باایـن حال درنهم ربیع آخر ١٣٣٩ که بنای افتتاح مجلس بوده است از وزارت مجدداً به آقای نواب مراجعه و برای اینکه افتتاح مجلس را در نیمه دسامبر مقرر داشته بودند تلگرافاً بایشان اخطار میشود که چنانچه ایشان وآقای تقی زاده قبول نمایندگی را نموده اند بفوریت اعـلام داشته زودتر حرکت نمایندو دراین مخابره اشعار برجحان توقف ایشانهم در برلن نشده بلکه ردو قبول را موکول به رأی خود ایشان گذارده نهایت ازوم حرکت رااخطار کرده اند مجدداً آقای نواب بشرح ذیل جواب میدهد بعد عنوان نمره ٨٧ زیارت آقای تقی زاده وکالت را قبول کردند متمنی هستند اعتبار نامهٔ ایشان را از مجلس گذرانیده بفرستید منتظر هستند وسائل مسافرت قدری سهل تر شود بواسطه بی ترتیبی راه ها و ضعف بنیه حرکت فوری را لازم میدانید بواسطه همین مشکلات از قبول وکالت معذورهستم حسینقلی از ملاحظه و تطبیق این سؤال و جوابها و تصدیق اول آقای نواب نظر دولت را باینکه استعفا از نمایندگی نموده و در مقام خود بر قرار بماند و جواب ثانوی که اشعار میدارد آقای تقی زاده وکالت را قبول و منتظر گذشتن اعتبار نامه و تسهیل وسائل حرکت هستند ولی من بهمین جهات از قبول وکالت معذورم ٠ بخوبی واضح است که آقای نواب از قبول نمایندگی معذرت جسته و فی الحقیقه استعفا رادر تلو عبارات دیگری گفته اند و هیچ محتاج نبوده که کلمهٔ استعفاء را در جواب بگویند چه اگر نظر ایشان فی الحقیقة قبول وکالت بوده همان طور که آقای تقی زاده حرکت خود را مشروط قرار داده ایشانهم درصورتیکه بعداز جواب اول تردیدی در قبول نمایندگی حاصل کرده بودند ممکن بود بگویند منهم بفلان ترتیب برای حرکت حاضرم تا چه برسد باینکه مصرحاً بگویند بهمان جهات از قبول وکالت معذور هستم بنا بمراتب معروضه شعبه چون از جواب های آقای نواب و دیگر اطلاعات خارجی استعفای قطعی ایشان را را استنباط نموده مسلم میداند و بشرحیکه درتعرفه راپورت اظهار شده پس از اظهارات از آقایان فوق ـ الذکر اکثریت شامل آقای مدرس میباشد لهذا شعبه نمایندگی آقای مدرس را از حوزهٔ انتخابیه طهران و توابع که باکثریت ٢٨٢٩ رأی ثابت از ١١٨٠٣ رأی انتخاب کنندگان حوزهٔ مزبور است تصدیق وصحت انتخابات ایشان را باتفاق آراء رأی می دهد ٠

رئیس ـ نسبت به راپورت مخالفتی هست یا نه؟

سلیمان میرزا ـ بنده مخالف نیستم یك پیشنهادی نسبت براپورت دارم اگر اجازه بفرمائید چون تعیین دستور مجلس با خود مجلس است همیشه میتواند دستورشراتغییر و تبدیل بدهد این راپورت خیلی مشروح و مفصل است و مخصوصاً جمله اخیر آن که نوشته بودند (بواسطه یارهٔ اطلاعات خارجی) اینست که بنده تصور میکنم قدری دقت در آن لازم است و بدون اینکه بنده اظهار مخالفت بکنم عرض میکنم که هنوز اطلاع کامل از جریان این مطلب که در راپورت پیچیده نوشته شده بود ندارم بنابراین بآقایان رفقا پیشنهاد میکنم که اگر ممکن است این موضوع را بجلسه آتیه موکول بفرمائید تا بنده فرصتی پیدا کنم بشعبه رجوع کنم و دوسیه را بخوانم بعداز روی اطلاع کامل اظهار عقیده بکنم ٠

مستشار السلطنه ـ بنده این نظریهٔ حضرت والا را بیموقع میدانم بجهت اینکه راپورت کاملا قرائت شده حالا اگر نظریهٔ دارند ودرمعنی مخالفت دارند باید او را پیشنهاد کنند ٠

رئیس ـ آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا ـ بنده هیچ نظریه نداشتم و پیشنهادی کردم و عرض کردم که بموجب نظام نامه داخلی مجلس حق دارد دستورخودش راتغییر بدهد اگر آقایان وکلاء اکثریت مجلس بااین پیشنهاد بنده مساعدت می کنند این راپورت بماند برای جلسهٔ آتیه اگر مساعدت نمیکنند مثل سایر پیشنهادها حکمیت با اکثریت است ٠

رئیس ـ آقا سید یعقوب (اجازه نطق)

آقا سید یعقوب ـ این راپورت گمان میکنم هیچ وجه مقتضی ندارد و مخصوصا آن عبارتی راکه آقای نواب در جواب گفته اند : من از قبول وکالت معذرت میخواهم کافی است وبااین تصریح بی جهت اسباب شبهه برای حضرت والا شده ما محتاج باطلاعات خارجی نیستیم صریح تلگراف این است که من از قبول نمایندگی معذرت می خواهم بعد از اینکه این عبارت باین صراحت در تلگراف شده است دیگر گمان نمیکنم جای شبهه باقی باشد وگمان می کنم مطابق فرمایشی که آقای مستشار السلطنه فرمودند مسئله مخالفت باشد والا راپورت جامع است .

آصف الممالك — مخبر شعبه ـ عرض می کنم بقدریکه لازم بوده است در جریان انتخابات طهران واستعفای آقای نواب و تحقیقاتی که راجع باکثریت آراء نسبت بایشان باشد و موضوع اینکه این استعفا واقعاً استیفاء بوده است بعبارت دیگری ذکر شده است یاخیر تمام این تحقیقات درشعبه شده و بقدر کافی در راپورت توضیحات داده شده است اما آن کلمه که میفرمایند (بواسطه تحقیقات خارجی) بلی تحقیقات خارجی این بوده است که از بعضی از آقایان مهاجرین که تحقیقات شده اظهـار داشتند که آقای نواب ازهمان وقت هم مایل آمدن نبودند نظریه دولت را راجع بتوقف درآنجا تصدیق کرده بودند باین جهت درسایر ترتیبات راپورت هم بنده تصور نمیکنم که محتـاج بتوضیحات و مطالعات باشد حالا اگر آقایان پیشنهاد آقای سلیمان میرزا را بپذیرند آن موضوع دیگری است .

رئیس ـ آقا سیدفاضل (اجازه)

آقاسید فاضل ـ بنده چون عضو شعبه چهارم هستم عرض می کنم که آنچه آقای آصف الممالك مخبر شعبه بیان فرمودند در واقع اخبـار از عقیده شعبه بوده ولیکن چون شاهزاده سلیمان میرزا بمجلس پیشنهادی نمودند لازم دانستم بعضی چیزها را عرض بکنم خلاصه راپورت دو مسئله است یکی اینکه آقای مدرس بعد ازقوت دونفر منتخبین طهران اکثریت دارند ویکی اینکه آقای حسینقلی خان استعفاء داده اند انتخاب آقای مدرس هم جزء انتخابات طهران است روش وطرز انتخابات طهران نسبت بتمام نمایندگان طهران یکی است منتهی گفتگوئی که راجع بآقای مدرس هست دوچیز است یکی اینستکه دونفر فوت شده است نوبت بایشان رسیده است ویکی هم آقای حسینقلی خان نواب استعفاء داده اند استعفای آقای بعبارت معذورم یا معذرت می خواهم ذکر شده است واین کنایه است که ابلغ از تصریـح است بعقیده بنده اگر آقای نواب اظهار میکردند مستعفی هستم قریب بتراکت نبود گمان می کنم که این یکی از مواقعی است که کنایه ابلغ از تصریح است و هیچ محتاج بتجدید نظر نیست .

رئیس — پیشنهادی که آقای سلیمان میرزا کردند این بود که این راپورت بماند برای جلسه دیگر

حالا دراینباب رأی میگیریم .

جلیل الملك ـ بنده توضیح میخواهم .

رئیس ـ از آقای مخبر .

جلیل الملك ـ بلی .

رئیس ـ بفرمائید .

جلیل الملك ـ بعداز آنکه وزارت داخله مراجعه کرده است بمجلس ...

رئیس — فعلا در اصل موضوع مذاکره نیست می خواهیم راجع باین پیشنهاد رأی بگیریم که امروز نسبت براپورت رأی گرفته شود یا بماند برای جلسه دیگر آقایانی که عقیده شان این است که امروز رأی گرفته شود قیام فرمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس ـ تصویب شد حالا دیگر آقای جلیل ـ الملك توضیح بخواهند بفرمایند .

جلیل الملك — از آقای مخبر شعبه توضیح می خواهم اینستکه در راپورت می نویسند ازحکومت رجوع بوزارت داخله شده و از وزارت داخله بریاست مجلس می خواهم بدانم بعد چه اقدام شده است .

آصف الممالك — اگر براپورت درست دقت شده بود گمان می کنم تمام این توضیحات درراپورت داده شده بعداز اینکه بعضی اعضاء انجمن از کلمه معذور هستم استعفای ایشان را نفهمیدند باین جهت از ایالت طهران تقاضا کردند که درثانی تلگرافاتی بآقای نواب بشود که ایشان کلمه استعفا را صریحاً درضمن تلگرافشان بگویند از حکومت طهران بوزارت داخله مراجعه میشود وزارت داخله چون خودش استعفای ایشان را استنباط کرده بوده خود را محتاج باین تجدید تلگراف بدانسته مراجعه کرده اند بهیئت رئیسه مجلس وچون از طرف رئیس هم بشعبه رجوع شده است وشعبه هم محتاج ندیده است که تجدید تلگراف وتجدید سؤال بشود زیرا ازجواب آقای نواب چنین مستفاد میشود که ایشان توقف درآنجارا اولی دانسته اند واز وکالت هم خودشان را معذور داشته اند

رئیس — آقای سلیمان میرزا (اجـازه نطق)

سلیمان میرزا — چون همه آقایان بهتر از بنده می دانند که دراطراف این مسئله در داخل خارج چه صحبت ها میشود بنده خواستم با کمال نزاکت تقاضا بکنم که مجلس رأی را بجلسه آتیه موکول نماید تا بنده ازروی اطلاع حرف بزنم ورأی بدهیم چون متأسفانه آقایان وکلاء رأی ندادند بنابراین از یك حق وکالتی که می خواستم ازآن استفاده کنم عرض می کنم مخالفم تا مطالعات خودرا بکنم پس مذاکرات میماند بجلسه آتیه منتهی آنوقت میخواستم اینکار بانزاکت شده باشد .

رئیس ـ این اظهارات بارأی مجلس تناقض دارد چون رأی گرفتیم که امروز رأی گرفته شود لهذا قبلا میبایستی بفرمائید مخالفم باین ملاحظه بنده مجبورم رعایت مواد نظامنامه داخلی را بکنم (جمعی تصدیق کردند)

سلیمان میرزا — در این خصوص دوماده نظامنامه است که بایکدیگر مزاحمت دارد و معلوم نیست تفسیر چه چیز است در نظامنـامه داخلی این مسئله هم مسکوت عنه است یکمرتبه این است که بنده می گویم مخالفم میماند برای جلسه آتیه و یك دفعه بموجب رأی مجلس حالا که پیشنهاد بنده رد شد در هر حال بنده خوشبختانه یا بدبختانه مثل دوره های سابق در اقلیت هستم یعنی اگر دوره های سابق دراقلیت بودم ایندفعه دراصل قلیل هستم ومحققاً هرپیشنهادی بکنم رد میشود . اما بنده که یکنفر وکیل طهران هستم استدعا کـردم و میخواستم ازبرای کسی که بامن در دورهٔ انتخابیـه بوده است بعداز مطالعات بسیار ازروی صحت ودقت رأی بدهم این خواهش بنده را اگر قبول نمی کنند (چنانچه قبول هم نکـردند) اختیار بـا خودشان است و چون بی اطلاع هستم مخالف هستم و رأی نخواهم داد ٠

رئیس — مطالبی راکه میفرمائید صحیح یا سقیم بنده "حق اظـهار" رأی نـدارم بنده بـایستی آنقدریکه میتوانم آقایان را وادار بکنم که نظامنامه را رعایت بکنند (صحیح است) اگر مخالفتی داشتید میخواستید قبلا بفرمائید (صحیح است) بعد ازاین که رأی داده شد که امروز باید رأی گرفته بشود دیگر نمیتوان به تأخیر انـداخت . بماند برای عصر رأی بدهند ولکن برای روز دیگر نمیشود چون آن رأی مجلس با این اظهارات مخالف است (گفتـه شد صحیح است) .

سلیمان میرزا — بنده باز تکرار میکنم که هیچ منظور و اصراری در این مسئله ندارم که امروز عصر باشد یافردا چندساعت وقت میخواهم که دوسیه راباحضور مخبر شعبه مطالعه کنم اگر اکثریت مجلس این چندساعت وقت را بمن نمیدهند مختارند اگرمیدهند از روی دقت مطالعه میکنم ورأی میدهم البته وقتی که وقت ندادند مطابق نظامنامهٔ داخلی اطاعت اکثریت رامیکنم ٠

رئیس — آقای حاج آقا (اجازهٔ نطق) ٠

حاج آقا — بنده تصور میکردم که بعد از گرفتن رأی دیگر این مذاکرات تمام شده چنانچه خود شاهزاده هم این مطلب راتصدیق فرمودند که عجالتاً نظریه اکثریت برای رأی گرفتن امروز بوده وخودشان میدانند که این اظهارات چندان تأثیری در تغییر اکثریت و وضعیت رأی نمی کند و خوب بود ایشان هم همان نزاکت راحفظ میفرمودند لکن بنده برای جمع بین دونظریه تقاضا میکنم که اکثریت با بنده وحضرت والا مساعدت کنند ورأی را بگذارند برای بعد ازتنفس- چون حضرت والاهم برای مراجعه ودیدن یك دوسه ساعت بیشتروقت لازم ندارند مگر اینکه بخواهند تحقیقات از خارج بکنند والا اگـر نظریه ایشان بمراجعهٔ دوسیه است ممکن است حالا تشریف ببرید درشعبه دوسیه هم حاضراست ملاحظه بفرمایند زیرا که صورت جریان انتخابات طهران نسبت به آقای مدرس همان صورتی است که راجع به انتخاب خود حضرت والا است فقط چیزی که هست انتخاب وتعیین اکثریت آقای مدرس بعد ازاستعفای آقای نواب است آقای نواب هم اشکالی در تلگرافشان نیست منتهی بعضی ازاعضاء انجمن نظارت ...

رئیس ـ داخل مطلب شدید . دراصل مطلب نمیخواهیم حرف بزنیم .

حاج آقا — بلی داخل مطلب شدم مقصودم این بود که شاهزاده حالا میتوانند بروند در شعبه تلگراف آقای نواب را به بینند ومطلب را استنباط کنند اگر چه نظرشان بمراجعه دوسیه است همانجا به بینند ونیمساعت هم برای ملاحظهٔ آن کافی است.

رئیس ـ بنده خواستم پیشنهاد کنم که این مسئله وآن پنج فقره که درجلسه قبل رأی گرفتیم و باطل بوده است بماند برای بعد ازتنفس امروز حالا اگر آقایان موافقند نسبت به تمام اینها بعد ازتنفس رأی گرفته شود (بعضی تصدیق کردند) .

تدین ـ بنده عرضی دارم .

رئیس ـ بفرمائید .

تدین — نسبت به تعویق اعتبار نامه آقـای مدرس شرط قبول متقاعد شدن آقای سلیمان میرزا است اگراین مقدار وقت یعنی نیم ساعت برای ایشان کافی است ماهمه موافقیم اگر کافی نیستند وزیادتر وقت بخواهند خوب است معین فرمایند وراجع بآن پنج فقره که فرمودید بنده موافق هستم .

سلیمان میرزا — بنده فقط مخالفتم ازنقطه نظر اجبار بود که به بنده وقت بدهند از روی وقت دوسیه رابخوانم وازمخبر شعبه درآنجاقدری تحقیقات بکنم. عمده چیزی که هست میخواهم اطلاعاتی حاصل بکنم که چرا انجمن نظارت اعتبارنامه نداده اند بدوآاین را بدانم بعد از روی اطلاع عرض کنم خواه درنیم ساعت اینکار بشود خواه زیادتر فقط یك مقدار وقتی میخواهم که تحصیل اطلاعی بکنم .

آصف الممالك — گویا بنده فراموش کرده بودم که علت رأی ندادن آقایان نظاررا در راپورت بعرض آقایان برسانم دوفقره نوشته ازآقایان نظار موجود است که مدلول این دونوشته اینست که از کلمهٔ معذورهستم استنباط استعفاء نمی کنند وچون استنباط نمی کنند علیهذا بهترمیدانند استعلام ثانوی بشود هیچ علت دیگر ندارد صورت آراء هم باتمام دفاتردرشعبه موجود است علت دیگری هم که بتواند نظرآقایان را دراعتبارنامه به تعویق بیندازد موجود نبوده است حالا اگـر حضرت والا بـه راپورت و توضیحاتی که بنده دادم قانع هستند باآقایان نمایندگان موافقت می کنند واگرقانع نیستند منوط به نظریات آقایان نمایندگان است.

رئیس ـ دیگر مخالفی نیست؟ (گفتند خیر) پس آقای سلیمان میرزا اگر نیم ساعت را کافی نمیدانند پیشنهادی بکنند که این مسئله بماند برای عصر امشب بنده رأی بگیرم والا مذاکراتی که در اطراف این مسئله شده است کافی است .

سلیمان میرزا - همان‌طور که حضرت رئیس فرمودند کاملا از آقایان متشکر میشوم و اگر هم مساعدت نمیفرمایند بسته برأی مبارك خودشان است .

آقای مدرس - (اجازه خواستم).

رئیس - مخالفید یاموافق .

مدرس - حق دفاع که دارم .

رئیس - بفرمائید .

مدرس - بنده مکرر از آقای رئیس استدعا کردم که اعتبار نامه بنده را بآخر اعتبار نامه ها بیندازند یعنی بعداز اینکه تمام اعتبار نامه های آقایان وکلاء را خواندند اعتبار نامه مرا بخوانند ولی چون آقایان به بنده خیلی التفات داشتند خواستند زود بگذرد و اتفاقاً امروز شد و چون این کار مختص بخودم است (اگر تا بحال کسی پیدا نشده که‌راجع باعتبارنامه‌خودش در این مجلس دفاع کند و بعد از این هم پیدا نخواهد شد) لکن بنده عرض میکنم در این مذاکراتی که میشود دو مسئله است یکی اجمال کلمه معذرت است که منشاء اینحرف‌هاشد ...

رئیس - قبل از اینکه‌داخل در مطلب شویم میخواهم به بینم که این مسئله بماند برای جلسه عصر یاخیر .

مدرس - میخواهم توضیحی عرض بکنم بعداز آنکه مجلس‌شورای‌ملی رأی داد که این رأی حالا بایدگرفته شود .

قانوناً هیچ کس حق مخالفت ندارد (گفته‌شد صحیح است) مخالفتی که قانون اجازه نداده است بد است وعقب انداختن این امر خلاف صریح‌قانون ونظامات مجلس است مگر اینکه یك‌قانون علیحده مجلس وضع کند والا باید حالا رأی گرفت واین مخالفت بی‌اثر است .

رئیس-آقای‌سردار معظم‌خراسانی(اجازه‌نطق)

سردار معظم — اولا تصور میکنم رأیی که مجلس داد مربوط‌بامروز بود نه حالا برای اینستکه دراین مجلس گفته بشود که اکثریت مطابق تصمیمات قبلی خودش رفتارمیکنند وبرعکس همه بدانند که‌هر اکثریتی که درمجلس تشکیل می‌شود فقط پایند بانشر پیشنهاد است ونظر دیگری ندارد لهذابنده‌با پیشنهادشاهزاده سلیمان میرزاموافقت میکنم‌ونظامنامه داخلی مجلس هم بهر یك از افراد نمایندگان حق میدهد که با هر اعتبارنامهٔ که می خواهند مخالفت کنند . شاهزاده سلیمان میرزا ابتداء خواستند بایك نزاکتی مخالفت کنند وبالاخره اظهار مخالفت‌نمودند مطابق نظامنامه داخلی باید این مطلب موکول بجلسه بعد شود واگررأی گذشته‌مجلس نبود مطلب‌موکول بجلسه بعد میشد ولی چون نسبت باین مطلب رأی داده شده باید هردوطرف قضیه مراعات شود باین جهت طبیعی ترین طرفش این است که جلسه‌بماند برای عصر و مخصوصاً بنده یکی از موافقین‌صحت انتخاب آقای مدرس هستم زیرا که این انتخاب‌چه از نقطه نظرجریان‌انتخابات وچه ازنقطه صلاحیت‌منتخب صحیح بوده ومحل تردید نیست ولی‌برای اینکه‌هیچ شائبه وهیچ سوء تفاهمی براین زمینه باقی نماند ما باید بتمام مخالفین اجازه بدهیم بهرنحوی که‌بخواهند بانهایت آزادی مخالفت خودرا اظهار نمایند (بعضی تصدیق کردند) وما باید با آقایان موافقت بکنیم که در مجلس شورای ملی هر یك از نمایندگان بخواهند استفاده ازحق خودشان بکنند وازهمین‌نقطه نظر بنده هم کاملا با شاهزاده سلیمان میرزا موافق هستم .

رئیس - پس رأی می گیریم که این راپورت بماند برای جلسه‌عصریاخیر ؟ آقانیکه تصویب‌میکنند قیام نمایند (اغلب‌قیام نمودند)

رئیس - باکثریت ۳۵ رأی تصویب‌شدمیماند برای جلسه عصر .

آقای آصف الممالك - (احضار برای قرائت راپورت)

آقای آصف الممالك — درمحل نطق

حاضر وراپورت شعبه چهارم را راجع بنمایندگی آقای میرزاطاهر تنکابنی بمضمون ذیل‌قرائت‌نمودند

شعبه چهارم‌در تاریخ ۳ ذیقعده ۱۳۳۹ بشرحی که در راپورت نمره ۷خود راجع بملاحظه صورتمجلس انتخابات طهران و حوزه انتخابیه آن بمجلس شورای ملی تقدیم داشته باعتبار نامه‌های آقای آقا میرزا طاهر تنکابنی رسیدگی ونظر بصحت انتخابات مزبوره نمایندگی ایشان را ازطهران و توابع که باکثریت ۳۲۰۶رأی از ۱۱۸۰۳ انتخاب کنندگان است تصدیق وبصحت اعتبار نامه‌ایشان باتفاق آراء رأی میدهد .

رئیس — نسبت باین راپورت مخالفی‌نیست

محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم .

رئیس — پس میماند برای جلسه دیگر .

راپورتی است راجع به‌آقای رکن‌الملك‌قرائت می شود .

(آقای تدین‌راپورت شعبه دوم‌را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه دوم بدوسیه انتخابات خرم آباد و لرستان بدقت رسیدگی نموده وبرای استحضار مجلس‌شورای ملی عرض مینماید که انجمن نظار مرکزی انتخابات در خرم آباد در شعبان ۳۸ رسماً تشکیل گردیده مدتی درخصوص‌تشکیل‌انجمنهای جزء درنقاط دیگر مذاکره وتبادل‌آراء نموده ودرنتیجه بواسطه‌اغتشاش لرستان وتهاجم‌الوار وطغیان‌آنها ازتشکیل‌انجمنهای جزء صرفنظر کرده‌است ولی‌برای‌اینکه حتی‌الامکان اهالی را مطلع وآنها را بشرکت درانتخابات‌دعوت نمایند در تمام نقاط ممکنه اعلان انتخاباترا منتشر ساخته وحتی برای والی پشت کوه بوسیله حکومت خرم آباد مقداری اعلان فرستاده و تقاضای انتشار آنها را درآنجا نموده اهالی آنجا را بشرکت در انتخابات واخذتعرفه‌ازحوزه‌انتخابیه مرکزی‌خرم‌آباد دعوت نموده است و مطابق تصدیق کتبی انجمن مرکزی جواب‌ازوالی پشتکوه‌مراجع بوصول‌مراسلات انجمن مرکزی وحکومت خرم‌آباد ومقداری اضافه اعلان فرستاده وتقاضای انتشارآنها را درآنجانموده واهالی آنجا را بشرکت در انتخابات واخذ تعرفه اهالی خرم‌آباد واعلانات مراسله و اطلاع طوائف یشتکوه بانجمن مرکزی رسیده و انجمن عین آنرا برای ایالت بروجرد ولرستان محض اطلاع فرستاده است خلاصه انجمن مرکزی با وجود مشکلات‌عدیده موفق شده که اغلب ایلات مهم آنجا دراخذ تعرفه توزیع کرده واز این مقدار موازی (۳۷۲۰) ورقه تعرفه باوراق برگشته وآقای رکن‌الملك باکثریت (۱۷۵۰) رأی از کل آراء مزبوره بوکالت دارالشورای ملی انتخاب شده اند و پس از اتمام قرائت‌آراء مدت‌یکهفته انجمن مرکزی برای‌وصول شکایات منتظر بوده وشکایتی نرسیده لذااعتبارنامه باسم آقای رکن‌الملك صادر وخاتمه‌انتخاباترا اعلام کرده است .

رئیس — راجع باین‌راپورت مخالفی‌نیست ؟ (گفته شد خیر) پس رأی میگیریم بنمایندگی‌آقای رکن الملك آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد آقای آقا شیخ محمد جواد (احضار برای قرائت راپورت) راپورتیست راجع بآقای عمادالسلطنه باید قرائت شود .

(آقای آقا شیخ محمد جواد در محل نطق حاضر دوفقره راپورت راجع به‌آقایان عمادالسلطنه وحاج امین‌التجار نمایندگان اصفهان را دریافت و چندکلمه بطور خفی‌با آقای رئیس مذاکره‌نمودند)

رئیس — این راپورت ها را آقای مخبر مسترد میکنند بماند برای جلسه دیگر .

آقای سردار معظم خراسانی (احضار)

راپورتی‌است راجع باعتبارنامه‌آقای کاشان باید قرائت شود (آقای سردار معظم خراسانی راپورت شعبه‌پنجم‌را راجع‌باعتبارنامه‌کاشان بمضمون ذیل‌قرائت کردند)

شعبه پنجم بدوسیه انتخابات کاشان رسیدگی که نظریات خود را ذیلا بعرض میرساند . انجمن نظارت انتخابات مطابق قانون در چهاردهم شهر جمادی الثانی ۱۳۳۷ منعقد شده اعلان

انتخابات را منتشر نموده است . از طرف انجمن نظارت جزء یك رأی نطنز ودیگری برای جوشقان تصدیق‌شده وبرای‌نطنزدو نفر نماینده وبرای‌جوشقان یکنفر نماینده از طرف انجمن اعزام شده است . مطابق اعلان انتخابات موقع دادن تعرفه از سوم رجب الی دهم تعیین شده و تا ششم تعرفه داده‌شده است ولی در تاریخ مزبور حکم توقیف انتخابات از تهران واصل و بموقع اجراء گذارده شده است درظرف ۳ روز مزبور (۱۰۶۶) ورقه تعرفه داده شده است . علت توقیف انتخابات وصول شکایات از سوء جریان انتخابات و حاضر نبودن زمینه‌انتخابیه شمرده شده منجمله رئیس نظمیه تلگرافی برئیس - الوزراء زمان کرده‌واز طرف‌وزارت‌داخله امر توقیف انتخابات صادر گردیده است پس از مراجعه‌بحکومت محل برای تحقیق مطلب و حاضر شدن زمینه- اولا حسب‌الامر طهران توقیف مرتفع و بانتخابات ادامه داده شده است از سوم شعبان . ثانیاً انجمن‌منعقد و پس از نشر اعلان از پنجم شعبان شروع بدادن تعرفه شده و تا دهم شعبان تعرفه داده شده است و با(۱۰۶۶) تعرفه که قبلاداده‌شده‌بوده است(۲۲۵۵) تعرفه درکاشان داده شده است از ۱۳ شعبان‌اتخاذ آراء شروع وتا غروب‌پانزدهم امتداد یافته(۱۵۴۹) رأی مأخوذ شده‌است.و در ۲۸ شعبان مستخرج و آقای اجلیل‌الملك دارای (۱۵۲۸) رأی و آقای آقا میرزا سید حسن دارای (۱۵۲۰) رأی شده که انتخابات نطنزاز ۱۹ شعبان شروع شده (۲۰۰۷) ورقه تعرفه داده شده و (۱۷۹۵) رأی اخذ شده است آقای آقا میرزا سید حسن (۱۶۳۰) رای و آقای جلیل الملك (۱۶۲۹) رأی‌داشتند که انتخابات جوشقان از۹ شعبان شروع وتا۱۹ شعبان خاتمه یافته است وآقای آقاسید حسن (۹۴۵)رأی وآقای‌جلیل‌الملك ۹۴۲ رأی داشته‌اند که‌هردوانجمن جزء که پس از اخذ آراء می‌خواستند صندوق‌آراء را برای استخراج‌بکاشان‌بفرستند ولی‌انجمن‌مرکزی پاره‌ای ملاحظات محلی که گویا ملاحظه از تخطی اتباع نائب حسین بصندوق آراء علت اصلی بوده است آوردن‌صندوقهارابشهرصلاح‌ندانسته واستخراج آن‌را درمحل مرجع شمرده‌است .

بنابرآنچه گفته شد آقای آقامیرزا سیدحسن باکثریت (۴۱۰۰) رأی وآقای‌جلیل‌الملك‌باکثریت (۴۰۹۹) رأی مجموع آراء حوزه انتخابیه کاشان وجوشقان‌ونطنز بسمت نمایندگی انتخاب شده‌اند و نتیجه انتخابات از طرف انجمن اعلان شده است وانجمن تایك هفته‌برای اخذشکایات دائر بوده‌است وپنج پاکت اعتراض رسید وانجمن پس ازرسیدگی واعتراضات واصله‌را رد کرده است

شکایاتی که از انتخابات دردوسیه موجود است بعضی راجع باعمال نفوذمأمورین مالیه‌درامرانتخابات است که حکومت محل صحت آن‌را تکذیب‌مینماید پاره شکایات مربوط به‌این است که حکومت‌محل‌و معاون حکومت طرفداری ازانتخابات نمایندگی‌جعلی می‌نمایند ولی حکومت محل بی‌طرفی خود را بیان و می‌نویسد که خود او و معاونش بانهایت دقت مراقبات قانونی را در انتخابات کاشان کرده اند شکایات دیگر راجع باین است که‌رئیس انجمن نظارت‌حسن جریان انتخابات کاشان را تردید ودر انجمن نظارت عیناً سوء جریان آنرا تصدیق نموده است درمقابل این نوشته‌سند دیگری در دوسیه موجود است که رئیس انجمن مزبور این تهمت را از خود دور کرد برعکس صحت جریان انتخاباترا تصدیق می نماید یك قسمت از شکایات متوجه به انتخابات نطنزاست که شکایت شده است مأمورین دولتی و مخصوصاً مأمورین مالیه مداخله و اعمال نفوذ در امر انتخابات کرده و ضمناً انفصال مأمور انتخابات آنجا شده وحتی نسبت داده‌شده‌است که صندوق آراء نظر بامین مالیه آنجا سپرده شده است از طرف وزارت داخله بحکومت نوشته شده است که درصورت تصدیق سوء جریان‌انتخابات نظر انتخابات آنجا را تجدید نمایند

درمقابل رضائت نامه از حسن جریان انتخابات نطنزوهمچنین رضایت نامه راجع‌بانتخابات نطنز از طرف علماء ومعاریف انجمن نظارت‌وحکومت نطنز و همچنین تکذیب نامه راجع به‌نسیردن آراء نطنز بامین مالیه در دوسیه موجود است همچنین‌رضایتنامه راجع بحسن‌جریان انتخابات جوشقان وتصدیق‌انجمن نظارت آنجا وحکومت محل در دوسیه موجود است همچنین راجع بانتخابات کاشان در مقابل شکایات واصله علاوه براصدیق نامه های‌صحت‌جریان‌انتخابات از طرف انجمن نظارت و حکومت از طرف فرقه دموکرات که ورقه حاکی از صحت جریان انتخابات و شکایات از مداخلات ماشاء الله خان برضد انتخابات نیز موجود است - مطابق نوشتجات موجوده در دوسیه طرز رفتار ماشاءالله خان نسبت بانتخابات کاشان غیر معلوم و مبهم است شکایت کنندگان ازانتخابات مشارالیه‌را طرف‌دار انتخابات دانسته وازاعمال نفوذاو شکایت مینمایند .موافقین با انتخابات او را بر عکس مخالف انتخابات دانسته و عملیات مخالفین‌را منتسب‌باو میدانند حکومت محل‌او را در مراحل اول بیطرف در امر انتخابات معرفی کرده میگوید که ماشاء الله‌خان بواسطه عدم مداخله درانتخابات ازشهر خارج شده است ودرمراحل ثانی اورا مخالف میشمارد دردوسیه اسناد دیگری نیز که مستفادودال برهردو معنی باشد موجود است . بعضی از شکایت کنندگان ازانتخابات کتباً اظهار میدارند که مخالفت آنها با انتخابات مطابق دستورالعمل ماشاءالله‌خان بوده ومشارالیه برای بدست‌دادن مدرك برای‌مخالفین‌انتخابات توصیه‌درانتخاب کردن‌نمایندگی فعلی کاشان‌خواهدنمود که مطابق‌همان‌مدارك شکایت کنندگان‌انتخابات‌را غیرآزاد اوومبنی‌برتهدید جلوه میدهند پس از صدور حکم تجدید انتخابات‌در سنه ماضیه باز شکایت واصله سابق تجدید شده است شعبه پس از رسیدگی باسناد موجوده در دوسیه نظر باینکه انجمن‌های‌نظارت وحکومت محل ویکعده از اهالی صحت جریان انتخابات را مؤکداً تصدیق کرده اند .

انتخابات کاشان را محکوم بصحت دانسته و نمایندگی آقایان آقامیرزاسیدحسن وآقای‌جلیل‌الملك را تصدیق مینمایند .

رئیس — نسبت باین راپورت مخالفی هست یا خیر ؟ .

مدرس - تقاضای تفکیك میکنم .

رئیس — البته درموقع رأی گرفتن تفکیك میشود اول راجع به نمایندگی آقای آقا سیدحسن رأی گرفته میشود مخالفی هست یانه گفته شد خیر رأی می گیریم به‌نمایندگی ایشان آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس — تصویب‌شد .راجع به‌آقای‌جلیل‌الملك مخالفی هست ؟ .

حاج‌شیخ‌اسدالله — بنده مخالفم .

رئیس — میماند برای جلسهٔبعد (در این‌وقت آقای حاج‌شیخ اسدالله برای‌قرائت راپورت احضار) وایشان راپورت شعبه‌ششم‌را راجع به‌نمایندگی‌آقای علی‌زارع‌قرائت‌نموده‌انتخابات‌شیراز‌وتوابع‌تمام‌مطابق قانون بوده زیرا که مراعات مواد قانونی از نشر اعلانات ودادن تعرفه واخذآراء درمدت قانونی بعمل آمده و انجمن های جزء را نیز تمام مطابق قانون تشکیل داده اند و برای تسهیل رأی دهندگان ۳ انجمن جزء علاوه برآنچه در جدول قانون انتخابات است درمحل‌هائیکه دور ازمحل تشکیل انجمن بوده ودارای جمعیت‌زیاد بوده تشکیل داده وانتخابات را درمرکز ونقاط جزء جریان وخاتمه‌داده‌اند کلیه آرائی که ازتمام حوزه‌انتخابیه مأخوذشده ۲۶۳۹۱ رأی بوده وآقای آقاعلی زارع باکثریت ۱۷۲۸۳ انتخاب شده اند انجمن نظارمرکزی مراعات ماده ۴۵ از قانون را نموده ولی شکایتی نرسیده است شکایتی نیز بمجلس نرسیده لذا شعبه باتفاق آراء صحت انتخاب ونمایندگی آقای آقاعلی زارع‌را از حوزه انتخابیه شیراز وتوابع تصدیق مینماید .

رئیس — بااین‌راپورت مخالفی هست یانیست؟ (اظهار مخالفتی نشد) رأی می گیرم بوکالت‌آقای آقاعلی زارع ...

رفعت‌الدوله — عده کافی‌نیست .

رئیس — کافی است عده۵۶ نفرند آقایانیکه وکالت‌آقای‌علی‌زارع‌را تصویب‌میفرمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس — تصویب شد . راپورتی است راجع آقای مقبل‌السلطنه قرائت میشود .

(آقای آقا شیخ محمد جواد بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه پس از رسیدگی بدوسیه انتخابات ترشیز جریان انتخابات را ذیلا باطلاع نمایندگان محترم می رساند ..

درهشتم‌جمادی‌الاول ۱۳۳۸ انجمن‌نظارمرکزی منعقد شده از نوزدهم جمادی‌الاول الی پنجم‌جمادی‌الثانی درمرکز حوزه‌انتخابیه (۱۱۰۴) ورقه‌تعرفه داده‌اند و (۸۴۶) ورقهٔ رأی اخذشده بعلاوه‌شش شعبه نظارت درنقاط ذیل تشکیل داده‌اند . رستاق کناررشم . کوهپایه . بجستان . کوه‌سرخ . قرشه درتمام شش‌شعبه (۴۳۵۷) ورقه توزیع و(۴۲۷۹) ورقه رأی مأخوذ داشته‌اند کلیتاً درشهر وشش‌شعبه (۵۴۶۱) ورقه تعرفه داده‌شده و (۵۱۲۰) ورقه رأی اخذ کرده اند و حاجی مقبل‌السلطنه باکثریت (۴۱۴۴) رأی بسمت نمایندگی انتخاب شده اند وپس‌از خاتمهٔ انتخابات انجمن نظار یك شعبه برای اخذ شکایات دایر وشکایتی نرسیده شعبه‌هم چون انتخابات ترشیز را مطابق مقررات قانون دانسته تا بحال‌هم شکایتی نرسیده صحت انتخابات ونمایندگی حاج‌مقبل‌السلطنه را تصدیق مینمایند .

رئیس — نسبت باین‌راپورت مخالفی نیست .

تدین — بنده مخالفم .

رئیس — میماند برای جلسه‌دیگر چون‌فعلادر دستور نیست جلسه‌را ختم‌می کنیم وجلسه‌بعددوبغروب امروز تشکیل خواهد شد .

رفعت‌الدوله — اجازه میخواهم .

رئیس — بفرمائید - راجع به‌چه‌مسئله‌ایست .

رفعت‌الدوله — عرض میکنم مقرر فرمائید آقایان سرموقع تشریف بیاورند والا اغلب‌ازآقایان زودتر می‌آیند و معطل میمانند .

رئیس — وقتیکه اعتبارنامه‌ها گذشت نظامنامه یك‌ترتیبی دارد که آقایان درموعدمقرره‌حاضرخواهند شد . آقای‌سلیمان‌میرزا (اجازه نطق)

سلیمان‌میرزا — چنانچه درخارج عرض کردم اجازه میفرمائید چند کلمه عرض کنم البته آقایان نظامنامه داخلی را ملاحظه فرموده اند و مسبوق هستند نظامنامه داخلی راجع به سئوالات و استیضاح از وزراء ترتیباتی ذکر کرده است مثل این می‌ماند که وکلاء وقتیکه تمام اعتبارنامه هاشان گذشت وهیئت رئیسه دائمی معین شد آنوقت حق دارند داخل سئوالات از وزراء بشوندظاهر نظامنامه اینطور میفهمانند اما از طرف دیگر ممکن است یك نفر وکیل یا یك نفر ایرانی بعضی‌اخبار بشنود وتحمل نکند اینست که بنده درجزو اخبار دیروز۱۶ برج اسد یك ورقه غریبی خواندم راجع باصفهان و خودم وجمیع آقایانرا وجداناً و شرافتاً مسئول این میدانم که دراین مسئله توجه ودقتی بفرمایند بنابراین در خارج دیشب نظامنامه داخلی را مطالعه کردم ببینم که آیا ممکن است قبل ازگذشتن اعتبارنامه‌ها سئوالی از هیئت وزراء کرد دیدم نظامنامه داخلی نسبت باین مسئله ساکت است

بنابراین قبل از تشکیل جلسه خدمت آقای رئیس شرفیاب شدم و عرض کردم یکمطلبی است با وجودیکه در نظام نامه داخلی‌مصرح است که وکلاء بعد ازگذشتن اعتبار نامه ها باید داخل سئوالات بشوند اجازه بفرمائید محض تذکر آقایان درمجلس رسمی این مطلبرا بعرض آقایان برسانم و تقاضا کنم که آقای رئیس بنام مجلس شورای ملی یك اقدامی بفرمایند محققاً همه ما ها میدانیم که یك نفر وکیل بعد از اینکه اعتبار نامه اش گذشت و وارد مجلس شد مثل بنده وقتیکه اعتبار نامه ام گذشت دیگر وکیل طهران نیستم و اینکه گفته می شود وکیل طهرانم از بابت تقسیمات حوزه انتخابیه است و الا وکیل تمام اهالی ایران هستم کارم منحصر باین نیست که فقط خود را راجع بکارهای طهران وکیل بدانم بنابر این خودم را وکیل اصفهان هم میدانم اینست که خدمت آقایان عرض میکنم کچگونه ممکن است که یکنفر ایرانی بشنود که بایك زنی یك شدت وسختی بکنند وساکت باشد چه‌فرق می کند زنهای مملکت در هرنقطه ایران باشند ناموس همهٔ ماها هستند حقیقتاً هیچکس قوه تحمل ندارد بنا بر این راپورتیست از اصفهان رسیده میخواهم بخوانم که آقایان‌بدانند ودقت فرمایند که هنوز پلیس‌جنوب (که روزهای گذشته درنطق مفصلم عرض کردم) بله پلیس جنوب (یعنی طهران ما را چطور زیر فشار گذاشته وچه صدماتی وارد می‌آورد) این‌است‌قسمت اول پریشب یکنفر پلیس جنوب درحمام بایك‌نفراهل شهر نزاع میکند واز حمام بیرون میرود که سه نفر ازهمقطاران خودش را بکمك می‌آورد آژان نظمیه آنهارا ممانعت می‌نماید آژان راکتك زده وهرجاهم آژان می‌بینند کتك میزنند درهرحال رئیس نظمیه جلو گیری مینماید راپورت دیگری این است : (امروز عصر دو سه نفر پلیس شهر جلو یکنفر زن راگرفته ضعیفه ازترس غش می کند آژان که او را ممانعت مینماید اورا کتك میزنند کسبه بحمایت آژان پلیس جنوب را کتك میزنند دو نفرآنهارا گرفته به کمیسر میبرند یکنفر هم فرار کرده عدهٔ زیادی از کسبه دکاکین را بسته (انصافاً حق داشته اند زیرا که مسئله ناموس است ناموس‌آنهاهم ناموس ماست تصدیق کردند) چند نفر ازعلماء را بر داشته بادارهٔ حکومتی آمده اظهار عدم تامین مینمایند ومیگفتند اگر این قسم باشد دکاکین را فردا باز نخواهیم کرد حکومت رئیس نظمیه را با رئیس ژاندرمری خواسته گفتند چند نفرژاندارم کمك نظمیه بدهند که امشب اتفاقی روی ندهد تافردا رئیس پلیس جنوب را ملاقات‌وقراری‌دراین‌موضوع بدهندوجلو گیری‌شود

آیا پلیس جنوب که امنیهٔ مملکت ماست زنها ونوامیس مارا اینطور حفظ می کنند این است که از تمام آقایان وکلاء تقاضا میکنم که با وجود اینکه اعتبارنامه هاشان‌تماماً نگذشته بابنده موافقت‌فرمایند که آقای رئیس یك اقدام جدی بفرمایند واز طرف مجلس واز طرف خود مراسلهٔ بهیئت وزراء مرقوم فرمایند که نظایر وامثال آن بعد دیده نشود (جمعی تصدیق کردند)

رئیس - دراینکه آقایان وکلاء قبل‌ازگذشتن اعتبارنامه شان حق استیضاح وسئوال دارید یا خیر بنده نمیتوانم اظهارعقیده نمایم مجلس هم در این باب تفسیری نه نوشته ولی برای‌اینکه تقاضای‌آقای سلیمان میرزا انجام یافته باشد همان طور که تقاضا کردند بهیئت وزراءنوشته‌می‌شود وجوابش‌را اینجا قرائت خواهند کرد .

سردارمعظم - چه نوشته خواهد شد .

رئیس - همانطوریکه یك نماینده در پارلمان سئوال می کند نوشته خواهد شد که این‌مسئله‌صحت دارد یا خیر ؟

سردار معظم - بنده خواستم عرض کنم که این فرع ازیك اصل کلی است . این قضایا ممکن است همه روزه تکرار شود اصلا بعقیده بنده باید گوشزد که‌این وجود عاطل ومضررا چرا دراصفهان گذارده‌اند بمانند وباچرا باید درایران باشد (اغلب تصدیق کردند)

رئیس - آقای تدین(اجازه) .

تدین - موضوع عرایض‌بنده راجع بمندرجات بعضی از جرائد است . بعضی از جرائد همانطور که اغلب‌آقایان ملاحظه فرموده‌اند دردرج مذاکرات مجلس آن دقت‌را که باید بکنند منظور نمیدارند و مخبرین آنها که دراینجا حاضرمیشوند بواسطهٔ‌اینکه چندان دقت نمی کنند مطالب‌را برخلاف واقع درج و انتشار میدهند و ممکن است سوء اثراتی تولید نماید شاهد عرضم مذاکرهٔ جلسه شنبه است هم جلسه صبح وهم‌جلسه شب این روزنامه روزنامه بامداد رشد است که فعلا در دست من است بنده دراین روزنامه چندین جا می‌بینیم که برخلاف واقع نوشته شده است اول راجع به پیشنهاد آقای مدرس راجع به کافی نبودن مذاکرات اینجا مینویسد که بعضی ازآقایان تقاضا کرده‌اند که به‌جلسه‌بعد موکول شود . درصورتیکه چنین تقاضائی دربین نبود دویم در موضوع تقاضای رأی با اوراق اینجا مینویسد که شاهزاده سلیمان میرزا این تقاضاء را کردند . در صورتیکه تقاضا کننده آقای فهیم‌الملك بوده‌سیم مینویسد که اعتبارنامهٔ شاهزاده نصرت‌الدوله بموجب ٤٧ رأی درمقابل ۳۰ رأی تصویب‌شد درصورتیکه عده‌اعضاء مرکز اینقدر نبوده دیگرمیگوید راپورت نمایندگی آقای عدل‌السلطنه نماینده کرمان‌را آقای حاج‌آقا قرائت فرمودند درصورتیکه آقای حاج‌آقا تشریف نداشتند . و آقای آقا شیخ محمد جواد خراسانی قرائت فرمودند . این‌قسمت راجع به‌بامداد بوده همچنین‌ستاره‌ایران راجع به‌جلسهٔ‌دویم مذاکرات

شنبه یك چیزهائی نوشته منجمله میگوید مجلس با حضور ۵۳ نفر تشکیل شد (مجلس ما) درصورتیکه این طور نبوده و ۵۵ نفر بوده ثانیاً در موضوع اعتبار نامه بنده میگویند که آقای حاج اسدالله به اعتبارنامه بنده اعتراض کردند . اما باوجود اعتراض اعتبارنامه بنده باکثریت تصویب شد .

البته تصدیق میفرمائید که اینطور مطالب در خارج بواسطهٔ بی دقتی مخبرین (نه بواسطهٔ جهات دیگر البته تصدیق میکنم که هیچ غرض شخصی در بین نیست) .

ممکن است سوء اثراتی کند . بدیهی است موافق نظامنامه داخلی اگر نسبت بیك راپورتی اعتراضی بشود (مثل اینکه امروزهم‌همینطور شد و ملاحظه فرمودید) درآن‌جلسه نسبت به‌آن‌اعتبارنامه مذاکره نمیشود و موکول به جلسهٔ دیگر میشود . چطور میشود که معترضی نسبت به‌اعتبارنامه بنده‌بوده ومعذالك مجلس درهمان‌جلسه رأی گرفته باشد .

باین جهت بنده لازم دانستم که خلاصهٔ آن موضوعات را به‌آقایان تذکردهم و همچنین در آن روزیکه آقای سلیمان‌میرزا درنطق مفصل‌شان‌بیاناتی فرمودند یك قسمت از آنها حذف ودر قسمت دیگر زیادی نوشته شده و راجع به‌جملهٔ مختصری که بنده عرض کردم یك‌تحریفاتی شده .

لهذابنده ازمقام ریاست تقاضامینمایم که یك‌فکر اساسی برای حل این‌موضوع بفرمایند که درآتیه‌همه روزه ما محتاج به‌تصدیق یاتکذیب یاتوضیح نشویم .

رئیس — فکر اساسی شده است مجلس یك مطبعه روزنامه خواهد داشت که تمام‌مذاکرات بطور تفصیل در آن روزنامه طبع وتوزیع خواهد شد . ولی موقوف باین‌است که هیئت‌رئیسه دائمی معین‌شود. چون این کارها ازحدود اختیارات رئیسه‌موقتی‌خارج است . بعلاوه شخصی معین خواهد شد که همه‌روزه جرایدرا بخواند واین قبیل مطالب‌را تذکر بدهد که برای روزبعد اصلاح وتصحیح نمایند . پس‌از اینکه هیئت رئیسه‌دائمی معین‌شد لایحهٔ برای‌تأسیس‌روزنامه ومخارج لازمه‌آن به‌مجلس خواهدآمد .

اگر تصویب‌فرمودند آنروزنامه تصویب‌میشود واین معایب مرتفع خواهد شد دیگر کسی اظهاری ندارد چه (گفته شد خیر) پس‌جلسه‌را ختم‌می کنیم.

سردارمعظم — جلسه عصر است ؟ .

رئیس — بلی .

(مجلس نیمساعت قبل‌ازظهر ختم‌شد)

جلسه ۱۱

صورت مشروح مجلس عصر یوم سه‌شنبه ۱۷ برج اسد ۱۳۰۰ مطابق ۴ ذی‌حجه‌الحرام ۱۳۳۹

مجلس نیم‌ساعت قبل‌از غروب درتحت ریاست آقای مؤتمن‌الملك تشکیل گردید .

رئیس — صورت مجلس امروز صبح چون هنوزحاضر نشده لهذا درجلسه بعد خوانده خواهد شد در جلسه شنبه‌چون یکنفر از آقایان نمایندگان در موقع اخذ رأی از مجلس خارج‌شده بودند و آقایان منشیان ملتفت نشده بودند لذا آرائی که‌در باره پنج نفر از آقایان نمایندگان گرفته‌شده‌باطل است و بایستی تجدید شود آن پنج نفر عبارتند از آقایان‌تدین- سلیمان میرزا-عمیدالسلطنه-عدل‌السلطنه و آقای سردار معظم‌کردستانی آقای سردار معظم (اجازه نطق)

سردارمعظم‌خراسانی - بنده‌عرضی ندارم راپورت‌ها را باید بخوانند .

رئیس - راپورتها خوانده شده‌آقای آقاسید یعقوب (اجازه منطق)آقاسید یعقوب راجع به‌آقای تدین فرمودند عرض میکنم که‌درموقع‌رأی‌بنمایندگی ایشان عده تمام بود بعد ازآن‌رفتند بیرون‌بنده‌حاضر بودم و میدانم بعد از اینکه رفتند عده ازحدنصاب خارج شد .

رئیس - گمان میکنم که تکلیف بنده این است که اخذ آراء نسبت بنمایندگی هر پنج نفر باید تجدید کنم فعلا اعتبار نامه و نمایندگی آقای تدین مطرح .

کسی‌مخالف‌نیست ؟(گفتند‌خیر) آقایانیکه نمایندگی ایشانرا تصدیق میکنند قیام‌نمایند(اکثر قیام‌نمودند)

رئیس - تصویب شدراجع به‌آقای‌سلیمان‌میرزا رأی میگیریم .

امیرناصر - چون بنده مخالف بودم‌در جلسه قبل متأسفانه حضور نداشتم مخالفت بنده‌اظهار نشده است لذا حالاعرض میکنم که مخالفم .

رئیس - می ماند برای جلسه دیگر- راجع به آقای‌عدل‌السلطنه مخالفی نیست (گفته شد خیر) رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی ایشان‌را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس - تصویب شد رأی میگیریم‌بنمایندگی آقای‌عمیدالسلطنه‌مخالفی هست(اظهاری نشد) مخالفی نیست آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصدیق میکنند قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام‌نمودند)

رئیس - تصویب‌شد . رأی‌میگیریم‌بنمایندگی آقای سردار معظم کردستانی اعتراضی دارید (اظهاری نشد) پس اعتراضی نیست آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصدیق میکنند قیام‌نمایند (اغلب نمایندگان قیام‌نمودند)

رئیس - تصویب شد موضوع نمایندگی‌آقای مدرس مطرح است صبح قرار شد در این جلسه رأی گرفته‌شود .

آقای‌حاج‌آقا - مخالف‌هستید ،

حاج‌آقا - خیر مخالف نیستم .

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه‌نطق)

سلیمان‌میرزا - بنده چنانکه صبح‌هم خدمت آقایان عرض کردم بدواً میخواستم بعضی توضیحات راجع به این انتخاب بدست بیاورم و پیشنهاد کردم که چند ساعتی مهلت بدهند تا دوسیه این انتخاب‌را با دقت مطالعه کنم و بالاخره این پیشنهاد را در رأی دوم آقایان قبول و چند ساعتی به‌بنده‌وقت‌دادند و بنده مطالعات خود را در شعبه کردم‌و این مسئله اداری دو قسمت است یکی راجع به‌جریان‌انتخابات تهران در آن موضوع هیچ صحبتی ندارم زیرا که جریان تمام انتخابات دوازده‌نفر که بالاخره‌برمیگردد بعدم قبول آقای نواب و نمایندگی آقای مدرس در حکم واحدند جائیکه مجلس یك عده از این وکلاء را تصویب کرده آقای مدرس هم به‌حکم همان قاعده در حقیقت تصویب شده هستند فقط مطلبی که راجع به شخص ایشان است در این انتخابات است با وجود تمام صلاحیت‌وصحت‌و صداقت و خدمتی که در دوره مشروطیت کرده‌اندو بر همه مشهوداست فقط اینجا چند مسئله کوچك‌قانونی‌هست و گمان میکنم یك روزی هم آقای سردار معظم برای تذکر فرمودند که در آتیه امثال این قبیل چیزها در موضوع انتخابات پیدا نشود (گویا در موضوع شستن آراء کن بود) که‌فرمودندیادآوری میکنم که بعدها این قبیل ترتیبات جریان‌پیدا نکنند بنده هم برای تذکر چند مسئله است عرض میکنم اول اینکه وقتیکه راپورت شعبه را آقایان بدقت ملاحظه فرمایند شعبه مسئله را راجع کرده باده چهارم نظامنامه داخلی و ماده ۱۴۷ در صورتیکه آقایان بدقت باده چهارم رجوع بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که ماده چهارم راجع برسیدگی در اعتبارنامه است بهیچ وجه موضوع استعفا و رسیدن بشخصی که بعد حائز اکثریت مجلس باشد نیست و هم‌چنین ماده ۱۴۷ راجع است باینکه اگر درضمن رسیدگی به‌انتخابات یکنفر نماینده استعفا بکندمانع از رسیدگی به اعتبارنامه‌اش نیست هر چند شعبه یك ماده از قانون انتخابات را مستندقرار داده که کاملا مناسب با این موضوع است ظاهراً ماده ۲۳ باشد (گفته شد ماده چهل‌وسوم است) بهرحال‌باین‌ماده راجع شده و کاملا صحیح و مطابق بااین موضوع است یعنی اگریك نماینده‌قبل‌ازگذشتن‌اعتبارنامه‌اش استعفا کرد بشخص بعد که حائز اکثریت است انتخابات تعلق میگیرد در این‌مسئله‌فقط یك چیزهائی محض تذکار یاد آوری میشود یکی اینکه بعد از آنکه آقای نواب قبول وکالت نفرموده‌اند مطابق ترتیب مطلب بر میگردد اول به مرحوم آقا سید حسین اردبیلی و بعد بمرحوم‌حاجی محمدتقی‌شاهرودی اما در آن‌تاریخ که مرحوم‌علاءالسلطنه‌این‌تلگراف را به آقای نواب کرده‌اند و پیشنهاد کرده‌اند که خوبست شما در شغل خود باقی بمانید در ذیل آن تلگراف یادآوری فرموده‌اند در صورتیکه شماقبول نفرمائید آقای آقا سید حسین اردبیلی بعد از شما نماینده خواهند بود معلوم میشود در آن تاریخ‌آقای آقا سید حسین اردبیلی حیات داشتند پس از اینکه این تلگراف از طرف آقای نواب مخابره شد به آقای سید حسین اردبیلی رجوع شده یا نشده این یك مسئله‌ایست که بنده نمیدانم و سؤال میکنم اینها سؤالاتی است‌از روی استفسار میکنم و دیگرداخل

در تذکره نخواهم شد آیا هیئت وزراء از مرحوم آقا سیدحسین اردبیلی وبعد ازمرحوم حاج محمدتقی شاهرودی سؤال فرمودند یا خیر بعلاوه مطابق دوسیه که بنده رجوع کرده‌ام بعد از حاجی محمد تقی شاهرودی نوبت میرسد به آقای ملك‌الشعراء و حکومت حقاً باید به ایشان رجوع بکنند آیا رجوع کرده است‌یا نه بعد از آقای‌ملك‌الشعراء مطلب برمیگردد به حاج آقا شیرازی مطابق آن دوسیه که بنده‌در شعبه دیدم‌آیا بایشان‌رجوع کرده‌اند یا خیر ؟ در صورتیکه باین دو نفر آقایان که الان در مجلس حاضر هستند رجوع شده باشد و قبول نکرده باشند نوبت به‌آقای مدرس میرسد و ازاینها گذشته فقط یك مسئله در اینجا هست که بنده‌با کمال ارادتی که به آقای مدرس دارم هیچ نمی پسندیدم که در موضوع انتخاب ایشان این صحبت یادگار بماند و آن این است که انجمن نظارت طهران بعد از اینکه تلگراف را ملاحظه و مطالعه کرده اند اینطور رأی داده اند که با این تلگراف نمیتوانند حکم قطعی بکنند که آیا آقای نواب قبول کرده‌اند یا رد نمودند این را دانسته اید که برای گذراندن اعتبار نامه یك تلگراف مجددی‌به آقای نواب‌بشود و از ایشان سئوال کنند و ایشان صراحتاً جواب دهند چقدر خوش حال میشدم ومیپسندیدم که‌درظرف این مدت آن تلگراف میشد که امروز داخل چنین صحبتی راجع بشخص بزرگواری مثل آقای مدرس نمیشدم و اعتبار نامه هم میداشتند و با بودن اعتبار نامه صحبت‌میشد بهر حال اشکال انجمن نظاربرای این مسئله است و مکرر این مسئله خاطر نشان‌همه شده و مطلبی است واضح لکن حکمیت هر مسئله منوط به رأی اکثریت مجلس است در صورتیکه اکثریت مجلس همین رسیدگی شعبه و نتیجه قطعی که شعبه از تلگراف گرفته کافی میداند و محتاج‌به تلگراف‌های‌دیگر نمیداندو بعبارة‌اخری‌موافق‌هستند و مطابق رأی قطعی شعبه رأی میدهند دیگر در این موضوع بحثی واقع می‌میشودفقط چیزی کهست این است که بهتر این بود در این مدتی کداشتیم بتوسط وزارت داخله یا وزارت خارجه تلگرافی مخابره میشد و امروز نسبت به آقای مدرس بنده این‌دوسه کلمه راهم‌راجع بانتخاب‌ایشان‌عرض‌نمیکردم

آصف الممالك - بطوریکه در رایورت هم عرض شده‌بود وزارت داخله تلگراف اولیه‌آقای نواب و تکلیف شغلی که آقای علاءالسلطنه بایشان کرده بودند و ایشان پذیرفته اند حاکی ازاستعفای ایشان دانسته ومحتاج ندیده که درثانی بایشان‌مراجعه بشود شعبه هم وقتی مراجعه میکرد تلگراف‌آخری آقای نواب رسیده بود وکاملا شعبه استعفای ایشان را از آن تلگراف استنباط کرده و رایورت داداما اینکه میفرمائید مطابق ماده چهارم باید به اعتبار نامه رسیدگی کرد و آقای مدرس اعتبار نامه‌ندارند و اگر ملاحظه فرمایند ماده چهارم تنها راجع به مسئله اعتبار نامه نیست و ماده چهارم می‌نویسد که شعبه رسیدگی به اعتبار نامه و صورت مجلس هر دو میکند و نظربااینکه صورت مجلس انتخاب‌حاکی از انتخاب آقای مدرس بوده است از جهت شعبه حق داشته است بموجب همان ماده‌به نمایندگی‌آقای مدرس رسیدگی کند (گفته شد صحیح است) اما راجع بمراجعه نشدن به آن دو نفر آقایانیکه بعد از آقای مدرس حائز اکثریت بوده اند اولا آقا سید حسین اردبیلی مقارن همان‌اوقاتیکه جواب‌آقای نواب میرسد ایشان مرحوم میشوند و وزارت داخله گویا مجال از اینکه استعلام و مراجعه بکند پیدا نکرده بود حاج محمد تقی هم در طهران نبوده یا راه مخابره‌مسدود بوده یااینکه چون اغلب‌انتخابات در یك حال فترتی بوده و مسکوت مانده است این مسئله هم همانطور بحال سکوت مانده است و به مرحوم حاج محمد تقی هم مراجعه نشده است و بعد از چندی که بنای افتتاح مجلس شده درثانی‌مراجعه به آقای نواب کرده اند و این در وقتی بوده که آقا سید حسین و حاجی محمد تقی هر دو مرحوم شده بودند اما راجع به آقای ملك‌الشعراء اگرچه یك مراجعه به ایشان نشده و استعفائی هم نبوده‌ولی شعبه من باب احتیاط مراجعه بایشان کرده و ایشان چون قبول‌نمایندگی بجنورد راکرده بودندخودشان قبول کردندکه از نمایندگی طهران استعفا بدهند بدین جهت‌شعبه محتاج نبود دیگر دراین باب‌اشاره بکند و اما راجع به آقای حاج آقاکه میفرمائید بنده گمان نمیکنم‌که آقای حاج آقا از حیث‌آراء بر آقای مدرس مقدم باشند اگر در این ستونیکه ملاحظه فرمودید مقدم نوشته شده است اشتباهاً نوشته‌شده اگربعد مراجعه بفرمائید خواهید دیدکه آقای مدرس مقدم هستند.

رئیس - آقای زنجانی مخالفید ؟

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - خیر بنده توضیحاتی‌دارم جزو انجمن نظار بوده امرایدباطلاعات خود را توضیح بدهم مخالف نیستم باید توضیحاتی عرض کنم .

رئیس - یا باید مخالف باشید یا موافق پس دیگر مخالفی نیست .

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده توضیح دارم اجازه میفرمائید .

رئیس - چه توضیحی دارید .

میرزا ابراهیم قمی - چون انجمن نظار اشتباه‌کرده اند باید توضیح بدهم .

رئیس - کسی توضیح نخواسته است درچند روز قبل مذاکره شدکه باید رعایت نظامنامه‌بشودو تا بحال چندان رعایت نظامنامه نشده و دلائلی‌داشته که بخود آقایان هم عرض کردم اما بعد ها باید مطابق نظامنامه رفتار شود آقایان باید موافق‌باشید یا مخالف باسم توضیح نمیشود تکلم‌کرد (جمعی تصدیق کردند) رأی میگیریم به نمایندگی آقای مدرس - آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصدیق می نمایند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقای حاج شیخ اسدالله (احضار برای قرائت راپورت‌آقای حاج‌شیخ‌اسدالله راپورت شعبه ششم را بمضمون ذیل قرائت نمودند) راجع بانتخاب آقای نصیر دیوان از حوزه انتخابیه کرمانشاهان همان است که در راپورت شماره ۱۱ به مجلس تقدیم شده و در خصوص صلاحیت آقای نصیر دیوان مطابق اسناد و تلگرافات و تحقیقاتیکه شعبه نموده صلاحیت ایشان معلوم و صحت نمایندگی آقای نصیر دیوان را از حوزه کرمانشاهان شعبه تصدیق مینماید .

رئیس - راجع بوکالت آقای نصیر دیوان مخالفی هست یا خیر (گفته شد خیر) رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی ایشان ر تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب‌قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد مطلب دیگری دردستور نیست اعتبار نامه‌هائی که امروز قرائت‌شد برای‌فردا حاضر نخواهد بود و بموجب نظامنامه ۲۴ ساعت‌قبل از وقت باید طبع و توزیع شود مجبوراً جلسه‌میماند برای پس فردا صبح .

مجلس یك ساعت و ربع از شب گذشته‌ختم‌شد

رئیس مجلس شورای ملی **مؤتمن‌الملك**

جلسه ۱۲

صورت مشروح مجلس یوم‌پنجشنبه ششم ذی‌حجه ۱۳۳۹ مطابق نوزدهم برج اسد ۱۳۰۰

مجلس دوساعت‌وربع‌قبل ازظهر درتحت‌ریاست آقای مؤتمن‌الملك تشکیل گردید .

رئیس - صورت مجلس پریروز صبح که خوانده شده بود قبلا قرائت میشود بعد صورت‌جلسه پریروزعصر (صورت‌مجلس‌صبح سه‌شنبه را شاهزاده نصرت‌الدوله قرائت نمودند .

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقای آقا سید یعقوب - در آنجائی که نوشته شده است برای جمع بین رأی‌مجلس ونظریه آقای سلیمان میرزا دیگر مخالفی نیست . گفتند خیر . صورت مجلس صبح تصویب شد در اینوقت صورت‌مجلس عصر سه‌شنبه قرائت شد

رئیس - نسبت باین صورت‌مجلس اعتراضی هست یانیست(اظهاری‌نشد)مخالفی نیست‌تصویب شد رایورت راجع به آقای آقامیرزا طاهر تنکابنی که سابق قرائت‌شد طبع وتوزیع شده‌است مخالفی‌نسبت بآن‌هست .؟

محمد هاشم میرزا - خیلی متأسفم که دوره‌های دیکتاتوری وفترت‌های مشئوم این‌چندساله (که درحقیقت ازسال ۱۳۳۴ شروع شده و به اول سرطان ۱۳۴۹ خاتمه پذیرفته است) بعضی لطمات وصدمات به‌ملت زده وپاره شایعات‌وگفتگوها نسبت به‌بعضی به‌میان آمده‌است که درموقع رأی‌دادن به یك وکیل که داخل جریانات بوده وقهراً برای بعضی اشخاص تأمل حاصل میشود صرف‌نظر ازاین

که مجلس چهارم‌باید داخل‌حل این‌قضایا وگفتگوها بشود یانشود چون می‌خواهم به آقای میرزا طاهر تنکابنی‌رأی‌بدهم لازم میدانم ازایشان پاره‌توضیحات بخواهم من درغالب مدت فترت در تهران نبوده که قضایارا بتوانم موافق معلومات ومسموعات و تواتر حکمیت کرده یامجال پاره‌ای تحقیقات شخصی یافته باشم‌این‌است که‌درموقع‌رأی‌دادن‌به‌آقای‌تنکابنی‌اصرار دارم که‌بدانم مداخله‌ایشان دردوره‌آقای وثوق‌الدوله وزمامداری کمیته دموکرات دربعضی‌قضایای سیاسی از قبیل تأییدقرارداد وغیره تاچه‌درجه وچه حدبوده است بارها گفتگوها وشایعات تنها بصرف مداخله درسیاست خاصی یاتأئید یك قضیه مختلف فیه‌سیاسی می‌بوده‌شاید بحکم آزادی عقاید سیاسی ایشان را مورد مسئولیت‌مهمی قرار نمیدادم اماچون‌دراطراف این مداخله چیزهای دیگریهم گفته شده و می‌شود ناچارم از خود ایشان یاسایر مطلعین پاره تحقیقات بنمایم برای اینکه شاید در نتیجه سئوالات بتوانم اقناع شوم‌وطرح واشاعه‌مطلب در مجلس‌قدری‌خارج از نزاکت خواهدبود پیشنهادنمایم کمیسیونی‌بحکم قرعه معین شودتادرآنجا تحقیقات واعتراضات من که مؤید این‌مخالفت است طرح بشود یااقناع شده یابر مخالفت خودباقی بمانم.

حاج شیخ اسدالله - بنده خواستم‌توضیح بدهم که‌آیا این تقاضای کمیسیون بعداز گذشتن اعتبارنامه‌ازمجلس‌است‌یانظرشان‌این‌است که‌اعتبارنامه مسکوت عنه بماند تااینکه کمیسیون نظریات‌خودش را بعدازرسیدگی به‌مجلس اظهار بدارد اگرنظریه اول است حرفی ندارم ولی اگرنظریه اخیر باشد بنده تصور میکنم تامجلس رسمیت پیدا نکند یعنی سه‌ربع از اعتبارنامه‌های نمایندگان ازمجلس‌نگذرد مجلس شورای‌ملی نمیتواند همچواقدامی‌بکند اگرچه اساساً بنده باتشکیل یك‌چنین کمیسیونی هم‌عقیده هستم نه‌نسبت به‌یك شخص مخصوصی بلکه نسبت به همه حتی‌خودبنده بایدسابقه‌اعمال‌بنده‌هم تعیین شود و مجلس شورای ملی بداند که سابقه بنده چه بوده مخصوصا دردوره فترت‌هر کسی یك سابقه درخشانی داشته باشد محل توجه وتمجید مجلس شورای ملی واقع‌شود واگرهم خدای نخواسته‌یك‌نفر یك‌قصوری کرده باشد مکشوف می‌شود حالا اگر هرآینه مقصودشان بعد ازاراي گرفتن باعتبارنامه است بنده هم عقیده دارم واگر مقصودشان این است که‌اعتبار نامه بماند تاراپورت آن کمیسیون به مجلس بیاید خلاف ترتیب پارلمان است وبنده مخالفم .

رئیس - پیشنهاد آقای محمدهاشم‌میرزاقرائت میشود گویامطلب واضح‌باشد (آقای‌مستشارالسلطنه پیشنهاد مزبوررا بمضمون‌ذیل قرائت نمودند)

این بنده‌پیشنهاد میکنم کمیسیونی به‌قرعه‌معین شود که مطالب خود را راجع به آقای تنکابنی در آنجا مطرح‌نموده وتکلیف‌قطعی معین گردد (امضاء محمد هاشم‌میرزا)

رئیس — آقای حاج آقا مخالف هستید یا پیشنهاد.

حاج آقا — بلی بنده اساساً این پیشنهادی را که شاهزاده فرموده اند مخالف با نظامنامه و ترتیبات‌دیگرنمیدانم ولی‌ازرفیق‌محترم خودمیخواهم استدعا کنم راجع باصول نظریات سیاسی اشخاص همانطور که قبلا مذاکره‌شد یك‌ترتیب علیحده‌اتخاذ کنند که درآتیه در امر اعتبارنامه واصول نمایندگی قضایای سیاسی گذشته را راجع بهیچکس دخالت ندهند بنده بکلی مخالفم با اینکه در امراعتبار نامه واصول نمایندگی قضایای سیاسی گذشته را دخالت دهند من خودم میل دارم‌آن اشخاصی که درمقدرات مملکت یك دخالتهائی داشته اند یا خوب یا بد در یك محکمه‌صالحه‌محاکمه‌بشوند وباندازه‌محکومیتشان یا محکوم له شدنشان مکافات یا مجازات بشوندولی این قضیه بهیچوجه راجع بترتیب انتخابات نیست‌من عقیده‌ام این است که‌در قضیه اعتبارنامه ها قضایای سیاسی راهم دخالت ندهند واعتبارنامه ها را ازنقطه نظرجریان ردکنند یا قبول بکنند ولی برای آینده کما اینکه من خودم هم با این تقاضا اساساً موافقم وتقاضا خواهم کرد یك محکمه صالحه برای‌این‌قضیه یعنی برای رسیدگی‌باعمال‌تمام زمامداران واشخاصی که درتمام ایام‌فترت‌دخالت‌درسیاست مملکت کرده‌اند محاکمه بشوند اگرحقیقتاً خدمتگزار بوده‌اندمکافات والا مجازات شوند.

رئیس — آقای سردار معظم با پیشنهاد موافق هستید.

سردار معظم - بلی بنده باپیشنهاد موافقم برای اینکه قانون انتخابات و مورد صحت و سقم انتخابات فقط منحصربجریان انتخابات نیست بلکه‌یك قسمت منحصر بصلاحیت وعدم صلاحیت نماینده است و هرگاه ازاین نقطه نظر داخل در مذاکرات شویم قهراً هرنماینده‌حق پیدا میکند که‌قطع نظرازجریان انتخابات دراعمال نماینده دیگر امعان نظربکند ودر مسائل سیاسی گذشته اودقت نموده وحکمیت کندپس اصولا باید معتقد باین پیشنهاد شاهزاده یا هریك‌از نمایندگان شد منتهی‌نظربااینکه وقت مجلس ومصالح مجلس اقتضا ندارد که تمام مذاکرات و مشاجرات گذشته دراینجا زنده بشود مجلس شورایملی‌درموقع پیشنهاد آقای مدرس این اصل را اتخاذ و تصویب کرد لهذا باید یك راهی پیدا کرد برای اینکه این رأی مجلس‌محترم ومحفوظ باشد وازطرف‌دیگر اگربرای یك نماینده‌مشکلی حاصل بشود ورفع‌آن اشکال شده وآن نماینده اقناع بشود وقتیکه دقت بکنیم‌هیچ راهی‌نمیماند جزاینکه‌یك هیئت کوچکتری ازخود مجلس مأموربشود وآن نماینده که میل دارد درآنجا حاضربشود و توضیحات ومطالب خودش را عنوان کند ممکن بود شاهزاده محمد هاشم میرزا از تریبون استفاده بکنند وتمام مطالب خودشان‌را اظهار دارند ولی اگراینکاررا میکردند شاید منافات‌داشت با آن رأئی که مجلس شورایملی داد بنا بر این میگویند یك کمیسیونی معین بشود در آنجا رفته اشکالات وموانع خودم را طرح کنم اگرقانع شدم خواهم گفت قانع شدم واگرقانع نشدم خواهم گفت نشدم واگر زمینه مذاکرات طوری بود که اقناع کننده نبود باز ازحق خودم استفاده خواهم کرد و بازپشت تریبون خواهم آمد وحرف خودم راخواهم زد بعقیده بنده برای جمع کردن هردو طرف قضیه رامنحصربفرد فقط تعیین کمیسیون است وبرای‌اینکه درتعیین کمیسیون هم اراده اقلیت واکثریت‌ذیمدخل نباشد وبرای اینکه گفته نشود که این کمیسیون از نقطه نظرخاص تشکیل شده بایدحکمیت‌این قضیه با قرعه باشد یك کمیسیون پنج شش نفری بحکم‌قرعه تشکیل میدهند وشاهزاده محمد هاشم میرزا میروند آنجا ومطالب خودشانرا اظهارمیکنند آن کمیسیون اگر ایراد راوارد بدند رد میکند و کمیسیون غالب میشود واگروارد دید قبول نموده ومغلوب می‌شود و اگرایرادیرا وارد دید آن کمیسیون یك نظریه را پیشنهاد میکند و در ضمن رایورت خودش زمینه مذاکرات مجلس رامعین خواهد کردبنابر این‌من‌هیچ اشکالی نمی بینم .

حاج آقا - بنده فقط میخواستم دو کلمه‌عرض کنم که آن عرضی راکه کردم هیچ منافات با قانون انتخابات ندارد واصرای هم ندارم که این پیشنهادرا پس بگیرند یا نگیرند ولی بنده اصولا عرض کردم وعقیده خودم این است که مذاکرات سیاسی را نباید علت عدم صلاحیت در امر انتخابات تصور نمود باید هریك مجازات علیحده معین شود و منافات با همدیگرندارد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه‌نطق)

آقا سید یعقوب - عرض میکنم که بر همه کس معلوم است انتخابات آقای آقا میرزا طاهر تنکابنی انتخاب ملی بوده است وچون انتخاب ملی بوده است وشاهزاده محمد هاشم میرزا هم از حزب محترم دموکرات است برای همه این حق هست که اگر نسبت بحزب مقدس یك صحبتی بشود آن مذاکرات را تعقیب کنند تا معلوم شود مطلب چه بوده .

رئیس - گمان میکنم مذاکرات در این باب کافی باشد رأی بگیریم آقایانی که با پیشنهادآقای محمد هاشم میرزا موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد (عده اعضاء کمیسیون‌شش نفرباشد)

محمد هاشم میرزا — بلی شش نفر کافی است .

رئیس - درآخرجلسه اعضاء کمیسیون تعیین میشود رایورت راجع به‌آقای مقبل السلطنه مطرح مذاکره است آقای تدین (خطاب) جنابعالی‌مخالف بودید بفرمائید .

آقای سیده‌محمد قدین - بواسطه‌تحقیقاتی که کرده‌ام موجبات مخالفتم رفع شد .

رئیس- پس‌دیگرمعترضی نیست رأی‌میگیریم آقایانیکه نمایندگی ایشانرا تصویب میفرمایند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد راپورتی است راجع‌به آقای مساوات مخالفی نیست .

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید .

رئیس — مخالف هستند .

آقا سید یعقوب — آقا میرزا ابراهیم قمی مخالف بودند .

رئیس — حالا که حاضر نیستند اگر جنابعالی مخالفتی دارید بفرمائید والا باید رأی بگیریم(رأی می گیریم آقایانیکه نمایندگی آقای مساوات‌راتصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند.)

رئیس — تصویب شد راپورتی است راجع به‌آقای سلیمان میرزا سابقاً قرائت شده مخالفی نیست ؟

امیرناصر — در دوجلسه‌قبل که‌اعتبارنامه‌شاهزاده سلیمان‌میرزا مطرح شده بود بنده حضورنداشته وموقعی برای استفاده از حق مخالفت خودم بدست نیاوردم اتفاقا رأئی‌هم که بایشان داده‌شده بود حائز عده‌کافی درمجلس نبوده ودرجلسه قبل دوباره‌اعتبار نامه ایشان مطرح‌شده و موقع استفاده ازحق‌مخالفت بدست من‌آمده که درمورد مسئولیت‌های ایشان در تولید موجبات ومقدمات مهاجرت و نتایج سوئی که‌از آن برای اهالی یك‌قسمت مهم ازمملکت و مشکلاتی که برای دولت حاصل‌شده‌وبعلاوه ازآن‌وقت تاکنون موجب تعطیل مجلس‌شورایملی وتعطیل حکومت‌ملی گردیده مشروحاً عرضه‌می‌دارم و اسناد عدیده راکه دارم‌وموجود است ارائه دهم و باتفاق اشخاص مهمی که فعلا شرف حضور وعضویت درمجلس شورایملی دارند وشاهد اعمال شاهزاده وشریك درمصائب‌وارده بودند باصدای‌رسا حقایق گفتنی را بگویم وبر ضد اصول اغفال وعوم فریبی که شخصاً دشمن این عقیده واصول هستم پرده اشتباه را از برابر چشم ملت خودم که همیشه‌طالب کشف‌حقیقت وهواخواه‌مظلوم‌اند بردارم ولی افسوس بدوعلت بازهم استفاده از حق مخالفت و بیان حقیقت محروم ماندم که یکی احترام رأئی است که رفقای من درجلسه بایشان دادندوعلت ثانی‌هم که اهم‌علل است رعایت نکات ودقایقی است که جلسه صبح‌شنبه همین بود مطرح و تصویب شد ومرا وادارمیدارد باحتراز ازمشاجراتی که‌ممکن‌است مخالف حیثیات مجلس واقع شود این‌است که‌بانهایت تأثر ازمحرومیت خودم و مجبوریت ملتم تصویب‌بارد اعتبارنامه ایشان‌را برأی مجلس وامیگذارم ودیگر مخالفتی اظهارنمی کنم واعتراضات خودم را باولین مرحله امکان موقوف میدارم .

رئیس — آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق).

سلیمان‌میرزا — همانطوریکه آقای‌امیرناصر فرمودند وخواستند احترامات رأی مجلس راکه در روزشنبه داده شده مقدس و محترم بشمارند و این قبیل مذاکرات را مسکوت‌عنه بگذارند بنده‌هم چون پابستگی بحفظ احترامات مجلس‌دارم بنابراین‌داخل این مذاکرات نمیشوم و آرزومند هستم که همانطوریکه ایشان فرمودند دراولین موقع امکان بتوانند این مطالب را شرح بدهند و ملت را از خواب غفلت بیدار نموده‌وپرده‌های غفلت‌وسایرمطالب را ازقبیل عوام‌فریبی‌وغیره‌ازبرابر چشم ملت‌بردارند وحقیقت‌را هریان درنظر ملت جلوه‌گر فرمایند بنده هم ازخداوند خواهان ونیازمندم که چنین موقعی را بزودی بدست همقطار محترم کرامت کند تاملت و عموم مردم دنیا را ازغفلت آگاه‌بکنند واهالی‌مملکت ازخدمات‌یاخلاف کاریهای این ذرهٔ بمقدار که اسمش سلیمان‌میرزا است مطلع بشوند.

رئیس — آقای مدرس (اجازه نطق.)

آقای مدرس — بنده عرضی‌ندارم‌فقط کمال تشکررا از هردونفرآقایان ازآقای امیرناصر وآقای سلیمان میرزا دارم که رعایت حیثیات مجلس‌رانمودند وازمذاکراتی که‌مخالف‌بااحترامات‌مجلس‌است‌صرفنظر کردند وانشاءالله‌رحمن مسئله خاتمه می‌یابد .

رئیس — رأی میگیریم‌بنمایندگی آقای‌سلیمان میرزا آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند اغلب قیام نمودند .

رئیس — تصویب‌شد - راپورتی است راجع بآقای جلیل الملك آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید بفرمائید .

حاج‌شیخ‌اسدالله — چون ممکن‌است‌باجمع بودن انتخابات یك اعمال نفوذی نسبت بیك نماینده بشود ونسبت بیك متخت دیگر نشود وبرای اینکه بعضی ازآقایان بعد اشکال نکنند که‌درصورتی که انتخاب جمعی بود چرا نسبت به یکی از نمایندگان دیگر اعتراض نکردی درحالیکه جریان انتخابات‌در یك‌صورت نبوده این‌است که عرض می کنم که خیر ممکن‌است باجمعی بودن انتخابات نسبت‌بیکی اعمال نفوذ و تهدیدشده باشد ونسبت بدیگری نشده باشد بطلان‌انتخابات‌ممکن‌است ازدونقطه نظرباشدیکی‌عدم صلاحیت منتخب ویکی بواسطه سوء جریان انتخابات بنده از نقطه نظر اخلاقی شاید بصلاحیت آقای جلیل‌الملك عقیده داشته‌باشم وعقیده دارم واز این نقطه‌نظر وارد مطلب نمیشوم اما بدبختانه از نقطه نظر جریان انتخاباب وقتیکه ملاحظه بفرمائیدمیبینید که اگریك مورد تهدید وجود خارجی داشته‌باشد و مصداقی پیدا بکند همین جاست چرا برای اینکه انتخاباتی که درکاشان صورت گرفته باین ترتیب‌بود درخودشهر یك حوزه انتخابیه‌تشکیل شده درنطنز هم یك‌حوزه جزء درجوشقانهم مطابق راپورتی که رسیده یك حوزه دیگر تشکیل شده اگر چه بنده کاملا دوسیه‌را ملاحظه‌ومراجعه نکرده‌ام وامروزصبح این راپورت بمن‌رسیده ولی آنچه اطلاع‌دارم بعرض آقایان نمایندگان ملت میرسانم دربدو انتخابات‌یعنی قبل از شروع بانتخابات مطابق آنچه شهرت دارد ومی گویندوشاید مدرکی‌هم‌دردوسیه‌باشد که‌این‌نظریه را تأیید بکند اینست که‌یکی ازمنسوبین خیلی‌نزدیك آقای جلیل‌الملك بسمت مأموریت مالیه کاشان‌بجهت اجرای این مقصود معین شده و حکومت محل هم که از آنجا خواسته است حرکت بکند نصب‌ایشان مشروط بر این کار بوده است که آقای جلیل‌الملك از آنجا انتخاب شوند بعد از آنکه وارد بکاشان شده اند بر حسب امر دولت انتخابات را شروع کرده اند ماشاءالله خان هم با یك فشار فوق‌العاده با نظریه آنها همراهی کرده در بین جریان‌انتخابات کاشان شکایاتی رسیده است که انتخاب اینجا از روی تهدید است و مردم در دادن رأی آزادنیستند حتی رئیس نظمیه‌محل تلگرافی با سیم کمپانی‌که گویا رمز هم باشد به رئیس‌الوزراء وقت میکند که انتخاب اینجا جریانش طبیعی نیست و من از عهده انجام اینکار و از عهده جلوگیری بر نمیآیم حتی شخص مرا تهدید و تطمیع میکنند ملاحظه فرمائید مأمور رسمی دولت در محل انتخابات و در موقع انتخابات این راپورت را میدهدعلاوه براین‌شکایات فوق‌العاده دیگر در همان موقع از انتخابات آنجا رسیده مبنی بر اینکه انتخابات آزاد نیست رئیس الوزراء گویا از مجرای‌وزارت داخله انتخابات‌آنجا را توقیف می کند و بیست روز هم درتحت توقیف میماند حکومت محل هم در همان موقع راپورت‌می دهد که وسائل انتخابات در آنجا فراهم نیست در بین جریان انتخابات رئیس نظمیه راپورت میدهد که مرا تهدید و تطمیع کرده اند ومأمورین رسمی‌دولت راپورت میدهند که وسائل انتخابات در آنجا موجود نیست این جمله را بنده نمی فهمم یعنی چه خوبست آقایان دقت کرده به بینند از این مطلب چه‌میفهمند بعقیده بنده وسائل انتخابات فراهم نیست یعنی‌تهدید در کار است یعنی فشار ماشاءالله خان در بین است یعنی وسائل غیر مشروعه در اینجا اعمال میشود نمی دانم پس از مدتی چه میشود که وسائل انتخابات فراهم میشود و از اینجاتلگراف میکنند که‌انتخابات را از توقیف خارج نمائید همان تعرفه راکه نظمیه و حکومت تهدید و بطلانش را راپورت داده اند و و هزار و کسری بوده که همه تصدیق کردند که از روی تهدید بوده‌است جزء تعرفه های رسمی‌قرار داده و آراء هم از آنها گرفته اند مأمورین مالیه هم در اینجا بموجب دستوری که داشته اند شروع باقدامات و فشار ها نموده مخصوصاً در حوزه نطنز باندازه فشاروارد میآورند که درمونع انتخابات‌اهالی از نطنز فرار کرده و باردستان رفته ازآنجا شکایت میکنند که امان از این انتخابات این چه وضعی‌است ما برای این انتخاب در عذاب هستیم در بدر شدیم معلوم است اگر این مردم آزاد بودند ومیتوانستند شکایات خودشانرا ازکاشان مخابره کنند البته با بارستان نمی رفتند پس بعقیده بنده انتخاباتی را که میتوان گفت از روی تهدید بوده همین انتخابات است آیا نمایندگان محترم غیر ازاین وسائل‌تهدید

را چه فرض می نمایند آیا فرار اهالی را ازولایات خود از خانه خود و بمحل دیگر رفتن و شکایات آنها را از مأمورین مالیه که برای انتخاب اشخاصی که در نظر دارند ما را بتنك آورده اند برچه‌حمل میفرمائید علاوه بر این مأمورین مالیه چه مناسبت دارد دخالت در انتخابات کنند و یا اینکه صندوق آراء را به خانه امین مالیه ببرند ملاحظه بفرمائید در قانون انتخابات یك چنین حق و نظارتی به مأمورین مالیه داده شده است بعلاوه هیئت نظار کاشان در راپورت خود تصدیق مینمایند که‌ماشاءالله خان برای انتخابات دستوراتی داده منتها در آنجا ذکر مینماید که این دستوری که ماشاءالله خان داده است برای این است که وسائل شکایت بدست مردم داده باشد وبرای اینکه‌باانتخابات‌مخالف بوده‌بمردم دستورالعمل میداده که راه شکایت باز شود آیا هیچ مناسبت دارد که ماشاءالله خان برای ابطال انتخابات دستورالعمل دهد که فلان را انتخاب نمائید برای‌اینکه بعداز انتخاب مردم شکایت‌نمایند این‌است که از آقایان تمنا می‌نمایم که با کمال دقت وانصاف دراین راپورت و انتخاباتی که در آنجا شده نظر بکنید وازروی‌بی‌غرضی وصحت وازروی وجدان‌حکم کنید و ببینید که آیا این انتخاب انتخابی است که مجلس شورای ملی خواند او رایدیرفته ورأی‌بصحت آن دهد اگر همچو چیزی را وجدان آقایان قبول کرد بنده مطیع اکثریت بوده وتصدیق خواهم کرد

سردار معظم (مخبر شعبه)-مقدمتاً باید گفته شود که فصول شکایات ولواینکه قطر دوسیه شکایات خیلی‌زیادتر ازاین دوسیه باشد اساساًنباید انسان را مرعوب کند زیرا که یك شکایت کوچك را اگر درظرف سال یاروز تکرار کنند یك شاهنامه می شود (گفته شدصحیح است) درصورتیکه‌قطر دوسیه وتعدد شکایات هیچ اثری در صحت و سقم انتخابات ندارد بعقیده من یك ماده شکایات معین که مبنی برقانون باشد مؤثر تر از تکرار شکایت بدون دلیل است کلیتاًدر این مملکت یك اصول کلی برای شکایت از انتخابات اتخاذ نشده که تاوقتی که تعرفه داده می‌شود وانجمن نظارت مشغول است آن شکایات درکار نیست اما بمجردیکه انجمن نظارت شروع باستخراج آراء می نماید شکایت شروع می شود یعنی بمحض اینکه یك عده از کاندیدهای‌محلی مأیوس از انتخاب شدن میشوند شروع می‌نمایند به تلگرافات شکایات‌باسم کمپانی وترتیب کاغذ های جعلی باسم اینکه در انتخابات تهدید است وتطمیع است ما آزادی رأی نداریم مارا فلان‌مأمورمجبور کرده این شکایت کلی است ومجلس شورای ملی نمی‌تواند باین شکایات ترتیب اثری بدهد ولی گفته می‌شود فلان مأمور دولتی‌در فلان مورد بمن‌امر کرد که فلان کار را بکنم این شکایت قانونی است‌وباید مجلس شورای ملی درتحت نظر و مطالعه بیاورد و بعد بیطرفانه حکمیت کند والا شکایت کلی مبطل انتخابات نیست ومن‌این مطلب‌را بصوت بلندمیگویم برای اینکه شکایت کنندگان انتخابات آتیه درنظر داشته باشند که این نوع شکایات کلی را نمی شود مأخذ ابطال انتخابات قرار داد آقای حاج شیخ اسدالله از موافقت مأمورین مالیه نسبت بمنتخب کاشان شرحی بیان فرمودند اولا می خواستم یك مطلبی‌را سئوال کنم آیا واقعاً بمجرد اینکه یك‌امین مالیه یایك رئیس نظمیه یایك حاکمی توصیه کند که اگر صلاح بدانید فلان کس را برای نمایندگی انتخاب کنید آن انتخاب باطل است یاخیر آیا شما بچه‌فلسفه‌وبچه‌منطق این‌مطلب‌رامنافی‌صحت‌انتخابات می‌دانید بایدید دخالت اشخاص تاچه حد مشروع‌و تاچه حد غیرمشروع است البته‌امین مالیه یایك‌مأمور دولتی دیگر میتواند عقیده خودرا ترویج بکندمنتها حد ترویج او باید محدود بدوچیز باشد اولا باید برای پیشرفت‌مقصود خودش باشد وثانیاً نبایدتهدید ویا تطمیع کند یعنی باید بلاعوض باشد بعقیده من مأمور مالیه درمداخله‌انتخابات همان حقی‌رادارد که‌تمام افراد مملکت‌دارا میباشندپس‌بنابراین اگرامین مالیه اصفهان یا پیشکار مالیه شیراز فی المثل بگوید خوبست شاهزاده سلیمان میرزا را انتخاب بکنید و نگوید که اگر انتخاب نکنید فلان مجازات را در حق‌شما اعمال خواهم کرد ووعده‌ندهد که اگر کردند فلان پول را بشما خواهم داد من تصور می کنم که هیچ ضرر ندارد و پیشکار مالیه فارس می تواند از این حق مشروع استفاده بکند و وقتی‌که اساساً بمداخله مأمورین دولتی در انتخابات قائل شدیم آنوقت ممکنست یك امین مالیه از یك شخص معینی ترویج کند ویك رئیس نظمیه مخالفی هم ممکنست باشد و بر حیله او اشکالتراشی بکند پس از این نقطه نظر وقتی که وارد قضیه بشویم باید بگوئیم مداخلات هر دو ممکنست مبنی بر غرض بوده باشد ولی نمی توان گفت که چون امین‌مالیه موافقت کرده است مرتکب خلاف قانونی شده وچون رئیس‌نظمیه مخالفت کرده شخص صحیح العملی است خیر هیچ مدرکی در دست نیست علی الخصوص که قانون انتخابات هم هیچ وظیفه ومسئولیتی برای رئیس‌نظمیه معین نمی کند که وقتی مواد قانون انتخابرا می بینیم فقط رئیس نظمیه یك نفر مأمور حفظ انتظام است و وظیفهٔ دیگری در انتخابات ندارد قانوناً یك نفر مأمور دولت حق مداخله دارد آنهم حاکم است و آنهم در ابتداء امر انتخابات یعنی در قسمتی‌که راجع بتأسیس انجمن نظارت است پس از اینکه حاکم انجمن را معین کرد آنوقت قسمت اعظم مراقبت‌درصحت‌وسقم‌انتخابات‌مربوط‌میشود بانجمن‌نظارت ودرحین‌عملیات‌انجمن‌نظارت‌حاکم‌هم‌مداخله‌نمی کند‌پس بنابراین‌مداخله‌رئیس‌نظمیه‌چه‌ازروی‌موافقت‌وچه‌ازروی مخالفت بهیچ جای قانون سکته وارد نمی‌آورد‌بطور مقدمه این دو مطلبرا لازم بود عرض کنم . آقای حاج شیخ اسدالله ایرادیرا که کرده اند یکی در صلاحیت بود که خودشان فرمودند آن اشکال را در باره شخص‌منتخب ندارند ودیگری راجع بودبجریان انتخابات اینکه فرمودند ممکنست در انتخابات‌جمعی مطلب را تفکیك کرد این فرض برای من قدری مشکل است زیرا که اگر ایراد بمنتخب نداشته و بجریان انتخابات داشته باشند باید بگوئیم نتیجه‌آن انتخابات هر چه باشد نفیاً یا اثباتاً باید شامل تمام انتخابات آنجا بوده باشد و مجلس شورایملی خوشوقتانه مطابق رأیی که در انتخابات کاشان داده معلوم شد که موافقت نظر با آقای حاج‌شیخ اسدالله در باره سوء جریان انتخابات کاشان ندارد وبواسطه تصویب نمایندگی آقای میرزا سید حسن صحت انتخابات مجلس را تصویب کرد زیرا مجلس نمی توانست با تصدیق سوء جریان انتخابات کاشان نماینده دیگر کاشان را قبول کند و من تصور می کنم که روحاً و اخلاقاً مجلس شورای ملی‌اساس انتخابات کاشان‌راتصدیق و قطع کرده و بعقیده من‌مراجعه باین‌مطلب‌مخالف بآن رأی مجلس است پس این مطلب بعقیده‌و بنظر من ختم و تمام شده است از نقطه‌نظر سوء جریان انتخابات پس از تصویب یك نفر از نمایندگان کاشان دیگر نمیتوان گفتگوئی کرد اما مسائلی فرمودند راجع به بردن آراء بمنزل امین مالیه و مداخلات ماشاءالله خان در امر انتخابات بنده شخصاً راجع بانتخابات اطلاعات خصوصی ندارم حکمیت شعبه مطابق اسنادی است که در دوسیه است‌و قهراً وقتیکه ما خودمان در یك قضیه شاهدوناظر نباشیم مجبوریم که بالاخره بشهادت شهود اتخاذ عقیده بکنیم بلی یك شکایاتی در دوسیه هست‌و یك شخص مدعی شده که آراء نطنز را برای حفاظت بمنزل امین مالیه برده‌اند ولی نمیگویند صندوق باز بوده و میگویند آن صندوق ممهور بمهر انجمن نظارت بوده و منتهی برای اینکه تصور شبهه نشودیك عده از اهالی نطنز که عبارت ازحاکم و انجمن نظارت انتخابات و جمعی از معاریف و علماء مجلس بمحض اینکه این شکایات را شنیده‌اند وقوع این قضیه را تکذیب می کنند و یقین دارم که آقا خودشان‌هم در آنجا تشریف نداشته‌اند که‌اطلاعات شخصی داشته باشند می بینند شکایتی‌راجع‌به سپردن صندوق‌بامین مالیه رسیده اما در مقابل یك عده اشخاصی هم که هیچ علت ندارد همه آنها را مغرض تصور کنیم می‌نویسند که همچو خبری نبود وکسی‌صندوق‌آراء را به امین مالیه نسپرده است اما واقعاً و انصافاً ما باید این شکایت را در نظر بگیریم و وارد مطلب شویم که آیا سپردن صندوق‌آراء بامین مالیه تا چه درجه سکته باساس انتخابات وارد میآورد آیاما باید این شکایات را در نظر گرفته و قابل‌توجه بدانیم خیر دیگر آنکه شکایت از مداخله ماشاءالله خان در امر انتخابات می کنندوقتی بدقت بدوسیه‌انتخابات ملاحظه کنیم خواهیم دید که در مرحله اول ماشاءالله خان کاملا بی‌دخل‌بوده حتی‌مطابق تلگراف

رمزی هم که حاکم کاشان به رئیس‌الوزراء زمان میکند میگوید من ماشاءالله خان را راضی کردم که از شهر بیرون برود و در خارج شهر باشد برای اینکه تصور نرود که مخالفت یا موافقت یا اقدامی برای انتخاب کسی کرده ولی وقتیکه انتخابات شروع شده است و هزاروشصت‌وشش تعرفه داده شده‌است در این بین بواسطه شکایاتی که شده است از طهران هم حکم شده که انتخابات را توقیف کنند اینکه چه اندازه دولت حق توقیف یا عدم توقیف انتخابات را دارد بنده کاملا نمی توانم عرض کنم ولی اساساً عقیده خودم این است که دولت هیچ حق ندارد انتخابات را توقیف و یا تجدید کند و هر نوع مداخله دولت که خارج از حدود قانون انتخابات باشد خلاف‌قانون است (گفته شد صحیح است) بنا بر این دولت پس از استماع‌سوءجریان انتخابات کاشان باید بحاکم کاشان تذکر بدهند با یك مأمورینی که محل اعتمادش بوده باشند باید بکاشان بفرستد که تحقیق نمایندحالا چه‌شده‌وبرای‌چه این حکم خلاف قانون از طرف دولت صادر شده نمیدانم همین قدر معلوم است که تقریباً یك ماه انتخابات کاشان به تعویق افتاده است در این یك ماه چه شده و چه رابورت هائی رسیده نمیدانم‌ولی مطابق اسنادیکه ما می بینم قیافه ماشاءالله خان نسبت به انتخابات تغییر کرده بعبارة اخری مخالف انتخابات شده است چنانچه بنده در اینجا یك سند اتفاقی دارم که الان بدست من رسیده و یك کسی که صلاحیت اظهار این عقیده را دارد میگوید کسان ماشاءالله در آن موقع در انفصال مأمور مالیه نظر مبصر بوده‌اند همان مأمور مالیه که گفته میشود اعمال نفوذ در باره منتخبین فعلی می کرده است بنا بر این باید تصدیق کنیم که وقتی دو نفر موافق در یك مقصود یکدیگر را مغل پیشرفت مقصود خودشان میدانند ازیکدیگر شکایت‌می کنند چون این قیافه ماشاءالله خان در انتخابات عوض میشود توقیف انتخابات کاشان هم شروع می شود تولید یك شکایاتی میکند و مطابق اظهارات‌انجمن ماشاءالله خان و اتباعش در صدد بوده‌اند که آراء جوشقان و نطنز را در ضمن حمل به کاشان درراه تصرف و نسبت به آنها مداخلاتی بکنند و بهمین ملاحظه است که این دو انجمن جزء وقتیکه کسب تکلیف از انجمن مرکزی میکنند انجمن مرکزی میگوید بملاحظات محلی کاشان مقتضی‌نیست‌صندوق آراء را به شهر بیاورند بعبارة اخری میخواهند بفهمانند که بواسطه نا امنی راه ممکن نیست که آراء سالم به شهر برسد و مخصوصاً توصیه میکنند که آراء را در محل استخراج نمایند زیرا تصور می کند که آراء جوشقان و نطنز در محل از مداخلات اجزاء ماشاءالله‌خان و نائب‌حسین محفوظ خواهد ماند البته مخالفین انتخابات‌وقتی که‌میخواهند شکایت کنند چه میگویند خصوصاً وقتیکه یك ماشاءالله خان یاغی یك ماشاءالله‌خان دزد راهزنی هم در کاشان وجود دارد اگر کسی بخواهد مخالفت با انتخابات بکند میگوید این انتخابات در تحت تأثیر اقدامات ماشاءالله خان بود (گفته شد صحیح) چنانکه برعکس وقتی موافقین انتخابات میخواهند برای ضایع کردن مخالفین خودشان‌یعنی مخالفت کنندگان با انتخابات دلائل محکمی پیدا کنند میگویند اینها تحریك‌شده ماشاءالله خان ستند و هردو طرف برای پیشرفت مقصود خودشان از بدی ماشاءالله خان استفاده میکنند در صورتی که حقیقت امر اینست که بواسطه ماشاءالله خان ممکن است واقعاً هردو طرف راست گفته باشند و واقعاً همین طور که حاکم کاشان مدعی است ماشاءالله خان در مراحل اول یا شاید در سایر مراحل هیچ مداخله نداشته منتهی چنانکه عرض کردم مخالف و موافق‌میخواهند از بدی ماشاءالله خان استفاده کنند و اسم او را به انتخابات به چسبانند که بواسطه‌بدی نایب حسین و ماشاءالله‌خان آن انتخابات را باطل کنند ولی این‌دلائل کافی نیست که مجلس‌شورای ملی بخواهد صحت نمایندگی یك نماینده را باین دلائل ضعیف و کوچك مورد تردید قرار دهد‌علی‌الخصوص آقای حاج‌شیخ اسدالله خودشان مطلع‌اند که با رأی به صحت نمایندگی آقا سید حسن‌صحت جریان انتخابات کاشان را تصدیق کرده است لذا بنده تصور میکنم دراین باب مذاکره هم برخلاف رأی مجلس خواهد بود .

رئیس - آقای مدرس اجازه نطق .

مدرس — خیلی متأسفم که با مخبر بودن آقای سردار معظم که یگانه ناطق مجلس شورای ملی هستند بنده لابدم صحبت نمایم بنده داخل در مسئله سیاست و صلاحیت و نطقها و کنفرانسهائی که در موقع انتخابات درکاشان داده شده نمیشوم لیکن در مسئله انتخابات مظنونات خود را متعلق بکاشان رها کرده و مقطوعات را به نظر میگیرم اولا مسئله اساسی که آقای سردار معظم نسبت به تفکیك انتخابات فرمودند این مسئله ایست که همیشه محل ابتلای دوره های سابق هم بوده و حالاهم‌هست بعد از این هم خواهد بود در موقع انتخابات در تهران هم دیده اید که جمعیت های حزبی یا غیر حزبی کاندید های خودشان را نوشته و بدیوارها می چسبانند اول مینوشتند آقای مشیرالدوله آقای موتمن الملك و یك چند نفر از اشخاصی که‌وجهه ملی دارند بعد یهلویش قطار میگردند اشخاصی را که بدی‌هر کدام‌حسن صدها مثل مشیرالدوله ومؤتمن الملك رااز میان می برد و البته همه اطلاع دارند که غالباً در همه جا انتخابات همینطور است آقای آقا میرزا سید حسن مردی‌است خانواده البته‌آقای جلیل‌الملك هم مردی موقر و محترمند دخلی بمسئله ندارد مذاکرات مجلس سیاسی است مسئله شخصی نیست البته من هم اگر بخواهم از کاشان منتخب بشوم چون بنده غریب هستم و آقا میرزا سیدحسن اهل آنجا هستندبا ایشان میسازم تا انشاءالله‌به‌برکت ایشان ویك قدری هم بکمك همشیره زاده امین‌مالیه انتخابات درست شود مکرر آقا از یك امین مالیه مذاکره میفرمایندخیر خدا رحمت کند آقای‌وثوق‌الدوله بودند و خیلی هم در این‌انتخابات مصر بودند و اصل و منشاء این مسئله ایشان بودند لکن نظریات آقای سردار معظم را بنده تصدیق میکنم که یك‌نماینده نباید شکایات بی‌اساسی‌را مورد توجه قرار دهد ونباید دراین‌دوره به‌شکایات جزئی که‌قابل اصلاح است اهمیت‌داد ولی اهمیت‌دادن ما راجع به اختیاری یا غیراختیاری بودن انتخاب است هرچیزی قابل مسامحه است الا اینکه انتخاب کننده اختیار نداشته باشد این‌دیگر قابل مسامحه نیست کاشان و نطنز هم جای‌خیلی‌دوری نیست بفرموده آقای‌سردار معظم یك‌ماه‌ونیم آراء آنجاراهم توقیف نموده اند وابداً نه‌ازطرف دولت ونه ازطرف شعبه ونه از جای دیگر دلیلی جهت توقیف وبرداشتن توقیف ذکر نشده این‌شکایت ازهمه‌جا میشود اماتوقیف آراء که در کاشان شده یك‌سبب اساسی داشته است که دولت توقیف کرده حالا باید فهمید دولت یا وزارت داخله چرا توقیف کرده است من‌موافقم باشما که دولت هم حق‌ندارد انتخابات‌را توقیف کند ولی‌حالا که‌توقیف کرده است آیا سبب چه بوده رسیدن ٤ تلگراف سبب توقیف نمیشود بنده‌هم طرف مخابره بعضی تلگرافات بوده ام بقدری فشار آورده اند که مردم نطنز قادر براینکه از همانجا تلگراف بکنند نشده وبه‌اردستان که نمیدانم هشت یا نه یا چندفرسخ است رفته و ازآنجا شکایت کرده‌اند عرض کردم مسئله سیاست‌را کنار گذاردیم مسئله جریان انتخابات‌ضلعی ازمملکت است که درعرض چندماه مشغول بوده‌اند و شکایات زیادی شده دولت‌هم دراین مسئله تحقیقاتی نکرده و بنده اساساً میگویم یك ضلعی که اینهمه شکایات کرده اند مناسب است مجلس شورای ملی تحقیق بکند که واقعاً مردم درتحت فشار بوده‌اند یا خیر چرا برای‌اینکه بمجردیك‌تلگراف نمیشودصحت و سقم مطلب را فهمید باید تحقیق کرد و فهمید که مردم درتحت فشار بوده‌اند واین‌ا نتخاب را کرده‌اند یا در تحت‌فشار نبوده‌اند وحاکم بین‌مادونفر(من و مخبر شعبه آقای سردارمعظم)خودآقای‌جلیل‌الملك خواهد بود بجهت اینکه ایشانهم اطلاعاتشان از من زیادتر است وهم ازآقای سردارمعظم وعقیده‌من‌این است که مجلس‌شورای‌ملی اگرصلاح بدانند این‌مسئله باین بزرگی‌را اهمیت بدهند وتحقیقات کافی بکنند و رجوع به‌کمیسیون تحقیق نمایند و اگرهم صلاح ندانند واکثریت‌هم رأی‌دهد ما مضایقه نداریم که در اقلیت بمانیم و اما اینکه آقا میفرمایند که کاندیدها شکایت‌میکنند خوب‌است معرفی بکنید که درانتخابات

نطنز کاندیدا که بوده که رأی مهمی داشته باشد در انتخابات همه‌جا کسانی‌هستند که صدرأی دویست رأی یانصدرأی کمتر یابیشتر دارند ولی‌درنطنز کاندیدائی که‌پنج‌رأی‌شایدداشته‌باشد مثل کدخدا یا پسرش یا نوکرش‌باشد ولی‌اهمیتی‌ندارد اما کسانیکه‌شکایتشان از روی کاندائی باشد در آنجا نیست وفقط‌بواسطه صدمااتی که بوده که بآنها وارد می‌شده این معلومات بنده است حالا اگر مجلس شورای‌ملی صلاح‌میداند موکول بفرماید به‌کمیسیون تحقیق و اگر هم لازم بداند یك‌نماینده معین شود وبه‌محل برود وتحقیق کندواقعامردم‌بدانند ،مجلس‌شورای‌ملی درصدد‌تحقیق برآمده‌است‌واگرهم نمی‌خواهند رأی بدهند بنده‌هم در اقلیت خواهم ماند وآقای جلیل‌الملك‌هم هیچ - آزردگی نباید داشته باشند چون کار راجع به‌انتخابات است ومسئله قانون و مسئله اساسی مسئله شخصی نیست .

رئیس — آقای تدین موافق هستید‌بارا‌پورت.

آقاسیدمحمدتدین — بله موافقم .

رئیس — بفرمائید (اجازه نطق) .

تدین — ازجمله‌فرمایشات‌آقای‌حاج‌شیخ‌اسدالله راجع به‌اعتراض به‌جریان انتخابات این بود که امین مالیه یك‌نفر ازمنسوبین آقای جلیل‌الملك بوده است ونسبت او موجب شده است برای ایشان اعمال نفوذ بکند اگرچه دراین‌زمینه آقای سردار معظم بطور مبسوط مذاکره کرده‌اند ولی بنده لازم‌میدانم آقای حاج شیخ‌اسدالله‌رامتذکر کنم که به‌یك‌بیانی که نظیرش را در چند جلسه قبل در موقع مدافعه از راپورت کرمانشاهان میفرمودند ازجمله اعتراضاتی که می‌شد این بود که برادر منتخب در کرمانشاهان حاکم بوده واعمال‌نفوذ کرده وایشان دفاع کردند که قانون برادر منتخب‌را بهیچوجه منع نکرده ازاینکه دخالت‌بکند واین دلیل نمیشود .

حاج‌شیخ‌اسدالله — همچو چیزی نیست .

تدین — شاید این‌طور بوده است که حرف بودن برادر منتخب دریك‌محلی حاکم دلیل اینکه اواعمال نفوذ کرده است نمیشود بنده‌بهمین‌دلیل عرض کردم به‌حرف اینکه یك‌نفر منسوب منتخب کاشان امین مالیه باشد دلیل نمیشود که اعمال نفوذ کرده باشد ولی قسمت عمده اعتراضات راجع است به چند چیزیکی دخالت ماشا الله خان در امر انتخابات وبنده در این زمینه اطلاعات‌خارجی دارم وقبل از اینکه اطلاعات خارجی خودم را عرض کنم آقایان را تذکر میدهم به‌چند سطرازراپورت شعبه اولا حکومت مینویسد که در مراحل اول ماشاءالله خان درامر انتخابات بیطرف بودوبواسطه عدم مداخله از شهر خارج شده و در مراحل ثانی او را مخالف معرفی مینماید یعنی حکومت اطلاع میدهد که در مرحله دوم مخالف با انتخاب بوده از این اظهار حکومت معلوم میشود یك حال تردیدی برای ماشاءالله خان حاصل شده که یك وقت موافق ویك وقت مخالف بود بعد میگوید بعضی ازشکایت کنندگان از انتخابات کتباً اظهار میدارند که مخالفت آنها با انتخابات مطابق دستور العمل ماشاءالله خان بوده و مشارالیه برای بدست دادن مدارك برای مخالفین انتخابات توصیه هائی در انتخاب کردن نمایندگان فعلی کاشان خواهد نمود این صریح‌است که‌اشخاصیکه شکایت میکنند ازانتخابات‌اظهارمیکنند که مخالفت آنها با انتخابات موافق دستور ماشاءالله خان است وحال آنکه در مقابل عده دیگری‌هستند که عکس آنرا میگویند و البته این هردو با هم معارضه‌میکند وترتیب اثری باین دوفقره داده‌نخواهد شد اما اطلاعاتی که بنده دارم آنست که در بدو امر یعنی موقع شروع بانتخابات کاشان ماشاءالله خان برای اینکه هردو دسته را از خودش راضی کند یعنی دسته موافق ومخالف با انتخابات‌کاشان را از نقطه نظر منتخبین فعلی باینمعنی که جمعی عقیده‌شان این بود که منتخب کاشان آقا میرزا سید حسن و آقای جلیل‌الملك باشند وجمعی دیگرعقیده‌شان غیراز این بود ودونفر دیگر راکه اسم نمیبرم‌میخواسته‌اند انتخاب بشوند، این اختلاف محلی موجب شده‌است که ماشاءالله خان بواسطه آن اخلاقی که داشته‌است وهمیشه در این قسم مواقع میخواسته است طرفین‌را از خود راضی بدارد بهردو دسته میگفته است‌باشما موافقم باین جهت است که هردو دسته متمسك باو میشوند مخالفین یعنی ناراضی ها میگویند ماشاء الله خان تهدید کرده وموافق باآن دسته است وآندسته دیگر میگویند ماشاءالله خان موافق باآن دسته‌بوده است دراوایل امرحالات روحیه ماشاءالله خان‌اینطور بوده است ولی در اواخر حالت او تغییر کرده ویك طرفی شد باینمعنی که مخالف با انتخابات شد از نقطه نظر انتخاب این دو نفر منتخب بدلیل اینکه بعداز آنکه انتخابات کاشان از توقیف خارج شد و شروع بقرائت آراء گردید این قرائت‌آراء مصادف شد با موقعیکه از طرف دولت در همین بهارستان شروع به‌کاردن پارتی برای حریق زدگان آمل‌شده درهمین‌وقت‌تلگراف‌رمزی‌ازماشاءالله‌خان‌برای‌شاهزاده صارم‌الدوله رسید وشاهدهم دراین قضیه دارم که در درهمین مجلس حاضراست تلگراف مبنی براین بود که‌آن دونفر که منظور شما ومن بود مطابق اطلاعی که من بدست آورده‌ام واوراق آرائی که درصندوق انداخته شده‌است باسم آنها نیست بنا براین آمال‌ما حاصل نمیشودتکلیف می‌خواهم‌شاهزاده صارم‌الدوله بطور خصوصی تلگراف رمزی باو میکند توقیف کنید ماشاءالله‌خان اطلاع‌بانجمن میدهد که حالاصلاح نیست و اجازه ندارید اوراق آراء را قرائت کنید تقریباً آراء یك‌شبانه روزهم درحال وقفه میماندیس ازآن خبر باینجا میرسد که چنین قضیه رخ نموده و ماشاءالله‌خان آراء را توقیف نموده و بانجمن امر کرده که آراء را نباید بخوانند اینجا تحقیقات شد که سبب تأخیر این امر چه چیز است بنده خودم تحقیق کردم معلوم‌شد که ماشاءالله خان به شاهزاده صارم‌الدوله تلگراف کرده ودستور خواسته است و شاه زاده باو دستور داده است بنده‌دراینجا باشاهزاده صارم‌الدوله داخل مذاکره شده وعرض کردم‌آقا این اقدام شما برخلاف قانون است اگر مقصود شما و ماشاءالله‌خان این‌است که فلان زید انتخاب بشود و الان احساس کرده است که اواکثریت ندارد قدرت و اقتدار از شما باقی است و آن شخص محترم که منظور شما است اختصاص ندارد که از کاشان انتخاب بشود ممکن است ازجای‌دیگر انتخاب بشود بنده برای اینکه ابداً نمیخواهم وارد شخصیات بشوم هیچ لازم نمیدانم اسم‌ببرم همین قدر عرض میکنم که بنده وچند نفر ازرفقا باحضور آقای نصرت الدوله‌درهمین بهارستان ازشاهزاده‌صارم‌الدوله خواهش کردیم که به ماشاء الله‌خان تلگراف کند که شما درعمل انتخابات مداخله نکنید دراینجا تلگراف را باخط لاتین نوشته وفرستاده شد که باسیم کمپانی مخابره نمائید دیگر بنده درست اطلاع ندارم که تلگراف به ماشاء الله خان رسید واوصرف‌نظر کرد وشروع به قرائت آراء شد یاخیر از این اطلاعاتی که بنده دارم هیچ قابل تردید نیست که ماشاءالله‌خان درمرحله اخیرمخالف باانتخاب بوده است‌ازنقطه‌نظر منتخب نه ازنقطه نظرجریان انتخابات وحاضر هستم اسناد خود را در این خصوص ارائه بدهم و اینکه آقای مدرس فرمودند بیشتر مطالب طرف توجه و مقطوعاتشان راجع به نطنز است ودر این باب چند دلیل اقامه کردند بنده دوفقره ازآنها را درنظردارم یکی اینکه فرمودند اهالی نطنز باندازه‌در فشار بوده اند که درچند فرسخی رفته واز آنجا تلگراف کرده اند ونتوانسته اند در محل خودشان تلگراف کنند البته تصدیق میفرمائید که هر کس از جریان امور اجتماعی اطلاع داشته باشد نمی‌تواند این را مأخذ ومدرك قرار دهد بجهت اینکه اشخاصی که میخواهند شکایت کنند قطعاً متمسك باینگونه‌عملیات میشوند وبرای اینکه‌وانمود نمایند که‌آزاد نبوده‌ایم ودرتحت فشار بوده‌ایم نتوانسته ایم ازهر گز مخابره به طهران کنیم مجبورشدیم ازیانزده‌فرسخی تلگراف کنیم خیر این‌طور نیست وهمچنین تلگراف ومخابره باسیم کمپانی هم دلیل نمیشود مدعی برای وانمود کردن درانظار که من مجبوربودم وتلگراف درتحت سانسور بودلهذا باسیم کمپانی مخابره کردم این کار را میکنند دیگراینکه فرمودند غیرازاین‌دونفرمنتخب کسی دیگررأی مهمی نداشته مگرچهار پنج الی ده رأی بنده عرض میکنم مطابق اطلاعات کاملی که بنده دارم غیرازاین دونفر اشخاص دیگری‌هم‌درآنجا بوده ورأی داشته اند من جمله کسی بوده که یکصدو پنجاه رأی داشته بنابراین دلیل ایشان بنده را قانع نمیکند زیرا این مقدار رأی نسبت به مجموع آراء نطنز خیلی مهم وقابل اهمیت است وباین‌قاعده‌اهالی نطنز در تحت فشار نبوده و آن یك نفر را هم بنده عجالتاً لازم نمیدانم‌اسم ببرم وموافق اطلاعات‌واسناد خودم میگویم که ماشاء الله خان برضد انتخابات بوده

ودرخاتمه عرض می کنم که ماشاء الله‌خان مخالف‌بوده وبهیچوجه داخل تهدید وتطمیع نسبت به این دونفر منتخب نبوده بلکه‌اقداماتی کرده که این‌دونفرانتخاب نشوند علاوه براین اطلاعات دیگر هم دارم که اگر مقتضی باشد بعدعرض خواهم کرد.

رئیس - آقای شیخ الاسلام با این راپورت مخالفید یاموافق ؟

شیخ الاسلام - مخالف هستم با یك فقره فرمایشات آقای مخبر والا مخالفتی ندارم .

رئیس-شاهزاده‌نصرت‌الدوله‌پیشنهادی کرده‌اند که ده‌دقیقه تنفس شود .

(گفتند بسیار خوب) .

دراین وقت نمایندگان برای تنفس خارج وپس ازربع ساعت جلسه تشکیل گردید .

رئیس - راجع به‌آقای جلیل‌الملك مذاکرات را آقایان کافی میدانند یاخیر ؟

حاج شیخ اسدالله - بنده پیشنهادی دارم وآن این است که این راپورت برود به کمیسیونی که قبلا راجع به‌آقای آقامیرزا طاهر تنکابنی رأی داد که یك دفعه دیگرتحقیقاتی بشود و نظرباتشان را به مجلس پیشنهاد کنند اگر این پیشنهاد را آقایان موافقت کردند فبها و اگر نکردند بنده در جواب آقای مخبر که دفاع کرده اند عرایضی دارم که باید عرض کنم .

رئیس - خاطرشریف مستحضراست تامذاکرات ختم نشود پیشنهادهاقرائت نمیشود اول‌بایدمذاکرات را کافی بدانند آنوقت پیشنهاد ها قرائت شود (گفتند صحیح‌است) رأی میگیریم باینکه‌مذاکرات کافی است یاخیر .

آقایانیکه مذاکرات راکافی میدانندقیام نمایند (اکثرقیام نمودند) .

رئیس- تصویب شد. پیشنهاد آقای حاج‌شیخ اسدالله قرائت میشود .

آقای‌مستشارالسلطنه پیشنهاد زیررا بمضمون ذیل قرائت نمودند :

این جانب پیشنهاد میکنم که این مسئله هم در کمیسیونی که برای تحقیق‌انتخابات تنکابنی تشکیل میشود مراجعه بشود شیخ اسدالله مجلانی

رئیس - آقای حاج شیخ‌اسدالله (اجازه‌نطق)

حاج شیخ اسدالله - اگر چه مجلس و اکثریت آقایان کافی بودن مذاکرات را متأسفانه رأی دادند بنده راجع به پیشنهاد خودم از آقایان تقاضا میکنم که چون دراینجا راجع به عملیاتی که درکاشان از طرف امین مالیه و ماشاء الله خان بعمل آمده مذاکراتی شد همین اندازه اکثریت با بنده موافقت کند که اعتبارنامه به کمیسیون برود ودر آنجا تحقیقات عمیق تری بکنند که رأی آقایان از روی بصیرت باشد وبی طرفی آقایان مدلل بدارد و معلوم شود که‌ما هیچ نظری درانتخابات نداریم مگر صحت وسقم آن این است که این پیشنهاد را عرض کردم دیگر بسته به نظریات مجلس است

سردار معظم خراسانی - در کافی بودن و نبودن مذاکرات آقایان دیدند بنده رأی ندادم و با آقای حاج شیخ اسدالله هم عقیده هستم که باید مذاکرات فوری‌ادامه داده شود اما راجع به‌پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله بنده درهیچ صورتی‌نمیتوانم موافقت بکنم زیرا یك‌کمیسیون خاصی که هنوز منعقد نشده دارد قیافه کمیسیون تحقیق انتخابات را به خودش میگیرد وقضیه را باید فوری دقت کرد اگر مقصود تشکیل کمیسیون تحقیق انتخابات است با قرعه نمیشود معین‌کرد از یك نقطه نظر تحقیقی باید معین کرد اما قضیه کمیسیونی که امروز راجع به شاهزاده محمدهاشم میرزا و آقای تنکابنی معین شده یك‌کمیسیون حکمیت مابین دونفر است ازنقطه نظری که مسئله انتخابات کاشان هم به‌آنجا رجوع شود نیست بنده کاملا بالزوم مذاکرات که درزمینه صحت وعدم صحت انتخابات مخصوصاً از نقطه نظر جریان انتخابات باید در مجلس بشود موافقت دارم بهمین جهت هم بود که مدتی مذاکرات را کافی نمیدانستم و استدعا داشتم که مذاکرات ادامه شود ولو به جلسه بعد هم نکشید حالا متأسفانه اکثریت مجلس عقیده مرا از میان برد اما باید درکجا این مسئله تحقیق شود درشعبه یا در کمیسیون خاصی که برای یك کارخاصی معین میشود البته یك کمیسیونی که برای حکمیت مابین محمد هاشم میرزا وتنکابنی تشکیل میشود آنهم بحکم قرعه همه آقایان حتی پیشنهاد کننده‌هم تصدیق‌خواهد کرد که این کمیسیون مقتضی نیست وصلاحیت رسیدگی را هم ندارد .

رئیس - آقای حاج آقا (اجازه نطق)

حاج آقا — بنده کاملا با مخبر موافقم .

رئیس - آقای‌حاج شیخ‌اسدالله (اجازه‌نطق)

حاج شیخ اسدالله - پیشنهاد بنده‌را اکثر آقایان درست ملاحظه فرمایند بنده عرض نکردم کمیسیون تحقیق که آنوقت آقای مخبراین‌فرمایشات را بفرمائید بنده این مطلب و این فرمایشات آقای سردار معظم را نمیتوانم تصدیق بکنم که اختیارات مجلس را محدودبدانم از چه نقطه‌نظر مجلس‌شورای ملی رأی میدهد که راجع به انتخابات میرزا طاهر تنکابنی کمیسیون تشکیل بشود وپو رسیدگی بعمل آید مجلس در هر دقیقه و در هر موقع می توانند کمیسیونی برای رسیدگی معین کند مراجعه به نظامنامه بفرمائید قانون این اجازه را به مجلس‌داده است بنده بنام رسیدگی و بنام تحقیقاتی که باید در مسئله بشود پیشنهادی کردم و مجدداً عرض‌میکنم که اکثریت مجلس نظریات بنده را قطع کرد و امر بسکوت نمود آخریك تحقیقاتی باید در باب‌انتخابات و اظهاراتی که بنده نموده ام بعمل آید و مجلس شورای ملی حق دارد چنین کمیسیونی تشکیل‌نماید این خلاف قانون نیست مثل اینکه کلیه مجلس پنج دقیقهٔ پیش رأی بکمیسیون داد چطور آن خلاف قانون نبوده در این موضوع خلاف قانون شد بنده برای‌سهولت عرض کردم بهمان کمیسیون رجوع‌بشود اگر میفرمائید آن کمیسیون نمی شود بنده پیشنهاد میکنم که یك کمیسیون‌دیگری‌تشکیل‌ورسیدگی‌شود.

سردارمعظم - بنده خیال میکنم که فارسی خیلی ساده عرض میکردم و اینهمه اخلاف نظر گمان نمیکردم که مابین بنده و حاج شیخ‌اسدالله بشودچون فرمودند کی من گفتم که یك کمیسیون‌تحقیق‌معین‌شود من هم عرض‌میکنم اگر میفرمودید من با شماموافقت میکنم کی من گفتم مجلس این اختیار را ندارد که یك همچو کمیسیونی معین کند فقط چیزیکه گفتم این است که چون‌پیشنهاد فرمودید که مسئله‌انتخابات کاشان رجوع بشود بهمان کمیسیونی که برای حل مذاکرات بین محمدهاشم میرزا و تنکابنی معین‌شده من عرضم‌این بود که آن کمیسیون صلاحیت‌رسیدگی باین کار را ندارد (تصدیق نمودند) هیچ‌هم منکر نشدم که نباید تحقیق کرد هیچ هم منکر نشدم که کمیسیون تحقیق نباید معین شود گو اینکه کمیسیون تحقیق وظیفه اش غیر از رسیدگی بانتخابات کاشان است زیرا که در باب انتخابات کاشان کمیسیونی که صلاحیت تجدید نظر و دقت را داشته باشد شعبه است کمیسیون تحقیقی که در نظامنامه پیش بینی‌شده برای این قبیل انتخابات نیست برای انتخابات‌ناتمام از قبیل آذربایجان است آنهم نه بالصراحه‌نظامنامه داخلی اینطور هم نگفته است در یکی از موارد که تکلیف کمیسیونها را معین میکند اشاره میکند و میگوید به استثنای کمیسیون تحقیق انتخابات پس بطور کنایه و غیر مستقیم نظامنامه به تشکیل یك کمیسیون تحقیق انتخابیه منعقد شده است ما سابق این کمیسیون رادر مجلس‌نداشتیم‌حالا اگر بخواهید ایجاد کنید من‌هم‌موافقم ولی‌چیزی که هست کمیسیون تحقیق انتخابات را نمی‌شود بقرعه معین کرد حالا چون یك‌کمیسیونی برای حکمیت مابین تنکابنی و شاهزاده محمدهاشم میرزا معین شده است بنابر این هر مطلبی که پیش میآید باید آنجا برود این را بنده مخالفت میکنم و اولا منکر کمیسیون هستم ونه منکر اختیار مجلس بلکه برعکس معتقدم وباتکرار کلمه متأسفانه درجهٔ تاسف من کاسته نخواهد شد

رئیس - یك پیشنهاد دیگری آقای مدرس فرمودند قرائت میشود شاید آقای‌حاج شیخ‌اسدالله هم با این پیشنهاد موافق بشوند .

آقای مستشارالسلطنه پیشنهاد را بضمون ذیل قرائت نمودند :

پیشنهاد میکنم راجع شود به‌کمیسیون تحقیقی که بعد از رسمیت تشکیل میشود مدرس

رئیس - (خطاب به حاج شیخ اسدالله) با این پیشنهاد موافق هستید ؟

حاج شیخ اسدالله - اگر مجلس رأی بدهد چرا .

رئیس- چون آقای حاج شیخ اسدالله‌پیشنهاد خود را مسترد نکردند در موضوع پیشنهادخودشان باید مذاکره شود .

حاج شیخ اسدالله - بنده هم قبول کردم پیشنهاد آقای مدرس را .

رئیس - قبول کردید ؟

حاج‌شیخ اسدالله - بلی .

مدرس — توضیح بدهم

رئیس — میخواهید‌توضیح‌بدهید ؟

مدرس-بلی.همانطوریکه‌سردارمعظم‌فرمودند درنظامنامه داخلی یك کمیسیون تحقیق انتخاباتی هست چون در دوره های پیش هم سابقه ندارد وظائفش را مفصلا در نظامنامه ننوشته اند همین قدر معلوم میشود که مجلس‌یك کمیسیون تحقیق‌انتخاباتی میتواند تشکیل بدهد اما اینکه فرمودند وظیفه او از جهت رسیدگی بانتخابات ناتمام است‌در نظامنامه همچو مطلبی‌ندارد اجمالا کمیسیون تحقیق‌انتخابات است ممکن‌است وظیفه او معین‌نشود برای رسیدگی بانتخابات یا انتخاباتی که بعضی تحقیقات لازم دارد وشعبه ازعهده آن برنمیآید کما اینکه عقیده بنده این‌است که‌دربعضی مواقع‌هم که اشکالات زیاد باشد مخصوصاًبایدیکنفر شخص‌امین درمحل برود و تحقیقات بکند والا به تلگراف و کاغذ رفع‌اشکالات‌نمیشود ممکن است کمیسیونی را که مجلس معین میکند انتخابات آذربایجان را بآنجا رجوع کند بعضی انتخابات دیگر هم رجوع شود هیچ مانعی ندارد و اگر واقعاً آن کمیسیون مسئله را مشکل دید و نتوانست آنرا حل کند ازاینجا تا نطنز و کاشان آنقدر مسافتی ندارد ممکن است یك شخص امین معین بکنید برود به‌بیند این مطالب که مذاکره‌شده صحت دارد یانه پس وظیفه کمیسیون‌هنوز معلوم‌نیست اگر آقایان صلاح بدانند و بخواهند رفع اشکال ازآنها بشود این انتخاب رجوع بکمیسیون تحقیق انتخابات بشود تابه انتخابات‌آذربایجان وغاروفشافویه وجای دیگر و امثال آنها تحقیق و رسیدگی کنند واقعاً اگر رسیدگی شد و معلوم گردید که این مذاکرات صحت ندارد بنده هم موافق باآقایان‌می شوم والا اگر گفتند که اشکال‌دارد وقبول کردند آنها باما موافق بشوند والا مانع قانونی ندارد و بگذارند تاماخوب مطالب را کاملا تحقیق بکنیم و وازروی بصیرت رأی بدهیم عقیده ما نیز این است که انتخابات آنجا اشکال دارد و بعضی آقایان عقیده شان نیزاین که اشکالاتی ندارد کمیسیون به‌بیند واقع مسئله چیست این تقاضای بنده‌است.

رئیس - آقای‌حاج آقا مخالف هستید؟

حاج آقا - بلی . بنده در موقع مذاکرات آقای مدرس در مجلس نبودم واشکالات ایشان را نشنیدم ولی اصولا واساساراجع به‌تشکیل کمیسیون باین‌ترتیب برای رسیدگی بانتخابات بکلی مخالف هستم نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی یك ترتیب برای انتخابات تعیین می کند نظامنامه انتخابات مسلم یك ترتیبی برای‌جریان انتخابات‌تعیین میکند ومجلس شورای ملی را بالاخره حکم آخرقرارداده بنده‌تصورمیکنم‌چنانچه‌برای‌هر کسی که‌درجریان‌انتخاب یکی از آقایان نمایندگان اشکالی پیدا میشود برای تحقیق این مطلب که حق بامعترض است یا بامعترض نیست بتواند تقاضای تشکیل کمیسیون میکنند این سابقه در مجلس تولید بشود هیچ‌وقت مجلس ما مدت مدیدی ازاول افتتاح‌نمیتواند موفق بشود باینکه ترتیب گذشتن اعتبارنامه ها را انجام دهد برای اینستکه هر کس اعتراضاتی داشته باشد فوراً اعتراضات و ثبوت آن را به کمیسیون رجوع می کند ولو اینکه آن کمیسیون کمیسیون تحقیق باشد یا کمیسیون تحقیق نباشد وآن کمیسیون یك مفهوم حقیقی ندارد بنده عرض‌می‌کنم هرچه‌تحقیق درامر انتخابات میخواهند بکنند بکنند ولی‌ازمجری نظامنامه‌بیرون نروند‌درنظامنامه‌داخلی‌مجلس‌شورایملی موضوع اینست که شعبه باید رسیدگی به‌شکایات و تمام ترتیبات جریان انتخابات‌بکند شعبه مواظب این کار است و برای همین تشکیل میشود شعبه وقتی که شروع کرد برسیدگی اعتراضات اطرافرا باید گوش بدهد وحکم کند وهمچنین اگر یکی‌ازاعضاء مجلس شورایملی اعتراضی‌دارد همانطوریکه یك‌نفرشاکی ازاطراف اعتراض‌دارد شکایت خودرا بشعبه می کند وشعبه رسیدگی می کند یك‌نفر معترض محترم‌هم‌باید به‌شعبه برود واعتراض خودش‌را درشعبه که مرجع‌این کار است بگوید‌نه‌اینستکه بعدازاینکه‌ازشعبه‌راپورت آمد آنوقت در مجلس شورای ملی‌شروع کنند به اعتراض وآنوقت‌تقاضای تشکیل کمیسیون‌بکنند بنده عقیده ام این است که باید به‌شعبه برگردد و شعبه بوظیفه خود رسیدگی کند ورأی خودش را پس از اعتراض معترض بمجلس شورایملی عرضه بدارد و مجلس به‌ترتیب حکمیت خودش قیام و اقدام کند والاهراعتراضی‌رایك کمیسیون برای‌آن مرتب کردن بکلی خارج ازنظامنامه است وبنده آن ماده‌راهم که درنظامنامه راجع به کمیسیون تحقیق انتخابات ذکر کرده است آن را یك کمیسیون علیحده تصور نمی کنم .

سردارمعظم — ازآقای مدرس بنده سئوال می کنم اگر بنده راپورت‌را پس‌بگیرم که آقای‌مدرس و آقای حاج شیخ اسدالله تشریف بیاورند در شعبه دوسیه انتخابات را ملاحظه کنند آقای مدرس هم مخالفت خودشان‌را مسترد خواهند فرمود یانه ؟ .

مدرس — بنده آن راپورتی را که دادید خواندم وتلگراف بجهت تحقیق این مسئله کافی نمیدانم برای این‌مسئله باید یك یادونفر شخص امین تعیین کرد که بروند ازاول خاك کاشان تاآخر آن تحقیق کنند به‌بینند این انتخاب از روی یك سیاست فاسدی ویك‌فشار فاسدی بوده یانه ؟ بنده رفع این اشکال‌را باین‌ترتیب می‌بینم وشعبه راپورتی که داده فقط ازروی تلگرافات است عرض کردم تلگراف فائده ندارد همچنانکه آقای حاج‌آقا فرمودند این یك‌مسئله مشکلی است که شعبه نتوانسته‌است حل‌کند وباید به‌کمیسیون رجوع شود که کاملا مطلب معلوم شود لهذا بنده پیشنهاد را پس نمی‌گیرم و باید یا رجوع به‌کمیسیون کنند یا رأی بدهند وقتی‌کارأی دادند دیگر ما تکلیفی نداریم .

رئیس — آقای محمدهاشم‌میرزا مخالف‌هستند؟

محمد هاشم‌میرزا — بلی درباب کمیسیون تحقیق انتخابات گمان می کنم آقای مخبر فراموش فرموده اند در ۱۳۲۹ کمیسیون تحقیق انتخابات تعیین‌وهمان‌نظامنامه انتخابات حالیه بآنجا رجوع‌شد بنده وخود آقای مخبرهم عضویت داشتیم راجع به اعتبارنامه‌ها وظائف کمیسیون بهیچوجه درنظامنامه معین‌نیست وفقط اگر لفظ کمیسیون تحقیق‌رابخواهند برای تمام جزئیات و فی و کافی بدانند مطلبی است علیحده و اینکه آقای مدرس پیشنهاد میفرمایند به کمیسیون تحقیق انتخابات رجوع شود بعقیدهٔ بنده دور لازم می‌آید برای‌اینکه کمیسیون‌تحقیق مطابق نظامنامه باید بعداز رسمیت‌یافتن‌مجلس یعنی گذشتن ۳ ربع از اعتبارنامه‌ها باشد واگر تحقیق در اعتبار نامه‌هارا وکول به کمیسیون تحقیق انتخابات کنیم چون ممکن است درهریك ازاعتبارنامه‌ها این‌تقاضا بشود بالاخره دور لازم‌آمده ومجلس منعقد نخواهد شد چون‌باین‌قاعده تحقیق‌درامر اعتبارنامه‌ها موقوف میشود به‌تشکیل کمیسیون تحقیق‌انتخابات و کمیسیون تحقیق انتخابات موقوف است به‌گذشتن ۳ربع از اعتبار نامه‌ها بنابر این اگر آقای مدرس کمیسیون دیگری‌را غیراز کمیسیون تحقیق‌انتخابات تقاضا کنند بنده مسلم موافقت خواهم کرد .

سردارمعظم — آنقدری‌را که راجع به‌بنده‌بیان فرمودند عرض خودرا تکرارمی کنم اینطورنیست که فرمودید‌بنده فراموش‌نکرده‌ام‌نظام‌نامهٔ‌داخلی‌درابتدای مجلس دوم نوشته شد کمیسیونی که بنده و ایشان عضوه‌آن بودیم وقانون انتخابات حالیه را نوشت و هیچ مربوط به‌کمیسیون تحقیق انتخابات نیست .

محمد هاشم میرزا — اگر آقای مخبر فراموش کرده‌اند ممکن است به صورت مجلس‌های سابق رجوع کنند تابه‌بینند حق باکر است دلیلش‌هم این است که بنده در همان کمیسیون عضویت داشتم درحالتیکه در دو کمیسیون دیگر اسم عضو بودم و چون این کمیسیون کمیسیون تحقیق بود منافات با دو کمیسیون دیگر نداشت والا یك‌نماینده دربیش از دو کمیسیون نمیتواند عضویت داشته باشد .

رئیس — گمان میکنم که مذاکرات در باب این‌پیشنهادات کافی باشد .

اول رأی‌می گیریم به‌پیشنهاد آقای‌مدرس تقاضا کرده‌اند که این امر رجوع شود به کمیسیون تحقیق که بعداز رسمیت مجلس تشکیل خواهدشد آقایانی که این‌پیشنهادرا تصویب مینمایند قیام‌نمایند .(عدهٔ قلیلی قیام نمودند) .

رئیس — (تصویب نشد) رأی می گیریم به راپورت شعبه (دراین‌موقع سردار معظم کردستانی خواستند ازمجلس خارج‌شوند) رئیس تشریف‌نبرید اکثریت حاصل نمیشود .

ازطرف ۱۵ نفر از آقایان پیشنهاد شد رأی مخفی گرفته شود .

آقای مستشارالسلطنه پیشنهاد را بمضمون ذیل قرائت نمودند :

امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد می کنیم که در مورد انتخاب آقای جلیل‌الملك رأی‌مخفی اخذشود.

شیخ‌اسدالله‌مجلاتی - رئیس‌التجار- صدرالاسلام میرزاهاشم‌آشتیانی - احتشام‌الدوله - مدرس - امیر اعلم - امین‌الشریعه - مؤتمن السلطنه - عمادالسلطنه خراسانی - عمادالسلطنه طباطبائی - شیخ‌الاسلام - فهیم‌الملك - سردارمعظم کردستانی - امین‌التجار .

رئیس — شروع باخذ رأی میشود آقایانیکه قبول می کنند مهرهٔ سفید و آقایانیکه رد میفرمایند مهرهٔ سیاه خواهندداد آقایان‌مستشارالسلطنه - عماد السلطنه- غضنفرخان شروع به‌شماره مهره‌های رأی نموده و نتیجه اینطور حاصل شد ، مهرهٔ سفید ۳۷ مهرهٔ سیاه ۱۵ .

رئیس — به‌اکثریت ۳۷ رأی در مقابل ۱۵ رأی تصویب شد چندنفرهم امتناع کردند .

حاج آقا - بنده عرضی دارم .

رئیس — بفرمائید .

حاج آقا — بنده لازم میدانم حالا بعد از گذشتن این مطلب در قضیه نظامنامه داخلی یك مطلبی که به‌تمام آقایان‌هم مربوط است توضیح‌بدهم.

رئیس — راجع به چه مسئله میخواهید توضیح بدهید .

حاج آقا — راجع به‌یك ماده نظامنامه که در کمیسیون تحقیق انتخابات درآن ذکرشده .

رئیس — این‌را درموقع خودش ممکن است مطرح فرمائید .

حاج آقا — این ماده‌را بنده‌میخواستم توضیح بدهم موقع را تعیین فرمائید بنده باید این ماده را توضیح بدهم .

رئیس — خیلی خوب هر وقت کمیسیون تحقیق انتخابات مورد بحث شد آن وقت بفرمائید ، اسامی شش نفر برای کمیسیونی که آقای محمدهاشم میرزا پیشنهاد نموده‌اند استقراع می شود . آقای مستشار السلطنه‌شروع باستقراع نموده وآقایان‌ذیل معین شدند ،

عدل‌السلطنه - سلیمان میرزا - آقا میرزا علی کازرانی - حاج آقای شیرازی - غضنفر خان بیان الملك .

حاج آقا — بنده مستعفی هستم یك‌نفردیگر راتعیین‌بفرمایند مجدداً استقراع شدوآقای‌شیخ‌العراقین زاده معین شدند .

عدل السلطنه - بنده‌هم مستعفی‌هستم .

شیخ العراقین زاده - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - میخواهید استعفا بدهید .

شیخ‌العراقین زاده - بلی بنده‌مستعفی‌هستم.

رئیس — اینطور قرعه معنی‌ندارد اگرهمه استعفاء بدهند میرسد بیك شش نفری که شاید قرعه باسم آنها درنمی‌آید (تصدیق نمودند) بنده‌گمان می کنم که استعفای آقایان نباید قبول بشود اغلب تصدیق نمودند .

حاج آقا — بنده هر طور امر بفرمائید اطاعت می کنم ولی نظامنامه این‌حق‌را بماداده‌است.

سردار معظم - درقرعه‌خیر .

رئیس — اسامی‌شش‌نفر آقایان ازاین‌قرار است عدل‌السلطنه - سلیمان میرزا — بیان الملك غضنفر خان - آقامیرزا علی کازرانی - حاج‌آقا

رئیس — آقای سلیمان میرزا مطلبی‌داشتید بفرمائید .

سلیمان‌میرزا - آقایان فراموش نفرموده‌اید دردوسه‌جلسه‌قبل باوجودتذکر بنظامنامه‌داخلی که‌موقع سؤال‌نیست ولی به‌مناسبت اهمیت‌مطلب راجع باقداماتی که دراصفهان شده بود و صدمهٔ که بناموس یك نفر ایرانی وارد شده‌بود بنده‌شرحی عرض کردم‌وآقایان هم موافقت کردند که شرحی در این باب بهیئت‌دولت نوشته بشود امروز هم یك مطلب دیگر ازاین‌قبیل دارم‌البته آقایان مطلع هستند ومحتاج بتذکارنیست خدماتی راکه اهالی آذربایجان در راه مشروطیت و استقلال واقعی این‌مملکت کرده‌اند اهالی‌آذربایجان اولین اشخاصی هستند که مقدم باین بوده‌اند و البته تمام اهالی رهین منت اهالی آذربایجان در گرفتن مشروطیت واستقرار این امر خیر هستند البته سایر نقاط مختلفه مملکت هم آنقدر که توانسته‌اند اقدام کرده‌اند ولی اهالی آذربایجان همیشه درجه‌اول را داشته‌اند (بیچاره اهالی آذربایجان) هر قدر حسیات خودشان رانسبت باستقلال مملکت‌دراستحکام اساس مشروطیت بخرج‌داده‌اند بهمان اندازه هم‌دچار زحمات وصدمات ازقبیل قتل وغارت ها بوده اند از ازدوره اول ودوم همیشه دچار این زحمات و صدمات بوده‌اند امروز هم متأسفانه دچار فشاراتی هستند که تحمل ناپذیر است وبرهیچ یك از آقایان مستور و پوشیده نیست که درایام فترت چه صدمات بیك‌قسمت مهم آذربایجان ارومیه وخوی وسایر نقاط‌آن‌رسیده درحقیقت می‌توان گفت که اکثرآن بدبخت هاازمیان رفته‌اند بیچاره آذربایجان وبیچاره ایران یکمقدار زیادی ازمهاجرین ارومیه وسلماس وسلدوزتلگراف بسیاری بهیئت‌دولت مرکزی ووکلاء نموده‌اند که مارا از شر این کشتار وبرادر کشی‌خلاص کنید یك اقدام هم ازطرف‌دولت البته‌شده اما شاید این اقدام کافی نباشد و چنانکه در روزنامه موسوم بسپهر شمال که بطهران‌رسیده وملاحظه خواهید فرمود سوادتلگرافی که اهالی سلدوز وسلماس عرض کرده‌اند درج شده است وهمچنین یك تلگراف دیگری بطور خصوصی برای بنده رسیده‌است سوادآن هم یك نسخه‌بمجلس رسیده یك نسخه بهیئت وزراء این است که عرض می کنم وتقاضا می کنم بنام حس‌مشترك که‌هرایرانی درهر موقع‌خطردارد برای قدرشناسی بابنده‌موافقت بفرمائید که بهیئت دولت‌تأکیدی بشود که‌هراقداماتی درموضوع آذربایجان نموده‌اند بیشتر نمایندکه‌آن بدبخت اهالی که کارد باستخوان‌رسیده وباز گفتگوی ناموس است از این اوضاع خلاص بشوند (جمعی تصدیق نمودند) تلگراف اولی که عرض کردم از طرف مهاجرین‌رسیده است این است که‌بمضمون‌ذیل قرائت نمودند .

طهران - بتوسط حاج‌رفیع‌آقا وسایرمهاجرین ارومیه کوپیه مقام مقدس دارالشورای کبری شیدالله ارکانه مقام منیع هیئت جلیله وزرای عظام دامت شوکته .

سابقاًچه‌ازتبریزوچه‌ازمراغه تفصیل‌فجایع‌وعملیات‌شقاوت کارانه اسمعیل آقا واتباع اسمعیل‌آقا که فقط وفقط به قصد اعدام نسل عجم و رفع فاصله اتصال خط کردستان ازمابین‌به آرزوی تشکیل‌حکومت کردی اقدام شده در طی تلگراف عدیده چه بسده منبه سلطنت عظمی و چه بمقام هیئت معظم دولت کاملا عرض شد ولی هزارافسوس که تا کنون نتیجه‌ظاهر نشده است اگر دولت از حقوق مملکتی خود در ارومی وسلدزوسلماس چشم پوشیده اگر دولت دارو ندار اهالی بیچاره را به تیول‌اکرادواگذاشته و قتل عام نفوس مارا هم برضایت سکوت امضاء میفرمایند مختار است و ممکن است تا جائی که سیاست دولت اقتضاء میکند از آن مسائل تحمل نمود ولی قضیه عرض و ناموس که موضوع شکایت آنروزه ما فلك زدگان است جای هیچگونه ملاحظه و تحمل نیست جماعت به باد غارت رفته و عموماً خاکستر نشین شده هم قبول داریم روزی پنجاه‌شصت نفر از شکنجه‌و مجاعه‌تلف‌میشویم بشرح امضاء خودمان دراین‌جا که حد اکثریا ازنمرهٔ اول متمولین ارومی و سلدوز و سلماس هستیم از پریشانی و عدم دستگیری متدرجاً طعمهٔ مرك میشویم راضی و شاکریم اما در صحبت عرض و ناموس که از تحت نفوذ سیاست و دیانت هر دو خارج است خود را از هر گونه‌جسارتی معذور میدانیم‌بنابراین عرض مینمائیم اگر دولت عاجلا باعزام قوه کافی و وافی در استخلاص اعراض و نوامیس ما بیچارگان اقدام جدی نفرمایند که اطمینان قطعی‌برای جماعت پیدا بشود نه عرق انسانیت و نه حسن اسلامیت هیچ کدام مانع از پاره تشبثات این جماعت نخواهد شد بعد از آن که امر امرهیئت منظم دولت است . از طرف عموم مهاجرین ارومی وسلدوز و سلماسی .

سلیمان‌میرزا - تلگراف دیگر هم تقریباً به همین مضمون است هر چند که هیئت دولت بعضی اقدامات کرد ولی بنده منتظرم که سایر آقایان هم با بنده هم عقیده‌وهم‌آواز بشوند .من باهالی‌آذربایجان می گویم که نه نمایندگان ایران نه ملت ایران نه دولت هیچ‌کدام چشم از حقوق حقه خودشان حتی از یك وجب خاك ایران‌دست بر نداشته‌اند(تصدیق نمودند) چه رسد بیك‌نقطه مهمی مثل آذربایجان دولت برای آنجا همه قسم اقدامات خواهد کرد خصوصاً راجع به نوامیس مردم که نوامیس همه ماها است .

رئیس — گمان میکنم این روزنامه متعلق به مدتی قبل باشد چون جمعی ازمهاجرین سلدوز و ارومیه که در تبریز آمده بودندبنده بآنها مخابرات حضوری کردم آقای مساوات هم تشریف داشتند تقاضاهاشان را پرسیدم تقاضاهاشان راجع به سه‌مسئله بود یکی راجع به وجه و دیگری راجع به اسلحه و سومی راجع به اعزام قوائی بآنجا و هرسه‌مسئول آنها اجابت شد و موافق مراسلهٔ که اخیراً از رئیس‌الوزراء رسیده است اردوئی که درمیانج بود برای ارومیه حرکت کرد وجهی هم که خود آنها تقاضا کرده بودند که‌ماهی سی‌هزارتومان‌بودتصویب شد که بآنها داده شود چند هزار تفنك هم که خواسته بودند تصویب شد که پولی بفرستند که همان‌جا آنها خریداری نمایند بنده هم‌بموجب همین جواب آقای‌رئیس‌الوزراء بآنها جواب دادم حالا که آقای سلیمان میرزا اظهارمیفرمایند گمان‌میکنم‌راجع بدو ماه قبل باشد با وجود این بنده باز بدولت تأکید می کنم منتظر جواب تلگراف آنها هستم که به‌بینم باز اگر مطلبی دارند تقاضا میکنم انجام‌دهند جلسه آتیه‌روزشنبه‌سه‌ساعت قبل‌ازظهر خواهد بود

(مجلس یکساعت قبل‌ازظهر ختم‌شد)

جلسه ۱۳

صورت مشروح مجلس یوم شنبه ۱۸ ذی حجة الحرام ۱۳۳۹ مطابق ۲۱ برج اسد ۱۳۰۰

مجلس یکساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای‌مؤتمن‌الملك‌تشکیل گردید(آقای‌مستشارالسلطنه صورتمجلس یوم پنجشنبه ششم را قرائت نمودند)

رئیس — آقای حاج آقا (اجازه نطق)

حاج آقا — در صورتمجلس شرحی راجع بعرایض بنده نوشته شده وذکرمیکند که بنده عرض کرده ام مطالب سابقه را نباید گفتگو کرد بنده‌هیچ همچوعرضی‌نکردم که از گذشته نباید گفتگو کرد فقط عرض کردم که مطالب سیاسی نباید منشأء تصویب و وعدم تصویب اعتبارنامه ها باشد .

رئیس — اصلاح میشود آقای سردارمعظم (اجازه نطق)

سردار معظم — درصورتمجلس نوشته‌شده بنده قبل ازتقاضای تنفس با ارجاع اعتبار نامه آقای جلیل‌الملك بکمیسیون مخالفت کردم درصورتیکه‌قبل از تنفس وبعد از تنفس بنده درباب کمیسیون‌عرضی نکرده ام .

رئیس — بسیار خوب اصلاح میشود آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا — در صورتمجلس نوشته شده کمیسیون رسیدگی باعتبار نامه آقای تنکابنی گمان نمیکنم مجلس همچو کمیسیونی معین کرده باشد فقط تقاضای آقای محمد هاشم میرزا این بود که چند نفر ازآقایان وکلا بطورقرعه معین‌شوند تا مذاکرات فیمابین ایشان وآقای تنکابنی را بشنوند اگرایشان قانع شدند هیچ والا برمخالفت خودشان خواهند افزود چون بنده عضو آن کمیسیون هستم لذا ازبرای خود ورفقای خودم حقی برای‌رسیدگی باعتبارنامه نمیدانم .

رئیس — این فقره هم اصلاح میشود آقای سدیدالملك (اجازه)

سدیدالملك — درصورتمجلس نوشته شده ۳۷ رأی در مقابل ۱۵ رأی این ۵۲ رأی میشود درصورتیکه عده ۵۴ نفر بوده دونفرباقی میمانند

رئیس - عده ۵۶ نفربوده چهارنفر از دادن رأی امتناع کرده بوده اند .

سدیدالملك - پس‌خوبست‌آنراهم بنویسید

رئیس — این مطلب هم نوشته میشوددیگر اعتراضی نیست ؟

محمد هاشم میرزا — راجع بپیشنهاد آقای مدرس‌نسبت بارجاع اعتبارنامه‌آقای‌جلیل‌الملك بکمیسیون مخالفت بنده فقط ازاین نقطه نظربود که اینمسئله سبب دور میشود وبنده عرض کردم با آن کمیسیون مخالفم ولی موافقت‌خود را با کمیسیون دیگری که تشکیل شود اظهار داشتم وبنده با این مسئله مخالف بوده ام با آقای سردار معظم .

رئیس - مخالفت باسم جنابعالی‌نوشته شود ؟

محمد هاشم میرزا - بلی .

رئیس- همانطورنوشته میشود دیگراعتراضی نیست (گفتند خیر) صورتمجلس با این پنج فقره اصلاحات تصویب‌شد . آقای سردار معظم خراسانی راپورت راجع به آقای صمصام السلطنه راقرائت فرمائید .

(آقای‌سردارمعظم راپورت راجع به‌آقای صمصام‌السلطنه را بمضمون ذیل قرائت فرمودند)

شعبه پنجم‌بدوسیه انتخابات‌آقای صمصام‌السلطنه نماینده طهران رسیدگی کرده نظر باینکه جریان انتخابات تهران موافق قانون بوده ومشکلی هم که درباب آراءکن بنظررسیده درضمن راپورت راجع بآقای تدین مشروحاً ذکرشده است ومحتاج‌بتکرار نیست لهذا دراین راپورت ذکر نشد وشعبه باحفظ نظر معروضه صحت نمایندگی آقای صمصام السلطنه را تصدیق مینماید .

رئیس - نسبت باین راپورت اعتراضی نیست (گفته شد خیر) رأی میگیریم بنمایندگی آقای صمصام السلطنه . آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند . (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد (آقای آقا شیخ محمد جواد راپورتی‌است راجع به‌آقا میرزاعلی کازرونی) (آقای آقا شیخ محمد جواد راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت فرمودند)

انجمن نظارت انتخابات بوشهر در۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۹ تشکیل گردید مطابق مقررات قانونی اعلان انتخابات را منتشر نموده‌اندچهار شعبه نظارت در نقاط چهارگانه خودرموج برازجان تنگستان شبانکاره تشکیل کرده‌اندرشهر ونقاط اربعه۳۱۸۹ ورقهٔ تعرفه داده شده و۲۹۴۷ ورقهٔ رأی مسترد داشته‌اند آقای آقا میرزا علی کازرونی باکثریت ۲۲۲۷ رأی‌بسمت نمایندگی بوشهر انتخاب‌شده‌اند پس از قرائت آراء وتشخیص‌نماینده یك‌هفته‌مطابق قانون انجمن نظار برای اخذ شکایت دایر بوده‌ولی شکایتی نرسیده در۱۰ جمادی‌الاول انتخابات‌خاتمه یافته (درصورت مجلس بنویسند) دوورقه‌اعتراضیه بتوسط حکومت بامضاء چند نفری از اهالی بوشهر مبنی برانیکه ماانتخابات نقاط جزء را قبول نداریم) رسید چون اعتراض خارج‌از نظامنامه‌بودند پذیرفته نشد مطابق ماده ٤٤ نظامنامه انتخابات باید نظار شرح شکایات را درصورت مجلس‌درج نمایند چون این ماده ازقانون‌را انجمن نظارمراعات نکرده بودند شعبه بتوسط وزارت داخله ازحکومت بوشهر خواست که دو ورقهٔ اعتراضیه اگر موجود است عیناً بفرستند تاشعبه پس از تکمیل دوسیه نظریات خودش رابعرض نمایندگان محترم برساند ولی دراین مدت جوابی نرسیده

شعبه نظربااینکه انجمن نظار اعتراضات‌واوارد ندانسته ودرمدت یکماه‌هم که پس از افتتاح مجلس قانون به‌متشکیان حق می‌دهد شکایات خودشان را بمجلس تقدیم نمایند و شکایتی نرسیده و جریان انتخابات‌را شعبه مطابق قانون دیده صحت انتخابات بوشهر ونمایندگی آقای میرزاعلی راتصدیق‌مینماید

رئیس - مخالفی نیست (گفته شد خیر) رأی می گیریم آقایانی که نمایندگی ایشان‌راتصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام‌نمودند)

رئیس - تصویب شد . راپورتی است راجع بآقای عمادالسلطنه

آقای شیخ محمد جواد راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند :

شعبه اول در۲٤ شوال‌مراجعه بدوسیهٔ انتخابات اصفهان نموده بواسطهٔ ناقص بودن صورت مجلس ومعلوم نبودن‌طرز جریان انتخابات اردستان‌نتوانست تصمیم قطعی اتخاذ نماید لذا صورت انتخابات اردستان رااز اصفهان خواسته پس ازرسیدن‌صورت مجلس اردستان مجدداً بدوسیهٔ انتخابات اصفهان رسیدگی نموده ونظریات خودرا بعرض میرساند .

سلخ ذی حجه ۱۳۳۸ انجمن نظارت انتخابات مرکزی تشکیل پس از نشر اعلان ازروز۱۸ محرم الی دوم صفر ۸۹۲۶ تعرفه داده‌اند از روز سوم ناهفتم صفر ٦۳۷۹ ورقهٔ رأی اخذ کرده‌اند

بعلاوه یك شعبه نظارت برای اردستان وقهپایه ومهاباد دراردستان تشکیل داده‌اند بموجب صورت مجلس اردستان انجمن نظارت در۲۷ محرم منعقد شده اعلان انتخابات‌را منتشرنموده‌اند مطابق‌مقررات قانون تا۲۲صفر۱۵۰۳ ورقهٔ تعرفه توزیع‌و۱۴۲۱ ورقه رأی مأخوذ داشته‌اند .

استخراج آراء دراردستان بعمل آمده نتیجه

را باصورت مجلس باصفهان فرستاده‌اند . در شهرو
شعبه اردستان ۱۰۴۲۹ ورقه تعرفه داده شده
۷۸۰۰ ورقه رأی اخذ کرده‌اند آقای‌عماد السلطنه
باکثریت ۳۹۴۴ رأی بسمت عضویت مجلس‌شورای
ملی انتخاب شدند .

درحین قرائت آراء توسط پست شهری‌پاکتی
که محتوی ۲۲ پاکت‌بوده مبنی‌برشکایت‌ازانتخابات
بانجمن نظار رسیده چون نویسنده پاکات مزبور
معلوم نبوده‌انجمن ترتیب‌اثری‌بآنها نداده.

یك هفته پس از قرائت آراء انجمن برای
اخذ شکایت دایر بوده ولی شکایتی نرسیده
لذا بانتخابات خاتمه داده‌شده ولی در حین انتخابات
وپس از خاتمه آن تلگرافات ومراسلات زیادی‌مبنی
بر شکایت‌از انتخابات بریاست‌وزراء و وزارت‌داخله
رسیده اساس شکایت متشکیان این است کانتخابات
مبنی بر تهدید ودرتحت تأثیر نفوذ حکومت ونظمیه
نمایندگان اصفهان انتخاب شده‌اند اما مدرکی‌برای
اثبات ادعای خودشان نشان نداده‌اندکه شعبه بتواند
حکمیت نموده وباظهارات آن ها ترتیب اثری بدهد
در مقابل این شکایات تلگرافات مفصلی بامضاء
طبقات مختلفه ازعلماء وتجار واعیان رسیده کاظهار
رضایت وتصدیق آزادی و حسن جریان انتخابات و
تکذیب شکایت کنندگان‌را نموده‌اند لهذااشکالاتی
بنظر شعبه نرسیده انتخاب آقای عماد السلطنه را
تصدیق مینماید .

رئیس - آقای تدین (اجازه‌نطق)

تدین - بنده مخالفم .

رئیس — می ماند برای جلسه دیگر آقای
جلیل الملك راپورت راجع به‌آقای عمیدالممالك را
قرائت نمائید .

(بمضمون ذیل‌قرائت فرمودند)

بتاریخ ۱۲ برج جوزا یونت‌ئیل مطابق عشر
آخر شهر شعبان ۱۳۳۶ انجمن مرکزی سمنان بر
طبق مقررات قانون تشکیل شده ودرهشتم سرطان
مطابق دوم شوال اعلان انتخابات را درشهر وحوزه
جزو انتشار داده ومقرر داشته استدر مدت ده روز
نشراعلان ونه‌روز توزیع تعرفه وسه روز اخذ آراء
نمایند وهمچنین در برج‌جوزا مطابق ماه رمضان دو
هزار تعرفه با نظامنامه انتخابات برای انجمن نظار
دامغان توسط حکومت آنجا ارسال‌داشته ودستورمی
دهدکه در بیستم سرطان مطابق دوم شوال شروع
بامر انتخابات نمایند ونتیجه را تا ۲۸ شوال‌بانجمن
نظار مرکزی سمنان اطلاع دهند بعلاوه در۲۷جوزا
انجمن نظار مرکزی بحکومت سمنان و دامغان می
نویسند یکهزار ورقه تعرفه بانظامنامه‌ودستور برای
انتخابات جندق‌و بیابانك نزد نایب الحکومه آنجا
ارسال دارند .

انجمن نظار دامغان کهبایستی موافق ماده ۱۸
قانون انتخابات وبر حسب دستور انجمن مرکزی
سمنان در دوم شوال نشر اعلان نماید و ازدوازدهم
بتوزیع تعرفه پردازد برحسب تقاضای کمیته محلی
دامغان دربیستم شوال بتوزیع تعرفه پرداخته و روز
۲۲ شوال در انجمن مرکزی سمنان ودر۲۳ شوال
از وزارت داخله تقاضای ارسال دوهزار تعرفه‌دیگر
نموده است انجمن مرکزی سمنان نظربماده ۱۸ و
۳۷ قانون انتخابات‌چون بانجمن دامغان‌دستورالعمل
داده بوده است که از دوم شوال تا دوازدهم مدت
نشراعلان واز ۱۲ تا۱۹ توزیع تعرفه واز۲۰تا۲۲
اخذآراء ودر ۲۸ استخراج آراء نمایند و نتیجه و
صورت مجلس را برای انجمن مرکزی بفرستند و
انجمن دامغان برخلاف دستور فوق در ۲۰ شوال
بتوزیع‌تعرفه پرداخته ودر ۲۲ مجدداً تقاضای‌تعرفه
نموده‌است لهذا انجمن مرکزی سمنان تقاضای
انجمن دامغان را بی‌موقع وبر خلاف مقررات قانون
انتخابات دانسته رد می‌نماید اعضای انجمن دامغان
در۲۵ شوال بدون تحصیل نتیجه واخذ آراء انجمن
را تعطیل‌وازمقام خوداستعفاداده است انجمن‌مرکزی
سمنان بطوریکه مقرر داشته بوددر۲۹ شوال‌مطابق
۱۵ اسد یونت‌ئیل امر انتخابات را خاتمه‌داده و پس
از انقضای مدت قانونی و نرسیدن شکایات در ۱۴
ذیقعده نمایندگی‌آقای عمیدالممالك را در سمنان و
دامغان اعلان وانجمن مرکزی‌را منحل مینماید

شعبه سوم پس از مداقه در صورت مجلس و
دوسیه انتخابات آنجا چون موضوع انتخابات جندق
وبیابانك‌را مسکوت‌عنه یافت ازوزارت داخله‌خواست
که ازحکمران سابق سمنان واعضای انجمن‌مرکزی
آنجا موضوع مسئله را بخواهد در جواب استعلام
وزارت داخله امیر حشمت حکمران آنوقت تلگراف
ذیل‌را مخابره مینماید :

نظر باینکه‌دردوره‌های انتخابات گذشته‌هیچگونه
اقدامی راجع بجندق و بیابانك نشده واهالی آنجا
بهیچوجه سابقه ازجریان انتخابات وحکومتملی‌ندارند
وهمچنین بواسطه موقعیت سابق‌آنجا ومسئله مسعود
لشگر ورمضان‌باصری کسابقهٔ آن‌دروزارت‌داخله کاملا
موجود است درموقع‌فرستادن اوراق تعرفه‌واعلانات
لازمه راجع بانتخابات‌درایام تصدی فدوی‌نیزلاقیدی
وبی‌اعتنائی کرده بعد از انتخابات سمنان وموعدیکه
ازطرف انجمن‌مرکزی‌تعیین کرده‌بودند بدون‌اجرای
شرایط قانونی اوراق ممهور متعددی در تحت عنون
اینکه آقای معتمد دیوان سمنانی عضو دفترحکومتی
شاهرود ودارای همه قسم اختیاراتی ازطرف اهالی
جندق است بسمنان فرستادندکه عین آنها در دفتر
حکومتی سمنان ضبط وبدین‌جهت جزو صورتمجلس
انتخابات سمنان نشده است همچنین راجع بانتخابات
دامغان اگرچه انجمن نظار مرکزی سمنان‌میتوانسته
است تقاضای انجمن نظار دامغان را در ارسال دو
هزار تعرفه دیگر قبول کرده‌واهالی دامغان‌را ازحق
انتخابات محروم نکند ولی قانوناً به انجمن مرکزی
سمنان نمیتوان ایرادی وارد آورد زیرا موافق‌ماده
۱۸ وماده ۳۷ نظام‌نامه انتخابات انجمن مرکزی
سمنان خود را دراین عمل محق دانسته است راجع
بانتخابات‌جندق‌وبیابانك تلگراف امیرحشمت‌مینمایاند
علاوه‌براغتشاشات آنجابواسطه‌حملات‌منصورلشگر و
رمضان باصری اهالی آنجا مباشرت بامر انتخابات
ننموده و خودرا از امر انتخابات محروم داشته اند
بنا بر مراتب معروضه شعبه سوم پس از تقاطی‌نظر
نمایندگی آقای عمیدالممالك را برای‌دوره چهارم
تقنینیه تصویب می‌نماید.

رئیس — راجع باین راپورت مخالفی‌نیست؟

حاج‌شیخ اسدالله — بنده مخالفم .

رئیس — میماند برای جلسه دیگر. آقای
آقاسید محمد تدین (احضار برای قرائت راپورت)

(آقای تدین‌راپورت شعبه دوم راجع‌بنمایندگی
آقای معتمدالسلطنه را بمضمون ذیل قرائت نمودند.)

شعبه‌دوم بدوسیه انتخابات‌درجزو مضافاتش‌بدقت
رسیدگی نموده و برای استحضار مجلس شورایملی
عرض مینماید که انجمن نظارت مرکزی انتخابات
درجز در شهر جمادی‌الاولی ۱۳۳۸ تشکیل گردیده
وچندین انجمن جزو دیگر را هم درسایرنقاط لازمه
ازقبیل سرخس ناصری وزورآباد وغیره‌دائر ساختند
وبارعایت مواد قانون شروع بانجام وظایف قانونی
خود نموده ودر تمام نقاط مزبوره موازی ۱۲۰۴۳
ورقه تعرفه توزیع‌شده وازاینمقدار موازی۱۲۱۴۶
ورقه‌تعرفه بااوراق آراء برگشته‌وآقای‌معتمدالسلطنه
باکثریت ۱۱۳۸۷ رای از کل‌آراء واصله‌بوکالت
دارالشورایملی انتخاب شده‌اند وپس از انقضاء مدت
انتظار انجمن مرکزی برای وصول شکایات چون
شکایتی نرسیده لذا انجمن انتخابات را خاتمه داده
واعتبارنامه‌باسم آقای معتمدالسلطنه صادرنموده‌است
شعبه دوم جریان انتخابات درجزو مضافاتش‌راموافق
قانون دانسته وچون تابحال هم شکایتی نرسیده لذا
صحت انتخابات‌آقای‌معتمدالسلطنه راازدرجزوتوابع
آن تصدیق مینماید .

رئیس — آقای آقاشیخ‌محمد جواد (اجازه.)

آقاشیخ‌محمدجواد — بنده مخالفم .

رئیس — میماند برای جلسه آینده. راپورت
راجع بآقای‌سیدمحمدباقر دست‌غیب کسابقاً قرائت‌و
طبع وتوزیع شده‌امروزباید رأی گرفته‌شود. (آقای
محمد هاشم میرزا اجازه.)

محمدهاشم میرزا — بنده‌راجع بانتخابات
بندر عباس آنروز مخالفت کردم بعضی
از اعضاء شعبه بابنده موافق شدند و قسمتی از
ایرادات واعتراضات بنده را پذیرفتند بعدگویا شعبه
بنمایندگی آقای دست غیب باکثریت رأی داده و
مجدداً مراجعه بمجلس شده این است که چون اقناع
نشدم عرایض خودرا تکرار میکنم آن قسمتی که‌در
این موضوع‌ازخارج اطلاع دارم گمان میکنم صورت
مجلس انتخاب برای عرایض بنده کافی باشدعرض
نخواهم کرد لیکن راجع بصورت مجلس بعضی
مذاکرات دارم که عرض میکنم اولا بموجب ماده
۲۱ که باید از ده‌روز الی یکماه قبل ازموعدانتخاب
اشاعه اعلان بدهند آنطور نشده ودرصورت مجلس
مینویسد اعلان چهار روز قبل‌از موعد توزیع تعرفه

داده شده و این مطلب بر خلاف ماده ۲۱ قانون
انتخابات است بعد در صورت مجلس مینویسد که از
دوم ربیع‌الثانی الی چهارم شروع باخذ آراء شد و
هشتصد ونود وسه رأی از۹۱۶ رأی دریافت و ۲۳
رأی لاوصول گردید سپس آراء را درصندوق گذارده
ممهور کردند آنچه از این عبارت بر می‌آید مفهوم
میشودکه بر خلاف چندین ماده نظامنامه رفتار شده
وچون آراء را از دوشعبه دیگر مأخوذ داشته وبعد
درصندوق گذارده ممهور میشود در این جا چندین
ماده قانون مرعی نشده که یکی یکی بعرض میرسانم
درماده ۲۶ مینویسد دادن‌رأی باید مخفی باشد باین
ترتیب که آراء را در همان موقع اخذ آراء رأی
دهندگان بایستی در صندوق ریخته باشند درصورتی
که این مسئله که ذکر شده با مخفی بودن رأی
مخالفت میکند .

درماده ۲۷ مینویسد پس‌ازحضور اعضای‌انجمن
نظارت و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که اعلام
شده قبل ازشروع بگرفتن اوراق رأی رئیس‌انجمن
نظارت جعبهٔ راکه برای ضبط اوراق رأی معین‌شده
استدرحضور اعضاء انجمن و حاضرین از انتخاب
کنندگان بازنموده خالی بودن‌آنرا می‌نمایانند آنگاه
در حضور جمع درب جعبه مختوم شده اوراق رای
ازشکافی که فوق جعبه است انداخته میشود و این
ترتیب که رأی گرفته شده درصورت مجلس ذکرشده
برخلاف این ماده خواهدبرد بعلاوه ماده ۲۸میگوید
هریك از دارندگان ورقه تعرفه پس‌ازورود بمجلس
انتخاب در کمال آرامی تعرفه و ورقه رأی خود را
بیکی ازاعضاءکه برای اینکار معین شده استمیدهد
گیرنده تعرفه نمرهٔ تعرفه را بصورت بلند میگویدتا
منشی انجمن نمره‌را در کتابچهٔ ثبت تعرفه پیدا کرده
نشان کند پس ازنشان کردن نمره گیرنده تعرفه آنرا
ابطال نموده بصاحبش رد میکند و ورقهٔ رای او را
بدون نگاه کردن درجعبهٔ انتخاب می‌اندازد الی آخر
باز باین ترتیب معلوم میشود که موافق ماده ۲۸
رفتار نشده درماده ۲۹ میگوید درمحلهائیکه‌انتخاب
دریك روز تمام نمیشود ودر ختام مجلس امروز تمام
اعضاء با احتیاطات لازمه جعبه ودفاتر راجع بانتخاب
را بسته محفوظ گذاشته مهر کرده روزبعد همان‌اعضا
آنراباز می کنند بااینکه اینجا تصدیق کرده که اخذ
رأی در دو روز شده نه در یك روز معلوم میشود
ماده ۲۹ هم مراعات نشده در ماده ۲۵ میگوید بلا
فاصله بعداز شماره و استخراج آراء رئیس نتیجه را
بصورت بلند اعلان می نماید اوراق انتخاب را تا
موقع انحلال انجمن نظارت محفوظ میدارد و درآن
هنگام درمحضر حکومت وحضورجمعی‌ازوجوه مجلس
اوراق مذکوره‌را معدوم می کند - این‌ماده هم‌معلوم
نیست اجراء شده باشد ماده ۴۸ می گوید منشی
انجمن نظارت مرکزی صورت مجلس انتخابات‌را در
سه نسخه حاضر کرده بمهر حکومت و بامضای اعضاء
انجمن‌نظارت رسانیده یك نسخه بحکومت نسخهٔ‌دیگر
بتوسط حکومت و وزارت داخله به مجلس شورای
ملی و نسخهٔ ثالث را باکتابچهٔ ثبت اوراق تعرفه به
انجمن ایالتی یا ولایتی‌محل میفرستند . صورت مجلس
که‌در اینجا موجود است بهیچوجه مهر حکومت را
ندارد ماده ۴۵ مینویسد انجمن نظارت پس از ختم
انتخابات تا یکهفته شکایات راجع به انتخابات را
می‌پذیرد پس از آن پذیرفتن شکایات را ختم کرده
در ظرف یك هفته دیگر بشکایات واصله رسیدگی
مینماید . بهیچوجه درصورت مجلس این‌مطالب‌نیست
که یك هفته برای وصول شکایات منتظر شده باشند
اما شکایتی رسیده‌تلگرافی‌است بامضاء حسن‌و۹۰۰
نفر ازاهالی بندرعباس که راجع بسرقت وعوض کردن
آراء میباشد ومخصوصا قید مینماید که بقیهٔ مطالب
را مشروحا بایست عرض خواهم‌نمود ولی‌بایست‌نوشته
اند یا ننوشته‌اند چون فعلا موجود نیست بنده‌درآن
موضوع نمیتوانم عرضی بنمایم ولی چیزی که‌درشعبه
مورد اشکال وشبهه گردیده این‌است که میگفتند
در تلگراف‌ذکر مینماید حسن از طرف نهصد نفر
از اهالی در صورتی که نه در صورت فارسی و نه
درصورت فرانسه آن تلگراف هیچه چیزی نیست
فقط چنانکه در تلگرافات رسم است چون‌بعضی‌نمی
توانند وجه هزار کلمه راکه باسم کمپانی تلگراف
میکنند بدهند امضاءیکنفررامینویسند باعدهٔ تلگراف
کنندگان دراین تلگراف هم نوشته حسن و نهصد
نفردیگرحالا شعبه می‌فرماید ماچون حسن‌نام‌را نمی
شناختیم لذا تلگراف را محل اعتناء قرارندادیم‌بنده
این مطلب را (غالب اوقات میشنوم) نمی‌فهمم یعنی
انتخابات مینویسد کسانیکه حق انتخاب دارند حق
شکایت دارند و چنین دستوری در نظامنامه
چه و کی باید حل شود در سورتیکه در نظامنامه
انتخابات قید نمی‌نماید که‌شکایت نامهٔ متشکیان‌باید
بمهر حاکم شرع باشد یاشخص متشکی‌بایستی‌اعتبار
نامه دردست داشته باشد ویااسم اووفامیلش‌در دفتر
سجل احوال تهران قید شده باشد هیچ نمی‌نویسند
که حاکم باید تصدیق هویت او را بکند از طرف
دیگر ممکن است حسن بندر عباسی‌را بنده کوکیل
خراسانم نمی شناسم ویایکی از محترمین خراسان
درشیراز معروف نباشد بمجرد اینکه من نمیشناسم
نمیتوان بشکایت او ترتیب اثر نداد . بنده عرض
میکنم ممکن است از هزار نفر موکلین‌خودم پنجاه
نفر آنها را هم نشناسم سایر آقایان هم گویاهمین
طور باشند . یك‌ترتیباتی هم موقرالدوله‌درانتخابات
ایشان انجام داده‌است که بعد ازعوض کردن حاکم
شکایاتی رسیده بالاخره چنانچه آقایان می گویند
متشکی معروفیت محلی در آنجا ندارد بنده‌هم چون
معروفیت بحال اشخاص ندارم اظهار عقیده نمی کنم
باین ترتیب اگر آقایان این‌انتخاب راصحیح‌میدانند
بنمایندگی آقای دست غیب‌رأی‌بدهندوالارأی ندهند
بنده فعلا عرایضم تمام‌است

رئیس - آقای مخبر توضیحی ندارید

جلیل الملك - بنده راپورت را برحسب
عقیده اکثریت اعضای شعبه تقدیم کرده‌ام‌همین‌طور
که میفرمائید بعضی اعتراضات بصورت مجلس وارد
است ولی عقیده اکثریت شعبه براین است که چون
بندر عباس دور از مرکز است و کاملابحقایق نظام
نامهٔ انتخابات مطلع نبوده اند لذا انتخابات بطور
سادگی وخالی از دسائس بوده بنابراین‌شعبه صحت
انتخابات آنجا را تصدیق مینماید .

رئیس - آقای‌آصف الممالك مخالف‌هستید؟

آصف‌الممالك - خیر موافقم.

رئیس- آقای‌شیخ الاسلام‌اصفهانی‌مخالفید ؟

شیخ الاسلام - خیر موافق هستم .

رئیس - آقای‌آصف‌الممالك بفرمائید(اجازه)

آصف‌الممالك- بنده میخواستم‌خاطرحضرت
والا وسایر آقایان را باین نکته‌قانون متذکر کنم
که مینویسد صورت مجلس انتخاباترا بایدسه نسخه
نوشته وبانجمن ایالتی وحکومت محل ووزارت‌داخله
بفرستند اگر درست ملاحظه بفرمائید برای نوشتن
صورت مجلس یك‌دستور العمل ذاتی نیستدر همین
دوره انتخابات در تمام شعباتیکه ملاحظه کردیم در
هرجا صورت مجلس بنحوی نوشته شده‌دربعضی‌جاها
گمان کرده‌اند که صورت مجلس عبارت از مجموع
تمام دفاترواوراق یك‌حوزه‌انتخابیة وباینجهة کلیه‌آنها
را فرستاده‌اند بعضی‌ها خیال کرده اند از روز نشر
اعلان ودادن تعرفه واخذ آراء تاآخرآن عملیاتیکه
انجمن نظار کرده اند باید جزء جزء درصورت
مجلس قید شود وبعضی جا ها خلاصه عملیات انجمن
نظار را از روز اخذ آراء نوشته وبالاخره‌اکثریت
شامل‌هرکس بوده او را معین و این نوشته‌راصورت
مجلس نام گذارده‌اندمانبایدمتوقع‌باشیم‌صورتمجلسی
که‌دربندرعباس (که ازهمه جا دوروآشنا به قانون
نیستند) نوشته میشود حاوی تمام نکات قانونی
باشد ما باید بجریان انتخابات ملاحظه
نمائیم اگر اصول جریان انتخاب از روی نظامنامه
باشد نباید اعتراض‌بکنیم بله بایستی باشخاص‌اعتراض
کرد که کاملا عالم بقانون‌هستند یایك غفلتهای‌اساسی
کرده باشند ولی اگر یك غفلتهای جزئی شده‌باشد
نباید آنها را مورد اعتراض قرار داد شاهزاده در
باب آراء اظهارمیکند که رأی گرفته شده‌و بالاخره
در صندوق گذارده اند و بعد استخراج کرده اند
بنده از خودشان سئوال مینمایم اگر در عبارت‌قصور
کرده باشند و نتوانسته باشند بفهمانند که مطلب
چیست باید مورد اعتراض باشد ؟

آیا فرض کرده اید این آراء در این دو
روز درکجا بوده در زمین بوده ؟ در هوا بوده ؟
البته درصندوق بوده‌منتهی آن ترتیبی راکمیفرمائید
(باید ممهور بشود) آن ترتیب را اجرا داشته‌اند
نهایت تقدیم و تأخیر عبارت‌اینطور می‌فهماند که‌آراء
را بعد در صندوق ریخته اند بدیهی است نمیشود
آراء را در یك جائی گذاشت بعد ریخت درصندوق
بجهة اینکه صندوق رابرای رأی درست کرده اندپس
آراء در صندوق بوده است‌و بنده اینرا یك‌اعتراض
قانونی نمیتوانم فرض کنم.

ثانیاً راجع بمدت اعلان فرمودند اعلان اساساً
برای چه چیز است . برای این است‌که یك حوزهٔ
انتخابیه مطلع بشوند که باید در آنجاانتخاباتی‌بشود

اگر ابتداء بساکن یك اعلانی از طرف دولت داده بشود که اهالی مسبوق نباشند البته مطابق قانون باید یك ماه یانزده روز بیست روز مدت اعلان را معین بکنند ولی یك انتخابیکه چهار سال جریانش طول کشیده و همه جا مسبوقند خاصه در یك حوزه مثل فارس که تمام نقاط آن مشغول انتخابات هستند البته بندر عباس‌هم میداند که باید بنوبت‌خودش‌داخل انتخابات بشود هیچ ضرورت‌ندارد که در یك‌محوطه کوچکی یك ماه مدت اعلان باشد البته مدت اعلان باندازهٔ بوده است که اهالی مطلع شده و بیایند آن جا تعرفه بگیرند و رأی خود را بدهند علیهذا اینرا بنده یك اشکال اساسی نمیدانم اما راجع بشکایت که فرمودند باید ترتیب اثر بشکایت داد البته بنده معتقدم که باید بشکایت‌ترتیب اثرداد ولی‌یك‌شکایتی را باید ترتیب اثر داد که با قانون مطابق باشد و ببینیم این شکایتی را که میکنند با مواد قانون موافقت دارد والا بصرف اینکه یك کسی شکایت بکند (یا ده نفر یا صد نفر صرف شکایت) بعقیده بنده نمیتواند معطل یك انتخابات واقع شود اگر این شکایتی که‌شده یك شکایتی بوده است که‌بااساس انتخابات یا صحت انتخابات منافی بوده است البته ما باید یك ترتیب اثری‌بآن‌شکایت‌بدهیم ۱۰اگر نبوده است شعبه البته‌حق داشته است‌ترتیب‌اثر بشکایت‌ندهد وبعلاوه عرض میکنم که ماموظف نیستیم که‌شکایت بتراشیم اگر یك اشخاصی شاکی باشند باید خودشان بهروسیله هست‌شکایت خود را بدهند و مطابق مواد قانون موظفند اظهار کنند نه اینکه بگذارند یکهفته که انجمن نظار مشغول رسیدگی بشکایات هستند شکایات خودشان‌را نفرستند وبعدهم درمدت قانونی که درمجلس شورای ملی درماه اول باید شکایات برسد آنوقت‌هم نرسد وبالاخره چون یك تلگرافی دردوسیه بوده است آنوقت‌آن‌را مأخذ قراردهیم بعقیده بنده چنین شکایتی نمی‌تواند منشاء اثر قرار داده شود وبعقیده بنده راجع بانتخابات بندر عباس هیچ اشکال نمی‌بینم وعقیده‌ام اینست که انتخاباتش صحیح است

رئیس- آقای محمد هاشم میرزا(اجازه‌نطق)

محمد هاشم میرزا - مذاکرات نماینده محترم بچند قسمت تقسیم می‌شود یکقسمت خواستند قائل بمسامحه شوند نسبت به انتخابات راه های دور از قبیل بندر عباس وغیره . بنده عرض می کنم قانون فقط یکجا استثناء دارد و آن منحصر است بانتخابات ایلات ودربقیه نقاط هیچ فرقی مابین بندر عباس وطهران‌درقانون‌نگذاشته است‌چون‌این‌مسامحه درقانون نیست گمان میکنم که اگرهم در هرامری اینطور مسامحه می کنیم تادوره پنجم یك ماده قانون سالم نماند اما اینکه می‌فرمائید اطلاع داشته‌اند که انتخابات خواهد شد اطلاع کافی نیست می‌فرمائید از ۳سال قبل انتخابات‌درشیراز شروع شده ودوسال بعد دربندر عباس اعلان انتخابات داده‌اند مقصود از اعلان اینست که بنده بدانم انجمن نظار درکجانشسته است تعرفه می‌دهد بروم تعرفه بگیرم کدام روز رأی قبول می کند بروم رأی بدهم نه اینکه اجمالا درعرض امسال یاسال دیگر دراینجاانتخابات خواهد شد مقصود از اعلان چندین ماده است که در اینجا نوشته است بمجرد اعلان روزش موعدش مکانش به ترتیبی که درنظامنامه مندرج است معین می‌شودپس این اطلاع‌عمومی که‌دردوره چهارم مشغول‌انتخابات خواهند بود کافی نیست باید موعد مقرره‌اش معین شود آیا آن قسمتی که راجع بصورت مجلس می‌فرمایند عرض کردم که درماده ۳۵ صراحتاًمینویسد که منشی انجمن نظارت مرکزی صورت مجلس انتخاباتارا در۳ نسخه حاضر کرده وبامضاء حکومت رسانیده اولا اینکه امضای حکومت‌را ندارد مراجعه بفرمائید بماده قانون تصریح کرده که‌بایدامضای حکومت را داشته باشد اما اینکه راجع بعبارت صورت‌مجلس می‌فرمائید بنده می گویم عبارت این صورت مجلس فارسی است ما مکلف هستیم ظاهر عبارات را قبول کرده قائل بتأویل نباشیم مادامیکه مخالفت باعقل‌نکند بنده عرض میکنم‌عبارت تصریح کرده است که ابتدا آنهارا وصول کردیم سپس آراء را در صندوق گذاشتیم بنده از شعبه محترم‌آنقدر تقاضاداشتم که تحقیق کنند اگرانجمن نظار این کاری را که بنده عرض میکنم کرده است مطابق قانون نیست اگر عباراتش را بد نوشته‌است البته حق با شماست این را هم از بنده نشنیده‌اند اما اینکه می فرمائیدشکایات بی اساس را نباید گوش داد بلی شکایات دو قسم است اگر شکایاتی که میکنند مطابق قانون است یعنی مؤثر در انتخابات است البته بایستی گوش داد و الا خیر اگر شکایت کننده (ولو او را بشناسیم یا نشناسیم) شکایت کند که انجمن نظار را از معلمین تشکیل داده اند یا ازتجار تشکیل‌داده‌اند این یك چیزهائی است البته نباید گوش‌داد چه صاحباتش را بشناسیم چه نشناسیم اما این شخص که تلگراف میکند و سرقت آراءوتعویض آراء رانسبت میدهد ومهمترین چیزیکه تصور میشود همین‌است که آراء را سرقت کرده یا عوض کنند آیا چنین شکایتی را میشود گوش نداد ؟ بنده نمیگویم بمجرد گفتن راست‌می گوید میگویم اگر راست گفته باشد از شکایاتی است که قابل ترتیب اثر است یعنی اگر راست گفته باشد انتخابات باطل و اگر دروغ باشد باطل نیست پس باین جهت باید تحقیق کرد .

رئیس- آقای شیخ‌الاسلام (اجازه)

شیخ‌الاسلام اصفهانی - اعتراضات‌حضرت والا راجع باین بود که از عبارت فهمیده‌اند که آراء پهلوی صندوق جمع شده و بعد در صندوق ریخته‌اند وحال آنکه گمان‌میکنم کاهر کس‌بکلمات آن حدود آشنا باشد میداند که غالبا الفاظشان کوتاه تر از معانیشان میباشد وقتیکه حرف میزنند باید یك کلمه یا دو کلمه‌پهلوی آن گذاشت تاآن عبارت تمام شود این معنی که حضرت والا از این عبارت‌استخراج کردند معنایش نیست معنای آن این است که آراء را در آن حول وحوش صندوق می ریخته اند یعنی اوراق را دوتا سه تا چهار تا می آوردند یکی هم در صندوق میریخته در اصفهان‌هم یکی که عقلش نمیرسد بیندازد بسوراخی که آراء را بیانداخت میگذاشت‌پیشخدمت‌میانداخت درصندوق اما اینکه میفرمایند چون حسن نام ازبوشهرشکایت کرده‌بایداینجارأی رابعتبارنامه یك‌وکیل‌همانطور بماند تا ما تحقیق کنیم ببینیم حق باکی‌است بنده عرض میکنم اشکالات آن چه چیز است دلائل آن چیست این برخلاف اساس کار دنیا است هر کس ادعائی دارد باید خودش بمرکزیکه مرکز تظلم است برود و تظلم کند و مطلبش را ثابت کند والا بمحض اینکه‌حسن‌نامی که از کنج دنیابرخواست صدا زد کمن شکایتی دارم نباید یك اساس ویك کار وکیلی‌را معطل کرد ما برویم‌بگردیم این‌حسن را پیدا کنیم به بینیم مطلب آن چه چیز است از همه این مطالب گذشته گمان میکنم که این‌قانون انتخابات اگر بنا شود با روح‌آن کار نکنیم‌وقدری دقیق‌تر شویم خیلی اسباب اشکال میشود.

رئیس — آقایان سردار معظم خراسانی - محقق‌العلماء — میرزا علی کازرونی و آقا شیخ محمد جواد موافقند .

سردارمعظم — بنده‌مخالفم .

رئیس - آقا سید یعقوب موافقید ؟

آقاسید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقاسید یعقوب - خیلی متاسف هستم که در مسئله آقای دست غیب بنده باید در محل نطق بیایم‌ولی چاره چیست ماها هیئت مقننه هستیم وباید مواد قانونی را تعقیب کنیم مخالفت کردن باانتخاب وکیل از دو راه است یا از جهت انتخابات است یا از جهت صلاحیت آن شخص است و هریك از این دوقسم‌راهم‌قانون‌معین کرده‌است که‌اگرباجریان‌انتخاب یك وکیل مخالفت کردیم باید در تحت چه موادی باشد و اگر مخالفت کردیم با یك نماینده از حیث صلاحیت آن نماینده باید در تحت چه موادی باشد بنده گمان میکنم‌بواسطه فلسفه و فصاحت‌بیان‌ممکن نیست انتخاب آن منتخب را از تحت‌آن مواد خارج کرد یا مطابق با آن‌ماده کرد آقای آصف‌الممالك میفرمایند بندر عباس دور است و جائی هست که از قانون خبر ندارند خیلی تعجب میکنم ازاطلاعات و فرمایشات آقای آصف‌الممالك . ما مشروطیت را از دول اروپا یاد گرفتیم و بیشتر نفوذ دول اروپا در سرحدات مملکت ما است و اطلاعات آنها بیشتر از ماها است بندرعباس یك بندری است که باتمام دنیا روابط تجارتی دارد روابط سیاسی‌وعلم‌و کمال دارد وقتیکه بنا شود بندرعباس را با اینکه روابط تجارتی با تمام دنیا دارد و در واقع بمنزله دروازه خلیج فارس است ما میگوئیم اطلاع و آگاهی از قانون ندارد پس در مورد سایر نقاط چه‌بایدبگوئیم خود آقای آصف‌الممالك راجع بانتخاب‌معتمدالدوله از آباده (با وجود اینکه ما اهل فارس هستیم و میدانیم که آباده در چه بری واقع‌است‌وبندر عباس در چه بحری واقع شده است) گفتند فلان ماده‌اش

بر خلاف قانون است و آقای معتمدالدوله را رد کردند با اینکه آباده در یك وادی فقری واقع شده است که هیچ روابط‌تجارتی ندارد امابندرعباس با همه جا روابطه دارد میفرمایند بی اطلاع هستند بنده گمان ندارم که اطلاعات اهالی‌بندرعباس کمتر از تهران باشد . آقای شیخ‌الاسلام میفرمایند‌احتمال دارد که آراء را دو یا سه یا چهار ماه بعد جمع کرده باشند ودر صندوق ریخته باشند این‌احتمالات است ولی در عبارات عربی که صریح نباشد انسان میتواند احتمالات بدهد اما عبارتیکه تمام از فارسی خالص نوشته شده است گمان ندارم که ما بتوانیم یك توجیهاتی برای او بکنیم و ما باید مطابق با مواد قانون عمل کنیم و هر ماده از مواد قانون که مسئله را بیان کند از او خارج نشویم . اما مسئله که آقای آصف‌الممالك راجع به‌اعلان فرمودندپس چرا هیئت مقننه در قانون برای اعلان مدت معین کرده است و گفته مطابق با آن اعلان اهالی حق انتخاب دارند و باید بیایند تعرفه بگیرند ؛ نظر قانون‌گذار چه بوده است ؟ البته برای اطلاع دادن باهالی بوده که ضمناً حدودشان هم معین باشد که کارهای فاسد نکنند . اگر این ماده ملاحظه نشود ممکن است اعلان برای یك مدت غیر محدودی‌باشد و انتخاباب هم در یك موقع غیر محدودی باشدشما که محدودیت در اعلان را مناط نمیدانید پس چرا راجع به آباده گفتید چون مدت اعلانش محدود نبود باید رد کرد . یك بام و دو هوا که نمیشود اگر بنا شد ماده قانون مراعات شود در همه جاباید مراعات شود بنده نسبت بصلاحیت شخصی کارندارم نظرم تمام بقانون است و باید مواد قانون‌را ملاحظه کرد . اما راجع به شکایت نمیدانم اگر کسی‌راجع به انتخابات شکایتی داشته‌باشدباید‌برودحضرت‌عباس را شفیع کند چه جوربگوید که این انتخاب‌شکایت دارد باسیم کمپانی پول داده و زیادتر هم داده نهصد نفر هم امضاء کرده‌اند و اطلاع میدهند که در کابینه سیاه آراء را سرقت کرده‌اندپس چه‌باید بگویند که منشاء اثر بشود . با این عرایض بنده گمان نمیکنم دیگر برای آقای آصف‌الممالك شبهةً بوده و یا دراین‌جریان انتخابات‌شك‌داشته باشندبلی اگر نظر بصلاحیت آن شخص باشد ممکن است از جای دیگرمنتخب شود .

رئیس — آقای حاج شیخ‌اسدالله‌موافقید ؟

حاج‌شیخ‌اسدالله -بلی .

رئیس — بفرمائید .

حاج‌شیخ‌اسدالله — اعتراضاتی که راجع به انتخابات بندر عباس فرمودند چند فرازست یکی راجع به اعلان است یکی راجع بمهر حکومت نداشتن صورت‌مجلس است یکی راجع‌بعبارتیست که درصورت‌مجلس‌نوشته‌شده‌ودرآخر راجع به تلگراف شکایتی است که آراء سرقت شده بنده درتمام این فقرات وارد میشوم به بینم کدام یك از این فقراتی که آقایان معترض هستند اسباب اختلال انتخابات است آقای آقا سید یعقوب شرحی راجع بمعلومات اهالی بندر عباس و اطلاعات آنها که دارالعلم است وفلان است فرمایش فرمودند و ضمناً فرمودند که با تمام دنیا رابطه دارد اینها مربوط به انتخابات نیست هر کس بندر عباس رفته اهالی آنجا را میشناسد و میداند چه مردمان سادهٔ هستند ، اما اعتراضاتیکه راجع بانتخابات آباده راجع به اه لان شد عرض می کنم فقط وفقط ما انتخابات آباده‌را بجهت‌اعلان باطل ندانستیم اشکالات دیگری دربین بود که آن را مبنی بربطلان انتخابات آنجا دانسته ورد کردیم .

اشکالات وخلاف قانونهائیکه میشود بچند قسم است یك قسمتی است که ضرر به اساس انتخابات میرساند مثلا مثل اینکه محروم می کند یك جمعی یك بلوکی ویك ملتی‌را از انتخابات وحق آنها را باطل می کند البته نمیتوان اینمسئله را سهل‌انگاری کرده وگفت با آنکه اهالی محروم شده‌اند انتخات صحیح است بلی این اندازه نمیشود درمقابل خلاف قانون تسلیم شد ولی یك خلاف قانونها و سهل انگاری ها از طرف انجمن نظار شده که اساس انتخابات را باطل نمیکند مثلا در کیفیت اعلان شاید اعضاء انجمن نظار غفلت کرده و عبارات را ناقص نوشته باشند آیا این‌عبارت ناقص که درموضوع‌اعلان نوشته شده اسباب بطلان انتخابات میشود ؟ نه در جائیکه اهالی مطلع باشند ودرمدت معین تعرفه داده باشند ودرمدت معین آراء اخذ شده باشد ودر مدت معینه هم کسی شکایت کرده باشد آیا باید مسامحه کاری انجمن نظاررا درعبارت نویسی باید بگوئیم مبطل انتخابات است ؟ بنده که نمیتوانم تصدیق کنم پس ازاین فراز می گذریم وداخل‌میشویم بفرازهای دیگر وآن‌اینستکه : میفرمایند حکومت صورتمجلس را مهر نکرده آیا حکومت اعتبارنامهٔ را مهر کرده یا نکرده ؟ چرا بهتر ازاینکه میفرمایند صورتمجلس را هم مهر کرده بنده بالاتر از این عرض میکنم میگویم حکومت صورتمجلس را مهر نکرده آیا مهر نکردن صورتمجلس را بدون شکایت و ایراد سبب بطلان انتخابات باید قرار داد ؟ اینرا بنده نمیتوانم تصدیق کنم و قانون هم بما همچو اجازه و حقی‌رانداده که چنین‌انتخابی‌را باطل‌بدانیم درحالتیکه اعتبارنامه را حکومت مهر کرده است اگر هرآینه صورت مجلس راهم حکومت مهر کرده باشد دیگر اشکالی دراین حقوق‌باقی‌نیست . یکی دیگرعبارتی است که درصورت مجلس مینویسد (ملاحظه فرمایند سبك‌عبارت‌نویسی را) مینویسد فلان‌مقدار آراءوصول (مثل اینکه مالیات وصول کرده باشد) وفلان مقدار ازوصول (یا ناوصول هردونفی است) وسپس آراء درصندوق ریخته شده ومهر کرده اند . آیا انصاف میخواهم که این عبارت باین سادگی راکه انجمن نظاربلسان خودش نوشته است میتوان سبب بطلان انتخابات‌قرارداد؟ابداً این‌است که‌بنده‌انتخابات‌آنجارا خیلی صحیح میدانم و اما راجع بشکایات یکنفر تلگراف کرده که‌آراء سرقت شده : یکنفرنه دونفرنه سه نفرنه فرض‌میکنیم چند نفریك چنین اظهاری را کرده اند اولا بانجمن نظارهمچه اظهاری نشده و درصورت مجلس‌هم‌نیست آیا بدون‌مدرك‌مجلس‌میتواند یك همچو انتخاباتیکه انجمن نظار و حکومت محل صحت‌آنرا تصدیق کرده باطل کند ؟آیابیك تلگراف یك انتخاباتی‌رامیتوان‌باطل‌شمرد ؟ اگرابنطور باشد تمام‌انتخابات‌باطل‌است‌برای‌اینکه‌درتمام‌انتخابات‌همین شکایات هست‌اماظهار ایشان ازروی‌دلیل‌نیست‌البته هر کدام‌ازاشکالات‌را که مستندبردلیلی‌باشد که‌محکمه یا شعبه بتواند آنرا محل اعتماد خودش قرار دهد تصدیق دارم باید محل توجه ودقت قرارداد اما یك اظهاری‌را که بدون مدرك ومستنداست شعبه نمیتواند ترتیب اثرداده وراپورتی را که داده بگوید صحیح است .

رئیس -آقای سردارمعظم خراسانی (اجازه نطق)

سردارمعظم - بنده اشکالاتم در انتخاب آقای دست غیب هیچ از نقطهٔ نظر صلاحیت یا عدم صلاحیت شخص ایشان وازنقطه نظراعلان یا انجمن نظارت نیست اشکال بنده راجع بآن‌قسمت ازصورت مجلس است که خودش تصدیق میکندآراء پس از جمع آوری‌درصندوق ریخته شده ومقدمتاً آقای آصف الممالك برای رد اشکال مخالفین عدم بعلم قانون را دلیل‌آوردندآیا عدم علم بقانون مسموع‌است ؟ درتمام دنیا معتقدند که‌عدم‌علم بقانون هیچ ایرادی را ازانسان رفع نمیکند ومطابق این اصل باید عمل شود والا اگرعدم علم بقانون رامدرك کاستن‌مجازات مقصر قراردهیم‌آنوقت زندگانی اجتماعی محال است ازطرف دیگرآقای شیخ‌الاسلام بیاناتی راجع به مباینت زبانی که معمول به بندر عباس وتهران است فرمودند که درآنجابطرزدیگرافکارخودشان رابیان میکنند

بنده عرض میکنم مادام که زبان رسمی مملکت ما زبان ایرانی است که درتهران معمول است ومادام که قاموس تازه‌برای زبان بندرعباس وضع نشده‌مامجبور هستیم که مردم را تابع این زبانی که رواج ومصطلح اینجاست قراردهیم وبنا براین صورتمجلس رابهمین زبان که اینجا میفهمیم معنی میکنیم و اگر بخواهیم معنی دیگر کنیم لازمه اش این است که برویم در بندرعباس مدتی تحصیل زبان آنجا را بکنیم و بعد برگردیم وبفهمیم . اصل اشکال من راجع به یك قسمت از صورتمجلس است که انجمن نظارت او را تصدیق نموده ونوشته است از دوم ربیع‌الثانی الی چهارم شروع باخذ آراء شده (ازاین قرار میفهمیم عملیات شروع شده) و ۸۹۳ رأی از ۹۱۶ رأی وصول (اینرا فهمیدیم که این‌مقداررأی دریافت شده) و۲۳ رأی هم لاوصول گردید (فهم این قسمت هم ممکن است باصطلاح زبان‌بندرعباسی‌یعنی نیاوردند) سپس آراء را درصندوق گذارده مهر نموده ازاین عبارت چنین میفهمیم که ابتداء آراء را((بقول‌موافقین) درخارج یا درآسمان یا دردریا (وبعقیده مخالفین) دریك کیسه بازبینی یا درسیدی جمع کرده وپس از

آنکه آراء جمع‌شد مطابق‌عبارتیکه در صورتمجلس نوشته شده سپس برداشته ودر صندوق ریخته ومهر کرده اند آنچه که ما ازاین عبارت فارسی خیلی‌ساده میفهمیم وهمه ما تصدیق می کنیم و معتقد هستیم این است :

بعضی‌ازمواد قانون انتخابات قابل مسامحه‌است وباساس انتخابات سکته واردنمی‌آورد مثلا اگرعوض آنکه مدت اعلان را ده روز معین کنند هشت روز معین کرده باشند اینقدررا میدانیم ولی فراموش‌نباید کرد که بالاخره اساس انتخابات در روی پایه رأی است اگررأی مختل شود و در زمینه رأی تردیدی برای کسی حاصل شود آنوقت از انتخابات چیزی باقی نمیماند فرق مابین آن منتخبی که اوراق آرائش سه روز در خارج بوده و معلوم نبوده است کی بوده با آن کسی که از کوچه دستش را بگیرند و بیاورند در مجلس بنشانند چیست ؟ هیچ ؟ فقط چیزیکه باید محفوظ بماند آراء انتخابیه است که باید مصون ازهرنوع تعرض باشد آقای حاج‌شیخ - اسدالله و عدهٔ از آقایان دیگر میگویند از این عبارتیکه درصورتمجلس نوشته‌شده است چنین‌مستفاد میشود که آراء را مطابق سایر حوزه‌های انتخابیه مرتباً آورده و در صندوق ریخته اند اگر خود ایشان که کاملا (بانهایت درجه‌فصاحت وبلاغت) زبان فارسی‌را حرف میزنند بخواهند بعبارت فارسی‌بزبان خود بیان کنند که (آراء را قبلا گرفته شده و در جای دیگر بوده بعدآن وارد صندوق شده) بچه عبارت ذکر مینمایند ؟

بنده پنجدقیقه‌بایشان مهلت‌میدهم تادقت‌فرمایند اگر توانستند غیراز عبارتیکه در ردیف همین‌عبارت باشد طوردیگری بنویسید آنوقت بنده صحت‌انتخاب دست‌غیب وبندرعباس وهرچه‌را ایشان‌بفرمایندتصدیق خواهم کرد اما اگر خودشان بـا تعبیر عبارات و کلمات بالاخره نتوانستند طـور دیگری بیان کنند آنوقت تصدیق کنند چون مقصود هیچیك از وکلاء مبنی‌بر غرض‌نیست وفقط مقصودشان حفظ مواد اصلی قانون است که بدون مراعات آنها بهیچوجه نمیشود معتقد بانتخابات شد وچنانچه موافقینی در محل پیدا نمیشود که صحت انتخابات بندرعباس‌را تصدیق نماید (آنوقت بدون هیچ سابقه با آقای دست‌غیب و با آرزوی اینکه درموقع تجدید انتخاب بندرعباس باز خود آنوجود محترم انتخاب خواهند شد با مراعات قانون) ما مجبور بودیم انتخاب بندرعباس را لغـو و ردکنیم ولی‌یکعده از رفقای‌ما قائل شدند که این عبارت قاصر از ادای مطلب است بنده هـم شخصاً یکقدم باآن آقایان همراهی میکنم و میگویم چون شما مدعی هستید ومن منکر این‌هستم ودرهرصورت حکمیت مرا درصورت ظاهر یك‌عبارت فارسی ساده کافی نمیدانید اجازه بدهید منهم بگویم که تعبیرات شمارا کافی نمیدانم بنابراین خوبست حکمیت‌را به تحقیقات محلی موکول‌کنیم چون ممکن است آقای دست‌غیب واقعاً خوب انتخاب شده باشند و ما بدون تحقیق ایشانرا بی‌جهة رد کرده باشیم وممکن است بواسطهٔ قصور انجمن نظارت رأی‌بدهیم درحق کسی که در باره آن یکی‌از مواد اصلی قانون انتخابات مراعات نشده پس خوب است این‌مطلب‌را بگذاریم موکول به‌تحقیقات محلی بشود اگر حق با شما شد قبها اگر حق باما شد یقین دارم‌که شماهم با کمال میل با ما موافقت نموده و این انتخابات را ابطـال خواهید کرد .

رئیس — دیگر اشکالی باقی نیست ؟

محمدهاشم‌میرزا — بنده مخالفم .

رئیس — آقای محقق‌العلماء (اجازه‌نطق)

محقق‌العلماء — بنده‌هم درزمینه موافقت با آقای‌دست‌غیب عرایضی‌داشتم حالا که‌آقایان‌میگویند بماند به‌بعد بماند . آقا میرزا علی کازرونی اجازه میفرمائید بنده هم ...

رئیس — عده‌آقایان که اجازه خواسته‌اند زیاد است مذاکرات را کافی نمیدانید ؟ (عدهٔ گفتند کافی است) .

سردارمعظم‌خراسانی — پیشنهاد بنده را قرائت بفرمائید .

رئیس — قبل از قرائت پیشنهاد باید معلوم شود مذاکرات کافی‌است یاخیر . آقایان مذاکرات را کافی نمدانید ؟ (جمعی گفتند کافی است) .

(آقای مستشارالسلطنه پیشنهاد مزبوررا بمضمون ذیل قرائت نمودند :)

بنده‌پیشنهاد میکنم که رسیدگی باعتبارنامهٔ آقای دست‌غیب برای داشتن فرصت تحقیقات محلی بتأخیر بیفتد . سردارمعظم خراسانی .

فهیم‌الملك - عمادالسلطنه - معتقدالدوله - امیر - ناصر - نصیر دیوان - میرزا ابراهیم خان - سهام - السلطان - سردار مفخم - نصرالله شیبانی - شیخ - الاسلام - عمیدالممالك .

رئیس — نسبت باین‌پیشنهاد رأی بگیریم .

حاج‌شیخ‌اسدالله — بنده تصور میکنم که این‌پیشنهاد ناقص باشد زیرا تأخیرانداختن رأی چه نتیجه دارد مجلس باید خودش اقدام کند یابرگردد بشعبه یاکمیسیونی تعیین بشود وبنابراین تقاضامیکنم مخبر راپورت‌را پس‌بگیرد اگر میخواهند یك چنین اقدامی بشود در شعبه بشود و الا پس انداختن نتیجـه ندارد و بجهة آنکه هر یك از وکلاء نمیتوانند مستقیماً این اقدام را بکنند مگر در یك کمیسیونی که‌موظف‌به‌اینکار باشد

رئیس - آقای مخبرچه میفرمائید ؟

جلیل‌الملك - بنده عقیده‌ام پس گرفتن‌بود ولی اکثریت شعبه بمن اجازه نداد .

رئیس - اگر باید بماند لابدبشعبه برمیگردد وتحقیقات درآنجا میشود اینطور پیشنهاد فرمودند

سردارمعظم - بنده مخصوصاً درذکرکردن محل‌تحقیق‌متعمدبودم‌زیرا که‌بنده معتقدبه‌تحقیقات‌محلی هستم حالا اگر شعبه درحدود صلاحیت خود وجود خودرا برای تحقیقات محلی کافی دانست تحقیق میکند واگر کافی ندید آنوقت یك کمیسیون دیگری که صالح باشد تعین‌میشود وچون فعلاخودم از طرف شعبه نمی‌توانم تکلیف این‌مطلب را معین کنم لذا بنده برای تحقیقات محلی پیشنهاد میکنم که رأی بتأخیر بیفتد حالا اگر اکثریت قبول کرد این پیشنهاد بنده را آنوقت در هرجا برود اهمیت ندارد ابتدا میرود بشعبه (وبنده شخصاً معتقدم که شعبه بتواند تحقیقات بکند) وازمجرای‌شعبه‌تحقیقات خواهدشد والابرمیگردد بمجلس

رئیس - اگر شعبه رد کرد برمیگردد ودر مجلس تکلیف معین میشود . رأی میگیریم کهاین مسئله برای‌تحقیقات بشعبه برگردد آقایانیکه‌تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب‌شد عدهٔ اعتبارنامه درشعبات مانده که صورت مجلسشان نرسیده ولی بعضی دیگر مثل کرمان وبارفروش وخمسه و اصفهان و قمشه و دماوندهم‌اعتبارنامه وهم صورت مجلسشان رسیده‌است وچون دردستور چیز دیگر باقی نمانده غیر از این دوسه فقره که نسبت به‌آنها مخالفت شد واینهاهم‌در جلسه دیگر شاید تکلیفش معین شود این است که ازشعبات‌خواهش میکنم‌اعتبارنامه‌هائیکه بلاتکلیف مانده آنهارا هرچه زودتر معین فرمایند که کارهای مجلس عقب نیفتد وهرچه زودتر مجلس رسمیت پیدا کند . پس‌فرداهم بایدحضور اعلیحضرت همایونی مشرف شویم وچون معمول است که‌یك هیئتی بقرعه معین شود سه‌نفر ازهیئت رئیسه ومابقی شش یانه‌نفر دیگر هرچند نفری که مجلس تصویب میکند بقرعه معین خواهدشد (گفته‌شد شش نفر کافی است)

رئیس - شش‌نفر کافی است ؟ مخالفی‌نیست (گفته شد خیر)

آقای‌مستشارالسلطنه شروع باستقراع‌نموده و آقایان ذیل بحکم قرعه معین‌شدند

آقای‌فهیم‌الملك- آقای‌حائری‌زاده

تدین-آقـای‌حائری‌زاده هم‌غائبندوهم مریض

آقای‌میرزامحمدصادق‌طباطبائی -(گفته شد غائبند)

آقای سیدحسن مدرس

رئیس - آقای سیدحسن مدرس جزء هیئت رئیسه هستند

آقای آقامیرزامحمد نجات - آقای مشیرالدوله - آقای مستشار السلطنه - آقای آقاشیخ محمدحسین استرآبادی (گفته شد غائبند) آقای فرج‌الله خان سردارمعظم کردستانی - آقای‌سردار معظم‌خراسانی آقای حکیم‌الملك

رئیس - آقای حکیم‌الملك جزء هیئت‌رئیسه هستند .

آقای مستشار الملك (گفته شد غائبند)آقای‌حاج شیخ اسدالله

تخفیف داده اند و آن‌تصویب نامه ازتاریخ ۱۳۳۱ باینطرف بموقع اجرا گذاشته‌شد پس‌درواقع خالصجات انتقالی بدو قسمت تقسیم‌شد یکقسمت آنهائی‌هستند که مطابق فرمان بایستی کلیه عایداتشان‌را بدهند و یکقسمت دیگر هستند که نصف عایداتشانرابدهند در این اثنا از بعضی از آقایان صاحبان خالصجات انتقالی که نصف عایدات خودشانرا میدادند یك شکایاتـی در دو سال قبل رسید (همچنین در یکسال قبل هم شکایت رسید) از طرف‌وزارت مالیه متحد المآلی صادر میشود مبنی بر اینکه ترتیب‌اثر باین شکایات ندهند و بایستی بموجب مقررات آن رفتار کنند از آن جمله از اصفهان نصف عایدات را بایستی بعنوان مالیات بدهند(وگویاالحالی ۳یا٤ قریه بوده اند) بوزارت مالیه شکایت میکنندوزارت مالیه هم در زمان تصدی آقای عمادالسلطنه بامانت مالیه اصفهان‌بایشان‌دستورمیدهند که شماممیز بفرستید آن چند قریه را ممیزی بکنند وموافق ممیزی‌رفتار کنید از طرف ایشـان عوض آن چهار قریه ۲۸ قریه از خالصجات انتقالی که شامل آن قسمت بوده اند ممیزی شده ممیز صورت ممیزی خودش راباداره مالیه تسلیم میکند این را هم عرض کنم ممیز تنها نبوده ۳ نفر هم معین شده و رفته اند از اینجا است که مطلب قدری فرق‌میکند مطابق اسنادیکه‌دردست است آقای عمادالسلطنه برخلاف آنمقداریکه‌ممیزی شده یعنی کمتراز آنمقداریکه ممیزی شده(درصورتی که آنمقدار هم که ممیزی شده است کمتر از مقدار جزء جمع همیشه بوده) و یك احکامی بدست‌مؤدیان مالیات این ۲۸ قریه میدهد که برای اطلاع آقایان بعداز جزو جمع و آنمقداریکه گرفته‌اندعرض‌میکنم در موضوع‌نقدی‌اطلاعات کامل‌ندارم وداخل‌مذاکرات نمیشوم اما در موضوع جنس جزوجمعی که‌ایشان‌باید وصول کنند با گندم دو هزار و چهار صدو سیزده خروار وهشتاد و هفت من جو یکهزارو هفتصدوسی خروار و شصت من سایر حبوبات هم تقریبا چندصد خروار میشود. احکامی که ایشان بعد از تعین‌مقدار ممیزی شده میدهند از این مقدار جزو جمع خیلی کمتر است گندم منتهی شده بچهارصد و بیست و چهار خروار و پنجاه و هفت من و جو منتهی‌شده بچهارصد وشصت خروار وبیست‌وهفت‌من تفاوت عمل درگندم یکهزارو نهصدوهشتادو نخرواروسه‌من‌جوو یکهزارودویست وهفتادخرواروسی‌وسه من درتریاك‌و جوزق و شلتوك و بقیه حبوبات هم‌این قضایا اتفاق افتاده است در این بین‌فیمابین‌ایشان و ممیز اختلاف واقعشده و ممیز حبس شده از آنجا بطهران آمده و یك صورتهائی‌بوزارت‌مالیه داده است‌دردوازدهم دلو سال گذشته قبل از جمعی امسال کمیسیونی‌در وزارت مالیه از رؤسای ادارات تشکیل شده است

آقای عمادالسلطنه را در آنجا حاضر کرده اند ایشان اظهار نموده اند احکامیکه من داده‌ام موافق بوده است با آنمقداریکه هیئت ممیزه معین کرده‌اند دراین ضمن وزارت‌مالیه از رئیس‌محاسبات مالیه اصفهان‌صورت اوراق‌ممیزی شده وصورت‌مینوت احکامی که ایشان داده‌اند میخواهند پس‌از ثبت در دفاتر آنجا بوزارت مالیه طهران‌ارسال نمایند والان دروزارت مالیه ضبط است آنچه که بنده اطلاع دارم این است که موافق تطبیقی که شده اختلاف‌دارد تا آنچه که ایشان اظهار کرده‌اند درصورتیکه در خود احکام ذکر شده‌است مطابق تشخیصی که هیئت‌ممیزه داده‌اند اینطور باید بدهند معلوم میشود احکامیکه داده‌اند خیلی کمتر از آن مقداریستکه هیئت ممیزه تعیین کرده‌اند دفعه دوم کمیسیون‌بنا‌بوده‌است تشکیل شود مصادف میشود باآمدن آقاسید ضیاءالدین‌آقا سید ضیاء ایشانرا گرفته حبس کردند . حالیه علت حبس چه بوده است معلوم نیست ولی بعد که مطلع شدم یك کمیسونی خواستندتشکیل دهند بواسطه بعضی عوائق موفق به‌تشکیل کمیسون‌نشدندر بیست وچهارم جوزای همین‌سال کمسیون نباشد تشکیل‌شود ولی ایشان حاضر نشدندرسی ویکم‌جوزا کمیسیون مجدداً تشکیل شد بازهم ایشان حاضرنشدند وقتیکه بـایشان اطلاع داده شد اظهار کردند که آن ممیز چون آدم صحیح‌العملی نیست من بااو حاضرنمیشوم وموافق اطلاعاتیکه دارم شاید محکمه بازهم‌تشکیل شده باشد (بدون‌اینکه بنده در اطراف این قضایا وارد بشوم عرض می کنم این است خلاصه اطلاعـات من) حقیقتاً نمی‌دانم ایشان در این تخفیفی که نسبت بصاحبان خالصجات انتقالی داده‌اند محق بوده اند یا نبوده‌اند یك‌جمله دیگر هم لازم است که ضمیمه بکنم فراموش نکردم وآن این‌است که هشت‌قریه و قصبه دیگر را هم ممیزی نکرده تخفیفاتی داده اند که مجموعاً سی‌وشش قریه میشود• چون حقیقة معلوم نیست که ایشان محقق بوده اند در این اقداماتی که کرده اند واین اقداماتشان برنفع دولت یا برضر دولت بوده‌است نیاتشان‌حسنه بوده‌است یـانبوده‌چون بنده اینها را نمی‌دانم البته بعدازاینکه‌نتیجه محاکمه اداری معلوم‌شودمعلوم‌خواهدشد که ایشان‌محق‌دراین اقدامات بوده‌یانبوده‌اند عجالتاً چون این‌تردیدبرای بنده‌موجوداست‌وبنده‌به‌محاکمه‌معتقدهستم‌قبل‌ازمحاکمه هیچ‌ترتب‌اثری بانتخاب ایشان نمی‌دانم‌بدهم ونسبت بایشان نمی‌توانم رأی بدهم و عجالتاً ایشان مظنون هستند بنابراین مخالف‌هستم بااعتبارنامه ایشان ودر باره ایشان رأی نمی‌دهم•

رئیس — آقای سردارمعظم خراسانی راجع بتصویب‌نامه‌گویا حرفی دارید •

سردارمعظم - بلی مختصری•

رئیس-چون اظهار جنابعالی راجع بتصویبنامه است وراجع به‌اصل مطلب نیست آقای عمادالسلطنه باید اظهارات خودشان را بنمایند•

عمادالسلطنه - اعتراضی که آقـای تدین فرمودند آن قسمت اولش را راجع بـاینکه دولت خالصجات رابچه شرطی ودرمقـابل‌چه واگذار کرده است بنده تصدیق میکنم اما راجع بحکمی که صادر شده است دریك جا میفرمایند حکم شده در بعضی املاك ازقرارنصف بپردازند صحیح‌است همینطورهم هست درجای‌دیگرمیفرمایند ازقرارصدبیست اینطور نیست حکمی که باداره مالیه اصفهان وسایر ادارات مالیه رسیده بعضی ها نصف و بعضی ها صد هشتاد است واماابنکه فرمودند یك حکمی از وزارت مالیه راجع باینکه شکایات را اداره مالیه مورد توجه قرارندهند و تمام وکمال مالیات را دریافت کنند به بنده رسیده اینطورنیست حکمی است که باداره مالیه

اصفهان در زمان تصدی بنده و زمان وزارت آقای حکیم‌الملک متحد المآلی بامضای‌خود ایشان رسیده که بتمام ادارات مالیه‌ابلاغ شد که درآنجاتمام شقوق مالیات را ذکرمیکند . دربعضی میگویند صد هشتاد دربعضی‌میگویند صد نصف منتهی درآن حکم اسم برده میشود که این‌حکم کلیه راجع بگندم وجونیست وراجع بتریاك وینبه وشلتوك وتمام چیزهااست ولی این حکم را تایکدرجه ناقص نوشته اند زیرا کلیه هرملکی یك مالیات نقدی ویك مالیات جنسی دارد درمقابل مالیات جنسی البته گندم وجودریافت میشود در مقابل مالیات‌نقدی اگر تریاك یا جوزق و سایر صیفی هارا مالیه ضبط کند دیگرمالیات نقدی‌رانباید بگیرد چراکه تمامش رامالیه عیناً دریافت کرده اداره مالیه اصفهان بدون حکم مرکز نمی‌تواند یکشاهی نقدی تخفیف بدهد یا یکشاهی جنس‌تخفیف بدهد امامسئله مهم راجع به‌تخفیفات جنس‌است که بمن‌نسبت داده بنده اولا عرض میکنم در سنه‌پیچی‌ئیل‌پیشکار مالیه اصفهان بوده ام ۱۱ سال پیش از این اداره مالیه در اصفهان تشکیل شده رجوع نمایند به ثبت دفاتر اگر در این ۱۱ سال بهترازآن سال داشتند به‌بینید من بیشتر وصول کرده ام یا آنهائی کسابق بوده اند اگر ایراد به بنده وارد است چرا به‌آنها وارد نیست اگر ایرادی به بنده دارند برای‌جوابش حاضرم و بدیگران کاری ندارم شاید بغیلی‌اشخاص ایراد دارند وتمام‌ایرادشان‌هم واردنیست . ولی نسبت بخودم هر ایرادی باشد حاضرم که تحقیق و رسیدگی شود و اما اینکه فرمودند جزو جمع ۲۴۱۳ خروار و ۸۷ من گندم و ۱۷۳۰ خروار و ۶۰ من جو بوده این را نمیدانم از روی چه صورت فرمودند جزو جمع ۱۰اصفهان اینطور نیست جزء جمع‌اصفهان قریب (۸۰۰۰)خرواراست‌تفصیل خالصجات‌انتقالی را حالا عرض میکنم در اصفهان تا زمانیکه میرزا اسدالله خان‌پیشکار مالیه معلی بوده‌و در حقیقت ۲۰ سال پیشکار مالیه بوده‌همه ساله‌جنس اصفهان راتا دینار آخر وصول‌میکرد‌باینطور فلان شخص(۳۰۰) خروارجنس بنده کاربود در مقابل صدخروارمستمری کاطلبکار بوده‌دراول میآیدآن صدخروار مستمری خودرا قبض صادر میکرد مازادش را آنچه مدیون میشد‌به‌مالیه‌اصفهان‌پول‌میرزااسدالله‌خان‌ازفرارخرواری سه یا چهار یا ۵ تومان تسعیر میکردرمصافامیگرفت وتقریبا ٤ ماه که‌ازسال میگذشت بهیچوجه‌من‌الوجود مالیه اصفهان جنس طلبکار نبودودردست‌تمام‌مؤدیان مالیاتی مفاصا بود باین ترتیب مالیه اصفهان اداره میشد بعد که مستر هایك انگلیسی آمد به اصفهان شروع کرد بوصول مالیات وبعموم مالکین ومؤدیان مالیاتی اخطار کرد و از روی یك جزء جمعی که از دویست سال قبل که ازخانواده مشیرالملك پیدا کرده بود ازروی آن جزء جمع مطالبه مالیات کرد معلوم است با جزء جمع حالیه اصفهان تفاوت خیلی کلی داشت مردم بطهران شکایت کردند . در اینموقع حکومت هم مخالفت کرد واوراتغییردادند بعد کرنیل آمد درآنموقع جمعی ازملاکین نزد کرنیل رفتند و گفتند ما که همه ساله میتوانستیم مالیات را تمام و کمال بپردازیم برای این بود که میرزا اسد الله خان خرواری چهاربنج تومان جنس را با ما تسعیرمیکرد وشما میخواهید تمام جنس را ازما تحویل بگیریدما نمیتوانیم و استطاعت نداریم کرنیل عمداً یا سهواً نمیدانیم ازاین اظهارات آقایان ملاکین برای‌دولت سوء استفاده کرده ممیزی درمحل فرستاد که تحقیق کنند به بینند اظهارات آقایان حقیقت دارد یا نه . اتفاقاً ممیزین رفتند وتصدیق مالکین را کردندراست هم میگفتند مالکین این اندازه نمیتوانستند از عهده برآیند اما همین طور که آقای تدین فرمودند این املاك را دولت بشرط تأدیه این مالیات بامال‌الاجاره بملاکین واگذار کرده بود و آنها یا نبایستی قبول کنند و ملك را واگذار کنند یا باید مالیات و مال‌الاجاره را عیناً هرچه هست بدولت تأدیه بنمایند. کرنیل درآن سال بچند نفری تخفیفاتی دا وملاکین یادگرفتند که ازاصل مالیات وجزو جمع هم میتوان تخفیف گرفت بعد یکنفربلژیکی (دلی‌نام) آمد اوهم که آمد درششماه اول سال که آنجا بود همان معامله کرنیل را بامردم تجدید کرده بعداز ایشان یکنفر (یاکه نام) آمد خواست این معامله را با مردم نکند و گفت برخلاف‌حکم دولت‌است ملاکین‌بدولت شکایت کردند درآن وقت وزارت مالیه مطلع شد که کرنیل پیشکارمالیهٔ یك چنین معامله را با مردم کرده است اینمسئله درزمان ریاست وزرائی مرحوم علاء السلطنه‌بود و متحدالمآلی باصفهان بلکه بتمام ولایات صادرشد (وموضوعش راجع بـاملاك مرحوم محمد حسین میرزای مؤیدالدوله بود) وباصفهان هم ابلاغ شد ازآن ببعد همه ساله معمول شد که اول‌هر سال اداره مالیه مأموربرسر املاك میگذاشت ودرهر دهی مال هر کسی میخواهد باشد ممیز میفرستاد که ممیزی کند اگرملك جزوآن قسمتی بود که صدهشتاد باید بپردازند صد هشتاد میگرفتند اگرنصف بـاید بدهد نصف مطالبه میکردند درسال گذشته بنده هم برخلاف این نکردم وهمان ممیزی را که میفرستادند مادوسه‌نفرممیزمحلی بدهات‌فرستادیم‌ازجمله‌یك قریه که اسمش (زقمار) است وملك دولتی‌است واجاره‌داده بودند میرزا فضل الله خـان عطاءالملك به (۱٤۰) خروار در آنسال عطاء الملك شرحی بمالیه نوشت که چون اجارهٔ من شرط آفت دارد و امسال بقدر اجاره که کرده ام عـایدات ندارد بـاید بـه تصدیـق مصـدقین بـا مـن رفتـار بشود وخواهش می کنم کممیزی بفرستید به‌بینید عایدات آنجا چیست بنده‌هم همان ممیزی بادوسه نفر دیگر بآنجا فرستادم که ممیزی کند پس از ممیزی یك صورتی آوردند که بعد از وضع بذر عایدات آنجا را (۲۹) خروار نوشته بود . صورتهارا دادند . بنده عطاءالملك‌را خواستم که عین این‌صورت‌را از او بگیرم استنکاف کرد و گفت این‌صورتی کممیزین داده‌اند صحیح است ولی قنات ویل وغیره‌هم مخارج دارد این‌مسئله همینطورمجمل ماند تایك شخصی‌بمن اطلاع داد که مسئله (زقمار) را نصرالله خان ممیز تقلب کرده است وتقریباً پنجاه خروار کمتر صورت داده ومعادل پنجاه تومان‌هم‌برای این کار گرفته‌بنده فرستادم کدخدای آنجارا آوردند وپرسیدم امسال عایدات (زقمار) چقدر است جواب داد که من از عطاءالملك اجاره کرده‌ام واجاره‌نامچه دارم . اجاره نامچه را که درآورد دیدم که (۱٤۷) خروار از عطاءالملك اجاره بود و قبوض ۳ دانگش را هم از جیبش درآوردند چون بنده کسالت داشتم بمعاون مالیه نوشتم وآن اجاره‌نامه‌را باقبض جوف یاکت گذاشته‌بمالیه فرستادم وگفتم کدخدا ومیرزانصرالله را درمالیه بخواهند وتحقیقات کنند عصر بمن‌اطلاع داد که تحقیقات کردیم ومعلوم شد که جای انکار نیست وعایدات آنجا مطابق قبوض رسیدی است که کدخدا داده هیچ جای سئوال و جواب نیست . بنده گفتم میرزانصرالله‌را باید توقیف کرد و گفتم اینقدر مقداری که درآنجا بدولت خسارت وارد آمده یااز عطاءالملك باید گرفت یااز همین ممیز یاهرکس‌را که دولت معین کند اورا توقیف کردند وبنده‌فوراً راپورت کتبی بوزارت مالیه نوشتم اتفاقاً هفتم‌هشتم ایام عاشورا بود دوسه‌نفری خواهش کردند که میرزا نصرالله را مرخص کنید که روز دوازدهم بیاید و رسیدگی کنید بنده اطاعت کردم تاروز چهاردهم که مالیه‌مفتوح‌شد درمالیه رفته فرستادم میرزانصرالله را بیاورند که باحضور رئیس خالصه ودوسه نفری از رؤسای مالیه رسیدگی شود جواب آمد که میرزا نصرالله بطهران رفته است‌درآن موقع‌بنده‌تلگرافات شخصی به‌آقای حکیم‌الملك کدرآن زمان وزیرمالیه وقت بودندوبخزانه‌داری و وزارت مالیه مخابره کردم اتفاقاً طولی‌نکشید کابینه آقای مشیرالدوله‌مستعفی شده وقهراً این کارطول می کشید تاوزیرجدیدمعین شود بنده‌هم بطهران آمده و شرحی بوزارت مالیه نوشتم که چون این مسئله‌را من تعقیب کرده‌ام‌باید رسیدگی شود اینکه فرمودید وزارت مالیه مرادر دوازدهم دلوخواسته است اینطورنیست وزارت‌مـالیه به‌بنده می‌نویسد بطوریکه خودتان تقاضا کرده‌اید روزدوازدهم‌دلوبرای‌دادن‌توضیحات‌بوزارت‌مالیه‌حاضر شوید بنده‌هم‌حاضرشدم‌اشخاصی که‌آنجابودندحاضرند نمرده اند یکی میرزا حبیب‌الله خان علیا آبادی‌یکی مدیرالملك ویکی دونفر دیگر ازاین اشخاص‌بودند ممکن است تحقیق کنید پس‌از اینکه بنده ازوزارت مالیه بیرون‌آمدم گفته بودند که این ممیز کاملامحکوم است واما اینکه فرمودند بنده (٤۲٤) خروار گندم و (٤٦۰) خروار جو وصول کرده ام مقصود ازاین وصولی چیست وصولی در سنه پیچوئیل با وصولی در ششماهه مأموریت بنده را فرمودند ؟ وصولی ششماهه هیچ دلیل نمیشود بواسطه اینکه عمده‌جنس اصفهان دربرج اسد وسنبله وصول میشود یعنی‌وقتی که از خرمن خارج میشود ویکی دو ماهه بعد یعنی تاآخر میزان که بنده آنجا متصدی بودم خیلی کم وصول میشد آقایانیکه از امور مالیه مسبوق هستند میدانند که در یکماه یـا یکماه ونیم هشتصد نهصد

خروار جنس وصول کردن هم چون کار سهلی نبوده در اول عقرب بنده نبودم دیگری که بجای من بوده محققاً باز وصول کرده ومسلماً بیش ازاینمقداروصول شده‌وقتیکه‌نسبت‌بسال‌جلوتر مقایسه کنیم می‌بینیم‌بیشتر از سنوات قبل هم عاید شده اما اینکه میفرمایند کمیسیونی در زمان آقا سید ضیاء الدین بنا بود تشکیل شود و نشد یعنی چه آقا سید ضیاء مـرا میگرفت ودرنظمیه حبس میکرد. کمیسیون‌میخواست تشکیل بشود نشد ؟ آیا بنده هم چون نفوذ واحاطه داشتم که آنجا بروم وکمیسیون را بتأخیر بیاندازم؟ بعلاوه بنده یك ادعائی میکنم که هیچ کس نمیتواند بکند در این دوازده سال در همه‌جا مفتش فرستادند وشاید نباشد یك نفر رئیس مالیه که مفتش بیاید واز او خوب بگوید در موقعیکه مستشار های انگلیسی آمده بودند یکنفر آمد که اسمش مستر هارت بود بایك قهر وغضب فوق‌العاده وارد مالیه اصفهان شد و فوراً باکمال عجله تمام دفاتر ونوشجات بنده را داد مهر کردند وتمام دوسیه ها را توقیف کـرد و خودش هم همه روزه از یکساعت از آفتاب گذشته تا یکساعت بعد از ظهر (چون ایام تابستان بود) باداره مالیه آمده و رسیدگی بدفاتر میکرد و تـا دوازده روز ابداً نزدیك اطاق من هم نمیآمدودست هم بمن نمیداد (از خودش یا باشخاصیکه درطهران گفتند وحاضرند تحقیق نمائید) بعد از دوازده روز آمد درب اطاق بالا و اظهار خوشحالی میکرد گفت من دزدی تو را سه قران پیدا کردم که ازپول نواقل فلان ماه نداده ویك تصدیق مفصلی برای من نوشته است که من در ایران تصور نمیکردم که یك جوان ایرانی بتواند اینطور اداره کند والان‌تصدیق او حاضر است واما اینکه میفرمائید کمیسیون هائی منعقد کرده اند وبنده حاضر نشدم خیلی بیشتراسباب حیرت بنده شده فقط یك کمیسیون تشکیل شد و یکدفعه بمن اطلاع دادند و همینطور که فرمودنـد نوشتم خیلی جای افسوس است یك نفر ممیزی که آنطور دزدی واضح کرده وتمام اهالی اصفهان از علماء وغیره تصدیق دارند دوسیه اورا باصرارفشار واداشته ام آورده اند اینجا ابـداً مراجعه نشده و تحقیق نکردند که به بینند بنده راست میگویم یـا دروغ میگویم ؛ اما اینکه میفرمائید بنده هشت قریه را بدون حکم ممیزی کرده ام یا درمسئله چهارقریه فقط حکم آمده ابداً این مسئله وجود خارجی‌ندارد که از وزارت مالیه حکم شده باشد چهار قریه را رسیدگی نکنید و بباقی دیگر حکم تخفیف داده باشم این چیزی است معمول همه سال در آنسال‌هم حکم آمد که نفرستید ممیزی کنند آنجائیکه صد هشتاد است صد هشتاد بگیرید جائیکه نصف است نصف بگیرید وبعلاوه یك مسئله دیـگری هم هست آیا در این مدت چهارده سال مشروطیت تنها مـن یکنفر پیشکار مالیه بوده ام که ابواب جمعی داشته‌ام یا بازهم بوده‌اند بنده عرض میکنم راجع بمن‌یکنفر قرار بگذارید زودتر از همه رسیدگی شود فـردا یا همین امروز قرار بگذارید که کمیسیونی ازاشخاص مطلع تشکیل بشود ورسیدگی کنند اگر کمیسیون بنده را محکوم کرد بقدری که جنابعالی نسبت دادید دراصفهان تخفیف داده‌ام اینقدر دارائی دارم که‌بدهم اگر محکوم شدم از مال خودم خواهم داد تا کسی حرفی نداشته باشد .

رئیس- آقای محمد هاشم میرزا مخالفید؟

محمد هاشم میرزا- بنده راجع بتصویبنامه عرض داشتم .

رئیس- آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید؟

حاج شیخ اسدالله- خیر بنده موافقم.

رئیس — آقای تدین اجازه (نطق) .

تدین — بنده تصور میکنم آقای عمادالسلطنه التفات‌بعرایض بنده نفرمودند وسوءتفهمی برای‌ایشان حاصل شده بنده فقط همان سوء تفهم‌را میخواهم رد کنم عرض دیگـری ندارم . اولا فرمودند نسبت بتصریب‌نامه بنده دریك‌قسمت‌آن اشتباه کرده ام که گفته‌ام صدبیست صحیح است بنده عرض کردم یك قسمت را صدبیست یاصدسی تخفیف دادند و ایشان میفرمایند بعضی نصف وبعضی صدهشتاد گرفته‌شود فرقی نمی کند صد هشتاد گرفته شود یا صد بیست تخفیف داده‌شود. تصور میکنم هردو یکمیزان باشد بهرحال عجالتاً دراین‌باب حرفی ندارم ولی چیزیکه لازم است راجع بتصویب‌نامه تذکر بدهم و فراموش کرده‌ام عبارت‌از اینست که مینویسد (تسعیربکننده. درصورتیکه آن تسعیر متناسب باشد باآن ممیزیکه درفرمان نوشته شده) فرمودند که بنده صورت جزء جمع‌را که اظهار کردم معلوم نیست ازروی چه‌صورت بوده وفرمودند جنس مالیاتی اصفهان خیلی زیادتراز اینست بنده جزء جمع جنس مالیاتی اصفهان‌راعرض نکـردم که میفرمایند خیلی زیاد تر بوده جزء جمع خالصجات‌انتقالی‌راعرض کردم . گفتم جزءجمع‌اینقدر بوده واحکامی که ایشان داده‌اند اینقدربوده اعم از اینکه ایشان وصول کرده باشند بنده مدعی العموم مالیه نیستم ونمیخواهم که این‌جا این‌قضیه را محاکمه بکنم یك‌جریانات ویك اسنادی هست‌که بنده دیده‌ام ودارم ونمیخواهم وارد دراین جریانات شده و قسمت های دیگر راهم تعقیب کنم ولی یك‌نکته را بایشان تذکر میدهم وتصورمیکنم ایشان اشتباه کرده‌اند و شاید خودشان‌هم معتقدباین‌اشتباه باشند وآن‌این‌است که فرمودند (آن‌شخص‌انگلیسی‌آمد ورضایت‌نامه‌ای بمن‌داد وگفت فقط سه‌قران دزدی‌تورا پیدا کردند) البته سهو فرموده‌اند والا اگر از روی حقیقت باشد سه‌قران‌با صدهزارتومان هیچ‌فرقی ندارد .

عمادالسلطنه — اولا اینکه آقای تدین‌یك چیزی راجع به‌تسعیر فرمودند هیچ‌مسئله تسعیر نیست وهم‌چنین گفتندجزء جمع‌راجع بجنس‌خالصجات‌انتقالی را فرمودند عرض میکنم دراصفهان جنس بدهی غیر ازخالصه انتقالی نیست دراصفهان هرچه‌هست‌خالصات انتقالی است و دیگر راجع باحکام فرمودند مقصود احکامی است که در آن زمان داده شده البته کسی که بعدازنده باصفهان رفته باز احکامی صادر کرده ومالیاتی وصول نموده است .

رئیس— آقای‌حاج‌آقا (اجازه نطق) .

حاج آقا — بنده با این مذاکرات اساساً مخالفم بنده اصولا رسیدگی باعمال نمایندگان‌دولت راکه طرف سوء ظن واقع میشوند (چه در مجلس شورایملی عضو باشند یا نباشند) یکی از مسائل فوق‌العاده لازم میشمارم ولی‌این‌مطلب‌را هیچ‌مربوط بترتیبات اعتبار نامه نمیدانم (چه اعتبارنامه تصویب بشود یا نشود وچه جریان انتخاب صحیح باشد یـا نباشد) نمایندگانی که طرف سوءظن یك‌نفرنماینده دیگر یا یك‌وزارتخانه ویاهریك ازافراد ملت واقع میشوند میتوانند ادلهٔ‌مثبتی‌راکه راجع بادعای خود دارند باداره‌مربوطه‌بفرستند بنده‌هم تمام‌این‌مذاکرات را درموضوع اعتبارنامه زائد میدانم و چنانچه رفیق محترم من آقای‌تدین فرمودند درنظر باتیکه دارند هنوز تردید دارند و برای خودشان هم قضیه هنوز ثابت نشده و البته از نقطه‌نظر رأی‌دادن هم گمـان میکنم اشکالی برای‌ایشان موجود نباشد بجهة‌اینکه اگر یك‌مطلبی برای یك‌نماینده ثابت نشده باشددر هنگام رأی دادن گرفتار فشار وجدانی نخواهد شد ولی راجع بمحاکمه خود بنده فیمابعد جداً این‌مسئله را تعقیب خواهم کرد خود آقای عمادالسلطنه هم که فرمودند برای‌رسیدگی حاضرند والبته استنکاف از محاکمه ندارند .

رئیس— آقای سردار معظم خراسانی می‌خواهند توضیحی بدهند .

سردارمعظم— خیر بنده فعلا عرضی‌ندارم .

رئیس— آقای محمدهاشم میرزا (اجازه) .

محمدهاشم‌میرزا— بنده راجع‌بتصویب‌نامه عرض دارم .

رئیس — تصویب‌نامه موضوع بحث نیست ؛ آقای حاج‌شیخ‌اسدالله اجازه (نطق) .

آقای حاج‌شیخ‌اسدالله — نظریه بنده‌همان است که آقای حاج آقا فرمودند تصـور میکنم این مسئله هیچ مربوط بجـریان انتخابات یا صحت و سقم آن نباشد ایـن مسئلـه محاسبه ایست البتـه وزارت مالیه بایستی باعمال‌هریك ازمأمورین خودش رسیدگی نماید خود آقای عمادالسلطنه تقاضا دارند که‌رسیدگی بمحاسبه ایشان بشود تا درصورتی که‌یك تخفیف بیموردی داده باشند از مالیه خود جبران خسارت رابنمایند وبنده‌تصور میکنم مذاکرات کافی بوده وبایدرأی گرفته‌شود

رئیسآقایان‌مذاکرات‌را کافی میدانند ؟

تدین — بنده عرضی‌دارم‌ومیخواهم از بیاناتی که‌آقایان فرمودند دفاع نمایم .

رئیس — بفرمائید .

تدین — بنده درعین‌اینکه نمی خواستم وارد درجریان انتخابات شوم بطور خلاصه‌عقایدو اطلاعات خودرا بدون‌اینکه ازنزاکت‌خارج شوم اظهارداشتم ولی بتدریج می‌بینم کمذاکرات رفقا بنده را وادار بگفتن یك‌سلسله مذاکراتی مینماید ولی معذلك‌بنده

خودبرای حفظ حیثیات مجلس شورای ملی عصبانی نشده واز پارهٔمسائل خود داری می کنم ولی اینکه میفرمائید این‌مسئله مربوط بانتخابات‌نیست بنده‌عرض میکنم مربوط است ولی‌بنده نمیخواهم داخل دواین مذاکرات‌هم شوم می‌فرمایند اثبات مسئله‌بر خودش معلوم نیست مسئله اگربر بنده معلوم‌نمیشد این‌عرض رانمیکردم بنده‌هم‌معتقدم که امور ازمجرای خودش بایستی جریان‌پیدانمایدومجرای این‌امورمحکمه‌صالحه باید باشد که‌بعداز تحقیق رأی خودرا بدهد و الا بنده تا اسنادمعتبره دردست‌نداشته باشم‌و کاملا معتقد به‌صحت آن‌نباشم مذاکره‌را صحیح نمیدانم وتاکنون برخلاف این‌عقیده رفتار نکرده ام‌بااین حال‌وبعداز این مذاکرات این مطلب را برأی مجلس وا گذار می نمایم.

رئیس — آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟ (گفته شد کافیست) رأی میگیریم که مذاکرت کافی است یا خیر. آقایانی که عقیدشان بر اینست که مذاکرات کافی‌است قیام فرمایند (اکثرنمایندگان قیام نمودند). مذاکرات کافی شد

رئیس — رأی‌میگیریم به‌رایرت‌شعبه آقایانیکه نمایندگی آقای عماد السلطنه را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام‌نمودند)

رئیس-تصویب شد .راجع به اعتبارنامه‌آقای معتمدالسلطنه که‌درجلسه قبل‌راپورت آن‌قرائت شد مخالفی نیست (اظهاری نشد)

رئیس- پس‌معلوم شدمخالفینی که‌درجلسه‌قبل نسبت بنمایندگی آقای معتمد السلطنه مخالفت نموده بودند درمجلس‌تشریف‌ندارند .

آقاشیخ‌جواد - بنده مخالفم.

رئیس بفرمائید.

آقا شیخ محمدجواد - راجع بجریان انتخابات : درموضوع آقای‌معتمد السلطنه‌هیچ‌اظهاری نخواهم کرد برای اینکه میدانم تمام نکات قانونی در نوشتن‌صورت مجلس مراعات شده ولی اظهارات من‌محدود خواهد بود بحدود و شرایطی که نمایندگان بموجب قانون بایستی دارای آن باشند بعقیده بنده توجه به‌آن شرایط الزم از توجه بجریان انتخابات است اگردر بعضی از نقاط چهار روز بعد از اعلام بواسطه کوچکی محل تعرفه داده شده باشد قابل اغماض‌است ولی اگر یکنفر ازنمایندگان فاقدیکی ازشرائط مقید درقانون‌باشد بعقیده بنده قابل‌اغماض نیست لذا توجه آقایان‌را باین‌نکته جلب میکنم که آقای معتمد السلطنه فاقد بعضی از شرایط قانونی میباشند یکی از آن‌شرایط معروفیت محلی است . درتمام‌خاک‌درجزو کلیه نقاط مختلفه آن کیک حوزه انتخابیه راتشکیل‌میدهند و آقای‌معتمد السلطنه ازآن نقاط دارای (۱۱۳۸۷)رأی هستند — هشتادوهفت نفر ایشان‌رانمی‌شناسند و بعقیده‌بنده بااین‌عدم‌معروفیت فهمیدن این نکته که جریان انتخابات آنجا برروی‌چه اصلی بوده برای آقایان‌چندان‌اشکالی ندارد ونخواهد داشت‌شرط‌دوم که‌بعقیده بنده‌مهمتر ازشرط اولی است ماده‌ششم‌نظامنامه انتخابات‌است که‌مینویسد بایدنماینده معروف بامانت ودرستکاری باشددراین موضوع عرایض‌بنده فقط‌مبنی بر مسموعاتی است که ازروزورود بطهران (بدون‌اینکه‌سابقه به‌اعمال‌زندگانی ایشان داشته باشم)هر کسی‌را که‌ملاقات کرده ام‌این مطلب‌را تصدیق نموده‌چون‌اطلاعات آقایان‌رادراینموضوع بمراتب بیشتر از خودم میدانم وقت مجلس را بیش این تضییع نکرده همینقدر عرض میکنم که بنده از هیچ نقطه نظری نمایندگی آقای معتمد السلطنه را بافاقد بودن دوشرط مهم از قانون انتخابات تصویب نمی کنم .

رئیس — مخبر شعبه گویا تشریف ندارد (در این موقع آقای تدین مخبرشعبه وارد شده و اظهارنمودند بنده‌نبودم ونمیدانم‌چه‌اعتراضی فرموده‌اند تامدافعه نمایم) .

آقا شیخ محمد جواد - راجع بمعروفیت محلی بوده .

تدین- راجع‌بمعروفیت محلی آقای‌معتمدالسلطنه نظایر خیلی دارند بنده مجبور هستم دفاع نمایم در صورتیکه نمایندگی اشخاص دیگری که تقریباً نظیر ایشان بوده اند تصویب شده ازاین نقطه نظر بنده تصورنمیکنم عدم معروفیت محلی بتواند انتخاب‌ایشان را طرف حمله قراردهد اگر اجازه میفرمائید نظائر آنرا عرض نمایم والا ساکت باشم .

رئیس - بفرمائید .

تدین - ازخراسان غیر ازآقای معتمد السلطنه آقای فهیم‌الملک هم منتخب شده‌اند چنانچه جریان انتخابات کاملا یکی است وتمام دوسیه‌های انتخابات وکلای خراسان‌تقریباً درتحت یکدستوروریك فورمول ویك شرط نوشته شده وهمه هم جامع است از نقطه نظرجریان انتخابات وازروی صورت مجلس‌انتخابات هیچ اشکال واعتراضی وارد نیست . و اما راجع بمعروفیت محلی‌بنده عرض میکنم همان‌درجه معروفیتی که آقای فهیم‌الملک در قوچان داشته اند به همان درجه آقای‌معتمد السلطنه‌هم‌در درجز و اطراف آن معروفیت داشته اند معروفیت را بهر معنی که تعبیر فرمایند بهر درجه که شامل حال آقای فهیم الملک بوده شامل حال ایشان هم هست خلاصه اینست که هردو درعرض هم واقعند واگر محتاج به اظهار ادله هم بشود عرض خواهم کرد پس بنابراین چون شعبه عدم معروفیت محلی ایشان را معتقد نبوده باین جهة نمایندگی ایشان را تصویب کرد .

رئیس — آقای آقا سید یعقوب مخالف هستید یاموافق .

آقاسید یعقوب — بنده مخالف با آقای تدین هستم آنروز عرض کردم مواردیرا که می‌شود در آن مخالفت کرد دو قسم است یك قسمت راجع بجریان انتخابات وقسمت‌دیگرراجع بصلاحیت شخص منتخب است گمان میکنم مواد قانون راجع بهریك ازاین دومورد درعرض همدیگرباشند ودر هریك از مواد قانون که تخلف شود میشود نسبت بشخص منتخب مخالفت کرد آقای تدین میفرمایند چون آقای فهیم الملک هم معروفیت محلی نداشته اند پس باید انتخاب آقای معتمد السلطنه هم صحیح باشد هیچ ربطی ندارد ضمم مهملی به‌مهمل دیگر افاده‌مستعمل نمیدهد ایشان معروفیت محلی نداشتند لکن دارای کمالات دیگر بودند وبهمین نقطه نظرتصویب‌شده‌اند اماآن منتخب دیگر (که آقای معتمدالسلطنه باشند) درای آن کمالات نیستند بنده ازنزاکت خارج‌نمی‌شوم لیکن میخواهم عرض کنم که این ماده را خیلی باید ملاحظه نمائید تا ایالات وولایات بدانند که باید ازبین خودشان نماینده انتخاب کنند تمام نباید فقط بمرکزیها متوجه باشند اگر نماینده و وکیل ایالات ولایات مرکزی وزیرشان مرکزی و حاکمشان مرکزی باشد پس این چه‌قانون مشروطیت است‌این مسئله باید ضمناً طرف توجه آقایان نمایندگان‌بشود اگر چه قانون انتخابات سابق این حق را نمیدهد ولی بنده می خواهم پیشنهاد کنم که نماینده هر ولایتی بایستی اهل همان ولایت باشد همین‌معروفیت محلی یك ماده ایست که باید خیلی طرف توجه نمایندگان واقع شود ونمایندگی آقای فهیم الملك را نمیشود قیاس با آقای معتمدالسلطنه کرد برای اینکه رأی داده شده و گذشته است .

رئیس - خیلی ممنون هستم که آقای آقاسید یعقوب رعایت نزاکت را فرمودند .

آقا سید یعقوب - از نزاکت هم خارج نمی‌شدم .

تدین - آقای آقاسید یعقوب اظهارداشتند با بنده مخالفند ولی نتیجه مذاکراتشان دو قسمت شد یك‌قسمتی راجع ببنده بود و آن موضوع معروفیت محلی‌بود قسمت ثانی راجع بصلاحیت یاعدم‌صلاحیت باشد درآن زمینه نه‌بنده وارد شدم ونه‌گمان میکنم سابقاً در این‌زمینه گفتگوئی شده باشد (چون بنده نبودم) درآن قسمت اول‌عرض میکنم معروفیت‌محلی آقای فهیم الملك ازچه‌نقطه نظر است اگرفقط از راه خزانه‌داری ایشان است (ودر آن نقاط ایشان را باین اسم میشناخته‌اند) ونظر بهمین ملاحظه درآن محل معروفیت محلی پیدا کرده‌اند مقام ایشان را با مقام آقای معتمدالسلطنه مقایسه مینمائیم مزایای‌معتمد السلطنه در معروفیت محلی نسبت بفهیم‌الملك بیشتر است برای‌آنکه اولاایشان معاون وزارت مالیه‌بودند والبته معروفیت معاون وزارت مالیه ازیك خزانه دار بیشتر است ثانیاًبواسطه انتساب‌ایشان بریاست‌وزراء وقت که آقای وثوق الدوله بوده‌اند بایالت وقت که آقای قوام السلطنه بوده‌اند یك ممیزاتی‌برای شخص ایشان موجودبوده که‌برای معروفیت ایشان کافی‌است واگر این اندازه معروفیت کافی نبود ومحل توجه نبود البته هروقت مجلس یك رأی داده باشد وبعد متذکر شود که‌آن رأی موافق قانون بوده میتواند رأی خود را تغییر دهد پس بنابراین مقایسه بکنیم چنانچه معروفیت محلی معتمدالسلطنه زیادتر ازآقای فهیم‌الملك نباشدلااقل متساوی هستند وآن‌وقت‌یکی قبول ودیگری رد شود البته صحیح نیست اما اگر بجهت وادله دیگری‌است بنده نمیدانم هروقت‌شنیدم جواب عرض‌خواهم کرد .

رئیس — آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)

سردار معظم - بنده هر چه مذاکرات در مجلس زیادتر جریان پیدا میکند بر تأثرم افزوده میشود بجهت اینکه‌چون آقای مخبرشعبه در موقع حمله مخالف‌درمجلس تشریف نداشتندو بدون‌سابقه وارد میشوند برای‌آنکه یك دلیل‌آنی پیدا کنند.تمام انتخابات خراسان و وکلای آنجا را زیرپا گذارده ولگدمال کردند اگرچه من امیدواری کامل دارم و معتقدم که بعداز ختم این کشمکش های کوچك (که هیچیك ازدردهای بی‌درمان این مملکت‌را دوانخواهد کرد) مجلس شورای ملی حکم خواهد کردصورت مذاکرات را جمع نموده وآن مذاکراتی که ضد و ونقیض است وحدت و شدت دارد پاره کرده دور بریزند ومذاکراتی که ممکن است بعدها شاهد یك وقایعی بشوند وبادلائلی باشند که فقط و فقط برای مواقع خاص سندیت‌دارد ترتیب داده وبقیه‌مذاکراتی راکه باید فراموش شود ازصورت مجلس‌حذف کنند دراصل مطلب‌بنده کاری‌ندارم که آقای معتمدالسلطنه خوب باید یا درتحت تأثیر چه‌عواملی انتخاب شده‌و وبا آقای فهیم‌الملك همدوش هستند یا نیستند فقط چیزیکه میتوانم بگویم این است که آقای مخبر از عمارت قشنك بهارستان خارج میشدند ودرآن صحرا های گرم درجز وقوچان میرفتند این فرمایشات را نمی‌فرمودند پس بایستی ازاین فضاخارج شد ویك قدری اطلاعات محلی تحصیل نمودبعد داخل‌مذاکره شد برفرض اینکه آقای فهیم الملك معروفیت محلی نداشته باشند بعد ازآنکه مجلس شورای ملی‌درباب انتخاب ایشان رأی‌داددیگر برای احترام رأی‌مجلس نمیتوانیم آنرا باطل کنیم و لازمه یك خلاف قانون ارتکاب و تکرار خلاف قانون دیگر نمیتواند باشد این مطلب هیچ منطقی نیست اما راجع بانتخابات خراسان که ایشان مقایسه فرمودند عرض‌می کنم‌هیچ اعتباری بعلم ایشان درباب انتخابات خراسان نیست فرمودند انتخابات خراسان تمام‌تقریباً درروی‌یك‌اساس است آقای تدین هیچ ملاحظه نفرموده‌اند که‌انتخابات خراسان درهرسه‌چهار دوره یك‌سیره داشته که‌برحسب ادوار مختلفه تغییرمی کرده است ولی معناً ثابت‌بوده وبعدهم ثابت خواهد ماند ویکی از منتخبین آنجامن هستم که در دوره سوم وچهارم بوده (و تا وقتیکه افتخار داشته باشم که خراسانی هستم) همچنین در دوره پنجم وششم ودهم هم خواهم‌بود وهمچنین یك عده از رفقای خراسانی من‌هم هستند که درتحت‌هیچ تأثیری ونفوذی انتخاب نشده‌اند فقط بواسطه اینکه خراسانی بوده ومحل اعتماد اهالی ولایت خودشان بوده‌اند انتخاب‌شده‌اند واین‌حرف‌ها باساس‌انتخابات ما تزلزل وارد نخواهد نمود ودرزمینه انتخابات هم وکلای خراسان به آقای معتمد السلطنه همدوش نخواهند شد .

قدین — تصور می کنم اگرمراجعه فرمائید عرایضی که عرض نموده‌ام اینجا ثبت باشد (اشاره بهیئت تندنویسان) درست گوش داده نمی شود بعد عصبانی می‌شوید بنده‌نگفتم انتخابات خراسان‌درتحت یك دستور وفرمول‌بوده است بنده عرض کردم دوسیه انتخاباتش درتحت یك فرمول ویك دستور از نقطه نظیرتنظیم نوشته‌شده علی‌ای‌حال انتخابات خراسان خیلی خوب بوده‌کاری ندارم البته خوب بوده بنده عرض می کنم که‌صورت‌مجلس خیلی خوب‌وانتخاباتش خیلی منظم و موضوع آقای معتمد السلطنه شاید نظر دیگرهم‌داشته باشد واینکه میفرمائید یك‌اصل غلط مجوز یك غلط دیگر نمی‌شود بنده اوراتصدیق می کنم امااگر بدلیل عدم‌معروفیت متمسك میشوید این دلیل‌نمیشود اگردلیل‌دیگردارید بگوئید .

رئیس — دوسه فقره پیشنهاد هم‌شده اگر مذاکرات را آقایان کافی میدانندخوانده شود

سردارمعظم — توضیحی‌دارم وآن عبارت که آقای تدین فرمودند بنده بدقت‌گوش می دادم اینطورفرمودند صورت‌مجلس ودوسیه‌انتخابات‌خراسان درتحت یك ...

تدین - نگفته‌ام شاهددارم .

رئیس — گمان می کنم‌وقتی میگویندمن‌این طورنگفته‌ام باید قانع شد .

سردار معظم — ثانیاً که فرمودند منهم قانع شدم .

رئیس - مذاکرات راآقایان کافی میدانند - آقای مدرس وآقای‌منتصرالملك‌پیشنهاد کرده‌اند که راپورت برگردد بشعبه تا تحقیقات محلی شود .

مدرس - دراین مسئله توضیح میدهم . با کمال‌تأسف باید اقرار کرد که عظمت مجلس‌شورای ملی را باید زیاده برآن بدانیم که بعضی مذاکرات بشود انشاالله باید بعد ها مطالب را در خارج تصفیه بکنیم که درمجلس شورای ملی یا رأی اثبات یارأی نفی گرفته شود لهذا بنده این پیشنهاد را نمودم آقایانی که‌مخالف بودندوعبارت‌درفرمایشات‌خودشان فرمودند که بنده‌بهیچ وجه‌صلاح‌نمیدانم این‌مذاکرات در مجلس شورایملی بشود لهذا اگرمخبر خودشان راپورت رامسترد میدارندقبها والابموجب پیشنهادی که کرده ام بشعبه برگردد تا تحقیقاتی که لازم است یادرشعبه یا دریك کمیسیون بشود‌بلحاظ اینکه بعضی مذاکرات را بهیچوجه مناسب‌نمیدانم درمجلس‌بشود دیگری عرضی ندارم .

رئیس -آقای‌آقاشیخ محمدجواد راجع باین پیشنهاد مخالفند ؟

آقا شیخ محمد جواد - راجع به آن فرمایشات آقای تدین اظهاری ندارم فقط راجع به پیشنهادی است که‌آقای‌مدرس‌فرمودند که این‌راپورت برگردد بشعبه وشعبه تحقیقات کند بنده کاملا مخالفم بنده یکنفرخراسانی ونماینده حقیقی خراسان هستم وفریاد میکنم که این نماینده را بعلقوم خراسانی‌فرو کرده اند از کسی تحقیق بکنیم بنده عرض میکنم آقای مخبردر راپورت مینویسد که شکایاتی نرسیده در صورتیکه تلگرافات شکایات را خودم در دست آقای مخبردیدم که‌تمام امضاء کنندگان‌آن رامیشناسم که ازاهالی‌لطف‌آبادمحمدآباد که مرکزحوزه‌انتخابیه درجزاست هستند بااین نوشته‌چه تحقیقاتی کنیم‌شکی دراین نیست که‌آقای معتمدالسلطنه را اهالی زورآباد که انتها نقطه انتخابیه ایشان واقع شده اند ایشان را هم نمی‌شناسندبلکه قوام السلطنه که سه سال‌است ایالت خراسان را دارند ایشان را هم نمیشناسند برادربودن‌باآقای قوام‌السلطنه معروفیت برای ایشان نمیشود کلیه نظایرهم جواب بنده نمیشود بنده اگر یکدفعه نمازنخواندم‌بایدبعدبگویم که‌مجبورهستم‌بازهم نمازنخوانم‌زیرا که‌یك‌مرتبه نمازنخوانده‌ام آقای‌تدین متمسك میشوندباینکه‌چون‌فلان کس که‌معروفیت‌نداشته باو رأی داده‌ایم باید به ایشان هم رأی بدهیم بنده بایشان عرض میکنم که شما یك نفر نماینده حافظ قانون ومقنن هستید با توجه داشتن باینکه‌فلان کس معروفیت محلی نداشته چرا آن روز بنمایندگی او رأی دادید و مخالفت نکردید این عقیده امروز برای جنابعالی آمد یا آن روز هم این عقیده را داشتید بنده کاملا بااین‌پیشنهاد مخالف‌هستم‌ومیگویم نتیجه تلگراف کردن بحکام محلی جز توسری‌زدن بمردم و تصدیق گرفتن چیز دیگر نیست . و بنام یکنفر خراسانی میگویم بنده معتمدالسلطنه را نماینده خراسان نمیدانم و فریاد میزنیم که ایشان را بعلقوم خراسانی فرو کرده‌اند .

تدین - اجازه‌میفرمائید نسبتی‌هم ایشان ببنده دادند جواب بگویم .

رئیس - بفرمائید .

تدین - آقا شیخ محمد جواد فرمودند دوفقره تلگراف رسیده پهلوی بنده بوده اینطورمیخواهند بفهمانند که بنده آن تلگراف را یا مخفی کرده‌ام یا نسیاً نسیاً قرار داده‌ام اینطور نیست دو تلگراف رسیده یکی از لطف آباد یکی از درجز هر دو تلگراف بنظر آقای‌رئیس‌رسیده که اولی تقریباًچهاریا پنج امضاء داشت بتاریخ سوم اسد دویمی امضایش زیادتر است تاریخ گویا پنجم اسد است موافق‌آن قانونی که بنده و شما هر دو میگوئیم باید طرفدار آن باشیم قانون انتخابات میگوید که در ظرف ماه اول باید رسیدگی کرد بعد از تمام شدن یك ماه نه شعبه نه جای دیگر حق ندارد رسیدگی کند فقط خود مجلس شورای ملی حق دارد رأی دیگری بدهد باین جهة بشعبه آمد و ترتیب اثری بآنها داده نشد دیگر اینکه فرمودند عرض کردم که فلان را قبول کردید باید فلان را هم قبول کنید بنده کی این حرف را زدم و اظهار عقیده کردم تعجب میکنم چه شد که امروز بنده مبتلا شده‌ام لاینقطع توضیح بدهم و بعضی از آقایان‌مبتلاشده‌اند که هیچ نشنوند بنده عرض کردم هر دو مثل هم است اگر آن صحیح است دیگری هم صحیح است من که عقیده قاطعی نسبت بکسی ندارم‌عرض‌میکنم اگر ادله دیگری دارید چون من نبوده‌ام مطلع نشده‌ام بفرمائید شاید منهم بایستی‌موافق شوم.

نصرت‌الدوله - بنده میخواهم تأیید بکنم پیشنهاد آقای مدرس را و در مقابل یك قسمت از

فرمایشات که آقای آقا شیخ جواد معترض محترم فرمودند تذکراً عرض کنم ارجاع بشعبه وتحقیقات محلی منحصر تلگراف و ارجاع بحکام یا بوسیله مأمورین رسمی نیست که آنها باز طرف سوء ظن جنابعالی بشود ممکن است یك اشخاص امین موثق مطلع از طرف خود مجلس شورای ملی انتخاب‌شوند که یا در محل بروند و تحقیقات لازمه را بنمایند و یا در همین جا از اشخاص خبیر و بصیر از امثال وکلای خراسان و غیره تحقیق کنند باین ملاحظه بنده میتوانم پیشنهادی را که آقای‌مدرس فرموده‌اند اگر آقایان رأی دهند مقصود آقا شیخ آقا محمد جواد حاصل خواهد شد مقصود این است که ما بدون رسیدگی و بدون مسلم بودن اینکه آقای معتمدالسلطنه منتخب حقیقی درجز هستند یا نیستند رای نداده باشیم ارجاع‌بشعبه برای همین است قبل از آنکه توضیح مختصر خودم را خاتمه دهم خاطر آقایان وکلای خراسان را ببك نکته‌مختصر دیگری تذکر میدهم که آیا تصور میفرمائید امروز ممکن است تحقیقات محلی بر نفع آقای‌معتمدالسلطنه‌بشود.

رئیس - تصور میکنم راجع باین پیشنهاد توضیحات کافی شده باشد .

سردارمعظم - بنده یك‌سؤالاتی دارم .

رئیس - راجع بچه .

سردارمعظم - راجع باین پیشنهاد .

رئیس - بفرمائید .

سردارمعظم - البته اگر آقای مدرس این طور پیشنهاد بفرمایند بنده با پیشنهادایشان موافقت خواهم کرد که اگر شعبه اختیارات خودش را برای تحقیقات محلی کافی ندانست همینطور کهراجع به‌آقای دست غیب گفته شدو یك کمیسیون خاصی رجوع شود .

مدرس - عبارت پیشنهاد بنده هم بر این دلالت دارد بفرمائید قرائت شود .

نصرةالدوله - پیشنهادرا بمضمون ذیل‌خواندند

پیشنهاد میکنم که معتمدالسلطنه بر گردد بشعبه که بالاخره تحقیق محلی بشود .

(کلمه راپورت راقبل‌ازاسم آقای‌معتمدالسلطنه از قلم انداخته ونوشته‌بودند)

مدرس - مقصودم این بود که اگر مقتضی بدانند منتهی بکمیسیون هم بشود حالا اگر عبارت کافی نیست باید تکمیل شود .

نصرةالدوله — اجازه می فرمائید بنده تکمیل کنم .

مدرس - بله مطلب‌همین است .

(آقای نصرةالدوله پیشنهاد رااصلاح وبمضمون ذیل قرائت نمودند)

پیشنهاد میکنم که رایورت راجع به آقای معتمدالسلطنه بر گردد بشعبه که تحقیقات محلی‌بشود و چنانچه شعبه خود را صالح برای تحقیق ندانند بر گردد بمجلس تا کمیسیون خاصی معین شود (مدرس)

رئیس - مثل پیشنهادی که راجع بآقای دست غیب بناشد برود بشعبه اگر شعبه بعد از تحقیقات کافی ندانست رأی بدهد دو باره‌برمیگردد به مجلس آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . در خصوص رایورت شعبه سوم راجع به آقای عبیدالممالك مخالفی‌هست.

حاج‌شیخ‌اسدالله - بنده مخالفم .بنده تصور میکنم این راپورت شعبه خود بهترین دلیل است‌بر بطلان انتخابات سمنان زیرا که در راپورت صریحاً نوشته شده که اعلان انتخابات در دامغان‌شد انجمن جزء در آنجا تشکیل و دو روز هم تعرفه داده شد در بین اینکه تعرفه ببدادند انجمن جزء که‌انجمن دامغان باشد از انجمن مرکزی تقاضا کرد که تعرفه که برای دامغان فرستاده شده است کافی‌نیست و کم است و همچنین‌بوزارت داخله تلگراف کرده که تعرفه که فرستاده اند کم است و از انجمن مرکزی تعرفه‌فرستاده‌نشده‌انجمن‌مرکزی آیاحق‌دارد درصورتیکه‌عده‌منتخبین‌زیادتر از آن‌مقدار تعرفه که‌بانجمن جزءفرستاده شدهو رأی‌دهندگان زیادتر باشندتعرفه نفرستده‌مطابق کدام ماده‌ازقانون‌انتخابات‌این‌حق برای انجمن مرکزی هست بنده همچو مادهٔ در قانون انتخابات نمی‌بینیم قانون بانجمن مرکزی حق میدهد که در مدت معینه اگر هر آینه انتخابات را خاتمه نداد ونتیجه‌اش را بانجمن مرکزی نفرستادند‌انجمن مرکزی انتخابات را خاتمه‌دهد ولی این حق بانجمن مرکزی داده نشده که تعرفه بانجمن جزء ندهد و یك‌جمعی از منتخبین را ازحق ملی خودشان محروم کند در این راپورت تصریح شده‌که تقاضای تعرفه کرده اند و تعرفه نفرستاده اند بوزارت داخله هم تلگراف کرده اند و بنده آنچه شنیده ام ازوزارت داخله هم بانجمن مرکزی دستورالعمل داده‌شده‌است که تعرفه بفرستند معدالك انجمن سمنان نفرستاد غیر از اینکه یك نظر خاصی در اینجا ملحوظ شده آیامیتوان برچیز دیگری حمل کرد آیا میتوان‌این انتخاب را جزو انتخابات محلی محسوب کرد بنده که چنین چیزی را تصور نمیکنم که انجمن مرکزی بتواند یك جمعی ازملت را ازحق رأی دادن محروم کند وانتخابات سمنان را خاتمه دهد ویکنفر نماینده از طرف سمنان و دامغان بمجلس معرفی کند خیلی بعید بنظر میآید یکی دیگرراجع بجندق وبیابانك است در اینجا میگویند اعلان انتخابات فرستادند اما بعد دیگر معلوم نیست‌چه شد نه انجمن تشکیل‌شده و نه انتخابات شده نه مدتی برای آنها معین شده و بکلی اهالـی آنجا را از حق رأی دادن محروم کرده اند مثل اینکه اهالـی آنجا جزو این ملت نبوده‌اندوحق‌رأی دادن‌نداشته‌اند وآنوقت‌مینویسند که وزارت‌داخله‌ازحکومت‌توضیح‌میخواهدحکومت‌آنزمان امیر حشمت تلگراف میکند که انتخابات در اینجا سابقه نداشته و در زمان گذشته هم انجمن نظار تشکیل نداده‌اند و اهالی‌را ازحق انتخابات محروم کرده اند به بینید بمجردی که در یکزمانی حق یك ملت و یك قومی را پایمال کرده اند و محرومشان نموده اند آیا میتوان این را دلیل بطلان حق آنها و گفت شما حق انتخاب ندارید بعد می‌نویسدیکنفر از طرف جندق بسمنان آمده ونوشته اعتباردردست داشت که این شخص که میآید بسمنان محل اطمینان ما است هرچه میگوید صحیح است این‌طرز انتخاب را بنده نمیدانم موافق کدام قانون است که بدون اعلان‌انتخابات بدون تعرفه‌بدون‌رأی اسم اورا انتخاب ملی گذارند آیا یك همچو اختیاراتی بانجمن نظار داده نشده که اظهارات اورا بپذیرند ملاحظه‌بفرمائید دیگر اینکه مینویسدیکنفر اعتبارنامه دردست‌داشت آمد بسمنان دیگر معلوم نیست او چه اظهار کرده آیا وکـالت عبیدالممالك را از طرف بیابانك و جندق تصدیق کرد یا نکرد آنرا هم ننوشته با این ترتیب بنده خود را محتاج‌بتوضیح و شرح‌وبسط زیاد نمی‌بینم همینقدر عرض‌می کنم که انتخابات‌سمنان این قسم بعمل آمده است یعنی فقط یك انجمن در سمنان دائر شده بدون اینکه اهالی دامغان وجندق‌و بیابانك در انتخابات شرکت کرده باشندولی‌آنوقت یك اعتبارنامه از محل مخصوص بمجلس شورایملی آمد زیاد تر ازاینهم لازم بتوضیح نیست

جلیل‌الممالك در نوشتن‌راپورت‌عقیده‌بنده‌این بود وقتی که شعبه انتخاب یکنفر نماینده را تصدیق نمیکند دیگر لازم بشرح و بسط نیست بهمین جهت بعضی از راپورتها را مختصر نوشتم و تصدیق‌شعبه را قید کردم ولی در خود مجلس آقایان‌نمایندگان ایراد کردند که باید قدری مفصل تر باشد این‌بود که مفصل نوشته شد ولی شرط به تفصیل نوشتن‌این است که تمام جملات راپورترا بخوانید نه اینکه یکی را برای اعتراض خودتان سند قرار بدهید و یکی را مسکوت عنه بگذاریدآیا آقای حاج شیخ‌اسدالله میفرمایند درقانون انتخابات هیچ مادهٔ‌نیست که‌بانجمن مرکزی حق بدهد تعرفه برای انجمن های جزو نفرستد صحیح است ولی قانون قید میکند که اگر انجمن های جزو در مدتی که انجمن نظارت‌مرکزی برای آنها معین‌کرد صورتمجلس انتخابات خودرا نفرستادند انجمن مرکزی بانتخابات خاتمه میدهد انجمن نظار مرکزی‌سمنان قبل از رمضان تشکیل شده است و انجمن نظار جزء را گفته است چون رمضان است بگذارند به دوم شوال و ازدوم شوال شروع بانتخابات بشودپس انجمن جزء کاملابجریان و ترتیب‌انتخابات مسبوق بوده است متاسفانه‌مخالف قرارداد ومقررات انجمن مرکزی رفتار کرده‌است انجمن‌مرکزی‌مطابق مراسله نمره داری که درصورت مجلس قید شده بانجمن دامغان دستور میدهد که‌از دوم شوال نشر اعلان نکند در دوازدهم شوال یعنی ده روز بعد ازنشراعلان‌شروع بتوزیع تعرفه‌مینمایند و تا نوزدهم شوال تعرفه توزیع بشود و در بیست‌و دوم اخذ آراء بکند و در بیست و هشتم استخراج آراء نمایند این را دستور داده و موافق ماده ۱۸ نظامنامه انتخابات انجمن جزو حق مخالفت نداشته است الان عین ماده را بعرض آقایان میرسانم

ماده‌هیجدهم- درهریك‌حوزه های انتخابیه که‌چندین نقطه‌آن در انتخابات‌شرکت‌دارندهر گاه بعضی‌ازآن

نقاط در مدتی که انجمن مرکزی در حدود همین قانون معین میکند انتخابات خود را بعمل میآورند حق انتخاب آنان ساقط میشود و انتخاب سایر نقاط آن‌حوزه‌معتبراست . انجمن نظارمرکزی‌شخصا دستور داده واز طرف حکومت هم بنایب الحکومه دامغان نوشته شده جریان انتخابات از دویم شوال تا بیست و هشتم خواهد بود یعنی دربیست ودویم شروع باخذ آراء خواهد شد در بیست و هشتم استخراج آراء خواهد شد انجمن دامغان‌بدون‌اطلاع انجمن‌مرکزی‌سمنان‌بموجب خواهش کمیته‌ومو کرات محلی دامغان تمدید مدت داده است و در هیچ جای این‌قانون ذکر نمیکند که انجمن جزء میتواندبدون اطلاع انجمن مرکزی تمدید مدت بدهدتمدید مدت داده است تا بیستم شوال و از بیستم شروع‌بانتخابات نموده و در بیست‌و دویم که موقع اخذ آراء بوده است تازه از انجمن سمنان تعرفه می خواهد انجمن سمنان هم متعذر میشود باینکه این با آنچه‌با شما نوشته ایم مخالف است خودم هم تمام این قانون را دیده‌ام اصلا تمدید مدت را در هیچیك از مواد قانون ذکر نکرده فقط چیزی که هست‌و بعضی‌از آقایان میگویند (و بنده اطلاع ندارم)درطهران سابقه داشته که انجمن نظار مرکزی تمدید مدت داده است ولی در نظامنامه انتخابات هیچ‌ذکر نشده که انجمن نظار می تواند تمدید مدت‌بدهدعلی‌ای‌حال بااینکه قبلا هم اطلاع داشته انجمن‌دامغان بخواهش دمکرات محلی تمدید مدت دادهو در موقعی که‌باید اخذ رأی بکند تازه تعرفه خواسته است و در روز بعد که‌روز بیست‌و سیم بوده است از وزارت داخله تعرفه خواسته و ازوزارت داخله هم بحکومت آنجا مینویسند که تعرفه بدهند ولی وزارت داخله‌مسبوق از جریان انتخابات دامغان بوده‌است که‌مخالف‌دستور انجمن مرکزی سمنان‌بوده است می‌نویسد تعرفه‌می‌خواهند برایشان بفرستید تعرفه خواستن‌موافق‌اصول نظامنامه است وزارت داخله هم گفته است بفرستید ولی نمیدانسته است که از موقع معینه گذشته است ودیگر موافق قانون حق خواستن تعرفه نداشته اند صحیح است آنها محروم شده اند ولی مخالف با قانون آنها را محروم کرده چنانچه ماده سی وهفت همین قانون‌میگوید ماده ۳۷ هر گاه بعضی‌از انجمن های نظارت جزء صورت مجلس انتخابات خود را در مدتی که انجمن‌مرکزی برای آنها معین کرده بانجمن مزبور نفرستادند انجمن مرکزی انتخابات آن حوزه را خاتمه داده نتیجه را معین میکنند ولی این امر مانع از حق شکایت رأی دهندگان آن نقاط نخواهد بود اینست انجمن نظار مرکزی حق دارد که انتخابات را تمام شده دانسته باشد و اتمام انتخابات آنجا را اعلان کند در این صورت قانوناً همانطور که شعبه‌بعرض آقایان رسانده است هیچ ایرادی بانجمن مرکزی سمنان داده نمی‌شود زیرا که سابقاً او اطلاع داده است که از نوزدهم‌تا بیست و دوم تعرفه بدهند واز بیست و دویم اخذ آراء نموده بر خلاف این انجمن جزء یك تمدید مدتی داده است و موافق قانون ومواد نظامنامه انتخابات انجمن مرکزی‌پذیرفته است . اما راجع به جندق وبیابانك نوشته شده است که‌امیر حشمت تلگراف میکند که‌اولا بواسطه اینکه اهالی جندق‌وبیابانك در دوره های سابق شرکتی نجسته اند در دوره تصدی من هم لاقیدی کرده‌اند بعلاوه نوشتجاتی ممهور بتوسط مامور دولت فرستاده و معتمد دیوان یغمائی را از طرف خودشان وکیل کرده‌اندوچون این مسئله مخالف باقانون بوده و نوشتجات آنها ضبط شده وعلاوه بر این اگر بصورت مجلس می فرمائید هزار ورقه تعرفه برای جندق فرستاده شده در صورتیکه آن هزار ورقه را مینگریستند و باسم دیگری رای میدادند بازنمایندگی آقای‌عبدالممالك خراب نمیشد بجهت اینکه ایشان قریب دوهزار رأی دارند و دیگران هزار رأی هم نداشته اند و این مسئله نمیتواند مبطل انتخاب ایشان بشود . علاوه بر این بعضی‌از آقایان بایستی منحصر باشند که‌در آن موقع رمضان باصری در آنجا بود و موقع مقتضی نبود و اجازه نمی‌داده که اهالـی در امر انتخابات شرکت کنندبعلاوه راجع‌بجندق وبیابانك‌خود آقا میفرمایند تلگراف حکومت است که بلی مأمور مسامحه کرده است یعنی اصلا انجمن جزء درآنجا تشکیل نشده وهیچ رأی هم گرفته نشده وتعرفه هم نداده‌اند چون‌درسابق اعلان انتخابات درجندق شده بوده وشرکت نکرده بودند لهذا نماینده‌ما مسامحه کرده ات‌از آنطرف‌دفاع‌میکند ومیفرمایند رمضان باصری درآنجا بوده است این دلیل نمیشود خودش تصدیق میکند که مأمورین مسامحه کرده‌اند نه‌اهالی یعنی‌مانعی‌برای انتخابات‌آنجا نبود ومأمورین دولت درآنجا مسامحه کرده‌اند وانتخابات‌راشروع‌نکرده‌اند نه بواسطه مانع شدن رمضان باصری بنده نمیخواهم تصدیق بکنم که اهالی جندق و دامغان را انجمن مرکزی سمنان از حق خودشان محروم بکند بنده عقیده‌ام اینست که باید انتخابات را تکمیل بکنند و از زری حق وحقیقت نماینده ملت از آنجا انتخاب شود والا بااین حال بنده نمیتوانم رأی‌بدهم وبااین راپوت مخالفم آقایان را چه عرض کنم

جلیل‌الممالك — راجع بماده ۳۷ قانون انتخابات تفسیر آن با مجلس است همانطور که‌آقای مخبر میفرمایند خیلـی گنك است حالا بنده در آن بحث‌نمیکنم‌ولی‌راجع بانجمن دامغان موافق راپورتی که مشروحاً بنده‌نوشته‌ام‌تصورنمیکنم که این‌راپورت دیگر هیچ جای شبهه برای آقایان باقی بگذارد . درآنجا دهم رمضان انجمن جزء تشکیل شده داخل درمکاتبات شده دوم شوال اعلان کرده است وبنابر خواهش کمیته محلی آنجا تمدید مدت داده‌اند پس از دوازدهم که باید شروع بشود از بیستم شروع کرده‌اند وهشت روزتمدیدمدت‌داده‌اند والا نه‌اینکه آنجا اعلان نشده نه‌اینکه حکومت تقاضا کرده‌باشد نه اینکه تعرفه به آنها نرسیده‌باشد دو هزار تعرفه هم به‌آنها رسید وتوزیع کرده و در بیست ودوم‌باز تعرفه خواسته‌اندبرایـنصورت نمیشود گفت که‌انجمن نظار تشکیل نشده وتعرفه‌داده نشده اهالی دامغان مطلع‌نشده‌اندباحکومت‌مسامحه کرده‌است.خیراینطور نیست ونبوده‌بنده جداتکذیب میکنم موافق‌راپورتی که خودم عرض کردم‌ودر شعبه هم است بنده‌نگفتم تسامح از طرف حکومت شده است عین تلگراف حاضر است می‌فرمائید حکومت نوشته است‌مامورین مسامحه کرده‌اند اینطور نیست‌لاقیدی‌وبی‌اعتنائی‌را! به اهالی آنجا نسبت می‌دهد نه بخودش و مامورین فقط بحکومت تلگراف شده باشد که باید دوازدهم انتخابات آنجا شروع شود ودرفلان روز تعرفه تمام شود وچند روزبعد استخراج آراء درصورتیکه بکلی نه‌انجمن جزئی‌تشکیل شده و نه انتخابی شروع شده باشدونه‌اهالی‌مسبوق باشند . فقط یك تلگرافی‌انجمن مرکزی سمنان‌بدامغان‌مخابره کرده باشد بدون‌اینکه انجمن جزء تشکیل‌بشودبدون‌اینکه مردم ازانتخابات مسبوق‌باشنددراینمورد آیا انصاف است که مابگوئیم اهالی دامغانرا ازحق‌خودشان باید محروم کرد این حقرا بانجمن نظار بدهیم نه بنده حق‌میدهم به‌اهالی دامغان درموقعیکه حکومت‌اعلان کرده‌است دربیست ودویم شوال بوده وتقاضای تعرفه کرده‌اندمطابق‌امر وزارت داخله باید انجمن مرکزی تعرفه‌فرستاده‌باشد وانتخابات آنجارا خاتمه بدهد نه اینکه آنها را از حق‌خودمحروم بکنندبعلاوه راجع‌بجندق وبیابانك‌خود آقا میفرمایند تلگراف حکومت است که بلی مأمور مسامحه کرده است یعنی اصلا انجمن جزء درآنجا تشکیل نشده وهیچ رأی هم گرفته نشده وتعرفه هم نداده‌اند چون‌درسابق اعلان انتخابات درجندق شده بوده وشرکت نکرده بودند لهذا نماینده‌ما مسامحه کرده ات‌از آنطرف‌دفاع‌میکند ومیفرمایند رمضان باصری درآنجا بوده است این دلیل نمیشود خودش تصدیق میکند که مأمورین مسامحه کرده‌اند نه‌اهالی یعنی‌مانعی‌برای انتخابات‌آنجا نبود ومأمورین دولت درآنجا مسامحه کرده‌اند وانتخابات‌راشروع‌نکرده‌اند نه بواسطه مانع شدن رمضان باصری بنده نمیخواهم تصدیق بکنم که اهالی جندق و دامغان را انجمن مرکزی سمنان از حق خودشان محروم بکند بنده عقیده‌ام اینست که باید انتخابات را تکمیل بکنند و از زری حق وحقیقت نماینده ملت از آنجا انتخاب شود والا بااین حال بنده نمیتوانم رأی‌بدهم وبااین راپوت مخالفم آقایان را چه عرض کنم

جلیل‌الممالك — راجع بماده ۳۷ قانون انتخابات تفسیر آن با مجلس است همانطور که‌آقای مخبر میفرمایند خیلـی گنك است حالا بنده در آن بحث‌نمیکنم‌ولی‌راجع بانجمن دامغان موافق راپورتی که مشروحاً بنده‌نوشته‌ام‌تصورنمیکنم که این‌راپورت دیگر هیچ جای شبهه برای آقایان باقی بگذارد . درآنجا دهم رمضان انجمن جزء تشکیل شده داخل درمکاتبات شده دوم شوال اعلان کرده است وبنابر خواهش کمیته محلی آنجا تمدید مدت داده‌اند پس از دوازدهم که باید شروع بشود از بیستم شروع کرده‌اند وهشت روزتمدیدمدت‌داده‌اند والا نه‌اینکه آنجا اعلان نشده نه‌اینکه حکومت تقاضا کرده‌باشد نه اینکه تعرفه به آنها نرسیده‌باشد دو هزار تعرفه هم به‌آنها رسید وتوزیع کرده و در بیست ودوم‌باز تعرفه خواسته‌اندبرایـنصورت نمیشود گفت که‌انجمن نظار تشکیل نشده وتعرفه‌داده نشده اهالی دامغان مطلع‌نشده‌اندباحکومت‌مسامحه کرده‌است.خیراینطور نیست ونبوده‌بنده جداتکذیب میکنم موافق‌راپورتی که خودم عرض کردم‌ودر شعبه هم است بنده‌نگفتم تسامح از طرف حکومت شده است عین تلگراف حاضر است می‌فرمائید حکومت نوشته است‌مامورین مسامحه کرده‌اند اینطور نیست‌لاقیدی‌وبی‌اعتنائی‌را! به اهالی آنجا نسبت می‌دهد نه بخودش و مامورین

میگوید که آنها مباشرت به امر انتخابات نکرده‌اند وراجع برمضان باصری هم بنده ازروی اطلاعات خارجی عرض نکردم مطابق تلگراف حکومت است که میگوید منصور لشکر ورمضان باصری که سابقه هردو در وزارت داخله هم هست باعث تاخیر انتخابات شده واز خارج هم آقایان اطلاع دارند که در آنموقع رمضان باصری آنجا بوده پس درهرحال انجمن دامغان تشکیل بوده ولی مطابق مقررات انجمن مرکزی رفتار نکرده است و راجع بچندق و بیابانك هم مطابق تلگراف حکومت وقت از طرف اهالی قصور شده نه از طرف حکومت .

رئیس - در این باب گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند بلی) رای میگیریم بنمایندگی آقای عبدالممالك آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد راپورتی است راجع به نمایندگان زنجان قرائت میشود .

(آقای جلیل الملك بمضمون ذیل قرائت نمودند .)

شعبه سوم باعتبار نامه ها و دوسیه و صورت مجلس انتخابات آقایان بیان‌الدوله و صدرالاسلام نمایندگان خمسه رسیدگی نموده و راپورت آنرا ذیلا بعرض میرساند انجمن نظار مرکزی خمسه موافق مقررات قانون انتخابات در غره محرم ۳۹ در زنجان تشکیل واعلان انتخابات را منتشر ساخته و در ۱۶ محرم شروع بتوزیع تعرفه نموده ومدت توزیع تعرفه را تا ۲۹ محرم قرار داده است ودر ۱۸ محرم برای چهار نقطه جزء چهار نفر مامور تعیین و با اعلانات و تعرفه آنها را بنقاط مزبوره فرستاده است پس از دو روز از توزیع تعرفه شکایاتی از زنجان و طارم علیا بمرکز رسیده دائر بر اینکه انتخابات مبنی بر تهدید و فشار از طرف امیر افشار است وزارت داخله تلگرافات متواتره موکده به امیر افشار که حکومت وقت بوده مخابره نموده و امر بجلوگیری از هر نوع تهدید وفشاری نموده وبالاخره برای شکایت متشکیان و رسیدگی بصحت وسقم جریان انتخابات آنجا از طرف وزارت داخله انتخابات آنجارا تلگرافا توقیف و یك نفر مفتش اعزام میشود وصون امر تلگراف توقیف انتخابات مصادف میشود با ۲۹ محرم آخرین روز توزیع تعرفه بنابراین انجمن تعطیل و منتظر ورود مفتش میگردد ومفتش مزبور در چهاردهم صفر بزنجان وارد و در پانزدهم اعلانی بمدت شش روز مبنی بر اینکه هر کسی شکایتی از انتخابات دارد به‌او مراجعه نماید منتشر ساخته و در همان روز انجمن نظار تشکیل و خود او در انجمن حاضر و اظهار میدارد که تا بیست ویکم باید انجمن تعطیل ومنتظر وصول شکایات بمن باشند انجمن تمایل شده در ۲۲ مجددا تشکیل و مفتش بانجمن حاضر و اظهارداشته است که تاکنون احدی شکایت نکرده ولی چون این مدت را کافی ندانستم برای شش روز دیگر اعلان انتشار داده ام و مدت خاتمه اظهار شکایات تا ۲۷ خواهدبود انجمن تا ۲۷ تعطیل وتاآن تاریخ از طرف مفتش به انجمن اطلاع نمیرسد انجمن دو روز دیگرهم تامل نموده و در ۲۹ صفر تشکیل و مکتوبی بمفتش مینویسد که اگر شکایتی رسیده اظهار دارند از طرف مفتش جوابی بانجمن داده نمیشود مجددا درغره ربیع‌الاول انجمن تشکیل و به مفتش مراسله مینویسد که اگر شکایتی رسیده بفرستند روز ۲ ربیع‌اول چون از طرف مفتش اصلا جوابی به انجمن داده نمیشود لهذا انجمن بملاحظه اینکه توقیف انتخابات ازطرف وزارت داخله اساسا برخلاف قانون بوده وبعلاوه مردم‌هم باوجود اعلانات مفتش شکایتی نکرده‌اند . اعلانی منتشر وسه‌روز برای اخذ آراء بمدت قرار داده وروز شروع‌هم اعلام میدارد وپس ازخاتمه اخذ آراء شروع باستخراج آراء مینماید وآقای بیان‌الدوله باکثریت (۶۸۶۵) رای و آقای حاج صدرالاسلام باکثریت (۶۶۴۲) از (۸۰۰۰) و کسری تعرفه که برگشته است انتساب گردیده‌اند . اما مفتش بدون اطلاع بانجمن بمرکز حرکت نموده وهمینکه بقزوین وارد میشود تلگرافا از وزارت داخله تقاضا میکند که امر تلگرافی در توقیف انتخابات زنجان صادر گردد تا خودش بمرکز آمده حضورا راپورت خودرا تقدیم نماید از مرکز تلگرافی به حکومت مخابره مینماید که انتخابات توقیف باشد تاتکلیف آن معلوم گرددواین تلگراف درموقعی میرسد که استخراج آراء تمام شده و انجمن هم نمایندگان آنجارا تعیین نموده است مفتش پس از ورود بمرکز بدون اینکه راپورت کتبی بوزارت داخله تقدیم نماید درروزنامه اعلان مینماید که انتخابات خمسه را مطابق اسناد مثبته که دردست دارد باطل می‌داند وبدواز انتشار اعلان از طرف دائره انتخابات وزارت داخله بمفتش ابلاغ میشود که اگر اسنادی دارند باینجا بفرستید تا در دوسیه انتخابات ضبط شود مشارالیه استنکاف نموده وچیزی بوزارت داخله نمیفرستد شعبه بعد از اینکه راپورتی از مفتش در دوسیه انتخابات ملاحظه ننمود کتبا از مفتش تقاضا نموده که اگر راپورتی دارد بشعبه بفرستند تا شعبه از کیفیت آن مستحضر گردد پس از روز راپورتی از طرف مفتش بشعبه رسیده شعبه بدقت آن را ملاحظه نموده و چون شعبه دوم هم دریك قسمت از انتخابات زنجان (خمسه) میبایستی رسیدگی نماید لهذا این دوشعبه متفقاً براپورت مزبور رسیدگی نموده وپس از مذاکرات طولانی و تبادل افکار باحضور هیجده نفر از اعضای دو شعبه رای میدهد که راپورت مفتش بی اثر و موجب بطلان انتخابات خمسه نمشود بعلاوه شکایت ازانتخابات فقط در حین توزیع تعرفه بوده و از خاتمه انتخابات و معلوم شدن منتخبین بهیچوجه دیگر شکایتی نرسیده و موافق تحقیقات از بعضی متشکیان معلوم می‌شود که شکایت آنها مبنی بروحشت از انتخابات اشخاص دیگر بوده و بعد از انتخاب نمایندگان فعلی خمسه رفع وحشت و نگرانی آنها شده و دیگر شکایتی نکرده‌اند بنابر مراتب معروضه شعبه سوم جریان انتخابات خمسه‌را موافق قانون دانسته وصحت انتخابات آقای بیان‌الدوله و آقای حاج صدرالاسلام ابهرودی را در خمسه تصدین مینماید .

رئیس — رای می گیریم بنمایندگی آقای بیان‌الدوله آقایانی که نمایندگی ایشان را تصدیق مینمایند قیام نمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد . رای میگیریم به نمایندگی آقای صدرالاسلام آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. راپورتی است راجع به آقای آقاشیخ ابراهیم زنجانی

(آقای تدین راپورت مزبور رابمضمون ذیل قرائت نمودند.)

شعبه دویم بدوسیه انتخابات خمسه بدقت رسیدگی نموده وبرای استحضار مجلس شورای ملی عرض می نماید که چون دوسیه انتخابات خمسه مابین این شعبه وشعبه سوم مشترك بوده درنتیجه این دو شعبه متفقاً صحت انتخابات خمسه را تصدیق کرده دیگر خودرا محتاج براپورت مفصل ندانسته و کاملا موافق با مدلول راپورت شعبه سوم میباشد بنابراین اظهار میدارد که آقای آقاشیخ ابراهیم زنجانی باکثریت (۶۳۳۰) رأی از حوزه انتخابیه خمسه بوکالت دارالشورای ملی انتخاب گردیده و شعبه دویم صحت انتخابات ایشان را ازحوزه مزبور تصدین مینماید.

رئیس — نسبت باین راپورت اعتراضی نیست یا هست ؟

عمادالسلطنه — بنده مخالفم

رئیس — میماند برای جلسه دیگر . آقای حاج شیخ اسداله (احضار برای قرائت راپورت)

حاج شیخ اسدالله بنده توضیح میخواهم اجازه میفرمائید

رئیس — خیر مخالف بودند ماند بجلسه دیگر عرض کردم تشریف بیاورید راپورت راجع بنمایندگان کرمان را قرائت نمائید (آقای حاج شیخ اسدالله درمحل نطق حاضر راپورت شعبه ششم را به مضمون ذیل قرائت نمودند) شعبه ششم بدوسیه انتخابات شهر کرمان وتوابع آن رسیدگی کرده شرح آن بقراری است که ذیلا بعرض میرسد انجمن نظار بموجب ماده ۱۰ قانون انتخابات تشکیل شده انجمن نظار ازروز ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۷ اعلان انتخابات را منتشر و از روز غره جمادی‌الاولی تا روز ۱۵ شهر مذکور توزیع تعرفه نموده واز روز ۱۶ شهر مذکور یك ساعت بظهر تاروز ۲۱ یکساعت بظهر مانده برای اخذ آراء معین وچون روز اول را ازیکساعت بظهر مانده شروع باخذ آراء کرده بودند روز ششم راهم تایکساعت بظهر اخذ آراء کرده بودند روز ششم واوراق رأی روز ششم را در جعبه جداگانه ضبط نموده واز وزارت داخله کسب تکلیف کرده ازطرف وزارت داخله جواب داده شده است چون کسری روز پنجم بوده مخالف قانون نیست معهذا شعبه در این مسئله دقت کرده واوراق کسری روزششم راجدا گانه ضبط وقرائت کرده‌اند واوراق مأخوذه (۲۰۶) ورقه بوده وآراء هریك از آقایان معین‌و آقای حاج میرزا مرتضی ۶۷ رأی آقای آصف‌الممالك ۸۴ رأی داشته اند که چنانچه آن آراء هم حذف شود نقصی باکثریت آقایان وارد نمی‌آورد وبرای بلوکات هم شش شعبه ازقرارذیل معین کرده‌اند .

۱ خبیص و گوك وسیرچ وجوشان ۲ ماهان و لنگر وقنات‌وعسان وجویار ۳ راورزی ۴ بادامنه چترود وهوتك وسرآسیاب ۵ کوه پایه ۶ باغین و کوپرات وکلیه آرائی که ازشهر و بلوکات اخذ شده است ۹۵۶۵ رأی بوده وآقای حاج میرزامرتضی باکثریت ۶۹۹۹ رأی و آقای آصف الممالك به اکثریت ۶۶۳۰ رأی انتخاب شده اند شکایات وارده

نسبت به انتخابات شهر کرمان و توابع آن برسه قسم است : اول شکایاتی است که درموقع جریان انتخابات شده ومنجمله شکایتی هم از طرف آقای آقاسیدمحمدجواد که یکی از اعضاء انجمن نظارت بوده در سوء جریان انتخابات رسیده بود که از طرف وزارت داخله از ایالت توضیح خواسته شده ودر جواب اظهار داشته اند که چون کاندیدای وکالت بوده اند واقلیت پیدا کرده انداین اظهارات را می‌نمایند وقسمت دیگر شکایاتی است که بعد از خاتمه انتخابات وانحلال انجمن نظار تا افتتاح مجلس رسیده ویك قسمت هم پس از افتتاح مجلس در مدت یکماه قانونی افتتاح مجلس رسیده است گرچه این شکایات مفصل وبعبارات مختلفه‌است ولی تماما شکایت از مداخله نظامیان و قراسوران و اینکه انتخابات مبنی برتهدید و تطمیع بوده و در مقابل ایالت و انجمن نظار این نسبت ها را بکلی تکذیب نموده‌و ناشی از تحریکات اشخاص دانسته اند که در اقلیت مانده وبه پیشرفت کاندیدای خودشان موفق نشده‌اند شعبه هم باکمال دقت رسیدگی بدوسیه انتخابات و اسناد راجع بآن نموده وبهیچوجه مدرکی که برای شعبه صحت شکایات مزبوره را ثابت نماید بدست نیامد لهذا شعبه باکثریت آراء صحت انتخاب آقای حاج میرزا مرتضی وآقای آصف‌الممالك نمایندگان کرمان را تصویب مینماید .

رئیس- راجع براپورت مزبور که قرائت شد رأی باید بگیریم اول رأی میگیریم بنمایندگی آقای آصف‌الممالك مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر) آقایانی که نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس- تصویب شد. (رأی میگیریم بنمایندگی آقای حاج میرزا مرتضی آقایانیکه تصدیق میکنند قیام فرمایند) اکثر نمایندگان قیام نمودند .

رئیس- تصویب شد (راپورتی راجع به آقای شریعتمدار نماینده رفسنجان)

(آقای حاج شیخ اسدالله بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه ششم بدوسیه انتخابات حوزه رفسنجان رسیدگی نموده برحسب دعوت حکومت در تاریخ دهم جمادی الثانیه ۱۳۳۷ انجمن نظار تشکیل و اعلان انتخابات منتشر که از روز ۲۲ جمادی الثانیه تاپنجم رجب مشغول دادن تعرفه واز روز پنجم‌رجب تادهم برای اخذ آراء معین گردیده وبرای بلوکات پنج انجمن جزء معین شده و انجمنهای جزء نیز مطابق قانون انتخابات را جریان وخاتمه داده اندو کلیه تعرفه که در حوزه مرکزی وبلوکات داده‌شده است ۷۳۹۱ تعرفه بوده وآرائی که اخذ شده‌است ۶۷۵۶ رأی بوده است وآقای آقا محمدشریعتمدار باکثریت ۶۴۰۸ رأی انتخاب شده انـد یك هفته بعد هم بعداز ختم اخذ آراء انجمن نظار تشکیل و شکایتی نرسیده درمدت یکماه پس از افتتاح مجلس شکایاتی بشعبه واصل شده یکفقره سئوالی است که ازیکنفر نظارات ویك‌فقره دیگر سئوالی‌است که‌از یکنفر نظار زرندویکفقره‌سئوالی‌است کـه از بعضی از نظـار کوهبنان یکسال پس از ختم انتخابات شده است ودر آن از سوء جریان انتخابات ذکری نموده‌اندشعبه برای رسیدگی باین‌اظهارات بصورت مجلسهای انتخابیه حوزه های جوء رسیدگی کامل نموده چون در موقع انتخابات بهیچوجه شکایتی نبوده و اعضای انجمن‌های‌نظا ت جزء انجمن‌نظارت مرکزی رفسنجان نیز تصدیق صحت‌انتخابات‌رانموده و خود آقایان که جواب فوق را در یکسال بعد داده‌اند در آن‌موقع انتخابات‌صحت انتخابات‌جریان را تصدیق نموده اند لهذا شعبه نتوانسته باظهارات فوق ترتیب اثری بدهد لهذا باکثریت آراء صحت انتخاب‌آقای شریعتمدار راتصدیق مینماید .

رئیس— نسبت باین راپورت مخالفی نیست (اظهاری نشد) پس رای میگیریم بنمایندگی آقای شریعتمدار آقایانیکه تصویب می نمایند قیام‌کنند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — تصویب‌شد . (راپورتی است‌راجع بآقای وقارالملك نماینده دزفول قرائت میشود)

(آقای آصف الممالك بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه چهارم بتاریخ ۵ ذی‌حجه ۱۳۳۹ در تعقیب جلساتی که دوسیه انتخابیه دزفول و توابع رسیدگی و تحقیقات لازمه بعمل آورده نتیجه‌تدقیقات خودرا بعرض‌میرساند مطابق صورت مجلس ودوسیه انتخابیه در انتخابات دزفول و توابع رعایت مقررات قانون بعمل‌آمده فقط ابهاماتی درصورت مجلس و اعتبارنامه ملاحظه و توضیحاتی که خواسته شده ذیلا بعرض می‌رساند اول راجع بتشکیل انجمنهای‌نظارت جزء است که درصورت مجلس مینویسد (چون‌موقع زرع صیفی وطوائف و دهات تابع دزفول ممکن‌الحضور در مرکز نبود چهار نفر اجزاء سیار از طرف نظار مرکزی برای دادن تعرفه و اخذآراء بحوالی فرستاده شد ولی ترتیب آنرا متعرض نشده) (چون حاکم دزفول که در آن تاریخ متصدی امر انتخابات آنجا بوده حالیه در تهران بوده ازطرف شعبه احضار و پس از تحقیقات معلوم شد که مقصود از اجزای سیار معلمینی بودند که از طرف انجمن مرکزی برای تشکیل انجمن‌های‌جزء باطراف‌رفته‌و در نقطه انجمن نظارت جزءتشکیل داده‌اندوبالنتیجه آراء آنها را بانجمن نظارت مرکزی آورده‌ضمیمه آراء نموده‌اند دوم راجع بتاریخ اعتبار نامه است که در هشتم ذی‌قعده امضاء شده و صورتمجلس در نهم شهرمزبورپس از تحقیقات و تدقیق‌معلوم شد که یکی ازاعضاء انجمن‌نظار بالضروره‌درهشتم ذیقعده که روز انتخابات است مسافر بوده‌وچون امضاء‌اعتبارنامه را هم فرض کرده‌اند اعتبارنامه را بامضاء سایر اعضاء و عضو مسافررسانیده صورت مجلس را فردای‌آن که روز نهم بوده است نوشته و شش نفر دیگر امضاء کرده‌اند و حاکم محل درصورتمجلس‌عدم‌حضورعضو مسافررا ایراد و مینویسد اعتبارنامه را امضاءنموده است چون خاتمه انتخابات مطابق را پورت های تلگرافی حکومت و اسناد دیگـر در هشتم ذی‌قعده بوده‌شعبه این اختلاف‌تاریخ‌را منافی بااساس‌انتخابات و مخالف بودن با قانون نداشت سبم انجمن نظار رعایت ایام شکایت را ننموده و در همانروز ختم انتخاب اعتبارنامه نوشته‌اند هرچند این فقره غفلتی بوده است که از انجمن نظار ناشی گردیده ولی‌چون فلسفه قانون ازتعیین یك هفته برای رسیدن‌شکایات است‌ودردوسیه‌مزبوره گذشته ازاینکه‌از بدو انتخابات تاکنون هیچ نوع شکایتی ملاحظه نشده بعلاوه تلگرافات رضایتمندی از طبقات مختلفه ملاحظه شد لهذا این غفلت را نیز شعبه محل صحت اساس انتخابات آن حوزه ندانسته‌نمایندگی آقای‌وقارالملك که باکثریت ۵۲۸۴ رأی از ۶۴۵۹ رأی انتخاب کنندگان آن حوزه است تصدیق وبصحت‌اعتبارنامه ایشان باکثریت آراء رأی میدهد .

رئیس— نسبت باین راپورت‌اعتراضی‌نیست؟

محمد هاشم میرزا— بنده مخالفم

رئیس— میماند برای جلسه بعدآقای تدین (احضار برای قرائت‌راپورت) (آقای‌تدین‌راپورت شعبه دوم را راجع بنمایندگی آقایان شیخ‌الاسلام وناظم‌العلماء بضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه دوم بدوسیه انتخابات ولایت ثلاث بدقت رسیدگی نموده وبرای استحضار مجلس شورای ملی عرض مینماید که انجمن نظارت مرکزی انتخابات ولایت ثلاث دردولت آباد در ۱۱ ذی‌قعده ۱۳۳۶ موافق قانون تشکیل گردیده وبعد یك‌انجمن خودرا درتویسرکان دائر ساخته وبواسطه اطلاع از اتحاد الوار واحتمال تهاجم آنها بنهاوند ازتشکیل انجمن جزء درآنجا صرف نظر کرده ویکنفر مأمور از طرف حکومت نهاوند فرستادیم که در آنجا اعلان انتخابات را منتشر واهالی را بشرکت در انتخابات دعوت نماید پس از چندروز از ورود مأمور بنهاوند وانتشار واعلانات تهاجم اکراد محقق ومنازعه آنها دراطراف نهاوند شروع گردیده‌بعلاوه یك‌نوع‌مرض مسری که بعقیده نهاوندیها وباء بوده نیزشایع گشته واهالی نهاوند بجهات مزبوره بعضی فرار و بعضی متوحش وتوانسته‌اند درانتخابات‌شرکت‌نمایندوچون قضایای مزبوره متجاوز از یکماه بطول انجامیده و مدت‌معینه قانونی‌برای‌شرکت آنها درانتخابات‌منقضی گردیده لهذا انجمن مرکزی حق اهالی نهاوند را ساقط دانسته‌واکتفا بانتخابات‌حوزه‌ملایروتویسرکان ننموده است ازاینقرار که‌مطابق‌صورت‌مجلس‌انتخابات دردو حوزه مزبوره ۳۹۱۴ ورقه تعرفه‌توزیع نموده واز این مقدار (۳۸۰۴) ورقه تعرفه بااوراق‌رأی برگشته وآقای ناظم‌العلماء ملایری باکثریت ۳۶۶۴ رأی و آقای شیخ‌الاسلام ملایری باکثریت ۳۱۰۲ رأی از کل آرای واصله بوکالت دارالشورای ملی انتخاب شده وانجمن اعتبارنامه باسم آقایان مزبور صادر نموده است .

ولی اینجا لازم است خاطر نمایندگان محترم را مسبوق سازد که مطابق صورت مجلس‌انتخابات‌در ملایر وتویسرکان ۳۹۱۴ ورقه تعرفه داده واز این مقدار (۱۱۰) ورقه برنگشته و ۳۸۰۴ ورقه‌بااوراق رأی برگشته و چون انتخابات آنجا جمعی بوده ودر هرورقه اسم دونفر میبایست‌نوشته‌شود وبرفرض‌اینکه تمام اوراق رأی هریك دارای دواسم بوده‌وسقیم هم نداشته باشد مجموع آرای حاصله میبایست ۷۶۰۸ رأی‌شودولی‌آراء جزئی که‌درصورتمجلس‌انتخابات‌باسم اشخاص مختلف ثبت شده وقتی که جمع میشود معادل ۱۹۵۰ رأی زیاد میآید که‌انجمن‌ملتفت‌آن نشده‌است شعبه دوم برای کشف مبدء این آراء زائده‌طریق

را درنظر گرفته اول آنکه ممکن است بعضی اشخاصی که رأی میدادند عوض یك ورقه رأی زیاد تر در صندوق آراء انداخته باشند و انجمن پس از شماره اوراق رأی بدون التفات بقانون که باید اوراق زائد را ازمجموع اوراق رأی بردارد وتمام اوراق رأی را قرائت نموده و یا اینکه اساسا از شماره اوراق رأی غفلت کرده است ودلیل برعدم التفات انجمن مزبور آنست که اگر عامه دراین امر مبهود ودرصورت مجلس فقط بذکر آراء دونفر نماینده اکتفا میگردد از ذکر آراء اشخاص دیگر صرف نظر مینمود و ذکر کلیه اسامی اشخاصیکه رای داشته اند در صورت مجلس انتخابات خود دلیل سادگی امراست طریق دوم آن است که چون انتخابات جمعی بوده وفقط مبایست این دونفر درهر ورقه رأی نوشته شود ممکن است بعضی رأی دهندگان بیشتر ازدو اسم روی ورقه رأی نوشته از چنانچه مکرر این امر مشاهده شده وانجمن مبایست مطابق معمول دراینگونه موارد ازصدور ورقه رأی شروع کرده وفقط بدو اسم اول اکتفا وبقیه را کان لم یکن بیندازد دراینجا انجمن غفلت یا سهو نموده و تمام اسامی را خوانده وآنها را در دفتر ثبت نموده است پس از بیان دو طریق مزبور را همینکه بنظر شعبه میرسد آنست که برفرض اینکه تمام آراء زائد باسم آقایان ناظم العلماء و شیخ الاسلام بوده باشد هرگاه آنهارا ازمقدار آراء فعلی هریك از آقایان مزبور کسر نمائیم بازمشارالیها حائز اکثریت میباشندوسکته بانتخابات ایشان وارد نمیآید وغفلت انجمن هم بدرجه نیست که موجب بطلان انتخابات شود .

طریق سیم که بنظر شعبه رسیده آنستکه شاید درتعیین مقدار تعرفه درصورت مجلس انتخابات اشتباهی شده باشد بنابراین بتوسط مقام ریاست ازوزارت داخله تقاضا نموده که حکومت ملایر اعضای انجمن مرکزی را جمع نموده و انجمن را تشکیل دهد ثالثا بدفاتر مراجعه نموده و صورتی مشعر بر تعیین عده تعرفه و آراء واصله و غیره تهیه و ارسال دارند چندی بعد تلگرافی ازانجمن مرکزی بوزارت داخله مخابره که سوادش در دوسیه ضبط است بشعبه رسید مشعر بر اینکه هزار ورقه تعرفه به تویسرکان فرستاده شده واگر درصورت مجلس قید شده بواسطه غفلت بوده است بعد از رسیدن این تلگراف موضوع آراء زائد بکلی حل ودیگر اشکالی باقی نمیماند .

اما درخصوص شکایات فقط شکایاتی از طبقات مختلفه نهاوند پس از خاتمه انتخابات بوزارت داخله ومجلس شورای ملی رسیده مبنی براینکه چون موقع انتخابات نهاوند مصادف باتهاجم الوار وبروزمرض مسری شده ونتوانسته‌اند در انتخابات شرکت نمایند لهذا از انتخابات راضی نیستند ودرمقابل رضایتهائی که باز ازطبقات مختلفه نهاوند رسیده مبنی بر اینکه اگرچه بواسطه منازعه الوار و خوف و وحشت از هجوم آنها نتوانسته‌اند درانتخابات شرکت نمایندولی باوجود این ازانتخابات ولایات ثلاث راضی ونمایندگان فعلی را نماینده خود میدانند .

شعبه دویم پس ازملاحظه اینکه فقط حوادث غیرمنتظره اهالی نهاوند را ازشرکت درانتخابات مانع گردیده و از طرف انجمن مرکزی و حکومت هم این امر تصدیق شده انتخابات ولایات ثلاث را موافق قانون دانسته و صحت انتخاب آقایان ناظم العلماء ملایری و شیخ الاسلام ملایری را تصدیق مینماید .

رئیس — اگر مخالف نباشد اول رأی میگیریم بنمایندگی آقای ناظم العلماء مخالفی نیست ؟

حاج شیخ اسدالله — بنده باکلیه انتخابات ملایر مخالفم .

رئیس — پس موکول بجلسه بعد میشود. لازم است بشعبات یادآوری کنم که تقریبا شانزده هفده الی بیست فقره اعتبار نامه در شعبات مانده است ازقبیل اصفهان، کردستان، بختیاری، ساری، بارفروش، شیراز لار، بوشهر، دماوند وغیره چون صورت های مجلس وتمام نوشتجاتی که برای این اعتبارنامه ها لازم بود درشعبه حاضر است نمیدانم علت اینکه تأخیر شده چیست خوب است شعبات درظرف امروز وفردا منعقد شود وبعد اعتبار نامه هارا رسیدگی نمایند که بیش ازاین تأخیر نشود .

سردار معظم — شعبه پنجم فقط دوسیه انتخابات یزد را دارد که باید راپورت عرض کند چون اسناد لازمه آنها تکمیل نبود، لذا برگردانیدیم به هیئت رئیسه که دوسیه را تکمیل کرده وبرگردانند وتاحال دوسیه بشعبه نرسیده .

رئیس — باین جهت یزدرا اسم نبردم چونکه میدانستم که دوسیه هنوز بشعبه نیامده .

سردار معظم — علاوه براین تصورمیکنم با اینکه سه ربع از اعتبارنامه ها تصویب شد جلسه بعد باید هیئت رئیسه دائمی را تعیین کرد .

رئیس — این مسئله مانع از آن نمیشود که سایر اعتبار نامه‌ها بماند زیرا بعضی آقایان وکلا که درولایات هستند منتظرند که اعتبارنامه شان گذشته و بیایند خوب است زود اقدام جدی بشود که بقیه اعتبار نامه ها تمام بشود آقای مستشارالسلطنه هم مطلبی داشتند باید اظهار کنند .

مستشارالسلطنه — بنده مصمم بودم دراولین وقت ودفعه که موفق شوم پشت تریبون بیایم ازعواملی که درتسریع افتتاح مجلس شورای ملی قیام واقدام نموده‌اند تشکر نمایم این تشکر بنده قدری پیش افتاد برای اینکه بلید بایك تذکری توأم شده وآن تذکر راجع بتریید اجرتی است که برای پست تصویب کرده‌اند تصدیق میفرمائید باینکه بودن مجلس شورایملی ودائر بودن اداراتش این مسئله مناسب نیست درظرف همین برج اسد برای زیاد کردن اجرت پست مقداری تصویب شده است البته بنده باتریید عوائد دولت هیچ مخالف نیستم مخصوصا دریك همچوموقعی که مخارج دولت ازعوایدش بیشتر است موافقم لیکن عوائدی را که باقتصاد ایران وروابط تجارتی اهالی صدمه بزند آن عوائدرا بنده مخالفم و عجالتا چون مورد سئوال نیست که بموجب ماده ٥٤ و ٥٥ و ٥٦ سئوال نمایم تفصیل را بیش ازاین بیموقع میدانم ومجلس شورای ملی را متذکر داشتم که بهیئت وزراء خصوصا بوزارت پست وتلگراف گوشزد نماید که درموقعیکه دزملکت ایران صدمات جنك های اخیره و جنك بین المللی بیش از پیش است لازم است بیشتر در روابط تجارتی مملکت و روابط اهالی مرکز و ولایات با یکدیگر بیش از این دقت کرده و سهولت وسائل ارتباطیه را فراهم آورند خاصه جرائد وکتب ونوشتجات که درایران منتشر میشوند باید بسهولت وارزانی قیمت گرایه بیشتر وزیادتر ترویج شود وتکلیف شود که اقدام سریع دولت را بزودی بعرض مجلس شورای ملی برسانند و این عوائد را از امروز البته بزرك دارند تا اینکه مجلس شورای ملی نظریات خودش را معین نماید

رئیس — شاید دولت قصد داشته است این مسئله را به مجلس بفرستد از طرفی تصور کرده است که اعتبار نامها هنوز رسیدگی نشده ومجلس هنوز رسمیت پیدا نکرده و از طرفی دیگر شاید این کار به نظرشان فوریت داشته است اقدام براین امر شده است همینطور گفته شد بهیئت دولت تذکر داده خواهد شد که این قبیل مسائل راجع به مجلس است

رئیس — آقای آسید یعقوب (اجازه نطق)

آقا سید یعقوب — در این موضوع بنده نمیخواستم وارد بشوم ولی چون آقای مستشارالسلطنه وارد شدند بنده‌هم راجع به (مؤلیز) و صدماتی که بر اجزاء پست خانه زده است بشرح مفصلی عرض می کنم .

رئیس — راجع بچه مسئله میخواهید بفرمائید .

آقا سید یعقوب — درمسئله پستخانه است میفرمائید بعد عرض می کنم .

رئیس — بلی عجالتا خارج از موضوع است آقای حاج آقا (اجازه نطق) حاج آقا — بنده یك سئوالی داشتم اینکه فرمودید چون آن مطالب فوری بوده است و دولت اقدام کرده است این را بنده برخلاف قانون میدانم این مطالب راجع به مجلس شورای ملی است .

رئیس — عرض نکردم فوری بوده است گفتم شاید درنظر آنها فوریت داشته است جلسه آینده روز پنجشنبه است ودستور جلسه تعیین هیئت رئیسه دائمی خواهد بود درصورتیکه عده کافی باشد ،

مجلس نیم ساعت بعد ازظهر ختم شد

جلسه ۱۵

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه سیزدهم ذیحجة الحرام ۱۳۳۹ مطابق ۲۴ اسد ۱۳۰۰

مجلس یکساعت ونیم قبل ازظهر در تحت ریاست آقای موتمن الملك تشکیل گردید.

(آقای مستشار السلطنه صورت مجلس یوم ۳ شنبه یازدهم را قرائت نمودند)

رئیس — نسبت بصورت مجلس مخالفی نیست

آقا سید یعقوب — در صورت مجلس نوشته شده است که مستشارالسلطه راجع بازدادیاقیمت پست اظهاری فرمودند بعد از مذاکرات ایشان بنده هم در مقام صحبت اجمالا نسبت به اوضاع حالیه اداره پست اشاره کردم که فرمودید خارج از موضوع است بعد صحبت میشود وحالا ملاحظه میشود که در صورت مجلس اشاره باین مطلب نشده

رئیس — چون خارج از موضوع بود در صورت مجلس قید نشده است. دیگر مخالفی نیست (گفته شد خیر) . صورت مجلس تصویب شد .

دستور امروز تعیین هیئت رئیسه دائمی بود اگر آقایان موافق باشند دوسه فقره راپورت که در جلسه قبل قرائت شد ومخالف داشت راجع به آنها رای گرفته شود که پس از تنفس به تعیین هیئت رئیسه دائمی شروع گردد

محمد هاشم میرزا — بنده تصورمیکنم تشکیل هیئت رئیسه دائمی بعد از گذشتن سه ربع از اعتبارنامه ها حتمی است و باید مقدم باشد

رئیس — خیر ، ماده هفتم نظامنامه داخلی مجلس میگوید بعد از آنکه صحت اعتبار نامه های سه ربع از نمایندگان حاضر تصویب شد میتوان به انتخاب هیئت رئیسه دائمی اقدام نمود (گفتند صحیح است) . راپورت راجع به آقای وقارالملك طبع وتوزیع شده . آقای محمد هاشم میرزا مخالف بودند .

محمد هاشم میرزا اساس مخالفت بنده با آقای وقارالملك ازدو جهت بود یکی اینکه عقیده دارم در مواقعی که برای مملکت یعنی برای اصول مشروطیت خطراتی پیش بیاید (چنانچه در موقع بمباردمان مجلس واقع شده) باید ایالات ولایات و حکام و عمال نقاط مختلفه تماما برای تنبیه دولت غاصبت و مخالفت قیام کنند چنانکه درآن موقع از آذربایجان وگیلان وخراسان واصفهان وبالاخره قزوین وسایر ولایات و ایالات برضد حکومت وقت قیام نموده و دوباره آزادی را بحالت اولیه اعاده دادند نسبت به دوره کودتای چند ماه قبل هم بهمین عقیده بودم که باید حکام وولادت همان سابقه را بطرق مختلفه تعقیب نمایند یا ازقبیل آقای قوام السلطنه که درصدد اقدام جدی بودند ویا اگر نتوانستند موجبات این قسمت را فراهم بیاورند ومثل آقای مصدق السلطنه صلاح را در کناره گیری دیده استعفا دادند گوی نیك نامی را بربایند ویااگر محظوری داشته باشند مثل آقای مخبرالسلطنه که تصور کنند اگر در چنین موقعی مخالفت کنند برای مملکت مخاطره دارد البته باید بحفظ نفوذ وحدود مملکت کوشیده ومخاطرات را رفع نماید غیر از این مواقع سایر حکام که حکومت خودرا ادامه داده اند بعقیده من با دولت وقت موافقت نموده‌اند من جمله آقای وقار الملك که آنوقت حاکم عربستان بوده‌اند ولی چون نوشتجاتی از آقای سردار اشجع وصمصام السلطنه و یکی از علمای اجلس وبعضی دیگر از آقایان دیده‌ام که فعلا در نزد بنده است دلالت میکند بر اینکه ایشان هم درصدد مخالفت بوده ومشغول یك سلسله مذاکره با بعضی ازخوانین بختیاری بوده‌اند ولی بواسطه دوری ازمرکز اطلاعات مرکزی کاملا بایشان نرسیده وبه جهت محظوراتی که در میان بوده تلگرافات نیز کاملا محل اطمینان نبوده منتظر نوشتجات دوستانشان بوده‌اند. حاصل اینکه همینقدر که غاصب زمامدار امور را درك کردند درصدد مخالفت بوده‌اند وبنا بر این نوشتجات ازاین حیث مخالفتی با ایشان ندارم وجهت دیگر مخالفت بنده با آقای وقارالملك قسمت های سیاسی بوده که بایشان نسبت میدادند و چون نوشتجاتی خدمت آقای منتصرالملك نماینده عربستان موجود است که بنده را متقاعد نمود باینجهت برای اینکه وقت مجلس را تضییع نکرده باشم خاطر نمایندگان محترم را به آن نوشتجات معطوف نموده و به رأی اکثریت واگذار میکنم .

رئیس — دیگر مخالفی نیست ؟ (اظهار نشد) رای میگیریم به نمایندگی آقای وقارالملك آقایانی که نمایندگی ایشان را تصویب می کنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد — راپورت راجع به آقایان ناظم العلماء و شیخ الاسلام قرائت شده مخالفی نیست . آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید ؟)

حاج شیخ اسدالله — بلی ، اگر چه یك قسمت از اشکالاتی که در این انتخابات بنظر بنده رسیده درجلسه قبل نسبت به انتخابات سمنان عرض کردم ولی اکثریت مجلس متاسفانه رای بصحت نمایندگی منتخب سمنان داد ولی چون بنده باآن اساس ونظریه موافق نیستم راجع به این انتخاب نیز تاسفی که دارم از اینست که نسبت به یك سید محترم (نماینده ملایر بعضی اظهارات نمایم) لکن بموجب قسمی که دردوره‌های پیش خورده و دراین دوره هم خورد که خیانت ننمایم وامیدوارم خیانتی هم نکرده باشم مجبورم نظریات خود را پیشنهاد نمایم اگر آقایان دقت فرمایند تصدیق خواهند کرد که این انتخابات بهیچوجه ازروی صحت نبود زیرا که ملایر محلی است که دوحوزه جزو برای آن معین شده یکی تویسرکان دیگری نهاوند که ازحیث جمعیت وشهریت وموقعیت گمان نمی کنم از ملایر کمتر باشد و شاید جمعیتش هم زیادتر و انجمن مرکزی درنهاوندهم ابدا حوزه جزو تشکیل نداده و در موقعیکه اهالی نهاوند بواسطه گرفتاری امراض مسریه و تهاجم الوار مجبور بفرار بوده‌اند یکنفر ازملایر بنهاوند فرستادند که اهالی رابرای دادن رأی بملایر دعوت نماید. اهالی نهاوند اظهارداشته‌اند که باوضعیات فعلی چگونه ممکن است که بتوانیم برای دادن رای چندین فرسخ طی نموده — بملایر بیائیم این اظهارات اهالی نهاوندرا انجمن مرکزی ملایر ابدا محل توجه قرار نداده وانجمن نظار جزو هم برای آن‌ها تشکیل نداده وبمجرد اینکه انتخابات ملایر خاتمه یافته اعلان کرده است که اهالی نهاوند از حق انتخاب محروم شده‌اند یعنی حق انتخاب کردن ندارند . اشکال دیگر آنکه بنده نمیدانم شعبه چه نظر اتخاذ کرده است وبه این راپورت هرچه دقت کردم مقصود شعبه را نفهمیدم درراپورت می‌نویسد که نتیجه آراء تویسرکان وملایر دراین دو محل سه هزار ونهصد وکسری بوده یعنی تعرفهٔ که به این دومحل داده شده سه هزار ونهصد وکسری بوده وسه هزار وهشتصد وکسری رای داده شده پس از آن درراپورت نوشته شده است آراء را که جمع کرده‌اند هزار ونهصد رای زیاد آمده که مجموعا پنجهزار رای متجاوز می‌شود . خوب سه هزار ونهصد تعرفه داده شده آنوقت پنجهزار و کسری رای از کجا درآمده ؟ این انتخاب چه صورت دارد ؟ بعد برای اینکه شعبه خودش را متقاعد بکند می نویسد تلگراف کردیم به محل و تحقیق کردیم که این اختلاف از کجا بروز کرده واین هزار ونهصدرای زیادی ازچه چیز است که دراین جا ملاحظه میشود انجمن جواب داده که ما هزار تعرفه برای تویسرکان فرستادیم ودیگر هیچ اشکالی باقی نمی‌ماند آیا این جواب منطقی است ؟ خود شعبه می‌نویسد که شعبه هزار ونهصد وکسری تعرفه به ملایر وتویسرکان داده واز این سه هزار ونهصد و کسری تعرفه سه هزار و هشتصد و خردهٔ رای داده شده و مجموع آراءرا که حساب کرده‌اند هزار ونهصد رای زیاد آمده که اینصورت تعرفه که بتویسرکان فرستاده شده این هزار ونهصدرای را که زیاد آمده چطور از میان می‌برد . این مسئله را مخبر شعبه بایدتوضیح بدهند برای این که معلوم نیست چگونه رای گرفته شده وجریان انتخاب چطور بوده واساس این انتخابات چه شکل بوده شعبه چگونه خودش را قانع کرده معلوم نیست . بهرحال این نظریه بنده است و گمان میکنم که اگر شعبه بیشتر ازاین دقت می کرد و دفاترا از تویسرکان می‌خواست مطلب واضح تر میشد آن وقت ازروی بصیرت راپورت می‌داد و بنده‌هم دیگر نمی‌توانستم ابراز بکنم به یك راپورتیکه خود شعبه داده است البته آقای مخبر شعبه تصدیق دارند که بنده نمی‌توانم بااین راپورت واین تلگراف که حکومت و انجمن مخابره کرده‌اند متقاعد بشوم و هزار ونهصد رای زیادی را مطابق قانون بدانم

تدین — باوجود اینکه آقای مخالف محترم مدرك اعتراضات خودشان را راپورت قرار داده‌اند متاسفانه بیانات آقای مخالف بعقیده بنده چندان دارای منطق ودلیل نبوده وبیشتر یك تشعشعی داشت که کاشف ازیك احساساتی تصورمی‌شد . اولا میفرمایند انجمن مرکزی ملایر نهاوندرا ازحق انتخاب محروم کرده است بواسطه اینکه در موقعیکه آنها مبتلا به امراض مسریه بوده‌اند والوار بخیال تهاجم که آنجا بوده‌اند انتخابات شروع شده وفقط یکنفر آدم بآنجا فرستاده‌اند اینطور نیست موافق دوسیه انتخابات و صورت مجلس آن‌جا انجمن مرکزی درملایر تشکیل شده چون درجدول انتخابات ۳ نقطه معین کرده‌است که بایدانجمن جزءو کل درآنجا تشکیل شود درملایر تویسرکان ونهاوند انجمن نظارت مرکزی دردولت آباد که حاکم نشین بوده در یازدهم ذیقعده تشکیل شده اعلان انتخابات را در آن حدود منتشر کرده و یك انجمن جزوهم فرستاده است به تویسرکان که در آنجا این اوراق منتشر بشو و مطابق مقررات قانون انتخابات بعمل آید در این بین نظریه اطلاعاتی که بملایر رسیده همانطور که در راپورت تصریح شده است در آن موقع تهاجم الوار بآنجا پیش بینی شده بود و ممکن بود تهاجم الوار باانتخابات حوزه نهاوند مصادف شود و اشکالاتی تولید شود یکنفر بتصویب حکومت که شاهزاده محمد حسین میرزا نامی بوده است و در صورت مجلس نیز قید شده است از طرف حکومت وانجمن میرود در آنجا و یك مقدار زیادی اعلان در معابر آنجا بدیوار ها الصاق مینماید (این قسمت را خود متشکیان نهاوند هم تصدیق مینمایند مخصوصاً در یك ورقه شکایتی که رسیده است قید کرده اند که اعلاناتی از طرف انجمن برای ولایات ثلاث فرستاده شده و بدیوارها الصاق نمودند در صورتیکه معابر خالی از سکنه بود از طرف انجمن بآنها اطلاع داده

شده است که بیایند دردولت آباد در انتخابات شرکت کنید زیرا انجمن نمی‌توانسته‌است انتخابات رابرای اینکه این پیش آمد بسرای نهاوند محتمل بوده یا واقعشده توقیف کند و هیچ دلیلی هم از خارج‌نمی توانیم اقامه کنیم که انجمن آنها را محروم کرده انتخابات ولایات ثلاث با این قضایا تصادف کرده در همان‌وقت‌حکم ازطرف وزارت داخله بآنجاصادر شده که انجمن را تشکیل وانتخابات‌آنجا را شروع‌و خاتمه دهید انجمن بوظایف خودش رفتار کرده‌است در آنوقت یك کمیته در نهاوند تشکیل شده بود برای پیشرفت اتحادیه الوار برای مقاصد مخصوص یکنفر از تهران در آنجا بود و حمایت هائی کدر آنجا بآنها میشد اوهم یك کمك هائی میکرد که تصور میکنم بعضی از آقایان‌هم بدانند علی‌ای‌حال برای اینکه موافق حکم دولت یعنی وزارت داخله انتخابات آنجاخاتمه بیابدو اهالی‌نهاوند هم‌ازشرکت در انتخابات حتی القدور محروم نمانند اعلاناتی‌می‌فرستند . اما اینکه میگویند راه خیلی دوری دارد بنده‌نمیدانم مقصودشان از این راه دور چیست ملایر به نهاوند چقدر راه داردموافق اطلاعاتی که‌بنده‌دارم اقصر آن راههاپنج شش فرسخ است یك راه دیگر دارد که هفت فرسخ‌است‌خود شیخ الاسلام میگوید یك راه دیگری هم دارد گویا هشت فرسخ فاصله است‌بنابراین‌این‌مقدار راه‌راهی نیست که بشود گفت دوری راه یك دلیلی است برای اینکه انتخابات را از جریان قانونی خارج‌نماید و بعلاوه یك ماده از قانون انتخابات اختیار میدهد بانجمن نظارت‌مرکزی در خصوص تعیین انجمن های جزء اگر بگویند که جدول انتخابات سه حوزه را قید کرده است‌ونمی‌شود یا این ترتیب مخالفت کرد بنده‌عرض میکنم اینطور نیست‌برای اینکه این‌پیش‌بینی که در جدول‌انتخابات شده برای تسهیل امر انتخابات‌بوده و قانون‌انتخابات به انجمن نظارت مرکزی حق داده است که در هر جا لازم بداند انجمن جزء را تشکیل دهد و در هرجا لازم نداند تشکیل ندهد این ماده قانون بجای خود باقی است و شامل همه جا میشود پس بر فرض اینکه هیچ احتمالات خارجی هم نباشد ممکن است‌بحکم این ماده قانون انجمن نظارت مرکزی با تصویب حکومت اینطور صلاح دانسته باشد که اهالی نهاوند بیایند در ملایر شرکت کنند و نمی توانید بگوئید چون در جدول‌انتخابات نهاوندهم‌ذکر شده پس مخالف است برای اینکه جدول انتخابات‌برای تسهیل امر این قرار را گذارده است . قسمت دوم راجع باظهاراتی که کردند ویك حسابی هم کردند که‌بنده هم حقیقتاً‌نفهمیدم فرمودند ۱۹۰۰ رأی‌زیادی است البته باید آقای حاج شیخ اسدالله تصدیق کنند این مسئله که در راپورت نوشته شده برای این بوده است که شعبه میخواست‌بگوید ما کاملا دقت‌ورسیدگی کردیم ولی همانطور که شعبه‌باید حقوق عمومی‌رأی دهندگان را حفظ کند البته باید حقوق یك نماینده را هم محترم بشمار‌دوبدون‌سبب‌نمیتوان یکنفر‌نماینده را که در جریان انتخاب او هیچ اشکالی نیست رد نمود البته بایدشعبه دقت های خودش را بکند بنابر این حسابش را برای آقای حاج شیخ اسدالله عرض میکنم در صورت انتخابات مینویسددر تمام حوزه‌ها (البته دو حوزه بیشتر نبوده است یکی‌حوزه تویسرکان و دیگری حوزه ملایر چون در نهاوند انتخابات واقع نشد) ۳۹۱۴ ورقه تعرفه داده شده از این مقدار تعرفه که داده شده ۱۱۰ ورقه برنگشته ۱۱۰ ورقه که از ۳۹۱۴ ورقه کم کنم ۳۸۰۴ ورقه باقی می‌ماند نه‌آن‌مقداررای که جنابعالی فرمودید وچون انتخابات آنجا جمعی بود هرورقه شامل دورای میشود پس ما این‌عددرا مضاعف میکنیم یعنی ضرب در ۲ می کنیم ۳۸۰۴ را دوبرابر کنم ۷۶۰۸ رای فردی حاصل میشود برفرض اینکه درهرورقه دورای نوشته شده باشد و حال آنکه ممکن است ورقه سفیدهم داشته باشد پس مجموع آرائی که بنابراین فرض عاید میشود ۷۶۰۸ رای بایدباشد از این مقدار ۳۶۶۴ رای شامل حال ناظم‌العلماءمیشود بعد از ایشان ۳۱۰۲ رای شامل‌حال آقای شیخ‌الاسلام میشود این راهم که باهم جمع کنیم تقریبا ۷۰۰۰ رای می‌شود در صورت مجلس انتخابات غیر از این دونفر اسامی دیگری نداشت مثلا شخصی که درمرحله سوم‌است هشتصدوچند رای دارد همینطور یکعده اشخاصی که دارای رای هستند تامیرسد بکسی که یك‌رای دارد اسامی تمام آنها قید شده حالا وقتی که این آراء جزء را روی‌هم کلا باآراء این‌دونفر نماینده جمع کنم وآن‌آراء اولی‌را که خودمان‌حساب کرده بودیم از این مقدار کم میکنیم‌می‌بینیم ۱۹۵۰ رای زیاد میماند سه مرتبه هم حساب‌شده که‌هیچ‌اختلافی نباشد حالاماباید بصرف اینکه این‌عدد زیاد آمده بدون مدرك ودلیلی که صلاحیت انجمن مرکزی ما اعتماد اورا سلب کند آیا باید فورا ترتیب اثر بدهیم وبگوئیم این انتخابات غلط است (نه) غلط نیست این بود که خواستم بسرای حل ایسن مقصود حتی‌الامکان یك راه قانونی پیدا کنیم سه طریق را در نظر گرفتیم طریق اول که طریق قانونی است‌این است که‌درهرجا که آراء درصندوق زیاد باشد باید نشمرند وتطبیق بکنند باآن مقدار تعرفه که داده شده واگر یك مقدار رای زیاد آمد باید آن آراء زیادی را از مجموع بردارند البته این مطلب‌راتصدیق می کنند که مقدارش‌هرچه باشد باید بردارند پنج‌تا سه باید بردارند پانزده‌تا باشد بایدبردارند هرچه باشد باید بردارند قانون دراین جا بطور کلی میگویدهرمقدار که زیادباشد باید برداشت آنهم‌ازمجموع(البته این‌عده ۱۹۵۰ درنظر خیلی ممکن است بزرك بیاید) ولی‌قانون نمیگوید که اگر خیلی زیاد آمد نباید برداشت میگوید هرچه زیادآمده باید برداشت مگرمادامی که دلیل‌خارجی پیداشود که دراین کار اعمال‌دسیسه شده است ودراین جا قرائنی‌هم برای اثبات‌این‌امر موجود نیست بلکه برعکس‌است پس ناچاریم‌برای اینکه بواقع برسیم این‌طور فرض میکنیم که‌انجمن بعد از شمردن این آراء ۱۹۵۰ رای زیاد میآورد و البته چون اوراق یك‌رائی نبوده میبایستی نصف شود و نصف این اوراق باید برداشته شود چون این اوراق مشترك است بین آقای شیخ‌الاسلام و ناظم‌العلماءو دیگران وبطور حتم نمی‌توانیم‌بگوئیم فقط راجع به آراء ایشان است معهذا برای‌اینکه درست بواقع برسیم‌می‌بینم وقتی آراء تماماز‌آراء ایشان برداشته شود باز باقی‌مانده متجاوز از هزار شده و باز آرائیکه شخص سومی داشته هشتصد و خورده بوده زیادتر است این یك‌راه بود که بنظر شعبه رسیده و تصور میکنم‌مطابق قانون‌هم باشد.. طرین دوم که درراپورت اظهار شده این‌است که ممکن است روی هریك ورقه عوض دواسم زیادتر نوشته شده باشد یعنی همانطور که ممکن است‌ورقه سفید بین‌اوراق باشد ممکن است دو اسم‌هم‌زیادتر نوشته شده باشد چنانکه این مسئله در تهران ودر سایر جاها نیز خیلی دیده شده ومعمول است بعده اشخاصی که بایدمنتخب شوندازصدر ورقه میگیرند ومی‌خوانند ومابقی را کان‌لم‌یکن فرض نبوده‌وآنها را حذف مینمایندوباین‌جهت ممکن است تصورشود عوض اینکه رای دهندگان دو نفر را بنویسند سه یاچهار یاپنج‌نفررانوشته‌اند و این مسئله‌هم‌عیب‌نیست چون خیال کرده است که پنجنفر را بنویسد واز بین آنها هردونفری را انجمن بخواهد انتخاب کند باز ما برای‌ادراك واقع فرض میکنیم که این‌آراء زیادی ملحق به‌این اسم دونفر باشند بازهم میبینیم که اکثریت باآنها است این‌دو طریق . . طریق سوم ـ که باز در راپورت قید شده است که گفتیم شاید حسابیکه درصورت مجلس انتخابات شده اشتباه در اصل مسئله شده باشد وشاید درتعداد تعرفه‌انجمن اشتباه کرده‌باشد به‌این جهت شعبه رای داد که‌توسط مقام ریاست‌ازوزارت‌داخله تقاضا شود که‌امر بحکومت صادر کنند که اعضاء انجمن نظارت‌را حاضر کند و بعد رجوع بدفاتر و صورت مجلس سابق بکند و به بیند آیا اشتباه در تعداد تعرفه و در عده آراء شده باخبر اینکه فرمودید میخواستیددفاتررا بخواهیداین مسئله هم در شعبه مذاکره شد ولی شعبه رای داد که ابتدا به انجمن‌مراجعه شودبعد اگر چنانچه‌جوابهائی که از طرف انجمن داده‌میشود کافی‌نبودنتوانستیم مسئله را حل کنم آنوقت دفاتر را خواهیم خواست این مسئله‌هم پیش بینی شده بالاخره وزارت داخله‌به انجمن امرشد که ثانیا انجمن‌را تشکیل بدهندوراجع بعده تعرفه وچیزهای دیگر رسیدگی کنید و جواب دهید بعد از ده یاهشت‌روز دیگر یك تلگرافی از حکومت‌آنجا بوزارت‌داخله رسید که در آنجامینویسد هزار ورقه تعرفه برای‌تویسر کان‌فرستاده شده اگر در صورت‌مجلس قید نشده این سهو از طرف‌انجمن شده والا هیچ تردیدی نیست که هزار تعرفه‌هم‌برای آنجافرستاده شده بااین‌سابقه که انجمن‌نظار تلگراف میکنند که هزاروزقه تعرفه برای تویسر کلا‌فرستاده شده و درصورت مجلس قید نشده است وقتی‌این‌نتیجه را باآن سابقه وازدیاد آراء توام کنیم‌می‌بینیم‌عوض اینکه درصورت‌مجلس بنویسد ۴۹۱۴ تعرفه توزیع شده نوشته است ۳۹۱۴ تعرفه داده شده بنابراین فرض مسئله‌را اینطور حس می کنیم که هزار تعرفه به‌تویسر کان فرستاده‌شده وهزاروزقه‌رای‌هم‌برگشته هروزقه‌هم که دارای دورای باشد میشود دوهزاراین دوهزارهم آن آراءرا تکافی میکنند بالاخره برای اینکه شعبه بیشتر بواقع برسد این احتمالات‌را داده مسئله‌را اینطور تعقیب نموده بااین سابقه و اطلاعات اعتراضاتی را که آقای حاج شیخ اسد الله کردند متاسفانه بنده‌وارد نبودانم‌شعبه به‌اینطور رای‌خودش

را داده است و این هم مدارك شعبه است معذالك آقایان هرطور صلاح میدانند رفتارنمایند .

رئیس ـ آقای حاج آقا مخالف راپورت هستند ؟

حاج آقا ـ خیر بنده مخالف‌نیستم

رئیس ـ آقای آسیدیعقوب (اجازه)

آسید یعقوب ـ بنده موافقم

رئیس ـ آقای حاج‌شیخ‌اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله ـ بنده‌نمی‌خواستم‌دیگر در این‌زمینه حرفی بزنم ولی فرمایشات آقای تدین که نسبت به‌بنده قدری خارج از نزاکت بود مرا مجبور کرد که دفاع بکنم (تدین خارج از نزاکت نبود) و آن این است که بنده نظریاتم ازروی هیچ احساساتی نیست این مسئله را تکذیب میکنم بنده کمال ارادت‌را به‌آقایان‌نمایندگان‌ملایر دارم‌و آنهارا مردمان صالحی میدانم به این نظر این فرمایش آقای تدین را جدا تکذیب می کنم و می گویم از روی هیچ احساسات‌شخصی نبوده فقط ازروی‌جریان انتخابی‌بوده‌و توقع‌دارم‌پس‌ازاین درضمن‌فرمایشاتشان نسبت بسایر نمایندگان اینطور نفرمایند حال وارد میشوم درجریان انتخابات ـ آقا میفرمایند قانون‌حق داده است که انجمن نظار هرجا میخواهد انجمن جزء تعیین نکنند ... (تدین ـ تعیین بکند)

حاج شیخ‌اسدالله ـ اجازه میفرمائید مطلب خود را تمام کنم بنده عرض کردم انجمن جزء در نهاوند تشکیل نشده شما میفرمائید انجمن نظار حق دارد بلی شما فرمودید و بنده میگویم حق ندارد و باید آراء ملت محفوظ شود انجمن مرکزی باید در محلهائی که درقانون ذکرشده‌تشکیل‌انجمن جزءبدهد واگر تعیین‌نکرد بایدازروی‌یك دلایل واسنادی باشد انجمن مرکزی حق ندارد حقوق ملت راضایع کند این است که قانون انتخابات وقتی که انجمن مرکزی حق میدهد که انجمن جزء تشکیل کند نسبت بنقاطی است که‌درجدول قانون‌انتخابات‌ذکرنشده دراینصورت اهالی حق شکایت دارند .. برای چه ؟ برای اینکه فرضا اگرانجمن مرکزی قصور وتقصیری کرده‌باشد وحقوق ملت را ضایع کرده باشد مجلس باید آن نظریات را رد کرده و رای بتجدید یا تکمیل آن انتخاب بدهد.

چون این فرمایشات‌آقای تدین یك سابقه‌میشود که شاید درمجلس بماند لذا بنده تکذیب کرده واین حق را نمیتوانم به انجمن مرکزی بدهم که حق یك جمعی راضایع کند وانجمن‌جزء درهرجا که میل ندارد تعیین نکند خیر . میگویم انجمن نظارت مرکزی این حق را ندارد و باید درتمام نقاطیکه در جدول قانون انتخابات‌معین شده‌است انجمن مرکزی‌تشکیل بدهد واگرنداد باید دلائلش را بگوید نه این است که بگوید من صلاح ندانستم تشکیل ندادم ... حالا واردمیشویم درفرمایشات دیگرشان میفرمایند ازملایر یکنفر نماینده بنهاوند فرستاده شده است در حالتیکه نهاوند تخلیه شد وخالی ازسکنه بوده واعلان رابدر ودیوار الصاق کرده اند بنده تعجب میکنم ؟ برای چه اعلان را بدر ودیوار الصاق کرده اند ؟! برای اینکه (درآنجا) درو دیوار بیایند رای بدهند و یا اینکه تصدیق میکنند که نهاوند خالی از سکنه بوده بفرمایش خودشان دراین شهریا قصبه خالی از سکنه اعلان بدیوار چسبانیده اند که (آقای دیوار بیا رای بده) دیوار کجامیتوانندرای‌بدهد ؟ این است که بنده عرض میکنم انجمن نظارت مرکزی حق نهاوندی را تضییع کرده وبه این شدت نمی‌خواستم عرض کنم حقوق نهاوندیرا باطل کرده وآنان را محروم‌ازحق انتخاب نموده است و مدتی راکه برای اخذ اوراق تعرفه معین کرده است مقارن با اوقاتی بوده که اصلا اهالی درشهر نبوده بلکه فراری ومتواری بوده اند خودشان تصدیق میکنند که الوار به آنجا تهاجم کرده وناخوشی مسری درآنجاشدت داشته وشهرتخلیه شده بوده است وراجع به آراءهم تصدیق میفرمایند سه مرتبه حساب کردیم ۱۹۵۰ رای زیاد آمده است و خیلی تشکر میکنم از اینکه حسابشان صحیح بوده دیگراینکه میفرمایند این۱۹۵۰ رائی‌که زیاد آمده ممکن است انجمن نظار درصورت مجلس عده تعرفه را اشتباها نوشته باشند اگر این احتمال را میدهند پس خوب است احتمال بدهند که انجمن نظار در صورت مجلس اسم آقایان راهم اشتباه نوشته باشند مثلا ممکن است بگویند شیخ حسینعلی انتخاب شده از کجا میگویند که‌صدرالاسلام یا ناظم‌العلماء انتخاب شده اند این صورت‌مجلس است که‌نوشته وفرستاده‌اند ما باید ازروی این صورت مجلس اظهار عقیده کنیم اگراین احتمالی راکه ایشان میفرمایند بدهیم چطور ممکن است احتمال بصحت چنین انتخاباتی را بدهیم دیگراینکه میفرمایند باید دراوراقی که داده انداسم دونفرنماینده راکه نوشته باشند واحتمال دارد زیادتر ازدونفرنوشته شده باشند وانجمن نظار نفهمیده‌باشند وآراء آنها را باطل نکرده باشد ودرصورت مجلس هم ذکر آنها را نکرده است .. اگر انجمن نظار اینقدربی‌اطلاع وبی مشعربوده چطور بچنین انجمن نظاری میتوانیم اطمینان داشته باشیم انجمن که اطلاع ازقانون نداشته باشد وآرائی راکه باید باطل شود باطل نکرده باشد ونوشته باشد آنوقت بنده چطور این عمل آنها را صحیح بدانم وبه این انجمن نظار مطمئن بشوم ورای بصحت این انتخاب‌بدهم این‌است که بنده این انتخاب را صحیح نمیدانم و باید تجدید بشود تاآنکه نماینده حقیقی ملت معلوم شود.

تدین ـ بنده مجبورهستم درجواب آقای حاج شیخ اسد الله مختصر عرضی کنم یك چیز هائی را میفرمایند که بنده تصدیق کنم (و بنده هم در مقابل عرض میکنم که تکذیب میکنم) بنده عرض کردم فرمایشات شما ازروی احساسات است نه مقصودم این بودغرض شخصی‌دارم شما چرا اینطور تعبیر میفرمائید؟ خوب است بنوا توضیح بخواهید واگرعقیده بنده‌بر سر کار معلوم نشد آنوقت حق اعتراض دارید بنده مقصودم این بود که رعایت نزاکت را کرده باشم و نخواستم بگویم فرمایشات شما ازروی منطق و دلیل نبود حالااین احساساترا هرچه میخواهید تعبیر کنید؟ بنده عرض کردم مطابق قانون انجمن‌نظارت‌مرکزی حق‌دارد که درهرجا صلاح بداند انجمن جزء تشکیل دهد شما چرا مفهوم مخالفش راگرفتید (درهرجاکه صلاح نداند میتواند تشکیل ندهد) بنده ماده قانون را دو مرتبه تکرار کرده وعرض کردم ماده قانون میگویدانجمن نظارت مرکزی حق دارد درهرجائی که بخواهد انجمن جزء دائر کند و در اینجا صلاح ندانسته‌بواسطه‌یك‌پیش‌آمد هائیکه‌تصورمیکرده‌شاید موفق به اینکار نشود ودر ضمن برای اینکه اهالی نهاوند هم شرکت کنند نماینده بآنجا فرستاده‌واهالی رادعوت کرده‌میفرمایندبنده گفته‌ام‌بدیوارهای خالی‌از سکنه‌اعلان کرده‌اندبنده‌عرض کردم که‌متظلمین‌ومتشکیان اینحرف را گفته‌اند واین را هم که عرض کردم برای اثبات این قضیه بوده که درآن موقع‌نهاوندی ها بواسطه دویش آمد بعضی فرار کرده وبرخی نیز دچار وحشت و اضطراب بوده‌اند یکی‌بواسطه پیش آمد داخلی که عبارت بوده است ازیك‌مرض مسری که بعقیده خود نهاوندیها وبابوده و دیگر بواسطه زدو خوردهای خارج نهاوند که بین نظر علیخان ومهر علیخان واقع شده بود این دو مسئله موجب شده است آنهائیکه قدرت داشته اند فرار اختیار کرده و آنهائیکه توانائی نداشته‌اند از این قضایا متوحش بوده ودر نتیجه نتوانسته‌اند شرکت در انتخابات کنند اما اینکه میفرمایند انجمن در اینجا عمدا خطا کرده وحق نهاوندی ها را از بین برده است وتضییع کرده بنده انجمن را بیغرض‌می دانم و نمیتوانم بدون دلیل قطعی نسبت این قضایا را بیك انجمنی بدهم آن هم بانجمنی که طرف اتماد حکومت بوده وموافق باقانون تشکیل شده است مادامیکه یك دلیل قطعی بر خلاف صلاحیت انجمن مرکزی‌بدست نیاید و مادامیکه دلیل قطعی اقامه نشود بر اینکه انجمن اعمال غرض کرده و عمدا با فراهم‌بودن مقتضیات نهاوندی را ازحقشان محروم کرده است بنده نمی توانم این نسبت‌هارا بآنهابدهم در کجای قانون ودر کدام محکمه می شود یك جماعتی را مجروح کرده وبدون یك‌دلیل قطعی نسبت‌خطای‌عمدی‌بآنهاداد‌انجمن بحکم قانون از معتمدین محل تشکیل و مادامیکه ادله بر نفی صلاحیتش اقامه نشده وخلاف امانت از او مشاهده نگشته بصلاحیت خود باقی است بله ؟ بنده تاسف دارم که سکنه قصبه نهاوند متاسفانه در چند دوره انتخاب از این حق محروم مانده‌اند این تاسف را دارم ولی در این دوره اخیر موافق بیاناتیکه‌خود متشکیان میکنندواز طرف انجمن نظار هم اظهار میشود مانع مداخله وشرکت آنها در امرانتخابات فقط دو حادثه داخلی وخارجی بوده وابدا مربوط بانجمن نیست بنابراین عرض میکنم بدون یك‌دلائل وفلسفه های قطعی نمیتوان انجمن را مجروح کرد ضمنا یك جمله هائی هم فرمودند که بنده‌تکذیب می کنم .

رئیس ـ مجلس مذاکرات را کافی می داند ؟ (گفتند کافی‌است) رای میگیریم‌بنمایندگی آقای ناظم العلماء آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام‌نمودند)

رئیس ـ تصویب شدرای میگیریم‌بنمایندگی آقای شیخ الاسلام آقایانیکه نمایندگی ایشانرا تصویب میکنند قیام نمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس ـ تصویب شد رایورتی است راجع بآقای آقا شیخ ابراهیم‌زنجانی آقای عمادالسلطنه

مخالف بودند .

عمادالسلطنه — مخالفت بنده با اعتبار نامه آقای زنجانی از حیث جریان انتخابات و از حیث صلاحیت ایشان نبود بلکه خدمات ایشان را در مشروطه و معارف بنده خوب میدانم و عقیده‌ام این است که‌همیشه ازطرف مجلس شورای ملی‌باید خدماتشان قدردانی بشود لکن از حیث سن ایشان البته شاید بعضی ها مسبوق باشند مذاکراتی‌جریان دارد وبرای بنده هم‌اسباب شبهه شده بود این‌است که مخالفت بنده راجع بتعیین سن ایشان بود والا راجع بیك نماینده محترمی مثل ایشان ابدامخالفت نمی‌کردم باین جهت بعضی تحقیقات از خارج کردم ونمیخواهم طرف را معلوم کنم این است که از خود ایشان سوال میکنم اگر یك مدرکی برای تعیین سن خودشان دارند بفرمایند والبته بعدازاین که معلوم شد اول کسیکه صحت نمایندگی ایشان را تصدیق خواهدکرد خود بنده خواهم بود

آقا شیخ‌ابراهیم زنجانی — اولا اهل ولایت بنده بهتراز همه‌کس ازسن من مطلع‌هستند انجمن نظار سن بنده را معین و تصدیق کرده و باضافه تعرفه وزارت معارف و ورقه هویت دراینجا موجود است وعلاوه براین تاریخ تولدم را نوشته‌ام تولد بنده در ۱۲۷۲ درروز عید قربان بوده و بهمین جهت ابراهیم نام دارم وحالا شصت و هفت سال دارم چطور می شود یك مرتبه ده سال اشتباه بکند .

رئیس — دیگر اعتراضی نیست(گفته شد خیر) پس رای میگیریم بنمایندگی آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد راپورتی است راجع بوکالت آقای اقبال السلطان از کردستان

(آقای جلیل‌الملك راپورت مزبور رابمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه‌سوم بدوسیه وصورت مجلس انتخابات سقز وبانه و توابع‌رسیدگی نموده و راپورت آنرا ذیلا بعرض میرساند

انجمن مرکزی سقز پس از نشر اعلان از دوم صفر ۱۳۳۹ تا ۱۵ در سقز بتوزیع تعرفه و شانزدهم تا بیست و سوم باخذ آراء پرداخته و در بلوکات بانه و تیلکوه و خور خوره نیز انجمنهای جزء تشکیل داده ودر ۲۷ و۲۸ ربیع‌الاول کلیه آراء ماخوذه‌را استخراج نموده و انتخاب شاهزاده اقبال السلطان رئیس گمرك کردستان را با کثریت ۲۸۲۴ از ٦٤١٤ رای اعلان کرده است وپس‌از انقضای مدت قانونی ونرسیدن شکایت صورتمجلس واعتبارنامه مشارالیه رانزد حکمران کردستان‌فرستاد وحکمران‌معزی الیه‌صورت مجلس را بوزارت داخله ارسال واعتبار نامه را بخود اقبال السلطان‌سپرده است بنا بر مراتب معروضه چون انتخاب شاهزاده اقبال السلطان نقص قانونی نداشته ودر این مدت بهیچوجه شکایتی هم نرسیده است لذا شعبه سوم صحت نمایندگی ایشانرا از حوزه انتخابیه سقز و بانه وتوابع آن تصدیق می‌نماید .

رئیس — نسبت بنمایندگی آقای اقبال السلطان مخالفی هست (اظهاری نشد) پس رای میگیریم آقایانیکه نمایندگی آقای اقبال السلطان را تصویب میکنند قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب‌شدراپورتی است‌راجع‌بآقای سردار اقبال قرائت میشود .

(آقای تدین راپورت مزبوررا بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه دوم بدوسیه‌انتخابات بهبهان و کهکیلویه بدقت رسیدگی نموده وبرای‌استحضار مجلس‌شورای ملی عرض مینماید که انجمن‌نظارت مرکزی‌انتخابات در بهبهان درشهرجمادی‌الثانیه ۱۳۳۹ موافق‌قانون تشکیل ودر پنج نقطه دیگر ازقبیل کوه‌کیلویه و غیره پنج انجمن جزء دائر ساخته ودر تمام نقاط مزبوره موازی ۳۹٤٤ ورقه تعرفه توزیع وازاین مقدار موازی ۲٦۵۹ ورقه تعرفه با اوراق رأی برگشته و آقای سردار اقبال بختیاری باکثریت ۱۷۲۲ رأی‌از کل‌آراء واصله بوکالت دارالشورای ملی انتخاب شده است انجمن مرکزی پس‌از خاتمه استخراج آراء مدت یك هفته برای وصول‌واصغای شکایات منتظر و اصلا شکایتی نرسیده لهذا خاتمه انتخابات را اعلان واعتبار نامه باسم آقای سردار انبال‌صادرنموده‌است .

شعبه دوم‌جریان انتخابات بهبهان و کهکیلویه را موافق قانون دانسته وچون در ظرف ماه اول افتتاح مجلس‌هم شکایاتی نرسیده لهذا صحت‌انتخاب سردار اقبال بختیاری را از حوزه انتخابیه مزبوره تصدیق مینماید .

رئیس — راجع بوکالت آقای سردار اقبال از بهبهان اعتراضی هست (اظهاری نشد) رأی می‌گیریم‌بنمایندگی آقای‌سردار اقبال‌آقایانی نمایندگی ایشان را تصدیق می کنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد (اگر مخالفی نباشد ده دقیقه تنفس داده شود) در این وقت آقایان نمایندگان برای تنفس از مجلس خارج و پس از ده دقیقه جلسه در تحت ریاست‌آقای‌مدرس نایب‌رئیس تشکیل گردید .

نایب‌رئیس — باید شروع کرد بانتخاب رئیس دائمی .

فتح‌الدوله - بنده ورقه‌نداده‌ام

نایب رئیس - نظر باینکه اعتبار نامه شما نگذشته است نباید ورقه داده شود .

سردارمعظم - فقط کسانی نمیتوانند رای بدهند که برحسب رای مجلس‌عقب افتاده باشد‌آقای فتح‌الدوله‌حق‌دارند رای بدهند‌اما آقای دست‌غیب آقای معتمد السلطنه آقای تنکابنی حق ندارند شرکت بکنند ولی آقای فتح الدوله حق دارند

(در این موقع اوراق آراء توزیع و اخذ آراء بعمل آمده وآقای مستشار السلطنه شروع بتعداد مهره های تفتیشیه و اوراق آراء نموده و هریك شصت وپنج عدد بود)

سردارمعظم- سه نفربقرعه باید تعیین‌شود واستخراج آراء نمایند .

آقای مستشارالسلطنه شروع باستقراع نموده آقای بیان‌الدوله وآقای آقا میرزا هاشم آشتیانی و آقای رکن الملك بحکم قرعه تعیین وپس از استخراج آراء ...

آقای موتمن‌الملك به اتفاق ٦۵ رای بسمت ریاست دائمی‌معین‌شدند (ازطرف بعضی‌نمایندگان تبریك گفته شد)

نایب‌رئیس - چون وقت گذشته است‌تعیین سایرهیئت رئیسه بماند برای جلسه بعد حالا اگر آقایان صلاح میدانند روزیکشنبه باشد .

سردارمعظم- علت تاخیر یك شنبه‌چیست آقایانیکه میخواهند تبادل آراء بکنند قبول‌زحمت بفرمایند و بعوض اینکه وقت مملکت را تاخیر بیندازند وقت خود را تلف بکنند چون برحسب معمول جلسه باید روز شنبه تشکیل شود آقایانیکه دستجاتی دارند ومیخواهند تبادل افکار کنند امروز عصر وفردا را وقت خواهند داشت باینجهت علت تاخیرجلسه را بروزیکشنبه نمیفهمم .

نایب رئیس — آقای آقا سید یعقوب (اجازه نطق)

آقای آقا سید یعقوب - آقای سردار معظم با این‌فرمایشی که فرمودند تصدیق میفرمایند که چون مسئله تعیین هیئت رئیسه دائمی خیلی‌قابل اهمیت است واگر آقایان‌نمایندگان ازروی‌مشورت وتوافق‌آراء همانطورکه‌موفق بانتخاب رئیس‌دائمی شدند سایرهیئت رئیسه را نیز معین فرمایند بهتر است والبته‌مجلس ومملکت‌امورش شش سال‌تعطیل بوده از تاخیریکروز‌تضییع نخواهد شد .

نایب رئیس - گمان میکنم بنده ازاینکه تشکیل جلسه را به یکشنبه عرض کرده ام محقق بوده ام .

سردارمعظم - اولا چون تعیین جلسه با خود مجلس است‌بنابراین تصمیمات ریاست‌درتعیین آن کافی‌نیست ثانیا بیاناتی‌که آقای آقا سیدیعقوب کردند اصولا شاید کافی نباشد بالاخره بنده (با وجودا‌ینکه میدانم مغلوب‌اکثرخواهم‌بود)اظهارات خود را صحیح دانسته وعرض‌میکنم‌که دریك‌همچو مذاکره کوچك (یعنی توافق نظربین دودسته در مجلس برای انتخاب‌هیئت رئیسه) اگربیش ازچهل وهشت ساعت وقت لازم باشد بهمین فلسفه ومنطق لازم میآیدکه برای مسائل واجب تر قائل بششماه وقت بشویم واگربرای انتخاب دونفر نایب رئیس وچهارنفرمنشی (که قبلا شاید همه میدانند کیست)

ازامروز تا صبح شنبه برای تبادل افکار کافی‌نباشد تصورنمیکنم‌که این مملکت دردوره دوساله مجلس شورای ملی بتواند قادرباخذ تصمیمات خیلی‌سریعی بشود از همین نقطه نظر است‌که بنده هیچ علتی نمی‌بینم‌که مجلس درروزشنبه که روزعادی جلساتش میباشد تشکیل گردد ولی بالاخره یقین دارم که عقیده من مغلوب آراء اکثریت خواهد شد .

نایب رئیس — مذاکرات کافی نیست ؟ آقای نصرت الدوله پیشنهاد کردند که جلسه روز یکشنبه تشکیل شود .

آقا سیدیعقوب - اجازه میفرمایند .

نایب رئیس - گفتند مذاکرات کافی است. کسانیکه با پیشنهاد شاهزاده نصرت‌الدوله موافقند قیام نمایند (اکثرقیام نمودند)

نایب‌رئیس - تصویب شد جلسه روزیکشنبه سه ساعت قبل ازظهر خواهد بود .

مجلس نیمساعت بعد ازظهرختم شد

رئیس‌مجلس شورای‌ملی **موتمن‌الملك**

جلسه ۱٦
صورت مشروح‌مجلس صبح یوم یکشنبه(۱٦)شهر ذیحجة الحرام ۲۹ مطابق ۲۶ برج اسد ۱۳۰۰

مجلس یکساعت وربع قبل از ظهر در تحت ریاست آقای موتمن‌الملك تشکیل گردید

(صورت‌مجلس‌یوم‌پنجشنبه۱۳ را آقای‌مستشار- ع (۱) مجدداً بر حسب حکم ثانوی وزارت داخله توقیف مرتفع وامر باستخراج آراء کرده‌اند ولی در دوسیه اسنادی‌که جهة توقیف انتخابات از آن فهمیده بشود وجود ندارد معلوم نیست بچه علت وزارت داخله انتخابات را توقیف کرده‌اند بالاخره پس از رفع توقیف بقیه آراء قرائت شده آقای نظام‌الدوله باکثریت (۵۳۳۰) و آقای نصیر - السلطنه باکثریت (٤۳٦۱) بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شده‌اند پس از قرائت آراء و تشخیص اکثریت بحکم وزارت داخله یك شعبه نظارت در کجور تشکیل داده (۱۵۰۰) ورقه توزیع کرده‌اند درنتیجه استخراج آراء حوزه کجورمقداری‌برعده‌آراء اشخاصی که سابقا اکثریت داشته‌اندافزوده میشود وتغییری باصل انتخابات‌نمی دهد دوورقه شکایت‌بامضای‌جمعی نظار رسیده‌انجمن وشعبه‌شکایت آنهاراواردندانستند نظربحسن جریان انتخابات‌شعبه‌اول صحت انتخابات‌بارفروش‌ونمایندگی آقایان نظام‌الدوله ونصیرالسلطنه راتصدیق‌می‌نماید

رئیس — وکالت آقای نظام‌الدوله‌موضوع بحث است نسبت بنمایندگی ایشان مخالفی نیست ؟

محمدهاشم‌میرزا - بنده مخالفم

آقاسیدیعقوب - بنده مخالفم

رئیس — پس میماند برای جلسه دیگر . نسبت بوکالت آقای نصیر السلطنه مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) رأی میگیریم بنمایندگی ایشان آقایانیکه نمایندگی آقای نصیرالسلطنه را تصویب می کنند قیام نمایند (اکثر نمایندگان قیام‌نمودند)

رئیس — تصویب شد قبل از شروع بتعیین هیئت رئیسه دائمی لازم است خاطر آقایان را متذکر کنم که آقای ارباب کیخسرو که فعلا بواسطه کسالت مزاج غایب با اجازه ودرخارج شهرهستند صورت مشروح ومفصل ازاعمال ومحاسبات خود در شش ساله دوره فترت نوشته و بمجلس فرستاده اند که قرائت شود. گمان میکنم تمجیدات بنده‌دراین موقع ازآقای ارباب کیخسروزائد باشدزیراآقایانی که دردوره دوم وسوم مجلس بوده‌اند بخوبی‌ازدرجه لیاقت وفعالیت و کاردانی ایشان مسبوق‌ومستحضرند (گفته شد صحیح است) شرحیکه ایشان نوشته اند بسیار مشروح ومفصل است مطابق نظامنامهٔ‌داخلی مجلس بدواً بایستی بکمیسیون‌محاسبات‌رفته‌ودر آنجا بدقت ملاحظه نموده و بعد بمجلس مراجعه دهند و پس از آنکه از کمیسیون مراجعت نمود مشروحاً قرائت خواهد شد .

رئیس — آقای سردار معظم(اجازه‌نطق)

سردار معظم — بنده‌خیال داشتم که‌شرحی درزمینهٔ خدمات آقای ارباب کیخسرو عرض نموده و اظهار تشکر نمایم ولی چون مطلب رجوع به کمیسیون میشود واز کمیسیون راپورت مشروح آن بمجلس خواهد آمد لذا برای اظهار تشکر موقع خواهم داشت این است که فعلاعرضی ندارم .

رئیس — آقای حاج شیخ اسداله(اجازه)

حاج‌شیخ اسدالله — یك قسمت از این مطلب که راجع بمحاسبات است البته بکمیسیون رجوع خواهد شد ولی راجع بخدماتی که آقای ارباب کیخسرو دردوره فترت نموده‌اند و زحماتیکه دربرقراری مجلس متحمل شده بحال‌اولیه‌نگاهداشته اند(که اگر فی‌المثل یك اندازه سستی از جانب ایشان بروز میکرد بنده شخصاً تصور میکنم که ترتیبات مجلس ابداً بوضع حالیه باقی‌نبوده ومجلس شورای ملی برای تأسیس مجلس جدید مجبور بود مخارج فوق‌العاده رامتحمل‌شده وبالاخره باشکالات زیادی برخورد) علیهذا لازم میدانم تشکرات خود را درهمین جلسه‌معروض دارم (گفتند صحیح‌است)

رئیس — آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل — بنده نیزمیخواستم‌راجع بخدمات وزحماتی‌که آقای ارباب کیخسرو درحفظ اساس مجلس متحمل شده‌اند تشکرات‌خودرامعروض دارم ولی همان قسم که آقای‌سردار معظم فرمودند چون این مسئله از کمیسیون بمجلس راپورت‌میشود درآنوقت برای عرایض خود موقع خواهم داشت معهذا لازم است متذکر گردم که بایستی مجلس خدمات ایشان‌را قدربداند (بعضی تصدیق‌نمودند)

رئیس — بنده نیز خدمات آقای ارباب کیخسرو را قبلا تصدیق نموده ولی چون مطابق معمول این نوع مسائل بایستی بکمیسیون محاسبات مراجعه شود لذاگمان میکنم این مذاکرات‌درآن موقع باید گفته شود. انتخابات امروزعبارت‌خواهد

بود ازدونایب رئیس. چهارمنشی - وسه مباشرابتدا شروع میکنیم بانتخاب نواب رئیس وانتخاب آنها فردی خواهد بود قبلا یك نایب رئیس انتخاب شده ودرثانی نایب رئیس دیگر. (دراین موقع اوراق آراء توزیع وچند نفری از نمایندگان برای اخذ مهره تقتیشیه وتسلیم‌اوراق‌رأی خودحرکت‌نمودند)

رئیس — قبل ازآنکه بنده اعلام کنم نمی بایست تشریف بیاورید مراجعت کنید بنشینید وپس از اعلام تشریف بیاورید. (آقایان مزبوره‌مراجعت ودر کرسیهای خود جلوس نمودند)

رئیس — تکلیف رأی دادن اینست که هریك از آقایان تشریف آورده بنوأ یك مهره تقتیشیه گرفته بعد ازاخذ مهره رأی‌خودرادرظرف ثانی انداخته وبعد تشریف‌میآورند بالامهره تقتیشیه دراین ظرف که بالاگذارده شده میاندازند وبجای خود مراجعت مینمایند. (آقایان نمایندگان بترتیب مذکور رفتار نموده وبرای استخراج آراءآقایان سلطان‌العلماء وآقاسیدحسن‌مدرس‌وآقای وقارالملك بحکم قرعه معین‌وآقای‌وقارالملك مهره های‌تقتیشیه را شماره نموده وتعداد آن ٦٤ بود (آقای حاج آقا اجازه نطق خواستند از طرف آقای رئیس اجازه داده نشد وآقای‌وقارالملك‌اوراق‌را نیزشماره نموده ٦٤ عدد بود)•

رئیس — آقای حاج آقا راجع بقرعه می خواستید چیزی بفرمائید ؟

حاج آقا — خیر عرضی‌ندارم اشکالی‌بنظر بنده رسیده بود ماده دوم رفع آن اشکال‌رانمود.

(آقای وقارالملك صورت آراء را قرائت نمودند وبطوریکه ذیلامندرج‌است نتیجه‌حاصل‌شد)

آقای امیراعلم ٤٢ رأی- آقای‌مدرس۹ رأی آقای سردار معظم خراسانی ۳ رأی ورقهٔ سفید علامت امتناع ۳رای آقای‌مستوفی الممالك ۲ رأی - آقای سلطان العلماء ۲ رأی - آقای میرزاهاشم‌آشتیانی ۱رأی آقای نصرت‌الدوله ۱رأی - آقای سلیمان میرزا ۱ رأی - آقای‌حکیم الملك ۱ رأی- آقای‌صمصام السلطنه ۱ رأی-آقای مشیر الدوله ۱ رأی•

رئیس - آقای امیر اعلم با کثریت ٤٢ رأی از ٦٤ نفررأی دهندگان بسمت‌نیابت ریاست‌انتخاب شدند حالا شروع بانتخاب نایب رئیس دیگرخواهد شد •

امیر اعلم - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید•

امیر اعلم-ازاین‌حسن ظن آقایان‌نمایندگان بسیار متشکرم•

(مجددا اوراق رأی توزیع گردید)

رئیس - آقایانی که رأی خودشان‌را نوشته اند تشریف بیاورند (آقایان نمایندگان بترتیب سابق الذکر مهره تقتیشیه اخذ و اوراق رأی خود را تسلیم نمودند و پس از شماره اوراق‌رأی ومهره های تقتیشیه تعداد هریك ٦٣ و پس از استخراج آراء بترتیب ذیل نتیجه حاصل گردید:

آقای مدرس ۳۹ رأی - قای تدین ۸ رأی آقای‌سلیمان‌میرزا۲ رأی -آقای میرزاهاشم آشتیانی ۲رأی -آقای مستوفی الممالك۲رأی - آقای‌آصف الممالك ۲ رأی - آقای حکیم الملك ۱ رأی - آقای حاج آقا شیرازی ۱ رأی — آقای عمید السلطنه۱ رأی -آقای سردار معظم‌خراسانی۱رأی ورقه سفید علامت امتناع ۳رای

رئیس- آقای‌مدرس باکثریت ۳۹ رای از آراء ٦٠ نفررای‌دهندگان انتخاب شدند(گفته‌شد ازشصت‌وسه‌نفر)•

رئیس - سه نفر امتناع نموده و ورقه سفید داده بودند (بعضی تصدیق‌نمودند) .

مدرس - بنده کرارا از آقایان تقاضا کرده‌ام که مرا ازاین خدمت معاف دارند ولی چون مدت این‌انتخاب‌یکماه ونیم بیشتر نیست‌صلاح دید آقایان‌را قبول میکنم ولی‌درآتیه امیدوارم‌مرا ازاین خدمت معاف فرمائید •

رئیس - بنده نسبت بحق خودم ازاین‌رائی که آقایان‌داده‌اند متشکرم •

نصرة‌الدوله - همه متشکرند .

رئیس - شروع بانتخابات آقایان منشیان می‌شود چهارمنشی بانتخاب جمعی بایدمعین شود (در این وقت اوراق توزیع واخذ آراء بعمل آمد)

رئیس- آقایان مستخرجین تشریف‌بیاورند. (آقایان مدرس وسلطان العلماء ووقارالملك‌حاضر وشروع به‌تعداد واستخراج آراء نمودند و نتیجه اینطور حاصل‌شد) . مهره‌های تقتیشیه واوراق‌رای هریك ٦٣ .

آقای آصف‌الممالك ٤٥ رای - آقای امیر ناصر ٣٤ رای - آقای سهام‌السلطان ٣٩ رای - آقای ملك‌الشعراء ٣٠ رای - آقای میرزا براهیم خان ١٩ رای آقای فهیم‌الملك ١٦ رای - آقای آقامیرزا ابراهیم قمی۸رای - آقای شیخ الاسلام ملایری ۷رای- آقای بیان‌الدوله ۷ رای - آقای عمادالسلطنه طباطبائی ٤ رای - آقای سلیمان میرزا ۳ رای - آقای نصیر دیوان ۳رای آقای آقامیرزاهاشم آشتیانی ۲ رای-آقای عمیدالممالك ۲ رای — آقای رکن‌الملك ۱ رای - آقای‌تدین ۲ رای - آقای منتصرالملك۲رای - آقای‌مساوات ۱ رای - آقای جلیل‌الملك ۱ رای - آقام احتشام الدوله ۱ رای - حاج میرزا اسدالله‌خان ۱ رای - آقای‌مستشار السلطنه۱رای- آقای‌وقارالملك۱رای-آقای‌دکترلقمان ۱رأی- لایقره ۱اسم - ورقه سفید علامت امتناع ۲

رئیس - ۳نفر ازآقایان منشیان باکثریت انتخاب شده‌اندکه عبارتند از آقای آصف‌الممالك با کثریت ٤٥ رای وآقای امیرناصر باکثریت ٣٤ رای‌وآقای‌سهام‌السلطان‌باکثریت۳۹رای ولی‌منشی چهارمی چون اکثریت ندارد بایستی تجدیدشود•

چون فردا تعطیل وروز سه شنبه‌هم عید غدیراست‌و بایستی حضور اعلیحضرت همایونی مشرف‌شد جلسه آینده بروز چهارشنبه باید موکول شود بعقیده‌بنده اگر آقایان موافق باشند خوبست تشکیل جلسه را بامروز عصر قراربگذاریم تایکنفر منشی و ۳ نفر مباشرین انتخاب شده وضمنا در پایان آن از بعضی امورات فوری‌مذاکره‌شود . (جمعی‌تصدیق‌نمودند)

رئیس - پس جلسه امروز عصر دوساعت قبل از غروب خواهد بود (مجلس نیم ساعت بعد ازظهر ختم‌شد) •

صورت مشروح مجلس عصر مورخه یکشنبه ۱٦ ذی‌حجه ۱۳۳٦ مطابق ۲۹ برج اسد ۱۳۰۰

مجلس نیم ساعت قبل ازغروب درتحت ریاست آقای موتمن‌الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس صبح را آقای امیرناصر قرائت نمودند)

رئیس — نسبت بصورت مجلس مخالفی نیست •

آقا سید یعقوب — در صورت مجلس نوشته شده انتخابات مازندران خوب است‌نوشته‌شود انتخابات بارفروش•

رئیس — صحیح است بار فروش نوشته خواهد شد•

آصف الممالك — بعد ازانتخاب سه نفر منشی درجلسه قبل آقای رئیس فرمودند که نسبت به یك نفر دیگر اکثریت حاصل نشده وباید در ثانی رای گرفته شود این مسئله نوشته نشده•

رئیس - این فقره هم اصلاح میشود دیگر اعتراضی نیست (گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس با این دوفقره اصلاح تصویب شد - دستورامروز انتخاب یك نفر منشی و سه نفر مباشر میباشد ولی قبلا (اگرمخالفی نباشد) نسبت به راپورت شعبه راجع بنمایندگی آقای آقا میرزا طاهر تنکابنی که قرائت‌شده بود وآقای محمد هاشم‌میرزامخالف‌بودندچون رفع سوء تفاهم آقای محمد هاشم میرزا شده است رای گرفته شود (بعضی تصدیق نمودند)

رئیس — آقای محمد هاشم میرزا اظهاری دارید •

محمد هاشم میرزا — بلی البته خاطر آقایان مسبوق است که چند روزقبل‌بنده با انتخابات آقای تنکابنی‌مخالفت کردم وتقاضا کردم کمیسیونی تعیین شود که اظهارات خود را در آن کمیسیون بعرض آقایان برسانم یا قانع شوم یا اگرقانع‌نشدم بر مخالفت خود بیفزایم وفعلا بطور مختصر عرض میکنم که مخالفت بنده درمورد نمایندگی آقامیرزا طاهر برای این بود که شنیده بودم معزی‌الیه رئیس کمیته دموکرات بوده اند وبیانیه‌صادره از کمیته را که راجع بتصویب قرارداد بوده امضاء کرده اند و چون امضاء چنین بیانیه را بنده‌مضرومنافی بامصالح

مملکتی ومخالف عقیده وجمعیت دموکرات‌میدانستم با صلاحیت نمایندگی منافی بوده باین مناسبت با نمایندگی آقای تنکابنی‌مخالفت کرده ومطابق‌رای مجلس شورایملی رجوع بکمیسیونی گردیده که از طرف مجلس بقرعه تعیین شد آقای تنکابنی حاضر شده واظهارداشتند که‌هم‌چه نوشته رااامضاءنکرده‌اند وعقیده هم بانتقاد قرار داد نداشته وندارند و اصلا منتخب از جمعیت کمیته دموکرات نبوده اند در اینصورت البته زمینه مخالفت بنده از بین میرود

رئیس - پس در اینصورت دیگر اعتراضی نیست •

حاج‌آقای شیرازی - بعد از آنکه ایشان قانع شدند دیگرمخالفی نیست•

رئیس - پس رأی میگیریم بنمایندگی آقای آقا میرزا طاهر تنکابنی آقایانی که‌نمایندگی‌ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد حالا باید یکنفر منشی انتخاب شود (اوراق رأی توزیع شد)

رئیس - آقایان ممکن است تشریف بیاورند و اوراق آراء خود را بدهند (در این وقت اخذ آراء بعمل آمد- آقایان مدرس- سلطان العلماء و وقارالملك مهره های تقتیشیه و اوراق رأی را تعداد نموده و پس از قرائت آراءبطوری که ذیلامندرج است نتیجه حاصل گردید).

عده آراء و مهره های تقتیشیه‌هریك ٥٨ آقای ملك الشعراء ۳۳ رأی - آقای فهیم الملك ۱۷ رأی - آقای بیان الدوله۳ رأی‌آقای میرزا ابراهیم قمی۱ رأی‌ورقه سفید ٤

رئیس-عده‌رأی‌دهندگان٥٤ نفربوده اندچون از ٥٨ نفر چهارنفررأی نداده‌اند آقای‌ملك‌الشعراء با کثریت۳۳رأی‌انتخاب‌شدند حالاباید‌آقایان سه‌نفر مباشر بانتخاب‌جمعی‌انتخاب فرمایند اوراق رأی‌توزیع شد .

رئیس- آقایانی که رأیشان حاضر است‌ممکن است تشریف بیاورند و آراء خود را بدهند (اخذ آراء بعمل آمد)

رئیس - چون‌آقای مدرس غایب‌هستندیکنفر دیگر بجای ایشان معین میشود(آقای جلیل الملك بحکم قرعه معین‌و باتفاق‌آقایان و قارالملك‌وسلطان العلماء اوراق آراء و مهره های تقتیشیه را تعداد و پس از استخراج آراء بترتیب ذیل نتیجه حاصل گردید) عده آراء و مهره های تقتیشیه هر یك ٥٨

آقا شیخ محمد جواد ٤٣ رای- آقای ارباب کیخسرو٤٠رأی- آقای‌رفعت‌الدوله ٢٦رأی‌آقای حاج میرزا اسدالله‌خان کردستانی ٢٦ رأی- آقای امین التجار ٤ رأی - آقای میرزا ابراهیم قمی٥ رأی - آقای عمید الممالك ۳ رأی‌آقای منتصر - الملك ٤ رأی آقای احتشام الدوله ۳ رأی آقای دکتر لقمان۲ رأی- آقای معتضدالدوله ۱رأی آقای حاج شیخ اسدالله یك رأی ورقه سفید علامت امتناع۳

رئیس - برای دو نفر اکثریت حاصل شده از این قرار که٥٥ نفررأی داده اند آقای ارباب کیخسرو باکثریت ٤٠رأی و آقای آقاشیخ محمد جواد باکثریت ٤۳ رأی انتخاب شدند ولی برای سومی باز تجدید انتخاب بعمل آید (مجدداً اوراق آراء توزیع گردید).

رئیس — آقایانی که رأیشان حاضر است ممکن است تشریف بیاورند (اوراق آراء ماخوذ ومجدداً تعداد و استخراج آراء بتوسط آقایان سلطان العلماء وخلیل الملك ووقارالملك بعمل‌آمده نتیجه اینطور حاصل شد) .

عده مهره‌های تقتیشیه واوراق‌آراء هریك٥٨ آقای حاج میرزا اسدالله‌خان ٢٦رأی - آقای رفعت الدوله ٢٤ رأی - آقای احتشام الدوله ۲ رأی آقای امین‌التجار ۲رأی - آقا میرزا ابراهیم قمی ۱رأی - ورقه لایقره ۱ورقه سفید ۳

رئیس — نتیجه حاصل نشد اولا برای این که عده آراء کافی نیست و ثانیا از٥٨ نفر چهار نفر رأی نداده‌اند عده کافی نبود و اگر یکی از آقایان هم دارای سی یا ۳٥ رأی بودند معذالك انتخاب نمیشد پس می‌ماند برای جلسه آتیه- آقای سردارمعظم راجع به انعقاد عهد نامه بین ایران و چین اظهاری دارند اگر مخالفی نیست اظهارشان را بفرمایند (اظهاری نشد)

رئیس — تشریف بیاورید •

سردار معظم — مطلب بنده مختصر است در شماره ۲٥ ستاره ایران که اینجا موجود است بتاریخ دوازدهم ذی‌حجه بنده خواندم عهدنامه مابین دولت ایران ودولت‌چین بنمایندگی آقای‌مفخم‌الدوله وزیر مختار ایران دررم منعقد شده است بنده اساسا موافق هستم که دولت ایران باید باتمام دول دنیا دارای عهدنامه بشود و روابط سیاسی پیدا کند و تصور میکنم دراین موضوع مترجم‌عقاید واحساسات تمام نمایندگان مجلس خواهم بود ومیگویم که بنا اصل معاهده ما کاملا همراهی داریم چیزی که بنده را مجبور کرده است که اینجا آمده واین عرایض‌را بکنم فقط لزوم مراعات قانون اساسی‌وقوانین‌عادی مملکت است خود من می‌فهمم چرا قوانین یك‌قدری محفوظ نمی‌ماند زیرا طول مدت دوره فترت احترام قوانین را از خاطرها برده وکافه مثل این است که مافراموش کرده‌ایم که قوانین داریم که حفظ‌احترام آنها برماواجب است وبعقیده بنده اولین ومهمترین وظیفه وتکلیف مجلس شورای ملی این خواهد بود که همیشه دیده‌بان و قراول حفظ قوانین باشد و در هرموردی که نقصی نسبت بقانون اساسی و قوانین عادی مملکت پیداشود باید فوراً متذکرشده یاد - آوری و اخطار کند وظیفه مجلس شورای ملی این است که بملت ایران خاطرنشان کند که قانون‌حاکم منحصر بفرد ما است لاغیر قانون باید محترم و محفوظ باشد وبالاخره مابایدد این اصل‌رابملت ایران خاطرنشان کنیم که متابعت از خلاف قانون خود در حکم ارتکاب خلاف قانون است و نباید زیر بار ارتکاب خلاف قانون رفت اصل ٢٤ قانون اساسی معین کرده است هرمعاهده که منعقد میشود اعم از اینکه مجلسی موجود یادرغیاب مجلس باشد در هر موقعی ازمواقع زندگانی این مملکت که باشدمادام که بتصویب مجلس شورای‌ملی نرسد ازدرجه اعتبار ساقط ودرحکم صفراست وهیچ اعتباردنداردبنابراین بنده از کرسی مجلس شورای ملی (نظر باین که دراینجا هنوز یك مخاطبی ندارم که باوخطاب کنم) همین طور فریاد میکنم و از رئیس محترم مجلس استدعا میکنم که نظر من رااز مجاری که خودشان مقتضی میدانند بسمع کسانی که صلاحیت‌دار این کار هستند برسانند که اصولا هیچ معاهده تا بتصویب مجلس نرسد مطابق اصل ٢٤ قانون اساسی اعتبار ندارد بنابر این بامحرز بودن این اصل اگر دولت ما میخواهد معاهده باجمهوری چین داشته باشد (من خودم کمال موافقت را بااصل مطلب دارم)باید آن معاهده را به مجلس بیاورد اگرمجلس تصویب کرد آنوقت اعتبار خواهد داشت والا باز تکرار میکنم که هیچ معاهده وقراردادی اعم ازاینکه بعدها هم بشود اعتبار نخواهد داشت و ملت ایران اورا قبول نمیکند مگرآنکه بتصویب مجلس شورای‌ملی برسند (مجلس تصدیق نمودند) •

رئیس - همانطوریکه اظهار فرمودند انعقاد قرار داد بدون تصویب مجلس شورای ملی مخالف قانون اساسی است ومطلب طوری واضح است که اگر فرضا ایشان‌هم اظهار نمی‌نمودند بنده تکلیف خودرا میدانستم که به هیئت دولت تذکر بدهم‌فقط سوء تفاهمی که تولید شده این است که همانطور که آقای سردار معظم اظهار فرمودند پسی در پی دوره‌های فترت پیش آمده و بعضی قوانین موقتی وضع گردیده وتقریبا رعایت قوانین اساسی وبعضی قوانین دیگر نکرده‌اند ولی بعدها انشاءالله رعایت خواهد شد مسئله دیگر این‌کهم آقای حاج آقاز بنده تقاضا کردند که در اولین جلسه رسمی بایشان اجازه داده شودنطقی‌راجع به‌سیاست خارجی‌وداخلی ورویه ومسلك‌خودشان واصلاحاتی که در ممکت‌باید بشود بنمایند بنده عرض کردم که منوط باجازه مجلس است وچون غرض ایشان این است که در جلسه دیگر نطقشان‌را بیان نمایند وظیفه بنده این است که‌ازحالا رای بگیریم که اگر مجلس‌رای‌داد جزءدستور بشود

حاج آقا- اجازه میفرمائید بنده در این زمینه عرایضی‌بکنم .

رئیس - بفرمائید .

حاج آقا - بنده مدتهای مدید در تمام ایام دوره فترت آرزو میکردم که یك موقعی موفق بشوم دراین مقام رسمی اصلاحات لازمه که درنتیجه تجربه دوازده ساله حاصل کرده‌ام وبنظر خودم‌لازم والزام از هر اقدامی برای دولت است می توانم عرضه داشته وبه نمایندگان‌محترم ملت پیشنهاد کنم وچون‌درآن زمینه درسابق‌هم مذاکراتی نکرده‌ام این‌را مسلك ورویه وعقیده خودم میدانم بنده یقین دارم که اصول اصلاحات‌را البته تمام افراد آقایان وکلا می‌دانند ولی چون درنظامنامه مجلس شورای ملی همچه ماده پیش بینی نشده بود که اگریکنفر وکیل اصلاحاتی درنظر داشته‌باشد و بخواهدبیان کند درتحت چه عنوان‌باید باشد ازاین جهت‌تقاضا کردم که در اولین‌موقع افتتاح‌رسمی پارلمان‌آقایان این اجازه‌را بمن بدهند و این مساعدت را با بنده بفرمایند که‌بنده‌یك سلسله‌مطالب‌لازمه که‌یقین‌دارم‌خود آقایان‌هم یك‌قسمت از آنهارا تصدیق می کنند‌بیان

کنم وچون اولین وظیفه مجلس را اقدام در آن اصلاحات میدانم باین جهت از آقای رئیس تقاضا کردم که علی الاصول به بنده اجازه بدهند ولی چون فرمودند درنظامنامه این مسئله پیش‌بینی نشده وبسته به رای مجلس شورای ملی است این است که عجالتا از آقایان وکلا تقاضا میکنم که اجازه بفرمایند یك سلسله عقاید واصلاحاتی را که بنظر رسیده خدمتشان عرض کنم واگر تصدیق فرمودند ممکن است بابنده در اجرای آن اصلاحات مساعدت کنند این است استدعای بنده از تمام رفقای خودم .

رئیس - بنده خدمتشان عرض کردم درموقعی که هیئت دولت انتخاب میشوند و به‌مجلس تشریف می‌آورند وپروگرام خودرا تقدیم می‌نمایند. آن موقع موقعی است که از همه چیز چه از داخل و چه از خارج میشود حرف زد معهذا چون ایشان اینطور تقاضا نمودند لذا بنده باید رای بگیرم .

حاج آقا - علت تقاضایم را عرض کردم چون راجع به‌هیئت دولت نیست مسلك ورویه خودرامی - خواهم اظهار کنم .

رئیس - آقای حاج‌شیخ‌اسدالله (اجازه)

حاج‌شیخ اسدالله - بنده اساسا عقیده‌دارم که آقایان نمایندگان نظریات‌خودرا درمجلس اظهار ومشی سیاسی خودرا اعلام کنند لکن اینکه آقای حاج آقا فرمودند که درنظامنامه پیش‌بینی نشده تصور میکنم درنظامنامه پیش‌بینی شده زیرا درتحت‌عنوان طرح قانونی نظامنامه بنمایندگان حق داده است که نظریات اصلاح طلبانه خودشان را بعنوان طرح قانونی به‌مجلس پیشنهاد کنند والا فقط یك اظهاراتی درمجلس بشود چه‌نتیجه دارد وفرضا بنده یك عقایدی

راجع باصلاحات دارم وخیلی هم برای مملکت مفید است همینقدر که اینجا اظهار کردم رسمیت ندارد باید بمجلس پیشنهاد بشود تامجلس در آن زمینه مذاکره کرده سپس رأی گرفته وبموقع اجرا وعمل گذارده شود والا همینکه آقا فرمایشاتی فرمودند نتیجه عملی ندارد وفقط اظهار کردن کافی نیست و باید پیشنهاد بشود اگر چه ممکن است در ضمن پروگرام وزراء هم مقاصد خودشان را بگنجانند اگر صورت نگرفت بازبعنوان طرح قانونی پیشنهاد بکنند ودرمجلس رأی گرفته شود تا عنوان قانونی پیدا کرده و اجرا شود و بازهم عرض میکنم اگر بخواهند اظهاراتی کنند بنده مخالف نیستم و البته بتمام نمایندگان باید اجازه داده شود که راجع به مملکت هر چه صلاح و خیراندیشی میدانند اظهار نمایند مطلب واضح است وبیش ازاینهم مذاکرات لازم نیست .

رئیس- آقای سردارمعظم (اجازه)

سردارمعظم — بنده‌عرض میکنم که مطلب را باید تفکیك کرد یعنی مطالبی که منحصر و محدود میشود به عقاید سیاسی یکنفر نماینده البته این آزادی را بهریك ازنمایندگان بایددادبدون اینکه سایرین حق مداخله وبحث درآن را داشته باشند وبالاخره بعقیده بنده آقای رئیس هم بدون مراجعه بمجلس میتوانند اجازه بدهند که یکنفر نماینده دراول جلسه یا درآخر جلسه عقاید سیاسی خودرا اظهار نماید وبگوید من فلان کس هستم که اینطور عقاید دارم ومامهم میشنویم‌منتهی‌داخل‌بحث نمی شویم اگراینطور است بعقیده بنده بایداجازه داد ودرهرموقع هریك ازنمایندگان چنین‌تقاضائی میکنند باید سایر آقایان نمایندگان محترم‌هم بااو مساعدت بکنند اما اگر قضیه‌طرفی پیدا بکند که بالاخره تصدیق مطلب عنوان شده موکول باعمال تبادل نظر شود آنوقت این تقاضای رفیق محترم خود آقای حاج آقارا زود میدانم زیرا بیاناتی که ایشان میفرمایند کی جواب ایشان را میدهد و ومنجر بچه نتیجه خواهد شد مطلب بایدتفکیك‌شود مطلبی راهم که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند که نمایندگان بواسطه طرح های قانونی‌میتوانند مطالب خودشان راپیشنهاد کنند ونظریات خود را بعرض مجلس شورای ملی برسانند اینطور نیست زیرا خیلی مطالب ونظریات هست که درضمن‌طرح قانونی نمیشود پیشنهاد کرد زیرا هر کس یك‌عقاید ونظریاتی دارد نمیشود آنرا طرح قانونی‌قرارداد حالا اگر شق ثانی را آقای حاج‌آقا معتقدهستند خوب است از ایشان تقاضا نمایم که اظهار مطلب خودشان را موکول بکنند بیکی ازدو موردیکی همانطور که آقای رئیس فرمودند در موقعی که پروگرام هیئت دولت دراینجابیان میشودنمایندگان محترم آزاد هستند در ضمن مذاکره در کلیات پروگرام هرهیئت دولتی در هر موضوع مداخله و مذاکره نمایند وعقاید خودشان رابیان نمایند ومن شخصاً عقیده دارم که ازاین موقع نزدیکترهم‌هست وآن‌موقعی است که‌خطابه درجواب‌نطق اعلیحضرت همایونی ازطرف مجلس شورای ملی ارسال میشود درآن موقع هم نمایندگان محترم‌حق‌خواهندداشت عقاید خودرا بیان کنند زیرا خطابه که از طرف مجلس بحضور اعلیحضرت همایونی‌تقدیم میشود فقط جنبهٔ تشریفاتی ندارد یادداشت و فهرست مطالبی است راجع به پروگرام آتیه مجلس دراین‌موردهم نمایندگان محترم بازمیتوانند عقیده سیاسی خود را بیان کنند وعقیده خودرا طرح‌نمایند حالابسته‌بنظر آقای حاج آقا است که نظریات و مطالب خودرا تفکیك نمایند اگر نظرشان به شق اول‌است البته نمایندگان محترم هم نمی‌توانند مخالفت کنند واین حق برای ایشان هست واگرشق ثانی‌است‌مختارند که درهریك ازدو مورد که عرض نمودم عقاید خود را اظهار نمایند .

حاج آقا — اجازه میفرمائید بنده توضیحاتی بدهم .

رئیس — بفرمائید .

حاج آقا — بنده کاملا تمام این ترتیبات را میدانم وآن موادی راهم که آقای حاج‌شیخ‌اسدالله فرمودند مخبر هستم وخوب میدانم ولی همانطوری که آقای سردار معظم فرمودندبنده حق‌دارم عقاید سیاسی خودم را به اولین موقع امکان در مجلس شورای ملی عرض کنم وچون بنده خودم را موظف بیك‌وظایف و تکالیفی میدانم باین جهت در اولین وحله زمینه نظریات خودم را باید بعرض‌عموم‌آقایان نمایندگان بلکه عموم ملت برسانم و مسلك سیاسی خودرا عرضه بدارم که عقیده‌ام این است و این حق را برای تمام نمایندگان محترم معتقده وعرض کردم چون درنظامنامه مجلس شورای ملی پیش‌بینی نشده وممکن بود آقایان بگویند درنظامنامه چنین‌مادهٔ‌ئی نیست وباید رای گرفت ازاین جهت این تقاضا را کردم والا بنده معتقدم که آقایان نمایندگان نباید وحق هم ندارند که جلوگیری ازاظهارعقیده یکنفر وکیل بکنند بنده فقط میخواهم عقایدسیاسی خودم را اظهار کنم نه‌ازخطابه که بحضورشاه عرضه‌میشود ونه در پروگرام هیئت وزراء نمیخواهم عرایض سیاسی خودم را اظهار وازحق خود استفاده کنم.

رئیس — میدانید اظهار وانتشار عقیده باید درخارج ودرجرایدبشود اگربناشود هریك‌ازآقایان وکلاء بخواهند عقاید سیاسی خودشان را در اینجا بیان کنند تقریبا باید شصت روز متوالیا مجلس‌وقت خودراصرف اینکار بکنه‌معذالك بنده‌حرفی‌ندارم‌رأی میگیریم اگرآقایان اجازه‌دادنددرجلسه‌آتیه‌میتوانید عقاید خودرا بیان کنید آقایانی که تقاضای آقای حاج آقا را تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد ، چون پس فردا روز عیداست و باید از طرف مجلس‌هیئتی برای‌شرفیابی حضور اعلیحضرت معین بشود چنانچه چند روزقبل هم‌بقرعه معین شدند اگرحالا هم آقایان تصویب میکنند شش نفر بقرعه معین شود (بعضی تصدیق نمودند آنای سهام‌السلطان استقراع و اسامی‌ذیل استخراج شد) آقای معتمد السلطنه

رئیس — غائبند .

آقای حائری زاده - آقای عبادالسلطنه نماینده اصفهان — آقای میرزا ابراهیم خان ملك آرائی - آقای امیر اعلم (گفته شد جزء هیئت رئیسه هستند‌حساب نمیشود) آقای آقاسید حسن مدرس (گفتندحساب نمیشود)آقای حاج آقای شیرازی - آقای مشیرالدوله - آقای رفعت الدوله

رئیس - دستور جلسه آتیه قسم یاد کردن نمایندگان است ولی قبل از قسم یادکردن اعتبار نامه هائی که الان قرائت‌میشود هرچندراپورتهای آنها حاضر نیست ولی این را عرض میکنم برای اینکه آقایان روسای‌شعبات را دائر کنند وقدری سعی و اهتمام بشود که بیش از این اعتبار نامه‌ها در شعبات نماند اعتبار نامه‌های آقایان‌نظام الدوله فتح‌الدوله - شیخ‌الاسلام‌نماینده اصفهان-امین‌التجار- آقاسید محمد باقر دست غیب- وکیل الملك‌نماینده کردستان- قوام الدوله-حاج میرزا علی محمددولت آبادی - سردار جنك - هر یك حاضر شود جزء دستور خواهدبود .

سردارمعظم - بنده بنظرم میآید ازطرف مجلس اعتبارنامه دست غیب برگشته است به شعبه برای تحقیقات محلی .

رئیس — رفته است برای تحقیقات محلی ولی تا بحال تحقیق نشده است و اگر بنده جزء دستور نگذارم و تأکید نکنم ممکن است تا یکماه دیگر هم تحقیق نشودو در شعبه بماند .

سردارمعظم - بنده از این‌نقطه نظرعرض کردم که‌شبه خیال‌نکنند که دیگرمحتاج به‌تحقیقات محلی نیست و باید راپورت بدهند از این‌نقطه‌نظر بود که عرض کردم

آقاسید یعقوب - بنده اجازه میخواهم

رئیس - بفرمائید

آقاسیدیعقوب - بنده خیلی متأسف هستم در وقتی که آقای حاج آقا اجازه خواستند بنده هم اجازه خواستم یا منشی ها ننوشتند یا آقای رئیس اجازه ندادند در هر حال متقاسفم که چرا به بنده اجازه‌داده‌نشد .

رئیس — منشی ها نوشته‌اند ولی اگربناشود ازهر موضوع جزئی ده یا پانزده‌نفر بخواهندحرف بزنند البته تصدیق خواهید فرمود که تا هفت‌وهشت ساعت از شب گذشته‌باید اینجا بنشینیم وحرف‌بزنیم در یك موضوعی که مورد بحث میشود ۳ چهار نفر که مذاکره کردند ومذاکرات طول کشید بنده‌از مجلس می‌پرسم که مذاکرات کافی است یا نه اگر مجلس کافی دانست حق نطق از اشخاصی که‌اجازه خواسته‌اند سلب میشود ترتیب مجلس این است

آقا سیدیعقوب — این فلسفه فقط ر باره بنده است یا بایددر باره همه باشدوالا بنده‌قبل‌ازحاج آقا وسرداز معظم اجازه خواسته بودم.

رئیس — این فلسفه‌در باره تمام آقایان‌رعایت میشود حتی اینکه جنابعالی اغلب بدون اجازه نطق میکنید وباز چیزی گفته‌نمیشود جلسه آتیه روزچهار شنبه ۳ساعت قبل از ظهر خواهد بود

(مجلس یك ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

صورت‌مشروح مجلس یوم‌چهارشنبه ۱۹ ذیحجةالحرام سنه ۱۳۲۹ مطابق اول سنبله ۱۳۰۰

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهردر تحت ریاست آقای موتمن الملك تشکیل یافت(سورت مجلس عصر یوم یکشنبه شانزدهم راآقای آصف الممالك قرائت نمودند)

رئیس - نسبت بصورت مجلس مخالفی‌نیست .

سردار معظم- بنده بصورت مجلس۱۳یراد دارم یکی‌راجع‌به‌بیانات آقای رئیس است درزمینه اظهارات بنده چون ایشان فقط اکتفا نفرمودند به اینکه بگویند مطلب بقدری واضح است که اگر فلان‌هم متذکر نمیشد من خودم اقدام میکردم بلکه بقیه‌هم داشت‌وآن این‌بود که آقای رئیس فرمودند این پیش‌آمدها بواسطه عدم اجرای قوانین درمدت مدیده دوره فترت حاصل‌شده این مطلب خیلی مهم است وباید نوشته شود مطلب دیگر راجع به‌اظهار بنده درزمینه بیان آقای حاج آقا است عبارتی که درصورت مجلس‌نوشته شده اینطور است که مادام که نماینده طرفی نداشته‌باشد دراظهار عقیده خودش آزاد است بعبارت اخری مفهوم مخالفش این است که هرگاه طرف پیدا کرد در اظهار عقیده خود آزادنیست من عرض کردم آقای حاج آقا اگر فقط می‌خواهند اظهار عقاید شخصی خود را بکنند بدون اینکه منتظر باشند سایر نمایندگان مشارکت در او بکنند در هر موقع می توانند اظهار کنند منتهی تعیین موقع آن بسته بتصویب مجلس است لیکن اگر میخواهند از نمایندگان دولت طرف و مخاطبی‌پیدا کنند و دیگران درآن عقیده مشارکت کنند آنوقت دو موقع دارد یکی موقعی است که پروگرام هیئت دولت بمجلس می‌آید ودیگرموقعی است که باید خطابه بحضور اعلیحضرت همایونی عرض بشود والا بنده‌مطابقا عرض نکردم که‌مادام‌که طرفی نداشته باشد دراظهار عقیده خود آزاد است ایراد دیگر اینکه راجع به‌آقای حاج‌آقاهم به‌عقیده من درصورت مجلس یك‌قدری مبهم نوشته شده است زیرا به آقای حاج‌آقا که‌اجازه‌داده‌نشد هیچ‌مربوط باصل مطلب نبود وتصور نمیکنم مجلس شورایملی اصولا آزادی اظهار عقیده را ازیك نماینده سلب بکند بلکه مطلب درخصوص تعیین روز بود آقای حاج آقا مایل بودند امروز که روز چهارشنبه‌است اظهار عقیده کنند ولی مجلس بااظهار عقیده ایشان موافقت نکرده و گفت روز پنجشنبه‌یایکشنبه‌یاموقع دیگری باید معین بشود این مطلب‌هم‌به‌عقیده‌من‌باید قدری واضح‌تر نوشته شود والا حق یك نماینده را نمی‌شود سلب کرد و مجلس نمی‌تواند این سابقه را ایجاد بکند

رئیس - دو مطلب اول یعنی دوفقره‌اعتراض اولی شما صحیح است واصلاح‌خواهد شد ولی‌مطلب ثالث گمان می کنم واضح باشد چون نوشته‌اند که‌آقای حاج‌آقا تقاضا کرده بودند درجلسه‌آینده این مسئله مطرح شود رای گرفته شده و تصویب نشد (خطاب به آقای آصف الممالك) دو مرتبه قرائت کنید

آقای آصف الممالك - مجددا قسمتی از صورت مجلس‌را بمضمون‌ذیل قرائت نمودند).

آقای‌حاج‌آقا - شرحی دایر بلزوم عقاید سیاسی خود بیان و اظهار داشتند چون موضوعات بودجه وپروگرام‌هیئت دولت‌وخطابه‌معروضه‌ازطرف مجلس محدودونظر به بنده غیر محدوداست علیهذا تقاضا می‌نمایم از طرف مجلس اجازه داده شود که درمجلس نظریات‌خودرا اظهارنمایم بالاخره‌بتقاضای ایشان اخذ رای شد تصویب نگردید .

(دراین‌موقع آقای رئیس قسمتی از صورت مجلس‌را بآقای آصف‌الممالك ارائه نمودوایشان به مضمون ذیل‌قرائت نمودند)

آقای رئیس - اظهارنمودند که آقای‌حاج آقا تقاضا نموده‌اند بایشان اجازه داده‌شود پس از رسمیت یافتن مجلس نظریات سیاسی وعقاید خود را راجع به‌اصلاحات مملکتی اظهار نمایند ومن بایشان خاطرنشان نموده‌ام که درموقع مذاکره در کلیات پروگرام هیئت وزراء از کلیه امور مملکت میتوان مذاکره نمود معهذا چون مایلند درجلسه آتیه‌عقاید ونظریه خودرااظهار نمایند ودر نظامنامه داخلی‌هم این‌مسئله پیش بینی نشده علیهذا بایددراین خصوص اخذ رای شود .

رئیس - کافی‌نیست؟

سردار معظم - درصورت مجلس مینویسد (بالاخره بتقاضای ایشان رای گرفته شد و تقاضای ایشان تصویب‌نشد) معلومنیست این‌عبارت‌مربوط به زبان‌میشود یاباصل مطلب

رئیس - تصحیح میشود

سردارمعظم- بعلاوه‌یك کلمه‌هم‌راجع‌برسمیت یافتن‌مجلس بودنوشته‌شده‌است‌وقتی که‌مجلس‌رسمیت‌یافت اظهارعقیده نمایند مجلس از روزی که اعلیحضرت همایونی تشریف‌آورده‌اند رسمیت یافته است

آقاسید یعقوب- بنده‌یك‌پیشنهاد مختصری راجع باصلاح صورت‌مجلس عرض کنم آقای‌حاج‌آقا فرمودند بعد از تعیین‌هیئت‌رئیسه ...

رئیس - خودمان میدانیم چطوراصلاح کنیم

آقاسید یعقوب - بنده اگر پیشنهاد کنم نمی‌شود

رئیس — خیر دستور امروز اولا قسم یاد نمودن بعد خواندن دوفقره راپورت شعبات بعداز آن تعیین یکنفر (در این موقع آقای‌رئیس‌برای ادای مراسم تحلیف در محل نطق حاضر بمضمون ذیل قسم یاد نموده و قسم نامه را امضاء نمودند) من که درذیل امضاء می‌نمایم خداوند را بشهادت‌می طلبم وبقرآن مجید قسم یاد می کنم مادام که‌حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون اساسی محفوظ و مجری است تکالیفی را که بمن رجوع شده است مهما امکن باکمال راستی ودرستی وجد وجهدانجام بدهم ونسبت باعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفخم خود صدیق وراستگو باشم وباساس سلطنت‌وحقوق ملت خیانت ننمایم وهیچ منظوری نداشته باشم جز فوائد ومصالح دولت وملت ایران (در این موقع آقایان مفصلة الاسامی ذیل یك یك در محل نطق حاضر و قسم نامه فوق الذکر را قرائت و امضاء نمودند ۰)

آقای‌مدرس — آقای ابراهیم - آقای امیر اعلم — آقای آصف الممالك — آقای ملك - الشعراء — آقای امیر ناصر — آقای سهام - السلطان — آقای ارباب کیخسرو — آقای آقا شیخ‌محمد جواد — آقای موتمن السلطنه - آقای حاج میرزا اسدالله خان | آقای محمد هاشم‌میرزا آقای دکترلقمان — آقای رفعت‌الدوله — آقای مستشارالسلطنه — آقای سلطان العلماء — آقای امین الشریعه — آقای رئیس التجار — آقای میرزا هاشم آشتیانی (آقای آقا میرزا هاشم آشتیانی در موقع قرائت قسم نامه چند کلمه(اضافه نمودند .)

رئیس- چون در اصل ۱۱ قانون اساسی‌می نویسد که آقایان نمایندگان باید بترتیب‌ذیل قسم یاد نمایند وعین این قسم نامه را آنجا نوشته‌برای اینکه موافق با قانون اساسی رفتار شده باشد از نمایندگان خواهش می کنم که چیزی اضافه

نفرمایند .

(آقایان ذیل نیز قسم یاد نمودند)

آقای بیان الملك — آقای عمادالسلطنه — نماینده خراسان — آقای غضنفر خان — آقای منتصر الملك — آقای سلیمان میرزا — آقای سردار معظم کردستانی آقای رکن الملك — آقای صدرالاسلام — آقای حمید الممالك آقای بیان الدوله .

رئیس — چون مطالب دیگری در دستور نیست ، اگر آقایان موافق باشند بقیه آقایانی که قسم یاد ننموده‌اندبماند برای فردا(گفته شد صحیح است) اعتبارنامه های آقایان فتح الدوله وقوام - الدوله و حاج میرزا علی محمد دولت آبادی جزء دستور است راپورت راجع بآقای فتح الدوله طبع و توزیع شده باید رأی بگیریم مخالفی نیست

مدرس — آن روز که راپورت قرائت شد بنده مخالفت خودرا اظهار نموده عرض کردم این انتخاب که درحدود اصفهان شده از روی‌اختیار نبوده بلکه اقداماتی بود که از ناحیه حکومت آن محل شده است وتقاضا کردم که آقایان نمایندگان در این خصوص نظریاتی بفرمایند در دوسیه هم بعضی قرائن موجود است حاکی از اینکه مردم نمی توانسته اند باسم کمپانی کرده‌اند والبته‌آقایان حالا برطبق عقیده خودشان رأی خواهند دادلیکن چون من آن انتخابات را اجباری میدانم لذا رأی نخواهم داد .

جلیل الملك — آقایان نمایندگان البته تصدیق میفرمائید که مدرك شعبه ومدرك تصدیق و تکذیب اعتبارنامه یك نماینده دوسیه وصورت‌مجلس آن خوب است درشعبه بدوسیه و اعتبار نامه آقای فتح‌الدوله نماینده نجف آباد رسیدگی‌شده ما کاملا موافق جریانات قانونی بوده وشکایاتی هم تلگرافا یا کتبا نرسیده است اولا میخواستم این مسئله را عرض کنم که بعضی از آقایان نمایندگان بتلگراف باسیم کمپانی خیلی اهمیت میدهند بر عکس بنده اهمیت اورا کمترمیدانم‌زیرا که از تلگراف فارسی امضاء باید خوانا و شناسا باشد لکن باسم کمپانی هر امضائی که باشد تلگراف خانه قبول میکند و مخابره می نماید پس بنابراین اهمیت او کمتر از تلگرافات معمولی است واز این گذشته تلگرافات باید مدارك صحیح ومثبت داشته باشد که بتوان آن هارا دلیل‌بر بطلان انتخابات دانست یك تلگرافات شکایتی راجع بآقای فتح‌الدوله رسیده است که‌یك قسمت آن شکایات راجع بعدم معروفیت ایشان‌بود که شعبه آنرا تصدیق نکرد زیرا آقای فتح‌الدوله دو سال مامور اصفهان و در آنجا مدعی العموم استیناف بوده واجدادشان‌در آنجا حکومت‌داشته‌اند پس نمی‌توان گفت که معروفیت محل ندارندشکایت دیگر این بوده که حکومت مردم را مجبور کرده است که‌درین خصوص هم وزارت داخله ازحکومت توضیح خواسته است‌حکومت محل‌درجواب تلگراف نموده است که من وجدان خودم را نمی خواهم روی کسی که با او سابقه ندارم وایشان را فقط در اصفهان دیده‌ام بگذارم‌وسابقه بنده بافتح الدوله‌این بوده است که ایشان را فقط در اصفهان شناخته‌ام واز این گذشته نماینده های اصفهان یك نفرنیستند چند نفر بوده اند نمیشود گفت نسبت بیکنفر از طرف حکومت تهدید شده است و نسبت بسایرین نبوده وانتخابات‌آنها بدون دسایس خاتمه یافته‌بعلاوه جهت نداشته است که حکومت مردم را از برای انتخاب کردن ایشان تهدید کند از آن گذشته دلیل محکم تر این است که برفرض اینکه‌حکومت‌مردمرا تهدید کرده است پس چرا دراین مدت یکماه که قراربوده است شکایات بمجلس برسد و ما هم یك ماه صبر کردیم که شاید شکایتی برسد چرا شکایت نرسید باین جهت کاملا شعبه صحت انتخاب آقای فتح الدوله را ازحوزه نجف آباد تصدیق میکند

رئیس — آقای مدرس (اجازه نطق)

مدرس — اینکه فرمودند اصفهان باز نماینده داشته ونسبت‌بسایروکلای اصفهان چراتهدید نشده ونسبت بایشان تهدید شده جهت این است که بنده عرض میکنم .

وکلای‌شهر اصفهان‌سه نفرند آقای عمادالسلطنه آقای شیخ‌الاسلام -آقای حاج امین‌التجاروحکومت اصفهان نمیتواند درشهرمردم را اجبار وتهدیدبکند کمااینکه هر کس رجوع بدوسیه میکند می‌بیند در شهر کاندیدهای مختلف وآراءزیاد درانتخابات‌آنجا هست واما نسبت بتوابع اصفهان که یکی نجف‌آباد فریدن - کرون - وچهارمحال میباشد کاملا در تحت اختیار قوانین آنجا است والبته آنها قادرهستند که هرچه میل آنها است بشود لهذا انتخابات آنجا را باشهر مقایسه نمیشود کرد و گفت که‌انتخابات‌اصفهان همه درتحت اختیارمردم بوده است لهذا این اشکال منحصربااینجا است.

رئیس — دیگرمخالفی‌نیست (اظهاری‌نشد) رای میگیریم آقایانی که نمایندگی آقای فتح‌الدوله را تصویب میکنند قیام نمایند (غالب نمایندگان‌قیام نمودند)

رئیس — تصویب‌شدآقای حاج شیخ‌اسدالله (احضاربرای قرائت راپورت) آقای حاج شیخ - اسد الله راپورت شعبه ششم را راجع بنمایندگی آقای قوام قوام‌الدوله ازمحمره بمضمون ذیل‌قرائت نمودند)

شعبه ٦ رسیدگی بدوسیه انتخابات حوزه‌محمره وتوابع ونمایندگی آقای شکرالله خان قوام الدوله نموده مطابق صورت‌مجلس ودوسیه انتخابات‌جریان انتخابات درمحمره مطابق قانون بوده وشکایاتی‌هم دردوسیه دیده نشده وچیزی که در دوسیه محل توجه شعبه واقع شد دوامر بود یکی آنکه فلاحیه وجواهی که جزء حوزه محمره است از دوسیه وصورتمجلس فهمیده نمیشد که شرکت در انتخابات نموده اند یا شرکت نداشته اند برای کشف قضیه شعبه آقای احتشام‌الدوله را که رئیس انجمن‌محمره بوده‌خواسته واز‌توضیحاتیکه درشعبه دادند ومطابق اوشرحی به شعبه نوشته اند معلوم میشود فلاحیه وجواهی را نیز شرکت در انتخابات داده اند ودیگر اینکه انجمن نظارمراعات ماده ٤٥ ازقانون انتخابات را ننموده شعبه این غفلت را که انجمن نظارنموده باعث‌بطلان انتخابات ندانسته زیرا که در صورتیکه شکایتی از انتخابات بود ممکن بود که درمدت قانونی بمجلس شکایت کنند ودرمدت قانونی شکایتی بشعبه نرسیده لذا شعبه انتخابات حوزه محمره را صحیح دانسته و نمایندگی آقای قوام‌الدوله‌را تصدیق مینماید.

رئیس — نسبت باین راپورت مخالفی نیست (اظهاری نشد)

رئیس — رای میگیریم بنمایندگی آقای قوام‌الدوله آقایانیکه‌نمایندگی‌ایشان تصدیق‌میکنند قیام نمایند.

(جمع کثیری ازنمایندگان قیام‌نمودند)

رئیس — تصویب شد آقای سید محمد تدین (احضاربرای قرائت راپورت) آقای آقا سید محمد تدین راپورت شعبه۲را راجع‌بنمایندگی آقای آقا میرزا علی‌محمد دولت آبادی ازخرم آباد بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه‌دوم - بدوسیه انتخابات خرم‌آباد ولرستان بدقت رسیدگی نموده وبرای استحضارمجلس‌شورای ملی عرض مینماید که انجمن نظارمرکزی انتخابات درخرم‌آباد درشعبان ۳۸ رسما تشکیل گردیده و مدتی‌درخصوص تشکیل انجمنهای‌جزء درنقاط دیگر مذاکره وتبادل‌آراء نموده ودرنتیجه بواسطه‌اغتشاش لرستان وتهاجم الوارو‌طیان آنها از تشکیل انجمن های جزء صرفنظر کرده است ولی برای اینکه حتی‌الامکان اهالی را مطلع وآنها را بشرکت در انتخابات دعوت نماید دو تمام نقاط ممکنه اعلان انتخاباترا منتشرساخته وحتی برای والی پشت کوه بوسیله حکومت خرم آباد مقداری اعلان فرستاده وتقاضای انتشارآنها را درپشت کوه نموده واهالی آنجا را بشرکت در انتخابات واخذ تعرفه از حوزه مرکزی خرم‌آباد دعوت‌نموده است ومطابق‌تصدیق کتبی انجمن مرکزی‌جوابی ازوالی‌پشت‌کوه راجع بوصول مراسلات انجمن وحکومت خرم آباد و اعلانات مرسله واطلاع‌طوائف پشت کوه ازانتخابات بانجمن مرکزی نرسیده و انجمن عین آنرا برای ایالت بروجرد ولرستان محض اطلاع فرستاده است که در دوسیه ضبط است خلاصه انجمن مرکزی با وجود مشکلات عدیده موفق شده که اغلب ایلات

مهم آنجا در اخذ تعرفه شرکت نموده وانجمن با رعایت مواد قانون شروع بتوزیع تعرفه نموده و موازی ۳۸۵۰ ورقه تعرفه توزیع گردید و از این تعداد موازی ۳۷۲۰ ورقه تعرفه با اوراق رای برگشته وآقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی باکثریت ۱٤٥۰رای از کل آراء مزبوره بوکالت دارالشورای ملی انتخاب شده‌اند وپس ازاتمام قرائت آراء مدت یکهفته انجمن مرکزی برای وصول شکایات منتظربوده وشکایتی نرسیده لذا اعتبارنامه باسم‌آقای‌حاج‌میرزاعلی‌محمد دولت آبادی‌صادروخاتمه انتخابات را اعلان نموده است‌شعبه دوم‌پس ازتصدیق مشکلات معروضه انجمن را درعملیات‌خودمحق‌دانسته وانتخابات آنجارا موافق قانون میداند وچون‌تابحال هم شکایتی نرسیده لذا صحت انتخاب آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی را تصدیق مینماید

رئیس — نسبت باین راپورت مخالفی نیست (گفته شدخیر)

رئیس — رأی میگیریم بوکالت آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی آقایانیکه تصویب‌می نمایند قیام فرمایند (عده زیادی قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد چون‌نزدیك ظهراست اگرمخالفی نباشد انتخاب یکنفر مباشر بماندازبرای جلسه فردا .

آقای آقاسید فاضل — اگر تصویب میفرمائید که شروع بشود برأی دادن.

رئیس — بسته بتصویب مجلس است ومنوط بتصویب بنده نیست ضرر ندارد وچون جزء دستور امروز است موافق دستور عمل می کنیم دراین‌موقع شروع باخذآراء شده آقایان وقارالملك-جلیل‌الملك سلطان‌العلماء - مهره های نقتیشه واوراق آراء را تعداد نموده نتیجه اینظور حاصل شد مهره نقتیشه ٦۲ ورقه رأی ٦۳

رئیس — شصت‌و دو حساب میشود ویك‌رأی باید ازآن آراء کسر شود .

(آقایان مستخرجین‌یك عدد پاکت رأی‌برداشته وشروع بباستخراج بقیه نموده بترتیب ذیل نتیجه حاصل گردید)

آقای حاج میرزا اسدالله خان ۲۵ رأی آقای رفعت‌الدوله۳۱رأی- آقای نظام‌الدوله ۱رای آقای منتصرالملك یك رای ورقه سفید علامت امتناع چهار

رئیس — عده رأی دهندگان ۵۸ نفر است وآقای رفعت‌الدوله باکثریت۳۱ رأی انتخاب‌شده‌اند دستورجلسه فردا اولا بقیه‌آقایان که‌قسم‌یاد نکرده‌اند قسم یادمیکنند ثانیا قرائت راپورتهای راجع باعتبار نامه های شیخ‌الاسلام - آقای امین‌التجار آقای آقا سید محمد بافردست‌غیب- آقای وکیل‌الملك- آقای سردار جنك

جلیل‌الملك — راجع بآقای دست‌غیب‌قرار شده است فردا درمحل تحقیقات بعمل آید.

رئیس — میدانم که باید تحقیقات بشود چرا تاکنون نشده

جلیل‌الملك — شعبه تصور نموده‌بودباید از طرف هیئت رئیسه بآنها اعلام شود غافل ازاینکه‌در مجلس رأی گرفته‌شده وبموجب رأی مجلس بایداقدام نمایند .

رئیس پس چهارفقره راپورت خواهد بود آقای شیخ‌الاسلام - وکیل‌الملك نماینده کردستان و سردارجنك - وامین التجار

(مجلس نیم ساعت بعدازظهر ختم شد)

جلسهٔ ۱۹

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه بیستم شهر ذی‌حجة الحرام ۳۹ مطابق دوم برج‌سنبله ۱۳۰۰

مجلس‌یکساعت ونیم قبل ازظهر درتحت‌ریاست آقای موتمن الملك تشکیل یافت

(صورت مجلس روزچهارشنبه نوزدهم راآقای آصف الممالك قرائت نمودند)

رئیس — نسبت بصورت‌مجلس اعتراضی‌نیست (اظهاری نشد)

رئیس — صورت مجلس تصویب‌شد دستور امروز قسم یاد کردن است وبعدازخواندن راپورت شعبه که حاضراست در این موقع کلام‌الله مجید را حاضر نموده پس از اجراء مراسم تعظیم از طرف عموم حضار آقای رئیس آقایان نمایندگان‌رایك‌یك برای ادای مراسم تحلیف احضار وآقایان مفصلة - الاسامی ذیل قسم نامه را به مضمون ذیل قرائت و امضاء نمودند

من که در ذیل امضاء می‌نمایم خداوند را به شهادت میطلبم وبقرآن مجید قسم یاد میکنم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون اساسی محفوظ ومجری است تکالیفی را که بمن‌رجوع‌شده است مهماامکن با کمال راستی ودرستی وجدوجهد انجام بدهم ونسبت باعلیحضرت شاهنشاه متبوع‌عادل مفخم خود صدیق وراستگو باشم و باساس سلطنت وحقوق ملت‌خیانت‌ننمایم وهیچ منظوری نداشته باشم جز فواید رمصالح دولت وملت ایران

آقای سردار معظم‌خراسانی - آقای آقامیرزا ابراهیم قمی- آقای آقا سید فاضل کاشانی -آقای سردار مفخم - آقای میرزا ابراهیم خان - آقای فهیم‌الملك - آقای احتشام الدوله - آقای آقا سید یعقوب - آقای حاج‌آقا (نطق ذیل‌را ادا وبعدقسم نامه را با اضافه یك کلمه قرائت نمودند)

بنده در این موقع با حفظ عقاید سیاسی‌خودم که در جلسه روز سه‌شنبه قرار بود اظهار کنم قسم یاد میکنم در صورتیکه اراده داشتم که‌قبلا آنهارا عرض کرده وبعد قسم یادنمایم

رئیس — چنانچه سابقا عرض کردم برای اینکه موافق قانون اساسی رفتار کرده باشیم بهتر این است که عین عبارت قسم‌نامه را که در قانون اساسی نوشته‌شده است قرائت کنیم وآقایان‌چیزی کم وزیاد نکنند

حاج آقا — بنده چیزی کم نکردم فقط یك کلمه زیاد کردم واگر چیزی زیادبشود منافات ندارد .

آقای نصرت‌الدوله-آقای معتضدالدوله- آقای حکیم‌الملك -آقای مشیر الدوله - آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی - آقای عمیدالسلطنه - آقای آقا سید محمد تدین - آقای عدل‌السلطنه - آقای نصیر دیوان - آقای آقا سید محمد رضا مساوات- آقای جلیل‌الملك - آقای آقا میرزاعلی کازرونی- آقای صمصام‌السلطنه - آقای عمادالسلطنه نماینده اصفهان آقای‌شریعتمدار- آقای حاج میرزا مرتضی آقای وقارالملك - آقای شیخ‌الاسلام نماینده ملایر آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی (بعد از اداء قسم اظهار نمودند)

این چهارمین مرتبه است که بنده قسم یادمی کنم وحمد میکنم خدارا که سه دفعه رابخوبی‌حفظ کردم و از خدا توفیق میخواهم که چهارمین‌مرتبه را نیز حفظ کنم

آقای آقامیرزاطاهر تنکابنی-آقای‌نصیرالسلطنه آقای فتح‌الدوله

رئیس — از هفت فقره اعتبارنامه که جزء دستور بود فقط یك فقره راپورت راجع باعتبارنامه آقای امین‌التجار حاضر است ومابقی راپورتهاهنوز نرسیده انشاءالله برای روز شنبه حاضر خواهد شد آقای آقا شیخ محمد جواد (احضار برای قرائت راپورت)

(آقای آقا شیخ محمد جواد راپورت مزبوررا بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه اول نظر باینکه شرح و جریان انتخابات اصفهان را در موضوع انتخاب آقای عمادالسلطنه تحت نمره۱۳ بعرض نمایندگان محترم رسانیده‌لازم دانست مجدداً بطور تفصیل همان مطالب را تکرار نماید فقط بذکر این مختصر قناعت می‌نماید آقای امین‌التجار باکثریت ۳۱۷۵ رأی از اصفهان برای عضویت مجلس شورای ملی انتخاب شده‌اند شعبه‌هم باکثریت نمایندگی ایشان را تصدیق می‌نماید

رئیس — نسبت باین راپورت مخالفی‌نیست (اظهاری‌نشد) رأی میگیریم آقایانی که نمایندگی آقای حاج‌امین‌التجار را تصدیق‌می‌نمایند قیام‌فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد در چند روزقبل در موقعیکه ازطرف‌اداره‌مباشرت آقای ارباب کیخسرو راپورت دوره فترت‌را به مجلس ارسال نموده بودند بنده اشتباهاً عرض کردم که‌معمول این‌بوده که‌اول به کمیسیون‌محاسبات رجوع شود بعد به‌مجلس‌تقدیم شود در حالیکه مسئله بعکس بوده است‌اول بایددر مجلس قرائت شده و بعد بکمیسیون ارجاع‌شود اگر مخالفی نباشد جزو دستور روز شنبه باشد (بعضی تصدیق کردند) پس‌دستور روزشنبه از قراری‌است

که عرض میکنم

اولا قرائت راپورت اداره مباشرت

ثانیاً نطق آقای حاج‌آقا

ثالثاً رسیدگی باعتبارنامه‌های آقای وکیل‌الملك آقای شیخ‌الاسلام نماینده‌اصفهان- آقای ضیاءالادبا آقای آقا شیخ محمد حسین سعادت - آقای آقاشیخ عبدالکریم -آقای سردار جنك

در این ضمن کمیسیونهائی که مطابق معمول باید انتخاب بشود در خارج انتخاب خواهد شد راجع بدستور مخالفی نیست(اظهاری نشد)

(مجلس پانزده دقیقه قبل از ظهر ختم شد)

جلسه ۳۰
صورت‌مشروح‌مجلس یوم‌شنبه
۲۲ ذیحجه ۱۳۴۹ مطابق ۴ برج
سنبله ۱۳۰۰

مجلس یکساعت‌ونیم‌قبل‌از ظهر در تحت ریاست آقای‌امیراعلم‌نایب‌رئیس تشکیل گردید

صورت مجلس روز دوشنبه بیستم ذیحجه‌را آقای آصف الممالك‌قرائت نمودند .

نایب رئیس — نسبت بصورت مجلس اگر آقایان اعتراض دارند بفرمایند آیا اعتراضی هست؟ اظهاری‌نشد.

صورت مجلس تصویب گردید - دستور امروز همین طور که در صورت مجلس بعرض آقایان‌رسید اول خواندن راپورت اداره مباشرت بعدنطق آقای حاج‌آقای‌شیرازی‌بعد رسیدگی به‌اعتبارنامه‌های‌آقایان و کیل الملك-شیخ‌الاسلام- آقای سردار جنك‌وآقای شیخ محمدحسین سعادت و آقا شیخ عبدالکریم‌وضیاء الادباء چون از این اعتبارنامه‌هافقط اعتبار نامه‌آقای سردار جنك‌حاضراست اگر اجازه‌میفرمایندواورامقدم بداریم مخالفی‌نیست؟ (گفته شد خیر)

نایب رئیس — آقای آقا شیخ محمد جواد (احضار برای قرائت راپورت) آقای آقاشیخ‌محمد جواد راپورت شعبه اول راراجع بنمایندگی‌آقای سردار جنك بمضمون ذیل قرائت نمودند.

شعبه اول — رسیدگی بدوسویه انتخابات‌ایل‌جلیل بختیاری نموده‌راپورت آنرا بقرار ذیل‌تقدیم‌مینماید.

نوزدهم ربیع الثانی ۳۹ انجمن‌نظارت‌مرکزی در مالیر تشکیل گردیده‌چهار شعبه نظارت‌از ده‌در سرپل- سر اداره نفت - قلعه قل منعقد نموده اند - در تمام حوزه التخابیه ۲۵۷۵ ورقه تعرفه داده شده و ۲۴۹۷ ورقه رای دریافت کرده اندآقای سردار جنك باکثریت ۱۵۰۲ رای از طرف ایل بختیاری بسمت‌نمایندگی‌وعضویت مجلس شورای‌ملی‌انتخاب‌شده اند یك هفته انجمن نظار برای اخذ شکایات دایر ولی شکایتی نرسیده در ۲۳ جمادی الاول خاتمه‌به انتخابات داده و انجمن نظار رامنحل کرده‌اندشعبه‌هم نظر بحسن جریان انتخابات نمایندگی آقای سردار جنك را تصدیق مینماید.

نایب رئیس — نسبت باعتبارنامه‌آقای‌سردار جنك مخالفی هست؟ (اظهاری‌نشد)

نایب‌رئیس-رأی‌می‌گیریم‌آقایانی که‌نمایندگی آقای سردار جنك را تصویب‌میفرمایند قیام‌نمایند.

(جمع کثیری‌از نمایندگان قیام نمودند)

نایب‌رئیس — تصویب‌شدراپورت‌اداره‌مباشرت که بنا بود امروز خوانده شود چون آقای رئیس تشریف ندارند میگذاریم برای جلسه آینده و اگر مخالفی نباشد شروع میکنیم باستماع نطق آقای‌حاج آقا شیرازی.

حاج‌شیخ‌اسدالله-آقا برای‌خواندن‌راپورت مانعی هست یا نقصی دارد اگر نقصی ندارد و فقط خواندن راپورت است‌بنده تصور میکنم خوانده‌شود و بعد ازخواندن هم مذاکره‌در اطراف آن‌نخواهد شدچون بر میگردد بکمیسیون محاسبات پس‌از آنکه بمجلس‌بیاید- از آن گفتگو میشود باوجود این‌مانعی برای خواندن راپورت بنظر نمی‌آید.

نایب رئیس - گمان میکنم کاملا تمام نشده باین جهت بماند برای جلسه آتیه بهتراست.

حاج شیخ اسدالله - بسیارخوب.

نایب‌رئیس- آقای حاج‌آقا(اجازه نطق)

حاج آقا — قبلا برای‌اینکه شاید مدت‌عرایض بنده طولانی باشد از آقایان‌و از مقام ریاست‌استدعا میکنم که در هر موقع تنفس‌و ختم جلسه را مقتضی بدانند اعلان کنند وبقیه عرایضم‌را برای بعداز تنفس یا جلسه آتیه‌میگذارم ولی آقایان حاضر برای‌استماع هستند هم حاضر برای بیانات خود هستم.

عرایض بنده شاید دراذهان‌تمام‌افراداین‌مملکت متموج و عقاید آقایان و کلا نسبت به روش‌این‌عقاید موافق‌است ولی شاید کمتر در مقام تنظیم وبیان‌این عرایض برآمده باشند و بنده می خواهم نتیجه‌افکار عموم و آرزوهای ملت‌و عقایدمتراکم جمعیت‌وملت‌را بعرض آقایان برسانم و تعقیب این عقاید را اولین وظیفه حتمی خودم در مقام نمایندگی میدانم سایر آقایان هم تصور میکنم همین عقاید را دارا هستند وبا توافق همین عقاید امیدوارم که بنیان اصلاحات برروی آنها قرارداده بشود وقایع هر اندازه عظیم‌و سهمگین باشد وقتیکه‌جمعیت و جماعت تدریجا داخل آن وقایع‌سهمگین شد عادت بآن وقایع میکندمتعود به پذیرفتن‌آنها میشود.

دوش جماعت در زیر بار سنگین حوادث‌پر - طاقت میشود ولی در نتیجه با همین تمود اگسر در فکر علاج ورفع این بارهای سنگین نباشدنتیجه جز اضمحلال‌و فنا چیزی نخواهد بود ما درمقابل‌تکالیف فوق‌العاده مهمی واقع شده ایم تکالیفی که یك‌سلسله دوره های فترت وهرج ومرج و دوره های‌بی‌تکلیفی رعدم وظیفه شناسی در این مملکت ایجاد نموده . ما در مقابل‌یك چنین حوادثی هستیم مجلس‌شورای‌ملی در دوره چهارم تقنینیه‌در مقابل یك‌حوادث‌وحشتناکی واقع شده که فقط نتیجه فترت و نتیجه عدم‌حس وظیفه شناسی زمامداران دوره فترت است در مقابل این تکالیف سنگین ومهیم مابایدکمرهای خود را سخت ببندیم و حاضر برای مبارزه عملی بشویم ولی برای اینکه بتوانیم داخل در اصلاحات بشویم فقط از محیط عادت باید یکقدری بالا تر برویم وپرده‌های عادت واعتقاد چند ساله فترت را پاره بکنیم تابتوانیم وقایع وعظمت این دوره هارا بآن طوری که‌هست اندازه‌گیریم برای خارج‌شدن از محیط زندگانی عادی چه لازم است ؟

فقط عزم تغییر تا پذیر برای عمل زیرا که گفتارها نوشتن‌ها وبیهوده سرائیهای بلا عمل‌باندازه اذهان را خسته کرده‌است که هیچ اثری براو مترتب نمی شود پس باید فقط خودرا برای عملیات حاضر نمائیم وعزم بکنیم که‌عملی باشیم برای عملی‌بودن‌در یك مملکتی که اینهمه مشکلات زیاد است قبل از همه چیز لازم است که‌هر نماینده وهر کس که کمر خودرا برای اصلاحات راست می کند فقط بایدرویه سیاست خودش‌را معین کند تا بآن رویه وعقیده‌خود بتواند داخل درزمینه اصلاحات مملکت شده وعملی باشد تعیین خط مشی قبل ازهرچیز برای‌دخول در سیاست لازم است واینکه ما در دوره های گذشته دچار اینهمه مشکلات شده ایم و اینکه از اصل مشروطیت‌تاامروز بدون استثناء یك قدم نتوانسته‌ایم رو باصلاح برویم برای‌این‌است که خط مشی‌عملی برای خودمان درهیچ موقع اتخاذ نکرده ایم پس برای اینکه در این دوره مثل سایر ادوار گذشته عملیات ما بی‌نتیجه نباشد فقط قبل از هر چیز خط مشی را باید معین کنیم من چون این حقیقت راحس کرده‌ام برای خودم یك خط مشی اتخاذ کرده‌ام که الان درحضور آقایان دارم عرضه میدارم گمان‌می کنم خیلی از آقایان در این خصوص بامن موافق هستند وپس از آنکه خط مشی خودم را درسیاست بیان کردم از خط مشی که بدون هیچ تخلف و هیچ دقیقه از دقایق اورا صرف نظر نمی کنم‌شاید بگویند عملی بودن‌خیلی‌مشکل‌است‌و شاید تصور کنند که یکمرتبه وارد شدن برای خرابی ترتیبات عادی چهارده ساله خیلی کارمشکل‌وسختی‌است‌ولی‌حوادث بمانشان داد که اینطور نیست و اگر بخواهیم می توانیم من زیاد تر از این در ایسن زمینه چیزی عرض نمی کنم همین قدر مختصرا عرض می کنم‌هر مشکلی از آن سخت تر وشدید تر نباشد درمقابل عزم واراده قوی خیلی آسان میشود اگرچه‌عرایض من خیلی زیاد میشود ولی بخواهش‌جمعی از آقایان « که موقع را عجالتا مقتضی ندانستند که بنده‌تمام عرایض خودرا عرض کنم »

یك قسمتی از آنهارا صرف نظر نمودم ولی عرایض خودم را تقسیم‌بچند قسمت میکنم یك‌قسمت راجع بسیاست مجلس شورای ملی است یك قسمت راجع باصلاحات عمومی واجتماعی ویك قسمت‌راجع

باصلاحات اداری وسیاست داخلی است تا بعدبرسیم بسیاست خارجی اما سیاست من راجع بمجلس شورای ملی ودوره پارلمانی بنده همچو معتقدم که در مجلس شورای ملی در این دوره تقنینیه و در هر دوره باید نمایندگان صاف و عریان و پرده حقایق را بگویند پرده پوشی ونزاکت مداری از وظیفه دیپلوماتها است مجلس شورای ملی‌نماینده عامه است عامه که زبان دیپلوماسی نمی‌فهمند عامه که از محیط‌نزاکت مداری دور است عامه که‌بسط است ساده و ظاهربین و عریان‌گو هیچ وقت در تحت پرده ولفافه مقاصد خودرا بیان نکرده ما هم نماینده آن‌عامه هستیم ما باید همانطور که‌موکلین ما که مارا مبعوث کرده اند آشنا باین زبان‌نیستند ماهم باید بزبان موکلین خودمان صحبت بکنیم و حقایق را عریان و صاف ساده بگوئیم و بعد از گفتن معایب اصلاحاتش را بخواهیم : درد ها را صاف بگوئیم وعلل آنها را هم صریح بگوئیم بهرجا میخواهد بربخورد وقتی که دردها را گفتیم وعلل آنها را هم صریح گفتیم وحتی نخواستیم‌بر خودمان هم مشته کنیم آنوقت را که اصلاح را جستجو کنیم ویقینا خواهیم جست این اصل راجع بتکالیف‌خودم در مقام‌نمایندگی ، دوم راجع‌باساس سیاست مجلس شورای ملی من عقیده‌ام این است‌و تصور می کنم که‌تمام‌آقایان هم بااین عقیده‌هم‌راهند که امروز باید برای تمرکز افکار و ایجاد یك مرکز ثقل افکاررا متوجه مجلس شورای ملی کرده وقبل از همه چیز این امر واجبترین تکالیفی است که و کلای ملت بگردن دارند یعنی حتما باید به وسایل عملی واقدامات لازمه افکار تمام جماعت را در اطراف مجلس متمرکز کنند لزوم افکار در اطراف مجلس شورای ملی باندازه حد لزوم را داراست که تصورنمیکنم هیچ یك از اصلاحات‌باین درجه لازم ومقدم باشد برای اینکه اگر مرکز ثقل در مملکت نباشد و اگر مجلس شورای ملی محل تمرکز افکار نباشد مجلس شورای ملی نمیتواند موفقیت حاصل بکند بانجام اصلاحاتی که اردو ها برضدآن در مملکت متمرکز هستند اصلاحاتی که در دوره ایام فترت قشون بسرای جلوگیری و دفساع از آن تشکیسل مسی دادنسد کسه آن اصلاحات پیش نیاید اگسر مجلس شورای ملی محل تمرکز افکار نباشد بااینهمه اردوهای مسلح ومکمل که با تمام وسائل حاضر برای مدافعه هستند مجلس شورای ملی چطور میتواند قدمی باصلاحات بردارد پس بایدتمرکزافکاررا اول‌در اطراف مجلس‌شورای ملی قرارداد پس‌ازآن تشخیص بدهیم که تمام‌خرابی های وارده براین مملکت ناشی ازدوره فترت است‌و دوره فترت مبدء تمسام خرابیها است پس از اینکه تمرکز افکار را در اطراف مجلس شورای‌ملی‌قائل شدیم باید تمام وسائل را تهیه کنیم که مجددا مبتلا بایام‌فترت نشویم آیا ممکن است تصور شودمملکتی که شانزده سال‌درخط‌مشروطیت سیر میکندودرشانزده سال چهاردوره‌تقنینیه داشته‌باشد ما بایداین‌اصل را خراب کنیم و بفهمانیم که اصول مشروطه تغییر پذیر نیست و نباید دوره فترت دوباره تجدید شود باید مجلس شورای ملی کمال اهتمام رادراین قضیه‌بخرج داده و این مسئله را تعقیب کند که دوره فترت در مملکت تجدید نشود زیرا تمام خرابیها ازدوره‌فترت بوده واگربازهم تجدید بشودباید باصول مشروطیت فاتحه‌خواند. مضرات ایام فترت‌رابنده نمیخواهم‌عرض کنم مضرات او باندازه زیاد است که نه من بلکه هیچ ناطقی نمیتواند تمام مضرات را دریك یادویاسه جلسه بیان کند خرابیهای اداری هرج ومرج های عمومی غارتهای مالیه تحمیلات طاقت فرسا بر دوش توده مالیات بده فقرمملکت‌واعدام‌حس تمام ازنتایج دوره فترت است بنابراین میتوان گفت که‌بزرگترین شمشیری که برای شهرت آزادی بسروی آزادی کشیدند همین تشکیلات دوره فترت بوده دوره فترت چه کرده ؟ فراموش نباید کرد در اول مشروطیت احساسات عمومی تمام متهیج بوده وخونها تمام برای اصلاحات درجوش بوده دوره فترت احساسات‌عمومی راکشت وازبین برد اصول مشروطیت را ازبین‌برد قانون اساسی کاغذ پاره شده وبکلی بتمام‌این اصول مقدسه توهین کردند و بواسطه همین ایام طولانی فترت ازخاطر ها محو کردند نظارت برعملیات‌دولت یکی ازچیزهائی بود که دربدو مشروطه در افکار هرصغیر و کبیر افراد این مملکت جاری‌بوددرواقعی بلاد ایران‌اگرازیکنفرمپرسیدند که اصول‌مشروطیت چیست اول میگفت نظارت دراعمال دولت اماامروز باندازه‌ای این احساسات مردم که دیگر هیچکس جرأت نمیکند که بکوچکترین مأموری بگویداینهمه ظلم وغارتگری چرا ؟ واینهمه یغماگری که میکنید به چه مصرف میرسانید بلی حس‌نظارت ازبین رفته وآیا این عدم حس نظارت جزنتیجه ایام فترت است جزمولود همان استبداد های حکومت نظامی است؟ دردوره فترت همان دیو مهیب استبداد با تغییرقیافه وبایك چهره بشاش وفریبنده در جامعه ایران عرض اندام کرد وبواسطه اینکه افکار واحساسات ایرانی درایام دوره فترت درتحت فشار ومضیقه‌بوده‌نتوانست تشخیص دهد که این همان عفریت است (منتهی با تغییر قیافه واستعمال ماسك قشنگی درصورت) که مدتها ازاو گریزان بود وخون خودرا درراه‌اعدامش ریخته وبا این تغییرقیافه باکمال خاطرجمعی ملت را بقسمی درتحت فشارگذارد که ابدا حسی برای او باقی نماند آزادی کشته شد آزادی فکر و عقیده بکلی ازمیان رفت و برضد آزادی و وسائلی فراهم نمودند که احدی (بغیراز معدودی که مطابق عقاید مسببین این وضعیات اظهار می‌نمودند) قادربراظهار جزئی عقیده دراصلاحات‌نبود وبمجرد اینکه یك‌عقیده برعلیه نظریات کسانی که تشکیل دهنده‌این وضعیات بودند اظهارمیشد بوسائل وایادی که‌داشتند وبتوسط آن میکربهای مضری که دردوزه زندگانی‌خود در فضا منتشر نموده بودند هزاران تهمت وافترا باظهار کننده آن عقاید نسبت می‌دادند که دیگری جرأت نمیکرد درحدود آن عقیده اظهار رأی کند آیا در مقابل آن تهدید چه ظاهر میشد ؟

هرج ومرج اداری - خودپسندی خود خواهی مایوس شدن عناصرملی وخادمین حقیقی مملکت ودر عوض همان اشخاص که خیال استفاده های کلی در این مدت قلیل داشتند روی کار آمدند و در نتیجه استفاده جای‌گزین آراء واحساسات ملی شد. دیگر ازبدبختی های دوره فترت‌مداخله اشخاص غیرمسئول و عناصر فاسد واستفاده جی (که‌سیاست را وسیله ارتزاق قرارداده بودند) در امور مملکت بود که بنام ملت همان عده قلیل طوری در امور سیاست دخالت کردند که مملکت را باین روزسیاه نشاندند وهمه را درحیرت گذاردند وقتی بناشود عناصر غیر مسئول درسیاست مملکت مداخله کنند وقتی که برای مداخله کنندگان بهیچوجه مسئولیت در کار نباشد آیا نتیجه جز جلب منافع خصوصی و غرق جامعه در گرداب هلاکت است؟ اینها همه از نتایج دوره فترت است اگسر مملکت یك مرکز ثقلی داشت اگر مجلس شورای ملی که بایستی بنام ملت دخالت درسیاست مملکت بکند دائر و مفتوح بود عناصرغیرمسئول نمیتوانستند دخالت‌درسیاست بکنند ورجال نالایق همان کسانیکه ازوضعیات دوره فترت بزرگترین استفاده ها را داشتند همان کسانی که بافیافه آزادی خواهی که روح استبداد در قالبشان متموج بوده بیشتر ازهمه مشوق این عناصر غیر مسئول بودند همانها بواسطه عدم لیاقت دست‌توسل بدامان این و آن میزدند و بسرای اینکه خودشان هیچوقت داخل اصلاحات نمیشدند و متکی بعمل خودشان نبودند متکی باین عناصرغیرمسئول‌میشدند و باعث تکثیر این میکربهای اجتماعی میگردیدند میکربهائی که (مثل میکرب وبا بمجرد احساس رطوبتی که باعث نموشان میشود منتشر میگردند) همانطوراین رجال نالایق محل نمو این میکربهای اخلاقی گشته برای اینکه موافق مقصودشان باآنها رفتارمیکردند که‌بمساعدت‌آنها داخل انتریك‌بشوند ورقبایشان را از میدان رانده خود جایگزین آنها گردند نتیجه تمام اینها این شد که درمرکزمملکت یکدسته عناصرغیر مسئول ازسیاست مملکت‌ازتزاق کنند پس حالا ما باید جهاد کنیم و بکوشیم که امروز مملکت را مشروطه نمائیم واصول مشروطیت را ایجاد کنیم بلی امروز مشروطه کردن مملکت خیلی‌مشکل‌ترازدوره‌اول سنه ۱۳۲۴ است‌برای‌اینکه آنوقت احساسات متهیج با کمال امیدواری اطاعت کسانی را که درصدداصلاحات‌بودند تعقیب‌مینمودند ولی امروز مابایك احساساتی مواجه میباشیم که از همه چیز متنفر وازهمه کس مایوس‌میباشند ما باید جهاد کنیم وبااین‌احساسات دومرتبه اصول‌مشروطیت را ایجاد نموده وبعامه بفهمانیم که سبب این فلاکتها همان منظور نداشتن احترام قوانین است بلی ما باید با عفریت استبداد مبارزه نمائیم اگر چه این مبارزه کاربسیارمشکلی است لیکن امیدواریم که با

اتکائی که بحقیقت وحقانیت داریم بتوانیم درمقابل این عفریت عرض اندام کنیم وبراو مسلط شویم ما باید دشمنان آزادی عقیده را بزرگترین دشمنان مملکت بدانیم عقاید سیاسی آزاد است وهمه کس باید ازاین آزادی استفاده نماید نه اینکه هرکس اظهارعقیده کند فوری عقیده‌اورا به افترا واتهامات ترور کنند عقیده است که مملکت‌را روبسعادت‌میبرد اگربنا شود آزادی عقیده سلب گردد و آنوقت عقاید یک‌عده خیلی محدود وحکم‌فرماشده ومملکت درتحت حکومت (اولیگارشی) اداره میشود ماباید با اشخاصیکه با موجودیت‌مجلس‌شورای ملی‌مخالفند بامشت آهنین مبارزه کنیم ولی این حمله بایستی با متانت اجرا گردد . باید دانست مخالفین مجلس شورای ملی چه کسانی هستند مخالفین مجلس دو قسمند . مخالفین خارجی و مخالفین داخلی مخالفین خارجی مجلس کسانی هستند که از احتیاجات مادی ما استفاده نموده ومیدانند که اگر مجلس شورایملی بازشود با تجربیات گذشته شاید ابتدا فکری برای رفع احتیاجات مادی خود بنماید و آنوقت وسائلی که برای خرابی ما دارند از دستشان برود ونیز میدانند که اگرمجلس بازشد مقدم برهمه‌چیزموافق وظیفه خود ازدولت تعدیل بودجه را میخواهد بلی اولین وظیفه بلکه حقیقت واساس مشروطیت تعدیل ونظارت بودجه‌است‌وبواسطهٔ‌تعدیل بودجه‌احتیاجات مادی که بدیگران داریم از بین خواهد رفت و وسیله هم که سبب قبول تقاضاهای آنها میشد معدوم میشود وبالاخره آنهائیکه ازاحتیاجات فنی‌مااستفاده مینمایند میدانند که اگرمجلس مفتوح باشد با یک رویه که برای‌مصالح‌مملکت مضر نباشد رفع‌احتیاجات فنی را خواهد کرد البته دراین صورت آنهائیکه بواسطه همین احتیاجات دائره محاصره ایران را تنک میکردند وازمسامحه زمامداران فترت‌استفاده میکردند نمیخواهند مجلس مفتوح گردد آیا برای این مقصود چه وسیله بکارمیبردند ؟ اول باتهامات مردم را عصبانی کرده فحش میدادند تهمت میزدند وبوکلا ونمایندگان بدگوئی میکردند وبالاخره افکار را نسبت بمجلس شورای‌ملی متهیج‌میکردند اینها هستند دشمنان خارجی ومن بازهم میترسم که درمقابل مجلس سنگهای بزرگتری انداخته شود وبوسیله همان موانع نگذارند موفق باصلاح‌مملکت گردد واما مخالفین داخلی مجلس باید دید که چه کسانی هستند همان کسانیکه ازبیحالی حکومت از سستی دولت استفاده کرده‌تخفیفات‌میگرفتند خرج‌تراشیها میکردند و بالاخره بذل و بخشش های حکومت وشهریه ها واندوخته ها و فوق العاده ها وسایل استفاده‌آنها بوده والبته میدانند که بابودن مجلس ممکن نیست این طور استفاده ها کرد و اینطوربارهای طاقت فرسا بردوش‌یک جمعیت‌فقیر مالیات بده مملکت بار کرد بلی‌اینها مخالفین‌داخلی مجلس شورای ملی‌هستند ولی‌بعقیده من‌علاقه‌مندی باصلاحات است که میتواند در مقابل این اردوی مکمل عرض اندام نماید اگرمجلس علاقه مندی به اصلاحات را ظاهر کرد ملت و جمعیت حامی و پشتیبان مجلس است وآنوقت میتواند درمقابل‌عده قلیل استفاده‌چی مقاومت کرده وآنها را محو نماید پشتیبان‌دیگری که برای‌مجلس‌ممکن‌است تصورنمود همان روح وحدت درمجلس میباشدو بایدبرای مقاومت در مقابل اردوی مخالف‌اغراض‌سابقه‌را مدفون‌نموده مجلس شورای‌ملی بایدبکلی‌داخل مناقشات‌خصوصی وجزئی نشود باید متحداًبدون تفرقه واختلاف‌برای حمله باین اردوحاضر باشد ونمایندگان‌برای‌پیشرفت اصلاحات‌هم برادرانه اقدام کنند کسی که‌دردوره چهارم تقنینیه بعقیده بنده بر خلاف رویه اتحاد در مجلس شورای ملی رفتار کند میتوانم بگویم که بزرگترین دشمن وطن است‌وموجب بدبختی‌وفلاکت مملکت همان کسی است که بخواهد روح وحدت در مجلس شورای ملی ایجاد نشود چرا که مبارزه با مخالفین سخت است و سالها به یغماگری عادت کرده‌اند و باید برای مبارزه با آنها متحدبود.این بود عقیده شخصی‌خودم راجع بسیاست مجلس‌شورای ملی وتصور میکنم کهاین عقیده را تمام آقایان‌وکلا محترم می‌پذیرند اما اصلاحاتی که مجلس شورای ملی باید داخل در آن اصلاحات شده وآنهارامقدم بر سایراصلاحات بدارد بعقیده‌بنده بایدآن‌اصلاحات را تقسیم وتفکیک کرد ودرهم داخل ننمود تا خط مشی ثابت ومعلوم بشود. اول‌اصلاحات اجتماعی‌است در یک مملکتی که از هر نقطه نظر فقیر و محتاج است‌مجلس شورای ملی باید خارج ازحدود ومحیط از خارجه یک وظایف بزرگتری هم برای خودش قائل باشد وآن اصلاحات اجتماعی واخلاقی است که یکی از بزرگترین وظایف مجلس است تاحدی که در تحت اختیار مجلس شورای ملی است قبل از هر چیز باید شروع بآن‌اصلاحات‌اجتماعی واخلاقی‌بکند و بعد داخل اصلاحات اداری بشود اول باید مفاسد اجتماعی را فهمید وبعد داخل اصلاحات آن‌شدیکی از بزرگترین‌مفاسد اجتماعی وجود همین طفیلی‌های جامعه وپارازیت هائی است که به بدن این جامعه افتاده ومتصل خون آن‌را مکیده وبه اعضای جامعه منتشر میشود ابتدا از فضای تهران شروع شده و تدریجاً بتمام اعضای مملکت ایران (اعضاء لاغر و ناتوان مملکت) سرایت میکند ومثل یک گازمسموم متصل از فضا پراکنده‌شده وباد آنرابهرجامیرساند وبدماغ هر کس برسدمسموم‌میکند از طهران‌اخلاق این قسم اشخاص باطراف ایران سرایت میکند و متصل بدن این‌مملکت رامبتلابامراض سخت‌وبالاخره آن را فنا ونابود میکند قبل ازهر چیز بایدازاین مسئله‌جلوگیری کرد این تکلیف نمایندگان‌ولایات است که باید ایالات ایران‌راازدست این‌میکربهای مسموم نجات بدهند باید نگذارند این مرض‌مسری وبا باطراف سرایت نماید وباید قرانطین‌دراطراف غارتگران نگذارند باید بقوه دافعه سرایت اورا بهر اندازه که میتوانند محدود کرد ودر کانون‌خودش اورا معدوم کنند تا نتواند بماند وسرایت کند این پارازیت‌های اجتماعی در طهران همیشه زندگانی‌پر طنطنه ومملو از نفاست . مملو از تفنن واز زینت داشتند و زندگانی خودرا از خون مملکت گذرانده وبار آنها بردوش این توده فقیر مالیات‌بده‌میباشد فقط اگر از آنها بپرسید که‌شغل شما درجامعه‌چیست وعضویت جامعه را که‌دارید بچه وظیفه موظفید‌میبینید که جز یک عضو فاسد که باید فوری قلع و قمعش کردهیچ‌وظیفه‌دیگری‌برای‌خودش در حوزه‌اجتماعی نمیتواند معرفی کند از سیاست وپارتی‌بازی ارتزاق میکند . از پشت میزنشستن . از دسته‌بندی‌ارتزاق میکند وبالاخره نتیجه این میشود که یک‌ملت‌بدبخت زیر بار استقراض های کمر شکن رفته و اسیر شود وباید این اشخاص راقلع وقمع کرد وگریبان‌جامعه را ازدست آن نجات داد دویم از اصلاحات‌اجتماعی که الزام از هرچیز است امنیت است جامعه امنیت میخواهد جامعه درتحت‌لوای امنیت میتواندزندگانی کند زراعت‌تجارت سعادت جامعه‌وهرچه را که‌راجع بجامعه است ملاحظه کنید در تحت عنوان امنیت میتواند اداره شود ودر نبودن امنیت نه زراعت نه تجارت نه سعادت برای جامعه باقی نمی ماند قبل از همه چیز بایستی امنیت ووسائل اورا فراهم کردباید تمام اهتمام را بر این قرار داد که اگر در اقصی بلاد ایران یک رعیت‌ضعیف در گوشه بیابان گرفتار غارتگر ها بشود (چه غارتگرهای‌اداری وچه‌مسلح و صحرا نشین) باید گوشها را برای شنیدن صداهای او شنوا کرده‌خواب را برخود حرام نموده و اورا از بدبختی وشقاوت نجات داد وبالاخره وسائل راحت‌اورا برطبق عدالت‌فراهم ساخت . عدالت‌است که در حقیقت میتواند در ضمن امنیت گنجانده‌شود امنیت برای حفظ‌جامعه است اگر عدل نباشدانسان برحفظ حقوق خود مأمون نیست اگر عدل نباشدبر حفظ حقوق خودقادر نیست عدالت در این مملکت مرتفع است امنیت هم مرتفع است مقصودم نه این است که اردو های غارتگر از این طرف و آن طرف مشغول غارت هستند باید اهالی از آنها امنیت داشته باشند بلکه مقصودم این است که باید هریک نفری از یک نفر دیگرمأمون باشد . امنیت حقیقی این نیست که‌هر ضعیفی مقهور قوی‌تری باشد امنیت حقیقی آنست که هر کس از دیگری مأمون باشد در مملکت‌ما هر ضعیفی مقهور قوی تری است بدون بازپرس‌علتش نبودن مسئولیت است پس باید این‌دو اصل‌حقیقی را در مملکت‌ایجاد کرد سوم‌مساوات‌است ما بایدحقیقت مساوات‌درحقوق رادر مملکت ظاهر نمائیم‌مساوات‌در حقوق‌این‌مملکت نیست و ما از خودمان پنهان میکنیم و خیال میکنیم که همه در مقابل قانون مساوی هستیم‌نه اگر یک‌نفر

صاحب القاب و حیثیت و طنطنه دارای هزاران جرم حقوقی و اخلاقی و جنائی باشد چون از طبقه عالی و دارای طنطنه است‌ازاین جهت مصون است دولت ماست مالی میکند.وزیر ماست مالی میکند . اداره ماست مالی میکند وبالاخره اداره نظمیه حتی پلیس هم ماست مالی میکند برعکس اگر یک نفر ضعیف وبی دست و پا بیک عنوان گرفتارو مبتلاباشدهزاران تعقیب غیر مشروع از او دیده شده و شاید گناه‌آن شخص‌معنون را تحمیل برآن بیچاره کنندمثل اخذ مالیاتها در همین دوره‌مالیات اشخاص مطنطن تخفیف داده شده‌و تحمیل بر همسایه‌ضعیفش گردیده‌مجازات هم‌شاید همینطور است مجازات قوی بر ضعیف‌تحمیل میشود .

یکی دیگر از جمله‌چیزهائی که در جامعه‌بزرگ ترین بدبختیهااست و در حقیقت میتوان گفت که‌تمام اصول اداری و تمام مفاسد اخلاقی و اجتماعی ناشی از اوست و اصول اخلاقی و اداری‌در مقامش‌متزلزل است رشوه و ارتشاء است رشوه و ارتشاء باندازه‌در مملکت ما منتشر و بی‌پرده شده که از بزرگترین زمامداران طبقات عالیه تا کوچکترین افرادیکه در دوائر دولتی مستخدم هستند بدون هیچ قبح و خجالت قبل از همه چیز فوری حق اجرت خودش‌را میخواهد بدون اینکه حس بکند چه وظیفه را باید انجام بدهد در تمام ادارات مابانداره‌ای رشوه رواج گرفته که هیچکس مأمون بحفظ حقوق خودش‌نیست هیچکس نمیتواند بیک اداره متمسک شود و دو کلمه حرف حسابی بزند اگر رشوه‌داد میتواندحرف‌بزند و الا تمام حقوقش درزیر پای اغراض پامال خواهد شد این مسئله باندازه‌ای در مملکت ماواضح‌وبرهن است که اگر از هر فردی از افراد راجع بدوایر سئوال کنیم میگویندپول لازم است‌وباید خرج کرد چقدر این مسئله جامعه‌را فاسد کرده و چقدراسباب افتضاح دوائر گردیده و چقدر اسباب مفاسد اخلاقی و اجتماعی شده . در زندگانی اداری‌و اجتماعی چه چیز بدتر از رشوه وارتشاست ؟ البته‌بایدجلوگیری نمود و مخصوصا راجع‌برشوه و ارتشاءقانونهای‌سخت ایجاد کرد وجدا اجرانمود نه فقط وضع قانون کرد یکی از اصلاحاتی که جزء اصلاحات فوری باید شمرده شود رفع‌تحمیلات طاقت‌فرسائی است که‌باهالی مملکت شده چه جمعیت‌مالیات بده مملکت‌ایران‌طاقت تحمل این مالیات را ندارد همه وقت میگویندمالیات‌بده کسر مخارج داریم و اگرمالیات وضع نکنیم و محل نتراشتیم‌از خارجه‌باید قرض کنیم فوری عنوان قرض‌را جلومیکشنددرحالیکه دروغ میگویند(بودجه مملکت در تمام‌مدت مشروطه ایران درتمام عمرمجلس شورای‌ملی که چهار دوره است بمجلس نیامده‌هروقت هم یک‌لایحه مالیاتی بمجلس شورای ملی وارد میشد وقتی بآنها میگفتیم این مالیات را که میگیرید بچه نوع مصرف میکنید بودجه کو . برای‌چه کسرمخارج دارید میگفتند عجالتااین امر فوریست این‌راتصویب کنیدبعد بودجه را میآوریم تصویب کنید باز بوجه را نمی‌آوردندبهرحال‌باید رفع این مالیاتهای‌طاقت فرسا راکرد باید ملت ایران زیر بار یکدینارمالیات نرود مگر اینکه بودجه مرتب شود(آنهم بودجه‌یک دولت فقیروضعیفی مثل ایران نه یک دولت متفنن که دارای ثروت زیاد است چنین بودجه را بر ایران نبایدتحمیل کرد) وقتی که بودجه‌اش مرتب‌شدآنوقت زیر بار مالیات بایدبرود یکی ازبزرگترین‌اصلاحات اجتماعی بر انداختن این اصل از این مملکت است که هرکس در هرلباس و هر شغل و هر سلسه هرصبح که ازخواب‌برمیخیزد اول فکری که‌برای ارتزاق خود میکند دخول در ادارات دولتی است و هیچ وظیفه دیگری برای خودش فکر نمیکند و چون هیچ وسیله را فکر نمیکندوفقط‌میخواهدداخل دراداره شودالبته باید باین وآن‌متوسل شودوشروع بآنتریک و دسته‌بندی می‌نماید و شروع می کند به تشکیل احزاب وداخل شدن دراحزاب واحزابی که هرساعت یکرنگند احزابی که هروقت دولتی روی کار آمد مرامشان مرام همان دولت است احزابی که یکروز دموکراتند یکروز اعتدالند و یکروز سوسیالیست وبهراندازه که اسم دردنیا ممکن است تصور کرد در ایران ایجاد می کنند بدون اینکه مرامی داشته باشند مرامشان فقط دخول در اداره و پشت میز نشستن و ارتزاق از خزانه دولت و فقط است کردن جامعه وجیب ملت خالی کردن است یکی دیگر از جمله چیزهائی که جزء و اصلاحات فوری است واز آنهائی که‌تابحال عرض کردم‌قدری فوری‌تر است قانون مجازات میباشد آیا هیچکس می‌تواند تصور کند که جلو مشتهیات نوع بشر را می‌توان بدون مجازات گرفت ؟ هیچکس می‌تواند بدون اجرای مجازات‌جلو دزدی ـ غارتگری ـ حمله برناموس برعرض و مال وجان دیگری را بگیرد ـ آیا جلوگیری از مشتهیات قوی وحفظ حقوق‌ضعیف بدون‌مجازات‌ممکن‌است ؟ قوانین‌آسمانی وزمامداران روحانی هم نتوانسته‌اند ودانستند که باید با این‌اصل غیر قابل‌تغییرعمل کرده در مقابل‌خیانت مجازات‌قرار داد و در مقابل خدمت مکافات ـ مکافات تشویق کننده ملت است‌ومجازات تهدید کننده خائن ـ آیا درمملکت هیچ شنیده‌اید که از اول دوره مشروطیت تابحال یکنفر مأمور را مجازات کرده باشند و باز دوره استبداد که اگر یکنفر زمامداران تعدی‌میکرد شاید یکی از پادشاهان‌اورا مورد دستخط واقع‌میساخت که مورد غضب شاه واقع شود و اموالش را بطور جریمه ضبط نماید) آیا امروز یکنفر شخص اداری یکنفر وزیر یک معاون یکنفر عضو اداره را شنیده‌اید که هیچ خوفی داشته باشد که اگرمن‌فلان عمل را بکنم ممکن است مورد مجازات و مواخذه واقع شوم هیچ شنیده‌اید که یکروز یکی از اعضای اداری‌را مجازات کنند نهایت چیزی که بود اگر یک خیانت بزرگی کرده یاطرف حب زمامدارنبوده از آن محل موقتاً منفصل‌وبعد در محل دیگر ارتقاء رتبه پیدا کرده این‌بود سیاست‌مستمره این‌دوره آیا حالاهم همینطور باید باشد ؟

آیا نمایندگان ملت میتوانند راضی بشوند که که بهمین رویه ما امرار حیات بکنیم ؟ آیا ممکن ست یکقدم رو باصلاحات برویم قبل از همه چیز مجازات باید درحق‌همه کس اعمال شود مقامات‌عالی وعلومقام نباید مانع اجرای مجازات بشود اگر این حقیقت مسلم بشود ولو برای یکروزهم که باشداگر مجازات در مملکت حکم فرما شود خواهید دید که همین ملت ایران که دارای هزاران مفاسد اخلاقی است چطور بطرف حقیقت سوق داده میشود وقتی مجازات نیست نه ایرانی اروپائی‌هم که برای تشکیلات‌این‌مملکت می‌آوریم بدبختانه بدترازایرانی میشود اگر اروپائی‌های مستخدمین ایران‌را ملاحظه کنید بایک مواجبی که اگر آنرا مقایسه کنیدمی‌بینید از برای زندگانی عادی قدری بالاتر است دویست الی سیصد اسب در طویله‌اش هست و ماهی سه چهار هزار تومان مخارج میکند و هیچکس هم نمی‌پرسد از کجا وارد می‌شود از جیب کی بیرون می‌آید برثروت کی افزوده میشود البته مملکتی که مجازات نداشته باشد چه مستخدم داخلی وچه خارجی باشدمطابق‌مشتهیات‌خودعمل‌میکندبرای‌اینکه‌بازپرس نیست‌هرچه‌می‌خواهدمیکنددرتعقیب‌این‌ماده‌بایدمجلس شورای ملی راجع‌بیک مسئله یک‌تصمیم تغییرناپذیری بکند وآن رسیدگی باعمال زمامداران و مسئولین و تشکیل دهندگان کابینه در دوره فترت است ـ در این مملکت‌تحسین‌ها بهر کسی گفته میشود وتقبیحها از هر کسی کرده می‌شود گاهی‌نسبت خیانت‌و گاهی نسبت خدمت میدهیم بعضی‌را مقدس وبعضی را ملوث می‌شماریم در عین‌حال همان شخص که مقدس است وقتی که مطابق میل‌ما رفتار نکرد ملوث میشود و همان شخصی که ملوث است اگر مطابق میل‌مارفتار کرد مقدس میشود بدون اینکه تقدیسی که از تقدس وتقبیحی که از ملوث می کنیم‌بدانیم ازچه رواست‌من ادعا میکنم هم مدعی هستم و هم حاکم و وقتی میل می کنم نسبت خیانت بفلان شخص میدهم ومی گویم محکوم باعدام است بدون اینکه درهیچ محکمه ثابت شده باشدپس بنابراین‌من میگویم‌مادامیکه‌زمامداران دوره فترت را محاکمه نکرده‌اید نمی‌توانید ازروی منطق کسی‌راتقبیح یا تحسین کنید واگرهم همین‌طور بگذارید وبخواهیداعمال زمامداران دوره‌فترت را درتحت محاکمه نیاورید بعد از این هم همینطور خواهد بودبرای اینکه مسئولیت‌بتمام معنی‌عرض‌اندام کند باید محاکمه درکار باشد باید آنکسانی که مملکت‌را بطرف خرابی وهرج و مرج سوق دادند محاکمه‌بشوند که سیر اعمالشان دریک محکمه‌ظاهر بشود پس از محاکمه نتیجه آن اعلام شود آنوقت اگر خدمتگذارند تشویق کنند واگر خیانت کارند مملکت‌آنهارابمجازات برساندویالااقل‌اگرنتوانستند مجازات کنند نگذارندداخل درمحیط مملکت‌بشوند من در این قضیه یعنی وضع قانون مجازات و در رسیدگی بعملیات‌زمامداران دوره‌فترت باز ازهمه علاقمند هستم.که‌مادامیکه دراین مجلس هستم ومیتوانم‌از این کرسی استفاده کنم درهردقیقه وهرآن این مسئله را تعقیب میکنم (گفتند صحیح است) البته بلا اشکال نیست و در هر موقعی که ما بخواهیم قدم برای اصلاحات برداریم تمام سیاه کاران دوره‌فترت با ما طرف‌می‌شوند تمام استفاده چی ها قانون‌شکن ها وشهریه بگیرها و آن کسانیکه دوش ملت را سنگین کرده‌اند با ما ضدیت می کنند البته ما هم باید مقاومت بکنیم فقط حسن وجدیت مجلس می تواند در اینجا مقاومت کند تا ملت بداند که‌مجلس شورای ملی برای راحت او مشغول باقدام است و

آن وقت همان کسانی که برخلاف شما اقدامات می کنند خود ملت حتی بیره زنها اصول آنها را بر می‌اندازند پس بدون جبن وترس باید قدم برای این اصلاحات برداریم • خصوصاً مجازات ومحاکمه یکی از اصلاحات لازمه اجتماعی اصلاح مطبوعات است — مطبوعات بزرگترین خطیب پرورش اخلاق ما مطبوعات بهترین وسیله انتشار علوم و معارف • مطبوعات که اساس آزادی اوبزرگترین اساس مشروطیت وحکومت ملی است آیا هیچ می دانید مطبوعات برای همه آنقدر دارای مقام بلند است فقط بجهة اینکه خطیبی است که می تواند صدایش را بتمام نقاط این مملکت برساند مطبوعات بهترین وسیله نشر معارف علوم است اگر قیافه مطبوعات از این حقیقت منصرف شد ویك قیافه نشر مفاسد بخود گرفت آیادر جامعه بازهمان مقام ارجمند برایش می ماند ؟ خیر نتیجه موجودیت یك عده از مطبوعاتی که لیاقت نشر محاسن اخلاقی را ندارند این است که سایر مطبوعات عالی را هم محو ومعدوم میکنند روزنامه نگاری در مملکت ما یکی از آن کارهائی شد که وقتی دست شخصی از همه کارها در مملکت کوتاه می‌شود فکر میکند که برود یك روزنامه تاسیس کند وآنرا وسیله ارتزاق خودقرار دهد این یگانه راه نشر معارف است که برای ما مانده آنراهم باین ترتیب خراب می کنیم ما میدانیم مطبوعات دارای مقام بلندی هستند وباید حافظ این مقام باشیم ونگذاریم که عده اشخاص نالایق داخل در این دایره شوند زیرا که آنوقت استفاده از لایق هم نمیشود کرد (گفتند صحیح است) پس باید یك قانونی وضع کرد که حیثیت مطبوعات محفوظ بماند و مطبوعات آنطوریکه باید بتواند عرض اندام کند کسیکه نمی تواند خطیب معارف و علوم بشود کسیکه نمی تواند منادی اصلاحات بشود روز نامه ننویسد ضرورت ندارد که روزنامه نویس شود بمجرد اینکه انسان توانست یك مقدار کاغذ و خرج طبع یك روزنامه را تهیه نماید بهر وسیله که هست یك امتیاز گرفته وروزنامه چاپ میکند و یك چیزهائی می نویسد که اسباب تنفر جامعه میشود این یکی ازمفاسدی است که ما باید جلوگیری کنیم ما موظف هستیم وناچاریم حتماز این امور جلوگیری کنیم کسی که میخواهد منادی اصلاحات بشود خودش باید حس اصلاح داشته باشد برای اینکه حفظ حقوق را بکند نه اینکه متوسل بیك سنخ حرفهائی که خارج ازحدود اخلاق است بشود ولی متاسفانه امروز بسکه جماعت را عادت داده اند میگویند فلان نمره روزنامه را خوانده اید یا خیر ؟ امروز یك نمره عجیبی طبع شده هیچ چیز برای هیچکس باقی نگذاشته است این وقتی است که میخواهند تعریف او را بکنند این خیلی بدبختی است البته یك کسی که سرمایه علمی نداشته باشد و بخواهد چیزی بنویسد وآنهم وسیله ازنراق او باشد باید همینطور هم باشد امانه آن کسی که نویسنده است ودارای مقام عالی است هیچوقت از دائره زیبنده مطبوعات خارج نشده حیثیت مطبوعات را حفظ می کند از این جهت باید قانونی وضع کرده که شرافت وحیثیات مطبوعات را حفظ کند یکی از چیزهائی که فوق العاده لازم است اصلاحات اخلاقی است هیچ متوجه شده ایم که بواسطه مفاسد اخلاقی روز افزون که درپایتخت مملکت اینهمه زیاد است چه بلاها وبدبختی ها برجامعه نازل شده است و همچنین مناهی و منکرات روز افزون آیا نتیجه اشاعه این منکرات و مناهی چیست تنزل نسل - وجود امراض - بدبختی های فوق العاده - فلاکت - رفتن سرمایه فقیر شدن تمام افراد وبدون اینکه ملتفت باین مفاسد باشیم روز بروز زیاد می‌شود باید از حکومت درخواست کرد جلوگیری از این مفاسد یکه روح ایرانی را فاسد کرده بکند تا اقلا یك محسنات اخلاقی ثابت بماند یکی از اصلاحات لازمه اصلاحات اقتصادی است که مجبوریم فداکاری کنیم و بازوائد زندگانی مخالفت نمائیم - زوائد زندگانی کمرها را خم کرده وبکلی ملت را نیست نموده است زوائد زندگانی است که زندگانی را بفقر و فاقد کشانده است و الان می بینیم روز بروز روبزیاد است البته وقتی که زندگانی مشرقی زندگانی رقابت است وقتی که می بینید هم دوش خودش دارای اسباب زینت است دیگری هم عقب آن میرود زوائد زندگانی این مملکت را خراب کرده و اعضاء ادارات را بدزدی وادار کرده است برای اینکه محتاج بزوائد زندگانی هستند این زوائد تاجر و کاسب را ازاعتبار انداخته است باب معاملات را مسدود کرده. این زوائد روز افزون همان زوائدی است که ملل متمدنه دنیا ازورود به مملکت خودشان جلوگیری کرده وبارمیکنند بطرف دول مشرق مخصوصا بایران پس باید مردم را از لوکس وزوائد کمرشکن حفظ کرد. اما مسله اصلاحات اداری که بنظر بنده رسیده است ولی اگر آقای رئیس وآقایان مایلند به تنفس بنده عرضی ندارم والا اگر میل ندارید بنده حاضرم عرایض خود را تمدید دهم •

نایب رئیس — برای اینکه بقیه نطق آقای حاج آنا را بدون خستگی استماع بفرمائید اگر بطوریکه آقای حاج آقا میفرمند موافقت داشته باشید بقیه نطق آقای حاج آقا بماند برای بعد از تنفس یا در جلسه دیگر مخالفی نیست (بعضی تصدیق کردند) •

حاج آقا — برای بنده فرقی نمیکند هر وقت آقایان اجازه بدهند بنده حاضرم (دراین موقع آقایان نمایندگان از مجلس خارج شده و پس از نیم ساعت مجددا جلسه تشکیل گردید)

نایب رئیس — آقای حاج آقا بفرمایند (اجازه نطق)

حاج آقا — چون عرایض بنده زیاد مانده و نیم ساعت هم از ظهر گذشته است و مجلس را ختم میفرمایند ازاین جهت بنده بقیه عرایض خودم را برای جلسه آتیه می گذارم ولی قبل ازاینکه جلسه ختم شود عرض می کنم که اظهار عقیده بنده راجع بزمامداران ایام فترت کرده‌ام این موجب سوء تفاهم شده وهمچو تصور فرمودند که بنده تمام زمامداران را در عرض هم وظیفه ناشناس وغیر عامل بوظایف خود می‌دانم نه این طور نبوده و درپیشگاه عمومی هم این مطلب واضح است که یکقسمت از زمامداران کاملا وظیفه شناس وعامل بوظیفه خود بوده‌اند و سابقا هم اشاره کرده‌ام که ملت نمیتواند بهیچ زمامداری نسبت عدم لیاقت یا خیانت بدهد مگر اینکه محاکمه بشود و خیانت او معلوم شود هر کس را باید محاکمه کرد کرده اگر وظیفه شناس است اورا تقدیس واگر وظیفه شناس نیست اورا تقبیح کرد و مکرر این راعرض کرده‌ام که زمامداران دوره فترت را قبل از محاکمه نباید محکوم بعدم وظیفه شناسی بدانند و جامعه هم باید آنها را بوظیفه شناسی نگاه نکنند تا آنها محاکمه بشوند و نتیجه محاکمه را اعلام و خدمت گذاری آنها را بملت خاطر نشان نمایند پس بدون محاکمه اگر نسبتی بیکی از زمامداران داده شود گزاف و بیهوده است و جامعه هم باید بدون محاکمه همه راعامل بوظیفه بدانند حتی اعضاء ادارات که شاید خیلی از اعمالشان پیش مردم مکشوف باشد ولی مادام که محاکمه نشده‌اند نباید نسبت بد به آنها داد

سدیدالملك — باستثناء زمامداران کودتا

حاج آقا — به اعضاء ادارات زمامدار نبوده اند•

نایب رئیس - بعضی ازآقایان اجازه نطق خواسته اند آقای ملك الشعراء و آقای حاج شیخ اسدالله وآقای مستشارالسلطنه چون وقت گذشته است اگر موافق باشند بماند برای جلسه آتیه•

مستشارالسلطنه - بنده میخواستم عرض کنم که اگر آقایان مستوفی الممالك مشیر الدوله هم ساکت باشند•

نایب رئیس — عرض کردم می ماند برای جلسه آینده درخاتمه نطق آقای حاج آقا اجازه بخواهید •

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض میکنم نباید وقت مجلس را تلف کرد برای مذاکراتی که بالاخره نتیجه ندارد بایدهمین امروزخاتمه بمذاکرات داده شود بنده عقیده ندارم که برای جلسه آتیه بماند

نایب رئیس — چون وقت گذشته است میماند برای جلسه آتیه دستور جلسه آتیه اول بقیه اظهارات آقای حاج آقا - دوم قرائت راپورت اداره مباشرت سوم تعیین کمیسیون ها در خارج - چهارم خواندن بقیه اعتبارنامه ها (گفتند صحیح است)

جلسه آتیه هم روز سه شنبه سه ساعت قبل از ظهر خواهد بود•

مجلس سه ربع ساعت بعداز ظهر ختم شد .

رئیس مجلس شورای ملی

جلسه ۲۱

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۲۵ شهرذی حجة الحرام ۱۳۳۹ مطابق هفتم برج سنبله ۱۳۰۰

مجلس دوساعت قبل ازظهر در تحت ریاست آقای موتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس روز شنبه بیست ودوم ذی حجه را آقای آصف الممالك قرائت نمودند •

رئیس — نسبت بصورت مجلس اعتراضی

هست ؟ .

آقاسید یعقوب — بنده در آن توضیحی که آقای حاج آقا بعداز تنفس دادند عنوان خیانتی نسبت به زمامداران ندادند ونسبت به ایشان بوظیفه و عدم ایشان بوظیفه اظهار کردند چون این عنوان بود خواستم یادآوری کنم•

رئیس — بسیارخوب دیگر اعتراضی نیست (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب گردید دستور امروز اولا قرائت راپورت اداره مباشرت ثانیا بقیه نطق آقای حاج آقا ولی چون بموجب قانون اساسی ونظامنامه بعد ازدائر شدن مجلس می‌بایستی خطابه به پیشگاه اعلیحضرت اقدس همایونی عرض شود

آن خطابه باطلاع آقایان نوشته شده و قرائت میشود که بعد ازقرائت هیئتی بحکم قرعه تعیین و بحضور اعلیحضرت اقدس همایونی مشرف شده تقدیم نمایند •

(خطابه را آقای امیرناصر بمضمون ذیل قرائت نمودند)

پیشگاه مقدس اعلیحضرت قویشوکت همایونی سلطان احمد شاه خلدالله ملکه وسلطانه مجلس شورای ملی که بتفضلات الهی وعنایات کامله حضرت ولی عصر عجل الله فرجه وتوجهات خاصه ذات مقدس شاهنشاهی افتتاح یافته و نگرانیهای نمایندگان که حاصل ازیك فترت ممتد و بحران طویل بود در پرتو ذات اقدس ملوکانه بامیدواریهای کامل مبدل گردیده اول وظیفه خود میداند که درتحت تهیج عواطف شاهانه وتاثیر حسیاتی که ناشی از فرمایشات شاهانه است قبل از شروع بهر کاری بابراز مراتب سپاسگذاری وتقدیم ادعیه خالصانه و حق شناسی خود را قرین مباهات ساخته داثر بودن مجلس شورای ملی را بعرض پیشگاه اقدس برساند•

مجلس شورای ملی که اثرات حوادث وارده بر مملکت را درمرکز وولایات مشاهده نموده وغرضی جز ترفیه حال عموم وتنسیقات صحیحه وتجدید عظمت مملکت ندارد جدا معتقد است که در سیاست داخلی وخارجی باید تشبید مبانی استقلال کامل وآزادی و حیثیت مملکت بعمل آید وباتمام وسایل ممکنه باصلاحات اجتماعی و اداری که احتیاج شدید مملکتی ایجاب مینماید شروع نمود بواسطه رعایت مقدس مقام سلطنت عظمی و ایجاد کلام از ذکر طرق اصول معروضه خود داری میشود تاانشاءالله در موقع خود مسائل معهوده را بدولت اعلیحضرت شاهنشاهی خاطر نشان کرده واجراء آنها خواسته شود

رئیس - این لایحه بعد ازآن که هیئتی معین شد در ظرف این دو روزه به پیشگاه اعلیحضرت همایونی تقدیم خواهد شد گویا ازطرف آقای حاج آقا راجع بتقدیم وتأخیر دستور شرحی بمقام ریاست کتبا عرض شده بود .

رئیس - (خطاب به آقای حاج آقا) راپورت اداره مباشرت دردستور سابق قبل ازنطق جنابعالی معین شده بود وچون جزو دستور امروزهم هست و نطق سرکارهم قطع شده است و تقریبا ۷۰ ساعت از آن گذشته لذا مجبوریم قرائت آن را مقدم بداریم و گمان نمی کنم ازتاخیر یکی دوساعت ضرری برسد •

حاج آقا - برای بنده فرقی نمی کند ولی چون در جلسه سابق راپورت اداره مباشرت که در دستور بود حاضر نبود بنده شروع به نطق کردم امروز هم فرقی نمیکند اول راپورت اداره مباشرت را قرائت نمائید .

رئیس - راپورت اداره مباشرت حاضر است ولی قبلا باید چند کلمه بعرض آقایان برسانم • در موقعی که بنابود هیئت رئیسه دائمی معین شود آقای ارباب کیخسرو دوفقره رقعه به بنده نوشتند که بعرض مجلس برسانم و مقصودشان این بود بواسطه کسالتی که دارند مجلس شورای ملی ایشانرا از مباشرت معاف نماید . بنده بجهت اینکه وجودایشان را در هیئت رئیسه بواسطه کفایت و کاردانی که دارند خیلی لازم می‌دانستم از قرائت رقعهٔ ایشان در مجلس علنی خودداری کردم (بعضی تصدیق کردند) ولی باوجود اخفای آن مراسلات گویا بعضی از آقایان ملتفت شدند که ایشان مایل باین شغل نیستند وقبول نخواهند فرمود به این جهة در موقع انتخاب مباشرین اسم ایشانرا درورقهٔ رأی نوشته بودند ولی خوشبختانه بیش از اکثریت قانونی در باره ایشان رأی داده شده وهیئت رئیسه وآقایان وکلاء بایشان اظهاراتی کردند و نتیجه اظهار ایشان این شد که ایشان باوجود خستگی که داشتند و بهیچوجه مایل باین کار نبودند مجدداً حاضر شدند خدماتی را که تابحال بمجلس شورای ملی کرده‌اند ادامه بدهند اینست که من باب قدردانی وامتنان شخص بنده وهیئت رئیسه لازم دیدیم مراتب را بعرض مجلس شورای ملی برسانیم چنانچه سابقا هم عرض کرده‌ام زحمات وخدماتی که آقای ارباب کیخسرو ازدوازده سال قبل تا کنون داشته ودارند ازقوه بیان بنده خارج است والبته آقایان بخوبی همینقدر که این راپورت قرائت شود بهتر ملتفت خواهند شد که ایشان درگذشته بچه محظورات و فشارهائی دچار شده‌اند وباچه مقاومت کرده‌اند (اغلب تصدیق نمودند)

(آقای امیرناصر راپورت اداره مباشرت را بمضمون ذیل قرائت نمودند) (بتاریخ ۱۸ اسد توشقان ئیل ۱۳۰۰)

اوضاع مجلس شورای ملی درشانزدهم محرم مطابق ۱۳ قوس بارس ئیل ۱۲۹۳ الی ۱۵ شوال ۱۳۳۹ برابر اول سرطان تخاقوی ئیل ۱۳۰۰ مصادف با روز افتتاح مجلس دوره چهارم تقنینیه مقام منیع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

باحسن نیت ونظری که آقایان نمایندگان محترم دوره دوم دوره تقنینیه داشته ودر آغاز دوره مزبور بنده را برای اداره مباشرت انتخاب فرمودند وبعد نیز همان حسن نیت ونظر تائید شده است تا آغاز افتتاح مجلس دوره چهارم که ۱۲ سال تمام میشود بنده بآن سمت مفتخر بوده هرچند در دوره دوم و سوم اعضاء دیگر نیز بهمکاری بنده شرکت داشتند ولی همینکه هردوره منقضی شده بنده تنها مانده واوقات فترتهای پر زحمت وخطرناك سه ساله بین دوره دوم وسوم وپنج سال وهفت ماهه بین دوره سوم وچهارم به بنده منفردا محول بوده بدون این که بخواهم بشرح تحمل زحمات ومخاطرات دوره‌های فترت پردازم یا از خدمات مجانی خود درنه سال ایام فترت دودوره که فقط برای اداء وظیفه ایرانیت بوده بسخن رانم سپاس خدای بجا میآورم که باز پس از یك دوره فترت متمادی ۵ سال وهفت ماه شمسی وهشت روز بین دوره سوم وچهارم تقنینیه از تاریخ ۷ محرم ۱۳۳۴ برابر ۲۲ عقرب توشقان ئیل ۱۲۹۴ الی ۱۵ شوال ۱۳۳۹ مطابق اول سرطان تخاقوی ئیل ۱۳۰۱ مرتبه دیگر موفقیت حاصل است در تعقیب کتابچه سرگذشت تقدیمی در آغاز دوره سوم تقنینیه حاوی شرح قضایای دوره دوم تقنینیه و ایام فترت بین دوره دوم وسوم اکنون بتوانم محترما خاطر محترم آقایان نمایندگان عظام دوره چهارم معطوف ومستحضر دارم وتمام آنچه بادارهٔ مباشرت مجلس سپرده بوده ازباغ وآب وابنیه واثاثیه ودفتر واسناد وکتابخانه وغیره بدون هیچ کم وکاست و عیب بلکه بافزونی بمجلس مقدس دوره چهارم تقنینیه ارائه وتسلیم نماید الا درقسمت هائیکه دولت قهرا از مجلس برده وشرح آنرا دراین کتابچه ملاحظه خواهید فرمود • مالیه محاسبات مجلس

رئیس - در اینجا ارقام واعدادی نوشته شده چون مفصل است قرائت نمیشود •

(بقیه راپورت بمضمون ذیل قرائت شد)

مطابق شرح مندرجه در کتابچه حاوی کلیه محاسبات امور اداره مباشرت مجلس در تاریخ غره رجب ۱۳۲۷ لغایت ۵ صفر ۱۳۳۳ برابر اول جدی بارس ئیل ۱۲۹۳ کلیه صورت محاسبات مجلس شورای ملی تا تاریخ آخر قوی ئیل مزبور بمجلس شورای ملی تقدیم ودرجلسه ۵ شنبه ششم حوت بارس ئیل تصویب وتفریغ گردیده است وبااینکه پیوسته بدون فوت وقت در موقع خود بردجه و صورت محاسبات اداری تقدیم میشده در مواقع افتتاح مجلس بر وفق مصوبه مجلس ودرهنگام فترت مطابق احکام وتصویب نامه های دولت بوده متاسفانه تعطیل دوره دوم و سوم بدون مقدمه بوقوع پیوسته و از همین جهة تصویب صورت محاسبات از آغاز سنه توشقان ئیل ۱۲۹۴ الی افتتاح مجلس دوره چهارم معوق مانده اینك خلاصه کلیه محاسبات را درآخراین راپورت بعرض میرساند

۱ مطابق بودجه مصوبه مجلس شورای ملی در جلسه یکشنبه چهارم دلو بارس ئیل برای مخارج ۳ ماه و۱۸ روز تا لغایت آخر حوت سنه مزبور موافق مواد (۱) الی (۵) ضمیمه (۱) پس از وضع پانصد و هفتاد ودو تومان و چهار هزار دینار قیمت ذغال سنك مصوبه که قبلا خریداری و جزو محاسبات سابق آمده بقیه مبلغ بیست وچهار هزار وهشتصد وشش تومان وسه هزار بشرح ذیل تصویب گردیده ومخارج سه ماهه سنه مزبوره نیزدر ضمن آن مندرج است •

تبصره — مخارج هیجده روز درجزو محاسبه قبل تقدیم شده بوده است صورت ذیل با آنکه به تصویب مجلس رسیده وتفریغ شده فقط برای تکمیل

اطلاعات از آغاز دوره سوم منتشره میشود

امیر ناصر - صورت محاسبات است که‌قرائت نمی شود .

(مابقی راپورت مجددا بشرح‌ذیل قرائت‌شد)

بشرح فوق درمقابل بودجه مصوبه مخارج سه ماهه بعمل آمده و صورت مزبور بمجلس مقدس پیشنهاد و در جلسه مورخه دوم میزان توشقان ئیل مجلس مبلغ ۲۱۸۱۵ تومان ودوهزار و پنجشاهی خرج ومبلغ ۱۲۰ تومان پنجهزار ونه شاهی بابت عایدات باغ‌بهارستان جمع وتصویب وتفریغ‌وبموجب صورت مزبوره از میزان‌بودجه مصوبه مبلغ دوهزار ونهصد ونودوهفت‌تومان و ٤٤۰۰ دینار کمترخرج شده است .

۲ — مطابق قانون بودجه سنه توشقان ئیل ۱۲۹٤ که در جلسه ۹ سنبله سنه مزبوره بتصویب مجلس شورای ملی رسیده برای مخارج سنه‌مزبوره بشرح ذیل مبلغ ۱٤۳٤۸٦ تومان اعتبار باداره مباشرت مجلس داده ومبلغ ۵۰۰ تومان عوایدباغ بهارستان‌پیش‌بینی‌شده‌است‌ولی‌بموجب‌دفاتر‌واسنادخرج فقط مبلغ هشتادونه هزارو هفتصدو شانزده تومان و سه هزار و نهصد دینار بمصرف رسیده‌است

باشرح معروضه در مقابل اعتبار فوق الذکر بطور کلی مبلغ پنجاه‌وسه هزارو هفتصدوشصت و نه تومان و شش هزار ویکصددینار کمتر بمصرف‌رسیده است درتاریخ هفتم محرم ۱۳۳٤ برابربیست و دوم عقرب توشقان ئیل هزار ودویست ونود و چهار عده آقایان نمایندگان حاضر در تهران ۷۳ و عده‌مسافر هفت نفر وبوده درتاریخ مزبوربمناسبت پیش‌آمدهای سیاسی وتجاوزات نظامیان‌روس که‌اعلیحضرت‌همایونی قصد حرکت از تهران فرموده بودند نیز آقایان نمایندگان مصمم حرکت شدند و عده سبقت جسته روانه قم و بعد جزء مهاجرین و از مرکز خیلی دور شدند و باین‌جهت مجلس شورایملی از اکثریت‌افتاده بحال تعطیل باقی‌ماند چون مبالغی از وجه مقرری گذشته آقای‌نمایندگان وحقوق‌وسایر مصادف‌اداری مجلس معوق مانده بود درتاریخ (۳۰) عقرب وهفتم جدی سنه مزبوره مبلغ هجده هزار تومان از آن بابت در کابینه آقای مستوفی‌الممالک وصول و ایصال گردید - در برج جدی‌همان سنه که کابینه شاهزاده فرمانفرما تشکیل یافت فقط اداره مباشرت موفق گردیدمبلغ چهارهزاروهفتصدتومان حقوق‌و مصارف اداری را وصول وایصال نماید در برج حوت سنه مزبوره که کابینه‌آقای سپهسالار اعظم صورت گرفت صورت بقیه طلب اداره‌مباشرت از دولت درصورتیکه مقرری آقایان نمایندگان فقط تا آخر برج عقرب بحساب آمده بوده مبلغ بیست‌وپنجهزاروپانصد ونود و سه تومان وسه هزاروپنج شاهی‌تقدیم و درخواست تادیه شده پس از رسیدگی مبلغ هفت هزارودویست و دوازده تومان مقرری آقایان نمایندگان مهاجر را موضوع و موکول بمراجعت خود آنان کرده وبقیه را بوزارت مالیه حواله و تاکید در تادیه نمودندولی متاسفانه باوجود مساعدت آقای سپهسالار اعظم فقط محض عدم مساعدت‌وزارت‌مالیه‌اختلافات‌نظر کمیسیون مختلط جدیدالتولد آن عصر که عاقبت نیز با وسائل مخصوصه موفق بوصول گردید و متدرجاً در ظرف پنجماه‌وبیست وسه‌روزطول‌مدت کابینه آقای‌سپهسالار اعظم وصول و ایصال شد - (نباید فراموش کرد که آقای سردار معظم خراسانی در انجام موفقیت فوق حتی‌الامکان‌از مساعدت مضایقه ننمودند) در اواخر برج‌اسد قوی‌ئیل ۱۲۹۵ که کابینه‌آقای وثوق‌الدوله تشکیل یافت برای مقرری آقایان نمایندگان بعداز برج عقرب سنه‌ماضیه مطالبات‌آقایان‌نمایندگان‌مهاجر که خانواده اغلب در مضیقه بودند درخواست‌شد در نتیجه دربیست‌وششم عقرب مبلغ پانصد تومان برای خانواده آقایان آقامیرزا طاهر تنکابنی‌آقاسیدمحمد رضای مساوات آقا شیخ رضای دهخوارقانی بتناسب مقرری که‌طلب کار بودند اجازه پرداخت دادندوتادیه شد و نیز در تاریخ مزبور مبلغ پنجهزار تومان‌وجه نقد کارسازی و مقرر داشتند بعنوان مقرری بعد از برج عقرب سنه ماضیه‌فی‌پانصدتومان به ده‌نفر آقایان مذکوره ذیل کارسازی شود وشد - آقای حاج شیخ محمدحسین یزدی- آقای مؤیدالاسلام کرمانی- آقای آصف‌الممالک شاهزاده‌مرآت‌السلطان- آقای‌حاج میرزا حسین کرمانشاهی- آقای آقاشیخ‌محمدنجفی آقای آقاشیخ ابراهیم زنجانی - آقای حاج سید اسدالله قزوینی- آقای حاج فضلعلی آقای قزوینی- آقای‌سید اسدالله چهار سوقی - و نیز مذکور نمودند آقای عدل‌الملک هم ازاین وجه پانصدتومان مستقیماً دریافت داشتند در هشتم حوت‌هم مبلغ پانصد تومان وصول‌و ایصال آقای ملک‌الشعراء گردید بعد ها نیز آقایان رفعت الدوله - دکتر حسینقلی خان - آقاشیخ یحیی فی نفری‌پانصد تومان مستقیماً از دولت دریافت داشته‌اند ولی وجوهی که اشخاص مستقیما دریافت داشته اند در جزء محاسبه مجلس محسوب نیست .

از تاریخ۲٦جوزای ئیلان ئیل۱۲۹٦ با کابینه‌آقای علاءالسلطنه‌واز اول قوس‌همان‌سنه با کابینه‌شاهزاده عین‌الدوله واز ۲۸ جدی سنه مذکوره با کابینه آقای مستوفی الممالک واز یازدهم ثوریونت ئیل ۱۲۹۷ با کابینه آقای‌صمصام السلطنه مکرراجع بطلب آقایان نمایندگان مهاجر و پریشانی اغلب خانواده‌ها یادآوری شده تااینکه‌در تاریخ شانزدهم برج اسد کابینه ثانوی آقای‌وثوق‌الدوله تشکیل یافت ودرجلسه ۱۱ سنبله سنه مذکوره هیئت‌وزراء تصویب‌نمودندطلب آقایان نمایندگان‌مهاجر پرداخته شود ودرتاریخ بیستم میزان الی ۲٤ دلو یونت‌ئیل متدرجاًمبلغ‌شش‌هزاروبیست‌چهارتومان‌تتمه‌طلب‌آقایان نمایندگان مهاجروصول وایصال آقایانیکه‌مراجعت نموده بودند یاامنای‌خانوادشان شد - مرحوم آقای حاج شیخ اسمعیل وآقای آقا سید فاضل نیز که از مهاجرین‌بودند پس‌ازمراجعت بموجب‌درخواست نامه صادره از اداره مباشرت معادل طلب خود را مستقیماً از وزارت مالیه دریافت داشته‌اند خلاصه بطور کلی مقرری آقایان نمایندگان که درضمن صورت فوق و جزء سنهٔ توشقان ئیل بحساب آمده در تحت این ترتیب ومدت وصول وایصال شده‌ولی چون این خرج درمقابل بودجه مصوبه سنه‌توشقان ئیل بوده قاعدتاً بایستی بحساب همان سنه خرج بشود وشده است . خلاصه - درنتیجهٔ دوفقره‌محاسبه مذکوره‌بطور کلی دردوره سوم‌تقنینیه مخارج‌مجلس شورای ملی اعم از مقرری آقایان نمایندگان و حقوق اجزاءومستخدمین ومصارف‌متفرقه لغایت‌آخر برج حوت توشقان ئیل ۱۲۹٤ بشرح ذیل معادل مبلغ یکصدویازده هزار ویانصدوسی ویك تومان‌و ششهزار وسه‌شاهی بوده ودر مقابل اخذ این وجه از وزارت مالیه مبلغ سیصد و هفتاد تومان وشش هزار ویانصد وپنجاه‌دینار‌بابت عایدات‌باغ‌بهارستان برگشت کرده است . (بودجه مصوبه و مخارج هنگام فترت)

دربرج حمل لوی‌ئیل ۱۲۹۵ بودجه یکساله ادارات تقنینیه و مباشرت را مطابق سنه قبل مبلغ بیست هزار وسیصد و شانزده تومان که هفت‌هزار وششصد وهشتاد تومان راجع‌باداره تقنینیه ودههزار ویکصدوپنجاه ودوتومان متعلق باداره مباشرت ودو هزار وچهارصدوهشتاد وچهار تومان بعنوان‌مابوس مستخدمین ومخارج ومصارف عادی باشد به کابینه آقای سپهسالار اعظم پیشنهاد نمودم ودرجلسه‌هشتم ثور تصویب و مقرر شد درروز هر۳ماه بسه ماه وزارت مالیه تأدیه نماید لکن بعدها تردیدی برای آن کابینه حاصل شده در ۷ برج اسدامر به‌انحلال اداره تقنینیه صادر گردید معهذا اقدام در انحلال ننمودند تادرهیجدهم اسد کابینه آقای‌وثوق‌الدوله تشکیل یافت ودرتأیید نظر کابینه آقای‌سپهسالار اعظم امر صریح بانحلال‌اداره تقنینیه صادر کردند از اول برج میزان‌منحل گردید وحقوق گذشته آنها را متدرجاً وصول‌وایصال‌نمودم درضمن انحلال‌اداره تقنینیه نیزاز بودجه‌پنجاه‌چهارنفر اجزاءومستخدمین اداره مباشرت کاسته واز قرار ماهی هفتصدتومان بطور کلی برای تمام‌حقوق ومخارج ومصارف‌مقرر داشتند - باآنکه از وضع پریشانی‌آنان آگاه‌بودم معهذا بحکم اجبار بهمان مبلغ اکتفا نموده مدیر دفتر راکدهم درضمن اداره تقنینیه منفصل شد و هفتصد تومان مزبور درمیان‌سایرین درحد متناسب تقسیم گردید وبرای هریك از مستخدمین جزءنیز درسنهٔ مزبوره یکدست لباس منظور وتهیه و داده شد پس ازرسیدن نوبت‌ریاست وزراء باآقای‌علاء - السلطنه مرحوم دربیست و چهارم اسد ۱۲۹٦ از شرح پریشانی وعسرت مستخدمین‌مستحضرشان‌داشتم وماهی هفتاد تومان برهفتصدتومان مزبور افزوده‌و درجلسه سی‌ام اسد هیئت وزراء تصویب گردید ودر سیزدهم اسدنیز مبلغ چهار صد تومان برای لباس چهل ویك نفر مستخدمین و دویست تومان بجهت خرید ذغال سنك تصویب نمودند

بایش‌آمد اوضاع سال مجاعه ووفور امراض حصبه و غیره که زبان از بیان شرح آن عاجز است ناچار شرح بیچارگی وفلاکت کارکنان اداره مباشرت را بکابینه شاهزاد ه‌عین‌الدوله‌نوشته درخواست بذل‌توجه نمودم فلهذا در جلسه ٦ جدی ئیلان ئیل ۱۲۹٦ تصویب شد از اول قوس ماهی۳ تومان بحقوق‌هریك از مستخدمین جزء افزوده شود وبااین ترتیب تاآخر برج جوزای سنه یونت ئیل ۱۲۹۷ پرداخته و بعد

موقوف نمودنداجزای‌اداره‌مباشرت‌ورؤسای‌مستخدمین از این اضافه محروم ماندند) در کابینه ثانوی آقای وثوق‌الدوله درخ است‌های خودرا تجدید نموده ود تعقیب آن در ۲۲ سنبله یونت ئیل ۱۲۹۷ مبلغ چهار صد تومان برای‌ملبوس مستخدمین ودراول دلو سنه مزبوره تأدیه ۳تومان مقطوعی‌را تصویب نمودند دردهم دلو یونت‌ئیل نیز تصویب‌نامه صادرشد که‌فی ماهی دوازده تومان به‌حیدر خان فراش باشی ویازده تومان به نایب‌حسین‌خان حاجب آنوقت وپیشخدمت‌ باشی‌حالیه) اضافه حقوق پرداخته شود در سیزدهم ثور قوی ئیل نیز کابینه مزبوره برطبق درخواست اداره مباشرت تصویب‌نمود از قرار ماهی سی و سه تومان از روی تناسب بحقوق معاون اداری و رئیس محاسبات وسرایدار باشی‌مزید شود وهمچنین درضمن بودجهٔ سنه مزبوره در کابینه آقای‌وثوق‌الدوله‌ماهانه پنج تومان اضافه حقوق برای مدیر دفتر راکد و۲ تومان بجهت مسئول ملزومات وسه تومان برای‌آقای سید محمود تصویب گردید و تاآخر سنه قوی ئیل بشرح فوق معمول بوده است نظر به‌عسرت خاتمان برانداز سال مجاعه واستیلای امراض و کمی‌ومحدود بودن عوائد اجزاء ومستخدمین به حقوق که‌حقا تاب وتوان از آن سلب شده بود دردوازدهم حوت سنه مزبوره شرحی از وضعیات آنها به کابینه آقای وثوق‌الدوله‌نوشته‌تقاضا کردم‌موافقت‌نمائیدازمحل‌عوائد باغ بهارستان مبلغ یکهزار وچهارصد تومان اززروی تناسب بآقایان مساعدت شود تایس از افتتاح مجلس شورای‌ملی‌چنانکه مستلزم‌رعایت‌باشد پریشانی گذشته آنهارا جبران فرمایند بااینکه تصدیق به پریشانی و استحقاق آنها نمودند اما موفقیت در اصل مقصود حاصل‌نشد وفقط ممکن‌شدپانصد وهشتاد و پنج‌تومان قیمت ملبوس که در سنه مزبور برای سی وسه نفر مستخدمین تهیه شده بوددربرج‌حوت ئیچی‌ئیل‌دریافت دارم در کابینه آقای مشیرالدوله همان تقاضای فوق را درحدودیکهزار و یکصدو وسی‌تومان که‌بعنوان مساعده بقرض مستخدمین داده بودم تجدید وتصویب بودجه ئیچی‌ئیل‌را درخواست‌نمودم درخواست‌نخستین را در تاریخ دوم اسد ئیچی ئیل ۱۲۹۹ و بودجه‌را در تاریخ بیست وچهارم سنه ۱۲۹۹ تصویب‌فرمودند درکابینه آقای سپهداراعظم که تصمیم به افتتاح‌مجلس شورای ملی شده بود نقیصه اجزاء و مستخدمین‌اداره مباشرت وضرورت تشکیل اداره تقنینیه و لزوم نقل مطبعه دولتی‌به مجلس شورای ملی و تهیه‌لباس برای مستخدمین وتدارك لوازم‌افتتاح پیشنهاد تا دوازدهم جدی ئیچی‌ئیل۱۲۹۹ متدرجاً تمام‌را تصویب‌نمودند فلهذا نقیصه اجزاء ومستخدمین اداره‌مباشرت‌وتشکیل اداره تقنینیه تکمیل لباس تهیه و به مستخدمین تسلیم شد اما نقل مطبعه محض تغییر اوضاع معوق ماندودر لیله دوازدهم جمادی الثانیه مطابق سوم حوت ئیچی ئیل که دوره زمامداری صورت دیگری یافت‌باآنکه اداره مباشرت بتصویب کابینه آقای سپهدار اعظم تهیه جشن اعطای مشروطیت شروع سال شانزدهم‌را دیده بود محض این پیش‌آمد موقوف نمودند لکن درصبح چهاردهم مرااحضار ومواخذه واز علت‌جشن نگرفتن شب قبل پرسش و تأکید نمودند برای لیله پانزدهم جشن گرفته شود وشدودرثانی اظهارنمودند باید اداره‌تقنینیه منحل شودوبعدهم کتباًتاکیدنمودند فلهذااداره مزبوره منحل گردید وحقوق آنان‌تاآخر حوت وصول وایصال شد نیز برطبق پیشنهاد اداره مباشرت تصویب‌نمودند معادل‌نصف حقوق‌ماهانه‌اجزاء ومستخدمین وانعام معمول مستحفظین نظامی مجلس برای عید نوروز تخاقوی ئیل از محل عایدات باغ بهارستان پرداخت شود وشد اما راجع به‌بودجه سنه تخاقوی‌ئیل پس از مدتی‌معطلی بالاخره مقرردراشتند اولا گارد همایون مستحفظ مجلس از اینجا خارج شود و ثانیا مذاکره در عدم لزوم کارکنان اداره مباشرت بجز چند نفر باغبان وسرایدارنمودند وبالاخره راضی شدندیك ثلث از میزان بودجه کسر ومجددا پیشنهاد شود وبحکم اجبار که اساس متلاشی نشود پیشنهاد شد ولی درآن اثنا مدت زمامداری مزبور بانتهارسیده و کابینه‌آقای قوام‌السلطنه‌تشکیل یافت ودرتاریخ ۲۷ جوزای هذه‌السنه همان بودجهٔ اولیه اداره مباشرت را ازحیث حقوق ومصارف‌اداره مباشرت واداره تقنینیه تصویب نمودند ودرضمن‌چون کابینه آقای قوام السلطنه در تسریع افتتاح مجلس شورای ملی تصمیم کردند برای تهیه افتتاح مجلس نیز که بحمدالله در پانزدهم شوال ۱۳۳۹ مطابق اول سرطان تخاقوی ئیل ۱۳۰۰ صورت وقوع‌یافت تصویب نمودند باندازه ضرورت تهیه وصورت تقدیم شود وشده است .

ابنیه بهارستان

درسنه‌قوی ئیل ۱۲۹۵ مبلغ هشتاد ویکتومان ونه‌هزارونهصد دینار بمصرف‌تعمیرات شیروانی وغیره رسیده و چون گل‌خانه محقر باغ بهارستان در ظرف مدت گذشته‌مخروبه‌شده‌بود در برج سنبله سنه‌مزبوره شروع بساختمان گلخانه جدیدی نموده و گلخانه مزبور بطوریکه ملاحظه‌فرموده و میفرمایندبامخارج مبلغ چهارصد و نود و شش تومان و شش هزار و سیزده شاهی از محل عایدات باغ بهارستان‌درداخل برج قوس آن سنه ساخته و حاضر شد نظر باینکه دیوار مابین باغ‌بهارستان‌و خانه آقای عزیزالسلطان سردار محترم‌از مدتی خمیده و متمایل به ویرانی‌شده بود و در پنجم سرطان ئیلان ئیل ۱۲۹٦ در این باب شرحی به هیئت وزرا نوشته شددر تاریخ‌نوزدهم سنبله درکابینه آقای علاءالسلطنه مرحوم جواب‌موافق رسید وصورت مخارج‌برآورد و پیشنهاد و دریازدهم سنبله و ۱۸ قوس سنه یونت ئیل ۱۲۹۷ از کابینه آقای وثوق‌الدوله‌تصویب نامه‌آن مبلغ هفتصدوبیست و چهارتومان صادر و در مقابل خرج دیوار مزبور وصول شده همچنین در ۳۰ اسد سنه ئیلان ئیل‌برای مخارج تعمیرات شیروانی و برچیدن پوشش مبلغی از اطاقهای‌مخروبه که قریب بانهدام بودو متفرقه‌پیشنهاد و مبلغ سیصد و سی و دو تومان و دو هزار ویانصد دینار از تاریخ هفتم سنبله‌سنه‌مزبوره در کابینه‌آقای علاء السلطنه‌مرحوم تصویب نامه صادر واقدام شددر دهم سنبله قوی‌ئیل۱۲۹۸ نیزبرای تعمیرات‌شیروانی وغیره‌سیصدو پنجاه‌و هشت‌تومان و سه هزاروپیشنهاد و در کابینه آقای‌وثوق الدوله‌تصویب شد و بمصرف مزبور رسید .

٤- در۲٤ سنبله‌ئیچی‌ئیل ۱۲۹۹ برای‌تعمیرات کلی مبلغ ششصد و بیست‌و نه تومان و نه هزار به کابینه‌آقای‌مشیرالدوله‌پیشنهادوتصویب گردیدومشغول تعمیرات شدند در این ضمن کف بعضی اطاق‌های فوقانی فرورفتگی حاصل نمود حاجت به برداشتن و تجدید ساختمان شد و همچنین برای رنك و روغن داخله عمارت‌وبرداشتن قسمتی‌از دیوار عمارت‌مخروبه طرف خیابان که قریب الانهدام و خطرناك‌بودمبلغ ششصدو دو تومان در تاریخ ۲۸ عقرب و ۱۷ قوس ۱۲۹۹ به کابینه‌آقای سپهدار اعظم‌پیشنهادوتصویب و اقدام شده است یا آنکه‌رسیدگی بامورومحاسبات مجلس شورای ملی ازمختصات خودمجلس است‌معهذا درغیاب مجلس تمامی‌برآورده های‌مخارج‌ابتداءتوسط نماینده‌ومعماروزارت‌فوائدعامه می‌شد و تمام‌پیشنهادات شامل تصدیق‌وزارت فوائد عامه بوده و در تحت‌نظر وزارت معزی الیها بمصرف میرسیده است در خاتمه خاطر محترم آقایان نمایندگان معظم راجلب‌مینماید که عمارت خرابه سمت مشرق باغ‌شمالی که ازآثار توپ بسته شدن مجلس بیادگار مانده یا باید درهمین حال مرمت و یا برچیده و بجای آن عمارتی یا نقشه صحیح که حاوی نقشه کتابخانه و غیره باشد ساخته و از حال انهدام‌و مخاطره یومیه‌فراغت خیال‌حاصل‌آید

(محاسبات متفرقه باغ بهارستان و فنات)

۱- عایدی‌باغ بهارستان‌از برج‌حوت‌توشقان‌ئیل ۱۲۹٤ لغایت آخرحوت ئیچی ئیل ۱۲۹۹ ومخارج موضوعه از آن بشرح ذیل میباشد .

صندوق جرائم

در دوره دوم تقنینیه بشرح کتابچه تقدیمی از دوره سوم عایدات صندوق جرائم بمبلغ بیست هزار و نهصدو شش تومان و هشتهزار و نه شاهی رسیده و بموجب همان کتابچه تقدیمی مبلغ پانزده‌هزار و پانصدو ده تومان از آن مبلغ مال‌الصلح شرعی و متفرقه بهارستان و وقف بر ملت شده وسه هزارو هشتصد و هشتاد و هشت تومان یکهزار و سیصد دینارا‌عانه برای ساختمان مریض‌خانه احمدیه‌ومخارج متفرقه و خرید کتب مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه شده و بقیه در آغاز دوره سوم مبلغ‌یکهزارو پانصد و هشت تومان و هفتهزار و سه شاهی موجود بوده مبلغ دوهزار و هفتصد ونود و هفت تومان‌وششهزار ویکصد دینار نیز در دوره سوم‌تقنینیه وازمستخدمین الی اول حمل تخاقوی‌ئیل مزید گردید صورت جمع و خرج آن الی اول حمل مزبور بشرح ذیل است

مدرسه ایتام

۳-بشرح راپورت تقدیمی به مجلس دوره سوم مبلغ هفتصدو چهل و دوتومان از وجهی که‌آقایان نمایندگان در دوره اول‌بنام مدرسه ایتام جمع‌آوری نموده اند در صندوق اداره مباشرت‌موجوداست

(قوانین)

٤ - الی آخر حوت ئیچی ئیل ۱۲۹۹ مبلغ هشتاد و شش تومان و پنجهزار و هشتصد دینار از وجه فروش قوانین درصندوق اداره مباشرت است

(کمیسیون مجمع اتفاق ملل)

در کابینه آقای وثوق‌الدوله که‌تشکیل کمیسیون طرفدارمجمع اتفاق ملل تصویب و انعقاد آن در عمارت بهارستان مقرر شد پانصد تومان‌برای مخارج مطبوعات وجلسه کمیسیون‌عاید اداره مباشرت گردید فقط پانزده تومان و هشت هزار و یك شاهی از آن بمصرف رسیده‌چهارصد وهشتادو چهار تومان‌یکهزار

و نوزده شاهی موجود است (آقایان نمایندگان) در برج اسد ئیچی ئیل ۱۲۹۹ بیست و یکنفر از آقایان نمایندگان دوره چهارم برای ضرورت مخارج جلسات و فوق العاده فقری ده تومان مبلغ دویست و ده تومان باداره مباشرت پرداخته اند مبلغ یکصد و پنجاه سه تومان و یکهزار و پنج شاهی بابت مخارج مطبوعات حسب الحواله کارسازی شده و مبلغ پنجاه و شش تومان و هشتهزار و پانزده شاهی موجوداست (فوق العاده)

۷ - در تاریخ ۱۵ ثور ۱۲۹۹ از کابینه آقای وثوق الدوله مبلغ ده هزار تومان و در تاریخ ۲۰ جدی سنه ۱۲۹۹ از کابینه آقای سپهدار اعظم مبلغ ده هزار تومان باداره مباشرت پرداخته شده است تسا همین یك از آقایان نمایندگان که مایل اند درحدودی که معین شده بود دریافت دارند از مبلغ مزبور متدرجاً عده از آقایان بشرح ذیل مبلغ هفده هزار وسیصدو سه تومان وسه قران دریافت داشته بودند قضیه لیله که دردوازدهم جمادی الثانی ۳۹۰ بوقوع پیوست ویرداخت بقیه توقیف شد فقط یکصد وپنجاه تومان بموجب حواله کتبی آن زمامداری مخارج مسافرت آقای شریعتمدار پرداخته‌شده ومبلغ دو هزاروپانصد و چهل و شش تومان وهفتهزاردینار موجوداست

(توضیح) برحسب تصویب هیئت رئیسه محترم دوره چهارم مقرر شده است درحدود ضرورت الی مبلغ هفتصد تومان مخارج تعمیرات محل مطبعه ونقل آن به مجلس و الی مبلغ سه‌هزاروپانصد تومان برای تهیه لوازم‌فوری مطبعه‌مزبوره از محلهای‌فوق‌الذکر بمصرف رسد که مبلغی بمصرف رسیده وبعد ازاتمام صورت تقدیم میشود .

صورت وجوه‌دریافتی‌قسمتی‌از آقایان‌نمایندگان محترم دوره چهارم‌تقنینیه از بیست هزار تومان‌فوق‌الذکر قنات بهارستان که چهاردانك و نیم متعلق‌به موقوفه مدرسه‌ناصری‌ویك‌دانك‌ونیم متعلق‌به‌بهارستان است چون قنات‌ضراب‌خانه در نزدیکی آن واقع‌شده از ننات ضرابخانه تجاوزاتی بحدود قنات بهارستان و ازآب‌قنات بهارستان کاسته شده بود از سنه‌لوی‌ئیل ۱۳۹۵ که کشف علت شد وآب همه روزه روی به نقصان میگذارد بوزارت مالیه تظلم نمود ومصدقینی از طرفین‌معین شده وباوجود تصدیق مصدقین‌طرفین که اولیای ضرابخانه تجاوز نموده وباعث نقصان‌آب بهارستان شده‌وباوجود تعقیب اداره مباشرت بالاخره دریازدهم ولوئیلان‌ئیل از طرف وزارت مالیه‌جواب رسید مراتبرا به هیئت‌وزراء پیشنهاد نموده‌اند اجازه دهند یکهزار وششصدتومان مخارج شود ودوقنات‌را هم کف نمائید وباوجود اقدامات اداره مباشرت‌هیچ نتیجه حاصل نشد . از طرف دیگر چون بمدلول وقف‌نامه بایستی آب قنات مزبوره فقط دربهارستان آفتابی شود واولیای سابق موقوفه مدرسه ناصری‌در بالای بهارستان آب‌را آفتابی کرده میفروختند واز این جهة درقسمت باقیمانده آب‌هم‌از این حیث کاهش حاصل میشددرنتیجه اقدامات‌اهل محل واداره‌مباشرت این معامله‌رفع ومجری‌را تغییر داده‌مجرای‌جدیدقریب ۳ ذرع حفر ومطابق وقف‌نامه عمل وموجب ازدیاد آب‌سده‌ساله هیئت‌اولیاء موقوفه‌واهل‌محل‌مشترکا قنات مزبور تنقیه شده و آب نیم سنگی تقریبا به دو سنك رسیده است .

اثاثیه - کلیه اثاثیه موجوده درمجلس‌شورایملی که از آغازدوره دوم‌تقنینیه از دوم ذی‌قعده ۱۳۲۷ الی ۱۵ شوال ۱۳۳۹ توسط اداره مباشرت تهیه‌شده ومبلغ آن نوزده هزار وچهارصد وبیست‌تومان‌چهار هزار وپنج‌شاهی بالغ است خوشوقتانه درآغاز دوره چهارم تقنینیه بالتمامه در کمال نظافت وبدون حیف‌و میل موجود است فقط مرمت‌هائی که در قسمتی از پرده‌ها ورنك وروغن تعمیر صندلی ومیزها لازم‌بوده که بعمل آمده‌ودرحالی است که ازنظر محترم‌عموم میگذرد دفتر واسناد کتابخانه

بعد از تعطیل مجلس دوره سوم وانحلال اداره تقنینیه تمام نوشتجات واستناد متفرقه در هیئت رئیسه و کمیسیونها وشعب‌جمع آوری ودردفتر راکد ثبت‌و ضبط شده است فقط در ضمن نوشتجات کمیسیون ها نتوانست کتابچه صورت مشروح جلسات کمیسیون بودجه را پیدا نماید و بعد از تحقیقات مذکور شد درنزد آقای عمادالسلطنه‌منشی کمیسیون مزبورمانده است بایشان نیز به مشهد نوشته شد دراین‌موقع که مجدد تشریف آورده‌اند کتابچه میزبور را تسلیم نمودند - درمدت غیبت مجلس هیچگونه نوشته جزء یا کله از دفترچه مجلس خارج نشد ودرموقعی که مطالعه بعضی دوسیه‌ها برای وزارت خانه‌ها ضرورت حاصل می‌نموده مدیر دفتر راکد شخصا پرده ارائه‌و اعاده‌میداده است اما از حیث کتابخانه درتعقیب‌شرح مندرجه درراپورت تقدیمی دوره سوم که موازی‌یك هزار وسیصدونود وچهار جلد کتب فرانسه وفلوسی و عربی و ترکی و انگلیسی و آلمانی و روسی در کتابخانه مجلس موجود است بعدها فقط کتابچه‌های سالانه اداره پست واحصائیه گمرك بر آن مزیدشده به نحویکه درضمن شرح آتیه بعرض رسانیده‌ضرورت تاسیس کتابخانه وسیعی‌را برای مجلس شورای ملی یادآور میشود

قوانین موضوعه - پس از تعطیل مجلس دوره سوم ضرورت طبع قوانین موضوعه دوره سوم‌را بهر یك از کابینه‌ها متوالیاً یادآورو استجازه نموده‌است بالاخره دریازدهم‌سنه یوئت‌ئیل ۱۲۹۷ کابینه آقای وثوق الدوله تصویب‌نمودند ونهصد وهفتاد و دوجلد بمبلغ دویست وشانزده تومان وهفتهزار ونهصددینار بطبع رسیده وبعد از آنچه مجانا بادارات دولتی و ادارات جراید وغیره داده شد و یافروش رفته بقیه فعلا هشتصد وهفتاد جلد از قوانین دوره سوم ۴۸ جلد قوانین دوره اول ۳۳۴ جلد قوانین دوره دوم ۴۳ جلد قانون اساسی ۲۳۸ جلد نظامنامه داخلی موجود است

جشنها وپذیرائی عمومی در غیاب مجلس

اگرچه‌در ۱۴ جمادی‌الثانیه ۱۳۳۴ حسب‌المعمول برحسب اراده دولت عصر جشن اعطای مشروطیت بعمل نیامدامادرشب ۲۷ شعبان ۱۳۳۴ جشن ولادت اعلیحضرت همایونی منعقد گردید

جشن ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۳۵ مطابق ۱۴ حمل ئیلان‌ئیل ۱۲۹۶ که مصادف با تغییر حکومت‌روسیه بود مفصل و با آتش بازی صورت گرفت- در شهر رجب ۱۳۳۵ برابر حمل ئیلان ئیل ۱۲۹۶ که بر حسب اراده اعلیحضرت همایونی کمیسیونی برای اعانه حریق زدگان آمل تشکیل یافت‌برای مساعدت باعانه مزبورمرا گاردن‌پارتی در بهارستان راتصویب نمودند و بعمل آمد - در لیله ۲۷ شعبان ۱۳۳۵ مطابق ۲۷ جوزای‌ئیلان ئیل‌جشن ولادت‌اعلیحضرت همایونی منعقد شد برای شب ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۳۶ مطابق پنجم حمل یونت ئیل ۱۹۲۷ جشن اعطای مشروطیت صورت گرفت در لیله ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۳۷ برابر نوزدهم حمل حوت یوئت ئیل ۱۲۹۷ جشن مشروطیت تایید شد - در شهر شعبان ۱۳۳۷ مطابق برج ثورقوی ئیل ۱۲۹۸ برحسب تصویب کابینه آقای وثوق الدوله برای کمك بغارت زدگان ارومیه گاردن پارتی منعقد گردید و لیله ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۳۸ برابر حوت قوی‌ئیل ۱۲۹۸ و شب چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۳۹ ومطابق ۵ حوت ئیچی ئیل ۱۲۹۹ نیزجشن اعطای مشروطیت سال پانزدهم و شانزدهم‌بعمل آمده‌است تاریخ‌میزبور از روی سنه هجری است) برای‌جشن افتتاح‌مجلس شورای‌ملی دوره چهارم تقنینیه نخستین بار در کابینه آقای‌سپهدار اعظم از تاریخ ۵ دلوئیچی ئیل ۱۲۹۹ کمیسیون تشریفات‌افتتاحیه‌مجلس در بهارستان‌شروع انعقاد جلسات خود و تهیه پروگرام نمودند وپس از انقضاعشش روز بحال‌تعطیل ماند و مجددا برای‌همان مقصود در کابینه آقای‌قوام السلطنه کمیسیون‌تشریفات از تاریخ ۲۵ جوزا ۱۳۰۰ جلسات خود را شروع نمودند و مقارن افتتاح مجلس شورای ملی در اول سرطان تخاقوی ئیل ۱۳۰۰ جلسات کمیسیون‌مزبور خاتمه یافت - در تاریخ ۲۴ قوس قوی ئیل ۱۲۹۸ برحسب تصویب کابینه آقای‌وثوق‌الدوله کمیسیونی بنام (هیئت انجمن ایرانی طرفدار مجمع‌اتفاق ملل درعمارت مجلس شورای ملی جلسات‌خود راتا مدتی منعقد نموده و بعد تعطیل شده است وهمینکه مدت زمامداری معلومه خاتمه یافت با صواب دید چند نفر از آقایان‌نمایندگان محترم نظر باینکه هنوزدولتی تشکیل نیافته بود که کسب تکلیف شود و فوت را هم جایز ندانست ازطرف‌اداره مباشرت‌درتاریخ پنجم جوزای ۱۳۰۰ بوزارت دربار اعظم شرحی نوشته و تقاضا شدبا اجازه اعلیحضرت شاهنشاهی در ایام‌تعطیل ومترکه درب بهارستان برای‌تفرج‌عمومی باز باشد تصویب فرمودند و عمل شده است

نظام‌مجلس - پس از آنکه در دوره دوم‌تقنینیه نظام مجلس از مجاهدین به ژاندارم نظمیه وازتاریخ ششم ذی‌قعده ۱۳۲۸ ژاندارم بگارد همایون تبدیل یافت تا ۲۱ ذی قعده ۱۳۳۹ مطابق چهارم اسد ئی قوی ئیل ۱۳۰۰ گارد مزبور بدون تغییر در مجلس شورای ملی مشغول خدمت بوده صاحبمنصبان کل آن ها آقایان سردار اعتضاد و سالار همایون و صدیق الممالك هر یك

بموقع خودلازمه توجه‌را در باب گارد مزبور داشته وتوجهات آنها ومراقبت صاحبمنصبان جزء و اطاعت تأمین به بهترین وضعی رضایت بخش که فوق آن متصورنیست وموجب‌تقدیرمیباشدوآن چیزی که‌بیشتر در حال انتظامات قسمت گارد ومستحفظ مجلس‌مؤثر بوده‌همانا تغییر نکردن آقای میرزا محمدخان‌سلطان صاحبمنصب مأمور مجلس که مانند یکی از بهترین صاحبمنصبان بااخلاق در تمام این مدت باکمال‌متانت ومعقولیت ومراقبت بطوریکه‌تمجید بنده‌قاصر وتکمیل آن موکول بقدردانی مقامات عالی نظامی و وزارت جنك است بجزئیات وکلیات رسیدگی ودقت‌مینموده برای آنکه قدر زحمات ومراقبت ایشان‌مجهول وبی اجر نمانده‌مقتضی است از مقام منیع ریاست مجلس مقدس بوسیله توصیه رسمی بوزارت جلیله‌جنك‌پاداش نظامی وزحمات گذشته ایشان تقاضا شود یاآنکه‌در اواخر فوج زرند داخل گارد همایون شد وآشنا به وضعیات نبودند معهذا از حسن مراقبت صاحبمنصبان گاردهمایون‌زود وخوب بوضعیات آشنا واداره‌شدند فقط چند روزی موقتاً بامر زمامدارمعلومه اخیر گارد همایون ازمجلس خارج شدند وبمجردتغییرزمامداری مزبور بدون درنك گاردمزبوربااهتمام آقای‌مشارالملك وزیر دربار اعظم مجدداً بر سر خدمت خود حاضر گردیدند در چهارم اسدتخاقوی‌ئیل ۱۳۰۰ مطابق مقتضیات نظام گارد همایون بتزاق تبدیل یافته فعلا عده قزاق مأمور خدمت نظامی مجلس میباشند

اجزاء ومستخدمین

با تجربیات دوره های گذشته میتوان تصدیق کرد که بدبخت‌ترین مردم کسانی اند که درخدمات اداره مجلس شورایملی وارد شده اند و از روی آزمون آنچه بر درجه صمیمیت و فداکاری و عشق آنان باساس ملیت افزون باشد چندین درجه بالاتر بدبختی خودافزوده‌اندهمینکه دوره دوم مجلس‌سیری شد امر بانحلال اداره‌تقنینیه یا تحریریه مجلس‌صادر کردند و هر یك از آن بیچارگان در مدت ۳ سال فترت سرگردان وپریشان وخانه فروش وذلیل شدند از حقوق اجزاء و مستخدمین اداره مباشرت مجلس هم کاسته وهریك از آنان که بامیدواری‌ها در سر خدمت آمده بودند بواسطه قلت حقوق محدوده اندوخته‌سابق خود وخانواده‌خویش را نیزروی آن فداکاری گذاردند - با آنکه در هر دوره بودجه حقوق کارکنان مجلس شورای ملی به نازل ترین درجه پیشنهاد شده‌بوده است تا سر مشقی برای‌سایر ادارات دولتی باشد متأسفانه نه آن‌از این‌جا تجاوز ننموده وحقوق و عایدی‌محدود قلیل‌برای ایشان‌باقی مانده ودر ایام فترت هم همواره در تزلزل وروی به تنزل وقلت گذارده وبکلی‌حواس‌این عده خدمتگذار فداکار ملی راکه هر یك ازمقام خود ازحیث‌صداقت ولیاقت از سایرین که‌بمقامات عالی از عوائدسرشار نائل شده اند کمتر نبوده مختل‌نموده است با وجود این تجربه باز در دوره سوم همان نظر تعقیب و بدبختی کارکنان اداره مجلس تأیید شد دوره‌فترت تا تحت‌فرا رسیده و بتحلیل وهفت ماه وآمدن‌شمس بطول انجامید - اداره تقنینیه محل‌وعده کارکنانش از پریشانی سابق ولاحق وبا اصابت بسال مجاعه و امراض گوناگون که جانی در برابر قرض ثانی قیمت نداشت از رنج در امان‌شدند کارکنان اداره مباشرت که با حقوق قلیل بسر می‌بردند واز آن‌هم کاسته وغالباً به تزلزل میگذرانیدند وبا وجود همه توجهات ممکنه معهذا عده از تاب وتوان خارج‌شده خود وخانوادشان معدوم صرف گردید . فقط‌چیزی که‌موجب امیدواری وبقای بقیه التیف‌بوده انصاف و عنایت و نفقه مسلمی آقایان نمایندگان عظام‌مجلس دوره چهارم تانه فقط جبران خدمات و بیچارگی و پریشانی آنان و دستگیری از پا درآمد گان شود بلکه نیز برای‌آتیه‌به ترتیبی مقتضی بتیان کاراستوار گردد تا بهر وزش بادی این‌بیچارگان وادی‌عدم را نه‌پیمایند در خاتمه برای رفع مسئولیت وجدانی و یأس حق بعرض میرساند که اگر گاهی افتخاری برای متصدیان اداره مباشرت ازحیث حفظ انتظامات وبر جا بودن دارائی مجلس حاصل بوده این‌افتخار را متصدیان بواسطه زحمات-صداقت‌امانت‌وفداکاری اجزاء ومستخدمین لایق صحیح امین زحمت کش حاصل نموده واین افتخار فقط حق آن زحمتکشان است چون درمدت گذشته ودرهرحال رنج وزحمت‌آن بیچارگان رنج‌بروواقعی افراد رابوعده افتتاح مجلس وجبران رنج وخسارات دیرینه امیدواراداشته اما اینك که باب امید باز گردیده افراد منتظر نیل بمقصود و بعدها مسئولیت جبران وتقدیرمتوجه‌نمایندگان‌محترم است (متفرقه)

۱- بعد ازاستبداد صغیر درموقعیکه قشون‌ملی بافتح طهران‌پرداخته‌چهارعراده توپ کوهی ودوعراده توپ هشت سانتیمتری که ازآثار فتوحات ملی بود بیادگار در بهارستان قرار داده بودند ودردوره دوم مجلس درموقع تهاجم قیام کنندگان برضد اساس‌ملی در کابینه آقای صمصام‌السلطنه ضرورت چهار عراده توپ کوهی پیشنهاد و از بهارستان برده شد همان ابتداء افتتاح‌مجلس دوره دوم مقداری ادوات وذخیره تویخانه که بتوسط قشون ملی درزوایای عدیده‌پنهان شده بود باکنجکاوی واهتمام اداره مباشرت مجلس شورایملی در بهارستان جمع آوری شده و از نظر محترم رؤسای معظم مجلس شورایملی هر دوره گذشته است بیشتردردوره دوم ازقفلك های پنج تیر روسی که خریداری شده‌بود پنجاه قبضه تفنك‌پنج‌تیر وپنجهزارفشنك به ذخیره بهارستان افزوده شده بود در کابینه آقای سپهداراعظم در ۲۵ جوزا قوی ئیل ۱۲۹۵ برحسب امر وحواله هیئت دولت پنجاه قبضه تفنك مزبور وپنجهزارفشنك تسلیم وزارت جنك شد وهمچنین امرنمودند بقیه‌توپ‌ها وذخیره راازبهارستان بردند ولی درمقابل اقداماتیکه‌نمودند وعدم صلاحیت را بعرض آقای سپهدار اعظم رسانیدیم این قسمت را موقوف فرمودند لکن‌در کابینه‌آقای وثوق‌الدوله در ۳۰ برج اسد قوی ئیل ۱۲۹۷ نظر بحاجت دو عراده توپ شنیدرفرستاد ودوتوپ‌هشت سانتی‌مطری را برده و همچنین تمامی ذخیرهٔ که بشرح ذیل در بهارستان محفوظ بود بوزارت جنك نقل نمودند .

۲- ازتاریخ سلخ‌صفر ۳۸ آقای میرزاحسین‌خان مهام الدوله توسط وزارت داخله ووزارت عدلیه‌مدعی شدند که ازآب بهارستان بهره دارند حتی از طرف عدلیه احضاریه برای اداره مباشرت صادر گردیدنظر باینکه درتمام مدت گذشته اداره مباشرت اطلاعی از حق وادعای ایشان نداشته وهیچوقت آبی در مدت برقراری اداره‌مباشرت بایشان داده نشده وایشان را دردعوی‌خود ذیحق نمی‌دانسته و بعلاوه درغیاب مجلس اداره مباشرت‌صلاحیت‌مداخله دراینگونه‌مسائل‌نداشت عمل بدولت ارجاع شده .

۳ — فقط سرقتی که درمدت فترت گذشته در بهارستان واقعشده شبانه از خانه یکی ازهمسایگان شمالی درشهرذیحجه ۱۳۳۴ چند دانه گل دان گل سرقت برده بودند وتوسط کمیسری بازیافت شد .

۴ — از اوایل برج حمل ئیلان ئیل ۱۲۹۶ راجع بتنظیفات وغرس اشجار فضای جلو بهارستان اداره متاشرت با دولت وایالت‌تهران داخل مذاکره شده درآغازسنه ئیچی‌ئیل ۹۹ با مساعی بلدیه بصورت حاضره موفقیت حاصل گردیده است .

۵ — نظر بتغییرحکومت جابره روسیه‌در یازدهم و دوازدهم حمل ئیلان ئیل ۹۶ از طرف آقایان نمایندگان دوره اول ودوم وسوم حاضره در طهران تلگراف تبریکی بخرج مجلس بدوماى‌روسیه‌مخابره شد وجواب امتنان ومودت آمیزرسید (مطبعه)

نظر باینکه دردوره های سابق مجلس‌مطبوعات مقدماتی مجلس با ژلاتین می شد و بعلاوه لایقرء بودن اغلب دراین دوره وسائل آن‌ازحیث گرانی و کمی فراهم نبود وبرای مجلس شورایملی مطبوعات ژلاتین زیبندگی نداشت ونظر باتعادی که‌برای گرانی قیمت‌مطبوعات دربین اولیای مطابع شده بود ونظر باینکه ازمطبعه مفصلهٔ دولتی‌جزچندنسخه آهن‌ناقص چیزی باقی نمانده ازیك‌طرف‌روزبروز روی‌بنابودی میرفت وازطرفی دولت با وجود داشتن مطبعه و عدم توجه درنگاهداری آن سالی چندین هزار تومان با قیمت گران بمصرف مطبوعات‌خود میرساند وازخیلی نظریات دیگر ضرورت نقل بقیةالسیف مطبعه دولتی را بعمارت مجلس شورایملی‌لازم دیدم فلذا در کابینه آقای سپهدار اعظم درتاریخ ۲۲ جدی پیشنهادنمودم وتصویب‌شدولی‌بواسطه‌پیش‌آمد اخیرمعوق ماندمجدداً در کابینه‌آقای قوام‌السلطنه‌متذکرشدم تصویب گردید

وبعد از افتتاح مجلس شورای ملی باصواب‌دیدهیئت محترم رئیسه موقعی به تعمیر وتهیه‌امکان آن پرداخت و در تاریخ دوازدهم سرطان ۱۳۰۰ نقل نموده و به تهیه قسمتی‌از نواقص پرداخته و فعلا بطوریکه عملیات آنرا ملاحظه فرموده‌اید درجریان وموسوم‌به مطبعه مجلس شورای ملی و تکمیل آن تا حدی که بتواند رفع تمام حوائج ادارات دولتی را بنماید موقوف به پیشنهادبودجه‌و توجهات‌آقایان‌نمایندگان محترم است

(خلاصه)

این بود خلاصه محاسبات قضایای گذشته‌دوره سوم تقنینیه مجلس شورای ملی از تاریخ سیزدهم قوس بارس ئیل ۹۳ مطابق شانزدهم محرم ۱۳۳۳ لغایت آغاز مجلس دوره چهارم تقنینیه که با کمال افتخارنه فقط خاطر مبارك آقایان‌عظام را مستحضر نموده بلکه بر وفق معروضات خود تمام محاسبات مطابق اسناد مثبته و تمامی اثبیه و اثاثیه و غیره در کمال سلامتی و پاکی به مجلس دوره چهارم‌سپرده می‌شود و مجلس مقدس بخدای متعال وبالله التوفیق و علیه‌التکلان کشجرةالشاهرخ

رئیس- آقای آقا سیدفاضل (اجازه)

آقا سید فاضل- چون این رایورت دو حیثیت دارد یکی راجع بمشروطیت و وقایع مجلس و-

مشروطه خواهان است و یکی‌راجع به محاسبات‌است که بکمیسیون محاسبات‌مراجعه می‌شود.

اما عملیات آقای ارباب کیخسرو حقیقتاً قابل تقدیر و تمجید است وچندروز قبل که بنده از کناره گیری ایشان مطلع شدم بی اندازه متاثر شدم بعد که فرمودید مسئول شدند خیلی مشعوف‌ومسرورشدم و البته باید تمام ما خوشوقت باشیم اما اینکه در راپورت راجع بحواله یکصد و پنجاه تومان آقای شریعتمدار حواله دهنده تعبیر کرده اند به زمامدار البته تصدیق می کند و معلوم است که سید ضیاء شریر خائن هرگز زمامدار ایران‌نمی‌تواند باشد و خواهش می کنم از آقای ارباب کیخسرو که این عبارت را از راپورت خودشان پس بگیرند

رئیس – آقای حاج آقا اجازه

حاج آقا– بنده درزمینه‌این‌راپورت می‌خواستم عرض کنم که حس وظیفه شناسی نتیجه اش‌این‌است که آقایان نمایندگان محترم ملاحظه می‌فرمایندیعنی بعد از یک‌مدت طولانی دوره فترت یک اساسی که به یک کسی سپرده شد همانطور که بوده باحسن وجه تحویل داده شدوبنده ازخدمات‌آقای ارباب کیخسرو همانطور که‌آقای رئیس و هیئت رئیسه‌تشکر فرمودند بنده هم بنوبه خود تشکر می کنم ولی مطلبی که می خواستم عرض کنم راجع باعضاء و اجزاء است که خودآقای ارباب هم راجع بفلاکت و بدبختی‌آنان تذکر داده‌اند بنده عرض می کنم که اعضاء و اجزاء مجلس شورای ملی هم مانند سایر اصول و قوانین مشروطیت در دوره فترت فراموش‌و نیستی‌شده وبالاخره بدبخت بودندوامیدوارم امروزه که دوره فترت گذشته و مجلس شورای ملی مفتوح گردیده همانطوریکه‌سایر اصول مشروطیت بایدزنده شود ملاحظه اعضاء و اجزاء مجلس شورای ملی هم که از اجزاء مشروطیت واز طبقات مشروطیت‌هستند شده حق شناسی ازآنها بشود.

رئیس – آقای تدین (اجازه).

تدین – بنده چون اساساً معتقدم که هرکس بوظیفه خودش رفتار بکند وراستی ودرستی درانجام وظیفه اش بعمل بیاورد البته باید مورد پاداش واقع شود بنده هم بنوبه‌خودم زحمات‌آقای ارباب کیخسرو را در انجام وظیفه مرجوعه بایشان تقدیر میکنم و لیاقت و کفایت و حسن عمل ایشان را هم تصدیق میکنم وهمانطوریکه آقای حاج آقا فرمودند لازم می‌دانم توجه‌نمایندگان‌محترم‌را بطرف روسای‌اجزاء اداره مباشرت و اجزاء ومستخدمین وعموم اشخاصی که در این بهارستان هرکدام‌هریک سمتی‌مستخدم هستند جلب کنم وهمینطوریکه درراپورت قید شده بودونمایندگان‌محترم‌هم مستحضرند رؤسای‌مستخدمین جزء ومستخدمین جزء ومستخدمین از جمله اشخاصی هستند که همیشه‌درایام فترت تحمل هرگونه تمایلات را کرده‌اند وهرگونه‌صدمات و سختی‌هارا دیده‌اند وباز ازنقطه نظرعلاقه‌مندی به‌مجلس درمجلس‌شورای ملی باقی مانده‌اند وبسمت اداره دیگری متوجه‌نشده اند وباکمال راستی ودرستی وظائف خود را انجام داده‌اند (اغلب تصدیق نموده‌اند لهذا بنده لازم می دانم که نمایندگان محترم در آتیه خیلی نزدیکی توجه خاصی راجع باجزاءومستخدمین مجلس شورای ملی بفرمایند و البته یک پاداش مادی علاوه‌بر پاداش معنوی منظور نمائید جمعی تصدیق نمودند)

رفعت‌الدوله – بنده ازطرف‌خودم‌ونمایندگان محترم کرمان بلکه از طرف تمام اهالی کرمان بواسطه‌نسبتی که آقای ارباب کیخسرو راجع بکرمان دارند خدمات ایشان را تشکر و تقدیر کنم و بعد از این باید بخدمات آقای ارباب کیخسر تأسی کرد و باید تقدیر کرد و زحماتی که مشارالیه در باره مجلس شورای ملی تحمل‌نموده اند واقعاً آقای ارباب کیخسرو ووفاداری‌و مشروطه خواهی وملت‌خواهی‌نموده است اما نسبت‌بمستخدمین مجلس شورایملی چون منزل بنده‌در همسایگی‌مجلس است همیشه اوقات ازاوضاع مجلس مسبوق‌هستم‌ودر این مدت شش ساله بخوبی مطلع‌بودم و اینجامیامدم و میدانم اجزاء همیشه مواظب بودند و هیچوقت از کار خودشان غفلت نمیکردند و در ایام مجاهده‌ودوره های فترت با کمال سختی‌و بدبختی گذران کرده اند بر ذمه آقای رئیس‌و سایرنمایندگان محترم‌است کدر بودجه‌یک رعایت‌خوبی از آنها بکنند کجبران خدمات گذشته ایشان شده‌واسباب رفاهیت آنهابعمل آید (بعضی تصدیق نمودند)

آقاسید یعقوب– چون آقایان نمایندگان شرح مفصلی اززحمات آقای ارباب کیخسرو تقدیر کردند بنده هم بنوبه خود خدمات ایشان راتصدیق نموده‌وعرض‌میکنم که آقای ارباب کیخسرو یک مدیر خیلی خوبی هستند و خداوندخوب مدیری بمجلس کرامت فرموده است. بدبختی راجع بملت است که هرکسی توجه بملت داشته باشد ترقی از برای آنها نیست اگر اجزاء اداره مباشرت در یک وزارت خانه دیگربودند خیلی ترقی از برای آنها بود و مواجب های گزافی داشتند و علت‌این‌مسئله این است که ملت هنوز بآن سعادت نرسیده است که مستخدمین واقعی خودش را ترقی‌بدهد بنا براین بنده بقدر خودم خیلی اظهار تقدیر و تحسین‌میکنم و از زحمات آقای ارباب کیخسرو و اعضاء مجلس‌و همینطور از زحمات اعضاء مباشرت که در دوره‌های فترت در مقابل این سیل هائی که نزدیک بود بنیان مشروطیت را از بین ببرد این بدبخت ها در مقابل تمام این سیل‌ها ایستادگی نمودندو بهر بی اعتنائی که‌نسبت بآنها شد مقاومت کردند مسلم است مجلس شورایملی انشاء الله اول قدمی را که میخواهد در سیاست بردارد باید از استحکام مشروطیت باشد تا اینکه اساس فترت را از بین ببرد و واضح وآشکار گردد که‌اساس مملکت‌اساس دیگری‌است حکومت با ملت است و حکومت افرادی از بین رفته است‌و کسانی را که بملت در حقیقت خدمت کرده‌اندباداش باید داد و در خاتمه‌یک مطلبی را بنده‌از آقای‌ارباب کیخسرو درخواست می نمایم و آن اینست که باآن جدیتی که در کاد داشتند چطور شد آن آثاری که مجاهدین در مجلس گذاشتند که خودم هم زحمت کشیده ام ولو اینکه چیزی نبود لیکن‌این‌توپ‌وتفنگ آثار مشروطیت بود خوب بود جدیت میکردند و آنها را برمیگردانیدند.

ارباب کیخسرو – بنده از حسن ظن‌آقایان و اظهاراتی که فرمودند خیلی متشکر هستم والبته بنده از تحریر و تقدیم این راپورت نظریه نداشتم جز اینکه‌یک مدتی خانه ملت بی حساب مانده بود حالا که صاحبان آن آمده اند خواستم صاحبان‌خانه را بوضعیت خانه‌شان مطلع کرده باشم‌و اگرجزئی خدمتی‌از بنده‌یا رفقای بنده که در هردوره‌درمباشرت بوده‌اندبروز کرده‌است‌همان‌قسم که‌دررایرت‌عرض کرده ام افتخارو اظهار امتنان ورضایت بهر اسمی که‌باشد متوجه است باجزاء جزء وآن رنجبران و زحمتکش های حقیقی که با کمال صداقت و فداکاری و دلسوزی خدمات خودشان را انجام داده اند افتخار بنده‌را فراهم کرده‌اند اما راجع بقسمتی که آقاسید یعقوب فرمودند خودشان میدانند مسئله توپ وتفنگ بوده است وبنده یک‌قوه توپ و تفنگی نداشته‌ام که درمقابل اوامر دولت یک‌مدت زیادی مقاومت کنم هر قسمتی راکه بنده داده‌ام اقلا دو ماه مقاومت کرده‌ام بنده نمیخواهم بشرح آن بپردازم همین قدر عرض میکنم هرقدر که از عهده بنده برآمده است مقاومت نموده‌ام ولی متأسفانه مسئله از قوه بنده خارج میشد ولی در قسمتی که آقای وثوق‌الدوله بروند مسئله مقاومت نبود ایشان‌دو عراده شنیدر فرستادند اینجا و حاجت دولت را به توپهای هشت سانتیمتری بیان فرمودند که این توپها را برای موقع مخصوصی میخواهیم البته تصدیق‌میفرمائید وقتی که موقع‌حاجت ازناقوسهای کلیسا توپ میریزند وبجنگ میفرستند چنانچه عرض کردم درقسمتهای قبل مقاومت شدولی در این قسمت چون مورد حاجت بود البته مقاومت و مخالفت لازم نبوده است وتصور می کنم بنده درهر موقع بوظیفه‌خودعمل کرده‌ام. جمعی تصدیق کردند.

حاج شیخ اسدالله – بنده نظریات خودمرا قبلا راجع باقدامات آقای ارباب کیخسرو عرض کرده‌ام ونسبت بمستخدمین جزء هم‌باید اداره‌مباشرت یک پیشنهادی بکند که فقط با اظهار تأسف و تأثر نگذرد ونتیجه عملی داشته باشد آنهم نه‌از نقطه‌نظر اضافه حقوق‌بنده درآن‌نظر ندارم‌بلکه ازنقطه نظر مراعات قدردانی وحق‌شناسی باید رعایت حال آنها بشود زیرا اینها یک عده هستند که در اینجا ثابت و برقرار مانده‌اند و بوظایف خود عمل کرده‌اند و بعضی از آن بیچارگان هم بواسطه پیش‌آمد ها و قحطی‌ها شاید بواسطه ضیق معاش تلف شده‌اند از این مطلب میگذریم وراجع به‌یک‌قسمتی که میخواهم از آقای ارباب کیخسرو بپرسم این است که در ضمن‌راپورت‌شااره کرده‌اند بآقای مهام‌الدوله که‌نسبت به‌آب بهارستان عرضحالی بعدلیه داده بودند آیا نتیجه‌چه‌شد آب‌راتصرف کرده‌یا بحال‌خود باقی‌است.

ارباب کیخسرو – چنانچه عرض کردم بنده از طرف اداره مباشرت هیچوقت ایشان را ذیحق نمی‌دانستم وبهمین‌واسطه نه‌اظهارات ایشان‌راپذیرفتم ونه‌آب بایشان دادم.

حاج شیخ اسدالله – دولت چه کرد.

ارباب کیخسرو – بنده ازاقدامات دولت‌هیچ اطلاعی ندارم.

رئیس – آقای نظام‌الدوله (اجازه‌نطق)

نظام الدوله – عرض بنده اظهار امتنان و تشکر بود ازآقای ارباب کیخسرو که خانه راکه از طرف ملت بایشان سپرده شده بود دومرتبه بهمانحال اولیه بملت‌تسلیم نمودند وامیدوارم این‌خدمات‌سرمشق

زمامداران آتیه بشود.

رئیس – آقای آقامیرزا محمدصادق‌طباطبائی اجازه.

طباطبائی – بنده در بدو مجلس در مقدمه راپورت آقای ارباب پس‌از بیانات آقای رئیس‌تصور میکردم که‌دیگرمحتاج‌نیست‌ازطرف‌نمایندگان‌اظهاری بشودزیرا بیانات‌آقای رئیس‌ازطرف عموم‌نمایندگان است‌حالا می‌بینم آقایان‌یک‌یک احساسات خودشان‌را اظهارمی‌نمایند برای اینکه عدم‌اظهار عقیده ازطرف بنده علامت سکوت نباشد عرض میکنم که تمام‌صورت جلسه‌های دوره‌های مختلف مجلس تمام مشعون از مراتب لیاقت وصداقت و خدمتگذاری آقای ارباب کیخسرو و سوابق ایشان است وبا سابقه که ما از عملیات ایشان داریم انتظامات مجلس چیز فوق‌العاده نیست زیرا همیشه‌اینطور انتظامات ازایشان دیده‌شده وگمان می کنم فرمایش‌آقای رئیس مطابق‌احساسات تمام و کلاء بود (جمعی تصدیق کردند) و اظهار یک یک چندان لزومی نداشت.

رئیس – هرچه درباره آقای ارباب کیخسرو گفته بشود کم است باین ملاحظه بنده خواستم‌خود آقایان نمایندگان‌هم که‌سابقاً فرموده‌بودندبعدازاینکه راپورت از کمیسیون بمجلس خواهد آمد اظهاراتی دارند چون امروز موقع بود خواستم اگر آقایان اظهاراتی دارند بفرمائید وحالا اگر مجلس موافق باشد باین مسئله‌خاتمه میدهیم وراپورت‌هم‌بکمیسیون محاسبات ارجاع میشود و داخل میشویم درمطلب‌دوم دستور دراین موقع آقای حاج‌آقا بر حسب اجازه آقای رئیس برای اظهار بقیه نظریات خود در محل نطق حاضر شدند.

حاج‌آقا – بنده تصور میکنم که وقت خیلی گذشته است وهرایس بنده امروز تمام نمیشود اگر از اول‌جلسه‌وقت‌داشتم‌تمام‌می‌شد ولی چون‌مفصل‌است امروز تمام‌نمیشودپس اگر اجازه فرمائید تاموقعیکه مجلس مفتوح است و ختم نشده‌عرایضم راعرض کنم وچون تمام نخواهد شد بقیه بماند برای‌جلسه دیگر یا اینکه کلیتاً درجلسه دیگر عرایض خودم را عرض کنم حالا هرطور بفرمائید بنده حاضرم.

رئیس – مجبور نیستید حتماً امروز تمام کنید هرقدری می‌توانید امروز بگوئید وبقیه برای یک یا دوجلسه دیگر.

حاج‌آقا – بسیار خوب. بنده قبل ازاینکه وارد شوم به بیان بقیه‌نظریاتی که از اصلاحات‌عمومی داشتم همینقدر عرض‌می کنم چون بزرگترین‌چیزیکه برای پیشرفت نظریه اصلاحیه لازم میدانم و حدت نظر و اتحاد و کلاء است‌با یکدیگر واین‌بزرگترین علت موفقیت در اصلاحات‌است از این‌جهت درمقابل هرپیش‌آمدی باکمال‌خون سردی وملایمت وباکمال سکونت و آرامش عرایض خودم را عرض کنم در عین‌حال فرشته راهنمای من همان وجدان من‌است و مادام که وجدان من امری کند این اصلاحات راکه‌در نظر گرفته ام و نتیجه تجربیات دوازده ساله‌بنده است بیان کرده و میکنم وهمین‌قدر عرض میکنم که آزادی عقیده یکی از حقوق مسلمه نمایندگان است و با اصول آزادی عقیده می‌توان موفق باصلاحات شد چنانچه سابقاًعرض کردم‌بنده اصلاحات را آنطوریکه درنظر گرفته‌ام‌بسه قسمت‌تقسیم نموده‌ام یکی‌اصلاحات اجتماعی‌است که درجلسه گذشته عرض کردم و امروز نظریات راجع باصلاحات اداری را عرض میکنم

در ترتیب اصلاحات اداری قبل از هر چیز وجود حس وظیفه شناسی‌است ایجاد حس‌وظیفه بزرگترین چیزی است که باید محل توجه نمایندگان ملت و کسانی باشد که میخواهند قدم های سریع یابطئی برای اصلاحات بر دارند ممکن نیست هیچ هیئتی بدون اینکه مدیرانش حس وظیفه شناسی را دارا باشند می‌توانند موفق بیک اصلاحاتی بشود بنده‌عرض می کنم وشاید هم دارم درتمام مراحل ودرهرجاحتی دراین مملکت هستم که اصلاحات فوق العاده مشکل است اگر یک نفر مدیر در هر اداره دیده شد که اندك حس وظیفه داشت آن اداره باقدمهای سریعی رو باصلاح میرفت الان راپورت اداره مباشرت را میخواندید دیدیدیک مدیری که درمجلس دارای‌حس وظیفه بوده توانسته است آن اداره را که در تمام فترت باو سپرده‌اند با کمال‌نیکی ویاکیزگی نگاه دارد وحالا تسلیم کند سایر ادارات را هم دیده اید چنانچه الان ذکر شد یک مطبعه که طرف احتیاجات دولت وملت است یعنی مطبعه دولتی بواسطه نداشتن یک مدیر صحیح بالاخره چند قطعه آهن باره پیش از آن باقی نمانده (این را بطورمثال عرض کردم) می خواهم بگویم کسانی که میگویند نظریات بنده عملی نیست شاید تصورات بنده سئوری است‌اینطور نیست هرجاو هرکس‌را که ببینید در هر اداره همین قدر که حس وظیفه داشته باشد وقدم برای‌اصلاحات بردارد ولو بمشکلات هم مصادف شود کم و بیش مقاومت با مشکلات می کند و موفق برآن اصلاحات هم می شود پس قبل از همه چیز در زمامداران و مدیران‌وکسانی که در دوائردولتی برای اداره کردن امور ملت مشغول هستند باید حس وظیفه ایجاد کرد باز عرض می‌کنم که مجبور نشوم رفع‌سوء تفاهم بکنم میگویم اگر ایشان یک دودی بچشمش برود مجبور است که حکم کند آنجا آتش است یکی از طرق استدلال وبرهان پی‌بردن بعلت از وجودمعلول آیاممکن‌است انکاربکنیم که‌فضای این‌مملکت‌باندازهٔ از دود هرج و مرج اداری مملو شده است که تمام چشم های مارا آب‌آلوده کرده‌پس درهین حال‌نتیجه نظریات ما این می‌شود که حکم بکنیم حس وظیفه معدوم است این تهمت‌را می کنم یعنی بهمه متوجه‌می کنم ولی محکومیت را بمداز محاکمه میگذاریم در بین افراد ممکن است اشخاصی صاحب حس وظیفه باشد ولی‌چون مادربین جماعت‌مردودی هستیم نمی توانیم عقاید و احساسات خودمان رد بیراق محکومیت نه‌به‌حسن نه بقبح قرار دهیم ما فقط اتهام رامتوجه می کنیم و محاکمه آن را تعقیب میکنیم تا محکوم حقیقی وخادم حقیقی معلوم شود بایدمکافات بدهیم تا خادم حقیقی تشویق شود و باید مجازات بدهیم تانالایق تهدیدشده کنار برودپس برای‌اصلاحات اداری‌قبل‌ازهمه‌چیز باید‌حس‌وظیفه‌درمملکت ایجادشود حس وظیفه کی ایجاد میشود در یک مملکتی ممکن نیست در هیچ زمامداری و هیچ مدیری حس وظیفه ایجاد شود مگرآنکه مسئولیت در آن مملکت بتمام معنی عرض اندام کند یعنی باید مجازات ومکافات و پرسش در کارباشد والا مسئولیت را توقع کردن‌لغو وغلط است درتمام دوره فترت‌بلکه ازاول مشروطیت تا امروزاگر مفاسدی را به بینیم همان نبودن حس وظیفه است و بخواهیم تعقیب کنیم نقطه حقیقی آن مفاسد وعلت‌العلل آن بدبختی ها رامیبینیم‌همان‌نبودن حس وظیفه است چون حس وظیفه نبود بزرگترین مواقع استفاده ایران دراین مدت جنك بین‌المللی از دست رفت بزرگترین مواقع استفاده ازحوادث‌همان حوادثی که مایل ضعیفه دنیا ازآن استفاده ها کردند از دست رفت علاوه بر عدم استفاده شاید بار های سنگین‌تری بردوش این مملکت افزودند دراینموقع باید متذکر شد که رژیم ووضعیات ادارات امروزه فاسد ترین ترتیب اداری‌است که میتوان دردنیاتصور نمود وهیچ عضوادارای را از کوچك وبزرك دراین مملکت نمیتوان تصور نمود که خود را مسئول مقام عالی‌تری دانسته ویا ازوم اداری وظیفه‌را حس‌نماید اصلاحات اداری بزرگترین امری است که توجه نمایندگان محترم را بایستی بخود معطوف دارد و بایستی بکلی اساس اداری امروزه را خراب نمود و مجدداً ساخت زیرا که اگرغیراز این ترتیب قدمی‌رو باصلاح بردارند فقط ظاهرسازی وماست مالی شده مثل یک بنیان پوسیده است که بخواهند با استعمال الوان زیبنده ونقش و نگارهای فریبنده آنرا حفظ نمایند یقین است که این بنا بالاخره بنیان فاسدخود را نشان داده‌وخراب خواهد شد وقبل‌از تمام اصلاحات بایستی توجهی بمالیه وتشکیلات مالیه نمود خوب‌است نظری بمالیه این‌مملکت که روح‌جریان ادارات‌دولتی است نموده وبه‌بینیم آیا آنطوریکه باید وشایدهست یانه وزارت مالیه کنونی‌درمملکت ایران فقط ازنقطه نظر تشکیلات اداری ولزوم دارا بودن یک وزارت مالیه در مملکت مشروطه است ولی به وظائف این وزارتخانه که عبارت ازتعدیل بودجه ومواظبت درعدم فزونی خرج بردخل وتقلیل‌مخارج وتکثیرعایدات‌است عمل ننموده اند بلی وزارت مالیه بایستی ازافراط و تفریط مالیه و خزانه دولت جلوگیری نماید یعنی مطابق عایدات معلوم خود مخارج تعیین نماید اولین وظیفه مجلس شورایملی نظارت درمالیه مملکت‌است البته آقایان مستحضرند که روح واصل‌مشروطیت‌این است که ملت نظارت برخرج ودخل‌خود داشته باشد واین مسئله بایستی مقدم برتمام مسائل‌باشد زیرا که اگرامر مالیه اصلاح شود تمام دوائراصلاح خواهد شد در اینمدت شانزده سال که از عمر مشروطیت گذشته هیچ نشده که بودجه ازنظر مجلس شورای ملی بگذرد ما باید هیچ پیشنهاد را از دولت قبل از تسلیم بودجه قبول ننمائیم پس از آنکه از اوضاع جمع و خرج مالیه مملکت مطلع شدیم البته آنوقت حاضریم که هر پیشنهادی را پذیرفته چاره‌جوئی کنیم والا اگر مثل دوره های گذشته باشد من خودم شخصاً حاضر نیستم که هیچ لایحهٔ راجع بیودجه را تصویب نمائیم مگر آنکه ابتداء از بودجه مملکت مطلع شده و یقین برلزوم مخارجی که دولت پیشنهاد می نماید نموده وحس کنم که مخارج را مساوی با زندگانی عادی قراردادهاند آنوقت حاضرم قبول کنم زیرا مخارج بایستی بحد لزوم و متناسب بازندگانی ماباشد اگر یک‌نفر کاسب

یا تاجر یا ملاك که دارای عایدی معینی است زمینه مخارج خود را مساوی با مخارج شخصی قرار دهد که عایدیش دمقابل اوست البته اورا سفیه ومحجور خوانده و حکم بجنون او میدهند زندگانی اداری هم بر روی همین زمینه است مستخدمین و اجزاء ادارات ازاعلا درجه تا ادنا درجه جزء بایستی مطابق زندگانی عادی ما استخدام شده و شهریه بگیرند اشخاصیکه بدون هیچ ملاحظه مواجب های گزاف برای مستخدمین ادارات وضع نمودند با آنها دشمنی نموده و آنها را از زندگانی و سعادت آتیه محروم نموده اند برای اینکه اگر شخصی عایدی خود را زائد دید البته وضع زندگانی خود را برروی همان زمینه قرار خواهد داد اما مملکت نمی تواند متحمل این همه مخارج زائد شود و مجبور میشود ازعایدی این شخص بکاهد بالاخره آن شخص که زندگانی خود را بر روی یك ترتیبات عالی تری قرار داده بواسطه رقابت‌های مترقی مجبوراست همان‌زندگانی خود را ادامه دهد ووقتیکه ادامه داد یا معدوم می شود و یا شرافت وحیثیتش از بین رفته ویابالاخره متوسل بمداخل غیر مشروع و تملق این‌وآن‌میشود و آنوقت سبب این بدبختی را همان اشخاص باید دانست که مواجب های گزاف برای اجزای ادارات قرار دادند بلی بایستی باندازه دخل خودمان برای اعضاء ادارات حقوق قرار دهیم یکی دیگر از چیز هائی که تحمیل بربودجه مملکت است وجود وزارت خانه‌های متعدد واجرای لانحقی است که هیچ‌مصداق خارجی ندارد بنده نمیخواهم تصریح کنم فقط بطور کلی عرض میکنم این وزارت خانه ها برای چیست ؟ آیا برای مسئولیت اشخاص است و یا فی الحقیقتاً محتاج بوجود آنها هستند در اول مشروطیت قسمتی از وزارتخانه ها جزء یك وزارت خانه های دیگری بود بعد آنرا مجزی کرده اند در صورتیکه بنده هیچ منطقی برای تجزیه آن نتوانستم بفهمم برای اینکه هیچ فرقی درعملیات‌آن اداره بعداز تجزیه پیش نیامده مثلا وزارت فوائد عامه سابقاً جزء وزارت علوم بود آیا آن وقت در اجرای تکالیف خود کمتر ازامروز که ادارات‌وزارت خانه وبودجه علیحده است موفقیت داشت آری‌همین وزارتخانه های متعدد واستخدام اجزاء نه از نقطه نظر کار بلکه از نقطه نظر اینکه بایستی اشخاص مشغول شوند که فقط ازنقطه نظر دسته بندی‌وسواط مشغول شده اند سبب شده که کلیه اشخاص از کلیه اعمال مفیده کناره گرفته فقط منتظر ارتزاق از دوائردولتی شده اند اگردوائر ما بعد لزوم‌مستخدم گرفته واعضاء واجزای آن را از روی سابقه قبلی معین مینمودند اشخاص وقتی که ملاحظه مینمودند در اداره محل خالی نیست و یا از عهده و یا امتحان برنمی‌آیند البته کار دیگری برای خودفکرمیکردند فکر زراعت میکردند فکر تجارت میکردند عقب احداث معدن میرفتند وبالاخره کاری برای خودشان پیدا می‌نمودند نه اینکه تمام هم خود را صرف این بکنند که در ادارات دولتی مستخدم بشوند پس باید این اعضاء لایتناهی راکم نموده وزیادی آنها را بیرون کرد باید این سنخ تزئینات اداری را منحل نمود وبمردم گفت آقا ما دراینجا فلان کار را داریم باید به بینیم که میتواند از عهده انجام آن کار برآید ما مستخدمین را از نقطه نظر لیاقت انتخاب می کنیم ما باید بتمام وساطت‌پیشه ها بگوئیم‌وساطت نکنید برای اینکه استثناء در کار نیست (چون اگر یك قانون اداری را استثناء کنند کار پیش نمیرود) آنوقت من که یك نفر ازوساطت کنندگان هستم‌وقتی به‌بینم وساطت دیگری پذیرفته نمیشود دیگروساطت نمی کنم رنجیده هم نمیشوم واز دست آن کسانی هم که میخواهند وساطت آنها را بکنم خلاص میشوم بالاخره این اصول از قانون اداری باید محو شود یکی نظارت و کنترل در عایدات ومخارج مالیه‌دولت ایران‌است مالیه این‌مملکت درست مثل‌یك اسطخری شده که جداول متعدده از اطراف رو باین اسطخر جاری است و هرچه در این اسطخر آب می آید بواسطه شبکها وزیر آب هائیکه دارد فرو میرود و ابداً این اسطخر مرطوب هم نمیماند باز ما جداول تازه ایجاد کرده قناتهای‌جدید ازاطراف تهیه‌میکنیم بمحض اینکه آب آنها باین اسطخر رسید فوراً بواسطه همان زیرابهای بزرك نمام فرو میرود و چیزی باقی نمیماند پس باید اول زیرابها راگرفت یعنی نظارت در عایدات ومخارج کرد بعد تهیه‌عایدی نمود گاهی شنیده میشود که مالیات وصول نشده خیر اینطور نیست توده مالیات بده ایران همیشه‌پنج‌مقابل ده مقابل آنچه که در کتابچه های دولتی ثبت است میدهند اما کجافرومیرودمعلوم‌نیست‌درتمام این‌مدتیکه اینجا بوده اید ازاول دوره مشروطیت تابحال‌آیادیده اید یك نظارت وکنترل حقیقی در مالیه ایران دائر بشود کجا دیدید و شنیدیداداره‌های تفتیش‌پرطول وعرض هم‌دردوائره مالیه‌تشکیل‌شده است مفتش‌های سیار متصل درگردش است بااین‌حال آیا هیچ دیده وشنیده‌اید که‌بگویندفلان دزد راگرفته وفلان‌سارق را محازات کرده‌اند پس بعقیده بنده باید یك‌نظارت جدی برعایدات مملکت نمود وسعی کرد قانون‌نوشته اشخاصی معین کرد تا اینکه نظارت بمعنی حقیقی خودش اجراء شود دیوان محاسبات دوره دوم یك قسمت از این کار راتکفل می کردند بدبختانه‌قانون دیوان‌محاسبات نوشته شد ولی هیچ اثری از اونماند باید دیوان محاسبات ایجادکرد و آن قانونی را که مدتها عمر نمایندگان‌ملت درتشکیل‌آن قانون‌صرف شده تعقیب نمود یکی ازجمله کارهائیکه مافوق‌العاده باید علاقه‌مند باو باشیم رسیدگی باعمال امنای مالیه ولایات است هیچ شاهد بینه برای عملیات آنهالازم نیست بهترین بینه که میتوان در موقع محاکمه بآنها گفت وضعیت قبل از استخدام و بعداز استخدام‌مدت قلیلشان است باید وضعیت و ثروت بعداز همین‌مدت قلیل استخدام آنها را مقایسه کنند و بگویند اینها ازکجا آمده اگراین مسئله معین شد تمام ترتیبات واضح می‌شود گفتم من وقتی دود را دیدم می گویم آتش است و او را متهم میکنم تا بمحاکمه تبرئه شود پس باید آنها را محاکمه کرد اگر تبرئه‌شدند خدمات خودرا نشان‌دادند باید آنها را تشویق کرد والا مجازاتشان نمودداینها ثروت ملت است که‌نزدیك عده معدودی جمع شده باید مصادره کرد ضبط نمود بمصرف خود ملت رسانید و درآن‌حین وقتی که‌ثابت شد دست خیانت بسوی بیت‌المال دراز کرده‌اند باید آنها را باشد درجه مجازات نمود این مجازات باعث یك ترس ورعبی می‌شود که بواسطه آن دیگری نمی‌تواند دست خیانت به‌بیت‌المال دراز کند کم کم برای همین طرز یك ملکاتی در مستخدمین تولید میشود که آنها را با مانت سوق میدهد یکی دیگر از جمله چیزهائی که جزء اصلاحات لازمه و وظایف حقیه است مقاومت درمقابل هراستقراض ومالیاتی‌است قبل ازتعدیل‌جمع و خرج‌ماهمیشه در مقابل استقراض ودر مقابل پیشنهادها باحتیاج تهدید میشویم اگر ما این دو اصل‌راامسلم کردیم که بایداستقراض‌راتصویب بکنیم وهرکس بدون‌اجازه مجلس شورایملی قرض کرد خودش مسئول اداره آن‌قرض باشد ودرضمن هم گفتیم هیچ مالیاتی را تصویب نمی کنیم یا بودجه را نیاورند مجبوراً خواهندآورد و ما موفق خواهیم شد که یك روزهم درعمر خودمان بودجه و تعدیل آنرا به‌بینیم.

رئیسـ اگرمیل دارید بقیه فرمایشاتتان بماند برای جلسه دیگر .

حاج آقا ـ هرطور بفرمائید بنده اطاعت‌میکنم

رئیس — بقیه نطق آقای حاج‌آقا چون‌ظهر است می‌ماند برای جلسه‌دیگر .

حاج آقاـ چون وقت گذشته است بقیه‌عرایض خود را در جلسه آتیه بعرض آقایان نمایندگان محترم میرسانم .

رئیس — اسامی شش نفر از آقایان برای اینکه خطابه را تقدیم حضور مبارك اعلیحضرت همایونی نمایند استقراع میشود آقای سهام‌السلطان شروع باستقراع نمودند وآقایان ذیل بحکم قرعه معین‌شدند .

آقای وقار الملك — آقای آقا میرزا محمد نجات — آقای محمد هاشم میرزا — آقای‌میرزا ابراهیم خان- ملك‌آرائی - آقای‌شیخ‌الاسلام‌نماینده ملایر آقای آقاسید کاظم یزدی

رئیس — جلسه البته پس فردا سه ساعت ساعت قبل ازظهر خواهد بود ودستور آن‌ازقراری است که عرض می کنم اولا بقیه نطق آقای حاج‌آقا ثانیاً ـ اعتبارنامه‌های‌آقایان شیخ‌الاسلام‌اصفهانی وصدرائی وسدیدالملك

ثالثاً — انتخاب کمیسیون ما در خارج ازاین قرار کمیسیون خارجه شش نفر کمیسیون داخله ۱۲ نفر کمیسیون نظام شش‌نفر کمیسیون عدلیه شش‌نفر کمیسیون قوانین مالیه دوازده نفر کمیسیون معارف واوقاف وصنایع مستظرفه هشت نفر کمیسیون پست‌و وتلگراف وفوائد عامه وفلاحت و تجارت شش نفر و چهار کمیسیون دیگر هم در خارج توسط شعبات تشکیل خواهد شد که کمیسیون عرایض و مرخصی و کمیسیون بودجه خواهدبود .

تدین ـ اجازه میفرمائید .

رئیس ـ بفرمائید

تدین — نظر بعلاقه که عموم نمایندگان حاضره بانتخابات آذربایجان دارند وبطورخصوصی مذاکره شد که بعداز رسمیت مجلس کمیسیون‌تحقیق انتخابات تشکیل‌شود ورسیدگی بانتخابات‌آذربایجان بنماید بنابراین بنده پیشنهاد می کنم که جزءدستور مجلس آتیه بشود (جمعی تصدیق نمودند)

رئیس — بنده می خواستم جزءدستورجلسه دیگر بگذارم که در مجلس علنی انتخاب شود حالا

می فرمائید با سایر کمیسیون ها در خارج انتخاب شود .

تدین — خیر در مجلس انتخاب بشود بهتر است .

رئیس ـ پس جزء دستورجلسه آتیه‌خواهدبود ودرجلسه علنی انتخاب خواهدشد سایر کمیسیونها در خارج تعیین میشود

(مجلس تقریباً نیم ساعت بعداز ظهر خاتمه یافت .)

جلسه ۲۲
صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه بیست و هفتم شهر ذی‌حجةالحرام ۱۳۳۹ مطابق نهم برج سنبله ۱۳۰۰

مجلس یکساعت‌ونیم قبل‌از ظهر درتحت‌ریاست آقای مؤتمن‌الملك تشکیل گردید .

صورتمجلس یوم سه‌شنبه بیست‌وپنجم ذیحجه را آقای آصف‌الممالك قرائت نمودند .

رئیس — نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست ؟ اظهاری نشد صورت مجلس تصویب گردید دستور امروز بقیه نطق آقای حاج آقا رسیدگی باعتبارنامه های آقایان شیخ الاسلام و مؤیدالملك و صدرائی انتخاب کمیسیونها ازخارج ولی ازاعتبار - نامه‌ها فقط یك فقره حاضر است و اعتبارنامه شیخ - الاسلام ومؤیدالملك هنوز حاضر نیست گمان میکنم شعبات یکقدری در رسیدگی باعتبار نامه‌ها کوتاهی می کنند آقای شیخ‌الاسلام تقریباً چهل‌روز است در اینجا معطل مانده‌اند.به‌اعتبارنامه‌های سایرنمایندگان که ازاصفهان انتخاب‌شده‌اند رسیدگی‌شده وراپورت داده شده انتخاب ایشان هم از اصفهان بوده علتی ندارد که تأخیر بیفتد خواهش میکنم که شعبه پنجم برای جلسه آتیه راپورت ایشانرا حاضرنمایند که در آن‌خصوص رأی گرفته شود .

محمدهاشم‌میرزا — چون بنده عضو شعبه پنجم هستم عرض میکنم بواسطه ناخوشی شاهزاده نصرةالدوله وغائب‌بودن آقای قوام‌الدوله وچندی از اعضاء شعبه وخروج مشیرمعظم اکثریت حاصل‌نشده والا کوتاهی ازطرف شعبه نشده .

رئیس — چندنفر حاضر نیستند ؟

محمدهاشم‌میرزا — آقای عمیدالسلطنه آقای قوام‌الدوله نبودند . مشیر معظم هم که خارج شده است .

رئیس — عده اعضاء شعبه سیزده نفراست؟

محمدهاشم‌میرزا — خیر دوازده نفر .

رئیس — سه یا چهار نفر هم که نباشند باز هشت نفر باقی است و عده کافی برای رأی دادن هفت‌نفر است .

محمدهاشم‌میرزا — بلی ، عرض میکنم که دراین دوسه جلسه اخیر بعضی‌از آقایان حاضرنشدند باینجهت تأخیر شد .

رئیس — باید حاضر شوند بهیجهت که یك شخص‌را نمیشود معطل کرد

حاج‌شیخ‌اسدالله — اگرچه آقای رئیس شرحی راجع به‌عدم تشکیل شعبه فرمودند وهمچنین شاهزاده محمد هاشم میرزا به عدم حضور بعضی از آقایان اظهار نمودند ولی‌بایدآقایان تصدیق‌بفرمائید که اینطور رفتار کردن وحاضرنشدن در شعب تصور میکنم نسبت بعملیاتیکه بعد ها مجلس در پیش دارد یکقدری اسباب یأس وناامیدی بشود وقتیکه بنا شد یك‌شعبه راجع بهرسیدگی یك‌اعتبار نامه که چهل‌روز یاپنجاه روز ازموقع‌آن میگذرد آنقدرمسامحه کرده و در وقت خود حاضر نشوند آنوقت چگونه بنده شخصاً میتوانم اعتماد بکنم که آقایان برای کارهای مهمه حاضر میشوند البته باید آقایان حاضر بشوند که وقت مجلس شورایملی تلف نشود .

رئیس — دراین باب بیش‌از این مذاکره نمیشود سایر شعب‌هم همینطور هراعتبارنامه که دارند باید سعی واهتمام فرمایند که زودترحاضر شود .

ارباب کیخسرو — بنده در اینقسمت عرضی نداشتم . درقسمت راپورت اداره مباشرت که درجلسه قبل قرائت شد درآن راپورت یك‌قسمتی نوشته‌شده بود که بعد بنده حس کردم در خارج نسبت بیکی از نمایندگان‌اثر خوبی نداده بود وآن‌این است که در راپورت ذکر شده‌بود یکصدوپنجاه تومان در کابینه گذشته (یادر حکومت گذشته) بعنوان خرج راه و مسافرت آقای شریعتمدار داده شده اینکه از طرف اداره مباشرت این‌مسئله در راپورت ذکر شده هیچ نظری نبوده جز اینکه خواسته است مثل‌سایرمطالب جمع وخرج خود را بنظر آقایان نمایندگان برساند و ایشانرا مستحضر کند ولی توضیحاً عرض می کنم آن یکصدوپنجاه تومان که داده شده برحسب تقاضای آقای شریعتمدار نبوده سهل است ایشان درموقعی هم که میخواستند اجازه تحصیل کنند ومسافرت نمایند هیچگونه اقدامی ازطرف ایشان نشد حتی تحصیلات اجازه ایشانهم ازطرف اداره مباشرت نشده است و نظر بمدلول ماده ۵۱ قانون انتخابات که خرج ایاب وذهاب آقایان نمایندگان را باید دولت به‌پردازد و چون‌ایشان خیال‌معاودت‌داشتند ازطرف اداره‌مباشرت اقدام شد نه‌فقط در باره ایشان بلکه در باره هریك ازآقایان نمایندگان که خیال‌معاودت داشتند ازطرف اداره مباشرت بحکومت وقت اظهار میشد که برای مخارج مسافرت ومراجعت‌آنها اجازه پرداخت وجهی بدهند چون‌تقاضای راجع بایشان در اول واقع شد برای ایشان اجازه یکصد وینجاه تومان صادر شد و برای دیگران که بعد تقاضا شد اجازه صادر نشد لهذا لازم دانستم که عرض کنم ایشان شخصاً دراین کار دخالتی نداشته‌اند و پرداخت این وجه بر حسب تقاضای اداره مباشرت بوده و الا ایشان هیچگونه نظری نداشته‌اند .

رئیس — باید داخل مذاکره دردستور بشویم چون کمیسیون تحقیق انتخابات در مجلس نمیشود انتخاب بشود باید ازخارج انتخاب‌نمود زیرا اگر در مجلس بخواهیم انتخاب بکنیم باید مهره تقتیشیه داده شود وتصور میکنم اسباب زحمت و تعطیل کار بشود (جمعی تصدیق نمودند) بهتراست درخارج انتخاب بشوند دونفر بقرعه تعیین میشود که باتفاق یکنفر از آقایان منشیان درخارج استخراج‌آراء بنمایند و در موقعیکه آقای حاج‌آقا نطق میفرمایند آقایان یکی یکی تشریف میبرند و درخارج رأی میدهند .

محمدهاشم‌میرزا — عده این کمیسیون چندنفر است ؟

رئیس — گمان میکنم شش‌نفر کافی‌باشد .

(بعضی گفتند کافی است)

دراین‌موقع آقای سهام‌السلطان شروع باستقراع نموده اسامی آقایان ذیلا استخراج شد

آقای‌فهیم‌الملك — غائب بودند - آقای سدید الملك - آقای امین‌الشریعه غائب‌نبودند آقای‌سردار معظم‌خراسانی (غائب بودند) آقای امیرناصر (جزو هیئت رئیسه هستند)

آقای میرزا علی کازرونی .

رئیس — آقای حاج آقا فرمودید عده کافی نیست ؟

حاج آقا — خیربنده عرض کردم شش نفر کافی است .

رئیس - پس اعتراضی نیست شش نفرانتخاب خواهد شد (آقای آصف‌الممالك اجازه)

آصف‌الممالك - بنده میخواهم‌خاطرآقایان را تذکر بدهم آقایانی که برای عضویت در این کمیسیون انتخاب میشوند میبایستی این مسئله‌رعایت بشود که ازاوضاع وجریان‌انتخابات‌آذربایجان‌اطلاع داشته باشند در کمیسیون بهتر بتوانند اینکار را انجام دهند .

رئیس — آقای حاج شیخ اسد الله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده راجع بعده میخواستم عرض کنم لکن حالا عرضی ندارم .

رئیس — آقای سدالملك و آقای آقا میرزا علی کازرونی بیرون تشریف میبرند وباتفاق آقای امیر ناصر آراء استخراج مینمایند آقای حاج آقا (اجازه)

حاج آقا - پریروز درقسمت رویه راجع به اصلاحات اداری یك قسمت عرایض خودم را راجع باصلاحات مالیه عرض کردم چون وقت گذشته بود عرایضم ناتمام ماند .

یکی ازمسائلی‌راکه بزرگترین طریق اصلاح میدانم و میتواند هیئت دولت و زمامدارانرا باصلاح الزام کند حسن احتیاج است احتیاج مادر و مولد اختراعات بالطبیعه تاانسان محتاج نباشد وسائل رفع احتیاج را فراهم نمیکند بنا براین عرض کردم وباز هم عرض میکنم که نمایندگان ملت باید تعقب این رویه را بکنند که هیچ مالیات وپیشنهادمالیاتی راکه ازطرف دولت پیشنهاد میشود تصویب نکنند وهیچ استقراضی‌را تصدیق نکنند تا اینکه بودجه رابمجلس بیاورند وقتی این دوطریق (که همیشه‌برای تحصیل عایدی ازنظر دولتهای گذشته بود) ازبین رفت‌قهراً دولت مجبورمیشود واحتیاج او را وادار میکند باینکه بودجه اش راتعدیل کند وقتیکه‌بودجه‌بمجلس‌شورای ملی پیشنهاد شد بقدریکه باید جرح وتعدیل شد و آخرین درجه خرجی که نهایت لزوم را دارد با مقایسه مقدارعایدی معین شد آنوقت البته اگربازهم نواقص موجود باشد مجلس شورایملی فکری برای رفع آن نواقص خواهد کرد وبهر ترتیبی که مقتضی بداند ترتیبی خواهد داد بنابراین بنده‌ازهراستقراض وپیشنهاد مالیاتی جلوگیری را لازم میدانم ویکی‌از چیزهائی راکه میتوانم عرض کنم بناموس مشروطیت تخطی بوده وضع مالیاتهائی است که درغیاب مجلس شورای ملی شده بدون اینکه حس بشود که یکی‌از وظایف مختصه نمایندگان ملت وضع مالیات است ، وضع هرمالیاتی را در غیاب مجلس شورایملی بنده

یك تعدی بزرك بحقوق ملی محسوب میکنم بنا بر این بنام حفظ اصول مشروطیت وحفظ حقوق آزادی وملی تمام تحمیلاتیرا که درغیاب مجلس شورایملی‌در دوره فترت بملکت وملت وارد شده بکلی آنهارا لغومیدانم . بلی اگرچنانچه این اصل محفوظ بود و میدانستند که‌درمورد رفع احتیاج مجبورند درجمع و خرج مملکت مراجعه بنمایندگان ملت کنند‌این تخطی موجود نمیشد که بدون مراجعه بمجلس شورایملی و نمایندگان‌ملت‌مالیات وضع کنند وتحمیل بفقیر‌بدبخت کنند بدون اینکه مصرف لازمی برای آنها درنظر گرفته‌بشود اگرهمینطورنبود دوره‌فترت اینقدرامتداد پیدا نمیکرد بازخود را محتاج‌میدیدند که نمایندگان را انتخاب ومجلس شورایملی را دایر کنند که‌مراجعه بمجلس شورایملی بنمایند‌وبا تصویب مجلس شورای ملی مالیات وضع کنند چون این احتیاج را حس نکردند افتتاح مجلس شورایملی بتأخیر افتاد ودوره فترت امتداد یافت بدون هیچ پروا حقوق گرفت و تحمیلات فوق العاده بردوش توده مالیات بده ایران وارد کردند باید گفت ازاعلی تا ادنی ازشاهزادگان درجه اول ودوم از طبقات مختلفه ومستخدمین ادارات در دوره فترت تا چه اندازه بر مالیه مملکت تحمیل نموده که اگربدفتر مالیه مراجعه شود ملاحظه خواهد شد که چقدر بر بودجه مملکت تحمیل شده که واقعاً وقتی که تا اول مشروطیت ودوازده سال قبل مقایسه کنیم خواهیم دید شایدازسه ربع‌هم اضافه ترتحمیل شده . این اضافه مواجبها این حقوقهای کمرشکن که بر مملکت تحمیل شده وبا یك استقراضهائی که امروزدرنتیجه قیمت ترقی‌لیره باید سه‌مقابل ادا کنیم اداء شده تمام آن تحمیلات و آن استقراضها را بر دوش توده مالیات بده فقیر و همان قسمی که تمام مصائب وسختی‌ها را در این مملکت تحمیل میکنند تحمیل کردند یکعده معدودی متفنن آسایش وامرار حیات کنند . تمام اینها را باید لغو کرد وهر کس که زیادی برد از اویس گرفت باز میگویند اینها عملی نیست بنده‌عرض میکنم عملی‌است‌ودرآن آنی که‌بنده حس کنم‌عملی نیست‌وجودخودرادرمجلس‌شورایملی‌لغو میدانم‌من‌میگویم‌وچیزهائیکه‌برخلاف‌رأی‌و کلاء‌برخلاف منافع اهالی مملکت برای زندگانی شیرینش بیك مجلس داده شده درحالی که احتیاج نداشته اندآنها را باید حساب کردو مادامی که دارند بایداز‌آنها پس بگیرند و این قرض‌های هنگفت را تأدیه‌نمایند تافرع آنها زیاد نشود بنابراین‌بنده بمجلس‌شورای ملی پیشنهاد میکنم که یك کمیسیون‌مخصوص برای اینکار معین کنند و بتصویب نامه های دوره فترت‌و آن تحمیلاتی که بردوش ملت شده است رسیدگی کنند و هر کس از مالیه کشور چیزی‌برده است‌مثل بقایائی که از مؤدیان مالیاتی طلب دارند بگیرند و بقرضه ملت بدهند این بود عرایض من راجع‌بمالیه. اما راجع بعدلیه

آنچه که بنده‌عقیده دارم و برای احدی‌هم‌شکی نیست اداره منحصر بفردی که دراین مملکت‌دارای قانون است عدلیه‌است.(واین فضیلت‌را برای کسانی باید دانست که در اول امر گفتند تا قانون نباشد قبول مسئولیت نمیکنیم واول قانونی‌را وضع کردند) این اداره فقط دایره ایست که دارای قانون مدون است ولی از آنجا که در هر مملکتی که نظارت‌در کار باشد هر قانون مقدس بالاخره فسخ میشود و از او سوء استفاده میکنند و یك وبالی میشود این است که همین عدلیه دارای قانون بواسطه نبودن مجازات و نظارت از قانون سوء استفاده کرده و فوق العاده اسباب زحمت جامعه‌را فراهم میکند عدلیه که برای احقاق حقوق است اسباب تعطیل حقوق شده است. هیچکس از ماهاهست که این معنی را نداند مردم بواسطه تعطیلی که دراحقاق‌حقوق‌خود از جریان عدلیه می‌بینند هیچ بعدلیه مراجعه نمیکنند و بکلی‌از حقوق خود صرفنظر مینمایند این مسئله سلب شده است که در تجارت و معاملات اعتماد و اطمینان که در جامعه موجود بوده از بین رفته‌برای اینستکه جامعه بتمام افرادخود سوء ظن پیدا کرده زیرا یك مرکز احقاق حقی برای خود تصور نمی‌نماید از اینجهت‌از حقوق گذشته خود صرفنظر کنید و در آتیه خودراحفظ کنید که معامله باکسی‌نداشته باشید و اسباب‌ابتلاءاو بشود بنا بر این بنده عرض میکنم باید دانست ملت اینکه عدلیه‌با داشتن‌مستشار وآنهمه سعی هائی که متخصصین و اشخاص علاقه‌مند برای ترتیب آن کرده اند چرا اینطور شد ؟ اول برای نبودن مجازات دوم تعیین نکردن اعضاءازروی لیاقت زیرا تعیین اعضاء فقط از روی وساطت‌وغیره است پس برای‌اینکه بکلی از این رفتار سوءجلوگیری‌شود باید قانون وضع نمود اعضاء را از روی لیاقت و امتحان‌انتخاب نمود . بلی قانون ضع کردند و مصلحین و اشخاصی که علاقه مند بعدلیه بودند و پیش بینی کردندو گفتند باید امتحان کردامابدبختانه اجراء نشده میگفتند یا باید سابقه داشته باشند یا امتحان‌بدهند‌بااینحال وقتی یك وزیری اراده‌میکرد یکنفررا قبول نماید یا اینکه‌نه سابقه داشت‌نه‌امتحان داده بوده مدتی او را بامانت صلحیه یك جای‌خارج از تهران‌میفرستادند وقتی که برمیگشت دارای‌سابقه میشد باین‌عنوان‌در عدلیه مرکزی بدرجه‌عالی‌برقرار میشدو بالاخره آن کسیکه لایق و صحیح العمل بود وقتی میدید صحت عمل او ملحوظ نیست‌یاخارج باید به یك ترتیبی قطع کرد یعنی باید ازروی یك قانونی حدود و کلاء را معین و اشخاصی که‌انتخاب میشوند در تحت آنحدود باشند و اشخاصیکه برای حفظ حقوق مردم داخل عمل میشوند واجرت‌میگیرند اشخاصی باشند که لیاقت و امانت داشته باشند این بود عرایض بنده راجع بعدلیه . اما نظریات بنده راجع بوزارت جنك یعنی همان وزارت‌خانه که‌حافظ حدود وثغور مملکت است والبته تمام آقایان‌میدانند که محترم‌ترین عناصر یك جامعه همان افرادی‌هستند که جامعه راحفظ میکنند واحترام‌آن‌افراد‌فوق‌العاده بر تمام اعضاء جامعه لازم‌است ولی درعین حال‌برای حفظ حیثیتی که برای این قسم اشخاص در جامعه موجود است خود آنها هم باید فوق‌العاده مترقب باین حیثیت باشند باید همانطوریکه در عالم معمول است مأمور نظامی در تحت‌انتظام ودسیپلین باشد و باید از تخرب ودسته بندی خارج باشد وجز اطاعت بالاتر چیزی نفهمد این مسئله یکی از چیز هائیست که باید در نظام محفوظ باشد

اگر در دوره های فترت یك صدماتی بحیثیات نظامی وارد شده‌است یا از نقطه‌نظر دفاعی‌صدماتی نسبت بحقوق اجتماعی وارد شده فقط ازاین‌نقطه‌نظر امروز انشاءالله منعقد خواهد شد دقت مخصوص در وزارت عدلیه بنماید و اشخاصی که مسئول عدلیه و یا در اداره عدلیه بوده‌اند یا وکلاء صالح که‌نواقص جریان را مطلع هستند پیشنهاداتی بکمیسیون‌بکنند تا رفع نواقص بشود یکی از جریاتیکه در عدلیه فوق‌العاده لازم است تعیین‌مدعی‌العموم است‌بطوری که در قانون پیش بینی شده وقتی که یك مملکتی که اصول آن از روی شرح است ودو اصل‌آن امر بمعروف ونهی از منکر بوده‌یعنی دو اصلی که‌اساس آسایش وترقی عالم بروی‌اواست ووقتی که تمام‌امور اجتماعی تحول بیك مدعی‌العموم است و مدعی‌العموم باید این اساس را تکفل کند که هرج ومرج‌تولید نشود باید مدعی‌العموم همانطور که در قانون ذکر شده باشد بایستی کامل و مزه باشد باید دارای ملکات عالیه باشد باید باصلاح و احقاق حق عموم علاقه‌مند باشد اگر علاقه‌مند نبود نمیتواند ازهرج و مرج جلوگیری کند بواسطه عدم توجه مدعی‌العموم باین امورات بوده‌است که روز بروز مفاسداخلاقی زیادتر شده پس باید مدعی‌العموم را همانطور که‌در قانون پیش‌بینی شده انتخاب کرد و معلوم است در قانون اینطوربیش‌بینی شده‌یك نفر که‌دارای‌معلومات علمی و معلومات دیانتی ودارای ملکات فاضله باشد چنین شخص میتواند مدعی‌العموم باشد وجلوگیری‌از منهیات بکندنه اینکه خودش‌آسوده باشد باید‌آنوقت هم تحقیق ونظارت کرد که مدعی‌العموم بوظایف خود عمل کند خائن نباشد و باید اورا مطمئن کرد که هر کسی را در هر درجه و مقام باشد وقتی از اوسوء اخلاقی سرزد اورانعقیب کند ومجازات‌نماید همان مجازاتی که معین شده است مثل مجازاتهائی که محکمه خلاف تعیین میکنند مثلا برای دزدیك روز حبس وبرای فلان عمل شنیع پنج روزحبس‌قابل ابتباع که به پنج تومان خریداری شود یکی ازچند چیزهائی که علت تعطیل حقوق شده است عملیات وکلاء است این دسته های جنایتکار را که‌یك‌قسمت از وکلاء عدلیه دارند و گریبان مردم را گرفته‌اند باید به یك ترتیبی قطع کرد یعنی باید ازروی یك قانونی حدود وکلاء را معین و اشخاصی که‌انتخاب میشوند در تحت آنحدود باشند و اشخاصیکه برای حفظ حقوق مردم داخل عمل میشوند واجرت‌میگیرند اشخاصی باشند که لیاقت و امانت داشته باشند این بود عرایض بنده راجع بعدلیه . اما نظریات بنده راجع بوزارت جنك یعنی همان وزارت‌خانه که‌حافظ حدود وثغور مملکت است والبته تمام آقایان‌میدانند که محترم‌ترین عناصر یك جامعه همان افرادی‌هستند که جامعه راحفظ میکنند واحترام‌آن‌افراد‌فوق‌العاده بر تمام اعضاء جامعه لازم‌است ولی درعین حال‌برای حفظ حیثیتی که برای این قسم اشخاص در جامعه موجود است خود آنها هم باید فوق‌العاده مترقب باین حیثیت باشند باید همانطوریکه در عالم معمول است مأمور نظامی در تحت‌انتظام ودسیپلین باشد و باید از تخرب ودسته بندی خارج باشد وجز اطاعت بالاتر چیزی نفهمد این مسئله یکی از چیز هائیست که باید در نظام محفوظ باشد

اگر در دوره های فترت یك صدماتی بحیثیات نظامی وارد شده‌است یا از نقطه‌نظر دفاعی‌صدماتی نسبت بحقوق اجتماعی وارد شده فقط ازاین‌نقطه‌نظر

بوده که انتظامات بطوریکه باید وشایددرنظام‌نبوده سابقه شغل درصاحبمنصبان ازروی تخرب ودسته‌بندی بوده بعبارت‌اخری مسائل سیاسی و سایر ترتیبات دیگر در نظام جریان داشته و دیدیم بهمین واسطه چه صدماتی بر مملکت وارد آمد وچقدرحیثیت‌نظام متزلزل‌شد پس باید آن صاحبمنصبی را که‌حقوق و دسیپلین‌را در نظام حفظ میکند تشویق و بالعکس کسانی را که برخلاف این ترتیبات رفتارمینمایند‌از شرافت این لباس محروم نموده و آنها را مجازات کرد تا دسیپلین کاملا محفوظ بماند از طرف‌دیگر نظام باید در تحت لوای اتحاد شکلی ایجاد شودما باید اقدامی کنیم که نظام در تحت یك ترتیب‌متحد الشکلی تشکیل شود نه بطور قسمتهای‌مختلف که مولد رقابت هائی باشد که همه ماها مفاسد آنهارا دیده‌ایم پس اتحادشکل یکی ازچند چیزهائی است که فوق‌العاده باید بآن توجه کرد دیگر آنکه قبل از هرچیز ومخارجی باید مصارف و مخارج نظامیان را در بودجه مملکت تخصیص داد و ترتیبات بودجه نظامی ر تأمین نمود یعنی نظامیان را راحت و بالاخره از هرجهت‌وسایل آسایش آنهارافراهم‌نمود آن وقت اگر قدری از حدود خود تخطی کردند و یا خارج ازحدود دسیپلین‌رفتار نمودند آن وقت‌آن ها را مخصوصاً مجازات نمائیم والبته میتوانیم‌مجازات کنیم برای اینکه تمام وسائل رفاهیت آنها رافراهم کرده‌ایم .

یکی دیگر ازجمله چیزهائیکه فوق‌العاده لازم است کنترل ونظارت بر مصارف نظامی است اگر حقیقتاً این مخارج گزافی که تا بحال هر ساله برای نظامیان بر خزانه دولت ایران تحمیل شده در محل خود بمصرف رسیده بود و بافراد داده میشد یقیناً حال‌نظامیان‌امروزه فوق‌العاده راحت تر ودرآسایش بیشتر زندگی می کردند وافراد نظامی امروزه هم زیادتر بود سابق براین شاید دیده باشید که چه افراط وتفریطها در بودجه نظامی واقع میشد مثلا کسیکه مدیر ملزومات یك خرج بود در عرض مدت قلیلی دارای منبع کثیری ثروت می‌شد بدیهی است این وجوهاتیکه اخذ می‌نمود یا ازعده میکاست‌یااز حقوق عده‌درهرحال بارش بدوش مملکت تحمیل‌شده بود بدون اینکه منصرف مدافعین ملی بشود بلکه مصرف یکعده اشخاص می‌شد که بکلی خارج‌ازحدود نظامی بودند پس باید از این ترتیبات جلوگیری نمود باید مجلس شورای ملی نظارت در امورات مالیه داشته باشد مخصوصاً توجه خاص ببودجه‌نظامی کرده‌واورا بیك‌وسیله در تحت قانون درآورد تبذیر صاحبمنصبان راباید جلوگیری نمود دیگرازچیزهائی که باید رعایت شود این‌است که بایستی‌صاحبمنصبان را بشرافت عالی نظامی که دارند متوجه نمود وآنان را از عملیاتیکه‌جامعه از آنها متوقع نیست منع وجلوگیری نمود نظامی باید حافظ ناموس‌بوده واقلا خودش‌را از اخلاق نکوهیده وصفات ناپسندیده واز تعرض‌ببعضی ترتیبات مصون داشته وکناره گیری نماید تا یك منظره فجیعی دربازار شهر تهران‌راجع بفلان صاحبمنصب تشکیل نشود و همچنین در سایر ولایاتیکه میروند یك فریاد هائی بدینطریق تولید نمایند آیا همه ما ها این شنیده‌ایم آیا نمایندگانی که از ولایات‌بمرکز آمده‌اند این ترتیبات‌رانديده‌اند پس باید برای حفظ شئون ومراتب شان آنهارا به وظیفه شناسی متوجه نمود واز این ترتیبات‌جلوگیری نمایند آن وقت اگرجلوگیری کردند ونشد بایدآن هارا مجازات نمود واز نظام خارجشان کرد یکی از دوائر که باید طرف توجه و دقت شود اداره نظمیه است من نمی خواهم مفصلا داخل در این قضیه‌شوم ولی متأسفانه عرض می کنم در اول تشکیل نظمیه یك افراد از آن پلیس وظیفه شناس وجود داشت که‌یك قسمت‌حس وظیفه‌شناسی را داشته وحقیقتاً‌بعضی عملیات از آنها بروزمیکرد که مورد حیرت‌و تعجب بوده وباندازهٔ درانجام وظائف خود جدیت‌وکوشش میکردند که مورد تحسین ودرایران کمتر نظیرآن دیده شده‌بود حقیقتاًخوش‌درخشیدااما افسوس که‌مثل دوات های مستعجل زود ازبین رفته و معدوم شد به طوریکه‌می‌توان گفت امروز نظیمه های ولایات‌وحتی طهران‌یك کانون‌فجایع است‌هر کس مختصرروابطی بانظیمه داشته ویك قسمت از عملیات آن اداره را مستحضر است تصدیق میکند که چه‌عرض میکنم‌من می خواهم داخل عملیات آن اداره شوم همین قدر عرض می کنم که قبل از هر چیز باید همین حافظی اخلاق ونوامیس عمومی را ازمفاسد اخلاقی منع واز عملیات آنان جلو گیری نمود

حس وظیفه شناسی ودسیپلین درنظمیه و افراد بزودی معدوم گشت‌ویك قسمت از افراد یاصاحبمنصبان شرافت مندهم که در آنجا بودند یا کنار رفتند و یا در دوره‌های متمادی دردرجه دانی خود باقی‌ماندند مثلا اگر بپرسند فلان شخص وظیفه شناس چه شد وچرا ترقی‌نکرد درجواب من گویند پزش قابل‌نبود (واقعاً اسباب تأثر است که این قبیل فضیحت ها در این جا مطرح شود) هیچ ایرادی نمی توانند باو بکنند فقط میگویند قیافه‌اش قابل نبود دیگری ترقی می کند برای اینکه قیافه‌اش قابل است‌وقتی که یك اداره اینطور جریان پیدا کرد دیگر چه امیدی برای ترقی وعمل کردن بوظیفه برای افرادیاصاحب منصب میتواند باقی بماند .

باید کسانیرا که برخلاف اخلاق وحفظ ناموس‌و مال جان مردم اقدامی کنند شدیداً وپیش‌از همه‌آنها را مجازات کرد چرا که حافظ ناموس و جان و مال مردمند اگر مستقیماً خودشان بچیزهائیکه باید محافظت کنند حمله نمایند مجازاتشان هزار درجه شدید تراست

رئیس — اگر خسته شده اید اعلام تنفس داده شود .

حاج آقا — بنده در موضوع نظیمه‌دو کلمه دیگر عرض دارم‌آنوقت‌راجع بمعارف میخواهم‌عرض کنم اگر آقایان خسته شده‌اند دیگر راجع بمعارف عرض نمیکنم .

رئیس - بسیار خوب .

حاج آقا — یکی از چیزهائیکه فوق العاده لازم است این است که باید افراد و صاحبمنصبان را که وظیفه شناسند پیدا کرد وآنهارا تشویق نمود ونگذاشت در تحت تأثیر نداشتن‌قیافه‌از تمام حقوق خود محروم بمانند همانطور که مجازات سخت راباید تعقیب نمائیم مکافات را هم باید اعمال کنیم این‌بود عرایض بنده راجع بنظیمه حالا چون آقایان خسته شده‌اند هر گاه آقای رئیس اجازه فرمایند تنفس شود وبعد سایر مطالب خود درا عرض‌خواهم کرد

رئیس - چند دقیقه‌تنفس است

(در اینموقع آقایان نمایندگان برای تنفس ازمجلس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً جلسه تشکیل گردید .

رئیس — چون مقارن ظهر است بقیه بقیه آقای حاج‌آقا برای جلسه آتیه که روز شنبه است بماند فعلادو سه‌فقره اعتبارنامه‌حاضر است‌اگرمخالفی نباشد قرائت شود

آقای رکن‌الملك احضار برای قرائت راپورت چون مخبرشعبه استعفا داده‌بودند آقای رکن‌الملك که منشی‌شعبه هستند قرائت می کنند

آقای رکن‌الملك راپورت شعبه پنجم را راجع به‌آقای شیخ‌الاسلام نماینده اصفهان

(بمضمون‌ذیل قرائت نمودند)

شعبه پنجم بدوسیه انتخابات اصفهان رسیدگی کرده نظر باینکه دوسیه مزبوره برای تحصیل‌صحت نمایندگی دو نفر دیگر از نمایندگان اصفهان در شعبه اول تحت مطالعه‌درآمده وصحت انتخاب‌اصفهان را تصدیق نمودند و شعبه پنجم نیز موافقت نظر با شعبه مزبوره دارد لهذا صحت انتهابات اصفهان و نمایندگی آقای شیخ‌الاسلام‌را تصدیق مینماید

رئیس - راجع باین‌راپورت مخالفی‌هست‌یانه؟ (گفته شد خیر)

راجع بنمایندگی آقای شیخ‌الاسلام از اصفهان رأی میگیریم آقایانیکه تصویب می کنند قیام‌فرمایند اکثر نمایندگان‌قیام نمودند .

رئیس — تصویب شد رایورتی است راجع بآقای صدرائی آقای تدین احضار و برای قرائت رایورت آقای تدین‌رایرت شعبه دوم راراجع بآقای صدرائی نماینده دماوند بمضمون ذیل قرائت‌نمودند:

شعبه دوم بدوسیه انتخابات دماوند و فیروز کوه بدقت رسیدگی نموده برای استحضار‌بمجلس‌شورای ملی عرض مینماید که انجمن مرکزی انتخابات در دماوند در یازدهم ذیحجه ۱۳۴۷ مطابق قانون تشکیل و ۵ انجمن جزء دیگر را در فیروز کوه و توابع دماوند با رعایت قانون انتخابات‌دائرساخته و در کلیه‌نقاط مزبوره تعرفه توزیع نموده و موازی ۴۷۰۳ ورقه تعرفه با اوراق رأی برگشته و آقای صدرائی با کثریت ۳۰۳۲ رأی از کل آراءمزبوره بریاست دارالشورای انتخاب گردیده است.

انجمن نظارت مرکزی پس از خاتمه‌استخراج آراء مدت یکهفته برای وصول و اصغای شکایات منتظر بوده در این مدت هفت ورقه شکایت که‌بیشتر آنها از طرف اهالی‌قریه فرانك بوده بانجمن‌واصل گشته مبنی بر اینکه انتخابات در تحت تأثیر تهدید وتطمیع انجام یافته است.

انجمن‌در جواب هریك از اوراق شکایتیه کتباً اظهار داشته که متشکیان حاضر شده تا حضوراً به شکایات آنها رسیدگی شود متشکیان از حضور در انجمن‌استنکاف ورزیده و اصلا حاضر نشده اند در این اثناء دو ورقه‌رضایت بایك‌ورقه چلوار‌بمهر

قریب هزار نفر از اهالی دماوند و توابع که عموماً علماء و خوانین و تجارد‌ماوند در حاشیه آن‌چلوار اولا هویت صاحبان امضاء را تصدیق و ثانیاً صحت انتخابات را تصدیق نموده‌اند بانجمن نظارت‌مرکزی رسیده است انجمن پس از انقضاء مدت قانونی و نرسیدن شکایات‌جدید وعدم‌حضور متشکیان‌دوانجمن برای‌توضیح دادن‌و رسیدگی بشکایات آنها چون شکایت مزبوره مدرکی نداشته ترتیب‌اثر بآنها‌نداده و کلیه اوراق شکایتیه ورضایتیه را ضمیمه صورت‌مجلس‌قرار داده و اعتبار نامه باسم آقای صدرائی صادر و خاتمهٔ انتخاباترا اعلان نموده است

شعبه دوم‌بشکایات واصله‌بانجمن‌وشکایات‌دیگری که بوزارت داخله و مجلس رسیده است رسیدگی نموده و برای استحضار خاطر نمایندگان محترم‌اظهار میدارد که اولا متشکیان بوزارت داخله و مجلس شورایملی همان متشکیان‌بانجمن بوده وشکایات‌آنها هم همان شکایت بانجمن است . ثانیاً‌شکایات‌واصله مدرك مثبتی نداشته بعلاوه موافق استناد موجوده‌در دوسیه انتخابات اساس آن شکایات مبنی برالقاآت‌و تحریکات داوطلبان و کالت و اتباع آنها‌بوده‌است .

لهذا شعبه دوم ترتیب اثری بآنها نداده در صورتی که اوراق رضایت زیادی هم بوزارت داخله ومجلس رسیده است) و جریان انتخابات دماوند و فیروز کوه‌راموافق قانون‌دانسته وصحت انتخاب‌آقای صدرائی را از حوزه انتخابیه مزبور تصدیق مینماید.

تدین — توضیحاً عرض‌میکنم ذیحجه ۱۳۳۹ بایدسهوشده باشد‌گمان میکنم۱۳۳۷ باشد .

رئس — نسبت باین راپوزت مخالفی‌نیست؟

حاج‌شیخ‌اسدالله — بنده مخالفم .

رئیس — میماند برای جلسه دیگر . راپورت راجع بآقای نظام الدوله که مخالف داشت طبع و توزیع شده چون حاضر است اگر مخالفی نباشد جزء دسته بشود (گفته شد صحیح است) حالا اگر آقایان نظری در این باب داشته‌باشند ممکن است روزشنبه اظهار بفرمایند آنوقت هرطوری که مجلس‌رأی داده همانطور رفتار خواهد شد .

آقای آقاسیدفاضل — اجازه نطق .

رئیس — بفرمائید .

آقاسیدفاضل — بنده خواستم خاطر آقایان نمایندگانرا از تعطیل مالیه مسبوق کنم از قراری که معلوم است چند روز است روسا و مدیران وزارت مالیه کناره‌جوئی اختیار کرده‌اند و چون اصلاحات وزارت مالیه اصل نظر مااست وتعطیل‌آن وزارتخانه مفاسدفوق‌العاده داردخوب‌است ازمقام ریاست‌اقدامی بشود اگرچه بطوریکه اطلاع دارم از مقام ریاست وزراء دستور العمل داده شده است که تا پنجشنبه که امروز است چنانچه مدیران حال تعطیل را خاتمه ندهند اقداماتی خواهد شد و بساهست که در این موضوع تغییراتی بشود این‌است که از مقام ریاست خواهشمندم بهیئت دولت تذکر بدهند که زودتر باین تعطیل وگروخاتمه بدهند .

رئیس — بنده از تذکر این‌نوع مسائل‌بهیئت دولت خیلی معذرت می‌خواهم اگرسئوال یااستیضاح دارید هروقت بخواهید هیئت دولت احضار میشوند سئوال فرمائید .

آقاسیدفاضل — اجازه میفرمائید .

رئیس — بفرمائید .

آقاسیدفاضل — چون‌سابقه داشت وهمینطور تقاضاهای دیگری از مقام ریاست شده و تکفل فرموده اند که بهیئت دولت یادآوری کنند بنده هم من‌باب سابقه این امر را پیشنهاد کردم

سردارمعظم‌خراسانی — بنده اعتراض‌دارم و تصور میکنم که هیچو سابقه در مجلس نبوده‌است که درخصوص زندگانی و امور داخلی ادارات از رئیس مجلس تقاضا شده‌باشد که ایشان مداخله کنند و اگر تقاضائی شده است که یکی دو مرتبه آنرا بنده کرده‌ام راجع‌بوادی بوده‌است که مربوط‌بقانون اساسی‌مملکت بوده باینجهت‌خواهش کردم که آقای رئیس مداخله کرده وبهیئت دولت تذکر بدهند .

آقاسیدفاضل — اجازه می‌فرمائید .

رئیس — بفرمائید .

آقاسید فاضل — آن مطالب هم در اهمیت باگردد مالیه‌چندان فرقی‌ندارد زیرا اینموضوع‌اگر جلوگیری نشود مفاسد فوق‌العاده ایجاد خواهد کرد

آقای‌سیدیعقوب — بنده اجازه میخواهم .

رئیس — بفرمائید .

آقاسیدیعقوب — خیلی‌خوش می‌دانم که این مدیران چند روزی هم نباشند شاید بتوانند یك جمعی از آنها را انتخاب کنند خوبست‌آقاسید فاضل دلسوزی بحال یکمده سارق ننمایند .

رئیس — جلسه روزشنبه سه ساعت قبل‌ازظهر خواهد بود .

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

جلسه ۲۳
صورت‌مشروح مجلس یوم شنبه ۲۹ ذیحجةالحرام سنه ۱۳۳۹ مطابق ۱۱ سنبله ۱۳۰۰

مجلس یکساعت‌ونیم قبل‌ازظهر درتحت ریاست آقای مؤتمن‌الملك تشکیل گردید .

آقای آصف‌الممالك صورتمجلس یوم پنجشنبه بیست‌وهفتم ذی‌حجه‌را قرائت نمودند .

رئیس — شاهزاده نصرةالدوله مریض هستند اشتباهاً درصورتمجلس غایب بدون اجازه نوشته شده است : اعتراضی‌راجع‌بصورتمجلس است ؟ (اظهاری نشد) صورتمجلس تصویب گردید : دستور امروز رسیدگی باعتبارنامه آقایان صدرائی و نظام‌الدوله ، تعیین شعبات : بقیه نطق آقای حاج‌آقا : تعیین کمیسیونها در خارج : از اعضای کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان که آقایان معین فرموده بودند فقط یکنفر اکثریت پیدا کرده که آقای مشیرالدوله هستند مابقی اکثریت ندارند باید تجدید انتخاب شود درموقعیکه سایر کمیسیون ها را انتخاب می‌فرمایند برای پنجنفر دیگرهم باید رأی بدهند .

فهیم الملك — پس از آقای مشیر الدوله آقایانیکه بالنسبه اکثریت داشته اند خوب است اسامیشان قرائت شود .

رئیس — رکن‌الملك ۲۳ رأی تدین ۲۱رأی سلیمان‌میرزا ۱۸رأی : بیان‌الدوله ۱۹رأی : مدرس ۱۴ رأی : آصف الممالك ۲۰ رأی ، مساوات ۱۸ رأی .

رئیس — میفرمائید دوباره قرائت‌شود؟ (گفته شد خیر) راپورت شعبه دوم راجع بآقای صدرائی مورد بحث است : آقای محمد هاشم میرزا مخالف بودند؟ .

محمدهاشم‌میرزا — خیر آقای حاج شیخ اسدالله مخالف بودند .

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله . (اجازه نطق) .

حاج‌شیخ‌اسدالله — اگرچه زمینه ونظریات اکثریت مجلس اجمالا دردست هست ونسبت باعتبار-نامه‌های دیگر که بنده بعضی عرایض کرده‌ام مطلب بربنده روشن گردیده و نظریات آقایان معلوم شد ولی برحسب تکلیف بنده لازم میدانم نظریات‌خودم را بعرض نمایندگان محترم برسانم بعضی از آقایان دوستان ورفقا بنده‌را نصیحت کردند (وبایشان‌حق میدهم) میفرمودند با اینکه اکثریت مجلس با شما موافقت نمیکند لذا تعقیب کردن نظریات خودتان در مجلس لزومی ندارد ولی بنده بر حسب تکلیف مجبورم عرایض‌خودم‌را بعرض‌برسانم اگرچه‌اکثریت مجلس بانظریات بنده موافقت‌نکنند معهذا امیدوارم که درعرایض خودم‌هم ازشرایط ادب ونزاکت‌خارج نشوم ، راجع بانتخابات‌دماوند راپورتی ازشعبه داده شده اگرچه راپورت شعبه یك راپورت‌منظم وخوبی بنشر میآید اما آقایانیکه درطهران بوده‌اند و کاملا ازجریان انتخابات دماوند درآنموقع اطلاع داشته‌اند تصور میکنم عرایض بنده‌را تصدیق کنند که انتخابات دماوند صاف‌وساده‌وطبیعی نبوده درموقعیکه انتخابات دماوند شروع شد درتحت یك‌تأثیرات ویك‌نفوذهای خارج از قانون بعمل آمده و اهالی دماوند مکرر شکایت وتظلم وداد و فریاد کردند و ابداً جوابی

بآنها داده‌نشد بالاخره در یکی از جرائد که گویا روزنامهٔ وطن بود اعلانی منتشر کردند باین مضمون که جهة اینکه دولت توجهی بعرایض‌ما نمیکند‌چیست از شهر طهران تادماوند پنج‌شش‌فرسخ بیشتر نیست معلوم نیست چرا دولت‌وقت برای‌رسیدگی بشکایات بیچاره اهالی دماوند یکنفر مفتش بی غرض نفرستاد در صورتیکه در کابینه‌های بعد وقتیکه ازیك‌مسافتهای بعیده مثل همدان وزنجان و مازندران وغیره شکایت میرسید دولت‌وقت برای کشف قضایا وحقایق مفتش مخصوص میفرستاد من کار باین‌قضیه ندارم که مفتش وقتی داخل در عملیات میشد چه عملی میکرد : آن مأمور تقصیر کرد یانکرد در موقع خودش در نظر آقایان مکشوف خواهدشد ولی دولت‌وقت به‌تکلیف خود رفتار کرد اگر مأمور غفلت ومسامحه دروظیفه خود کرده باشد تقصیری بدولت وقت نیست ولی برعکس درموقع انتخابات‌دماوند هرچه تظلم کردند درجراید اعلان کردند اصلا بعرایض آنها هیچ وقعی گذاشته نشد اگرچه‌بنده تمام اوراق شکایات دوسیه را کاملا مجال نکردم که‌دقت و رسیدگی کنم ولی آنچه دیده‌ام این است که در عرایض خود بمجلس مینویسند که ما درموقع انتخابات هرچه تظلم کردیم بشکایات ما جوابی نرسید از قراریکه میگویند در موقع انتخابات در دماوند مأمورمالیه ومأمور ژاندارم که اسمش درست درنظرم نیست مطابق دستوریکه داشته‌اند بایك فشار فوق‌العاده طاقت فرسائی شروع بعملیات کرده‌اند خیلی جای حیرت وتعجب است که دولت در نزدیکی گوش خودش که صدای فریاد دماوندی بگوشش میرسد و اگر بخواهد یك قدم بردارد میتواند تمام حقایق را کشف بکند بکلی قطع نظرمیکند و درکشف‌حقیقت‌ورسیدگی بعرایض متظلمین‌و متشکیان‌واردنمیشود شکایت آنها دو فراز است یکی آنکه میگویند انتخابات آنجا مبنی بر تهدید بود و یکی آنکه میگویندمبنی بر تطمیع بوده است اما راجع به تهدید یك اوراق شکایت زیادی هست که مینویسند ما بقدری در فشار بودیم که درآنموقع قدرت تشکی‌نداشتیم واگر هر آینه بحکومت وقت تشکی میکردیم موردسخط و غضب و ضرب و شتم و حبس واقع میشدیم شکایت دیگر اینکه میگویند تطمیع هم بوده مثلا میگویند مأمور ژاندارمری که درآنجا بوده و مأمور مالیه‌هم با او مساعدت میکرده حکومت وقت هم درآنموقع بر خلاف اراده و میل ژاندارمری قدرت نداشته اظهاری بکند خلاصه آنها را برای اجرای مقاصدی که داشتند‌تطمیع‌کرده بودند که انتخابات را خاتمه دهند یکی‌از دلائلی که برای اثبات این مدعادارند دوسیهٔ است که در اداره حکومتی که الان هم آن دوسیه گویا موجودات بنده از آقایان نمایندگان تقاضا میکنم که با من مساعدت کنند و آن دوسیه را از اداره حکومتی بخواهند و ملاحظه کنند به‌بینند درآن دوسیه چیست میگویند در آن دوسیه یك‌چیزهائی است مثلا صاحبمنصبی آمده است درحکومت نظامی یعنی دو سه ماه قبل شکایت کرده که بمن‌وعده‌داده‌اند هفتصد هشتصد تومان‌پول‌بدهند که اینن انتخابات را مطابق میل خودشان انجام‌بدهم و من هم آنخدمت خود را انجام داده‌ام‌ولی پول‌بمن نرسیده حکومت هم در کشف قضیه و رسیدگی واردشده‌بالاخره‌دراداره‌حکومتی‌مبلغی(کدرست‌نمیدانم چقدربود) گرفته شده است و درمقابل این خدمت‌نا-مشروعی که آن صاحبمنصب ژاندارم بعمل آورده و حال انجام داده است باو داده شده یعنی‌بعد ازآنکه جلساتی شده و کشفیاتی درآنجا بعمل آمده آنوقت وجه‌گرفته شده و بلو داده شدیك همچه مطلب‌باین واضحی که در اداره حکومتی دوسیه و سابقه داشته باشد نمیدانم شعبه چرا وارد در قضیه نشده و آن دوسیه را نخواسته و قطع‌نظر کرده شاید‌آقای مخبر درجواب من بفرمایند که شعبه بی خبر بود و اطلاع از این قضیه نداشته بنده حالا بشعبه و مخبر شعبه‌و مجلس شورای ملی و تمام آقایان نمایندگان خبر میدهم و عرض میکنم که این دوسیه موجود است‌از اداره حکومتی‌بخواهند اگرهمچودوسیه موجود باشد بنده که یکی از نمایندگان هستم نمیتوانم‌یك‌انتخابی را که باین واضحی باین ترتیب جریان یافته تصدیق کنم زیاد بر این نمیخواهم از نزاکت خارج شده و تعقیب‌بکنم اگرچه عرایض‌دیگری داشتم لیکن نمیخواهم یعنی مقتضی نمیدانم آن عرایض را در اینجا بیان کنم‌بنابراین‌مذاکرات‌وعرایض‌خود راخاتمه داده واگذار بوجدان نمایندگان‌محترم‌میکنم

رئیس — آقای تدین . (اجازه نطق)

تدین — همانطورکه خود آقای حاج شیخ اسدالله اظهار کردند که (نمیخواهم ازنزاکت‌خارج بشوم) و معذالك یك‌فرمایشاتی که مبنی بر اطلاعات شخصی‌خودشان بود کردند‌بنده‌هم کوشش‌میکنم که‌دست از طریقه معمولی خودبرندارم وازنزاکت‌خارج‌نشوم ولیکن برای‌اینکه خاطر نمایندگان محترم ازجریان انتخابات دماوند کاملا مسبوق شود لازم میدانم توضیحاتی بدهم وقبل ازاینکه وارد در توضیحات بشوم راجع بفرمایشات ایشان مذاکراتی میکنم اولا فرمودند اطلاعات خارجی باندازه‌ایست که در زمان انتخابات دماوند همه ازجریان انتخابات مسبوق‌هستند این را تصدیق‌میفرمایند که‌شعبه فقط بدوسیه‌انتخابات باید رسیدگی کند و مدرك رأی شعبه همان دوسیه انتخابات است و اطلاعات خارجی خود را نمی‌تواند در دوسیه دخالت بدهد ، ثانیاً فرمودند دماوندی ها درروزنامه وطن شکایت کردند و کسی بداد آنها نرسید در اینموضوع گویاایشان کاملا بتاریخ‌روزنامه ملاحظه نکرده‌اند آن شرحی که در روزنامه وطن نوشته شده چندین‌ماه بعد از خاتمه انتخابات‌دماوند است و در موقع انتخابات دماوند ابداً اینطوراعلانی در روزنامه وطن درج نشده مضمون آن اعلان این است که (ما چندین مرتبه بانجمن شکایت کردیم و بعد بوزارت داخله شکایت کردیم ابداً کسی گوش بعرایض ما نداد) این متشکیان همان متشکیان‌بانجمن هستند و همان کسانی هستند که اوراق شکایات‌آنها در دوسیه ضبط است در جواب آن اوراق شکایتیه انجمن‌بآنهامینویسددر انجمن حاضر شویدوتوضیحاتی که راجع باین مواد شکایات دارید بدهید تاحضوراً رسیدگی بشود درصورتیکه در اوراق شکایات خود تصریح میکنند که ازقراریکه‌میشنویم دراین‌انتخابات تهدید و تطمیع شده انجمن باین شکایات ترتیب‌اثر نداده برای‌اینکه آنها را احضار کرده وآنها از حضور استنکاف نموده‌اند بعد هم همین اشخاص به وزارت داخله و مجلس شکایت کرده اند در موقع انتخابات در همان هفته اول که انجمن برای اصغاء و رسیدگی بشکایات جلوس کرده هفت ورقه‌شکایت رسیده که چهار ورقه‌اش متعلق بقریه مرانك است و سه ورقه از قراء اطراف مرانك و انجمن جواب‌داده است که بیائید و حاضر شوید تا رسیدگی شود و هیچکدام حاضر نشده اند غیراز این دیگر شکایت بهیچجا نرسید این راجع باین قسمت : واما راجع بقسمت دیگر ایالت طهران بدون‌اینکه اهالی‌دماوند تقاضای مفتش بکنندو شکایت بمرکز بنمایند قبل‌از خاتمه انتخابات دماوند یکنفر نماینده به‌آنجا فرستاده که هم نماینده باشدهم مفتش وآن مفتش‌یك‌راپورت هائی داده است که الان‌سوادش در دوسیه ضبطاست اولا مفتش ذیل صورتمجلس انتخابات را تصدیق و بعلاوه انجمن نظار و نایب الحکومه محل نیز مهر کرده‌اند ثانیاً راپورتی می‌دهند و از آن را پورت کاملا معلوم میشود که آن شکایات مأخذی نداشته و فقط از ناحیه اشخاصی بوده که میل داشته‌اندوکیل بشوند و نشده‌اند: یك راپورت صریحتری نیزهست که یکنفر از خوانین دماوند وارد بانجمن شده‌ودر آنجا اعتراضاتی بانجمن کرده و مقصودش این‌بوده که انجمن را بهم بزندبرای اینکه این شخص (یعنی این‌خان دماوندی) طرفدار یکنفر از اشخاصی‌بوده که میخواسته وکیل بشود : راپورت دیگری از شخص دیگری هست که میگوید پنج شش نفر از طهران آمده بودند و برای انتخاب یکنفر شخص طهرانی مشغول عملیات شدند چون مأیوس شدند و آن شخص طهرانی وکیل نشد شروع بشکایاتی کرده‌اند که عین صورتش‌در اینجا ضبط است‌و کاملا دلیل براین است که این‌شکایات درتحت تأثیرو کالت طلبی بوده‌است وابداً اثری ندارد : آقا میرزاعلینقی مرانکی که گویا سابق هم وکیل بوده است عریضه برئیس الوزرای وقت مینویسد که‌عین عریضه‌اش‌الان حاضر است می‌نویسد که من مطابق قانون انتخابات وکیل دماوند و توابع هستم (این عریضه بعد از انتخابات آنجا است) و چون سابق‌هم وکیل بوده‌ام امیدوارم بحسن‌ظن خود باقی بوده و محضاًلله بامن کمك و مساعدت نمائید وراپورت شکایتی هم‌ضمیمه کرده: این شخص‌اهل مرانك است و اغلب‌شکایاتی هم که رسیده است از مرانك و این استدعائی‌هم که این شخص کرده‌است این قضایا را تائید میکندبنده عرض میکنم چطور میشود حوزه انتخابیه دماوند در تحت تأثیر تهدیدو تطمیع بوده باشد در صورتی که از چهارهزارنفررأی‌بده‌اشخاصی بوده‌اند که هر کدام نسبت بخودشان آراء مهمی داشته‌اند چنانچه بعد از صدرائی میرزاعلی‌نقی مرانکی ۷۷۴ رأی دارامیباشد بعداز ایشان افتخارالاسلام ۵۸۸ رأی داشته بعد از ایشان حاج محمدتقی بنکدار است که دارای ۱۶۸ رأی است چطور میشود ما بگوئیم انتخاب حوزه دماوند در تحت تهدید ژاندارم بوده در صورتی که ۷۷۴رأی میرزاعلی‌نقی‌مرانکی و ۵۸۸رأی دیگری وفلان‌مقدار رأی‌دیگری داشته‌باین‌ترتیب‌هیچ نمیشود تصدیق کرد که انتخابات آنجا در تحت‌تأثیر تهدید و تطمیع بوده پس معلوم میشود همین‌اشخاص که مغلوب شده‌اندالقاآت کرده ومردم را وادار بشکایات نموده‌اند دلیل دیگر اینکه هرگاه عدهٔ اشخاص را که شکایت کرد اند رویهم بگذاریم عدهٔ آنها از سیصد نفر تجاوز نمیکند کاز اول تا بحال بانجمن ووزارت داخله و مجلس تلگرافاً و کتباً شکایت

کرده‌اند در مقابل قریب دو هزارنفر ازاهالی‌دماوند و توابع صحت انتخابات را تصدیق کرده‌اندو کمال رضایت دارند چنانکه بنده در راپورت قید کرده‌ام که دو ورقه رضایت نامه و یکورقه چلوار در مقابل اوراق شکایات بانجمن رسیده که آنورقه چلوار قریب هزار مهر دارد و حاشیهٔ آنرا علمای دماوند وتجاروخوانین ومعتمرین بالاتفاق هویت صاحبان امهار را نوشته اند و حکومت هم تصدیق کرده و پس از اینکه علما و خوانین وتجار ومحترمین این قضیه را تصدیق میکنند و شعبه هم صحت جریان انتخابات را تصدیق‌مینمایدو بدیهی است‌درصورتیکه متشکیان حاضر شوند و شکایات‌خود را ثابت‌نکنند شعبه نمیتواند بشکایات آنها ترتیب اثربدهدوبرای اینکه معلوم بشود شعبه‌با کمال بی عرضی و قانون خواهی رفتار کرده و نخواسته است جزء اکثریتی که آقای حاج شیخ اسدالله اظهار کردند باشدبنده این ورقه چلوار را ارائه میدهم :

«ورقه چلوار طویل‌وعریضی که دارای خطوط وامهار زیاد بوده‌ارائه نمودند»

این خواهش را که ملاحظه میفرمائید از صدر تاذیل متعلق بعلماء و تجار و خوانین دماوند است . بنده و همچنین شعبه نمیتواند باین حرفها در مقابل تصدیقات علماء و خوانین دماوند ترتیب اثر بدهدو اما راجع بدوسیه که ایشان اظهار کردند در اداره حکومتی موجو است‌درشعبه‌نسبت‌باین‌قسمت‌مذاکراتی نشده ولی بنده از خارج اطلاعات شخصی دارم‌وآن اینست که در حکومت نظامی در زمان کابینه‌سابق خصوصیات و قضایائی بوده که از آن قضایا بطور کامل اطلاع ندارم ولی بطورخصوصی اطلاع‌حاصل کرده‌ام که آندوسیه هیچ مدرك و سندی ندارد که کسی بدیگری گفته باشد که تو فلان کاررا بکن‌من فلان قدر پول‌بتو خواهم داد وحاضر هستم‌تاآخرین مرحله این‌قضیه‌را ثابت کنم وزیاده‌براین‌عرضی ندارم

رئیس — آقای محمد هاشم میرزامخالفید؟

محمدهاشم میرزا — بنده با قسمت اول مذاکرات حاج‌شیخ اسدالله مخالفم اگر موقع‌هست اجازه فرمائید عرض کنم :

رئیس — بفرمائید .

محمدهاشم‌میرزا — چون‌درضمن‌مذاکرات آقای حاج شیخ اسدالله که بطور تعریض بوده‌چنین فهمیده شده که اکثریتی در مجلس هست که آن اکثریت در باب نمایندگان‌زود رای میدهد ولی‌بنده تا بحال در مجلس‌نه اکثریت‌مسلکی‌دیده‌ام‌نه‌اکثریت آنسی که یك جماعت فراکسیونی داشته باشند که اکثریت با آنها باشد یا اینکه با هم انس گرفته باشند و اکثریت داشته باشند اگر هم باشد همان جماعتی است که خود حاج شیخ اسدالله مسبوقند که یك‌عده‌مأیوسین درمجلس‌هستندولی‌اکثریت‌ندارند

حاج‌شیخ اسدالله — گویا حضرت والا شاهزاده محمد هاشم میرزا منکر اکثریت هستند اکثریت مجلس همان است که رأی میدهد من‌نگفتم در خارج مجلس شورای ملی فراکسیونی هست که دارای اکثریت است ولی در مجلس شورای ملی البته نسبت بهر امری که پیش میآید اکثریت‌مجلس رأی خودش را میدهد و آن رأی قاطع است‌واگر منکر باشند که چنین اکثریتی باشد پس تمام اعتبار نامه هائی که از مجلس گذشته باید کان‌لم‌یکن‌فرض کرد زیرا که هیچ رأئی ازروی‌اکثریت واقع‌نشده ایشان اشتباه کرده‌اند بنده اینطور عرض نکردم‌باز هم توضیح میدهم که در خارج اکثریت نیست ولی اینجا در پشت تریبون گفته می‌شود یك صاحبمنصب ژاندارمری خودش بگرفتن رشوه اقرار کرده است و مطالبه بقیه پول‌را می کند و آنوقت در مجلس با یك خونسردی مثل اینکه‌امر عادی است تلقی‌میشود در صورتی که اول وظیفه مجلس این است که با این سم مهلکی که در رك و پی مملکت وارد شده با تمام وسائل ممکنه مخالفت بکندو اولین وظیفه‌مجلس این است که بخواهد صاحبمنصب‌را تحت محاکمه بیاورند و در صورت ثبوت لااقل‌بواسطه همان‌چیزی که خودش‌اقرار کرده اورا خارج کنند البته‌این آدم لیاقت آنکه صاحبمنصب باشد و لیاقت اینکه دارای سردوشی باشد ندارد وباید چنین‌صاحبمنصبی را بیرون انداخت بعلاوه مرحله دوم اینکه در اینجا یك‌نفر نماینده می گوید یك دوسیه‌در اداره‌حکومتی هست و یك مطالبی دارد که مربوط باین انتخابات هست و می گوید این دوسیه را بخواهید که در آن دوسیه مطالبی یافت‌می‌شود ودلائلی دارد که‌ممکن است موجب تردید در این انتخابات باشد این‌حرف بقدری منطقی است که باید حتما آنرا قبول کرد سومی می گوید دوسیه دیگری هم هست که اگر آن‌دوسیه اولی را بخواهندبنده هم‌آنراخواهم‌خواست این ترتیب مثل این می ماند که بیکدیگر نانی قرض داده می شود یعنی‌اگر شماآندوسیه‌رانخواهید من این دوسیه رانخواهم‌خواست باین ترتیب مجلس نمی‌تواند کار کند حیثیت مجلس باید فوق حیثیت اشخاص باشد اگر دوسیه هائی است متعلق بهر کس هست باید خواست و رسیدگی کرد و هیچ نباید ملاحظه کرد و نظر نداشت که این دوسیه بکی‌بر- میخورد و باید دوسیه را آورد و ملاحظه کرد ما نباید در مقابل یك رقابتها و یك خصوصیتها و در مقابل حفظ حیثیات شخصی حیثیات— مجلس را از دست بدهیم آقای حاج شیخ اسدالله که می گویند یك دوسیه در اداره‌حکومتی هست‌باید خواسته شود آقای تدین هم که می گویند دوسیه دیگر هم هست آنهم باید خواسته شودمجلس‌مکلف است هر دوسیه را بخواهد و اگر در آن دوسیه‌ها اسنادی باشد که با اساس نمایندگی منافات داشته باشد خیلی جای تاسف است .

رئیس — آقای تدین.(اجازه نطق)

تدین — بنده کاملا موافق بااین قسمت‌هستم و عرض میکنم حکایت نان قرض دادن نبود اینکه بنده عرض کردم خواستم مسئله یك بام‌و دوهوانشود

آقا سید یعقوب — بنده خیلی‌متأسف هستم که در هر وقت پشت این تریبون میآیم مجبورم مخالفت کنم‌ولی خوشبختانه در این‌موضوع‌باراپورت شعبه موافقم امروز پنجاه و پنج روز است از عمر مجلس گذشته و اعتبارنامه هائی بمجلس آمده است بنده عرض می کنم بعد از اینکه‌شعب راتعیین کردند و دوسیه‌های متعلق بانتخابات بشعبه ها رجوع‌شد و شعبه ها هم حکم دادند دیگر این صحبتها برای چیست مقام مجلس شورای‌ملی در حکم‌دیوان تمیز است وظیفه اش پارد است یا ابرام دیگر بر گشتن و اعاده بمحاکمه استینافی در مجلس معنی ندارد‌نسبت بانتخاب مقام ابتدائی همان انجمن نظارت است وقتی

رئیس - بشرط نمی شود دوسیه خواست.

سردار معظم- واقعا از این مذاکراتی که در این قضیه از طرفین می‌شود بنده خود را مجبور می‌دانم یك‌مرتبه دیگر هم اظهار تاسف بکنم زیرا اینجا در پشت تریبون گفته می‌شود یك صاحبمنصب ژاندارمری خودش بگرفتن رشوه اقرار کرده است و مطالبه بقیه پول‌را می کند و آنوقت در مجلس با یك خونسردی مثل اینکه‌امر عادی است تلقی‌میشود در صورتی که اول وظیفه مجلس این است که با این سم مهلکی که در رك و پی مملکت وارد شده با تمام وسائل ممکنه مخالفت بکندو اولین وظیفه‌مجلس این است که بخواهد صاحبمنصب‌را تحت محاکمه بیاورند و در صورت ثبوت لااقل‌بواسطه همان‌چیزی که خودش‌اقرار کرده اورا خارج کنند البته‌این آدم لیاقت آنکه صاحبمنصب باشد و لیاقت اینکه دارای سردوشی باشد ندارد وباید چنین‌صاحبمنصبی را بیرون انداخت بعلاوه مرحله دوم اینکه در اینجا یك‌نفر نماینده می گوید یك دوسیه‌در اداره‌حکومتی هست و یك مطالبی دارد که مربوط باین انتخابات هست و می گوید این دوسیه را بخواهید که در آن دوسیه مطالبی یافت‌می‌شود ودلائلی دارد که‌ممکن است موجب تردید در این انتخابات باشد این‌حرف بقدری منطقی است که باید حتما آنرا قبول کرد سومی می گوید دوسیه دیگری هم هست که اگر آن‌دوسیه اولی را بخواهندبنده هم‌آنراخواهم‌خواست این ترتیب مثل این می ماند که بیکدیگر نانی قرض داده می شود یعنی‌اگر شماآندوسیه‌رانخواهید من این دوسیه رانخواهم‌خواست باین ترتیب مجلس نمی‌تواند کار کند حیثیت مجلس باید فوق حیثیت اشخاص باشد اگر دوسیه هائی است متعلق بهر کس هست باید خواست و رسیدگی کرد و هیچ نباید ملاحظه کرد و نظر نداشت که این دوسیه بکی‌بر- میخورد و باید دوسیه را آورد و ملاحظه کرد ما نباید در مقابل یك رقابتها و یك خصوصیتها و در مقابل حفظ حیثیات شخصی حیثیات— مجلس را از دست بدهیم آقای حاج شیخ اسدالله که می گویند یك دوسیه در اداره‌حکومتی هست‌باید خواسته شود آقای تدین هم که می گویند دوسیه دیگر هم هست آنهم باید خواسته شودمجلس‌مکلف است هر دوسیه را بخواهد و اگر در آن دوسیه‌ها اسنادی باشد که با اساس نمایندگی منافات داشته باشد خیلی جای تاسف است .

رئیس — آقای تدین.(اجازه نطق)

تدین — بنده کاملا موافق بااین قسمت‌هستم و عرض میکنم حکایت نان قرض دادن نبود اینکه بنده عرض کردم خواستم مسئله یك بام‌و دوهوانشود

آقا سید یعقوب — بنده خیلی‌متأسف هستم که در هر وقت پشت این تریبون میآیم مجبورم مخالفت کنم‌ولی خوشبختانه در این‌موضوع‌باراپورت شعبه موافقم امروز پنجاه و پنج روز است از عمر مجلس گذشته و اعتبارنامه هائی بمجلس آمده است بنده عرض می کنم بعد از اینکه‌شعب راتعیین کردند و دوسیه‌های متعلق بانتخابات بشعبه ها رجوع‌شد و شعبه ها هم حکم دادند دیگر این صحبتها برای چیست مقام مجلس شورای‌ملی در حکم‌دیوان تمیز است وظیفه اش پارد است یا ابرام دیگر بر گشتن و اعاده بمحاکمه استینافی در مجلس معنی ندارد‌نسبت بانتخاب مقام ابتدائی همان انجمن نظارت است وقتی

که بشعبه میآید مقام استیناف است رسیدگی میکند راپورتی میدهد باید نظر نمایندگان براپورت شعبه باشد ما نظر بهمین راپورتی که شعبه داده است‌در صحت انتخاب آقای‌صدرائی هیچ‌شبهه نداریم.

آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند‌از روی علم غیبی که دارم و یاازجاهائی که بمن اطلاع‌رسیده است‌فلان‌مسئله فلانطور بوده ، بنده که مجبورنیستم بعلم‌غیب ایشان رفتار کنم مانمایندگان‌مطابق‌راپورتی که در دست داریم باید عمل نمائیم یا رد کنیم ویا قبول اطلاعات شخصی یاموضوع اکثریت‌و اقلیت را در بین آوردن هیچ اثبات‌مدعانمیکند بنده‌میخواستم در مسئلهٔ اکثریت شرحی بدهم و برخلاف اشخاصی که برای خوش آمد بعضی‌ها میگفتند این مجلس بد است عرض میکنم‌خیر این مجلس خیلی‌خوب است و بحمدالله تا حالاهم موفق شده است ومطالب‌بنظر صالح نمایندگان‌واگذار شده‌است وهیچ‌نظرغرضی‌در بین نیامده و برای جلب کردن‌بعضی خاطرها که‌بمقام خودشان رسیده اندنمیشود یك مقامی‌را که‌امیدواری مملکت همه بآنجا است از نظر انداخت پس این حرفی که گفته شد خارج از نزاکت‌بوده است و تا کنون‌هرچه‌برای‌اکثریت گذشته یك اکثریت‌صالحی بوده است بدون اینکه‌در تحت تأثیر نظریات‌دیگران و یا در تحت تأثیر آتتریك کسی باشد و نمایندگان مطابق نظریات صحیح و صلاحیت رأی داده‌اند بنده عرض میکنم باید من‌مطابق این‌راپورت رأی خودم را بدهم و عرض میکنم آقای حاج شیخ اسدالله در این راپورت شماچه ایرادی دارید؟ اگر در راپورت ایرادی داشتید میخواستید در موقع‌خودش درخارج بشعبه بگوئید و الا این راپورتی که هیچ ایراد قانونی در آن نیست مابیائیم آنرا گرو دوسیهٔ‌دیگر بگیریم و آن دوسیه را هم گرو دوسیهٔ دیگروهکذا به تسلسل آنوقت راپورت بسر گرددو بعد بمجلس بیاید و در مجلس شورای‌ملی‌یك معارضه و مشاجره بدون تحقیق و فلسفه بشود که این مسئله باندوسیه بسته است و آن‌دوسیه هم بدوسیهٔ دیگر الی آخر بنابراین بنده موافق نیستم با این پیشنهاد که‌دوسیه خواسته شود وباید اگر آقایان موافق باشند رأی علنی و اگر موافق نیستند بقیام‌و قعود رأی گرفته شود این است عرایض‌بنده.

حاج شیخ‌اسدالله — راجع بخواستن‌دوسیه هاخیلی‌خوب شد ؛ بنده‌یکنفر نماینده هستم که حالا دوره سوم است در این مجلس هستم در موقعی که در اطراف اعتبارنامهٔ شاهزاده نصرت الدوله صحبت بودپیشنهادی‌داشتم که جمعی هم‌امضاء کردندوهنوز هم‌آن پیشنهاد را دارم از مجلس شورای‌ملی تقاضا کردم که کمیسیونی معین شود و راجع بعملیات نمایندگان در دوره فترت چه راجع بزمامداری‌آنها و چه راجع‌بتاریخ‌زندگانی آنها رسیدگی شود و با یك قلم درشت راپورتش بمجلس شورای‌ملی بیایدتا تمام نمایندگان و تمام ملت اطلاع و بصیرت پیدا کنند و به بینند هر وکیلی دارای چه سابقه و چه اخلاقی‌است‌بنده تشکرمیکنم‌ازاین‌اظهارآقای‌تدین که یك‌دوسیه که‌راجع به‌بنده‌است‌بمجلس‌بیایدو کشف‌شود و در حقیقت اگر من یك شخص خائنی بوده ام مرا مجازات نمایند وهمچنین نسبت بتمام نمایندگان بنده ازاین اظهار هیچ وحشت ندارم زیرا خودم رایکنفر نمایندهٔ پاك بی‌آلایش ایرانی میدانم واز طرف‌ملت ایران هم انتخاب شده ام ودر نزد وجدان خودم در کمال افتخار این اظهارات را میکنم که صدای من بتمام دنیا برسد بنده عرض میکنم یکنفر ایرانی‌هستم وهیچ سابقهٔ بدی هم نسبت بخودم اطلاع ندارم و در نزد وجدان خودم هیچ خجل نیستم اینستکه عرض میکنم بنده‌آلودهٔ بهیچ خیانت وشائبه نیستم‌وانتخاب من باوجود فشار سرنیزه هائیکه در مقابل بود (و نتوانستند موفق شوند) انجام‌گرفت و تقاضا میکنم که این فقره کشف شود و اگر دوسیهٔ راجع بمن هست بخواهند وهمچنین تقاضا دارم‌کمیسیونی تعیین ورسیدگی بعملیات تمام نمایندگان ملت بشود.

آقامیرسیدحسن کاشانی- بنده عرض‌میکنم که بعد از پنجاه وپنجروز تازه شنیده میشود که‌هنوز یك دوسیهٔ در ادارهٔ ایالتی طهران باقیماند وبمجلس نیاورده اند وحال آنکه آنچه دوسیه راجع‌بانتخابات است وزارت‌داخله باید درزمان افتتاح مجلس‌بمجلس بفرستد خوب است بوزارت داخله تذکر داده شود که نسبت بانتخابات سایر نمایندگان باز اگر دوسیه هست بفرستند که بعدها اسباب معطلی نباشد.

رئیس - آقای سردار معظم پیشنهاد میکنند که اخذ رأی درانتیاب بماند تاآنکه دوسیه‌هاخواسته شده وملاحظه شود.

سردار معظم- در ضمن مذاکراتیکه در مجلس شد سه مطلب پیدا شده است وهرسه مطلب مربوط میشود بمجلس آقای حاج شیخ اسدالله در ضمن نطق خودشان اظهار فرمودند که بصاحب- منصب ژاندارمری دماوند یك وجهی وعده داده شده وخود او هم معترف است که از اینوجه یك مقداری گرفته و ادعای بقیهٔ آنرا مینماید بنده عرض میکنم آن صاحبمنصبی که معترف باخذ رشوه است مجلس شورایملی باید از اینمسئله باتمام وسائل ممکنه جلوگیری کند ولو بهر کس که ممکن است‌بربخورد بربخورد این بود که اول پیشنهاد کردم از طرف هیئت رئیسه بدولت اخطار شود که این صاحبمنصب را در تحت محاکمه بیاورند اگر واقعاً این شخص رشوه گرفته است لیاقت داشتن افتخار نظامی دولت را ندارد و باید او را خارج نمود اما راجع بدوسیهٔ که آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند که در ادارهٔ حکومتی موجود است بعد ازاستماع این قضیه‌مجلس شورایملی مکلف است که صبر کند ورأی ندهد تااینکه آن دوسیه خواسته شده وملاحظه شود شاید یك اسنادومدارکی‌درآنجاباشد که حاکی‌ازحقانیت و صدق نظریات آقای حاج‌شیخ اسدالله باشدوبنابراین مجلس‌شورایملی نمیتواند رأی بدهد ؛ ازطرف‌دیگر برای نمایندهٔ دماوند هم فرقی نخواهد کرد که این رأی زودتر داده شود یا چند روز دیرتر داده شود که آنوقت نگویند در تحت تأثیر اقلیت و اکثریت بوده بهتر اینستکه این رأی دیرتر داده شود و از روی صحت باشد بنده جزء اکثریت حزبی واقلیت حزبی نیستم واز نقطهٔ نظر شخصی خودم هم این حرف را نمیزنم ازنقطهٔ نظر حیثیت مجلس است که مجلس در این مسائل دقت کند. مطلب سومی راکه بنده پیشنهاد کردم راجع بفرمایش آقای تدین است چون آقای تدین فرمودند که یك دوسیهٔ دیگریهم هست ویك‌اشارهٔ هم‌نمودند که بنده نفهمیدم. فرمودند یك بام ودو هوا نمیشود ، یعنی اگر یك دوسیهٔ که اسناد بد دارد خواسته میشود دوسیهٔ دیگریهم هست که اسناد بد دارد وباید خواسته‌شود بعقیده من باید ما این مطلب را تعقیب کنیم وازآقای تدین‌خواهش کنیم که آندوسیه را نشان دهند و مجلس شورایملی آندوسیه را بخواهد وملاحظه شود شاید هریك از ماها یك دوسیه هائی داشته باشیم و سایرین خبر نداشته باشند چه عیب دارد مطالب واضح شده رفع سوء تفاهم بشود وحقایق کشف شود وبالاخره معین شود که هر کس چه سابقهٔ دارد تااینکه بعدازفرافت از این قضایا مجلس شورایملی بتواند این بار های سنگین را که از دوره های گذشته بمجلس شورایملی رسیده است بدوش بکشد.

تدین - بنده در اول افتتاح مجلس شورای ملی آرزومند بودم موقعی برسد کحقایق آشکار شود و گمان میکنم امروز آنموقع فرارسیده دوسیهٔ که بنده بعرض رساندم دوسیهٔ عدلیه آقای حاج شیخ اسدالله معلانسی است که مطابق آندوسیه ایشان محکوم بیك چیزهائی‌شده‌اند که‌معجلتاً از ذکرآن خودداری مینمایم باید مجلس شورای‌ملی آندوسیه راخواسته وملاحظه نمایند.

حاج‌شیخ‌اسدالله - حقیقتاً فرمایشات آقای تدین سبب خوشوقتی ومسرت بنده شد زیراکه بنده آندوسیهٔ را که ذکر فرمودند سبب افتخار و شرافت سرافرازی خود می‌دانم و موقعی که دوسیه‌را ملاحظه بفرمائید این مطلب مکشوف خواهد شد که سبب تبعید بنده برشت فقط راجع بقرارداد بوده که چندین مرتبه‌هم مرا از مراودهٔ با آقای مدرس منع نموده و حتی تهدید بتبعید و غیره نمودند و چون اینمسئله را نپذیرفتم نسبتی به‌بنده داده وباین بهانه بنده را تبعید برعت نمودند خیلی خوشوقت میشوم که این دوسیه‌را بمجلس آورده تا سابقهٔ خدمت بنده معلوم گردد ودر اینموقع‌درحضورنمایندگان‌محترم‌باصدای بلندباکمال شرافت‌عرض‌می کنم‌من یکنفروکیل‌ایرانی‌پاك‌ومنزهی هستم وامیدوارم آن دوسیه‌هم برافتخاراتم بیفزاید.

رئیس - آقای سردار معظم سه فقره پیشنهاد کردند قرائت میشود.

(آقای آصف‌الممالك شروع بقرائت پیشنهاد مزبور بمضمون ذیل نمودند)

بنده پیشنهاد میکنم اول‌دوسیه راجع بانتخابات دماوند...

سردار معظم - قدری بلند تر و واضحتر قرائت فرمائید.

(پیشنهاد مزبور بآقای امیر ناصر داده شد و بمضمون ذیل قرائت نمودند) بنده پیشنهاد میکنم :

۱ — دوسیهٔ راجع بانتخابات دماوند که آقای حاج شیخ اسدالله بآن اشاره کردند خواسته‌شود.

۲ — دوسیهٔ که آقای تدین بآن اشاره کردند خواسته شود ودیده شود.

۳ — صاحبمنصب ژاندارم که نسبت رشوه گیری باو داده شده تحت محاکمه درآمده و پس‌از ثبوت تقصیر مجازات شود ونتیجه‌آن بعرض‌مجلس‌برسد.

آقا میرزا علی کازرونی - خوب است مطالب این پیشنهاد را تفکیك بفرمائید.

رئیس - تفکیك میشود ؛ بنده گمان میکنم در قسمت سوم این پیشنهاد نمیتوان رأی گرفت زیرا

هیئت‌رئیسه بایستی اینمطلب را بدولت اعلام نماید و اگر اقدام و محاکمه نکردند آنوقت آقایان حق سئوال و استیضاح دارند.

سردارمعظم - بنده‌هم درقسمت سوم همین نظریه رادارم که بایستی ازطرف هیئت‌رئیسه بدولت اعلام شود ولی قسمت اول ودوم منوط برأی مجلس است.

تدین - اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

تدین - بنده‌گمان میکنم که آقای حاج شیخ اسدالله کاملا مسبوق نیستند این شخص که بعقیدهٔ ایشان رشوه گرفته ژاندارم نبوده بلکه صاحبمنصب ترک بوده است.

رئیس - آقایان رأی میدهند دوسیهٔ راجع بانتخابات دماوند از ادارهٔ حکومتی خواسته‌شود؟

آقاسیدیعقوب - دوسیه‌ها متحداً با هم باید خواسته شود.

رئیس - این دوسیه مربوط بآن یکی‌نیست؛ رأی میگیریم آقایانیکه تصویب‌میفرمایند دوسیهٔ‌راجع بانتخابات دماوند خواسته‌شود قیام فرمایند - (اکثر قیام‌نمودند) - تصویب شد؛ راجع‌بقسمت دوم‌پیشنهاد یعنی راجع بخواستن دوسیهٔ که آقای تدین بآن اشاره فرمودند مخالفی هست؟

آقا میرزاعلی کازرانی - گمان میکنم که اگر آقایان در اینباب رأی بدهند مستلزم این خواهد بود که بقهقرا برگشته وهرچه را که تصویب نموده‌ایم استیناف بدهیم و این مسئله مخالف قانون است.

رئیس - در صورتیکه خود آقای حاج شیخ اسدالله تقاضا میکنند که این دوسیه خواسته‌شود البته اشکالی نخواهد بود.

آقا میرزا علی کازرونی - دراینصورت خوب‌است کمیسیونی تشکیل گردد که هر کس‌راجع بهر نمایندهٔ اطلاعاتی داشته باشد در آن کمیسیون اظهار نماید.

رئیس — گمان میکنم چنددقیقه تنفس داده شود بهتر است

(بعضی اظهار نمودند اول‌رأی گرفته شود)

رئیس — پس اول رأی میگیریم که در این خصوص حالا باید رأی گرفت یابعد؟

آقایانی که تصویب میکنند حالا باید دراینباب رأی گرفت قیام نمایند-(اکثر قیام نمودند) تصویب شد؛ رأی میگیریم بقسمت دوم پیشنهاد یعنی‌راجع به دوسیهٔ که آقای تدین‌اظهارنمودندنسبت‌بآقای‌حاج‌شیخ اسدالله در عدلیه موجود است آقایانیکه تصویب می کنند آن دوسیه از وزارت عدلیه خواسته شود قیام فرمایند (اغلب قیام کردند) - تصویب شد؛ راپورت راجع بآقای نظام‌الدوله موضوع بحث است کدام‌یك از آقایان مخالف بودند؟

محمد هاشم‌میرزا -بنده مخالف‌بودم

رئیس- بفرمائید

محمد هاشم میرزا — مبنای مخالفت بنده با آقای نظام‌الدوله دو قسمت است قسمتی‌راجع به جریان انتخابات است که موافق دوسیه‌معلوم میشود در موقعیکه انجمن مرکزی محل برای اصغای شکایات حاضر شده‌اند و همچنین در موقع افتتاح مجلس و در موقعیکه بایستی اهالی شکایات خودرا بعرض مجلس برسانند ایشان در آنجا حاکم‌بوده‌اند اگر چه قانون انتخابات چنین چیزی را پیش بینی نمی‌نماید ولی بنده تصور میکنم قسمتی ازقانون که حکام را از انتخاب شدن محروم مینماید مقصود عدم اعمال نفوذ است در اینموقع یعنی در موقع‌شکایات هم بعقیده بنده همان قاعده‌مجری است و نبایدمنتخب آنمحل حکومت‌داشته‌باشدقسمت دوم راجع‌بصلاحیت ایشان است واینمسئله را چندین مرتبه‌عرض کرده‌ام و باز میگویم درموقع کابینهٔ غاصب سابق هر کس باید بقدر خود درضدیت‌بامقررات آنحکومت‌مقاومت کرده باشد و ایشان در موقع کابینهٔ غاصب حاکم مازندران بوده‌اند و تلگرافاتی از ایشان رسیده که قسمتی از آنهانیز بامضاء خودایشان است‌ویك‌قسمتی از آن تلگراف را عیناً میخوانم؛

(تلگرافی قرائت نمودند که مفادآن این بود)

که پس از وصول تلگراف مبارك اهالی را دعوت نموده وعدهٔ کثیری از اعیان و تجار و سایر طبقات اهالی در مسجد حاضر شده وشرح مبسوطی از اقتدارات دولت باهالی خاطرنشان نموده وبالاخره اهالی را بمراحم دولت امیدوار و مستظهر نموده و اهالی با کمال فرح وشادی متفرق شدند- ازاین تلگراف معلوم میشود که اولا- اهالی کمال ضدیت‌را با حکومت غاصب آن‌زمان نموده و ثانیاً-شدیداً بر علیه عملیات آن حکومت برای تبعید نمایندگان محترم وعدهٔ ازعلمای اعلام اعتراض‌نموده‌اندوبالاخره آسایش عمومی را خواستار شده اند پس از چندی حکومت تلگرافی برئیس الـوزراء و وزیر داخله مینماید که مختصر آن این است که من در اجرای اوامر دولت و اسکات اهالی سعی خواهم نمود — (چنانکه اهالی را ساکت نمودند) بنابراین باسابقه های درخشان آقای نظام‌الدوله و خدماتیکه در یك دورهٔ وکالت نموده اند هیچ انتظار نمیرفت و بنظر بنده نیز بعید میآید که ایشان اولا احساسات اهالی مازندران را در آنموقع خاموش نموده ونگذاردند آن احساسات بگوش اهالی ایران خصوصاً اهالی طهران که در آنموقع در تحت فشار بودند برسد و بدانند که این عملیات را هیچ ایرانی‌تصدیق نمینماید وثانیاً نسبت بحکومت غاصب آنوزمان مخالفت‌نمایند لهذا خیلی مایلم در این خصوص تحقیقاتی بشود که اگر حقیقة ایشان مداخلهٔ در این عملیات نداشته‌اند آقایان نمایندگان که بافتخار همکاری‌ایشان مدتی باید باهم کار کنند بسابقهٔ درخشان ایشان مطمئن باشند واگر خدای نخواسته برضد اهالی بدبخت که با آمال ملی موافقت کرده‌اند ضدیت نموده باشندو آنهارا خاموش کرده باشند خاموش کردن‌آنهاالبته برضد حکومت‌ملی بوده و موافق قانون انتخابات محروم از حق انتخاب شدن میباشند دراین خصوص پیشنهاد هم نموده‌ام وبعد از اینکه آقای‌مخبر توضیح خودشان را دادندتقدیم خواهم‌نمود

آقا سید یعقوب — اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - خواستم حضرتعالی را مسبوق نمایم که در آنروز بنده هم جزو مخالفین بودم و گمان میکنم درصورت مجلس هم مخالفت‌بنده قید شده باشد

(در این‌وقت برحسب دستور بناشد در خارج شروع بانتخاب‌اعضاء کمیسیون تحقیق انتخابات‌بشود)

رئیس - آقا میرزا علی کازرونی و آقای سدیدالملك باید برای انتخاب‌اعضاء کمیسیون‌تحقیق انتخابات وسایر کمیسیونها بیرون تشریف ببرند و آقایان هم یك‌یك میروند ورأی میدهند

آقا شیخ محمد جواد- اعتراض حضرت‌عالی منقسم بدوقسمت بودیکی‌راجع بجریان‌انتخابات ودیگری راجع بصلاحیت شخص منتخب اما راجع به جریان‌انتخاب که فرمودند قانون بمتشکیان‌حق‌داده است که در موقع افتتاح مجلس شورایملی تایکماه شکایات خودشان راتقدیم دارند ودر اینموقع آقای نظام‌الدوله حاکم محل بوده‌اند ولذا حکومت‌ایشان مانع از شکایات بوده بنده این‌مسئله را تصدیق نمی‌نمایم برای اینکه مجلس در دوم سرطان مفتوح شده وایشان قبل از سرطان استعفا داده‌اند ودراول سرطان استعفای ایشان قبول و در اوائل سرطان ایشان از مازندران حرکت نموده اند و در اواسط سرطان در طهران بوده‌اند بنا براین در اینمدت یکماهی که قانون حق شکایت به متشکیان داده ایشان در آنجا حاکم نبوده‌اند و مازندران در تحت نفوذ ایشان نبوده است و در اینمدت‌هم هیچ شکایتی بشعبه و غیره نرسیده؛

اما قسمتی که راجع بصلاحیت ایشان است با اینکه در شعبه راجع باینمطلب مذاکراتی نشده تا بنده از رأی شعبه دفاع نمایم معهذا شخصاً بانظریهٔ حضرت والا موافق نیستم و چون معتقدم که اوقات مجلس را باین نوع مسائل نباید معطل نمود لذا منتظرم آقای محمد هاشم میرزا پیشنهاد خود را بفرمایند اگرراجع باین زمینه بود بنده هم‌تلگرافاتی درمقابل تلگرافات ایشان دردست دارم که بعد عرض خواهم نمود.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا پیشنهاد نموده اندکه یك کمیسیونی یا بقرعه و یا بانتخاب معین شود که دوسیهٔ که در وزارت داخله موجود و حاوی بعضی تلگرافاتی است‌که بین آقای نظام— الدوله و مرکز مخابره شده خواسته شود و آن کمیسیون بعد از مطالعه نظریات خود را بمجلس اظهار دارد.

محمد هاشم میرزا - قسمتیکه آقای‌مخبر راجع بحرکت ایشان فرمودند بنده هیچ اطلاعی نداشتم حالا که فرمودند قانع شدم؛

اما راجع باینکه فرمودند این قبیل مذاکرات نبایستی در مجلس بشود بنده عرض میکنم که این مسئله یکی‌از مهمترین مذاکراتی است که درمجلس باید بشود زیرا نمایندگانیکه مدت دو سال باید با یکدیگر کار کنند و بار های سنگین مملکت را بدوش‌بگیرند بایستی‌بیکدیگر اعتماد و اطمینان‌داشته باشند این‌بود که بنده پیشنهاد کردم که آن کمیسیون تشکیل شود وآن دوسیه را اززوارت داخله‌بخواهند و تلگرافاترا بخوانند اگر تصدیق کردند که ایشان سابقهٔ درخشانی دارند بنده هم با کمال افتخار قبول میکنم واگر تصدیق کردند که اقدام برضد حکومت ملی نموده اند البته صلاحیت نمایندگی را ندارند

آقاشیخ‌محمدجواد - بنده پیشنهادحضرت والارا قبول میکنم.

رئیس - مجلس باید قبول کند چون‌راجع به تشکیل کمیسیون است.

آقاشیخ‌محمدجواد - چون‌موکول کردند بشعبه یا کمیسیون این بود که عرض کردم اگر راجع بشعبه است بنده قبول میکنم.

رئیس — چون عده کافی نیست ده دقیقه تنفس است.

(در این موقع آقایان نمایندگان برای تنفس از مجلس خارج وپس‌از بیست‌دقیقه مجدداً مجلس منعقد گردید)

رئیس — باید رأی بگیریم بپیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا که کمیسیونی یا بقرعه یا بانتخاب معین شود و بآندوسیه که در وزارت داخله موجود و راجع بآقای نظام‌الدوله که حاوی بعضی نوشتجات است مراجعه شود بعد راپورت بمجلس اعاده شود

نظام‌الدوله -خیلی تشکر میکنم از اینکه مخالف من شاهزاده محمد هاشم میرزا هستند و مخالفت ایشان از هیچ نقطه نظری نبوده جز اینکه سوءتفاهمی از برای ایشان حاصل شده و میخواهند رفع‌شود بنده‌هم خیلی خوشحالم ومصدقم که در این قضایاباید سهل‌انگاری‌شود وهرچه تحقیق‌شود البته بهتراست ولی‌همینقدرناچارم که این مسئله رادرمجلس عرض کنم که همیشه بنده همراه و موافق با عموم بوده ام و بملت خود مشغول‌خدمت بوده ام ولی باید تصدیق فرمایند که یك موانع سرحدی و محذوراتی موجود که نمی توانسته‌ام با یك جوان بی مبالاتی نسبت بسیاست‌قدم بردارم ورویهمرفته بهیچوجه‌ممکن نبود که با پیش آمدهای گذشته بتوانم مخالفت کنم ولی روح ملیت بنده طوری بوده است که هیچ وقت بااین قبیل اوضاع مساعدت‌نکرده‌ام

رئیس — پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا این است که این کمیسیون بقرعه معین شود آقایانی که تصدیق می کنند این کمیسیون بقرعه معین شود قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد کمیسیونهائیکه درخارج باید انتخاب شود کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان را که انتخاب میکنند که کمیسیون دیگر را هم خوب است امرورانتخاب بفرمایند پنج کمیسیون دیگر بماند برای روزدیگر کمیسیون خارجه شش نفر وکمیسیون داخله ۱۲ نفر ولی از آقایان خواهش می کنم یك‌یك‌تشریف ببرند بیرون وهمه‌یکدفعه نروند چون‌عده کافی‌نیست آقای محمد هاشم‌میرزا (اجازه نطق)

محمدهاشم میرزا — عرض می کنم چون‌عده وکلاء کم هستند دوازده نفر برای کمیسیون داخله زیاد است و بنابراین عده سایر کمیسیونها نخواهد رسید.

رئیس‌التجار — انتخاب این کمیسیونها جمعی خواهدبود.

رئیس — بلی جمعی است؛ بیرون که‌تشریف بردند دوظرف است یکی راجع بکمیسیون داخله است ودیگر راجع بکمیسیون خارجه

آقای تدین راجع بعده اعضاء کمیسیون ها فرمایشی دارید.

تدین — خیر راجع بانتخاب کمیسیون‌عرض می کنم همانطور که فرمودید انتخاب کمیسیون‌های مجلس باکثریت خواهد بود بنده عرض می کنم که اگر اجازه بفرمایند موکول کنیم بجلسه بعد که همه آقایان نمایندگان در یکجا جمع شده تبادل آراء نموده یکدفعه باکثریت انتخاب نمایند که‌دیگردچار زحمت نشویم.

رئیس — بهمین لحاظ بود که بنده یکهفته قبل اعلام کردم که تا امروز تبادل نظر شده باشد چون ایام عاشورا درپیش است فقط جلسه که داریم روز سه‌شنبه است وبعدتعطیل خواهد شد تا سیزدهم ماه ودیگر جلسه نخواهد بود که‌کمیسیونها را تعیین نمائید خوب است هر تأکیدی که دارید بفرمائید که روزسه شنبه ده‌کمیسیون تماماً انتخاب شوند آقای حاج شیخ‌اسدالله. (اجازه)

آقاشیخ‌اسدالله - همین رامیخواستم عرض کنم که فرمودید.

رئیس — آقای محمد هاشم میرزا. (اجازه)

محمد هاشم میرزا — بنده عرضم‌راجع بعده اعضاء کمیسیونها بود اگر موقعش نگذشته عرض می کنم ۱۲ نفرزیاد است واگرموقعش گذشته است که هیچ

آقا میرزا هاشم آشتیانی — در ماده ۱۰ نظامنامه داخلی اینطور میتویسد که مجلس شورایملی در هر ششماه مقارن تجدید انتخاب هیئت رئیسه هفت کمیسیون از مابین نمایندگان انتخاب‌می نماید وازبرای موقع انتخابات ثانی که چهار دهم میزان‌است چندان وقتی‌باقی نیست اگر حالاانتخاب شود در چهاردهم میزان باید انتخاب کمیسیون ها تجدید شود

رئیس - بلی اینطور است اینمسئله تمام‌است کمیسیون ها سه‌شنبه معین می شوند راجع بشعبات باید رأی‌آقایان معین شود که تکلیف شعباتهم‌معلوم باشد آقای محمدهاشم میرزا (اجازه‌نطق)

محمد هاشم میرزا - اینکه آنروز بنده راجع بشعبات عرض کردم راجع بنظامنامه‌داخلی‌است که ماده ۱۲ وماده ۱۷ ظاهرش این است که‌شعبات سه ماه بسه‌ماه معین شود زمانیکه شعبه‌ها تعیین شده گمان می کنم دوم سوم سرطان بوده و باید دوم و سوم میزان تجدید شود از چه نقطه نظر است‌که باید حالا تجدیدشودمسبوق نیستم ماده‌نظامنامه‌داخلی که اینطور تفسیرمیشود خوب است‌دلیلش‌رابفرمائید تا بنده متقاعد شوم

رئیس - چند روز قبل مذاکراتیکه راجع بشعبات شد برای این بود که هیئت رئیسه تکلیف خودرا بداند آن روزعرض کردم دو روز هم فرجه داده میشود که‌اگر فکری باید بشودوخودمجلس‌در اینباب تکلیفی معین کندحالا اگرراجع‌بتجدیدشعبات آقایان‌مخالف‌هستندهمان‌شعبات‌باقی‌میماندواگرمخالف نیستند تجدید میشود.

محمدهاشم‌میرزا — نقطه نظر مخالف بنده خیلی‌مهم نیست چون غالب این چند سالی که اینجا بوده ام شعبات بترتیب نظامنامه معین میشده و این ترتیب‌را مخالف نظام‌نامه تصور میکنم موافق ماده ۱۲ نظام‌نامه که‌میگوید شعبی که بر طبق ماده ۳ تشکیل یافته‌هر۳ماه به‌سه‌ماه‌بطور قرعه تجدید میشود وموافق ماده هفدهم که میگوید در رأس هر سه‌ماه‌درموقع تجدید شعبات یك کمیسیون شش‌نفری موسوم بکمیسیون عرایض ومرخصی و یك کمیسیون دیگرمرکب ازشش نفر یا۱۲ نفرموسوم بکمیسیون مبتکرات معین میشوند این‌است که‌عرض‌میکنم اگر دلیلی هست که‌باید از این‌مواد نظام‌نامه صرف‌نظر نمود بفرمایید تا متقاعد شوم و الا بنده مخالفتی در تعیین شعبات ندارم فقط مقصودم یاد آوری مفاد نظام‌نامه‌بود

سلطان‌العلماء — بنده تصور میکنم که نه چهاردهم میزان‌رسیده‌ونه۳ماه‌مقتضی‌شده پس تجدید شعبات‌ازچه نقطه‌نظر است.

آقاسیدفاضل — بنده‌باتجدید شعبات موافقم خصوصاً با دو نظریه که آقای رئیس در جلسهٔ قبل فرمودند یکی اینکه شعب‌فعلی دردوره هیئت رئیسه موقتی‌معین شده‌اندومعلوم است شعباتی‌یا کمیسیونهائی که مراجعه به بعضی لوایح قانونی میکنند باید در هیئت رئیسه دائمی انتخاب شوند یکی هم چون چند نفر از نمایندگان که در این شعب عضویت داشته‌اند ردشده و در واقع طوری شده است که شعب آن تنسیقات را ندارد و بایتجهة گمان میکنم اگر تجدید بشود بانظام نامه هم مخالفت بالصراحه نداشته باشد بالاخره باتجدیدشعب‌موافقم

رفعت‌الدوله — بنده برخلاف‌فرمایش آقای سید فاضل‌مخالف باتجدید شعبات هستم برای‌اینکه هنوز یك انتخاباتی در شعبات هست شعبه ها بآن انتخابات آشنا شده اند و باید به آنها رسیدگی کنند بنا براین اگر صلاح میدانند چهاردهم میزان معین کنند.

رئیس — آقای محمد هاشم‌میرزا. (اجازه نطق)

محمدهاشم‌میرزا — بنده‌بافرمایش آقای رفعت‌الدوله‌موافقم.

آقا سید فاضل — بنده عرض میکنم آن آنتخاباتیکه میفرمایند ۳ کمیسیون است که باید در شعب انتخاب شود وآن جهتی که آقای‌رفعت‌الدوله فرمودند جهت انسی است که در شعب موجود هده این جهت بین تمام آقایان نمایندگان موجود است چه این شعب باقی باشد چه‌هیئتهای‌دیگر برای‌شعب جدید تعیین شوند همان‌نظریه خواهد بود وابداً این جهة فوت نخواهدشد

رئیس — آقای منتصر الملك — (اجازه نطق)

منتصرالملك - باهرایضی که‌آقای آقا سید فاضل کردندموافقم.

رئیس — پس رأی‌میگیریم کـه شعبات حالا تجدید شود یا دوم میزان اگر نباشد حالا تجدید نشود درراس سه‌ماه تجدید خواهد شد آقایانیکه تصویب می کنند حالا تجدید شود قیام فرمایند — (عده قلیلی قیام نمودند) - تصویب نشد؛ نطق آقای حاج آقا میماند برای جلسه‌بعد

تدین - بنده می‌خواهم توضیحی راجع‌بدوسیه که‌آقای حاج شیخ اسدالله گفتند دراداره حکومتی

طهران موجود است بدهم بنده یك چیزی عرض کردم شاید عبارتم نارسا بوده و بطور دیگر مفهوم شده این است که مجدداً عرض می کنم آنشخص که داخل این جریانات بوده و آقای حاج شیخ اسدالله اظهار فرمودند رشوه گرفته بنده عرض میکنم آن شخص قزاق بوده نه ژاندارم وبنده نسبت رشوه گرفتن به ژاندارم وبه‌قزاق هیچیك نداده‌ام .

حاج آقا — همانطور که فرمودند بنده یك قسمت ازعرایضم باقیماند که راجع بمعارف وسیاست خارجه است در جلسه دیگر عرض میکنم ولی دراین آخر جلسه ناچارم مطلبی‌را عرض کنم چون یك سوء تفاهمی شده و مردم تصور می کنند عرایض واظهارات بنده اسباب تعویق کارهای مجلس شده ومجلس شورای ملی کارهائی دارد که معوق مانده وحال آنکه باید همه اینمطلب‌را بدانند که باید دردستور مجلس شورای ملی پر کرام دولت وبعضی قوانین وارد شود ومجلس بقوانین رسیدگی کند وباید یکقسمت بزرگی ازقوانین ومطالب از طرف هیئت دولت پیشنهاد شود تابحال از این قبیل دردستور مجلس چیزی نبوده که دراین ایام بنده مسبب تعویق آن شده باشم و اگر هم یك مطالبی بوده قبل ازعرایض بنده بانجام رسیده

رئیس - نطق جنابعالی خودش جزءدستوراست جلسه بعد روز ۳ شنبه سوم محرم ودستور آن رسیدگی باعتبارنامه آقایان سدیدالملك ؛ شیخ‌العراقین‌زاده ؛ آقا میرزامحمد نجات ؛ انتخاب بقیه کمیسیونها — بقیه نطق حاج آقا ؛ مخالفی هست در اینباب ؛ آقای حاج شیخ‌اسدالله راجع بدستور مخالفید ؟

حاج شیخ اسدالله - راجع بیکقسمت از فرمایشات آقای حاج آقا ...

رئیس - پس راجع بدستور فرمایشی ندارید؟

حاج شیخ اسدالله - خیر

رئیس - آقای آقاسید یعقوب راجع بدستور اجازه خواسته اید ؟

آقاسید یعقوب — راجع بسوء تفاهمی که ازنطق آقای سردارمعظم وآقاسیدفاضل درجلسهٔ قبل بنده میخواستم توضیحی عرض کنم.

رئیس - بمانید بمجلس بعد ؛ آقای جلیل‌الملك (اجازه نطق)

جلیل‌الملك - راجع بدستور نیست .

رئیس — آقای مستشار السلطنه راجع بدستور بود ؟

مستشار السلطنه - می‌خواستم عرض کنم راجع بسئوالیکه تقدیم مقام ریاست کردم درخصوص تعدیات وبعضی جریاناتیکه دروزارت مالیه است .

رئیس — اینهم راجع بدستور نبود ، پس راجع بدستور مخالفی نیست ؟ (گفته شد خیر) - آقا سید یعقوب (اجازه نطق)

آقاسید یعقوب - عرض بنده این بود که آقای آقا سید فاضل نسبت بمدیرهای وزارت مالیه که استعفا داده بودند سئوالی کرده بودند درواقع مجبور شدند از مجلس تقاضا کنند که دراینخصوص رسیدگی شود آقای سردار معظم‌هم شرحی جواب فرمودند بنده دراینباب شرحیکه عرض کردم وگمان می کنم سوء تفاهم شده باشد البته اشخاصی هستند که مقامشان منزه‌است‌چون هر کس که خدمت کرده باشد یانکرده باشد دوسیه‌اش دروزارتخانه هست پس اگر یك کلام بنده‌عرض کرده باشم که واقعی‌بمعنی نباشد نباید موجب سوء تفاهم شود البته مدیرهای وزارت مالیه اگر خدمت نکرده باشند دوسیه آنهادر وزارت مالیه‌هست واگرهم‌خدمت کرده‌باشندخدمتشان دردوسیه هست یکی ازبزرگان مجلس فرمودند باید مراجعه بدوسیه اعمالشان‌بشود‌بنده‌هم میگویم‌بهترین روز برای حکومت ملی‌همان روزی است که باعمال هر کس رسیدگی شود و بنده از تمام مدیرهای وزارتخانه‌ها تقاضا می کنم که دوسیه اعمال خودرا ارائه بدهند :

مجلس‌شورایملی یکنفر مباشر داشته است مثل آقای ارباب کیخسرو که اعمالش‌را تمام بیان کرد خوب است مدیران وزارتخانه‌هم دوسیه‌های اعمال خودشان‌را بوزیرخودشان بدهند و آن‌وزیرهم‌بمجلس شورایملی بدهد و هر کدام بملت بگویند این است خدمات من معلوم‌است آنوقت‌آلبته درنزد ملت‌مقامات عالیرا پیدا میکنند ؛ سوءتفاهم نشود اگر کسی‌میراء است عرایض‌بنده شامل اونمیشود .

رئیس — اما توضیح جنابعالی خیلی دراز بود ؛ آقای‌جلیل‌الملك (اجازه نطق)

جلیل‌الملك — بنده‌هم راجع بمذاکرات پریروز آقای آقا سید یعقوب می‌خواستم‌عرض کنم چون موقع بلند شدن‌از مجلس بوده درست مفهومم نشده کلمه را که فرمودند سارق بوده یاچیزدیگر ولی در خارج شنیدم که ایشان فرموده‌بودند(سارق) بنده میخواستم عرض کنم چه از نطقه نظر اداری‌و چه از نطقه نظر احساسات نمایندگان این حرفهادر مجلس خارج از نزاکت است‌زیرا در مجلس که‌یك مقام رسمی است صحبت که در آن میشود اگرخارج از نزاکت باشد اسباب یأس‌یکعده خادمین وموجب تجری خائنین میشود همانطور که آقای حاج آقا در خاتمه نطق خودشان بیان فرمودند باید از روی دوسیه ها اعمال هر کس را حکمیت کرد کار های ادارات هم همین طور است چون خودم اداری هستم و میدانم البته اشخاصی که باید در ادارات خدمت بکنند همیشه برای‌وزراءو کابینه کمك باشند فقط‌وزارت مالیه را عرض نمیکنم بلکه هر اداره و وزارتخانه را عرض میکنم‌این فرمایشاتیکه بطورعمومی گفته‌میشود اسباب یأس میشود و موجب تجری خائنین میشود و تمام خدمتگذاران از میان رفته و یکعدهٔ خائن روی کار خواهند آمد و بنده متحیم آنوقت کی خدمت خواهد کرد البته این مسائل باید محاکمه‌شده‌تاغادم و خائن‌ظاهرشود .

رئیس-آقای مستشارالسلطنه .(اجازه نطق)

مستشار السلطنه — عرض کردم طریق ورود باین مذاکرات همان‌است که‌قانون تعیین کرده بموجب ماده ٥٤ و ٥٥ و ٥٦ قانون‌باید راجع به‌تعطیل وزارت‌مالیه‌از وزیر مالیه‌سئوال شود .

رئیس — تقاضا دارید وزیر مالیه احضارشود ولی هنوز هیئت وزراء معرفی‌نشده‌اند .

مستشار السلطنه — سئوال بنده همان است که تقدیم کرده‌ام‌هرطورممکن‌است .....

رئیس — میماند برای بعد ازمعرفی هیئت وزراء ؛ آقای آقا سید فاضل (اجازه نطق)

آقاسیدفاضل — بنده خواستم عرض کنم که سوء تفاهمات در حدود فرمایشات آقای آقا سید یعقوب بود آن روز بنده نخواستم فرمایشات ایشان رابجدبگیرم‌والامطالب‌بنده‌وآقای‌سردارمعظم در یك زمینه بسیار روشن بود بنده‌عرض کردم‌وزارت مالیه تا بحال تعطیل و گرو است خوب‌است بهیئت دولت تذکر بدهند آقای سردار معظم فرمودند باید در خاتمه نطق خودشان بیان فرمودند باید از روی دوسیه ها اعمال هر کس را حکمیت کرد کار های ادارات هم همین طور است چون خودم اداری هستم و میدانم البته اشخاصی که باید در ادارات خدمت بکنند همیشه برای‌وزراءو کابینه کمك باشند فقط‌وزارت مالیه را عرض نمیکنم بلکه هر اداره و وزارتخانه را عرض میکنم‌این فرمایشاتیکه بطورعمومی گفته‌میشود اسباب یأس میشود و موجب تجری خائنین میشود و تمام خدمتگذاران از میان رفته و یکعدهٔ خائن روی کار خواهند آمد و بنده متحیم آنوقت کی خدمت خواهد کرد البته این مسائل باید محاکمه‌شده‌تاغادم و خائن‌ظاهرشود .

رئیس-آقای مستشارالسلطنه .(اجازه نطق)

مستشار السلطنه — عرض کردم طریق ورود باین مذاکرات همان‌است که‌قانون تعیین کرده بموجب ماده ٥٤ و ٥٥ و ٥٦ قانون‌باید راجع به‌تعطیل وزارت‌مالیه‌از وزیر مالیه‌سئوال شود .

رئیس — تقاضا دارید وزیر مالیه احضارشود ولی هنوز هیئت وزراء معرفی‌نشده‌اند .

مستشار السلطنه — سئوال بنده همان است که تقدیم کرده‌ام‌هرطورممکن‌است .....

رئیس — میماند برای بعد ازمعرفی هیئت وزراء ؛ آقای آقا سید فاضل (اجازه نطق)

آقاسیدفاضل — بنده خواستم عرض کنم

آقا میرزا علی کازرونی — در خصوص آوردن دوسیه راجع بآقای حاج شیخ اسدالله‌ازعدلیه بنده تقاضا کردم چون این قضیه راجع بانتخاباتی که از طرف مجلس شورای ملی تصویب شده بمنزله استیناف است و شاید دیگران هم راجع بانتخابات چیزهای‌دیگر واعتراضاتی‌داشته‌باشندودرصورتمجلس ذکر شده است .

رئیس — چند دفعه عرض کرده ام اگر بنا باشدتمام‌مطالب را بنویسندصورت مشروح‌مجلس خواهد بوداین صورت خلاصه است و صورت‌مشروح علیحده نوشته میشود اگر مراجعه بفرمائید اظهار جنابعالی در صورت مشروح است غیر از این دیگر اعتراضی نیست

قاضی — اجازه میفرمائید

رئیس — بفرمائید.

قاضی — در آن توضیحی که بنده دادم یك کلمه فراموش شده که بنده لازم میدانم قید شود بنده عرض کردم نسبت رشوه نه قزاق میدهم نه به ژاندارم .

رئیس — اضافه میشود دیگر کسی اظهاری دارد (گفته شد خیر) صورت مجلس با این اصلاح تصویب گردید دستور رسیدگی باعتبارنامه های آقایان سدیدالملك‌شیخ‌العراقین‌زاده-نجات-انتخاب کمیسیونها در خارج-بقیه‌نطق آقای‌حاج آقاولی‌هیچیك‌ازرایورت هائی که راجع باین اعتبارنامه ها باید برسد هنوز به هیئت رئیسه داده نشده پس دستور امشب‌انتخاب کمیسیونها خواهد بود و بقیه نطق آقای حاج آقا در صورتی که تشریف داشته‌باشند (حاضر نبودند) ولی قبلاچند فقره مطالب‌هست که باید بعرض آقایان برسانم‌اولاراجع بکمیسیون‌تحقیق انتخابات آذربایجان در انتخابات ثانوی باز عده کافی معین نشده است فقط سه نفر از آقایان اکثریت پیدا کرده اند که عبارت است از آقایان سلیمان میرزا و آقای رکن الملك و آقای بیان الدوله با یکنفر سابق میشود چهارنفر دو نفر دیگر باید انتخاب شوند آن‌دونفر را بایدامشب‌انتخاب کرد مطلب‌دیگر آنکه‌پیشنهادی از طرف وزارت امور خارجه شده که خیلی فوریت دارد معلوم است که باید به کمیسیون ارجاع شود این‌است که امشب باید کمیسیون خارجه راهر طور هست تعیین بفرمایند

(پیشنهاد وزارت خارجه قرائت‌میشود)

(آقای امیر نصاصر پیشنهاد مزبوررا بمضمون ذیل قرائت نمودند)

مجلس محترم شورای‌ملی شیدالله ارکانه

بموجب ماده چهاردهم قرار داد مجمع اتفاق ملل دار الشورای مجمع مزبور موظف است که برای دیوان عدالت بین المللی دائمی تهیه نظامنامه نموده ازتصویب مجمع عمومی بگذراند .

دیوان عدالت بین المللی دائمی مزبور بکلیه دعاوی بین‌المللی که از طرف متداعین بآن محول شود رسیدگی خواهد کرد بعلاوه در تمام مسائلی که ازطرف مجمع عمومی و دارالشورای بدیوان‌عدالت مزبور مراجعه شود عقیده خود را بطریق مشورت بیان خواهد نمود .

دار الشورای مجمع اتفاق ملل در جلسه ۱۳ فوریه گذشته تصمیم نموده که تهیه اساس نامه statut دیوان عدالت بین المللی دائمی را بعهده کمیسیونی مرکب از قضاة درجه اول عالم واگذار نماید این کمیسیون در لاهه منعقد گردید و پس از مذاکرات زیاد و تبادل عقاید مختلفه به نوشتن اساسنامه دیوان‌عدالت بین‌المللی دائمی‌موفق گردید و بدارالشورای مجمع اتفاق ملل تقدیم شود دار الشورای مجمع اتفاق ملل هم پس از مختصر تغییری‌اساسنامه راکه کمیسیون قضاوت پیشهاد نموده بودند تصویب نموده و در ۱۳ دسامبر از طرف مجمع عمومی هم مورد قبول یافت تشکیلات دیوان عدالت بین‌المللی دائمی‌بطریقیکه ذیلامعروض‌میگردد تقسیم شده‌است .

۱ - تشکیلات دیوان عدالت .

۲ - حدود اختیارات وصلاحیت دیوان عدالت .

۳ - اصول محاکمه دردیوان عدالت.

بطوریکه بر خاطر نمایندگان محترم مشهود است دول امضاء کننده قرارداد مجمع ملل که دولت علیه هم جزو آنها محسوب میشود بموجب فصل چهاردهم فوق الذکر اختیار تهیه اساسنامه دیوان عدالت بین‌المللی را بعهده دارالشورای مجمع‌اتفاق ملل وتصویب‌آنرا ازمختصات مجمع‌عمومی دانسته‌اند دارالشورای مجمع و مجمع عمومی هریك وظایف محوله را بنوبه خود انجام داده اند تمام نمایندگان دول امضاء کننده قرارداد هم اساسنامه مزبور را امضاء نموده‌اند نماینده دولت علیه هم ازطرف‌ایران امضاء کرده است .

هرچند با مراتب فوق الذکر دیگر تصدیق اساسنامه دیوان عدالت مزبور ازطرف دول امضار کننده قرارداد مورد نداشت معذالك در کمیسیون قضاة که درلاهه برای اساسنامه دیوان عدالت مزبور تشکیل گردید (درفوق اشاره نشده است) بنابر پیشنهاد اغلب قضاة مشهور عالم بدین عقیده متفق شدند که برای تحکیم وتأیید دیوان‌عدالت بین‌المللی

دائمی که در هر لحظه ممکن است طرف رجوع دول امضاء کننده واقع‌شود متناسب است که اساس‌نامه‌آن علیحده ازپارلمانهای دول امضاء کننده گذشته ودولتی که ترقیات مشروطیت را دارا هستند بامضای پادشاه یا رئیس جمهوری رسیده ودرحقیقت حکم قانون را پیدا نماید دراین‌موقع لازم است این‌نکته را خاطر نشان نماید که پارلمانهای دول هیچ‌کدام حق دخول در ماهیت و چگونگی اساسنامه عدالت بین‌المللی دائمی‌را که بطور مذکور در فوق تهیه شده نخواهند داشت فقط اساساً باید آنرا قبول یارد نمایند .

تا کنون چندین دولت اروپائی و آمریکائی اساسنامه مزبور را باینطور تصویب نموده و تصویب خودرا بطریقی که معمول است برای‌دفتر دارالانشاء مجمع اتفاق ملل فرستاده‌اند .

سایر دول‌هم تدریجاً این وظیفه خودرا انجام خواهندداد نظر بآنکه تااول سپتامبر هذه‌السنه بیشتر برای اینکار وقت باقی نمانده که در ظرف این مدت باید اساسنامه مزبور ازطرف مجلس محترم‌تصویب گردیده‌وبصحه همایونی موشح شده ورسماً به مجمع اتفاق ملل اعلام گردد این‌است که وزارت امورخارجه از مجلس محترم تقاضا مینماید که مذاکره در این موضوع فوراً در دستور روزانه مجلس گذارده شده وبه تصویب برسد .

ترجمه اساسنامه مزبور را هم برای استحضار خاطر نمایندگان محترم ایضاً تقدیم میدارد .

رئیس — ضمایم‌وملحقات‌این‌پیشنهادرا فرستاده اند حاضر است ولی اینکه نوشته شده است باید اول سپتامبر حاضر باشد اطلاعاً عرض‌میکنم که امروز ششم سپتامبر است و این پیشنهاد دیروز رسیده است .

سردارمعظم — بلی صحیح است بنده هم میخواستم همین‌عرض‌را بکنم .

رئیس — معذالك این پیشنهاد به کمیسیون خارجه فرستاده میشود .

مدرس — اجازه میفرمائید .

رئیس — راجع باین مسئله است .

مدرس — بلی راجع باین‌مسئله است بنده با وجود اینکه خیلی ضعف‌دارم مجبورم چند کلمه‌عرض کنم بواسطه اینکه مطلب‌را نمیدانم وآن این است که آقای رئیس فرمودند باید پیشنهاد به کمیسیون خارجه فرستاده شود اساسا بنده دراین مسئله تأمل و توقف دارم ، درموضوع مجمع بین‌المللی وعضویت ایران چون درغیاب مجلس ودرایام فترت بوده تأمل وتحقیق نکرده‌ایم که آیا این‌مسئله یك‌چیزی است که صلاح هست یا خیر آیا فایده و ضررش چیست - و اینکه عرض کردم تأمل و تحقیق نشده بواسطه این است که بنده نمیدانم کما اینکه آنروز هم یعنی در آن زمانیکه گفتگو بود ویك شخصی‌را تعیین کردند آنروزهم بنده تردید کردم که داخل‌شدن‌دراین‌مجمع وعضویت در آن مجمع را تصدیق نمیکنم تا به‌بینم برای ما چه حالتی دارد نافع است یا مضر و معنی فرستادن این‌لایحه به کمیسیون اجمالا تصدیق اصل مسئله است ومثل این است که اساسش را ما تصدیق داریم وخصوصیاتش را که این لایحه است رجوع به کمیسیون می کنیم لهذا قبل از اینکه خوب تأمل کنیم که آیا دولت ایران باید عضو مجمع بین‌المللی باشد یانباشد صلاح هست یانیست وقبل از اینکه مسئله‌را مطالعه وتصدیق کنیم قبول کردن وارجاع این‌لایحه‌را به کمیسیون بی ترتیب می‌دانم پس خوب است اگر آقایان تصویب‌بفرمایند مافقدری مطالعه در اصلش بکنیم برای اینکه ماکه تابحال مجمع بین‌المللی‌راتصدیق نکرده‌ایم‌ونمیدانم چه چیز است ومقصود ومناسباتش باما چیست که ما یك نماینده بعضویت‌آن مجمع بفرستیم آیا فایده‌اش برای ما چیست ضررش چیست بنده چون نمی‌دانم همان دوره‌هم تردید کردم وگفتم و دراطراف این مسئله مطالعه بشود دولت اینکار را نکرد و بدون تصویب مجلس اقدام کرده اولا ماباید در موضوعش مطالعات ومذاکرات کرده تامل نمائیم بعد ازآنکه اصل‌را تصدیق کردیم آنوقت ارجاع این لایحه به کمیسیون خارجه یك‌مناسبتی دارد ولکن باینکه اصلش‌را هنوز پارلمان تصدیق نکرده است ارجاع لایحه به کمیسیون وجهی ندارد والا ارجاع لایحه به کمیسیون لازمه‌اش تصدیق‌اصلش است وبنده‌شخصا بدون مطالعه اصلش را تصدیق ندارم یعنی عضویت خودمان‌را درمجمع بین‌المللی که اساس وارکانش‌را ما هنوز نمی‌دانیم از کجا است وچه نسبتی باما دارد زیرا هیچ‌محل گفتگو نیست که‌اساس‌مجمع بین‌المللی واکثریت آن از دولتی است که ما نسبت آن دول را بخودمان نمی‌دانیم چیست لذا بنده باارجاع لایحه بکمیسیون خارجه قبل ازتامل کردن دراصل‌عضویت مجمع اتفاق ملل مخالف‌هستم .

سردارمعظم - بنده دراین زمینه از نقطه نظر دیگر می‌خواهم مذاکره کنم وچون مدتی‌را که دولت قرار داده اول سپتامبر است باین جهت تصور می کنم مدت فوت شده واز بین رفته زیرا اگر مطلب‌محدود به‌اول‌سپتامبر باشدارجاع لایحه‌بکمیسیون بی‌معنی وغلط است ولی اگر مطلب محدود بزمان نیست و ممکن است در آخر سپتامبر هم قضیه حل بشود درآنصورت بنده تصور می کنم بهتر این باشد که آقایان نمایندگان قبل از اینکه دراین زمینه‌یك بیانات قطعی‌بفرمائید یك‌قدری مطالعه بفرمایندزیرا نفیاً واثباتاً در این‌مورد قوواً نمی‌شود حکمیت نمود خوب است حالا که وقت فوت شده وتأخیر دوروز و ۳روز اهمیت ندارد ابتدا مجلس تقبلاتی را که بنام دولت ایران درخصوص تصویب در مجمع بین‌المللی شده از دولت بخواهند ونمایندگان مستحضر بشوند که درچه زمینه‌وچه تقبلاتی دولت ایران عضویت‌آن مجمع‌را قائل شده‌است پس‌از اینکه مطلع شدند که آن تقبلات بااساس منافع مملکت ایران‌موافقت‌دارد البته نمایندگان‌هم تصدیق خواهند کرد وفقط فرقی که دارد ارجاع وعدم‌ارجاع این‌لایحه به کمیسیون خواهد بود از این نقطه نظر من ترجیح می دهم که آقایان نمایندگان دراین زمینه موافقت فرمایند ودیگر اظهار عقیده نفرمایند ومطلب‌را امروز خاتمه بدهند وموکول بمطالعات بعد بکنند شاید آن وقت مطلب ازروی فکر بوده واساسی‌تر حل‌شود

(بعضی تصدیق نمودند)

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی میدانند (جمعی گفتند کافی‌است)

آقامیرزاعلی کازرونی - کافی نیست .

رئیس — رأی میگیریم که‌مذاکرات کافی‌است

یا خیر .

مدرس — نتیجه کافی بودن مذاکرات را بفرمائید چیست .

آصف الممالک — چون باید دراین موضوع مطالعات شده بعد مذاکره شود .

رئیس — عجالتاً اگر به پیشنهاد آقای سرار معظم رأی بدهند دیگر بکمیسیون خارجه ارجاع نمیشود آقایان مذاکرات را کافی میدانند بعضی گفتند کافی است پس به ترتیبی که آقای سردار معظم پیشنهاد کردند نوشته میشود بوزارت خارجه ضمایم این کار و تقبلاتی که راجع باین مسئله شده است بفرستند مطلب دیگر اینکه جمعی از آقایان نمایندگان پیشنهاد کرده‌اند که در ایام عاشورا سه روز درمجلس روضه خوانی بشود البته مخالفی نخواهد بود (جمعی تصدیق نمودند)

بیان الملک — خوب است ۵ روز قرار بدهند

رئیس — در جلسه گذشته راجع به آقای نظام الدوله بنا بود کمیسیونی بقرعه معین شود و فراموش شد حالا استقراع میشود (آقای سهام السلطان استقراع نموده و آقایان مفصلهٔ ذیل معین شدند)

آقای مدرس - آقای منصر الملک - آقای صدر الاسلام آقای میرزا محمد نجات - آقای سهام السلطان - آقای شیخ الاسلام اصفهانی .

مدرس — راجع بچه مسئله است .

سهام السلطان — برای رسیدگی بدوسیه آقای نظام الدوله که در جلسه قبل مخالف داشت و رجوع بکمیسیون شد .

رئیس — آقای سردار معظم پیشنهاد کرده‌اند امروز قرائت میشود درجلسه دیگر رأی گرفته میشود (پیشنهاد آقای سردار معظم را آقای امیر ناصر بمضمون ذیل قرائت نمودند)

نظر باینکه در حکومت شوروی باید مقدرات مملکت بایستی بافی افکار عامه حل شده و مابین نمایندگان ملت و افراد خیرخواه واصلاح طلب مملکت رشته‌های محکم ارتباطیه موجود شد و امور مملکتی با تبادل نظر و مشارکت عناصر حاکمه وخیرخواهان جمهور و پیشروان افکار عامه تحت مطالعه گذارده شده وصل گردد یکی از وظایف اولیه مجلس چهارم این است که یأس علاقه‌مندان باساس مشروطیت را که بواسطه فکر از ادوار فترت بی‌احترام شدن قوانین فقدان کامل مکافات و مجازات اجرا نشدن اصلاحات در مملکت و امثال آن حقاً حاصل شده است تا نیاً مبدل بامیدواری نماید که آنان از زوایای خمولت خارج شده و زندگانی عمومی و ملی مشارکت نمایند .

برای نیل باین مقصود البته مجلس شورایملی باشروع باجراء اصول و اصلاحات مذکوره در فوق باید اقدامات مفصلتری از قبیل تأسیس انجمنهای ایالتی وولایتی وبلدی برای مشارکت خوداهالی در زندگانی اجتماعی خود بعمل آورد ولی برای اینکه دراین زمینه قدم اول در مرکز برداشته شده وافکار خیرخواهان در اطراف افکار نمایندگان تمرکز یابد و مابین مجلس چهارم و طبقات دیگر رشته‌های محکمتری ایجاد گردد لهذا بنده پیشنهاد میکنم: در هفته یک روز از طرف هیئت محترمه رئیسه مجلس شورایملی عده از نمایندگان علماء اعلام و اعیان و تجار و اصناف و جمعیتهای سیاسی بمجلس دعوت شده و بانمایندگان محترم در امور مهمه مملکتی من غیررسم تبادل نظر نمایند که نمایندگان از افکار خیرخواهان قوم و آنان از عقاید نمایندگان اطلاع حاصل نموده و رشته‌های رابطه ودادیه محکمتری در بین ایجاد و زمینه مشترکی برای اصلاحات مملکتی تهیه شود تعیین روز و ساعات دعوت وعده مدعوین بنظر هیئت رئیسه مجلس واگذار میشود .

رئیس — این پیشنهاد طبع و توزیع شده و در جلسه دیگر رأی گرفته می‌شود فعلا کار دیگری در دستور نداریم غیر از انتخاب کمیسیونها

مشیر الدوله - بنده اجازه میخواهم

رئیس - بفرمائید

مشیر الدوله - بدوآ بنده از آقایان نمایندگان معذرت میخواهم که باین عرایض خودم تضییع وقت فراهم میکنم ولی ناگزیرم عرایضی که دارم عرض کنم در شماره چهارم جریده طوفان شرحی راجع بمرحوم آقا شیخ محمد خیابانی مندرج بود که قسمتی از آن راجع بکابینه بنده است وچون بکلی عاری از حقیقت است لازم میدانم که در این جا بعضی توضیحات برای اطلاع خاطر آقایان نمایندگان عرض کنم اگر چه در موقع خود وزمان کابینه بنده تمام وقایع کما هوحقه در بیانیه‌هائی که صادر شده بود بتوسط جراید باطلاع عامه رسیده یقیناً آقایان نمایندگان از آن بیانیه ها بی اطلاع نیستند ولی چون یک چیزهای تازه در روزنامه نوشته شده است ناگزیرم آن اظهارات را بلا جواب نگذارم و شرح میدهم بنده را با سابقه مرحوم خیابانی هیچ کاری نیست ایشان چه نیتی داشتند و چه اقداماتی قبل از تشکیل کابینه بنده در آذربایجان کرده‌اند به بنده مربوط نیست و اطلاع کاملی هم ندارم واولیاءامور وقت بهتر از چگونگی آن اطلاع دارند

توضیح وتصدیق وتکذیب آن مسائل راجع به کابینه بنده نیست آن قسمتی که راجع بکابینه بنده است بنده ناگزیرم ولازم میدانم حاق مسئله رابعرض برسانم در شماره چهار همان روزنامه که اسم بردم مطالبی نوشته شده و باین طور جلوه داده شده است که مسئله آذربایجان در زمان کابینه بنده در اطراف شخص مخبر السلطنه دور میزده و مرحوم خیابانی اصرار داشته است که مخبر السلطنه به آذربایجان نرود بنده و کابینه بنده اصرار داشته‌ایم او برود خیر اینطور نیست وبکلی عاری از حقیقت است تلگرافاتی که مکرر میکرد با حضور تمام اعضاء کابینه در مدت یکماه با مرحوم خیابانی با اعضاء هیئت قیام بعمل آمد وصورت آنها در کابینه ریاست وزراعدر تلگرافخانه ضبط است مسئله راممعلوم میداردصریحا بما میگفتند که ما والی نمی پذیریم ما از مرکز نمی‌خواهیم که بکار آذربایجان دخالت بکنند ولی هر قدر پول می‌خواهیم بدهید

بدیهی است که آقایان نمایندگان تصدیق مینمایند که رژیم مشروطیت یعنی همان رژیمی که مرحوم خیابانی بقول هوا خواهانش اجرای او را از کابینه ما میخواست همان رژیم آیا به یک هیئت دولتی اجازه میدهد که اصل واساس مرکزیت وتجزیه ایران را قبول کند (جمعی گفتند خیر) گفتیم آذربایجان جزء لاینجزای ایران اسدا گرحرف در شخص والی آذربایجان بود برای حل مسئله آذربایجان اشکالی باقی نمی‌ماند بالاخره از اقدامات زیاد وقتی دیدم هیچ منطقی را گوش نمیدهند وهیچ حرف صحیحی بخرجشان نمیرود مصمم شدیم و والی را که خودمان صلاح میدانستیم فرستادیم درهمان روزنامه اینطور نوشته شده که توطئه ونقشه فوت خیابانی در مرکز کشیده شده بوده است این مسئله را هم بنده تکذیب می کنم وقتیکه والی از اینجا حرکت کرد باز امیدوار بودیم که مرحوم خیابانی آنقدر دارای عقل سلیم هست که بعد از ورود والی نظر باوضاع امروزه دست برادری بطرف والی دراز کرده و با هم کار بکنند ابداً یک همچو نقشه در اینجا کشیده نشده والی هم کمال جد و جهد را داشت که وقتی وارد محل میشود بطور مسالمت ومصالحه خاتمه باینکار بدهد واگر موفق نشد بواسطه اولتیماتومی بود که مرحوم خیابانی بوالی داد آقایان نمایندگان این مطالبی را که عرض میکنم فقط ازطریق رایورتهای رسمی نیست بلکه غیر از رایورتهای رسمی . رایورتهای خصوصی هم به بنده میرسد وازطرف دیگر هم بنده از اوضاع آذربایجان بی اطلاع نبودم ومخصوصاً میدانم والی ما که واردشد باندازهٔ حوصله وبردباری کرد که هیچ کس منتظر نبود این اطلاعات از یک منبع موثق وبیطرفی است که اگر مجلس شورایملی یک وقتی بخواهد باینکار رسیدگی کند کاملا میتوانم آن منبع را بدست بدهم ولی حالا هیچ نخواهم گفت وباز هم عرض می کنم اینکه نوشته شده است نقشه دراینجا کشیده شده بود خیر مسئله آذربایجان ومرحوم خیابانی چنانچه بعضیها تصور میکنند آنقدر ها هم اهمیت در نظر دولت نداشت دولت جد و جهد میکرد که مسئله بمسالمت بگذرد ودولت در کمال خوبی میدانست که در آذربایجان غیر از عده معدودی هیچکس با دیکتاتوری مرحوم خیابانی همراه نیست وبخاتمه دادن این مسئله هیچ اهمیت نمیداد که نقشه آنرا بکشد مسئله جنگی در کار نبود که کابینه دولت وقت خودش را صرف نقشه کند مقصود این بود که حتی المقدور کار بمسالمت بگذرد زیرا آنهاهم تبعه داخله وایرانی بودند والی هم نهایت جد وجهد را بخرج داد که بمسالمت بگذرد ولی موفق نشد وبعد از ورود به تبریز بعد از آنکه اولتیماتوم از طرف شیخ محمد خیابانی باو داده شد مجبور شد که بقوه قزاق متوسل شود وقوت خیابانی هم چنانکه والی آذربایجان میگوید بواسطه انتحار بوده بهرحال وقایعی که اتفاق افتاد خوب ثابت کرد که دولت در نظریه خودش صائب بوده و مسئله آن اهمیتی نداشته برای اینکه ورود دویست نفر قزاق به تبریز بتمام این اوضاع خاتمه داد اگر قلوب آذربایجانیها با خیابانی بود آیا دویست نفر قزاق میتوانست باین اوضاع خاتمه دهد آیا فراموش کردید اهالی آذربایجان باستار خان چقدر همراهی کردند و در مقابل اردوی دولتی چقدر مقاومت و ایستادگی نمودند وبالاخره فاتح بیرون آمدند آذربایجانی که خود را همیشه دست راست وقوی هیکل ایران دیده آذربایجانی که عادت کرده همیشه جوبهای خون برای

حفظ حدود وثغور ایران برای حفظ قومیت و ملیت ایران جاری کند باین حرفهای مشمشی گول نمیخورد (احسنت احسنت) تاریخ سه هزار ساله ایران آذربایجان رابا ایران چنان ممزوج کرده است که بهیچوجه قابل تجزیه و انفکاک نیست (احسنت احسنت) شخص عاقل ومآل اندیش میداند که فقط سعادتمندی آذربایجان در پرتو اتحاد وجزء ایران بودن است آذربایجانی‌ها گول این حرفها را نمیخورند و میدانند که اگر آذربایجان از ایران مجزی شود قائم بالذات نخواهد بود دیر یا زود جزء این یا آن خواهد شد (صحیح است) من و کابینه وزرای من در پیشگاه کلام الله مجید قسم یاد کرده بودیم اصل مشروطیت راحفظ کنیم قسم یاد ننموده بودیم ایران راتجزیه کنیم (احسنت احسنت) قسم برای این نبود که ملوک الطوایفی در این مملکت تأسیس کنیم پس ما بوظیفه خودمان رفتار نموده‌ایم حالا هرچه میخواهند بگویند این مطالب را برای این عرض کردم که آقایان نمایندگان (اگرچه تا اندازهٔ مسبوق بوده اند) بهتر مسبوق شوند بالاخره قسمتی درروزنامه مربوط بشخص بنده است چون مطلب شخصی است بنده وقت مجلس را بدفاع شخصی تضییع نخواهم کرد بخصوص که تصور میکنم بنده صلاحیت قضاوت را درباره خود ندارم ولی درعین حال میگویم والبته آقایان نمایندگان نیز تصدیق خواهند نمود که مخالفین من هم که درخارج مجلس هستند چنین صلاحیتی راندارند قضاوة درباره بنده واولیاء امورایام فترت راجع بمحکمهٔ صالح و بی‌غرضی است .

سردار معظم - بنده بعد از بیانات آقای مشیر الدوله چند کلمه در اصل مطلب میخواهم عرض کنم البته آذربایجان عزیزترین عنصر ایران است در این تردیدی نیست که گرانبهاترین درتاج ایران است ولی این گرانبهائی آذربایجان مادامی است که جزء ایران باشد بمجردی که از ایران مجزی شود دیگر عزتی برای آن باقی نمیماند و بنابر این احترام و قدردانی راجع باشخاصی است که بخواهند آذربایجان رابرای این حفظ کنند هر که میخواهد باشد بمجرد اینکه ازاین حدخارج شد (درخارج هر کس هرچه میتواند بکوید) ماورا صالح وخدمتگذار بوطن خود وایران نمیدانیم آقای مشیر الدوله فرمودند خودشان نمیتوانند درباره خودقضاوت کنند وسایرین هم نمیتوانند درحق ایشان قضاوت بکنند من میگویم آقای مشیر الدوله ملت ایران درحق شما قضاوت کرده است دراین مملکتی که خدمتگذار کم است شما بواسطه عملیاتی که کرده اید مظهر وطن پرستی هستید شما محتاج بمحاکمه نیستید دلتنگ نباشید زیرا در این مملکت به وطن خواهی و اصلاح خواهی امر نمیگذرد در این محیط اصلاح واصلاح خواه دشمن زیاد دارد این محیط دوره فترت پسندیده اصلاح نمی‌خواهد زیرا اصلاح بامنافع خصوصی داخلی و خارجی مغایرت دارد بلی خیلی اشخاص هستند که دشمنان واقعی اصلاحند همان دشمنان واقعی اصلاح که جامه‌های سرخ وسبز و سفید اصلاح را به تن خودشان میکنند وقتی آن جامه‌ها را ازروی آنها بردارند خواهید دید که در زیر آن جامه‌ها دشمنان حقیقی ملت ایران میباشند .

شما و مجلس شورای ملی از حملات دشمنان مکدر نباشید زیرا وظیفه شما ووظیفه مجلس دورهٔ چهارم که پس از شش سال دوره فترت میخواهد زمام امور مملکت را در دست بگیرد این است که آن سنگهائی که درراه اصلاح حکومت های مختلفه دوره فترت ومنافع خارجی انداخته‌اند بدست شما و بدست مجلس شورایملی وبدست عناصر اصلاح خواه باید برطرف شود شما می‌دانید که از هرطرف موردحمله خواهید شد ازاین جملات نگران نشوید زیرا اگر درطهران که مظهر افکارواقعی ایران نیست طرفدار کم داشته باشید اگر درطهران ما مورد حمله وتنقید جرایدی که معلوم نیست به پول کی طبع وهمه‌روزه منتشر میشوند واقع میشویم نبایددلتنگ باشیم برای آن که آن حس واقعی ملت ایران یعنی همان ملتی که زحمت ورنج میبرد وبعرق جبین خود نان میخورد پشت سر شما و مجلس شورای ملی مثل کوه خواهد بود

رئیس - آقای نظام الدوله

نظام الدوله - عرضی ندارم

آقا سید فاضل - بنده خواستم مختصری نسبت باظهارات آقای مشیر الدوله عرض کنم وحقیقتاً آقای سردار معظم داد سخن را دادند و خود آقای مشیر الدوله هم درمسئله آذربایجان لقد عجاز فیما افاد آنچه را باید بفرمایند فرمودند البته آن کسیکه موسس مشروطیت است هر گز حاضر نمیشود این افکار ناقصه را قبول کند و بالاخره نسبت به آقای مشیر الدوله عرض می کنم که وجود ایشان یک عنصر وطن‌خواه و اصلاح طلبی است که از برای ملت ایران مغتنم است وحقیقت باید ایران وایرانیها بوجود ایشان فخر بکنند زیرا شخصی هستند از برای مملکت فداکار و این اراجیف که در جرایدنوشته میشود بنده خودم امروز خدمت آقایان عرض کردم خیلی باعث تأسف شده معلوم است بعضی ترتیبات هست که صلاح نیست بنده عرض کنم که چطور این جراید باآبونه کم ومخارج زیاد اداره میشوند ومعلوم نیست از کجا است بنده خدمت آقای مشیر الدوله عرض میکنم مثل کوه باشید که لایحو که العواصف استقامت بفرمائید در همین رویه جاریه که داشتید وداد وطن‌خواهی وفداکاری داده بازهم از برای ملت خود باهر کس که در رویه خودتان شریک می‌دانید به‌ایستید واستقامت کنید خلاصه اینکه بنده کمال تشکر را از زحمات ایشان نسبت به مملکت دارم .

رئیس - ملک الشعرا (اجازه نطق)

ملک الشعرا - درعین اینکه بنده تمام فرمایشات آقای مشیر الدوله را تصدیق دارم وبلکه بیش از آنچه ایشان فرمودند بنده یک اطلاعاتی در این موضوع داشتم حتی من درروزنامه من قریب ۶ ماه دراطراف این قضیه که فرمودند یعنی مسئله آذربایجان با مطبوعات بادکوبه وسیاسیون تبریز یک مناقشات قلمی دراین قضیه داشتم ولی یک نکته خیلی مختصر را که مربوط میشود به قبل از زمان کابینه آقای مشیر الدوله میخواهم عرض کنم واذعان بکنم که در قضیه تبریز بعضی از زمامداران طهران قبل از کابینه آقای مشیر الدوله یک اقداماتی کردند و یک بوالهوسی هائی دارند که آن بوالهوسی‌ها بعقیده بنده هیچ اساسی نبود و باعث براین شد که خیابانیها یک مجالی پیدا کردند و تظاهراتی دادند و متاسفانه این تظاهرات باعث شد که حکومت مرکزی ایران (حقاً ده دقیقه عرض میکنم) حقاً وادار شدند آن قوه را قلع وقمع کنند بنده متاسفم از فوت خیابانی نه بنده بلکه آقای مشیر الدوله هم فرمودند من هم از فوت خیابانی متأسفم ولی تمام اعتراضات و تمام احساسات خشم آمیزی که شما و سایر مردم در خارج نسبت بفوت مرحوم خیابانی دارید نسبت به اشخاص می‌دانیم که بواسطه اقدامات خودشان مسبب بتحریک و سبب قیام خیابانی شدند بنده بخوبی اطلاع دارم پس از آنکه مرحوم خیابانی از تبریز انتخاب شد هیچ نظر سوئی نداشت بلکه فوق العاده میل داشت وداوطلب بود که اعتبارنامه او و رفقای او قبول شود و بطهران بیاید و در اطراف قیام تجدد هیچ توطئه هم نبود حتی بنده اطلاع دارم که دعوت لامر گزیت ترک اجاقی وآن اجاق ترکیه که بوسیله عثمانیها درباد کوبه کانون پیدا کرده بود و در اطراف تبلیغ شده بود آن دعوت را هم خیابانی ورفقای او جدآرد میکردند ودرعین اینکه این احساسات بخرج میدادند تنها باین قانع بودند که حکومت وقت اعتبارنامه آنها را تصدیق کند و بیایند بطهران اما این قضیه در طهران به تعلل گذشت ودرباره آمدن خیابانی ورفقای او غرض شخصی بخرج داده شد و بالاخره این غرض باندازه اهمیت پیدا کرد و قوی شد و بطور کثیفی تظاهر پیدا کرد که منجر شد باقدام خلاف ملیت و خلاف مشروطیت و ایرانیت ودولت ایران را مجبور کرد که آنها را قلع وقمع کند بنده بهمان اندازهٔ که آقای مشیر الدوله را تصدیق میکنم همان اندازه هم از فوت خیابانی متأسفم هستم و براشخاصی که سبب قتل او شدند و اورا قهراً وادار به قیامی کردند که بواسطه آن از بین رفت لعنت میفرستم واین گناه را بگردن کسانی می‌دانم که غیر از این گناهان دیگری هم بگردن آنها هست و امیدوارم در مقابل محکمه صالحه عدالت محاکمه بشوند و خوب از بد تمیز داده بشود .

رئیس - گویا مذاکرات کافی است چون کار دیگری در دستور نداریم بااجازه آقایان جلسه را ختم میکنیم ولی قبل از آنکه تشریف ببرند خوب است بعضی از این کمیسیونها را معین بفرمایند .

برای کمیسیون خارجه شش نفر باید معین شود امشب یعنی بفرمائید کمیسونهای عرایض و محاسبات و بودجه و مبتکرات همه از شعبات باید معین بشوند. کمیسیون عرایض شش نفر . کمیسیون محاسبات شش نفر شش نفر . کمیسیون بودجه ۱۸ نفر . کمیسیون مبتکرات

سردار معظم — درموضوع کمیسونهائیکه از شعب معین خواهد شد چون مدت مدیدی تعطیل در پیش داریم و مدت کمی باقی خواهد ماند که شعبات تجدید بشود بهتر این است که پس از تجدید شعب این کمیسیونها ازشعب تازه انتخاب بشود اما اجازه که خواستم راجع بخودم بود که از آقایان استدعا کنم بنده را در هیچ کمیسونی انتخاب نفرمایند که بنده معذور خواهم بود .

رئیس — ازحالا تا چهارده‌م میزان اگر یک لایحه یا یک طرح قانونی پیشنهاد بشود باید بکمیسیون مبتکرات رجوع شود ممکن است کمیسیون مبتکرات انتخاب شود بقیه کمیسیونها بماند برای بعد

رئیس — آقای مدرس (اجازه نطق)

مدرس — بنده هم خواستم همین اظهاری را که آقای سردار معظم فرمودند طابق النعل بالنعل

عرض کنم چون حالش ندارم معذرت میخواهم که عضویت کمیسیونهارا قبول کنم

محمدهاشم میرزا - کمیسیون بودجه را بنده خیلی لازم میدانم و عرض میکنم خیلی اهمیت دارد اما کمیسیون مبتکرات و محاسبات و عرایض چندان اهمیتی نداشته و بعدها لازم میشود

سلطان‌العلماء - بنده درجلسه سابق‌راجع به شعبه‌ها عرض کردم که نهسه ماه گذشته‌و نوچهار- دهم میزان رسیده است و هنوز تجدید شعبات مدتش نرسیده است و تصویب هم شد

رئیس - بلی تا دوم میزان شعباتیکه فعلا موجود هستند باقی خواهند بود در دوم میزان تجدید میشود

آقای سر دار معظم - (اجازه نطق)

رئیس- بفرمائید

سردار معظم- نظر باینکه تقریباً دو یا سه روز بعد از تعطیل محرم‌باید شعب تجدید شود در ظرف سه روز هم یقین دارم نه طرح قانونی و نه لایحه پیشنهادخواهدشد از این‌نقطه‌نظر بود که بنده عرض کردم که شعب‌پس از تجدید کمیسیونها را از روی‌اتحانس اعضای خود انتخاب کنند و اما اینکه آقای محمد هاشم میرزا فرمودند کمیسیون بودجه باید فوراً تشکیل بشودهیچ‌عیب ندارد اما کمیسیون بودجه حالا هیچ کار ندارد زیرا کمیسیون بودجه بالذات به وجود خودش اثر و فایده ندارد کمیسیون بودجه‌برای رسیدگی به بودجه است پس ابتدا باید از طرف دولت بودجه تهیه شده و به مجلس تقدیم شود و بعد به کمیسیون بودجه میرود ولی حالا که هنوز بودجه تهیه نشده‌واطلاعات خارجی داریم که هنوز هیئت دولت هم بودجه را تهیه نکرده است و متاسفانه معلوم نیست به چه وقت محول می‌شود و مجلس شورای‌ملی یکی از وظایف اولیه اش این خواهد بود که بعد از تعطیل محرم بدولت هرروزه یاد آوری کند که بودجه‌را بفرستند بنا بر این من مقتضی نمی‌دانم در تعیین کمیسیون امشب عجله شود و تصور می کنم بهتر این باشد که شعب تجدیدبشود و تجدید شعب هم مقارن‌خواهدشد با بعد از تعطیل محرم آنوقت پس از تجدید شعب ازروی مطالعه کمیسیونها انتخاب می شود من هیچ نمی‌دانم اگر باین ترتیب عمل بکنند بکدام قسمت‌از وظایف مجلس لطمه وارد می آید

رئیس - پس رأی می گیریم به پیشنهادآقای سردار معظم که کمیسیونهائی که‌از شعب بایدانتخاب شود بماند برای دوم‌میزان آقایانی که با این‌ترتیب موافقند قیام کنند

(جمع کثیری قیام کردند)

رئیس — تصویب شد. پس فقط کمیسیونی که امشب‌معین خواهید فرمود کمیسیون بودجه‌است و شش نفر خواهد بود

جلسه آینده شنبه چهاردهم محرم و دستور آن رسیدگی به اعتبار نامه های آقایان سدیدالملک، شیخ‌العراقین‌زاده و نجات و تعیین بقیه کمیسیونها خواهد بود و این‌که عرض کردم برای عضویت تحقیق انتخابات آذربایجان و در دفعه ثانی ۳ نفر اکثریت پیدا کرده اند اشتباها عرض کردم فقط آقای سلیمان میرزا و آقای رکن‌الملک اکثریت حاصل نموده اند و با آقای مشیرالدوله ۳ نفر می شوند و ۳ نفر دیگر باید انتخاب شوند

(مجلس یکساعت‌و نیم از شب گذشته‌ختم‌شد)

جلسه ۲۵

صورت‌مشروح مجلس یوم پنجشنبه۱۳ میزان ۱۳۴۰ مطابق چهارم‌صفر

مجلس یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن‌الملک تشکیل گردید .

(صورت مجلس لیلـه چهار شنبه چهارم شهر محرم‌الحرام مطابق پانزدهم سنبله‌را آقای امیرناصر قرائت نمودند) .

رئیس — آقای میرزاهاشم آشتیانی نسبت بصورتمجلس اعتراضی دارید ؟

آقامیرزاهاشم — بنده در این خصوص که اسم بنده‌را درجزو غائبین ثبت کرده‌اند عرضی‌داشتم چون انروز بنده مریض بودم وبواسطه تب نتوانستم شرفیاب هوم قبلا توسط تلفن از آقای رئیس استجازه نمودم .

رئیس — اصلاح میشود . غیراز این اعتراضی نیست (اظهاری نشد) صورتمجلس تصویب گردید کمیسیون‌خارجه که سابقاً بنابود انتخاب شود انتخاب شده است وگمان نمیکنم اعلام اسامی اعضاء مقتضی باشد چون تجدیدانتخاب هیئت‌رئیسه پس‌فرداخواهد بود ومقارن تجدید هیئت رئیسه کمیسیونها هم باید تعیین بشود و کمیسیون خارجه‌هم مجدداً باید انتخاب شود اینست که از اعلام اعضای کمیسیون خارجه که انتخاب شده‌اند صرفنظر میکنیم — آقای‌سردارمعظم (اجازه) .

سردارمعظم — عرض‌بنده مربوط بکمیسیون خارجه نیست بنده میخواهم درمجلس‌شورای درزمینه وقایع اخیر که یک‌قسمت آن متوجه بیک عضومجلس شورای میشود چند کلمه عرض کنم اجازه‌میفرمائید یا خیر ؟ .

رئیس — آن‌شخص کیست .

سردارمعظم — مشارالملک است .

رئیس — راجع به‌آقای مشارالملک یک‌سؤالی ازطرف فتح‌الدوله بهیئت‌رئیسه داده شده وتقاضائی هم از طرف آقای حاج شیخ اسدالله رسیده که در این موضوع مذاکره کنند آنچه راجع به‌سؤال است معلوم است طرف خطاب هیئت وزراء هستند وهیئت وزراء هم روز یکشنبه بمجلس خواهند آمد وقتی که آمدند البته جواب سؤال را خواهند داد راجع بمذاکره جناب عالی و آقای حاج شیخ اسدالله هم اگر مقتضی میدانند بماند برای روز یکشنبه .

سردارمعظم — عرایض من متوجه بدولت نیست که بروزیکشنبه‌بماند بلکه وظایفی‌است که‌مجلس نسبت باعضای خودش عهده دار است بنابر این یک اصل ازقانون اساسی که راجع بمصونیت نمایندگان است مارا محصور میکند که در اولین موقع فرصت و اولین جلسه افتتاح مجلس اظهارعقیده‌بکنیم(گفتند صحیح است) حالا اگر اجازه میفرمائید عرایض خودرا بنمایم .

رئیس — دستور مجلس باخود مجلس است بابنده نیست اگرمجلس صلاح میداند مذاکره‌شود .

سردارمعظم — تعیین‌صلاحیت یاعدم‌صلاحیت با حضرتعالی است .

رئیس — خیر . صلاحیت این‌امر راجع به‌بنده نیست اگر مجلس مخالفتی ندارد بفرمائید مخالفی نیست ؟ (گفته شد خیر) - بفرمائید .

سردارمعظم — درموقعی که مجلس‌شورایملی مثل سایر اهالی این‌مملکت مشغول‌عزاداری وتعطیل بود ما شنیدیم که توطئه کشف شده است ودر آن توطئه اگر آنچه که گفته میشود راست باشد دوعضو مهم شرکت داشته اند که یکی ظهیرالاسلام است و دیگری مشارالملک — قسمت راجع بظهیرالاسلام از وظیفه من خارج است ودرآن باب حرف نمی‌زنم اما قسمتی که مرا باینجا سوق داده است قسمت راجع به مشار الملک است البته بنده ابتدا ناگزیرم اظهار تأسف بکنم از فساد محیطی که چرا باید اشخاص در یك همچه توطئه‌ها شرکت بکنند که مقام ولباس‌آنها باید آنهارا به ترویج نظم‌وامنیت وادار بکندوخیلی هم مسرور هستم از اینکه این توطئه کشف شده البته این‌قبیل مطالب هرچه زیاد تر تعقیب و کشف شود ومقصرین واقعی مجازات شوند جامعه و امنیت عمومی بیشتر محفوظ میماند بهمین ملاحظه تصور میکنم مجلس‌شورایملی هم بامن هم‌صدا باشد که باید حقوق افراد و اشخاص درمقابل‌امنیت هیئت اجتماعیه فدا شود تصور میکنم از همین نقطه نظر است که عملیاتی که پس‌از کشف این مسئله بعمل آمده است هنوزمجلس شورایملی بطورسکوت‌تلقی‌میکنند ومنتظر است که بطور خوبی حقیقت کشف شود و پس از اطلاع‌از حقایق امراظهار عقیده‌بکنند واگر این حس نمیبود واین علاقمندی نمیبود شاید سایر آقایان نمایندگان هم‌مثل بنده که منحصراً برای‌حفظ حقوق مشارالملک در اینجا آمده‌ایم وعرایض خودم را عرض میکنم نسبت‌بسایر افراد اظهاراتی‌میکردند فقط علاقه‌مندی بسلامت و امنیت عمومی است که فعلا نمایندگان را دعوت بسکوت کرده است

مسرت دیگری هم کمن از کشف این توطئه دارم بواسطه محفوظ ماندن دو عضو مهم دولت‌است که تمام ما علاقه بمصون بودن این دو نفر داریم برای اینکه ما طرفدار اشخاص نیستیم‌واین دو عضو مهم دولت‌درمدت زمامداری خودشان خدماتی بدولت کرده‌اند که کلیه علاقه‌مندان بمملکت را وادار بقدردانی از ایشان مینماید لهذا من از محفوظ ماندن آنها بی نهایت مسرور هستم از اینکه این توطئه کشف شده البته این‌قبیل مطالب هرچه زیاد تر تعقیب و کشف شود ومقصرین واقعی مجازات شوند جامعه و امنیت عمومی بیشتر محفوظ میماند بهمین ملاحظه تصور میکنم مجلس‌شورایملی هم بامن هم‌صدا باشد که باید حقوق افراد و اشخاص درمقابل‌امنیت هیئت اجتماعیه فدا شود تصور میکنم از همین نقطه نظر است که عملیاتی که پس‌از کشف این مسئله بعمل آمده است هنوزمجلس شورایملی بطورسکوت‌تلقی‌میکنند ومنتظر است که بطور خوبی حقیقت کشف شود و پس از اطلاع‌از حقایق امراظهار عقیده‌بکنند واگر این حس نمیبود واین علاقمندی نمیبود شاید سایر آقایان نمایندگان هم‌مثل بنده که منحصراً برای‌حفظ حقوق مشارالملک در اینجا آمده‌ایم وعرایض خودم را عرض میکنم نسبت‌بسایر افراد اظهاراتی‌میکردند فقط علاقه‌مندی بسلامت و امنیت عمومی است که فعلا نمایندگان را دعوت بسکوت کرده است

مسرت دیگری هم کمن از کشف این توطئه دارم بواسطه محفوظ ماندن دو عضو مهم دولت‌است که تمام ما علاقه بمصون بودن این دو نفر داریم برای اینکه ما طرفدار اشخاص نیستیم‌واین دو عضو مهم دولت‌درمدت زمامداری خودشان خدماتی بدولت کرده‌اند که کلیه علاقه‌مندان بمملکت را وادار بقدردانی از ایشان مینماید لهذا من از محفوظ ماندن آنها بی نهایت مسرور هستم از اینکه این توطئه کشف شده البته این‌قبیل مطالب هرچه زیاد تر تعقیب و کشف شود ومقصرین واقعی مجازات شوند جامعه و امنیت عمومی بیشتر محفوظ میماند بهمین ملاحظه تصور میکنم مجلس‌شورایملی هم بامن هم‌صدا باشد که باید حقوق افراد و اشخاص درمقابل‌امنیت هیئت اجتماعیه فدا شود تصور میکنم از همین نقطه نظر است که عملیاتی که پس‌از کشف این مسئله بعمل آمده است هنوزمجلس شورایملی بطورسکوت‌تلقی‌میکنند ومنتظر است که بطور خوبی حقیقت کشف شود و پس از اطلاع‌از حقایق امراظهار عقیده‌بکنند واگر این حس نمیبود واین علاقمندی نمیبود شاید سایر آقایان نمایندگان هم‌مثل بنده که منحصراً برای‌حفظ حقوق مشارالملک در اینجا آمده‌ایم وعرایض خودم را عرض میکنم نسبت‌بسایر افراد اظهاراتی‌میکردند فقط علاقه‌مندی بسلامت و امنیت عمومی است که فعلا نمایندگان را دعوت بسکوت کرده است

نمی‌خواهم فعلا در اینجا اظهاری در این‌زمینه کرده باشم فقط من میگویم اصل‌دوازدهم قانون‌اساسی‌باید محفوظ بماند قانون اساسی میگوید که بهیچ‌حق و بهیچ عنوانی نمیتوان متعرض اعضای مجلس شورای ملی شد مگر با موارد خاصی‌آنهم با اطلاع‌وتصویب خود مجلس شورایملی بنا براین مقتضی بود که اگر مشارالملک شرکت در این توطئه داشت ابتداء مراجعه بمجلس شورایملی میشد وبا تصویب مجلس هر نوع مجازاتی که مقتضی بود در باره او اجرا میشد در صورتیکه فعلا میشنویم مشارالملک راتبعید کرده‌اند و رفته است اگر این مطلب حقیقت داشته باشد من از مجلس شورایملی و همچنین از رئیس محترم مجلس استدعا خواهم کرد که مداخله‌بفرمایند در هر جائی که‌مشارالملک‌هست متوقف باشد وبماند تا آنکه هر تصمیمی نسبت بایشان گرفته میشود با اطلاع مجلس شورایملی باشد و خارج از اطلاع و تصویب مجلس نباشد بازهم تکرار میکنم قصدم این نیست که اگرمشارالملک‌در این توطئه شرکت‌داشت از مجازات معاف باشد نه بلکه معتقد هستم که‌حقیقت همیشه باید مکشوف بشود که هر کس مقصر است بدون ملاحظه مقام‌ورتبه باید مؤاخذه و باز خواست شود ولی مشارالملک وکیل مجازاتش هم‌بایددرتحت نظر مجلس شورایملی باشد همچنین استنطاقش هم درتحت نظرمجلس باشد این قضیه را که‌عرض کردم برای شخص مشارالملک نیست بلکه راجع باصل دوازدهم قانون اساسی است واستدعا میکنم مجلس شورایملی بنام حفظ قانون اساسی دقتی که لازم‌است در این‌زمینه بنمایند (گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده وارد در اصل این قضایای اخیر نمیشوم همچنان که آقای سردار فرمودند مجلس شورایملی منتظر است پس از کشف یك سلسله حقایق‌راجع بوقایع‌اخیره‌آنوقت نظریات خودش را اظهار کند ولی نسبت به آقای مشار الملک چون یکنفر نماینده ملت است وتازمانی که اعتبارنامه ایشان را مجلس رد نکرده است‌سمت نمایندگی دارد مطابق اصل دوازدهم قانون اساسی کسی‌نمیتواند بدون‌تصویب وموافقت‌مجلس شورایملی نسبت بیك نماینده بی احترامی کند چنانکه همه آقایان میدانند به آقای مشارالملک نسبتهائی داده میشود ولی حقیقت معلوم نیست که این نسبتها صدق است یا کذب و در صورت صدق تاچه درجه میتوان این نسبتها را مدلل کرد همه میدانند نسبت بآقای مشارالملک هیچ رسیدگی بعمل نیامده است و آقای سردار فرمودند که مجلس باید اقدامی بکند که در هرنقطهٔ آقای مشارالملک هستند متوقف باشند بنده این عقیده را ندارم بلکه عرض میکنم مجلس باید اقدامی بکند که مشارالملک را بطهران عودت دهند که باحضور خود مشارالملک ودرتحت نظریات‌مجلس شورایملی رسیدگی بعمل بیاید (گفته شد صحیح است) اگر هرآینه نسبت سوئی که باو میدهندخدای نکرده واقعیت پیدا کرد ومعلوم شد آنوقت باز در تحت نظریات‌مجلس باید مجازات شود . فرق‌نمیکند اگر یکنفر نماینده خدای نکرده مرتکب جنحه و جنایتی گردد باید مجازات شود قانون اساسی‌نماینده را از مجازات مصون نمیکند میگوید باید در تحت نظریات مجلس مجازات شود آقای مشارالملک هم راجع باین نسبتهائی که بایشان میدهند باید درتحت نظر مجلس شورایملی محاکمه شود اگر خدای نکرده نسبتها صدق باشد باید مطابق قانون‌مجازات شود واگر صدق نباشد آنوقت نسبت بیکنفرنماینده که توهین وارد شده خود دولت باید جبران کند و همینطور بواسطه این بی احترامی ها که بایشان شده ازطرف مجلس‌باید مساعدت شود وحفظ‌حیثیات ایشان بشود .

رئیس- البته تصدیق خواهید فرمود که حفظ ومصونیت یکنفر وکیل ورعایت اصل دوازدهم‌قانون اساسی اختصاص بریاست مجلس ندارد این‌یك‌چیزی است که راجع بفرد فرد وکلا است که باید سعی و اهتمام داشته باشند که اصل دوازدهم قانون اساسی که راجع بخود آقایان ومصونیت آنها است محفوظ بماند . معذالك بنده در این چند روزه در غیاب مجلس بقدری که مقتضی بود اقدام کردم بعدازآنکه شنیده شد که توطئه کشف شده واسم مشارالملک هم برده میشد بنده احتیاطاً به‌آقای رئیس الوزراءپیغام نمودم که اگر تعرض نسبت به آقایان وکلا شودباید بتصویب مجلس باشد بعداز این پیغام یك رقعه از طرف آقای رئیس الوزراء خطاب بمجلس رسید که مشارالملک مظنون‌است وموافق اصل دوازدهم‌قانون اساسی بمجلس مراجعه میشود که سلب مصونیت ازاو بشود واورا تعقیب نمایند چون بنا بود روزبعدهیئت وزراء بیایند در مجلس معرفی شوند وبنده میدانستم بمجرد وصول یك‌رقعه شاید آقایان وکلا قانع‌نشوند وتوضیحاتی از آقایان وزراء بخواهند این بود که بنده خیال کردم بهتر این باشد آن رقعه درموقعیکه آقایان وزراء برای معرفی بمجلس میآیندقرائت‌شده وآقایان نمایندگان هرگاه توضیحاتی لازم بدانند آنوقت بخواهند ولی تشکیل هیئت وزراء برای‌پاره پیش آمدهای غیر مترقبه دو روز بتأخیر افتاد در این ضمن بنده شنیدم که آقای مشارالملک مسافرت کردند فوراً رقعه برئیس الوزراء نوشتم که بنده برای سلب مسئولیت خود در مقابل مجلس بهیئت دولت اطلاع میدهم که اگر برضد اصل دوازدهم قانون اساسی نسبت بیکی از نمایندگان تعرض شده باشد تمام مسئولیت متوجه هیئت محترم دولت خواهد بود. در جواب رقعه بنده یکساعت قبل مراسله دیگری از آقای رئیس الوزراء رسیده مشعر براینکه تلگراف کرده ام مشارالملک در همدان توقف نماید تاملت مسافرت ایشان معلوم گردد بنابر این سعی کرده ام که آقای مشارالملک از خاك ایران خارج نشوند دیگر مابقی اقداماتش‌باخود مجلس است ودرغیاب آنقدر که مقتضی بود بنده اقدامات کرده‌ام البته خود آقایان وکلاهر اقداماتی که لازم است خواهند نمود اگر صلاح بدانند درمجلس علنی والا کمیسیونی‌معین شود واقدامات مقتضیه بعمل‌آید.

سردارمعظم- بنده باندازه سهم‌خودم‌بدواً از آقای رئیس تشکر میکنم دراوقاتی که مجلس‌جلسات علنی‌نداشته است اقدامات‌مقتضیه را فرموده ومراعات ضبط قانون اساسی را به هیئت دولت خاطر نشان فرموده‌اندبنده‌شنیده بودم مشارالملک‌را تبعید کرده‌اند و البته تصدیق میکنید که تبعیدهم یکنوع مجازاتی است که ممکن است نسبت بمقصرین اعمال شود- از این نقطه‌نظر بود که بنام اصل دوازدهم قانون‌اساسی عرض کردم که اعمال این مجازات در حق نماینده بایستی بتصویب مجلس باشد ولی مطابق شرحی که فرمودند معلوم میشود که آقای مشارالملک خودشان مسافرت نموده‌اند .

رئیس — بنده عرض نکردم خودشان مسافرت نموده‌اند اگر مایلید مراسلاتی که دراین موضوع رد و بدل شده است قرائت شود تا مطلب مکشوف گردد .

سردارمعظم — البته اگر قرائت شود عیبی نخواهد داشت .

(آقای امیرناصر مراسله اول را بمضمون ذیل‌قرائت نمودند)

ریاست محترم مجلس‌شورای ملی دام‌بقائه

از چند روز قبل راجع بسوء قصدی که نسبت بدو نفر از اعضای دولت کشف‌شده‌بود اشخاصی‌مورد سوء ظن واقع شده دستگیر شدند ضمناً از قرار رایورت محکمه‌آقای مشارالملك نیز درعداد‌مظنونین واقع و حکومت نظامی تقاضای جلب و استنطاق ایشانرا نموده بملاحظه رعایت اصل دوازدهم قانون اساسی استحضار خاطر محترم رالازم دانسته زحمت افزا گردید .

رئیس — دفعه ثانوی است قرائت میشود .

(آقای امیرناصر دفعه مزبوره را بانضمام سواد مراسله محاکمات نظامی بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ریاست محترم مجلس شورایملی‌شیدالله‌ارکانه

در تکمیل مراسله نمره (۹۸۱۰) مورخه دوم برج جاری اینك مواد مراسله که از محاکمات‌نظامی نوشته‌اندلفاً برای مزید اطلاع خاطر شریف‌ارسال میگردد (سوادمراسله محاکمات نظامی)

(مقام منیع ریاست وزراء عظام دامت‌شوکته)

نظر باینکه آقای مشارالملك وزیر دربار متهم باقدام برعلیه حکومت وقت و تشکیل و تأمین کمیته تروریزم برعلیه امنیت داخلی و سوء قصد نسبت به حضرت اشرف عالی و حضرت اشرف آقای وزیر جنك و چند نفر میباشد لذاجلب و استنطاق‌مشارالیه ضرورت فوری دارد دلائل و اماراتی که بر اتهام مشارالیه بوده است و افشاء آن اقتضاء مینمایدعبارت است از راپورتی که بوزارت جلیله جنك رسیده و اظهارات حسن‌آقا و محمدعلی منظور نظام و میرزا احمدخان برادر سالار مازندرانی و استنطاقات فلا معلیمان معظم‌الممالك و امارات و قرائن قویه‌اظهار اشخاص مزبوره را تائید مینماید و آنچه ازاظهارات ظهیرالاسلام نیز موید این معنی است و شواهد و قرائن خارجیه دیگر که ذکر چگونگی آن مخالف اقتضاء ترتیبات استنطاقیه است اگرچه نمایندگی مشارالیه هنوز رسمیت وتمامیت نیافته تا احتیاج‌قطعی در جلب و استنطاق‌مشارالیه باستحضار مجلس‌مقدس شورایملی داشته باشد ولی‌چون مشارالیه وزیردربار و نمایندگی ایشان مورد ظن واحتمال میباشدعلیهذا

برای اعتراضاتی که در اطراف جنایت مورد اتهام برای شرکا جرم مزبوره وسیله طفره و تحاممی بدست نیامده مراتب را بعرض رساند که قرار جلب واستنطاق مشارالیه را بهر ترتیب که مقتضی بدانند داده مراتب را مرقوم فرمایند که کمیسیون بوظایف خود اقدام نماید اعضاء اعضاء کمیسیون .

نصیر السلطنه - مراسله درچه تاریخی نوشته شده است ؟

امیرناصر - چهارم میزان .

رفعت الدوله - ضمیمه بامضای که نوشته شده است .

امیرناصر - امضاء نداردفقط نوشته شده‌است (اعضاء کمیسیون)

امیرناصر - سواد مراسله ایست که از طرف ریاست مجلس شورای ملی برئیس الوزراء نوشته شده است .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

فدایت شوم از قراریکه مذکور شد آقای مشارالملك را امروز بطرف قزوین بردند درصورتیکه هنوز مجلس شورایملی درباره ایشان رأی نداده و ماده دوازدهم قانون اساسی رعایت نشده است برای رفع مسئولیت خود درمقابل مجلس مزاحم شدم البته‌هیئت محترم دولت نیز متوجه مسئولیت خود شده اقدامات مقتضیه خواهند فرمود امضاء مؤتمن الملك .

رئیس - رقعه ایست دوساعت قبل در جواب این مراسله رسیده است (آقای امیرناصر بمضمون ذیل قرائت نمودند) .

فدایت شوم- رقیمهٔ محترمه راجع بمسافرت آقای مشار الملك رسیدوصول بخشید اطلاعاً زحمت میدهم بعد ازاطلاع ازمسافرت ایشان تلگراف کرده ام در همدان توقف نمایند تا علت مسافرت معلوم گردد ایام اقبال مستدام .

رئیس- حالا اظهاراتی دارید بفرمائید .

سردارمعظم - قبل ازاینکه راجع بانمطلب خاص عرضی بکنم لازم است راجع بیك عبارتی که در راپورت محاکمات نظامی نوشته شده چند کلمه گفته شود همین عبارت راپورت درست درنظرم نیست ولی مفادش این بود که چون اعتبار نامه مشارالملك هنوز تصویب نشده‌است باین‌جهت نمایندگی مشارالملك کانه رسمیت ندارد وگویا ازهمین نقطهٔ نظرخودشان را مستغنی از مراجعه بمجلس شورایملی دانسته اند دو کلمه است که دردوره چهارم در این مملکت پیدا شده اول اینکه ما مکرر میشنیدیم که مجلس هنوز رسمیت ندارد غافل ازآنکه همان روزی که شاه بمجلس میآید ومجلس را مفتوح مینماید مجلس رسمی است ودارای تمام‌اعتبارات واختیارات‌لازمه در اموردا خلی مجلس میباشد مثل رسیدگی باعتبارنامه‌ها یا انتخاب هیئت رئیسه دائمی یا موقتی که از وظایف داخلی مجلس است (گفته شد صحیح است) دیگرراجع به رسمیت نمایندگان است که گفته میشود تااعتبارنامه - هایشان نگذشته است رسمیت ندارد خیراینطور نیست واین مسئله حقیقت ندارد اما آنروزی که نمایندگان بطهران میآیند ویا لااقل ازروزی که شاه مجلس را رسمیت میدهد از آن روز نمایندگان دارای تمام اقتدارات واختیاراتی هستند که قانون اساسی برایشان تعیین نموده است و رسیدگی یا عدم رسیدگی به اعتبارنامه آنها از مصونیتشان چیزی نمیکاهد این مسئله ایست که بنده درمقابل آن جملهٔ کمیسیون‌لازم دانستم درمجلس توضیح‌شود اما راجع باصل‌موضوع عبارات مراسلهٔ رئیس دولت حاکی ازاین است که مشارالملك خودش مسافرت نموده و در تحت تأثیر اقدامات دولت تبعید نشده است و الا نمیتوشتند که پس ازاطلاع ازمسافرت مشارالملك تلگراف کرده‌ام درهمدان توقف نمایند تا علل مسافرتش معلوم‌شود از عبارات این رقعه یك اشکال من راجع باصل دوازدهم وچهاردهم قانون اساسی بود فعلا مرتفع شد ولی یك اشکال دیگر برای من باقی است وقتی از اینکه آن اشکال را عرض کنم همانطور که از قانون اساسی راجع به آقای مشارالملك چند کلمه عرض کردم خودرا ناچار می بینم که بگویم مقتضی بود آقای مشارالملك‌هم همان وقتی که‌مورد سوء ظن‌واقع‌شده بودند یعنی قبل ازمسافرت‌بایستی بمجلس مراجعه‌مینمودند وبرای‌اثبات برائت‌ذمه‌خودشان متوسل بمجلس میشدند یا اقلا بنویسند یا بیایند در مجلس این اظهارات رابکنند حالا اینطور نشده بود ومطابق راپورتهائی که خوانده شد آقای مشارالملك مورد سوء ظن واقع شده‌اند در اینصورت موردی برای رفتن‌ایشان باقی نمیماند ومیل ایشان بمسافرت هیچ معنی نخواهد داشت و بنده هیچ نمی فهمم از طرفی میگویند یك‌شخص شریك‌درتأسیس ترورداست ومیخواهد آدم بکشد بعد گفته میشود مسافرت کرد ورفت اگر آدم کشی باین آسانی باشد پس یکنفر آدر باقی نخواهد ماند البته آدم کش باید تعقیب شود آدم کش باید مجازات شود کلیه باید هر تقصیری مجازات داشته باشد وباید بالاخره یك روزی برسد که‌مجازات مرسوم گردد و بااین اصول هرج‌و مرج زندگانی اجتماعی غیر ممکن است یك کسی میخواهد آدم بکشد اول تحقیق نمکنیم راست است یا دروغ بعدخودش‌میگوید‌میخواهم‌بروم‌میگوئیم بفرمائید بروید درباز است . آخرسایرین‌هم حق‌دارند ایران‌خانه ما است تمام ایرانیها میخواهند در تحت لوای امنیت وآزادی زندگانی کنند امنیت و عدالت غیرممکن‌است بدون‌مجازات‌حاصل‌شود اگرجلوگیری از یك یا دو نفر نشود وصرفنظر ازمقام و رتبه آنها نتمایند وبا مراعات‌مجاری قانونی آنهارا مجازات نکنند البته هیئت اجتماعی هیچ نوع ضمانتی نخواهد داشت پس‌بنا بر این اگر اشکال اول من بملاحظه مراسلات دولت مرتفع شود اشکال ثانوی من درهر صورت باقی است معهذا پس از خواندن مراسلات حاضرم تا روز یکشنبه صبر کنم تاهیئت دولت‌تحقیقات خودش‌را نموده وتوضیحات خودرادر مجلس شورای ملی اظهار کند ولی تصور نمیکنم مجلس شورایملی بتواند باین الفاظ قناعت‌بکند ومطلب باید‌بیشترمورد تعقیب‌واقع شود

رئیس — اگرمجلس مذاکرات را باین قدر کافی میداند مطلب بماند‌برای روزیکشنبه که‌آقایان وزراء برای معرفی بمجلس می‌آیند آنروزاین رقعه‌ها مجدداً قرائت‌شودومذاکرات‌لازمه‌شده‌وقراری که‌اصلاح بدانند داده شود (بعضی گفتند صحیح‌است)

محمدهاشم میرزا - بنده اخطار قانونی داشتم میخواهم یاد آوری کنم اگر اجازه میفرمائید امروز عرض کنم والا بماند برای روزیکشنبه

رئیس - بفرمائید

محمد هاشم میرزا - عرض بنده راجع بفرمایشی است که آقای سردار معظم فرمودندوکیل از موقعی که مجلس شورای ملی‌افتتاح میشود وکیل است عقیده بنده این است که اول وکالت وکیل از وقتی است که اعتبارنامه در دست میگیرد واگر آقای سردار معظم موافق قانون انتخابات نظری دارند بفرمایند .

رئیس - نمایندگی‌از روزیستکه انجمن‌نظارت انتخابات اعلان‌میکنند که‌فلانکس وکیل‌است ازآنروز نماینده وکیل و مصون است .

سردارمعظم - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

سردارمعظم - بنده نظر باینکه موردخاصی درتحت مذاکره نبودم گفتم (اقلا) چون ممکن است اشخاصی باشند که این‌نظر راداشته باشند ولی بنده شخصاً این‌نظریه راندارم واینطور که فرمودید نظرم این است که پس از استخراج آراء اوراق انتخابیه شخصی که دارای‌ورقه واعتبارنامه حوزه‌انتخابیه‌میشود وکیل است ومن از آنوقت او را وکیل میدانم ولی ممکن است اشخاصی باشند که این عقیده را نداشته باشند واگر اینطور میگفتم همینطور که حضرت‌والا ازاینطرف اعتراض کردند ممکن بود معترضی پیدا شود وازآنطرف اعتراض کند چون اینمسئله یکجمله معترضه بود باینجهت گفتم (اقلا) اززوزی که مجلس افتتاح میشود وکیل است .

رئیس - دستور امروز اولا رسیدگی باعتبار- نامه‌های آقایان شیخ‌العراقین وامیر کل ثانیامذاکره در پیشنهاد های‌واصله از ریاست‌وزراء ووزارتخارجه راجع بمهاجرین گیلان و تعمیرسد جاجرود وعهدنامه بین‌دولتین ایران و افغانستان وایران وچین وتکمیل انتخاب کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان

آقای حاج شیخ محمد جواد تشریف بیاورید راپورت شعبه را قرائت بفرمائید (آقای حاج شیخ محمدجواد راپورت شعبه اول‌را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

در تاریخ ذیحجه ۳۸ انتخابات ساری و توابع شروع شده پس‌از دادن تعرفه و اخذ رأی وقبل از استخراج آراء بموجب شکایت امیر مؤید و سردار جلیل وغیره در طهران وجمعی ازاهالی مازندران از محل‌بدولت مبنی براعمال غرض‌کردن انجمن نظار و تبعیض در دادن تعرفه ازطرف هیئت‌دولت انتخابات توقیف و بسر کشیك‌زاده مأموریت تفتیش انتخابات ساری داده میشود که بآن محل رفته وپس‌از تفتیش هرگاه انتخابات راموافق قانون دیده رفع‌توقیف را بنماید و اگر انتخابات را صحیح ندانست بمرکز راپورت داده و آن انتخابات را کان‌لم‌یکن فرض کرده تجدید انتخاب نماید

سر کشیك‌زاده مطابق راپورتی که به‌هیئت‌دولت داده‌است جریان انتخابات رامخالف قانون‌دانسته در تاریخ ۲۷ قوس‌دردارالحکومه‌باحضور رؤسای‌ادارات وچندنفر ازاهالی آرائیکه درصندوقها بوده‌سوزانیده وصورت مجلس مینویسد هفده‌نفر حاضرین مجلس که دونفر ازآنها ازنظار بوده‌اند امضاء کرده و تصدیق

نموده‌اند که‌سه‌صندوق دست‌خورده‌بوده‌بعداز‌معدوم کردن آراء سابق حسب‌الامر وزارت داخله انجمن نظاری مجدداً تشکیل واعلان تجدید انتخابات‌داده شده‌است دراینجا از ذکر این‌نکته ناگزیر است که این عمل مخالف قوانین جاریه بوده قانون بکسی حق چنین اقدامی رانمیدهد بلکه‌قانون صریحاً میگوید شکایت مانع جریان انتخابات نیست وباید بجریان انتخابات ادامه داده وشکایت واصله را ضمیمه صورت مجلس نموده حکمیت مختص مجلس شورای ملی است حتی هیئت‌نظار هم‌حق‌وصلاحیت معدوم کردن آثارانتخابات راندارد لذا لازم‌است که این‌قضیه جداً تعقیب شود و از آمر و مرتکب بازخواست گردد تادرآتیه چنین عملیات که مخالف‌روح قانون‌است تکرار نشود .

شعبه اول برای اینکه کاملا در اطراف این قضیه مطالعات عمیقه کرده‌باشد باشعبه‌سوم که شرکت در رسیدگی بانتخابات مازندران با شعبه اول داشت منضم گردیده پس از شور و مداقه کامل در دوسیه بواسطه معدوم شدن آثار انتخابات سابق بنحویکه ممکن نبود نتیجه ازآن بدست‌بیاورند معتقد شدند که باتوجه دادن نمایندگان محترم بچلوگیری از وقوع این قبیل عملیات در آتیه بانتخابات ثانی رسیدگی نمایند — لذا بانتخابات دوم‌رسیدگی نموده راپورت آنرا تقدیم مجلس شورایملی مینماید .

انجمن نظار در سوم جدی تشکیل شده در چهارم جدی اعلان انتخابات را منتشر کرده اند از ۱۴ الی ۲۶ جدی ۴۵۲۰ ورقه تعرفه داده اند تا چهارم‌دلو ۴۱۹۳ ورقه‌رأی اخذ کرده اند شش‌شعبه نظارت در - اشرف-سواد کوه چهاردانگه‌هزار جریب - چهاردانگه پشت کوه دو دانگه- علی آباد - بندپی تشکیل نموده اند و ۱۲۰۰۰ تعرفه در نقاط شش گانه داده شده‌درنتیجه استخراج آراء آقای آقاشیخ‌محمدرضای‌شیخ‌العراقین زاده‌باکثریت ۷۵۲۳ رأی‌برای عضویت مجلس‌شورای ملی انتخاب شده اند .

در موقعی که دو صندوق آراء سواد کوه‌وچهار دانگه هزارجریب را بساری آورده‌اند مطابق‌صورت مجلس بواسطه تحریکاتی که‌بر ضد انتخابات میشده هفت روز استخراج آراء برحسب حکم ایالت‌بتأخیر افتاده و شهر را نظامی کرده اند .

بعدازاستخراج آراء و تشخیص اکثریت جمعی به تلگرافخانه متحصن شده تلگرافاتی‌مبنی‌برشکایت از سوزانیدن اوراق رأی انتخابات اول وسوء جریان انتخابات دوم بدولت مخابره کرده و تقاضای تجدید انتخابات را نموده اند کتباً هم شکایاتی به مجلس رسیده که صندوق آراء چهار دانگه را باز نموده و آراء تبدیل کرده اند هیئت دولت‌درمخابره‌حضوری با متحصصین در تلگرافخانه آنها را به‌تجدیدانتخاب چهار دانگه قانع کرده و از تحصن خارج مینماید ولی انتخاب چهاردانگه تجدید نشده وخاتمه‌بانتخابات میدهند — نیز تلگرافاتی از طبقات مختلفه بدولت مخابره شده‌است‌مبنی‌بررضایت و حسن‌جریان‌انتخابات و اینکه متحصصین طرفداران امیر مؤید هستند پس از یأس‌ازوکالت بنای های و هوی را گذارده‌برای مشوب کردن ذهن اولیای امور‌در تلگرافخانه‌متحصن شده این اظهارات را مینماید شعبه اول و سوم پس‌از رسیدگی بدوسیه‌انتخابات و مداقه در شکایات کلیه اظهارات متشکیان به دو قسمت منقسم نمود قسمت اول از شکایات راجع است به بر هم زدن انتخابات اولیه وسوزاندن اوراق رأی قسمت دوم متوجه است بسوء جریان انتخابات ثانی و دست خوردن آراءشعبه چهاردانگه هزار جریب - در قسمت اول چنانچه در مقدمه راپورت ذکر شد هرقدر شعبه تعقیب میکرد بواسطه نسوزاندن‌رأی به نتیجه منتهی نمیشد و در قسمت ثانی مطابق صورت مجلس و تصدیق ایالت و تلگرافات واصله جریان انتخابات مطابق قانون بوده است چون در شعبه چهاردانگه کعده ازاهالی مدعی دست خوردن آراء آن هستند و دولت امر به تجدید انتخاب آن نقطه کرده آیا ملت هم در ذیل صورت مجلس حکمیت‌آن‌را موکول به مجلس‌شورای ملی کرده است آقای شیخ العراقین زاده ابداً رأی نداشتند در بقیه انتخابات هم اعتراضی نبود علیهذا اشکالی بنظر شعبه اول و سوم‌نرسیده نمایندگی‌آقای شیخ العراقین زاده را تصدیق مینمایند .

رئیس — آقای مدرس مخالف‌هستید؟

مدرس — چون عضو شعبه هستم در موقعی که مداقه میشد مریض شدم توضیحی میخواهم

رئیس — یا باید مخالف باشیدیا موافق .

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب — بنده راپرت‌را نفهمیدم اجازه میفرمائید مجدداً قرائت شود چون‌خیلی‌مفصل‌و فهمیدن آن مشکل بود اگر ممکن‌است‌طبع‌وتوزیع شود و الا من مخالفتی‌ندارم لکن چون خیلی مفصل بود اگر ممکن است طبع و توزیع شود بعداً رأی گرفته شود .

محمدهاشم‌میرزا — بنده پیشنهادی تقدیم کردم قرائت فرمایند .

(آقای امیرناصر پیشنهاد رابمضمون ذیل‌قرائت نمودند)

بنده‌پیشنهاد میکنم راجع بانتخاب آقای شیخ العراقین زاده طبع و توزیع شده در جلسه‌بعده‌مطرح مذاکره شود .

رئیس — رأی میگیریم آقایانی که موافق با این پیشنهاد هستند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس — تصویب‌نشد — رأی‌میگیریم‌بنمایندگی آقای‌شیخ العراقین زاده آقایانی که نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(غالباًقیام نمودند)

رئیس — تصویب شد . آقای جلیل الملك

(احضار برای‌قرائت راپورت)

(آقای جلیل الملك‌راپورت‌شعبه سوم‌رابمضمون ذیل‌قرائت نمودند)چون از شعبه‌ششم راپورت‌مشروح راجع بانتخاب حوزه کرمانشاهان‌بعرض مجلس‌شورای ملی‌رسیده و خاطر محترم‌آقایان نمایندگان ازجریان انتخابات آن‌حوزه کاملا مسبوق‌و مستحضر است شعبه سوم‌زائدمیداندراپورت‌ترتیب‌جریان‌انتخابات کرمانشاهان راتکرار نمایداین‌است‌بطوراختصار‌بعرض میرساند که آقای امیرکل از حوزه انتخابیه کرمانشاهان باهمان جریان انتخاب سایر نمایندگان آنجا باکثریت — رأی انتخاب شده است و شعبه سوم صحت انتخاب ایشانرا تصدیق مینماید .

رئیس — نسبت باین راپورت مخالفی نیست ؟ .

تدین — عده کافی نیست .

رئیس — چون عده کافی‌نیست مسئله دیگری مطرح میشود .

(آقای امیرناصر پیشنهاد آقای رئیس‌الوزراء را راجع بتعمیر سد جاجرود بمضمون ذیل قرائت نمودند) .

مقام محترم مجلس شورایملی شیدالله ارکانه

در سنه ماضیه بواسطه کثرت بارندگی وطغیان آب سد رودخانه جاجرود درچندنقطه خراب ومحتاج بتعمیر شده و چنانچه در هذه السنه تا موقع منقضی نگشته فوراً تعمیر نگردد ، بیم آن است که دربهار آتی مابقی سد منهدم ودرنتیجه اولا چندین قریه و آبادی خالصه از میان برود و ثانیاً مخارج هنگفتی از بابت تجدید تعمیر سد بخزانه‌دولت‌تحمیل شود این است که برحسب برآوردمهندسین‌اداره‌خالصجات وپیشنهاد وزارت مالیه بقید فوریت ماده ذیل‌را برای مخارج تعمیرات فعلی سدمزبور پیشنهاد وتصویب‌آن تقاضا میشود تا ازقلیل فرصتی که باقی‌مانده استفاده وفوراً شروع بتعمیر شود درخاتمه تکرار مینماید که چون تأخیر در اقدام موجب خسارت کلی خواهد بود تصویب اعتبار فوق‌الذکر ضرورت فوری‌دارد.

ماده واحده — برای‌مخارج تعمیرات سدجاجرود موافق برآورد مهندسین اداره خالصات مبلغ پانزده هزار تومان بوزارت مالیه اعتبار داده میشود که در هذه‌السنه بمصرف تعمیرات مزبوره برسد .

رئیس — این تقاضا باید برود بکمیسیون بودجه چون شعبات امروز معین میشود و کمیسیون بودجه‌هم امشب باید معین شود انشاءالله امشب پس از ختم جلسه کمیسیونهائی که از شعبات باید تعیین شوند معین میفرمایند دو سه فقره تقاضا هائی دیگر هم هست که فوریت دارد وباید برود بکمیسیون که تکلیف آنها زودتر معین‌شود .

(آقای امیرناصر پیشنهاد آقای رئیس‌الوزراء را راجع بمهاجرین گیلان بمضمون ذیل قرائت نمودند .)

ریاست‌محترم مجلس مقدس شورای ملی دام‌بقائه

پس‌ازانقلاب گیلان ومتواری‌شدن اهالی‌ومهاجرت آنها به‌تهران علاوه بر اینکه از وجوه اعانه ادارات مرکزی وولایات نسبت بفقرای مهاجرین ازهرگونه مساعدت دریغ نشد چون متمولین و ملاکین آنجا بواسطه دوری ازعلاقه وتفریط دارائی در طهران با حالت اسفناکی زیست مینمودند در کابینه آقای سپهدار اعظم بر حسب تصویبنامه نمره (۸۹۵۷) مورخه ۲۸ عقرب ئیچی ئیل که سوادآن بنمره یك تقدیم میشود تصویب نمودند که از وزارت مالیه تا مدت شش ماه ماهی سی هزار تومان بعنوان قرض مطابق صورتیکه در هیئت وزراء عظام تصویب و بوزارت مالیه ابلاغ شده بافراد مهاجرین پرداخته قبض ذمه با تصمیمات لازمه که وزارت مالیه ترتیب آنرا خواهد داد از آنها دریافت دارند که از قرار صدی دوازده فرع علاوه بدهند و موعد پرداخت وجه استقراض یکسال پس‌ازرفع‌غائله باقساط سنه در اول هر ماهی باشد وزارت مالیه برای تضمین استقراض ملاکین ورقهٔ‌ضمانت‌نامه‌ازمعتبرین‌و متمولین گیلانی ترتیب داده و معادل دویست و هشتاد هزار تومان استقراض دولت را ضمانت نموده اند که‌بشرح

تصویب نامه در موعد خود هر کدام بهر مبلغی که ضمانت وجهی را نمودند ملزم بادای آن باشند در مقابل این تصویب نامه و ضمانت معتبرین ماهی سی هزار تومان در چهارماه قوس وجدی و دلو تمام ودرخواست ثبجی ثیل قسمتی از سی هزار تومان به اهالی قرض خواه گیلان پرداخته شد .

در کابینه سابق نیز بموجب تصویب نامهٔ ۱٤٥٤ مورخه ۲۵ حمل ۱۳۰۰ که ساد آن به نمره ۲ ضمیمه است برای رعایت ملاکین فوق‌الذکر مبلغ ٦۰ هزار تومان تصویب شد که از بانك شاهنشاهی استقراض و بمهاجرین گیلانی داده شده و در عوض املاك آنها رهن گرفته شود که درانقضای مدت اگر باین خود را نپرداختند املاك آنها ضبط شود در اجرای این تصویب نامه بواسطه حاضر نشدن بانك بادای تمام وجه استقراض فقط پانزده هزار تا چهارصد تومان در برج شور بشرائطی که در تصویب نامه ذکر شده بود پراخته شد و بقیه تادیه نگردید برای اینکه مشارالیهم بتوانند باوطان خود مراجعت کنند اخیراً در برج سرطان بوزارت مالیه اجازه داده شد که پانزده هزار تومان دیگر باشروط تصویبنامه ۱٤٥٤ علاوه برقرضه های سابق در مقابل زمین املاك آنها بملاکین مشارالیهم پرداخته شود.

نظر باینکه هنوز قسمتی ازحضرات علماء و ملاکین گیلان نتوانسته‌اند باوطان خود معاودت‌نمایند و قادر برخرج مسافرت نیستند و بعلاوه اقامت آنها در مرکز بانداشتن وسائل اعاشه جز زحمت ومشقت برای خودشان و بالنتیجه برای دولت نتیجه ندارد دولت مقتضی میداند پانزده هزار تومان دیگر با شرائط فوق به آقایان قرض داده شود مراتب را اطلاعاً اشعار داشت که در صورت تصویب مجلس مقدس شورایملی قرار پرداخت آن داده شود

رئیس - این لایحه بکمیسیون بودجه ارجاع می شود .

سردار معظم - اسامی قرض گیرندگان هست .

رئیس - خیر آقا ممکن است از کمیسیون بودجه بخواهند راجع باعتبار نامه امیر کل که‌مخالفی نبود باید رأی بگیریم آقایانیکه وکالت ایشان را تصویب می کنند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند .)

رئیس - تصویب نشد عهدنامه بین ایران و افغانستان قرائت و بعد بکمیسیون خارجه مراجعه می شود (بمضمون ذیل قرائت شد) .

(موادعهدنامه دولت علیه ایران ودولت افغانستان)

چون‌جهت جامعه اسلامیه وروابط نژادی وعلایق حسن مجاورت وهمسایگی دولتین ایران و افغانستان اقتضا داشت که مراودات حسنه وروابط دوستانه بین الدولتین بوسیله انعقاد یك عهد نامه مستحکم گردد لهذا برای اجرای این مقصود مقدس اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب حاجی میرزا حسنخان محتشم‌السلطنه وزیرامورخارجه و اعلیحضرت امیرافغانستان جناب سردار عبدالعزیز خان وزیر مختار و ایلچی معتمد خود را وکلای مختار خود تعیین نموده و مشارالیها پس از مبادلهٔ اختیار نامه های رسمی خود فصول ذیل را منعقد نمودند .

فصل اول - از امروز به بعد دوستی صادقانه‌و مناسبات حسنه فیمابین ایران و افغانستان و اتباع دولتین مزبورتین برقرار خواهد بود .

فصل دوم - سفرای کبار و وزرای مختار و شارژدافر های هریك از دولتین معظمتین متعاهدتین در دربار یکدیگر را از کلیه حقوق و امتیازاتیکه بموجب‌عادات و رسوم بین‌المللی معمول و مقررشده است بهره‌مند خواهند بود .

فصل سوم - اتباع دولتین متعاهدین خواه در موقع مسافرت و خواه در موقع اقامت مورد احترام واقع‌شده و کاملا درحمایت مامورین متبوعه‌خودشان خواهند بود .

فصل چهارم - اتباع دولتین متعاهدین مقیم یا مسافر در ممالك همدیگر تابع قوانین محلی بوده مرافعه و مناقشه و جنحه و جنایت آنها در محاکم عدلیه محلی ایران و افغانستان رسیدگی و تسویه خواهد گردید . مامورین‌سیاسی قونسولگری‌طرفین معظمتین‌بهیچوجه حق دخالت در مسائل قضائی‌اعم از حقوقی و جزائی اتباع خود در خاك یکدیگر نداشته و مرجع کلیه دعاوی اتباع دولتین محاکم داخلی دولت متوقف فیها خواهند بود .

فصل پنجم — دولتین معظمتین متعاهدتین‌حق خواهند داشت قونسول ژنرال وقونسول وویس و قونسول یا وکیل قونسولگری برای اقامتی درشهر های عمده و مراکز تجارتی مملت یکدیگر مامور نمایند ولی مامورین‌مزبور وقتی‌شروع بانجام‌وظایف ماموریت خودهان خواهند نمود که مطابق معمول دولت متوقف فیها تصدیق نامه دولت ماموریت‌آنها صادر شده باشد .

فصل ششم- اتباع دولتین در ممالك یکدیگر از کلیه خدمات نظامی و سایر وظایفیکه مخصوص باتباع داخله هردولت است معاف و مستثنی خواهند بود .

فصل هفتم -در صورت تقصیرو فراریکی ازاتباع دولتین متعاهدین بمملکت دیگری مامورین دولتین معظمتین‌حق‌خواهندداشت که بوسیله‌مجاری‌سیاسی‌اعاده او را بمملکت خود تقاضا نمایند و از طرف‌حکومت از این مساعدت‌خودداری نخواهدشدولیکن‌مقصرین سیاسی از این ترتیب مستثنی خواهند بود

فصل هشتم - برای استحکام مناسبات وداديه‌و روابط‌تجارتی‌طرفین‌متعاهدین‌عهودوقراردادهای‌لازمه بمناسبات تجارتی ورسومات گمرکی و مبادلات‌پستی و تلگرافی‌باسرع اوقات ترتیب‌داده و پس ازانقضاء و تصدیق بموقع اجراء گذارده خواهدشد.

فصل نهم — وقوع جنك بین یکی از دولتین متعاهدتین بادولت‌ثالثی موجب حدوث خلل دررروابط دوستی و مودت بین‌الطرفین نبوده و طرف دیگر ملتزم خواهدبود که از تسهیل مرجبات موفقیت‌دولت دشمن برطبق قوانین بیطرفی احتراز کند .

فصل دهم-برای‌اینکه دوستی و اعتماد صادقانه موجوده بین مملکت شاهنشاهی ایران و مملکت پادشاهی‌افغانستان کامل‌مشهود گردد دولتین‌متعاهدتین مصمم شده‌اند که کلیه‌اشکالات‌مهمه و اختلافات‌حاصله بین خودرا که بطرز مطلوبی از راه مذاکرات‌سیاسی خاتمه پذیر نگردد‌مطابق مقررات‌و عادات‌بین‌المللی مسئله را بحکمیت رجوع نمایند ونیز طرفین متعهد میشوند که از روی صمیمیت کامل احکام صادره را بموقع اجرا گذارند .

فصل یازدهم — این عهدنامه به نسخه‌تین‌بزبان فارسی نوشته میشود.

فصل‌دوازدهم — نمایندگان طرفین متعاهدتین متعهد میشوند که در مدت ۳ ماه از تاریخ امضاء درصورت امکان زوزدتر اسناد لازمه دائر بتصدیق عهدنامه را در طهران یا کابل مبادله نمایند بناء علیهذا نمایندگان طرفین متعاهدتین این عهدنامه را امضاء ومهر نمودند .

طهران بتاریخ ۱۵ شهر شوال‌المکرم ۱۳۳۹ مطابق اول سرطان ۱۳۰۰ امضاء وزیرامور خارجه دولت علیه‌ایران(حسن‌محتشم‌السلطنه)امضاءعبدالعزیز سفیر دولت علیه افغانستان .

رئیس — عهد نامه دیگری است بین دولتین ایران و چین قرائت میشود :

(آقای امیرناصر بمضمون ذیل‌قرائت نمودند)

(سواد عهدنامه مودت فیمابین‌دولت علیه ایران و چین)

چون اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ایران و جناب رئیس جمهوری چین هردو بالسویه واز صمیم قلب مایل هستندروابط دوستی‌ومودت فیمابین‌دودولت برقرار داشته و آن بوسیله عهدنامه‌مودت که بالمقابله بجهت اتباع طرفین متعاهدتین مفید وسودمندباشد محکم نمایندلهذا وکلاء مختار خود را برای‌حصول باین مقصود از قرار ذیل معین نمودند .

اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران جناب میرزا اسحق خان مخم‌الدوله ایلچی مخصوص ووزیر مختار خودشان در دربار ایطالی را جناب رئیس جمهوری چین جناب (وان گراگی) ایلچی مخصوص و وزیر مختار خودشان دربار ایطالی‌را .

بعدازآنکه وکلاء مزبور در رم اجلاس نموده و اختیار امه‌های خود را مبادله کرده و آنرا موافق قاعده و مرتب به‌ترتیبات شایسته یافته درمفاد فصول ذیل متفق‌الرای شدند .

فصل اول - از امروز ببعد دوستی صادقانه و مناسبات حسنه فیمابین ایران و چین و اتباع دولتین مزبورتین برقرار خواهدبود

فصل دوم - سفرای کبار ووزرای مختاروشارژ دافرها کهر یك ازدولتین معظمتین متعاهدتین‌بخواهند بدربار یکدیگر مأمورنمایندخود وتمام اجزاءسفارتی آنها در ممالك طرفین مثل سفراء و مأمورین‌سیاسی دول متحابه کاملةالوداد پذیرفته شده همان رفتار و کاملا همان احترامات و امتیازات را غیرازرسیدگی بمرافعات تبعه دولت خود خواهند بود

فصل سوم- اتباع دولتین‌معظمتین‌معاهدتین‌خواه درموقع مسافرت و خواه در موقع‌اقامت‌مورداحترام واقع شده و کاملا در حفظ و حمایت احکام آن مملکت و مأمورین دولت متبوعه خودشان‌خواهندبود

فصل چهارم - اتباع منظمین معاهدتین مقیم یا مسافر در ممالك همدیگر تابع قوانین محلی بوده مرافعه ومناقشه وجنحه وجنایت آنها در محاکم‌محلی ایران وچین‌رسیدگی وفیصله خواهد گرفت

فصل پنجم- دولتین‌معظمتین‌معاهدتین‌حق‌خواهند داشت قونسول ژنرال وقونسول ویس‌قونسول‌یاوکیل

قونسول برای اقامت در شهرهای عمده و در بنادر مملکت‌یکدیگر که این قبیل مأمورین مجاز به‌اقامت در آنجاهستند مأمور نمایند ومأمورین‌مزبور باستثنای حق رسیدگی بامور مرافعه ومشاجره وجنحه وجنایت تبعه از تمام‌حقوق وامتیازات که‌بمأمورین‌قونسولگری دول کاملة الوداد داده شده بهره‌مند خواهند بود مأمورین مزبور باید قبل از شروع به انجام وظایف مأموریت خودشان مطابق‌معمول تصدیق‌نامه‌مأموریت را (اگزکوائر) از دولتی که در مملکت او که در مملکت اواقامت خواهند داشت تحصیل‌نمایند

دولتین‌متعاهدتین اگر مایل شدند یکنفر از تجار را بسمت جنرال قونسول یا و یس قونسول یا وکیل قونسول معین نمایند مأموریت آن افتخاری خواهد بود

فصل ششم- این عهدنامه‌در چهار نسخه‌به‌السنه فارسی چینی وفرانسه نوشته خواهد شدا گراختلافی در تعبیر عبارت فارسی یا چینی روی دهد مطابق نسخه فرانسه که برای‌طرفین واجب‌الاجرا است‌قطع خواهد شد

فصل هفتم - این عهدنامه موافق قوانین‌مملکت ایران و چین بتصدیق اعلیحضرت شاهنشاه ایران و رئیس جمهوری چین رسیده هر چه زودتر مبادله خواهد شد

لهذا وکلاء مختار این عهدنامه را امضاء نموده وبمهر خود ممهور داشتند در شهررم بتاریخ‌روز۳ شنبه ۱٤ شهر رمضان یکهـزار و سیصد وسی‌وهشت هجری و قمریه ژون یکهـزار و نهصد و بیست میلادی سال نهم جمهوریت چین.

امضاء : میرزا اسحق خان مفخم الدوله (محل مهر) امضای فرانسه .

امضاء : وان کوان کی (محل مهر) بخط چینی امضای فرانسه .

رئیس — بکمیسیون خارجه ارجاع میشود چیزیکه از دستور امروز باقی میماند تعیین شعبات است بعد وقتیکه بیرون تشریف میبرند تعیین چهار کمیسیون ازشعبات عده حاضر ۷۷ نفر است هرشعبه ۱۳ نفر خواهد بود غیر از شعبه ششم که دوازده نفر است .

(آقای سهام السلطان اسامی نمایندگانرا استقراع نموده و شعب شش‌گانه بموجب شرح ذیل بقرعه معین شدند)

شعبهٔ اول‌آقای نصرة الدوله - آقای‌جلیل‌الملك آقای مؤتمن‌السلطنه - آقای ارباب کیخسرو- آقای محقق‌العلماء - آقای‌آقا سیدیعقوب - آقای‌صدرائی آقای عمادالسلطنه خراسانی - آقای ملك الشعراء آقای حکیم الملك — آقای دکتر لقمان — آقای نصیر یوان — (بعضی گفتند دوازده نفر شد فرمودند۱۳ نفر)

رئیس — دوازده نفر را اول مینویسند بعد پنجنفر باقیمانده را بین شعب تقسیم مینمایند .

شعبه دوم — آقای حاج میرزا اسدالله خان. آقای صدرالاسلام . آقای معتمد السلطنه . آقای آصف‌الممالك . آقای شریعتمدار . آقای‌رفعت‌الدوله آقای سردارمعظم کردستانی . آقای آقا شیخ محمد جواد . آقای مستشارالسلطنه . آقای مدرس . آقای نصیرالسلطنه . آقای آقا میرزا ابراهیم قمی .

شعبه سوم - آقای میرزاعلی کازرونی . آقای حاج شیخ اسدالله . آقای حاج‌مقبل‌السلطنه . آقای مستوفی‌الممالك . آقای سدید الملك . آقای تدین آقای عبیدالممالك . آقای مشیرالدوله . آقای‌حاج آقای شیرازی . آقای حائری زاده . آقای احتشام الدوله . آقای عمید السلطنه (گفته شد وزیر است)

رئیس -ملغی است خارج میشود

(آقای سهام السلطان مجدداً استقراع نموده آقای امین استخراج شد)

شعبه چهارم آقای منتصرالملك - آقای سید فاضل - آقای وقار الملك - آقای رئیس التجار - آقای معتضد الدوله - آقای سلطان‌العلماء - آقای آقا میرزا ابراهیم‌خان - آقای نظام الدوله- آقای فتح الدوله - آقای غضنفرخان -آقای‌سردار معظم خراسانی - آقای آقا میرزا محمد نجات

شعبه پنجم آقای آقاسید کاظم یزدی -آقای عماد السلطنه - نماینده اصفهان آقای حاج میرزا مرتضی - آقای سهام السلطان - آقای بیان الملك - آقای بیان الدوله - آقای سردار مفخم - آقای امیر ناصر - آقای شیخ العراقین زاده - آقای میر سید حسن کاشانی -آقای طباطبائی - آقای عدل السلطنه

شعبه ششم آقای صمصام السلطنه آقای اقبال السلطان - آقای رکن الملك - آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی- آقای امین التجار اصفهانی-آقای سلیمان میرزا - آقای محمد هاشم میرزا - آقای مؤتمن‌الملك -آقای مساوات - آقای آنامیرزاهاشم آشتیانی - آقای شیخ‌الاسلام‌ملایری - آقای فهیم الملك

رئیس عده حضار را که عرض کردم هفتاد و هشت نفر است چون دو نفر (آقای امیراعلم و عمیدالسلطنه) خارج شده اند هفتاد و پنجنفر می ماند لذا هرشعبه۱۲ نفرخواهد بود غیر از شعبه اول و دوم وسیم که سیزده نفر خواهد بود

سهام السلطان بقیه اسامی استخراج میشود شعبه اول آقای مستشار الملك

رئیس حاضر نیستند محسوب‌نمیشود

سهام السلطان شعبه اول آقای شیخ‌الاسلام اصفهانی شعبه دوم آقای آقا میرزا طاهر تنکابنی

رئیس کمیسیونهائیکه حالا باید تشریف ببرند و از شعبات معین فرمائید کمیسیون بودجه ۱۸ نفر کمیسیون محاسبات مجلس ٦ نفر کمیسیون عرایض و مرخصی٦ نفر کمیسیون مبتکرات ٦ نفر بعلاوه ۳ نفر کسر اعضاء کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان هم باید معین شود ۳ نفر معین شده اند ۳ نفر دیگر باید معین شودفراموش نشود چون مدتی است ۳ نفر که معین شده اند منتظر تکمیل عده هستند۳ نفر کمعین شده‌اندآقای مشیر الدوله وآقای سلیمان میرزا و آقای رکن الملك هستند

جلسه آینده روز شنبه ۳ ساعت قبل ازغروب خواهد بود

دستور هم تعیین هیئت رئیسه است

مجلس موقع مغرب ختم شد

جلسهٔ ۳٦
صورت مشروح مجلس یوم شنبه ۱۵ میزان ۱۳۰۰ مطابق ششم صفرالمظفر سنه ۱۳۴۰

(مجلس یکساعت قبل از غروب درتحت ریاست آقای‌مدرس نایب‌رئیس‌تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم پنجشنبه سیزدهم میزان مطابق‌چهارم شهرصفررا آقای‌آصف الممالك‌قرائت نمودند)

نایب رئیس — آقای آقا میرزا ابراهیم قمی (اجازه نطق)

آقامیرزاابراهیم — درصورت‌مجلس بنده‌را درجلسه گذشته عایب بدون‌اجازه نوشته‌اند‌درصورتیکه بنده اطلاع داده بودم .

نایب‌رئیس — اصلاح میشود -آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسیدیعقوب — راجع به‌آن پیشنهادی که ازطرف هیئت دولت درباره مهاجرین گیلان بمجلس آمده بود بنده شرحی داشتم که‌اگر مجلس اجازه میدهدعرض کنم

نایب‌رئیس — حالا موقع آن شرح نیست ممکن‌است در آخرمجلس اظهار نمائید — کمیسیونی که برای تحقیق انتخابات آذربایجان درسابق معین شده بود ۳ نفر انتخاب شده بودند ۳ نفر دیگرهم انتخاب شده اند — آقای بیان الدوله با ۳۷ رأی آقای آقاسید یعقوب با ۳۳ رأی — آقای مستشار السلطنه با ۱۹ رأی — دستور امروز انتخابات‌هیئت رئیسه است ولی کاغذی‌از مهاجرین گیلان رسیده‌است اگر اجازه‌میفرمائیداول قرائت‌شودبعد شروع‌بانتخاب هیئت رئیسه گردد .

(آقای آصف‌الممالك بمضمون‌ذیل‌قرائت نمودند)

مقام منیع محترم ریاست‌مجلس‌شورای ملی دامت شوکته

نظر باینکه‌تضییقات‌وفشارو مصائب با اهالی گیلان بقسمی فوق‌العاده‌است که‌نمیتوان بیش‌از این خودداری نمود نظر باین که باکمال تأسف اهالی گیلان در مجلس شورای‌ملی نماینده ندارند با کمال احترام از حضور مبادك تقاضا و استدعا می نمائیم مقرر فرمائید یکعده از وکلای محترم مجلس معین شده کمیسیونی در مجلس محترم منعقد فرموده‌وچند نفر ازمطلعین‌ما اهالی گیلانهم حاضر شده خاتمه به اوضاع حالیه گیلان بدهند بدیهی است تصدیق میفرمائید که‌این‌استدعامشروع‌دردوره‌های گذشته‌مجلس محترم سابقه داشته مخصوصاً منتظریم هرچه زود تر استدعاء ماها بموقع اجرا رسیده وتشکیل کمیسیون گیلان باهالی اعلام فرمائید

نایب‌رئیس - مهاجرین‌تقاضای‌همچه کمیسیونی کرده‌اندالبته معلوم است‌وکول بنظر مجلس‌شورای ملی است حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان‌میرزا - بیچاره‌بدبخت مهاجرینی که از گیلان آمدند انصافاً راجع بصدمات و زحماتی که این بدبختها در این مدت متحمل شده اند هر چقدر گفته شود کم است بنده محتاج نمیدانم که شرح مفصلی دراین موضوع صحبت کنم که چقدر باین

بدبختان صدمه رسیده رچه گرفتاریها وتلخیها داشته اندبیچاره این یك قسمت اهل مملکت بدبخت تر از همه هستند ودر موقعی کازیك‌قسمت مملکت به‌قسمت دیگر پناه آورده اندآنظوری که باید وشاید از آنها پذیرائی ونگاهداری‌نشده است هرچند که ازولایات مقداز زیادی اعانه داده شده ولیکن محاسبات این عایدات هم مانند سایر محاسبات دولت معلوم نیست و نمی دانم به محل مخصوص خود بمصرف‌رسیده‌یانه‌البته اگررسیدگی‌به محاسبات دوره های فترت بشود معلوم خواهد شد در هر حال بنده گمان میکنم هیچیك ازآقایان که اینجا تشریف دارند مخالف نخواهندبود که باین یك‌مشت اهالی وطن همراهی و مساعدت بشود (اغلب‌تصدیق نمودند) ونصور میکنم همه آقایان و کلاء حاضر هستند بهر نوعیکه ممکن است چه بدولت‌توصیه و تاکید بشود چه اقدامات مقتضیه دیگری بشود که این یك مشت جمعیت مهاجر بیچاره که دراینجاچیزی ندارند در این موقع‌زمستان تلف نشوندالبته‌مملکت ما آنقدرها جمعیت ندارد که بدبختانه در هر واقعه هزاران صد هزاران تلفات بدهم‌و بالاخره مملکتی که‌ازجهت‌سکنه کم جمعیت است روز بروز ازعده‌اش بکاهیم باید البته سعی کنیم که حتی‌الامکان یك نفر از اهالی مملکت ماکم نشود بلکه باید کوشش کنیم که برجمعیت مملکت بیفزائیم(گفته شد صحیح است) زیرا در دنیا حکومت و حاکمیت بنا بر اکثریت است هرچه جمعیت ایران زیادتر بشودالبته اهمیت او زیادتر خواهدشد وموقعیتش درهمه کارها بیشتر خواهد بود فقط چیزیکه باقی میماندو باید عرض کنم این است که موافق نظامنامه داخلی یك کمیسیون که هموطنان عزیز ما خواسته اند یا باید از طرف دولت پیشنهادبشود یا از طرف‌وکلاءچون آقایان گیلانیها پیشنهاد کرده‌اند که از طرف‌وکلا باید معین شود بنده که‌یکنفر ازنمایندگان هستم‌اول کسی هستم که‌پیشنهاد یك کمیسیون را ازبرای کمك و مساعدت باهالی گیلان قبول میکنم وگمان میکنم سایرآقایان‌نمایندگانهم با بنده موافق باشند (اغلب تصدیق نمودند)بنابراین‌لازم نیست اهالی گیلان‌یك کمیسیونی‌پیشنهاد کنند ماخودمان باید یك کمیسیونی پیشنهاد کنیم برای کمك و همراهی نسبت بیك مشت هموطنان عزیز که در این زمستان تلف نشوند وهر قسم کمك‌و پیشنهادی چه ازطرف‌دولت چه ازطرف اهالی لازم است تهیه نمایند که این یك مشت اهالی بدبخت آسوده باشند و تلف نشوند

نایب رئیس -آقای حاج‌شیخ‌اسدالله(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده پیشنهادی دارم می‌نویسم درضمن مذاکره پتشنهادتوضیحات خود را عرض خواهم کرد

مستشار السلطنه-بنده راجع بمهاجرین گیلان علاوه بر مساعدتهای‌مادی که‌حضرت والابیان‌فرمودند چون مساعدتهای مؤثر تری باید از طرف مجلس شورای ملی و از طرف حکومت بشود تأسیس یك کمیسیونی را پیشنهاد میکنم و میخواهم که در آن کمیسیون قضایای اصلیه که مسئله ختم غائله گیلان هست حل‌شود خود گیلانیهاچندان دربند اعانه‌و کمك مادی نیستند زیرا همه آنها صاحبان مکنت وثروت و صاحبان املاك و عزت وراحتی‌هستند بلکه‌نخستین تقاضا و استدعای آنها از مجلس شورای ملی این است (و البته تمام آقایان نمایندگانهم همین عقیده را دارند) که آنهاراحت شده‌بوطن عزیز ومسکن مألوف خود معاودت نموده و در قضیه انتخابات نمایندگان مجلس شورای‌ملی شرکت کنند

نایب رئیس-آقای آقا سیدفاضل درموضوع کمیسیون فرمایشی دارید

آقای سیدفاضل بنده‌خواستم‌عرض کنم که‌وضعیات گیلان خدمت آقایان نمایندگان گمان می کنم محتاج بشرح‌نباشدحقیقتاً وضعیت گیلانیهافوق‌العاده‌رقت‌انگیز است برحسب دعوتیکه درچند روز قبل درخانه‌آقای شریعتمدار آقایان گیلانی‌ها کرده بودند وبنده هم یکی از مدعوین بودم باآنکه بنده مثل خود گیلانی ها ازوضعیات آنها مسبوق ومطلع بودم اما بعد یك چیزهای دیگری مسبوق شدم که مخصوصاً نمی‌توان تحمل کرد مسئله تقاضای مهاجرین گیلان‌نه ازحیث اعانه و کمك مادی است بجهت اینکه بآنهائیکه‌اعانه باید داده شود ومستحق رعایت بودند اعانه داده شده واگر قرضه‌هم‌بایدداده‌شود یك اندازه‌باشخاص لازم داده شده عمده نظر اهالی گیلان این است که چندسال است که ثروت واموال آنها بکلی از بین رفته ومسکن وماوای آنها کاملا دچار مخاطره گشته همه دور ازوطن ودور ازعائله‌ویدراز پسرزن‌ازشوهر خبر ندارد این وضعیات‌را اگر بخواهیم شرح دهیم مثنوی هفتادمن کاغذمیشود حاصل این است که وضعیات گیلان‌خیلی اسف‌آوروعطف نظر بوضعیت مهاجرین که انشاءالله الرحمن بساتوجهات آیاین نمایندگان بزودی بوطن مألوف خودشان مراجعت نمایند وآسایش داشته‌باشند فوق‌العاده لازم وضرور است واین کمیسیون‌را بنده موافقم وکمال رضایت‌و موافقت‌را دارم که یك کمیسیونی ازطرف آقایان نمایندگان پیشنهاد شده وبادولت درترتیب آسایش مهاجرین گیلان کمك کنند که در نتیجه می‌توانند بااحترام بوطن وخانه خودشان مراجعت کنند

نایب رئیس - آقای آصف‌الممالك (اجازه)

آصف‌الممالك -بنده‌درباب‌وضعیات‌زندگانی اهالی گیلان چیزی نمی‌خواهم عرض کنم‌چون برهمه آقایان کاملا واضح است و زحماتی را که آنان دیده وکشیده‌اند همه آقایان بخوبی می‌دانند بنده راجع بیك قسمت که درعریضه خودشان بمجلس اظهار کرده بودند که (متاسفانه نمایندگان ماباین دفعه در مجلس نیستند) می‌خواهم عرض کنم که همه آقایان نمایندگان گیلان هستند و علاقه صحه نمایندگان گیلان‌بآنجا دارند همه آقایان‌نمایندگان دارند وتصورمی کنم بامجاهداتی که دولت‌فعلامبذول داشته اسباب آسایش آنها فراهم وطوری بشود که بتوانندبوطن خود معاودت بنمایند وانشاءالله بزودی نمایندگان آنها هم تشریف آورده وباما شرکت خواهند کرد

(گفته شد صحیح است)

نائب رئیس — آقای شیخ‌الاسلام(اجازه)

شیخ‌الاسلام اصفهانی— بنده فرمایشات شاهزاده سلیمان میرزا وسایر آقایان‌را تصدیق دارم وکمك ومساعدت بابرادران گیلانی‌راهم لازم‌میدانم الا اینکه حضرت والا جمله فرمودند راجع به پولی که از ولایات آمده بود بنده از اعانه سایر ولایات خبر ندارم فقط از اعانه که از اصفهان آمده بود خبر دارم که دوهزاردوهفتصد تومان وکسری‌بعنوان اعانه از برای غارت زدگان گیلان‌توسط بنده‌وآقای امین‌التجار برحسب چندطغرا حواله‌تلگرافی آوردند بنده پس از سئوال و جوابهائی که با آقای رئیس الوزراء کردم برات‌را خودم‌شخصاً به کمیسیون برده ومأمورین کمیسیون‌برات‌رابردند ویولهایش‌را گرفتند و تاقران آخر خود بنده نشسته بودم که فیمابین حضرات گیلانی تقسیم نمودند بنده از کمیسیون‌قبض دارم وصورت جزئی‌هم داده‌اند موجود دارم و علاوه این پول به‌مصرفی رسید که اسباب تحسین وتمجید همه شد زیرا که صدوهشتاد وهفت نفر از مهاجرین گیلان بواسطه این پول بوطن خودشان رفته وبعد هم تحقیقات کردم بسلامتی وارد شده بودند مقصود این است که یك شاهی از اعانه اصفهان تبذیر و ضایع نشد .

نایب‌رئیس — بنده عرض می کنم که همه ما باید قدرآقای‌مؤتمن‌الملك‌را بدانیم بواسطه‌آنکه اکثر خارج‌از موضوع‌صحبت می‌دارید بطورنزاکت هم گفته میشود بازهم ملاحظه نمی‌فرمائید بنده‌تصور می کنم مذاکرات دراین‌مسئله کافی باشد همانطور که اغلب آقایان‌فرمودندمسئله گیلانی اظهرمن‌الشمس وبرهرکس واضح است و چیزی نیست که در آن اینقدر مذاکره شود (گفته شد صحیح است) همان طور که اغلب آقایان یکسان‌واحد فرمودند حال‌آن قسمی است که‌برهمه کس لازم است باآنهامساعدت وهمراهی کند آقای آصف‌الممالك فرمودند ما همه نماینده آنها هستیم همین‌طور است سعادت ماهم در این‌مرام میباشد اگرآقایان صلاح می‌دانند تذکرات دراین مسئله کافی باشد و درخصوص پیشنهادی که آقای حاج شیخ‌اسدالله کرده‌اند مذاکره شودآقایان مذاکرات را کافی می‌دانند (جمعی گفتند کافی است)

آقا سید یعقوب - بنده قبل از همه اجازه خواستم .

نایب رئیس - اینطور نیست دونفر دیگرهم قبل ازشما اجازه خواسته‌اند .

(آقای امیرناصر پیشنهاد آقای حاج‌آقارا بمضمون ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد می کنم کمیسیونی که عده‌آن‌شش نفر باشد معین شده که رسیدگی بهذاکرات‌مهاجرین رشتی نموده راپورت بمجلس داده تامجلس‌مساعدت باآنها نماید.

آقای میرزا ابراهیم قمی — بنده عرضی‌دارم .

نایب رئیس - راجع باین‌موضوع است.

آقای میرزا ابرهیم قمی- بله درباره اعضاء کمیسیون حرف دارم .

نایب رئیس - بفرمائید .

آقا میرزا ابراهیم قمی — بنده عرض می‌کنم هفت نفر باقرعه معین بشود چون

ابراهیم خان ۳۱ رأی — آقایان بیان‌الدوله و تدین هریك ۲۹ رأی — آقای آصف الممالك ۲۶ رأی — آقای رکن الملك ۲۴ رأی — آقای امیر ناصر ۲۳ رأی — آقای عماد السلطنه طباطبائی ۱۷ رأی — آقای شیخ الاسلام ملایری ۳ رأی-شیخ‌الاسلام مطلق ۲رأی‌عمادالسلطنه‌مطلق ۳ رأی — آقای عمادالسلطنه خراسانی ۲ رای — آقای غضنفرخان ۳ رأی — آقای فهیم الملك ۲ رأی — آقای مستشار السلطنه ۲ رأی — آقایان عمیدالممالك — امین التجار — آقا سید کاظم یزدی — سردار مفخم — آقا میرزا هاشم آشتیانی — آقا میرزا ابراهیم قمی — سلطان العلماءملك‌الشعراء — منتصرالملك‌هر یك یك رأی ورقه سفید علامت امتناع ٤)

رئیس — باز اکثریت تام حاصل نشده‌است باید تجدید انتخاب شود .)

ثالثاً اخذ و استخراج آراء بعمل آمده بقرار ذیل نتیجه حاصل شد)

(مهره های تفتیشیه و اوراق آراء هر یك ٦٣)

(آقای سهام السلطان ۳۵ رأی — آقایان بیان الدوله ومیرزا ابراهیم خان هریك ۳۲ رأی - آقای تدین ۲۸ رأی — آقای آصف الممالك ۲۵ رأی — آقای امیر ناصر ۲۳ رأی — آقای رکن الملك ۲۲ رأی — آقای عماد السلطنه اصفهانی ۱۹ رأی آقایان شیخ الاسلام ملایری و غضنفرخان هریك ۲ رأی - آقای منتصر الملك ۳ رأی — آقایان رفعت الدوله — مستشار السلطنه - عمادالسلطنه‌خراسانی شریعتمدار—آقای‌شیخ‌ابراهیم زنجانی — نصیر السلطنه هریك ۱ رأی آقایان ملك الشعراءو آقا میرزا ابراهیم قمی هریك۲ رأی ورقه سفید علامت امتناع ٤)

رئیس - آقای سهام‌السلطان باکثریت تام ۳۵ رأی — و آقایان بیان الدوله و میرزا ابراهیم خان باکثریت ۳۲ رأی و آقای تدین باکثریت نسبی ۲۸ رأی انتخاب شدند بقیه انتخابات اگر آقایان موافق باشند بماند برای روز ۳ شنبه ۳ ساعت بغروب - دستور جلسه اولا تعیین تکلیف اعتبار نامه های آقایان صدرائی و معتمد السلطنه و آقا سید محمد باقر دست غیب ثانیاً تعیین‌تکلیف دوسیه آقای حاج شیخ اسدالله ثالثاً انتخاب‌مباشرین رابعاً بحث در پروگرام هیئت‌وزراء آقایان‌موافق هستید (گفته شد بلی)

(مجلس یك ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۳۸
صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه نهم شهرصفر المظفر هزاروسیصدو چهل مطابق هیجدهم میزان ۱۳۰۰

مجلس یکساعت قبل‌از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یکشنبه شانزدهم را آقای بیان‌الدوله قرائت‌فرمودند

رئیس — آقای ملك‌الشعراء (اجازه) .

ملك‌الشعراء— راجع به‌آقای آقاشیخ‌محمد جواد بنده میخواهم‌عرض کنم که ایشان بی‌اجازه‌نبودند درآن‌موقع‌تب‌شدیدی داشتندونمی‌توانستند خودشان بنویسند بنده بمجلس آمده غیبت ایشانرا بمعاون اداری اطلاع دادم وعذر ایشانرا ذکرنمودم .

رئیس — اصلاح میشود غیر از این دیگر اعتراضی نیست (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد .

از قرارمعلوم آقای مشارالملك قبل‌از مسافرت از وکالت استعفا نموده‌اند لیکن رفتند استعفایشان امروز به بنده رسیده است قرائت میشود که آقایان مطلع شوند .

(آقای بیان‌الدوله رقعه مذکوره‌رابمضمون‌ذیل قرائت نمودند) .

(مقام محترم ریاست دارالشورای‌ملی دامت‌تأئیداته)

چون ازخاکپای‌اقدس شهریاری اجازه‌مسافرت باروپا تحصیل و عازم حرکت هستم این مختصر را برای‌تقدیم استعفای‌خود ازوکالت سیرجان و عضویت مجلس‌شورای‌ملی مزاحم‌شده ودرخاتمه تجدیدمراتب خلوص عقیدت وبندگی خودرا مغتنم میشمارم.

رئیس — آقای مستشارالسلطنه (اجازه) .

مستشارالسلطنه — تاریخش را میخواستم بدانم .

رئیس — تاریخش دهم میزان است ، رقعه دیگری است راجع به آقای معتصم السلطنه قرائت می شود .

(آقای‌بیان‌الدوله بمضمون ذیل قرائت نمودند)

(ریاست محترم مجلس شورای‌ملی دام‌بقائه)

معتصم السلطنه که بموجب مدارك صحیحه در وقایع خراسان با متمردین شرکت تمام داشته است فراراً بقائنات رفته بحکومت قائنات تلگراف شد مشارالیه دربیرجند توقف نماید تا مراتب باستحضار مجلس‌شورای‌ملی رسیده تکلیف‌اورا معلوم فرمایند.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب راجع باین مطلب است؟

آقاسیدیعقوب — بلی.راجع بمسئله معتصم- السلطنه است .

چنانچه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسبوق است سه نفر از کسانیکه در کابینه سیاه مدخلیت تام داشته و عضو اعظم بودند از حق نمایندگی در این مکان ملی محروم گردیدند بنده عرض میکنم راجع به معتصم السلطنه هم در شعبه ششم همینطور رای داده شده برای اینکه معتصم- السلطنه هم از قرار تحقیقات جزء کابینه سیاه بوده و در واقعه اخیر خراسان هم این‌شخص‌ازیاغیگری خود دست برنداشته و باآن یاغی طاغی‌همراه گردید و درواقع نظر کمیسیون این است که معتصم‌السلطنه هم باید مثل عدل الملك باشد وگمان نمی کنم ما بتوانیم در جزء ثانی او را از وکالت محروم کنیم درواقع درهمان جزء اول که با کابینه سیاه همراه بوده باید همان مجازاتی را که مجلس از برای زمامداران حکومت سیاه درنظر گرفته همان نظررا درباره معتصم‌السلطنه اتخاذ کند .

رئیس - این مسئله که فرمودید راجع بامر دیگری است وقتیکه راپورت شعبه آمد و اعتبار نامه ایشان مطرح شد آنوقت باید بحث بشود ولی بالفعل باید تکلیف ایشان راجع باین رقعه معلوم گردد آقای نصرت‌الدوله (اجازه نطق) همانطور که آقای رئیس فرمودند بنده هم میخواستم متذکر شوم که این دوقضیه را نباید بهم مخلوط نمود البته موقعیکه شعبه به اعتبار نامه‌نظرمی‌کند اگرنظریاتی داشته باشد اظهار خواهد نمودعجالة تقاضای دولت از مجلس این است درباره یکنفر وکیلی که وکالت اورا هنوز مجلس‌رد نکرده اجازه داده‌شود که‌درتحت توقیف و مواظبت دولت برای‌یك تحقیقاتی بطهران اعزام شود .

اهمیت این مسئله از این حیث است که بموجب قانون اساسی وکلا مصونیت دارند این است که هیچ اقدامی‌نسبت به نمایندگان‌بدون استجازه‌واجازه مجلس نباید بشود تا بحال خوشبختانه از این قبیل وقایع اتفاق نیفتاده بود که بعضی از نمایندگان ووکلای ملت یك کارهائی بکنند که دولت مجبور بعملیاتی بشود یعنی از مجلس شورای ملی بخواهد که این اجازه داده‌شود پس امروز که این قضیه‌بمیان آمده و درمقابل تقاضای دولت اظهار عقیده خواهیم کرد لازم‌است قدری دراین‌امرمطالعه کرده وبدانیم که دراین قضیه هر رائی بدهیم بعد ازاین در هر موردی چنین امری پیش بیاید سندیت خواهد داشت اما قضیه معتصم‌السلطنه بالخصوص چنانچه همه‌آقایان میدانند و وکلای خراسان در اظهار عقیده از همه کس احق و اولی هستند می‌دانند که دخالت‌وشرکت او درطغیان و تمرد کلنل محمدتقی خان موردتردید نبوده‌ونیست والبته‌وکلای‌محترم مجلس‌هیچوقت‌راضی نخواهند بود حمایت خودشانرا نسبت به یك چنین شخصی صرف‌نمایند ناچارم این نکته‌راهم متذکر شوم که بطور کلی در هر موردی که دولت همچو تقاضائی‌را بکند مجلس شورایملی موظف است که در دلائل ومدارکی که دولت برای حصول‌این اجازه اقامه میکند درست دقت‌و ملاحظه کند و البته اگر آن مدارك راامحکم دانست بدون تأمل باید اجازه بدهد ولی در این موضوع دومرحله درکاراست این اجازه فعلی‌مجلس که مرحله اولی است سلب وکالت ازاومیکندوچون‌سلب وکالت او نمیشود باز اجراء تصمیم محال و رفتارنسبت باوراجع بمجلس شورای ملی خواهد بود وبعددر موقع تشخیص و ثبوت قضیه سلب وکالت او میشود و البته مجلس مجازات اورا بمحاکم معموله مملکتی وا گذار میکند . همینقدر میخواهم متذکر شوم که‌اگر درد کردن نمایندگی معتصم‌السلطنه از برای ما اشکالی نباشد باز مانع از این نیست که‌این‌حق‌را برای خود حفظ کنیم‌زیرا اگر این‌قضیه نظیرپیدا کند مجلس موظف‌ومو کلف است درآن موقع اگر مسئله بقدر لزوم واضح و روشن نباشد یك‌تحقیقاتی بکندو معلوماتی‌تحصیل کند در این‌موقع عقیده امااین است که‌اگر مدارك و دلائل تقاضای دولت صحیح باشد مجلس باید بی مضایقه‌تقاضای‌دولت‌راقبول کند.

رئیس — آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده عرض می کنم مذاکرهٔ که شاهزاده کردند مبنی بر این بود که برای رقعه دولت که‌از مجلس اجاز خواسته تکلیفی

معین کرد وحال آنکه این کاغذیکه قرائت شد تفسیرش این بود که تکلیفش را باید مجلس معین کند بنده ملتفت نشده مقصود دولت چه‌بود و چه درنظر داشته ظاهر این عبارت همانطور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند اینست که مجلس بایـد تکلیفش را معین کند آیا مقصود در تعیین نمایندگی او بوده یامقصـود تفسیر ماده دوازدهـم بود ؟ که آیا دراین مواقع دولت چه کار باید بکند بنـده درست ملتفت نشدم خوب است توضیح‌داده شود تاآنبنده نظریات خودرا عرض کنم .

رئیس -- توضیح این مسئله‌را مراسله‌ثانوی آقای رئیس الوزراء می‌دهد قرائت میشود تاآقایان مطلع شوند .

(آقای بیان‌الدوله مراسله مزبوررا بمضمون ذیل قرائت‌نمودند)

(ریاست محترم مجلس‌شورای ملی‌دام‌بقائه)

معتصم‌السلطنه که بموجب مدارك صحیحـه در وقایع خراسان بامتمردین شرکت تام داشتـه است فراراً بقائنات رفته بحکومت قائنات تلگراف شد مشارالیه‌دربیرجند توقف نماید تامراتب به استحضار مجلس شورایملی برسد عقیده‌دولت نسبت بمشارالیه این است که مجلس شورایملی تصویب نمایـد که مشارالیه برای رسیدگی ومحاکمـه در تحت مراقبت مأمورین دولت روانه تهران شود

رئیس - بااین پیشنهاد دولت آقایان موافقند یااینکه درثانی باید چیزی اضافه شود یعنـی اگر باز تحقیقاتی لازم شد بتصویب مجلس باشد چون‌در این مراسلات همچو چیزی‌نوشته‌نشده تصور می کنم باید اجازه داده شود که درتحت نظارت و مواظبت مأمورین دولت معتصم‌السلطنه را بطهران آورده و بعد درثانی‌اگر لازم به تحقیقاتی باشد به استحضار وتصویب مجلس باشد .

سردارمعظم - نظر بنده‌هم همین است که حضرتعالی‌فرمودید منتهاباید چند کلمه توضیح‌بدهیم علت اینکه مجلس شورای ملی بفوریت این تصمیم را اتخاذ کرد فقط ازنقطه نظر مساعدت باتقاضای دولت نیست اگر مطلب برخود نمایندگان‌مکشوف نمی‌بود تصور نمی کنم دریك جلسه و یاچنـد کلمه مذاکره مجلس دربابـمراجعت دادن یکی از اعضاء خودش بمرکز باین فوریت‌رأی می‌داد ولی‌نظر باین که وقایع‌خراسان‌راتمام نمایندگان می‌دانندوبخوبی از حقیقت مطلب مطلع هستند خودشان‌را محتاج به تحقیقات وتشکیل کمیسیون‌نمی‌بینندباین ملاحظه‌است که باین‌فوری‌رأی میدهد حالاهم من باتقاضای‌دولت موافقم بشرط اینکه از طرف رئیس محترم‌مجلس به هیئت دولت نوشته شود که مجلس شورای ملی مادام که تکلیف نمایندگی آقای معتصم السلطنه معلوم نشده است سلب مصونیت از نماینده خودش نمی کند وخودش را معتقد می‌داند هرتصمیم ثانوی که نسبت به‌معتصم‌السلطنه‌اتخاذشود باز بایدبتصویب مجلس شورای ملی باشد وفقط این اجازه که‌حالا مجلس می‌دهد برای این است که درتحت مراقبت مأمورین دولت معتصم‌السلطنه‌را از بیرجند به‌طهران بیاورند .

رئیس -- آقای شریعتمدار (اجازه)

شریعت مدار -- همانطور که‌آقـای سردار معظم اظهـار فرمودند عقیده بنده هم همین است‌در آن موقعیکه معتصم السلطنه معاون ومعین کلنل‌محمد تقی خـان بود بنده در عتبه مشهد مشرف شده‌بودم ایشان از کلنل تقویت و مساعدت کرد و کاملا مخالف با حکومت ملی بود همانطوریکه آقـای سردار معظم فرمودند باید دد تحت مراقبت‌مأمورین دولت مشارالیه را بطهران بیاورید

رئیس مخالفی نیست‌و(گفته شد خیر)

پس همینطور بهیئت دولت نوشته میشود که مجلس تصویب میکند آقای معتصم السلطنه را در تحت نظارت مأمورین دولت بطهران بیاورند واگر در ثانی تحقیقاتی لازم باشدباید بتصویب‌مجلس‌باشد آقایانیکه بااین ترتیب موافقند قیام‌فرمایند و اکثر نمایندگان قیام نمودند

رئیس تصویب شد

راجع به بعضی اعتبار نـامه هـا که در جلسـه گذشته عرض کردم‌چون سوء تفاهمی تولیدشده‌عرض میکنم که غرض بنده از آن اظهار این بود سه فقره اعتبارنامه‌یکی متعلق به‌آقای آقاسیدمحمدباقر دست‌غیب دومی‌راجع به‌صدراائی‌ودیگری‌راجع باقای‌معتمدالسلطنه بودراپورتی بمجلس آمد ومجددا به‌شعبات‌سابق‌رجوع شدچون‌بموجب‌نظامنامه‌داخلی این‌سه فقره راپورت‌را بشعبات‌جدیدنمیشودرجوع نموده بایدتکلیف آنها را مجلس‌معین کند و اگرمجلس‌موافق باشد کمیسیونی از شعبات معین شود وبه اعتبار نامه‌ها رسیدگی کنند سوء تفاهمی که شده بود این‌بود که آقایان همچو تصور کرده‌اند که کلیه‌اعتبارنامه‌هائیکه هنوز تکلیفش معین‌نشده‌بایدباین کمیسیون‌برودخیرمقصودبنده‌اینطور نبود یازده فقره اعتبارنامه است که هنوز تکلیفش‌معین نشده معلوم است مطابق نظامنامه این اعتبار نامها بشعبات جدید میرود لیکن راجع براپورتهائی که از شعبات قدیم بمجلس آمده ومجلس درثانی بشعبـات مراجعه داده نظامنامه ساکت است ودرباره این نوع راپورتها درنظامنامه چیزی نیست . این بود که بنده خیال کردم یك کمیسیون تحقیقاتی مرکب ازشش یا دوازده نفراز شعبات‌معین‌شود وباین سه فقره‌اعتبارنامه رسیدگی نمایند این مطالب را عرض کردم تا اگر سوء تفاهمی شده رفع شده وتکلیف معین شود .

محمد هاشم میرزا- بنده تصورنمیکنم‌در آنموقعی که رأی دادیم این اعتبارنامه ها بشعب‌سوم یا چهارم بر گردد و مقصودمان رسیدگی عده از نمایندگان بود که درآن‌شعبه هستند زیرا درآنموقع نظرنداشتیم که در شعبه سه یا پنج یا چه اشخاصی عضوهستند وچون این مقصود را داشتیم عوض شدن شعبه وافراد شعبه هر کس باشد فرقی نمیکند واگر بعضی‌آقایان تصورفرمایند مقصودمان عده معینی‌بوده رأی داده‌ایم آنها رسیدگی کنند پس باید راپورتها بر گردد وافراد همان شعبه جمع شوند وچون آنهـا سابقه باینمطلب داشته اند رسیدگی کنند واما معین شدن کمیسیون مطابقه با هیچیك‌ازاین دوفکرنمیکند وملتفت نمیشوم که‌کمیسیون تازه‌معین شود ورأی‌تازه گرفته شود برای چیست ؟

رئیس - این اظهاری که میفرمایند گمان‌میکنم اساس منطقی‌ندارد که این قبیل‌اعتبارنامه هارابموجب نمره بشعبه مراجعه دهند مثلا فلان اعتبار نامه ها که سابق درشعبه چهاربوده‌حالا هم که شعبات تجدیدشده بشعبه چهارم مراجعه بشود بنده گمان میکنم این اعتبارنامه ها اعتبارنامه‌هائی‌است که درآنها اعتراضاتی شده و تحقیقاتی لازم دارد وباید بکمیسیون تحقیق رجوع شود فرضاً اگردرغیر ازاین اعتبارنامه‌ها یك تحقیقاتی در یك انتخاباتی لازم میشد چه میکردید آیا بشعبه رجوع میکردید ؟ خیرقطعاً مجبور بودیم مراجعه دهیم‌بکمیسیون‌تحقیقات (گفته‌شدصحیح‌است) تا حال همچو امری درمجلس پیش نیامده بود و هر قراری که حالا بدهیم برای‌بعد سابقه خواهد بودنمرهٔ شعبه برای هیأت رئیسه نمی‌تواند سابقه باشد پس‌باید یك قرار کاملتری داد آن قرار هم گمان میکنم بطوریکه‌نظامنامه‌معین کرده است کمیسیون‌تحقیق‌است نظامنامه‌هم‌این‌طور تکلیف‌رامعین‌نموده که‌هروقت‌مجلس شورای‌ملی کمیسیونی‌لازم دارد باید از شعبات‌انتخاب بشود بعقیده بنده این منطقی‌تر خواهدبود این بود که‌عرض کردم کمیسیونی از شعبات از هرشعبه یك یا دو نفر معین شود بطوریکه کمیسیون بودجه را معین کردیم یعنی هر شعبه یك یا دونفر را از بین خودشان معین کنند یااینکه‌هرشعبه ازبین تمام‌آقایان نمایندگان یك یا دو نفر را در نظر بگیرند انتخاب نماید این ترتیب مثل این‌است که‌یك کمیسیون‌درخود مجلس انتخاب شده باشد این بود که بنده این‌طور پیشنهاد کردم اما حالا هرطور می‌فرمائید پیشنهاد کنند تارأی‌بگیریم .

آقای رفعت‌الدوله -- (اجازه نطق)

رفعت الدوله -- بنده در تعقیب فرمایش حضرتعالی عقیده‌دارم‌همانطوریکه پیرروزهم‌فرمودید این اعتبارنامه‌ها رجوع بشود به‌این کمیسیون که در آنجا درست رسیدگی کنند و همانطور که فرمودید از هر شعبه دونفر انتخاب بشود وآن شعبه که‌انتخاب میکنند می‌تواند اشخاص را در نظر بگیرند که‌در آن شعبه بهمان اعتبارنامه رسیدگی کرده اگرایـنطور باشد میشود والا غیر ازاین‌نمیشود مثلا بنده درشعبه سوم بودم اعتبارنامه دست غیب آمده است در آنجا خوانده‌ام و سابقه هم دارم حالا درشعبه دوم و شعبه سوم هیچ سابقه و بصیرت باین کار ندارد و باید ده روزدیگر رسیدگی کند تاسابقه پیدا کندبنده‌عقیده‌ام این است که همانطور که فرمودید برای راپورتهائیکه بمجلس آمده و برگشته است کمیسیون تحقیقی معین بشود .

مجمدهاشم میرزا--عرض می کنم اینکه فرمودید عرض بنـده منطقی نیست منطق او همان سابقه باعتبار نامه ها است زیرا اگر بشعب جدیـد رجوع شود شعبه همان است منتهی افرادش عوض شده‌اند و اگر بطوریکه آقای رفعت‌الدوله‌فرمودند مقصود اطلاع است باید همان عده که سابقاً بوده‌اند یك جلسه یا دو جلسه دیگر بنشینند و بگویند این کاری است مخصوص فرض کنیم این شعبه‌هاتازه از مجلس انتخاب شده‌اند وکارشان‌را تمام نکرده اند باید کارشان را تمام کنند و رأیشان را راجع‌به این اعتبارنامه‌ها بدهند آنوقت مثل‌اینکه‌یك کمیسیون فوق‌العاده است وفعلا مراجعه‌بشود بکمیسیون‌تحقیقی که در نظامنامه است بنده مخالفت ندارم اما اگـر بانواع دیگر معین شود مخـالفت دارم ولی اگر به

کمیسیون تحقیق انتخابات‌باشدعرضی ندارم‌ومخالفت نمیکنم .

رئیس -- با چه مخالف نیستید ؟ چطور فرمودید ؟

محمد هاشم میرزا -- عرض کردم‌اگر بکمیسیون تحقیق که در نظامنامه است مراجعه شود عرضی ندارم والا عقیده‌ام همین است که بایدبهمان افراد سابق مراجعه‌شود

سردار معظم -- در خاتمه بیان خودشان حضرت‌والا بایشنهادی که شداظهارموافقت‌فرمودندبجهة اینکه این کمیسیون که‌در نظراست همان کمیسیون تحقیق است که ایشان فرمودند تصور میکنم‌یك‌کار خوبی را که تا حال پیش نیامده است امروزمجلس میخواهد حل کرده وتصمیمی در آن باب اتخاذ کند مطلب‌چیست؟

مطلب این است اعتبارنامه هائیکه بشعبه‌رجوع شده‌ازشعب راپورت آنها بمجلس میآید و مجلس دوباره‌برای رسیدگی ثانوی به هیئتی رجوع‌مینماید معلوم است رسیدگی شعبه اولی را کافی نمیداندیا اینکه شعبه را صالح‌برای‌تحقیقات ورسیدگی‌نمیداند که بتواندبقدر کفایت در این موارد رسیدگی‌ودقت کند بهمین ملاحظه است که در نظامنامه داخلی هم کمیسیونی بنام تحقیق‌انتخابات پیش بینی شده حالا بعقیده من رأئی که‌سابق در مجلس داده شده‌چندان خوب‌نبوده است که این مطالب‌بر گردد بهمان‌شعبی که راپورت داده بودند شده در باره یکی‌ازآقایان تقریباً همین مذاکره را کردم که آیا شعب اختیار وصلاحیت‌تجدیدنظر وصلاحیت تحقیقات محلی دارند یا نه؟ در هرصورت رأی سابق مجلس محدود بودبه بقای شعبه که حالا از میان رفته پس با ازمیان‌رفتن آن شعبه وبهم خوردن آن شعبه آن رأی مجلس‌هم از میان رفته وامروز باید یك رأی تازه اتخاذ کند موضوع این است که اعتبارنامه که محتاج بتحقیقات محلی وتحقیقات عمیق‌تری است آیا مثل اعتبارنامه های دیگر باید بشعبه برگردد ویا به یك کمیسیون خاص؟ بنده تصور میکنم که باید یك هیئت خاصی تعیین شود ودر اینموضوع نظر کنند بهمان دلیلی که‌برای‌انتخابات‌آذربایجان‌معتقدبیك کمیسیون‌خاص‌شدیم

بهتراست‌زیرا اگرمقصودرسیدگی‌عده‌ازنمایندگان به اعتبارنامه بود ممکن بود انتخابات آذربایجـان هم مراجعه بیك شعبه‌شودکه رسیدگی کندولی باوجود این مجلس‌رسیدگی‌شعبه را کافی‌ندانست و کمیسیون خاص برای رسیدگی بانتخابات آنجا معین کردهمچنین کمیسیون دیگری مجلس برای‌رسیدگی‌به‌دوسیه روابط آقای نظام‌الدوله با حکومت سید ضیاءالدین معین نمود چرا شعبه بایداین کاررا بکند برای‌اینکه مجلس اختیارات شعبه را کافی ندانست وهمینقدر که گفته شد دوسیه و اسنادی در وزارت داخله است که ثابت میکند آقـای نظام‌الدوله باآقا سیدضیاءالدین سرابق داشته کمیسیون خاصی معین شد که قضیه را را حل کنددر این موقع هم سه نفر نماینده هستند در باب‌اعتبارنامه‌های‌آنها اشکالاتی پیش آمده‌است که درواقع حقیقت امر مکشوف نشده و محتاج‌شده است بتحقیق و دیدن و خواندن بعضی دوسیه‌ها چه ضرر دارد همانطور که نسبت به انتخابات آذربایجان و آقای نظام‌الدوله کمیسیون خاصی معین شده در این خصوص هم یك کمیسیونی معین‌شده که دراین‌سه مورد بخصوص مطالعه کند و بمجلس راپورت بدهد حالا که کمیسیون انتخاب خواهیم کرد اسم آنرا بگذاریم کمیسیون تحقیق انتخابات مغایرت ندارد و تصورمیکنم برای‌انتخاب از شعبه‌یاغیر شعبه‌اختلافی نباشد حضرت والا ممکن است با تعیین اعضاء کمیسیون بطریق قرعه یعنی همان‌طریقی که‌کمیسیون آقای نظام الدوله معین‌شد مخالفت‌نکنند و الاوقتی که اعضاء کمیسیون از شعب انتخـاب بشودچه‌فرقی میکند این همان کمیسیون تحقیق خواهد بوداعضاء آن را مجلس شورای ملی معین می کنند

رئیس - پس با این ترتیب که هرشعبه از بین خودشان دو نفر انتخاب نمایند که از شش‌شعبه‌دوازده نفر بشود مخالفی‌نیست ؟(بعضی گفتند‌خیر)

یك موضوعی هم راجع بود بآقای حاج شیخ اسدالله آنهم باید بکمیسیون رجوع‌شود .

نصرت‌الدوله-- بنده خیلی تأسف دارم از اینکه آن روزی که در مجلس مذاکره و این قضیه مطرح شد غائب بودم و الاشما همروز اطلاعاتی که داشتم بعرض مجلس میرساندم و گمان میکنم‌باداشتن آن اطلاعات دیگر خواستن دوسیه لازم نمیشد. این دوسیه در موقعی‌تشکیل شد که خود بنده‌وزیرعدلیه بودم ، وقتی که درست باسناد این دوسیه مراجعه‌شود معلوم خواهد شد که ایرادی در این دوسیه نسبت به آقای حاج شیخ‌اسدالله وارد نخواهد بود بنده‌تصور میکنم تمام اهالی این شهر علی الخصوص اشخاصی که با عدلیه مستقیماًمربوط‌بوده اند می‌توانندشهادت بدهند که آقای حاج شیخ اسدالله مدتی که آنجا بوده اند از افکار منوره خودشان مردم را مستفیض می کردند و ازهرگونه‌تهمتی مبرابودندو حال آنکه تهمت زدن در این شهر خیلی آسان است‌بنده‌بطور اختصار عرض می کنم که قضیه چه بوده است اگـر بعد از این توضیح مجلس لازم دانست این دوسیه ملاحظه شود البته مختار است . در موقع‌وزارت‌عدلیه بنده‌یك‌راپورتی داده شده‌بود که‌یکی از تقریرنویسها یعنی تقریر نویس شعبه چهارم که آقای حـاج شیخ اسدالله در آنجارئیس‌بودند از برای فرستادن‌دوسیه بیکی از محاکم شرعیه از مدعی تقاضای پنج‌تومان حق‌الزحمه کرده است بنده فرستادم و قضیه‌راتحقیق کردم معلوم شدقضیه واقع شده‌از ایشان مؤاخذه‌شد که آیا شمامسبوق شدید یا خیر؟ اگر مسبوق‌شدید چرا جلوگیری نکردید ایشان گمان می کنم‌از نقطه نظر مساعدت آنشخص‌نخواستند از او مؤاخذه‌نمایند فرمودند که اگر فرضااینکاررا هم کرده باشدچندان مسئول نیست برای اینکه حقوق آنها کم است‌چون این‌حرف زده شده بودودریك‌راپورت‌رسمی‌نوشته‌شده بود بنده مجبور شدم برای اینکه سابقه‌نشودمجلس مشاوره درباره ایشان تشکیل دهم و از آقای حاج شیخ اسدالله مؤاخذه بشود و الا ایرادی برایشان وارد نیست حالا بعد از این توضیحاتیکه بنده عرض کردم باز اگر تصور میکنید که این دوسیه ملاحظه شود نه بنده نه ایشان و نه هیچیك‌از رفقای ایشان گمان نمیکنم مخالفت با این امر داشته باشند

رئیس - آقای‌حاج‌شیخ اسدالله (اجازه‌نطق)

حاج‌شیخ‌اسدالله - بنده آرزومیدو معتقدم که باید مجلس شورای ملی نسبت بعملیات زمامداران دوره فترت رسیدگی کند و برای اینکه مجلس بی غرضی خوددرا ارائه ونشان بدهد اول‌قدمش این است که نسبت بعملیات خود نمایندگان که در فترت زمامدار امور بوده اند رسیدگی‌نماید من‌خیلی خوشوقتم اول‌قدمیکه‌مجلس‌شورای ملی برای‌پیشرفت این‌مقصود بر میدارد نسبت به بنده باشد روزیکه مذاکره شد و یکی‌ازنمایندگان‌این‌تقاضا رافرمودند بنده خودم اگر در نظر داشته باشید همین تقاضا را کردم و از آقایان خواهش کردم که دوسیه خواسته شود و به آن دوسیه مراجعه‌شودبه بینید آن دوسیه که نسبت آن را به بنده میدهند چه دوسیه ایست همانطوریکه حضرت والا فرمودند صحیح است ولی یك قسمتی را فراموش فرمودند در موقعی که بنده ریاست محکمه را عهده دار بودم یکی از متداعیین تقاضا کرده‌بود که‌دوسیه‌مادرخارج‌عدلیه درمحضرآقای میرسیدمحمد بهبهانی بایدبرده شودبنده‌برحسب‌وظیفه خودم اجازه دارم که دوسیه بتوسط یکنفر ازاعضاء محکمه که سمت تقریر نویسی دارد بمحضر آقای‌میر سیدمحمد بهبهانی‌بوده شود منشی محکمه که میخواست دوسیه را ببرد ازمدعی‌تقاضا کرده بود که‌این‌امرچون از وظایف اداری من نیست و همچو حقی را نداری و نمیتوانی بمن تکلیف بکنی و رئیس محکمه هم نمیتواند مرا مجبور باین امر بکند علناً نه بطور خفا باو گفته بود که مرا باید راضی کنی این رسم‌در عدلیه معمول برده وحالا هم هست حتی خود روسا واعضای محاکم هم حالیه در مواقع فوق‌العاده‌برای رسیدگی بیك امر وقتی که به آنها تکلیف میشود مثلا برای تحقیقات محلی فوق‌العاده میگیرند منشی محکمه اظهار کرده بود من یك منشی هستم با یك حقوق معین در اینجا از صبح تا ظهر ازظهرتا شام قلم میزنم و بیش از این تکلیفی ندارم نه‌تو ونه رئیس محکمه‌ونه‌وزیر عدلیه هیچ یك بمن‌حق‌ندارند تکلیفی بکنند این مطلب اسباب شکایت آن شخص بمدعی‌العموم شد. او هم برای جواب دادن‌درپیشگاه مدعی العموم حاضر شد گفت من یك شخصی هستم مستخدم و هیچ حقی بمن ندارید بلی شاید وزارت یك نظری داشتند که این مرسوم را موقوف بکنند ولی غافل از اینکه این ترتیباب باید در تحت یك نظامنامه و اساسی باشد و معلوم باشد وظیفه‌مستخدم چیست مثلا اگر متداعیتین تقاضاکردند فعلگی کنی باید یکی مقتضی دانستند درتحت این عنوان برای بنده مشاوره عالی تشکیل دهند که چرا باید در محکمه که ریاست این باشما است منشی محکمه باید همچو تقاضائی بکند در همان موقع بنده عرض کردم راجع بمن نیست اگر هم بخواهید محاکمه کنید باید اورا محاکمه بنمایند ولی متأسفانه

آن شخص راتعقیب نکردند و بنده را در مشاوره عالی حاضر کردند و برای این مطلبی که بمن نسبت دادند و محض اینکه یك مسامحهٔ ازطرف من شده است بنا بر ترتیبات اداری نسبت بمن نظریه اتخاذ کردند درموقع استخدام عدلیه فقط ایرادی که بمن وارد آوردند این‌قضیه است و خیلی مفتخرم از اینکه یك‌هیچ‌مطلبی درمجلس شورایملی مطرح شدکه سابقه بنده مکشوف شده و ایرادی که به‌بنده وارد آورده بودند ، همه‌آقایان بدانند واگر هرآینه خارج ازموضوع نبود ووقت مجلس‌شورایملی تضییع نمی‌شد بنده حاضر بودم یك سلسله‌از تاریخ زندگانی خودرا دراینجا بسمع آقایان محترم برسانم ولی‌چون خارج ازموضوع است وقت‌مجلس‌را تضییع نمیکنم فقط این‌قضیه است که نسبت به‌بنده داده‌اند و این‌مطلب است که بنده را امروز مجبور کرده است در مجلس‌شورایملی درپشت این تریبون این‌اظهارات را بکنم حال‌دیگر مطیع نظریات آقایان‌نمایندگان محترم میباشم .

نصرت‌الدوله — بنده همانطور که از آقای حاج‌شیخ اسدالله مدافعه‌نمودم خودم‌را مجبور می‌بینم که ازشخص خود نیز مدافعه نمایم برای اینکه‌آقای حاج شیخ‌اسدالله گفتند که درآن‌زمان اینطور اقتضا داشته‌است‌ونظروزارت این‌بوده است که به‌این‌وسیله یك مرسومی‌را رفع نماید در صورتیکه رفع کردن یك‌مرسوم راه دیگری دارد ؛ بلی اگر این نظریه بود بنده با ایشان موافق بودم ولی اینطور نیست این مرسومی را که ایشان فرمودند خود قانون بیان کرده است در این موارد نیست که ایشان فرمودند مسائل نباید باهم مخلوط شودیك مواردی است وچندین سال هم درعدلیه بآن عمل شده وآن موارد معینی است که اجزاء عدلیه یك کار های فوق‌العادهٔ که می کنند یك حقوقی هم فوق‌العاده دریافت میدارند ولی در این گونه مواقع اگر یك تکلیفی بیکی از اجزای دفتر یامحاکم بشود که خارج از وظیفه خود میداند یا باید از اجرای آن امتناع ورزدویا بایدبدون‌مطالبه‌وجهی بانجام‌رساند والبته اشخاصی که مخالف این ترتیب رفتار نمایند مسئولیت دارند و نمیشود اعتراض نمود

رئیس — بالاخره تکلیف این کار را بایستی مجلس معین نماید اگر میفرمائید همینطور در بوته اجمال گذارده شود والا یك کمیسیونی فرستاده شود

سردار معظم — بعقیده بنده مقصود از خواستن دوسیه کشف یك سلسله حقایقی بود که بالاخره مکشوف شد وبیانات مفصلی در این زمینه اظهارشد وبعقیده بنده ثانیاً وارد شدن دراین مطلب چندان لزومی ندارد در ضمن مذاکره راجع بیك انتخابی اسم یك دوسیه برده شد و آن دوسیه هم خواسته شد ومذاکراتی‌هم راجع بآن شد حال‌اگر بعضی برخلاف اظهارات حضرت والا و آقای حاج شیخ اسدالله مطالبی دارند بفرمایند والا تکرار قضیه تا کی !

ممکن است شخصی که اطلاعاتش دراین زمینه بیش ازهمه‌باشد آقای تدین باشند دراینصورت‌خود ایشان اگر لازم میدانند بروند و دوسیه را شخصاً ببینند واگر با این مذاکراتی که شد قانع نشدند آنوقت مطالب خود را اظهار دارند والا ادامه این مذاکرات لزومی ندارد علی‌الخصوص که این دوسیه ازنقطه نظر انتخابات نیزاثری نمیتواند بکند واصلا مذاکرات درآن چه نتیجه دارد ؟

رئیس — آقای آقا میرزا ابراهیم قمی(اجازه نطق) .

آقا میرزا ابراهیم قمی — بنده درنظر دارم که آقای نصرت‌الدوله درتعقیب این مسئله‌ایشان را منفصل نمودند نمیدانم بعملیات آن روزشان معتقد باشم یا بفرمایشات امروزشان بنده معتقدم که چون درآن دوسیه مذاکره شده و دوسیه را آورده اند بایستی دوسیه را قرائت ورسیدگی‌نمود .

نصرت الدوله — مگر بنده اظهار کردم که ایشان منفصل نشده بودند بنده گفتم این امر را بمجلس مشاوره عالی رجوع کردم وآن مجلس انفصال ایشان را بطور موقت بمدت سه ماه درخواست نمودند و تقصیر ایشان این بود که چرا شخصاً خودشان مقدم نشده بودند ازآن شخص راپورت دهند بنده چیز دیگری‌نگفتم .

رئیس — گمان می کنم مذاکرات دراین باب کافی باشد باید رأی گرفت؛ اول رای می گیریم به اینکه آیا توضیحاتی که داده شد کافی است یا خیر؟ یعنی این مسئله دیگر تعقیب نشود ؛ آقایانیکه‌معتقد باین ترتیب هستند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ؛

حالا شروع میکنیم بانتخاب سه‌نفرمباشر.

(اوراق رأی توزیع شد)

رئیس — آقایانیکه آرایشان حاضر است تشریف بیاورند .

(اخذ آراء بعمل آمد)

رئیس — آقایان مستخرجین تشریف‌بیاورند. آقایان سلیمان میرزا - احتشام الدوله و وقارالملك شروع به استخراج آراء نموده به ترتیب ذیل نتیجه حاصل شد ،

عده مهره‌های تفتیشیه‌و اوراق‌آراءهریك ۶۱

آقای ملك‌الشعرا ۴۷ رأی آقای‌رفعت‌الدوله ۳۴رأی آقای ارباب کیخسرو ۳۲ رأی - آقای حاج میرزا اسدالله‌خان ۲۰ رأی - آقای امین‌التجار ۱۵ رأی - آقای شیخ‌الاسلام ملایری ۶رأی — آقای آقا شیخ محمد جواد ۲رأی آقایان آقا سید یعقوب - امیرناصر - سلیمان میرزا - آقا میرزاهاشم آشتیانی - آقا میرزاعلی کازرونی - منتصرالملك- مستشارالسلطنه - آصف‌الممالك وفهیم‌الملك‌هریك۱ رأی - ورقه سفید علامت امتناع ۱

رئیس - آقای ملك‌الشعرا به اکثریت ۴۷ رأی ورفعت‌الدوله‌بااکثریت ۳۴رأی وارباب کیخسرو با کثریت ۳۲ رأی بسمت مباشرت مجلس شورایملی انتخاب شدند

بیرون که تشریف میبریدو کمیسیون است که‌فوریت دارد وهمین امشب باید تعیین گردد ویکی کمیسیون خارجه که عده اعضای آن ۶ نفر ودیگری کمیسیون پست وتلگراف که عده اعضای آن ۵ نفراست‌جلسه آتیه را روز پنج شنبه سه ساعت بغروب ودستور آن بحث دربروگرام‌وزراء وانتخاب‌بقیه کمیسیونهاخواهد بود آقایان موافق هستید .

سردارمعظم — بنده راجع‌بدستور عرضی ندارم ولی خواستم در آخرجلسه از ریاست مجلس تقاضا کنم که برئیس دولت یادآوری کنند نقاطی که انتخاباتشان‌تمام‌نشده زودتر خاتمه دهندونمایندگانی که معین شده‌اند وهنوز بمرکز نیامده‌اند تأکیددر حرکتشان بشود آنجاهائی هم که انتخاباتش شروع نشده اعلان انتخابات‌را شروع نمایند

رئیس- این‌تأکیدشده‌است دودفعه بهیئت دولت‌یاد آوری‌شده‌هم‌راجع به انتخابات‌آذربایجان وهم راجع‌به انتخابات‌جاهائی کهانتخاباتشان خاتمه نیافته وهم‌نسبت بنقاطی که منتخبینشان رد شده‌اند وشخصاً به آقای مخبرالسلطنه هم تلگراف کرده‌ام که دوسیه های انتخابات آذربایجان را زودتر بفرستند

سردار معظم — چنانکه عرض کردم نظر بنده منحصر به آذربایجان نبود . . . .

رئیس — عرض کردم نسبت بتمام نقاط تأکید شده

سردارمعظم — اگر مقتضی باشد بهیئت دولت تأکیددر فرستادن‌بودجه هاهم بمجلس‌بفرمائید بسیار خوب است

مستشار السلطنه — بنده شرحی‌عرض کرده بودم تقدیم کردم

رئیس — راجع به‌پست؟

مستشار السلطنه — بلی راجع به پست و تلگراف .

رئیس — اینکه‌تأکید کردم‌همین‌امشب کمیسیون پست و تلگراف را معین کنید برای‌همین مسئله‌بود لایحه‌قانونی که میآید معطل نشویم .

آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق)

حاج شیخ اسدالله — بنده عرضم راجع به فرمایشی بود که آقای سردار معظم راجع بخواستن بودجه فرمودند زیرا چند ماه است از عمر مجلس میگذرد وهنوز قدمی رو به اصلاحات برنداشته‌ایم و جهة آنهم این‌است که تاحال ازطرف دولت‌اقداماتی نشده وبودجه هم که اس‌اساس اصلاحات است‌بمجلس نیامده عقیده بنده این است بدولت نوشته‌شود هرچه زودتر بودجه‌هارا بمجلس‌بفرستند .

رئیس — بسیار خوب نوشته میشود . بادستور جنانکه معین‌شد مخالفی نیست ؟

آقا سید یعقوب — بنده اجازه‌خواسته بودم راجع بو کلای فارس . .

رئیس — بفرمائید

آقا سید یعقوب — وکلای فارس مدتی است انتخاباتشان تمام شده ولی هنوز اعتبار نامه آنها تمام نشده ضیاءالادبا مخصوصاً تلگراف نموده بودند آقاشیخ‌محمد حسین سعادت و آقا شیخ عبدالکریم هم انتخاباتشان تمام شده ولی هنوز اعتبارنامه‌اشان از مجلس‌نگذشته

رئیس — دیروز مراجعه شدبشعبه یازده فقره اعتبار نامه بود که مراجعه بشش شعبه شد.

آقای قمی — (اجازه نطق)

آقامیرزاابراهیم‌قمی-اعتبارنامه‌ضیاءالادباء که بشعبه رجوع شده مشغول رسیدگی بـه آن هستیم .

مجلس تقریباً نیمساعت ازشب گذشته‌ختم‌شد

رئیس مجلس- **مؤتمن‌الملك**

بطور انتخاب طول میکشد.

نایب‌رئیس - آقای حاج‌شیخ‌اسدالله شش‌نفر پیشنهاد کرده اند

حاج‌شیخ‌اسدالله - راجع بشرح‌حال‌مهاجرین مذاکره لازم نیست زیرا تمام‌آقایان نمایندگان‌بلکه تمام افراد مملکت از حال‌بدبختی‌و فلاکت‌وپریشانی و در بدری آنها مطلعند البته هر چه مذاکره شود زیاد است خود آقایان مهاجرین تقاضای کمیسیونی کرده اندو برای این که این کمیسیون ها قانونیت داشته باشدباید از طرف یك‌نفر ازنمایندگان‌بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود چون تقاضای‌افرادخارجی از مجلس شورای ملی ظاهراً خلاف نظامنامه است لذا بنده پیشنهاد کردم که کمیسیونی مرکب ازشش نفر تعیین شود تا آقایان مهاجرین در آنجا حاضر شده اعضاء کمیسیون مطالب و نظریات‌آنهارااستماع نمایند اگر مطلبی‌راجع به مجلس‌شورای ملی‌داشتند که لازم باشد مجلس مساعدت کند بمجلس راپورت داده شود و اگر هر آینه راجع بمجلس نباشد و مطالبی‌باشد که‌بادولت بایدمذاکره‌شود کمیسیون‌مستقیما باتوافق نظر آقایان مهاجرین بدولت مراجعه کرده وسایل آسایش آنهارافراهم‌نمانده‌چیزی که‌بنده‌قدری اطمینان دارم‌این‌است دولت تصمیم گرفته در ظرف این چندروزه باوضاع گیلان خاتمه بدهد بطوریکه آقایان مهاجرین بتوانند باوطان خودمعاودت‌نمایند

نایب‌رئیس - آقای کازرونی در پیشنهاد فرمایشی دارید

آقامیرزا علی کازرونی-خیر درپیشنهاد حرفی ندارم

نایب‌رئیس - آقای نصرت الدوله راجع به پیشنهاد فرمایشی‌دارید.

نصرت‌الدوله - بلی‌میخواهم توضیح‌بخواهم که وظیفه کمیسیون قبلا درست معلوم شود تصور نمیکنم که ما بتوانیم یك کمیسیونی را برای غارت زده‌گان گیلان بدون تعیین وظیفه آنها بطورمطلق تعیین کنیم البته اگر وظیفه این کمیسیون‌رسیدگی محاسباتی است از قبیل محاسبه کمك هائی کهدولت بعنوان قرض یا اعانه یا بطریق دیگر بآنها نموده و یا اینکه یك مطالب اساسی دارند که بایدبمجلس شورای‌ملی‌رجوع شودو مجلس شورای ملی واسطه باشد بسیار خوب استو همه موافقند ولی اگربرای تشخیص مسائل دیگری باشد که ماندانیم البته‌مشکل است برای این که ممکن است ما کمیسیونی تعیین کنیمو داخل یك مطالب خارج از وظیفه خودبشود بهمین ملاحظه تقاضا می کنیم وظیفه آن کمیسیون قبلا تعیین و معلوم شود.

نایب رئیس - گویا مطلب کاغذرا شاهزاده درست دقت نفرمودند در کاغذ همچو خواهش کرده بودند که کمیسیونی تعیین شود و بعضی از اهالی گیلان بیایند آنجا مطالبی که دارنداظهار بدارندبا این زمینه گویا تکلیف معلوم باشد - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - این که گفته شد تقاضای کمیسیون از خارج غیرممکن‌است‌منجربا‌ین‌حرفهاست بعقیده بنده مطلب خیلی ساده است گیلانیها دو چیز میخواهند یکی مادام که باوطان خودشان مراجعت نکرده‌اند میخواهند از طرف دولت بآنها مساعدت بشود که در اینجا زندگانی کنند و دیگر آنکه ترتیبی بشود که باوطان خودشان مراجعت کنندوچیز دیگری‌هم نمی خواهند آن قسمت که راجع به پول است‌چون لایحه تقاضای ۱۵ هزار تومان برای‌مهاجرین گیلان بکمیسیون بودجه مراجعه شده فرداصبح‌جلسه کمیسیون بودجه مطرح‌میشود وبنده که عضو کمیسیون بودجه هستم می‌توانم از طرف کمیسیون بگویم که فردا صبح تکلیف معین خواهد شد قسمت دیگر که بایستی باوطان خود مراجعت نمایند آن‌را هم‌قشون رشید ما گویا موجباتش را در این چند روزه‌فراهم می‌نمایند که از طرف دولت و وزیر جنك اقداماتی شده است و تصور میکنم در ظرف همین هفته راه باز شود و رشت هم از دست متجاسرین خلاص شود و مهاجرین بتوانندباوطان خودشان بر گردندبـاوجود این دو مطلب که قبلا میتوان گفت حل شده است‌من هیچ اشکالی در این خصوص نمی بینم یك عده از اهالی بدبخت‌مملکت که به نظامنامه داخلی وتولوژی مجلس آشنائی ندارند حق دارند کمیسیونی تقاضا کنند زیرادرد دلهائی که دارند و میخواهند حرف های خود را بزنندو بالاخره میخواهند بیك مـرکز قدرتی متوسل شوند بنابر این از آقایان تقاضامی‌کنند که کمیسیونی تشکیل بدهند که ما حرفهامانرا بزنیم این‌دیگراینقدر گفتگولازم‌ندارد مجلس‌شورای ملی باید با یك قیام قعود رأی بدهد کهیك کمیسیون شش یا هفت‌نفری بقرعه یا بانتخاب تشکیل بشود و اظهارات آنها را استماع نمایند البته پس ازاستماع اظهارات آنها خواهند گفت این قسمت‌راجع بمجلس است وباید به مجلس مراجعه شود و این‌قسمت‌راجع بدولت است و دولت باید رسیدگی کند و بالاخره از طرف مجلس مساعدتهائی میشود وقضیه‌حل‌خواهد شد در هرصورت یا برحسب پیشنهاد آقای‌حاج‌شیخ اسدالله یـا پیشنهادخود گیلانی‌ها که تقاضا کرده‌اند کمیسیونی تعیین شود برای اینکه با آنها مذاکره کنند به بینند درد آنها چیست.

نایب‌رئیس — در پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله آقای آقا میرزا ابراهیم حتی یکنفر اضافـه پیشنهاد کرده اند- آقای حاج شیخ اسدالله آیاقبول میفرمائید؟

حاج‌شیخ‌اسدالله — خیر

آقامیرزا ابراهیم قمی چون غالباً اعضاء کمیسیون‌ها را طاق انتخاب میکردند باین ملاحظه بود بنده عرض کردم هفت‌نفر .

نایب‌رئیس | در پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله حرفی نیست (گفته شد خیر ؟ پس رأی میگیریم آقایانیکه پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب‌رئیس — تصویب‌شد بقرعه بایدمعین‌شود یا بانتخاب (بعضی گفتند بانتخاب بعضی گفتندبقرعه) پس در این خصوص رأی میگیریم اشخاصی که موافقند این کمیسیون بقرعه معین بشود قیام‌نمایند (اغلب قیام نمودند)

تصویب شد .

رفعت‌الدوله — برای شش‌نفر یا هفت نفر رای می گیرید .

نایب‌رئیـ — به‌پیشنهادآقای‌حاج‌شیخ‌اسدالله که شش نفر رأی گرفته شد (در اینموقع آقای سهام السلطان استقراع نموده آقایان ذیل معین شدند .)

آقای حاج‌مقبل‌السلطنه- آقای صدرالاسلام - آقای منتصرالملك- آقای حاج‌آقای‌شیرازی (گفته شد مریض هستند)آقای‌وقارالملك-آقای‌عمیدالممالك آقای میرزاعلی کازرونی .

نایب‌رئیس — شروع کنیم بانتخاب رئیسه - اول بانتخاب آقای رئیس شروع میشود .

« دراین‌وقت اوراق آراء توزیع واخذ رای بعمل آید و آقایان احتشام‌الدوله- سلیمان میرزا - وقارالملك - بحکم‌قرعه برای استخراج‌آراء تعیین و بطوریکه ذیلا مندرج است نتیجه حاصل گردید)

مهره‌های تفتیشیه‌واوراق آراء هریك ۶۶ آقای مؤتمن‌الملك ۶۳ رأی آقای مشیرالدوله ۲ رأی‌آقای حاج شیخ‌اسدالله یك‌رأی .

نایب‌رئیس — آقای‌مؤتمن‌الملك با ۶۳رأی از ۶۶ رأی بریاست مجلس شورایملی منتخب‌شدند

(بعضی از نمایندگان- مبارك است انشاءالله)

نایب‌رئیس —حالا شروع میشود بانتخاب نایب رئیس اول بطور فردی (اوراق آراء منتشرو پس ازتعداد از طرف‌مستخرجین سابق‌الذکر مهره های تفتیشیه و اوراق آراء هریك ۶۶ عددبود)

نایب رئیس — دونفر از آقایان مرقوم فرموده‌اند در ورقه سردار معظم مطلق نوشته ایم مقصودمان سردارمعظم خراسانی است .

(استخراج آراء بعمل آمده و نتیجه بترتیب ذیل حاصل شد)

(آقای سردار معظم خراسانی ۳۲ رأی آقای سلیمان میرزا ۲۸ رأی-مدرس ۲ رأی آقای سردار معظم کردستانی ۱ رأی آقای تدین یك رأی‌آقای سردار مفخم یك‌رأی‌آقای آقا میرزا هاشم‌آشتیانی یك رأی)

نایب‌رئیس-برای هیچیك از آقایان‌اکثریت تام حاصل نشده‌است .

سردارمعظم — درهر صورت هم برای بنده هم برای ایشان باید تجدید انتخاب شود .

(مجدداً اخذ و استخراج‌آراء بعمل‌آمده‌بقرار ذیل نتیجه حاصل گردید)

مهره‌های تفتیشیه و اوراق آراء هریك۶۶رای آقای سردارمعظم خراسانی ۳۲ رأی- آقای‌سلیمان میرزا ۲۹ رأی آقای سردار معظم کردستانی۲ رأی آقای حاج‌شیخ‌اسدالله‌محلاتی‌یك‌رأی ورقه‌سفیدعلامت امتناع ۲ .

نایب‌رئیس — آقای سردار معظم ۳۲ رأی آقای سلیمان میرزا ۲۹ رأی دارند باز اکثریت نیست محتاج بدفعه سوم است .

(ثالثاً اوراق آراء توزیع و از این قرار نتیجه بعمل آمد)

(مهره‌های تفتیشیه واوراق آراءهریك ۶۴)

نایب‌رئیس — آقای مشیرالدوله وآقای‌شیخ الاسلام تشریف بردندولی آقایان دیگر نروندچون فردا هیئت دولت تشریف‌می‌آورند باید هیئت‌رئیسه معین شود .

ارباب کیخسرو — برای فردا که هیئت دولت تشریف می‌آورند لازم نیست هیئت رئیسه‌تمام معین‌شوند آقای رئیس انتخاب شده‌اند

کافی است

نایب‌رئیس - اگر انتخاب شوند بهتر است آقایان مستخرجین آراء را استخراج نمودند بترتیب ذیل نتیجه حاصل شد

آقای سردار معظم خراسانی ۳۳ رای - آقای سلیمان میرزا ۲۶ رأی - آقای سردار معظم کردستانی دو رای - آقای مدرس یك رأی - ورقه سفید علامت امتناع دو

نایب‌رئیس - آقای سردار معظم خراسانی بسمت نایب رئیس اول و باکثریت ۳۳ رأی از ٦٤ رأی انتخاب شدند حالا شروع می‌کنیم بانتخاب نایب رئیس دوم

سردارمعظم - اگر نمایندگان محترم موافقت بکنند خوب است بقیه انتخابات هیئت رئیسه را بجلسه فردا موکول نمایند

(بعضی گفتند صحیح است)

نایب‌رئیس — پس مخالفتی نیست - (گفته شد خیر) دستور جلسه آینده انتخاب نایب رئیس دوم و منشی ها و هیئت مباشرین اعلام اسامی کمیسیون بودجه و مبتکرات و عرایض و مرخصی و محاسبات مجلس - معرفی هیئت وزراء

(مجلس یکساعت وربع بغد از غروب ختم شد)

جلسه ۲۷
صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه هفتم صفر سنه ۱۳۴۰ مطابق ۱٦
میزان سنه ۱۳۰۰

مجلس یك ساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید .

صورت مجلس یوم شنبه ششم صفر مطابق ۱۵ میزان را آقای امیرناصر قرائت نمودند .

رئیس — آقای ارباب کیخسرو (اجازه) .

ارباب کیخسرو - رأی دهندگان نسبت بنابت ریاست آقای سردار معظم ٦٤ نفر بودند درصورت مجلس ٦۲ نفر نوشته شده است .

رئیس — دو رأی امتناع بوده است ولی معذالك باید محسوب شود - دیگر اعتراضی نیست ؟ (اظهاری نشد) .

صورت مجلس تصویب شد - ولی قبل از اینکه داخل دستور شویم بنده چند کلمه راجع بخودم میخواهم به آقایان عرض کنم - درموقعیکه هیئت رئیسه را انتخاب مینمودند نسبت به بنده اظهار اعتماد و حسن ظن فرمودند زبان بنده از اظهار تشکر وامتنان قاصر است همین طور که سابقاهم عرض کردم خدمات بنده چندان قدر وقیمتی ندارد ولی همین قدر میتوانم عرض کنم که سعی واهتمام خواهم کرد وظایف محوله را بطوری که شایسته این مقام است بارضایت خاطر آقایان انجام دهم و تنها اعتمادی که دارم به توجهات مجلس شورایملی است وامیدوار هستم حسیات خیر- خواهانه آقایان هم نسبت به بنده طوری باشد که بتوانم تکالیفی را که به بنده راجع است بطور شایسته انجام دهم وامیدوارم که دراین دوره ششماهه مجلس شورای ملی موفق بپاره اصلاحات بشود که در نتیجه حسن تر آن اصلاحات بنده هم شریك وسهیم بوده باشم — آقای سردارمعظم (اجازه نطق) .

سردار معظم — بنده در موقعی که اجازه خواستم برای مطلب دیگری بود ولی حالا ازاجازه خودم استفاده مینمایم وعرض میکنم از مساعی جمیله حضرت مستطاب عالی که مدتها دراین دوره و ادوار دیگر که ریاست مجلس را دارا بودند به حفظ حقوق نمایندگان وحیثیات مجلس را فرمودند تشکر میکنم وبهترین دلیل قدردانی وتشکر بنده وسایر نمایندگان همان اظهار اعتمادی است که درانتخاب حضرت عالی بعمل میآید - دستجات و افراد مجلس همه متفق و واحدالکلمه میشوند و بالاخره تمام توجهات متوجه بحضرت عالی میشود - و حضرت مستطاب عالی برای ریاست مجلس شورایملی نماینده و کاندید تمام جمعیت ها میشوید این نیست مگر بواسطه انجام همان وظایف مشکلی که ریاست مجلس به عهده حضرت عالی وارد میکند وبواسطه حسن کفایت خودتان و حسن انجام وظایف محوله حاضر شده اید باین شدت جلب خاطر نمایندگان محترم را در مرحله اول و در درجه دوم جلب توجه عموم ملت ایران را بنمائید بنده زیاده بر این نمی‌خواهم عرض کنم موضوع دیگری را که می- خواستم عرض کنم و یك رابطه غیرمستقیمی هم با صورت مجلس دارد این است که دیروز اینجا راجع بهریضه گیلانیها مذاکره شد و ارجاع بکمیسیون شد چون بنده یکی از اعضاء کمسیون بوده و هستم گفتم فردا صبح کمیسیون جلسه خواهد داشت ودر خصوص پیشنهاد دولت راجع به پولی که برای دولت خواسته‌اند تکلیف معین خواهد شد ممکن است بواسطه این حرف بنده عده از مهاجرین گیلانی که کمال استیصال و پریشانی را دارند منتظر تصمیم کمیسیون بودجه باشند بنابراین لازم است عرض کنم چون صورت تقسیم وجوه بکمسیون فرستاده نشده بود کمسیون بودجه هنوز نتوانسته است در آن باب تصمیمی بگیرد وهرموقعی که آن صورت برسد فوراً کمیسیون تصمیم خود را اتخاذ کرده راپورت آنرا بمجلس تقدیم خواهند کرد

رئیس — صحیح است چون این امر خیلی فوریت دارد موقعی که این راپورت از کمیسیون بودجه رسید شرحی بوزارت مالیه نوشته شد یکنفر حامل آن ورقه خواهد بود که آنصورت را وزارت مالیه گرفته بیاورد و برای فردا انشاءالله حاضر میشود آقای حاج شیخ اسدالله اجازه خواسته اید راجع بچه مطلب است .

حاج شیخ اسدالله — راجع به تشکر است .

رئیس — گمان میکنم کافی باشد چون فرمایشات آقای سردار معظم بنده راخجل کرد و ازفرمایشات جنابعالی بیشتر خجل خواهم شد.

حاج شیخ اسدالله — بنده هم همین قدر می‌خواستم عرض کنم وازطرف خودوتمام نمایندگان تشکر کنم این حق گذاری که حضرت آقای رئیس فرمودند و این مقام را تقبل فرمودند و تشکر میکنم از خدماتیکه در ادوار گذشته و این دوره متقبل شده‌اند و یگانه امیدواری بنده و تمام نمایندگان بوجود حضرت عالی است که بمنزله یك مربی هستید از برای ما ها امیدوار هستم باتوجهات آقای رئیس این مجلس یك مجلسی بشود که مادر تمام دنیا مفتخر باشیم (گفته شد صحیح است)

رئیس — دستور امروز اولا معرفی آقایان وزراء که می‌باید تا نیم ساعت دیگر تشریف بیاورند ولی چون نمی‌توانیم معطل بشویم داخل در سایر مطالب دستور میشویم - درثانی انتخاب بقیه هیئت رئیسه ولی قبل از وقت اگر اجازه میفرمائید مطلب دیگری مطرح بشود چون اعتبار نامه های آقایان صدرائی و معتمدالسلطنه وآقای سیدمحمد باقردست- غیب رجوع شده بود بشعبات که در ثانی تحقیقاتی بنمایند و آن شعبات موافق قانون منحل شده‌اند حالا باید بمحل دیگر مراجعه بشود بشعبات جدید که نمیشود مراجعه بشوند اگر آقایان تصویب میفرمایند خود شعبات یك کمیسیونی تعیین بفرمایند ازشعبه یك نفر یا دو نفر که باین سه فقره اعتبار نامه رسیدگی و تحقیقات لازمه بنمایند نتیجه را بعرض مجلس برسانند آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)

سردارمعظم — بنده تصور میکنم که این اعتبارنامه‌ها رجوع میشود بیك شعبی که خود آن شعب ثابت هستند منتهی اعضایش تغییر می کنند اما راجع بکمیسیون که فرمودید چون هر کمیسیونی منعقد بشود اعضای تازه‌را دارا میشود که محتاج به تجدید نظر ومطالعه خواهد بود اگر تصویب می- فرمائید خوب است که اعتبارنامه‌ها در همان شعبات اولیه (یك دو سه چهار) هرشعبه بوده باقی بماندو اعضای آن که تازه تعیین شده‌اند ممکن است در اعتبارنامه‌ها تجدیدنظر بنمایند وراپورت خودشان را به‌مجلس بدهند آنوقت آن وقتی‌راهم که حضرتعالی دراین امر درنظر دارید حاصل خواهد شد بنظرمن اینطور سهل‌تر است

رئیس - چون در نظامنامه چیزی نیست که دراین خصوص هادی هیئت رئیسه باشد وهیئت‌رئیسه هم نمی‌تواند این اعتبارنامه‌هارا بشعبات‌جدیدبفرستد زیرا اگر یك اعتبارنامه سابق به شعبه پنجم رجوع شده باشد حالا که آن شعبه منحل شده وشعبه‌دیگری تعیین شده فرستادن اعتبارنامه بهمان شعبه‌هیچ‌سابقه ندارد وتعیین این مطلب راجع به‌رأی مجلس است اگرهم می‌خواهند مجدداً همان شعبات سابقه برای رسیدگی به‌همین امور تشکیل شده وتحقیقات بکنند ونتیجه تحقیقات‌خودرا به‌مجلس‌راپورت دهند همانطور رفتار می‌شود آقا سید یعقوب(اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده میخواستم عرض کنم شعباتیکه سابق بوده‌اند حقشان ساقط شده است و ۳ماه بیشتر حق نداشتند اگر دومرتبه بخواهند در کارها نظر کنند باید بتصویب مجلس باشد

رئیس — چون این‌امر جدید است واذهان آقایان مسبوق نیست اگر تصویب می‌فرمائید بماند برای جلسه دیگر (بعضی گفتند صحیح است)دوسیه راجع به آقای حاج شیخ اسدالله که خواسته شده بود حاضر است و تکلیف آنراهم بعد باید معین بفرمائید - حالاشروع میشود به‌انتخاب یکنفرنایب رئیس دیگر چون یك نایب رئیس تعیین شده است نایب‌رئیس دیگرهم باید امروز تعیین‌بشود .

(اوراق آراء توزیع شد)

رئیس — آقایانیکه آراء خودرا نوشته‌اند تشریف بیاورند (اخذآراء بعمل آید)

(آقایان سلیمان‌میرزا - احتشام‌الدوله‌وقارالملك مهره‌های تفتیشیه واوراق آراءرا تعداد نموده‌اند بقرار ذیل نتیجه حاصل‌شد)

مهره‌های تفتیشیه ٦٦ اوراق آراء ٦۵

رئیس - یك رأی متعلق به‌آقای نظام‌الدوله

بود چون بموجب نظامنامه‌داخلی نمیبایستی‌رأی‌بدهند رأی خودشان‌را مسترد کردند

(شروع‌بقرائت آراء شده ٦ رأی باسم‌آقای مدرس قرائت‌شد)

سلیمان میرزا - ورقه ششمی تدین است اشتباهاً مدرس خوانده شد .

نصرت‌الدوله — خوب است‌از اول‌خوانده شود .

رئیس — (خطاب به آقای سلیمان میرزا) به‌بینید آقای‌مدرس چندرأی دارند

سلیمان‌میرزا - (پس‌ازمطالعه اوراق‌قرائت شده) پنج رأی

(بقیه آراء قرائت شده بترتیب ذیل

نتیجه حاصل‌گردید)

آقای مدرس ۳۳ رأی — آقای سلیمان‌میرزا ۲۸ رأی - آقای آشتیانی ۲ رأی آقای تدین یك رأی ورقه سفید علامت‌امتناع ۱

رئیس - آقای‌مدرس‌باکثریت تام ۳۳ رأی‌منتخب شدند - آقای‌تدین(اجازه)

تدین - عرض میکنم بهمان دلیلی که آقای نظام الدوله حق رأیشان ساقط است چون تصویب اعتبارنامه‌شان بموجب رأی مجلس تصویق افتاده‌است دو نفر دیگر از نمایندگان هم که آقای صدرائی و آقای معتمدالسلطنه هستند آنهاهم بهمان‌درجه هستند معهذا رأی داده‌اند

رئیس - رأی نداده اند

تدین — چرا داده اند (مجلس گفته نداده اند)

رئیس - بنده خودم مخصوصاسپردم رأی ندهند و نداده‌اند (صحیح‌است) آقایانی که‌حاضر هستند ٦۹نفر بوده اند سه نفر که آقایان نظام الدوله و صدرائی ومعتمد السلطنه باشند بموجب نظامنامه نمی توانستند رأی بدهند یکنفرهم بطیب‌خاطر رأی‌نداده‌است الباقی ٦۵ نفر(گفتند صحیح‌است)

(دراینموقع هیئت‌وزراء حاضر شدند)

رئیس — آقایان وزراء برای معرفی تشریف آورده اند

رئیس‌الوزراء — بلی کابینه وزراء بطوری که‌درحضوراعلیحضرت‌همایونی معرفی شده‌اند بمجلس شورایملی‌معرفی‌میشوند — آقای سردار سپه وزیر جنك — آقام مصدق‌السلطنه وزیر مالیه — آقای مشار السلطنه وزیر امور خارجه — شاهزاده‌شهاب - الدوله وزیر پست وتلگراف — آقای عمیدالسلطنه وزیرعدلیه - آقای امیراعلم‌وزیرعلوم- آقای نیرالسلطان وزیرفوائد عامه

رئیس — پروگرام هیئت وزراء امروز مورد بحث میشود یاروزدیگر

رئیس‌الوزراء - چرا امروز خوانده میشود (در اینموقع آقای رئیس الوزاء در محل نطق حاضرشده‌پروگرام هیئت دولت‌در بمضمون‌زیر قرائت نمودند)

آقایان محترم - نهایت خوشوقتی حاصل است که بعداز چندسال‌تعطیل موفقیت حضور در چهارمین مجلس شورایملی برای هیئت دولت میسر گردیده و با نهایت مسرت دستور عملیات خود را در اصلاحات مملکتی بمجلس محترم پیشنهاد مینماید یك نظربسرتاسر مملکت و مشاهده احوال‌عمومی بخوبی ثابت مینماید که دوره امراروقت سپری شده وروز سعی و عمل رسیده است مشکلات حاضره وپیش‌آمد های متنوعه کنونی را که درمیزان تجارب گذشته بسنجیم خوب حس خواهیم کرد که بیشترازهروقت موافقت مجلس شورای ملی و هیئت دولت لازم است تا با توحید مساعی و افکار بنتایج مطلوبه که دیرزمانی است ملت‌ایران ازاصول‌مشروطیت انتظار داشته اند موفق گردیده هرچه زودتر باصلاح و ترمیم خرابی ها شروع شود آقایان نمایندگان محترم تصدیق میفرمایند که بهتر است دراین موقع ازآنچه بهرام وآرزوشبیه است صرفنظر شده نقشه دراصلاحات اتخاذ شود که بحال مملکت مفید و قابل اجرا باشد ازاین نقطه نظرسه موضوع مهم را که مملکت بآن محتاج تراست مقدم میدارم ۱- تکمیل وسائل نظم وامنیت ۲- ایجاد واصلاح وسائل ارتباطیه وسعی درتهیه موجبات دائرشدن و استفاده از منابع ثروت داخلی مملکت بوسیله اعطاء امتیازات مفیده بشرکتهای بین‌المللی و تشویق تاسیس شرکتهای ایرانی ۳- اصلاحات اداری برای حفظ سرحدات و استقرار نظم وامنیت طرق وشوارع واجرای قوانین وتربیه نفاذ امرحکومت مرکزی محتاج بقشون‌منظم وکافی هستیم که با اینکه وضعیات قشون نسبت به سابق ازهرجهت بهتر ومنظم تراست معذالك برای تکمیل انتظامات ورفع هرگونه نواقص دولت‌درنظر دارد یك عده صاحب‌منصبان معلم ازیکی از دول غیر همجوار استخدام نماید بدیهی است استخدام‌صاحب- منصبان مزبور با تصویب مجلس شورایملی انجام خواهد یافت وعده قشون و مصارف آن قریباً در ضمن بودجه کل مصارف مملکت بمجلس شورایملی پیشنهاد خواهد شد .

متاسفانه باید اقرار نمود که‌مملکت ما ازمهمترین وسائل حیاتی که برای معیشت عمومی و رفع فقر و پریشانی واستقرارنظم وپیشرفت‌تجارت وتزییدعایدات اولین درجه ضرورت و لزوم را داشته محروم مانده است راههای عرابه رومعدود وآنچه فعلادائر است با اندك غفلت درقلیل مدتی خراب میشود وراه آهن که دردنیای متمدن امروز درحکم شرائین مملکت است که بدون آن جریان‌امورتجارتی واقتصادی متوقف وحیات اجتماعی درخطر است درایران تقریباً وجود ندارد بدیهی‌است- بعدازاستقرارنظم وامنیت بزرگترین احتیاج مملکت بایجاد واصلاح وسائل ارتباطیه است یعنی ایجاد راه آهن و راههای عرابه رو که‌در این موضوع دولت مشغول مطالعاتی‌است که هرچه زودتر لوایح مفیده‌را بمجلس شورای ملی عرضه نماید .

دراینجا لازم میدانم خاطر نمایندگان محترم را بفقر وپریشانی عمومی متوجه‌نمایم که علاوه براینکه کمی کار وزیادی روزافزون عده بیکار از زمان متمادی باین طرف از جمله درد های صعب العلاج مملکت بوده براثر جنك بین المللی تجاوز عساکر اجنبی و توالی امراض مسریه و قحطی مسدود شدن طرق و ابواب‌تجارت و بالجمله نقصان زراعت و فلاحت این درد مملکت را بانقصی‌درجه‌تصور و تحمل رسانده است - علاج این وضعیت ازدیاد محصولات مملکتی و توسعه و استخراج منابع ثروت است و امروزموقعی است که دولت جدیتی در این موضوع نموده برای توسعه فلاحت و ثروتهای ارضی مملکت نقشه‌های مفیده طرح و به مجلس شورای ملی‌تقدیم نمایدلیکن بدیهی است برای مقاصد فوق تهیه پول و سرمایه لازم‌است و تهیه آن کاملامقدور نخواهدشد مگر بوسیله اصلاحات مالیه و جلب سرمایه‌های خارجی زیرا بدون این دو ایجاد و اصلاح راهها و توسعه فلاحت و استخراج منابع ثروت و بستن سد ها و مزروع نمودن اراضی‌لم یزرع که بتوسط متخصصین فنی در نظراست‌مقدور نخواهد بود اینك باید دید مقصود از اصلاحات مالیه چیست و تهیه سرمایه‌های خارجی برای چه مقصود است

آقایان نمایندگان محترم شایدمثل من‌بوخامت وضعیات مالیه مسبوق نباشند در سنوات اخیر دولت همه ساله میالغی‌علاوه برعایدات خود خرج نموده و کسرعایدات را بوسیله مساعدتهای خارجی جبران کرده است البته این ترتیب رابیش‌از این نمیتوان مداومت داد باید مخارج زائده‌حذف و تخفیفات کلی در مخارج مملکتی‌داده شود و منظور ما بایدموفقیت بتعادل جمع و خرج در اسرع اوقات‌باشد باین‌معنی که ازیك‌طرف در تقلیل مخارج سعی کنیم وتا- حدی که جریان چرخهای اداره دولت اجازه دهد ازمخارج زائد کسب نمائیم و از طرف دیگر درتکثیر عایدات اقدام کنیم و از این باب امید است قریباً لوایح مفیده به مجلس شورای ملی پیشنهاد شود که‌بعون‌الله تحصیل این موفقیت ممکن گردد‌بدیهی است‌ازدیاد عایدات آنها بوسیله‌وضع‌مالیاتهای‌جدیده‌انتظار نداریم‌بلکه یکی از مقاصدعمده‌دولت‌اصلاح‌ادارات مالیه درمرکز وولایات‌است که درنتیجه حسن اداره آنچه از مالیات دهندگان دریافت میشود از حیف و میل مصون‌بوده کلا بخزانه‌دولت‌عاید گردد و برای‌تکمیل‌اصلاحات‌تجدید نظر درقانون تشکیلات مالیه‌لازم‌خواهدشد برای‌اصلاحات مالیه‌دولت‌لازم‌میداند که‌بوزیرمالیه از طرف مجلس شورایملی موقتاً اختیاراتی مطابق پیشنهادیکه خود وزیرمالیه خواهد کرد داده شود تابتواند درمدتی که برای‌مطالعه وآزمایش پیشنهاد های‌اصلاحات وزارت مالیه لازم‌است ازحدود عادی و ترتیب فعلی وزارت مالیه تجاوزنماید و نیز یکی ازاهم والزام احتیاجات فعلی تسویه وتصحیح عدم مساواتی است که نسبت به مالیات دهندگان‌مجری ومعمول‌است ویقین‌است‌چنانچه تحمیلات مالیاتی اعم‌از قدیم‌وجدید بااحتراز‌از‌تحمیل برفقرا وضعفا بیشتر از روی عدالت مجری گردد و مالیات ارضی که مبنای مالیاتها است‌تعدیل شود وبر املاك جدیدالنسق که مالیات بسته شده است مالیات وضع بشود عایدات بمراتب زیادتر خواهد شد و هم‌چنین وقتی که طرق‌و شوارع اصلاح‌و امنیت کامل در راهها استقرار یابد و مسافرین و تجار براحت و سهولت مراوده و حمل مال‌التجاره نمایند عایدات گمرکی و پستی‌نیز محسوساً اضافه‌خواهد گشت‌بعلاوه در وصول‌بقایا و سایر مطالبات دولت‌نیز سعی وافی بعمل خواهدآمدوازاین‌راه نیز کمکی نسبت‌بمصارف دولت خواهدشد. مخصوصاً آقایان‌نمایندگان محترم رامتذکر میشوم که‌اصلاحات فوق‌الذکر بدون‌استعانت

ازمعلمین ومتخصصین فنی متصدر است وبهمین نظر بوده است که درازمنه مختلفه دولتهای وقت باستخدام متخصصین اروپائی وآمریکائی اقدام نموده‌اند بدیهی است در این موقع نیزمجلس شورایملی اهمیت موضوع رادر نظر گرفته پیشنهاد های آتیه دولت را بطوری که شایسته اهمیت موضوع است تلقی خواهند نمود واما راجع بتهیه سرمایه های خارجی تصور میکنم آقایان نمایندگان محترم بادولت هم‌عقیده باشند که برای اصلاحات فوق‌الذکر یعنی برای بکار انداختن منابع ثروت و سایر اصلاحات نافعه ناگزیر ازتوسل بمنابع ثروت خارجی هستیم ودولت دراین باب مشغول مطالعاتی است که درموقع خوداوایح آنرا بمجلس شورایملی تقدیم خواهد نمود بدیهی است همچنانکه برای مملکت مالیه‌مرتب وقشون‌منظم لازم‌است توسعه وتکمیل معارف نیز دراعلا درجه‌لزوم است اگرچه ازچندی‌باین‌طرف عوائدجدیده رادولت برای توسعه‌معارف تخصیص‌داده لیکن‌دراین‌موضوع مهم تنها بتشخیصات سابقه نمیتوان قناعت نمود بلکه باید سعی کرد معارف‌درتمام نقاط مملکت بهراندازه ممکن‌شود عمومیت پیدا کرده تمام اهالی از سعادت علم ودانش برخوردار شوندبرای این‌مقصودحکومت حاضره در نظر دارد مبلغ معتنابهی بمصرف توسعه معارف تخصیص داده شود و علاوه بر ایجاد مدارس جدیده همه ساله یکعده از شاگردان فارغ‌التحصیل مدارس برای‌تکمیل تحصیلات‌در کلیه شعب‌علمی وفنی بخارجه اعزام نماید بعلاوه چون درشهر طهران‌وسایر شهر های ایران عوائد جدیدی باسم مالیاتهای بلای اخذمیشودلازم‌است که بلدیه‌هر شهر نیزدرمخارج‌معارف محلی شرکت نماید از مسائل مهمه دیگر که توجه آقایان را بآن جلب میکنم اصلاح امور قضائی است که‌دراین‌مدت تجربه وعمل‌ثابت‌نموده است که‌قوانینی فعلا درجریان است کامل نیست امیدوارم آقایان نمایندگان تصدیق فرمایند که درقوانین‌قضائی تجدیدنظری شده طرح ساده تری اتخاذ شود که بسرعت جریان محاکمات افزوده اعتماد عامه را نسبت بمراجع قضائی تکمیل نماید قریباً لوایح قانونی اصلاحات مزبور راتهیه وبمجلس شورای ملی تقدیم‌خواهدنمود از جمله مسائل مهمه که تاکنون کاملا مورد توجه نبوده است موضوع صحیه عمومی است بدیهی است مملکتی که بامساحت زیاد وجمعیت کم ووضعیت‌اقلیمی و بالاخره با احتیاج شدید بازیاد نفوس غالباً در معرض امراض و بواسطه فقدان وسائل صحی‌زیاده‌از حدتناسب دچاراتلاف نفوس است فوق‌العاده محتاج حفظ‌الصحه عمومی است والبته هرحکومتی که‌مشغول سربرستی افراد است نمی‌تواند ازحفظ جان‌وسلامت نفوس صرف نظر نماید دراین موضوع البته‌تحمیل جدیدی بر بودجه مملکت نمی‌توان نمودلیکن نظر باینکه نتایج خیریه آن مسائل حال عموم است باید اهالی مملکت در فراهم نمودن شامل آن شرکت نمایند از این نقطه نظرلازم است اولا در شهر ها قسمت مهمی‌ازعوارض بلدی برای مصرف‌حفظ‌الصحه عمومی تخصیص یابد ودر نقاطی هم که بلدیه ندارد کسور اضافی که حتی الامکان بر مالیات دهندگان غیر محوس باشدوضع وماخوذ گردد تامطابق اصول ودستورهای علمی‌موجبات اجراء این مقصود درتمام مملکت تدریجاً فراهم گردد

همچنین آقایان محترم از نواقص قوانین بلدیه مسبوق ولزوم اصلاح آن را البته احساس‌فرموده‌اند دولت در نظردارد با تجاربی که ازبدوتأسیس بلدیه حاصل نموده قوانین را که برای تأسیس بلدیه ها یا حوائج شهرها مناسب میتواند باسرع اوقات تهیهٔ و بمجلس شورایملی تقدیم نماید یا اینکه‌درپروگرام باید رؤس مسائل مندرج وحتی‌الامکان از جزئیات اجتناب شود معذالك اهمیت‌موضوع اینجانب‌رادعوت می‌نماید که درباب لزوم وضع قانون استخدام خاطر آقایان نمایندگان محترم را متوجه نماید زیرا بدون وضع قوانینی که بموجب آن شرایط ورود بخدمت وارتقاء رتبه یاتنزل مقام وانفصال معین ومحدودباشد ودر مأمورین دولت ایجاد بیم و امید نماید اصلاح ادارات غیر مقدور و بابقاء وضع امروزه استخدام که اساس آن مبنی برتوسل یا اتکاء بنفوذها و حمایت های خصوصی است امیدوار بودن باصلاحات ادارات امری ممتنع بنظر می‌آید این است که در اولین ازمنه امکان قانون استخدام را تهیه وپیشنهادمجلس محترم شورایملی‌خواهیم نمود ونیز آقایان‌نمایندگان محترم را متوجه می‌نمایم که چون برای تهیه اوایح قانونی واصلاحات اداری شرکت ومعاونت هیئتی از اشخاص مجرب وصلاحیت‌دار لازم خواهد بود بنابر این لایحه ایجاد شورای دولتی را که لزوم‌آن کاملا محسوس است بمجلس شورایملی پیشنهاد خواهیم نمود که هرچه زودتر از تصویب مجلس گذشته در تهیه اوایح قانونی بقسوه اجرائیه کمك و معاضدت نمایند .

راجع بسیاست‌خارجی دولت بدیهی است‌روابط ایران با دول متحابه همواره در کمال وداد و حسن مناسبات است وحکومت حاضره نیز تزیید و تشیید مناسبات حسنه‌راباکلیه دول همجوار و غیر همجوار یکی‌از تکالیف مسلمه خود میشمارد

بنابر مقدمات فوق پروگرام حکومت حاضره بمواد ذیل تجزیه میشود

۱ - حفظ مناسبات حسنه بادول‌متحابه .

۲ — تکمیل انتظامات قشون وقوای تأمینه وجلب صاحب منصبان معلم ازدول‌غیر همجوار

۳ — اصلاحات اقتصادی بوسیله دائر نمودن منابع ثروت مملکت و ایجاد و تکمیل وسائل ارتباطیه .

٤ - حذف وتقلیل مخارج و تکثیر عایدات و وتعادل جمع وخرج ووصول بقایا ومطالبات دولت و اصلاح ادارات‌مالیه‌درمرکز وولایات وجلب‌متخصصین ازدول غیر همجوار وتعدیل مالیاتها

۵ - توسعه‌وتکمیل معارف وحفظ‌الصحه‌عمومی

٦ - اصلاح قوانین قضائی .

۷ - تجدیدنظر در قانون بلدیه .

۸ - تهیه قانون استخدام .

۹ - تأسیس شورای دولتی

امیدوارم مسائل فوق‌الذکر کاملا مورد توجه آقایان نمایندگان محترم گردیده با حسن اراده و علاقه مندی کاملی که در پیشرفت منافع حقیقی مملکت دارند مساعی دولت را در تحصیل موفقیت تأیید فرمایند

رئیس - امروزبحث در پروگرام نمیشودچون باید طبع و توزیع شود میماند برای جلسه ۳ شنبه آقای حاج شیخ اسدالله فرمایشی داشتید .

حاج شیخ اسدالله - عرضی ندارم.

رئیس - شروع میشود بانتخاب چهار نفرمنشی (اوراق آراء توزیع شد)

رئیس - آقایانیکه آراءشان‌حاضراست‌تشریف بیاورند (اخذ آراء بعمل آمد) آقایان مستخرجین تشریف بیاورند

مهره‌های تفتیشیه و اوراق آراء تعداد شده هریك ٦٤ عدد بود)

در اینوقت آقای طباطبائی حاضر ویاکت‌رای خودرا تسلیم نمودند

رئیس - چه خبر است

سلیمان میرزا - آقای طباطبائی تازه‌تشریف آورده و رأی میدهند

رئیس - نمیشود

(آراءمأخوذه قرائت و نتیجه‌بقرار ذیل حاصل شد)

آقای بیان‌الدوله ۲٦ رأی — آقای سهام‌السلطان ۲۸رأی — آقای میرزا ابراهیم خان۳۲ رأی — آقای تدین ۲۵ رأی - آقای آصف‌الممالك ۲٦ رأی - آقای امیر ناصر ۲٦ رأی - آقای رکن الملك ۲۲ رأی - آقای عماد السلطنه اصفهانی ۱۵ رأی-آقای شیخ‌الاسلام ملایری ۵رای آقای میرزا ابراهیم قمی ۵رأی - آقای آقا میرزا طاهر تنکابنی ۳ رأی - آقای ملك‌الشعراء ۲ رأی آقای مستشارالسلطنه ۲ رأی - آقای حاج میرزا اسدالله خان ۲ رأی - آقای فهیم‌الملك یك رأی - آقای عمادالسلطنه خراسانی ۲ رأی - آقای عماد - السلطنه مطلق یك رأی - آقای طباطبائی یك رأی آقای عبیدالممالك یك رأی - آقای غضنفر خان یك رأی - آقای وقارالملك ۱ رأی - آقای بیان‌الملك یك رأی ورقه سفید علامت امتناع ۵ رأی

رئیس - باید تجدید انتخاب شود- اکثریت تمام حاصل نشد - آقای میرزا ابراهیم‌خان ۳۲رأی دارند - آقای‌سهام‌السلطان۸ ۲رأی - آقایان‌آصف‌الممالك و بیان‌الدوله و امیرناصر هرکدام ۲٦ رأی آقای تدین ۳۵رأی - آقای رکن‌الملك ۲۲ رأی آقای عمادالسلطنه اصفهانی ۱۵ رأی

سردار معظم - ممکن است یکمرتبه‌دیگر قرائت شود

(مجدداً بترتیب فوق قرائت شد)

رئیس - چند دقیقه تنفس داده میشود بعد شروع بتجدید انتخاب آقایان منشی ها خواهد شد (دراین‌وقت آقایان نمایندگان برای تنفس‌از مجلس خارج)

(پس‌ازبیست دقیقه مجدداً‌جلسه‌تشکیل گردید)

رئیس - شروع میشود بانتخاب ٤ نفرآقایان منشیان‌اخذ‌آراء بعمل آمدوپس از۲استخراج بطوریکه ذیلا مندرج است نتیجه حاصل شد)

(عده آراء و مهره های تفتیشیه هریك ٦۵)

(آقای سهام سلطان ۳۲ رأی — آقای‌میرزا

جلسه ۳۹

صورت‌مشروح‌مجلس یوم‌پنجشنبه ۳۰ میزان‌مطابق یازدهم‌شهرصفر ۱۳۴۰

مجلس یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن‌الملك تشکیل گردید .

صورتمجلس‌یوم سه‌شنبه ۱۸ میزان راآقای‌بیان‌الدوله قرائت نمودند .

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق)

حاج‌شیخ‌اسدالله - در صورتمجلس راجع باظهارات شاهزاده نصرت‌الدوله

بطور اجمال شرحی نوشته شده‌است که شاهزاده فرموده اند منشی محکمه وجهی ازمتداعین خواسته این‌مطلب اشتباه است مثل اینکه درروزنامه‌هم نوشته است منشی محکمه بعنوان‌تعارف‌وجهی خواسته وحال آنکه اینطور نیست آن‌وجه بعنوان فوق‌العاده بوده در صورتمجلس بطور اجمال ذکر مینماید که وجهی خواسته اماقضیه اینستکه آیا این‌وجه بعنوان تعارف یا فوق العاده بوده نه نبوده و البته باید معلوم شود .

رئیس - اضافه میشود غیرازاین‌دیگراعتراضی نیست ؟ (اظهاری‌نشد) .

رئیس - صورتمجلس تصویب شد . دوفقره راپورت ازشعب‌رسیده یکی‌راجع بآقای‌ضیاء الادبا دیگری‌راجع بمعتصم‌السلطنه .

ارباب کیخسرو — اجازه میفرمائید .

رئیس — بلی فعلا اجازه خواسته بودید بفرمائید .

ارباب کیخسرو — بااینکه سه ماه و ده روز است ازافتتاح مجلس شورای‌ملی میگذرد و متأسفانه هنوزمجلس فرصت نیافته است یك قدم برای سعادت ملت ووضع قانون ونظارت در حفظ و اجرای قانون بردارد و غالب اوقات آن بمذاکرات شخصی گذشته است از اینجهت بنده میخواستم داخل مذاکرات شخصی‌نشده باشم . بنابرآن‌درموقع انتخاب هیئت رئیسه سابق ازچند روزقبل از آنکه هیئت رئیسه‌را انتخاب‌نمایندبه‌رئیس‌مجلس عرض کردم که‌صلاح‌خودم را بقبول عضویت اداره مباشرت نمیدانم و اینکه بالاخره قبول کردم برحسب‌وعدهٔ بوده که فرمودند تا چهاردهم میزان عضویت اداره مباشرت را داشته باشم و بعداز آن باختیار خود باشم‌در جلسه قبل در موقع‌استخراج آراء بنده حضور نداشتم و بعد از آنکه‌شنیدم اکثریت‌داشته ام خواستم خدمت آقای رئیس‌عرض کنم که مجلس‌بنده‌رااز‌این خدمت معاف نماید ولیکن موقع منقضی ومجلس متفرق شده بود لکن‌حالیه عرض‌میکنم بعداز آنکه دوازده‌سال و سه ماه‌متصدی این امربوده‌ام حالیه دیگر صلاح خودرادر مداخله نمیدانم ودر این موقع که از این کار کناره می کنم گمانم این‌است که این‌مدت‌تصدی بنده‌آنقدر بمن اجازه نمیدهد که قدری توضیحات از گذشته بدهم کلیه دوازده سال و هفت ماه‌است که‌بنده‌مستقیماً داخل درسیاست هستم‌واز‌اینمدت چنانکه عرض کردم دوازده‌سال و۳ماه آنرا متصدی امور اداره مباشرت بوده‌ام . درتمام‌مدت‌زندگانی‌خودم بنده‌فقط متصدی سه امر مالیه میدانم که ازطرف دولت و مجلس مسئولیت آن بمن رجوع شده‌بود . یکی‌درموقع‌تاج‌گذاری اعلیحضرت همایونی بوده است که تهیه‌شدن آنکار به بنده رجوع و درمقابل‌صدوپنجاه‌هزارتومان اعتبار داده شده بود ولی خوشبختانه این امر در کابینه‌مرحوم‌علاءالسلطنه‌بمن‌واگزارشده‌بودودر کابینه آقای‌مستوفی‌الممالك‌حساب‌آنرادادم‌درمقابل‌دوازده‌هزارو چهارصد تومان و کسری فقط خرج کرده بودم و در همان موقع مفاصا گرفتم قسمت دیگر عملی است که‌درسنه‌ئیلان‌ئیل‌در کابینه‌مرحوم علاءالسلطنه یعنی کابینهٔ که آقای مشیرالدوله و آقای مؤتمن الملك هم عضویت داشتند و همین‌آقایان‌محترم کراراً به بنده تکلیف کردند که متصدی خرید غله باشم و چون مکرر تکلیف‌نمودند بنده در آنسال‌متصدی این امر شدم لازم میدانم دراینخصوص‌بطور اختصار خاطر آقایان را متذکر کنم که از ابتدای سنه لوی ئیل که سنه قبل از آن باشد در کابینه آقای وثوق الدوله خریدغله‌بعنوان تجارتی‌نه‌بعنوان‌نوکری به بنده تکلیف شد این را هم باید عرض کنم که بنده در مدت عمر خودم نوکری دولت نداشته ام این تکلیف هم بعنوان نوکری دولت نبوده فقط بعنوان خرید تجارتی بوده که غرهٔ ذی حجه آن سنه به بنده واگذار شد وقتی که راضی باین‌امر شدم و مقداری غله خریداری نمودم بواسطه بعضی پیش آمدهاصلاح خود را در کناره گیری‌دیدم و حساب مدت دو ماه تصدی خود را داده و مفاصا گرفته کناره کردم بعد که مجدد در سنه ئیلان ئیل این امر به بنده رجوع شد در آنموقع گندم در طهران خرواری سی‌و سه الی سی وهشت‌تومان بود و در برج ثور یونت ئیل‌سنه‌بعدبود در طهران گندم بخرواری صدو بیست الی صد و سی تومان بلکه بیشتربالغ‌هم‌شدیعنی هر کس هر چه میل‌داشت میفروخت برای این کاراز طرف دولت مبلغ هشت صد و چهارده هزارو نهصدو شصت وچهارتومان‌و کسری به بنده اعتبار داده شد ازاین مبلغ یانصد و هفتاد و نه هزارو هشتصد و چهل تومان بمصرف خرید رسانیدم و دویست و سی پنجهزارو صدوبیست و سه تومان و کسری نقد عاید دولت شد کلیهٔ در آنسال خریدی که بنده کردم پانزده هزار و هشتصد و پنجاه خروار بود که در برج ثور خرید آن تمام شد و در برج جوزا همان سال بنده بوسیلهٔ روزنامه ایران که آنوقت در تحت‌نظر آقای ملك‌الشعرا اداره‌میشد بعموم کسانی که‌طرف‌معامله بابنده شده بودندحتی بمکاریانی که‌جنس حمل نموده بودند اعلان کردم که من‌مشغول‌تهیه‌صورت‌حساب‌برای‌تقدیم بدولت‌هستم‌خواهشمندم هر کس‌هرمعامله که‌بامن کرده است کلیه صورت‌آنرابدولت‌بدهد‌تابعد دولت آنها را با صورتی که من میدهم مطابقه نماید در برج سرطان در کابینه آقای صمصام‌السلطنه‌صورت‌حساب را تقدیم دولت کردم آقای حکیم‌الملك وزیرمالیه و آقای فهیم‌الملك خزانه‌دارمشغول رسیدگی‌شدند در خاتمه آن کابینه حساب تمام شد ومفاصای‌بنده را هم‌در هفدهم‌میزان‌آن‌سنه‌در کابینه آقای وثوق‌الدوله دادند درموقعی که رسیدگی بحساب بنده شددر صورتی که مطابق شرحی که عرض کردم از ابتدای شروع بنده بکار خرید گندم خرواری سی و سه الی سی و هشت تومان و در ختم آن خرواری صد و سی تومان متجاوز بوده پس از تسویه حساب مطابق صورتی که تقدیم دولت داشتم معلوم شد گندم با جزئیات‌مخارج‌آن‌از قبیل کرایه و مخارج مامورین قزاق و ژاندارم و غیره در آن سال قحطی و گرانی فوق‌العاده خرواری سی‌وهفت تومان و پنجقران و دهشاهی برای دولت تمام شد در هر صورت در این قسمت هم بنده حساب داده و مفاصاً گرفتم قسمت‌دیگرازمداخله‌بنده‌درامورمالیه عضویت اداره مباشرت میباشد اززوزی که متصدی این امر شده‌ام‌تا دو روز قبل که متصدی بوده ام و الان کنار میروم بطور خلاصه کلیه اعتباری که تا آخر سنه یحیی ئیل به بنده داده شده بوده مبلغ ششصد وشصت ونه هزار ودویست و سی وچهارتومان وشش قران وشش شاهی بوده‌است از این مبلغ پانصد وشانزده‌هزارودویست‌وچهل‌تومان ونه‌قران‌ودهشاهی بمصرف‌رسیده‌است‌باین‌شرح‌در دوره دوم دویست ونود هزاروهشصد وشصت ونه تومان و شش قران‌ویك‌شاهی که‌درمجلس‌نیز تصویب شده‌است در دوره‌فترت‌بین‌مجلس دوم‌وسوم‌مبلغ بیست وهفت هزاروچهارصد وچهل وهفت تومان و شش قران و چهار شاهی که آنهم در مجلس تصویب شده است از دوره سوم یکصدو یازده هزار ویانصد وسی ویکتومان و شش قران و سه شاهی میماند ایام فترت بین دوره‌سوم وچهارم و در این مدت هم هشتاد شش هزار ونود دو تومان‌و ویکقران وصد دنیار بمصرف رسیده است که صورت آنرا در هفتم سنه تقدیم کردم ودراینجا قرائت شد و باید بکمیسیون محاسبات برود از آن میزانی که اعتبار داده شده بود یکصد وپنجاه ودوهزار وسیصد ونودوسه تومان وشش قران‌وششصد دینار کمتر خرج شده است محاسبات‌آنها یك قسمت تصویب شده فقط قسمت اخیر آن یعنی محاسبات دوره‌فترت‌باقی مانده که آنهم بکمیسیون محاسبات رفته که باید راپورت خودش رابعدازرسیدگی تقدیم‌دارد وقسمت دیگری که هنوز حساب آن رسیدگی نشده قسمت اخیر تصدی بنده بوده پیش از شروع دو روز قبل که‌بنده متصدی ادارهٔ مباشرت بودم‌ام که حساب‌آن ازطرف اداره محاسبات تهیه وتقدیم‌خواهد شد این‌بوده‌خلاصهٔ عملیاتی که بنده چه‌در کارهای دولتی وچه ملی در دوره زندگانی‌خودم متصدی بوده‌ام همان قسم که‌از ابتدای تصدی به عقیده‌خودم با شرافت داخل شده‌ام الان هم با شرافت کناره میگیرم و خارج میشوم حساب مجلس نیز برای آقایان نمایندگان باز است والبته کمیسیون محاسبات راپورت‌خودرا تقدیم‌خواهد

کرد فقط امتدائی که دارم این است که کمیسیون محاسبات زودتر راپورت خودش را تقدیم دارد و مجلس شورای ملی زودتر برسیدگی بآن نماید تاخیال بنده بکلی راحت بشود اگرچه خیالم حالیه نیز راحت است ولی فقط میتوانم عرض کنم اصرارم ازاین بابت است .

تو انم آنکه نیازارم اندرون کسی
حسود را چکنم کاوز خود برنج در است

اشخاصی هستند که همیشه مغالطه زبان تنقیدشان دراز است و چون متأسفانه این ترتیب بکلی عادت مملکت ماشده است بهمین جهت است که بنده میخواهم مجلس که فوق همه است نظریات خودش را هر چه زودتر بگوید ودر خاتمه دراین موقع که از خدمت وعضویت ادارهٔ مباشرت کنارمیروم فقط یک استدعا دارم و آن استدعا چنانکه در راپورت خود عرض کردم راجع باعضاء ومستخدمین ادارهٔ مجلس است که خدمات فوق العاده کرده اند و بصداقت وظیفه خود را انجام داده و حقیقتاً آبروی متصدیان را همه وقت حفظ کرده اند در ایام فترت وسختی بنده همه قسم بآنها وعده واطمینان دادم که هر وقت مجلس باز شود حقوق زحمات آنها را مراعات خواهم کرد این است که در اینموقع مسئولیت را از خود دور کرده وحفظ حقوق آنان را بمجلس واگذار مینمایم

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا - همان قسمی که آقای ارباب کیخسرو فرمودند البته در صورتیکه دوازده سال و سه ماه در نهایت صحت و امانت متصدی امر مباشرت مجلس شورای ملی هستند هیچ زیانی نخواهد داشت که چند دقیقه هم وقت مجلس بذکر خدمات ایشان مصروف شود تا این امید از برای افراد مملکت حاصل شود که اگر شخصی وظیفه خودرا از روی صحت انجام داده از او قدر شناسی خواهد شد (بر خلاف قانون امروزی مملکت) البته آقایان بخوبی مسبوقند که وقتی دورهٔ دوم مجلس مجدداً خواست مفتوح شود یعنی بعد از خرابی محمد علی شاه یک اداره مباشرتی بآقای ارباب کیخسرو تحویل داده شده بود که اگر گفته شود عدد منفی بوده یک عددی مساوی باصفر یعنی هیچ نبودنه تنها ادارهٔ مباشرت بلکه اثاثیهٔ هم که امروز می بینیم هیچ وجود خارجی نداشت.

آقای ارباب کیخسرو با کمال جدیت و امانت که مخصوص خودشان است نهایت مواظبت را درامور مرجوعه بخود منظور داشته و اساسی که بایشان سپرده شده بود بنحوی اداره نمودند که امروز اوضاع مجلس از حیث اثاثیه و انتظامات و صحت دفتر و صندوق ابداً طرف نسبت با سایر دفاتریکه در این مملکت موجود است نیست اگر امروز در سر تاسر مملکت جستجو کنیم نمی توانیم یک دفتری باین نظم وصحت نشان بدهیم صحت آن همینقدر کافی است که آن ساعتی که متأسفانه (باید گفت متأسفانه) از ادارهٔ مباشرت استعفا میدهند محتاج نیستند باین که بگویند تأمل کنید تا این یک قلم را در آخر دفتر بنویسم ویا آین که فلان کاغذ را درفلان دوسیه بگذارم ویافلان ورقه را بنویسم بمجرد این که استعفاء میدهند دفتر خودرا کاملا تحویل میدهند بواسطهٔ همان دفتر صحت اعمال و امانت خودرا نشان میدهند گمان نمی — کنم که متأسفانه در تمام مملکت یک مأمور مالیه و یا کسی دیگر را داشته باشیم که وقتی از کار خود کناره میکند اینطور دفاتر منظم وحاضر داشته باشد انصافاً بنده بخود حق می دهم اینجا بگویم آقای ارباب کیخسرو سر مشق و نه نه از خدمت و انتظام امور در کارهای موضوعه بخودشان هستند وحقیقتاً همانطور که دور تاریخ میخوانیم که ایرانی های قدیم چگونه صحیح العمل وامین کارهایشان منظم و مرتب بوده و راستگو بوده اند امروز از آن ایرانیها یک نمونه صحیح دردست داریم آنهم آقای ارباب کیخسرو است که الحق والانصاف سرمشق تمام مأمورین می باشند و گمان می کنم هیچ گزاف گوئی و اغراق نباشد زیرا عملیات مأمورین مالیه وغیره چه درمجلس وچه در خارج مجلس بخوبی مکشوف است اگر کسر دیگری را غیر از ایشان باین صحت سراغ دارند بینده اطلاع بدهند تا سبب خوشحالی بنده گردد بنده شخصاً که سراغ ندارم و نمی دانم چنین شخصی وجود خارجی دارد یا ندارد باری این نکته خیلی قابل توجه است ملاحظه بفرمائید در این دورهٔ طولانی فترت چه طوفانهای مهیب با الوان مختلف دراین مملکت هجوم آور شد هرجای آبادی که پیدا کرد خراب نمود مخصوصاً جاهائی که در او اثری از آثار مشروطیت و قانون باقی بود در آن موقع ما و کلاء که نبودیم تنها کسی که توانسته است ادارهٔ مباشرت و اساس امروزهٔ مجلس را حفظ کرده دفتر مجلس را از این تصادمات و هجومات مصون دارد وامروز مجلس مثل زمان بعد از محمدعلی شاه نباشد که اسناد و دفاترش مفقود باشد بلکه اسناد و دفاتر منظم وهمانطور که در راپورت خود هم مرقوم فرموده بودند خانه را بصاحبخانه تحویل می دهند تا بمیل خودش هر کس را که بخواهد انتخاب کند .

درزمان آقا سید ضیاء الدین همه آقایان بهتر می دانند که چه هجومی به مجلس شد بنده که دور بودم وبعد مطلع شدم آقایانی که بودند البته میدانند که آقا سید ضیاءالدین چه حملات شدیدی و چه ترتیباتی از برای مجلس تهیه دیده بود که باز بفعالیت وجدیت آقای ارباب کیخسرو ازاین مسئله جلوگیری شد چون حق شناسی را ازوظائف اولیه هر کس میدانم بنابر این اولین دفعه خودرا بادای این وظیفه موظف میدانم که درمقابل راستی وصحت تمجید وتحسین ودرموقع خلاف تنقید وتکذیب نمایم تااین دو اصل در مملکت مجری نشود ماهیچوقت اشخاص صحیح پیدا نخواهیم کرد بد بختانه باوضاع جاریه مملکت باید نظری کرد باید گفت که متأسفانه اوضاع همانطور که بوده هست مجدداً میگویم بسیار ازذکر این مطلب معذرت میخواهم لیکن حقیقت واقع این است عامل واقعی در هر کار رشوه است اگر کسی نتواند دراین مملکت احقاق حق خودرا بکند از برای این است که فاقد سرمایه بزرگی است که حق را بطرف او سوق میدهد این است یکی از بد بختیهای بزرگ مملکت واین نیست مگر از نقطه نظر اینکه از اشخاص که بصحت ودرستی خدمت میکنند قدر دانی نمیشود وهمه دیده اند اشخاصی که یک چند وقتی مباشرت عملی را کرده اند متجاوز از چند هزار تومان از آنکاری که هفتاد تومان مواجب داشته برای خود تهیه دیده اند ووقتی که آمده اند مجدداً یک مأموریت بزرگتری گرفته اند البته دراین صورت هیچ کس میل بصحت وامانت نمی کند امروزه در زوایای اصافهای مابین اشخاص وقتی که صحبت میشود اگر کسی حرفی از صحت وامانت بزند میگویند این شخص سفیه است این بیچاره سفیه نادان بدبخت ده هزار تومان یا بیشتر باو میدادند تا یک کاغذ برا امضاء نماید یا فلان کار را بکند این ابله باشد فقر وفلاکتی که داشت از آن مبلغ صرف نظر کرده و آن پول را نگرفته و مسلماً از گرسنگی عاقبت خواهد مرد این است امروز حرفهائی که درمواقع صحبت گفته میشود برعکس میگویند فلانی شخص کافی و لایقی است ازفلان مأموریت جزئی در فلان ناحیه کوچک وقتی که برگشت خیلی متمول برگشت وحالاهم چون کفایت بخرج داده بولایات دیگری مأمور شده این است اوضاع کنونی ما والبته دروسط این خرابیها اگر شخصی مثل آقای ارباب کیخسرو پیدا شود محل توجه است ملاحظه فرمائید بیک شخصی ۱۵۰ هزار تومانی برای خرج تاجگذاری اعتبار بدهید علاوه براینکه چنانکه دراین مملکت رسم است بعداز مخارج مطالبه یکمقدار دیگری میکند ومیگوید فلان مقدار طلبکارم آنوقت مخارجی را که در کمیسیون حداقلش یکصد وپنجاه هزار تومان تصویب شده به دوازده هزار تومان تقلیل داده این است که کاملا عمل این شخص برجسته است و اگر شخصاً بنده آن صورت را ندیده بودم قدری اغراق تصور مینمودم ویا اینکه درسال مجاعه که گندم بآن قیمت ترقی نموده بودهمینطور که حالا فرمودند بخرواری سی و هفت تومان وکسری برای دولت تمام شده اند خودبخود نمونه ومثالی است از کفایتی که در امور خارج که بایشان محول شده بود بخرج داده اند از حیث انتظام هم لزوم بتوضیح نیست و خود آقایان وو کلائی که سابقاً در مجلس بوده اند ملاحظه کرده اند لذا هرچه از این بابت عرض کنم زیادی است اما راجع بجریان قضایا و مذاکراتی که درباب انتخاب ایشان بوقوع پیوسته است مطلب همان است که فرمودند

در برج سنبله وقتی که قرار شد انتخابات شروع شود قبل از وقت ایشان به بنده فرمودند که دیگر شغل مباشرت را قبول نخواهم کرد الان هم برای بنده بیان فرمودند ولی بنده از آنجا که وجود ایشان را در هیئت رئیسه لازم میدانم چنان که سابق هم عرض کردم استعفاء نامه ایشان را قرائت نه نمودم برای اینستکه ایشان را مجبور بقبول نمایم هرچند که بعد از انتخابات هم قبول می فرمودند بنده و جمعی دیگر رفتیم و بایشان اصرار کردیم که شغل مباشرت را قبول کنند و ایشان نیز قبول نمودند ولی باین شرط که در انتخابات جدید از این شغل معاف باشند ولی چند روز قبل که بناشد انتخابات تجدید شود بنده بهمان نظریهٔ سابق عرض نکردم و حالاهم در همان عقیده خودم باقی هستم و وجود ایشان رادر هیئت رئیسه و اداره مباشرت لازم می دانم (بعضی گفتند صحیح است) و گمان میکنم که اگر ایشان اصرار داشته باشند و اداره مباشرت را قبول نکنند امورادارما مباشرت مجلس مختل خواهد ماند (صحیح است) ولی بنده دیگر کاری نمی توانم بکنم و آن قدر هم که لازم بود اصرار کردم ولی قبول نکردند دیگر راجع بخود

آقایان است مذاکرات رابهمین جا ختم می نمائیم که خود آقایان و کلاء درظرف این دوروز ایشان را قانع کنند که دوباره مشغول کار شوند.

آقاشیخ محمد جواد - احضار برای قرائت راپورت)

آقاشیخ محمد جواد - راپورت شعبه دوم راجع بنمایندگی آقای ضیاءالادباء را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبهٔ دوم مراجعه بدوسیه انتخابات شیراز نموده نظریات خود را تقدیم مجلس شورای ملی می نماید .

در ۲۵ ربیع الثانی ۴۷۵ انجمن نظارت مرکزی تشکیل اعلان انتخابات رامطابق مقررات قانون منتشر کرده اند.

از ۵ جمادی الاول الی ۲۱ در مدت ۱۷ روز ۷۱۴۰ ورقهٔ تعرفه توزیع ودرظرف پنجروز (۵۸۸۸) ورقهٔ رأی دریافت داشته اند بعلاوه چهارده شعبه نظارت در چهارده نقطه تشکیل داده اند در نقاط چهارگانه (۲۱۴۳۶) ورقهٔ تعرفه داده شده (۲۰۴۷۹) ورقهٔ رأی مأخوذ گردیده است

کلیتا در حوزهٔ انتخابیه شیراز (۲۶۳۶۷) ورقه رأی اخذ شده آقای ضیاءالادباء با کثریت (۲۰۶۵۱) بسمت عضویت مجلس شورایملی انتخاب شده اند پس از استخراج آراء نه روزهم انجمن نظار برای اخذ شکایات دائر بود ولی شکایتی نرسیده در ۱۹ شعبان خاتمه بانتخابات داده شده و انجمن نظار را منحل کردند.

مطابق صورت مجلس از تمام شعب انتخابیه چهار پنج روز بعد از نشر اعلان انتخابات تعرفه داده اند اگر چه موافق قانون کمتر از ده روز پس از نشر اعلان بیانیه تعرفه داده شود ولی چون راپورت این انتخابات در موضوع سه نفر دیگر از نمایندگان محترم فارس قبلا بمجلس داده شده ونمایندگان محترم جریان انتخابات را تصدیق فرمودند و اهمیت باین مسئله نداده اند لذا شعبه هم این قضیه را مبطل انتخابات ندانسته به اکثریت صحت نمایندگی آقای ضیاءالادباء را تصدیق می نماید .

رئیس - راجع بانتخابات آقای ضیاءالادباء مخالفتی نیست ؟

(گفته شد خیر) رأی می گیریم بنمایندگی آقای ضیاءالادباء آقایانی که نمایندگی ایشانرا تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

(آقاشیخ محمد جواد راپرت شعبهٔ دوم راجع بآقای معتصم السلطنه را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه دوم مراجعه بدوسیه انتخابات سیستان و نمایندگی آقای معتصم السلطنه نمود. جریان انتخابات را مطابق قانون می داند ولی از نقطهٔ نظر صلاحیت مخصوصاً بواسطهٔ عملیات اخیرش در خراسان مشار الیه راصالح ازبرای عضویت پارلمان ندانسته نمایندگی ایشانرا باتفاق آراء رد نماید

رئیس — راجع بمادهٔ مخالفی هست ؟

آقاسید یعقوب - راجع بعدم وکالت ایشان هیچ کس مخالف نیست.

رئیس — رأی می گیریم براپورت شعبه آقایانیکه راپورت شعبه را تصدیق می کنند یعنی نمایندگی معتصم السلطنه رارد می کنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — نمایندگی آقای معتصم السلطنه رد شد چند روز قبل ازطرف آقایان وزراء راجع بتصویب پانزده هزار تومان

برای تعمیرات و اصلاح سدجاجرود پیشنهادی نموده بودند و پیشنهاد مزبور به کمیسیون بودجه مراجعه شد از طرف کمیسیون راپورتی رسیده است قرائت میشود.

(آقای سردار معظم راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

کمیسیون بودجهٔ لایحه درخواست مبلغ پانصد هزار تومان اعتبار تعمیرسد جاجرود را تحت مباحثه در آورده نظر باینکه تعمیر سدمزبور نهایت فوریت رادارد کمیسیون تصدیق نموده ماده واحده رابیشنهاد مینماید.

رئیس — ماده واحده که راجع به این شعبه نوشته شده قرائت می شود وبعد رأی باورقه می گیریم.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مبلغ پانصد هزار تومان برای تعمیر سدجاجرود بطوریکه از طرف دولت پیشنهاد شده بوزارت مالیه اعتبار داده میشود.

نصرت الدوله - ماده پیشنهاد شده از طرف دولت کاملا تطبیق بارأی کمیسیون نمیکند برای آنکه در ماده واحده که قرائت شد آن اعتبار را برای هذه السنه ذکر می نماید و مخصوصاً این مسئلهٔ در کمیسیون مذاکره شد که شاید بواسطه نزدیک شدن زمستان و سردی هوا موقع مرمت وتعمیر برای دولت باقی نماند که از هذه السنه این اعتبار را خرج نماید لذا کمیسیون در سفارش تقاضای دولت اصل مبلغ اعتبار را تصویب نمود ولی درصورتی که دولت ملاحظه کند امسال بواسطه سردی هوا تعمیر سد غیر ممکن است البته اجباری نخواهد داشت که این وجه را کلیهٔ در هذه السنه بمصرف برسانند و اگر این ماده را تصویب نمائیم مخالف نظریات کمیسیون بود و شاید تولید اشکال شود باین لحاظ خوب است ماده پیشنهاد بنده مطابق رأی کمیسیون نوشته شود .

سردار معظم - معمولا مطابق رأی کمیسیون رأی گرفته میشود.

نصرت الدوله — چون کمیسیون ماده بندی نموده خواستم که ماده بندی که میشود مطابق رأی کمیسیون باشد

سردار معظم- در ماده پیشنهاد شده همینقدر ذکر میشود پانصد هزار تومان برای تعمیر سد جاجرود واعتبار داده می‌شود در پروگرام دولت که کمیسیون در این مسئله ماده‌بندی کنند بعد رای گرفته شود. حالا در پروگرام دولت بحث میشود.

مادهٔ واحده راجع به پانصد هزار تومان از طرف آقای سردار معظم پیشنهاد شده)

رئیس — چون این ماده پیشنهاد شده وفوری است قرائت میشود بعد رأی میگیریم.

آقای آقاپیرزا ابراهیم‌خان ماده مزبور را بعضون ذیل قرائت نمودند)

ماده واحده- مبلغ پانصد هزار تومان برای تعمیر سد جاجرود بوزارت مالیه اعتبار داده می شود که در رهاده السنه تعمیر سد مزبور بعمل آمده و اگر بواسطه سردی‌هوا تعمیرات مزبوره در هذه السنه انجام داده شود در سنه آتیه در اولین موقع فرصت سد مذکور ساخته شود.

رئیس- رأی میگیریم آقایانی که این ماده را تصویب می کنند ورقه سفید و آقایانی که تصویب نمی فرمایند ورقه کبود خواهند داد (پس از اخذ آراء آقای سیام السلطان شروع باستخراج نموده بترتیب ذیل نتیجه حاصل شد)

عدهٔ حضار (۶۵) ورقه سفید علامت قبول (۵۲) ورقه بدون قید سفید یا آبی (۳) ورقه سفید بدون اسم

(۱) **رئیس**- این رأی غلط بود آنستکه گفته شده است بایستی اوراق سفید و کبود دادبرای این است که از دور فرق بین آراء مثبت و منفی معلوم باشد و هر کس می بیند بداند چند ورقه سفید و چند ورقه کبود داده شده ولی بعضی از آقایان کاغذ سفید بجای ورقه سفید و کبود میدهند

وچون آقایان ترتیب آنرا فراموش کرده‌اند خواهش می کنم اوراق سفید و آبی که بین ایشان توزیع شده است اگر بیرون گذارده اند میآورند ودر آخر جلسه رأی می‌دهند.

مدرس- اکنون که اکثریت هست خوبست ایز ملاحظه برای آتیه باشد.

رئیس- رد و قبول معلوم نیست بعضی ها در آخر ورقه نوشته‌اند سفید وبعضی‌ها بدون این قید اسم خودشانرا نوشته‌اند.

آقاسید یعقوب- آنها علامت امتناع است بعد از پنجاه و نفر ورقه سفید داده‌اند و این قید را هم نمودند دیگر اشکالی باقی نمیماند.

رئیس — ضد نظام نامه است نظام نامه می - گوید بایستی باورقه سفید و کبود رأی داده شود - مذاکره در پروگرام آقایان وزراء است ماده آخر آن قرائت میشود.

سردار معظم- اجازه میفرمائید.

رئیس- بفرمائید.

سردار معظم — سابق براین معمول بود ابتدا در کلیات پروگرام بحث می شد و بعد داخل مواد میشدیم.

رئیس- از کلیات مذاکره میشود. راجع بکلیات مخالفی هست؟

فهیم الملک- بنده عرض دارم.

رئیس- بفرمائید.

فهیم الملک — اولا خیلی جای خوشوقتی است که بعد از چند سال دوره مطولانی است فوت و تعطیل مشروطیت مجدداً

ولو برحسب ضرورت هم باشد) اساس مشروطیت تظاهراتی می کند مجلس شورای ملی منعقد است و آقایان وزراء معرفی شده و پروگرام خود را بمجلس داده اما هر قدر هم آن اساس خراب و مضمحل باشد و اساس مشروطیت از خاطرم محو شود همین که حضوراً مجلس مفتوح بشود و پروگرام دولت بمجلس بیاید هر کس حق بنده هم که مثل سایر آقایان دارای نطق وبیان نیستم خودرا مجبور می بینم عرایضی بکنم.

آقای رئیس الوزراء در مقدمات پروگرام اظهار فرمودند بایستی از چیزهائی که شبیه بمرام و آرزو - است صرف نظر کرد و داخل سعی و عمل شد بنده کاملا با این عقیدهٔ ایشان موافقم لکن مواد پروگرام غیر از این است والبته خودشان میفرمایند که ازمرام - های معمولی هم خیلی مهم تر است یك مرامی است که بعضی از مواد آن کم است البته از حضرت آقای قوام السلطنه رئیس الوزاء که مطلعترین اشخاص باحتیاجات مملکت هستند وازابتدای مشروطیت همه وقت متصدی امور بوده و اخیراً هم پنج ماه است که زمامداران این مملکت هستند) خیلی انتظار میرفت که پروگرامشان از این واضح تر وروشن تر باشد و طرزی باشد که ازامروز فردا بتوانند شروع به — اصلاحات فرمایند معلوم است ترویج معارف اصلاح طرق و شوارع و اصلاح مالیه اینها چیزهائی است که همیشه گفته ودرود بآنها است . مسئله که بنده را بعرض این عرایض مجبوراً می کند سابقه هائی است که در این موارد دیده شد و در این شانزده سال مشروطیت چندین کابینه بمجلس معرفی شده و همه آنها یك پروگرامهای مشعشعی بمجلس آوردند که هیچکدام عملا بموقع اجراء گذارده نشده حضرت والا شاهزاده شهاب الدوله وزیر پست و تلگراف مدافع چندین پروگرام بودند

البته خودشان مواد آنرا کاملا میدانند ومی- دانند که بدآن پروگرام ها اثرات خارجی پیدا نکرد بلی بعضی از مواد پس از مدت زمانی بموقع اجراء گذارده میشد ولی آن موادی بود که هیئت دولت از اجرای آن برای خودش صرفه می دید مثل الغای قانون بیستم جوزا و غیراز آن یا اینکه راجع به - تصویب شهریه‌ها بعضی اعتبارات لوایحی بمجلس می- آمد که بعضی اینکه کابینه بهم نخورد تمام آن مقدمات بهم نخورد و کابینهٔ دیگری که روی کار می آید اهمیت بآنها می‌دهد ؟ الغای رئیس الوزراء درزمانی که وزیر جنگ بودید با چه جدیتی چه مقدماتی برای اصلاح قشون فراهم نموده بودند که اگر تعقیب می- شد امروز ما یك قشون بسیار معظمی داشتیم متأسفانه وقتی که ایشان از آن کار خارج شدند قائم مقام ایشان اول وظیفه خود را نقض آن قوانین دانست همینطور است قوانینی که در این مدت از مجلس گذشته است هر کدام دریك عصری طرف توجه بودند وبعد فوراً برطرف شده است آیا تا کنون هیچ یك از اشخاصی که نقض قانون کردند مجازات و یا طرف مؤاخذه واقع شده‌اند که بفهمند قانون اهمیت دارد، یا خیر.

چند روزی چند نفر قاچاقچی روی کار آمدند از هیچگونه فجایع فروگذار نکردند یك چند نفری ازآنها که عضو مجلس بودند :مجلس حسب الوظیفه آنها را ردنمود ولی غیر ازآنها سایرین که دردوائر دولتی یا در خارج، بودند ابداً نسبت بآنها مسئولیتی متوجه نشد و معلوم نشد که این قوانینی را که در مجلس تصویب شده چرا نقض کردند باید دید دولت حاضره برای حفظ قانون چه نظریاتی دارد و آیا نسبت باین اشخاص مجازاتی اعمال می‌شود یاخیر؟ اگر این مجازاتها واین مؤاخذه ها پیش می آید آنوقت روز بروز این اشخاص تشویق می شوند وبعد ازآن برای قانون اهمیت نخواهد ماند ؟ بنده همانطور که عرض کردم نسبت بآقای رئیس الوزراء کمال اعتماد واطمینان دارم زیرا وقتی که دروزارت مالیه افتخار نمایندگی ایشانرا داشتم می دیدم که خیالات وجدیت ایشان در کار های مملکتی چه اندازه عالی است ولی همان وقت هم ملتفت بودم که خودشان نیز بواسطه محظورات خارجی موفق باجرای آن مقاصد عالی نمی‌شدند پس چطور می‌توانند مجلس شورای ملی را مطمئن بکنند که ازحالا ببعد قوانینی را که مجلس وضع کند کاملا مجری خواهد شد زیرا که این مواد که نوشته شده است هر کدام متضمن چندین صد ماده قانون خواهد شد که بتدریج از مجلس بایستی بگذرد و البته عمر مجلس بلکه عمر هیچکدام از ما کفاف نخواهد کرد قوانینی که بایستی راجع باین موادوضع شود بگذرد تنها چیزی که می‌تواند مارا مطمئن باجرای قوانینی که در مجلس وضع می‌شود بنماید همان مجازات است بایستی فهمانده که قوانینی که در مجلس تصویب می شود بنماید قابل اهمیت است و هیچکس بهیچ اسم ورسم نمی‌تواند آنرا نقض کند تا اصول سیاست در مملکت حقیقت و مفهوم خارجی پیدا نکند تمام قوانینی که ما وضع می کنیم بی اساس خواهد بود بنده از آقای رئیس الوزراء استدعاء می کنم بفرمایند که برای اجرای قانون و اهمیت آن چه چیز هائی را در نظر گرفته اید گمان می کنم که مجلس هم بامن همعقیده باشند تاموقعی که دراین مسئله یك رای قطعی اتخاذ نشود نفهمند که قوانینی را که وضع می نمایند تا چه اندازه قابل اهمیت خواهد بود و در خاتمه امر چه خواهد شد و تا چه درجه طرف رعایت خواهد بود نه فقط این پروگرام را بلکه در قوانین آتیه هم که باید رأی بدهند وقت خودشانرا تلف ننمایند

رئیس آقای سردار معظم اجازه نطق

سردار معظم — بنده با پروگرام دولت موافقم ولی موافقت من البته از نقطهٔ نظر تلفیق الفاظ عبارت وازنقطه نظر مواد پروگرام نیست بلکه موافقت من از این نقطه نظر است که موافقت با پروگرام دولت حاکی ازموافقت با خود دولت است از این جهت است که من بتمام موافقت با پروگرام دولت بر کرسی پارلمان صعود کرده ام و الا اگر من خود را پا بند الفاظ پروگرام میکردم شاید خودم هم یك قسمت از مواد آنرا ناقص میدانستم و البته مثلا در سیاست خارجی اکتفا بلفظ حفظ مناسبات حسنه با دول خارجی نمیکردم و یك توضیحاتی قائل میشدم که شاید بعضی از آقایان رفقای آن توضیحات را از من بخواهند در اینجا میخواهم اصلا مطلبی عرض کنم که شاید طرفدار داشته باشد من اصولا منکر پروگرام هستم چرا ؟ به علت اینکه خودم در دوره های دوم و سوم بمجلس پروگرامهای عدیده با عبارات قشنگ ومشعشع دیدم و پس ازآنکه در مجلس تصویب شد هم گوینده و هم شنونده آنرا فراموش کردند تکرار این قبیل موارد را نسبت به این پروگرامها دیر باور کرده است از این جهت خود را پا بند پروگرامها نمیکنم یك علت دیگر هم دارد و آن این است که کلیتاً بنده منکر پروگرام بطرز اروپا هستم در اروپا معمول است هر دولت که می آید مطالبی را در آتیه میخواهد بموقع عمل بگذارد در ضمن پروگرام خودش درج و مطابق عقیده اکثریت هیئت تقنینیه آن پروگرام تصویب یا رد میشود و دولت هم تکلیفش معین میشود ولی متأسفانه ما نمیتوانیم در مملکت خودمان آنطوری که اروپا و سایر نقاط دیگر معمول هست عمل کنیم زیرا که در اروپا رؤس مسائل اجتماعی تعیین شده و تألیف هیئت دولت معلوم است فقط درفروع است اختلاف نظر حاصل میشود وفروع پروگرام است که بایستی بتصویب مجلس شورای ملی برسد ولی در ایران بدبختانه این طور نیست هنوز احتیاج اولیه ملت ایران اداء نشده واز نقطه احتیاجات واقعی ملت ایران پروگرامهای مختلفه یکی خواهد شد ما چند ماده حیاتی بیشتر نداریم که بایستی مجلس شورای ملی وتمام دولتها که آمده‌اند ومی آیند درهر دور وسمی نمایند که ازروی احتیاجات اصلی زندگانی ملت مواد پروگرام خودرا تعیین نمایند البته برای این که واقف باحتیاجات مملکت بشویم نبایستی فقط نظر مارا بطهران معطوف داریم البته غیر ازطهران هم جاهای دیگر درمختلف ایران هست من میتوانم بجرئت بگویم که طهران مظهر واقعی ایران نیست (گفته شد صحیح است) طهران برای ایران یك مرکز مصنوعی است احتیاجات طهران هم نسبت به احتیاجات ایران یك احتیاجات مصنوعی است ای کاش من میتوانستم وزراء ودولت را دعوت نمایم که عملا یا فکراً ازاین محوطه طهران خارج میشدند ویك نظری بدهات وولایات ایران مینمودند شاید یك قدری به بازرگانی ملت آشنا میشدند آنوقت درمقدرات ملت ایران حکمیت میکردند ولی طهران متأسفانه این حکمیت موجود نیست درطهران آن اطلاع وبصیرتی که بایداز اوضاع ملت ایران باشد نیست واقعاً از هر منصفی که بپرسد ملت ایران چه میخواهد جواب شما را چند کلمه بیش نخواهد گفت و جواب خواهد داد ملت ایران عدالت ونان میخواهد ملت ایران امنیت و کار میخواهد آنهم امنیت بمعنی خود یعنی امنیت محدود افراد ایرانی محتاج به امنیت جانی و مالی است محتاج بامنیت حیثیتی است و بالاخره محتاج بامنیت عمومی است که بمعنی وسیع این کلمه است و البته هر کس متعرض ومخل این امنیت شود ملت ایران باونظر خوش بینی نگاه نخواهد کرد از اینکه این امنیت جانی مالی هروقتی ازطرف دست راست وجزء ارتجاع تزلزل شود ویا اینکه ازطرف دست چپ عناصر مفرط آزادی‌خواه فرق نمیکند ملت ایران ازهردو متنفراست ملت ایران امنیت وعدالت ونان و کار میخواهد هر کس بآنها این اصول اولیه را بدهد خوب آدمی است اومورد توجه واقع خواهد شد اگر پروند بولایات به‌قراء بمزارع خواهیدید که واقعاً دوست حقیقی ملت ایران کیانند گفتم ملت ایران محتاج به کار است باز هم تکرار میکنم که ملت ایران محتاج بکار است آلان می بینید جمیع مردم میخواهند داخل ادارات دولتی بشوند واین خود یکی از بزرگترین مشکلات اصلاحات اداری است کثرت تهاجم داوطلب برای دخول درادارات دولتی واقعاً اصلاحات ادارات را تشکیل مینماید این تهاجم داوطلبان برای چیست؟ برای این است که مردم محتاج هستند برای اینست که مردم میخواهند زندگانی نمایند و بالاخره برای این است که مردم دراین مملکت طرق دیگری برای زندگانی ندارد فقط برای تأمین معاش یك راه بیش نیست آن دخول درخدمات دولتی است و ازطرفی هم دولت قادر نیست توجهات داو طلبان را اداء نماید دیگر اینکه ایران مملکتی است فلاحتی ایرانی بواسطه فلاحت خودش نیز زندگانی می نماید لذا بازار فروش لازم دارد وهر وقت که این بازار فروش از ملت ایران گرفته شود بازار تجارتی و فلاحتی ایران کساد می شود بالاخره روز بروز فقروپریشانی که امروز ملت ایران بآن مبتلا است زیاد تر می شود بعقیده من اولین وظیفهٔ هر دولتی قبل از انجام هروظیفه نسبت بملت ایران آن است که بازار تجارت فلاحتی ملت ایرانرا تأمین بکند ومن شخصاً از این نقطهٔ نظر خوشوقت هستم که کم- کم یك بازار تجارتی که از دست مارفته بوددرتحت یك اصول معینی که امید واری می رود با مساعی جمیله دولت و مجلس شورای ملی وسائل باز شدن آن بازار تجارتی فراهم کرد وزیرا یکی از شرایط حیاتی ملت ایران فلاحت است و اگر این مسئله از دست ملت ایران گرفته شود قطعاً دچار فقرو ورشکستگی عمومی خواهد شد بنده گفتم که ملت ایران محتاج به امنیت و عدالت ونان کار است برای حفظ امنیت وعدالت چه چیز لازم است قوه و قدرت لازم است پس اولین قدمی که برای نیل باین مقصود باید برداشته شود قوه وقدرت است باید سعی شود که دولت صالحی تشکیل شود و باید سعی کرد که آن دولت مقتدر و توانا باشد که کاملا بتواند از هرج و مرج جلو- گیری کند و قدرت آنرا داشته باشد که هر کسی طغیان کند سر کوبی نماید ازدزدان خیابانی وغارت گران شهری از تعدی داخل و خارج ازرشوه گیری بای نحو کان جلو گیری کرده موجبات حفاظت ملت ایرانرا فراهم آورد این کار دوچیز لازم دارد یکی وارد کردن مجازات است در جامعه و دیگری ایجاد قوهٔ نظامی است تاوقتیکه درهیئت اجتماع مجازات نباشد مصونیت نیست (گفته شد صحیح است) ازاین نقطه نظر از دولت حاضره تمنا میکنم که نسبت بمجازات ولو نسبت بجنایات و تقصیر است گذشته نزدیك هم بی قید نباشد

زیرا گذشته برای آتیه سرمشق است تاوقتی که مادر گذشته مجازات را اعمال نکنیم یعنی یاداش بدکاررا بدی ونیکخواه را خوبی ندهیم غیر ممکن است که یك کسی بخوبی تشویق شود و یا اینکه از بدی صرف نظر کند اول چیزی که لازم است وارد کردن مجازات است مطلب دوم قشون است وبعقیده من قشون امروز برای فقط مملکت ایران مقدمتر از هر چیز است من بقدری در موضوع قشون غلو دارم که می گویم دولت ایران و مجلس شورای ملی باید تمام مخارج زیادی را حذف کرده و هرچه پول پیدا می کند برای قرض تأمینیه خودش مصرف کند

گفته شد صحیح است) تاوقتیکه ما قشون نداشته باشیم مایك ملت واحد ایرانی نمیتوانیم داشت وقشون باید داشته باشیم تا ولایات خودمانرا بمرکز ربط بدهیم قشون باید داشته باشیم که وقتی کلنل محمد تقی خانها مادولت یاغی می‌شوند و می خواهند یك قسمت بزرك ایران راهرج ومرج کنند برخلاف آنتریك طرفداران طهران او سرشانرا بکوبیم قشون لازم است که وقتی میرزا کوچك خانها در گیلان طغیان کنند و طبل استقلال می کوبند بازهم برخلاف اراده وبرخلاف طرفداران تهران سرش را بکوبند (گفته شد صحیح است) قشون قشون ۰۰۰ زور لازم است فقط قشون است که از تحمیلات غیر مشروع اجنبی جلو- گیری می کند ما باید تصمیم داشته باشیم که هیچ تحمیل را نپذیریم من معتقدم که ملت ایران باید باتمام دول روابط ودوستانه وحسنه داشته باشد ولی در همان آن که معتقدم دولت و ملت ایران باید حقوق مشروع همه را حفظ کنند یك ذره تحمیل غیر مشروع اجنبی رانباید بپذیرد و در اینجا تکرار می کنم وبدولت حاضره تذکر میدهم که در هر موقعی که یك تحمیل غیر مشروع اجنبی را نباید بپذیرد ما دراینجا تکرار می کنم وبدولت حاضره تذکر می دهم که درهر موقعی که یك تحمیل غیر مشروع را بپذیرد باطرفداران امروزی حکومت مخالف او خواهیم بود گفتم قشون لازم - است و قشون باید تهیه کنیم برای اینکه قشون تهیه کنیم پول لازم است و آنهم ازمنافع داخلی چنانچه دیدیم توسل بعایدات خارجی یك بدبختی برای ایران شده است زیرا در مقابل یك شرایطی که بدبختی ایران رافزون مینمود و درمقابل یك شرایط ایران کشی و استقلال کشی بما یك تمن بخس میدادند وبالاخره بنده عرض میکنم که دولت حاضره مخارج خودش را بواسطه عایدات داخلی مملکت میتواند تأمین کند لکن طریق آن چیست ؟

طریق آن جلوگیری از افراط و تفریط و ولخرجی و حذف ادارات زیادی، ندادن پول بیکارها و منفعت جوازها حذف کردن اداراتی که حذف آنها هیچ صدمه باحتیاجات مملکت وارد نمیآورد و معتقد نبودن بداشتن یکعده وزارتخانه است کسی که پول ندارد وممکن است چهار وزارتخانه نگاهدارد باقی راحذف کنند وزارتخانه که بتواند بوظائف خودش عمل کند وفقط دبیرومعاون و رئیس کابینه لازم دارد (فرض کنید وزارت فوائد عامه که فقط اسم است) یك همچو وزارتخانه را ما حذف می کنیم وقتی پول پیدا کردیم آنوقت دائر میکنیم پس برای اینکه ما بتوانیم مواجه با احتیاجات خودمان بشویم باید مخارج زیادی خودمان را حذف کنیم و این اصلی است که دولت باید اتخاذ کند تا اینکه بتواند بمقصود برسد پس اگر ازمن بپرسند که پروگرام دولت چه باید باشد بنده عرض می‌کنم پروگرام دولت دادن کار و نان بااهالی و استقرار عدالت و امنیت است واگر این دولت بتهیه و آوردن بودجه قطعی ثابت بمجلس موفق شود ما دیگر از این دولت توقعی نداریم شاید بعضی ازآقایان بپرسند که توگفتی یابند به پروگرام و معتقد بمواد آن نیستم پس این حرفها چه بود ؟ عرض میکنم این اظهارات من از نقطه‌نظر مساعدت باپروگرام نیست واز نقطه‌نظر مساعدت بادولتی است که پروگرام را بمجلس تقدیم میکند و برای این که سوء تفاهمی نشود باید چند کلمه توضیح بدهم که علت نظر فداری ما ازحکومت حاضره چیست درمذاکراتی که فعلا بین خودمان جریان داشت بدولت حاضره گفتیم که ما طرفدار اشخاص نیستیم و موافقت ومخالفت ما از نقطهٔ نظر حب و بغض باشخاص نیست ازنقطهٔ نظر اعتماد بعمل است هر کس خوب کار بکند ما طرفدار او خواهیم بود هر کس موافق مصالح مملکت رفتار کند ما موافق او خواهیم بود هر کس مخالف مصالح مملکت کار کند هرقدرهم از نقطهٔ نظر روابط شخصی در نزد ما عزیز و گرامی باشد ما متأسفانه با او مخالف خواهیم کرد برای محفوظ بودن این اصل و بنام حق شناسی از گذشته و امید واری بآتیه بادولت حاضره موافقت خواهیم کرد اما حق شناسی از گذشته بواسطه این است که اگر جمیع اعضاء دولت حاضر نباشند درهر صورت یك قسمت از اعضاء دولت حاضره در برانداختن حکومت سید ضیاء و آن حکومت خیانت کار این مملکت جدوجهد کردند و ما مجبوریم نسبت باین قسمت حق شناس باشیم و بادولت حاضره که مجلس شورای ملی را افتتاح کرده است موافق باشیم البته دراین مملکت مخصوصاً در این پایتخت یکعده اشخاص هستند که منکر مجلس شورایملی می‌باشند شاید در نظر منکرین مجلس شورایملی بزرگترین خیانتی را که دولت حاضره مرتکب شده افتتاح مجلس شورایملی باشد و شاید بواسطه همین مخالفت بامجلس است که باحکومت حاضره مخالفت می‌کنند ولی بنده داخل درهویت آن اشخاص نمی‌شوم که چرا منکر مجلس اند زیرا اشخاصی که منکر اصلاحات هستند البته منکر مرکز اصلاحات هم هستند ولی ما وکلاء مجلس باید از رئیس الوزراء حاضر ممنون باشیم که پس از ۶ سال دورهٔ فترت موفق باافتتاح مجلس شورایملی شدند این اظهار من اظهار قدردانی است یك کار بزرگتر دیگر هم آقای رئیس الوزراء حاضر کرده است که آنهم شایسته تقدیر است ۰ آقای رئیس الوزراء حاضر بالاخره خودشان موفق شدند که مستشاران مالیه را که برماتحمیل شده بودند از مملکت خارج نمایند اینهم در نظر نمایندگان شایان خیلی قدر شناسی است و ما بایددر مقابل این خدمت که آقای رئیس الوزراء کرده اند حق گذاران باشیم ۰ آقای رئیس الوزراء یك خدمت دیگری هم کرده اید وما نمایندگان خراسان بقدر سهم خودمان باید از شما تشکر کنیم و یقین داریم سایر نمایندگان هم از شما قدردانی خواهند کرد (مسئله خراسان است) در طهران ممکن است در اطراف مسئله خراسان حرفهائی زده شود ممکن است باز ندای مظلومیت و حرفهای دیگری راجع بکلنل محمدتقی خان بگوش مردم خوانده شود ولی ما این نظر را نداریم و از شما بواسطهٔ دفع کلنل محمدتقی خان تشکر میکنیم شما بایجاد امنیت دریك قسمت بزرگ مملکت ایران موفق شدید که ممکن بوده بواسطه همین هوسرانی ها وماجراجوئیها اهالی بدبخت آنجا دچار خسارت فوق العاده شوند زیرا اهالی قسمت‌های دیگر مملکت بواسطه همین هواپرستیها و ماجراجوئیها دچار خسارات فوق العاده گردیده‌اند من ازطرف نمایندگان خراسان و همچنین از طرف سایر نمایندگان از شما امتنان دارم که شما موفق برفع غائله خراسان شدید و امید وارم درپیشت همین کرسی خطابه تشکر از رفع غائله گیلان هم بکنم و درهر صورت این نکته را میخواهم عرض کنم که درغائله گیلان دولت حضرتعالی هم مثل سایر دولت ها اقفال بشرایط صلح نشود زیرا بدانید که برای رفع یاغی علاج بیش نیست وآن مشت آهنین است راجع بگذشته این علل مساعدت بنده بادولت بود و امید واریهای دیگر هم دارم که تاوقتی عمل تکذیب نکند مجبورم بواسطهٔ اعمال گذشته به آتیه هم امیدوار باشم و البته آقای رئیس الوزراء خوب میدانند که موقعیت مملکت یك مسئله اصلاحات اساسی نه تنها اداری بلکه اصلاحات اجتماعی هم لازم دارد که اگر این اصلاحات بعمل نیاید ممکن است در آتیه دچار یك اشکالات وخدای نخواسته دچار مخاطرات شویم وچون میدانم ایشان هم همین عقیده را دارند امیدوارم دراجرای اصلاحات اجتماعی موفق شوند ودر خاتمه بیانات خودم میخواهم چند کلمه دیگر تذکر بدهم همانطور که درجلسه خصوصی ازطرف خودورفقای خودعرض کردم اینجا هم عرض خواهم کرد آقای رئیس الوزراء مادامی که شما در طریق اصلاحات به طریق خوبی مشی کنید درنزد ما عزیز بوده و و قدرو منزلت خواهید داشت لکن یك چیز از شما عزیز تر است آن قانون و طریق اصلاحات است تاوقتیکه شما در طریق اصلاحات وقانون باما مشی کنید دست بدست شما خواهیم داد وهر وقت منحرف شوید البته عفو خواهید فرمود مادیگر دست بدست شما نخواهیم داد ۰

رئیس — آقای محقق العلماء مخالف هستید یا موافق ؟

محقق العلماء - درموافقت عرض دارم

رئیس - آقای امین الشریعه شما چطور موافقید یا مخالف؟

امین الشریعه - موافقم

رئیس - آقای مدرس؟

مدرس - موافقم

رئیس — آقای اقبال السلطان؟

اقبال السلطان - موافقم

رئیس - آقای تدین هم موافقند؟

تدین - بلی

رئیس پس مخالفی نیست ۰ آقای محقق العلماء (اجازه نطق)

محقق العلماء - قبلا برای اینکه سوء تفاهم و سوء تسامح نشود این عرض را با کمال اختصار واقتصار در تمهید اللمقدمه و بعد ازمقدمه یك کلمه هم ذی المقدمه دارم آقا آن چیزی که مقدمه را ممهد کند و تمهیداً اللمقدمه عرض کنم این است که بنده یکی ازنمایندگان هستم که کمال امیدواری را باین هیئت کابینه محترم دارم و داخل در اشخاص می باشم که کاملا رأی باعتماد باین هیئت دولت داده‌اند اما میخواهم عرض کنم در سئوالات اخیره چه در دورهٔ حکومت سفید چه در حکومت چه قبل از حکومت سفید وحکومت سیاه یاحکومت سرخ که حالا انشاء الله باید با سرخ روئی دامن اصلاحات ایران را بکمر بزنند واصلاحات بکنند ترسم شده بود یك الفاظ مشعشع ویك بیان نامه شیرین و کلمات حال نشینی را در کاغذ نوشته وپیش مردم می آورند و میگفتند این بیان نامهٔ فلان رئیس الوزراء است در ضمن هم یك کلمات مشعشعی داشت خیلی دلسوزانه بحال ملت ایران حالا هم یك پروگرامی از طرف دولت بمجلس تقدیم شده البته ما باین پروگرام و هیئت دولت معتقدیم بخصوص بنده میتوانم بگویم که مقام و کمالات آقای قوام السلطنه را از سابق زمان خبر دارم ودر فارس هم بحال ایشان کاملا آشنا بودم ولی البته باید اینها درتحت یك عملیاتی بیرون بیایند که مردم بعد از این مدت دو سه ماه یك استفادهٔ بکنند نه مثل اهالی فارس که صدایشان بلنداست و فریاد میزنند وکلای پارلمان شما چه کردید ؟ فریاد در میان آتش پنبه است و صدای آنها شنیده میشود آنها فریاد میکنند چه کردید باید این مطالب باسرع اوقات اجراء شده وموقع عمل گذارده شود این پروگرام دولت را هر کسی به‌بیند میتواند منکر شود کدام یك از این مواد بد است بنده عکس آقای سردار معظم که فرمودند سالهای پیش درمجلس فقط گفتگو دراصل پروگرام میشد بنده میگویم کلی طبیعی تحققش بوجود افراد است این مواد بمنزله این کلی طبیعی است کلی طبیعتش پروگرام است و این مواد در تحت این پروگرام میباشند این مواد موادی است که باید در طریقش گفتگو شود ولی بطریقی الا هم فالا هم آن چیزی که امروز اهم است این است که باید یك نظری بتمام ایالات وولایات ایران بدهات وبران شده ومردمانی که سائر عورت ندارند نموده هر کسی در قراء و قصبات خطه فارس رفته میتواند بفهمد واز آنها به پرسد حالا که مجلس تشکیل شده وچنین هیئت دولتی با کمال دلسوزی روی کار آمده واصلاحات مملکت را عهده دار شده چه میخواهید به اینکه یك ماه تمام مجلس در هر یك از مواد پروگرام مذاکره کنند بعداز یکماه یاچهل روز که در مواد این پروگرام مذاکره شد و رأی داده شد وتازه دولت داخل در اجرای یك یك مواد پروگرام بشود این ترتیب نه برای دولت و ملت نه برای آسودگی دل مردمی که از اطراف متوجه‌اند به بینند مرکز و این هیئت دولت و این نمایندگان برای آنها چه میکنند نتیجه تسریعیه نمیدهد پس عرض من این است که باسرع وقت مواد این پروگرام باید اعمال شود وخاتمه هیئت دولت یك توجهی به اهالی فارس بکنند که دارند میسوزند .

رئیس — چون مدتی است مجلس تشکیل شده و عده هم کافی نیست اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه تنفس داده شود .

(در اینموقع نمایندگان برای تنفس خارج و پس از نیمساعت مجدداً مجلس تشکیل گردید .)

رئیس — چون سابقاً که اعلام شد کمیسیون خارجه و پست و تلگراف انتخاب شود فراموش شد مستخرجین آراء را تعیین کنیم عدهٔ مستخرجین تعین میشوند ودر موقعی که مشغول مذاکره پروگرام هستم آقایان یك یك بیرون تشریف ببرند اعضاء کمیسیونها را انتخاب میکنند یکمیسیون خارجه شش نفر یکمیسیون پست و تلگراف هشت نفر ولی از آقایان خواهش میکنم که بیرون تشریف بردند دیگر آنجا نمانند تشریف بیاورند که مجلس از اکثریت نیفتد (آقای سهام السلطان شروع استخراج نموده و آقایان ذیل بحکم قرعه معین شدند)

آقای آشیخ ابراهیم زنجانی -- آقای نهیم الملك ،

رئیس — پس با آقای سهام السلطان بیرون تشریف ببرید و مشغول بانتخاب بشوید آقای محقق العلماء راجع بنطقشان یك جزئی توضیحی دادند توضیح میدهند بعد سایر آقایان مطالبشان را اظهار مینمایند .

محقق العلماء — عرضم از حکومت سفید و سیاه وغیره اولا بیان الفاظ مترادفه بود و دیگر از این حیث بود که ما فارسها بهترین ممدوح خودمانرا بگل سرخ تشبیه میکنیم باین مناسبت حکومت سرخ عرض کردم درخصوص توضیح راجع بفارس بنم که عرض کردم یك پارچه آتشی است خود آقایان نمایندگان محترم وهیئت دولت میدانند که یك ایادی و آنتریکهائی در فارس میباشد که اگر قوای محلی نمی بود آتش فارس خیلی بر افروخته شده بود .

رئیس — آقای تدین (اجازه نطق)

تدین - بنده قبلا اظهار اعتماد خودم را به آقای رئیس الوزراء کردم والان هم در همان اعتماد هم نسبت بایشان وهم نسبت بسایر آقایان وزراء باقی هستم ولی نسبت باین پروگرام حاضر نظریاتی دارم وآن عبارت از این است که این پروگرام بعقیده بنده تا تمام است و لازم است بعضی موضوعات کاملا مورد توجه دولت وهیئت دولت واقع شود از این پروگرام هم اشاره بآنها نشده است آقای سردار معظم اظهار فرمودند ملت ایران محتاج به چهار چیز است بنده هم تصدیق میکنم وموافقم و آن چهار چیز عدالت ، وامنیت ، ونان و کار است . در موقع شماره البته چهار چیز است ولی بعقیده بنده این چهار چیز منتهی بیك چیز میشود و اصل عدالت است . . .

سردار معظم — امنیت .

تدین - امنیت هم از لوازم عدالت است عدالت حق را بحق رسانیدن است قانون اساسی حقوقی برای ملت ایران تعیین کرده و ازجمله ملت ایران را در تأسیس بعضی مؤسسات ودر اصل مقدرات خود و مملکتشان شرکت داده است آن مؤسسات عبارت است ازانجمن های ایالتی وولایتی ، فایده انجمنهای ایالتی وولایتی باندازهٔ واضح است که محتاج نیست بنده زیادتوضیح بدهم سابقاً بعداز آنکه قانون انتخابات اعضای انجمن های ایالتی وولایتی از تصویب مجلس گذشت دربعضی نقاط ایران بتأسیس انجمنهای ایالتی وولایتی شروع شد ولی بطور ناقص متأسفانه بعد طوری شد که این موضوع به موقع اجراء گذاشته نشود اهالی هر ایالت و ولایت مطابق آن حقوقی که قانون از برای آنها تعیین کرده است در تصفیه امورات محلی خودشان حق شرکت دارند و امروز که مجلس شورای ملی دایر است و رسماً اظهار اعتماد بهیئت دولت می کند .البته تمام ملت ایران می خواهند ببینند این حق را بالاخره مجلس بموقع اجراء خواهد گذارد و انجمنهای ایالتی ولایتی را تاسیس خواهد کرد یا خیر بنده با رعایت اطراف این کار و با ملاحظهٔ موقعیت امروزهٔ این مملکت البته لازم می‌دانم که هیئت دولت عطف توجه خاصی مبذول داشته و این قسمت یعنی تأسیس انجمن‌های ایالتی و ولایتی را از جمله مواد پروگرام خودشان قرار دهند و چون در این پروگرام اسمی از ساده نشده بود باین جهت بنده لازم دانستم بایشان تذکر بدهم و بعد هم تقاضا کنم که این موضوع بخصوص جزء مواد پروگرام هیئت محترم دولت شود

دیگری که بنظر بنده خیلی اهمیت دارد و بلکه در درجه اول از اهمیت است موضوع مطبوعات است مطبوعات مقام عالی و ارجمندی را در مملکت دارند منافع و فواید مطبوعات هر ملت فوق آنست که انسان می تواند در طی یك عبارات مختصر ادا کند قانون اساسی آزادی مطبوعات را معتقد شده و برطبق آن یك قانون مطبوعاتی نوشته شده است ولی این قانون مطبوعات یك چیز دیگر هم لازم دارد و آن عبارت از محکمه مطبوعات و تشکیل هیئت منصفه است بواسطه نبودن محکمه مطبوعات وبیمودن هیئت منصفه که قانون اساسی حضور آنها را در محکمه مطبوعات معنی کرده است مطبوعات از آن مقام عالی خودشان تنزل کرده‌اند مطبوعات باید تاثیرات شدید در روح یك ملت و مملکت داشته باشد ولی بواسطه پیمودن یك محکمه که ازهرج و مرج مطبوعات جلو گیری کند و رسیدگی نمایند متأسفانه آثاری که مترتب بر مطبوعات است از بین رفته و بنده چون فوق العاده علاقه مند هستم که مطبوعات ایران دارای مقام عالی و ارجمند باشند با اینکه هر مطلبی که در مطبوعات درج میشود دارای اهمیت بوده و اثر مخصوصی داشته باشد باین جهت استدعا دارم که هیئت دولت اهمیت قانون مطبوعات را در نظر گرفته وآنرا جزء موادعملی پروگرام خودشان قرار دهند موضوع سوم که بعقیدهٔ بنده حافظ تمام اصول اداری و اجتماعی یك ملك و مملکت است که آقای سردار معظم هم ضمنا بآن اشاره کردند مسئله مجازات است . مجازات لازم است تا مجازات نباشد امور هیچ ادارهٔ مملکت صحیح و مرتب نمیشود اگر مجازات در این مملکت در کار بود هر کس با یك خیالات و هوسهای طفلانه اقدامات کوچك یا بزرك بر ضد اساس حکومت ملی نمی کرد یعنی یك اصل محرزی است که تمام این اصلاحاتی که هیئت محترم دولت میخواهد موفق شود که بموقع اجراء بگذارد بدون مجازات ممکن نیست البته هیچ حکومتی از صورت وجود یك مجازات که از روی قانون بوده و با پروگرام مرتب نوشته شده باشد تعدیات و تجاوزات نخواهد کرد بنا بر این برای حفظ تمام اصولی که ذکر کردم تهیه قانون مجازات لازم و چون در پروگرام هیئت محترم دولت ذکری از تهیه قانون مجازات نشده است بنده لازم میدانم قانون مجازات را تهیه بفرمایند و بعداز آنکه بمجلس آمد وتصویب شد فوراً بموقع اجراء گذارند تا تکلیف خادم و خائن و متجاوز کاملا تمیز داده شود پس با این مقدمات خلاصه عرایض بنده این است .

۱ — تاسیس انجمنهای ایالتی وولایتی

۲ — تاسیس محکمه مطبوعات و تشکیل هیئت منصفه

۳ - تهیه قانون مجازات

(در این موقع نصیر دیوان از مجلس خارج شدند)

رئیس — آقا بیرون تشریف نبرید عده کافی نیست

نصیر دیوان - نمیخواهم رأی بدهم

رئیس - رأی می دهند و دیگر تشریف نمی‌آورند ۰

مجلس تعطیل می شود ۰ آقای امین الشریعه (اجازه نطق)

امین الشریعه - بنده که یك نفر وکیل هستم واز راه دور این‌جا برای ادای وظایف وکالتی خودم آمده‌ام در صفحه سیاست بوجه سفید باشخاص می - نگرم مگر اینکه بعد خلاف آن ظاهر شود و چون درمجلس سابقه ندارم وبسخنهایهم معتقد نیستم واشخاص را بعمل در آتیه می‌شناسم باین جهت بااین پروگرام دولت حاضره موافقم و چهارتاش را هم علی الاجمال ذکر می کنم مقدمتاً عرض می کنم اینستکه گفته میشود این پروگرام ناقص است و ضمایمی باید داشته باشد باانیهم مخالفم بواسطه اینکه تصدیق خواهید فرمود که این مجلس دوره چهارم مثل مجالس سابقه نیست چرا که تأسیس و تشکیل بطور فوق العاده پیش آمده است و نظر بحقایق پیش آمدها تصدیق خواهد شد که این مجلس از مجالس و نعمت غیر مترقبه فوق العاده است و نباید ماحالا این مجلس را داشته باشیم موقعیت مملکت

ایران هم موقع فوق العاده است وهمچنین سیاست دنیا و موقعیت دنیاهم‌فوق العاده است‌پس این مجلس فوق العاده در دنیای فوق العاده باسیاست‌فوق العاده بایدیك کارهای‌فوق‌العاده‌هم‌بکند.

بنده حقیقتاً معتقدم و می گویم‌اگرمجلس‌بخواهد هدرش را بایك نحوهٔ بی اهمیتی صرف وضع‌قوانین و تنقیح لوایح و این قبیل کارها کندازآن اصولی که این قوانین فروع‌بر آنهااست‌بازخواهد ماندوفی‌الصیف ضمت البین‌خواهدبود پس امروز الاهم‌فالاهم ژابیش گیریم و باید تشخیص دهیم اهم‌اهم چه چیز است که آنرا پیش گیریم بنده می گویم جامعه هر ملتی درهر مملکتی واقع شود آن مملکت حکم خانه او را دارد اولا بالذات باید فقط اختیارات‌خود را بکند که در آن خانه مختار باشد به‌چه نحو ؟به نحوی که در تشکیلات و انتخاباتش دور هریك از امور اساس مملکتی قائم‌بالذات باشدومصالح‌مملکتی خود را بدون نظر برجانب این و آن عمل کند واگر نشد و این موضوع از میان رفت وضع‌قوانین کار مهمی و بی‌اساسی‌است این اول‌قدم است بعداز آنکه یك ملتی درمملکت خودش این اختیار راحفظ کرد آن‌وقت درقدم‌ثانی‌واردمی‌شود به‌اصلاحات‌اساسی اصلاحات هم فرع بر حفظ اختیارات اولیه است حالا به‌بینیم اصلاحات اساسی چیست و اهم مواد کدام است؟

اهم مواد که یك ملت در سایهٔ آن زندگانی کنند چیست ؟

این راباید تشخیص داد وعمل کردبنده‌عقیده‌ام این است که هیچ ملتی نمی تواند زندگانی کند مگر درسایه علم و ثروت موجب زندگانی هرملت است واین‌دوچیز بایکدیگرملازمه‌دارندثروت که‌تحصیل شد سرمایه تحصیل علم است علم که تحصیل‌شدموجب پیدا کردن ثروت است مملکت باین‌دوقوه گردش می کند پس بنده معتقدم باینکه باید اولاثروت‌را منقسم به دوقسمت کنیم ثروت موجوده‌محفوظ نمی‌ماندمگر به اصلاحات آزادی و اقداماتی که دولت در حفظ عایدات در نظر گرفته و در پروگرام نوشته البته محتاج به تنظیمات اداری و قانون استخدام‌ومجازات است که یك‌نفر مأمور اولا بداند که درپشت‌یك‌میز می نشیند هیچ احدی نمی تواند او را بلند کند مگر قانون بنده معتقدم که اگریك مستخدم دولت‌به بقای خود در کاراطمینان داشته باشد دیگر دزدی نمی کند ولی وقتیکه خودش را مختار نمی داند و حقوق مکفی هم ندارد که معاش خودرااداره کند البته متشبث باین دسائس می شود مابایدبفهمیم‌ثروت موجود که‌مادراریم مارا بآن مرام اصلی که‌در حقیقت مختار بودن درحفظ مملکت مان است‌میرساند یاخیر؟ بنده عرض می کنم نمیرساند فقط کاری که میتواند بکند خرج ادارات را براه بیندازد ولی برای‌حفظ استقلال مملکت کافی نیست و تصدیق خواهیدفرمود اهل هیچ خانهٔ محفوظ نمی ماندمگروقتی که‌حاجت بغیر نداشته باشد که ازاو رفع حوائج بکند آن وقت اختیاراتش مصون و مطلق بمیل خود بماند

البته‌درموقع کسب‌هرحاجتی‌ازغیر ممکن است‌مقاصدی تزریق و ابقاء شود پس ما باید فقط و فقط راه رفع‌حوائج‌خانه‌را بکنیم و آن‌بیرون آوردن ثروت‌است که‌بتواند رفع حوائج ملت‌را بکند تا در سایه او و از هر گونه تشبثات‌وهر گونه‌تقاضا ها که‌لطمه باختیارات اووارد میکند محفوظ ماند پس بنده معتقدم باین که امروزبعد از نظر تام در ترتیب حفظ ثروت‌موجوده که عبارت از مالیاتهائی است که از افراد ملت می گیرند ونبایدانم نصف‌یا ثلث آنرابگویم بکجامیرود وعلی‌الاجمال می‌توانم بگویم که آنچه از ملت گرفته می شود بمصارف جامعه ملی نمیرسد و باشخاص معین عاید میشود پس بعد از این ثروت موجوده و حفظ آن بانظر تشکیلات اداری به نحوی که مصون از حیف ومیل‌شودمادام‌العمر ازاین‌است که‌حفظ ثروت بالقوه را بنمایند اگر آقای رئیس الوزراء با یك شجاعت ویك مردانگی فوق‌العاده چنانچه عرض کردم مجلس فوق العاده سیاست فوق العاده البته باید رئیس‌الوزراء هم‌فوق‌العاده‌باشد وپای‌مردانگی بمیان بگذارد این‌ثروت بالقوهٔ مملکت را بیرون آورد تا معلوم شود در آن چه فوایدی محتوی است که همه میدانند اقلش رفع حوائج دولت ورفع گدائی ملت وخاتمه دادن به‌بیکاری‌های مملکت است وبهر وسیله ازوصایلی که‌مقرون باشد وحشت نداشته باشد ازاین که بکمپانی های خارج بگوید دویست‌و سیصد کرور لازم‌است اگر این‌قدم‌را برداشت واین عمل را بمنصه ظهور آوردمامحی الخلقه‌میدانیم‌ومیگوئیم لایوء است که‌مجسمه‌اش ریخته‌شود وبعقیده من‌هیچ اقدام دیگری قابل مذاکره نیست زیرا که حیثیات و بقای مملکت بسته است بحفظ این مادهٔ که عملی شود وآن ساعتی که‌دولت ماحاضر شدبا یك‌شجاعتی دست‌بکمر زده داخل کار شود همان ساعت دشمنان طمع تمام اشخاص ازخانه ما کنده میشود ؟ برای‌اینکه مارا غیر محتاج میدانند وتاحال آنچه برما تحمیل کرده‌اند از راه‌احتیاج مانبوده‌است وآنچه برما فشار آورده‌اند من باب‌حاجت بوده خون‌مارا درشیشه میکنند وما مجبوریم برای‌حفظ‌حیات‌خودعقب آنهابرویم‌وآنچه‌ازمامیخواهند اگر همه‌را ندهیم مجبوریم نصف آنرا بدهیم پس‌ای اشخاصیکه دابستگی باین‌مملکت دارید بگوئید ازاین راه‌نااستقلال ابدی برای‌این‌تحصیل کرده‌باشیداستقلال جدی نه‌استقلال کاغذی خلاصه اینکه بنده معتقدم به این ماده‌آن‌مواد واصل‌الاصول میدانم‌ورئیس‌الوزرای مملکت‌را اگر درهیچ چیز جزاینماده داخل نشود و اجرا کندقابل ستایش میدانم.

رئیس -آقایانیکه‌اجازه خواسته‌اند همه‌موافقند گمان میکنم مذاکره در کلیات کافی باشد (گفته‌شد صحیح است)

رئیس‌الوزراء — بنده قبلا اظهار تشکر می کنم ازنیك بینی که آقایان نسبت بدولت حاضره فرمودند البته وظیفه دولت اجرای خدماتی است که درنظر گرفته وازاین حیث منتی بر کسی‌ندارد وتا این‌دولت باقی‌است البته درخدمات خودقصور نخواهد کردولی‌بعضی آقایان یك اشتباهی‌در ضمن فرمایش خود کردند که‌لازم‌شدعرض کنم‌نماینده‌محترم آقای‌فهیم‌الملك‌اعتراض‌میفرمائید که‌خوب‌است‌دولت‌عطف‌نظری باجرای‌قوانین‌است بکندالبته‌هردولتی‌نظرش‌باجرای قوانین ولکن بایستی‌ازاین‌نظرهم‌غفلت نکرد که‌متأسفانه‌بعضی از قوانین طوری‌وضع‌شده که‌دولت‌در اجرای آن‌دچار اشکالات‌میشود نمیخواهم‌عرض کنم‌چه‌قوانین‌وضع‌شده که هنوزقابل‌اجراءنیست‌ولی‌همین‌قدراجمالا آقایان‌رامتذکر میکنم که‌خیلی قوانین وضع شده است بدون این که مقتضیات مملکت‌در آن‌رعایت شده‌باشد ولی امیدوارم که‌در این دوره چهارم تقنینیه میل دولت ونمایندگان محترم این‌باشد که‌حتی الامکان قوانینی وضع شود که اصلاحات مملکت دراو منظور بوده وقابل‌الاجراء باشد وحرف پرنسیب وتئوری) نباشد بازآقای فهیم‌الملك میفرمایند آنچه نوشته شده است درعداد مرام‌است تصور میکنم بکقدری بی انصافی کرده‌اند وشاید آنچه‌را ایشان مرام میدانند من جزء قوانین واجرائیات بدانم نمی‌خواهم در این جا زیاد طول کلام‌بدانم ولی اگر قدری توجه کنند خواهند دید که تکمیل امنیت جزء مرام نیست و انتظار نداشتم‌ایشان آنرا جزء مرام‌بدانندزیرا امنیت چیزی است که هر دولت باید برای آن با کمال جدیت اقدام کنند امنیت در مملکت یك وظیفه ایست که اگر دولت در آن قصور کندازاو انجام وظیفه خودش قصور کرده یا اگربگویند اصلاح بودجه درمملکت جزء مرام است البته تصدیق خواهید کرد که جزء مرام نیست (گفته شد صحیح است) یکی از مسائل حیاتی اصلاح بودجه مملکت‌است بدون اصلاح‌بودجه مملکت زندگانی ما مشکل‌خواهد بود در اینصورت البته جزء مرام نیست لازمه حیات مملکت است راجع‌باظهارات ایشان همینقدر ایشانرا متوجه میکنم که در پرگرام توجهی‌فرمودند ملاحظه فرمایند که آنچه در آن گفته شده‌جزوعملیات‌است‌نه جزو مرام آقای سردار معظم. با یك بیانات‌وافی‌وفصاحت‌آمیزی که اعتماد قابل تقدیر ایشان رابدولت معین مینمود بعضی اظهارات کردند تقریباً از همین قبیل بوده فرمودند عبارات پروگرام ناقص است البته شاید بیان من ناقص بوده ولی اینست اجرای عدالت‌اصلاح بودجه استخراج منابع ثروت مملکت و اصلاح طرق و شوارع و همچنین چیزهای دیگر که در پروگرام نوشته شده است چیزهائی است که‌قبلا دولت در نظر گرفته که در این دوره اصلاحات را تقدیم بدارد و اگر آقایان نمایندگان مقتضی در این مواد به‌بینند البته توضیح خواهند داد و دولت هم بحسن قبول تلقی خواهد کرد ولی لازم نیست آنچه را که دولت در نظر گرفته و بایستی در مملکت اجرا شود تمام را در پروگرام خودش ذکر کند ممکن‌است بعضی مطالب‌طرف‌توجه‌دولت‌واقع نشده‌و بعدطرف‌توجه‌واقع شودویا اینکه‌بعضی‌ازآقایان نمایندگان پیشنهاد کنند دولت قبول کند.

در مقدمه پروگرام گفته ام باتجاربی که‌ازدوره های سابق پیدا کردم باید اصلاحاتی که‌درنظر است

باموافقت بین‌نمایندگان هیئت دولت بموقع عمل‌بیاید امیدوارم با این وحدت‌نظری که‌بین آقایان‌نمایندگان ودولت موجود است تمام نظریاتی راکه عرض کردم قابل اجراء باشد ولی از یك اظهار آقای سردار - معظم خیلی متأسف هستم که‌در ضمن‌بیانات خودشان فرمودند وزارت فوائد عامه لازم نیست‌و باید حذف شود تصور می کنم کارهای‌عمدهٔ که باید بشوددراجع باین وزارتخانه است شاید عباراتی که بیان کردم قدری ناقص باشد ولی اگر درپروگرام درست‌دقت کنند خواهنددید بیشتر اهمیتش که درپروگرام‌داده شده راجع‌بوزارت فوائد عامه است

زیرا اصلاح طرق وشوارع ایجاد و استخراج منابع ثروت مملکت و بعضی فوائد مهم مملکت‌راجع باین وزارتخانه است و چنانچه بعضی از آقایان در بیانات خودشان اظهار کردند اصلاحات طرق‌وشوارع و استخراج منابع ثروت مملکت لزوم حتمی‌داردوشاید آقای سردار معظم هم باایشان هم‌عقیده باشند حالا می فرمایند این وزارتخانه غیرلازم است من با نظریه ایشان اگر حقیقت داشته باشد مخالفم البته می‌دانند در هرجا بهر کاری بیشتر اهمیت میدهند برای آن کار وزارتخانه‌تأسیس می کنندمثلا اگردر یك‌مملکتی وزارت مهمات نداشته باشد یك موقع پیش می آید که بآنوزارت خانه محتاج می شود . چون دولت‌در نظر دارد بکارهای فوق‌الذکر بیشتر از همه اهمیت دهد لذا وزارت‌فوائد عامه را در اول‌پروگرام‌مطرح کرده است شاید آقای سردار معظم در بودجهٔ آن وزارتخانه نظری داشته‌باشند گمان نکنم بودجهٔ‌آنهم چندان‌اهمیتی نداشته باشد زیرا اگرتبدیل‌یك‌ادارهٔ هم بشودباز همان بودجه را خواهدداشت‌و البته‌برای حقوق یك‌وزیر و یك معاون یك همچه دقت نظری لازم خواهدبود

آقای‌نمایندهٔ محترم محقق‌العلماء درضمن بیانات خودشان راجع بوضعیات فارس که‌ادا فرمودند ضمناً یك عبارتی‌بیان کردندو فارس را بیك آتش‌سوزانی تشبیه کردندتصور می کنم این ناشی از یك‌حرارتی است که در ایشان فوری و آنی ایجاد شدو الا وضع فارس بطوری‌که ایشان اظهار فرمودندنیست و اگر یکی دوفقره سرقت واقع شده‌باشد نبایدباین طور تعبیر بشود و بعلاوه اگر فراموش‌نکرده‌باشند یك ذکری‌هم‌ازبعضی دسائس کردند که آنراهم تکذیب‌میکنم و گمان‌نمیکنم دسائسی در فارس بشود که بر خلاف امنیت و انتظام مملکت باشد آقای تدین راجع بلزوم وپیشنهاد قانون تأسیس انجمنهای ایالتی و ولایتی اظهاری فرمودند دولت در تأسیس انجمنهای‌ایالتی ولایتی ترتیباتی در نظر گرفته که درآنخصوص مطالعاتی کرده وپس از آن بمجلس پیشنهاد نماید وامابراجع‌بقانون ومطبوعات واظهاراتی که راجع بمطبوعات کردنددرصورتی که‌مجلس‌موافق باشد لازم بداند تجدید نظری در آن بشود البته دولت هم استقبال خواهد کرد .راجع بقانون مجازات اظهاراتی شددر غیاب مجلس قانون مجازاتی‌وضع‌شده است همچو نیست که مجازات‌بدون‌قانون باشدمنتهی از تصویب مجلس نگذشته است ودولت مشغول است در این باب یك مطالعاتی بکندو لایحهٔ قانون‌مجازات را بمجلس پیشنهاد کند در خاتمه باز امیدوارهستم با اظهارموافقتی که‌ازطرف نمایندگان نسبت بهیئت دولت می‌شوددولت‌هم میتواند موفق بانجام‌وظائف‌خود بشود .

رئیس- گمان می کنم مذاکرات‌درکلیات‌کافی باشد .

سردار معظم — بنده می خواهم توضیح بدهم زیرا در هرایش بنده سوء تفاهم شده است .

رئیس — رأی می گیریم که مذاکرات کافی‌است‌یاخیر؟

سردار معظم — اگر در بیان نماینده‌سوء تعبیر شود و برخلاف مقصود او تعبیر شده‌باشدباید توضیح‌بدهد.

رئیس-توضیح میخواهید بدهید ؟

سردارمعظم -بلی .

رئیس-بفرمائید

سردارمعظم - گویا بنده مطلب خود را بد ادا کردم بنده اعتراضم‌این نبود که‌موادپروگرام ناقص‌است .

بلکه بعکس عرض کردم این مواد زیاد است وعرض کردم اگر بنا شود پروگرام‌دولت‌موجب کار ونان وعدالت و امنیت را برای ملت ایران‌فراهم کند همین مواد برای پروگرام کافی است حالاهم‌تکرار می کنم. بعد گفتم اگر دولت برای رسیدن باین مقصود موفق شود که واقعاً وجداً بودجه مملکت‌را اصلاح کند خدمت خیلی شایانی بملت کرده است‌و اگر بسایر مطالب موفق نشدمن بقدر سهم خود دولت را قاصرو مقصر نمی دانم اما راجع بوزارت فوائد عامه بندهٔ نظر بآن‌وزارتخانه تنها نداشتم‌ممکن است از این قبیل دوسه وزارتخانه دیگر پیدا کرد. من می گویم اول باید موجبات کار را فراهم نمود و بعد وزارتخانه تشکیل کرد . و چون‌نظامی هستم اینطور مثل میزنم که اگر دولت پولی پیدا کرد اول باید یك گروهان تشکیل دهدبعدیك‌باطبالیون بعد یك فوج بعد اگر زیادتر اهمیت پیدا کردوزارت جنك تأسیس کند ولی بعضی ممکن است‌مخالف‌این عقیده باشند و بگویند اول باید وزارتخانه تشکیل داد بعد اگر پول پیدا شد یك گروهان‌تأسیس نمود و باز اگر پول پیدا شد گروهان دیگر . من می گویم ما پول نداریم راههای ساخته خودمانرا تعمیر کنیم مادامی که پلهای چوبی ما همه خراب است و نمی‌توانیم‌تعمیر کنیم‌دراین‌صورت‌وزارت‌فوائد عامه‌لازم نیست و باید وزارت پست و تلگراف و فوائدوغیره تمام را یکی کرد ویك وزیر برای او تعیین نمود این است نظریه بنده و آن‌را عملی تر می دانم من تصور می کنم اگر یك پولهائی در این‌مملکت‌پیدا شود ابتداء باید این راهها را تعمیر نمود و بعد وزارتخانه تشکیل داداین بودعرایض‌من‌فعلا‌اسراری هم در رد و قبول آن ندارم و ممکن است درموقع دیگر یعنی در موقعی که بودجه مجلس فرستاده می شود در آن وقت عرایض خود راعرض کنم البته اگر مجلس شورای ملی بودجه یك وزارتخانه را تصویب‌نکردخود‌آن‌وزارت خانه قهراً ازبین‌میرود ولی فعلا نگاه داشتن و نگاه نداشتن و تأسیس وزارتخانه‌ها‌اختیارش‌بارئیس دولت است منتهی یادآوری می کنم که‌گاهی شده است باالمنطق لزوم تجارت و فلاحت معهذا‌با پست و تلگراف وفوائد عامه هم‌یك وزارت خانه بوده است .

رئیس — برای این که نظریه خودمان را تعقیب کرده باشید باسم توضیح نطق مفصلی کردید .

سردارمعظم-چون‌درنطق بنده‌سوء‌تعبیر شده‌بود مجبور بودم‌توضیح بدهم .

رئیس - ماده ۱۰۹ را قرائت کنید یا معنی توضیح رابدهید . آقای‌مدرس(اجازه‌نطق)

مدرس — اگرچه‌مجلس‌خیلی‌طول کشیده‌است لیکن از آنجا که‌جنك اول به از صلح آخر است مطلب را بایدختم کنیم اولا شخصاً من‌باشخص آقای رئیس‌الوزراء و باپروگرام ایشان‌مخالف‌نیستم ولکن عرض می کنم‌این‌پروگرام‌وهمچنین فرمایشاتی که آقایان وکلاء کردند که متعلق به پروگرام‌بود هردو مرام است . اغلب آقایان‌مطالب‌خوبی که‌بود همه را فرمودندو برای من‌چیزی باقی نگذاشتندبنده تخمیناً ۲۲ پروگرام در اینجا دیده‌ام تمامش مرام بوده و این پروگرام خودتان که پروگرام آقای رئیس الوزراء باشد بعقیده من مرام تراست وهمچنین اظهاراتی که آقایان وکلاء درموافقت‌آن‌میفرمایند مرام است چرا هردو مرام است ؟ برای اینکه هیچ رئیس الوزرائی درپروگرام‌خود مواد بدی‌نمینویسد والا خدای نکرده باید سلیقه‌اش کج باشد هرچه هر کسی می نویسد خوب مینویسد ولکن متأسفانه اجراء نمیشود آیا عیبش در کجا است‌عیبش‌ازوزراء و وکلائی است که مثل بنده می باشند البته‌اگربنده خارج‌ازپروگرام‌عرض‌بکنم‌آقای‌رئیس‌میفرمایندخارج از موضوع است چرا پروگرام های دولت در این پانزده سال اجراء نشد برای اینکه ما وکلا وقتی که اظهار اعتماد برئیس الوزراء می کردیم‌اعتماداشخاصی که مثل من‌بودند از روی حقیقت نبود اگر از روی حقیقت بود بهانه جوئی از یکدیگرنمیکردند و تمام قوانین اجرا شده بود انقلاب‌هم از مملکت ما رفع شده بود ۱۵ سال است مملکت‌در حال انقلاب‌است و روز بروز انقلاب بیشتر میشود پس ملامتی نیست اگر گفته بشود این پروگرام مرام است باید فهمیدچرا پروگرامها اجرا نمیشود ؟ جهتش اینست که دولت دوام نمیکند . دولت چهار ماهه و سه ماهه یك کمك‌پروگرام‌نمیتواند اجراء کند؟ بالا تر از این‌میگویم‌اگرخدابیغمبری‌هم مبعوث کند نمیتواند احکام خود را در سه ماه اجرا بکند پس علاج این مسئله را باید کرد اگرچه‌آقای رئیس الوزراء فرمودند مرام نیست و موادی که در این پروگرام نوشته شده خیلی سهل است و اجرا هم میشود یکی‌از آقایان فرمودند وضعیات دنیا سخت

شده است بنده اگر چه داخل در سیاست نیستم ولی عرض میکنم‌در این عمری که داشته ام دنیا هیچوقت بهتر از امروز نبوده است چه برای سیاست خارجه چه برای کار کردن در داخله پس یك چیزلازم است تا مرام بفعل برسد و آن‌فقط‌موافقت مجلس‌شورای ملی است با دولت برا اینکه رجال مملکت اغلب یکدیگر را شناخته اند از بر داشتن این و گذاردن آن نفعی حاصل‌نمیشود اگر تغییرهیئت دولت وتغییر کابینه،مملکت اصلاح‌میشد حالااما باید از تمام دنیا جلو افتاده‌باشیم رجال مملکت تفاوت ندارندهر کدام متناسب وقتی هستند بنده بهچه لحاظ عرض کردم آقای قوام‌السلطنه برای‌امروزخوب‌است زیرا تا شنیده بودم قوام‌السلطنه را شخص فعالی‌شنیده بودم پس انشاالله الرحمن‌همین رئیس الوزراء با موافقت مجلس شورای ملی همین مرام را بفعلیت می آورد و گمان میکنم با موافقت مجلس‌شورای ملی هم آقای‌فهیم الملك وهم آقایان دیگروهم بنده همه اقرار کنیم مرام نیست‌امااگرفردا خدای نخواسته یك واقعه‌برپاشدوخواستیم بهانه‌جوئی برای دولت بکنیم آنوقت این پروگرام مرام است و اینکه آقای‌محقق العلماء فرمودندفارس آتش سوزان است شاید‌یك‌وقتی آتشکده داشته وآتش‌بوده بهرحال مجلس خیلی طول کشیده و همه‌آقایان کسل شده‌اند همینقدرعرض‌می کنم که‌آقایان وزراءورئیس‌الوزراءرا خوب میشناسیم و کار کردشان را هم‌دیده‌ایم بایداول تصمیم بگیریم که بهانه جوئی‌نکنیم ایشان‌هم تصمیم نفرمایند ملاحظه کاری وباصطلاح عوام‌فریبی را کنار بگذارند و شجاعانه هم و کلاءوهم دولت مشغول کار شوند و انشاءالله این‌مرامو مطالب بالاتراز این‌مرام را بموقع‌اجرا بگذارند وعقیدهٔ شخصی من این‌است که اگردولت‌مشغول عملیات شود چه‌درسیاست‌داخله وچه در سیاست خارجه البته پیش میرود پس ما باید بیائیم و یك دولتی را قربةالی الله دوسال یعنی‌دوره تقنینیه نگاه داریم ولی‌اگرعقیده‌مان اینطور باشد که اگرامروز آقای قوام‌السلطنه بامن موافق باشدمن‌هم با اوموافقم‌واگر فلانطور بکرد منهم میکنم بااینحال البته مرام است‌ویکقدم برنخواهیم‌داشت مگر اینکه نقطه نظر هردوصلاح مملکت باشد وتصمیم بگیریم که اگر ناملایمی‌هم‌دیدیم‌تحمل‌بکنیم و کاریکه دراین پانزده‌سال نکرده‌ایم‌ومملکت را باین روز گارانداختیم بکنیم و بانقلاب وهرج‌ومرج‌خاتمه دهیم زیراازروی تجربه می‌بینیم هرچه کردیم نشد،موافق مرام کابینه تشکیل دادیم‌نشد ـ قوانین نوشتیم اجراءنشد،حالامی میآئیم این‌یك‌تجربه‌را که‌نکرده‌ایم بکنیم و ناملایمات یك دولت را متحمل شده آن دولتهم ناملایمات ما را متحمل بشود ـ و دوسال‌اورا دوام دهیم‌اگر واقعاًاین هم نشد آنوقت در حقیقت عرایض من بیك‌معنی موافق و بیك معنی مخالف فرمایش آقایان خواهد بود.

رئیس - آقای‌سلطان‌العلماء (اجازه)

سلطان‌العلماء - بنده بنوبه‌خودم اظهارقدر دانی از شخص اول دولت‌میکنم که خاتمه‌ببحران‌داده و کابینهٔ خودرا تشکیل‌و به‌مجلس شورای‌ملی‌معرفی کردند پس ازذکر این مقدمات لازم‌است مختصری عرض کنم ولو مخالفت باهمکار محترم آقای‌سردار معظم کرده‌باشم ایشان درعدم حاجت وزارت فوائد عامه شرحی فرمودند بنده از یك نقطه‌نظربا ایشان موافق واز نقطه نظر دیگر مخالفم .با آن‌نظری که مخالف هستم این‌است که با احتیاجات امروز عموم ملت که همه چیز بایدازخارجه بایران بیاید ازشیشهٔ لامپ گرفته بامنسوجات و غیره شاید بوسیلهٔ وزارت فوائد عامه یك کارخانه در ایران‌ایجاد شود که‌رفع احتیاجات بشودمن نمیگویم کارخانجات مهمه بیاورند بلکه کارخانجات کوچك از قبیل کارخانه کاغذ سازی یا مطبعه که در سال منابع گزافی در مقابل کاغذ ویاکت مطبعه‌ندهند و لااقل این‌مطلبرا برای ایرانیها اجراء کنند از این‌جهت‌مخالفم لکن ازجهت دیگر اظهارموافقت کرده و عرض میکنم متأسفانه وزارت فوائد عامه دردوره مشروطیت جز تحمیل بر بودجه مملکت چیز دیگری نداده ولی امیدوارم در آتیه وزارت فوائد عامه در سایهٔ‌اقدامات آقای‌رئیس‌ـالوزراء وباآن‌مطالب وچیزهائی که نیکو است‌عمل نماید در خاتمه همان امیدواری که آقایان نمایندگان بشخص‌اول‌دولت اظهارداشته‌بنده‌هم اظهار امیدواری خودرا بتأیید الهی عرض میکنم‌و امیدواری دارم که بودجه مملکترا چنانچه سابقاً وعده‌داده‌اند وحالاهم‌در ضمن پروگرام ذکر کرده‌اند باسرع وقتی تقدیم مجلس شورای‌ملی نمایندونمایندگان‌و کمیسیونهارابکار اندازند این است مختصری ازعرایض بنده که بعرض رساندم و اگرمواردی‌هم باشد که باز عرایض داشته باشم درموقع خود بعرض‌خواهم‌رسانید.

رئیس- آقایان را متذکر میکنم که وزارت فوائد عامه از موضوع بحث خارج است

(گفته شد صحیح است)

آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده مطابق صورتی که بآقای رئیس‌تقدیم کردم‌دوازده نفر بودیم که‌به‌آقای رئیس الوزراء اعتماد نمودیم و همچنین باپروگرام هم موافقیم نهایت‌بعضی مطالب هست در موقعی که قوانین طرح میشودعرض میکنم ولی‌راجع بانجمنهای ایالتی وولایتی عرض‌میکنم که‌چون دورهٔ‌فترت بمادرس آموخت باین معنی که یعنی حکومت ملی را هنوز افرادمملکت ندانسته و نمیدانند که‌حکومت ملی چه معنی دارد برای‌اینکه دردوره های‌فترت یك‌نکته‌هائی ازبرای مملکت پیدا میشده همیشه‌مانع بودند که یك‌مرکز شغلی از برای مملکت پیدا شود و پس‌از آنکه‌ما تصدیق کردیم که مرکز ثقل مملکت غیر از مجلس شورای‌ملی چیز دیگر نیست پس‌ناچاریم ضمانی برای آن‌تهیه کنیم‌و ضمانی‌ازبرای مشروطیت نیست مگر بطوریکه دوره اول بوده‌یعنی‌انجمنهای‌ایالتی‌وولایتی‌راتأسیس کردند. آقای رئیس‌الوزراءرامتوجه‌باین‌نکته‌میکنیم که توجه خاص بفرمایند تا اینکه قلوب ملت را که بدست دایه‌هائی که ابداًمجانست‌باملت نداشته برای استفاده خود از مجلس متنفر کردندبتأسیس انجمن‌های‌ایالتی و ولایتی متوجه بمرکز ثقل ومرکز سیاست نمایند که‌دیگرقضایائی مثل گیلان‌و وخراسان و آذربایجان پیدا نشود که بخواهند بعنوان ملیت جامعه ملت و مملکت‌راازهم تجزیه کنند همینطور که‌هروزارتخانه در تمام ایران اداره دارد که بتوسط آن اداره‌تمام احکام‌خودرا نفوذ میدهد اگر انجمن‌های ایالتی‌و ولایتی هم در ولایات بود هم کار انتخابات زودتر صورت میگرفت وهم آنقدر دایه‌ها پیدا نمیشدند که بعضی‌چیزها در روزنامه هاومجلس را درانظار منفور کنند چون راجع بانجمنهای ایالتی‌و ولایتی در این پروگرام چیزی نوشته‌نشده‌بنده‌بطورجدیت‌از آقای رئیس‌الوزراء درخواست مینمایم که توجهی بسوی این مطلب بفرمایند مسئله دیگرهم که آقای تدین فرمودند راجع باجرای مجازات اگرچه‌قانون‌مجازات در مملکت لفظاًهست آیاهیچ شده است دراین‌دوره‌ها که یك نفررا از قبیل رئیس مالیه یا نماینده وزارت داخله یا ادارات دیگر مؤاخذه‌نمایند ؟ بنای عدالت و حکومت بربیم‌و امید است چنانکه قوانین آسمانی همینطور است تا کار هر حکومتی بربیم وامیدنباشد آنحکومت نمی تواند قدرت خود را نفوذ بدهد در مملکت ما بیم‌بکلی از میان رفته ابداً بیم در میان مردم نیست هیچکس‌خودش را عضو مسئول نمیداند پس‌من از رئیس‌دولت‌تقاضا میکنم در مسئله اجرای مجازات‌بطورجدیت اقدام فرمایندبنده معتقد باین‌هستم که رئیس‌دولت میتواند قانون مجازات‌را آنطور که باید اعمال شود همانطور تقدیم مجلس شورای ملی کندو گمان‌نمیکنم‌هیچ یك‌از آقایان‌مخالف باشندمسئله‌ای که‌مارا در یك‌فشار فوق‌العاده آورده است وبنا بود اول‌چیزی که بمجلس تقدیم میشود مسئله مطبوعات باشد ـ آقای رئیس الوزراء را باین مطلب متوجه میکنم که قانون‌مطبوعات را بنظر بیاورند واین‌مسئله را خاتمه دهند که مطبوعات ما را تکذیب‌نکنند که مجلس هست وما آزادنیستیم‌امانه‌آن‌آزادی که عرض وناموس هر کس رامضحکه‌خودشان‌قرار دهند.

رئیس — چون مدتی است از شب گذشته است اگر مجلس تصدیق میکند بقیه‌مذاکرات‌بماند برای جلسه دیگر ـ

آقاسیدفاضل — بنده پیشنهاد دارم .

رئیس - نوبت شمانیست.

آقاسیدفاضل نوبت بنده نیست عجب ؟ بنده بحسابی که‌خودم کرده‌بودم نوبت بنده بعدازآقاسید یعقوب بود گویا اشتباه کرده اند ـ یك کلمه مختصر بنده پیشنهاد می کنم که‌مذاکرات در کلیات خاتمه بیابد وفقط

نصب‌العین هیئت دولت وآقایان نمایندگان این باشد که‌پروگرام مرام‌نباشد ونصیحت‌های‌آقای‌مدرس عملی باشد و نظریه‌مجلس و دولت را توافق بدهیم که چیزهائی که نوشته شده است‌ذوق آنهارامجزی دارند ـ

رئیس ـعده‌برای رای‌گرفتن کافی نیست اخذ رأی را میگذاریم برای جلسه‌آتیه جلسه روز یکشنبه دوبغروب خواهدبود.

مجلس ۳ ساعت ازشب گذشته ختم شد

جلسه ۳۰

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه‌چهاردهم‌شهرصفرالمظفر ۱۳۴۰ مطابق‌بیست‌وسوم میزان ۱۳۰۰

مجلس نیم ساعت‌قبل ازغروب‌درتحت‌ریاست‌آقای مؤتمن‌الملك‌تشکیل گردید ـ

صورت مجلس یوم پنجشنبه‌بیستم میزان‌را آقای بیان‌الدوله قرائت نمودند

رئیس- آقای‌آقاسیدفاضل اجازه

آقاسیدفاضل — می خواستم عرض کنم‌که آقای حاج آقای شیرازی را درصورت مجلس غائب بی اجازه می‌نویسند وحال آنکه از قراریکه بنده اطلاع دارم طبیب اوراازحضوردرمجلس‌منع کرده و کمیسیون عرایض و مرخص هم به او دو ماهه اجازه داده

رئیس --- کمیسیون عرایض‌ومرخصی از این به‌بعد اجازه داده است ولی ایام گذشته را هم بنده اجازه داده‌ام و اصلاح خواهد شد دیگر اعتراضی نیست ـ

آقای سید یعقوب — بنده‌عرض‌دارم

رئیس- بفرمائید

آقاسیدیعقوب — درجلسه قبل یك قسمت‌از عرض بنده راجع به انجمن های ایالتی و ولایتی و راجع بمطبوعات بودو هیچ در آن باب اشاره نشده است ـ

رئیس — اصلاح خواهد شد دیگر ایرادی نیست ـ

اظهاری نشد صورت مجلس تصویب شددستور امروز بحث درپروگرام هیئت وزراءاست ولی قبلا بعضی‌مطالب است که باید بعرض آقایان برسدشش نفر از اعضاء کمیسیون خارجه که انتخاب شده اند از قراری است که عرض می کنم آقای‌مستوفی — الممالك — آقای‌مشیرالدوله ـ آقای حکیم‌الملك‌ـ آقای نصرت‌الدوله ـ آقای مؤتمن‌السلطنه وبنده در صورتی که عرض کرده بودم بواسطه اشتغالاتی که دارم بنده‌رادرهیچ کمیسیونی‌انتخاب نکنند‌معذلك‌انتخاب کرده اند بعد لازم خواهد بود یك نفر دیگر را بجای بنده تعیین نمائید اعضاء کمیسیون پست و تلگراف شاهزاده سردار مفخم یاآقای‌لسان الملك‌ـ آقای‌مستشارالسلطنه‌ـ آقای‌میرزاعلی کازرانی ـ آقای وقارالملك آقای آقاسیدفاضل‌ـ آقای‌رئیس‌التجارـ آقای امین التجار ـ خاطر آقایان مسبوق‌است که‌چندی‌قبل کسالت عصبانی بر آقای حاج آقا عارض شده درنتیجه‌اطبای‌معالج‌توصیه کرده‌اند دو ماه استراحت کنند کمیسیون عرایض و مرخصی شرحی نوشته واین مرخصی راتصویب کرده است باید در مجلس هم تصویب شود رأی میگیریم آقایانی که دو ماه مرخصی از امروز به‌بعد برای آقای حاج آقاتصویب‌می کنندقیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد ـ آقای‌سلطان‌العلماءهم سه ماه مرخصی خواسته‌اند کمیسیون عرایض برای اینکه عده‌آقایان کافی نیست و شایدمجلس‌ازاکثریت نیافتد تصویب نکرد باید رأی بگیریم

سردارمعظم — نظر باین که‌بنده ازاحتیاجاتی که مسافرت آقای سلطان‌العلماء را الزام میکند اطلاع دارم تصورمی کنم مقتضی بود مجلس هم با خیال مسافرت‌ایشان کمك کند ولی چون آقای‌سلطان‌ـالعلماء مصالح‌عمومی را برمصالح‌شخصی مقدم‌میدارند تصور میکنم خودایشان‌هم‌با نظر کمیسیون عرایض موافقت کرده واصراری به رفتن نداشته باشند و یك چندی‌صبر کنندوخسارات‌دیگری‌هم‌به‌این‌خسارات‌بیافزایندو وتشریف داشته باشند تا اینکه یك عده‌ازنمایندگان حاضر شوند بعدتشریف ببرند و کارهای شخصی‌خود را اصلاح کنند تصور می کنم‌اگر این ترتیب بشود بهتر خواهد بود (گفته شد صحیح است)

رئیس — کمیسیون‌هم بایشان‌توصیه کرده‌است تأمل کنند بعضی از آقایان و کلاء میآیند آن وقت تشریف ببرند (صحیح است)

رأی میگیریم به‌راپورت کمیسیون

سردارمعظم‌ـخود ایشان قانع شدند

سلطان‌العلماء — بلی قانع شدم

رئیس — آقای‌رفعت‌الدوله‌هم‌اجازه‌خواسته‌اند کمیسیون تصویب نکرده

سردارمعظم — خوب کاری کرده‌اند

رفعت‌الدوله — اجازه میفرمائید

رئیس — بفرمائید

رفعت‌الدوله — البته خاطر محترم حضرت آقای رئیس مسبوق است که‌بنده همیشه قبل از موعد میآیم و هیچوقت طفره در این نوع کارها نداشته و ندارم موجبات‌مرخصی را هم حضور مبارك‌عرض کرده ام‌بواسطه‌آن‌تصادفی بود که درروزعاشورا برای اطفال بنده اتفاق افتاده بود که آقای تدین می دانند بنده نذر کرده بودم که‌آنها زیر آوار نرفتند اگر آقایان اجازه‌می‌دهند میروم والا اگر می خواهند مانع نذرمن بشوندبشوند آنها برای این که باید سیدالشهدا (ع) رادر نظر بگیرندخوب‌است‌رای‌بدهندواگررأی‌ندهنداین‌مظلمه‌به گردن من می ماندیامجبورم‌بدون‌اجازه‌بروم

رئیس-بسته بنظر آقایان‌است

رفعت الدوله — بنده مال هم کرایه کردم

رئیس — آقایانی که راپورت کمیسیون را تصویب‌میکنند

جمعی‌اظهارنمودند راپورت رابفرمائید

رئیس —راپورت کمیسیون این است که‌اجازه نداده ایشان تشریف ببرند رأی می گیریم‌به‌راپورت کمیسیون یعنی آقایانی که تصویب نمی کنند ایشان تشریف ببرند قیام فرمایند و اکثرنمایندگان قیام نمودند

رئیس — رد شد — یعنی‌راپورت کمیسیون تصویب شد و بعضی اظهار نمودند بر آقایان مشتبه شده است

رئیس — گمان می کنم مسئله راخوب بیان کردم عرض کردم اشخاصی که راپورت کمیسیون راتصویب‌میکنند قیام نمایند دیگر جای اشتباهی‌باقی نیست ـ

رفعت الدوله — اجازه می فرمائیدبرای آقایان مشتبه شد ممکن است دوباره‌بفرمائید

رئیس — خیر دیگر نمی شودبرای‌ماده‌واحده دولت راجع بتعمیر سدجاجرودپانزده هزار تومان پیشنهاد کرده‌و کمیسیون تصویب نموده بوددرجلسه گذشته رای گرفتیم چون درست نبود باید دومرتبه رای بگیریم‌آقایانی که تصویب می نمایند پانزده هزار تومان اعتبار داده‌شود ورقه سفیدخواهند داد و آقایانی که‌تصویب‌نمی کنند ورقه کبود و اشخاصی هم که اوراق خودرا همراه نیاوردند روی کاغذ سفید می نویسند باید قید نمایند سفید است یا کبود

ودر این وقت اخذ آراء بعمل‌آمده وآقای سهام ـالسلطان شروع‌باستخراج‌آراء نموده‌بترتیب‌ذیل‌نتیجه حاصل‌شد

عده‌حضار ۶۷ ورقه سفید علامت‌قبول ۵۷ امتناع ده ۱۰

اسامی رأی‌دهندگان

آقای‌شیخ‌الاسلام ملایری ـ آقای نجات ـ آقای تدین ـ آقای تنکابنی ـ آقای آصف الممالك ـ آقای صدرالاسلام‌ابهری ـ آقای شیخ‌ابراهیم‌زنجانی ـ آقای حاج میرزا مرتضی ـ آقای آقا سید فاضل کاشانی ـ آقای میرزا علی کازرانی ـ آقای‌محقق‌ـالعلماء ـ آقای بیان الدوله ـ آقای سردار معظم کردستانی ـ آقای ملك‌الشعراء ـ آقای معتضد ـالدوله ـ آقای وقار الملك — آقای میرزا سید حسن کاشانی ـ آقای حکیم الملك ـ آقای‌شریعتمدار آقای سلطان العلماء ـ آقای مشیرو الدوله ـ آقای حاج نصیر السلطنه ـ آقای احتشام الدوله ـ آقای آقا شیخ محمد جواد ـ آقای حائری زاده ـ آقای رئیس التجار ـ آقای‌سدید الملك ـ آقای غضنفرخان آقای حاج میرزا اسداله خان ـ آقای‌آقامیرزا هاشم آشتیانی آقای سهام السلطان ـ آقای میرزا ابراهیم خان ملك آرائی ـ آقای مستشارالسلطنه ـ آقای عدل السلطنه ـ آقای آقا سید محمد کاظم ـ آقای حاج امین التجار ـ آقای منتصر الملك ـ آقای آقا سید یعقوب ـ آقای نصرت الدوله ـ آقای حاج شیخ اسداله ـ آقای دکتر لقمان آقای‌مؤتمن السلطنه آقای سردار معظم خراسانی ـ آقای عماد السلطنه طباطبائی ـ آقای امین الشریعه شیرازی ـ آقای رکن الملك ـ آقای محمد هاشم میرزا ـ آقای امیر ناصر ـ آقای جلیل الملك آقای اقبال السلطان — آقای عماد السلطنه خراسانی — آقای میرزا ابراهیم‌قمی — آقای مدرس — آقای سردارمفخم — آقای نصیر دیوان — آقای عمید الممالك آقای حاج‌ـ‌قبل‌السلطنه

رئیس - پیشنهاد کمیسیون تصویب شد — چندی‌قبل قرارداد راجع بمجمع اتفاق ملل که از وزارت خارجه خواسته شده‌بود رسیده است فرستاده

میشود بکمیسیون خارجه محض اطلاع خاطر آقایان عرض کردم موضوع مذاکرات پروگرام آقایان وزرا است مذاکرات در کلیات است در کلیات کسی اجازه نخواسته است

مستشار السلطنه - بنده اجازه خواسته بودم.

رئیس - بفرمائید

مستشار السلطنه - بنده در جلسه گذشته در کلیات پروگرام اجازه خواسته بودم که راجع بمعارف قدری صحبت کنم ازیکی از اعضاء محترم دولت شنیدم که تصمیمات کافیه ووافیه دراین موضوع مهم دارند والبته درعین مواد پروگرام که مذاکر مخواهدشد نمایندگان رامتقاعد خواهد کرد

آقاسید فاضل - بنده در آن شب پیشنهاد کردم که مذاکرات در کلیات پروگرام کافی باشد نظر باینکه عده برای رأی گرفتن کافی نبود اخذ رأی نشد باز مجدداً پیشنهاد می کنم که مذاکرات در کلیات کافی باشد

رئیس - آقایان مذاکرات را در کلیات کافی می‌دانند گفته شد کافی است

رئیس - رأی میگیریم که داخل مذاکره در مواد شویم آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد داخل در مواد پروگرام می‌شویم درماده اول شاهزاده نصرت‌الدوله اجازه خواسته بودند.

نصرت الدوله - چون در موقع بحث در پروگرام در روز قبل یك مذاکرات طولانی نسبت بمرام بودن ومرام نبودن پروگرام شد بنده قبل از اینکه داخل در عرایض مربوط به‌سیاست خارجی شوم وبرای اینکه اعتراض بخودم متوجه نشود عرض می کنم سهل‌ترین مقاصد وآسان‌ترین چیزها در صورت عدم اقدام برای نیل بدان ممکن است مرام باشد ونسبت به‌مشکل‌ترین وبعیدترین مقاصد قبل و از سعی و کوشش جهد و تلاش در آن راه اطلاق حفظ مردم غلط است آقای رئیس‌الوزراء در مقدمه پروگرام خود اظهار فرمودند دوره سعی وعمل است بقین دارم که به مجرد اجرای این خیلی چیزها که مرام بوده است بعد از این درمسائل عملی بشود باری-درسیاست خارجی هیئت محترم دولت در پروگرام خودشان اینطور اظهار فرمودند روابط ایران ودول متحابه همواره در کمال و داد وحسن مناسبات است و حکومت حاضره تیره‌تر میشد وتشیید مناسبات حسنه را با کلیه دول همجوار وغیر هم جوار یکی ازتکالیف مسلمه خود می‌شمارد البته در طی این عبادت یك مسئله مسلمی را بیان فرمودند چون خوشبختانه بین دولت ایران و هیچیك از دول متحابه حال جنك وقطع روابط نیست اطلاق روابط حسنه بین دولت ایران ودول خارجی بحمدالله مصداق کامل دارد اما اینکه حکومت حاضره تزئید وتشیید مبانی این حسن روابط از وظائف خود شمرده است این هم البته یك اصل غیر قابل انکاری است زیرا احساسات نیك خواهانه و صلح طلبی تصور می کنم از برای هر دولتی بهترین پرگرام‌ها است علی‌الخصوص از برای ما که نیل به سعادت و ترقی مملکت خودمان را همیشه بوسیله احساسات صلح طلبی ودوستی باهمه دول عالم خواستار بوده‌ایم وضعیات جغرافیائی روابط تاریخی وحیثیات دیگری که اکنون ذکر آنها زائد است مارا از قدیم سال محتاج و هواخواه بهترین روابط و صمیمی ترین دوستیها با دولت بزرك همسایه خودمان کرده والبته وظیفه هر دولت خیر خواه از برای این مملکت همین است که‌سعی کند در پرتو این محبت ووداد روابط تجارتی واقتصادی مادائم در توسعه وازدیاد بوده استفاده‌های ممکنه از همجواری وهمسایگی ممکن شود ولی چیزی که مرا باین کرسی نطق آورده است این است که میخواهم به‌بینم آیا عبارت پروگرام دولت از برای طرح سیاست خارجی در مجلس شورای ملی و عرضه داشتن آن- به افکار عامه کافی است یاخیر تصور نمیکنم و یقین دارم آقایان نمایندگان مثل من انتظار داشته که‌دولت در موقعی که پس‌ازشش سال دوره فترت دوره‌ای که‌فاقد مرکز صلاحیت‌دار ملی برای مداخله حقه در سیاست بوده است امروز مصادف با مجلس شورای میشود سیاست‌خارجی راروشن‌تر وتصمیم‌علمی خودش‌را واضح تراز این اظهار کند تا وکلارا بیشتر قادر بتقویت خود نماید البته گمان‌نمی کنم محتاج بتذکر باشد که‌این اظهارات من از نقطه نظر این است که‌نسبت بنیات آقای‌رئیس‌الوزراء یا همکاران محترمشان سوء ظن یا شبهه‌دارم آقای‌رئیس‌الوزراء بواسطه عملیات خود ومخصوصاً عملیات قابل‌تقدیری که درسیاست خارجی در میان هزاران محظور ویك دنیا بی اسبابی نموده‌اند تولید اطمینان برای من و رفقای من نموده وهمان‌طوریکه درچندی قبل نسبت بایشان اظهاراعتماد کردیم امروز هم با کمال قوت قلب دراین‌جاحاضر شده‌ایم که اوراق سفید خودمان را نثار خدمتگذاری صادقانه ایشان نسبت باین آب‌و خاك نکنیم‌ولی‌تنقید‌من‌راجع‌به یك رویه و اسلوب کهنه است که ازهرحیث ناموافق با احتیاجات‌فعلی‌و افکار امروزی است وآن‌نهفتن‌حقایق استتار وقایع و بالاخره قائل شدن سیاست مخفی و اعتقادبه مقابر دیپلماتیکی و پلتیکی یابعبارت اخری کابینه‌های وزارتی است آقای رئیس الوزراء فرق این‌پرده‌های اوهام وترك‌این کهنه پرستیها و سلب اعتقاد ازمودت در این‌سابقه‌هاازشأن شاواز وظائف اولیه این‌مجلس و نمایندگان دوره چهارم‌است است زیرا که‌در یك عصری که قوی‌ترین حربه‌و بزرگترین وسیله‌پیشرفت امور انفاذ حقایق در دنیای متمدن و توسل بافکار عامه‌است تعقیب رویه مخالف حقیقة نقصان درداره وظائف‌است آقای

رئیس‌الوزراء اتخاذ این رویه و مسلك از شأن شما خارج است زیرا عملیات شما باعث افتخار خودتان و موجب روسفیدی‌وخوشرقتی‌هواخواهان‌شما‌است بگذارید همه‌عالم و تمام سیاست مداران دنیا از زبان شما از پشت این کرسی بشنوند که روابط حسنه ودادیه متساویه‌را با تمام ملل عالم شما مربوط و منوط باین کرده اید که سیاست آنها منافی با استقلال ملت ایران نباشد بگذارند تمام صاحبان افکار منور دنیا بدانند که مراکز قدرت این مملکت تصمیم گرفته اند بدون مداخله و نفوذ اجنبی هراجنبی‌در کارهای این مملکت خاتمه دهند وازمداخله‌اغیاردرعزل ونصب مأمورین ووساطت‌راجع بدوستان وهمکاران خودشان جلوگیری نمایند

بگذارید همه‌مردم بدانند که ماهتمام خودمان‌را به دولت مقید باین شرط کرده‌ایم و وفاداری در عهد خودمان‌را تاوقتی‌حاضریم که شمابتوانید ایفای باین وظیفه نمائید گفته‌شد صحیح‌است برعکس آنهائی که در سیاست خارجی قناعت بکلیات مبهم و مجمل بودن عبارات‌را مفید میدانند من‌معتقد هستم که کشف‌حقایق وفاش‌وآشکار کردن مسائل بهترین وسیله احتراز از سوءتفاهم وجلوگیری از یك کدورتهای بین المللی است ویقین‌دارم آقای‌رئیس‌الوزراء‌نطق لرد کروزن وزیر محترم‌خارجه‌دولت بهیه انگلستان را که‌در تاریخ ۳۶ ژوئیه سنه‌جاریه در مجلس اعیان انگلستان ایراد کرده‌اند بوقت‌ملاحظه فرموده‌اند ویقین دارم که‌تصدیق خواهند فرمود یك قسمت ازاین اظهارات نتیجه سوء تفاهم وازاثر پروپاگاندا نشدن مقاصد حقیقی ماست والبته بازتصدیق خواهند فرمود که اشاعه‌وانتشاراین قبیل‌اظهارات‌و توضیح‌شدن آنهادر معرض افکار عامه دنیامکن‌است موجب‌سردی و کدورت بین‌دوملت گردد والبته این برخلاف آرزو ومرام ملت ایران و ملت بزرك انگلستان‌است البته‌مورد ندارد که همه‌قسمتهای نطق‌وزیر محترم خارجهٔ دولت انگلستان‌را دراین‌جا موردبحث قراردهیم یااین که بخواهم مابین این‌نطق ودونطق‌دیگرایشان که قبلاایراد کرده‌اند یکی‌مورخه شانزدهم نوامبر ۱۹۲۰ ودیگری نوزدهم‌سپتامبر ۱۹۱۹ مقایسه‌نمائیم علی‌الخصوص که مقصودما تنقید ومشاجره نیست بلکه مقصود این‌است که‌بدانیم آیاذکر حقایق ممکن‌است رفع سوء تفاهم بنماید سوء تفاهمهائی که باعث‌شده‌است وزیرخارجهٔ‌دولت انگلستان دریکقسمت نطق‌خودشان اظهاریأس کامل ازوضعیات‌ایران کرده ودر یکمورد دیگراظهارتأسف ازنطق مأیوسانه خود نسبت بایران می‌نماید اگر مراکز رسمی ما بواسطه ابلاغیه‌ها وپروپاگاندها درداخله مخصوصاً درخارجه افکاررا متوجه کرده بودند که تغییر سیاست دنیاوتغییر اوضاع سیاسی قطعات همسایه ایران دراین مدت اخیرتغییر سیاست متخذه در دوسال قبل یعنی سیاست قرار داد را ایجاب می نماید این تغییر سیاست به تزلزل و تردید افکار ایرانی و موجود شدن دسائس دیگر تعیین نمیشد و الغاء قرار داد که یکی‌ازآمال‌وآرزوی‌عموم‌ملت شده بود نتیجه یك انتریکهای خارجی قلم نمیرفت‌اگروسائل کافی و وافی برای اشاعه و پروپاگاند تهیه کرده بودیم ومی توانستیم‌ابلاغیه‌جامعی‌ولثانیه و کلای‌حاضر در طهران را همه جا انتشار بدهیم آیا الغاء قرار داد نتیجه فکر یکی‌از زمامداران مابقلم میرفت اگر ما آشکارا وبدون ملاحظه اظهار کرده‌بودیم که‌در تعقیب دولتی کامل یا دولت‌عظیم‌الشان انگلستان‌چه انتظاراتی نسبت بپیشرفت مقاصدمشروع خودمان در

کنفرانس صلح داشتیم وچطوراین‌امیدها مبدل‌بیأس شد که در همان‌موقع این‌یأس‌راخودمن به‌همین‌وزیر خارجه محترم‌یادداشت کردم ویااگر مابا کمال‌وضوح افکار عامه‌راستحضر میداشتیم که در موقع آزمایش یك‌اصول‌روشن‌وواضحی‌چطور گرفتار تغییرات‌مغایر باهتصودوتضییقات عملی میشدیم‌امروز مواجهه‌باایراد ضمن‌قدرناشناسی نمی‌شدیم لرد محترم‌دریك‌قسمت‌نطق خودشان‌اظهار میدارد که ایرانی بطوروضوح کمك دولت انگلستان را برای‌وصول بسعادت خوددرد کرده است و دوباره‌سیاست‌قدیمی‌خود را که مبنی بربازی کردن بین دو ملت خارجی بوده است ترجیح‌داده‌و بالاخره خود را حاضر بمعاشقه نمودن‌با دولت‌سویت نموده‌است مقصودازدرد کردن کمك‌دولت‌انگلیس‌ناچار ردکردن‌مستشار هاو‌صاحب منصبان نظامی است‌خوب اگر ما نیات خود را ظاهر کرده بودیم وبه‌همه کس گفته بودیم که‌این تصمیم نداشتن مستشاروصاحب منصبان انگلیسی برای ما این است که ملت ایران که همیشه مایل بدوستی با دولت انگلستان است نیات دوستانه دولت‌انگلیس‌را سوء تعبیر ننموده و تصور نکند که باین وسیله یعنی بوسیله مستشاران مالیه و صاحب‌منصبان نظامی دولت انگلیس شاید خواستاراین‌است که‌باستقلال‌وسیادت کهن سال ایران صدمه ولطمه واردسازد آیا تصورمیفرمائید وزیر خارجه انگلستان این لحن را از برای اظهار این مطلب اتخاذ می کرد یا اینکه ممکن بود ملت انگلستان برخلاف‌واقع تصوربکند که ملت‌و دولت ایران ازدولتی باآن ملت بزرك چشم پوشیده است اگر ما بهمه گوشزد کرده و عملا ثابت‌بنمائیم که مقصود ما تولید رقابت برای استفاده نیست و همان طوری که‌این کمك رااز دولت انگلستان‌نمی‌خواهیم بدولت روسیه نیز برای این قبیل کمکها مراجعه نمی کنیم ووسیله سعادت خودمان را نه تنهادرتسلیم شدن به مسکو بلکه در تسلیم شدن به هیچ دولت خارجی فرض نمی کنیم آیا این قبیل‌اظهارات‌میشد البته یك حقیقت دیگری را هم نمی شود مستور داشت که‌مانسبت بهر کس یا نسبت بهر سیاست که بانظاریه و مرام استقلال خواهی ما عملا‌نه‌لفظاً موافق باشدخوش بین و نسبت‌بهرسیاستی که‌خواهان مخالف این باشد بدبین و خشمناك خواهم بود اگر ما این حقایق را بطور کافی بیان و عموم دنیا را مستحضر می ساختیم تصور نمی کنیم که در قضیه انحلال‌پاپس جنوب چنین اظهارات‌بدبینانه که خود سرود یاد مستان دادن است‌می شد زیرا وزیرخارجه محترم انگلستان همان طوری که‌درنطق خودشان متذکر شده اند همیشه دوست‌وخیرخواه ایران بوده مکرر گفته اند که خواستار ترقی‌و امنیت‌ایران هستندوازدیادروابط‌سیاسی‌وتجارتی‌انگلستان و ایران را در پرتو استقلال و امنیت مامی خواهند بالاخره اگر ما بآواز بلند اصرار و تکرار نمائیم‌و همه‌فاش و آشکارابگوئیم که نهایت درجه علاقه مندی‌بدوستی‌و حسن‌رابطه و یگانگی‌با دوهمسایه بزرك خودمان هستیم و فقط آرزو و آمال این است که همان طور که خودشان مکرر اظهار کرده اندما را در سیاست و مسائل بین المللی همسر و مساوی خود دانسته و معاملاتی را که نسبت بخودشان روا نمی‌دارند نسبت به ماهم ننمایند یقین دارم هیچوقت‌سوء تفاهم تولید نشده و روابط حسنه حقیقی دائم‌برقرار خواهد ماند از این اصل کلی که‌بگذریم در زمینه حسن روابط خیلی خوشوقت می شدم که‌آقای رئیس الوزراء نیات خود را نسبت باهمیت این حسن روابط با عموم دول اسلامی و علی‌الخصوص با دولتین جدیدالتأسیس افغانستان وبین‌النهرین اظهار وهمه ما راازاین‌حسن تصمیم‌مسرور ومشعوف‌میکردند گفته شد(صحیح است) حالا اجازه می‌خواهم چند کلمه مختصری‌هم نسبت باداره وزارت خارجه عرض کنم البته آقایان متوجه شده اند که همیشه در پروگرام ها (به اندازه‌ای که من در نظر دارم وزارت‌خانه ازشمرده شدن درچه آنهائی که‌اصلاح خواهدشد محروم است اگراین محرومیت برای این است که‌وزارت خارجه را مستغنی از اصلاح میدانند اشتباه‌است واگر این محرومی از برای این‌است که اهمیت بآن اداره نمیدهند این را هم تصور نمیکنم زیرا یقین‌دارم‌دولت بخوبی متوجه‌اهمیت این‌وزارت‌خانه‌است مقصودم ازاین تذکار عطف‌توجه دولت است بلزوم‌اصلاح دراین‌اداره علی‌الخصوص در سفارت - خانه‌های مادرخاجه ومرتب نمودن‌وضعیات‌نمایندگان مادر مرکز اول اروپا وامریکا از دیر زمانی معمول بوده است که اصول سیاست مابلکه تمام فروع آنرا رئیس‌الوزراء ما یاوزیرخارجه‌ما درهمین طهران‌فیصله میدادند وفراموش می نمودند که‌ماهم مأموریتی در پایتختهاومرا کزدول دیگر داریم‌درصورتیکه بتجربه وعمل ثابت‌شده‌است که‌پیشرفت‌امور درمراکزاروپائی بیشتر انجام مقاصد حقه‌در آنجاها بمراتب آسان تر از گرفتن‌نتیجه مطلوبه‌ازسفارت‌خانه‌هائی‌است که‌آلوده باین محیط ماشده‌اند باین ملاحظه تصور میکنیم که دولت‌یکی از بزرگترین اصلاحات را اصلاح‌سفارت خانه‌ها و ترتیب‌کار نمایندگان ما در خارجه باید بدانند تا انشاءالله درآتیه از این گرفتاریهائی که داشتیم بواسطهٔ راه‌افتادن‌این‌چرخهای معظم قدری آسوده شویم آقای رئیس‌الوزراء باید بدانند که ما بخوبی‌میدانیم که ایشان با چه محظوراتی مصادف هستند ماقدرفداکاری شمارا درقبول این بار سنگین مسئولیت‌میدانیم و برای‌همین‌است که‌من بخودم‌اجازه دادم که‌این‌عرایض‌را این‌جا بکنم و تقاضا نمایم که شما در این‌جا افکارعامه‌خودتان را بطور وضوح بیان کنید تا اینکه‌ما هم باقوت قلب و جبهه‌گشاده باینکه بافکار عمومی موکلین‌خودمان که‌میچوقت‌آنرا از نظر نبایددور بکنیم‌قادر براین باشیم که درمقابل هجوم حوادث‌واوضاع گوناگون‌سیاست‌ازشما و دولتی که تشکیل کرده اید تقویت بکنیم گفته شدصحیح است .

رئیس - درماده اول دیگر کسی اجازه نخواسته است

آقای‌مشیرالدوله اجازه نطق

مشیرالدوله — بنده بایك‌قسمت از بیانات شاهزاده نصرت‌الدوله موافقم از اینکه باید در کلیه سیاست چه‌راجع بداخله وچه‌راجع بخارجه باشد باید حقایق را حتی‌المقدور گفت وباید باتوجه‌بافکارعامه کارکردولی در آن‌قسمتی که‌راجع بسیاست کابینه‌های گذشته نطق لرد کارزن در مجلس‌اعیان درتواریخ مختلف فرمودند بنده موافق نیستم بنده عقیده‌ام این است که کابینه های گذشته روشن بوده و هر وقت هر رئیس‌الوزرائی مشغول کار شده شاید یك استثناء داشته باشد باقی تماماً سیاست خود را روشن مینمودند و در بیانیه های خودشان باطلاع عامه میرسانیدند‌چون لازم‌میدانستند که‌در غیاب مجلس شورای ملی باطلاع عامه برسانند در قسمت راجع‌بسیاست خارجه هم‌آنچه لازم بودبکنند میکردند و غیر ازآنچه گفته بودند نمیکردند اگر در خارجه در مجلس اعیان مذاکره شده بخواهند تلویحاً یا تصریحاً برسانند که‌سیاست‌ما تغییر وتبدیل پیدا کرده و چنین و چنان شده بنده بر خلاف واقع میدانم گفتم شاید به‌استثنای یك کابینه بقیه کابینه های ما آنچه‌را که‌میکردیم‌همانطور بود که‌میگفتم(صحیح‌است) مثلا یکی از کابینه ها کابینه بنده بود و سیاست راجع بخارجه بسیار روشن و صاف بود از اول منکه داخل کارشدم گفتم‌قرارداد‌بموجب قانون اساسی ما باید راجع بمجلس باشد (گفته‌شد صحیح است) باید در مجلس تکلیف‌قرارداد معلوم‌شود ومادام که‌مجلس دراین باب‌اظهار عقیده‌نکرده‌است است‌باید‌اجرا‌اثبات موقوف باشد ودرمدت‌آن کابینه‌هروقت که خواستند بمقتضایی بکنند گفتیم ماباشما‌قراری گذاشته‌ایم‌بلندن تلگراف کرده‌ایدوجواب داده‌اید پذیرفته‌است همانطور که‌قراردادهایم امور راجع بصاحب منصبان قشون ومستشاران مالیه تاوقتی که‌مجلس تشکیل‌میشود موقوف الاجرا باشد تامجلس تشکیل‌وتکلیف آنرا معین کند‌ماغیراز آنچه گفتیم کاری‌نکردیم‌ودرابلاغیه وبیانیه خودمانهم باطلاع تمام مردم رسانیدیم اما در باب اینکه بنطق لرد کارزن اشاره کردند که ما با یك‌دولت دیگرمعاشقه میکنیم‌یا بهتر گفته باشم خود را بآغوش دولت دیگری انداخته‌ایم بنده بکلی تکذیب میکنم چون فرستادن سفیرفوق‌العاده بمسکو درزمان کابینه من‌بود ومجبورم این مسئله راتوضیح بدهم‌اگر چه عمر کابینه بنده وفانکرد که این کاررا انجام‌دهم چون‌هنوز سفیر ماوارد‌مسکو نشده‌بود که کابینه‌مجبور باستعفا شد ماوقتی که‌اورا فرستادیم مخفی وپس پرده نبود (علی‌رؤس‌الاشهاد) بهمه گفتیم‌مامجبوریم‌بادولتی که همجوار ماست مناسبات داشته باشیم‌علی‌الخصوص که آنهابما میگویند. باید‌بایکدیگر رابطه‌داشته باشیم ما باید اول‌این‌مسئله رامعین کنیم بعدا گردیدیم‌می‌خواهند باماداخل مناسبات شوند ماهم حرفی نداریم در موقعی که‌قرارداد معروف رابسته‌بو ندمی گفتند یکی‌از فلسفه‌های این قرار داد این‌است که ما باید با شما همراهی کنیم‌وشما‌باید یك نقطه اتکائی‌داشته باشید که‌شمارا‌حفظ‌کندولی یکوقت دیدیم‌ژنرال‌شام- پاییاتی‌از انزلی‌عقب‌نشست ورشت راتصرف کردندیك

روزدیگرهم ملتفت شدیم ودیدیم منجیل‌را هم تخلیه کرده‌اند بهرحال این که ماخودرادر آغوش دیگری انداخته‌ایم وهم‌چنین باسایر دولی که‌هم‌جوار هستند بکلی تکذیب میکنم اهلی‌درجهٔ آزادی‌ما این‌است که با دول هم‌جوار روابط همسایگی‌داشته‌باشیم‌وهم‌چنین با سایر دولی که باماهم جوارنیستند با تمام آنهـا زندگانی کنیم ودرعین حال میخواهیم‌مدنیت‌و قومیت وتمامیت ما محفوظ باشد برای اینکه ما که ایرانی هستیم متمدنی‌متعدی است احسنت احسنت چه روس باشدچه‌انگلیس‌باشدچه‌عثمانی باشدچه‌آلمان‌باشد(احسنت احسنت) درنظرماکه‌ایرانی هستیم هیچ‌دولت برای‌ما فرق نمیکندا گرباما خوشرفتاری کنند وتعدی ننمایند دوست ماهستندوماهم حاضریم همه قسم باآنهادوستی داشته باشیم وقتی که‌نکردندو دشمنی کردند ما هم بآنها بچشم دشمنی وعداوت مینگریم وهیچ تفاوتی بین‌این دول نیست این است عقیدهٔ بنده وعقیدهٔ تمام ایرانیها (صحیح است احسنت) باین جهت است که عرض می کنم باآن قسمت‌نطق شاهزاده نصرت‌الدوله همراه نیستم نطق ایشان‌چنین می‌فهماند که‌لرد کرزون حق دارد وما سیاست خودمانرا آشکارنکرده‌ایم‌بنده نکذیب می کنم سیاست کابینه‌های ماهم کابینه‌وثوق‌الدوله وهم کابینه آقای صمصام‌السلطنه وهم کابینه آقای سپهدار اعظم و هم کابینه بنده تماماً روشن بود واگر این‌نطقها رادربعضی جاها میکنند که‌چنین و چنان شد کابینه ماتغییر کرد هرروز سیاستی‌پیش آمد سیاست ایران مغفی بوده تمام راتکذیب می کنم‌تمام کابینه‌ها سیاستشان مبنی برحکمیت تام مجلس‌بوده و هیچ چیز آنها زیرجلکی‌وپس‌پرده نبود اگر بعضی اظهاراتی میکنند خود شاهزاده نصرت‌الدوله

وآقایان می دانید که اینها همه‌انتریگهای دیپلماسی است برای این که یك چیزی را که قبول کردند پس از چندی بگوئید اطلاع نداشتیم‌ولی ما نباید به این حرفها از میدان بگریم حرف‌همان است که گفتیم ایرانی با تمام دول و ملل می‌خواهد آمیزش و دوستی و روابط داشته باشد زیرا محتاج است تمام‌ملل‌عالم به یکدیگر محتاج اندامروزوروزی نیست که دیوار چین دور مملکت کشیده شودامروز روزی نیست که ملل درپرده زندگانی کند همان طور که ما به انگلیس‌محتاجیم آنهاهم بما محتاج‌اند همانطوری که ما به‌روس محتاجیم آنها هم‌همین‌طور محتاج اند همانطور که به عثمانی و افغانستان و غیر آنها محتاجیم آنها هم به ما محتاج اند پس وقتی که این طورشد همه درمحکمه عدالت بشریت مساوی هستیم باید حقوق ماراحفظ کنند اگر حفظ‌نکردند و تعدی کردند هیچ تفاوتی مابین نیست حتی همان عثمانی و افغانستان هم اگر تعدی کردند با آنهاهم مخالف خواهیم‌بود این است که بازهم عرض می کنم که‌مادر سیاست خودمان‌هیچ مطالب پنهانی نداشته ایم و هرچه وعده داده ایم رفتار کرده و اگر نکرده‌ایم وعده‌نداده‌ایم(احسنت‌احسنت)

رئیس — آقای نصرت الدوله (اجازه نطق)

نصرت‌الدوله — بنده خیلی تأسف دارم که بیان بنده قاصر بوده است والا گمان نمی کردم که آقای مشیرالدوله اینطور از عقیده بنده استفاده کرده باشند بنده هیچ نوع مخالفتی ندارم بنده مقصودم از این اظهار و خطاب به آقای رئیس الوزراء همین بود که این حرفها زده شود اگر گفتم که‌آن‌اصل استنار حقایق را تعقیب نکنیم و اگر مخصوصاً لفظ تعقیب راگفتم بطور یك اصل کلی بود والاّدرحقیقت همانطوریکه آقای مشیرالدوله فرمودند بنده کاملا موافقم و از برای اثبات اینکه باایشان هم عقیده‌ام ممکن است ایشان را مراجعه دهم به یك نطقی که خودمن در لندن در ده سال قبل کرده‌ام اینجا بنده اظهار کرده‌ام که‌نیات کابینه های ایران تمام روشن است و برای اینکه دولت همان سیاست را داشته باشد و تعقیب کند این‌عرایض را عرض کردم ومقصود بنده از این اظهار همین بود دراین مسائل فقط به عبارت کلی (حفظ روابط حسنه)اکتفا نشود وهمانطوری که‌وکلاءووزراء آن‌دولت‌از بالای تریبون در میان مجالس اعیان و محافل‌عام فریادمی‌زنندوهموم مردم‌را از آینده وحال مستحضرمی کنند ماهم‌موقع فرارسیده‌مطالب‌خودمان‌رابگوئیم‌این‌نطق‌ارد کـارزن در۲۶ ژوئیه چهار ماه قبل‌می‌باشدو در این مـدت من ندیدم از طرف‌دولت ایران‌هیچ نوع‌جوابی‌بآن‌نطق داده‌شودواین سکوت‌رامن‌از برای مملکت‌مضرمی‌دانم چرابرای اینکه‌همـانطور که آقای‌مشیرالدوله‌فرمودند درخیلی ازمسائل آن‌نطق تلویحاً‌مطالبی گفته شده که گمان‌نمی کنم باوقایع‌تطبیق‌بکنندپس‌این ملاحظه تصور می کنم این توضیح که‌دربیان‌خـود دادم کافی باشد واگرقصوری درتلقین الفاظ شده باشد خیلی متأسفم اما هیچ‌نوع مخالفتی دربین دواظهار واین دو عقیده‌نیست

رئیس — آقای‌سردارمعظم‌اجازه

سردار معظم — بعد از بیان آقـای مشیر الدولـه فعلا عرضی ندارم مگـر بعد لازم شود .

رئیس — آقای سلطان‌العلماء (اجازه)

سلطان‌العلماء-بعقیده بنده بعد از بیانات وفرمایشات آقای مشیرالدوله درسیاست خارجه دیگر مجالی برای‌مذاکره‌سایرین‌باقی‌نمیگذارد وبنده‌عقیده‌ام این‌است که از مذاکره دراین موضوع اگر آقایان تصویب میفرمایند صرفنظرشود

رئیس — آقای مدرس پیشنهادی فرمودند جمله بالخصوص با دول اسلامی بایـن ماده اضافه شود

رئیس‌الوزراء-بنده‌بیانات‌آقای‌مشیرالدوله‌را تصدیق وتقدیس‌میکنم شاهزاده نصرت‌الدوله درضمن مذاکراتشان میفرمایند که‌خوب‌بود دربرگرام دولت درموضوع‌سیاست‌خارجی‌بیشتر بسطمقال‌شودبنده تصور میکنم عبارتی که‌دربرو گرام‌نوشته‌شده جامع‌باشدا گر چه‌مختصراست ولی‌غرض‌این نبوده است که دولت یك سیاست مبهمی‌را اتخاذ کرده‌باشد که حقوق وحاکمیت ملت‌ایران درآن‌متضمن نباشد من‌تصورمیکنم‌دردنیای متمدن امروز که‌درواقع عدل‌وانصاف وحقانیت اساس سیاست عالم شناخته وشمرده شده‌است هیچ‌دولتی نمی تواند بحقوق دولت‌دیگرخاصه‌اینکه باآن‌دولت‌دوستی یاروابط تجارتی داشته‌باشد تجاوز کند وهمین‌طورهیچ ملتی نمی‌تواند تحمل بکند که‌بحقوق او تجاوزاتی یا تعدیاتی بشودالبته دولت ومجلس شورای ملی‌همیشه‌این سیاست‌را تعقیب کرده‌ویقین دارم پیشرفت‌هم خواهد کرد باین مطلب توجه بفرمائید همینقدر که دیده شداحساسات ملت ایران بر این‌است که مستشـار از دول‌خارجه درایران نباشد طوری شد که مستشار مالیه (آرمیتاژ اسمیت) خودش برای فسخ کنترات خود حاضرشدوهیچ اعتراضی هم‌نشدواز‌این‌جا معلوم‌میشود که‌خیالی‌در بین‌نبوده ومسلك دولت ایران هم هیچ وقت‌تیره‌وتار نبوده‌است ومطالب هم همیشه علنی گفته شده‌است ضمناً لازم‌می‌دانم خاطر آقایان نمایندگان‌را متوجه کنم که با دولت کمك ومساعدت کنند همین سیاست‌وروابط‌حسنه که‌من‌در پروگرام خود ذکرکرده‌ام حفظ کنند والبته ازطرف دولت ومجلس سعی میشود که‌این سیاست روشنی‌باشد و چیزی بر مردم مکتوم نماند والبته خوب‌است ازبعضی چیزها که‌اسباب سوء تفاهم می شود واز بعضی احساسات خارج از نزاکت پرهیز کنند امـا اینکـه گفته مـی شود چیزی بـه پروگرام دولت الحاق شود تصدیق میکنم مثلا اگر پیشنهادشود باحفظ‌حقوق‌حاکمیت ایران‌باحفظ‌استقلال ایران من تصدیق‌میکنم

رئیس - آقای سردارمعظم اجازه

سردارمعظم - قبلاً اینکه داخل‌مطلب‌خود شوم میخواهم بایاناتی ناقص‌ازآقای مشیرالدوله تشکر کنم اظهاراتی که ایشان کردند عـن همان افکاری بود که‌ملت ایران کمال‌میل‌و نهایت اشتیاق وعلاقه‌را بآن دارد ایشان‌وقتی که‌در این مجلس اظهار عقیده میکنند نه‌تنها مظهر فکر شخص‌خودشان‌می باشند بلکه مظهر افکارعمومی که‌در تمام ملت ایران است می باشند و از آقای مشیرالدوله و ابراز احساسات ایران خواهانه ایشان تشکر کرده و زیادتر اظهار مسرت میکنم که مابین‌دوناطق‌محترم‌هیچ‌نوع‌مخالفتی نبوده فقط در اداء مطلب سوء تفاهمی حاصل شده است بلی‌بنده هم باناطقین محترم هم عقیده‌هستم‌ولی فرمولی راکه دولت درذکر سیاست خارجی خودش اتخاذ کرده است غیر کافی میدانم بعقیده من این فورمول مکرر درمکرردرپروگرام‌های دولت های سابق دیده شده است و این فورمول بدرجه کامل حکایت‌نمیکند از آندرجه صداقت ووصمیمیتی که‌ماازطرف‌خودمان درسیاست خارجی اعمال میکنیم و از دیگران‌انتظار داریم این‌فرمول درواقع بیك فرمول تشریفاتی شده است سیاست خارجی همیشه روشن و معین بوده است آیادرمقابل این صمیمیت های ما از طرف‌مقابل‌هم با ما همین معامله شده است یا خیر؟ بجرأت میتوانم بگویم که‌سیاست‌های خارجی دولت های ایران همیشه سیاستی بوده که میخواسته است حقوق‌سایرین‌راحفظ کندمانمی‌توانم‌بگویم که‌هیچوقت ازطرف دیگران نسبت بمنافع ایران که‌تخطی‌وتجاوز نشده‌است و بهمین علل‌است که‌این فرمولی که اتخاذ

شده کافی نمیدانم این‌فورمول‌چه‌چیز است

حفظ مناسبات‌حسنه‌با دول‌متحابه این‌یك‌فورمولی است که کوشش‌های ما‌باین فورمول عادت کرده است وما دیده‌ایم که درتحت‌لوای‌این فورمول‌مناسبات حسنه ازطرف ما کاملا رعایت شده ولی در مقابل تعدی و تجاوزاتی از دیگران بماشده است و آقای نصرت‌الدوله فرمودند که‌من منکر استنار حقایق‌نیستم آقای رئیس‌الوزراء در جواب چند کلمه اجمع به آرمیتاژ اسمیت و راجع بطرز رفتن او بیان فرمودنـد و ضمناً نمایندگان را متوجه کردند که مراعات‌نزاکت‌را بکنندبنده میخواستم‌جسارت کنم وعرض کنم که‌خوداین فریشات ایشان هم یك‌استنادی است زیرا رفتن آرمیتاژاسمیت باین‌سهولت که‌فرمودند نبوده ومطلعین میدانند که اگر تصمیم دولت ومجلس بر این بود که آرمیتاژ اسمیت را تمییـد این امر نمی‌شدومقتضی بود که دولت دریشت کرسی نطق‌همین حقیقت را گوشزده‌ملت‌بنمایدبنده‌خودم‌معتقدم که ملل‌عالم از نقطه نظروزندگانی‌سیاسی واقتصادی‌مانندحلقه‌های زنجیر بهم مربوط وپیوسته هستند وزندگانی تمام‌ملل عالم بهم مربوط است این مسئله هیچ محل تردید و شبهه‌نیست و همانطور که آقای مشیرالدوله فرمودند امروز روزی نیست که ملل عـالم مستقیماً به توانند حوائج زندگانی خود را انجام داده ومستقلاجدا جدا زندگانی کرده یا دیواری‌دورمملکت‌خودبکشد امروز تمام این یك خانواده وعائله وسیعی راتشکیل میدهد واما این‌خانواده منافع ومضراتشان‌با هم پیوسته‌است از طرف دیگر کاملا معتقدم که ملت ایران احتیاجات شدید به دیگر ممالك گیتی دارد همانطور که سایر ملل عالم احتیاجات به‌ملت‌ایران‌دارندواز‌همین‌نقطه‌نظر است که من وظیفه ملت ایران راول نسبت بسایرین بیان‌خواهم‌کرد وبعد دیگران رانسبت بخودمان‌اظهار میکنم البته دولت ایران مجبور است که با همه دول وملل عالم مناسبات حسنه نیکخواهانه داشته باشد باید بنظر محبت ودوستی بهمه نگاه‌کند و حقوق مشروع آنها را در داخله مملکت خود حفظ کند و روابط خودش را با ملل عالم در تحت یك انتظام بانزاکتی در آورد واگر یك تقبلاتی بنام دولت ایران میشود آن تقبلات وعهوددرنظردولت‌وملت‌ایران با قدرشمرده شود حقوق اتباع خـارجه باید در مملکت ما محفوظ باشد ولی در مقابل این تصمیم ودر مقابل این طرز رفتار که ملت و دولت ایران باید بموقع عمل‌گذارد حقاً باید از طرف دیگران هم نسبت به‌ما همین‌ماملـه شودچون‌دنیای‌متمدن درروابط‌خارجی‌خودش‌یك‌فورمول معینی اتخاذ کرده است آن فورمول‌ها مبنی‌برنزاکت بر عدالت ومراعات استقلال وآزادی هرملت و مبنی بر حفظ حق زندگانی وحیوة وسعادت هر ملتی است ملت ایران‌حق دارد این تقاضا را ازهمه‌ملل‌عالم‌بکند البته ما حاضریم بدولتهای خود اجازه دهیم که‌برروی اساس سیاست نیك‌خواهانه با دول خارجهٔ رفتـار کنند و بهمـان درجه میخواهیم ملل‌ودول دیگر با ما همین معامله را بکنند ما حاضر نیستیم دولت هـای ما بقدر سرسوزن مداقمه خارجی را در سیاست داخلی و زندگانی ما قبول نمایند واین مداخلات ازهرطرف که باشد نباید مورد توجه وقبول ما واقع شوداین‌مداخله اگر در تعیین وزیر است نباید پذیرفته شود اگر در تعیین حاکم یا مأمور است نباید پذیرفته شود هم‌چنین اگر فلان سفارتخانه انفصال فلان مامور را خواستـار شود دولت ایران نباید تسلیم شود باید مقاومت‌کند و بالنتیجه دیگران حق‌نخواهند داشت که در اموردا خلی ما مداخله کنند زیرا حق‌مشروع‌ماست ولازمه‌استقلال و آزادی مـا است زندگـانی داخلی مـا مربوط بخـودمـان بود و دیگران هیچگـاه حق مداخله‌نخواهند داشت واز هر طرف که این مداخله بشودنباید مورد قبول دولت ماباشود بنابراین‌فورمولی که‌در پروگرام هیئت دولت نوشته شده است کافـی نیست فورمول دیگری که‌در پروگرام ماا تخاذ شده است وبعقیده من بهتر مطلب‌را میرساند ورساتر است این‌است که مناسبات وروابط حسنه متساویه باتمام‌دول عالم مادام که مناسبات آنها منافی با استقلال ایران ومانع ترقی ایران نباشد ا ین‌شرط‌گذارده شود مادیگر هیچ حرف بدولت نداریم واختلاف نظری با پروگرام نخواهیم داشت ولی‌چون این‌شرط گذارده نشده است وفقط گفته شده‌است حفظ مناسبات بادول متحابه یعنی همان فورمول کهنه همان فورمولی که‌ما مکرراً آنرادیده ودولتهای وقت مکررآنرا پیشنهاد کرده‌اند ودرتحت لوای همین فورمول بما تعدی شده ودرعمل وفعل برخلاف این فورمول رفتار شده‌است باین‌جهت‌ماموقع‌هستیم‌دراین دوره‌درعمل باماموافقت کند ومامی‌خواهیم‌دولت اندیك‌محظوراتی داشته‌اندا ینکه پیشنهاد می‌شود که‌در پروگرام دولت اضافه شودحفظ روابط حسنه بشرط اینکه مخالفتی نسبت با استقلال مملکت نداشته باشداین یك‌چیزی است واضح‌وگمان میکنم درپروگرام دولت هرچه‌اشاره بشود زیادی است چون سایر دولت‌هاهم‌همین‌نظریه را داشته اند و بدون تردید میتوانم بگویم که هیچکدام قصور نکرده اند بطوریکه همه اطلاع دارند همه دولتهای وقت‌جد وجهدهای کافی میکردندو هرچه‌ازدستشان‌در حفظ‌مصالح‌وحقوق‌مملکت برمی آمدخودداری‌نمیکردند اما اگر محظوراتی برای آنها پیش می آمده است که نمی‌توانسته‌اندرفع‌آنهارا بکنند بر آنها تقصیر وجرمی وارد نیست حالا در پروگرام فعلی که‌دولت‌پیشنهادمیکندضمیمه کردن‌این‌مطالب گمان‌می‌کنم صلاح نباشداین‌اصل‌درآن مندرج‌است‌دولت‌وقت وظیفه‌اش این‌است که هراجنبی‌نسبت بحقوق ومصالح مملکتی یانسبت باستقلال ما تجاوزاتی‌بکند باتمام قوا بکوشد که‌اورا دفع کند ولی‌در جشن در پروگرام زائداست‌وکاملا دولت این‌مسئله رادرنظردارد‌ودرفتار خواهد کرد وضعیات امروز عالم هم‌بمقتضیات آنروز که برای دولت‌ماا شکالات پیدا می‌شد فرق کرده‌است وبطوریکه گفته‌شد سیاست عالم‌تغییر کرده‌وحتی‌دولت‌های کوچك‌دیگر هم‌راضی‌نخواهندشد تحمل کنند که نسبت بحقوق‌آنها تعدی و تجاوزاتی بشود والبته‌دولت عظیم‌الشأن شش‌هزار ساله ایران هم هیچگاه راضی نخواهدشد که‌تجاوزاتی بحقوق او واردآید و ازتمام ملت خاصه وکلای پارلمان‌خواهش می کنم که‌دراین مقصود مقدس بادولت همراهـی کـامل بکنند ونظر باینکه ذکر این‌مسئله زیادی است این پیشنهـاد دولت‌راقبول‌بکند

مدرس — بنده تقاضا کردم دولت دراین‌ماده اضافه بفرمایند بالخصوص بادول‌اسلامی غرض‌این‌است بطوریکه آقایان فرمودند دولت وملت ایران‌بـاید سیاستش نسبت‌بدول عالم بنظر واحدباشد سیاست این تقاضا راداردولی برهمه‌واضح است که‌دول وملل اسلامی طبیعتاً یك خصوصیتی باهم‌دارند کـااینکه‌ازپارلمان های دولت اسلامی قریب باین مضمون یك اظهارات خصوصی شده ماهم‌در این پارلمان که‌پارلمان اسلامی است باید یك اظهار خصوصیتی‌با دول اسلامی بکنیم چون بعضی دول‌جدید التأسیس اسلامی پیداشده‌است البته باید ماهم یك‌نظر خصوصی بآنهاداشته و روابط حسنه خاصه باآنهاپیدا کنیم لهذا بنده ازهیئت‌محترم دولت تقاضا کردم که‌باین‌ماده جمله‌بالخصوص‌با دول اسلامی اضافه شود وهیچ ضرری هم‌ندارد بنده کاملا بافرمایشاتی که آقای وزیرپست‌و تلگراف فرمودند موافقم واضح‌است این‌قضیه بقضیه قیاساتها معما است لکن این حسن روابط اگرنسبت بیکی زیادتر با شد ضرر ندارد ودلیل نظر سوء نسبت بدیگران نیست حالا اگر هیئت‌دولت قبول میفرمائید متشکرم و الا مختارید وعرضی ندارم

رئیس — گمان میکنم آقایان قدری خسته شده‌اند اگر چند دقیقه تنفس شود بدنباشد (جمعی گفتند‌صحیح است دراین‌موقع عموم‌نمایندگان خارج و پس از بیست دقیقـه مجـدداً مجلس تشکیـل گردید .

رئیس — آقای مشیرالدوله اجازه نطق

مشیرالدوله — بنده تصور می کنم بامذاکراتی که دراطراف پر گرام هیئت دولت در موضوع سیاست خارجه شد هیئت محترم دولت کاملا از نیات مجلس شورای ملی مطلع شدند وفی الواقع آن مذاکرات شرح ماده اول بود دراین صورت اگر آقایان موافقت داشته باشند پیشنهاد میکنم همان فورمولی که هیئت دولت پیشنهاد کرده اندازمجلس بگذرد

رئیس — مذاکرات دراین باب کافی است بعضی گفتند کافی است

رئیس — مذاکره درماده دوم است آقای امین الشریعه اجازه نطق

امین الشریعه — ماده ۲ در تکمیل قوای نظامی دولت است البته حفظ حیثیات دولت

رئیس — اجازه می دهید چون ماده دوم شروح ترازاین است که می فرمائید قرائت می شود آقای تدین ماده دوم را بمضمون ذیل قرائت نمودند تکمیل انتظامات قشون وقوای تأمینیه وجلب صاحبمنصبان معلم از دول غیرهم جوار

امین الشریعه — در این موضوع جای تردید نیست که حفظ حدود وثغور وبقای امنیه در مملکت منوط بتکمیل قوا وقشون است والبته وجوهی که باید خرج این قواشود مقدم است برجمیع مصارف دیگر وبرای احدی دراین باب تردید نیست وشرافتمندی این افراد هم برسایر کارکنان از این رهگذر است که اینها در حقیقت برای سایر طبقات ملت فداکارند اینست سایر طبقات ملت که مشغول کارند چه از بابت فلاحت یا تجارت یا صناعت درسایر فداکاری که شمشیر آنها است و البته آن حقوقی که بآنها داده می شود درواقع بمنزلهٔ خونبهای آنهاست و ملت آن قسمت ازمالیاتی را که می دهند وصرف این هیئت می شود ازتمام قسمتهای دیگر شگفته تر و باکمال خرسندی وشعف و رضایت مندی تادیه میکند برای اینکه امنیت او باقی باشد حافظ ناموس وجان ملت این طبقه هستند ازاین جهت است که خداوند رحمتی میفرماید فضل الله المجاهدین علی القاعدین ولی بنده دراین موضوع یك نظر مختصری دارم وعرض میکنم وآن این است که قشون ترکیب شود ازافراد ایرانی برای اینکه افراد ایرانی بلاشبهه دارای خون پاك، و گرم وسلحشورند هیچ وقت افراد ایرانی که درتحت سلاح می آیند بخیال تمرد و طغیان ازحکم دولت نیافتاده و نمیخواهند موجبات زحمت ملت خویش رافراهم سازند برای اینکه اولا هم ایرانیند وهم مسلمانند و بالاخره دارای عقاید حسنه بوده وحب مخصوص باین آب و خاك ووطن مألوف نیاکانی خود دارند چنانکه درموقع امتحان شجاعت خویش را بمنصه ظهور رسانیده ونشان داده اند همین ایرانی است که اگر در تحت ریاست صاحبمنصبان ایرانی وطنخواه سرداران عاقل کافی دلدار فداکار علاقه مند بوطن در آیند شمشیر و سلاحش برافلاك کار میکند و دینار از خون خویش نیلگون میکند تاریخ شهادت داده فضاوت میکند ونیز همین افراد است که متأسفانه اگر درتحت نظر صاحبمنصب یاسردار یا قائد غیر کافی درآیدهیچ مصاف ورزمی را ازعهده فاتحیت ومظفریت برنیامده و همواره مقهور ومنکوب خواهد بود شاهداین موضوع هم در تواریخ بسیاراست لازم نیست بنده دراین جا شرح دهم پس مسلم است که این افراد مسلمان ایرانی را به شاهراه مقصود هدایت کردن وبالاخره بکارانداختن وازآنان نتیجه گرفتن منوط و مربوط بنظریات قایدین و صاحبمنصبان است این است که در این جا هیئت محترم دولت باید درانتخاب و برگزیدن صاحبمنصبان صالح و سرداران صحیح العمل وطنخواه توجه خاصی مبذول فرمایند یك نظر هم

باخراج اشخاص فاسد متمرد که علاقمند بحفظ استقلال مملکت نیستند و اسباب زحمت برای ملت درست می کنند در اصقاع و زوایای مملکت پراکنده و خموده اند و هرروز فسادی ایجاد می کنند بنمایند وبعداز این باید تشکیلات قشونی را اساسی قرارداده و صاحب منصبانی انتخاب کنند که سابقه ازاین تنظیمات کامل داشته باشد و دیگر از قبیل محمد تقی خان هادر خراسان و یساو رملی قلی خان ها در فارس احداث نشود

دوم راجع باستخدام معلمین خارجی است که بنده بااین موضوع موافقم البته قشون ما تعلیمات صحیحه لازم دارد وباید معلمین خارجی را جلب کنیم ولی این مطلب را باید متذکر شد که در موقع جلب باید این موضوع مهم را در نظر داشته باشند که اشخاصی را که جلب می کنند بسمت معلمی جلب کنند نه بسمت صاحب اختیاری نه بسمت فرمانفرمائی نه بسمت فرمانفرما بودن و صاحب مطلق ومالك الرقاب تام بودن بدرجه که دولت حساب از آنها بخواهد پس ندهند این نمی شود مگر اینکه اشخاصی را که جلب میکنند ازدول غیرهم جوار بایك تصمیماتی باشد که دولت متبوع آنها درصحت عمل آنها داده باشد ودرخاتمه عرض میکنم که این قوای مهم که بقیمت حیوة ملت ارزش دارد تکمیل وبازبر میگردد بحفظ عایدات ومالیه کشور که حرف خود آنها میشود چنانکه ازیطر کبیر سؤال کردند که بچه وسیله موفق شدی بتکمیل قشون و اصلاحات مملکتی میگوید بوسیله حفظ عایدات از حیف ومیل شدن وصرف کردن آنها بمصارف مملکتی بنابراین باید نظر عمده دولت بحفظ عایدات و تعدیل بودجه مملکت باشد

رئیس — آقای مدرس اجازه نطق

مدرس — ماده دوم دوجزء دارد جزء اول تکمیل انتظامات قشون وقوای تأمینیه است اگر چه داخل اصل کیفیت نشده ولی آقایان خاطرشان است دردوره سابق عقیده من و بعضی از آقایان براین بود قشونی که ایران در این مدت داشته است قشون اساسی نبوده بواسطه اینکه عمده قشون ایران قشونی بوده است که از شصت سال باینطرف تخمیناً بوده است و قشون بی نتیجه باشد و این قشون در حقیقت پیرشده کما اینکه در این اواخر استفاده از آنها کم می شد یك تشکیلاتی در این چند سال اخیر باسامی مختلفه ازقبیل قزاق بریگاد ژاندام و داوطلب وغیره داده اند عقیده من بر این است که دولت چون نظریات اصلاح و تاسیسات جدید دارد واز آقایان نمایندگان محترم هم اینطور حس میشود بنابراین باید لایحه ای دراین موضوع ترتیب داد و شروع بگرفتن قشون عمومی نمود وزیاده بر این دراینموضوع صحبت نمی کنم ومزاحم نمی شوم فقره اول ودوم این ماده استخدام صاحب منصبان ازدول غیرهم جوار است شاید بنظر بعضی میآید که این بیان ازمن خیلی بی مناسب است ولکن عرض می کنم ودولت رادراین نظر تقدیس می کنم کما ملت ایران را اینطور معرفی می کند که ما رصدد ترقی هستیم در ماده چهارم هم نظیر همین مطلب است که جلب متخصصین برای اصلاحات مالیه ذکر شده این مطلب را هم تقدیس می کنم ولی خیلی تاسف دارم که درماده سوم متعلق بوزارت فوائد عامه است این نکته را قید نکرده اند در صورتیکه این سه ماده همه باید دارای این قید باشد بلکه در ماده سوم الزم است وجلب مهندسین ومتخصصین فنی و غیرفنی برای فوائد عامه خیلی لازم است البته جاهل باید علم رادرهر کجا که هست جلب کند

(گفته شد صحیح است) خصوصاً وظیفه اهل ایران وهجم همیشه براین بوده است ودراخبار هم ذکر شده است که اگر درآسمان هم علمی باشد آنها جلب نمایند این ازصفات خاصه ایرانیها است که هرجای دنیا هر علمی هست جلب می کنند بواسطه اینکه این علوم متعلق ببعاش وزندگانی است اگر انشاءالله الرحمن دولت همین قسمی که درپروگرام ایشان نوشته اند عمل کنند نه یکی نه دو تا نه صد تا بلکه هزار نفر عالم هم ازاطراف دنیا بجهة هرفنی وصنعتی جلب و باز تکرار می کنم و تذکارمی دهم خصوص در ماده سوم فراموش نشود که اهمیتش ازهمه زیادتر است بلی فقط این پروگرام دو ماده است که جلب متخصص نمی خواهد یکی ماده اول است که مذاکره شد یکی هم درماده بعد که اصلاح قوه قضائیه باشد که جلب متخصص لازم ندارد ولی در این سه ماده دیگر از اهم امور است که من دولت را تشویق می کنم به یك ودوصد نفر اکتفا ننمایند بلکه درهر کجای دنیا معلمین ومتخصصین هستند (حالا بواسطهٔ مصالحی از دول همجوار اقتضا ندارد) ازدول غیرهمجوار جلب کنند اما این شرطهائی را که می کنیم باید عمل کنند و تا امروز معلم و متخصص که در مملکت ما علم بیاورد نیامده است فقط یك یا رلمارسن آمد دراین مملکت یك قدم برداشت که اتفاقاً اسباب روسفیدی مملکتش شد اگرچه بعضی آمدند وروسفیدی را مبدل بروسیاهی کردند دیگری شوستر بود آنهم چهار روزی آمد و یك قدمی در این مملکت برداشت بمشکلاتی بر خورد وموفق نشد والا دیگر ندیدیم که یك مستشار یا متخصص بیاید و اصلاح نماید اگرهم بود شاید من نمی دانم (از گمرك که اطلاع ندارم)

اینها آمدند از آن ساعت اول خواستند قادر علی الاطلاق شوند من مخالف با مستشار صاحب اختیار هستم من می گویم دولت استخدام معلم بکند هم از برای فوائد عامه هم از برای مالیه وهم از برای نظام معلم یا نوکر که تعلیم بدهد آنهم نه مانند مستشاران و معلمین که ده سال پنج سال آنها را استخدام بکنند ودور یك اداره بیایند خدمت بکنند وقتیکه می خواهند بروند آن اداره مثل اول است و یك نفر را تربیت نکرده

این ترتیب ضررهای دیگری دارد و آن این است که عامل را معرفی می کنند باینکه اینها هیچ نمی فهمند مارا استخدام می کنند بجهت معلمی و هیچ کسی را تعلیم نمی دهیم پس از ۵ سال ۱۰ سال می رویم آنوقت یکی دیگررا می آورند آنچه را شنیدیم در نظمیه یك نفر را تربیت کردند و آن استوار بود آنرا تربیت کردند بیك مقامی رسید لکن تربیتش بآخر نرسید و الا درهیچ اداره این مستخدمین و مستشاران کسی را تربیت نکردند بلکه شب وروز در صدد بر آمدند که اختیار تام بگیرند ملخص عرض بنده این است که بااختیار دادن به مستخدمین خارجه من مخالف هستم فقط با معلمین متخصص آن کسی که صاحب صنعت فنی باشد موافقم که آن را باین ترتیب استخدام کنند که دولت کنترلش را بمجلس بیاورد و آن معلم وقتی بیاید بفهمد که آمده دو یا سه چهار سال یك اشخاصی را تعلیم و تربیت کند بناء علیهذا این مستخدمین خارجی که اکنون داریم که بعنوان مستشاری یا بعنوان دیگر استخدام شده اند بااختیاراتی که بآنها داده شده بنده نهایت متأسف هستم که درصورتی که همان ایل زعفرانلو وهمان ایل شاملو که این همه فداکاری وخدمت گذاری کردند اسامی آنها رمز کز اسباب ملعبه میشود همین تشکررا هم ازقشونی که مأمور ومشغول رفع کردن غائله کیلان هستند می نمایم یعنی همان لانه زنبوری که شش هفت سال است درتحت تأثیر پول اجنبی اداره میشود وخواسته است این یك قسمت رااز مملکت مجزی نماید واکنون تأثیر سرنیزه های قشون ما دارد بانها سرایت میکند وامید وارم بزودی گیلان هم یك قسمت مستقل و ملحق بایران یعنی یك قسمت پاك شده وخالی شدن ازماجراجوها بشود

رئیس — آقای اقبال السلطان (اجازه نطق)

اقبال السلطان — آقای مدرس درضمن بیانات خودشان فرمودند که مستشار انی را که ما دراین جلب کردیم نتوانستند شاگردانی را بپرورانند که بعد از آنها بتوانند قائمقام آنها باشند بعقیده بنده مستشارانی را که برای ایران آورده اند که بانها مجال داده اند که کار بکنند مستشاران پست وگمرك بوده اند واین مستشاران شاگردان خوب هم پرورانده اند من جمله آقای میرزا محمدعلیخان فرزین هستند که یکی ازاجزاء گمرك بوده اند واکنون هم خزانه دار کل مملکت ایران هستند

سردارمعظم — بیخود

اقبال السلطان — در اداره پست هم اجزائی هستند که میتوانند امروزه اداره پست را در کمال خوبی اداره نمایند

رئیس — درماده دوم مذاکرات را آقایان کافی میدانند (بعضی گفتند کافی است)

رئیس — ماده سوم آقای امین الشریعه اجازه نطق

امین الشریعه — این ماده سوم بعقیده بنده ماده ۱ بمواد واصل الحیات است واگر بمقام عمل و اجرا بیاید مملکت مارا صاحب ثروت وافتخار علوم و تمدن وهمه چیز خواهد کرد چون در ضمن کلیات مذاکره شد که باید مواد پر گرام دولت مرام نباشد جلب متخصص قشونی عرض کنم باهمان رابطی که آقای مدرس فرمودند والبته نمی خواهم ازاین اظهار خود - داری کنم وباید اظهار تشکر کرد از وزیر جنگ حالیه که قشون مارا جنگجوتر وسلحشورتر وبهتر ازادوار سابقه نموده است واین یکی از خدمات شایانی است که وزیر جنگ نسبت بقشون ابراز نموده اند وبهترین دلائل برای اثبات این مطلب موفقیت هائی است که قشون ماحالا دارد حاصل می نماید من درجلسه گذاشته نمی خواستم اظهار امتنان کنم راجع برفع غائله خراسان ولی فراموش کردم درضمن این تشکر اظهار امتنان و تقدیر ازیك قسمت قشون محلی خراسان می نمایم که دررفع غائله خراسان ابراز نهایت درجه فداکاری را کرده اند وبالاخره بدون اینکه بگذارند قوای دولتی حرکت کند وبانجا برسد خود آنها بواسطه جمعیت و غیرت و بواسطه اینکه میدانستند خراسان جزء لاینجزای ایران است وهمیشه ملحق وملصق بایران باشد برضد ماجراجوها کوشیدند وبقوه خودشان آنها را قلع وقمع کردند واین اقدام ازطرف سرکردگان خراسان شایان تقدیر است ولی بنده نهایت متأسف هستم که درصورتی که همان ایل زعفرانلو وهمان ایل شاملو که این همه فداکاری وخدمت گذاری کردند اسامی آنها رمز کز اسباب ملعبه میشود همین تشکررا هم ازقشونی که مأمور ومشغول رفع کردن غائله کیلان هستند می نمایم یعنی همان لانه زنبوری که شش هفت سال است درتحت تأثیر پول اجنبی اداره میشود وخواسته است این یك قسمت رااز مملکت مجزی نماید واکنون تأثیر سرنیزه های قشون ما دارد بانها سرایت میکند وامید وارم بزودی گیلان هم یك قسمت مستقل و ملحق بایران یعنی یك قسمت پاك شده وخالی شدن ازماجراجوها بشود

رئیس — آقای اقبال السلطان (اجازه نطق)

اقبال السلطان — آقای مدرس درضمن بیانات خودشان فرمودند که مستشار انی را که ما دراین جلب کردیم نتوانستند شاگردانی را بپرورانند که بعد از آنها بتوانند قائمقام آنها باشند بعقیده بنده مستشارانی را که برای ایران آورده اند که بانها مجال داده اند که کار بکنند مستشاران پست وگمرك بوده اند واین مستشاران شاگردان خوب هم پرورانده اند من جمله آقای میرزا محمدعلیخان فرزین هستند که یکی ازاجزاء گمرك بوده اند واکنون هم خزانه دار کل مملکت ایران هستند

سردارمعظم — بیخود

اقبال السلطان — در اداره پست هم اجزائی هستند که میتوانند امروزه اداره پست را در کمال خوبی اداره نمایند

رئیس — درماده دوم مذاکرات را آقایان کافی میدانند (بعضی گفتند کافی است)

رئیس — ماده سوم آقای امین الشریعه اجازه نطق

امین الشریعه — این ماده سوم بعقیده بنده ماده ۱ بمواد واصل الحیات است واگر بمقام عمل و اجرا بیاید مملکت مارا صاحب ثروت وافتخار علوم و تمدن وهمه چیز خواهد کرد چون در ضمن کلیات مذاکره شد که باید مواد پر گرام دولت مرام نباشد بنده عرض میکنم مرام وقتی است که بخواهیم اجراء کنیم والا هیچ امری درپیش همت رجال مرام نخواهد بود دیگران هم که کردند قبلا مثل ما بودند خواستند وکردند بلی وقتی لفظی باشد وگرد عمل نگردیم مرام است والا درپیش همت رجال هیچ چیز اهمیت ندارد که بمرام وآرزو بماند چنانکه نظامش را در روی کره ارض دیده ایم واگر گفته شود که سایرین وسائل عمل را داشتند ومانداریم نقل کلام بسوی اصول می شود آنوقتی که آنها نداشتند وشروع کردند شاید حالیه خیلی ما هم خیلی ازحالات اولیه آنها روشن تر وبهتر باشد پس مرام دانستن حرفی است لغو مگر آنچه را که گفتیم نخواهیم بکنیم آنوقت مرام میشود یعنی نمیخواهیم بکنیم اگر بخواهیم میشود ولی موضوع این ماده یك موضوعی است که اگر حقیقتاً بمجری نیاید ما راهر گونه خیالی که درماده دیگر نوشته اند ازقبیل تکثیر عایدات وتقلیل مخارج بی ثبات خواهد داشت مقام قدرت وثروت واستقلال مملکت را بجائی خواهد رسانید که بتحقیق میتوانم بگویم که از این عایدات فعلی میتوان صرفنظر نمود درجلب آن گنج های بی منتهائی که درذیل این ماده خوابیده از باب علم وبصیرت میدانند که عایدات فعلی بمنزله صفراست فقط بیك مثل کفایت میکنم وخاتمه میدهم یك مورد ازمواردآن که درزمان ناصرالدین شاه مرحوم واقع شد نفط جنوب بود که امتیاز آنرا دادند با اینکه شاید حفظ منافع ایران درآنوقت کماکان نشده و حالا چه فوائدی داردو امروزه عایدات مستقیم وغیر مستقیم که بجمع دولت وارد میشود تقریباً چهل کرور است ولیکن این را هم باید ملاحظه کرد که این مالیاتهائی که باین مقدار رسیده از ابتدا چه مقدار افزوده شده وچقدر مملکت را درزحمت انداخته اند که اغلب مردمی که بمدارس میروند وقتی بیرون میآیند متوجه اند یك قسمت ازاین عایدات را بباد میدهند دراینصورت این عایدات مکفی بخرج آنها نخواهد بود

ولی امساله درهمان موضوع نفت جنوب شنیده ام تقریباً ۱۲ کروریاده کرور بایران میرسد در اینصورت اگر بتوسط متخصصین فنی که ازخارجه جلب میکنند این ماده بموقع اجرا بیاید و تاسیس شرکتهای بین المللی و داخلی وخارجی بشود

البته مدارج نجات مملکت را درآنوقت طبی خواهم کرد و عقیده بنده بر این است که اهم مواد و اهم این ۹ ماده و موجب اجرای جمع مواد اقدامات دراین ماده است وزیاد براین عرضی ندارم

رئیس — دیگر کسی اجازه نطق نخواسته است معلوم میشود مذاکرات در این ماده کافی است در ماده چهارم آقای شیخ الاسلام مخالف هستند

شیخ الاسلام نماینده اصفهان — بار در پروگرام هیئت معظم دولت در ماده چهارم مرقوم شده است جلب متخصصین از دول غیر همجوار دیروز وامروز وفردا سیاست ایران راجع بمتخصصین یا مستشار که این دو لفظ بعقیدهٔ بنده بالنتیجه درمملکت ما یك معنی خواهند داشت فرق میکند دیروز خیال می شد نافع

است امروز خیال نمیشود و فردا را نمیدانیم دیروز جلب متخصصین یا مستشار خارجی موجباتی داشت از یك طرف در تمام کله ها فرو برده بودند که ایرانی وحشی وسایرین متمدن‌هستند ایرانی جاهل وسایرین عالم هستند ایرانی غیر امین و سایرین امین هستند این حرفها را همه میزدند و شاید بسیاری از ایرانی های منورالفکر هم خیال صحت‌میکردند از یك‌طرف اگر از صد نفر ایرانی می پرسیدند مستشار یا متخصص یعنی چه از نود وپنج نفر جواب می‌شنیدیم یعنی معلم یعنی راهنما یعنی‌دست نشانده یعنی‌مستخدم یعنی مزدور از طرف دیگر چنان ایرانی از دست رفتار سوء اداره کنندگان سوء بتنك آمده بودند و خیال میکردند این از ما بهتران باندك فرصتی ادارات این مملکت را رشك گلشن خواهند نمود و این موجبات منقضی شد و ملت ساکت شد و وکلا باشتباه جلب مستشاران خارجی‌را بحدود معین‌تصدیق نمودند دولت علیه آنها را دعوت نمود امروز این موجبات از پیش رفته است ایرانی خودش را وحشی نمیداند طاس از بام افتاده و صدای آن تمام عالم‌را پر کرد ودنیارا تکان داد امروز ایرانی نسبت باداره کردن ادارات مملکت خود خود را جاهل ودیگران را عالم نمیداند همه دیدیم که این عزیزان با جهت در اداراتی که دست یافتند چه کردند چه هرج ومرج ها تولید کردند چه فتنه ها برپا کردند چه میز و صندلیهای بی فائده قطار کردند چه پولهائی خرج کردند چه مبالغ هنگفتی بردند چقدر از جوانان ایرانی را فاسد الاخلاق کردند میرزای ایرانی به پانزده قران الی پنج تومان قانع بود این ها به ایرانیها تمتع هزارو پنجهزاو و ده هزار بلکه صد هزار تومان باو دادند درچند سال قبل بنده درتهران بودم بعضی اشخاص که در جریانات اداری بودند می گفتند امسال مرنارد بلژیکی مستشار مالیه سی‌هزارقران کاغذ مگسی برای‌ادارات مالیه مرکز خریده است امروز بچه‌های ایرانی هم فهمیده اند که مستشاران خارجی‌یعنی‌مالك‌الرقابانی مطلق‌یعنی فعالان مایشاء یعنی دستهای خارجی یعنی‌آشوب‌طلبان برضد مملکت بالاخره یعنی کسانی که ریشه استقلال مارا کنده دم‌آب میدهند واسم مارا‌ازصفحه روزگار برمی‌اندازند امروز ملت ایران باداره کنندگان سوء سابق راضی شده منتهای‌آمال اواین‌است که این‌دفتر هرج ومرج واین بساط انحطاط‌برچیده شود وبحالت اولیه خود بر گردد و امروز روح ایرانیت از جلب مستخدمین خارجه بی زار است بایدهم بی‌زار باشد ایرانی مسلمان است درزمان خلافت عمر ابن‌الخطاب رضی‌الله‌عنه ابوموسی اشعری والی مصر بودیك نفر نصرانی رادرمالیه استخدام نمود جزیه خارجه رسید درآن‌زمان پیش خلیفه ووالی

رئیس - آقاا کثریت‌نیست‌قدری تأمل بفرمائید تابعضی ازآقایان که خارج شده‌اند حاضرشوند

پس‌ازچند ثانیه‌بعضی ازنمایندگان حاضرشدند

رئیس — بفرمائید

شیخ‌الاسلام - چهاروپنج مراسله رد و بدل شد خلیفه بابوموسی نوشت نصرانی‌راازمالیه مسلمین خارج کن ابوموسی جواب‌نوشت‌این‌نصرانی‌اجرت کم میگیرد کارزیاد میکند امین است چه‌میکندچه میکند عاقبت خلیفه نوشت مات‌النصرانی ای ابوموسی‌دست ازجانم بردار من نمیگذارم نصرانی درمالیه مسلمین مستخدم باشد فرض کن امشب نصرانی مرد فردا چه خواهی کرد آنکاررا امروز بکن خلاصه‌اینکه امروز ایرانی‌میتواندادارات کنونی‌مملکت‌خودرا اداره کند بشرط‌آدم‌برای کارپیدا کردن‌نه کاربرای‌آدم‌پیدا کردن‌نه اینکه‌مهندس نمرداول‌ایرانی‌رئیس‌سطل‌سازهای بلدیه باشد ومدعی‌العموم استیناف یك ایالت در یك کاغذ دولتی بنویسد امروز اعضای عدلیه گرفت کرده اند وامضاه را باظاء (مؤلف) بنویسد ایران‌ابنای‌عالم دارد نهایت وسائل ممکنه که موجب دخول درادارات است دردست آنها نیست البته باین آنها را از کنج انزوا خارج کرد بکار وادار نمود از وجود آن ها استفاده کرد امروز بعقیده بنده داخل شدن یکنفر اروپائی در ادارات ایران سم مهلك است جوانها را بفرستند فرنك تحصیل کنند یا معلم بیاورند بجوانها تعلیم بدهند سه سال پنجسال ده سال طول بکشد برای عمر یك ملتی زیاد نیست عرایض بنده فعلا یك مؤید قوی دارد سال گذشته زیراین آسمان احدی‌باور نمیکرد که‌یك‌جوان ایرانی پیدا شود بفاصله هفت‌ماه‌طوری قشون ایران را ترقی بدهد که عملیات چهل ساله صاحب‌منصبان اروپائی را که ملیونها پول ازاین مملکت برده‌اند‌محو ونابود کند امیدوارهستم که تا دو ماه دیگر هم یك مؤید قوی دیگری‌هم پیدا نمایم وامیدوارم که حضرت اشرف آقای مصدق السلطنه هم در یك آتیه خیلی نزدیکی عملیاتی درمالیه بفرمایند که عقلها را حیران کند روح مملکت داری واستقلال هم در همین دو وزارت خانه است درخاتمه اگرخارج ازموضوع‌نبود عرض میکردم که ما درمملکت یك فوج نیم خارجه بدتر ازخارجه هم داریم که ارامنه هستند

رئیس — اغلب ازفرمایشات جنابعالی خارج ازموضوع بود این قسمت اخیربیشتر ازهمه خارج‌از موضوع بود.

رئیس‌الوزراء — بنده با اینکه اساساً معتقد هستم که درادارات ایرانی‌بایستی ایرانی ترتیب بشود وکاربکنند ولی با اظهارات جناب شیخ‌الاسلام کاملا مخالف‌هستم ولازم میدانم گفته شود این‌عقیده شخصی خودشان است عقیدهٔ وکلای محترم مجلس شورای‌ملی نیست (صحیح است) وبازمیگویم که‌ایشان بقدر من از امورات مملکت مطلع نیستند وبا اینکه تصدیق دارم که بایستی مستخدمین ادارات ایران ایرانی باشند ولی برای این موقع استخدام‌مستخدمین خارجی را همانطوری که مذاکره شد لازم میدانم و امیدوار هستم که‌این مذاکراتی که آقای شیخ‌الاسلام فرمودند تکرار نشود که مانع ازاجرای نظریات‌دولت خواهد بود.

رئیس- آقای سردار معظم اجازه نطق

سردارمعظم- بنده اظهارات خود را شروع میکنم ازعدم موافقت یاخاتمه بیان آقای شیخ‌الاسلام ایشان یك عبارتی فرمودند نسبت بارامنه که مستخدم ادارات دولتی ایران هستند ارامنه اتباع ایران که در خاك‌ایران‌هستند‌همه‌از نقطه نظر ایرانیت باما‌مساوی هستند وما مکلف هستیم که هرقدر نسبت بایرانیهای خدمتگذار قدر دانی میکنیم نسبت‌بارامنه حق‌شناسی وحق گذاری کنیم و نظریه نژادی نداشته باشیم و با فرمایشات آقای شیخ‌الاسلام راجع به‌جلب مستشاران خارجی مخالفم آقای شیخ‌الاسلام بالاخره چه دلائلی برای بدی جلب مستخدمین خارجی اقامه فرمودند بلی نسبت به بدی مستخدمین گذشته من هم معتقدم آن دقتی که لازم بوده است بعمل نیاورده اند و وظایف خودرا نسبت باین مملکت انجام نداده اند و تا درجه که لازم بوده است هم خود را برای اصلاح این مملکت مصروف ننمودند ولی باید تصدیق بفرمائید که بدی اشخاص وظیفه ناشناس نمی تواند یك اصل ثابتی را متزلزل کند ما امروز باید باین حقیقت معترف باشیم و این حقیقت را بیشتر از سایرین بگوئیم که ایرانی باید زندگانی خودش رابازندگانی‌سایر ممالك دنیاتطبیق کندایرانی ازهمان اصلاحاتی که‌در تمام دنیا معمول است بایداستفاده کرده وبهره‌مند بشود مااگراعتراف کنیم که‌ازنقطه‌نظر اطلاعات فنی و ادارات اطلاعات مابدرجه‌خارجی‌ها نرسیده است نقصی‌برما وارد نیست زیرایك وقتی‌هم‌بوده است که اطلاعات آنهانسبت به‌ماناقص بوده و همان طور که آنها آنوقت کسب اطلاعات ازما مینمودند ماهم باید مستخدمین خارجی‌را جلب بنمائیم منتهی باشرایط معینه نه‌تنها برای مالیه بلکه‌برای‌تمام ادارات دولتی من‌آنروزرا منتهی‌خوش بختی خودمان‌وسعادت مملکت‌میدانم که تمام ادارات مابدست متخصصین‌فنی‌اداره‌شود منتهی مستثنیاتی هم دارد که آقای مدرس فرمودند باستثنای آنها تمام ادارات ماباید بدست مستخدمین فنی اصلاح شودلکن شرایطی دارد شرط اول‌این‌است که کلیه مستخدمینی که‌ما استخدام می کنیم بایداز دول غیرهم‌جوار باشد زیرا اگرازدول‌غیرهم‌جوار نباشد ممکن‌است‌اطلاعات فنی‌آنها بانظریات سیاسی مخلوط شود و مستخدمین وسیله اعمال نفوذ سیاسی بشوندوآن مقصودی که‌ما درنظرداریم فوت‌بشودازاین نقطه نظر است که‌همیشه گفته و بازهم میگویم که‌برای کلیه ادارات دولتی مستخدمین خارجی لازم است ومجلس‌شورای ملی هم اگر‌بالاتفاق موافقت نکنند درهرصورت یك اکثریت قریب‌باتفاقی با این مسئله موافقت خواهند نمود ولی شرط اولش این است که این مستخدم از دول غیر هم‌جوار باشد شرط دیگراین است که در انتخاب مستخدمین بیشتر دقت‌شود ومتأسفانه مجبورم اعتراف کنم درسابق اشخاصی بودند که لیاقت آن مقام را نداشتند و شاید علت این‌باشد که از طرف مأمورین خودمان یاازطرف خودآنها دقت کاملی که‌بایدبشود نمی‌شود وآنها اطلاعات کاملی در مملکت خودشان نداشتند والبته اینطور اشخاص قادرنخواهند بودکه موفق‌باصلاح ادارات مابشوند این‌بود نظر بنده‌نسبت

بمستخدمین وضمناً به‌آقای شیخ‌الاسلام تذکرمیدهم که در همان موقعی که با جلب مستخدمین خارجی اظهارموافقت می‌نمایم عرض میکنم درمیان ایرانی‌ها‌هم اشخاص‌کافی ولایق هم وجود است والبته وظیفه‌مجلس شورای‌ملی ووظیفه دولت‌است که ازاین قبیل‌اشخاص‌استفاده کنندزیرا ایرانیهادارای ذوق‌سلیم واستعداد کافی می‌باشندایرانیهاخیلی‌زودحقایق‌رادرك می کنندوممکن‌است‌درمدت‌قلیلی‌قائم‌مقام‌آن‌معلمین‌بشوند معهذا داشتن‌این عناصرلایق مارامستغنی از داشتن معلمین فنی‌نمی کند بلکه درهمان ضمن که مستخدمین خارجی‌راجلب‌می کنیم بایدیك عده از ایرانیهاراهم برای‌تحصیل بخارجه بفرستیم این‌دومطلب بایدباهم توأم شودتادریك مدت‌قلیلی ما ازوجود مستخدمین خارجی مستغنی بشویم وجای‌آنهارا باشخاص که در خارج تحصیل کرده‌اند یادر ایران زیردست معلمین کسب اطلاع کرده‌اند واگذاربنمائیم ولی‌خودمن‌یك نظریات دیگر درباب ماده‌چهارم داشتم که مجبورم بطور اختصارعرض کنم ماده‌چهارم حاکی ازاصلاحات مالیه‌ما‌است یعنی‌شعبه که‌بیشتر‌ازسایرشعب محتاج‌باصلاح است ازاین‌نقطه‌نظر بنده‌تصورمیکنم ماده‌چهارم‌قدری مبهم‌باشد نمی گوییم کااین‌ماده‌راهیئت‌دولت‌تغییربدهد ولی‌میخواهم باتوضیحاتی که هیئت دولت‌میدهدنظریه دولت مشخص‌شود اگرمااین ماده‌را تجزیه‌بکنیم می‌بینیم به‌فقرات ذیل تقسیم میشود

اول — حذف وتقلیل مخارج

دوم — تکثیر عایدات .

سوم — تعادل دخل وخرج

چهارم — وصول بقایا

پنجم — اصلاحات ادارات‌مالیه

ششم — جلب‌متخصصین از دول‌غیر هم‌جوار

بنده تصور میکنم دولت‌بانوشتن‌فقرات‌مز کوره وقابل بیك‌تقدم وتأخر منطقی‌تری موافق‌باشد یعني طوری بایدنوشت که یکی‌نتیجه دیگری‌شود یعنی بایدجلب متخصصین برسایرفقرات مقدم نوشته شود زیرا‌تمام‌آنها بایدبدست متخصصین اجراشود به‌عقیده من خارج‌ازموادی که ذکرشده برای‌اصلاحات‌مالیه‌یك چیزازهمه‌اهمیتش بیشتراست‌بایدبگوئیم که‌مالیه‌ما چرا خراب‌است واقعاً عایدات‌ما کم است‌یا مخارج‌ضروری زیاداست واقعاً ملت ایران زیربارمالیات دادن نمیرود مصدقانه‌باید گفت اینطور نیست‌فقط قسمت‌اعظم‌خرابی مالیه‌ما بواسطه‌تفریط شدن‌عایدات است هردولتی‌قبل ازهمه چیزباید موفق بجلوگیری ازتفریط عایدات شود بچه وسیله میشود ازتفریط جلو گیری کرد البته باحسن اداره ممکن‌است از این تفریط‌کاریها جلوگیری نمود ولی‌یك اقدام‌دیگری که‌مقدم است‌مجازات تفریط کننده است‌تا وقتی‌دولت معتقد بمجازات نباشد ومابین کسی که دزدی میکند و کسی که‌بصحت رفتار میکند فرق نگذارد هیچ قوه بشری قادرنیست مالیه مملکت‌را اصلاح کندبرای اینکه‌مالیه منظم شود باید دست دزدهارا ازآنجا ببریدیا بطور جسمانی‌یا بطور روحانی باید درمالیه حساب و کتاب‌باشد بایدهرمأمور مالیه‌بهرجا میرود‌این اصل‌نزد اومحرز باشد واین یك کاربتولی‌نیست که‌باوواگذارمیشود اورا برای تعدی و غارتگری نمیفرستند که تعدی باهالی مظلوم ایران نکندواقعاً ازنجابت وبردباری ملت این متعجبم و تصورمیکنم نجیب‌ترین وبرد بارترین وصبور ترین ملتها در دنیا ملت ایران باشد پس باید ازیك همچو مأموری که‌فقط وجهه‌خودرا برای‌تفریط کردن دارائی مملکت ومردم قرارمیدهد جلوگیری کردتا وقتی که جلوگیری‌نکنندتا وقتی که‌معتقد بمجازات‌نباشدادارات اصلاح نمیشودبنده بیاناتی که‌میکنم ازنقطه‌نظر‌توضیح مطلب‌است والا هیچ مخالفت‌نظری بین بنده وهیئت محترم دولت‌نیست ومایلم بعدازمن آقای وزیرمالیه باین کرسی‌خطابه‌بیایند ودراین مطالب توضیحاتی که شدیدالحن باشد بدهند مسئله‌دوم که دراینجا ذکر میشود راجع بمتخصصین است وچون مخالفت‌خودمرا با آقای‌شیخ‌الاسلام عرض کردم دیگرتکرار نمی کنم قدم دوم برای‌اصلاح مالیه‌ایران این‌است که‌دولت بدون فوت وقت عده‌کافی متخصص برای اصلاحات ادارات مرکزی وولایات ازخارج جلب کند ومطمئن‌هم‌باشد که‌از طرف مجلس شورایملی مساعدت‌کامل با دولت خواهدشد درضمن اصلاح مالیه یك مسئله هم هست که میخواهیم توضیح‌بدهیم اینجا نوشته‌شده است‌حذف و تقلیل‌مخارج اگراین‌حذف وتقلیل‌مخارج ازنقطه نظر کم نمودن‌حقوق باشدبنده مخالفم ومعتقد باین مطلب هستم که‌با حقوق کم نمیتوان متوقع کارخوب شد بنده میگویم بایدازعده‌کاست ادارات زیادی‌را حذف کرد ولی آن‌عده که‌باقی‌میماند‌باید بآنهاحقوق کافی‌داد زیرا مستخدم‌دولتی که‌زندگانی‌اورا دولت‌تأمین میکند حق ندارد ازبرای ازدیادعایدات خود بمنافع دیگرمتوسل شود وتوسل بمنافع دیگرمتدرجاً درروی این سرازیری لغزان ودرتحت تأثیراحتیاج زندگانی‌بالاخره منجربتوسل‌منافع غیرمشروع خواهدشد پس اگرنظر دولت درحذف وتقلیل مخارج و کم کردن‌عده وحذف ادارات زیادی‌باشد بنده از کسانی هستم که‌با نهایت جدیت‌برای‌موافقت‌حاضرهستم‌ولی‌اگرنظردولت تقلیل حقوق‌باشد یعنی‌بگویند کلیه‌حقوق‌ادارات‌را بعوض‌یك تومان‌پنج قران بدهندبنده بااین شق ثانی‌مخالفم‌زیرا همین اسباب خواهدشدویك عده‌هم که دزدی‌نکرده‌اند درتحت تأثیر احتیاجات در این محیط دزد میشوند و بنده لازم‌میدانم دولت این مسئله را توضیح بدهد یك فقره‌دیگر راجع به‌تکثیر عایدات است این‌مسئله هم یکقدری محتاج بتوضیح می‌باشد. آیا بچه وسیله دولت میخواهد عایدات را زیاد کند من این اصلی‌را که درجامعه‌پیدا شده‌است که بنام تکثیرعایدات منافع و مصالح مردم محفوظ نماند منکر هستم.من میگویم تکثیر عایدات‌دولت‌لازم‌است ولی محفوظ بودن‌حقوق مردم هم لازم است بامحفوظ بودن‌حقوق ملت‌وتکثیر عایدات دولت من موافقم ولی باید جلوگیری از تفریط کاریهای‌فعلی بنمائیم مادام که موفق نشده‌ایم یك بودجه ثابت در مملکت تشکیل بدهیم . مادام که موفق نشده‌ایم پولهائی که از مردم ایران میگیریم بمصارف ضروریه خودش برسانیم. مادام که موفق نشده ایم بواسطه اصلاحات مالیه را از تفریط کاری های‌آن‌جلوگیری کنیم‌حق‌نداریم یك‌تحمیلات‌تازه‌بملت ایران بگذاریم و این تحمیلات اعم ازاینکه وضع مالیات جدید باشد یا استقراض از خارجی باصلاح نیست بلی اگر مقصود دولت از تکثیر عایدات جلوگیری از تفریطهای فعلی است و حذف ادارات بیفائده است وجلوگیری از مصارف زیادی است‌منهم با شما موافق خواهم بود بنده میتوانم بگویم که در این موضوع مترجم احساسات جمیع نمایندگان‌هستم ولی اگر مقصود از تکثیر عایدات توسل باستقراض های خارجی ووضع مالیات جدیدباشد خواهم گفت که ما اصلاً مایل نیستیم باری تازه بدوش ملت ایران بگذاریم(گفته شد صحیح‌است)خوب است بیائیم‌دست بدست یکدیگر بدهیم ودست دزدها را کوتاه کنیم‌از غارتگریهاجلوگیری‌بکنیم عواید فعلیه راجمع‌آوری کنیم و مطالبات دولت را وصول کنیم مخارج‌زیادی‌را حذف کنیم وبعد هم سعی کنیم بدون توسل بمنافع خارجی زندگانی کنیم وخودمان را بمضیقه و سختی نیاندازیم زیرا ما یك دولت فقیری هستیم‌ونمی‌توانیم مثل سایر دول‌آن تفننها را بکنیم ملت ایران پول تفنن نمیتواند بدهد یا باید فعلا مثل یك‌شخصی‌باشیم که بنان جوین خود امورات خودش را میگذراند ودست تکدی دراز نمی کند یا باید این عزم‌راداشته باشیم وپس‌ازاینکه‌این‌قدم ها را برداشتیم اگردیدیم منافع وعایدات ماکافی نیست آنوقت مجلس‌شورایملی حاضر خواهد بود بنام‌اصلاحات تحمیلات تازه‌بردوش ملت ایران بگذارد اگرغیر ازاین زمینه دولت رفتار کند آنوقت متاسفانه منجربه اختلاف نظر بین‌مجلس شورایملی و دولت خواهدشد

رئیس — مدتی از شب میگذرد اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بماند برای روز سه شنبه .

مدرس — بنده چند کلمه میخواهم عرض کنم که ناقض همین مذاکرات است

رئیس — روزسه‌شنبه‌بفرمائید آقایان‌مذاکرات راکافی میدانند جمعی گفتند‌کافی‌است

رئیس — آقای حاجی میرزا مرتضی نماینده کرمان راجع باوضاع کرمان سئوالی دارند قبلاوزیر داخله را مسبوق کردند یاخیر

حاج‌میرزامرتضی- خیر

رئیس- پس‌سئوال کنیداگرحاضرباشند جواب میدهند و الامی‌ماند برای‌جلسه‌دیگر

حاجی‌میرزا مرتضی- تعدیات فوق‌العاده روز افزون سردار اسعد مرا مجبور کرده است که بعضی‌سؤالات از دولت بکنم آیا هیئت محترم دولت از تجاوزات وتعدیات نامشروع سرداراسعد بختیاری مسبوق‌هستند یاخیر آیا از غارت گریهای‌اوخبردارند که در دهات واطراف کرمان‌چه‌میکنندآیا پولهای هنگفتی که بنام حق‌الحکومه وبنام راه داری و بنام رشوه از مردم میگیرد مسبوق هستند یا خیر عرض میکنم هرماهی‌سیزده الی چهارده هزار تومان‌بعنوان قرا سورانی وسوار ایالتی‌میگیرد در حالتی که تمام طرق وشوارع کرمان‌دستخوش اشرار وسارقین‌فارس است و هیچ قافله جرأت عبور ومرور نداردمعذالك هیئت دولت باز دو هزار تومان بر حقوق ایالتی

کرمان میافزید بااینکه همه روزه تلگرافهای شکایتی که از رفسنجان و سایر نقاط میرسد آیا دولت این حاکم ظالم جبار را از آنجا معزول میفرماید آیا وضع حکومت بختیاری بر آقایان پوشیده است که چه میکنند بختیاریها در هر کجا باشند تعدیات آنها چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد ممکن است هیئت محترم دولت این حکومت بختیاری را تغییر بدهد و یک حکومت غیربختیاری به آنجا بفرستد کرمانیها ازهر هرجا ملایم‌تر هستند هرچه دولت به آنها تحمیل کند می‌پذیرند پس خوب است هیئت محترم دولت یک حاکم غیربختیاری برای آنها بفرستد واگر هم به تقسیم باید به بختیاری حکومت بدهند خوب است به سایر قسمتهای دیگرهم بفرستند یعنی چندسال که در کرمان حکومت دارند یک چندسالی هم بسایر نقاط دیگر بفرستند تا از این فائده که به کرمانی‌ها میرسد بسایرین هم برسد از هیئت محترم دولت استدعا میکنم رفع مظالم این حاکم بختیاری را از کرمان بنمایند که بیش از این گرفتار تعدیات سردار اسعد بختیاری نباشند

رئیس — سؤال این نبود باید سؤال بکننده منتظر جواب باشنده

حاج‌میرزا مرتضی — اولا پولهائی را که حکومت باسم حق‌الحکومه میگیرد خاطر مبارک مسبوق است یا خیر

رئیس — عرض کردم بموجب نظامنامه ازحدود سؤال خارج شدید سؤال که کردید باید منتظر جواب باشید یا حالا جواب میدهند یا بجلسه دیگر

رئیس‌الوزراء — من از هیچیک از اظهاراتی که ایشان اظهار نمودند مسبوق نیستم و سردار اسعد راهم یکی از حکام صالح میدانم و تاحال هم هیچ شکایتی ازاو نرسیده بهتر این بود که اگر دلائلی راجع به مسائلی که اظهار کردند دارند بگویند و مدارکشان خودرا بنویسند تا رسیدگی شود والا تا این ساعت من شکایتی ازسردار اسعد نشنیده‌ام

رئیس — آقای رفعت‌الدوله میفرمایند که راجع بایشان رأی گرفته می‌شد و بعضی از آقایان مطلع نبودند که مقصود بنده چه چیز است و تقاضا کرده‌اند دوباره رأی گرفته شود حالا برای رفع اشتباه دفعه دیگر رأی میگیریم

حاج شیخ اسدالله — بفاصله نیم ساعت مجلس رأی داده چطور میشود رأی گرفت اگر آقایان خبر نداشتند چطور رأی دادند همه مسبوق بودند ورأی دادند اگر بنا شود بازرأی بدهند بنده برخلاف نظام‌نامه میدانم.

رئیس — چون بعضی از آقایان نمایندگان هم بایشان گفته‌اند اشتباه شده است میمانند برای جلسهٔ دیگر

آقا میرزا علی کازرونی — بلی برای بعضی اشتباه شده است

محمدهاشم میرزا — اگر اشتباه شده باشد مجلس هم تصدیق کند باور قه باید رأی بگیریم

رئیس — میماند برای جلسه بعد آقایان اعضاء کمیسیون خارجه ویست و تلگراف قبل از آنکه بمنازل خود تشریف ببرند جلسه تشکیل دهند و هیئت رئیسه خودشانرا معین فرمایند وجلسه بعد راهم معین فرمایند که فوریت دارد دستور جلسه سه‌شنبه دوساعت بغروب اولا بقیه مذاکرات در پرگرام هیئت محترم دولت ثانیاً تعیین اعضاء کمیسیون های قوانین مالیه و عدلیه کمیسیون قوانین مالیه دوازده نفر کمیسیون عدلیه هشت نفر ثانیاً تعیین یک نفر مباشر باین ترتیب مخالفتی نیست (مخالفتی نشد)

(مجلس ۳ ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۳۱
صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه بیست وپنجم میزان سنه ۱۳۰۰ مطابق شانزدهم صفر سنه ۱۳۴۰

مجلس مقارن غروب وتحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم‌شنبه ۲۳ میزان را آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - آقای مدرس (اجازه‌نطق)

مدرس — چون در وقت قرائت صورت مجلس آقای مشیرالدوله تشریف نداشته لهذا بنده عرض می کنم که آقای مشیرالدوله درموقعی فرمودند بماده اول همین قسمی که در پروگرام دولت نوشته شده رأی گرفته شد یک شرحی بیان فرمودند وبیانشان این بود که مذاکرات مجلس در مواد پروگرام حقیقتاً ضمن شرح ماده اول من وهیئت دولت نظریات و کلاء را بدست آوردند دیگر بغیر آن لازم نیست باین خصوصیات فرمودند بماده اول رأی گرفته شود درصورت مجلس این مسئله ذکر نشده است

رئیس - بسیار خوب همین مسئله درذیل صورت مجلس اضافه می شود غیرازاین دیگر عرض نیست

(اظهاری نشد)

صورت مجلس باین اصلاح تصویب می شود -

دستور امروز اولا بقیه مذاکرات در پروگرام هیئت محترم دولت

ثانیاً - انتخاب اعضاء کمیسیون قوانین مالیه و کمیسیون عدلیه

ثالثاً انتخاب یک نفر مباشر ولی یک مسئله دیگر که خیلی فوریت دارد ووقت آقایان رازیاد مشغول نخواهد کرد راپورتی است که در کمیسیون بودجه راجع بمهاجرین گیلان رسیده وطبع وتوزیع شده است اگر آقایان مخالف نباشند جزء دستور بشود (گفتند - صحیح است) آقای سردار معظم خراسانی (اجازه نطق .)

سردار معظم - بنده مقصودم همین نرمایشات حضرتعالی بود که میخواستم یاد آوری کنم راپورت کمیسیون بودجه جزء دستور امروز گذاشته شود چون مهاجرین گیلانی خیلی مستأصل و پریشان هستند .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - راجع بانتخاب یک نفر مباشر تصور میکنم که دیگر محل حاجت نباشد

رئیس - درموقع انتخاب بفرمائید حالا موقعش نیست .

حاج شیخ اسدالله - چون جزء دستور فرمودید عرض کردم

رئیس - هنوز باین موضوع نرسیده‌ایم راپورت کمیسیون طبع و توزیع شده است ونزد آقایان هست قرائت میشود و رای میگیریم

« آقای تدین ماده واحده را که از طرف کمیسیون بودجه پیشنهاد شده بود بمضمون ذیل قرائت نمودند

کمیسیون بودجه در مراسله ۱۰۱۷۸ ریاست محترم وزراء عظام راراجع بدرخواست پانزده‌هزار ریال خرج مسافرت آقایان مهاجرین گیلان تحت بحث درآورده ماده ذیل راپیشنهاد مینماید

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب مینماید که برای معاودت باوطان خوداز طرف دولت مبلغ ۱۵ هزار تومان قرض بآقایان مهاجرین گیلانی با مراعات شرایط تصویبنامه ۸۹۵۷ مورخه ۲۸ عقرب پیچی ئیل درشرایط ذیل تأدیه گردد

۱ - اخذ ضامن معتبر

ب - موعد پرداخت این قرض یکسال از تاریخ استقرار حکومت در رشت باقساط هشته متساویه در ظرف ۶ ماه است

ت - تقسیم این وجه بین آقایان مهاجرین گیلان باطلاع یک هیئتی خواهد بود که جزو مهاجرین از بین خود انتخاب خواهند نمود

سردار معظم - فقط یک عبارت که در کمیسیون تصویب شده و در راپورت از قلم افتاده و باید ضمیمه شود اینست که مجلس شورای ملی تصویب مینماید برای معاودت مهاجرین گیلان باوطان خودشان مبلغ ۱۵ هزار تومان بعنوان قرض بآنها داده شود

رئیس - آقای فهیم‌الملک مخالفید ؟

فهیم‌الملک - اگر ممکن است تصویب‌نامه را قرائت بفرمائید

رئیس - خطاب به آقای سردار معظم تصویبنامه اگر حاضر است قرائت بفرمائید و الا مذاکرش را بفرمائید

سردار معظم - مذاکرش در واقع این است که بکقدری رابع بمطالب آن راجع بضمانت های لازمه وتأدیه اقساط و بالاخره مسائلی که در استقراض وجه لازم میشود والا مطلب دیگری ندارد .

رئیس - آقای فهیم‌الملک (اجازه)

فهیم‌الملک — چون سابق راجع به تصویبنامه شرحی شنیده میشد که یک مبلغ معین تصویب کرده بودند که در یک مدت معین بآقایان گیلانیها بعنوان استقراض داده شود حالا میخواستم به‌بینم که این وجه ۱۵ هزار تومان از آن مبلغ است یا علاوه بر آن مبلغ است یکی دیگرهم راجع بشرایط تصویب نامه بوده که می خواهم سئوال کنم شرایط تصویبنامه را که ضمناً در اینجا ذکر کرده‌اند آیا آن شرایط رعایت میشود یا فقط شرایطی که در اینجا ذکر کرده‌اند که برای تأدیهٔ اقساط و مدت تأدیه است

سردار معظم - اقساط و مدت تأدیه آنچه که در تصویبنامه بیان شده همان است که در راپورت ذکر شده واگر شرائط قرضه دیگر هم در آن تصویب‌نامه هست که در راپورت ذکر نشده بهمین جهت در راپورت کمیسیون اشاره به شرایط تصویب نامه شده که آن شرایط محفوظ بماند .

رئیس - آقای سدیدالملک موافقید یا مخالف؟

سدیدالملک - یک عرضی داشتم راجع براپورت میخواستم عرض کنم که . .

رئیس — موافقید یا مخالف؟

سدیدالملک — موافقم

رئیس — پس بعد از یک مخالف بفرمائید آقای حاج شیخ اسدالله موافقید؟

حاج شیخ اسدالله — بلی موافقم

رئیس — آقای مستشارالسلطنه موافقید؟

مستشارالسلطنه — بنده مخالف بودم با ایرادی که آقای فهیم‌الملک فرمودند . .

رئیس — پس موافقید؟

مستشارالسلطنه — بلی موافقم

رئیس — آقای سدیدالملک (اجازه نطق)

سدیدالملک — بنده میخواستم عرض کنم که این وجه بچه اشخاصی داده میشود وعلاوه بر این آقای سردار معظم فرمودند بعنوان معاودت بمهاجرین داده میشود باید دولت در نظر داشته باشد که اگر معاوت نکردند چه خواهند کرد آیا یک نظریاتی در اینمورد اتخاذ میکنند که آنها باوطان خودشان مراجعه کنند یا خیر؟

رئیس — آقای وزیر مالیه تشریف دارند جواب می دهند

وزیر مالیه — بنده تصور میکنم که باید این پول را در موقعی که میخواهند حرکت کنند بآنها بدهند تا مطمئن شد که میروند

سردار معظم - بعقیده بنده برای اینکه مطلب روشن وواضح بشود مجبورم عین مراسله که از طرف دولت نوشته شده بخوانم تا مطلب واضح شود

(مراسله آقای رئیس الوزراء را

که در اینموضوع نوشته شده بود

بمضمون زیر قرائت نمودند

ریاست محترم مجلس مقدس شورای ملی دام بقائه

پس از انقلاب گیلان ومتواری شدن اهالی و مهاجرت آنها بطهران علاوه بر اینکه از وجوه اعانه ادارات مرکزی وولایات نسبت بفقرای مهاجرین از هر گونه مساعدت دریغ نشد چون متمولین و ملاکین آن جا بواسطه دوری ازعلاقه وتفریط دارائی در طهران با حالت اسفناکی زیست می نمودند در کابینه آقای سپهدار اعظم برحسب تصویبنامه مورخه ۲۸ عقرب پیچی ئیل که مواد آن بنمره ۱ تقدیم می‌شود تصویب نمودند که از وزارت مالیه تا مدت ششماه ماهی سی هزار تومان بعنوان قرض مطابق صورتیکه در هیئت وزراء عظام تصویب وبوزارت مالیه ابلاغ شده بافراد مهاجرین پرداخته قبض ذمه با تضمینات لازمه که وزارت مالیه ترتیب آن را خواهد داد از آنها دریافت دارند که ازقرار صدی دوازده فرع علاوه بدهند و موعد پرداخت وجه استقراض یکسال پس ازرفع غائله گیلان باقساط سته در اول هر ماهی باشد وزارت مالیه برای تضمین استقراض ملاکین ورقه ضمانت نامه از معتبرین و متمولین گیلان ترتیب داده ومعادل دویست وهشتاد هزار تومان استقراض دولت را ضمانت نموده‌اند که بشرح تصویب نامه در موعد خود هر کدام بهر مبلغی که ضمانت وجهی را نموده ملتزم باداء آن باشند در مقابل این تصویب نامه وضمانت تقریباً ماهی سی هزار تومان در چهارماه قوس وجدی ودلو تمام و در حوت پیچی ئیل قسمتی از سی هزار تومان باهالی قرض خواه گیلان پرداخته شده - درکابینه سابق نیز بموجب تصویب نامه ۱۴۵۴ مورخه ۲۵ حمل ۱۳۰۰ که سواد آن بنمره ۲ ضمیمه است برای رعایت ملاکین فوق الذکر مبلغ شصت هزار تومان تصویب شد که از بانک شاهنشاهی استقراض بمهاجرین گیلانی داده شده ودر عوض املاک آنها رهن گرفته شود که در انقضای مدت اگر دین خودرا نپرداختند املاک آن ها ضبط شود در اجرای این تصویب نامه بواسطه حاضر نشدن بانک باداء تمام وجهٔ استقراض فقط پانزده هزار و چهار صد تومان در برج ثور بشرایطی که در تصویب نامه ذکر شده نبوده پرداخته شد وبقیه تأدیه نگردید برای اینکه مشارالیهم بتوانند باوطان خود مراجعت کنند اخیراً در برج سرطان بوزارت بامالیه اجازه داده شود که پانزده هزار تومان دیگر باشرایط تصویب نامه ۱۴۵۴ علاوه بر قرضه‌های سابق درمقابل این املاک آنها بملاکین مشارالیهم پرداخته شود - نظر باینکه هنوز قسمتی ازحضرات علماء و ملاکین گیلان نتوانسته‌اند باوطان خود معاودت نمایند وقادر برخرج مسافرت نیستند وبعلاوه اقامت آنها در مرکز انداختن وسایل اعاشه جز زحمت ومشقت برای خودشان وبالنتیجه برای دولت نتیجه ندارد

دولت مقتضی میداند پانزده هزار تومان دیگر باشرایط فوق به آقایان قرض داده شود مراتب را اطلاعاً اشعار داشت که در صورت تصویب مجلس مقدس شورای ملی قرار پرداخت آن داده شود این قسمت اخیر همان پانزده هزار تومانی است که از طرف دولت تقاضا شده به گیلانیها داده شود وتصور میکنم که مطلب پس از قرائت مراسله آقای رئیس‌الوزراء روشن شد در کابینه سپهدار قرار گذارده بودند که ماهی سی هزار تومان بعنوان قرض در مقابل وثائقی که از ملاکین رشت دریافت میشود بمهاجرین داده شود حالا طرز تقسیم این سی هزار تومان خوب بود وبایه بود وآیا واقعاً باشخاص مستحق داده شده است یانه از موضوع کلام ما خارج است سه ماه تمام این پول تأدیه شده درماه چهارم گویا پانزده هزار تومان تأدیه شده که بالاخره دراین چهار ماه چندین هزار تومان تأدیه شده پس از سقوط کابینه سپهدار و استقرار حکومت سپهبد ضیاء بازهم مهاجرین گیلانی که پریشان بودند متوسل بدولت شدند ونصف مبلغی که در کابینه سپهدار تصویب شده بود تصویب شد یعنی قرارشد چهارماه - هرماه پانزده هزار تومان بآنها پرداخته شود باز باهمان شرایطی که قبلا شده بود وقبوضاتی وزارت مالیه تهیه کرده بود که درمقابل وجهی که مهاجرین گیلانی میگیرند املاک آنها وبالاخره دارائی آنها درمقابل آن وجوه پس از سقوط کابینه سید ضیاء بازهم البته ضبط شود پس از سقوط کابینه سید ضیاء بازهم مهاجرین گیلانی که درطهران بودند وبواسطه اوضاع رشت هیچ نوع دست رسی بعلاقجات خودواملاک خود نداشتند ونمیتوانستند امرار معیشت در طهران بنمایند وزندگانی خود را تأمین نمایند خصوصاً با کسادی بازار تجارت وباهی پولی عمومی بازهم متوسل بدولت شدند ازطرف دولت هم پیشنهاد شده پانزده هزار تومان بعنوان قرض به گیلانیها داده شود حالا اسم آن پول را هرچه بخواهید بگذارید خرج سفر یا خرج معاودت ولی حقیقت امر این است مادام که دولت موفق برفع غائله گیلان نشود مادام که دولت امنیت کامل گیلان را مستقر ننماید ومادامیکه دولت دست اشرار را از سراین اشخاص صلح وسلامت طلب کوتاه نکند گیلانیها قهراً نمیتوانند باوطان خود مراجعت نمایند (صحیح است)

چون این قسمت اهالی بدبخت مملکت ما بواسطه میل خودشان باینجا نیامده‌اند بلکه وقایع و حوادث دست آنها را از خانه و زندگانی خودشان کوتاه کرده است والبته ما مکلف هستیم که دست برادری را بطرف آنها دراز کنیم (صحیح است)

واز آنها نگاهداری نمائیم والاخره زندگانی آنها را تأمین نمائیم البته درمیان گیلانیها اشخاصی هستند که شاید ازسی هزار تومان سابق استفاده میکردند در صورتیکه هیچ نوع استحقاقی نداشتند لهذا تصور میکنم از نقطه نظر تقسیم وجوه هم باید نهایت موافقت بشود بالاخره این پول باید بآن گیلانی هائی داده شود که اعتبار دارند ولی دسترسی از تهران بعلاقجات خودشان ندارند ومستقیماً باید بآنها کمک کرد که لااقل زندگانی ساده آنها تأمین شود و مجلس شورای ملی باید بآنها رعایت کند وبااینکه خود گیلانیها یک صورتی تهیه کرده بودند ولی ما مراجعه بآن صورت را در کمیسیون لازم ندیدیم ومطابق پیشنهاد دولت اساس پانزده هزارتون را تصویب کردیم برای اینکه در تقسیم اینوجه اعمال غرض نشود ومثل سابق یک قسمت ازاین وجه باشخاصی که هیچ نوع استحقاق دریافت آنرا ندارند نرسد وملاحظه کردیم که خود مهاجرین گیلانی ازدرجه استحقاق همدیگر بهتر مطلع هستند لهذا چنین قرار شد که مهاجرین یک هیئتی از میان خود انتخاب نمایند تا پس از آنکه تأدیه این مبلغ تصویب شد آن هیئت این وجه را در بین خود تقسیم نمایند باین ملاحظه است که ماده واحده از طرف کمیسیون بودجه تصویب شد اگرچه با موفقیاتی که در دولتی حاصل کرده است با فتوحات و ورود قشون دولتی برشت امید میرود که مهاجرین گیلانی محتاج بدرخواست مجدد نشوند ومراجعت باوطان خودشان موفق بشوند چون عرض کردم مهاجرین گیلان ازروی میل ورغبت درطهران نمانده اند ودرحقیقت از ماندن خودشان درطهران متزجر هستند وهیچ آرزوئی ندارند جز اینکه وسائل مراجعت باوطانشان فراهم آمده هر چه زودتر معاودت کنند زیرا همین اشخاصی که آنجا

می‌بینید فعلا نهایت درجه استحقاق را دارند و نهایت درجه مستأصل هستند درمحل خودشان خیلی دولتمند وغنی هستند ودر میان آنها یافت میشوند شخاصی که دارای سیصدهزار چهارصد هزاروپانصد هزار تومان تمول هستند زیرا دست رسی باوطان بود ندارند حالا اگر اتفاقاًوبر فرض محال وسایل معاودت گیلانیها به گیلان فراهم نشد یعنی بآن زودی که ما امیدوار و منتظر هستیم درگیلان امنیت ونظم استقرار پیدانکرد حتماً مجلس شورای ملی باید بداند که دربرج‌دیگر هم ز یك همچه مساعدتی باید بمهاجرین گیلانی بکند زیرامجلس‌و هیئت دولت مرکزی وسایل مراجعت آنها را آماده نکرده است‌لهذا باید همان مجلس و همان دولت مرکزی دست کمك ومساعدت‌را بطرف آنها دراز نماید این مطلب هم لازم است گفته شود اینکه آقای‌وزیرمالیه فرمودند این‌مبلغ خرج‌مسافرت آنها است و باید درموقع حرکت بآنها داده شود اینطور نیست این خرج یومیه آنها است و باید گذران نمایند

رئیس — آقای سدیدالملك قانع شدید

سدیدالملك - بلی

رئیس - آقای مستشارالسلطنه موافقید؟

مستشارالسلطنه — بابیانات آقای سردار معظم موافقم

رئیس - آقای حاج شیخ‌اسدالله

حاج‌شیخ اسدالله — بنده موافقم

رئیس — آقای آقاسید فاضل موافقید؟

آقا سید فاضل — بلی‌بنده‌هم کمال‌موافقت را دارم .

رئیس - پس دیگر مخالفی نیست ؟رأی میگیریم بماده‌واحده کمیسیون آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید و آقایانی که رد می کنندورقه کبود خواهند داد

« دراینموقع اخذ آراء بعمل آمدة و آقای سهام‌السلطان‌شروع » « باستخراج‌آراء نموده‌نتیجه باین ترتیب حاصل گردید »

« عده حاضر در جلسه ۶۸ نفر — ورقه سفید علامت قبول ۵۹ » « ورقه آبی علامت رد ۱ امتناع ۸

اسامی قبول کنندگان

آقایان : حائری‌زاده ، آصف‌الممالك ، حاج امین‌التجار ، سلیمان‌میرزا ، میرزا طاهر تنکابنی ، منتصرالملك ، مستشارالسلطنه ، آقاسیدمحمدتدین ، رکن‌الملك ،غضنفرخان ، صدر الاسلام ابهری ، آقا سید حسن مدرس ، رئیس‌التجار ، سردار معظم کردستانی ، شریعتمدار ، آقاشیخ ابراهیم‌زنجانی میرزاعلی کازرونی .ملك‌الشعراء ، رفعت‌الدوله،میرزا هاشم آشتیانی، امین‌الشریعه ، سلطان‌العلماء ،احتشام الدوله ، آقاسید حسن کاشانی ، شیخ‌الاسلام‌لاریی مشیرالدوله ، و قارالملك ، میرزا ابراهیم قمی، عدل السلطنه،خلیل‌الملك ، فهیم‌الملك ، سردارمفخم سدید الملك، اقبال‌السلطان، آقا سید فاضل‌کاشانی، منتصر الدوله، حاج نصیرالسلطنه، میرزا محمد نجات، عمید الممالك ، آقا سید یعقوب ، حاج میرزا مرتضی ، عمادالسلطنه خراسانی، عمادالسلطنه طباطبائی ، حاج شیخ اسدالله، حاج میرزا اسدالله خان، آقا سیدکاظم آقاشیخ محمد جواد، محمد هاشم میرزا، سردارمعظم خراسانی، سهام‌السلطان ، دکتر لقمان ، امیر ناصر ، نصیردیوان، مؤتمن‌السلطنه، بیان‌الدوله، شیخ‌العراقین زاده، حاج مقبل‌السلطنه، میرزا ابراهیم‌خان، شاهزاده نصرت الدوله .

رد کننده آقای حکیم‌الملك

رئیس- راپورت کمیسیون‌تصویب‌شده‌مذاکرات در ماده چهارم پروگرام در جلسه قبل ختم نشده‌بود بعضی از آقایانهم اجازه خواسته بودند - آقای آقا سید فاضل (اجازه نطق) آقا سید فاضل- ماده‌چهارم مشتمل برچندین جمله است وبنده در دوفقره که یکی حذف و تقلیل مخارج دیگری تکثیر عایدات باشد نظریه داشتم و خواستم خاطر نشان کنم البته هیئت محترم دولت ازوضعیت فقر عمومی بخوبی مستحضرند خصوصاً که موجبات فقرعمومی بواسطهٔ جنك بین‌المللی و اخیراً بواسطهٔ کسادی وسد ابواب تجارت خیلی فوق‌العاده شده است وچون بنده این عبارت تکثیر عایدات را ولو اینکه بعضی آقایان محملهای‌دیگری برای او پیدا کردند ولی بنده این عبارت را تقریباً وضع مالیات جدید میدانم وبا این وضعیت فقر ملت قبل ازاینکه دولت جمع وخرج را تعدیل نمایدوقبل از حذف ادارات لاطائل که ابداً ثمری ندارد و در نظر خود دولت هم فائده ندارد بنده معتقد نیستم که مالیات جدیدی برملت تحمیل نمایند اگرچه معلوم است من لهالنعم ضعیفه‌الزم- کسی که غنیمت براست غرابت کش هم هست واضح است ملت باید غرامت مخارج دولت را بدهد لیکن این درصورتی است که از این فقر وفاقه عمومی نجات میبابد امیدوارم در ترکیب ماده سوم که تکثیر عایدات وفوائد عامه‌باشد فقر وفاقه عمومی رفع شود آنوقت اگردولت صلاح بداند وضع و تحمیل مالیات جدیدی بکند والا بنده درسهم خودم عقیده ندارم به‌تحمیل یك مالیات‌جدیدی این یك فقره که راجع به تکثیر عایدات بوده وچون بنده‌این مواد پروگرام را بعقیدهٔ خودم وهم ونهم فرض‌میکنم بمداز مادهٔ اول که راجع بسیاست خارجی است این دومواده را خیلی اهمیت میدهم که‌یکی‌راجع بقشون باشد که بحد کفایت مذاکرات درآن موضوع شدو دیگر ماده راجع بمالیه چون بعد از این ماده ماده نخواهد بود که جلب معلم ومتخصص‌را ازخارجه لازم داشته باشد خواستم‌خاطرنشان کنم که بنده کمال موافقت را باجلب متخصص چه‌از برای‌حقوق چه از برای فوائد عامه چه از برای مالیه‌دارم و هیچ مضر نمیدانم مسلم است همه کس علی‌الطبعه همه چیز را نمیداند وهیچ نقصی برای ملت ایران نیست که در بعضی ازفنون برای‌تعلیم متخصصین از خارجه بیاورد ولیکن باید خیلی مفید شد که آنها در حدود معلمی و در حدود اینکه کار یاد بدهند در یك مدت خیلی محدودی‌بآن ترتیب که فعال‌مایشاء وحاکم‌علی‌الاطلاق نباشند آنها را استخدام مکرد امیدوارم که آنطور نخواهد شد فقط محض تذکار عرض کردم که درجلب متخصصین ومعلمین موافقم لیکن مشروط براینکه درحدود معلمی وکارباد دادن باشند .

رئیس- آقای فهیم‌الملك (اجازه نطق)

فهیم‌الملك یکی ازمواد پروگرام که حقیقتاً حائز اهمیت است همین ماده است و باید تصدیق کرد که ازبرای اجرای این ماده هیئت دولت‌مصارف بایك مشکلاتی هم خواهند شد زیرا تمام فقراتی که دراین ماده هست ازقبیل تعدیل بودجه تقلیل مخارج اضافی مخصوصاً وصول بقایا وغیره دولت را بایك مشکلاتی‌مقابل‌خواهدنمود‌در موادی که حتما موافقت و کمك مجلس شورای ملی از برای پیشرفت امور لازم است همین ماده است که دولت برای اصلاح‌این امر محتاج بکمك های مجلس خواهد بود زیرا علاوه براینکه مسئله مالیه یکی از وظائف مخصوصه‌مجلس است دولت هم برای اصلاح این امر محتاج بکمك های واقعی مجلس خواهد بود وحقیقتاً وضع مالیه‌را قیاس مفید است زیرا می‌بینم دولت دارای یك‌بودجه که جمع و خرج را کاملا تعدیل نماید نیست البته هر کاسب وهرتاجر وهرخانزاده که میزان دخل وخرج خودش را ندانند محکوم بورشکستگی خواهند شد دولت هم در موضوع مالیه همین حالت را دارد و تا امروز پس‌از پانزده سال مشروطیت که موفق به تهیه بودجه که جمع وخرج دولت درآن معین باشد نشود کارها اصلاح نخواهدشد باید گفت تااندازهٔ هم تقصیر باخود ماها بوده یعنی ترتیب محیط اینطور بوده و اینطور پیش‌آمد کرده بود زیرا سابق براین‌هروقتی خرجی‌ازبرای دولت میخواستند تصویب نمایند‌اساس داشت (قبل‌ازمشروطیت را عرض می کنم) هرخرجی پیش می آمد وزارتخانهٔ مربوطه مراتب را بمقام صدارت پیشنهاد می کرد وصدارت بعرض شاه‌میرسانید هرقدر که لازم بود باید محلی برای آن تعیین‌نمایند وتعیین محل یکی از چیزهائی بوده که وقتی پادشاه که رئیس مملکت و تمام اختیارات بعهدهٔ او بوده برای اولاد خودش هم اگر میخواست تعیین مواجب بکند بدون تعیین محل غائب متوفی ممکن نبود و بهمین ملاحظه بود که دوعرض چندین سال جمع و خرج را در حال موازنه نگاهداشته بودند پس از مشروطیت این ترتیبات سابق را بعنوان اصول کهنه ودراز نویس قبل‌از آنکه اصول صحیحی قائم مقام آن بکنند ازمیان بردند دیگر تصویب مخارج مفید بهیچ اصولی نشده اینقدر لازم بود یك اشخاصی تقاضا بکنند و یکقدری اصرار وتوصیه ویا بالاخره بشب‌نامه و روزنامه یك‌مخارجی را بتصویب برسانند یعنی هیئت دولت ووزراء آن خرج را تصویب‌بکنند وهیچ اهمیت ندادند که آیا محلی برای پرداخت آنوجه هست یانیست یکی دیگر ازچیزهائیکه خرج ودخل را ازموازنه خارج کرد که تا امروز هم‌موفق

بموازنه واصلاح آن نشده اند اینست که اساس خرج یك ترتیب متین ومحکمی نداشت همینقدر مخارجی لازم بود از تصویب میگذشت در صورتی که قبل از مشروطیت که ادارات دارای تشکیلات نبوده و هروزیری که با یکدسته اجزاء وکس وکار خودش وارد میشد ابداً حقوقی ومقرری نداشتند و بعایدات اتفاقی ودخل میپایستی زندگانی کنند و امرار معاش نمایند بعداز تغییر کردن وزیر وزیر جدید همینطور بایکدسته دیگر می آمدند و میرفتند مراجعه بدوسیه های سابق وزارتخانه‌ها ثابت خواهد کرد که‌چگونه مواجب و مقرری در بودجه ها باسم وزارتخانه نبوده واگر چیزهائی بوده فقط صورت‌سازی وبرای‌مخارج اشخاص بوده حتی مخارج قشونی ازمحل مواجب و مستمری بوده مخارج واقعی‌قشون نبوده بهمین‌واسطه هم اگریك‌یادوسال‌پول‌باداره‌نمیرسید تعطیلی‌واقع نمیشد اتفاقی رخ نمیکرد یا اگر اتفاقی رخ می کرد کسی را متأثر نمی‌ساخت در ابتداء مشروطیت اولا متوجه بمسئولیت‌کار شدند و بخاطر ها رسید که برای انجام این‌عقیده باید متوسل‌بتوسعه ادارات وتشکیلات‌اداری جدید شد لیکن متأسفانه در همانوقت هم احتیاجات اصلح را بمد نظرنیاوردند که برای انجام وظائف محوله بهرادارهٔ چه تشکیلاتی لازم است فقط بعضی ازنظام‌های خارجی راسرمشق قراردادند وتشکیلاتی که درآن نظامنامه بود عیناً ازروی‌آن رفتار کردند عدهٔ ارباب رجوع هم زیاد والبته بازهم زیادتر میشد ازآنوقت هم بنا شد که مقرری وحقوق دارا بشوند عدهٔ داوطلب برای خدمت هم روز بروز زیاد میشد تشکیلاتیکه ازنظامنامه بود تشکیل میشد بعد یك ادارات دیگری بیك عناوین جدیدی برای دخول اشخاص تأسیس‌مینمودند وبالاخره اگرهیچ کاری‌پیدا نمیکردند بعنوان مفتش اجراء زیاد میکردند چون دیگرمایه نداشت حالاملاحظه بفرمائید موضوع‌خرج باین شکل که مبنی برهیچ‌اساسی نبود وتصویب‌خرج هم بطوریکه دربودجه ها منظوربود درمقابل‌عایدات آن معلوم نبود ومخارج مفید بهیچ شرطی‌نبودبدیهی است قهراً درهیچو بودجهٔ که درمقابل‌مخارج عایدات تعیین نباشدموازنه پیدا نمیشود .

ازسال ۱۹۰۰ دولت شروع کرد بقرضهائی‌که برای کسربودجه این قرض متدرجاً ادامه پیدا کرد هرسال یکقرض خارجی بمملکت تحمیل شد و ضمناً متوسل‌بتکثیر عایدات هم‌شدند قبض مالیاتها ازقبیل فروش - تحدید - دخانیات - باندرل و غیره وضع کردند وضع این مالیاتها هم درابتدا بازدرروی یك اساس صحیحی گذارده شده که اداره بشود هرچند که اروپائیها مداخله داشتند صورت اداری داشت وقتی که ازدست آنها خارج میشد باجاره واگذار میشدو باوجوداینکه‌اجاره‌مناقی‌منافع‌مملکت است‌معهذا باجاره داده میشدوتا امروزهیچیك ازاین عایدات بآنطوری که تخمیناً پیش بینی شده بود نتوانسته اند وصول کنند ومیزان هیچکدام دردست نیست سابقاً هم که مالیات ارضی بود بدیهی است وقتیکه مخارج بدون قید وشرط داشتن عایدات تصویب شود توجهی بآن مالیاتها نمیشود درقدیم یك صورت جزوجمعی بود که ابوابجمع حکامی‌شد وتا مدتیکه‌آن مالیات‌ابوابجمع حکام شود درهرسال معین بعنوان تفاوت عمل‌از آنها گرفته میشد ولی اینصورت جزوجمع ناقصی هم‌ازبین رفت بنده دوسال ونیم که خزانه دار بودم هیچ صورت جزوجمع ندیدم واگرمأمورین مالیه عایداتی تحویل میدادند بایستی ازآنها تشکرنمود یعنی یك سندی دربین نبودند که معلوم شود ابوابجمع آنها وضعیت‌و صورت‌عایدی‌آنها ازروی‌چه میزان است‌بلکه‌میبایستی خزانه منتظرباشد هرچه آنها دادند آنها را وجود بازیافتی بدهند دراینصورت‌موفق نشدند که صورت‌جزو جمعی برای آنها تهیه نمایند بعلاوه وضع تشکیلات شکل دیگری شد که درمراحل اولیه بصورت‌اداری کتابچه دفتروغیره‌داشت ولی درمراحل‌ثانی‌هیچ‌ترتیب صحیحی نداشت .

البته‌آنها بایکدیگر وفق نمی‌دهد بهمین‌ملاحظه بعوّدیان مالیاتی فرق اسناد تحمیل نمیشددرصورتیکه بدولت چیزی عاید نمیشد و در خزانه چیزی وارد نمیشد منافع وعایدی دولت اینقدر که می گویند کم است کم نیست سال قوی ئیل بالنسبه دراین‌چندسال اخیر بهترین سالها بود قدری امنیت درولایات بودو عایدات خوب وصول شد بودجهٔ آنسال تقریباً ٤٤ کرورشد وازاین مقدار تقریباً هفت هشت کرور از وجوهی بود که دولت انگلیس کمك خرج داده بود باقی ازمحلهای دولت پرداخته میشد با وجود آنکه تبریز که میبایستی سه‌چهار کرورعایدات‌بدهد بواسطه اینکه درحال اغتشاش بود فریب یانصد ششصدهزار تومانهم ازمرند پول بآنجا داده شد گیلان که مطابق جمع حساب باید ششصد هفتصد هزار تومان عایدات داشته باشد نداشت وبرای آنجاهم مبلغی خرج شد معهذا سی وچهارپنج کرورعایدات دولت بودوخرج شد درهرسال بنده اقدام کردم که صورت جمع‌وخرج مملکت طبع وتوزیع شود وششماهه آن حاضرشد و ششماه قانونی‌هم نزدیك بودبشود که دیگربنده‌موفق بانجام آن نشدم و اخیراً از آقای رئیس الوزراء خواهش نمودم که‌شرحی بوزارت مالیه مرقوم‌بفرمایند که بقیه آن حساب را طبع نمایند تقریباً در برج اسد هذه‌السنه بود و تا بحال که دوماه گذشته‌است متأسفانه هنوز اقدامی نکرده اند و از قراریکه شنیده ام دستخط ایشان هنوز در جریانست امیدوارم آقای‌وزیر مالیه‌توجهی بفرمایند که‌آنصورت زودتر طبع شود بطوریکه در مقدمه عرض شد در آنصورت مقدارخرج هست و عایداتی هم که دولت توانسته است‌وصول‌نماید در آنجا هست البته‌اینصورت یك‌توضیحاتی خواهدداد آقایانرا متوجه خواهد کرد که عایداتیکه ممکن بوده است وصول بشودچه بوده درحالیکه مالیات دخانیات هم که در سنه‌پیچی‌تأسیس شده‌درآن‌سال نبوده‌است‌بنابراین میتوانم امیدوارباشم که دولت بااین مخارج گزافی که امروزه دارد موفق بدریافت عایدات خودش بشود و اگر بخواهد بعض اشکالات رارفع میکنند باید آن توقعاتیکه ازطرف بعض اشخاص دربین هست هر ساعت توقعاتی برای کسر مالیات‌های خودشان بکنند و استنکاف ازدادن مینمایند باید آنها را رفع کنند و اهمیتی ندهند‌البته باین ترتیب‌ما باین اندازه کسر بودجه نخواهیم‌داشت وآنوقت‌این حال فقرو فلاکت که تصور میشوداز بین خواهد رفت واینقدردرمضیقه نخواهیم بود اصل‌مقصود بطوریکه آقای سردار معظم اشاره فرمودند تفریط است ولی جلوگیری ازتفریط منحصر بهمان‌مجازات نیست یك قسمت آن مربوط به‌نبودن مجازات است ویك قسمت‌عمده‌آن این‌است که حساب درکار نیست‌البته اگر دولت بخواهد ازهرمؤدی‌مالیاتی بدهی‌مسلم او را بگیرد ودرمرکز ادارات ثابت‌ومعینی‌تشکیل بدهد البته اوهم باید مطمئن باشد که آنچه بدولت میدهد درتحت یك دستور عمومی‌میدهد نه‌اینکه‌یك‌اشخاصی برای اعمال نفوذ ودارا بودن مقام عالی از دادن مالیات استنکاف مینمایند وبیچارگان دیگر بار آنها را بدوش می گیرند وباید عهده دار مالیات آنها هم بشوند مسئله دیگربراکه‌دراین ماده پیشنهاد کرده‌اند وخیلی‌اهمیت دارد همان مسئله تعدیل است ولی این مسئله‌هم یك اشکال دیگری دارد چون مالیات‌ارضی ومالیات مستقیم باید درمملکت باید ازروی یك‌اساس معینی‌باشد که‌هم‌زحمت‌دولت‌وهم‌زحمت‌مالیات دهندگان وهم‌زحمت‌مأمورین کم‌بشود‌مثلامالیاتهادربعض‌جاها‌عشر دوخمس‌است‌دربعضی‌جاها‌عشر از کل‌است‌دربعضی جاها عشر ازثلث‌است‌درهرجایك‌شکل‌است‌مسئله‌دیگری که‌بیشتر اسباب زحمت‌است مالیات خالصجات‌انتقالی است که یك قسمت عمده مالیات دیوانی است که آنها هم‌جمع دیوانی سابق را باید بدهند وهم مالیات و هر کدام یك توقعات بیجائی دارند زیرا درآن عصر که‌آنها مالیات میدادند یك‌مساعدتهائی برای آنها منظور میشده است که امروزممکن نیست مثلا تیول‌داشته‌اند شخصیت‌داشته‌اند و امروزالحق نمی‌توانند بدهند

از ابتدای تغییر هرکابینه صفحات روزنامه پر میشود که آقای وزیری برای وصول بقایا تلگرفات کردندوچنین‌وچنان کردندولی‌وقتی که‌آقای‌وزیرمعزول میشوندمی‌بینیم یکمقدار ارقام دیگرهم بربقایای‌سابق افزوده میشود و هیچ نتیجهٔ ازآنها گرفته‌نمیشود زیرا دولت اساس وصول مالیاتش بهیچ پایه گذاشته نشده در بعضی مراحل صورت جدیده و در مراحل دیگر صورت قدیم داردپس باید‌برای وصول بقایاتصمیمی بگیرند که نقل شدن از دفاتر سال گذشته بسال‌دیگر موقوف بشود یك قسمت از بقایا را مؤدیان مالیاتی اصلا استنکاف‌می‌نمایند‌بواسطه دعاوی که دارند وبا بعض بخارج تراشیده اند ومالیات نداده اند و این اشخاص همه سال بعنوان‌اینکه حساب مالیات سال گذشته‌ماختم نشده است‌مالیات این‌سال‌راهم نمیدهند و بالاخره دولت‌باید باآنها کاررا تمام کند وتکلیف آنها را ازحالا ببعد معین کنند بعلاوه یکعده‌املاکی است که جدیدالتأسیس‌است ولی درثبت دیوانی‌نیست ویکعده املاکی هست که خراب شده وآنها همان مالیات سابق را می‌دهند پس مسئله که اهمیت دارد قانون ممیزی است و وزارت مالیه باید یك همچو قانونی را تهیه کرده زودتر بمجلس بدهند تا بتوان برای مالیات صورت خروج صحیحی تهیه نموده